



مجموعه متون فارسی

زیر نظر

احسان یارشاطر

سلسله نوه شماره ۱

# شاهنامه

## طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

\*\*\*

بتصحیح: جلال خالقی مطلق  
حروف چینی: اورینت اسکرپت (لندن)

ناشر: Bibliotheca Persica

پخش کننده: The State of New York University Press

محل نشر: نیویورک

بکوشش: احسان یارشاطر

\*\*\*

همه حقوق محفوظ

ابوالقاسم فردوسی  
شاهنامه

بگوشش :

جلال خالقی مطلق

بامقدمه

احسان یارشاطر

دفترتکم





## فهرست مطالب دفتر یکم

یازده	مقدمه : احسان یارشاطر
نوزده	پیشگفتار : جلال خالقی مطلق
سی و سه	دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

## دیباچه

۴	گفتار اندر ستایش خرد
۵	گفتار اندر وصف آفرینش عالم
۷	گفتار اندر آفرینش مردم
۸	گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه
۹	گفتار اندر ستایش پیغمبر
۱۱	گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه
۱۲	گفتار اندر داستان ابو منصور دقیقی
۱۳	گفتار اندر داستان دوست مهر بان
۱۴	گفتار اندر ستایش امیرك منصور
۱۵	گفتار اندر ستایش سلطان محمود

## گیومرت

۲۱ پادشاهی گیومرت سی سال بود

## هوشنگ

۲۹ پادشاهی هوشنگ چهل سال بود  
۳۰ [گفتار اندر نهادن جشن سده]

## طهمورت

۳۵ پادشاهی طهمورت سی سال بود

## جمشید

۴۱ پادشاهی جمشید هفتصد سال بود  
۴۵ گفتار اندر داستان مرداس

## ضحاک

۵۵ پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود  
۵۷ گفتار اندر خواب دیدن ضحاک  
۶۲ گفتار اندر زادن آفریدون از مادر

- ۶۶ گفتار اندر داستان کاوه‌ی آهنگر باضحاک تازی  
 ۷۱ گفتار اندر رفتن آفریدون به جنگ ضحاک

## فریدون

- ۸۹ پادشاهی فریدون پانصدسال بود  
 ۱۰۳ گفتار اندر آزمون کردن شاه آفریدون پسران را به ناشناس  
 ۱۰۶ گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران  
 ۱۱۶ گفتار اندر نامه فرستادن شاه فریدون به سلم و تور  
 ۱۲۵ گفتار اندر زادن منوچهر از مادر  
 ۱۳۶ گفتار اندر آمدن سلم و تور به جنگ آفریدون  
 ۱۴۳ گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون  
 ۱۵۳ گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون

## منوچهر

- ۱۶۱ پادشاهی منوچهر صد و بیست سال بود  
 ۱۶۴ گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن زال  
 ۱۶۸ گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان  
 ۲۰۵ گفتار اندر نامه نبشتن زال بنزدیک سام  
 ۲۲۱ گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب  
 ۲۲۶ گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال  
 ۲۳۱ گفتار اندر نامه فرستادن سام نریمان بنزدیک شاه منوچهر  
 ۲۴۴ گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از آمدن زال  
 ۲۴۷ گفتار اندر سخن پرسیدن موبدان از زال

- ۲۶۵ گفتار اندر زادن رستم از مادر به فیروزی  
 ۲۷۰ گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیک رستم  
 ۲۷۵ گفتار اندر اندر ز کردن منوچهر نوذرا  
 ۲۷۵ [کشتن رستم زال پیل سپید را]  
 ۲۷۷ [رفتن رستم به کوه سپند به خون خواستن نریمان]

## نوذر

- ۲۸۵ پادشاهی نوذر هفت سال بود  
 ۲۸۹ گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر  
 ۲۹۳ گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر  
 ۳۰۹ گفتار اندر داستان شماساس  
 ۳۱۶ گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین

## زوطهماسپ

- ۳۲۷ پادشاهی زوطهماسپ پنج سال بود  
 ۳۲۹ گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زوطهماسپ  
 ۳۲۹ [پادشاهی کرشاسپ زونه سال بود]  
 ۳۳۹ [رفتن رستم به البرز کوه بطلب کیقباد و آوردن او را]

## کیقباد

- ۳۴۵ پادشاهی کیقباد صد سال بود

## فهرست ها

۳۶۳

فهرست نام کسان

۳۷۱

فهرست نام جای ها

پیشگفتار به انگلیسی : احسان یارشاطر



## مقدمه

چاپ کنونی شاهنامه فردوسی که نتیجه همت بلند و پژوهش ممتد دوست دانشمند دکتر جلال خالقی مطلق است چاپی است علمی و تحقیقی. غرض از آن این است که متنی استوار از این اثر بلند پایه، هرچه درست‌تر و نزدیک‌تر به سخن اصلی فردوسی، در دسترس خواستاران قرار گیرد.

با وجود مقام والای شاهنامه در فرهنگ و ادب ایران و با وجود کوششهایی که از نخستین سالهای قرن نوزدهم مسیحی از طرف دانشمندان برای بدست دادن متن درستی از آن صورت گرفته این مقصود تا کنون برآورده نشده است. چه، متن شاهنامه در طی قرن‌ها در اثر عوامل گوناگون تغییر بسیار یافته است: کاتبان کم‌مایه یا بی‌دقت ابیات آنرا درست نخوانده و به غلط نسخه برداری کرده‌اند؛ ناسخانی که طبع شعری داشته‌اند هر جا دچار مشکلی شده یا در فهم بیتی درمانده‌اند از طبع خود یاری خواسته و در تألیف شرکت جسته‌اند؛ صاحبان و خوانندگان شاهنامه غالباً بر حسب ذوق زمان و یا سلیقه فردی به «اصلاح» سخن فردوسی پرداخته و در نسخه‌ها دست برده‌اند؛ گویندگان یا کاتبانی که اندیشه‌ای خلاف اعتقادات خود در متن یافته‌اند و یا سخن فردوسی را در تایید مطلوب خود کوتاه پنداشته‌اند به افزودن و کاستن ابیات پرداخته‌اند، چنانکه در دیباچه شاهنامه، جایی که فردوسی چند بیتی در ستایش مذهب خود گفته است، بنا بر تشخیص مصحح دانشمند «سراسر قطعه میدان ستیز قلمهای سنی و شیعی شده»<sup>۱</sup>؛ شاعرانی که فریفته سخن فردوسی بوده‌اند ابیات یا قطعاتی و حتی داستان‌هایی تمام به تقلید وی برای طبع آزمائی سروده سپس به پیروی از هوسای خام این ابیات یا قطعات را در شاهنامه داخل کرده‌اند، هم‌چنین تحوّل تدریجی زبان فارسی در کتابت شاهنامه مؤثر شده و کلمات و عبارات آشنا را جانشین عبارات و کلمات مهجور کرده است. از طرفی رواج شاهنامه در میان مردم فارسی زبان و سرزمین‌هایی که فرهنگ ایران در آنها نفوذ یافته، و هم‌چنین رسم از بر کردن ابیات شاهنامه به عنوان تمرینی در شعر و ادب نیز راه را برای تصرف در شاهنامه هموار نموده است. از اینرو تفاوت میان

---

۱- جلال خالقی مطلق- «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، ایران‌نامه، سوم، ۱، ۱۳۶۳، ص ۲۸.

دستنویس‌های شاهنامه و اضافه و نقصان در ابیات آنها بیش از آن است که در سایر آثار زبان فارسی دیده میشود، بطوری که در برخی از چاپهای شاهنامه شاید نتوان بیش از دوسوم ابیات را دقیقاً متعلق به فردوسی دانست.

بدبختانه از زمان خود فردوسی، و پس از آن هم تا بیش از دو یست سال، نسخه‌ای از شاهنامه در دست نیست و نسخه‌های کهن در آشوب ایام از میان رفته است. در نتیجه حتی قدیم‌ترین دستنویس‌های موجود شاهنامه نیز مشمول دگرگونی و افزایش و کاهش است. از اینرو کسی که به تصحیح و پاکسازی متن شاهنامه می‌پردازد کاری بس دشوار در پیش دارد. یک مشکل کار، چنانکه گذشت، وجود نداشتن نسخه‌ای نزدیک به زمان فردوسی و دگرگونی بسیار در نسخه‌های موجود است. مشکل دیگر، حجم کتاب است. اگر شاهنامه اثری کوتاه بود بصیرت در آن آسان‌تر دست میداد. مشکل دیگر فراوانی دستنویس‌های شاهنامه است که کار احاطه بر آنها را دشوار میکند<sup>۲</sup>. دشواری دیگر کهن بودن زبان شاهنامه و فقدان نسخه‌های اصیل از آثار قرن چهارم است تا ما را در حل مشکلات زبان یاری کند. همین دشواریها باعث شده که آراستن متن درستی از شاهنامه و پیراستن آن از افزوده‌ها و دگرگونیها تا کنون به تعویق افتاده، و این با وجود چند طبع انتقادی است که از شاهنامه انتشار یافته است.

اهتمام در چاپ شاهنامه نخست در سده نوزدهم در هندوستان آغاز شد که زبان و ادب فارسی هنوز در آن رواجی تمام داشت. در سالهای نخستین این قرن مَثیولامسدن<sup>۳</sup> از استادان زبان فارسی و عربی در هندوستان با کمک چند تن از ادبای هند به تهیه متنی از شاهنامه بر اساس مقابله چندین نسخه که کهن‌ترین آنها مورخ به سالهای ۸۲۱ و ۸۸۲ بود<sup>۴</sup> دست زد و در ۱۸۱۱ مسیحی (۱۱۹۰ خورشیدی) جلد اول از متن را با حروف سربی به خط نستعلیق منتشر کرد، ولی به سبب کوتاه شدن کمک مالی دولت هند به اتمام کار که در هشت جلد پیش بینی شده بود توفیق نیافت. پس از وی یکی از افسران دانشمند انگلیسی، به نام ترنر مگن<sup>۵</sup> دنباله کار لامسدن را گرفت و چاپ کامل شاهنامه را در چهار جلد، با مقدمه‌ای در آغاز و ابیات الحاقی و فهرستی از کلمات دشوار در پایان، با حروف سربی به خط نسخ در ۱۸۲۹ (۱۲۰۸ خورشیدی) منتشر ساخت. از آغاز شاهنامه تا آخر داستان رستم و سهراب در چاپ مگن اساساً همان است که لامسدن فراهم کرده بود و مگن آنرا

۲- بر حسب تخمین دکتر خالقی تنها از قرن هفتم تا آخر قرن دهم نزدیک به ۲۵۰ نسخه خطی در نقاط مختلف دنیا پراکنده است.

۳- Mathew Lumsden استاد Fort William College

۴- مقدمه، ص ۷، برای وصف نسخه‌های لامسدن ص ۳۷ «خاتمه‌الکتاب» طبع او و بعد دیده شود.

۵- Turner Macan مترجم فرمانده نیروی نظامی و عضوانجمن آسیائی بنگال.



با برخی اصلاحات جزئی در چاپ خود جای داد. بقیه این چاپ بر اساس هفده نسخه کامل و چهار نسخه ناقص قرار داشت که کهن‌ترین آنها همان دو نسخه مذکور لامسدن بود.<sup>۶</sup> مخارج مقابله نسخ را دولت هند و هزینه طبع را نصیرالدین حیدر، پادشاه آوده در هندوستان پرداخت نمود.<sup>۷</sup> چاپ مکن بزودی رواج یافت و مبنای چاپهای متعدد در هندوستان و ایران شد.

نه سال بعد، ژول مُل<sup>۸</sup>، دانشمند فرانسوی چاپ تازه‌ای از شاهنامه را با ترجمه آن به زبان فرانسه بر اساس سی و پنج نسخه که هشت نسخه از آنها به کتابخانه پادشاهی (بعدها: ملی) پاریس متعلق بود<sup>۹</sup> آغاز کرد و آن را در ۱۸۷۸ در هفت مجلد به قطع سلطانی در دو چاپ عمومی و مجلّل با مقدمه‌ای مبسوط در پاریس به پایان آورد. چاپ مجلّل این طبع بسیار زیبا و از شاهکارهای فن طبع است. چاپهای مکن و مُل هیچیک شامل ضبط نسخه بدلها نیست و از اینرو خواننده کلاً متگی به تشخیص مصحح است و راهی برای استنباط شخصی بر او گشوده نیست. از این گذشته نسخه‌های کهن‌تر و استوارتر شاهنامه، مثل نسخه ۶۱۴ ه.ق. / ۱۲۱۷ م. فلورانس و نسخه ۱۲۷۶/۶۷۵ لندن و نسخه ۱۳۳۰/۷۳۱ استانبول و نسخه ۱۳۳۳/۷۳۳ لنین‌گراد و نسخه‌های ۱۳۴۱/۷۴۱ و ۱۳۹۴/۷۹۶ قاهره که بعداً مکشوف شد، در اختیار مکن و مُل قرار نداشت و بدین سبب کوشش مشکور آنها نمی‌توانست به نتیجه مطلوب راهبر شود.

اندکی پیش از پایان چاپ مُل، یوهان فولرس<sup>۱۰</sup> دانشمند آلمانی دست به تهیه طبع جدیدی از شاهنامه بر اساس مقایسه متن مکن و مُل زد و اختلاف آن‌ها را در حواشی ضبط نمود. سه جلد از این متن یعنی تا آخر شاهنشاهی دارا میان سالهای ۸۴-۱۸۷۷ منتشر گردید.<sup>۱۱</sup> این چاپ اساس چاپی است که کتابخانه بروخیم تهران به ترتیب با کمک مجتبی مینوی (جلد ۱) عباس اقبال (جلد ۲-۵)، سلیمان حثیم (جلد ۶) و سعید نفیسی (جلد ۷-۱۰) در سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ با تصاویری از «درویش پرورده ایرانی» از نقاشان مبتکر ارمنی در تهران انتشار داد. قسمتی از شاهنامه که فولرس به طبع آن توفیق نیافته بود به اهتمام سعید نفیسی بر پایه چاپهای مکن و مُل و با پیروی از روش فولرس فراهم شد (همان جلد‌های ۷-۱۰). طبعاً چاپهای فولرس و

۶- برای شرح نسخ صفحات ۵-۳ مقدمه فارسی و صفحات xii-xviii مقدمه انگلیسی دیده شود.

۷- مقدمه فارسی، ص ۷.

۸- Jules Mohl

۹- ص Lxxxiv مقدمه و بعد.

۱۰- Joannes A. Vullers

۱۱- جلد سوم پس از مرگ وی با اهتمام شاگرد و همکارش ساموئل لنداور Samuel Landauer منتشر گردید.

بروخیم چیزی بر آنچه از چاپهای مکن و مل بدست میامد نمی افزود<sup>۱۲</sup>.

در دهه ۱۹۵۰ مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی عده‌ای از دانشمندان را به سرپرستی ی. ا. برتلس<sup>۱۳</sup>، و پس از وفات وی در ۱۹۵۷، به سرپرستی عبدالحسین نوشین، به تهیه متنی علمی از شاهنامه گماشت که طی یازده سال میان سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۱ در نه جلد در مسکو انتشار یافت. این چاپ برخلاف چاپهای گذشته بر اساس چند نسخه مشخص قرار دارد و از چند جهت از چاپهای گذشته برتر است. یکی از آن جهت که در آن نخستین بار نسخه ۶۷۵ لندن که یکی از بهترین نسخه‌های موجود شاهنامه است و تا سال ۱۹۷۷ که نسخه فلورانس توسط دانشمند ایتالیائی آنجلوپیه مونتره<sup>۱۴</sup> کشف شد کهن‌ترین نسخه شاهنامه بشمار میرفت مورد استفاده قرار گرفته. دیگر از آن رو که نسخه بدلها در پاورقی ضبط شده. سوم آنکه ترجمه کهن شاهنامه به عربی که توسط بنداری اصفهانی میان سالهای ۶۱۵ و ۶۲۴ انجام یافته مورد توجه قرار گرفته است. اما از طرفی عده نسخه‌ای که مصححان این چاپ اختیار نموده بودند بسیار محدود و در آغاز بجز نسخه لندن منحصر به سه نسخه بود که هر سه در اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت<sup>۱۵</sup>، و گرچه از جلد چهارم بعد دستنویس ۷۹۶ قاهره نیز به کار گرفته شد<sup>۱۶</sup>، باز عده نسخ هم‌چنان محدود ماند. از این گذشته از مقدمه جلد اول پیداست که مصححان از برخی معایب کارهای گروهی برکنار نمانده‌اند و نیز در آغاز در اختیار میان دوروش «انتخاب اقدم» و «ترجیح اصح» دچار تردید شده، و هرچند از جلد سوم مصححان عموماً به انتخاب اقدم گرائیده و در یک دست کردن روش خود کوشیده‌اند، باز برخی عوارض کارهای گروهی بجا مانده است. در اینگونه کارها با آنکه مصححان از مزایای مشورت و تبادل نظر برخوردارند غالباً به علت تفاوت سلیقه افراد بکار بستن روش واحد و مداومی در تصحیح دشوار میشود. هم‌چنین در تصحیحاتی که بنای آن بر تقسیم کار میان دانشمندان متعدد است احاطه و تبخیری که در نتیجه ممارست در اثری برای یک تن طی سالیان دراز حاصل میشود کمتر مشهود است. نواقص چاپ مسکو، با وجود مزایای آشکارش، از نظر مصححان منصف آن دور نماند، و در نتیجه پیش از پایان چاپ مجلدات آن آقایان رستم علی یف و محمد نوری عثمانوف که در تصحیح چاپ مسکو شرکت داشتند به منظور رفع نواقص این چاپ و بدست دادن متن درست‌تری، طبع تازه‌ای از شاهنامه را با کمک

۱۲- گذشته از آنچه ذکر شد چاپهای متعددی از شاهنامه عموماً بر اساس چاپهای مکن و مل و فولرس، بخصوص مکن، در ایران و هندوستان به طبع رسیده. از جمله چاپهای رایج سربی میتوان از چاپ محمد رضانی (۱۳۱۲) و چاپ امیر کبیر به اهتمام دکتر محمد جعفر محبوب (۱۳۵۰) و چاپ دکتر محمد دبیرسیاقی (۱۳۳۵)، با کشف الابیات در دو جلد ۵۰- (۱۳۴۸) نام برد.

۱۳- É.E. Bertels

۱۴- Angelo M. Piemontese

۱۵- جلد اول، ص ۱۲ مقدمه و بعد.

۱۶- مقدمه جلد چهارم دیده شود.

کتابخانه پهلوی آغاز کردند. جلد اول در سال ۱۹۷۱ و جلد دوم به اهتمام رستم علی یف و احمد طباطبائی دو سال بعد منتشر شد و پس از آن متروک ماند. در طبع این دو جلد مصححان عده نسخ را به هشت رساندند که البته شامل همه دستنویسهای سودمند شاهنامه نیست و بخصوص جای نسخه فلورانس در میان آنها خالی است.

در سال ۱۳۵۱ وزارت فرهنگ و هنر ایران مؤسسه‌ای به نام «بنیاد شاهنامه فردوسی» به مدیریت زنده یاد مجتبی مینوی و با همکاری چند تن از پژوهشگران<sup>۱۷</sup> برای گردآوری نسخه‌های عکسی شاهنامه و مقابله آنها و تنظیم متن انتقادی شاهنامه بنا نهاد. از آنچه این بنیاد فراهم کرد داستان رستم و سهراب با مقدمه مجتبی مینوی و ذکر نسخه بدلها در آخر کتاب و برخی توضیحات در حاشیه در ۱۳۵۲ و داستان فرود بدون نسخه بدل در ۱۳۵۴ و داستان سیاوش به شیوه داستان رستم و سهراب و با مقدمه مبسوطی از مهدی قریب در سال ۱۳۶۳، پس از درگذشت مینوی، بی نظم معینی منتشر گردید. اساس طبع این داستانها همان نسخه ۶۷۵ لندن است، ولی از هفت تا نه نسخه دیگر و هم‌چنین از ترجمه عربی بنداری نیز در تصحیح متن استفاده شده<sup>۱۸</sup>. اگرچه مزیت طبع این داستانها بر چاپهای گذشته آنها پوشیده نیست و بخصوص در کار تصحیح آنها بصیرت بیشتری در سخن فردوسی مشهود است، مقصودی که بنیاد شاهنامه پیشنهاد خود ساخته بود بدرستی برآورده نشد، بخصوص که در طبع این داستانها از نسخه فلورانس بهره‌مندی حاصل نگردیده و نظم روشنی در انتشار آنها بکار نرفته و برخی از عوارضی که در مورد طبع مسکو یاد گردید گاه در اینها نیز مشهود است.

از اینهمه پیداست که طبع متنی از شاهنامه که بتوان در حد منابع موجود اعتماد کلی بر آن کرد هنوز جامعه عمل به خود نپوشیده و کار پاکسازی شاهنامه هنوز در پیش است.

برای آنکه بتوان از میان انبوه نسخه‌های گوناگون شاهنامه به متن درست آن دست یافت نخست باید عکس همه نسخه‌های معتبر، و حتی نسخه‌هایی را که احتمال اندک سودی در آنها می‌رود گرد آورد، و چون به آنچه در فهرست‌ها در توصیف دستنویس‌ها آمده و حتی به رقم خود نسخ همیشه اعتماد نمیتوان کرد<sup>۱۹</sup> ناچار باید نسخه‌های معتبر را در حد امکان دید و به دقت آزمود و از نوع کاغذ و مرکب و سبک خط و تاریخ آنها اطمینان

۱۷- احمد تفضلی، علی رواقی، عباس زریاب، سید جعفر شهیدی؛ و نیز محمد روشن و مهدی قریب که به ترتیب تهیه و متن داستان فرود و داستان سیاوش را به عهده داشتند.

۱۸- داستان رستم و سهراب صفحات ۲۱ و ۲۲ و داستان سیاوش صفحات د تا یا.

۱۹- چنانکه یکی از نسخ قاهره که مصححان مسکو مورخ ۷۱۰ شماره‌اند (جلد اول، طبع دوم، ص ز) بگمان مینوی در تاریخ آن دست برده‌اند و تاریخ آن محتملاً ۱۱۰۵ بوده است (۱. افشار کتابشناسی فردوسی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۱۱، حاشیه، به نقل از مینوی).

قطعی حاصل نمود. سپس باید نسخه هائی را که از آزمایش مقدماتی سرفراز بیرون آمده اند دقیقاً مطالعه کرد و مقام و اعتبار هر یک را باز شناخت و پیوند و خویشی آنها را با یکدیگر سنجید و نسب هر یک را بجا آورد، و این خود کار سالها است. آنگاه چون کار آگاهی که در جستجوی هویت پوشیده کسی است باید در پی کشف آنچه فردوسی سروده است و حال ممکن است به علت دستبردهای گوناگون روی پنهان کرده باشد برآمد. معمولاً نسخه کهن تر را باید درست تر شمرد ولی این قاعده عام نیست، زیرا کهن ترین نسخه های شاهنامه هم بیش از دو قرن پس از فردوسی کتابت شده و مصون از تصرف نمانده اند. از این گذشته، ممکن است نسخه ای جدید اگر از روی نسخه ای درست و کهن نوشته شده باشد با وجود تازگیش از نسخه ای قدیمتر برتر باشد. پس اعتماد مطلق بر قدیمترین نسخه مشکل را آسان نمی کند، بلکه مصحح متن باید در هر مورد پس از بررسی نسخه بدلها و سنجیدن سن و اعتبار هر یک به داوری بنشیند و قرائت درست را بر اساس مقایسه نسخه های معتبر و ملاحظات دیگر اختیار کند. اما این داوری وقتی ارزش دارد که از روی علم و آگاهی انجام بگیرد و هم چنین توأم با ارائه منابع و محفوظ داشتن حق داوری برای خوانندگان باشد، و این غیر از حاکم قرار دادن ذوق و سلیقه فردی در تصحیح متون بطور مطلق است که سابقاً روشی بسیار مرسوم بود. روش دیگری که به موجب آن کهن ترین نسخه را متن قرار دهند و تا ممکن است از تصرف در آن پرهیزند و تفاوت دستنویس های دیگر را بصورت نسخه بدل در حاشیه بیاورند طبعاً علمی تر از روش پیشین است و موجب رواج اشتباه نمیشود، ولی کار خواننده را نیز چندان آسان نمی کند. روشی است تا حدی «ماشینی» که در اعمال آن مصحح خود مسئولیتی نمی پذیرد و بینش خود را، خواه به سبب احتیاط و خواه به علت پرهیز از کوشش فکری و خواه برای احتراز از قبول مسئولیت، به کار نمی بندد. روش مُل و مکن اصولاً روش «ترجیحی» و روش چاپ مسکود در اساس روش «اختیار اقدم» است و در نتیجه هیچیک نیز وفا می به مقصود نیست.

کمال مطلوب این است که مصحح امانت علمی را با تشخیصی که مبتنی بر آگاهی درست باشد بیامیزد. غرض از آگاهی درست این است که مصحح در سبک کلام گوینده و خصوصیات لغوی و دستوری اثر او و آثار معاصران او بصیر باشد و تحولات زبان و ادبیات و جامعه را در چند قرن پس و پیش از اثر بشناسد. چنین آگاهی و احاطه ای به دست نمی آید مگر از راه ممارست در پژوهش. مثلاً در مورد اثر فردوسی از راه خواندن و بازخواندن و مکرر خواندن شاهنامه و آثار معاصران فردوسی از دیوانهای شعر و کتابهای ادب و تاریخ و فلسفه و جز آنها، و موشکافی در تاریخ جامعه ایرانی در نخستین سده های اسلامی، و بررسی لغات و دستور زبان فارسی در قرنهای چهارم و پنجم و ششم، و توجه به اصول و شیوه حماسه های مشابه، و آشنائی با آن دسته از آثار فارسی میانه (پهلوی) که میتواند روشنگر بعضی از چگونگیها و منابع شاهنامه باشد. مثل «یادگار زریران» و «کارنامه اردشیر پاکان» و اندر زنامه های متعدد پهلوی. و نیز مطالعه ترجمه هائی که در قرنهای نخستین اسلامی از فارسی میانه به عربی صورت گرفته، و تأمل در آئین و مذهب و آداب ایران پیش از اسلام که شاهنامه پهلوی،

یعنی «خداینامه»، در آب و هوای آن سروده شده و اثر عمیق آن در زیرپوشش نیمه اسلامی شاهنامه همه جا نهفته است، و باز تحقیق در جنبشهای فکری و مذهبی و سیاسی و ادبی سده‌های نخستین اسلامی که طبعاً در نحوه اندیشه و ذوق فردوسی مؤثر بوده‌اند، و هم‌چنین پژوهش در تحولات سده‌های بعد که در پسند و اندیشه کاتبان و صاحبان شاهنامه و متصرفان در آن اثر داشته است.

کسی که در این طریق پایداری کند سرانجام آشنائی خاصی با سخن فردوسی و جهان بینی و آراء و عواطف او و همچنین شیوه تصرف نسخه برداران و داستانگویان و شاهنامه خوانان پیدا میکند که اگر با طبعی پذیرا و منصف و ذهنی دور از تعصب‌ها و افراطهای نژادی و مذهبی و ادبی جمع شود میتواند در تمیز درست از نادرست و در پاکسازی متن شاهنامه کارگشا شود. البته سلامت طبع و انصاف و پرهیز از تعصب از شرایط عینی نیست و هر پژوهشگر کج طبع و کج اندیشه‌ای هم میتواند مدعی آن شود و در خود به رعنائی نظر کند و فکر سقیم خود را عین صواب بشمارد. اما خوشبختانه چنان نیست که اهل ادب در این میدان بی دفاع باشند. برای تشخیص شایستگی هرکسی که دست به نقد و اصلاح متنی میزند ملاک و معیاری هست، و آن قبول اهل اندیشه و تحقیق و اجماع اهل فن است.

جای کمال خشنودی است که دکتر خالقی مطلق این شرایط را همه در خود فراهم دارد. بیش از بیست سال است که پژوهش در شاهنامه و تدوین متن در خور اعتمادی از آن را پیشنهاد همت خود ساخته، بلکه هدف زندگی علمی خود قرار داده است. همه نسخه‌های معتبر و نیز بسیاری از نسخه‌های کم‌سود شاهنامه را از نظر گذرانده و نسخه عکسی چهل و پنج دستنویس را که تا آخر قرن دهم تحریر شده به تدریج و به کوشش شخصی و بدون کمک فرد یا مؤسسه‌ای فراهم نموده و متن شاهنامه را مکرر به قصد تحقیق از نظر گذرانده و هر بیت آن را، چنانکه از مقالات متعدد وی آشکار است، موضوع دقت و موشکافی قرار داده است. در حقیقت مقالات تحقیقی دکتر خالقی در طی سالهای اخیر شاهنامه شناسی را پیشرفتی شایان بخشیده و پژوهندگان

۲۰- بدین قرار: «قواعد و ضوابط تصحیح متن شاهنامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، یازدهم / ۴، ۱۳۵۴، صفحات ۶۳-۷۱۶؛ Der Plan einer neuen Schahname Edition, *Studia Iranica*, X/1, 1981, pp. 85-92؛ سی نکته در اییات شاهنامه»، آینده، هشتم / ۹، آذر ۱۳۶۱، صفحات ۸۴-۵۷۵ و ۱۱، بهمن ۱۳۶۱، صفحات ۹۸-۷۹۱؛ «نکته‌هایی درباره سی نکته شاهنامه»، آینده، دهم / ۳-۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۳، صفحات ۲۵-۱۱۳ و ۵-۴، تیر و مرداد ۱۳۶۳، صفحات ۴۱-۳۳۱؛ «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»، ایران نامه، سوم / ۱، پائیز ۱۳۶۳، صفحات ۵۳-۲۶ و ۲، زمستان ۱۳۶۳، صفحات ۶۱-۲۴۶؛ «معرفی و ارزیابی برخی از دست‌نویس‌های شاهنامه»، ایران نامه، سوم / ۳، بهار ۱۳۶۴، صفحات ۴۰۶-۳۷۸ و چهارم / ۱، پائیز ۱۳۶۴، صفحات ۴۷-۱۶ و ۲، زمستان ۱۳۶۴، صفحات ۵۵-۲۲۵؛ «یادداشت‌هایی در تصحیح انتقادی بر مثال شاهنامه»، ایران نامه، چهارم / ۳، بهار ۱۳۶۵، صفحات ۹۰-۳۶۲ و پنجم / ۱، پائیز ۱۳۶۵، صفحات ۷۵-۴۷ و ۲، زمستان ۱۳۶۵، صفحات ۸۵-۲۵۰.

ادب و فرهنگ ایران را سپاسگزار وی ساخته است. نتیجه همه آن تحقیقات متنی است که اکنون انتشار می‌یابد.

این طبع از نوع چاپهایی که در آن نسخه قدیمتر را متن قرار بدهند و به ثبت نسخه بدلها در حاشیه بسنده کنند و فقط احیاناً اشتباه فاحشی را در متن اصلاح نمایند نیست. متن کنونی متن سنجیده و پیراسته‌ای است بر پایه دوازده دستنویس اصلی و سه دستنویس فرعی و هم چنین ترجمه عربی بنداری که دکتر خالقی آنها را پس از پژوهش کافی از میان چهل و پنج نسخه بهتر شاهنامه برگزیده است<sup>۲۱</sup>، از جمله نسخه فلورانس که بار اول است که در تصحیح متن کامل شاهنامه بکار میرود. هر بیت آن پس از مقایسه این نسخه‌ها و نقد عالمانه آنها در متن قرار گرفته و به تشخیص مصحح فاضل نزدیکترین صورت به گفته اصلی فردوسی است، پیراسته از زوائد و تصرفات، در حدودی که نسخه‌ها و منابع موجود و علم کنونی ما به شاهنامه امکان پذیر می‌سازد. در این چاپ، همه نسخه بدلها که کمترین فایده‌ای داشته است در حاشیه قید شده، و از نگرستن به آنها میتوان دانست که مبنای داوری مصحح در گزیدن یا فرو گذاشتن واژه یا بیتی چه بوده است. دلایلی که در هر مورد راهنمای مصحح دانشمند برای گزیدن واژه یا بیتی و یا فروهشتن بیت یا قطعه‌ای بوده است برای استفاده اهل فن بعداً در دو جلد جداگانه که ویژه توضیحات خواهد بود انتشار خواهد یافت.

نگارنده به سهم خود سپاسگزار کوشش مداوم و خستگی ناپذیر مصحح گرانمایه است و تردید ندارد که همه دوستان زبان فارسی و فرهنگ ایران در این سپاس با وی سهیم اند.

آقای دکتر خالقی مطلق و اینجانب وظیفه خود میدانیم که امتنان قلبی خود را از حسن توجه مخصوص آقای دکتر خطیب شهیدی، مدیر شریف و ادب دوست مؤسسه «اورینت اسکرپت» ابراز بداریم. هم چنین باید از اهتمام و مراقبت صمیمانه دانشمند گرامی آقای دکتر احمد میرزاده در طبع کتاب صمیمانه تشکر کنیم و نیز سپاس خود را از خانم هما لهراسب و آقای علی بیرنگ که کار سنگین حروفچینی و صفحه بندی کتاب را انجام داده‌اند و آقای جمشید بهادری که در پیشرفت امور فنی مساعدت نموده‌اند اظهار نمائیم.

احسان یارشاطر

۲۱ - برای شرح مختصر دستنویس‌ها به صفحات نوزده و بعد، و برای فهرست آنها به صفحه سی و سه رجوع شود. برای شرح تفصیلی نسخ، مقاله دکتر خالقی مطلق، «معرفی و ارزیابی برخی از دستنویس‌های شاهنامه»، که در حاشیه ۲۰ یاد شده، دیده شود.

## پیشگفتار

سپاس بی کران خداوند یکتا و توانا را که درخت کوششی که سالیان دراز به خون دل و رنج روان پرورانیدم، سرانجام به بار نشست و توانستم نخستین دفتر از تصحیح شاهنامه را به پیشگاه خواستاران شاهنامه و ادب فارسی و دوستداران تاریخ و فرهنگ ایران پیشکش نمایم.

بر هیچ کس پوشیده نیست که از میان همه نوشته‌های نیاکان ما ایرانیان که از دستبرد زمانه جان بدر برده و به دست ما رسیده‌اند، هیچ نوشته‌ای اهمیت شاهنامه فردوسی را در شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و هنر و بینش‌ها و آیین‌های باستان ایران و زبان و ادب فارسی و هویت ملی ما ندارد. و درست از همین روست که این کتاب در درازای هزار سال که از تاریخ سرودن آن میگذرد، فراوان دستخوش دستبردهای این و آن و بی امانتی‌های کاتبان گشته است.

سزاوار این اهمیت و در پاسخ به این دستبردها، بایستگی دانشی به نام شاهنامه‌شناسی آشکار گشته است که هر چند بیش از صد سال پیشینه دارد، ولی هنوز از خان نخستین دشواری‌ها گامی فراتر نرفته است و ما هنوز نتوانسته‌ایم زمینه این دانش را که فراهم آوردن متنی پالوده و پیراسته است برای پژوهش‌های دیگر آماده سازیم. چه با آنکه از زمان نخستین تصحیح کامل شاهنامه بدست ترنر مکن که در سال ۱۸۲۹ میلادی در کلکته انتشار یافت، بیش از صد و پنجاه سال میگذرد و در این میان تصحیح‌های چندی در ایران و بیرون از ایران بدست مصححان خودی و بیگانه انجام گرفته است، ولی هیچیک از آنان پاسخگوی نیاز و خواسته شاهنامه‌شناسان نبوده است. علت این ناکامی‌ها بسیار است که اهم آنها را استاد ارجمند آقای احسان یارشاطر در گفتار خود باز نموده‌اند و در اینجا دیگر نیازی به بازگویی آنها نیست.

از شاهنامه تا دو یست و اندی سال پس از پایان سرایش آن دستنویسی در دست نیست و از سده هفتم نیز تنها دو دستنویس مانده است که کهن‌تر آنها، یعنی دستنویس فلورانس مورخ ۶۱۴، نیز ناقص است و تنها نیمه نخستین شاهنامه را دربر دارد. ولی از سده هشتم تعداد دستنویس‌های آن بیشتر میگردد و هر چه جلوتر می‌اییم بر شمار آنها می‌افزاید، تا آنجا که شاید امروزه رقم دستنویس‌های کامل و ناقص این کتاب که در

کتابخانه‌های عمومی و مجموعه‌های شخصی در سراسر جهان پراکنده‌اند از هزار بیرون باشد. پیداست که دسترسی به همه این دستنویس‌ها کاری است نه شدنی و نه سودمند. بلکه اگر مصحح شمار بزرگی از دستنویس‌های سده‌های هفتم تا دهم را فراهم آورد، وظیفه تصحیح انتقادی را در این یک مورد بجای آورده است. همچنین تنظیم یک جامع نسخ از همین دستنویس‌ها نیز اگر هم شدنی باشد کاری بیهوده است، بلکه بسنده است که مصحح از میان آنها معتبرترینشان را برگزیند و اساس تصحیح قرار دهد، ولی البته در برخی موارد - چنانکه نگارنده کرده است - به دستنویس‌های دیگر نیز نگاهی بیافکند.

نگارنده برای تصحیح این کتاب از میان چهل و پنج دستنویس که فیلم و عکس آنها را فراهم آورده بود، پس از چندین سال بررسی، پانزده دستنویس را که از بقیه معتبرتر بودند برگزید و آنها را در دو گروه اساس تصحیح قرار داد. گروه نخستین دوازده دستنویس اصلی‌اند که ما اختلاف آنها را در زیر صفحه‌ها دقیقاً ثبت کرده‌ایم. گروه دوم سه دستنویس‌اند که با ترجمه عربی بنداری گروه دستنویس‌های غیر اصلی را میسازند و مصحح تنها در مواردی که بایسته دانسته است به آنها رجوع کرده است. علت‌گزینش این روش این است که این دستنویس‌ها از یکسو در دو سه پشت خود به دستنویس معتبری برمیگردند و از اینرو در موارد بسیاری ضبط‌های کهن را نگهداشته‌اند. ولی از سوی دیگر بدست دو سه کاتب آخرین به درجه بزرگی دستخوش دستبرد گشته‌اند.

برای نمونه از دستنویس لندن مورخ ۸۴۱ هجری نام ببریم که در ثبت بیت‌های اصلی در آن کمتر دستبرد رفته است و از اینرو برخی از ضبط‌های کهن که در بسیاری از دستنویس‌های دیگر دچار گشتگی شده‌اند در این دستنویس تندرست مانده‌اند، ولی از سوی دیگر در پس هر چند بیتی، بیت‌های الحاقی فراوانی درون متن کرده‌اند که اگر مصحح میخواست همه آنها را در زیر صفحه‌ها بیاورد، شاید در هیچ صفحه‌ای متن اصلی از یکی دو بیت افزون نمیشد، ولی به این بهانه در گذشتن از ضبط‌های کهن آن نیز درست نبود و نیز اگر زیرنویس‌ها را به علت حجم بزرگ آنها به پایان کتاب می‌بردیم از روش تصحیح انتقادی بیرون رفته بودیم. یکی دیگر از دستنویس‌های این گروه، یعنی دستنویس استانبول مورخ ۹۰۳ از این عیوب برکنار است و حتی جزو دستنویس‌های معتبر شاهنامه بشمار میرود و گذاشتن آن در این گروه تنها به علت نقص فنی میکروفیلم آن بود. همچنین گذاشتن ترجمه عربی بنداری در این گروه به این علت است که این ترجمه در بیشتر جاها ترجمه آزاد است و تنها در برخی موارد میتوان از آن بهره گرفت. به این دلایل ما بهتر دانستیم که در تصحیح از این گروه غیر اصلی کمتر بهره گیریم، ولی هرگاه که گرفته‌ایم ضبط آنها را (جز ترجمه بنداری) در میان کمانه گذاشته‌ایم تا حساب آنها از حساب دستنویس‌های اصلی جدا باشد.

نخستین وظیفه هر مصحح معرفی دستنویس‌های اساس کار اوست. حد اقل این کار بدست دادن نام و نشان و جای و تاریخ دستنویس‌های اساس تصحیح است که باید حتماً همراه تصحیح باشد و گرنه برای خواننده



بررسی کار مصحح اصلاً شدنی نیست. ما این مشخصات را در کوتاه‌ترین صورت آن همراه با نشانه‌های دیگری که در این تصحیح بکار رفته‌اند، در دو صفحه گرد آورده‌ایم که پس از این پیشگفتار خواهد آمد. ولی البته وظیفه تصحیح انتقادی بیش از این است و بر مصحح است که دستنویس‌های خود را به دقت و تفصیل و پیش از انتشار تصحیح یا هم‌زمان با آن معرفی و ارزیابی کند. چیزی که هست هیچ لزومی نیست که چنین کاری حتماً همراه با خود تصحیح باشد. نگارنده که می‌خواست این بررسی را در مورد دستنویس‌های شاهنامه با شرح و بسط بیشتری انجام دهد، بهتر دانست که آنرا جداگانه انتشار دهد (نگاه کنید به شماره‌های سال سوم و چهارم مجله ایران نامه).

یک وظیفه مهم دیگر تصحیح انتقادی شرح اصول کلی شیوه تصحیح و برشمردن دلایل برتری دادن ضبطی بر ضبط دیگر و همچنین شرح و توضیح برخی از مطالب کتاب است. نگارنده همگام با کار تصحیح یادداشت‌های فراوانی در این زمینه‌ها گرد آورده است. برخی از این یادداشت‌ها پیش از این در برخی از نشریات منتشر شده‌اند (بیش از همه در شماره‌های سال سوم و چهارم و پنجم ایران نامه) و بقیه آنها سپس در دو دفتر جداگانه منتشر خواهد شد. اگر می‌خواستیم همه این مطالب را در زیر صفحه‌ها یا پایان دفترهای تصحیح بیاوریم، برخی از خوانندگان بر ما می‌گرفتند که با درازگویی‌های خود بر حجم کتاب افزوده و از متن اصلی آن کاسته‌ایم. گذشته از این با گذشت زمان بخشی از این توضیح‌های ما کهنه یا نادرست میشد و از اعتبار تصحیح ما میکاست. با اینهمه بایسته است که در اینجا سطری چند در شیوه تصحیح خود بیاوریم تا خوانندگان را راهنمای کوتاهی باشد:

نخست در باره خویشاوندی دستنویس‌های شاهنامه این نکته گفته شود که دستنویس‌های این کتاب را میتوان به چند شاخه کلی بخش کرد، ولی ترسیم نمودار یا درخت خویشاوندی آنها شدنی نیست، چون تنها میان چندتایی از آنها خویشاوندی ثابت و نزدیک هست. یکی خویشاوندی میان دستنویس‌های استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۹۶ و برلین ۸۹۴. و دیگر خویشاوندی میان دستنویس‌های لنینگراد ۷۳۳ و پاریس ۸۴۴. خویشاوندی میان دیگر دستنویس‌ها یا دور است یا گردنده. برای نمونه دو دستنویس لندن ۶۷۵ و قاهره ۷۴۱ پس از آنکه در بخش بزرگی از آغاز کتاب با یکدیگر نزدیک‌اند، سپس دستنویس قاهره ۷۴۱ از لندن ۶۷۵ کمی دور می‌گردد و به دستنویس فلورانس ۶۱۴ نزدیک میشود، ولی هر سه دستنویس در یک شاخه باقی می‌مانند. همچنین دو دستنویس واتیکان ۸۴۸ و لنینگراد ۸۴۹ که در آغاز خویشاوندی بسیار نزدیک دارند، در داستان سیاوخش از یکدیگر دور می‌گردند، دستنویس نخستین به دستنویس لندن ۶۷۵ نزدیک میشود و دستنویس دومین به دستنویس‌های لنینگراد ۷۳۳ و پاریس ۸۴۴ می‌پیوندد. و یا دو دستنویس لیدن ۸۴۱ و اکسفورد ۸۵۲ که در آغاز کتاب از اعتبار بیشتری برخوردارند، از آغاز داستان سیاوخش ناگهان دچار فساد

میگردند و در عین حال با یکدیگر خویشاوندی بسیار نزدیک پیدا میکنند، تا آنجا که جای گمانی نمی ماند که این دو دستنویس در این داستان در یک یا دو پشت خود از یک دستنویس واحد و فاسد جدا گشته اند. علت این خویشاوندی های گردنده این است که دستنویس اساس کتابت، همه دفترها یا همه داستان های شاهنامه را نداشته است و یا در برخی جاها صفحه هایی چند از آن افتادگی داشته و کاتب ناچار در این جاها دستنویس دیگر را اساس کتابت قرار داده است. گذشته از این برخی از دستنویس های شاهنامه دارای خویشاوندی آمیخته هستند. یعنی وابستگی آنها را حتی در یک داستان واحد هم نمیتوان شناخت. این آمیختگی از اینجا پیدا شده است که کسی دستنویسی را با دستنویس دیگر از شاخه ای دیگر مقابله کرده و برخی اختلافات را در بالا و پایین بیت ها و کنار صفحه ها و میان ستون ها نوشته است. سپس چون این دستنویس اساس کتابت دیگر قرار گرفته، کاتب این اصلاحات را درون متن نموده است و از اینجا دستنویسی با خویشاوندی آمیخته پیدا گشته است.

این خویشاوندی گردنده در میان دستنویس ها سبب شده است که اعتبار دستنویس ها، نه تنها در سنجش با یکدیگر، بلکه در مورد هر یک از آنها نیز اعتباری ناستوار گردد. و بر این مشکل یک دشواری دیگر نیز افزوده میگردد و آن اینکه اعتبار دستنویس ها در سه موضوع اصالت واژه ها، اصالت بیت ها و اصالت روایات نیز متفاوت است. بدین معنی که در برخی از دستنویس ها واژه ها بیشتر دچار گشتگی شده اند و برخی دیگر بیشتر تک بیت های الحاقی دارند و در برخی دیگر بیشتر آن روایاتی را که فردوسی نگفته بود سروده و یا از جایی دیگر گرفته و به متن افزوده اند. برای نمونه دستنویس های فلورانس ۶۱۴، لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱ از نگاه اصالت واژه ها از همه معتبرترند و پس از آنها دستنویس های قاهره ۷۴۱ و لندن ۸۴۱ و واتیکان ۸۴۸ و لندن ۸۹۱ و استانبول ۹۰۳. از نظر کمتر داشتن تک بیت های الحاقی دستنویس های استانبول ۷۳۱، قاهره ۷۴۱، لندن ۸۹۱ و استانبول ۹۰۳ از همه معتبرترند و دستنویس های فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵ با وجود کهنگی خود تک بیت الحاقی کم ندارند. و از نظر کمتر داشتن روایات الحاقی دستنویس های فلورانس ۶۱۴، استانبول ۷۳۱، لندن ۸۹۱، استانبول ۹۰۳ و ترجمه بنداری و پس از آنها دستنویس واتیکان ۸۴۸ از همه معتبرترند و دستنویس لندن ۶۷۵ با وجود کهنگی خود برخی از روایات الحاقی را دارد. با اینهمه میتوان گفت که رو یهمرفته دستنویس فلورانس ۶۱۴ که فعلاً کهن ترین دستنویس شناخته شده شاهنامه است، معتبرترین آنها هم هست. همچنین دو دستنویس لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱ که دومین و سومین دستنویس تاریخ دار ما می باشند، از نظر اعتبار نیز رو یهمرفته همین ترتیب را دارا هستند، ولی پس از آن اعتبار دستنویس ها دیگر با تاریخ آنها نسبتی ندارد و دستنویس های قاهره ۷۴۱، واتیکان ۸۴۸، لندن ۸۹۱ و استانبول ۹۰۳ رو یهمرفته از بقیه معتبرترند.

این خویشاوندی گردنده و اعتبار ناستوار دستنویس های شاهنامه از اینجا برخاسته است که شاهنامه از

سده پنجم به این سونه تنها فراوان اساس کتابت قرار گرفته است و در هر بار بدست کاتبان ناامین و کم سواد دچار دست خوردگی های سهوی و عمدی شده است، بلکه گروهی نیز عمداً به قصد «تصحیح و تکمیل» شاهنامه در آن دست برده اند.

این وضعیت که از آن در بالا یاد شد در تصحیح شاهنامه وظیفه ای سنگین ایجاد می کند. چون مصححی که این وضعیت دستنویس های شاهنامه را شناخته باشد و در عین حال در اثر ممارست در شاهنامه و مقابله و مقایسه دستنویس های آن دست کم تا اندازه ای به چگونگی گشت سخن کهن به نو و ویژگی های سخن اصیل و سخن الحاقی پی برده باشد، خواه ناخواه دیگر نمیتواند از ضبط دستنویس اقدم نسخ پیروی چشم بسته کند. ولی از سوی دیگر چنین مصححی در این خطر هم هست که از دانش خویش در گمان افتد و به دست آویز دستبردهایی که در این کتاب زده اند همان اعتبار نسبی و مشروط را هم که برای دستنویس های کهن بر شمردیم نادیده انگارد و در تصحیح ذوق شخصی خود را ملاک قرار دهد و بی دلیل ضبط دستنویس اساس را رها کند.

بدین ملاحظات ما در تصحیح شاهنامه از یکسو دستنویس فلورانس ۶۱۴ را که فعلاً کهن ترین و معتبرترین دستنویس ماست، در نیمه نخستین کتاب اساس تصحیح قرار دادیم، ولی از سوی دیگر از آن پیروی چشم بسته هم نکردیم و ضبط دستنویس های معتبر دیگر را بی اعتنا نگذاشتیم. منتها هر کجا ضبط دستنویس اساس را رها کرده ایم، این کار در چارچوب ضوابط و دستورهای معینی انجام گرفته است. نگارنده این روش را روش انتقادی مینامد، ولی شاید این اصطلاح در مورد تصحیح ما نارسا باشد، بویژه اینکه در ایران این اصطلاح را در باره تصحیح هایی بکار برده اند که مصحح همه جا از ضبط اقدم یا اصح نسخ پیروی کرده است، یعنی یک روش ماشینی و غیر انتقادی را به نادرست انتقادی نامیده اند. از همین رو استاد یارشاطر در گفتار خود بجای آن اصطلاح روش تحقیقی را بکار برده اند که درباره روشی که ما برگزیده ایم درست تر است و خواست ما را بهتر می رساند.

در زیر اهرم مواردی را که ما به دلایل فنی ضبط دستنویس اساس را رها کرده ایم بطور کوتاه بر می شماریم و شرح بیشتر آنرا به مقالات یاد شده و دفترهای جداگانه می افکنیم:

۱- هر کجا ضبط دیگر هماهنگ با دگرگونی زبان و ادب فارسی و سازوار با کهنگی و اعتبار دستنویس ها، کهن تر و دشوارتر، و ضبط دستنویس اساس نوتر و ساده تر شناخته گردد، ما به پیروی از مهمترین اصل تصحیح انتقادی که میگوید ضبط دشوارتر برتر است (*lectio difficilior*)، ضبط دستنویس اساس را به زیر خط و ضبط دیگر را به متن میاوریم. برای نمونه ما در دستنویس های کهن و معتبر بیشتر به ضبط های

گیومرت، طهمورت، اغربرت، سوداوه، فریگیس، سیاوخش، زاول، کاول، دشخوار، اومید، فوردین، میژه، گر، بد، بویژه، تخم، توشه، رای، مُستی، جوانه، رُوشن، سَخُن، شارسنان، گفت، کاجکی، گوسپند، سپید، تنبل، زفان و زوان، -واره، نبشتن، گاه، برزیدن و دیگر و دیگر برمیخوریم. ولی هر چه دستنویس‌ها جوان‌تر یا کم‌اعتبارتر میگردند این واژه‌ها به ریخت‌های گیومرت، طهمورت، اغربرت، سودابه، فرنیگیس، سیاوش، زابل، کابل، دشوار، امید، فوردین، مژه، یا، به، بخاصه و خصوصاً، نسل، قوت، حکم، سستی و سخنی، جوان، رُوشن، شهر، قول کاشکی، گوسفند، سفید، حیل، زبان، -بار، نوشتن، وقت، ورزیدن تبدیل میشوند. ما از این دگرگونی‌ها این نتیجه را نمیگیریم که فردوسی گاهی صورت نخستین و گاهی صورت دوم را بکار میبرد، بلکه چنین نتیجه میگیریم که او همیشه صورت نخستین، یعنی شکل کهن‌تر و دشوارتر و دورتر به زبان امروز ما را گفته بود. از سوی دیگر چنان نیست که دستنویس‌ها همیشه ریخت کهن‌تر و دستنویس‌های دیگر همیشه ریخت نوتر را داشته باشند، چرا که دستبرد در دستنویس‌ها بمنظور ساده کردن و نوساختن متن‌های کهن کاری نیست که از یک زمان معین و یا در یک دستنویس واحد آغاز گردد، بلکه این کار رفته رفته انجام گرفته و به نسبت در همه دستنویس‌ها هست. از اینرو اگر در موارد بسیاری دستنویس‌ها اساس ضبط کهن‌تر و دشوارتر، و دستنویس‌های دیگر ضبط نوتر و ساده‌تر را دارند، در موارد کمتری نیز عکس آن درست است و در اینگونه موارد نباید از دستنویس‌ها اساس پیروی کرد، بلکه باید ضبط آنرا به زیر خط و ضبط دیگر را به متن برد. یعنی مثلاً اگر دستنویس‌ها اساس از ده مورد هفت مورد گوسپند و سه مورد گوسفند نوشته است و دستنویس‌های دیگر هر چه جوان‌تر یا کم‌اعتبارتر میگردند بیشتر گوسفند و کمتر گوسپند دارند، باید در مسیر خط تحوّل زبان فارسی نتیجه گرفت که فردوسی صورت گوسپند را بکار میبرد و آن سه مورد را هم به پیروی از دستنویس‌های دیگر گوسپند نوشته و حتی اگر موردی پیش آید که همه دستنویس‌ها گوسفند داشته باشند، آنرا هم باید به گوسپند تصحیح قیاسی کرد.

۲- هر گاه ضبط دستنویس‌ها اساس یک ضبط ساده باشد و همه دستنویس‌های دیگر در یک ضبط ساده دیگر همخوان باشند. برای نمونه در جایی که دستنویس‌ها اساس دارد: هزار و صد و بیست گرد دلیر، و همه دستنویس‌های دیگر دارند: هزار و صد و شست گرد دلیر، ما ضبط ساده و منفرد نخستین را که هیچگونه برتری دستوری و لغوی و سبکی و موضوعی بر ضبط دیگر ندارد به زیر خط میبریم و چنین استدلال میکنیم که در چنین مواردی نمیتوان همخوانی چهارده دستنویس را با خویشاوندی‌ها و شاخه‌بندی‌های گوناگون ندیده گرفت، بلکه گمان گشتگی و دست‌خوردگی را باید به ضبط منفرد دستنویس‌ها اساس داد. در اینجا دو نکته دیگر هست که این استدلال ما را نیرو میدهد. یکی اینکه بنا بر آزمایش ما در اینگونه موارد هر جا بنداری متن اساس خود را باریک ترجمه کرده است - و متن اساس ترجمه او از دستنویس‌ها اساس ما کهن‌تر بوده است -، ترجمه او نیز با دستنویس‌های دیگر میخواند و نه با دستنویس‌ها اساس ما. برای نمونه در همین مثال، که او نیز دارد: ألف و مائة

وستون. دیگر اینکه در شاهنامه چاپ مسکو و چاپ بنیاد شاهنامه که در اینگونه موارد ضبط ساده و منفرد اقدم نسخ خود را که دستنویس لندن ۶۷۵ است به متن برده‌اند و همخوانی دیگر دستنویس‌ها را در ضبط ساده دیگر ندیده گرفته‌اند، اکنون دستنویس فلورانس ۶۱۴ نشان می‌دهد که ضبط نسخه‌های دیگر برتر است. چون با آنکه دستنویس فلورانس با دستنویس لندن ۶۷۵ از یک گروه و درصد همخوانی میان آنها بالاست، ولی باز بر طبق بررسی ما در اینگونه موارد دستنویس فلورانس با دستنویس‌های دیگر میخواند و نه با دستنویس لندن. بی‌گمان بسیاری از مواردی که یک ضبط ساده در دستنویس اساس بوسیله یکی دو دستنویس دیگر تأیید می‌گردد نیز الحاقی و ضبط ساده دیگری که بقیه دستنویس‌ها در آن همخوانی دارند اصلی است. ولی ما در اینگونه موارد فعلاً چاره‌ای جز پیروی از دستنویس اساس نداریم، مگر آنکه ضبط ساده دیگر به وسیله ترجمه بنداری یا بیت‌های پراکنده شاهنامه در نوشته‌های سده‌های پنجم و ششم تأیید گردد (نگاه کنید زیر شماره ۸).

۳- هرگاه در دستنویس اساس بیتی بیاید که در هیچیک از دستنویس‌های دیگر نباشد و در متن نیز هیچگونه نیازی به آن نباشد و یا حتی عناصر الحاقی نیز در آن دیده شود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب در دستنویس اساس آمده است:

که داند چنین داستان را یقین بجز دادفرمای دادآفرین  
این بیت تنها در دستنویس اساس آمده است و در آن واژه یقین نیز که واژه فردوسی نیست دلیل دیگری بر الحاقی بودن آن است و از اینرو ما آنرا جزو بیت‌های الحاقی دستنویس اساس دانسته و به زیر خط میبریم.

۴- هرگاه در دستنویس اساس بیتی نباشد که در همه دستنویس‌های دیگر و گاه حتی در ترجمه عربی بنداری نیز آمده باشد و دلیل دیگری نیز بر الحاقی بودن آن بیت دیده نشود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب آمده است:

پشیمان بشد زان کجا گفته بود به بیهودگی مغزش آشفته بود  
این بیت جز در دستنویس اساس در همه دستنویس‌های دیگر هست و بنداری نیز آنرا دارد (فندم کیکاوس علی بدرمانه...) و هیچگونه عنصر الحاقی نیز در آن نیست. بنا بر این ما این بیت و چنین بیت‌هایی را جزو افتادگی‌های دستنویس اساس بشمار می‌آوریم و آنها را به متن میبریم.

۵- آنچه در زیر شماره‌های ۳ و ۴ گفته شد در مورد پس و پیشی مصرع‌ها و بیت‌ها نیز درست است. برای نمونه نگاه شود به ترتیب بیت‌های ۷۷۶ و ۷۷۷ در پادشاهی منوچهر.

۶- هرگاه ضبط دستنویس اساس غلط فاحش باشد که آشکارترین نمونه آن فساد در وزن و قافیه است.

۷- هرگاه ترجمه بنداری با برخی از دستنویس‌های ما در داشتن (و کمتر در نداشتن) ضبط یا بیت یا روایتی بخواند، ما نتیجه می‌گیریم که بنداری در این موارد متن خود را آزاد ترجمه نکرده است، بلکه بهمان صورت در دستنویس اساس ترجمه خود داشته است و چون دستنویس اساس ترجمه بنداری از دستنویس فلورانس ۶۱۴ کهن‌تر بوده است، پس اقدم نسخ ما در چنین مواردی ترجمه بنداری است، ولی با آن در زیر همان شرایطی که در بالا بر شمردیم رفتار خواهیم کرد. برای نمونه از مواردی که ما به پیروی از ضبط بنداری متن را تصحیح کرده‌ایم یکی تصحیح فرنگیس به فرنگیس و دیگر تصحیح سیاوش به سیاوخش است و دلیل آنرا در مقالات نامبرده آورده‌ایم (و نیز نگاه کنید زیر شماره‌های ۲، ۴، ۸).

۸- بیت‌های پراکنده شاهنامه در نوشته‌های سده‌های پنجم و ششم و هفتم و مطالب کتاب‌هایی که با شاهنامه هم‌مآخذ و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند، مانند غررالسیر ثعالبی و زین الاخبار گردیزی و مجمل‌التواریخ والقصص و برخی مواد در زبان پهلوی، هرگاه که با برخی از دستنویس‌ها یا با ترجمه بنداری بر ضد دستنویس اساس همخوانی داشته باشند، میتواند دلیلی بر رها کردن ضبط دستنویس اساس بشمار رود. برای نمونه در داستان رستم و سهراب آمده است:

بیامد خروشان بدان دشت جنگ به چنگ اندرون گرزّه گاورنگ

در مصرع دوم همه دستنویس‌های ما گرزّه گاورنگ دارند، مگر دستنویس اساس و دستنویس قاهره ۷۴۱ که بجای آن چرخ و تیر خدنگ دارند. ولی چون همین بیت در لغت فرس به همین صورت در گواه گرزّه گاورنگ آمده است، ما در اینجا ضبط دستنویس اساس را رها می‌کنیم. و یا برای نمونه نام گاوی که فریدون را شیرداد در دستنویس‌های شاهنامه به ریخت‌های بره‌ایه و پره‌ایه آمده است و در دستنویس اساس بصورت بُره‌ایه است که میتوان آنرا پره‌ایه هم گرفت. صورت این نام در پهلوی بره‌ایون است و به همین صورت در شعر فرالاوی و دقیقی نیز آمده است. در خط پهلوی خلاف خط فارسی میان حرف ب و پ فرق است. پس مؤلفان شاهنامه ابومنصوری صورت درست آنرا در پهلوی می‌شناخته‌اند. از اینرو اگر فردوسی خود هم پهلوی نمیدانست، چون در همان زمان و در همان شهری که خداینامه را به فارسی ترجمه کرده‌اند می‌زیست، پس محتمل است که او صورت درست این نام را می‌شناخته و اگر آنرا به ضرورت وزن به بره‌ایه کوتاه کرده است، دلیلی نیست که حرف ب را هم به پ برگردانیده باشد. همچنین مطالب نوشته‌های هم‌مآخذ با شاهنامه اگر با برخی از دستنویس‌های ما بخوانند میتوانند در شرایطی دلیلی بر رهایی ضبط دستنویس اساس گردند. برای نمونه بر طبق دستنویس اساس و بیشتر دستنویس‌های ما سیاوخش در توران جریره دختر پیران را به زنی می‌گیرد و پس از زمانی از این زن پسری میزاید که نام او را فرود مینهند. در غررالسیر ثعالبی با آنکه مطالب کتاب در این بخش از داستان موبه مو با شاهنامه میخواند، اشاره‌ای به این دو روایت نیست. در اینجا دو گمان پیش می‌آید که هیچیک به خودی خود نیز چندان محتمل نیستند. یکی اینکه ثعالبی با وجود اتفاق او با فردوسی در جزئیات

مطالب، این دو روایت را زده است. و دیگر اینکه فردوسی آنها را سپس تر از جایی دیگر گرفته و افزوده است. و اما چون این دو روایت در ترجمه بنداری و دو دستنویس دیگر هم نیست و بیت‌های روایت نخستین در دستنویس‌هایی که آنها دارند بکلی متفاوت است و در آن عناصر الحاقی چون واژه‌های حشمت، زحل، انس، اعتماد نیز دیده میشود (و برخی دلایل دیگر)، پس هیچیک از آن دو گمان، دیگر محتمل نیست، بلکه محتمل این است که این دو روایت الحاقی اند. در اینجا ما با کمک غررالسیر ثعالبی توانستیم با اطمینان بیشتری بر الحاقی بودن روایتی حکم کنیم (و نیز نگاه کنید به شماره‌های اول و دوم سال سوم ایران نامه).

۹- گذشته از موارد یاد شده پیش می‌آید که ما ضبطی را تصحیح قیاسی می‌کنیم و یا بیت یا روایتی را که نه تنها در دستنویس اساس، بلکه در همه دستنویس‌های ما آمده است به دلایلی الحاقی دانسته و به زیر خط می‌بریم. اینگونه موارد کمتر پیش می‌آید و همه آنها جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در مورد تصحیح قیاسی این نکته هم گفته شود که ما از این اصطلاح آنچه را که در ایران از آن دانسته میشود، یعنی اصلاح متن بی ضرورت و بی دلیل و بی توجه به ریخت ضبط‌های تباه شده و بیرون از ضوابط معین، و تنها بر پایه دلایل ذوقی و احساسی نمی‌فهمیم، بلکه اصلاح متن در زیر شرایط و ویژه‌ای که از آنها در مقالات یاد شده به تفصیل سخن رفته است. یک چنین تصحیح‌های قیاسی یکی از توانش‌های تصحیح انتقادی است که آنرا *emendation* مینامند. صورت لاتینی این واژه *emendatio* است به معنی «اصلاح، تصحیح، درست سازی، بهبودی» و در تصحیح انتقادی یعنی: هرگاه ضبطی که به گمان مصحح از نظر سبک، دستور، واژگان، موضوع، وزن، قافیه یا خط تباه شده باشد، اصلاح آن بر اساس دلایل فنی در روش انتقادی نه تنها روا، بلکه وظیفه مصحح است. برای نمونه در پادشاهی هوشنگ آمده است:

بدیشان (به گاو و خر و گوسپند) بورزید و زیشان خورید      همه تاج را خویشان پرورید

در مصرع یکم همه دستنویس‌های اساس تصحیح ما یا خورید دارند یا خرید و یا خرید. ولی ما خوردن بجای خوردن نداریم و ضبط‌های دوم و سوم هم بی معنی است. ما این ضبط را به خرید تصحیح قیاسی کرده‌ایم. فعل خریدن در شاهنامه به معنی «خوردن آدمی» چند بار بکار رفته است، از آن میان در داستان جنگ مازندران:

نشاید کزین پس چمیم و چریم      و گر خویشان تاج را پروریم

همچنین پیش می‌آید که از یک واژه که صورت کهن‌تر آن در دستنویس اساس و دستنویس‌های دیگر بسیار بکار رفته است، در برخی جاها تنها صورت نوتر آن آمده است. برای نمونه هم در دستنویس اساس و هم در دستنویس‌های کهن و معتبر دیگر صورت‌های کاوول و زاول بسیار بکار رفته است. با اینحال مواردی هم هست که همه دستنویس‌ها صورت‌های نوتر کابل و زابل را دارند. ما در اینگونه موارد همه جا صورت نوتر را به صورت

کهن‌تر تصحیح قیاسی می‌کنیم. با این حال این روش را در مورد همه ضبط‌های همانند بکار نبرده‌ایم. برای نمونه چن و بد را در جلوی مصوت‌ها بجای چو و به تنها در مواردی به متن برده‌ایم که در دستنویس اساس یا یکی از دستنویس‌های دیگر بوده است. ولی مطمئن هستیم در این جا و موارد دیگری مانند آن باید در سراسر شاهنامه متن را بر اساس صورت کهن‌تر تصحیح کرد. در نخستین تصحیح انتقادی شاهنامه دشوار بود که بتوان همه این دشواری‌ها را یکجا گشود. ناچار میبایست برخی از آنها را به تصحیح نهائی شاهنامه واگذار کرد. ولی ما همه این مسائل متن را در مقالات خود مطرح کرده‌ایم تا از پیش مورد آشنایی و نقد دیگران قرار گیرد.

۱۰- در وزن شعر ما همیشه صورت سنگین‌تر را بر صورت سبک‌تر برتری داده‌ایم. برای نمونه: به پرده اندرون بجای به پرده درون، به اژه‌ش بجای به اژه، شارستان بجای شارسان، بیفشارد بجای بیفشرد، شده‌ست بجای شده، پای بجای پا، اوی بجای او، داشت و بجای داشت، از اسپ بجای زاسپ، جادوی آورد بجای جادو آورد، مگر کاژدها را سرآید زمان، بجای مگر اژدها... و دیگر و دیگر. ولی در اینجا نیز متن همیشه یکدست نیست و این وظیفه را نیز باید به تصحیح نهایی شاهنامه واگذار نمود.

۱۱- چنانکه میدانیم در بیشتر دستنویس‌های کهن فارسی غالباً حرف‌های پ، چ، ژ، گ را بصورت ب، ج، ز، ک نوشته‌اند. ناچار مواردی پیش میاید که یک واژه واحد را به هر دو حرف میتوان خواند. ما در این گونه موارد ریخت کهن‌تر را که گاه میتوان آنرا از راه صورت آن در زبان پهلوی باز شناخت، برگزیده‌ایم. برای نمونه ب خوانده‌ایم بجای پ در واژه‌های: بزشک، بسیج. و یا پ خوانده‌ایم بجای ب در واژه‌های: اسپ، کرشاسپ، ژوپین، پدرود، پادافره. و چ خوانده‌ایم بجای ج در واژه‌های: نخچیر، چپیره، بسیج. و ز خوانده‌ایم بجای ژ در واژه‌های: آزدن، زنده، دز، بزشک. و ژ خوانده‌ایم بجای ز در واژه‌های: ژوپین، بژه، مژه. و ک خوانده‌ایم بجای گ در واژه‌های: کرشاسپ، کرسوز. و گ خوانده‌ایم بجای ک در واژه‌های: افگندن، گیومرت، کرگس، کامگار، نیاگان، تگاوری، گیهان، پیگار و دیگر و دیگر. ولی قاعده ذال معجم را نگه نداشته‌ایم و آنرا همه جا بصورت دال نوشته‌ایم. همچنین حرف ی را که برای نرمی و روانی و آسانی تلفظ میان دو مصوت میاید، همیشه بصورت یای دو نقطه نوشته‌ایم و نه بصورت همزه: گویی بجای گوئی. و اگر پیش از کسره اضافه آمده است نیز آنرا بصورت ی نوشته‌ایم: جامه‌ی زرنگار بجای جامه زرنگار. در مقابل الف‌هایی را که در تقطیع می‌افتند، در نوشتن هم انداخته‌ایم: ازیشان بجای ازایشان، خواسته‌ست بجای خواسته است و خواستست. مگر جایی که افکندن الف دریافت مطلب را دشوار سازد: از ایران بجای ازیران.

۱۲- در مورد املاهای واژه‌ها نیز همیشه از املاهای درست‌تر که بیشتر در دستنویس‌های کهن‌تر یا معتبرتر آمده است و بی هیچ گمانی املاهای زمان فردوسی بوده است، پیروی کرده‌ایم، ولی همیشه املاهای دیگر را هم در جزو



نسخه بدل‌ها ثبت کرده‌ایم. برای نمونه: شست بجای شصت، تشت بجای طشت. در زمان فردوسی در واژه‌های فارسی هنوز حرف‌های ص و ط چندان راه نیافته بود و محتمل است که واژه‌هایی چون صد، اصطخر، طهمورت، طهماسپ، طوس و مانند آنها هنوز به صورت درست‌تری یعنی به س و ت نوشته می‌شد. ولی ما در اینگونه موارد بدون پشتیبانی دستنویس‌ها در املاهای واژه‌ها دستی نبردییم.

چه در مواردی که ما ضبط دستنویس اساس را نگهداشته‌ایم و چه در مواردی که از آن بیرون رفته‌ایم، همیشه نسخه بدل‌ها را با دقت در زیر صفحه‌ها ثبت کرده‌ایم و حتی در موارد مهم املا و رسم الخط دستنویس‌ها را نیز نگهداشته‌ایم تا راه داوری برای خوانندگان باز باشد. همچنین برای آسان کردن کار منقدان، در ثبت نسخه بدل‌ها از شیوه مثبت پیروی کرده‌ایم. یعنی نه تنها ناهمخوانی دستنویس‌ها، بلکه همخوانی آنها را نیز بدست داده‌ایم. مگر در مواردی که یکی دو سه دستنویس جوان ضبطی صد در صد تباہ داشته‌اند. در این گونه موارد برای آنکه بیهوده بر حجم نسخه بدل‌ها افزوده نگردد، تنها به ثبت ناهمخوانی‌ها بسنده کرده‌ایم. شیوه ثبت منفی نسخه بدل‌ها که تنها ناهمخوانی‌های دستنویس‌ها را بدست می‌دهد، نه تنها کار خواننده را بسیار دشوار می‌کند، بلکه شیوه استواری هم نیست. زیرا در بسیار جاها، مثلاً به دلیل افتادگی در دستنویس‌ها، واقعیت ضبط دستنویس‌ها جز آن است که خواننده پیش خود گمان کرده است. ولی با شیوه مثبت هم مصحح درستی ثبت خود را بازرسی کرده است و هم خواننده به چگونگی ضبط دستنویس‌ها آسان‌تر و مطمئن‌تر دست یافته است.

ثبت نسخه بدل‌ها نخست به ترتیب درجه ناهمخوانی با متن از کمتر به بیشتر است و سپس در ثبت ناهمخوانی‌های هم اندازه که در وزن واحدهای برابر دارند، ترتیب تاریخ دستنویس‌ها نگهداشته شده است. در ثبت نسخه بدل‌های شاهنامه نگهداشت ترتیب بر حسب اعتبار یا بر حسب خویشاوندی دستنویس‌ها به این علت که این هر دو امری نسبی و گردنده‌اند، کاری بیهوده است که سبب دشواری کار خواننده خواهد شد. از اینرو ما نگهداشت ترتیب تاریخ دستنویس‌ها را بهتر دانستیم، و هر گاه شمار بزرگی از دستنویس‌هایی که از نگاه تاریخ کتابت پشت یکدیگر افتاده‌اند، در ضبطی واحد انباز باشند، دیگر نشانه همه آنها نیامده است، بلکه به ثبت نشانه نخستین و انجامین آنها با افزودن خط جداساز در میان آنها (-) بسنده کرده‌ایم و یا از آنها به عدد نام برده‌ایم. در دستنویس‌ها، و بیش از همه در دستنویس لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱، در بسیار جاها نقطه حروف افتاده است. ثبت همه آن موارد جز افزودن بر حجم نسخه بدل‌ها سود دیگری نخواهد داشت. از اینرو ما حرفی را که نقطه آن افتاده است تنها در موردی به همان صورت ثبت کرده‌ایم که اختلاف آن حرف در دیگر دستنویس‌ها دست کم امکان دو قرائت محتمل را از آن واژه بدهد، ولی همیشه در میان کمانه نیز به بی نقطه‌گی آن اشاره کرده‌ایم تا به حساب نادرستی‌های چاپی گذاشته نشود. افتادگی‌های بزرگ در

دستنویس‌ها گذشته از جای خود، یکبار هم در پایان نخستین پی‌نوشت هر داستان یاد شده‌اند. سرعنوان‌ها را ما درجایی که مناسب دانسته‌ایم آورده‌ایم و نه به پیروی از دستنویس‌ها که در اینگونه موارد هیچگاه با یکدیگر نمیخوانند، و به قید این مطلب هم که فلان عنوان در فلان دستنویس چند بیت بالاتر یا پایین‌تر است همیشه اهمیت نداده‌ایم.

هر کس که در نسخه بدل‌های این تصحیح پژوهش کند، در خواهد یافت که بار متن تصحیح شده را بیش از نود درصد، دستنویس اساس و سه چهارم دستنویس دیگر میکشند. از اینرو پژوهنده جا دارد که از خود پرسد که آیا ثبت تباه‌کاری‌های دیگران در زیر صفحه‌ها جز پر کردن نیمی از حجم کتاب چه سودی دارد؟ و آیا بهتر نبود مصحح شاهنامه را بر پایه همان چهارپنج دستنویسی که بار اصلی متن را میکشند تصحیح مینمود و یا تنها به ثبت برگزیده‌ای از نسخه بدل‌های مهم بس مینمود؟

پاسخ مصحح این است که اگر کار تصحیح را تنها بر اساس چهارپنج دستنویس کهن‌تر و معتبرتر بگذاریم، هر کجا که میان این دستنویس‌ها ناهمخوانی باشد - و این موارد رو به‌مرفته بسیارند -، شناخت صورت درست همیشه بر مصحح و خواننده آسان نیست و بخش مهمی از شناخت درستی یا نادرستی ضبط دستنویس اساس از این راه آشکار می‌گردد که آن ضبط تا چه اندازه بوسیله دستنویس‌های دیگر تأیید یا رد شوند. به سخن دیگر هر اندازه ضبطی بوسیله شمار بزرگتری از دستنویس‌ها، از شاخه‌ها و خویشاوندی‌های گوناگون، تأیید گردد، به همان اندازه بر اعتبار نسبی آن ضبط (نه اعتبار مطلق آن) می‌افزاید و بر عکس. دیگر اینکه سخن فردوسی همیشه با خواندن بار نخستین بر مصحح روشن نیست، بلکه بسیار پیش می‌آید که معنی مورد نظر سراینده پس از خواندن مکرر آن و دیدن صورت‌های گردیده و تباه شده آن در دستنویس‌های گوناگون دانسته می‌شود. سوم اینکه تباهی بخش بزرگی از این نسخه بدل‌ها را خوانندگان هنگامی خواهند پذیرفت که مصحح همه آنها را بی‌کم و کاست به داوری آنان گذاشته باشد. و گرنه در هر کجا که آنها متن را در نیابند، آن را نه به علت از دست رفتن ضبط اصلی و نه به حساب کم آگاهی خود، بلکه تنها و تنها به حساب نقص تصحیح و بی‌اعتباری کار مصحح خواهند گذاشت که چرا او در تصحیح خود از دستنویس‌های بیشتر و بهتری بهره نگرفته است و یا نسخه بدل‌ها را بی‌کم و کاست ثبت نکرده است. نتیجه یک چنین تصحیحی این خواهد بود که هر چند سال یکبار کس دیگری به این هوس خواهد افتاد که تصحیح دیگر و بهتری جایگزین تصحیح‌های موجود کند و بدین ترتیب عمر چندین نسل در تصحیح کتابی به دوباره کاری خواهد گذشت. از اینرو در تصحیح کتابی به ارج شاهنامه نباید از این هراسید که نیمی از صفحه‌های کتاب به ثبت دستبردها و تباه‌کاری‌های کاتبان گرفته شود. بلکه برای جلوگیری از دوباره کاری و درجا زدن هیچ راهی جز این نیست که پس از ارزیابی بخش مهمی از دستنویس‌ها و گزینش شمار بزرگی از معتبرترین

آنها، همه ناهمخوانی های دستنویس های اساس تصحیح را با دقت و به نظمی علمی در پایین صفحه ها ثبت کنیم تا بدین ترتیب تصحیحی از این کتاب فراهم آید که نه جامع نسخ، ولی دربردارنده همه ضبط های کهن و معتبر باشد، اگر چه از این راه بسیاری از افزوده های دیگران نیز درون کتاب گردد. تنها یک چنین تصحیحی است که میتواند به عنوان یک مادر تصحیح همیشه اعتبار نسبی خود را نگهدارد و اساس پژوهش شاهنامه و تصحیح های سپسین گردد.

گذشته از این ها در این ضبط های فاسد و افزوده های دیگران که در پایین صفحه ها آمده اند، بسیار چیزها میتوان آموخت که هم در پژوهش متن تصحیح و هم در پژوهش زبان و ادب فارسی سودمنداند. همچون شناخت خویشاوندی و شاخه بندی دستنویس ها، چگونگی تباها شدن ضبط ها، پژوهش در دگرگونی زبان و خط فارسی، پژوهش در علل دستبردها، بررسی شیوه کار کاتبان، بررسی میزان توجه مردم به شاهنامه، پژوهش در تصور داستان های شاهنامه در میان مردم، پژوهش در گشت آیین ها و بینش و باورهای کهن به نو، بررسی اندازه سواد و آگاهی مردم از زبان فارسی و آیین های کهن ملی، پژوهش در ذوق ادبی و روانشناسی مردم ایران و چه بسا چیزهای دیگر که ما امروز نمی شناسیم، ولی راه پژوهش را برای آیندگان باز میگذاریم.

به گمان مصحح، او با این تصحیح که دفتر نخستین آن در برابر خواننده است، توانسته است زمینه استواری برای پژوهش متن شاهنامه آماده سازد. امید مصحح این است که منقدان بیت بیت این تصحیح را با سختگیری و باریک بینی و موشکافی و کارشناسی، بی غرضانه بررسی کنند و نظریات خود را منتشر سازند. ما پس از پایان این تصحیح که درشش دفتر متن و دو دفتر یادداشت ها در نظر گرفته شده است، با توجه به نظریات دیگران و آنچه خود بدان رسیده ایم، تصحیح دیگری از این کتاب بدون ثبت نسخه بدل ها و با خطی درشت تر و زیر و زبر گذاری بیشتر و املائی یکدست تر در چهار دفتر متن و یک دفتر یادداشت ها منتشر خواهیم کرد و آن تصحیح را تا پیدایش یک دستنویس کهن تر به عنوان تصحیح فعلاً نهائی این کتاب خواهیم دانست.

در پایان وظیفه خود میدانم که از استاد ارجمند آقای احسان یارشاطر که به پامردی ایشان وسیله چاپ این کتاب فراهم گشت و در میانه کاردمی از تشویق و پشتیبانی و راهنمایی فروگذار نکردند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

جلال خالقی مطلق



## دستنویس های اساس تصحیح این دفتر

### الف - دستنویس های اصلی

- ۱ - ف دستنویس کتابخانه ملی فلورانس، به نشان Ms. Cl. III. 24 (G.F.3)، مورخ ۱۲۱۷ / ۶۱۴
- ۲ - ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add, 21. 103، مورخ ۱۲۷۶ / ۶۷۵
- ۳ - س دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۱۳۳۰ / ۷۳۱
- ۴ - لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرُن، شماره ۳۱۶ - ۳۱۷، مورخ ۱۳۳۳ / ۷۳۳
- ۵ - ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶س، مورخ ۱۳۴۱ / ۷۴۱
- ۶ - ق<sup>۲</sup> دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴ / ۷۹۶
- ۷ - لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۱۴۳۷ / ۸۴۰
- ۸ - پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۱۴۴۱ / ۸۴۴
- ۹ - و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۱۴۴۴ / ۸۴۸
- ۱۰ - آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۱۴۴۸ / ۸۵۲
- ۱۱ - ل<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18 188، مورخ ۱۴۸۶ / ۸۹۱
- ۱۲ - ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2° 4255، مورخ ۱۴۸۹ / ۸۹۴

### ب - دستنویس های غیر اصلی

- ۱ - ل<sup>۳</sup> دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۱۸۳۸ / ۸۴۱

- ۲ - لن<sup>۲</sup> دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی درلنینگراد، به‌نشان S. 1654، مورخ ۱۴۴۵ / ۸۴۹
- ۳ - س<sup>۲</sup> دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای، در استانبول، به‌نشان H. 1510، مورخ ۱۴۹۸ / ۹۰۳
- ۴ - بنداری ترجمه شاهنامه به‌عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰ - ۶۲۱ / ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴،  
به‌کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰

### برخی از نشانه‌های دیگر

- (!) در جلوی هر واژه یا بیتی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (؟) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به‌صورت درست باشد
- [ ] در متن هر بیتی که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن می‌رود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در پی نویس‌ها در جلوی نشانه دستنویسی در چنگک يك گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت
- پ پی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره پی نویس است.
- مثال: ۱۲پ، یعنی پی نویس بیت ۱۲، ولی: ۱۲پ، یعنی پی نویس شماره ۱۲)
- متن ← نگاه کنید به: متن در شماره سپسین
- ← نگاه کنید به، نشانه برگشت
- نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دیاچہ





به نام خداوند جان و خرد  
 خداوند نام<sup>۲</sup> و خداوند جای<sup>۳</sup>  
 خداوند کیوان<sup>۵</sup> و گردان سپهر  
 زنام و نشان و گمان برترست  
 ۵ به<sup>۷</sup> بینندگان آفریننده را  
 نه اندیشه یابد بدو نیز<sup>۱۱</sup> راه  
 سخن هر چه زین<sup>۱۲</sup> گوهران بگذرد  
 خرد گر سخن برگزیند همی  
 ستودن نداند کس او را چو هست  
 ۱۰ خرد را و جان<sup>۱۷</sup> را همی سنجد او  
 بدین آلت<sup>۲۰</sup> رای و جان<sup>۲۱</sup> و زبان<sup>۲۲</sup>  
 به هستیش باید که خستو<sup>۲۴</sup> شوی

کزین برتر اندیشه برنگذرد<sup>۱</sup>  
 خداوند روزی ده و<sup>۴</sup> رهنمای  
 فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر  
 نگارنده‌ی برشده گوهرست<sup>۶</sup>  
 نبینی<sup>۸</sup>، مرنجان دو<sup>۹</sup> بیننده را  
 که او برتر از نام و از<sup>۱۱</sup> جایگاه  
 نیابد بدو<sup>۱۳</sup> راه جان و خرد<sup>۱۴</sup>  
 همان را ستاید<sup>۱۵</sup> که بیندهمی  
 میان بندگی را بیایدت بست<sup>۱۶</sup>  
 در اندیشه‌ی سخته<sup>۱۹</sup> کی گنجد او<sup>۱۸</sup>  
 ستود آفریننده را کی<sup>۲۳</sup> توان  
 ز گفتار بیکار<sup>۲۵</sup> یکسو شوی

۱- لن پیش از این بیت سر نویس دارد: بنام ایزد بخشاینده؛ درل از آغاز تا بیت ۳۹ داستان جمشید به خطی نوتر از متن اصلی است؛ درس از بیت ۱۵۸ دیباچه تا بیت ۱۰۹ داستان جمشید افتاده است؛ بنداری ترجمه دیباچه را ندارد ۲- لی، و؛ جان ۳- ل، س؛ رای ۴- لن، ق، ق، لی، و، آ، ن، ب؛ <و>؛ متن=ف، ل، س، پ ۵- لن، ق، لی، ب؛ کیهان؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۶- ل؛ پیکرست؛ متن=یازده دستنویس دیگر ۷- ل، س، لن، ق، لی؛ ز؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۸- ل؛ چوبینی؛ متن=یازده دستنویس دیگر ۹- لن، پ؛ تو ۱۰- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب؛ نیابد بدو(لن، ق، آ؛ ازو) نیز اندیشه؛ متن=ف، ق، ل، آ ۱۱- لن، ق، پ؛ وز؛ ل پس از این بیت افزوده است:

یقین دان که هرگز نیاید پدید به وهم اندر آنکس که وهم آفرید

۱۲- و؛ زان؛ ب؛ از ۱۳- ق، آ؛ برو ۱۴- لی؛ مرورا بیک جونسجد خرد ۱۵- ف، ق؛ همان راست آید(ق؛ باید)؛ ل، س، لن، ق، آ-و؛ همان گزیند؛ آ؛ همانا ستاید؛ ل، آ؛ همانرا ستاند؛ ب؛ همورا ستاید ۱۶- درل این بیت در کناره آمده است ۱۷- لی؛ خرد و جان را (وزن نادرست است) ۱۸- ل؛ اوی؛ متن=یازده دستنویس دیگر ۱۹- ل؛ سخت ۲۰- ف، س، لی-ب؛ آلت و؛ متن=ل، لن، ق، ق، آ ۲۱- ق؛ جایگاه؛ ق، آ؛ رای و هوش ۲۲- ف، پ، و، ب؛ روان؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۳- س، ق، آ، لی، پ، ب؛ چون؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۴- ل، آ؛ خشو ۲۵- لن، لی، آ، ل، آ، ب؛ زگفتار ویکار؛ ق؛ زگفتار وکردار؛ متن=ف، ل، س، ق، آ، پ، و؛ ف پس از این بیت افزوده است:

کنون ای خردمند مرد خرد بدین جایگه گفتن اندر خورد

پرستنده باشی<sup>۱</sup> و جوینده راه  
توانا بود هر که دانا بود  
۱۵ ازین پرده برتر سخن گاه<sup>۵</sup> نیست  
به ژرفی به فرمانش<sup>۲</sup> کردن نگاه  
ز<sup>۳</sup> دانش دل<sup>۴</sup> پیر برنا بود  
زهستی مر<sup>۶</sup> اندیشه را راه<sup>۷</sup> نیست

### گفتار اندر ستایش خرد<sup>۸</sup>

کنون ای خردمند ارج<sup>۹</sup> خرد  
خرد بهتر<sup>۱۱</sup> از هر چه ایزد<sup>۱۲</sup> داد  
خرد رهنمای و خرد دلگشای<sup>۱۴</sup>  
ازو شادمانی و زویت غمیست<sup>۱۵</sup>  
۲۰ خرد تیره و مرد روشن روان  
چه گفت آن سخنگوی مرد از خرد<sup>۱۹</sup>  
کسی کو خرد را ندارد به<sup>۲۳</sup> پیش  
هشیوار دیوانه خواند ورا  
ازویی<sup>۲۶</sup> بهر دو سرای ارجمند  
بدین<sup>۱</sup> جایگه گفتن اندر خورد  
ستایش خرد را به از<sup>۱۳</sup> راه داد  
خرد دست گیرد بهر دو سرای  
و زویت<sup>۱۶</sup> فزونی و هم زو کمیست<sup>۱۷</sup>  
نباشد همی شادمان یکزمان<sup>۱۸</sup>  
که دانا ز گفتار<sup>۲۰</sup> او<sup>۲۱</sup> برخوردار<sup>۲۲</sup>:  
دلش گردد از کردهی خویش ریش  
همان خویش بیگانه داند<sup>۲۴</sup> ورا<sup>۲۵</sup>  
گسسته خرد<sup>۲۷</sup> پای دارد به بند

۱- لی: چو پیونده باشی ۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، و: به فرمان هازرف، متن = ف، ل، ق، آ، ل، ب ۳- ل: به ۴- ق: تن ۵- ف: ترا کار؛ ق: پ، ب: سخن راه؛ و: ترا راه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۶- ل: بر ۷- ف: زهستی بر اندیشه دیدار؛ ق: زهستی مر اندیشه آگاه؛ پ: ز هشتیش اندیشه را راه؛ و: ولی دست اندیشه کوتاه؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ل، پس از این بیت افزوده‌اند:

چو معلوم شد هستی کردگار دگر خاطر خویش رنجه مدار

پایی بیت های ۱-۱۵ در دستنویس ها- ف: ۱۲-۱، ۱۲، پ، ۱۳-۱۵؛ ل: ۱-۴، ۶، ۱۰، ۶، پ، ۷، ۵، ۸، ۱۱-۱۵، ۱۵، پ (بیت ۹ را در کناره آورده است)؛ لن، ق: ۱-۱۲، ۱۴، ۱۳، ۱۵؛ ق: ۱-۷، ۹، ۸، ۱۰-۱۵؛ آ: ۱-۱۳، ۱۵، ۱۴؛ ل: ۱-۴، ۶، ۵، ۷-۱۵؛ ب: ۱-۱۵، ۱۵؛ پایی بیت های متن = س، لی، پ، و (که برابر است با پایی بیت های ف پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۲، و برابر است با پایی بیت های ب پس از بیرون گذاشتن بیت ۱۵) پ ۸- ف: گفتار اندر شناختن خرد و صفت خردمندان و ستایش ایشان؛ ق: ۲: در ستایش خرد؛ پ: اندر ستایش خرد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- ف: مرد؛ ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: وصف؛ ل: فضل؛ و: متن = ق، آ (و نیز س آ) ۱۰- س، پ: بدان؛ ق: برین؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۲ آمده است؛ س- پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون (پ: بسین) تا چه داری بیار از خرد که گوش ستاینده (ق: سراینده؛ ل: ۲: شتابنده) زو بر خورد  
در این بیت پیش از بیت ۱۶ و چنین آمده است:

بیا تا چه داری کنون از خرد که گوش از سرانیدنش برخوردار

ف، ل، و این بیت را ندارند، ولی در ل آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۱- آ: برتر ۱۲- ل، لن: ایزد بداد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- ل: خرد بهتر از؛ ق این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۴- ل: دین گشای ۱۵- ف، ق، لی، آ: زو مردمیست؛ پ، و، ل: زویت غم است؛ متن = ل، س، لن، ق، آ، ب ۱۶- لی، و، ل: ازویت ۱۷- ل، لن، ق، آ، لی: زویت کمیست؛ پ، و: زویت کم است؛ آ: ازو هم فزونی و هم کمیست (وزن نادرست است)؛ ب: وزو هم فزونی وزو هم کمیست؛ متن = ف، س، ق، ل ۱۸- آ: این بیت را ندارند؛ در ق، و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۹- ل، س، پ- ب: خردمند مرد خرد؛ لن، ق، آ، لی: هنرمند مرد خرد؛ متن = ف، ق ۲۰- ق: کردار ۲۱- آ: خود ۲۲- لی: که گوش ستاینده زو بر خورد؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۵ آمده است؛ در ق، و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- س، لن، ق، آ، پ: ز؛ متن = ل، لی، و، ف، ق، آ، ل، ب این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۴- ل: خواند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- ق: ترا ۲۶- ل: شد ازوی؛ آ: چو گشتی؛ ل: که ازوی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- ل: شکسته خرد؛ ق: خرد بسته را؛ متن = ده دستنویس دیگر



۴۰ وُزوا مایه‌ی گوهر آمد<sup>۲</sup> چهار  
 یکی آتش<sup>۴</sup> برشده<sup>۵</sup> تابناک  
 نُخستین که آتش ز<sup>۶</sup> جنبش دمید  
 وُزان<sup>۹</sup> پس از<sup>۱۱</sup> آرام سردی نمود<sup>۱۱</sup>  
 چو این چار گوهر بجای آمدند  
 گهرها يك اندر دگر<sup>۱۵</sup> ساختند<sup>۱۶</sup>  
 پدید آمد<sup>۱۹</sup> این<sup>۲۰</sup> گنبد<sup>۲۱</sup> تیزرو  
 درو دودو برج<sup>۲۳</sup> آمد پدید  
 ابر<sup>۲۶</sup> دودو، هفت شد کدخدای  
 ۴۵ فلك ها يك اندر دگر بسته شد  
 چو دریا و چون دشت و چون کوه و راغ<sup>۲۹</sup>  
 بیالید کوه آب‌ها بردمید  
 زمین را بلندی بُد<sup>۳۲</sup> جایگاه  
 ستاره به سر بر شگفتی نمود  
 ۵۰ همی بر شد ابرو<sup>۳۶</sup> فرود آمد آب  
 گیا رُست<sup>۳۸</sup> با چند گونه درخت  
 بیالد، ندارد جزین نیروی<sup>۴۲</sup>

برآورده<sup>۳</sup> بی رنج و بی روزگار  
 میان باد و آب<sup>۷</sup> از بر<sup>۷</sup> تیره‌خاک  
 ز گرمیش پس خشکی آمد پدید  
 ز سردی همان باز تری<sup>۱۲</sup> فزود<sup>۱۳</sup>  
 ز بهر سپنجی سرای<sup>۱۴</sup> آمدند  
 دگر<sup>۱۷</sup> گونه گردن برافراختند<sup>۱۸</sup>  
 شگفتی نماینده<sup>۲۲</sup> نو به نو  
 بیخشید داننده چونان<sup>۲۴</sup> سزید<sup>۲۵</sup>  
 گرفتند هریک<sup>۲۷</sup> سزاوار جای  
 بجنبید<sup>۲۸</sup> چون کار پیوسته شد  
 زمین<sup>۳۰</sup> شد بکردار روشن چراغ  
 سر رُستنی سوی بالا کشید<sup>۳۱</sup>  
 یکی مرکزی تیره بود و سیاه<sup>۳۳</sup>  
 به خاک اندرون<sup>۳۴</sup> روشنایی فزود<sup>۳۵</sup>  
 همی گشت گرد زمین<sup>۳۷</sup> آفتاب  
 به زیر<sup>۳۹</sup> اندر آمد سرانشان<sup>۴۰</sup> ز بخت<sup>۴۱</sup>  
 نپوید<sup>۴۳</sup> چو پویندگان<sup>۴۴</sup> هر سویی

۱- آ: فزون ۲- ق: گوهران هر؛ ل: سرمایه گوهران این ۳- ل: برآورد؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: آتشی؛ متن= ف، ق، ۵- و: یکی برشده گوهر ۶- ل، س، ق، ق، آ، ب: آب و باد؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ل، ۷- ل، ۸- به؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۹- ل: ازان ۱۰- ل، لن، و: ز؛ متن= ف، س، آ، ل، ب ۱۱- لن: فزود ۱۲- ف: بادتری؛ ق: باد و تری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۳- لن: نمود ۱۴- ل: سرا ۱۵- لی: <دگر> (وزن نادرست است) ۱۶- ل- ب: ساخته؛ متن= ف ۱۷- ل- ب: زهر؛ متن= ف ۱۸- ل، لن، ق، و، ل، ب: برافراخته؛ س، ق، آ، لی، پ: گونه‌ای گردن افراخته؛ آ: گونه گوهر برافراخته؛ متن= ف؛ ل، ق پس از این بیت سرنویس دارند: گفتار اندر آفرینش افلاک ۱۹- لن: پدیدار ۲۰- لی: آن ۲۱- لن: گوهر ۲۲- لن: نماینده را ۲۳- ل: درو داد و هم بخشش؛ س- ب: درو (ق: در) بخشش و دادن؛ متن= ف ۲۴- ل: جویان؛ س، لی، و: داننده را چون؛ ق: دانا چنان چون؛ ب: داننده‌تان چون ۲۵- لن، ق: بدان تا توانی آید پدید (= ۳۵ب)؛ متن= ف، آ، ل، ب؛ در ل- ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۶- لی: چو بر ۲۷- ل: هر دو؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ در ل- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت‌های متن= ف ۲۸- س: بیخشید؛ آ: بیبوست؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- ل: چو دشت و چو دریا و چون کوه و راغ؛ س، ق، لی- ب: چو دریا و چون کوه و چون دشت (ل: باغ) و راغ؛ لن، ق: چو دریای خون شد همه دشت و راغ؛ متن= ف ۳۰- ق، ل، آ: جهان ۳۱- لی این بیت را ندارد ۳۲- ل: ز سبزه بلندی بهر؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۳- ل، لن، ق، ق، آ، ب: یکی مرکزی بود تیره سیاه؛ و، ب: یکی مرکزی تیره بود سیاه (وزن نادرست است)؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، آ، ل ۳۴- آ: بدین تیرگی ۳۵- س، لن، ق، آ، لی: ز سردی همان باز تری فزود (لی: نمود)؛ (= ۳۹ب)؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر ستایش اشجار و نبات و صفت افلاک و آفتاب و ماه ۳۶- س، لن، ق، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): همی بر شد آتش؛ متن= ف، ل، ق، آ ۳۷- ل: جهان؛ آ: زمی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۸- ل، ق، آ: که یارست (→ گیارست) ۳۹- لی، ب: به ابر ۴۰- ل، آ: سرایشان ۴۱- ل: به زیر اندر آید سرانراز سخت؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز کسان بعد از آن گوهر آمد پدید از آن سان که داد آفرین پرورید

۴۲- آ: نیکویی؛ ل: بیابند جنبه از هر سویی؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۴۳- ف، س، لن، ل، ب: پوید ۴۴- ق، آ: چو توبندگان؛ ل: بیویند جویندگان

از آن پس چو جنبنده آمد پدید  
سرش زیر نامده<sup>۵</sup> بسان درخت  
۵۵ خور و خواب و آرام جوید همی  
نه گویا زبان و نه جویا خرد<sup>۸</sup>  
نداند بد و نیک فرجام<sup>۱۱</sup> کار  
چو دانا توانا بُد و دادگر  
چنین ست، فرجام کار<sup>۱۴</sup> جهان

همه<sup>۲</sup> رُستنی زیر<sup>۳</sup> خویش آورید<sup>۴</sup>  
نگه کرد باید بدین<sup>۶</sup> کار، سخت  
وزان زندگی کام جوید همی<sup>۷</sup>  
ز خاشاک<sup>۹</sup> ها خویشتن<sup>۹</sup> پرورد  
نخواهد ازو<sup>۱۱</sup> بندگی کردگار  
ازیرا نکرد ایچ پنهان<sup>۱۲</sup> هنر<sup>۱۳</sup>  
نداند کسی<sup>۱۵</sup> آشکار و نهان<sup>۱۵</sup>

### گفتاراندر آفرینش مردم<sup>۱۷</sup>

۶۰ کزین بگذری<sup>۱۸</sup> مردم آمد پدید  
سرش راست<sup>۱۹</sup> برشد چو سرو<sup>۲۰</sup> بلند  
پذیرندهی هوش و رای<sup>۲۳</sup> و خرد<sup>۲۴</sup>  
ز راه خرد بنگری<sup>۲۶</sup> اندکی  
مگر<sup>۲۸</sup> مردمی<sup>۲۹</sup> خیره‌خوانی<sup>۳۰</sup> همی<sup>۳۱</sup>  
۶۵ ترا از دو گیتی برآورده‌اند  
نُخستینت<sup>۳۳</sup>: فکرت<sup>۳۴</sup>، پسینت<sup>۳۵</sup>: شمار،  
شنیدم ز دانا<sup>۳۷</sup> دگرگون<sup>۳۸</sup> ازین

شد این بندها را سراسر کلید  
به گفتار<sup>۲۱</sup> خوب و خرد<sup>۲۲</sup> کاربند  
مرو را دد و دام فرمان<sup>۲۵</sup> برد  
که معنی مردم<sup>۲۷</sup> چه باشد یکی  
جزین را نشانی ندانی<sup>۳۲</sup> همی  
به چندین میانجی پرورده‌اند  
تو مر<sup>۳۶</sup> خویشتن را به بازی مدار  
چه دانیم راز<sup>۳۹</sup> جهان آفرین

- ۱- ل، ق، لی: وزان؛ س، لن، ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، پ، و، ل ۲- ل ۲: همی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- ل: سوی ۴- لی: آفرید؛ پ: سر به بالا کشید ۵- ل: همی سر برآورد؛ و: سرش زیر باشد؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، و ۶- ل: برین ۷- س، لن، ق، آ، پ، و، آ، ب این بیت را ندارند ۸- ل: زکام ز ناکام خوردن خورد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل، س، لن، ق، آ، ب: ز خاک (و، آ: زخار) و زخاشاک تن؛ ل: زهر پرورش خویشتن؛ متن = ف ۱۰- ف، ق: بدو نیک و فرجام؛ ل ۲: بد از نیک فرجام؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ق ۲: بخواهد ازو؛ ل ۲: بفرمایدش ۱۲- و: پیدا ۱۳- ل: گهر ۱۴- ل: فرجام و کار ۱۵- آ: نداند همی ۱۶- و: آشکارا نهان ۱۷- ف: گفتار اندر سبب آفرینش مردم و ستایش آدمی که فضیلت دارد بر دیگر حیوانات بفضل آفریدگار جل جلاله؛ ل: گفتار اندر آفرینش مردم و حیوان؛ س، لن، لی: گفتار اندر آفریدن آدمیان؛ پ: اندر آفرینش مردم؛ آ: گفتار اندر آفرینش آدم و غیر آن؛ ل ۲: گفتار اندر آفرینش مردم و فضیلت آن؛ متن = ب ۱۸- ل: چو فرجام شد؛ ق: چو زین بگذری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- ل: بیلا چو ۲۰- آ: کرشد به ابر ۲۱- ف، و، ل ۲: بیدار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ل: < و > ۲۳- لن: رای و هوش؛ آ: رای هوش ۲۴- ل: < و > ۲۵- ب: رامش ۲۶- ق ۲: بگذرد؛ آ: بگذری ۲۷- ل: که مردم به معنی ۲۸- آ: یکی ۲۹- ف، و: مردمش؛ ل، ق، آ، پ: مردم؛ ق، ل ۲: مردم؛ متن = س، لن، لی، آ، ب ۳۰- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲: ب: دانی؛ ل، و: خوانند؛ متن = ق ۳۱- آ: چه کرد؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲، ب: پساوند ندارند ۳۲- آ: نخوانی؛ ف، و: پسین شمارش نخوانی (و: نداند)؛ ل: جزایش نشانی نداند؛ ق: زمن باز پرس از ندانی؛ ل ۲، ب: جزایش شماری (ب: نشانی) ندانی؛ متن = س، لن، ق، آ، لی، پ ۳۳- ل- ب: نخستین؛ متن = ف ۳۴- ل: جنبش؛ لن- آ: فطرت؛ متن = ف، ل ۲، ب ۳۵- ل، س، ق- ب: پسین؛ لن: پسین در؛ متن = ف ۳۶- ل- ب: تویی؛ متن = ف ۳۷- ف، ق: گویا؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۸- و، ب: دگرگونه این ۳۹- ف: چه داند جهان از؛ لی: ندانیم راز؛ متن = ده دستنویس دیگر

۷۰ [نگه کن سرانجام خود را بین  
[به رنج اندر آری تنت را<sup>۲</sup> رواست  
نگه کن بدین گنبد تیزگرد<sup>۴</sup>  
نه گشت<sup>۵</sup> زمانه بفرسایدش<sup>۶</sup>  
نه از جنبش آرام گیرد همی<sup>۸</sup>  
ازو دان فزونی<sup>۹</sup> و زوهم<sup>۱۰</sup> نهار<sup>۱۱</sup>  
زیاقوت سرخ ست چرخ کبود<sup>۱۳</sup>  
به چندین فروغ و به چندین<sup>۱۵</sup> چراغ ۷۵

که کاری نیابی بروبر گزین<sup>۱</sup>  
که خود رنج بردن به<sup>۳</sup> دانش سزاست  
که درمان ازویست و زویست درد  
نه آن<sup>۷</sup> رنج و تیمار بگزایدش  
نه چون ما تباهی پذیرد همی  
بد و نیک نزدیک او آشکار<sup>۱۲</sup>  
نه از آب و باد و نه از گرد و دود<sup>۱۴</sup>  
بیاراسته چون به نوروز<sup>۱۶</sup> باغ

### گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه<sup>۱۷</sup>

۸۰ روان اندران<sup>۱۸</sup> گوهر دلفروز<sup>۱۹</sup>  
که هر بامدادی چو زرین سپر  
زمین پوشد از نور پیراهنا  
چو از مشرق او سوی خاور<sup>۲۳</sup> کشد<sup>۲۴</sup>  
نگیرند<sup>۲۸</sup> مر<sup>۲۹</sup> یکدگر را گذر<sup>۳۰</sup>

کزو<sup>۲۰</sup> روشنایی گرفتست روز  
ز مشرق برآرد فروزنده سر<sup>۲۱</sup>  
شود تیره گیتی بدو<sup>۲۲</sup> روشنا  
ز مشرق<sup>۲۵</sup> شب تیره سر<sup>۲۶</sup> برکشد<sup>۲۷</sup>  
نباشد ازین یک روش<sup>۳۱</sup> زاستر<sup>۳۲</sup>

۱- س- پ، آ: چو کاری نیابی (ق<sup>۲</sup>، لی: نیابی) برین (ق: ازو) برگزین؛ ل<sup>۲</sup>، ب: که کاری نیابی بدین (ب: جز او) برگزین؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل ۲- آ: توشب را ۳- ل: ز؛ ف از بیت ۷۰-۸۹ را ندارد؛ در ل پس از بیت ۶۹ به ترتیب بیت های ۹۲، ۹۴، ۹۰ و ۹۳ آمده اند؛ در س، لن، لی میان بیت ۶۹ و ۷۰ بیت ۹۲ آمده است؛ در ق پس از بیت ۶۹ به ترتیب بیت های ۳۲، ۳۳، ۶۷، ۹۳ و ۷۰ آمده اند؛ در ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۶۹ بیت ۹۲ آمده و بیت های ۷۰، ۷۱ و ۷۲ را انداخته است؛ در و، آ، ل<sup>۲</sup> میان بیت ۶۹ و ۷۰ بیت های ۹۲ و ۹۳ آمده اند؛ پیاپی بیت های متن = ب (که با س، لن، لی پس از بردن بیت ۹۲ بجای خود، و یا با و، آ، ل<sup>۲</sup> پس از بردن بیت های ۹۲ و ۹۳ بجای خود برابر است)؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی بیت ۹۰ است ۴- ل: به گرد در دانشش بازگرد؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۵- لن: بگشت ۶- آ: بفرزایدش ۷- ل، ق، ل<sup>۲</sup>: نه از؛ لن: بدان؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = س، لی، پ، و، آ، ب ۸- ل: نه از مهر او دل بکاهد همی؛ لی: از آن گردش آرام گیرد همی؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۹- ق<sup>۲</sup>: ازو دان نهانی؛ لی: ازو هم فزونی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ف ۱۰- س، پ، و، ل<sup>۲</sup>: وهم زو؛ متن = ل، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ب ۱۱- ل، س، آ: شمار؛ ق<sup>۲</sup>: بهار؛ متن = لن، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب ۱۲- لن: اویست کار ۱۳- ل: چنین چرخ گردنده پیدا نمود؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ف ۱۴- س، لن، ق<sup>۲</sup>، پ، آ: نه از آب و گرد و نه از باد و دود؛ متن = ل، ق، لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب ۱۵- لن، ق<sup>۲</sup>: به چندان؛ لی: که با آن فروغی بچندین ۱۶- ق<sup>۲</sup>: همچو نادیده ۱۷- س، لی: اندر آفریدن آفتاب و ماه و غیره؛ لن، آ، ب: گفتار (ب: <گفتار>) اندر آفرینش آفتاب و ماه (لن: و غیره؛ آ: و غیر آن)؛ پ: اندر گردش فلک و آفتاب و ماه؛ ل، ق سرنویس ندارند؛ ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup> ناخواناست؛ متن = و ۱۸- ق، ق<sup>۲</sup>، و: اندرو؛ لی: آمد آن؛ ل<sup>۲</sup>: اندرین ۱۹- ق، و: شب فروز؛ ل: ازویست رخشنده گیتی فروز؛ متن = س، لن، پ، آ، ب ۲۰- ل، ق، ل<sup>۲</sup>، ب: ازو؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ف ۲۱- ل این بیت و دو بیت سپسین را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده اند ۲۲- ق، و: ازو؛ ل<sup>۲</sup>: برو ۲۳- س- لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: مغرب؛ متن = پ، و ۲۴- س: کشید؛ ق: رسد؛ ق<sup>۲</sup>: دمید؛ آ: رسید؛ متن = لن، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب ۲۵- لی، آ: زمغرب ۲۶- لی: <سر> (وزن نادرست است) ۲۷- س، ق<sup>۲</sup>، آ: برکشید؛ متن = لن، ق، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب ۲۸- ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: بگیرند؛ متن = س، لن، ق، پ، و ۲۹- ق، ل<sup>۲</sup>، ب: بر ۳۰- ق، ل<sup>۲</sup>، ب: رهگذر؛ ل: ز خاور برآید سوی باختر ۳۱- لی، و: ازین روشن و ۳۲- ل- ب: راستر؛ متن تصحیح قیاسی است

ایا آنکه<sup>۱</sup> تو آفتابی همی  
چراغ ست مر تیره شب را بسیچ  
چو سی روز گردش<sup>۵</sup> پیمایدا  
پدید آید آنگاه باریک و زرد<sup>۶</sup>  
چو بیننده دیدارش از دور دید  
دگر شب نمایش کند بیشتر  
به دو هفته گردد تمام و<sup>۱</sup> درست  
بود<sup>۱۲</sup> هرشب آنگاه باریکتر  
بدینسان<sup>۱۴</sup> نهادش خداوند داد  
چه بودت که بر من<sup>۲</sup> نتابی<sup>۳</sup> همی  
به بد<sup>۴</sup> تا توانی تو هرگز مپیچ  
دو روز و دو شب روی ننماید<sup>۵</sup>  
چو پشت کسی کو غم عشق خورد<sup>۸</sup>  
هم اندر زمان او<sup>۹</sup> شود ناپدید  
ترا روشنایی دهد بیشتر  
بدان<sup>۱۱</sup> بازگردد که بود از نخست  
به خورشید تابنده نزدیکتر<sup>۱۳</sup>  
بود تا بود هم<sup>۱۵</sup> برین<sup>۱۶</sup> يك نهاد

### گفتار اندر ستایش پیغمبر<sup>۱۷</sup>

۹۰ ترا دانش دین<sup>۱۸</sup> رهاند درست<sup>۱۹</sup>  
دلت گر<sup>۲۱</sup> نخواهی<sup>۲۲</sup> که باشد نژند  
چو خواهی که یابی ز هر بد<sup>۲۴</sup> رها  
بوی<sup>۲۶</sup> در دو گیتی ز بد<sup>۲۷</sup> رستگار  
در<sup>۲۰</sup> رستگاری بیایدت جست  
همان تا نگردی تن مستمند<sup>۲۳</sup>  
سر اندر نیاری<sup>۲۵</sup> به دام بلا  
نکوکار گردی<sup>۲۸</sup> بر کردگار

۱- س: آنک ۲- پ: از من؛ و: بر ما ۳- پ: بتابی؛ ق: این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند ۴- و: از ۵- ل: گردو <ن> ۶- ل: س، لن، آ، ب: شود تیره گیتی بدو روشنا؛ لی: درو روز و شب روی بنماید؛ متن= ق، ق، آ، پ، و، ل ۷- ل: باریکتر؛ متن= س- ب ۸- ل: کو بود عشق خور؛ ق: کو غم خویش خورد؛ متن= س، لن، ق، لی- ب ۹- ق، لی، و، آ: زو؛ در س، لن، ق، لی، پ، آپس از این بیت ۸۹ آمده است ۱۰- ل: او ۱۱- آ: بدین ۱۲- و: شود ۱۳- آ: تاریکتر؛ ل، لی، پ: این بیت را ندارند ۱۴- س، لن، ق، آ: برینسان؛ ب: بر انسان؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ل، لی، پ، و، ل ۱۵- ل: بود تا که باشد ۱۶- لی: بدین؛ در س، لن، ق، لی، پ، آ: این بیت پس از بیت ۸۵ آمده است ۱۷- ف: گفتار اندر ستایش پیغمبر ما محمد صلوات الله وسلام علیه و ستایش چهار یار اورضوان الله علیهم؛ س: گفتار اندر نعت پیغمبر صلی الله علیه وسلم؛ ق: گفتار اندر ستایش رسول صلی الله علیه؛ ق: در نعت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله؛ لی: گفتار اندر نعت محمد مصطفی صلی الله علیه؛ پ: اندر ستایش پیغمبر صلی الله علیه؛ و: فی نعت النبی لامي صلی الله علیه وسلم؛ آ: گفتار اندر نعت سید المرسلین صلعم؛ ل: گفتار در نعت پیغامبر و ثنای اهل بیت؛ ب: نعت سید المرسلین؛ ل: سرتویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۱۸- ل- ق، آ، پ- ب: دانش و دین؛ لی: این بیت را ندارد؛ متن= ف ۱۹- ف: نخست؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- پ: ره؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ جای درست بیت های ۶۸ و ۶۹ در جلوی این بیت است ۲۱- ل، پ، و، ب: وگر دل؛ س، لن، لی، آ، ل: اگر دل؛ ق، ق، آ: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف ۲۲- لی: نخواهد ۲۳- ل، س، لن، لی- ب: نخواهی که دایم بوی (آ: بود) مستمند؛ متن= ف ۲۴- ل: زبدها؛ لی: چو خواهی ز هر بد که یابی ۲۵- ق: نیایی؛ در ف این بیت پیش از بیت ۹۱ آمده است؛ در ل این بیت یکبار هم پس از بیت ۶۹ آمده است؛ در س، لن، ق، آ: این بیت پس از بیت ۶۹ آمده است؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۶- ق، آ: تویی ۲۷- ل: تن ۲۸- آ، ل، آ، ب: نکونام باشی؛ متن= ل، ق، پ، و؛ ف، س، لن، ق، آ، لی: این بیت را ندارند؛ در ل این بیت پس از بیت ۹۰، در ق پس از بیت ۶۷ و در پ، و، آ، ل: پیش از بیت ۷۰ آمده است

به گفتار پیغمبرت راه جوی<sup>۱</sup> ۹۵ چه گفت آن خداوند<sup>۲</sup> تنزیل و وحی که من شارستانم<sup>۳</sup> علیم در است گواهی دهم کین<sup>۴</sup> سخن راز<sup>۵</sup> اوست حکیم این جهان را چو دریا نهاد چو<sup>۶</sup> هفتاد کشتی برو<sup>۷</sup> ساخته یکی پهن کشتی بسان عروس ۱۰۰ محمّد بدو اندرون<sup>۸</sup> با علی

دل از تیرگی ها بدین آب شوی خداوند امر و خداوند نهی درست این سخن<sup>۹</sup> گفت<sup>۱۰</sup> پیغمبرست تو گویی دو گوشم<sup>۱۱</sup> بر<sup>۱۲</sup> آواز اوست برانگیخته موج ازو تندباد همه بادبان ها برافراخته بیاراسته همچو چشم خروس<sup>۱۳</sup> همان<sup>۱۴</sup> اهل بیت<sup>۱۵</sup> نبی و وصی<sup>۱۶</sup>

۱- ل: بگفتار پیغمبر راه جوی (۱)؛ در ف پس از این بیت بیت ۹۰ آمده است؛ پیاپی بیت های ۷۰-۹۴ در دستنویس ها - ف: ۹۲، ۹۱، ۹۴ (بیت های ۷۰-۹۰ و ۹۳ را ندارد)؛ ل: ۹۲، ۹۴، ۹۰، ۹۳، ۷۰-۷۶، ۸۰-۸۷، ۸۹-۹۲، ۹۴ (بیت های ۷۷-۷۹ و ۸۸ را ندارد، ولی بیت های ۷۷-۷۹ را در کناره افزوده است)؛ س، لن: ۹۲، ۷۰-۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴ (بیت ۹۳ را ندارد)؛ ق: ۳۲، ۳۳، ۶۷، ۹۳، ۷۰-۷۲، ۷۴-۸۰، ۸۲-۸۸، ۹۰، ۹۲ (بیت های ۷۳ و ۸۱ و ۸۹ و ۹۱ را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده اند)؛ ق: ۲: ۹۲، ۷۳-۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۷۰-۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۳ (بیت های ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۹۱ و ۹۳ را ندارد)؛ پ، آ: ۹۲، ۹۳، ۷۰-۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۷۰-۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۳ (بیت های ۷۰-۹۴؛ پیاپی بیت های متن = ب ۲- لن: خردمند ۳- پ، آ: < و >؛ ف- لن، ق: ۲- آ، ب پس از این بیت افزوده اند (در لن لت دوم بیت یکم ناخواناست):

که خورشید بعد از رسولان مه عمر کرد (لن: چو او کرد) اسلام را آشکار پس از هر دوان بود عثمان گزین (لن: اهل یقین) چهارم علی (لن: چو اکنون علی) بود جفت بتول این بیت ها در ق، ل<sup>۲</sup> (و نیز در س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند

۴- ل- آ، ب: شهر علمم؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> (شارسانم)؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت دوبار آمده است. یکبار با ضبط شهر علمم در اینجا، و بار دیگر با ضبط شارسانم پس از بیت ۹۷ ۵- ل: درستست و این ۶- ل- ل<sup>۲</sup>: قول؛ متن = ف، ب ۷- ل: این؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- لی، پ: را از؛ لن، ق: ۲: سخن ها از ۹- آ: دو گوشم تو گویی ۱۰- لن: به؛ پ، ب: پر؛ س، لن، ق: ۲- آ، ب پس از این بیت افزوده اند (در لن لت دوم بیت دوم را پاک کرده اند): علی را چنین گفت و دیگر همین کزیشان قوی شد به (ب: بدبه؛ ق: ۲: گشت) هرگونه دین و: کزیشان بود زور و بازوی دین بهم پشتی (ق: ۲: بهم نسبتی) یکدگر راست راه ب: بمانند با یکدگر سال و ماه

این دو بیت در ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup> نیست، ولی در ق آنها را میان دو ستون افزوده اند؛ ل پس از بیت ۹۷ و س، لن، ق: ۲، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب پس از دو بیت بالا و ق پس از بیت ۱۰۴ بیت زیر را افزوده اند:

منم بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای (ل، ق: ۲: جان پاک) وصی

این بیت در ف، و نیست؛ پ پس از بیت بالا یک بیت دیگر نیز افزوده است:

ایا دیگران مرا کار نیست بدین در مرا راه گفتار نیست

۱۱- ل: موج او شد چو باد؛ ق: ۲: موج ازو شد چو باد؛ در لن لت دوم این بیت را پاک کرده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ل: دو ۱۳- ل: بر آن؛ لی: بدو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- در لن لت دوم این بیت را پاک کرده اند ۱۵- ل: اندرو ۱۶- س، لن، ق: ۲- آ: همه؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup>، ب ۱۷- آ: اهل و بیت ۱۸- ل، لن، ق، لی، و، آ: ولی؛ س: همه بنده اهل بیت نبی؛ متن = ف، ق: ۲، پ، ل<sup>۲</sup>، ب؛ ف- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) پس از این بیت افزوده اند (در لن لت دوم بیت یکم و لت یکم بیت دوم را پاک کرده اند):

خردمند کز دور دریا بدید بدانست کول: کان) موج خواهد زد کسانه نه پیدا و بن ناپدید کس از غرق (ف، ل: ۲: اوج) بیرون نخواهد شدن ب: از او موج بر اوج خواهد شدن

به دل گفت اگر با نبی و وصی همانا که باشد مرا دستگیر خداوند جوی و می و انگبین شوم غرقه (ل: ۲: غرق) دارم دویار (ق روانرا) وفی خداوند تاج و لورا و سریر همان چشمه شیر و ماء معین



اگر چشم داری به دیگر سرای  
گرت زین بد آید<sup>۲</sup> گناه من ست  
برین<sup>۴</sup> زادم و هم برین<sup>۵</sup> بگذرم  
نگر تا به بازی نداری<sup>۷</sup> جهان ۱۰۵  
همه نیکیت باید<sup>۹</sup> آغاز کرد<sup>۱۰</sup>  
ازین<sup>۱۳</sup> در سخن چند رانم همی

بنزد نبی و وصی<sup>۱</sup> گیر جای  
چنین ست و این دین و<sup>۲</sup> راه من ست  
چنان دان که خاک پی<sup>۶</sup> حیدرم  
نه برگردی از نیک پی<sup>۸</sup> همرهان  
چو با نیکنامان بوی هم<sup>۱۱</sup> نبرد<sup>۱۲</sup>  
همانش کرانه<sup>۱۴</sup> ندانم همی

### گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه<sup>۱۵</sup>

سخن هرچه گویم<sup>۱۶</sup> همه گفته‌اند  
اگر<sup>۱۸</sup> بر درخت برومند جای  
توانم مگر پایگه<sup>۲۲</sup> ساختن ۱۱۰  
کسی کو شود زیر نخل بلند  
ازین<sup>۲۵</sup> نامور نامه<sup>۲۶</sup> شهریار

بر باغ<sup>۱۷</sup> دانش همه رفته‌اند  
نیابم<sup>۱۹</sup> که از<sup>۲۰</sup> برشدن نیست پای<sup>۲۱</sup>  
بر شاخ<sup>۲۳</sup> آن سرو سایه‌فگن  
همان سایه زو بازدارد<sup>۲۴</sup> گزند  
بمانم به گیتی<sup>۲۷</sup> یکی<sup>۲۸</sup> یادگار

۱- ل، و، ق: ۲: وصی و نبی ۲- ل: ۲: نداند ۳- ف: و آیین؛ ل: وین دین؛ ل: و این رسم و؛ آ: و این دین؛ متن = هشت دستنویس دیگر  
۴- ل: بدین ۵- لن، ل: بدین ۶- ق: ۲: کف، ف، س- ل: ۲ (و نیز ل، لن، س) پس از این بیت، و، ل، ب پس از بیت ۱۰۳ افزوده‌اند:  
دلت گریه راه خطا مایل است ترا دشمن اندر جهان خود دل است  
ل، س، لن، ق: ۲، پ، و، آ، ل، ب پس از بیت بالا دو بیت زیر را و، ف، ق تنها بیت دوم را افزوده‌اند (در ق بیت یکم را در کناره افزوده‌اند):  
نباشد جز از بی پدر دشمنش (آ: نباشد جزاهرمن بدکنش) که یزدان به آتش بسوزد تنش  
هرآنکس که دردلش (ل: کسی راکه دردل ز) بغض علی است ازوزارت در جهان زار (ف: کار؛ و: مرد؛ آ: خوار) کیست  
لی این دو بیت را ندارد ۷- ل: نه گریای داری به بازی؛ س، لن، ق: ۲- ب: نگر تا نداری بیازی؛ متن = ف، ق ۸- لن: راه بی؛ ل، آ، ب پس از این  
بیت افزوده‌اند:

کرانه بگیری (آ، ب: نگیری) ز بغض صحاب  
توبر خارجی لعنتی کن مدام (ب: دوام)  
ابوبکر و حیدر چو برکوثرند (ل: کوثرست؛ آ: برگ و برند)  
توسنی بزی (ل: سقی تری) تا بود (ل: بوی) هر دو دوست  
که هستند همچون نجوم و سحاب (ل: نجوم شهاب)  
وبر (ل: ابن) رافضی همچین کن دوام (ب: مدام)  
کجا خارجی (آ: خارج و) رافضی درخورند (ل: درخورست)  
ره رستگاری ازینست و اوست (ل: ازین و ازوست)

این بیت ها در هشت دستنویس دیگر نیست ۹- ل: همه نیک باید به؛ ل: ۲: همه نیکیت باد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- لن: کار ۱۱- ف:  
بجویی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- لن: درگذار؛ آ: هم نورد ۱۳- آ: بدین ۱۴- س، لن، ق: ۲، ل: پ، آ: همانا کرانش؛ و: همانا گزارش؛  
متن = ف، ل، ق، ل، آ، ب ۱۵- ف: گفتار اندران که فردوسی این حکایت با نظم میکند اگر سخنی نامعقول باشد بروی عیب نکنند که حکایت برین گونه  
بود؛ ل، س، ق، ب: اندر (ق: در) فراهم آوردن شاهنامه؛ پ، آ: اندر سبب نظم کتاب (آ: نظم شاهنامه)؛ و: گفتار در آغازنامه؛ ل: ۲: در جمع آوردن  
شاهنامه از جهان؛ ق: ۲ ناخواناست؛ متن = لن، ل: لی (که به ل، س، ق، ب نزدیک است) ۱۶- ف، ل: گفتم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- ل، آ: برو  
بوم؛ ل: بر بوم و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ل: کسی؛ و: از آن ۱۹- ل: نیابد؛ س، لن، ق: ۲، پ، ب: نیایی؛ ل: ۲: بیابم؛ متن = ف، و،  
آ ۲۰- ق: کجا ۲۱- ف، ل، لن، ل: بی، ب: رای؛ ل: ۲: جای؛ متن = س، ق، ق، آ، پ، و، آ ۲۲- س، لن، ق: ۲، آ: سایه‌ای؛ پ، و: چاره‌ای؛ ل:  
بنوی دگر پایه‌ای؛ ل: بدانم مگر پایگه؛ متن = ف، ق، ل، آ، ب ۲۳- ق: بنزدیک؛ در ل- ق: ۲، پ- ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛  
پای بی بیت های ۱۱۰ و ۱۱۱ در متن = ف ۲۴- ق: ۲: گردد؛ لی این بیت را ندارد؛ در ل- ق: ۲، پ- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۵-  
ل، س، لن، ق: ۲- آ، ب: کزین؛ متن = ف، ق، ل، آ ۲۶- ف، ل: ۲: نامه نامور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ل، س، لن، ق: ۲- ل: ۲: به گیتی بمانم؛  
متن = ف، ق، ب ۲۸- ل: ۲: بسی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

که هر کس که اندر سخن داد داد ز من جز به نیکی نگیرند یاد

تو <sup>۱</sup> این را دروغ و فسانه مدان ازو <sup>۳</sup> هرچه اندر خورد با خرد	به یکسان روشن <sup>۲</sup> زمانه مدان دگر بر ره رمز <sup>۴</sup> معنی برد
۱۱۵ یکی نامه بود از گه باستان پراگنده در <sup>۷</sup> دست هر موبدی یکی پهلوان <sup>۱۱</sup> بود دهقان نژاد پژوهنده‌ی روزگار نخست	فراوان بدو <sup>۵</sup> اندرون <sup>۶</sup> داستان ازو <sup>۸</sup> بهره‌یی <sup>۹</sup> نزد <sup>۱۰</sup> هر بخردی دلیر و بزرگ و خردمند و <sup>۱۲</sup> راد گذشته سخن‌ها همه <sup>۱۳</sup> باز جست
۱۲۰ ز هر کشوری موبدی <sup>۱۴</sup> سالخورد پرسیدشان از <sup>۱۶</sup> کیان جهان <sup>۱۷</sup> که گیتی به <sup>۲۱</sup> آغاز چون داشتند چگونه سرآمد به <sup>۲۲</sup> نیک اختری بگفتند پیشش <sup>۲۵</sup> یکایک مهان چوبش‌نید ازیشان سپهبد سخن	بیاورد کین نامه را گرد <sup>۱۵</sup> کرد وزان <sup>۱۸</sup> نامداران و <sup>۱۹</sup> فرخ مهان <sup>۲۰</sup> که ایدون به ما خوار بگذاشتند بریشان بر آن <sup>۲۳</sup> روز <sup>۲۴</sup> کنداوری سخن‌های شاهان و گشت جهان <sup>۲۶</sup> یکی نامور نامه افگند بن <sup>۲۷</sup> برو آفرین از کهان و مهان <sup>۲۸</sup>
۱۲۵ چنین یادگاری شد اندر جهان	

### گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی<sup>۲۹</sup>

- ۱- ل: رمز ۲- ق: ۲: یکسان روش را؛ و: بجز راز روشن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:
- دگر بُد که ناچار بایست گفت همان به که دارم سخن در نهفت
- ۳- ق: که از ۴- ل، ن، ل، ر، م، ز؛ ق این بیت را ندارد، ف پس از این بیت افزوده است:
- تو این نامور نامه از نیک و بد سخن هست بعضی که معقول نیست اگر از بی خاص رفتی سخن وگر سربسر بودی از بهر عام از آن طبع را نفرتی خاستی در آن جهد کردم که تانیک و بد بیابند ازین نامه دلپذیر بنزدیک دانشوران روشن است
- ۵- ف: بدوی ۶- ل: اندرو ۷- ق: بر ۸- ل: ۸- ل: ازان ۹- ل: بهره‌تر؛ ل: بهره‌بد؛ ق: که از بهره؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ق: ۲: نزدیک؛ ل: پ: برد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل: پهلوی ۱۲- ل: <و> ۱۳- ق، ق، ل، ا، ب: همی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۴- ف: موبد ۱۵- ل- ق: ۲، پ- ب: یاد؛ متن = ف، ل: ۱۶- ق: کز ۱۷- س، ل، ن، ق، ل، پ، آ: نژاد کیان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، ا، ب ۱۸- ف، ق، و، ل، ا، ب: ازان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۹- ل، ل، ل: ۲: <و>؛ ف: نامبردار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ل: گوان ۲۱- ل: ز؛ ق، ل، ا: از؛ ف: پاک شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل: ۲: ز ۲۳- ل، س، پ، و، آ: همه؛ ل، ن، ق، ل، پ، آ: همان؛ متن = ف، ق، ب ۲۴- ل: زور ۲۵- ل، پ، ل، ا: پیش ۲۶- ل: زمان؛ ف: زگشته نهان داستان شهان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ق: ۲: این بیت را ندارد ۲۸- آ: میان کهان و میان مهان؛ ق: ۲ این بیت را ندارد ۲۹- ف: گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی که اول شهنامه او گفته است؛ س، ل، ن، ق، ل، ا، ب: داستان دقیقی شاعر؛ ق، ل، ا: داستان ابومنصور دقیقی؛ پ: اندر داستان دقیقی شاعر؛ و: گفتار اندر داستان ابونصر دقیقی؛ آ: آغاز داستان؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف



۱۴۰ و دیگر<sup>۱</sup> که گنجم<sup>۲</sup> وفادار نیست  
 به شهرم یکی مهربان دوست بود  
 مرا گفت: خوب<sup>۸</sup> آمد این رای<sup>۹</sup> تو  
 نبشته<sup>۱۲</sup> من این<sup>۱۳</sup> دفتر<sup>۱۴</sup> پهلوی  
 گشاده زبان و جوانیت هست  
 شو این نامه<sup>۱۸</sup> خسروان بازگوی<sup>۱۹</sup>  
 ۱۴۵ [چو آورد این نامه نزدیک من  
 همین<sup>۳</sup> رنج را کس<sup>۴</sup> خریدار نیست<sup>۵</sup>  
 که با من توگفتی<sup>۶</sup> زهم پوست<sup>۷</sup> بود  
 به نیکی خرامد<sup>۱۱</sup> همی پای<sup>۱۱</sup> تو  
 به پیش تو آرم نگر<sup>۱۵</sup> نغنیوی<sup>۱۶</sup>  
 سخن گفتن<sup>۱۷</sup> پهلوانیت هست  
 بدین جوی نزد مهان آبروی  
 برافروخت این جان تاریک من<sup>۲۰</sup>

### گفتار اندر ستایش امیرک منصور<sup>۲۱</sup>

بدین نامه چون<sup>۲۲</sup> دست بردم فراز<sup>۲۳</sup>  
 جوان بود و از<sup>۲۶</sup> گوهر پهلوان  
 خداوند رای و خداوند شرم  
 یکی مهتری<sup>۲۴</sup> بود گردن فراز<sup>۲۵</sup>  
 خردمند و بیدار و روشن روان<sup>۲۷</sup>  
 سخن گفتنش<sup>۲۸</sup> خوب<sup>۲۹</sup> و آوای<sup>۳۰</sup> نرم

۱- ف: دو دیگر؛ متن = س-ب ۲-ق: انجم؛ ب: بخت؛ ل: وزو دیگر انجم؛ آ این بیت را ندارد ۳-لی: همه ۴-ق: کس را ۵-ق، پ، و پس از این بیت سه بیت و ف تنها بیت یکم را افزوده اند (در و بیت یکم و دوم پس و پیش شده اند):  
 زمانه سراسر پر از جنگ (ق: زنگ) بود  
 برین گونه یکچند بگذاشتم  
 ندیدم کسی کش سزاوار بود  
 بگفتار این مرمر یار بود  
 ل، س، لن، ق، ل، ل، ب پس از بیت ۱۳۹ و پ، و پس از سه بیت بالا دوبیت زیر را افزوده اند؛ در آ بیت پس از بیت ۱۳۶ و بیت دوم پس از بیت ۱۴۰ آمده است:

زنیکو سخن به چه (ل: این به) اندر جهان  
 برو آفرین از کهان و مهان

ل، و، ل: بنزد سخن سنج فرخ (ل: فر) مهان

اگر به نبود (ل: نامدی این؛ س، لی: به بدی از؛ لن: بد بدی این؛ ق، آ: نه بدی این؛ ل: نه بدی به؛ ب: بد بدی بی) سخن از خدای  
 نبی کی بدی نزد ما رهنمای

این دو بیت در ف، ق نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۶-ل-ب: توگفتی که با من؛ متن = ف ۷-ل: بیک پوست؛ س-ب: زیك پوست؛  
 متن = ف ۸-ق، پ، و: چون ۹-و: جای ۱۰-ل، پ، و، ل: ب: گراید؛ متن = ف، ق ۱۱-پ: جای؛ و: همه رای؛ متن = ف، ل، ق، ل، ب؛  
 س، لن، ق، ل، آ این بیت را ندارند؛ در لن، ق، ل، بجای این بیت، و در ق زیر آن، و در و پس از آن بیت زیر آمده است که جایش چند بیت پایین تر  
 است (← بیت ۱۴۹):

مرا گفت کز (و: بفرمای از) من چه باید (لی: آید) همی  
 که جانانت سخن بر (لی: را) گراید همی

۱۲-و: نوشته ۱۳-ق: از؛ لی: بسی ۱۴-ل، س، لن، ق: ب: نامه؛ متن = ف، ق ۱۵-ل، س، لن، لی، و-ب: مگر (ل، و را میتوان نگر هم  
 خواند)؛ متن = ف، ق، ق، ل، پ ۱۶-س، لن، لی، ب: بغنوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷-س، لن، لی: گفتن و ۱۸-ف: هنرنامه؛ پ: تو  
 این نامه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ق، و: خسروانی بگوی؛ آ: خسروی بازگوی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ف، ق (ونیز س) این بیت را  
 ندارند ۲۱-ف: گفتار اندر ستایش خواجه عمید ابومنصور بن محمد بن امیرک و داستان او در سبب گفتن شهنامه؛ س: داستان امیر ابومنصور؛ لن:  
 داستان امیر... (پاک شده است)؛ لی، ب: داستان ابومنصور؛ آ: گفتار اندر داستان امیرک ابونصر؛ ل: اندر داستان امیرک منصور؛ ل، ق، ق، ل، پ، و  
 سرنویس ندارند ۲۲-س-لی، آ: من؛ متن = ف، ل، پ، و، ل، ب ۲۳-ل: دراز ۲۴-ف: مهترم؛ متن = ل-ق، ل، پ-ب ۲۵-لی: بفرمان آن  
 مهتر سرفراز ۲۶-پ: ز ۲۷-در لن پساوند پاک شده است؛ در ف پس از این بیت افزوده است:

خداوند تاج و خداوند تخت  
 دلفروز و بیدار و پیروز بخت (← بیت ۱۶۲)

۲۸-ل، ق، و، ل: گفتن؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۹-س، لن: چرب؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-س، لی، پ، آ: آواز؛ متن = هشت  
 دستنویس دیگر

۱۵۰ مرا گفت کز من چه باید همی  
 به چیزی که باشد مرا دسترس  
 همی داشتم<sup>۵</sup> چون یکی تازه سبب<sup>۶</sup>  
 به کیوان رسیدم ز خاک نژند  
 به چشمش همان خاک و هم<sup>۱۰</sup> سیم وزر  
 سراسر جهان پیش او خوار بود  
 ۱۵۵ چو آن<sup>۱۳</sup> نامور<sup>۱۴</sup> کم شد از انجمن  
 دریغ آن کمر بند و آن گردگاه<sup>۱۸</sup>  
 نه زو زنده بینم نه مرده<sup>۲۰</sup> نشان  
 گرفتارو، زو دل شده<sup>۲۳</sup> ناامید  
 یکی پند آن شاه<sup>۲۶</sup> یاد آوریم<sup>۲۷</sup>  
 ۱۶۰ مرا گفت کین<sup>۲۹</sup> نامه<sup>۳۰</sup> شهریار

که جانت<sup>۲</sup> سخن برگراید همی  
 به گیتی<sup>۳</sup> نیازت نیارم<sup>۴</sup> به کس  
 که از باد نامد<sup>۷</sup> به من<sup>۹</sup> بر نهیب<sup>۹</sup>  
 از آن نیک دل نامدار ارجمند  
 کریمی<sup>۱۱</sup> بدو یافته زیب<sup>۱۲</sup> و فر  
 جوانمرد بود و وفادار بود  
 چن<sup>۱۵</sup> از<sup>۱۶</sup> باغ سرو سهی از<sup>۱۷</sup> چمن  
 دریغ آن کمی برز<sup>۱۹</sup> بالای شاه  
 بدست<sup>۲۱</sup> نهنگان<sup>۲۲</sup> مردم کُشان  
 نوان<sup>۲۴</sup> لرززان<sup>۲۵</sup> بکردار بید  
 ز کژی روان<sup>۲۸</sup> سوی داد آوریم<sup>۲۷</sup>  
 گرت<sup>۳۱</sup> گفته آید به شاهان<sup>۳۲</sup> سپار

### گفتار اندر ستایش سلطان محمود<sup>۳۳</sup>

بدین نامه من<sup>۳۴</sup> دست بردم فراز<sup>۳۵</sup> به نام شهنشاه گردن فراز

۱- و: از؛ در لن این لت پاك شده است ۲- ق: که جانرا؛ در لن، ق: آ، لی این بیت بجای بیت ۱۴۱، و در ق در زیر آن، و در و پس از آن نیز آمده است (← بیت ۱۴۱ پ) ۳- ل، ق، و، ل: آ، لی، پ، آ، ب: بکوشم؛ متن= ف ۴- ل: نیارد نیارم (!)؛ ق: نیازت نیاید؛ لی، ل: آ، نیارم نیازت؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- ل: به پیشش بدی؛ در لن لت یکم این بیت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر ۶- ل: آ، نارسب ۷- پ: ناید ۸- لن: یقین ۹- ل: که نامد بمن بر چیزی نهیب؛ ق: که از باد بر من نیامد نهیب؛ آ: که نامد ز چیزی بمن بر نهیب؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، و، ل: آ، ب ۱۰- ق: آ، آن ۱۱- ف: زگیتی؛ لی: بزرگی؛ و: جوانی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ف، ق: نام؛ ب: سیم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، ق: آ، و، ب: چنان؛ ق: جوان؛ متن= ف، ل، آ، ل ۱۴- ق: نام او؛ لی: تاجور ۱۵- ل، لی، و- ب: چو؛ پ: که؛ متن= ف ۱۶- ل- ب: در؛ متن= ف ۱۷- ل: بر ۱۸- لن، ق: آ، و، ل: آ، ب: گردهگاه؛ متن= ف، ق، آ ۱۹- پ، آ، ل: آ، برزو؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ل، س، لن، ق: آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل: نه مرده به بینم نه زنده؛ آ: نه زنده بینم نه مرده؛ ب: نه زو زنده نه مرده یابم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- ق: زدست ۲۲- س، و، ب: نهنگان و؛ در ل، س، لن، ق: آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های ۱۵۶ و ۱۵۷= ف، ق؛ در س پس از این بیت تا بیت ۱۰۹ داستان جمشید را انداخته است ۲۳- ل: همه راز این دل شده؛ لن، آ: گرفتار زو دل شده؛ ق: گرفتار دل زو شده؛ ق: آ، لی، ل: آ، ب: گرفتار وز (ل، آ، ب: واز) دل شده؛ متن= ف، پ، و ۲۴- و: روان؛ متن= ده دستنویس دیگر (ف در بالای نوان افزوده است روان) ۲۵- ل: لرزه لرزان؛ ب پس از این بیت افزوده است:

ستم باد بر جان آن ماه و سال کجا برتن شاه شد بدسگال

در ف این بیت پس از بیت ۱۶۲ آمده است ۲۶- ق: یکی پند شاهانه ۲۷- لی: آورم ۲۸- ل: آ، و آن ۲۹- پ، و: این؛ ل: بکوشم که این ۳۰- لن: گفته ۳۱- آ: اگر ۳۲- ب: بکیهان؛ ق، ب پس از این بیت بیت ۲۰۹ را افزوده اند ۳۳- ف: گفتار اندر ستایش سلطان عادل پادشاه غازی محمود بن سبکتکین قدس الله روحه العزیز؛ ل، ق، آ، پ، و، ل: آ، در (پ، و: اندر) ستایش سلطان محمود (ق، آ، ل: محمود سبکتکین؛ و: محمود سبکتکین رحمة الله)، لن، ق: ستایش سلطان محمود سبکتکین (لن: نورالله قبره)؛ لی: داستان سلطان محمود؛ آ: گفتار اندر داستان سلطان محمود؛ ب: ستایش سلطان محمود ۳۴- ق: بر؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- لی: دراز

جهاندارو<sup>۱</sup> بیدارو<sup>۲</sup> پیروزبخت  
 چنو<sup>۳</sup> شهریار<sup>۴</sup> نیامد پدید  
 زمین شد بکردار تابنده عاج  
 نهاد از بر تاج خورشید تخت  
 پدید آمد از فر<sup>۵</sup> او کان زر  
 به مغز<sup>۶</sup> اندر اندیشه بسیار گشت  
 کنون نو شود<sup>۷</sup> روزگار کهن

بخفتم<sup>۸</sup> شبی، لب<sup>۹</sup> پر از آفرین  
 که رخشنده شمعی برآمد ز آب  
 از آن شمع گشتی<sup>۱۰</sup> چویاقوت زرد  
 یکی تخت پیروزه پیدا شدی  
 یکی تاج بر سر بجای کلاه  
 بدست چپش هفتصد زنده پیل  
 به داد و به دین<sup>۱۱</sup> شاه را رهنمای  
 وزان<sup>۱۲</sup> زنده پیلان و چندان<sup>۱۳</sup> سپاه  
 از آن نامداران<sup>۱۴</sup> پرسیدمی  
 ستارهست پیش اندرش<sup>۱۵</sup> یا<sup>۱۶</sup> سپاه؟

خداوند تاج و خداوند تخت  
 جهان آفرین تا جهان آفرید<sup>۱۷</sup>  
 چو خورشید بر گاه بنمود<sup>۱۸</sup> تاج<sup>۱۹</sup>  
 ابوالقاسم آن شاه پیروزبخت<sup>۲۰</sup>  
 ز خاور بیاراست تا باختر  
 مرا اختر خفته بیدار گشت  
 بدانست کامد زمان سخن

بر اندیشهی شهریار زمین<sup>۲۱</sup>  
 چنان دید روشن روانم به خواب<sup>۲۲</sup>  
 همه<sup>۲۳</sup> روی گیتی شب لاژورد<sup>۲۴</sup>  
 در و دشت برسان دیبا<sup>۲۵</sup> شدی  
 نشسته برو شهریار<sup>۲۶</sup> چو ماه  
 رده برکشیده سپاهش دو<sup>۲۷</sup> میل  
 یکی پاک<sup>۲۸</sup> دستور پیشش پهای<sup>۲۹</sup>  
 مرا خیره گشتی سر از فر<sup>۳۰</sup> شاه  
 چو آن چهره‌ی خسروی دیدمی  
 که این<sup>۳۱</sup> چرخ و<sup>۳۲</sup> ماهست یا<sup>۳۳</sup> تاج و گاه؟<sup>۳۴</sup>

۱- و: < و > ۲- ق، و: < و > ؛ ل، لن، ق، لی، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۴۷ آمده است؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۲۰۰ آمده‌اند ۳- ف: که تا پاک یزدان جهان آفرید ۴- لی: چو او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۵- ل، لن، ق، و، ل، ب: مرزبانی؛ متن = ف، آ؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۲۰۰ آمده‌اند؛ ف پس از این بیت بی‌تی افزوده است که در ب پس از بیت ۱۵۸ آمده است:  
 ستم باد بر جان آن ماه و سال که شد بر تن و جان او بدسگال

۶- لن، ق، لی، پ، آ: بنمود برگاه؛ متن = ف، ق، و، ل، ب ۷- ل: زنامش همه بر فرزند تاج؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت پیش از بیت ۱۶۹ آمده است؛ ل، لن، ق ۲- آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:  
 چه گویی که خورشید تابان که (ل: چه) بود کزو در جهان روشنایی فزود  
 این بیت در ف، ق، ل<sup>۲</sup> نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۸- ق<sup>۲</sup>: فیروزبخت، ل: برافراشت کاخ و برافراشت تخت ۹- ق<sup>۲</sup>: بمهر؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- ل، ل، ل<sup>۲</sup>: شد آن؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- ل: چو باز آدمم نزد شاه زمین ۱۲- ل: نخفتم ۱۳- ف: دل؛ لن، ق، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ق، آ، ب پیش از این بیت، لن، ق، لی بجای این بیت، و، ل<sup>۲</sup> پس از این بیت زیر را افزوده‌اند؛ پ پس از بیت ۱۶۹ نخست بیت یکم ۱۳۹ پ و سپس بیت زیر را افزوده است:  
 دل من چو نور اندران تیره‌شب نخفته (ق، ل، ب: بخفته؛ و: نهفته) گشاده دل و بسته‌لب  
 این بیت در ف، ل نیست ۱۴- ل: همی ۱۵- ف، لن، پ، ل، ب: لاجورد؛ متن = ل، و، آ ۱۶- ل، لی: گیتی ۱۷- ق: دریا ۱۸- ب: سه؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ در لن، لی این بیت پس از بیت ۱۷۸ آمده است ۱۹- و: به داد و دهش، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲۰- ل: از آن؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲۱- ل: چندین ۲۲- ف: نامداری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- لن: که آن ۲۴- ل، لن، ق، آ، ل، ب: < و >؛ متن = ف، ق، لی، پ، و ۲۵- ل، ل، ل<sup>۲</sup>: با ۲۶- ب: تاج شاه ۲۷- ل: گرد آمده؛ ق، ل: ستاره به پیش اندرش؛ پ: ستاره به پیش اندرون؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ل: با

ز قَنُوج تا پیش دریای<sup>۲</sup> سِند  
به رای و به فرمان او زنده‌اند  
بپردخت<sup>۵</sup> از آن، تاج<sup>۶</sup> بر سر نهاد  
به آبشخور آرد همی میش و گرگ  
برو شهریاران کنند آفرین  
ز گهواره<sup>۸</sup> محمود گوید نُخست<sup>۹</sup>  
بدو نام جاوید جوینده‌یی  
نیارد گذشتن ز پیمان اوی<sup>۱۱</sup>

چه مایه شب تیره بودم پِیای  
نبودم درم، جان برافشاندم<sup>۱۲</sup>  
که آواز او بر<sup>۱۳</sup> جهان فرخ‌ست  
بران<sup>۱۵</sup> بخت بیدار و تاج و نگین<sup>۱۶</sup>  
هوا پر ز ابر و زمین پرنگار<sup>۱۷</sup>  
جهان شد بکردار باغ اِرم  
کجا هست مردم، همه یاد<sup>۱۹</sup> اوست  
به رزم اندرون تیز چنگ اژدهاست  
به دست<sup>۲۳</sup> ابر بهمن، به دل<sup>۲۴</sup> رود نیل  
چو دینار شد خوار<sup>۲۷</sup> بر<sup>۲۸</sup> چشم اوی<sup>۲۶</sup>  
نه دل تیره دارد<sup>۳۱</sup> ز زرم و ز رنج<sup>۳۲</sup>  
از<sup>۳۳</sup> آزاد و از نیکدل<sup>۳۴</sup> بردگان<sup>۳۵</sup>  
به فرمانش بسته<sup>۳۸</sup> کمر استوار

مرا<sup>۱</sup> گفت کین شاه روم ست و هند  
۱۸۰ که<sup>۲</sup> ایران و توران وُرا بنده‌اند  
بیاراست روی زَمین<sup>۴</sup> را به داد  
جهاندار<sup>۷</sup> محمود شاه بزرگ  
ز کَمشیر تا پیش دریای چین  
چو كودك لب از شیر مادر بشست  
۱۸۵ تو نیز آفرین کن که گوینده‌یی  
نیچد کسی سر ز فرمان اوی

چوبیدار گشتم بجستم زجای  
بران شهریار آفرین خواندم  
به دل گفتم این خواب را پاسخ‌ست  
۱۹۰ بران<sup>۱۴</sup> آفرین کو کند آفرین  
ز فرش جهان شد چو باغ بهار  
ز ابر اندرآمد به هنگام نم<sup>۱۸</sup>  
به ایران همه خوبی از داد اوست  
به بزم اندرون آسمان<sup>۲۰</sup> وفاست<sup>۲۱</sup>  
۱۹۵ به تن زنده پیل و به<sup>۲۲</sup> جان جبرئیل  
سربخت<sup>۲۵</sup> بدخواه با خشم اوی<sup>۲۶</sup>  
نه کُندآوری<sup>۲۹</sup> گیرد از تاج و گنج<sup>۳۰</sup>  
هر آنکس که دارد ز پروردگان  
شهنشاه<sup>۳۶</sup> را سربسر دوستدار<sup>۳۷</sup>

۱- ل، لن، ق، آ- ب: یکی؛ متن=ف، ق ۲- پ: زدریای قنوج تا پیش؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۷۶ آمده است ۳- ل: از (یا: ز)؛ لن- پ، آ، ل، آ، ب: به؛ متن=ف، و ۴- ل: بیاراسته روی مه ۵- ل: پرداخت ۶- ل: تاج و ۷- ل: جهانبان ۸- ق، آ، ل: بگهواره ۹- ق: درست، در لن، ق، آ، لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۰- ف: اگر بنده؛ ق: که هم بنده؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ل این بیت با بیت سپسین و در لن، ق، آ، لی با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۱- در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ لن، ق، آ- این بیت را ندارند ۱۲- ق: ورا شهریار زمین خواندم ۱۳- آ: در ۱۴- لن: برین ۱۵- ب: بدان ۱۶- لن، ق، آ، لی، پ، آ: فرخ زمین؛ و، ب: فرخ نگین؛ ل این بیت را ندارد، متن=ف، ق، ل ۱۷- و: چون نگار؛ لی: مشک بار ۱۸- ل: بگیتی برآید بهر کام نم(ا) ۱۹- ف، ق: جهان شادمان از دل شاد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- لن، و: افتاب ۲۱- ل، ق: سخاست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- لی: <به> (وزن نادرست است) ۲۳- ل، لن، ق، آ- ب: بکف؛ متن=ف، ق، ل ۲۴- لی: بتن؛ در ق، ل: ت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۵- پ، و، ب: تخت؛ آ: نخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۶- ق، لی: او ۲۷- ل، لن- پ، آ، ب: خوارست؛ متن=ف، ق، و، ل ۲۸- ل: با ۲۹- ل: نه کین اوری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- لن: از باج و گنج؛ ق: از تاج و تخت؛ آ: از باج و رنج؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- آ: دارم ۳۲- ل: زرنج و زگنج؛ ق: زازرم و رنج؛ ق: زازرم و بخت؛ آ: زرم و رنج؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۳- ل: وز؛ پ، و: ز ۳۴- ف: وزیاك دل؛ ق، ب: وز (ب: واز) نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- ق، لی: بندگان؛ آ(۲۰۷+۲۰۸)ب:

هر آنکس که دارد ز پروردگار بفرمان بسته کمر استوار

۳۶- ب: همه شاه ۳۷- ل: همه بندگان پیش او خواستار ۳۸- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: بفرمان بسته؛ متن=ق، و، ب؛ ف این بیت را ندارد؛ آ تنها ل دوم این بیت را دارد (← ۳۵)؛ در ق، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در ق در میان این دو بیت دیگری هم افزوده است (← ۲۰۰)؛ در ل پس از این بیت های ۱۶۲ و ۱۶۱ آمده اند

۲۰۰ شده هر یکی شاه بر کشوری  
 نخستین برادرش کهتر<sup>۲</sup> بسال  
 به<sup>۳</sup> گیتی پرستندهی فر<sup>۴</sup> نصر  
 کسی کهش پدر ناصر<sup>۵</sup> دین<sup>۶</sup> بود  
 و دیگر<sup>۷</sup> دلاور سپهدار طوس  
 ۲۰۵ بیخشد درم هرچه یابد<sup>۸</sup> ز دهر<sup>۹</sup>  
 به یزدان بود خلق را رهنمای  
 جهان بی سر و تاج خسرو مباد  
 همیشه تن آباد<sup>۱۰</sup> با تاج و تخت  
 کنون بازگردم به<sup>۱۱</sup> آغاز کار<sup>۱۲</sup>  
 روان نامشان بر همه منبری<sup>۱۳</sup>  
 که در مردمی کس ندارد همال  
 زید شاد<sup>۱۴</sup> در سایه<sup>۱۵</sup> پر<sup>۱۶</sup> عصر  
 پی<sup>۱۷</sup> تخت او تاج پروین<sup>۱۸</sup> بود  
 که در جنگ بر<sup>۱۹</sup> شیر دارد فسوس  
 همه<sup>۲۰</sup> آفرین جوید<sup>۲۱</sup> از دهر بهر  
 سر شاه<sup>۲۲</sup> خواهد که باشد<sup>۲۳</sup> بجای  
 چنین هم<sup>۲۴</sup> بماناد جاوید<sup>۲۵</sup> و شاد  
 ز درد و غم آزاد و پیروزبخت  
 سوی نامور نامهی<sup>۲۶</sup> شهریار<sup>۲۷</sup>

۱- ق، پ: دفتری؛ ل، لن، ق: آ: لی، آل، ب: این بیت را ندارند؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ف پس از این بیت بیت ۱۶۳ آمده است؛ در ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در ق در میان این دو بیت زیر را افزوده است:

بمردی و جلدی و زور مهان ندیدم چو ایشان کس اندر جهان

ق پس از این بیت سر نویس دارد: گفتار اندر ستایش امیر نصر ناصرالدین ۲- ق: آ: کهن (وزن نادرست است) ۳- لن، ق: آ: ب: ز؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق ۴- لن، ق، لی، پ، و، ب: فر و نصر؛ آ: میر نصر؛ متن= ف، ق، ل ۵- ق: آ: شاه ۶- لن، ق: آ: شاه؛ ب: فر با متن= ف، ق، ل ۷- ل، لن، ق، پ، ل: ناصرالدین؛ و این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، لی، آ، ب ۸- ل، لن، ق، ق، آ، پ، آ: سر؛ لی: سرو؛ متن= ف، ل، آ، ب ۹- ق: سرتاج و تختش به پروین؛ ق، پ، و پس از این بیت ول پیش از این بیت افزوده اند:

خداوند مردی و رای و هنر بدو شادمان مهتران سربسر

۱۰- ف، ل، ق: بوژه؛ لی، ب این بیت را ندارند؛ متن= لن، ق، آ، پ، و، آل ۱۱- ق: آ: با؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۰۲ آمده است ۱۲- لن، ق، آ: دارد؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، و، آل، ب ۱۳- لن: شهر ۱۴- ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ب: همی؛ متن= ف، ل ۱۵- ل: جواید؛ لن، ق، آ، پ: یابد؛ و، آ، ب: خواهد؛ متن= ف، ق، ل ۱۶- ل: خویش ۱۷- لن، ق: آ: اند؛ متن= ف، ل، ل، ب ۱۸- لن، ق: آ: ب: همیشه؛ متن= ف، ق ۱۹- پ، و: < >؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل: ترا باد ۲۱- ق: بر ۲۲- ل: همی باز جویم من از کردگار ۲۳- ف، ل، ق، لی، و، ب: نامه نامور؛ متن= لن، ق، آ، لی، آل



گيومرت



## پادشاهی گیومرت سی سال بود<sup>۱</sup>

سَخُن گوی<sup>۲</sup> دهقان چه گوید نُخست  
 که بود آنکه دیهیم بر سر نهاد  
 مگر کز پدر یاد دارد پسر  
 که نام بزرگی که آورد پیش  
 ۵ چُنین گفت کاین تخت و<sup>۱۱</sup> کلاه  
 که خود چون شد او بر جهان کدخدای<sup>۱۴</sup>  
 سرِ تخت و بختش<sup>۱۷</sup> برآمد<sup>۱۸</sup> ز<sup>۱۹</sup> کوه  
 که تاج<sup>۳</sup> بزرگی<sup>۴</sup> به گیتی که جُست  
 ندارد<sup>۵</sup> کس آن<sup>۶</sup> روزگاران بیاد  
 بگوید ترا<sup>۷</sup> يك به يك، در به در<sup>۸</sup>  
 که را بود از آن مهتران<sup>۹</sup> مایه<sup>۱۰</sup> بیش  
 گیومرت<sup>۱۲</sup> آورد و<sup>۱۳</sup> او بود شاه  
 نُخستین<sup>۱۵</sup> به کوه اندرون ساخت<sup>۱۶</sup> جای  
 پلنگینه پوشید خود با گروه<sup>۲۰</sup>

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی گیومرت سی سال بود و داستان سیامک پسرش با دیو و کشته شدن سیامک بر دست دیو؛ ل: پادشاهی گیومرت اول ملوک عجم سی سال بود؛ لی: بر تخت نشستن گیومرت؛ ل<sup>۲</sup>: آغاز داستان شاهنامه؛ ب: آغاز داستان؛ متن= لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، و؛ در س این داستان افتاده است؛ در ب از بیت ۴۹ داستان گیومرت تا بیت ۱۳ جمشید را انداخته است ۲- ل: سخن دان ۳- ق: نام ۴- ل<sup>۲</sup>: کی را ۵- ف: که دارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۶- ل- آ، ب: از؛ متن= ف، ل<sup>۲</sup> ۷- و: همه ۸- لن، لی، ب: از پدر؛ پ: بگوید ترا يك يك اورا پدر(!)، متن= هفت دستنویس دیگر ۹- ل- لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب: برتران؛ پ: پایگه؛ متن= ف، آ ۱۰- لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، ب: پایه؛ متن= ف، ل، و، آ ل<sup>۲</sup> ۱۱- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: کاین تخت و (پ: < و >) مهر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- ل- ب: گیومرت؛ متن= ف (=بنداری: گیومرت) ۱۳- ل: < و >؛ و: کوه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نخستین زشاهان گیومرت پای  
 به تخت اندر آورد و بگرفت جای  
 ل، لن، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب پس از بیت ۵ دو بیت افزوده اند:

جهان گشت بافر و آیین و آب (پ، و، ب: تاب)  
 که گیتی جوان گشت (و: شد) ازو (ل: ازآن) یکسره  
 چو آمد به برج حمل آفتاب  
 بتابید از آنسان (ل، لن، پ، ب: ازبسان) زبرج (ل: ببرج؛ پ: زپشت) بره  
 این دو بیت در ف، ق، ق<sup>۲</sup>، آ نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۱۴- ل: که چون او شد اندر جهان پادشای؛ لن، ق، ق<sup>۲</sup>: که چون نوشد او بر جهان کدخدای؛ لی، پ، و: گیومرت شد بر جهان کدخدای؛ ل<sup>۲</sup>، ب: کی نوچوشد بر جهان کدخدای؛ متن= ف ۱۵- پ: نخست او ۱۶- و: داشت؛ لن: کرد ۱۷- ل، ب: سربخت و تختش؛ پ، و، ل<sup>۲</sup>: سر تاج و تختش؛ متن= ف، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، آ ۱۸- لی: درآمد ۱۹- ل، لن، ق<sup>۲</sup>: به ۲۰- ل: با هم گروه؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: پرستنده آذر آمد گروه؛ متن= ف، ق، و، آ ل<sup>۲</sup>، ب: لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ پس از این بیت افزوده اند:

پلنگینه پوشید خود با گروه  
 نبود (لی: نبودش) نشستش بجز برز کوه

۱۰ همی تافت زو<sup>۴</sup> فر<sup>۵</sup> شاهنشهی  
 دد و دام و هر جانور کهش بدید  
 دو تا میشدندی<sup>۸</sup> بر تخت او<sup>۹</sup>  
 به رسم نماز آمدندیش پیش<sup>۱۱</sup>  
 پسر بُد مر<sup>۱۳</sup> او را یکی خوبروی<sup>۱۴</sup>  
 ۱۵ سیامک بُدش نام و فرخنده بود  
 ز<sup>۱۹</sup> گیتی به دیدار او شاد بود  
 به جانش بر<sup>۲۴</sup> از<sup>۲۵</sup> مهر گریان<sup>۲۶</sup> بُدی  
 برآمد برین<sup>۳۰</sup> کار یک روزگار  
 به گیتی نبودش کسی دشمنان  
 ۲۰ به رشک<sup>۳۴</sup> اندر آهرمن<sup>۳۵</sup> بدسگال  
 یکی بچه بودش چو گرگ<sup>۳۸</sup> سترگ  
 جهان شد بران<sup>۳۹</sup> دیوبچه سپاه  
 سپه کرد و<sup>۴۳</sup> نزدیک او راه جست<sup>۴۴</sup>  
 همی گفت با هر کسی راز<sup>۴۷</sup> خویش  
 ۲۵ گیومرت<sup>۴۹</sup> ازین خود<sup>۵۰</sup> کی<sup>۵۱</sup> آگاه بود

که پوشیدنی نو بُد و نو<sup>۲</sup> خورش  
 به خوبی چو خورشید برگاه بود  
 چو ماه دو هفته ز<sup>۶</sup> سرو سهی  
 ز<sup>۷</sup> گیتی بنزدیک او آرمید  
 از آن برشده فر<sup>۱۰</sup> و بخت<sup>۱۱</sup> او<sup>۹</sup>  
 از آنجایگه<sup>۱۲</sup> برگرفتند کیش  
 خردمند<sup>۱۵</sup> و<sup>۱۶</sup> همچون پدر نامجوی<sup>۱۷</sup>  
 گیومرت<sup>۱۸</sup> را دل بدو زنده بود  
 که پُس<sup>۲۰</sup> بارور<sup>۲۱</sup> شاخ<sup>۲۲</sup> بنیاد<sup>۲۳</sup> بود  
 ز بیم<sup>۲۷</sup> جدایش<sup>۲۸</sup> بریان<sup>۲۹</sup> بُدی  
 فروزنده شد دولت شهریار  
 مگر در نهان<sup>۳۱</sup> ریمن<sup>۳۲</sup> آهرمن<sup>۳۳</sup>  
 همی رای زد تا بیانند<sup>۳۶</sup> یال<sup>۳۷</sup>  
 دلاور شده با سپاهی بزرگ  
 ز بخت<sup>۴۱</sup> سیامک، چه از بخت شاه<sup>۴۲</sup>  
 همی<sup>۴۵</sup> تخت و دیهیم کی شاه<sup>۴۶</sup> جست<sup>۴۴</sup>  
 جهان کرد یکسر پراواز<sup>۴۸</sup> خویش  
 که تخت مهی را جزو شاه بود<sup>۵۲</sup>

۱- آ: از اندرز! ۲- ب: که پوشیدنی زو بُد وزو ۳- ق: به گیتی در او؛ ق، لی، و، آ: به گیتی درون؛ ف، لن، پ، ل، آ، ب: به گیتی برو (خوانده شد: به گیتی بر او)؛ ل این بیت و چهار بیت پس از آنرا ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده است ۴- ف، لن، ق، لی، پ: از؛ ق: بر؛ ل: زان؛ متن = و، آ، ب ۵- ف، لن، ق، لی، پ، و، ل: تخت؛ متن = ق، آ، ب ۶- و: چو! ۷- ل: به ۸- ل: دوتایی شدند ۹- ق، لی، آ، ل: او؛ متن = ف، لن، ق، آ، ب، و، ب ۱۰- لی، ب: از آن فر<sup>۵</sup> برشده بخت؛ ق: از آن فر<sup>۱۰</sup> و از بخت؛ آ: از آن فر<sup>۱۰</sup> و آن برشده بخت؛ متن = ف، لن، پ، و، ل ۱۱- ل: آمدندی به پیش ۱۲- ل: وزان جایگه ۱۳- لن، ق، آ، ب: پسر بود ۱۴- ق، و، ل، آ، ب: نامجوی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۵- لن- ب: هنرمند؛ متن = ف، ل ۱۶- ل، ق، لی، و، آ: > و ۱۷- ق، و، ل، آ، ب: خوب روی؛ متن = هفت دستویس دیگر ۱۸- ل- ب: کیومرث؛ متن = ف ۱۹- آ: به ۲۰- ف- ل: بس؛ متن = ب ۲۱- ل، لن، ق، آ، ب: نامور؛ متن = هفت دستویس دیگر ۲۲- ف- ق، آ، ب: شاخ و؛ متن = لی (و نیز ل ۲۳- ق: دلشاد؛ ل این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده است ۲۴- آ: بجایش پر ۲۵- ل: > و ۲۶- آ، ل: بریان ۲۷- ل: بروز ۲۸- لن: خدایش ۲۹- آ، ل: گریان ۳۰- لی: بدین ۳۱- ل: مگر بدکنش؛ لی، و: جز اندر جهان؛ ل، آ، ب: جز اندر نهان؛ متن = لن، ق، آ، ب، آ ۳۲- لن: زمین (!) ۳۳- لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: اهرمنا؛ و: اهریمنا؛ متن = ل، ق، پ؛ در ف بجای این بیت زیر آمده است:

نبودش کسی دشمن اندر جهان بجز تیره اهرمن بدنهان  
 ۳۴- ل: بشک (!) ۳۵- و: اهریمن ۳۶- ق: برآورد؛ پ: بیاید؛ ب: پراکند؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۷- ق، و: نال (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: بال؛ متن = هفت دستویس دیگر ۳۸- ف: دیوی؛ لن: گرگی؛ لی: شیری؛ متن = هشت دستویس دیگر ۳۹- لن: ازان؛ ق: بدین؛ لی: بدان؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴۰- ل- ب: سیاه؛ متن = ف ۴۱- ل، ق، آ، ب: ز تخت؛ متن = نه دستویس دیگر ۴۲- ل: وزان پایگاه؛ ق، آ، ب: وزان بارگاه؛ آ: چه از تخت شاه؛ ل، آ، ب: هم از بخت شاه؛ متن = ف، لن، لی، و؛ در لن، ق، آ، لی، پ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۴۳- ل، آ: > و؛ ل: سیه کرد و؛ متن = هشت دستویس دیگر ۴۴- ف: کرد؛ متن = ده دستویس دیگر ۴۵- پ، و: همان؛ متن = نه دستویس دیگر ۴۶- ل، آ، ب: که شاه (در ل: حرف یکم به پیش است)؛ متن = نه دستویس دیگر؛ در لن، ق، آ، لی، پ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۴۷- ل: رای ۴۸- ل: اوای ۴۹- ل- ل، لی، و- ب: کیومرث؛ متن = ف، پ ۵۰- ق: زین خود؛ آ: از خود ۵۱- ب: نه ۵۲- لن، ق، آ، لی، پ: که او را بدرگاه بدخواه بود؛ متن = هفت دستویس دیگر؛ در آ پس از این بیت بیت ۲۷ آمده است

بسان پریبی<sup>۲</sup> پلنگینه‌پوش  
 که دشمن چه سازد همی با پدر<sup>۷</sup>  
 ز کردار بدخواه<sup>۸</sup> دیو پلید  
 سپاه انجمن کرد و بگشاد گوش  
 که جوشن بُد خود<sup>۱</sup>، نه<sup>۱۱</sup> آیین جنگ  
 سپه<sup>۱۴</sup> را چو روی اندرآمد بروی<sup>۱۵</sup>  
 برآویخت<sup>۱۶</sup> با دیو<sup>۱۷</sup> آهرمنا  
 دو تا اندرآورد بالای شاه<sup>۱۸</sup>  
 به چنگال کردش<sup>۱۹</sup> کمرگاه چاک  
 تبه گشت و ماند انجمن بی خدیو  
 ز تیمار گیتی برو شد سیاه  
 زنان بر سر و گوشت شاهان کنان<sup>۲۱</sup>  
 دژم کرده بر خویشان روزگار<sup>۲۳</sup>  
 کشیدند صف بر در شهریار  
 دو چشم ابرخونین<sup>۲۵</sup>، دورخ بادرنگ<sup>۲۶</sup>  
 برفتند ویله‌کنان سوی کوه  
 ز درگاه کی شاه برخاست<sup>۳۰</sup> گرد

یکایک<sup>۱</sup> بیامد خجسته سروش  
 بگفتش به راز<sup>۳</sup> این<sup>۴</sup> سخن<sup>۵</sup> دربه‌در<sup>۶</sup>  
 سخن چون به گوش سیامک رسید  
 دل شاه بچه<sup>۹</sup> برآمد به جوش  
 ۳۰ بپوشید تن را به چرم پلنگ  
 پذیره شدش<sup>۱۲</sup> دیورا<sup>۱۳</sup> جنگ جوی  
 سیامک بیامد برهنه تنا  
 بزد چنگ وارونه دیو سیاه  
 فگند آن تن شاهزاده به خاک  
 ۳۵ سیامک بدست خزوران<sup>۲۰</sup> دیو  
 چو آگه شد از مرگ فرزند، شاه  
 فرود آمد از تخت ویله کنان  
 دو رخساره<sup>۲۲</sup> پر خون و دل سوگوار  
 خروشی برآمد ز لشکر بزار<sup>۲۴</sup>  
 ۴۰ همه جامه‌ها کرده پیروزه رنگ  
 دد و<sup>۲۷</sup> مرغ و نخچیر کرده<sup>۲۸</sup> گروه  
 برفتند<sup>۲۹</sup> با سوگواری و درد

۱- ل: ۲. سیامک ۲- لی: پرنندی؛ پ: رهی؛ و: پری؛ آ: بریدی؛ ل: ۲. برینی؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، ب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره  
 افزوده‌اند ۳- ل، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: ورا؛ و: همه؛ آ: پراز؛ متن = ف ۴- ل، ل، آ، ب: زین ۵- ق: خبر شد سیامک همی ۶- ق: ۲. با پدر؛  
 ل: ۲. در پدر ۷- پ: با پسر؛ ق: ۲. برگذر؛ در لن پس از این بیت بیت ۳۰ آمده است؛ برخی از دستنویس‌ها پس از این بیت یا چند بیت پایین‌تر سرنویس  
 دارند، لن: جنگ سیامک با دیو؛ ق: ۲. رفتن سیامک بجنگ دیو؛ پ: جنگ سیامک با دیو و کشته شدن؛ ل: ۲. اندر کشته شدن سیامک بر دست دیو ۸-  
 ق: ز گفتار بدخواه؛ لی: ز کردار و گفتار؛ در آ این بیت پس از بیت ۲۵ آمده است ۹- ق، پ، و، ل: ۲. شاهزاده؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل،  
 آ: نبود و نه ۱۱- ق: ۲. به؛ لی: در ۱۲- ب: بشد ۱۳- ق: ۲. دیورن ۱۴- ق: ۲. بنه ۱۵- ل: آورد روی ۱۶- بیاویخت؛ ق، آ: برآمیخت؛  
 متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- لن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: پور؛ آ: دیو؛ متن = ف، ل، ق، لی ۱۸- ل این بیت را ندارد ۱۹- ف: کرده؛ لن، ق، آ،  
 لی، پ، ل: ۲. کرد آن؛ متن = ل، ق، و، آ، ب؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل: بدست خزروان؛ لن، ق، آ، پ، ب: برای خود  
 و دست؛ ق، آ: بدست جنان زشت؛ و: بدست خروان؛ ل: ۲. برای خود از دست؛ متن = ف (و نیز ل)؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده  
 است ۲۱- ل، ق، آ: زنان بر سر و موی و رخ را کنان؛ لن: زنان بر سر و گوش شاهان کنان؛ ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: زنان بر سر و گوشت بازوکنان؛ لی:  
 بناخن ز تن گوشت بازوکنان؛ بنداری: بضر ب صدره ویتف شعره؛ متن = ف ۲۲- و: دورخسار ۲۳- ل، ق، آ، ب: دو دیده پر از نم چو ابر بهار؛  
 لن: کشیدند صف بر در شهریار (= ۳۹ ب)؛ ق: ۲. پیام آمد از داور کردگار (= ۴۳ ب)؛ متن = ف، لی، پ، و، ل، آ، ق، آ، ل، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

غمی گشت (ل، آ، ب: چو آگه شد) از مرگ شاه انجمن  
 ق، آ: که پژمرده شد زاد سرو چمن  
 ل، آ، ب: که گم گشت سرو سهی از چمن

و پس از بیت ۳۸ افزوده است:

سپه سر بسرزار و گریان شدند  
 بر آن آتش سوگ بریان شدند  
 ۲۴- ف، لی، پ: بیامد برش لشکری نامدار؛ آ: خروشی ز لشکر برآمد بزار؛ متن = ل، ق، و، ل، آ، ب؛ ق این بیت را ندارند؛ در ولت های این بیت پس  
 و پیش شده‌اند؛ لن ۳۸ ب و ۱۳۹ را انداخته و از ۱۳۸ و ۳۹ ب یک بیت ساخته است؛ ل پس از بیت ۳۹ افزوده است:  
 ز بس ناله زار آن شهریار  
 درآمد برش لشکر سوگوار  
 ۲۵- لن: خونی ۲۶- ل: و <رخ> با درنگ (وزن نادرست است)؛ ق، آ: برخ بادرنگ؛ لی: و دل با درنگ؛ پ: دورخساره رنگ؛ و، ل، آ، ب: رخ  
 بادرنگ؛ ق این بیت را ندارند؛ متن = ف، لن ۲۷- ل: < و > ۲۸- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ب: گشته؛ متن = ف، و، ل، آ؛ ق این بیت را  
 ندارد ۲۹- ل: رسیدند ۳۰- لن: برخواست؛ ق این بیت را ندارد

- نشستند سالی چُنین سوگوار<sup>۱</sup>  
 درود آورندش<sup>۲</sup> خجسته سروش  
 ۴۵ سپه ساز و برکش<sup>۵</sup> به فرمان من  
 از آن بدگنش دیو، روی زمین  
 کئی<sup>۹</sup> نامور سر سویی آسمان  
 بدان<sup>۱۱</sup> برترین<sup>۱۲</sup> نام یزدانش را  
 و زان پس به کین سیامک شتافت  
 ۵۰ سیامک خجسته<sup>۱۵</sup> یکی پور داشت  
 گرانمایه را نام هوشنگ بود  
 بنزد<sup>۱۸</sup> نیا یادگار پدر  
 نیایش<sup>۲۰</sup> بجای پسر<sup>۲۱</sup> داشتی  
 چو بنهاد دل کینه و جنگ را  
 ۵۵ همه گفتنی ها بدو باز گفت  
 که من<sup>۲۲</sup> لشکری کرد خواهم همی  
 ترا بود باید همی<sup>۲۳</sup> پیشرو  
 پری و پلنگ انجمن کرد و شیر  
 سپاهی دد و دام و مرغ و پری  
 ۶۰ پس پشت لشکر گیومرت<sup>۲۶</sup> شاه  
 بیامد<sup>۲۷</sup> سیه دیو بی<sup>۲۸</sup> ترس و باک
- پیام آمد<sup>۲</sup> از داور کردگار  
 کزین بیش مخروش و<sup>۴</sup> بازار هوش  
 برآور<sup>۶</sup> یکی گرد از آن انجمن  
 پرداز و پردخته<sup>۷</sup> کن دل<sup>۸</sup> ز کین  
 برآورد و بدخواست بر بدگمان<sup>۱۰</sup>  
 بخواند و پبالود<sup>۱۳</sup> مژگانش را  
 شب آرامش و روز<sup>۱۴</sup> خوردن نیافت  
 که نزد نیا جای<sup>۱۶</sup> دستور داشت  
 تو گفتی<sup>۱۷</sup> همه هوش و فرهنگ بود  
 نیا پروریده مرو را<sup>۱۹</sup> به بر  
 جزو بر کسی چشم نگماشتی  
 بخواند آن گرانمایه هوشنگ را  
 همه رازها برگشاد از نهفت  
 خروشی برآورد خواهم همی  
 که من رفتنی ام، تو سالار نو  
 ز درندگان گرگ و بیر<sup>۲۴</sup> دلیر  
 سپهدار با گیر و<sup>۲۵</sup> کنداوری  
 نبیره به پیش اندرون با سپاه  
 همی باسماں برپراگند خاک

۱- لن: روزگار؛ ق: یکسال بس سوگوار؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- لی: پیام آور ۳- ل، ق، ق<sup>۲</sup>- ب: آوریدش؛ متن= ف، لن ۴- ل، لن: <و> ۵- لی: تو بر ساز لشکر ۶- و: برآورد (وزن نادرست است) ۷- ف، لی، پ: پردخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- ب: گردان ۹- ل: یکی ۱۰- و: بدگمان <ن>؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بیامد بر لشکر او زار زار همیگفت با داور کردگار

۱۱- ل، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، ل: بران؛ متن= ق، پ، و، آ، ب؛ ف این بیت را ندارد ۱۲- و- ب: برتری؛ متن= ل- پ ۱۳- ل، پ، و، ل: بیالود؛ لن: بمالید؛ متن= ق، لی، و، آ، ب ۱۴- ل- پ: شب و روز آرام و (پ: <و>)؛ متن= ف، و، آ، ل؛ در ب از این بیت تا بیت ۱۳ داستان جمشید افتاده است؛ ف پس از بیت ۴۹ افزوده است:

بیامد برش لشکری سوگوار تبه کرده بر خویشان روزگار

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۴۹ یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر لشکر ساختن گیومرت و بردن هوشنگ پسر سیامک را بچنگ دیو و کشته شدن دیو بر دست هوشنگ؛ لن، پ: جنگ هوشنگ با دیو سیاه؛ ق<sup>۲</sup>: رفتن گیومرت و هوشنگ بکین سیامک؛ و: کین خواستن هوشنگ از دیو بفیروزی ۱۵- ل، ق: خجسته سیامک ۱۶- ل، لن: جاه؛ ق<sup>۲</sup>، پ: جاه و؛ آ: که اور <ا> نیا همچو؛ متن= ف، ق، لی، و، ل<sup>۲</sup> ۱۷- آ: گویی ۱۸- و، آ، ل: نیاز؛ متن= ف- پ ۱۹- ق<sup>۲</sup>: نیارا مرو پروریده(!)؛ لی: مرو را نیا پروریده؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- ل: نیاکش ۲۱- ل، پ، و، ل: پدر ۲۲- ف: یکی؛ ل: گران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- پ: همان ۲۴- لن: شیر گردد؛ و، آ، ل: بیر و گرگ؛ متن= ف، ل، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ ۲۵- ف: بر کبر و؛ ل، پ، ق<sup>۲</sup>: با کبر و (ق<sup>۲</sup>: <و>)؛ لن: با گیر؛ ق، آ: پر کین و؛ و، ل: با کین و (ل: <و>)؛ متن= لی (که به لن نیز نزدیک است) ۲۶- ل- ل: گیومرت؛ متن= ف ۲۷- و: برآمد ۲۸- ل، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و: با؛ متن= ف، ق، آ، ل<sup>۲</sup>

ز هُرّای<sup>۱</sup> دَرَندگان چنگ دیو  
 بهم بر فتادند<sup>۴</sup> هر دو گروه  
 بیازید<sup>۶</sup> چون شیر هوشنگ<sup>۷</sup> چنگ  
 ۶۵ کشیدش سراپای یکسر دوال  
 به پای<sup>۱۱</sup> اندرافگند<sup>۱۲</sup> و بسپرد خوار<sup>۱۳</sup>  
 شده<sup>۲</sup> سست و ز خشم<sup>۳</sup> گیهان خدیو  
 شدند از دد و دام دیوان<sup>۵</sup> ستوه  
 جهان کرد<sup>۸</sup> بر دیو نَسَوه تنگ  
 سپهبد برید آن<sup>۹</sup> سر ناهمال  
 دریدش<sup>۱۴</sup> برو چرم<sup>۱۵</sup> و برگشت<sup>۱۶</sup> کار  
 سرامد گیومرت<sup>۲۰</sup> را روزگار  
 نگر<sup>۲۲</sup> تا که را نزد او<sup>۲۳</sup> آبروی<sup>۲۴</sup>  
 ره سود بنمود<sup>۲۷</sup> و خود مایه خورد<sup>۲۸</sup>  
 نماند بد و نیک بر هیچ کس<sup>۲۹</sup>  
 چُن<sup>۱۷</sup> آمد مرآن کینه<sup>۱۸</sup> را خواستار<sup>۱۹</sup>  
 برفت و جهان مُردری ماند ازوی<sup>۲۱</sup>  
 جهان فریبنده و<sup>۲۵</sup> گردگرد<sup>۲۶</sup>  
 ۷۰ جان سر بسر چون فسانه‌ست و بس

۱- آ: آوای ۲- ل: بشد ۳- ف، ق، آ، لی، پ، آ، ل: سست بر چشم؛ ل: سست با جنگ؛ ق: سست از حکم؛ و: سست و از خشم؛ متن = (ل)؛  
 لن لت دوم این بیت را انداخته و بجای آن همان لت نخستین را دوباره نوشته است ۴- ل، ق، آ: بر شکستند؛ لن، ق، آ، پ، ل: در فتادند؛ متن = ف، ق،  
 لی، و ۵- ق: مردم ۶- ف: بتازید؛ ل: بیازید؛ ق: بیارید؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۷- ل، لی، و، آ: هوشنگ چون شیر؛ ق: هوشنگ چون  
 دیو؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، ل ۸- ف: کرده؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

گرفت و ببستش به بند استوار به کوه اندر آوردش آن نامدار

ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۶۴ افزوده است:

گرفتش سر و یال و زد بر زمین دل و جان ز درد پدر پر زکین

۹- ل: سپهبد بنزد ۱۰- ل، لی: بی همال؛ ق: بی خصال؛ و: بدسگال؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ، ل ۱۱- ل: پیا؛ ق: زبای؛ متن = هشت  
 دستنویس دیگر ۱۲- ق، و: آورد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- آ: خار ۱۴- ل- ل: دریده؛ متن = ف ۱۵- ق: چشم؛ لی: چنگ  
 ۱۶- ل- ل: برگشته؛ متن = ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به سنگ گرانش فرو کوفت سر به کین سیامک که بودش پدر

ل پس از بیت ۶۶ افزوده است:

وزان جا برون آمدند انجمن همه شاه لشکر همه تن بتن

۱۷- ف- آ: چو؛ متن = ل ۱۸- ق: کشته ۱۹- لن: خواست دار ۲۰- ل- لی، و، آ، ل: کیومرث؛ متن = ف، پ ۲۱- ف: زوی؛ ل، ق، آ:  
 ازو؛ متن = لن، ق، آ، لی، پ، و، ل ۲۲- آ: بین ۲۳- لی: <او> (وزن نادرست است) ۲۴- ل، ق: آب رو؛ لی: آب و روی؛ آ: آب و رو؛  
 متن = ف، لن، ق، آ، پ، و، ل ۲۵- ل: فریبنده؛ لن، ق، آ- و: فریبنده را؛ ق: فریبنده و (وزن نادرست است)؛ آ: فریبنده او؛ متن = ف، ل ۲۶- ف-  
 آ: کرد کرد؛ ل: کرد کرد (= گرد کرد) ۲۷- پ: پیمود ۲۸- لی: و مایه بخورد؛ در لن، ق، آ، لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۹-  
 پ این بیت را ندارد؛ در لن، ق، آ، لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است





هوشنگ



## پادشاهی هوشنگ چهل سال بود<sup>۱</sup>

جهاندار هوشنگ<sup>۲</sup> با رای<sup>۳</sup> و داد  
 بگشت از برش چرخ سالی چهل  
 چو بنشست بر جایگاه مهی  
 که بر هفت کشور منم پادشا  
 ۵ به فرمان یزدان پیروزگر  
 وُزان<sup>۴</sup> پس جهان یکسر آباد کرد  
 نخستین یکی گوهر آمد به چنگ  
 سر مایه کرد آهن آبگون  
 چو بشناخت، آهنگری پیشه کرد

بجای نیا تاج بر سر نهاد  
 پر از هوش مغز و پر از داد<sup>۵</sup> دل  
 چنین گفت بر<sup>۶</sup> تخت شاهنشهی  
 بهر جا سرافراز<sup>۷</sup> و فرمانروا  
 به داد و دهش تنگ بستش<sup>۸</sup> کمر  
 همه روی گیتی پر از داد کرد<sup>۹</sup>  
 به آتش ز آهن جدا کرد<sup>۱۰</sup> سنگ  
 کزان<sup>۱۱</sup> سنگ خارا<sup>۱۲</sup> کشیدش برون  
 گراز و تبر<sup>۱۳</sup>، ارّه<sup>۱۴</sup> و تیشه کرد

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی هوشنگ پسر سیامک چهل سال و هفت ماه و شانزده روز بود اندر تاریخ؛ ل، پ: پادشاهی هوشنگ چهل سال؛ ق<sup>۲</sup> سرنویس ندارد؛ متن= لن، ق، لی، و، آ، ل؛ درس، ب همه این داستان و درلی نیمه دوم آن افتاده است (← ۱۲ پ) ۲- پ: هوشنگ و ۳- ل: ۲: باد (!) ۴- ل، لن، ق، آ، پ: رای؛ آ: پرآواز؛ متن= فن، ق، لی، و، ل ۵- و: از ۶- ل، ق، پ، آ، ل: جهاندار و (آ: < و >) پیروز؛ لن، ق، آ، لی: بهر جای پیروز (ق: ۲: فیروز)؛ پ: بهر کار فیروز؛ متن= فن ۷- ل، ل، آ: بستم؛ لن، ق ۲- آ: بسته؛ ق: بندم؛ متن= فن ۸- پ: ازان ۹- آ: بداد و دهش گیتی آباد کرد (پساوند ندارد) ۱۰- ق، آ: باتش جدا کرد آهن ز؛ ق، و: بدانش ز آهن (ق: ۲: ز آتش) جدا کرد؛ لی: ز آهن باتش جدا کرد؛ پ: که آتش ز آهن جدا کرد؛ متن= فن، ل، لن، ل ۱۱- ق: که از؛ لی، آ: چو از؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- ف: تیره؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۳- ل: از آهنگری؛ ق: وز آهنگری؛ آ: . . . زوخنجر و (واژه نخستین خوانده نشد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴- ل: ۲: ورّه؛ در ق پس از این بیت بیت ۱۲ آمده است

۱۰ چو این کرده شد<sup>۱</sup>، چاره‌ی آب<sup>۲</sup> ساخت  
 به جوی و به کشت آب را<sup>۳</sup> راه کرد  
 چراگاه مردم بدین<sup>۴</sup> برفزود  
 بورزید پس<sup>۵</sup> هر کسی نان<sup>۶</sup> خویش  
 ز دریا به هامونش اندر بتاخت<sup>۷</sup>  
 به فر کئی<sup>۸</sup> رنج کوتاه کرد  
 پراگندن تخم و کشت و<sup>۹</sup> درود  
 برنجید<sup>۱۰</sup> و<sup>۱۱</sup> بشناخت<sup>۱۲</sup> سامان خویش

۱- ل: چو کرده شدش؛ لن، ق، آ، لی: چو این کرده بد؛ متن = ف، ق، پ، و، آ، ل ۲- ل: واب ۳- و: فراخت؛ ل، ق، آ: زدریایها رودها برفراخت؛ لن، ق، آ، لی، پ: زدریایها رودها را بتاخت (لی: نواخت؛ پ: بساخت)؛ ل ۲: زدریا به هامون ها راه ساخت؛ متن = ف؛ در ل پس از این بیت ۱۲ آمده است ۴- ل- پ، آ، ل ۲: بجوی و برود آب ها (ق، آ، ل ۲: آب را)؛ و: برود و بجوی آب را؛ متن = ف ۵- ل: بفرخندگی؛ آ پس از این بیت بیت هایی افزوده است که در برخی از دستنویس های دیگر پس از بیت ۱۳ آمده است (← ۱۳ پ) ۶- ل: بدان؛ لن، ق، آ، پ، و، ل ۲: برین؛ لی، آ: برو؛ متن = ف، ق ۷- ل، لن، پ: پراکند پس تخم و (ل، پ: < و >) کشت و؛ ق: پراکند تخم و بکشت و؛ ق ۲: پراکند پس کشت و تخم و؛ ل ۲: پراکندن تخم کشت و؛ متن = ف، لی، و، آ؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۰ و در ق پس از بیت ۹ آمده است؛ در آ این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۱۵ آمده اند ۸- ل، ق، آ، لی، آ، ل ۲: برنجید پس؛ لن: بسنجیدنش؛ پ: بسنجیدس؛ و: بسنجیدس (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ متن = ف ۹- لن، ق، آ، پ، و: نام؛ متن = ف، ل، ق، آ، لی، آ، ل ۲ ۱۰- ل- ل ۲: بورزید؛ متن = ف ۱۱- ل ۲: و؛ ۱۲- ق: برساخت؛ در آ این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۱۵ آمده اند؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ل ۲ (و نیز ل ۲، لن ۲) پس از این بیت و آ پس از بیت ۱۱ روایت زیر را افزوده اند؛ این روایت در ف، ل، ق (و نیز در س) نیست، ولی در ل، ق آنرا در کناره افزوده اند؛ بنداری ترجمه پنج بیت نخستین را ندارد، ولی پس از آن روایت سده را آورده است؛ لی از بیت ۱۸ این روایت تا بیت ۳۳ داستان جمشید را انداخته است؛ تصحیح این روایت تنها براساس لن، ق، آ، و انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد (در لن لت های بیت های دوم و چهارم پس و پیش شده اند):

از آن پس که این کارها شد بسیج  
 همه کار مردم نبودی ببرگ  
 پرستیدن ایزدی بود کیش  
 چومر تازیان راست (لن، ق ۲: را به) محراب سنگ  
 به سنگ اندر آتش بدو (و: ازو) شد پدید 5

#### گفتار اندر نهادن جشن سده

یکی روز شاه جهان سوی (لن: پیش) کوه  
 پدید آمد از دور چیزی دراز  
 دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون  
 نگه کرد هوشنگ با هوش (ق ۲: بافر) و سنگ  
 به زور کیانی رهانید (ق ۲: رها شد ز) دست 10  
 برآمد به سنگ گران سنگ خرد  
 فروغی پدید آمد از هردو سنگ  
 نشد مار کشته ولیکن ز راز  
 هرآنکس که بر سنگ آهن زدی  
 جهاندار پیش جهان آفرین 15  
 که او را فروغی چنین هدیه داد  
 بگفتا فروغیست این ایزدی  
 شب آمد برافروخت آتش چو کوه  
 یکی جشن کرد آن شب و باده خورد  
 ز هوشنگ ماند این سده (لن، ق، آ، ل ۲: شده) یادگار 20  
 کز آباد کردن جهان شاد (ق ۲: ساز) کرد

گذر کرد با چند کس (و: تن) همگروه (لن، ق ۲: زان گروه)  
 سیه رنگ و تیره تن و تیزناز  
 ز دود دهانش جهان تیره گون  
 گرفتش یکی سنگ و شد تیز چنگ  
 جهان سوزمار از جهانجوی رست (لن، ق ۲: جست)  
 همان و همین سنگ بشکست خرد  
 دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ  
 لن، ق ۲: دل سنگ گشت از فروغش دورنگ (ق ۲: از فروغ آبرنگ)  
 ازان (ق ۲: از این) طبع سنگ آتش آمد فراز  
 ازو روشنیایی پدید آمدی  
 نیایش همی کرد و خواند آفرین (و: رخ بر زمین)  
 همین آتش آنگاه قبله (لن: قتیله؛ ق ۲: فتیله) نهاد  
 پرستید (لن، ق ۲: پرستنده) باید اگر بخردی  
 همان شاه در گرد او با (و: هم) گروه  
 سده (لن، ق، آ، ل ۲: شده) نام آن جشن فرخنده کرد  
 بسی باد چون او دگر شهریار  
 جهانی به نیکی ازو یاد کرد

بدان ایزدی جاه<sup>۱</sup> و فرّ کیان  
 ۱۵ جدا کرد گاو و خر و گوسفند  
 بدیشان<sup>۲</sup> بورزید<sup>۵</sup> و زیشان چرید<sup>۶</sup>  
 ز پویندگان هرچه مویش نکوست<sup>۸</sup>  
 چوروباه و قاقم، چوسنجا<sup>۱۲</sup> نرم  
 برین<sup>۱۴</sup> گونه از چرم پویندگان<sup>۱۵</sup>  
 ۲۰ برنجید<sup>۱۷</sup> و گسترد و خورد<sup>۱۸</sup> و سپرد<sup>۱۹</sup>  
 بسی رنج برد اندران<sup>۲۱</sup> روزگار  
 چو پیش آمدش روزگار بهی  
 زمانه زمانی ندادش<sup>۲۵</sup> درنگ  
 نپیوست خواهد جهان با تو مهر  
 ز نخچیر و<sup>۲</sup> گور و گوزن ژیان  
 به ورز آورد<sup>۳</sup> آنچ بُد سودمند  
 همی تاج را خویشتن پرورید<sup>۷</sup>  
 بکُشت<sup>۹</sup> و به سرشان<sup>۱۱</sup> برآهیخت<sup>۱۱</sup> پوست  
 چهارم سمورست، کش موی<sup>۱۳</sup> گرم  
 پوشید بالای گویندگان<sup>۱۵</sup>  
 برفت و جز از نام نیکو<sup>۲۰</sup> بُرد  
 به افسون و اندیشه‌ی بی شمار<sup>۲۲</sup>  
 ازو مُردری<sup>۲۳</sup> ماند گاه مهی<sup>۲۴</sup>  
 شد آن رنج<sup>۲۶</sup> هوشنگ باهوش و<sup>۲۷</sup> سنگ  
 نه نیز آشکارا نماید<sup>۲۸</sup> چهر

۱- و: جای؛ آ: هم از ایزدی جاه؛ متن = ف، ل، لن، ق، ق، آ، پ، ل، ۲- لن، ق، آ، پ، و، آ: < و > ۳- ق، آ، و، آ: برون آورد؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ل، ۲؛ در آپس از این بیت بیت های ۱۲ و ۱۳ آمده اند ۴- ف: ازیشان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۵- ف: بورزید(!) ۶- ف: خرید(!)؛ ل، لن، ق، ق، آ: خرید؛ پ: خورید؛ و: خرید (نقطه ندارد)؛ آ: خرید (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، آ: ایشان درید(!)؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ف: پرورید(!)؛ و: پرورید (نقطه ندارد)؛ آ: پرورید (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ل، آ: هم از هر دورا خویشتن پرورید(!)؛ متن = ل، لن، ق، ق، آ، پ؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز پویندگان اشتر و اسب دید سزای نشست از میان برگزید  
 به خفتن خرو اسب با هم فتاد ز ترکیب آن هر دو استر بزداد

۸- ف: ز پویندگان هر کرداشت دوست؛ و: ز پویندگان هر چه بگزید دوست؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- ل: بکفت؛ پ: بکند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۰- ق، و: ز سرشان؛ آ: زایشان؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، ل، ۱۱- ل، لن، ق، ق، آ: برآیخت؛ پ: درآویخت؛ آ: بیاهیخت؛ متن = ف، و، ل، ۱۲- لن، پ: چوسنجا و قاقم چوروباه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۳- و: پوست؛ ف، آ: سمورکش (آ: کش و) موی ۱۴- لن: بران؛ و: بدین ۱۵- لن، ق، آ، پ: بالای گویندگان ۱۶- لن، ق، آ، پ: از چرم پویندگان ۱۷- ل: بزید(!) ۱۸- لن: خرد(!) ۱۹- ق، آ، ل، آ: ستر؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، و، ۲۰- ل: بجز نام نیکی؛ لن، و، آ، ل، آ: جز از نام نیکی؛ ق، ق، آ، پ: جز از نیک نامی؛ متن = ف ۲۱- لن، ق، آ: خورد اندران؛ پ: خوردند زان؛ آ: بسی رنج برداشت از؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، ۲۲- ل: روزگار؛ لن: هوشیار؛ ق: از هر شمار؛ ق، آ، پ: نابکار؛ متن = ف، و، آ، ل، ۲۳- ل: مردمی(!)؛ ل، آ: مردزی(!) ۲۴- ل: تاج شهی؛ لن، ق، آ، پ، و: تخت مهی؛ متن = ف، ق، آ، ل، ۲۵- ل، آ: ندارد؛ ل، ق، ق، آ، پ، آ: زمانه ندادش زمانی؛ متن = ف، لن، و، ۲۶- ق، آ، شاه؛ و: شد از هوش؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، ل، ۲۷- ل، ق: < و >؛ و: با فر و ۲۸- در لن لت دوم این بیت پاک شده است؛ آ این بیت را ندارد



طہمورت





## پادشاهی طهمورت سی سال بود<sup>۱</sup>

پسر بُد مرو را یکی هوشمند<sup>۲</sup>  
 پیامد به تخت پدر برنشست  
 همه موبدان را ز لشکر بخواند<sup>۵</sup>  
 چُنین گفت کامروز تخت و کلاه<sup>۷</sup>  
 ۵ جهان از بدی‌ها بشویم به رای<sup>۹</sup>  
 ز هر جای کوته کنم دست دیو  
 هر آن چیز کاندِر جهان سودمند<sup>۱۲</sup>  
 پس از پشت میش و<sup>۱۳</sup> بره پشم و<sup>۱۴</sup> موی  
 به کوشش ازو کرد پوشش بجای<sup>۱۶</sup>  
 ۱۰ ز پویندگان هر که<sup>۱۸</sup> بُد نیک‌رو<sup>۱۹</sup>  
 رمنده<sup>۲۱</sup> ددان را همه<sup>۲۲</sup> بنگرید

گرانمایه طهمورت<sup>۳</sup> دیوبند  
 کمر بر میان رسم او را بیست<sup>۴</sup>  
 به چربی<sup>۶</sup> چه مایه سخُن‌ها براند  
 مرا زبید و، تاج و گنج و سپاه<sup>۸</sup>  
 پس آنگه کنم در کبی گرد پای<sup>۱۱</sup>  
 که من بود خواهم جهان<sup>۱۱</sup> را خدیو  
 کنم آشکارا، گشایم ز بند  
 برید و به رشتن<sup>۱۵</sup> نهادند روی  
 به گستردنی بُد هم او<sup>۱۷</sup> رهنمای  
 خورش کردشان<sup>۲۰</sup> سبزه و کاه و جو  
 سیه گوش و یوز از میان برگزید<sup>۲۳</sup>

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی طهمورت پسر هوشنگ چهل سال یازده ماه بود و پنج روز بود دادارا (شاید: و او را) طهمورت دیوبند خوانند؛ ل: پادشاهی طهمورت سی سال؛ ق، ق، ل: پادشاهی طهمورت دیوبند سی سال بود؛ پ: پادشاهی طهمورت چهل سال بود؛ و: پادشاهی طهمورت صد و سی بود؛ متن= لن؛ در س، لی، ب این داستان افتاده است ۲- در لن این لت پاك شده است ۳- ل، ق، ق، پ، و، ا، ل: طهمورت؛ متن= فن، لن ۴- ل، ق، ا، پ: بشاهی کمر بر میان بر (پ: را) بیست؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= فن، ق، و، ا، ل ۵- در لن این لت پاك شده است ۶- ل، لن، ق، و، ا: بخوبی؛ متن= فن، ق، ا، پ، ل ۷- و: کامروز این تخت و گاه؛ آ: کامروز این پایگاه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- ف: مرا زبید و تاج و گردستگاه؛ ل: مرا زبید این تاج و گنج و سپاه؛ ق: مرا زبید این تاج و گرز و سپاه؛ ق، ا، پ: مرا زبید و تاج و آیین و راه (پ: آیین گاه)؛ و: مرا زبید و خسروانی کلاه؛ ا: مرا زبید این تاج و تخت و کلاه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ل ۹- در لن این لت پاك شده است ۱۰- ف: پس آنگه درنگی کنم گردپای؛ ل: پس آنگه کنم در کی (درمکی؟ در کمی؟) گردپای؛ ا: پس آنگه بگیتی کنم گردپای؛ ل: پس آنگه کنم در جهان گردپای؛ متن= لن، ق، ق، ا، پ، و ۱۱- ف: زمین؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۲- در لن این لت پاك شده است ۱۳- ا: <و> ۱۴- لن: <و>؛ ل: نیم و؛ ق: پس از پشت بره کشم پشم و؛ متن= فن، ل، ق، پ، و، ا ۱۵- پ: برستن؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ در ا این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۶- ل، ق، و، ا: برای؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= فن، ق، ا، پ، ل ۱۷- ل: هم بد او؛ و: بد همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در ا این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- ل، ق، پ، و، ا، ل: هر چه؛ متن= فن، لن، ق، ل ۱۹- ل، پ، و: تیزرو؛ ق، ق، ا: پیش رو؛ متن= فن، لن، ا، ل ۲۰- ل: کردش او؛ و: دادشان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- ل: رمنده؛ ل: رونده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- و: همی ۲۳- ل: سیه گوشک و یوز را برگزید

به بند آمدند آنک دور از گروه<sup>۲</sup>  
 چو باز و چو شاهین گردن فراز  
 جهانی بدو مانده اندر شگفت  
 کجا برخروشد که زخم کوس  
 نهفته همه<sup>۱</sup> سودمندی<sup>۱۱</sup> گزید<sup>۱۲</sup>  
 نخوانندشان جز به آوای<sup>۱۴</sup> نرم  
 جهان آفرین را ستایش<sup>۱۶</sup> کنید  
 ستایش<sup>۱۹</sup> مرو را که بنمود راه

که رایش ز کردار<sup>۲۰</sup> بد دور بود  
 نزد جز به نیکی بهر جای گام<sup>۲۴</sup>  
 به پیش جهاندار بر پای شب<sup>۲۵</sup>  
 نماز شب و روزه آیین اوست  
 در بند بد<sup>۲۹</sup> جان<sup>۳۰</sup> بدخواه را  
 همه راستی خواستی پایگاه<sup>۳۲</sup>  
 بتابد<sup>۳۴</sup> ازو فره ایزدی  
 چو بر تیزرو بارگی برنشست  
 همی<sup>۳۷</sup> گرد گیتیش برتاختی<sup>۳۸</sup>  
 کشیدند گردن ز گفتار اوی<sup>۳۹</sup>  
 که پردخت<sup>۴۰</sup> مانند<sup>۴۱</sup> ازو تاج و فر

به چاره بیاوردش<sup>۱</sup> از دشت و کوه  
 ز مرغان همان<sup>۳</sup> را که بُد<sup>۴</sup> نیک ساز<sup>۵</sup>  
 بیاورد و آموختنشان گرفت  
 چُن<sup>۷</sup> این کرده شد ماکیان و خروس  
 بیاورد و یکسر به مردم<sup>۸</sup> کشید<sup>۹</sup>  
 بفرمود تا شان<sup>۱۳</sup> نوازند گرم  
 چُنین گفت کین را نُمایش<sup>۱۵</sup> کنید  
 که او<sup>۱۷</sup> دادمان بر دده<sup>۱۸</sup> دستگاه

۲۰ مرو را یکی پاك دستور بود  
 خنیده<sup>۲۱</sup> بهرجای و<sup>۲۲</sup> شهرسپ<sup>۲۳</sup> نام  
 همه روز بسته ز خوردن دو لب  
 چو جان<sup>۲۶</sup> بر دل هرکسی<sup>۲۷</sup> بود دوست  
 سر مایه بود<sup>۲۸</sup> اختر شاه را  
 ۲۵ همه راه نیکی<sup>۳۱</sup> نمودی به شاه  
 چُن آن<sup>۳۳</sup> شاه پالوده گشت از بدی  
 برفت اهرمَن را به افسون بیست  
 زمان<sup>۳۵</sup> تا زمان زینش<sup>۳۶</sup> برساختی  
 چو دیوان بدیدند کردار اوی<sup>۳۹</sup>  
 ۳۰ شدند انجمن دیو بسیار مر

۱- ل: بیاورد ۲- ل: ببند آمدند آنکه بد هم گروه؛ لن، ق، آ، پ: بتنگ آمدند آنک (پ: آنکه) بد زان گروه (پ: در زیر بتنگ افزوده است: ببند)؛ ق: ببند آمد آنچه بد از گروه (وزن نادرست است)؛ و، ل: ببند آمدند آنچه (ل: آنک) بود از گروه؛ آ: ببند آمدند این دود از گروه؛ متن = ف ۳- ل، آ: مران ۴- لن، ق، آ: آنک بد؛ ق، و، ل: آنچه بد؛ پ: آنکه بد؛ متن = ف، ل، آ ۵- لن، ق، آ: نیک تاز؛ ق: تندساز؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ل ۶- و، آ: ازو؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در لن، ق، آ، پ پس از این بیت بیت ۱۷ آمده است ۷- ل- ل: چو؛ متن = ف ۸- لن، ق، آ: بمردی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- ف: سپرد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۰- ق، و: همی؛ متن = ل، لن، ق، پ، آ، ل ۱۱- لن: سودمندش ۱۲- آ: بدید؛ ف: به آوازشان انده از دل برد؛ ف پس از این بیت افزوده است:

به مردم چنن گفت فرزانه شاه بدارید این بی زبان را نگاه

۱۳- ل- ل: بفرمودشان تا؛ متن = ف ۱۴- ل، ق، آ، باواز؛ متن = ف، لن، پ، و، ل؛ در لن، ق، آ، پ این بیت پس از بیت ۱۴ آمده است ۱۵- ل، ف: نیایش؛ لن، ق، آ، پ، و، آ: ستایش؛ متن = ل، ق ۱۶- لن، ق، آ، پ، و، آ: نیایش؛ متن = ف، ل، ق، آ ۱۷- آ: آن ۱۸- لن، ق، آ، پ، آ: ددان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۹- و: نیایش ۲۰- آ: بکردار ۲۱- لن، ق، آ، پ، و، ل: گزیده؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۲- ل، ق، آ، آ: < >؛ متن = ف، لن، پ، و، ل ۲۳- لن: بهرست؛ ق، آ، پ، ل: شهرست؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۴- و: بند جز بنیکیش هرجای گام؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ق: همه شب ستاده بیای تعب (!) ۲۶- ف، ل، و، ل: چنان؛ لن، ق، آ: جوان؛ آ: وزان؛ متن = پ ۲۷- ف: یکجی؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ل، لن، ق، آ، پ، ل: بد؛ متن = ف، و، آ ۲۹- ل، ق، آ: در بسته بد؛ و: دریده بد او؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، ل ۳۰- لن، ق، آ، پ: جای؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۳۱- لن، ق، آ: راه نیکو؛ پ: رای نیکو ۳۲- لن: بارگاه ۳۳- ل، ق، و، آ: جوان؛ لن، ق، آ، پ، ل: چنان؛ متن = ف ۳۴- لن، ق، آ، پ، ل: که تابید؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۳۵- ف: زمن (!)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۶- لن: بش (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، آ، پ، آ: بیش؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۳۷- ف، ل، پ، آ: همه؛ متن = لن، ق، آ، و، ل ۳۸- ق، آ: همی کرد لیش بر او تاختی (!) (گویا بوده است: همی گرد گیتی بر او تاختی)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۹- ل، لن، ق، آ، ل: او؛ متن = ف، ق، پ، و ۴۰- ل، ق: پردخته؛ ق: پرداخت؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، لن، پ، و، ل ۴۱- ل: ماند





جمشيد



## پادشاهی جمشید هفتصد سال بود<sup>۱</sup>

چو گیتی سرآمد<sup>۲</sup> بران<sup>۳</sup> دیوبند،  
 به سوگ اندرون شد دل هر کسی،  
 گرانمایه جمشید فرزند او<sup>۴</sup>  
 برآمد بران تخت فرخ پدر  
 ۵ کمر بسته<sup>۵</sup> با فرّ شاهنشهی  
 زمانه برآسوده<sup>۶</sup> از داوری  
 جهان را فزوده بدو<sup>۷</sup> آبروی  
 منم گفت با فرّه ایزدی<sup>۸</sup>  
 بدان<sup>۹</sup> را ز بد دست کوتاه کنم

جهان را همه پند او سودمند  
 نیامد بران<sup>۵</sup>، روزگاران بسی،  
 کمر بست يك دل<sup>۶</sup> پر از پند او<sup>۷</sup>  
 به رسم کیان بر سرش تاج زر  
 جهان گشته سرتاسر<sup>۸</sup> او را رهی  
 به فرمان او دیو و مرغ<sup>۹</sup> و پری  
 فروزان شده تخت شاهی بدوی<sup>۱۰</sup>  
 همم شهریاری و هم<sup>۱۱</sup> موبدی<sup>۱۲</sup>  
 روان را سوی روشنی ره کنم

در نام جُستن به گردان<sup>۱۳</sup> سپرد  
 چو خود و زره کرد و<sup>۱۴</sup> چون<sup>۱۵</sup> جوشنا

۱۰ نُخست آلت جنگ را دست برد  
 به فرّ کیی نرم کرد آهن

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی جمشید هفتصد سال بود و نهادن آیین نیکو و نهادن نوروز و سیده و نیکویی ها در جهان؛ ل، پ: پادشاهی جمشید هفتصد سال؛ متن= لن، ق، ق، و، ا، ل، ا؛ لی تاپیت ۳۳ و ب تاپیت ۱۳ را انداخته اند ۲- ل: سرآمد برآمد (واژه دوم بی جاست) ۳- آ: بدان؛ لن، ق، ا، پ، و، ل، این بیت را ندارند؛ متن= متن= فن، ل، ل، لن، آ، ل، ا؛ او؛ متن= متن= فن، ق، ق، ا، پ، و، ۷- پ: کمر بسته و دل؛ و: کمر بسته يك دل؛ ل: کمر بست و یکدل؛ متن= فن، ل، لن، ق، ق، ا، آ، ۸- ف، لن، ق، ق، ا، پ، ا: کمر بست؛ متن= لن، و، ل، ۹- لن، ق: جهان گشت سرتاسر؛ ق، ا، پ، و: جهان سربسر گشت (و: گشته)؛ متن= فن، ل، آ، ل، ۱۰- ف، ل، ق، ق، ا، آ: برآسود؛ متن= لن، پ، و، ل، ۱۱- ل، ق، آ، ل، ا: مرغ و دیو؛ متن= فن، لن، ق، ا، پ، و؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ق، ا، برو؛ آ: فروزنده بدو (وزن نادرست است) ۱۳- ل: ازو؛ ق، ا، ازوی؛ لی: بروی؛ متن= لن، ق، ا، و، ل، ۱۴- لن، ق، ا: با فرّ شاهنشهی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ل: همم شهریار و همم؛ ل: همم شهریاری همم ۱۶- پ: بخردی؛ ق، ا: جهان تاج و تخت مرا شد رهی ۱۷- ف: جهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- ق: بمردان؛ ف پس از این بیت افزوده است:  
 ز آتش دم و کوره را گرم کرد  
 وزو آهن سخت را نرم کرد  
 ۱۹- لن، ق، ق، ا: <و> ۲۰- ق، ا: هم

چو خفتان و چون تیغ و ابرگستوان  
 بدین اندرون سال پنجاه رنج  
 دگر پنجه اندیشه‌ی جامه کرد  
 ۱۵ ز کتان و ابریشم و موی قز  
 بیاموختشان<sup>۸</sup> رشتن و تافتن  
 چو شد بافته<sup>۱۱</sup>، شستن<sup>۱۱</sup> و دوختن  
 چو این کرده شد ساز دیگر نهاد  
 ز هر پیشه‌ی انجمن کرد مرد  
 ۲۰ گروهی که آثوریان<sup>۱۷</sup> خوانیش  
 جدا کردشان از میان گروه<sup>۱۹</sup>  
 صفی برکشیدند و بنشانند<sup>۲۱</sup>  
 کجا شیرمردان<sup>۲۳</sup> جنگاورند  
 کزیشان بود تخت شاهی پئی<sup>۲۵</sup>  
 ۲۵ بسودی سه دیگر گره را شناس<sup>۲۷</sup>  
 بکارند و ورزند و خود بدروند  
 ز فرمان تن<sup>۲۹</sup> آزاده و خورده نوش<sup>۳۰</sup>  
 تن آزاد<sup>۳۲</sup> و آباد گیتی بدوی<sup>۳۳</sup>  
 چه گفت آن سخنگوی آزاد<sup>۳۶</sup> مرد

همه کرد پیدا به روشن روان  
 ببرد و ازین<sup>۳</sup> چند بنهاد گنج  
 که پوشند هنگام<sup>۴</sup> ننگ و نبرد  
 قصب کرد و<sup>۶</sup> پرمایه دیبا و خز<sup>۷</sup>  
 به تار اندرون پود را بافتن<sup>۹</sup>  
 گرفتند<sup>۱۲</sup> ازو یکسر آموختن<sup>۱۳</sup>  
 زمانه بدو<sup>۱۴</sup> شاد و او نیز شاد  
 بدین اندرون پنجه‌ی نیز خورد<sup>۱۶</sup>  
 به رسم پرستندگان دانش<sup>۱۸</sup>  
 پرستنده را جایگه کرد کوه<sup>۲۰</sup>  
 همی نام نیساریان<sup>۲۲</sup> خواندند  
 فروزنده‌ی لشکر و کشورند<sup>۲۴</sup>  
 وزیشان بود نام مردی بجای<sup>۲۶</sup>  
 کجا نیست از کس بریشان<sup>۲۸</sup> سپاس  
 به گاه خورش سرزنش نشنوند  
 از آوای<sup>۳۱</sup> پیغاره آسوده گوش  
 برآسوده از داور و<sup>۳۴</sup> گفت وگویی  
 که آزاد<sup>۳۷</sup> را کاهلی بنده کرد

۱- ل، ق، آ: چو خفتان و تیغ و چو؛ ل، ق، آ، پ، و: چو خفتان و چون درع و (پ: < و >)؛ متن = ف، ل، آ؛ ف پس از این بیت افزوده است:

هران چیزکان جنگ را درخورست و گرا الت و زینت لشکرست

۲- ل، پ: بیمود و؛ ل: ببرد (وزن نادرست است) ۳- ف: بدین؛ ل، پ: زین؛ متن = ل، ن، ق، ق، آ، و، آ، ل (و نیز ل، آ، ل، ن، آ)؛ ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۴- ف، ل، آ، پ: که پوشد بهنگام؛ ل، ن، ق، آ: که پوشد همی گاه؛ آ: که پوشید هنگام؛ متن = ل، ق، و، ۵- ل، ن، ق، ق، آ، پ- ب: موی و قز؛ متن = ف، ل، ۶- ل، ل، ن، ق، آ، پ، آ: < و >؛ متن = ف، ق، و، ل، آ، ب ۷- ف: دیبای خز (نخست دیبا و خز داشته، حرف و رای گردانیده است)؛ ل: دیبا و پرمایه خز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۸- ل، ن، ق، آ، پ، ب: بیاموختشان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ ۹- در ل، ن، ل، ت دوم این بیت پاك شده است؛ آ این بیت را ندارد ۱۰- ل: تافته؛ ق: جز از بافتن؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۱- آ: رشتن؛ در ل، ن، این بیت پاك شده است ۱۲- ق: گرفتن؛ آ: گرفته؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- ق: گرفتند یکسر ازو بر بیاموختن (وزن نادرست است)؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۹ آمده است ۱۴- ق: ازو؛ در ل، ن، ل، ت دوم این بیت پاك شده است ۱۵- ل، ق، آ: زهر انجمن پیشه‌ور گرد کرد؛ ق، آ، پ، و، ب: زهر پیشه‌ور انجمن گرد کرد (ب: کرد مرد)؛ در ل، ن، این بیت پاك شده است؛ متن = ف، ل، آ ۱۶- ل، ن: بدین اندرون سالی پنجاه... (؟)؛ ق، آ، پ: بدین اندرین نیز پنجاه خورد؛ و، ب: بدو (ب: بدین) اندرون سال پنجاه خورد؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۷ آمده است ۱۷- ف، ل، ل، آ: تورانیان؛ ل: خانون زنان (حرف سوم واژه یکم نقطه ندارد)؛ ق: حاتون زنان (حرف یکم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند)؛ و: آثوریان؛ آ: ارزانیان؛ ب: کاتوریان؛ متن = ق (آثوریان؛ یا: اتوریان) ۱۸- در ل، ن، ل، ت دوم این بیت پاك شده است؛ ب این بیت را ندارد؛ ولی انرا در کناره افزوده است ۱۹- در ل، ن، این بیت پاك شده است ۲۰- و: ساخت کوه؛ ب این بیت را ندارد؛ ولی انرا در کناره افزوده است ۲۱- ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ل): صفی بردگر دست بنشانند؛ در ل، ن، این بیت پاك شده است؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، آ ۲۲- ل، ن: بیساریان؛ ق: میساریان؛ ل: نیساران (وزن نادرست است)؛ ب: که شان نام بکساریان؛ متن = ف، ق، آ، پ، و، آ (و نیز ل، آ، ل، ن) ۲۳- پ: کجا بیشتر مرد ۲۴- ل: کشور و لشکرند؛ در ل، ن، ل، ت دوم این بیت پاك شده است ۲۵- ق، آ، پ، و، بجای؛ در ل، ن، این بیت پاك شده است ۲۶- ل، ن، ق، آ، پ، و، ب: پئی ۲۷- ف: گروه سوم برزگر را شناس؛ ل: بسی زی سه دیگر گروهی شناس؛ ل: بسودی نهاد یک گره را شناس؛ ق- ب: (ق، آ: بس وی (→ پس وی؟)؛ ق: آ: تسوری؛ پ، ل، آ: بسوری؛ و: تسوری؛ ب: نسوهی) سه دیگر گره را شناس؛ متن = ل (واژه نخستین) + ق- ب ۲۸- ل، ن، ق، آ، پ، و، ب: بر کس ازیشان؛ ل: آ: از بس برایشان؛ ب: از کس بدیشان؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۹- ق، آ، پ، ب: سر ۳۰- ل: آزاد وز خورد و نوش؛ ل: آزاد چون ژنده پوش؛ ق: آزاد و حورنده (ق: حوزنده) نوش؛ پ: آزاد و خوارنده نوش؛ و: آزاد و خود ژنده پوش؛ ل: آزاده و خور و نوش؛ متن = ف، آ، ب ۳۱- ل، ل، آ: از آواز و (آ: > و <)؛ ل، ن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: وز آواز؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی انرا در کناره افزوده اند ۳۲- ل، ن: آباد؛ آ این بیت را ندارد ۳۳- پ: بروی ۳۴- ل: < و >؛ ق: آ: از داروز (!)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۵- ل، ن: این ۳۶- ق: آ: آزاده ۳۷- ل، ل، ن، ق، آ، پ- ل: آزاده؛ متن = ف، ق، ب





ز جای مِهی<sup>۲</sup> برتر آورد پای  
 چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت<sup>۳</sup>  
 ز هامون به گردون برافراشتی<sup>۴</sup>  
 نشسته برو<sup>۵</sup> شاه فرمانروا  
 شگفتی فرومانده از<sup>۶</sup> بخت اوی<sup>۷</sup>  
 مرآن روز را روز نو خواندند<sup>۸</sup>  
 برآسوده<sup>۹</sup> از رنج تن، دل ز کین<sup>۱۰</sup>  
 می و جام<sup>۱۱</sup> و رامشگران خواستند  
 به ما ماند<sup>۱۲</sup> از آن خسروان<sup>۱۳</sup> یادگار  
 ندیدند مرگ اندر آن روزگار  
 میان بسته<sup>۱۴</sup> دیوان بسان رهی  
 ز رامش جهان پر ز آوای نوش<sup>۱۵</sup>  
 همی تافت از فر<sup>۱۶</sup>، شاه کیان<sup>۱۷</sup>  
 نشسته جهاندار با فرهی  
 به گیتی جز از<sup>۱۸</sup> خویشتن را<sup>۱۹</sup> ندید  
 ز یزدان پیچید و<sup>۲۰</sup> شد ناسپاس  
 چه مایه سخن پیش ایشان براند

همه کردنی ها چو آمد بجای  
 به فر کیانی یکی تخت ساخت  
 که چون خواستی دیو برداشتی  
 ۵۰ چو خورشید تابان میان هوا  
 جهان انجمن شد بران<sup>۶</sup> تخت اوی<sup>۷</sup>  
 به جمشید بر گوهر افشانند  
 سر سال نو هرمز فرودین<sup>۱۰</sup>  
 بزرگان بشادی<sup>۱۱</sup> بیاراستند  
 ۵۵ چنین جشن<sup>۱۲</sup> فرخ از آن<sup>۱۳</sup> روزگار  
 چنین<sup>۱۴</sup> سال سیصد<sup>۱۵</sup> همی رفت<sup>۱۶</sup> کار  
 ز رنج و زبدهشان نبود<sup>۱۷</sup> آگهی  
 به فرمان<sup>۱۸</sup> مردم نهاده دو گوش  
 چنین تا برآمد برین<sup>۱۹</sup> سالیان  
 ۶۰ جهان سر بسر گشته<sup>۲۰</sup> او را رهی  
 یکایک به تخت مِهی بنگرید  
 ز گیتی سر شاه<sup>۲۱</sup> یزدان شناس  
 گرانمایگان را ز لشکر بخواند

۱- لن، ق، آ، لی، پ، ب: ب: چو آن (لی، ب: این) کارهای وی؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل، ۲- لی: ز تخت مِهی؛ پ: ز جای مِهی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- لن: ساحت (نقطه ندارد)؛ ل، ۲: نساخت؛ متن = نه دستنویس دیگر ۴- در لی پس از این بیت بیت ۵۲ آمده است ۵- لی: بدو ۶- لی، پ، آ، ب: بر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۷- ل، لن، ق، آ، لی، آ: او؛ متن = ف، پ، و، ل، آ، ب ۸- ل: ماند از؛ لی: از آن بر شده فوه و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- در لی این بیت پس از بیت ۴۹ آمده است ۱۰- ل: هرمز و فرودین؛ لی: هرمز فرودین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل، ق، آ: برآسود؛ و: برآسودش؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۲- ل، ق، آ: از رنج و زرد و کین (ق، آ: و هم دل ز کین)؛ آ: از رنج دل جان ز کین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- ق، آ: زشادی؛ ل، ۲: شادی ۱۴- و: رود ۱۵- پ: روز ۱۶- ق، آ: کزان ۱۷- لن: بماندست؛ لی: بمانده ۱۸- ق، آ: از خسروان؛ ل، ۲: زان خسروان؛ ف پس از این بیت افزوده است:

کشیدند پیشش بزرگان زده  
 که بنهاد جمشید جشن سده  
 در آیت های میان بیت ۵۴ تا ۵۸ در هم ریخته اند: ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۹- لی: چنان ۲۰- ق (و نیز ل): ششصد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز بنداری: ثلثمائة) ۲۱- ف: راند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ل، ۲: بند ۲۳- و: کمر بسته؛ ق پس از این بیت بیت ۵۹ پ را افزوده است؛ لی پس از این بیت چهار بیت افزوده است:

یکی تخت پر مایه کرده بپای  
 نشسته بران تخت جمشید کی  
 مران تخت را دیو برداشته  
 سرافراز تخت سپهد زده  
 ۲۴- ف، آ: بفرمانش؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۵- لن، ق، آ، پ: ز رامش جهان را پر او از (ق، آ: آوای) نوش (پ: گوش)؛ لی، ب: ز رامش جهان پر ز آواز نوش؛ متن = ف، ل، و، آ، ل، ۲: ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۶- ق، آ، ب: بران؛ لی: بدین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، لن، پ، و، آ، ل، ۲- لن- ب: از شاه فر کیان؛ متن = ف؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ ل بجای این بیت و لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب پس از این بیت و ق پس از بیت ۵۷ بیت زیر را افزوده اند:

چو چندی (لن: که چندی؛ ق: چنین تا) برآمد برین (لی: بدین) روزگار

ندیدند جز (ل، ۲: ندیده بجز) خوبی از کردگار (لن، ق، آ، لی: شهریار؛ پ: خوبی شهریار؛ ب: از روزگار)  
 این بیت در ف، و، آ نیست ۲۸- ل، پ، ل، ۲: گشت؛ ق: جهان گشت سرتاسر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۹- ق، لی: بگیتی بجز ۳۰- ق، آ، لی: کس ۳۱- ل: از آن پس عجب شاه؛ لن، ق، آ، و، ب: منی کرد آن (ب: از آن) شاه؛ ق: از آن عجب بر شاه (ل مانند ق عجب داشته، ولی سپس بر او خط زده و پس نوشته و در نتیجه عجب به عجب برگردیده است)؛ آ: دل نامور شاه؛ متن = ف، ل، ۲- ۳۲- ب: وزان برتری جست و

که جز خویشتن را ندانم جهان  
 چو من نامور<sup>۲</sup> تخت شاهی ندید  
 چنان ست گیتی کجا خواستم<sup>۳</sup>  
 همان<sup>۵</sup> پوشش<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup> کامتان<sup>۸</sup> از من ست  
 که گوید که جز من کسی پادشاست  
 چرا کس نیارست گفتن، نه چون  
 بگشت<sup>۱۲</sup> و جهان شد پر از گفت و گوی<sup>۱۳</sup>  
 شکست اندر آورد و برگشت کار<sup>۱۴</sup>  
 که<sup>۱۷</sup> خسرو شدی<sup>۱۸</sup> بندگی را بکوش  
 به دلش اندر آید<sup>۲۰</sup> ز هر سو هراس  
 همی کاست آن<sup>۲۱</sup> فر گیتی فروز

چنین گفت با سالخورده مهان  
 ۶۵ هنر در جهان از من آمد پدید  
 جهان را به خوبی من آراستم  
 خور و خواب و آرامتان<sup>۴</sup> از من ست  
 بزرگی و دیهیم و<sup>۹</sup> شاهی مراست  
 همه موبدان سرفکنده نگون  
 ۷۰ چن<sup>۱۰</sup> این گفته شد فر یزدان ازوی<sup>۱۱</sup>  
 هنر چون پیوست<sup>۱۴</sup> با کردگار  
 چه گفت آن سخنگوی با ترس<sup>۱۶</sup> و هوش  
 به یزدان هرآنکس که شد<sup>۱۹</sup> ناسپاس  
 به جمشید بر تیره گون گشت روز

### گفتار اندر داستان مرداس<sup>۲۲</sup>

ز دشت سواران نیزه گزار<sup>۲۳</sup>  
 ز ترس جهاندار با باد سرد  
 به داد و دهش برترین پایه بود  
 ز هر يك هزار آمدندی بجای

۷۵ یکی مرد بود اندران روزگار  
 گرانمایه هم شاه<sup>۲۴</sup> و هم نیکمرد  
 که مرداس<sup>۲۵</sup> نام<sup>۲۶</sup> گرانمایه بود  
 مرو را ز دوشیدنی<sup>۲۷</sup> چارپای

۱- ل: نهان ۲- لی: تاجور ۳- ف: بروی زمین گشت من خواستم؛ لن- پ، ل، آ، ب: چنان گشت (ق: است) گیتی که من خواستم؛ و، آ: زروی زمین جور (آ: کینه) من کاستم؛ متن= ل ۴- لن: آرام ونان؛ و، ل: آرامشان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۵- لن، ق، آ، پ: همه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۶- ل، ق، و: کوشش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- آ: < و > ۸- و، ل: کامشان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ل، ق، ق، آ، و: < و >؛ لی پس از این بیت چهار بیت افزوده است:

بدارو و درمان جهان گشت راست  
 جز از من که برداشت مرگ از کسی  
 شما را ز من هوش و جان در تن است  
 گر ایدونک دانید من کردم این  
 که بیماری و مرگ از ما بکاست  
 وگر بر زمین شاه باشد بسی  
 به من بگرود آنک اهرمن است  
 مرا خواند باید جهان آفرین

۱۰- ل- ب: چو؛ متن= ف ۱۱- لی، ل، آ: ازو ۱۲- لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: گسست؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۳- لی: گفت وگو؛ ل: جهان گشت پر گفت وگو؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ل، ق، آ این بیت پس از بیت ۷۲ آمده است ۱۴- ل، ق: پیوست (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، و، ل، آ، ب: پیوست؛ متن= ف، لن، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، لن) ۱۵- لن، ق، آ: درست کار؛ پ: بر بست کار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۶- ل، و، آ، ب: بافر؛ متن= ف، ل ۱۷- لن- و، ل، آ، ب: چو؛ متن= ف، ل، آ ۱۸- ل، لن، ق، لی، پ، و، ل، آ: شوی؛ متن= ف، ق، آ، ب؛ در ل، ق، آ پس از این بیت بیت ۷۰ آمده است؛ لی پس از این بیت افزوده است:

به بیست و سه سال از در بارگاه  
 همی راند خورشید خون برکنار  
 پراکنده گشتند یکسر سپاه  
 همی کرد پوزش بر کردگار

۱۹- ف: بُد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق، آ: آمد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- لی، و: زو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲- ف: گفتار اندر داستان مرداس پدر ضحاک با ضحاک و ابلیس و کشتن ابلیس او را اندر چاه در باغ خویش؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب: داستان ضحاک با پدرش (لن، ق، آ، لی: ... مرداس)؛ ق: گفتار در حال ضحاک تازی و بند ابلیس؛ و: داستان مرداسپ تازی با پسرش ضحاک؛ آ: پدید آمدن ضحاک تازی؛ ل: گفتار اندر کشتن تخت جمشید و گریختن او؛ ل سرنویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۲۳- ف، ل، پ: گذار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل، ق: گرانمایه بود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۵- لی، آ: مرداسب؛ و: مرداسپ؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ب: بنداری) ۲۶- ق، آ، لی: نام و ۲۷- ل، آ: روشندلی؛ (ل: دوشندگی)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن آ)

همان تازی اسپان همه گوهری<sup>۲</sup> همان<sup>۱</sup> گاو دوشا به فرمان بری<sup>۲</sup>  
 به دوشندگان<sup>۵</sup> داده بُد پاك دين ۸۰ بز و شیروور میش بُد<sup>۴</sup> همچنین  
 بدان<sup>۷</sup> خواسته دست بردی فراز<sup>۸</sup> به شیر<sup>۶</sup> آنکسی را که بودی نیاز  
 که از مهر بهره<sup>۱۱</sup> نبود اندکی پسر بُد مرین<sup>۹</sup> پاکدین<sup>۱۰</sup> را یکی  
 دلیر و سبکسار و نپاك<sup>۱۲</sup> بود جهانجوی را نام ضحاک بود  
 چنین نام بر پهلوی راندند کجا<sup>۱۳</sup> بیوراسپش<sup>۱۴</sup> همی خواندند  
 بود بر زبان دری ده هزار<sup>۱۵</sup> کجا بیور از پهلوانی شمار  
 ورا بود بیور که<sup>۱۷</sup> بردند<sup>۱۸</sup> نام ز<sup>۱۶</sup> اسپان تازی به زین ستام  
 ز راه<sup>۲۱</sup> بزرگی، نه از راه<sup>۲۲</sup> کین شب و روز بودی دو بهره<sup>۱۹</sup> به زین  
 بیامد بسان یکی نیکخواه چنان بُد که ابلیس<sup>۲۳</sup> روزی پگاه  
 جوان گوش گفتار او را سپرد دل مهتر<sup>۲۴</sup> از راه نیکی ببرد  
 پس آنگه سخن برگشایم درست بدو گفت پیمان<sup>۲۵</sup>ت خواهم نخست  
 چنان چون<sup>۲۹</sup> بفرمود<sup>۳۰</sup> سوگند خورد<sup>۳۱</sup> جوان نیک<sup>۲۶</sup> دل گشت و<sup>۲۷</sup> فرمانش<sup>۲۸</sup> کرد

۱- آ: هم از؛ ق این بیت را ندارد ۲- و (و نیز ل، ۲، لن ۲): گاو دوشای فرمان بری؛ ل ۲: گاو دوشان و هم مادیان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳- ف: تازی اسب و هیون مری؛ ل: تازی اسب گزیده مری؛ لن: تازه اسبان تارهری؛ ق ۲: تازی اسبان ره بسپری؛ لی: تازی اسب رمنده مری؛ پ: تازی اسبان همچون مری؛ و (و نیز لن ۲): تازی اسب زهی و مری؛ آ (و نیز ل ۲): تازی اسب و هیون فری؛ ل ۲: فزون داشت آن مهتر تازیان؛ متن = ب: در لن، ق ۲، لی، پ، و این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۴- ف: بز شیرور میش بد (ویا: بز شیرور میش بد)؛ ل: بز شیرور میش را؛ ق ۲: هم از گاو میش و شتر؛ لی، پ: بز و اشتر و میش را (لی: هم)؛ و: بز و میش با شیر را؛ آ: بز شیرور میش را؛ ب: ؟ و از میش بُد؛ (ل ۲): بز شیرور میش بُد؛ لن ۲: بز و میش تاشیر را)؛ در لن این لک پاك شده است؛ ق ۲ این بیت را ندارند؛ متن = تصحیح قیاسی است ۵- ل: بدو شیرگان؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در لن، ق ۲، لی، پ، و این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۶- لن: سری (!)؛ (ل ۲: به شهر)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن ۲) ۷- ل، ق: بران؛ در لن لک دوم این بیت پاك شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۸- ف، ق ۲، پ، ل، آ: دراز؛ متن = ل، ق، لی، و، آ، ب ۹- ق ۲، لی، پ، و، ل، آ: مران؛ در لن این لک پاك شده است؛ متن = ف، ل، آ، ب ۱۰- ل، ق، لی، پ، ب: پاکدل؛ و: پاکتن؛ متن = ف، لی، آ، ل ۱۱- لن، و، آ، ب: کش از مهر بهره؛ ل ۲: که از مهر پیدا؛ متن = ف ۱۲- بی باک؛ در لن لک دوم این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر (در آل، آ، ب حرف سوم سه نقطه دارد) ۱۳- ف: همه؛ لی، آ، ب: همی؛ ل ۲: همان؛ در لن این لک پاك شده است؛ متن = ل، ق، پ، و، ۱۴- ق ۲: بیور زرسش ۱۵- ق ۲: بود بر زبانی ده و دو هزار؛ در لن لک دوم این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- ق ۲، لی، پ، آ، ب: از؛ در لن این لک پاك شده است؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۷- لن، ق ۲، پ: چو؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- لی: بردیم ۱۹- ب: گزیده ۲۰- لی، ل، آ: برین ۲۱- ل: زروی ۲۲- ق، ل، آ: بهر؛ آ: روی؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ل نخست روی داشته، آنرا به راه برگردانیده است) ۲۳- ل، آ: بود کابلیس ۲۴- لن، ق، آ، پ، ب: پورش؛ ل ۲: بیور؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، آ؛ لن، ق ۲، لی، پ، و، ل، آ: ب پس از این بیت شش بیت افزوده اند، ق ۲ بیت یکم را ندارد:

همانا خوش آمدش گفتار اوی (لی، ل، آ: او) نبود آگه (و: که آگه بُد) از زشت کردار اوی (لی، ل، آ: او)  
 بدو داد هوش و (لن، لی، پ: < >) دل و جان پاك پراکند (لی، ل، آ: ب: پراکنده) بر تارك خویش خاک  
 و، ل ۲: بدو داد جان و دل و هوش پاك

چو ابلیس دید آنک او را (پ: آنکه او دل) بیاد برافشانند (ب: برافتاد) از او گشت نهمار (لن: بسیار) شاد  
 لی، و، ل، آ، ب: چو ابلیس دانست کورا (و: کودل) بیاد (ل ۲: بداد) ق ۲: برافشانند از نهان برگشادلی، پ: برافکنند از آن گشت پیروزو (پ: بسیار) شادل ۲: برافشانند وزو  
 گشت ابلیس و شاد

فراوان سخن گفت زیبا و نغز جوان را تهی بود از عقل مغز  
 ل ۲: بران سان که بر بودش از عقل مغز

همی (ل ۲: چو آن) گفت دارم سخن ها بسی جوان گفت برگوی و چندین مپای  
 که آنرا نداند جز از من (ق ۲، لی، پ، و: جز از من نداند) کسی بیاموز ما را تو ای نیک رای

این بیت هادر ف، ل، ق، آنیست، ولی درق آنرا در کناره افزوده اند ۲۵- برخی از دستنویس هادر این جاسرنویس دارند، ق ۲: فریفتن ابلیس ضحاک را تا پذیرا بشد؛ و: گفتار اندر فریفتن ابلیس ضحاک را ۲۶- ق، و، ل، آ: ساده؛ لی، آ، ب: تنگ؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: بود؛ ل ۲: بودو؛ متن = ف، ل، آ ۲۸- پ: پیمان ۲۹- لن: چنانک کو؛ ق ۲، لی، پ: چنان کو؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۳۰- ل ۲: که او گفت ۳۱- ب: دل و جان و تن هر سه قریب باش کرد

ز تو بشنوم هرچه گویی سخن  
 چه باید همی با تو اندر سرای  
 یکی پندت از من بیاید شنود  
 همی دیر ماند<sup>۷</sup>، تو اندر نورد  
 ترا زبید اندر جهان جاه<sup>۱۱</sup> اوی<sup>۹</sup>  
 جهان را تو باشی<sup>۱۲</sup> یکی کدخدای<sup>۱۳</sup>  
 ز خون<sup>۱۶</sup> پدر شد دلش پر ز درد  
 دگرگوی کین از در کار نیست<sup>۱۷</sup>  
 بتابی ز سوگند و پیمان ز بن<sup>۱۹</sup>  
 شوی خوار و ماند<sup>۲۰</sup> پدرت<sup>۲۱</sup> ارجمند<sup>۲۲</sup>  
 چنان شد که فرمان او برگزید  
 چه رویست راه و<sup>۲۴</sup> بهانه مجوی  
 به خورشید سر بفرزام ترا

یکی بوستان بُد گرانمایه جای<sup>۲۸</sup>  
 ز بهر نیایش<sup>۳۰</sup> برآراستی<sup>۳۱</sup>  
 پرستنده با او<sup>۳۲</sup> نبردی<sup>۳۳</sup> چراغ  
 یکی ژرف چاهش<sup>۳۸</sup> به ره بر بکند<sup>۳۴</sup>

که راز تو با کس نگویم ز بُن  
 بدو گفت جز تو کسی<sup>۱</sup> کدخدای<sup>۲</sup>  
 چه باید<sup>۴</sup> پدر که ش<sup>۵</sup> پسر چون تو بود  
 ۹۵ زمانه برین<sup>۶</sup> خواجهی سالخورد  
 بگیر این سر مایه ور گاه<sup>۸</sup> اوی<sup>۹</sup>  
 گرین گفته‌ی من تو آری بجای<sup>۱۱</sup>  
 چو ضحاک<sup>۱۴</sup> بشنید<sup>۱۵</sup> و اندیشه کرد  
 به ابلیس گفت: این سزاوار نیست  
 ۱۰۰ بدو گفت اگر<sup>۱۸</sup> بگذری زین سخن  
 بماند به گردنت سوگند و بند  
 سر مرد تازی به دام آورید  
 پیرسید کین چاره<sup>۲۳</sup> با من بگوی  
 بدو گفت من<sup>۲۵</sup> چاره سازم ترا

۱۰۵ مران<sup>۲۶</sup> پادشا<sup>۲۷</sup> را در اندر سرای  
 گرانمایه شبگیر برخاستی<sup>۲۹</sup>  
 سر و تن بشستی نهفته به باغ  
 برآورد<sup>۳۴</sup> وارونه<sup>۳۵</sup> ابلیس بند<sup>۳۶</sup>

۱- ل، ق، آ: یکی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- لن، ق، آ، لی، پ: در سرای؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- ل: نمی بینم...؟ با تو اندر سرای؛ لن، ق، آ، لی، پ: چرا باید ای نامور کدخدای؛ متن = ف، ق، و، آ، ل، ب ۴- ق: نباید ۵- لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: چون؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۶- ق، آ، لی: بدین؛ ب: بران؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- ق: دیر باید؛ لی: دیر ماند و ۸- ل، ق: سرمایه و رجاه؛ پ: سرمایه درگاه؛ و: سرمایه و گاه؛ ل، آ: سرو مایه و گاه؛ متن = ف، لن، ق، آ، لی، آ، ب ۹- ل، لن، ق، لی، ل، آ، ب: او؛ آ: را؛ متن = ف، ق، آ، پ، و ۱۰- ل، ق: گاه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل- ب: برین (لی: بدین) گفته من چو داری (پ: خود آری) وفا؛ متن = ف ۱۲- ل، ل، آ: جهاندار باشی؛ ق: جهاندار گردی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- ل- ب: پادشا؛ متن = ف ۱۴- ل، لی، آ: چو بشنید ضحاک ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ: < و؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۱۶- ل: زجان ۱۷- ف پس از این بیت افزوده است:

بخون پدر چون کنم دست پیش  
 جدا چون شوم خیره از دین و کیش  
 چو از من پیرسد بروز شمار  
 چه گویم بیزدان پروردگار  
 ۱۸- ل، ق، لی، و: گر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۹- ل، لن، و، ل، آ: پیمان من؛ ق، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بتابی ز پیمان و سوگند من (ق: بن)؛ متن = ف ۲۰- و، ل، آ، ب: شوی خوار مایه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۱- ل، لی، و، ل، آ: پدر؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ، ب ۲۲- ق، آ: انجمن (پساوند ندارد)؛ ق: شوی خوار و یابی همی نوگزند ۲۳- ل، آ: ساز ۲۴- آ، ب: < و؛ ل- و: چه رویست این را؛ ل، آ: چه رویست رایو (= رای و)؛ متن = ف ۲۵- و: بگفتش که من؛ ل، آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده اند:  
 تو در کار خاموش می باش و بس  
 نباید مرا یاری از هیچ کس  
 چنان چون بیاید بسازم تمام  
 تو تیغ سخن برمکش از نیام  
 این بیت ها در ف، ل، ق، آ، ل نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۲۶- ق: کی ۲۷- لی: پارسا ۲۸- لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: بود بس دلگشای؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۹- ل، آ: برخواستی ۳۰- ل- ل، آ: پرستش؛ متن = ف، ب ۳۱- ل- ل، آ: بیاراستی؛ متن = ف، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>) ۳۲- ق: باوی ۳۳- ف، ل، لن، ق، آ، پ، و: بردی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ): بردی؛ متن = لی ۳۴- ل: بیاورد؛ لن، ق، آ، پ، و: بر آن راه؛ لی: بدان راه؛ آ: فرمان؛ ل، آ: مران راه؛ متن = ف، ب ۳۵- لی، آ، ب: ابلیس؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۶- لن- و، ل، آ: دیو نژند؛ آ، ب: وارونه پند؛ متن = ف، ل ۳۷- ب: که تا ۳۸- ل- ب: چاهی؛ متن = ف ۳۹- لن: فکند؛ در لن، ق، آ، پ، و، ب پس از این بیت بیت ۱۱۲ آمده است

شب آمد سوی باغ بنهاد روی  
یکایک<sup>۲</sup> نگون شد سر بخت<sup>۳</sup> شاه<sup>۴</sup>  
شد آن نیک<sup>۵</sup> دل مرد یزدان پرست  
به خاک اندراگند<sup>۶</sup> و<sup>۷</sup> بسپرد<sup>۸</sup> راه

سر تازیان مهتر<sup>۱</sup> نامجوی  
۱۱۰ چو آمد بنزدیک آن ژرف چاه  
به چاه اندرافتاد و بشکست پست<sup>۵</sup>  
پس ابلیس وارونه آن<sup>۶</sup> ژرف چاه

به فرزندبر نازده<sup>۱۰</sup> باد سرد  
بدو بود شاد و بدو داد<sup>۱۱</sup> گنج  
نجست از ره شرم<sup>۱۴</sup> پیوند اوی<sup>۱۳</sup>  
ز دانا شنیدستم<sup>۱۶</sup> این داستان<sup>۱۷</sup>  
به خون پدر هم نباشد دلیر<sup>۲۰</sup>  
پژوهنده را راز با مادرست

بهر نیک و بد شاه آزادمرد  
همی پروریدش به ناز و به رنج  
۱۱۵ چنان بدگهر<sup>۱۲</sup> شوخ فرزند اوی<sup>۱۳</sup>  
به خون پدر گشت همداستان<sup>۱۵</sup>  
که فرزند بد<sup>۱۸</sup> گر شود<sup>۱۹</sup> نزه شیر  
مگر در<sup>۲۱</sup> نهانش<sup>۲۲</sup> سخن دیگرست

بدین چاره بگرفت گاه<sup>۲۴</sup> پدر  
بریشان<sup>۲۵</sup> ببخشید<sup>۲۶</sup> سود و زیان

سَبَك مایه<sup>۲۳</sup> ضحاک بیدادگر  
۱۲۰ به سر برنهاد افسر تازیان

یکی پند<sup>۲۹</sup> بد<sup>۳۰</sup> را نو<sup>۳۱</sup> افگند بُن  
ز گیتی همه کام دل یافتی  
نپیچی ز گفتار<sup>۳۴</sup> و پیمان<sup>۳۵</sup> کنی  
دَد و مردم و<sup>۳۷</sup> مرغ و ماهی تراست

چو ابلیس پیوسته دید<sup>۲۷</sup> آن<sup>۲۸</sup> سخن  
بدو گفت گر<sup>۳۲</sup> سوی من تافتی  
اگر همچونین نیز فرمان<sup>۳۳</sup> کنی  
جهان سربسر پادشاهی تراست<sup>۳۶</sup>

یکی چاره کرد از شگفتان شگفت<sup>۳۹</sup>

۱۲۵ چو این کرده<sup>۳۸</sup> شد ساز دیگر گرفت

۱- ف، لن، ق، ل، ی، ب: نامور؛ متن = ل، ق، و، آ، ل، پ این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در میان ستون ها افزوده است؛ س پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲- و، ل، آ: بچه در؛ متن = ف- ل، ی، ب ۳- ف: همه بخت؛ ل، ی: سر و بخت؛ لن، و، ل، ۲: سر تخت؛ متن = س، ق، ق، آ، ب ۴- آ: بخاک اندر افکند و بسترد راه (آ ۱۱۰ و ۱۱۲ را انداخته و از ۱۱۱ و ۱۱۲ ب یک بیت ساخته است)؛ پ این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در میان ستون ها افزوده است ۵- ل: گردن شکست؛ و: بشکست پشت (پساوند ندارد)؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۶- ق، آ: تنگ؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- ب: وارون سر ۸- لن، ق، آ، و، ب: به خاشاک پوشید و؛ ق، آ: بخاک اندر افکند و؛ ل: بخاکش پوشید و؛ پ: بخاشاک بگرفت و؛ متن = ف، ل ۹- ف: نسپرد؛ ل، و: سپرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، آ: بسترد؛ پ: آمد به؛ متن = ق، ل، ی، ب؛ پ لت دوم این بیت را در میان ستون ها افزوده است؛ س، ل این بیت را ندارند؛ آ ۹۲ و ۹۳ را انداخته و از ۹۲ و ۹۳ ب یک بیت ساخته است؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در لن، ق، آ، پ، و، ب این بیت پس از بیت ۸۸ آمده است ۱۰- لن: برناورد؛ ب: هرگز نزد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل) ۱۱- لن، ق، آ، پ: داده؛ ق: خواست؛ س: بدو داد تیغ و بدو داد؛ ل: ازو بود شادان بسپرد گنج؛ متن = ف، ل، ی، و، آ، ب ۱۲- س، لن، ق، آ، ل، ی، پ، و: چنان بدکش؛ ق، ب: چنان بد (شد) که آن؛ ل: چنان بود کان؛ متن = ف، ل، آ ۱۳- ل، س، آ، ل، ب: او؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، و ۱۴- ل: بگشت از ره داد و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- ق، آ: هم باستان (!) ۱۶- ل، ق، آ: شنیدم من؛ ب: شنیدیم؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل، ی، پ، و (و نیز ل، لن) ۱۷- ل: شنیدستم از زمره راستان ۱۸- لن: ما؛ ق، آ: را؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- س، لن، ق، آ، پ، آ: بود؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- ل: نباشید سیر (!) ۲۱- آ: وگردد؛ ل: که اندر ۲۲- س، لن، ق، آ، ل، ی، پ، و، ب: نهانی؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ۲۳- ل، آ: ستمکاره؛ س، لن، ق، آ، پ، ب: فرومایه؛ متن = ف، ق، ل، ی، و، ل، ۲۴- ل، ق، و، آ، ب: جای؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ و پس از این بیت سرنویس دارد، ولی جای آن در اینجا نیست: پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود ۲۵- ل: بهر کس ۲۶- س، لن، ق، آ، ل، ی، پ، و، ب: بیخوشد؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ۲۷- آ: گفت ۲۸- ق، ل، ی، پ، و، ل، آ: این؛ متن = ف- ق، آ، ب ۲۹- پ، آ، ب: پند (حرف یکم سه نقطه دارد) ۳۰- س، لن، ق، آ، نو؛ ل، ی، پ، و: دیگر؛ متن = ف، ل، ق، ل، ی، پ، و، ل، آ: بد ۳۱- آ: بد ۳۲- س، لن، ق، آ، ل، ی، پ، و، ل، ب: چون؛ آ: اگر؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ق، پ، و: پیمان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- س، لن، ق، آ، ل، ی، ب: فرمان؛ ق: پیمان؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ل ۳۴- ل، ق، پ، و: فرمان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۵- س، لن، ق، آ، ل، ی، ب: فرمان؛ ق: پیمان؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ل ۳۶- س، لن، ق، آ، ل، ی، پ، و، آ، ل ۳۷- ق، آ، پ، و، آ، ل ۳۸- س، پ، ب: گفته؛ متن = ف، ل، و، آ، ل ۳۹- ل، ق، و، آ: شگفتی شگفت؛ س، لن، ل، ی، پ، ل، آ، ب: دگرگونه چاره گزید ای (پ: از؛ ب: او) شگفت؛ ق، آ: دگرگونه بر چاره برگرفت؛ متن = ف

سُخْن گوی<sup>۱</sup> و بینادل و پاك تن<sup>۲</sup>  
 نبودش جز از<sup>۴</sup> آفرین گفت وگویی  
 یکی نامور پاك<sup>۵</sup> خوالیگرم<sup>۶</sup>  
 ز بهر خورش جایگه<sup>۷</sup> ساختش  
 بدو داد<sup>۹</sup> دستور فرمانروا  
 که کمتر بُد از کُشتنی ها<sup>۱۰</sup> خورش  
 خورشگر بیاورد<sup>۱۳</sup> يك يك بجای  
 بدان تا کند پادشا<sup>۱۶</sup> را دلیر  
 به فرمان او دل<sup>۱۸</sup> گروگان کند  
 بدان داشتش يك زمان<sup>۲۰</sup> تندرست  
 مژده<sup>۲۳</sup> یافت و خواندش ورا<sup>۲۴</sup> نیکبخت  
 که جاوید زی شاد و<sup>۲۶</sup> گردن فراز  
 کزو آیدت سربسر<sup>۲۹</sup> پرورش  
 که فردا ز خوردن چه سازم<sup>۳۰</sup> شِگفت

برآورد<sup>۳۲</sup> و بنمود یاقوت زرد  
 بسازید و آمد دلی پر امید  
 سر کم خرد مهر<sup>۳۷</sup> او را سپرد  
 بیاراست خوان از خورش یکسره<sup>۳۹</sup>  
 خورش کرد<sup>۴۲</sup> از پشت گاو جوان

جوانی برآراست از خویشان  
 همیدون به ضحاک بنهاد<sup>۳</sup> روی  
 بدو گفت اگر شاه را درخورم  
 چو بشنید ضحاک بنواختش  
 ۱۳۰ کلید خورش خانه<sup>۸</sup> پادشا  
 فراوان نبود آن زمان پرورش  
 ز هر گوشت از<sup>۱۱</sup> مرغ و از<sup>۱۲</sup> چارپای  
 به خورش<sup>۱۴</sup> پیرورد برسان<sup>۱۵</sup> شیر  
 سُخْن هرچه گویدش<sup>۱۷</sup> فرمان کند  
 خورش زردهی خایه<sup>۱۹</sup> دادش نُخست  
 ۱۳۵ بخورد و برو<sup>۲۱</sup> آفرین کرد<sup>۲۲</sup> سخت  
 چُنین<sup>۲۵</sup> گفت ابلیس نیرنگ ساز  
 که فردات زان گونه<sup>۲۷</sup> سازم<sup>۲۸</sup> خورش  
 برفت و همه شب سگالش گرفت

۱۴۰ دگر روز چون گنبد لاژورد<sup>۳۱</sup>  
 خورش های کبک<sup>۳۳</sup> و تذرو سپید<sup>۳۴</sup>  
 شه<sup>۳۵</sup> تازیان چون به خوان<sup>۳۶</sup> دست برد  
 سدیگر به مرغ و کباب<sup>۳۸</sup> بره  
 به روز چهارم چو<sup>۴۰</sup> بنهاد<sup>۴۱</sup> خوان

۱- پ: سخن گو ۲- ل، ق: رای زن؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرتنویس دارد: گفتار اندر داستان ضحاک با ابلیس رفتن ابلیس بخوانگری او و پدید آوردن خوردنی ها نیکو اندر جهان ۳- و، ل: بنمود ۴- ل، ق: بجز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ق: نغز؛ لی، و، ل: مرد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۶- لن: خالیگرم؛ ا، ل: خالی گرم ۷- ل، ق: پایگه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق: در خانه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- ق، و: بیاورد؛ ل: بیاورد و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ل، و، ل: ب: خوردنی ها؛ متن = ف، ا ۱۱- ل، ل: آ: وز؛ س: واز؛ ق: وهر؛ لی، پ: زهر گونه از؛ متن = ف، لن، ق، و، ب ۱۲- ف، ل، ا: وز؛ ل: زمرغان بکشت و بس از؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- س، لن، ق: آ: خورش کرد و آورد؛ متن = ف، ل، ق، ل، ب ۱۴- س، لن، ق، آ، پ: بشیرش؛ ل: بخانش (!)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۵- ق: آ: بسان (وزن نادرست است) ۱۶- ق: پادشه ۱۷- ق: گویند ۱۸- و: بفرمان دل او را ۱۹- لی: زرده خاك؛ آ: خورده خایه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: چندگه؛ و: تازه و؛ لی: بدان تا شود چندگه؛ متن = ف، ل، ق، ل ۲۱- لی: بدو ۲۲- ق: گفت ۲۳- س، لی، ل (و نیز لن): مژده (باسه نقطه) ۲۴- ل، لی: یافت خواندش ورا؛ س، ق: یافت ازو (ق: زو) خواندش؛ لن: یافتی خواندشی؛ پ، آ: یافت زان خوردنش؛ و، ب: یافت زان خواندش؛ ل: یافت زو مهتر؛ متن = ف، ق ۲۵- لی: بدو؛ ل: چونین ۲۶- ل: که شادان زی ای شاه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: که جاوید زی شاه؛ ق: که شادان بزی ای شه؛ و، ل: که جاوید بادی و؛ متن = ف ۲۷- ل، لن، ق، آ، لی، آ، ب: ازان گونه؛ ل: زانسان؛ متن = ف، ق، پ، و ۲۸- ل: بسازم ۲۹- ل، ق، لی، ب: باشدش (لن: باشدش) سربسر؛ ق: سربسر باشدت؛ متن = ف ۳۰- ل، ق، و، ب: سازد؛ لن، ق، آ، لی، پ، ل: که فردا چه سازد (پ: سازم) ز خوردن (ق: ز خورد؛ لی: بخوردن؛ ل: ز خورد ای)؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = ف، ا ۳۱- ف، س، ق، آ، لی، پ، ل، ب: لاجورد؛ متن = و، ل، ق، آ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ در لن این لت پاك شده است ۳۲- پ: برآسود ۳۳- ل- ب: خورش ها ز کبک؛ متن = ف (و نیز ل، لن) ۳۴- و: سفید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۳۵- و: سر؛ در لن این لت پاك شده است ۳۶- ل، ق: بنان؛ س، ق: بخان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۷- ل، س، ق، آ، ل: مهتر؛ متن = ف، لن، لی، پ، و، ب ۳۸- ل، ق، آ، ب: کباب و؛ س، لی، و، پ: سیوم (س، پ: سوم) روز خوان را (لی: خانرا) بمرغ و (س: زمرغ و)؛ لن: سیوم روز چون بود مرغ و؛ ق: سوم روز خوردن زمرغ و؛ ل: سه دیگر زمرغ و کباب و؛ متن = ف ۳۹- س، ق، آ، لی، پ، و: بیاراستش گونه گون یکسره؛ ق: بیاراست خوان خورش یکسره؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = ف، ل، ا، ل، آ، ب ۴۰- و، ل: که؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۴۱- ق، آ، ل: بنمود ۴۲- ل، س، ق، لی، پ، ب: ساخت؛ لن، و، ل: دادش؛ ق: خواست؛ آ: کردش؛ متن = ف

- ۱۴۵ بدوی<sup>۱</sup> اندرون زعفران و<sup>۲</sup> گلاب  
 چو ضحاک دست اندرآورد و خورد  
 بدو گفت بنگر که تا<sup>۵</sup> آرزوی  
 خورشگر بدو گفت کای<sup>۷</sup> پادشا  
 مرا دل سراسر پر از مهر توست<sup>۸</sup>
- ۱۵۰ یکی حاجتستم به پیروز<sup>۱۱</sup> شاه  
 که فرمان دهد تا سر<sup>۱۳</sup> کتف اوی<sup>۱۴</sup>  
 چو ضحاک بشنید گفتار اوی<sup>۱۷</sup>  
 بدو گفت دادم من<sup>۱۸</sup> این کام تو  
 بفرمود تا دیو چون جفت<sup>۲۰</sup> اوی<sup>۲۱</sup>
- ۱۵۵ بیوسید و<sup>۲۳</sup> شد در زمین<sup>۲۴</sup> ناپدید  
 دو مار سیاه<sup>۲۷</sup> از دو کتفش برست  
 سرانجام بیرید هر دو ز کتف<sup>۲۹</sup>  
 چو شاخ درخت آن دو مار سیاه  
 بزشکان<sup>۳۲</sup> فرزانه گرد آمدند
- ۱۶۰ ز هر گونه نیرنگ ها ساختند  
 بسان بزشکی پس ابلیس تفت<sup>۳۴</sup>  
 بدو گفت کین<sup>۳۷</sup> بودنی کار بود  
 خورش ساز و آرامشان ده به خورد<sup>۴۰</sup>  
 بجز مغز مردم مدهشان خورش
- همان سالخورده می و<sup>۳</sup> مشک ناب  
 شگفت آمدش زان<sup>۴</sup> هشیوار مرد  
 چه خواهی، بخواه از من<sup>۶</sup> ای نیکخوی  
 همیشه بزی شاد و فرمانروا  
 همه توشه‌ی جانم از چهر توست<sup>۹</sup>  
 وگر<sup>۱۱</sup> چه مرا نیست این<sup>۱۲</sup> پایگاه  
 بیوسم، بمالم برو<sup>۱۵</sup> چشم و روی<sup>۱۶</sup>  
 نهانی ندانست بازار اوی<sup>۱۷</sup>  
 بلندی گرد زین مگر<sup>۱۹</sup> نام تو  
 همی بوسه داد از بر سفت<sup>۲۲</sup> اوی<sup>۲۱</sup>  
 کس اندر<sup>۲۵</sup> جهان این<sup>۲۶</sup> شگفتی ندید  
 غمی<sup>۲۸</sup> گشت و از هر سوی چاره جست  
 سزد گر بمانی بدین<sup>۳۰</sup> در شگفت  
 برآمد دگرباره از کتف<sup>۳۱</sup> شاه  
 همه يك بيك<sup>۳۳</sup> داستان ها زدند  
 مران درد را چاره شناختند  
 به فرزانی نزد<sup>۳۵</sup> ضحاک رفت<sup>۳۶</sup>  
 بمان تا چه گردد<sup>۳۸</sup>، نباید درود<sup>۳۹</sup>  
 نباید<sup>۴۱</sup> جزین چاره‌یی نیز کرد<sup>۴۲</sup>  
 مگر خود بمیرند ازین<sup>۴۳</sup> پرورش

۱- ل- ب: بدو؛ متن= ف ۲- لی: زعفرانی ۳- پ: <و> ۴- ق: از ۵- ل، ق، ق، آ، پ، آ: از؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۶- ل، ق: چه خواهی بگو با من؛ س، لن، پ، آ: چه خواهی بگوی از من؛ ق ۲: چه خواهی زمن بنگر؛ ل ۲: چه باید بخواه از من؛ ب: چه می خواهی از من تو؛ متن= ف، لی، و (و نیز ل، لن) ۷- پ: ای ۸- ق: سراسر دلمن (= دل من) پر از مهر توست؛ ب: مرا چشم روشن ازین چهرتست؛ متن= ده دستنویس دیگر ۹- ب: همان توشه جانم از مهر توست ۱۰- ل- پ، آ: بزیدک؛ ل ۲: زیروز؛ ب: بفرخنده؛ متن= ف، و (و نیز ل، لن) ۱۱- لی: اگر ۱۲- ق، آ، پ: آن ۱۳- پ: شاه تا ۱۴- لی، ل: او ۱۵- ل، ق، و، ل، آ: بیوسم بدو (و، ل: برو) برنهم؛ لی: بیوسم بمالم بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ل: چشم روی؛ لی، ل: چشم و رو ۱۷- ل، س، لی: او؛ ف، ق ۲: این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در ل پس از این بیت ۱۴۹ دوباره آمده است ۱۸- ل: من دادم ۱۹- ل، ق، و، آ: بلندی بگیرد (ل: نگیرد؛ و: بگیرد) ازین (و: مگر)؛ لی: بلندی کند زین مگر؛ ل ۲: بلندی فزاید بدین؛ ب: بلندی پذیرد ازین؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، پ ۲۰- ف: برکت؛ و: برسفت؛ آ، ب: شد جفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- ل، س، ق، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: او؛ متن= ف، لن، پ، و ۲۲- ق: کتف (پساوند درست نیست)؛ و: کتف؛ لی: بیوسید هر دو سرکت؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ آ پس از این بیت افزوده است:

چنان کارزو کرد دادش بدوی بیوسید و مالید رخ را بدوی

۲۳- س، ق، آ، لی، پ، و، ب: چو بیوسید؛ لن: چو بیوسید و؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل ۲۴- ف: از جهان؛ ل: بر زمین؛ ق ۲: در جهان؛ و، ل، آ، ب: در زمان؛ متن= س، لن، ق، لی، پ، آ (و نیز ل، س) ۲۵- ل: کسی در ۲۶- ل، ق، آ: آن ۲۷- ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ل: سیه؛ متن= ف، س، لی، ب ۲۸- لی، پ، آ: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۹- ق، پ، آ: کتف (در ق پساوند درست نیست)؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- س، آ، ل: ازین؛ لی: بدو؛ پ: ازو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- و: کتف؛ ق ۲: این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- لن: بزرگانه (= بزرگان) ۳۳- لن: همه هر کسی؛ ق ۲: همی هر کسی؛ پ: همی هر زمان؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۴- ل، لن، ق، آ: کتف؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- و، ل، آ: پیش ۳۶- لن: زفت؛ لی: تفت (پساوند ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۷- ل: این ۳۸- لن: نگر تا چه گردد؛ ل ۲: بمان تا که باشد؛ ب: بمان تا چه گشتی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۹- س: چه باید درود؛ ق ۲: نباید ستود (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۴۰- ل: در خورد ۴۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: نشاید؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۴۲- لن: نیز خود چاره کرد؛ و، ل: چاره کارکرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۴۳- ل، لی، ل: ازان



- ۱۶۵ سر نره دیوان ازین جست وجوی  
مگر تا یکی چاره سازد نهان<sup>۵</sup>
- ۱۷۰ از آن پس برآمد از ایران<sup>۸</sup> خروش  
سیه گشت رخشنده روز سپید  
برو<sup>۱۱</sup> تیره شد فره ایزدی  
پدید آمد از هر سوی خسروی<sup>۱۷۰</sup>  
سپه کرده و جنگ را ساخته  
یکایک بیامد از ایران سپاه<sup>۱۵</sup>  
شنیدند<sup>۱۶</sup> کانجا یکی مهترست  
سواران ایران همه شاه<sup>۱۹</sup> جوی  
به شاهی برو<sup>۲۰</sup> آفرین خواندند<sup>۲۱</sup>  
۱۷۵ مران<sup>۲۳</sup> ازدهافش بیامد چو باد  
ز<sup>۲۴</sup> ایران و از<sup>۲۵</sup> تازیان لشکری  
سوی تخت جمشید بنهاد روی  
چو جمشید را بخت شد<sup>۲۸</sup> کندرو  
۱۸۰ برفت و بدو داد تخت و کلاه  
نهان گشت و گیتی بر او شد<sup>۳۲</sup> سیاه  
چو صد<sup>۳۴</sup> سالش اندر جهان کس ندید
- چه جست و چه دید اندرین گفت و گوی<sup>۲</sup>  
که پردخت<sup>۷</sup> ماند<sup>۷</sup> ز مردم جهان
- پدید آمد از هر سوی جنگ و جوش<sup>۹</sup>  
گسستند پیوند با جمشید<sup>۱۱</sup>  
به کژی گرایید و نابخردی<sup>۱۲</sup>  
یکی نامجوی<sup>۱۳</sup> به هر<sup>۱۴</sup> پهلوی  
دل از مهر جمشید پرداخته  
سوی تازیان برگرفتند راه  
پر از<sup>۱۷</sup> هول شاه<sup>۱۸</sup> ازدها پیکرست  
نهادند یکسر به ضحاک روی  
ورا شاه ایران زمین<sup>۲۲</sup> خواندند  
به ایران زمین تاج بر سر نهاد  
گزین کرد گردان هر<sup>۲۶</sup> کشوری  
چو انگشتری کرد گیتی بر اوی<sup>۲۷</sup>  
به تنگ<sup>۲۹</sup> اندر آمد سپهدار<sup>۳۰</sup> نو  
بزرگی و دیهیم و گنج و سپاه<sup>۳۱</sup>  
سپردش به ضحاک تخت و کلاه<sup>۳۳</sup>  
برو نام شاهی و او ناپدید<sup>۳۵</sup>

۱- ل: نگر تا که ابلیس ازین گفت و گوی؛ س، ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: نگر نره دیوان اندرین (ل: اندران) جست و جوی (ق: گفتگوی)؛ ل: نگر تا مران دیوان ازین جست و جوی؛ متن = ف، لی، آ، ۲- ل: چه کرد و چه خواست اندرین جستجوی؛ ق: چگفت و چه جست اندرین جستجوی؛ و: چه کرد و چه دید اندرین گفت و گوی؛ ل: آ: چه جست و چه آمد ازین گفت و گوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- س، ل، ق، آ، لی، پ، ب: بدان؛ ق: نگر؛ متن = ف، ل، و، آ، ل، ۴- س: سازم ۵- ل: آ: ازان ۶- ل، ق: پردخته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ل، ق، ب: گردد؛ ل: آ: یابد؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، س، ل، ق، آ، پ: تباہ (لن: تیره) شدن روزگار (س: کاربن) جمشید؛ ق: ناسپاس شدن جمشید و تباہی احوال او؛ و: کشته شدن جمشید بر دست ضحاک؛ آ: گفتار اندر کشتن ضحاک پدر را؛ بیداری: ذکر هلاک جمشید و انتهاء امره ۸- ل، س، ل، ق، آ: زایران؛ لی: زایوان؛ و، ل: آ: از اینس از (ل: آ: وزان پس ز) ایران برآمد؛ ب: وزان پس برآمد زایران؛ متن = ف، پ، آ، ۹- ل: < و > ۱۰- ل، ق، و، آ، ل: آ: از جمشید؛ لی: گسستند پیوند اهل امید؛ متن = ف، س، ل، ق، آ، پ، ب: ۱۱- لی: بدو ۱۲- ل: آ: بکرد اندان کار نابخردی ۱۳- پ: نامداری ۱۴- ل، س، ل، ق، آ، پ، و، ب: زهر؛ ق: آ: < هر > (وزن نادرست است)؛ ل: آ: شده نام جوان زهر؛ متن = ف، ق، آ، ۱۵- ل، س، ل، ق، آ، و، ل: آ، ب: یکایک از (ل، ل، آ: ز) ایران بیامد (لن، ق، آ، پ، و، ب: برآمد) سپاه؛ ق، آ: یکایک برآمد (آ: بیامد) زایران سپاه؛ متن = ف ۱۶- ل، ق، آ، لی، پ: شنودند؛ س، ل: آ: ستودند؛ متن = ف، ل، و، آ، پ ۱۷- ل: ل: بران؛ لی: بدان ۱۸- ق: هول شه؛ لی: هول او؛ ل: آ: هول و شاه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۹- ل، ق: راه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- لی: بدو ۲۱- آ: راندند ۲۲- ق، ب: شهریار زمین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی ضحاک تازی هزار و یکسال ۲۳- س، ل، ق، آ، لی: ل: آ: کی (پ نخست داشته است: که یک)؛ ق: آ: یکی؛ ب: شه؛ متن = ف، ل، ق ۲۴- ل، ق، آ، لی، و، آ، ب: از؛ متن = ف، س، ل، ق، آ، پ، ل: آ، ل، ق: ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ل، ق: گرد از همه؛ ل: آ: گردان بهر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- لی: بدوی؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۸- ل: آ: چو جمشید شد تخت را ۲۹- پ: بتخت ۳۰- ل، پ، ب: جهاندار؛ متن = ف، و، آ، ل (و نیز ل) ۳۱- در آ این بیت چنین آمده است:

سپرده بضحاک دیهیم و گاه بزرگی و شاهی و تخت و کلاه

۳۲- ل: فروشد؛ لی: بدو شد؛ ب: شد برو (وزن نادرست است)؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- و: بضحاک تازی کلاه ۳۴- ل: شد (→ سد = صد) ۳۵- س، ل، ق، آ، لی، پ، ب: ز چشم همه مردمان ناپدید؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل (و نیز ل)؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر گرفتار شدن شاه جمشید در دست ضحاک تازی و بار بریدن او را بولایت چین

۱۸۵ صدم<sup>۱</sup> سال روزی به دریای چین  
 نهان بود چند از بد<sup>۲</sup> آژدها  
 چو ضحاکش آورد ناگه به چنگ  
 به آژش<sup>۶</sup> سراسر<sup>۷</sup> به دو نیم کرد  
 شد آن تخت شاهی<sup>۹</sup> و آن دستگاه  
 ازو<sup>۱۲</sup> بیش بر تخت شاهی که بود<sup>۱۳</sup>  
 گذشته برو<sup>۱۷</sup> سالیان هفتصد  
 ۱۹۰ چه باید<sup>۲۰</sup> همی زندگانی دراز  
 همی پروراندت با<sup>۲۳</sup> شهد و نوش<sup>۲۴</sup>  
 یکایک چو گویی که گسترد مهر  
 بدو شاد باشی<sup>۲۹</sup> و نازی<sup>۳۰</sup> بدوی<sup>۳۱</sup>  
 یکی نغز بازی برون آورد

پدید آمد آن شاه ناپاک<sup>۲</sup> دین  
 نیامد به فرجام هم زو رها<sup>۴</sup>  
 یکایک ندادش سخن را<sup>۵</sup> درنگ  
 جهان را از او پاک<sup>۶</sup> پر بیم کرد<sup>۷</sup>  
 زمانه ربودش چو<sup>۱۰</sup> بیجاده گاه  
 بدان<sup>۱۴</sup> رنج بردن<sup>۱۵</sup> چه آمدش سود<sup>۱۶</sup>  
 پدید آوریده همه<sup>۱۸</sup> نیک و بد<sup>۱۹</sup>  
 چو<sup>۲۱</sup> گیتی نخواهد<sup>۲۲</sup> گشادنت راز  
 جز آوای<sup>۲۵</sup> نرمت نیارد<sup>۲۶</sup> به گوش  
 نخواهد<sup>۲۷</sup> نمودن به بد نیز<sup>۲۸</sup> چهر  
 همه<sup>۳۲</sup> راز دل را گشایی<sup>۳۳</sup> بدوی<sup>۳۴</sup> (!)  
 بهدلت اندر از درد<sup>۳۵</sup> خون آورد

۱- ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۳</sup>): سیوم؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۲- ف: پادشاه زمین؛ لی: شاه با آفرین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- ل: نهان گشته بود از بد؛ ق: نهان گشته از بیم آن؛ لی، ل<sup>۲</sup>: نهان بود چند از دم؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴- س، لن، ق، لی، پ، ب: بفرجام هم زو (ق: زوهم) نیامد رها؛ و، آ: نیامد (آ: نبودش) بفرجام ازوهم؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup>؛ در لن، ق، ل<sup>۲</sup>؛ پ این بیت پس از بیت ۱۸۶ آمده است ۵- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: زمانی؛ متن = ف، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۶- ل، آ، ل<sup>۲</sup>: بازش؛ س- پ، ب: باره؛ متن = ف، و (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۷- س، لن، ق، لی، پ، ب: مرورا؛ متن = ف، ل، ق، و ۸- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: پاک بی بیم کرد؛ ق، ب: پاک و بی بیم کرد؛ متن = ف، و (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ در لن، ق، ل<sup>۲</sup>؛ پ پس از این بیت بیت ۱۸۴ آمده است ۹- ف: شاهان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰- لی: ز ۱۱- و: ربودش زمانه هم از تخت و گاه ۱۲- و: ازان ۱۳- س، لن، ق، لی، پ، ل<sup>۲</sup>: نبود؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۴- ل، ق، و: بران؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: از آن؛ متن = ف (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۱۵- ف: برده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- ف: نیامدش سود؛ لی: چه آمد بسود؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر انجامش روزگار جمشید ۱۷- پ، آ، ل<sup>۲</sup>: بدو؛ و: < برو > (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- لن، ق، ل<sup>۲</sup>: بسی؛ پ: پدید آوردش بسی؛ ب: پدید آورنده همه؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> ۱۹- لی: که یک روز نهاد بنیاد بد ۲۰- آ: ماه ۲۱- س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، و، ل<sup>۲</sup>، ب: که؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۲- لی: خواهد ۲۳- لن: آبا ۲۴- و: پروراند بشهد و بنوش ۲۵- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: آواز؛ متن = ف، و ۲۶- ل، س، لن، ق، لی، پ: نیاید؛ آ: نیامد؛ متن = ف، ق، و، ل<sup>۲</sup>، ب ۲۷- لی: خواهد؛ لن، ق، آ: خواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۸- لن، ق، لی، ل<sup>۲</sup>: بتدبیر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۹- ف: بدو شادمان شی (!)؛ س، ق، آ: بدان شاد باشی؛ لی: برو شاد باشی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۰- س، لن، ق، آ: شادان؛ لی، ب: شادی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- لی: بدو ۳۲- ل، ق: همان؛ متن = ف، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب ۳۳- س، لن، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: دل برگشایی؛ لی، ب: دل برگشادی؛ پ: دل بر بسازی؛ متن = ف، ل، ق (پساوند ندارند) ۳۴- ف، س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: بروی؛ و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): بفرزایدت سرفرازی بدوی؛ در ف لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۵- ل، ل<sup>۲</sup>: بدلت اندرون درد و (ل<sup>۲</sup>: < و >)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س، لن، ق، ق، آ، لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب پس از این بیت افزوده اند:

دلم سیر (لی: شیر) شد زین سرای سپنج  
 خدایا مرا زود برهان ز رنج  
 ق، و: کر آغاز گنجست و فرجام رنج

این بیت در ف، ل، پ، آ نیست

ضخاک



## پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود<sup>۱</sup>

چو ضحاک بر تخت شد<sup>۲</sup> شهریار  
 سراسر زمانه بدو گشت باز  
 نِهان گشت کردار<sup>۶</sup> فرزندگان  
 هنر خوار<sup>۸</sup> شد، جادویی ارجمند  
 ۵ شده بر بدی دست دیوان دراز  
 دو پاکیزه از خانه‌ی جمشید<sup>۱۲</sup>  
 که جمشید را هر دو خواهر<sup>۱۳</sup> بُدند  
 ز پوشیده‌رویان یکی شهرناز<sup>۱۴</sup>  
 به ایوان ضحاک بردندشان<sup>۱۷</sup>  
 ۱۰ پروردشان از ره جادویی<sup>۱۹</sup>  
 ندانست خود جز بد آموختن<sup>۲۲</sup>

برو سالیان انجمن<sup>۳</sup> شد هزار  
 برآمد برین<sup>۴</sup> روزگاری<sup>۵</sup> دراز  
 پراگنده شد کام<sup>۷</sup> دیوانگان  
 نِهان راستی<sup>۹</sup>، آشکارا گزند  
 به<sup>۱۱</sup> نیکی نبود<sup>۱۱</sup> سخن جز براز  
 برون آوردند لرزان چو بید  
 سر بانوان را چو افسر بُدند  
 دگر پاکدامن<sup>۱۵</sup> به نام ارنواز<sup>۱۶</sup>  
 بدان<sup>۱۸</sup> اژدهافش سپردندشان  
 بیاموختشان<sup>۲۰</sup> کژی و بدخویی<sup>۲۱</sup>  
 جزاز کشتن و غارت و<sup>۲۳</sup> سوختن

چنان بد<sup>۲۴</sup> که هر شب دو مرد جوان  
 چه کهنتر، چه از تخمهی پهلوان

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی ضحاک تازی يك هزار سال و یازده ماه و هفت ماه (!) بود و آیین ها بد او آورد؛ ل: پادشاهی ضحاک تازی هزار و يك سال؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: پادشاهی ضحاک هزار سال بود؛ ل: پادشاهی ضحاک هزار سال کم (ل: کمتر) يك روز بود؛ ب: پادشاهی ضحاک هزار سال؛ متن = ق، و؛ لی از بیت ۳۶۷ تا ۴۶۰ و ل: از بیت ۴۶۵ تا ۴۹۹ را انداخته اند ۲- ل، ق، آ: چو ضحاک شد بر جهان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- آ: برو انجمن سالیان ۴- لی: بدین ۵- ل، لن: روزگار ۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: آیین؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ل: ۷- لن، ق، آ: کار؛ و: نام؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- لن: چنین خار (!) ۹- و (و نیز ل، آ، لن): دانش و ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، ز: آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ، ب ۱۱- ل، ق: نرفتی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن): ۱۲- لی: جام شید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۱۳- ل، س، ق، آ، پ، و، ب (و نیز ل، آ، لن): دختر؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = ف، ق، لی، آ، ل ۱۴- ف: ارنواز؛ ل: شهناز؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۵- س، ق، آ، لی، پ: دگر ماه رخ را؛ در لن این لت پاك شده است ۱۶- ف: نکو شهرناز؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۷- در لن این لت پاك شده است ۱۸- ل: بران ۱۹- س، ق، آ، لی، پ: بدخویی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۰- ف، س، ق، آ، لی، پ، ب: بیامختشان؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = ل، ق، و، آ، ل ۲۱- س، ق، آ، لی، پ: جادویی؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بدین بود بنیاد ضحاک شوم جهان شد مرورا چو يك مهره موم  
 ۲۲- و: ندانست جز کژی آموختن؛ در ل واژه دوم این لت ناخواناست؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- و: جزاز غارت و کشتن و ۲۴- ف، لی، آ، ل (و نیز ل): شد؛ متن = هشت دستنویس دیگر

همی<sup>۲</sup> ساختی راه<sup>۳</sup> درمان اوی<sup>۱</sup>  
مران آژدها را<sup>۵</sup> خورش ساختی

دو مرد گرانمایه<sup>۷</sup> پارسا  
دگر<sup>۱</sup> نام گرمایل<sup>۱۱</sup> پیش بین  
سخن رفت هرگونه از بیش و کم<sup>۱۲</sup>  
وزان رسم های بد اندر خورش  
بباید بر شاه رفت، آوری<sup>۱۵</sup>  
ز هر گونه اندیشه انداختن<sup>۱۷</sup>  
یکی را توان آوردن<sup>۱۹</sup> برون

خورش خود بی اندازه بشناختند<sup>۲۱</sup>  
گرفت این<sup>۲۲</sup> دو بیدار خرم<sup>۲۳</sup> نهان<sup>۲۴</sup>  
ز<sup>۲۷</sup> شیرین روان اندر آویختن<sup>۲۸</sup>  
گرفته دو مرد جوان را کشان  
ز بالا بروی<sup>۳۴</sup> اندر انداختند  
پر از خون دو دیده، پر از کینه سر<sup>۳۵</sup>  
ز کردار<sup>۳۷</sup> بیداد شاه زمین  
جزین<sup>۳۸</sup> چاره‌یی نیز نشناختند  
بیامیخت<sup>۳۹</sup> با مغز آن ارجمند  
نگر تا بداری<sup>۴۰</sup> سر اندر نهفت

خورشگر بپردی به ایوان اوی<sup>۱</sup>  
بگشتی و مغزش پیرداختی<sup>۴</sup>

۱۵ دو پاکیزه از کشور<sup>۶</sup> پادشا  
یکی نامش<sup>۸</sup> ارمایل<sup>۹</sup> پاکدین  
چنان بُد که بودند روزی بهم  
ز بیدادگر<sup>۱۳</sup> شاه و از<sup>۱۴</sup> لشکرش  
یکی گفت ما را به خوالیگری  
۲۰ وزان پس یکی چاره‌یی ساختن<sup>۱۶</sup>  
مگر زین دو تن را که ریزند<sup>۱۸</sup> خون

برفتند و<sup>۲۰</sup> خوالیگری ساختند  
خورش خانه‌ی پادشاه جهان  
چو آمد<sup>۲۵</sup> بنزدیک<sup>۲۶</sup> خون ریختن  
۲۵ از آن<sup>۲۹</sup> روزبانان<sup>۳۰</sup> مردم کشان<sup>۳۱</sup>  
زنان<sup>۳۲</sup> پیش خوالیگران<sup>۳۳</sup> تاختند  
پر از درد خوالیگران را جگر  
همی بنگرید این بدان، آن بدین<sup>۳۶</sup>  
از آن دو یکی را پیرداختند  
۳۰ برون کرد مغز سر گوسفند  
یکی را بجان داد زنه‌ار و گفت

۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، آ، ب: شاه؛ متن= ف، ق، و ۲- س، و: ازان؛ لن: وزان؛ ق، آ، پ: وزو؛ ل، آ، ب: ازو؛ متن= ف، ل، ق، لی، آ، ۳- س: نیک؛ در ل، ق، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ: برون اختی؛ متن= هشت دستنویس دیگر (پ نخست برون اختی داشته است) ۵- آ: مارها؛ در ل، ق، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۶- س، لن، ق، آ، لی، ب: گوهر؛ ا: تخمه؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل ۷- ل: گرانمایه و ۸- ل، س، لن، ق، آ، لی، و: نام؛ متن= ف، ق، پ، آل، آ، ب ۹- ل: ارمانک؛ لی: اربابیل؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- لی: دوم ۱۱- ل: کرمانک؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۱۲- در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۳- لن: ز بیداد آن؛ ق، آ، لی: ز بیدادی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۴- ل، س، ق، لی، پ، و، آ: ز؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- لی: بادآوری (!)؛ و: رفت ارری (!)؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶- لی: ساختند ۱۷- لی: پرداختند ۱۸- آ: را بریزند ۱۹- ف: توان آوردن یکی را؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۰- و: < و >؛ آ: گرفتند و ۲۱- لن: بر ساختند؛ لی: پرداختند؛ ل، س، ق، و: خورش ها (س، و: خورش را) بی اندازه بشناختند (ل: بشناختند)؛ آ: خورش دادن بار نشناختند؛ ل: خورش های اندازه بشناختند؛ ب: خورش خوردن اندازه بشناختند؛ متن= ف، ق، آ، پ ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: آن؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل ۲۳- ل، ق: بیدار دل در؛ س: بیداد خرم؛ لن، و: بیدار فرخ؛ متن= ف، ق، آ، لی، پ، آل، آ، ب ۲۴- لی: روان؛ آ: گرفتند بیدار دل هر دو آن ۲۵- لی، آ: آمدش ۲۶- ل- ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: بهنگام؛ لی، آ: هنگام؛ متن= ف ۲۷- ل: < ز > (وزن نادرست است)؛ و: به ۲۸- آ: اندر آویختند (پساوند ندارد) ۲۹- آ: < آن > (وزن نادرست است) ۳۰- ف: روزبانان (!)؛ س، لن، پ، و: روزبانان و؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- س: لشکرکشان ۳۲- ق: دان؛ لی (و نیز ل، لن، آ): دمان؛ ب ناخواناست؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۳- و: خوالیگرش ۳۴- و: برو ۳۵- ق، آ این بیت را ندارد ۳۶- لن: این بران آن برین ۳۷- ف، ب: ز کردار و؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۸- ف، ل، آ، ب: جز آن؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ف، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

همی خورده‌یرکس دریغی (آ: دریغ و) دراز ز بهر جوانان گردنفرار  
۳۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: برامیخت؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل ۴۰- ف- لن، ق، آ، لی، پ، آل، آ: نیاری؛ ب: نیازی؛ متن= ق، و

نگر تا نباشی<sup>۱</sup> به آباد شهر  
 بجای سرش زان سر بی بها  
 ازین گونه<sup>۷</sup> هر ماهیان<sup>۸</sup> سی جوان  
 ۳۵ چو گرد آمدی مرد<sup>۱۱</sup> ازیشان دویست<sup>۱۱</sup>  
 خورشگر بدیشان<sup>۱۳</sup> بزنی چند و میش  
 کنون گرد از آن تخمه دارد نژاد  
 پس آیین ضحاک وارونه<sup>۱۸</sup> خوی<sup>۱۹</sup>  
 ز مردان جنگی یکی خواستی  
 ۴۰ کجا<sup>۲۵</sup> نامور دختری خوبروی<sup>۲۶</sup>  
 پرستنده کردیش در پیش<sup>۲۸</sup> خویش

ترا از جهان کوه و دشتست<sup>۳</sup> بهر  
 خورش ساختند<sup>۵</sup> از پی ازدها<sup>۵</sup>  
 ازیشان همی یافتندی<sup>۹</sup> روان  
 بران سان<sup>۱۲</sup> که نشناختندی که کیست  
 سپردی<sup>۱۴</sup> و صحرا نهادیش<sup>۱۵</sup> پیش  
 کز آباد<sup>۱۶</sup> ناید به دل برش یاد<sup>۱۷</sup>  
 چنان بد که چون می بدیش<sup>۲۰</sup> آرزوی<sup>۲۱</sup>  
 بکشتی که<sup>۲۲</sup> با دیو<sup>۲۳</sup> برخاستی<sup>۲۴</sup>  
 به پرده ندرون پاک<sup>۲۷</sup> بی گفت و گوی  
 نه رسم کی بد<sup>۲۹</sup> نه آیین کیش<sup>۳۰</sup>

### گفتار اندر خواب دیدن ضحاک<sup>۳۱</sup>

چن<sup>۳۲</sup> از روزگارش چهل سال ماند  
 نگر تا به سربرش<sup>۳۳</sup> یزدان چه راند<sup>۳۴</sup>

۱- ف: بگفتی مباشید؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲- ف: شما از؛ لی، پ: ترا در؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- ل، ق: دشت و کوهست؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ف این بیت پس از بیت ۳۶ آمده است و پس از آن بیت زیر را که جز ف تنها در آ (پس از بیت ۳۶) آمده است، افزوده است:

که بر دشتتان باد آرامگاه  
 و گرنه بزاری کنمتان تباه

۴- ق: ۲ < ز > ۵- ل: ساخته ۶- و: پادشا؛ در آ این بیت چنین آمده است:

بجای سرو مغز این ارجمند  
 خورش ساختند از سر گوسفند

۷- لن: ازین گوشه؛ و: بدین گونه؛ آ، ل، ب: برین گونه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- آ: هر ماه چون ۹- ق: همی یافتندی ازیشان؛ ق: ازین هر دو تن یافتندی ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، ب: گرد آمدندی؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل ۱۱- ل، آ: چوبیست؛ و: ازیشان چو گرد آمدی مرد بیست ۱۲- لی، و: بدانسان ۱۳- س: بدی سان (→ بدیشان)؛ ق: ندی شان (→ بدیشان)؛ ل: بدانسان؛ در پ این لت پاک شده است ۱۴- لن: بپردی؛ لی، پ: بدادی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- ل: نهادند؛ و، آ: نهادی به؛ ق ناخواناست؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ف پس از این بیت بیت ۳۲ و پس از آن بیت ۳۲ پ، و در آ پس از این بیت بیت ۳۲ پ آمده است ۱۶- ف، س، و، ل، ب: که آباد؛ ل: که زآباد؛ آ: آباد؛ لن: کزآباد (→ کزآباد)؛ ق: کزآباد (→ کزآباد)؛ متن = ق، لی، پ ۱۷- لن: مانند بدل نوش باد؛ ق: باید بدن نوش باد؛ و: مانند بدل برش یاد؛ ل: ناید برابرش یاد؛ ب: ناید بدان درش یاد؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ لی، ب پس از این بیت افزوده اند:

بود خانهاشان سراسر پلاس  
 ندارند در دل ز یزدان هراس

۱۸- ل: واژونه ۱۹- ق: خو ۲۰- ل، س، لی، پ، و، آ: می بدش؛ ق ناخواناست (شاید: میبدش)؛ متن = ف، لن، ق، آ، ل، ب ۲۱- ق: آرزو ۲۲- ل، لی، و: چو؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- لن: باد تو (!) ۲۴- پ: بر ساختی ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، ب: یکی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- س، پ، آ، ب: دختر خوب روی؛ لن، لی، ق: دختر (ق: دختری) ماه روی؛ ل: دختری نامور خوب روی؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- ل، ق، آ: درون بود؛ س، ق، آ، پ، و، ل، ب: درون پاک؛ لن: درون کرده؛ لی: درون پاک؛ و؛ متن = ف: پرده اندرون (← فریدون، بیت ۳۴۳، ۷۱۶؛ منوچهر، بیت ۵۶، ۱۲۴۲) ۲۸- ل، س، لن، ق، آ: کردیش بر پیش؛ ق: کردی بر تخت؛ متن = ف، ب ۲۹- ل: نه بر رسم دین بد؛ ق، لی، و، آ، ب: نه رسم کیان (و: کسی) بد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، ل ۳۰- ل: نه بر رسم کیش؛ لن: نه آیین و کیش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- ف: گفتار اندر خواب دیدن ضحاک و خواندن معبران و منجمان و پرسیدن خواب را از ایشان؛ س: خواب دیدن ضحاک و ترسیدنش؛ لن، ق، آ، لی، و، ب: خواب دیدن ضحاک (ق، آ، لی، و: ... و ترسیدن)؛ ق: گفتار در خواب دیدن ضحاک و خوف او؛ پ: اندر خواب دیدن ضحاک تازی؛ آ: خواب دیدن ضحاک و سگالش او با دیران؛ ل: خواب دیدن ضحاک و پرسیدن از موبدان؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۳۲- ل- ب: چو؛ متن = ف ۳۳- لن، ق: نگر تا که بر سرش ۳۴- و: خواند؛ آ: نگر بر سرش دور گردون چه راند

در ایوان شاهی شبی دیرباز<sup>۱</sup>  
چنان دید کز کاخ<sup>۲</sup> شاهنشهان<sup>۳</sup>  
۴۵ دو مهتر یکی کهتر اندر میان  
کمر بستن و رفتن<sup>۴</sup> شاهوار<sup>۵</sup>  
دمان پیش ضحاك رفتی به جنگ  
یکایک همین گرد کهتر<sup>۶</sup> بسال  
بدان زه دو دستش بیستی چو سنگ<sup>۷</sup>  
۵۰ همی تاختی تا دماوند کوه  
بپیچید<sup>۸</sup> ضحاك بیدادگر  
یکی بانگ برزد<sup>۹</sup> به خواب اندرون  
بجستند خورشید رویان ز جای  
چنین گفت ضحاك را ارنواز  
۵۵ که خفته بارام در خان<sup>۱۰</sup> خویش  
زمین<sup>۱۱</sup> هفت کشور به فرمان<sup>۱۲</sup> تست<sup>۱۳</sup>  
به خواب اندرون بود با ارنواز  
سه جنگی پدید آمدی ناگهان<sup>۱۴</sup>  
به بالای سرو و به فر<sup>۱۵</sup> کیان  
به چنگ اندرون گزهی گاوسار  
زدی بر سرش گزهی گاورنگ<sup>۱۶</sup>  
ز سرتا به پایش کشیدی دوال<sup>۱۷</sup>  
نهادی<sup>۱۸</sup> به گردن برش<sup>۱۹</sup> پالهنک  
کشان و دوان از پس اندر<sup>۲۰</sup> گروه  
بدریدش از هول<sup>۲۱</sup> گفتی جگر<sup>۲۲</sup>  
که لرزان شد آن خانهی بیستون<sup>۲۳</sup>  
از آن غلغل نامور کدخدای<sup>۲۴</sup>  
که شاهانگویی چه بودت براز<sup>۲۵</sup>؟  
بدینسان<sup>۲۶</sup> بترسیدی<sup>۲۷</sup> از جان خویش<sup>۲۸</sup>  
دد و دیو و<sup>۲۹</sup> مردم نگهبان تست<sup>۳۰</sup>

۱- ف: دیوباز؛ متن = یازده دستنویس دیگر (حرف یکم واژه دوم در برخی از دستنویس ها نقطه ندارد و یا یک نقطه دارد) ۲- پ: شاخ؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، ل، س) ۳- ق: شاهی یشان (!)؛ آ: شاهنشهی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- آ: ناگهی ۵- ف، لن، پ، ق، ل: بیالای سروان و چهر (ق: بچهره؛ ل: و فر)؛ آ: بیالا چو سرو <و> به چهر؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ل، ق، لی، و، ب ۶- پ: <و> ۷- و: رفتنی ۸- ف: شهریار؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن)؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

هویدا بدو فره ایزدی سرشته جهانباش از بخردی

۹- ل: نهادی بگردن برش پالهنک (= ۴۹ ب) ۱۰- س، لن، ق: یکایک همین کس که کهتر؛ ق، و: یکایک همان کرد کهتر؛ لی: یکایک همین کرد و کهتر؛ آ: پس آنکه همی کرد مهتر؛ متن = ف، پ، ل، ب؛ ل این بیت را انداخته و بجای آن بیت ۴۹ پ را آورده است ۱۱- س، لن، ق، آ، لی: کشیدش سر (س، لی: کشیدی زسر) تا به پایش دوال؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۲- س: مر او را همی تاختی تیزچنگ؛ لن، ق، آ: همی تاختش دست بسته چو سنگ؛ و: بدان زه بیستی دو دستش چو سنگ؛ آ: به بند کمندش بیستی چو سنگ؛ متن = ف، ق، لی، پ، ل، ب ۱۳- لن، ق، آ: نهاده ۱۴- لی: بگردن درش؛ ل، آ، ب: بگردنش بر؛ ل ۴۷ ب و ۴۹ ا را انداخته و از ۴۷ ب و ۴۹ ب یک بیت ساخته است؛ ق، پ پس از این بیت و ل بجای بیت ۴۸ بیت زیر را افزوده اند:

سدین خواری و زاری و گرم و درد پراکنده بر تارکش خاك و گرد (ق: خاك گرد)

۱۵- و، ب: او؛ ل: کشان و روان و پس اندر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- ق: بلرزید ۱۷- لی: بیم ۱۸- س: بیژمرد و برگشت آسیمه سر؛ لن، ق، آ، پ: بلرزید و (ق: بلرزند) ناگه برآورد سر؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل، ب ۱۹- س: زد او ۲۰- س، ق: نه ستون؛ ل، لن، ق، آ، ل (ونیز ل، لن، آ): صد ستون؛ ب: وزان گشت لرزان و دل پرزخون؛ متن = ف (که آنرا نیستون هم میتوان خواند) ۲۱- ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۵۴ افزوده اند:

چه بودت کابدون بترسیدهی (ق: بلرزیدهی) که بر جای چون بید لرزیدهی

ق: ابرجای ایمن بیکبار ترسیدهی (وزن نادرست است) ۲۲- ل، پ، آ، ل، ب: که شاهانگویی براز (لن: توراز؛ ق: توباز؛ ل: چگویی براز)؛ و: که شاهانگویی تا چه دیدی براز؛ متن = ف (در ف و ل حرف یکم در نگویی هم در زیر نقطه دارد و هم در بالا)؛ ق پس از این بیت بیت ۵۳ پ را افزوده است ۲۳- س، لی، و، ل، آ، ب: تو خفته بارام در (س: بر) خان (و: جای)؛ لن، ق، آ، پ: بارام خفته تو در خان؛ آ: چنین کرده آرام در خوان؛ متن = ف، ل ۲۴- ل: برین سان ۲۵- ل: نترسیدی ۲۶- و: رای خویش؛ س: بترسی ازین گونه برجای خویش؛ لن، ق، آ، پ: چه گویی چه دیدی (ق، ق، آ، پ: چه دیدی نگویی) چه آمدت پیش؛ متن = ف، لی، آ، ب؛ لن، ق، آ، پ پس از این بیت و ق در کناره افزوده اند:

زمین هفت کشور بشاهی تراست دد و مردم و مرغ و ماهی تراست

۲۷- لن، ق، آ، پ: همان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۸- و: به پیمان ۲۹- س: تراست ۳۰- لی: <و> ۳۱- س: تراست؛ آ: بفرمان تست (پساوند ندارد)؛ ل، و: دد و دام و مردم به پیمان (و: به فرمان) تست؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ ب پس از این بیت افزوده است: جهانرا سراسر بشاهی تراست زمین جمله تا پشت ماهی تراست



که چونین شیگفتی نماند<sup>۱</sup> نهفت  
 شودتان دل از جان من<sup>۲</sup> ناامید  
 که بر ما بیاید گشادنت راز<sup>۳</sup>  
 که بی چاره‌یی نیست پتیاره‌یی<sup>۴</sup>  
 همه خواب یک یک بدیشان<sup>۵</sup> بگفت  
 که مگذار تن را ره<sup>۶</sup> چاره‌جوی  
 جهان روشن از نامور<sup>۷</sup> بخت تست  
 دد و مردم و دیو و مرغ و<sup>۸</sup> پری  
 ز<sup>۹</sup> اخترشناسان و افسونگران<sup>۱۰</sup>  
 پژوهش کن و راستی<sup>۱۱</sup> بازجوی  
 ز مردم شمار<sup>۱۲</sup>، ار ز<sup>۱۳</sup> دیو و پریست  
 به خیره مترس از بد بدگمان  
 که آن سرو پروین رخ<sup>۱۴</sup> افگندبن

همانگه<sup>۱۵</sup> سر از کوه برزد چراغ  
 بگسترد خورشید یاقوت زرد  
 سخن دان و بیداردل بخردی

به خورشید رویان سپهدار گفت<sup>۱</sup>  
 که این داستان گر ز من بشنوید<sup>۲</sup>  
 به شاه جهان گفت پس<sup>۳</sup> ارنواز  
 ۶۰ توانیم کردن مگر چاره‌یی  
 سپهد گشاد آن نِهان از نهفت<sup>۴</sup>  
 چُنین گفت با نامور<sup>۵</sup> ماهروی<sup>۶</sup>  
 نگین زمانه سر<sup>۷</sup> تخت تست  
 تو داری جهان زیر انگشتی  
 ۶۵ زهر کشوری گرد کن مهتران<sup>۸</sup>  
 سخن سربسر مهتران<sup>۹</sup> را بگوی  
 نگه کن که هوش تو بر دست کیست  
 چو دانسته شد چاره‌ساز آن زمان<sup>۱۰</sup>  
 شه<sup>۱۱</sup> برمنش<sup>۱۲</sup> را خوش آمد سخن

۷۰ جهان از<sup>۱۳</sup> شب تیره چون پر<sup>۱۴</sup> زاغ  
 تو گفستی که بر کشور<sup>۱۵</sup> لاژورد<sup>۱۶</sup>  
 سپهد هرآنجا<sup>۱۷</sup> که بد موبدی<sup>۱۸</sup>

۱- ل، ق، آ: جهاندار گفت؛ ل: سپهد بگفت؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل، ق، لی، و، ل، آ، ب: نشاید؛ س: که این راز باید که ماند؛ لن، ق، آ، پ: که این خواب را بازباید؛ آ: که چون این شگفتی نشاید؛ متن = ف ۳- ل، ق، و، آ، ل، آ: اگر (ل: که گر) از من این (ل: آ: گر از من چنین) داستان بشنوید؛ س، لی: زمن گر شما (لی: شما گر زمن) داستان بشنوید؛ لن، ق، آ، پ: گر ایدونک این داستان بشنوید؛ ب: که این داستان گر شما بشنوید؛ متن = ف ۴- لن: جان و تن ۵- ل، س، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب: پشاه گرانمایه گفت؛ آ: پشاه جهاندار گفت؛ متن = ف، لن، ق ۶- آ: که شاها چه بودت نگویی براز (= ۵۴)؛ آ پس از این بیت، بیت ۵۵ را دوباره آورده است ۷- س: که بیچاره نیست ایچ پتیاره؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند: همه کارهای جهان را در است مگر مرگ کان را (ق: مرگ را کان) دری دیگر است

۸- لن، ق، آ، پ: برآورد پس او نِهان از نهفت؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- آ: همه خواب با خوب رویان ۱۰- ب: تاجور ۱۱- ف: مهرجوی (پساوند ندارد)؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: خوب روی؛ و: چاره‌جوی (پساوند ندارد)؛ متن = ل، ق ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، ب: که مگذار (لن، ق، آ، پ، و: بگذار) این راه (لن: یکی)؛ ق: که بگذار بازی ره؛ لی: که بگذار تن راه؛ ل: که مگذار ازین راه؛ متن = ف، آ ۱۳- ق، آ: سوی ۱۴- ف، ق، ب: جهان نامور روشن از؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- ل- ق، آ، پ، و، ل، آ: دد و مردم و مرغ و دیو و؛ ب: دد و دام و ماهی و مرغ و؛ متن = ف، لی، آ ۱۶- لی: موبدان ۱۷- ل، لن: از ۱۸- س، لن، ق، آ، پ: وکنداوران؛ لی: و هم بخردان؛ آ: ووز موبدان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ، ب ۱۹- ل- ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: موبدان؛ لی: بخردان؛ متن = ف، و ۲۰- لن، ق، آ، پ: رازها؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند: مهان کز توماند نِهان (ل: جهان) هیچ چیز بدان وپیرس از همه کس بنیز (ق: تونیز)

۲۱- لی، ب: زمردم نژاد؛ آ: زمردم شناس؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- آ: ارنه؛ ب: وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- لن، ق، آ، پ: چو دانستی این (ق، آ، پ: چو دانستیش) چاره کن آن زمان؛ لی: چو دانسته شد چاره سازمان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل، آ: چوشه ۲۵- ف، پ، و، آ، ب: پرمنش (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ل، پ: سر و سیمین بر؛ ق: سرو پروین بر؛ و (ونیز ل، لن، آ): سرو بن پاسخ؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۷- س: چون ۲۸- ف: پشت؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- لن: همانا؛ ق: همان دم ۳۰- ل، ق، لی: گنبد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: لاجورد؛ متن = ل، ق، و ۳۲- ل: بهرجا ۳۳- پ: که موبد بدی؛ در لن این لت پاک شده است

بگفت آن جگر خسته، خوابی که دید  
 ز نیک و بد و<sup>۳</sup> گردش روزگار  
 کرا باشد این تاج و تخت و کمر<sup>۴</sup>  
 وگر سر<sup>۵</sup> به خواری بیاید نهاد  
 زبان پر ز گفتار يك با دگر<sup>۶</sup>  
 به جان است پیگار و جان بی بهاست<sup>۱۲</sup>  
 بیاید همیدون<sup>۱۶</sup> زجان دست شست<sup>۱۷</sup>  
 سخن کس نیارست کرد آشکار  
 بران<sup>۱۹</sup> موبدان نماینده راه  
 وگر بودنی ها بیاید نمود<sup>۲۰</sup>  
 پر از هول دل، دیدگان پر ز خون<sup>۲۱</sup>  
 یکی بود بینادل و<sup>۲۲</sup> تیزکوش<sup>۲۳</sup>  
 کزان<sup>۲۶</sup> موبدان او زدی پیش گام<sup>۲۷</sup>  
 گشاده زبان پیش<sup>۳۰</sup> ضحاک شد  
 که جز مرگ را کس<sup>۳۲</sup> ز مادر نژاد

ز کشور بنزدیک خویش آورید  
 نهانی سخن کردشان خواستار<sup>۱</sup>  
 ۷۵ که بر من زمانه کی آید بسر  
 گر این راز<sup>۵</sup> با من<sup>۶</sup> بیاید گشاد  
 لب موبدان خشک و رخساره تر<sup>۸</sup>  
 که گر<sup>۱۰</sup> بودنی بازگویم<sup>۱۱</sup> راست  
 وگر<sup>۱۳</sup> نشنود<sup>۱۴</sup> بودنی ها<sup>۱۵</sup> درست  
 ۸۰ سه روز اندر آن<sup>۱۸</sup> کار شد روزگار  
 به روز چهارم برآشفت شاه  
 که گر زنده تان دار باید بسود  
 همه موبدان سر فگنده نگون  
 از آن نامداران بسیار هوش  
 ۸۵ خردمند و بیدار<sup>۲۴</sup> و زیرک به نام<sup>۲۵</sup>  
 دلش تنگ تر گشت<sup>۲۸</sup> و ناباک<sup>۲۹</sup> شد  
 بدو گفت پردخته<sup>۳۱</sup> کن سر ز باد

۱- ف پس از این بیت افزوده است:

که این را بگویند یکسر جواب

بخواند و بپرسید تأویل خواب

ل، ق پس از بیت ۷۳ افزوده اند:

مگر نو کند چاره مرد کهن

نیوشید بر مرد دانا سخن

س، ل، ق-۲ ب (و نیز ل، آ، لن) پس از بیت ۷۳ افزوده اند:

وزیشان همی جست درمان درد

بخواند و (ویکایک) بیک جای شان گرد کرد (در لن این لت پاک

شده است)

روان راسوی (آ: وزان راستی) روشنی ره کنید

بگفتا (س، ل، آ، ب: بگفتش؛ لن: روان) مرزود آگه کنید

این دو بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲- ل، س، ق: آشکار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- لن، ق، آ، ب، و، ل: < و >؛

ق: بدو نیک از؛ متن= ف، ل، س، لی، آ، ب ۴- ل: تاج و تخت کمر؛ ب: تخت و تاج و کمر؛ س، لن، ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ در لی این بیت با

بیت سپسین پس و پیش شده است ۵- ف: ازین راز؛ س، ق، آ، لی، ب: که این راز؛ ق: کنون راز؛ آ: همین راز؛ ل: کرازاز؛ متن= ل، لن، و، ب ۶-

س، لن، ق، آ، لی، ب: برما؛ ق، و، آ، ل، آ، ب: برمن؛ متن= ف، ل ۷- ق: ویاتن؛ لی: دگر سر؛ آ، ل، آ، ب: ویاسر؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در

لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- ل، لی، آ، ب: رخسارتر؛ ب: رخساره زرد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- ل-لی، و-ب: با

یکدگر؛ ب: گفتار و دل پر زرد؛ متن= ف ۱۰- لن: اگر ۱۱- آ: بودنی ها بگویم ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، ل: شود جان بیکبار (س: بیک راه و؛

لی، ل: بیکبار و) جان بی بهاست؛ لی: شود جان بیکبار در کم و کاست؛ و: شود تن سبکسار و جان بی بهاست؛ متن= ف، ل، ق، آ، ب ۱۳- س، و:

اگر ۱۴- ف، س، ق-پ، آ، ب: بشنود؛ ل، و: شنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= لن ۱۵- لی، ل: گفتنی ها؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶-

ل-ب: هم اکنون؛ متن= ف ۱۷- و: ره چاره جست؛ در س لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- ل، ق، لی، آ: اندرین؛ متن= هشت دستنویس

دیگر ۱۹- ق، ق، آ، لی، ل، آ، ب: بدان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- لی: وی بودنی باز باید نمود؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره

افزوده اند ۲۱- لن، ق، آ، ب: چرا کس نیارست گفتن نه چون؛ ل: پر از ترس جان دیدگان پر ز خون؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- لن، پ: >

< ۲۳- ق: تیره کوش؛ لی: باک کوش ۲۴- ف: دانا؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۵- ب: و دل نیکام ۲۶- لن، ق، آ، لی، پ: ازان؛ متن=

هشت دستنویس دیگر ۲۷- و: او بدی تیزگام؛ ب: او زدی تیزگام ۲۸- س: برگشت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: دلش تر گشت (وزن نادرست

است)؛ ب، پ: دلش تنگ برگشت؛ و: دلش تیره تر گشت؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل، آ، ل ۲۹- ق، آ: بی باک ۳۰- ق، و: نزد

۳۱- پ، و: پردخت ۳۲- لن، ق، آ، ب: که با تاج شاهی؛ متن= نه دستنویس دیگر

که تخت مهی را سزاوار بود  
 برفت و جهان دیگری را سپرد<sup>۲</sup>  
 سپهرت بساید نمائی بجای<sup>۵</sup>  
 به خاک<sup>۷</sup> اندرآرد<sup>۸</sup> سر<sup>۹</sup> بخت تو  
 زمین<sup>۱۱</sup> را سپهر همایون<sup>۱۱</sup> بود  
 نیامد گه پرسش و سردباد<sup>۱۲</sup>  
 بسان درختی شود<sup>۱۴</sup> بارور  
 کمر جوید و تاج و تخت<sup>۱۶</sup> و کلاه  
 به گردن برآرد ز پولاد گرز<sup>۱۸</sup>  
 بیندند و آرد از ایوان به کوی<sup>۲۰</sup>  
 چرا بنددم چیست از منش کین<sup>۲۱</sup>  
 کسی بی بهانه نسازد<sup>۲۳</sup> بدی  
 از آن<sup>۲۵</sup> درد گردد پر از کینه سرش<sup>۲۶</sup>  
 جهانجوی را دایه خواهد بدن  
 بدین<sup>۲۹</sup> کین کشد گرزهی گاوسر  
 ز تخت اندرافتاد<sup>۳۱</sup> و زورفت هوش  
 بتابید روی از نهیب<sup>۳۲</sup> گزند  
 به تخت کین<sup>۳۴</sup> اندرآورد پای  
 همی بازجست آشکار و نهان

جهاندار پیش از تو بسیار بود  
 فراوان غم و شادمانی شمرد<sup>۱</sup>  
 اگر بارهی<sup>۳</sup> آهنینی پبای<sup>۴</sup>  
 کسی<sup>۶</sup> را بود زین سپس تخت تو  
 کجا نام او آفریدون بود  
 هنوز آن سپهبد ز مادر نژاد  
 چنو<sup>۱۳</sup> زاید از مادر پرهنر  
 به مردی رسد برکشد سر به ماه<sup>۱۵</sup>  
 به بالا شود چون یکی سرو برز<sup>۱۷</sup>  
 زند بر سرت گرزهی گاوروی<sup>۱۹</sup>  
 بدو گفت ضحاک ناپاک دین  
 دلاور بدو گفت: اگر<sup>۲۲</sup> بخردی  
 برآید<sup>۲۴</sup> بدست تو هوش پدرش  
 یکی گاو برمایه<sup>۲۷</sup> خواهد بدن  
 تبه گردد آن هم بدست تو بر<sup>۲۸</sup>  
 چو بشنید ضحاک<sup>۳۰</sup> بگشاد گوش  
 گرانمایه از پیش تخت بلند  
 چو آمد دل تاجور<sup>۳۳</sup> باز جای  
 نشان فریدون به گرد جهان<sup>۳۵</sup>

۱- لن، ق: سپرد؛ ق: ببرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- لن، ق: لی، پ: چو روز درازش سرآمد بمرد؛ ل: برفت و جهان دیگران را سپرد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳- ل: پاره ۴- س، لن، ق: لی، پ، آ: بجای (لی، آ پساوند ندارند)؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، ب ۵- س، لن، ق: پ: بمانی پبای (در س حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ق پس از این بیت افزوده است (وزن لت دوم نادرست است):  
 ببايد يکي گرد خسرو نژاد که چون وی ندارد همی پیر دهقان بیاد  
 ۶- ل، ق: کی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- لن، ق: پ: پبای؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- ف، س: آید؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ل: سرو ۱۰- لن، پ: جهان ۱۱- س- ق: پ، ب: سپهری همایون؛ و: سپهری زهامون؛ متن= ف، ل، لی، آ، ل ۱۲- ق: بزاید گه جستن سرباد؛ ق، آ، ل: نیامد گه ترسش و سردباد؛ ب: جهانش هنوز آن بزرگی نداد؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، لن، لی، و ۱۳- ل، لی، پ، آ: چو او؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴- س، لن، ق: لی، پ، آ: بود؛ متن= ف، ل، و، ل، ب ۱۵- س، لن، ق: لی، پ، آ: گرده گاه؛ آ: گردگاه؛ ق: بمردی کشد سر برآرد بماه؛ متن= ف، ل، و، ب ۱۶- ق: کمر جوید و نام و تاج ۱۷- لن: بیالا شود بر یکی سرو برز؛ لی: بیالا بود چون یکی زاد سرو ۱۸- لی: بگردن برآورده پولاد غرو ۱۹- ل، ق: گاوسار؛ لن: گاورنگ؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق: بگمردت زار و بیندندت خوار؛ لن: بیندندت و آرد برون همچو سنگ؛ ق: لی، و: بیندندت درآرد (ق: و آردت) ز (ق: از) ایوان بکوی؛ آ: بیندند و زایوانت آرد بکوی؛ متن= س، پ، ل، آ، ب (س، پ، ل، آ، ب: ز) ۲۱- ل، ق: لی، از (لی: با) منش چیست کین؛ س، لن، ق: لی، و، آ، ب: چیست با منش کین؛ متن= ف، ل ۲۲- ل: گر ۲۳- لن، پ: نجوید ۲۴- لن، ق: بیابد؛ ق: بیابد؛ آ: بیابد؛ ل: بیابد (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- س، لن، ق: لی، پ، آ، ل: وزان؛ و: ازین؛ متن= ف، ل، ق، ب ۲۶- س، لی: درد گردد سراسیمه سرش؛ آ: دود گردد بدان کینه سرش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، ق: لی: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ پ، و، آ، ل، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه ندارد) ۲۸- و: در ۲۹- لن، ق: آ، پ، آ، ب: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰- س، لن، ق: آ، ب: چو ضحاک بشنید؛ متن= ف، ل، ق ۳۱- ق: زتخت اندر آمد ۳۲- ف، آ: نهیب و؛ س، لن، ق: لی، پ، ب: بتابید رویش زبیم؛ و: بیامد دلی پر زبیم؛ متن= ل، ق، ل ۳۳- ل: نامور؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۴- ق: کی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۵- آ: نشان فریدون یل در جهان

نه آرام بودش نه خواب و نه خورد شده روز روشن بروا لاژورد

### گفتار اندر زادن آفریدون از مادر<sup>۳</sup>

برآمد برین<sup>۴</sup> روزگاری<sup>۵</sup> دراز  
 خجسته فریدون ز مادر بزاد  
 ۱۱۰ ببالید برسان سرو سهی  
 جهانجوی با فر جمشید بود  
 جهان را چو باران به بایستگی  
 به سربر همی گشت گردان سپهر  
 همان گاو کهش نام برمایه<sup>۱۳</sup> بود  
 ۱۱۵ ز مادر جدا شد چو طاوس نر  
 شده<sup>۱۶</sup> انجمن بر سرش بخردان  
 که کس در جهان گاو چونان ندید  
 زمین کرده<sup>۱۸</sup> ضحاک پر گفت وگویی<sup>۱۹</sup>  
 فریدون که بودش پدر آبتین  
 ۱۲۰ گریزان و ز<sup>۲۳</sup> خویشان گشته سیر  
 از آن روزبانان ناپاک<sup>۲۵</sup> مرد

کشید ازدها را به<sup>۶</sup> تنگی فراز  
 جهان را یکی دیگر آمد نهاد<sup>۷</sup>  
 همی تافت<sup>۸</sup> زو فر شاهنشهی  
 بکردار تابنده<sup>۹</sup> خورشید بود  
 روان را چو<sup>۱۰</sup> دانش به<sup>۱۱</sup> شایستگی  
 شده رام با آفریدون<sup>۱۲</sup> به مهر  
 ز گاو<sup>۱۴</sup> برترین پایه بود  
 به هر موی بر<sup>۱۵</sup> تازه رنگی دگر  
 ستاره‌شناسان و هم موبدان  
 نه از پیرسر کاردانان<sup>۱۷</sup> شنید  
 به گرد جهان بر همین<sup>۲۰</sup> جست وجوی<sup>۲۱</sup>  
 شده تنگ بر آبتین بر زمین<sup>۲۲</sup>  
 برآویخت ناگاه در دام<sup>۲۴</sup> شیر  
 تنی چند، روزی بدو بازخورد

۱- ق، لی، پ: بدو؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- ف، س- پ، آ، ب: لاجورد؛ متن = ل، و، ل ۳- ف: گفتار اندر زادن آفریدون از مادر و کشته شدن پدرش بردست ضحاک و پروردن گاو آفریدون بشیر؛ ل: اندر مولود شاه فریدون؛ س: زادن فریدون از مادر و داستان گاو که او را دایه بود؛ لن: زادن فریدون از مادر و گاو بر مایه که دایه بود؛ ق: اندر مولود فریدون و نهان داشتن وی از ضحاک؛ ق: زادن فریدون به پیروزی؛ لی: گفتار اندر زادن منوچهر (!)؛ پ: زادن فریدون از مادر گاو بر مایه که او را دایه بود؛ و، ل: گفتار اندر زادن فریدون از مادر (و... بفیروزی)؛ آ: اندر زادن فریدون فرخ پسر آبتین؛ ب: اندر ولادت فریدون؛ متن = آغاز ف (که به ل نزدیک است) ۴- لی: بدین ۵- ل: روزگار ۶- ل- ب: کشید (لن، ب: رسید) ازدهافش به (س: ز)؛ متن = ف ۷- لی: بداد ۸- ل: یافت ۹- و: جهان را چوتابنده؛ ل: برخسارمانند؛ متن = دده دستنویس دیگر ۱۰- لی: به ۱۱- ق: ز ۱۲- لی: با او فریدون ۱۳- ف- ق، و: بر مایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ پ، آ، ل، ب: بر مایه (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ لی: همان گاو بر مایه کش دایه ۱۴- ل، ق، لی، و: تنش؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- س، لن، ق، آ: سوش بر؛ لی: موش بر؛ ب: موش بد؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل، ب ۱۶- ب: شدند ۱۷- ق: نه از کاردانان پیشین ۱۸- س، لن، ق، آ، پ- ب: کرد؛ متن = ف، ل، ق، لی ۱۹- ل: گفت گوی ۲۰- ل، ق: هم بدین؛ س، لن، ق، آ، پ: در همین؛ و، ل: هم برین؛ آ: در همی؛ ب: بر همان؛ متن = ف، لی ۲۱- ل: جست جوی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز گاو فریدون گیتی گشای  
 بجان بردنش کرد چنگال تیز  
 همی خواست کارد سرش زیر پای  
 وزو خاسته در جهان رستخیز  
 ۲۲- در ف این بیت چنین آمده است:

وز آسیب او پر هنر آبتین  
 چو شهاب (→ سیماب) لرزان شده بر زمین  
 متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- س، لن، ق، آ، لی، و- ب: از؛ متن = ف، ل، ق، پ ۲۴- ل، آ: بر کام؛ ق: بردام؛ ب: در کام؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

نهان کرد گیتی فراوان بگشت  
 چه بر کوه خارا چه بر ساده دشت  
 ۲۵- ل- پ: ناباک (حرف سوم يك نقطه دارد)؛ و: ناباک (حرف سوم نقطه ندارد)؛ آ، ل، ب: ناباک (حرف سوم سه نقطه دارد)؛ و این بیت را دوبار نوشته است؛ در ف این بیت چنین آمده است و پس از آن بیت دیگری هم افزوده است:

چو آمد بسر روز آن بی گزند  
 بدو باز خوردند و بردند خوار  
 ازان روزبانان بدجای چند  
 چنان بی گنه را بر شهریار

گرفتند و بردند بسته چو یوز<sup>۱</sup>  
 خردمند مام فریدون چو دید  
 فرانك بدش نام و<sup>۳</sup> فرخنده بود  
 ۱۲۵ دوان داغ<sup>۴</sup> دل خسته<sup>۵</sup> روزگار  
 كجا نامور گاو برمایه<sup>۶</sup> بود  
 به پیش نگهبان آن مرغزار  
 بدو گفت كین<sup>۱۲</sup> كودك شیرخوار  
 پدروارش از مادر اندرپذیر  
 ۱۳۰ وگر<sup>۱۳</sup> پاره<sup>۱۴</sup> خواهی<sup>۱۵</sup> روانم تراست  
 پرستنده<sup>۱۶</sup> بیشه و گاو<sup>۱۸</sup> نغز  
 که چون بنده بر<sup>۱۹</sup> پیش فرزند تو  
 فرانك بدو داد فرزند را  
 سه سالش پدروار از آن<sup>۲۳</sup> گاو شیر  
 ۱۳۵ نشد<sup>۲۷</sup> سیر<sup>۲۸</sup> ضحاك از آن جست وجوی<sup>۲۹</sup>  
 دوان مادر آمد سوی مرغزار  
 که اندیشه<sup>۳۱</sup>ی در دلم ایزدی  
 همی کرد باید کزان<sup>۳۳</sup> چاره نیست

برویر سرآورد ضحاك روز  
 که بر جفت او بر چنان<sup>۲</sup> بد رسید  
 به مهر فریدون دل آکنده بود  
 همی رفت پویان<sup>۶</sup> بدان<sup>۷</sup> مرغزار  
 که نابسته بر تنش پیرایه<sup>۹</sup> بود  
 خروشید و بارید<sup>۱۱</sup> خون بر کنار  
 ز من روزگاری به زنهار دار  
 و زین گاو نغزش پیور به شیر  
 گروگان کنم جان<sup>۱۶</sup> بدانکت<sup>۱۷</sup> هواست  
 چنین داد پاسخ بدان پاك مغز  
 بیاشم پذیرنده<sup>۲۰</sup> پند<sup>۲۱</sup> تو  
 بگفتش بدو<sup>۲۲</sup> گفتنی پند را  
 همی داد<sup>۲۴</sup> هشیار<sup>۲۵</sup> زنهارگیر<sup>۲۶</sup>  
 شد از گاو گیتی پر از گفت وگویی<sup>۳۰</sup>  
 چنین گفت با مرد زنهاردار  
 فراز<sup>۳۲</sup> آمدهست از ره بخردی  
 که فرزند و شیرین روانم یکیست

۱- ق: گرفتند و بستند مانند یوز ۲- لی: او آنچنان؛ لی پس از این بیت افزوده است:

زنی بود آرامش روزگار درختی کزو فر شاهی به بار  
 چو آگاهی شوی بشنید زن که ضحاك کردش جدا سر ز تن  
 برون رفت پویان سوی مرغزار چنان داغ دل گشته روزگار

۳- ق: < و >؛ بنداری؛ وکانت تسمی مانك ۴- ل، ق: پر از داغ؛ س، ق، ل، لی، ب: دوان گشت (ق، ل، لی: گشته)؛ پ، آ، ل، آ: روان گشت (پ) گشت و؛ ل، آ: گشته)؛ متن = ف، ل، ن، و ۵- س، ق، ل، لی، پ، آ، ل، ب: دل خسته از؛ متن = ف، ل، ن، ق، و ۶- س، ل، ن، ق، ل، لی، پ، آ، ل، ب: گریان؛ متن = ف، ل، ق، و ۷- ق، آ: دران؛ پ: بران ۸- ف: برمایه (= پرمایه)؛ ل، س، ل، ن، ق، ق، آ، ل، لی، پ: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ و، آ، ل، ب: پرمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۹- س، ق، ل، پ، آ، که نابسته بر سرش پیرایه؛ ل، ن، و، ب: که بایسته بر تنش (لن: بر سرش) پیرایه؛ لی: زگاوان ورا برترین پایه (= ۱۱۴ ب)؛ ل، آ: کیا (→ که نا) بسته بر سرش پیرایه؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل) ۱۰- ل، ن، لی: نالید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- پ: خون برگ نار؛ ف پس از این بیت افزوده است:

که ای نامور مرد با مهر و داد ز تو داد فرمای خشنود باد  
 ز کردار این شاه بیدادگر یکی عاجزم مانده بی پای و پر

۱۲- ف: بمزدمن این؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۱۳- پ: اگر؛ آ: دگر ۱۴- ف، ل، ق، آ، پ، و، آ، ب: باره (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ س، ل، ن، ل، آ: باره؛ ق: مایه ۱۵- آ: خوانی ۱۶- و: دل ۱۷- س، ق، و، ب: بدانجت؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ق: پرستنده بیشه گاو؛ آ: پرستنده بیشه وان گاو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- ل، ن، ق: در؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ف: پذیرفته؛ ل: پرستنده؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۲۱- ل: بند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، ل، ن، ق، آ، پ: بند؛ متن = ف، ل، و، آ، ل، ب ۲۲- س: بسی؛ ل، ق: این بیت را ندارند، ولی درق انرا در کناره افزوده اند ۲۳- ل: سه سالش همی دادزان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- آ: دار ۲۵- پ، و، آ: هشیار و ۲۶- ل: هشیوار بیدار زنهارگیر؛ ب: همی داد تا گشت فرمان پذیر؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، ل، لی، آ ۲۷- ل، ن: بشد؛ و: بشد (حرف یکم نقطه ندارد) ۲۸- آ: شیر ۲۹- ف، ل، س، ق، آ، پ، آ: گفت وگویی؛ متن = ل، ن، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) ۳۰- ف، ل: جست وجوی؛ س، ق، آ، ب، آ: شد از گاو (و ق: آ) < و > آن بیشه (پ: زبیشه) بر جست وجوی (آ: جست وجو) (پساوند نادرست است)؛ ق: شد از کار گیتی بر جست وجوی؛ در ل، ن این لت پاك شده است؛ متن = لی، و، ل، آ (و نیز ل، آ) ۳۱- در ل، ن این لت پاك شده است ۳۲- ق: بر از؛ در ل، ن لت یکم این بیت پاك شده است و لت دوم در جای لت یکم آمده است ۳۳- ف: وزان؛ ل، لی: کزین؛ در ل، ن این لت پاك شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ)

- ۱۴۰ بَرَم بی از<sup>۱</sup> خاك جادوستان  
شوم ناپدید از میان گروه  
شوم با پسر سوی<sup>۲</sup> هندوستان  
برم خویرخ را به<sup>۳</sup> البرز کوه
- ۱۴۵ بیاورد فرزند را چون نوند  
یکی مرد دینی بران<sup>۵</sup> کوه بود  
فرانك بدو گفت کای<sup>۶</sup> پاکدین  
بدان کین<sup>۹</sup> گرانمایه فرزند من  
بیرد سر و تاج<sup>۱۱</sup> ضحاک را  
ترا بود باید نگهبان اوی<sup>۱۴</sup>  
پذیرفت<sup>۱۵</sup> فرزند او نیکمرد  
خبر شد<sup>۱۷</sup> به ضحاک يك<sup>۱۸</sup> روزگار  
بیامد از آن<sup>۲۱</sup> کینه چون پیل مست  
جز آن هرچه<sup>۲۴</sup> دید اندرو<sup>۲۵</sup> چارپای  
سبک سوی خان فریدون<sup>۲۸</sup> شتافت  
به ایوان او آتش اندرفگند
- ۱۵۵ چو بگذشت بر آفریدون<sup>۳۲</sup> دوهشت  
بر مادر آمد پژوهید<sup>۳۴</sup> و گفت  
بگویی مرا تا<sup>۳۵</sup> که بودم پدر؟  
چه گویم کیم، بر سر انجمن؟
- ز<sup>۳۳</sup> البرزکوه اندرآمد به دشت  
که بگشای بر من نهان از نهفت  
کیم من؟ به تخم از کدامین<sup>۳۶</sup> گهر؟  
یکی دانشی داستانی<sup>۳۷</sup> بزن

۱- لن: بدانم که از؛ لی: روم من ازین؛ ل: بَرَم ازین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲- ف: شوم با پسر من؛ ل: شوم تا سر مرز؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: مرین را برم سوی (لن، ق، آ، پ: تابه)؛ متن= ف، ل، ق، و، ب (و نیز ل، لن، آ)؛ ف، ل، ق، لی (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

چو گفت این سخن خویرخ را ببرد (لی: خویرخ با پدر) زبس داغ (ل: درد) او (لی: از) خون دل می سترد (ق: بدل می فسرد)  
این بیت درهشت دستنویس دیگر (و نیز در لن، آ) نیست ۴- ل، ق: چو مرغان بران تیغ کوه بلند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۵- ق، لی، پ: بدان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶- س، آ: پر ۷- و: ای؛ آ: که ۸- ل، لی، و: ز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- لن: کان ۱۰- ق: شه ۱۱- ل: سر تاج؛ ب: سر ازین؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ق: بسازد ۱۳- ب: کمرگاه ۱۴- ل، س، لی، آ، ل: او؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ل- پ، ل، آ، ب: پذیرفت؛ متن= ف، و، آ ۱۶- ق، آ، و: برو ۱۷- لی: خبر برد ۱۸- ل، ق: بد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۱۹- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل، س، ق، لی: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ و، آ، ل، آ، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۰- لن، ق، آ، پ: ازان بیشه و گاو و آن مرغزار ۲۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: بیامد پر از؛ ل: بیامد بران؛ متن= ف، ل، ق ۲۲- ف: برمایه (=برمایه)؛ ل، س، لن، ق، آ، لی: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ و، آ، ل، آ، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۳- لی: مست (پساوند ندارد) ۲۴- ل- پ، آ، ل: همه هرچه (ل، ق: هرچ)؛ و: جز او هرچه؛ ب: همان هرچه؛ متن= ف (و نیز لن، آ) ۲۵- و: بود اندران ۲۶- پ: > و < ۲۷- ل: پردخت؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۸- و: سوی خانه آفریدون؛ آ: بیک سوی خان فریدون؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۹- لی: > و < ۳۰- ل، ق: زیا؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: زیای؛ متن= ف، و ۳۱- ق: اندر افکند ۳۲- ل: چو بگذشت ازان بر فریدون؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: از؛ متن= ف، ل، ق، و، ل؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، س، لن، لی، پ، و: پرسیدن فریدون (س، و: شاه فریدون) نژاد خود را از مادر؛ ق: پرسیدن فریدون از مادر نژاد خود را؛ ق: سؤال فریدون نژاد خود از مادر؛ ل: پرسیدن فریدون از مادر خبر پدر؛ ب: بازجستن فریدون نژاد خود را ۳۴- و: پرسید ۳۵- ل- پ، ل، آ، ب: بگو مرا تا؛ و (و نیز لن، آ): نگویی مرا تا؛ آ: بگو تا مرا خود؛ متن= ف (و نیز ل، آ) ۳۶- ل، ق، لی، و، ل: ز تخم کدامین؛ آ: ز تخم از کدامین؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، پ، ب (و نیز ل، آ) ۳۷- ل، ق: داستانم؛ متن= ده دستنویس دیگر

بگویم ترا هرچه گفتی<sup>۲</sup> بگوی  
یکی مرد بُد نام او آبتین  
خردمند و<sup>۳</sup> گرد و<sup>۴</sup> بی آزار<sup>۵</sup> بود  
پدر بر پدر بر همی داشت یاد  
بُد روز روشن مرا جز بدوی  
ز<sup>۶</sup> ایران به جان تو یازید دست  
چه مایه به بد<sup>۷</sup> روز بگذاشتم  
فدا کرد<sup>۸</sup> پیش تو روشن روان  
که کس را نه زان بیشه<sup>۹</sup> اندیشه‌یی  
سراپای نیرنگ و رنگ و نگار<sup>۱۰</sup>  
نشسته به پیش اندرون<sup>۱۱</sup> شاه‌فش  
همی پروریدت به‌بربر به ناز<sup>۱۲</sup>  
برافراختی<sup>۱۳</sup> چون دلاور پلنگ<sup>۱۴</sup>  
یکایک<sup>۱۵</sup> خبر شد بر<sup>۱۶</sup> شهریار  
چنان بی‌زبان مهربان<sup>۱۷</sup> دایه را  
برآورد و<sup>۱۸</sup> کرد آن<sup>۱۹</sup> بلندی مَغاک

فرانک بدو گفت کای<sup>۱</sup> نامجوی  
تو بشناس کز مرز ایران زمین  
ز تخم کیان بود و بیدار بود  
ز طهمورت<sup>۲</sup> گرد بودش نژاد  
۱۶۰ پدر بُد ترا، مرمرا<sup>۳</sup> نیک شوی  
چنان بُد که ضحاک جادوپرست  
ازو من نهانت<sup>۴</sup> همی داشتم  
پدرت آن گرانمایه مرد جوان  
۱۶۵ سرانجام رفتم سوی<sup>۵</sup> بیشه‌یی  
یکی گاو دیدم چو باغ<sup>۶</sup> بهار  
نگهبان او پای<sup>۷</sup> کرده به کش  
بدو<sup>۸</sup> دامت روزگاری دراز<sup>۹</sup>  
ز پستان آن گاو طاوس رنگ  
۱۷۰ سرانجام از آن<sup>۱۰</sup> گاو و آن<sup>۱۱</sup> مرغزار  
بیامد بکشت آن گرانمایه را  
و<sup>۱۲</sup> ز<sup>۱۳</sup> ایوان ما تا به خورشید خاک

۱- پ، و؛ ای ۲- ل، ۲؛ دانی ۳- آ؛ < و > ۴- ق؛ گردی ۵- لی؛ جهاندار ۶- ل، ق، ۲، لی، و- ب؛ طهمورت (با سه نقطه)؛ س؛ طهمورت (نقطه ندارد)؛ متن= ف، ل، ن، پ؛ در ف این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷- ل، س، پ، و؛ ترا و مرا؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ف این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- ل- ب؛ از؛ متن= ف؛ لی پس از این بیت افزوده است:  
به ضحاک گفتش ستاره شمر  
که روز تو آرد فریدون بسر  
۹- ق ۲؛ ازویت نهانی ۱۰- لی؛ بدو؛ ل این بیت را دوباره نوشته است ۱۱- ل، ل، ن، ب؛ فدی کرد (ل؛ کرده)؛ س، ل، ن، ق ۲- ب (ونیز ل، ۳، ل، ن) ۲؛ پس از این بیت افزوده اند:

ابركتف (و؛ دوش) ضحاک جادو (و؛ تازی) دومار  
سر بابت از مغز پرداختند  
این دو بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده‌اند؛ بنداری نیز این دو بیت و یا دست کم بیت دوم را دارد؛ وأن الضحاک قد قتلته، وأطعم  
دماغه الحیتین النابتین علی کاهلیه؛ ب پس از این دو بیت افزوده است:  
بکشت آن گرانمایه را خوار خوار  
تبه کرد بر ما چنین روزگار  
۱۲- ق؛ بر ۱۳- س، ل، ن، ق ۲، لی، پ، آ، ل ۲، ب؛ که کس را نبد هیچ؛ متن= ف، ل، ق، و ۱۴- ل؛ خورم؛ س- پ، آ، ل ۲؛ خرم؛ متن= ف، و، ب  
۱۵- ل ۲؛ رنگ بهار (پساوند ندارد)؛ پ؛ سراپای او پر زنگ و نگار؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶- ل ۲؛ دست؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز ل ۲، ل، ن) ۱۷- ل، و، ل ۲ (ونیز ل ۳، ل، ن) ۲؛ نشسته به بیشه درون؛ ق ۲؛ پیش اندرون< ن >؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- ل، ن؛ برو ۱۹- آ؛ دادم  
از روزگار دراز ۲۰- لی؛ بعز و بناز؛ ل ۲؛ ببر بر نیاز؛ و؛ ببر بر همی پروریدت بناز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- س؛ برآویختی؛ آ؛ برافراخته ۲۲-  
س- پ، ب؛ نهنگ؛ متن= ف، ل، و، آ، ل ۲ ۲۳- ق، ق، آ، ل ۲؛ زان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴- ل، لی؛ گاو آن؛ ق، آ، ل ۲؛ گاو و زان؛ متن= هشت  
دستنویس دیگر ۲۵- ق ۲؛ که يك يك ۲۶- ل- پ، آ، ب؛ سوی؛ متن= ف، و، ل ۲ (ونیز ل ۳، ل، ن) ۲؛ ل- ب (ونیز ل ۳، ل، ن) ۲؛ پس از این بیت افزوده‌اند:  
زیبیشه ببردم ترا ناگهان  
گریزان از (ل، ن، پ، و؛ ز) ایوان وز (س، و، ب؛ از) خان ومان  
ل، ق؛ گریزنده زایوان وز (ق؛ از) خان ومان لی، ل ۲؛ بریدم (ل ۲؛ گرختم) زایران (ل ۲؛ ایوان) و از خان و مان؛ این بیت در ف نیست ۲۷- ق ۲؛ چنان  
مهربان بی زبان؛ و؛ چنان باوفا مهربان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۸- لی، و؛ از ۲۹- پ؛ < و > ۳۰- س، ق، آ، لی، و، آ؛ از؛ متن= هفت  
دستنویس دیگر

ز گفتار مادر برآمد بجوش  
به ابرو<sup>۳</sup> ز خشم اندرآورد چین  
نگردد مگر بازمایش<sup>۴</sup> دلیر  
مرا برد باید به شمشیر دست  
برآرم از<sup>۵</sup> ایوان ضحاک خاک

ترا با جهان سربسره<sup>۶</sup> پای نیست  
میان بسته فرمان<sup>۷</sup> او را سپاه  
کمر بسته او را کند کارزار  
جهان را به چشم جوانی مبین  
به گیتی جز از خویشان<sup>۸</sup> را ندید  
ترا روز جز شاد و خرم<sup>۹</sup> مباد

فریدون برآشفت و<sup>۱</sup> بگشاد گوش  
دلش گشت پردرد و سر<sup>۲</sup> پر ز کین  
چنین داد پاسخ به مادر که شیر  
کنون کردنی کرد جادوپرست  
پیویم به فرمان یزدان پاک

بدو گفت مادر که این رای نیست  
جهاندار ضحاک با تاج<sup>۷</sup> و گاه  
چو خواهد، ز هر<sup>۹</sup> کشوری صد هزار  
جزاینست آیین و پیوند کین<sup>۱۰</sup>  
که هر کو<sup>۱۱</sup> نبید جوانی چشید  
بدان مستی اندر دهد سر بیاد

### گفتار اندر داستان کاوهی آهنگر باضحاک تازی<sup>۱۴</sup>

به نام<sup>۱۶</sup> فریدون گشادی دو لب  
شد از آفریدون دلش<sup>۱۸</sup> پر نهیب  
نهاده بسربر<sup>۱۹</sup> ز پیروزه تاج  
که در پادشاهی کند پشت راست  
که ای پرهنر نامور<sup>۲۲</sup> بخردان<sup>۲۳</sup>  
که بر بخردان<sup>۲۴</sup> این سخن روشن ست

چنان بُد که ضحاک را<sup>۱۵</sup> روز و شب  
بران<sup>۱۷</sup> بُرزبالا ز بیم نشیب  
چنان بُد که یک روز بر تخت عاج  
ز هر کشوری مهتران<sup>۲۰</sup> را بخواست  
از آن<sup>۲۱</sup> پس چنین گفت با موبدان  
مرا در نهانی یکی دشمن ست

۱- ل: فریدون چو بشنید؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- لن، پ: دلش پر زرد و سرش ۳- ق، پ: برابر؛ آ این بیت و دو بیت پیش از آنرا دوبار نوشته است ۴- ل، و: زازمایش؛ لن، ق، پ: بازمودن؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۵- ل، لن، ق، لی، پ، و، ب: ز؛ متن = ف، س، ق، ل، ا، ل، ۶- ق: جهان را سراسر ترا ۷- پ: تخت ۸- لن، ق، پ، و: کمر بسته فرمان؛ ق: فرمان میان بسته؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- ل: چو خواند زهر؛ ب: چو او خواهد از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ل، لی، ل، آ: پیوند و کین؛ و: چنین است آیین و پیمان دین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۱- آ: که ۱۲- ف (و نیز ل): کس؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۳- ل: خورم ۱۴- ف: گفتار اندر داستان کاوه آهنگر باضحاک تازی و محضر نشستن ضحاک و دریدن کاوه آن محضر را و رفتن بطلب آفریدون؛ ل، ق، ق، آ، لی، ب: داستان کاوه آهنگر با ضحاک (ق: ضحاک تازی)؛ س: داستان کاوه آهنگر با ضحاک از پهر پسران؛ لن: داستان کاوه با ضحاک تازی؛ پ، و: داستان ضحاک با کاوه آهنگر؛ ل: محضر کردن ضحاک از خوف آفریدون؛ آ سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۱۵- س- پ، آ، ل: خود؛ و: در؛ متن = ف، ل، ق، ب ۱۶- س، لن، ق، آ: پیاد؛ متن = ف، ل، ق، ل، ب ۱۷- س، لن، لی، ل: بدان؛ ق این بیت را ندارد؛ ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۱۸- ل، س، لی، آ، ب: شده زافریدون (لی: از فریدون) دلش؛ لن، ق، لی: دلش زافریدون (ق: از فریدون) شده؛ متن = ف، و، ل ۱۹- ف: بسر برنهاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۰- ب: موبدی؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بزرگان فرزانه را گسرد کرد  
۲۱- ب: وزان ۲۲- ل، س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: پرهنر باگهر؛ ق: باگهر پرهنر؛ متن = ف، پ، و ۲۳- لن: مهتران ۲۴- ل: مهتران؛ ف، ل، لی (و نیز ل) پس از این بیت سه بیت؛ و ق تنها بیت یکم را افزوده اند:  
به سال اندکی و (ق: اندک آمد) به دانش بزرگ  
اگرچه بسال اندکی (ل: اندک ای؛ لی: اندکست) راستان (لی: این جوان)  
که دشمن اگرچه بود خوار و خرد

از اخترشناسان و مردان مرد  
گوی بدنژادی (ق: کی نژادی؛ لی: برنژاد و) دلیر و سترگ  
درین کار موبد زدش داستان  
لی: چنین گفت موبد به پیش گوان  
نیایدت (= بیایدت) او را به پی بر سپرد  
لی: مرو را بنادان نباید شمرد



ندارم همی دشمن خرد خوار ۱۹۰  
 همی زین فزون بایدم لشکری  
 یکی لشکری خواهم انگیختن  
 بیاید بدین<sup>۵</sup> بود همداستان  
 یکی محضر اکنون بیاید نبشت<sup>۶</sup>  
 نگوید<sup>۱</sup> سخن جز همه راستی ۱۹۵

ز بیم سپهد همه راستان  
 بدان<sup>۱۲</sup> محضر ازدها ناگزیر<sup>۱۳</sup>  
 همانکه یکایک<sup>۱۵</sup> ز درگاه شاه  
 ستم دیده را پیش او<sup>۱۶</sup> خواندند  
 ۲۰۰ بدو گفت مهتر به روی دژم  
 خروشید و زد دست بر سر ز شاه  
 یکی بی زیان<sup>۱۹</sup> مرد آهنگرم

بدان<sup>۱۱</sup> کار گشتند همداستان  
 گواهی نبشتند<sup>۱۴</sup> برنا و پیر  
 برآمد خورشیدن دادخواه  
 بر نامدارانش بنشانند  
 که برگوی تا از که دیدی<sup>۱۷</sup> ستم  
 که شاهها منم کاوهی دادخواه  
 ز شاه آتش آید همی بر سرم

۱- ق این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده اند؛ ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۱۸۹ پ افزوده اند:  
 بترسم که گیرد بمن بر جهان کند مرمرا ناپدید او نهان  
 ق: کند مرمرا زافسر خسروان؛

در لن پس از بیت ۱۹۰ بیت ۱۹۴ آمده است ۲- لن: هم از مرد مردم (وزن نادرست است) ۳- لن، ل، ۲: دیو و ۴- س، لن: برآویختن؛ ق: ۲:  
 برانگیختن؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- لن، ق، ل، ۲: برین؛ متن= ف، ل، س، ق، ب ۶- ف: که من دل بیستم؛ ل، ق: که فردا نشینم؛ لن: که من  
 ناشنوم؛ لی: که بس ناشکیم؛ پ: که من ناشکیم؛ و: که من دانشی ام؛ ل، ۲: که ناید شکیم؛ متن= س، ق، ۲، ا، ب ۷- لن: درین؛ س، ق، ۲: ازین؛  
 پ، و: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- ل، س، ق، ق، ۲، پ، و، ا، ب: نوشت؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، لن، ل، ۲ ۹- و: که ضحاک جز  
 تخم نیکی نکشت؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۱۹۰ آمده است ۱۰- لن: نگویم؛ لی این بیت را ندارد؛ در لن لت دوم این بیت پاک شده است  
 ۱۱- ل: بران؛ در لن لت یکم این بیت پاک شده است؛ لی این بیت را ندارد ۱۲- ل، ل، ۲: بران؛ س، لن، ق، ۲، لی، پ، و: دران؛ متن= ف، ق، ا، ب  
 ۱۳- ا: ازدهای گزیر ۱۴- ل، ق، پ، و، ا: نوشتند؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن= ف، س، ق، ۲، لی، ل، ۲، ب  
 ۱۵- و: یکایک همانکه؛ در لن این لت پاک شده است ۱۶- ق: خود؛ س، لی، ا، ل، ۲: وی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- ق: داری؛ ا: که بر  
 گوی که تا از که دیدی (وزن نادرست است) ۱۸- پس از این بیت ف، س، لن، ق، ۲، لی، پ بیت هایی افزوده اند؛ این بیت ها در ل، ق، و، ا، ل، ۲، ب (و نیز  
 در ل، ۲، لن، ۲ و ترجمه بنداری) نیست، ولی در ق (و نیز در ل، ۲) آنها را در کناره افزوده اند؛ پیایی بیت ها به پیروی از ف است؛ پیایی آنها در س، لن، ق، ۲،  
 لی، پ چنین است: 1, 2, 3, 4, 6, 10, 11, 12, 13, 14 (بیت 5 را ندارند):

همی نالم از توبه رنج روان  
 بیفزاید ای شاه مقدار تو  
 به فرزند من دست بردن (لی: بردی) چرا  
 که سوزان شود هر زمانم جگر (لن: 13 ب)  
 شد از روز پدنجوه اموخته  
 بفرزند باشد بی آزار و درد (لی: ورا دستگیر)  
 ف: به فرزند نازد نه از دار و برد

دلی پر امید و سری پر زرد (ف: گرد)  
 به گیتی چو فرزند پیوند نیست  
 ف: بیک قول با من تو شاها بیست

ستم رامیان و کرانه (ف: کران و میانه) بود (لی: نبود)  
 بهانه چه داری تو بر من بیار  
 ز تو بر من آمد (لن، پ: آید) ستم بیشتر  
 شها من چه کردم یکی بازگویی  
 به حال من ای تاجور در نگر  
 میفزای بر خویشتن دردسر

۱۹- ل، ق، ۲، لی، ا، ل، ۲: بی زبان؛ س: بی زبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ و: بر زبان؛ متن= ف، لن، ق، پ، ب

بده داد من کامد ستم (ق: ۲: آمد ستم) دوان  
 اگر داد دادن بود کار تو  
 ستم گرننداری تو بر من روا (ف، س: بر ماروا؛ لی: تو فرمان روا)  
 ببخشای بر من (ف: ببخشایش دل) یکی در نگر  
 5 پدر چون به فرزند شد سوخته  
 زگشت جهان (ف: جوان) چون شود پیر مرد (لی: مرد پیر)

مرا روزگار این (لن: روزگارم؛ پ: روزگاری) چنین کوژ (س، لی: کور) کرد  
 جوانی نماندست و (لن، لی: <و>) فرزند نیست

ستم رامیان و کرانه (ف: کران و میانه) بود (لی: نبود)  
 10 بهانه چه داری تو بر من بیار  
 ز تو بر من آمد (لن، پ: آید) ستم بیشتر  
 شها من چه کردم یکی بازگویی  
 به حال من ای تاجور در نگر

بیاید زدن داستان<sup>۲</sup>، آوری<sup>۳</sup>  
چرا<sup>۴</sup> رنج و سختی همه بهر ماست  
بدان تا جهان ماند اندر شگفت  
که نوبت ز گیتی به من<sup>۵</sup> چون رسید  
همی داد باید ز هر<sup>۶</sup> انجمن

شگفت آمدش کان<sup>۷</sup> سخن ها شنید<sup>۸</sup>  
به خوبی بجستند<sup>۹</sup> پیوند اوی<sup>۱۰</sup>  
که باشد بدان<sup>۱۱</sup> محضر اندر گوا  
سبک سوی<sup>۱۲</sup> پیران آن کشورش  
بریده دل از ترس گیهان خدیو  
سپردید دل ها<sup>۱۳</sup> به گفتار اوی  
نه هرگز براندیشم<sup>۱۴</sup> از پادشا<sup>۱۵</sup>  
بدریدو بسپرد<sup>۱۶</sup> محضر به<sup>۱۷</sup> پای  
ز<sup>۱۸</sup> ایوان برون شد خروشان به کوی<sup>۱۹</sup>

که ای نامور<sup>۲۰</sup> شهریار زمین  
نیارد گذشتن به روز نبرد  
بسان همالان کند سرخ روی  
بدرد، پیچد ز فرمان تو

تو شاهی وگرا<sup>۱</sup> ازدها پیکری؟  
اگر<sup>۲</sup> هفت کشور به شاهی تراست  
شماریت<sup>۳</sup> با من<sup>۴</sup> بیاید<sup>۵</sup> گرفت  
مگر<sup>۶</sup> کز شمار تو آید پدید  
که مارانت را مغز فرزند من

سپهد به گفتار او بنگرید  
بدو باز دادند فرزند اوی<sup>۱۱</sup>  
بفرمود پس<sup>۱۲</sup> کاوه را پادشا  
چو برخواند کاوه همه محضرش  
خروشید<sup>۱۳</sup> کای پایمردان دیو<sup>۱۴</sup>  
همه سوی دوزخ نهادید<sup>۱۵</sup> روی  
نباشم بدین محضر اندر گوا  
خروشید<sup>۱۶</sup> و برجست لرزان ز جای  
گرانمایه فرزند او پیش اوی<sup>۱۷</sup>

مهان<sup>۱۸</sup> شاه را خواندند آفرین  
ز چرخ فلک<sup>۱۹</sup> بر سرت باد سرد  
چرا پیش تو کاوهی خام گوی  
همی<sup>۲۰</sup> محضر ما به پیمان<sup>۲۱</sup> تو

- ۱- س، ل، ن، ل: تو شاهی اگر؛ ب: تو شاهها اگر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل، پ، ل، ب: بیاید زد این داستان؛ س، و، آ: بیاید بدین (و: برین) داستان؛ متن = ف ۳- ل، ن، ق، ب: داوری؛ متن = ف، ل، س، ق ۴- ل: که گر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- ق: ز تو ۶- ل: شمارید ۷- س: بر من ۸- ل: نباید ۹- ل: نگر ۱۰- ق، ل، ب: بگیتی بمن؛ ل: بفرزند من؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل، ن، ق، و: بهر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۲- و: کین ۱۳- س، ل، ل، پ، آ: شگفتی بدید؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، ب ۱۴- ل، ل، س، آ، ل: او؛ ل: را؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ، و، ب ۱۵- ل: بجستند پرمایه؛ ف پس از این بیت دو بیت افزوده است:  
پس او را بفرمود شاه جهان  
چو خطها بدادند پیران همه  
برانسان که فرمود شاه رمه  
۱۶- ل، ق، و: مر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۷- ل: بران؛ ف پس از این بیت افزوده است:  
که کوتاه شد دست شاه از بدی  
نیوید بکژی و نابخردی  
۱۸- ف: همی (→ غمی) شلز؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:  
چو آگه شد از گفته شهریار  
براشفت از آن کاوه نامدار  
۱۹- ف: چنین گفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ل: نیو؛ و: کای پاک مزدور دیو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ق: نهادند؛ آ، ل، ب: نهادیت؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق: دل را؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ق: نیندیشم هرگز من؛ ل: نه هرگز بیندیشم ۲۴- و: از خشم شاه ۲۵- ل: چو خروشید (!) ۲۶- ل: بسترد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- آ: ز ۲۸- ل، آ، ب: او؛ ل: فرزند پیش او اوی (وزن نادرست است) ۲۹- س: از ۳۰- ف: خروشان برون شد زخانه بکوی؛ و: خروشان ز ایوان برون شد بکوی؛ آ: از ایوان بدر شد خروشان بکوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل: همان ۳۲- ق: نامبردار ۳۳- و: برین ۳۴- ل- آ: همه؛ ل: همین؛ متن = ف، ب ۳۵- ل، و: ما و پیمان؛ آ: ما بادیوان؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ س، ل، ن، ق، ل، پ، آ، ب: پس از این بیت افزوده اند:  
سر (ق: ب) و دل پر از کینه کرد و برفت  
ندیدیم از این کارما (ق: با) صعب (ب: سخت) تر  
بماندیم خیره بدین (پ: برین) کار در  
این بیت ها در ف، ل، ق، و، ل (و نیز در ل، ن، آ) نیست، ولی در ق آنها در کناره افزوده اند

که از من<sup>۲</sup> شِگفتی ببايد سُنود  
 دو گوش من آواز<sup>۴</sup> او را شنيد  
 يکي کوه گفتی ز آهن<sup>۶</sup> برُست  
 شِگفتی مرا در دل آمد شکست<sup>۸</sup>  
 که راز<sup>۹</sup> سپهری ندانست کس

برو<sup>۱۱</sup> انجمن گشت بازارگاه  
 جهان را سراسر<sup>۱۳</sup> سوی داد خواند<sup>۱۲</sup>  
 پوشند هَنگام زخمِ درای  
 همانگه ز بازار برخاست گرد  
 که ای نامداران یزدان پرست<sup>۱۷</sup>  
 سر<sup>۱۸</sup> از بند ضحاک بیرون کند  
 جهان آفرین را به دل دشمن ست  
 سپاهی<sup>۲۱</sup> برو<sup>۲۲</sup> انجمن شد نه خرد  
 سر اندر کشید و<sup>۲۴</sup> همی رفت راست  
 بدیدندش از دور و<sup>۲۵</sup> برخاست عو<sup>۲۶</sup>  
 به نیکی یکی اختر افگند پی

کی<sup>۱</sup> نامور پاسخ آورد زود  
 که چون کاوه آمد ز درگه<sup>۳</sup> پدید  
 میان من و او ز<sup>۵</sup> ایوان درست  
 همیدون چنوزد به سرببر<sup>۷</sup> دو دست  
 ندانم چه شاید بُدن زین سپس ۲۲۵

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه  
 همی برخروشید و فریاد خواند<sup>۱۲</sup>  
 از آن چرم کاهنگران<sup>۱۴</sup> پشت پای<sup>۱۵</sup>  
 همان کاوه<sup>۱۶</sup> آن بر سر نیزه کرد  
 خروشان همی رفت نیزه بدست ۲۳۰  
 کسی کو هوای فریدون کند  
 پیوید، کین<sup>۱۹</sup> مهتر آهرمن ست  
 همی رفت پیش<sup>۲۰</sup> اندرون مرد گرد  
 بدانست خود<sup>۲۳</sup> کافریدون کجاست  
 بیامد به درگاه سالار نو ۲۳۵  
 چُن<sup>۲۷</sup> آن پوست<sup>۲۸</sup> برنیزه بر دیدگی

۱- آ: شه ۲- ل: که این را؛ در س، لی، و، آ، ل: ب، پس از این بیت ۲۲۳ پ آمده است؛ در لن، ق، آ، پ پس از این بیت، بیت های ۲۲۴ و ۲۲۵ و سپس بیت ۲۲۲ آمده است ۳- ل: کاوه از درگه آمد؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۴- و، ب: آوای؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- س: از ۶- ل: توگفتی یکی کوه آهن؛ ق، و: توگویی (و: گفتی) یکی کوه آتش؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: ب: یکی آهنین کوه از ایوان (س، لی: کوه گفتی؛ آ، ل: ب: کوه گویی)؛ پ: یکی کوه آهن توگفتی؛ متن= ف؛ ف پس از این بیت بیت زیر را افزوده است که در س، لی، و، آ، ل (و نیز در ل، لن) پس از بیت ۲۲۱ آمده است:

به پیران کشور چنین گفت شاه  
 که ترسم که شد (ب: شود) روز بر من (و، آ، ب: روز روشن) سیاه  
 لی، ل: که بر من شد این روز روشن سیاه

این بیت در ل، ق، لن، ق، آ، پ نیست، ولی گوید بنداری نیز آنرا داشته است: و لعل شمس دولتی قد آذنت بالغروب. ۷- س، لن، لی، پ، آ، ل: ب: چو او زد بسر بر (لن، لی: بسر هر)؛ ق، و: چو آورد بر سر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف ۸- ل: دو دست (پساوند ندارد) ۹- آ: رازی؛ در لن، ق، پ پس از این بیت بیت های ۲۲۲ و ۲۲۳ و سپس بیت ۲۲۶ آمده است ۱۰- لن، ق، آ، پ: برون آمد از پیش شاه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- لی: بدو ۱۲- ق: کرد ۱۳- لی: سراسر جهان را ۱۴- ل: بدان چرم آهنگران ۱۵- و: دست و پای ۱۶- ق: همی کاوه؛ و: همانگاه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۷- ق: نیزه پرست (!) ۱۸- ل: دل ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: بگوید که این؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب؛ در ق، آ: لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س پس از این بیت افزوده است:

بر آن بی بها ناسزاوار پوست  
 بدیدد آمد آواز دشمن ز دوست  
 لی پس از بیت ۲۳۲ افزوده است:

یکایک بنزد فریدون شویم  
 بدان سایه و فر او بغنویم

۲۰- ف: همی شد پیش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۱- ل، ق: جهانی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- س: بوی ۲۳- ل، ق، آ، لی، پ، ل: ندانست خود؛ و: بدانسته؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، ب ۲۴- ل: کشیده ۲۵- لی، آ، ب: < و >؛ ق: بدیدنش آنجا؛ ق: بدیدند از دور؛ ل: بدید آمد از دور؛ متن= ف، ل، س، لن، پ، و ۲۶- ق، آ، ل: ب: عو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- ل: ب: چو؛ متن= ف ۲۸- ق: پو>ست<

ز گوهر برو پیکر و<sup>۱</sup> زر<sup>۲</sup> بوم<sup>۳</sup>  
یکی فال فرخ، پی افگند شاه<sup>۴</sup>  
همی خواندش کاویانی درفش<sup>۵</sup>  
به شاهی به سر برنهادی<sup>۶</sup> کلاه<sup>۷</sup>  
برآویختی نوبنو<sup>۸</sup> گوهران<sup>۹</sup>  
بران<sup>۱۰</sup> گونه گشت<sup>۱۱</sup> اختر کاویان<sup>۱۲</sup>  
جهان را ازو دل پر<sup>۱۳</sup> اومید<sup>۱۴</sup> بود

همی بودنی داشت اندر نهان<sup>۱۵</sup>  
جهان پیش ضحاك وارونه<sup>۱۶</sup> دید<sup>۱۷</sup>  
به سر برنهاده<sup>۱۸</sup> کلاه کیان<sup>۱۹</sup>  
ترا جز نیایش مباد ایچ کار<sup>۲۰</sup>  
بدو زن<sup>۲۱</sup> بهر<sup>۲۲</sup> نیک و بد پاك دست<sup>۲۳</sup>  
همی آفرین خواند بر داورش<sup>۲۴</sup>  
سپردم ترا<sup>۲۵</sup> ای جهاندار من<sup>۲۶</sup>  
پیرداز گیتی ز نابخردان<sup>۲۷</sup>

سُخن را ز هر کس نهفتن<sup>۲۸</sup> گرفت<sup>۲۹</sup>  
ازو هر دو آزاده مهتر بسال<sup>۳۰</sup>  
دگر نام برمایه<sup>۳۱</sup> شادکام<sup>۳۲</sup>

بیاراست آنرا به دیبای روم<sup>۱</sup>  
بزد بر سر خویش چون گرد ماه<sup>۲</sup>  
فرو هشت ازو<sup>۳</sup> سرخ و زرد و<sup>۴</sup> بنفش<sup>۵</sup>  
از آن پس<sup>۶</sup> هر آنکس که بگرفت گاه<sup>۷</sup>  
بران<sup>۸</sup> بی بها چرم آهنگران<sup>۹</sup>  
ز دیبای پرمایه و پرنیان<sup>۱۰</sup>  
که اندر شب تیره چون شید<sup>۱۱</sup> بود

بگشت اندرین نیز چندی جهان<sup>۱۲</sup>  
فریدون چو<sup>۱۳</sup> گیتی بران<sup>۱۴</sup> گونه دید<sup>۱۵</sup>  
سوی مادر آمد کمر بر میان<sup>۱۶</sup>  
که من رفتنی ام سوی کارزار<sup>۱۷</sup>  
ز گیتی<sup>۱۸</sup> جهان آفرین را پرست<sup>۱۹</sup>  
فرو ریخت آب<sup>۲۰</sup> از مژه مادرش<sup>۲۱</sup>  
به یزدان همی گفت: زنهار من<sup>۲۲</sup>  
بگردان ز جانش نهیب بدان<sup>۲۳</sup>

فریدون سبک ساز رفتن<sup>۲۴</sup> گرفت<sup>۲۵</sup>  
برادر دو بودش، دو فرح همال<sup>۲۶</sup>  
یکی بود ازیشان<sup>۲۷</sup> کتابیوش نام<sup>۲۸</sup>

۱- لن، پ: پیکر از؛ آ: همه پیکرش گوهر و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- ل، ق، آ: زر و بوم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- در لی پس از این بیت ۲۴۱ آمده است ۴- و: فرو هشته زو؛ ب: فرو هشت از آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ق، ق، آ: لی: زرد و سرخ و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۶- س، لی، آ، ل، آ: ب: وزانپس؛ لن، ق این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۷- ف، و: بر نهاد او؛ آ: به شاهی نهاد از بر سر؛ ل، آ: بشاهی نهادی بسر بر؛ متن = ل، س، ق، لی، پ، ب ۸- لی: بدان ۹- ق: بر آهیخت نو نوبدو؛ و: همی ریختی نوبنو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در لی این بیت پس از بیت ۲۳۸ آمده است ۱۰- س، لی: بدان؛ آ این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق: شد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ل-ب (و نزل، لن، آ): خورشید؛ متن = ف ۱۳- لن، ق، آ، پ: ازو بیم و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- ل-ب: امید؛ متن = ف ۱۵- آ: سپهر ۱۶- آ: بهر بودنی بر بکین و بمهر ۱۷- و: که ۱۸- س، لی: بدان ۱۹- ل، آ: واژونه؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- آ: نهاد آن ۲۱- ق: بگیتی ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: جهان آفرین بر ترست؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۲۳- ل: ازو دان؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: در وزن؛ متن = ف، ق، و، آ، ب ۲۴- آ: زهر ۲۵- ل: نیکی زور دست؛ س، لن، ق، آ، لی، پ: نیک و بد هر دو دست؛ متن = ف، ق، و، آ، ل، ب ۲۶- ل، و: خون؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ل-ب (و نزل، لن، آ): همی خواند با خون (آ: با درد) دل داورش؛ متن = ف ۲۸- و: بتو ۲۹- ف، ل، ق، لی، و: بد جاودان؛ آ: بدی بدان؛ متن = س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب ۳۰- ل: سر بر رفتن؛ ق: فریدون ز هر کس نهفتن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- ق: سبک رزم را ساز رفتن؛ ق: سخن را نهفتن ز هر کس (بساوند ندارد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- و: کهرت بسال؛ لی: ازو هر دو مهتر بمه و بسال؛ آ: از آن هر دو یک شاه کهرت بسال؛ ل: زوی هر دو مهتر بمه و بسال؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- ق، و، آ: از آن دو؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، ب: کیانوش نام؛ ق: کیانوس (حرف های چهارم و ششم نقطه ندارند)؛ و: کابوش نام (حرف های دوم و چهارم نقطه ندارند)؛ آ: کتابیون بنام؛ متن = ف (کابونش نام) (حرف دوم نقطه ندارد) ۳۵- ف: برمایه (و= پرمایه و)؛ ل، س، ق، ق، آ، لی، ل، آ: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ لن، و: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، آ، ب: برمایه (حرف یکم سه نقطه دارد)

۲۵۵ فریدون بدیشان<sup>۱</sup> سَخُن<sup>۲</sup> برگشاد  
 که گردون نگرده بجز بر بهی<sup>۵</sup>  
 بیارید<sup>۶</sup> داننده آهنگران  
 چو بگشاد لب هر دو بشناختند<sup>۷</sup>  
 هر آن کس کزان پیشه<sup>۸</sup> بُد نامجوی  
 ۲۶۰ جهانجوی پرگار بگرفت زود  
 نگاری نگارید بر خاك پیش  
 بدان<sup>۹</sup> دست بردند آهنگران  
 به پیش جهانجوی<sup>۱۰</sup> بردند گرز  
 پسند آمدش کار پولادگر<sup>۱۱</sup>  
 ۲۶۵ بسی<sup>۱۲</sup> کردشان نیز<sup>۱۳</sup> فرخ امید<sup>۱۴</sup>  
 که گر اژدها را کنم زیر خاك  
 جهان را همه سوی داد آوریم<sup>۱۵</sup>  
 که خرم<sup>۱۶</sup> زبید ای دلیران و شاد<sup>۱۷</sup>  
 به ما باز گردد کلاه مهی<sup>۱۸</sup>  
 یکی گرز فرمای ما را<sup>۱۹</sup> گران  
 به بازار آهنگران تاختند<sup>۲۰</sup>  
 بسوی<sup>۲۱</sup> فریدون نهادند روی  
 وزان گرز، پیکر بدیشان<sup>۲۲</sup> نمود  
 همیدون بسان سر گاومیش  
 چو شد ساخته کار گرز گران  
 فروزان بکردار خورشید برز  
 بیخشیدشان جامه و سیم و<sup>۲۳</sup> زر  
 بسی دادشان<sup>۲۴</sup> مهتری را نوید<sup>۲۵</sup>  
 بشویم شما را سر از گرد پاک  
 چُن از<sup>۲۶</sup> نام<sup>۲۷</sup> دادار یاد آوریم<sup>۲۸</sup>

### گفتار اندر رفتن آفریدون به جنگ ضحاک<sup>۲۹</sup>

فریدون<sup>۳۰</sup> به خورشیدبر برد<sup>۳۱</sup> سر  
 برون رفت شادان<sup>۳۲</sup> به خرداد<sup>۳۳</sup> روز  
 ۲۷۰ سپاه انجمن شد به درگاه اوی<sup>۳۴</sup>  
 به پیلان گردون کش و گاومیش<sup>۳۵</sup>  
 کمر تنگ بستش<sup>۳۶</sup> به کین پدر  
 به نیک اختر و فال<sup>۳۷</sup> گیتی فروز  
 به ابر اندرآمد سر گاه<sup>۳۸</sup> اوی<sup>۳۹</sup>  
 سپه را همی توشه بردند پیش

۱- ل، س، لن، ق، پ، و، ل، ب: بریشان؛ متن = ف، ق، لی، آ، ۲- ل: زبان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳- ل: خورم ۴- آ: که زبید ای دلیران پیروز و شاد (وزن نادرست) ۵- آ: چو گردون همی بگذرد بر بهی؛ ل ۲ پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار در راست کردن آفریدون سلاح را ۶- ل ۲: بیارند ۷- ل، ق، و، ل، آ: فرمود باید؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب: سازید ما را؛ متن = ف ۸- لن، ق، آ، ل: بشتافتند؛ متن = ف، ل، س، ق، ب (در ف، ل، س حرف یکم نقطه ندارد) ۹- لن، ق، آ، و، آ: تافتند؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، آ، ب ۱۰- لن، ق، آ، پ: از آن پیشه هر کس که؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل ۲: بنزد ۱۲- پ: بریشان؛ س: وزان پیکر بد (!) ۱۳- ل: بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- ل، ق: جهاندار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- لن، ق، آ، پ: فولادگر ۱۶- ب: <و>؛ در لن لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- پ: همی ۱۸- ق: دادشان نیز؛ و، آ، ل ۲: نیزشان کرد (و: داد)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۹- ق: نوید ۲۰- ق: کردشان ۲۱- ق: امید ۲۲- لن، لی: آورم؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- س- و، ب: چو از؛ ل ۲: چو آن؛ متن = ف ۲۴- آ: داد ۲۵- گفتار اندر رفتن آفریدون بجنگ ضحاک و آمدن فریشته بدو و بگذشتن بر دجله بغداد به کشتی؛ س، لن، ق، لی، پ، ب: رفتن فریدون (س: شاه فریدون) بجنگ ضحاک (س، لن: ضحاک تازی)؛ ق: گفتار اندر رفتن فریدون برزم ضحاک؛ و: لشکر کشیدن شاه فریدون بجنگ ضحاک تازی؛ ل، آ، ل ۲ سرنویس ندارند؛ در ف، س سرنویس پس از بیت ۲۷۳ و در ب پس از بیت ۲۴۶ آمده است؛ متن = آغاز ف ۲۶- پ، آ: وزان پس ۲۷- ف: برده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- ف، پ، آ، ب: بسته؛ متن = ل- لی، ل ۲؛ در پ این بیت پس از بیت ۲۷۲ آمده است ۲۹- ل، ق: خرم؛ لن، پ: برون شد بشادی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۰- ف: مرداد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۳۱- ل ۲: سال ۳۲- ل، س، لی، آ، ل ۲، ب: او؛ لن، ق، آ، پ: بر؛ متن = ف، ق، و ۳۳- ف، و: سروگاه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- س، لن، ق، آ، پ: به پیلان گردون و گاوان میش؛ آ، ب: به پیلان گردنکش و (ب: <و>) گاومیش؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل ۲ (ل: <و>)

چو<sup>۴</sup> كهتر برادر<sup>۵</sup> نيكخواه  
سرى پر ز كينه، دلى پر ز داد<sup>۷</sup>

به جايى كه يزدان پرستان بوند<sup>۹</sup>  
فرستاد نزيك ايشان درود

خرامان بيامد يكي نيكخواه  
بكردار حور بهشتيش روى<sup>۱۲</sup>

نهانى بيامختش<sup>۱۳</sup> افسونگرى  
گشاده به افسون كند ناپديد

نه از راه بيكار و دست بدى ست<sup>۱۵</sup>  
كه تن<sup>۱۶</sup> را جوان ديد<sup>۱۷</sup> و دولت جوان

يكي پاك خوان از در<sup>۲۰</sup> مهترش<sup>۲۱</sup>  
گران شد سرش، راي<sup>۲۳</sup> خواب آمدش

بديدند و آن بخت<sup>۲۶</sup> بيدار اوى<sup>۲۵</sup>  
تبه كردنش را بياراستند<sup>۲۸</sup>

شده يك زمان از شب ديرياز<sup>۳۰</sup>  
برادرش هر دو نهان از گروه

كتايون<sup>۱</sup> و برمايه<sup>۳</sup> بر دست شاه  
همى رفت منزل<sup>۶</sup> به منزل چو باد

رسيدند - بر تازيان نوند<sup>۸</sup> -  
پس آمد بدان جاي نيكان<sup>۱۱</sup> فرود

چو شب تيره تر گشت<sup>۱۱</sup> از آن جاىگاه  
فرو هشته از مُشك تا پاى موى

سوى مهتر آمد بسان پرى  
كجا<sup>۱۴</sup> بندها را بداند كليلد

فريدون بدانست كان ايزدى ست<sup>۲۸۰</sup>  
شد از شادمانى رخس ارغوان

خورش ها بياراست<sup>۱۸</sup> خوالىگرش<sup>۱۹</sup>  
چو شد نوش خورده<sup>۲۲</sup>، شتاب آمدش

چو آن رفتن ايزدى كار<sup>۲۴</sup> اوى<sup>۲۵</sup>  
برادرش هر دو برو خاستند<sup>۲۷</sup>

به پايان كه<sup>۲۹</sup> شاه خفته به ناز  
يكي سنگ<sup>۳۱</sup> بود از بر<sup>۳۲</sup> بُرز كوه<sup>۳۳</sup>

۱- ف: كتايوشن؛ ل- و، ل، ۲، ب: كيانش؛ متن= آ ۲- ف- ب: < و >؛ متن تصحيح قياسي است ۳- ف: برمايه (=برمايه)؛ ل- لى: برمايه (حرف يكم يك نقطه دارد)؛ پ، ا، ل، ۲، ب: برمايه (حرف يكم سه نقطه ندارد)؛ و: برمايه (حرف يكم نقطه ندارد) ۴- ف: چه؛ متن= يازده دستنويس ديگر ۵- ف، ل، و، ا، ل، ۲: همان؛ ق: همه (ويا: بهم)؛ متن= سن، لن، ق، ۲، لى، پ، ب ۶- لن: مهتر ۷- لن: باد (پساوند ندارد) ۸- سن، لن، ق، ۲، پ، ب: تازياني نوند؛ ق: تازيان چون نوند؛ متن= متن، ف، ل، لى، و، ا، ل، ۲ ۹- ل- و، ب: بندد؛ متن= متن، ف، ا، ل، ۲ ۱۰- پ: نيكي ۱۱- ل: چو شب گشت تيره ۱۲- س- و، ل، ۲، ب (و نيز ل، ۲، لن) پس از اين بيت افزوده اند:

سروشى بدان (لى، پ، ب: بدو؛ و: بداو؛ ل: بران) آمده از بهشت كه تا باز گويد بدو (ل: بدان) خوب و زشت اين بيت در ف، ل، ق، آنيست، ولى در ق انزادر كناره افزوده اند ۱۳- ل، ق، پ: نهانى بياموختش؛ لى، و، ا: نهانش (لى: نهانى) بياموخت؛ متن= متن، سن، لن، ق، ۲، ل، ۲، ب ۱۴- ل- و، ل، ۲، ب: كه تا؛ متن= متن، ف، ا، ۱۵- سن، لن، ق، ۲، پ، ب: نه اهرمنى ونه كار بديست؛ متن= هفت دستنويس ديگر ۱۶- ق: خود ۱۷- ق: بود ۱۸- و: خورش نغز اراست ۱۹- سن، پ: خوالىگران ۲۰- و: از بر ۲۱- سن، پ: مهتران ۲۲- ق: چو شد خورده را بر؛ پ: چو شد نوش کرده؛ متن= ده دستنويس ديگر ۲۳- سن، لن، ق، ۲: سوي؛ ق: زود؛ ا: را و؛ متن= هفت دستنويس ديگر؛ ل پس از اين بيت سرنويس دارد: قصه (→ فتنه) كردن برادران فريدون در اميد پادشاهى ۲۴- ل، سن، لن، ق، ۲، لى، پ، ا، ب: چو آن ايزدى رفتن و (س، ق، ۲، ب: < و >) كار؛ ق، و: چو آن رفتن و ايزدى كار؛ ل: چو آن با فره گشت پيكار؛ متن= متن، ف ۲۵- ف- لن، سن، ا، ل: او؛ متن= متن، ق، ۲، پ، و، ب ۲۶- ا: پديد آمد و بخت ۲۷- ل، ق، ا، ل: برادرش هر دو برون خاستند (ق: بيا خاستند؛ ا: بكن خاستند؛ ل: چو بر خاستند)؛ سن، لن، ق، ۲، پ، ب: برادرش را هر دو بر خاستند؛ لى، و: برادرش پس هر دو بر خاستند؛ متن= متن، ف ۲۸- ا: تبه كردنش < را > برون تاختند ۲۹- سن، لن، ق، ۲، لى: بباين كه؛ پ: بباين كاهش؛ و، ب: بباين كه؛ ل: بباين آن؛ ا اين بيت را ندارد؛ متن= متن، ف، ل، ق ۳۰- ق: شب تيره باز؛ در سن، لن، ق، ۲، لى، پ، ل اين بيت با بيت سپسين پس و پيش شده است ۳۱- ف: جاي؛ ل، سن، لن، لى، پ، ل، ۲، ب: كوه؛ متن= متن، ق، ۲، و ۳۲- ف، ل، سن، لن، لى، پ، ل، ۲، ب: از برش؛ متن= متن، ق، ۲، و ۳۳- ا: بدانجا كه او خفته بد بود كوه؛ در سن، لن، ق، ۲، لى، پ، ل اين بيت با بيت پيشين پس و پيش شده است؛ ل، ق پس از اين بيت و سن، لن، ق، ۲، لى، پ، ل، ب پس از بيت ۲۸۶ و و پس از بيت ۲۸۸ افزوده اند:

به كوه بر شدند آن دو بيدادگر  
وزيشان نبد هيچ (ل: ايچ) كس را خبر

این بيت در ف، آنيست؛ ل پس از اين بيت يك بيت ديگر هم افزوده است:

برفتند هر دو نهان از گروه  
بران برز بالاى آن تيغ كوه

سن، لن، ق، ۲، لى، پ، و، ل، ۲، ب جاي اين بيت بيت زير را افزوده اند كه درل، ق پس از بيت ۲۸۸ آمده است:

ز خارا بكنند سنگى (ل، ق: لختى) گران

ندیده مران (سن، لن، ق، ۲، پ، ب: ندیدند مر؛ و: ندیدند آن) کار بد را کران

این بيت در ف، آنيست

دویدند بر کوه و کردند سنگ<sup>۱</sup> وُزان<sup>۲</sup> کوه غلتان فرو گاشتند<sup>۳</sup>  
 ۲۹۰ به فرمان یزدان سر خفته مرد  
 به افسون همان<sup>۴</sup> سنگ بر جای خویش  
 همانگه<sup>۵</sup> کمر بست و<sup>۶</sup> اندر کشید  
 به ارونند رود اندر آورد روی  
 اگر پهلوانی ندانی<sup>۷</sup> زبان  
 ۲۹۵ دگر<sup>۸</sup> منزل آن شاه آزاد مرد  
 چو آمد بنزدیک ارونند رود  
 که کشتی و زورق هم اندر شتاب<sup>۹</sup>  
 نیاورد کشتی نگهبان رود

بدان تا بگوید سرش<sup>۱۰</sup> بی درنگ  
 مران خفته را کشته<sup>۱۱</sup> پنداشتند<sup>۱۲</sup>  
 خروشیدن سنگ بیدار کرد  
 بیست و نجنبید آن سنگ پیش<sup>۱۳</sup>  
 نکرد آن سخن را<sup>۱۴</sup> بریشان<sup>۱۵</sup> پدید  
 چنان چون بود شاه<sup>۱۶</sup> دیهیم جوی  
 به تازی تو ارونند را دجله خوان  
 لب دجله و<sup>۱۷</sup> شهر<sup>۱۸</sup> بغداد کرد  
 فرستاد زی رودبانان درود<sup>۱۹</sup>  
 گذارید یکسر بدین<sup>۲۰</sup> روی آب  
 نیامد به گفت فریدون فرود

۱- ل، ق: از آن کوه بالا بکنند سنگ؛ س، لن، ق، ل، لی، پ، ل، ب: چو ایشان از آن کوه کردند سنگ؛ و: دویدند و از کوه کردند سنگ؛ آ: برفتند و زان کوه کردند سنگ، متن= ف ۲- ف: بدان تا بگویند سرش (وزن نادرست است)؛ ل: بدان تا بگوید سرش؛ آ: که گویند از آن سرش را؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ آپس از این بیت افزوده است:

بکنند سنگی چو یکپاره کوه که شد گاو ماهی ز بارش ستوه  
 ۳- ل، ق، آ: ازان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۴- ف، و: فروگاشتند؛ ق، آ: همی داشتند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- ل، ق: مرده؛ متن= ده دستنویس دیگر ۶- آ: انگاشتند ۷- ل: مران؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق، ل، لی، پ، و، ب: (وق در کناره) پس از این بیت افزوده اند:

برادر بدانست کان ایزدبست نه از راه بیکار و دست بدیست (= ۲۸۰)

آ بجای این بیت زیرافزوده است:

بزدید تن را ز سنگ گران  
 ۹- س، لن، ق، ل، لی، پ، ب: فریدون؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ل ۱۰- ل، آ: <و> ۱۱- و: سخن ها ۱۲- س- پ، آ، ل، ب: بدیشان؛ متن= ف، ل، و؛ س، لن، ق، آ- و، ب (وق در کناره) پس از این بیت افزوده اند:

براند و بدش کاوه پیش سپاه  
 برافراز راند او از آن جایگاه  
 لی: دلش پرز کینه ز ضحاک شاه

برافراشته کاویانی درفش  
 و پس از این بیت سرنویس دارد: گذشتن شاه فریدون از ارونند رود بی کشتی  
 ۱۳- ل- پ: مرد؛ متن= ف، و- ب ۱۴- ل، آ، ب: بدانی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۵- ف، ق، ل، آ: سوم؛ لی، و (و نیز لن): سوم؛ آ (و نیز ل): دوم؛ متن= ل، س، لن، ق، آ، پ، ب ۱۶- آ: لب دجله را ۱۷- ب: شط ۱۸- در ق، آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ل، ق پس از این بیت و س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب پس از بیت ۲۹۷ دو بیت افزوده اند که در ف تنها بیت دوم آن پس از بیت ۲۹۷ آمده است و در و و آ هیچیک از آن دو بیت نیست:

بدان (ق، آ: بدین) تازیان گفت پیروز (لی: فیروز) شاه  
 ل: بدان رودبان گفت پیروز شاه

ق: بدان رودبانان چنین گفت شاه  
 مرا با سپاهم (ق، آ: سپاهی) بدان سو رسان  
 از اینها (س: از آنها؛ لن: وزینها) کسی را بدین سو (پ: یکی را بدان سو) ممان  
 ۱۹- ق، آ: که کشتی و آن زورق اندر شتاب؛ متن= ف، س، لن، لی- ب ۲۰- س، و: برین؛ لن: بدان؛ پ: بران؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ، ل، ب؛ در ل، ق این بیت چنین آمده است:

بدان تا گذر یابم از (ق: که تا بگذرم من بدان) روی آب  
 بدان تا گذر یابم از (ق: که تا بگذرم من بدان) روی آب  
 پس از بیت ۲۹۷ در س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب دو بیت ۲۹۶ پ، و در ف تنها بیت دوم آن آمده اند

چنین داد پاسخ که<sup>۱</sup> شاه جهان  
 ۳۰۰ که مگذار يك پشه را، تا نُخست<sup>۴</sup>  
 فریدون چو بشنید شد خشمناک  
 به تندی میان کیانی بیست  
 سرش تیز شد کینه و جنگ را  
 بیستند یارانش یکسر کمر  
 بران<sup>۱۱</sup> بادپایان باآفرین  
 ۳۰۵ [سر سرکشان اندرآمد به خواب<sup>۱۳</sup>  
 به خشکی رسیدند<sup>۱۷</sup> سر<sup>۱۸</sup> کینه جوی<sup>۱۹</sup>  
 که<sup>۲۰</sup> بر پهلوانی زبان راندند  
 به تازی کنون<sup>۲۲</sup> «خانه‌ی پاک» خوان<sup>۲۳</sup>  
 ۳۱۰ چو از<sup>۲۵</sup> دشت نزدیک شهر آمدند  
 ز يك ميل کرد آفریدون نگاه<sup>۲۷</sup>  
 که ایوانش برتر ز کیوان نمود

جزین<sup>۲</sup> گفت با من سخُن<sup>۳</sup> در نهان  
 جوازی نیابی به مَهری<sup>۵</sup> درست  
 از آن<sup>۶</sup> ژرف دریا نیامدش باك  
 بران<sup>۷</sup> باره<sup>۸</sup> شیردل<sup>۹</sup> برنشست  
 به آب اندرافگند گلرنگ<sup>۱۰</sup> را  
 همیدون به دریا نهادند سر  
 به آب اندرون غرقه کردند زین<sup>۱۲</sup>  
 ز تاسیدن<sup>۱۴</sup> بادپایان<sup>۱۵</sup> بر آب<sup>۱۶</sup>  
 به بیت المقدس نهادند روی  
 همی «کنگ دز هوخت» ش<sup>۲۱</sup> خواندند  
 برآورده ایوان ضحاک دان<sup>۲۲</sup>  
 کزان<sup>۲۶</sup> شهر جوینده بهر آمدند  
 یکی کاخ دید اندر آن شهر، شاه<sup>۲۸</sup>  
 تو<sup>۲۹</sup> گفستی ستاره بخواهد<sup>۳۰</sup> پسود<sup>۳۱</sup>

۱- ق: ۲ به ۲- ل، س، لن، ق، ۲، پ، آ، ل، ۲، ب: چنین؛ متن = ف، ق، و ۳- لی: سخن گفت با من بسی؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: کشتی خواستن فریدون از رودبانان و ابا کردن ۴- لن، ق، ۲، و، ل، ۲، ب: مرا (لی: بمن) گفت کشتی مران تا نخست؛ ق: که مگذار يك تن تو تا از نخست؛ آ: که کشتی بدجله مرا < ن > تا نخست؛ متن = ف، ل ۵- ل: جوازی نیابی و مَهری؛ س، لن، ق، لی- ب: جوازی نیابی به مَهرم؛ ق: جوازی به مَهرم نیابی؛ متن = ف ۶- لی: وزان ۷- س، لن، ق، ۲، لی، پ: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- س، لن، ق، ۲، پ، ل: تازی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- ل، ق: تیزنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- آ: شیرنگ ۱۱- س، ق، ق، ۲، پ، ل، ۲، ب: بدان؛ لی: مران؛ ب: چنین؛ متن = ف، ل، لن، و، آ ۱۲- ب: تر نکردند زین ۱۳- و: ز خواب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۴- ف، ق، ۲، پ، آ، ب: تازیدن؛ ل: بازیدن؛ س: نالیدن؛ لن: ناهیدن (!)؛ لی، ل، ۲: نادیدن؛ و: نالیدن (حرف سوم نقطه ندارد، شاید: ناهیدن)؛ (ل: تازیدن؛ لن: تاسیدن، و یا: ناهیدن)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- س، لن، ق، ۲، لی، و: چارپایان؛ متن = ف، ل، پ، آ، ل، ۲، ب ۱۶- ل، س، لی، و: در آب؛ پ: باب؛ متن = ف، لن، ق، ۲، آ، ل، ۲، ب؛ ف- پ، آ، ل، ۲، ب پس از این بیت افزوده اند:

ف، ل، ق:

به آب اندرون تن بر آورد و (ل: < و >) یال  
 س، لن، ق، ۲، پ، آ، ل، ۲، ب:

به آب (س: بداب؛ پ، آ: ز آب) اندرون تن بر آورد و (س: بر آورده) یال

چنان چون شب تیره بازی (ق: ۲: اندر؛ پ: تار؛ ل: ۲: باری) خیال

چنان چون شب تیره بازی بخاک

لی: به آب اندرون تن بر آورده پاک

۱۷- ل، ق: کشیدند؛ ل: رسیدند و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ل، آ، ب: پس؛ لی: بر (و یا: هر)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۹- لی: جنگجوی ۲۰- س، ق، ق، ۲، لی، پ: چو؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در لن از این بیت تا بیت ۳۶۰ آغاز برخی از بیت ها به اندازه یکی دو واژه پاک شده است، ولی هم از روند سخن و هم از راه سنجش با ق<sup>۲</sup> میتوان دید که متن پاک شده با متن ما برابر بوده است. پس از آن نیز چند بیتی پاک شده اند که در جای خود یاد آوری خواهد شد. ۲۱- ف: هوحش؛ ل، ق: هودجش؛ س، لی: هوحش؛ لن، و، آ: هوحش (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ق: ۲: هوحش (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: ۲: هوحش؛ متن = پ، ب ۲۲- و: بتازی توش؛ ب: به تازی همی؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، و: پاک دان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ف، س، ق: خوان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- س، ق، ۲، پ، ب: ازان؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- س، لن، ق، ۲، لی، پ، ل، ۲: ازان؛ ب: وزان؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- ق: کردش فریدون نگاه؛ ل: ۲: کرد آفریدون براه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- لن، آ، ق، پ: یکی کاخ دید آفریدون ز راه (ق: ۲، پ: براه)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۹- ل: که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰- ف، ل، آ: نخواهد؛ س، و، ل، ۲: نخواهد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = لن- پ، ب ۳۱- ف، ل، لن، ق، آ، ب: بسود (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ س، ق، ۲، لی، پ، و، ل، ۲: ربود؛ در ف، ل، ق، و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پیاپی این دو بیت به پیروی از هشت دستنویس دیگر است



فروزنده<sup>۱</sup> چون مشتری بر سپهر  
 بدانست کان خانه‌ی اژدهاست  
 ۳۱۵ به یارانش گفت آنک بر تیره خاک  
 بترسم<sup>۲</sup> همی زانک<sup>۳</sup> با او جهان  
 همان به<sup>۴</sup> که ما را بدین<sup>۵</sup> جای جنگ  
 بگفت و به گرز گران دست برد  
 توگفتی یکی آتشستی<sup>۶</sup> درست  
 ۳۲۰ گران گرز برداشت از پیش<sup>۷</sup> زین  
 کس از روزبانان<sup>۸</sup> به دربر<sup>۹</sup> نماند  
 به اسپ<sup>۱۰</sup> اندرآمد به کاخ بزرگ  
 طِلسمی که ضحاک سازیده بود  
 فریدون ز بالا فرود آورد  
 ۳۲۵ و زان جادوان کاندرا ایوان بُدند  
 سرانشان به گرز گران کرد پست  
 نهاد از بر تختِ ضحاک پای  
 برون آورد از شبستان او<sup>۱۱</sup>

همه<sup>۱۲</sup> جای شادی و آرام<sup>۱۳</sup> و مهر  
 که جای بزرگی و جای<sup>۱۴</sup> بهاست<sup>۱۵</sup>  
 برآرد چنین بُرز جای از مَغاک<sup>۱۶</sup>  
 یکی راز دارد مگر<sup>۱۷</sup> در<sup>۱۸</sup> نهران  
 شتابیدن آید بجای<sup>۱۹</sup> درنگ  
 عنان باره<sup>۲۰</sup> تیزنگ را سپرد  
 که پیش نگهبان ایوان برُست  
 توگفتی همی<sup>۲۱</sup> برنوردد زمین  
 فریدون جهان آفرین را بخواند  
 جهان ناسپرده جوان<sup>۲۲</sup> سترگ  
 سرش باسماں بفرزیده<sup>۲۳</sup> بود  
 که آن جز به نام جهانسدار دید<sup>۲۴</sup>  
 همه نامور نره<sup>۲۵</sup> دیوان بُدند  
 نشست از بر گاه جادوپرست<sup>۲۶</sup>  
 به پیروزی و رای<sup>۲۷</sup> بگرفت جای<sup>۲۸</sup>  
 بتان سیه موی<sup>۲۹</sup> خورشید روی<sup>۳۰</sup>

۱- ق: فریدون ۲- لی: همان ۳- و: جای آرام و شادی؛ در ف، ل، ق، و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ف در اینجا سرنویس دارد؛  
 گفتار اندر رسیدن فریدون بکوشک ضحاک و گرفتن ضحاک را و در بند کردن او را در کوه دماوند ۴- آ: فَرُو ۵- س، ق، ل: بی‌بلاست؛ متن= نه دستنویس  
 دیگر ۶- س: آن کزین؛ لن، ق، ب: آنک از؛ ق: آنک ازین؛ لی: آنک زین؛ پ، ل: آنکه زین؛ و، آ: آنکه بر؛ متن= ف، ل ۷- ل، ق، آ، ب: جای  
 مَغاک؛ س، لن، لی، پ: چنین جا بلند از مَغاک؛ ق: چنین از بلندی مَغاک؛ متن= ف، و، ل ۸- ل: ترسم (وزن نادرست است) ۹- لی، پ: همی  
 آنکه ۱۰- ق: زانک وی در جهان ۱۱- ق: همی؛ ل، ق: مگر (ق: همی) راز دارد یکی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۲- ب: بر ۱۳- ف، ق، و،  
 آ: نباید؛ ل: بیاید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴- پ: برین ۱۵- ل، و: تنگ؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶- ف، ل، ق، و، آ: بروز؛ متن= هفت  
 دستنویس دیگر ۱۷- ل: تازه ۱۸- لن، ق، پ: یکی آتشی شد؛ لی: یکی آتشی است ای؛ و: مگر آتشتستی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹-  
 و: پشت ۲۰- ب: همه؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن فریدون بخانه ضحاک و گریختن وی ۲۱- ف، ق، آ: رودبانان؛ متن= ده دستنویس  
 دیگر ۲۲- ق، پ: بدر در؛ در پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ق: پس از این بیت سرنویس دارد: نشستن فریدون بر تخت ضحاک و  
 تفحص او از ضحاک ۲۳- لی: ز اسب؛ پ: باب؛ آ، ل: بر اسب؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل: جوانی؛ در پ این بیت با بیت پیشین  
 پس و پیش شده است ۲۵- س، لن، ق، لی، پ: سرش را بدان بفرزیده؛ ل: سرش را بران سر فرزیده؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۲۶- س، لن،  
 ق، لی، پ (وق در کناره) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی گرزهُ گاوپیکر سرش زدی هرکه آمد همی همبرش (ق: زدی هر که آمد همی همبرش)؛ لی: روان در برش)  
 س: زدی هر که آمدی همی بر برش (وزن نا درست است)  
 لن: زدی هم هر آنکس که آمد برش

۲۷- ف: نَر ۲۸- و: کاخ جادو پرست؛ ق: از آن پس بگه کیان بر نشست؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۹- ل، پ، آ، ل: کلاه کیی جست؛ متن=  
 ف، و، ب ۳۰- پ: بنهاد پای (پساوند ندارد)؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: سخن گفتن دختران جمشید با شاه فریدون ۳۱- ل: او (پساوند نا  
 درست است) ۳۲- ل: سیه موی؛ س، لن، ق، لی، پ، و: سیه چشم؛ متن= ف، ق، آ، ل، ب ۳۳- لی: زنجیر موی

روانشان پس از تیرگی ها<sup>۳</sup> بشست  
 از<sup>۴</sup> آلودگی سر<sup>۵</sup> پالودشان  
 چن آسیمه<sup>۶</sup> برسان مستان بُدند  
 به<sup>۹</sup> نرگس گل<sup>۱۱</sup> سرخ را داد<sup>۱۱</sup> نم  
 که نو<sup>۱۳</sup> باش تا هست گیتی کهن  
 چه باری؟ ز شاخ کدامین درخت؟  
 ستمگاره مردی<sup>۱۵</sup> دلیر آمدی  
 ز کردار این جادوی کم<sup>۱۶</sup> خرد  
 ازین<sup>۱۷</sup> اهرمن کیش نراژدها<sup>۱۸</sup>  
 نه زین پایگاه از هنر<sup>۲۰</sup> بهره داشت  
 و گرش<sup>۲۱</sup> آرزو<sup>۲۲</sup> جاه او آمدی  
 نماند به کس جاودانه، نه بخت<sup>۲۴</sup>  
 که ضحاک بگرفت از<sup>۲۶</sup> ایران زمین  
 نهادم سوی تخت ضحاک روی  
 ز پیکر تنش همچو پیرایه بود  
 چه آید<sup>۲۹</sup> بران<sup>۳۰</sup> مرد ناپاک رای  
 از<sup>۳۱</sup> ایران به کین اندرآورده<sup>۳۲</sup> روی  
 بکویم، نه بخشایش آرم نه مهر  
 گشاده شدش بر دل پاک راز

بفرمود شستن سرانشان<sup>۱</sup> نخست  
 ۳۳۰ ره داور پاک بنمودشان  
 که پروردهی بت پرستان بُدند  
 پس آن خواهران<sup>۸</sup> جهاندار جم  
 گشادند بر آفریدون<sup>۱۲</sup> سخن  
 چه<sup>۱۴</sup> اختر بُد این از توای نیکبخت؟  
 ۳۳۵ که ایدون به بالین شیر آمدی  
 چه مایه جهان گشت بر ما به بد  
 چه مایه کشیدیم رنج و بلا  
 ندیدیم کس کین چن<sup>۱۹</sup> زهره داشت  
 کهش اندیشهی گاه او آمدی  
 چن<sup>۲۳</sup> داد پاسخ فریدون که تخت  
 ۳۴۰ منم پور آن نیکبخت<sup>۲۵</sup> آبتین  
 بکشتش بزاری و من کینهجوی  
 همان گاو برمایه<sup>۲۷</sup> کم<sup>۲۸</sup> دایه بود  
 ز خون چنان بی زبان چارپای  
 ۳۴۵ کمر بسته ام لاجرم جنگ جوی  
 سرش را بدین<sup>۳۳</sup> گرزهی گاوچهر  
 سخن<sup>۳۴</sup> را<sup>۳۵</sup> چو بشنید ازو ارنواز

۱- ل: ۲- سرایشان ۲- ل، ق: روانشان از آن؛ ق: ۲: روانشان بر از؛ آ: روانشان ز بس؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳- ل: ۲: تیره کینه ۴- ل، ل، لن، ق- ب: ز؛ متن = ف، س ۵- ل، ق: آلودگی پس؛ لن، ق: ۲، لی، پ، آ، ل: ۲: ب: آلودگی ها؛ متن = ف، و (و نیز ل، لن، آ) ۶- ب: بیالیدشان ۷- ل، س، لن، ق: ۲- ب (و نیز ل، لن، آ): سراسیمه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف ۸- س، لن، ق: ۲، و: ب: دختران؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل: ۹- س، لن، ق: ۲، لی، پ، ل، آ، ب: ز؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۱۰- لن: <گل> (وزن نادرست است) ۱۱- لن، ق: ۲، لی، پ، آ، ل: ۲: ب: سرخ دادند؛ و: سرخ را داده؛ متن = ف، ل، س، ق: ۲ ۱۲- ق: گشاده برو آفرینها؛ ب: گشادند با آفریدون؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- ل: ۲: تو ۱۴- ق: ۲: چو ۱۵- ل، ق، آ، ب: ستمگاره مرد؛ و: نکو کار مردی؛ ل: ۲: نبرد ستمگر؛ متن = ف، س، لن، ق: ۲، لی، پ: در پ پس از این بیت ۳۳۷ آمده است ۱۶- ق: ۲، لی: بی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- آ: ازان ۱۸- س، ق: ۲، لی، پ، ل، آ، ب: دوش ازدها، لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، آ: در پ این بیت پس از بیت ۳۳۵ آمده است ۱۹- آ: کس را که این ۲۰- ل: بدتن (→ بدین) پایگه از هنر؛ س، لن، ق: ۲، لی، پ، ل: ۲: بدین (پ: بدان) جایگه وز (س، پ: در؛ ق: ۲، لی: از) هنر؛ ق، و: نه زین پایگه از هنر؛ آ: نه این پایگه و نه این؛ ب: بدین پایگه از هنر؛ متن = ف ۲۱- لن، ق: ۲، پ: وگر؛ و: گرش؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل: ۲: آرزوی (وزن نادرست است) ۲۳- ل، س، ق، و: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی، ل: ۲: بخت؛ متن = ف، لن، ق: ۲، پ، آ، ب ۲۴- ل، س، لن، و: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: تخت؛ لی: جاودانی بتخت؛ ل: ۲: جاودانه بتخت؛ متن = ف، ق: ۲، پ، آ، ب ۲۵- ق: نیک دل؛ و: نیک مرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ل- ل: ۲، و: ب: که بگرفت ضحاک از (ل، لی: ز)؛ متن = ف، پ ۲۷- ف: برمایه (= پرمایه)؛ ل، س، ق: ۲، لی، پ، آ، ب: برمایه (حرف یکم يك نقطه دارد)؛ لن: برمایه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، و، آ، ب: پرمایه (حرف یکم سه نقطه دارد)؛ لی این بیت را ندارد ۲۸- ق: کان ۲۹- ل، س، لن، ق: ۲، پ- ل: ۲: آمد؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، ب ۳۰- ب: بدان ۳۱- ل، ق: ۲: ز؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۲- آ: آورد ۳۳- پ: بدان ۳۴- س، لن، ق: ۲، لی، پ، و، ل: ۲: سخن ها؛ متن = ف، آ، ب ۳۵- ق: ۲: از ارنواز؛ ل، ق: چو بشنید ازو این سخن ارنواز؛ ل: ۲: پس از این بیت سرنویس دارد: شناختن ارنواز زن ضحاک فریدون را؛ ب پس از این بیت بیتی افزوده است که آغاز آن ناخواناست:

۰۰۰ ؟ بگشاد راز که اکنون که کردم بدین کار ساز

بدو گفت: شاه آفریدون<sup>۱</sup> تویی؟  
 کجا هوش<sup>۲</sup> ضحاك بر دست<sup>۳</sup> تست  
 ۳۵۰ ز تخم کیان ما دو پوشیده پاك  
 همی<sup>۴</sup> جفت مان خواند و جفت مار  
 فریدون چنین پاسخ آورد باز<sup>۵</sup>  
 بیرم پی اژدها را ز خاك  
 بیاید شما را کنون گفت راست  
 ۳۵۵ برو<sup>۶</sup> خوبرویان گشادند راز  
 بگفتند کوسوی<sup>۷</sup> هندوستان  
 بیرد سر بی گناهان هزار  
 کجا گفته بودش یکی پیش بین  
 که آید که گیرد<sup>۸</sup> سر تخت تو  
 ۳۶۰ دلش زان زده فال<sup>۹</sup> پر<sup>۱۰</sup> آتش ست  
 همی خون دام و دد و<sup>۱۱</sup> مرد و زن  
 مگر کو سر و تن بشوید به خون<sup>۱۲</sup>  
 همان<sup>۱۳</sup> نیز زان<sup>۱۴</sup> مارها بر دو کفت<sup>۱۵</sup>  
 ازین<sup>۱۶</sup> کشور آید<sup>۱۷</sup> به دیگر شود  
 ۳۶۵ پیامد<sup>۱۸</sup> کنون گاه باز آمدنش<sup>۱۹</sup>

که ویران کنی تنبل و جادویی؟  
 گشایش جهان را<sup>۲۰</sup> کمر بست<sup>۲۱</sup> تست  
 شده رام با او<sup>۲۲</sup> ز بیم هلاك  
 چگونه توان بودن ای شهریار  
 که گر با بلا چرخ را نیست راز<sup>۲۳</sup>  
 بشویم جهان را ز نپاك پاك<sup>۲۴</sup>  
 که آن بی بها اژدهافش کجاست  
 مگر کاژدها<sup>۲۵</sup> را سر آید<sup>۲۶</sup> به گاز  
 بشد<sup>۲۷</sup> تا کند هند<sup>۲۸</sup> جادوستان  
 هراسان شده ست از بد روزگار<sup>۲۹</sup>  
 که پردخته کی<sup>۳۰</sup> گردد از تو زمین  
 چگونه<sup>۳۱</sup> فرو پژمرد بخت تو  
 همه<sup>۳۲</sup> زندگانی برو<sup>۳۳</sup> ناخوش ست  
 بریزد<sup>۳۴</sup> ، کند در یکی آب زن<sup>۳۵</sup>  
 شود فال<sup>۳۶</sup> اخترشناسان نگون<sup>۳۷</sup>  
 به رنج درازست مانده شگفت<sup>۳۸</sup>  
 ز رنج دو مار سیه نغنود<sup>۳۹</sup>  
 که جایی نباشد<sup>۴۰</sup> فراوان بدنش<sup>۴۱</sup>

- ۱- ل: شاه فریدون؛ س، ق، لی، پ، ل: شاهها فریدون؛ متن = ف، لن، ق، و، آ، ب ۲- ق: دوش (!) ۳- ل- لی: گشاد (ق: گشاده؛ ق، لی: گشادن) جهان بر (س، ق، لی: از؛ لن: را)؛ متن = ف، پ- ب (و نیز ل، لن) ۴- ق: باوی ۵- آ: همان ۶- ل: خواند او؛ ق: خواند با؛ س، لن، ق، پ، ل: همی خفتن و خاست با؛ لی: همی خوردن و خفت با؛ متن = ف، و، آ ۷- لی: پاك (بساوند ندارد) ۸- ل- پ، ل، ب: که گر چرخ دادم دهد از فراز؛ متن = ف، و، آ ۹- و: بشویم شما را سر از گرد پاك؛ ب: بشویم جهان را ز تیمار پاك؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- لی: بدو ۱۱- س- و، ب: مگر اژدها؛ ل: نگر اژدها؛ متن = ف، ل، آ (ف: کژدها) ۱۲- لی، ل: سر آری؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در لی پس از این بیت ۳۵۸ آمده است ۱۳- ل: برفتند گفت او به؛ لی، و، ل، ب: بگفتند کز سوی؛ آ: بدو گفت کز سوی؛ متن = ف، س، لن، ق، ق، پ ۱۴- ل: بدان ۱۵- ف: پند؛ ل- پ، آ، ل، ب: بند؛ متن = و (و نیز ل، لن) ۱۶- ق پس از این بیت افزوده است:  
 ز بیمت یکی چاره آرد بدست  
 ز هول تو روز و شب اندر هراس  
 همی باشد و شب نخسبد دو پاس  
 ۱۷- آ، ل: پردخت کی؛ ب: پردختکی (= پردختگی، ویا: پردخت کی)؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در لی این بیت را پس از بیت ۳۵۵ آمده است ۱۸- لی: فریدون بگیرد؛ و: کس آید که گیرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- لی: همیدون ۲۰- ف: دلش راز بد پاك؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- ل- لی، ل: بر (با پاك نقطه)؛ و: بر (نقطه ندارد)؛ متن = ف، پ، آ، ب ۲۲- ب: همان ۲۳- ف، لی: بدو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴- ف: که خون دد و دام با؛ ل: همی خون دد و دام و (وزن نادرست است)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- لن، ق، پ: بگیرد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۶- ل، ق: باب زن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- در لن این لت پاك شده است ۲۸- لن، ق، آ، پ: گفت؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۹- ل: زبون ۳۰- ق: همی؛ و: همه؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، ل، ب: نیز ازان؛ پ: نیز بر؛ و: تنش ازان؛ متن = ف، ق ۳۲- لن، ب: کتف ۳۳- ق: ازان بر شگفت؛ ل: و مانده شگفت ۳۴- ل، ق: ازان؛ پ: وزان؛ در لن این لت پاك شده است؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۵- س: سو بر آید ۳۶- ف: بغنود؛ ل: بغنود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۷- ف، و: بیاید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۸- پ: باز آمدش؛ ل: که آید گاه آمدنش؛ و: کنون جای باز آمدنش؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۹- ل: نباید؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۴۰- س، ق، و، ل: فراز آمدنش؛ پ: فراز آمدش؛ متن = ف، ل، لی، آ، ب

گشاد آن نگار جگر خسته راز<sup>۱</sup>  
 چو کشور ز ضحاک بودی تهی  
 که او داشتی تخت و گنج و سرای<sup>۲</sup>  
 و را کُندرو<sup>۳</sup> خواندندی بنام  
 ۳۷۰ به کاخ اندرآمد دوان<sup>۴</sup> کُندرو  
 نشسته بارام در پیشگاه  
 ز يك دست سرو سهی شهرناز<sup>۵</sup>  
 نه آسیمه<sup>۶</sup> گشت و نه پرسید راز  
 برو آفرین کرد کای شهریار<sup>۷</sup>  
 ۳۷۵ خجسته<sup>۸</sup> نشست تو<sup>۹</sup> با فرهی  
 جهان هفت کشور ترا بنده باد  
 فریدونش فرمود<sup>۱۰</sup> تا رفت پیش  
 بفرمود شاه دلاور بدوی<sup>۱۱</sup>  
 نبید آر و<sup>۱۲</sup> رامشگران را بخوان  
 ۳۸۰ کسی کو به رامش سزای من ست  
 بیار انجمن کن بر تخت من  
 سخن را چو بشنید ازو کدخدای<sup>۱۳</sup>

نهاده<sup>۱۴</sup> بدو گوش گردن فراز  
 یکی مایه‌ور بُد بسان رهی<sup>۱۵</sup>  
 شِگفتی به دل سوزگی<sup>۱۶</sup> کدخدای  
 به کُندی<sup>۱۷</sup> زدی پیش بیداد گام  
 ۹ در ایوان یکی تاجور دید نو  
 چو سرو<sup>۱۸</sup> بلند از برش گرد ماه  
 بدست<sup>۱۹</sup> دگر ماهروی<sup>۲۰</sup> ارنواز  
 نیایش کنان رفت و بردش نماز  
 همیشه بزوی<sup>۲۱</sup> تا بود روزگار<sup>۲۲</sup>  
 که هستی سزاوار شاهنشهی  
 سرت برتر از ابر بارنده<sup>۲۳</sup> باد  
 بگفت<sup>۲۴</sup> آشکارا همه راز خویش  
 که رو آلت<sup>۲۵</sup> تخت شاهی بشوی<sup>۲۶</sup>  
 پیمای جام و بیارای خوان  
 به دانش<sup>۲۷</sup> همان<sup>۲۸</sup> دل زدای من ست  
 چنان چون سزد<sup>۲۹</sup> درخور بخت من  
 بکرد آنچه<sup>۳۰</sup> گفتش بدو رهنمای<sup>۳۱</sup>

۱- و: نگار گرانمایه راز؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- س: نهاده برو؛ و: سپرده بدو؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ پس از این بیت برخی از دستنویسها سرنویس دارند، س: داستان شاه فریدون با کندرو وکیل ضحاک؛ لن: داستان کندرو با ضحاک تازی؛ ق: داستان فریدون با کندرو و ضحاک؛ پ: داستان فریدون با وکیل ضحاک؛ و: داستان کندرو با فریدون و ضحاک؛ ل: آمدن کندرو نزد فریدون و خدمت کردن؛ ب: داستان ضحاک با فریدون ۳- ف: یکی مایه‌ور مردشان بد رهی؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن= ل، ق، ق، پ-ب (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ لی از بیت ۳۶۷ تا ۴۶۰ را انداخته است ۴- ل، س، ق، و، آ: گنج و تخت و سرای؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ق، پ، ل، ب، ۵- ل، ق: شگفتی بدل سوزه با؛ آ: بتندی؛ ل: بکیدی؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ق، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ) ۶- ف: کُندرو (به پیش یکم وزیر چهارم) ۷- ق، ل، ب: بلندی؛ پ: بتندی؛ ل: بکیدی؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن= ل، س، ق، و، آ، ۸- آ، ب: روان ۹- ق، ل، آ: به ۱۰- س، ل، ن، پ، ل، آ، ب: سروی؛ متن= ق، ق، و، آ، ۱۱- ل: شهنواز ۱۲- لن، پ، ب: ز دست؛ آ: بدستی؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز لی ۱۳- س، و، ل، آ، ب: ماه رخ؛ آ: ماه چهر؛ متن= ل، ق، ق، آ، پ؛ ل- ق، آ، پ، و، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه شهر یکسر (ل: شهر ایران) پر از لشکرش کمر بستگان صف زده بر درش

این بیت در ف، آنیست ۱۴- آ، ب (و نیز ل، آ): سراسیمه؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز لن، آ) ۱۵- و: کرد و بردش نماز ۱۶- ف: بوی؛ متن= ل- ق، آ، پ، و- ب (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۷- و: چنین گفت کای شاه گردن فراز ۱۸- و، آ (و نیز ل، ل، ن، آ): همیشه؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی ۱۹- ل: نشست ۲۰- آ: ماه تابنده ۲۱- پ: فریدون بفرمود ۲۲- ل، ق: بکرد؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی ۲۳- و، آ: بفرمود شاه آفریدون بدوی ۲۴- پ، ل، آ: آلت و ۲۵- ل، ق، و (و نیز ل، ل، ن، آ): بجوی؛ س: مجوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۶- ف: می آرای و؛ لن: نبید ازو (→ نبید آرو)؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: نواختن فریدون کندرو را و عیش نمودن ۲۷- ل، ق: برامش؛ و: که دانش؛ آ: بزم؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۸- ل، ق: نهان؛ آ: اندرون؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز لی؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۹- س، لن، ق، آ، پ، و، آ، ل: بود؛ متن= ل، ق، ب ۳۰- و: بشنید او کدخدای؛ ل، ق: چو بشنید ازو این سخن کدخدای؛ س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: سخنها چو بشنید ازو کندرو (س: کدخدای)؛ متن= ف، آ ۳۱- ق، ق، آ، پ، آ، ل، آ: آنچه؛ متن= ف، ل، س، و ۳۲- ق، آ، پ: گفتش جهاندار نو؛ و: فرمود مهر برای؛ آ: گفتش سبک رهنمای؛ ل: گفتش بدو شاه نو؛ لن، ب: برون آمد از پیش سالار نو (= ۳۸۵ ب)؛ متن= ف، ل، س، ق

می روشن آورد و رامشگران  
 فریدون چو می دید<sup>۳</sup> رامش گزید  
 ۳۸۵ چو شد بام گیتی<sup>۵</sup> دوان<sup>۶</sup> کُنْدرو  
 نشست از بر باره‌ی<sup>۷</sup> راهجوی  
 بیامد چو پیش سپهد رسید  
 بدو گفت کای<sup>۱۱</sup> شاه گردن کُشان  
 سه مرد سرافراز با لَشکری  
 ۳۹۰ ازین<sup>۱۳</sup> سه یکی کهتر اندر میان  
 به سال ست کهتر<sup>۱۵</sup>، فزونیش پیش  
 یکی گرز دارد چو یک لخت کوه  
 به اسپ اندرآمد<sup>۱۸</sup> به ایوان شاه  
 بیامد به تخت کئی برنشست  
 ۳۹۵ هر آنکس که بود اندر ایوان تو  
 سر از بار یکسر<sup>۲۲</sup> فروریختشان<sup>۲۳</sup>  
 بدو گفت ضحاک شاید بُدن  
 چُنین داد پاسخ وُرا<sup>۲۷</sup> پیشکار

همان درخورش<sup>۱</sup> با گهر مهتران<sup>۲</sup>  
 شبی کرد و<sup>۴</sup> جشنی چنان چون سزید  
 برون آمد از پیش سالار نو  
 سُوی شاه ضحاک بنهاد روی  
 سراسر<sup>۸</sup> بگفت آنچ<sup>۹</sup> دید و شنید  
 به<sup>۱۱</sup> برگشتن کارت آمد نشان  
 بیامد دوان از در کشوری<sup>۱۲</sup>  
 به بالای سرو و به چهر<sup>۱۴</sup> گیان  
 از آن<sup>۱۶</sup> مهتران او نهد پای پیش  
 همی تابد<sup>۱۷</sup> اندر میان گروه  
 دو پُرمایه با او<sup>۱۹</sup> همیدون به راه  
 همه بند و نیرنگ تو کرد پست<sup>۲۰</sup>  
 ز مردان مرد و ز دیوان تو<sup>۲۱</sup>  
 همه مغز با خون برآمیختشان<sup>۲۴</sup>  
 که<sup>۲۵</sup> مهمان بود، شاد باید بُدن<sup>۲۶</sup>  
 که مهمان که با<sup>۲۸</sup> گزهی گاوسار،

۱- س، پ: هم اندر خورش؛ ق: همان بر خورد؛ لن، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، و، ا، ل، ا، ب ۲- آ: پاك سر مهتران؛ ب پس از این بیت افزوده است:

چو پیش فریدون بگرد آمدند ز بيمش تو گفتمی که کرد آمدند!

برو آفرین خواندند چون سزید که هرگز به گیتی چنان کس ندید

۳- ل، ق، ل، ا: فریدون غم افکند؛ س، پ: فریدون چو می خورد؛ آ: فریدون می آورد؛ ب: فریدون فرخنده؛ لن، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن=ف، و (ونیز ل، لن، ا) ۴- ل، پ- ب (ونیز ل، لن، ا): <و>؛ متن=ف، س، ق؛ و پس از این بیت افزوده است:

می ناب و آوای چنگ و سرود همی داد مر عاشقان را درود

فریدون بدستی می دلنواز بدست دگر ماه رخ ارنواز

نشسته بر آن تخت ضحاک بر دلش پر ز کینه پر از باد سر

۵- ف، ل، ق، و، ل، ا (ونیز ل، لن، ا): چو شد رام گیتی؛ س، ق، پ، ب: چو شد بامدادان؛ آ: چو شد تیره گیتی؛ لن این لت را انداخته است؛ متن تصحیح قیاسی است ۶- پ: روان؛ ل: ورا؛ لن ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵ را انداخته و از ۳۸۲ و ۳۸۵ ب يك بیت ساخته است ۷- آ: تازی؛ ل: باره‌یی؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

چو روز از دل شب برآمد براز چو آتش کز انگشت گیرد فراز (ق: بُراز)

۸- لن، پ: مر اورا ۹- ق، ا، پ، و، ل، ا، ب: آنچه؛ آ: بگفت آن شگفتی که؛ متن=ف، ل، س، لن، ق ۱۰- ل: ایا ۱۱- س، ق، ق، ا، پ- ب (و نیز ل، لن، ا): ز؛ متن=ف، ل ۱۲- ل: دوان آمدند ای شه از کشوری؛ س، لن، ق، ا، پ، و، ل، ا، ب: فراز آمدند از دگر (ل: از در) کشوری؛ ق (و نیز ل: ا): بیامد دوان از دگر کشوری؛ متن=ف، ا (و نیز لن، ا) ۱۳- ل، ق: از ان؛ آ: کزان؛ متن=هشت دستنویس دیگر بجز لی ۱۴- لن: بیالای سروست و چهر؛ ق، ا، پ، ا: بیالای سروان و (ا: <و>) چهر؛ متن=ف، ل، س، ق، و، ل، ا، ب (ل: <و>) ۱۵- پ، ل: کمتر ۱۶- س، و، ل، ا: ازین؛ متن=هشت دستنویس دیگر بجز لی ۱۷- ق: آ: راند ۱۸- ل: بر آراست و آمد؛ ب: براسب اندر آمد ۱۹- ق: وی ۲۰- ب: تو بر شکست ۲۱- و: ز گردان و از نره دیوان تو ۲۲- ل، ب: سر از پای یکسر؛ ق: سراسر بیکسر؛ پ: سر از باره یکسر؛ متن=هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۳- پ: فرورختشان ۲۴- پ: برامختشان ۲۵- ل: چو؛ متن=ده دستنویس دیگر بجز لی ۲۶- ل: شدن ۲۷- س، لن، ق، ا، ل، ا، ب: بدو؛ پ: برو؛ متن=ف، ل، ق، و، ب ۲۸- س، لن، ق، ا، پ، و، ل، ا، ب: که مهمان ابا؛ ق: که مهمان <که> با (وزن نادرست است)؛ آ: که مهمان چو با؛ متن=ف، ل؛ ف، ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

به مهمانی آید توزو کن حذر گذشتی ز مهمان نگه دار سر

این بیت در هیچیک از دستنویسهای دیگر (و نیز در ل، لن، ا) نیست

ز تاج و کمر<sup>۲</sup> بسترد نام تو،  
چنین - گر تو مهمان شناسی - شناس!  
که مهمان<sup>۵</sup> گستاخ بهتر به فال  
که آری شنیدم، تو پاسخ شنو  
چه کارستش اندر شبستان تو  
نشیند زند رای بر بیش و کم  
به دیگر عقیقین<sup>۱۱</sup> لب ارنواز  
به زیر سر از مُشک بالین کند  
که بودند همواره دلخواه تو  
شنید آن<sup>۱۴</sup> سَخُن کارزو<sup>۱۵</sup> کرد مرگ  
شگفتی<sup>۱۷</sup> بشورید با شوربخت<sup>۱۸</sup>  
ازین پس نباشی نگهبان من  
که ایدون گمانم من ای شهریار<sup>۲۱</sup>  
مرا<sup>۲۲</sup> چون دهی کدخدایی<sup>۲۳</sup> شهر  
مرا کارسازندگی چون دهی  
که هرگزت نامد چنین کار پیش<sup>۲۸</sup>

به مردی نشیند به<sup>۱</sup> آرام تو،  
۴۰۰ به آیین خویش آورد ناسپاس<sup>۳</sup>  
بدو گفت ضحاک چندین منال<sup>۴</sup>  
چنین داد پاسخ بدو<sup>۵</sup> کُنْدرو  
گرین<sup>۷</sup> نامور هست مهمان تو  
که با خواهران<sup>۸</sup> جهاندار جم  
۴۰۵ به يك دست گیرد رخ شهرناز<sup>۹</sup>  
شب تیره‌گون خود<sup>۱۱</sup> بتر زین کند  
چو<sup>۱۳</sup> مشگ آن دو گیسوی دو ماه تو  
برآشفت ضحاک بر سان کرگ  
به دشنام زشت و به آوای<sup>۱۶</sup> سخت  
۴۱۰ بدو گفت: هرگز تو در خان من<sup>۱۹</sup>  
چنین داد پاسخ ورا پیشکار  
کران تخت هرگز نبینی تو بهر<sup>۲۱</sup>  
چو بی بهره<sup>۲۴</sup> باشی ز گاه<sup>۲۵</sup> مهی  
چرا برنسازی<sup>۲۶</sup> همی<sup>۲۷</sup> کار خویش

۱- ق، پ، و، ل، آ، ب: در؛ لن، آ: بر؛ س: بشد اندر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل ۲- ب: ز تاج کیی ۳- پ: با سپاس؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۴- ب: کمال ۵- ل: که مهمان چو ۶- و، آ: ورا ۷- ق: گر آن ۸- س: لن، ق، آ، پ، ب (و نیز ل، لن): دختران؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۹- آ، ب: ارنواز؛ ل: شهنواز؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز لی ۱۰- لن، ق، ق، آ، پ، ل: عقیق؛ آ: عقیقی؛ متن = ف، ل، س، و، ب ۱۱- آ، ب: شهرناز؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز لی ۱۲- ل: هم؛ و: شب تیره دانم؛ متن = ف، س- ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب ۱۳- و: چه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل، لن، آ): ل، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: بگیرد بیرشان چو شد نیم مست بدین گونه مهمان نباید بدست  
ب: گرفتست آرام بر تخت تو ز تاج و کمر بکنند بخت تو

ل پس از بیت ۴۰۷ سرنویس دارد: خبر فریدون نزد ضحاک و آگاهی یافتن از وی ۱۴- لن، ق: شنید این؛ آ: وزین يك؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز لی ۱۵- آ: آرزو ۱۶- س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: باواز؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، و، آ ۱۷- پ: بتندی ۱۸- ق: با نیکبخت؛ و: آن شور بخت؛ ل: با شیر بخت؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، آ، ب ۱۹- ق: تو بر خوان من ۲۰- ق: که ای پر هنر باخرد شهریار ۲۱- ل، س، و، ل، آ، ب: کران (ل، ل): که زان تخت هرگز نیابی تو (ل: نباشدت) بهر؛ لن، ق، آ، پ: کزین پس نیابی تو از تخت (لن، پ: بخت) بهر؛ ق، آ: چو (آ: که) از تخت هرگز نیابی تو بهر؛ متن = ف ۲۲- ل- ق، آ، پ- ب: بمن؛ متن = ف ۲۳- ل: کدخدایی و ۲۴- ف، ق، پ: بهر؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۵- ف: بکار؛ ق، پ، آ، ل: ز کار؛ ق: ز تخت؛ ب: بگاه؛ متن = ل، س، و: درل پس از بیت ۴۱۲ و در س، ق، آ، پ، ب پس از بیت ۴۱۳ بیت ۴۱۵ آمده است ۲۶- ل، ق: چرا تو نسازی؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز لی ۲۷- لن، پ: تو از ۲۸- ل، لن، ق: که هرگز نیامدت ازین (لن، ق: این) کار پیش؛ ق، آ، ل: که هرگزت ناید (ل: هرگز نیامد) چنین کار پیش؛ آ: که هرگز چنین کار نامد به پیش؛ متن = ف، س، پ، و، ب؛ ف، پ پس از این بیت و ل، ق پس از بیت ۴۱۵ افزوده‌اند:

ترا دشمن آمد به گه بر نشست یکی گرزّه گاوچهره (ق، پ: پیکر) بدست

ل، ق، پ پس از این بیت يك بیت دیگر هم افزوده‌اند:

همه بند و نیرنگت از رنگ برد دلارام بگسرفت و گاهت سپرد

۴۱۵ ز تاج<sup>۱</sup> بزرگی چو موی<sup>۲</sup> از خمیر  
جهاندار ضحاک از آن<sup>۳</sup> گفت اوی<sup>۴</sup>  
بفرمود تا برنهادند زین  
بیامد دمان<sup>۹</sup> با سپاهی<sup>۱۰</sup> گران  
ز بیراه مر<sup>۱۳</sup> کاخ را بام و در  
سپاه فریدون چو آگه شدند  
از<sup>۱۴</sup> اسپان جنگی فروریختند  
همه بام و در مردم شهر بود  
همه در هوای فریدون<sup>۱۶</sup> بُدند  
ز دیوارها خشت و از<sup>۱۹</sup> بام سنگ  
بیارید ژاله ز ابر سیاه  
به شهر اندرون هر که برنا<sup>۲۲</sup> بُدند  
سوی لشکر آفریدون<sup>۲۵</sup> شدند  
خروشی برآمد از<sup>۲۷</sup> آتشکده  
همه پیر و برناش فرمان بریم  
نخواهیم بر گاه<sup>۳۱</sup> ضحاک را

برون آمدی مهترا چاره گیر  
به جوش<sup>۵</sup> آمد و زود<sup>۶</sup> بنهاد روی  
بران<sup>۷</sup> بادپایان باریک<sup>۸</sup> بین<sup>۸</sup>  
همه<sup>۱۱</sup> نره دیوان<sup>۱۲</sup> جنگاوران  
گرفت و به کین اندرآورد سر  
همه سوی آن راه بیره شدند  
بدان<sup>۱۵</sup> جای تنگی برآویختند  
کسی کهش ز جنگاوری بهر بود  
که از درد<sup>۱۷</sup> ضحاک پر خون<sup>۱۸</sup> بُدند  
به کوی اندرون تیغ و تیر خدنگ  
پی<sup>۲۰</sup> را بُد بر زمین جایگاه<sup>۲۱</sup>  
چه<sup>۲۳</sup> پیران که در جنگ دانا<sup>۲۴</sup> بُدند  
ز نزدیک<sup>۲۶</sup> ضحاک بیرون شدند  
که بر تخت اگر شاه باشد دده<sup>۲۸</sup>  
یکایک ز گفتار او<sup>۲۹</sup> نگذریم<sup>۳۰</sup>  
مران ازدها<sup>۳۲</sup> خیم ناپاک را

۱- س، لن، ق، پ، ب: زگه؛ آ: زکار؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، ۲- و: مو؛ در لن این بیت پس از بیت ۴۱۲ و در س، ق، آ، پ، ب پس از بیت ۴۱۳ آمده است  
۳- لن، ق، آ: ازین؛ ق: زان؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز لی ۴- ل، ق، پ، و- ب: گفتگوی؛ س، لن، ق، آ: گفت و گوی؛ متن = ف ۵- س، لن، ق، آ، پ، ل: به هوش؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ، ب ۶- ق، آ: تیز؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

چو شب گردش روز پرگار زد (ق: روز را سار کرد) فروزنده را مهره در قار زد (ق: کرد)

۷- س، لن، ل، آ، و: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز لی ۸- لن: راه پویان نوردان زمین؛ ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: راه پویان (آ: جویان) باریک بین؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، پ: رزم فریدون با ضحاک و گرفتار شدن ضحاک؛ لن، و: گرفتار شدن ضحاک بر دست فریدون (و: شاه فریدون)؛ ب: گرفتار شدن ضحاک ۹- ل: دوان ۱۰- آ: سپاه ۱۱- ق: همی ۱۲- س- ق، آ، پ- ب: دیوان و؛ متن = ف، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۳- س: را ۱۴- ل، ق: ز ۱۵- ف، س، لن، ل، آ، ب: بر آن؛ ل، ق، پ: در آن؛ متن = ق، آ، و، آ؛ ق، آ پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی فریدون پانصد سال بود ۱۶- و: شدند؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- س، لن، پ، آ، ل، آ، ب: جور؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۸- ب: دل خون ۱۹- ل، لن، پ: وز ۲۰- س، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: کسی؛ ق: که پی؛ و، آ، (و نیز ل<sup>۲</sup>): تنی؛ متن = ف، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۱- و: نیز راه؛ در لن پایان این لت پاک شده است ۲۲- ل: دانا (پساوند ندارد) ۲۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۴- ل: کانا؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز لی؛ در ق این بیت یکبار هم پس از بیت ۴۲۲ آمده است ۲۵- س: چو لشکری آفریدون؛ ق: همه یکسره با فریدون؛ آ: همه در هوای فریدون (= ۴۲۳)؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز لی ۲۶- ل، س، ق، آ، و- ب: ز نیرنگ؛ متن = ف، لن، پ؛ ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

ز آواز گردان بتوفید کوه زمین شد ز نعل ستوران ستوه

بسر بر ز گرد سیاه (پ: سیه) ابر بست تبیره دل سنگ خارا بخش

۲۷- ل، لن، ق، آ، پ- ب: ز؛ متن = ف، س ۲۸- آ: رده؛ ل: که کز بخت گر شاه باشد دده  
۲۹- ق: وی؛ در لن پایان این لت پاک شده است ۳۰- ل: بگذریم ۳۱- ق: خاك ۳۲- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: ازدها دوش؛ و: ازدها چشم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: ازدها روی؛ متن = ف، ل، ق

سراسر به جنگ اندرون همگروه<sup>۲</sup>  
 برآمد که خورشید شد لاژورد<sup>۳</sup>  
 ز لشکر سوی کاخ<sup>۵</sup> بنهاد روی  
 بدان تا نداند کسش زانجمن<sup>۷</sup>  
 به چنگ<sup>۹</sup> اندرون شست بازی<sup>۱۱</sup> کمند  
 پر از جادویی<sup>۱۲</sup> با فریدون به راز<sup>۱۳</sup>  
 گشاده به نفرین ضحاک لب  
 رهایی نیابد ز دست بدی  
 به ایوان کمند اندرافگند راست<sup>۱۷</sup>  
 فرود آمد از بام کاخ بلند  
 به خون پریچه‌رگان تشنه بود  
 نه بگشاد راز<sup>۲۳</sup> و نه برگفت نام  
 بیامد فریدون<sup>۲۴</sup> بکردار باد  
 بزد بر سرش، ترگ بشکست خرد<sup>۲۶</sup>  
 مزن - گفت -، کو را نیامد زمان  
 بیر تا دو کوه آیدت<sup>۲۸</sup> پیش، تنگ  
 نیاید<sup>۳۱</sup> برش خویش و پیوند اوی<sup>۳۰</sup>  
 کمندی بیاراست از چرم شیر<sup>۳۲</sup>

سپاهی و شهری بکردار کوه  
 از آن شهر روشن یکی تیره گرد  
 پس از رشك<sup>۴</sup> ضحاک شد چاره جوی  
 بدآهن<sup>۶</sup> سراسر بیوشید تن  
 برآمد بران بام کاخ<sup>۸</sup> بلند ۴۳۵  
 بدید آن سیه نرگس شهرناز<sup>۱۰</sup>  
 دو رخساره روز<sup>۱۴</sup> و دوزلفینش<sup>۱۵</sup> شب  
 بدانست کان کار هست<sup>۱۶</sup> ایزدی  
 به مغز اندرش آتش رشك خاست  
 نه از تخت یاد<sup>۱۸</sup> و نه<sup>۱۹</sup> جان ارجمند ۴۴۰  
 به چنگ<sup>۲۰</sup> اندرش<sup>۲۱</sup> آبگون دشنه بود  
 همان تیز<sup>۲۲</sup> خنجر کشید از نیام  
 ز بالا چو پی بر زمین برنهاد  
 بدان گزهی گاوسر دست برد<sup>۲۵</sup>  
 بیامد سروش خجسته دمان<sup>۲۷</sup> ۴۴۵  
 همیدون شکسته بیندش چو سنگ  
 به کوه اندرون به بود<sup>۲۹</sup> بند اوی<sup>۳۰</sup>  
 فریدون چو بشنید ناسود دیر

۱- آ: < و > ۲- ل: اندر آمد گروه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز لی ۳- ف، س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب: لاجورد؛ متن = ل، و ۴- ل: پس آنگاه؛ س، لن، ق، آ، پ، ل، ب: هم از رشك؛ ق: پس از گاه؛ متن = ف، و، آ ۵- ل، ق: خانه؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز لی ۶- ف- ق، آ، پ- ب: به آهن؛ متن = ل ۷- س، لن، ق، آ، پ، ل، ب: کس از انجمن؛ و: کسی ز انجمن؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۸- ل: بر آمد بر بام کاخ؛ س، ق، آ، پ، آ، ل، ب: بر آمد یکایک بکاخ؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن = ف، و؛ در ل، ق لت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- س: بشست؛ ق، آ، پ: بدست ۱۰- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): تایی؛ س، آ: یازی؛ ق، آ، ل، ب: بازی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تار؛ و: تازی؛ متن = ف، ق، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۱- ل: شهناز ۱۲- و، ل: بدان جادویی ۱۳- پ: بناز ۱۴- آ: زرد ۱۵- ف، و: زلفین؛ ل، س، ق، آ، پ، آ، ل، ب: زلفش؛ متن تصحیح قیاسی است؛ در لن این بیت پاك شده است؛ ق پس از این بیت سرنویس دارد: گرفتار شدن ضحاک بر دست فریدون ۱۶- ف: کار بود؛ ق: هست کار؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ در لن از این بیت تا بیت ۴۷۷ آغاز برخی از بیت ها به اندازه یکی دو واژه پاك شده است که برخی از آنها را به خطی نو باز نویس کرده اند. پس از آن نیز چند بیتی پاك شده است که در جای خود یاد آوری خواهد شد ۱۷- ل: خواست ۱۸- ف: بخت یار؛ ل، س، لن، ق: بخت یاد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، پ، و، آ، ل، ب ۱۹- ل: به ۲۰- ل، لن: بدست؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، و- ب ۲۱- س، ق: اندرون؛ در لن این بیت با بیت پسین پس و پیش شده است ۲۲- ل: نیز (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ن، ق، ق، آ: نیز؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۳- ل: روی؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز لی؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: گرفتاری ضحاک بر دست فریدون ۲۴- ب: فریدون بیامد ۲۵- س، آ، ل، ب: برد دست؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز لی ۲۶- س، آ، ل، ب: ترك را کرد پست؛ لن، ق، آ، پ: ترك او (پ: را) کرد خرد؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- آ: دوان؛ ل: بیامد خجسته سروشی دمان؛ ق: بیامد خجسته سروش آن زمان؛ ل: بیامد خروش خجسته زمان؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ، و، ب ۲۸- ل، آ، ب: آیدش؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز لی ۲۹- ف: به دز هوخت کنگ اندرون؛ ل: بکوه اندرون باشدش؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۳۰- ف- ق، آ، ل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): او؛ متن = پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳۱- پ: نیامد ۳۲- ق: این بیت را ندارد





بسی با شما سال<sup>۱</sup> پیمودمی  
 ز درگاه برخاست آوای<sup>۲</sup> کوس  
 خروشان بران<sup>۵</sup> روز<sup>۶</sup> کوتاه بر  
 به بند کمندی<sup>۸</sup> چنان چون سزید<sup>۹</sup>  
 وزان شاه نایافته شهر بهر<sup>۱۰</sup>  
 به پشت هیونی بر افکنده خوار<sup>۱۱</sup>  
 جهان را چن<sup>۱۴</sup> این بشنوی پیر خوان  
 گذشته ست و بسیار خواهد<sup>۱۵</sup> گذشت  
 سوی شیرخوان برد بیدار بخت<sup>۱۸</sup>  
 همی خواست کردن<sup>۱۹</sup> سرش را نگون  
 به چربی<sup>۲۱</sup> یکی راز<sup>۲۲</sup> گفتش به گوش  
 بپر همچونین<sup>۲۴</sup> تازنان<sup>۲۵</sup> بی گروه<sup>۲۶</sup>  
 به کوه دماوند<sup>۲۸</sup> کردش به بند  
 نبود<sup>۳۰</sup> از بد بخت مانند<sup>۳۱</sup> چیز  
 نگه کرد غاری بُنش ناپدید

و گرنه من ایدر همی بودمی  
 مهان پیش او<sup>۲</sup> خاک دادند بوس  
 همه شهر دیده<sup>۴</sup> به درگاه بر  
 ۴۷۰ که تا اژدها را برون آورید<sup>۵</sup>  
 دُماؤم برون رفت لشکر ز شهر  
 بردند ضحاک را بسته زار<sup>۱۱</sup>  
 همی راند زین گونه<sup>۱۳</sup> تا شیرخوان  
 بسا روزگارا که بر کوه و دشت  
 ۴۷۵ بران<sup>۱۶</sup> گونه ضحاک را بسته سخت<sup>۱۷</sup>  
 همی راند او را به کوه اندرون  
 همانگه بیامد<sup>۲۰</sup> خجسته سروش  
 که این بسته را تا<sup>۲۳</sup> دماوند کوه  
 بیاورد ضحاک را چون<sup>۲۷</sup> نوند  
 ۴۸۰ چو بندی بران<sup>۲۹</sup> بند بفرود نیز  
 به کوه اندرون جای تنگش گزید<sup>۳۲</sup>

۱- ل، لن، ق، آ، لی، پ: روز؛ متن = ف، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲- ق، آ: < و > (وزن نادرست است) ۳- س، ق، پ: آواز؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل ۴- ل: همه شب دو دیده؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل (و نیز ل، ل، ن، آ) ۵- س، لن، لی، پ: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل ۶- س: کوه (!) ۷- ق، آ: آورند ۸- و: کمندش؛ آ: کمند (وزن نادرست است) ۹- ق، آ: برند ۱۰- ل، س، ق، آ، ب: وزان (ب: ازان) شهر نایافته شاه بهر؛ لن، ق، آ، لی، پ: وزان شاه نایافته هیچ بهر؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۱- ل- پ، آ، ب: خوار؛ متن = ف، و ۱۲- ل، لن- پ، آ، ب: زار؛ س: گسسته مهار؛ متن = ف، و ۱۳- ل، س، ق، آ، لی، آ: همی راند از این گونه؛ پ: همی برد ازین گونه؛ ب: همی راند از ان جای؛ لن: ...؟ گونه؛ متن = ف، و ۱۴- ل- آ، ب: چو؛ متن = ف ۱۵- ل، ق، آ، ب: گذشتست و دیگر (ل: چندی) بخواهد؛ لن: گذشتست بسیار و خواهد؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، پ، و ۱۶- س، لی، و، آ، ب: بدان؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ ۱۷- ق، و: دست (ق پساوند ندارد) ۱۸- ف: خورشید بخت؛ و: چون پیل مست؛ متن = ل- پ، آ، ب ۱۹- ل- پ، آ، ب: کارد؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۰- ل، س، ق- پ، آ، ب: بیامد هم آنکه؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن = ف، و ۲۱- ل- و، آ، ب: بخوبی؛ متن = ف (و نیز لن، آ) ۲۲- آ: رای ۲۳- لی: با ۲۴- ل، ق، آ: همچنان؛ ق: تازنان؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل ۲۵- ل، س: تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ق: همچنین؛ پ: تازیان؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل ۲۶- س- پ: با گروه؛ متن = ف، ل، و، آ، ب؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بدین گونه راز از خجسته سروش  
 چو با او فرشته هم آواز گشت

چو بشنید شاه آفریدون به هوش  
 پر اندیشه از شیرخوان باز گشت

ل، س، لن، ق، آ- ب بجای این دو بیت زیر را افزوده اند:

بهنگام سختی ببر گیردت  
 ۲۸- لی: دماوندش؛ ل، ق پس از این بیت و و پس از بیت ۴۸۰ افزوده اند:

میر جز کسی را (و: مگر زان کس خود) که نگربردت  
 این بیت در ف، ق نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۷- ق، آ: بر

سراسر یکی چرم ازو در کشید (ل: بر کشید)  
 همه بند و (ق، و: < و >) گردنش بر هم شکست

ز سر تا به پایش زهی بر کشید  
 بدان زه سر و پای و دستش (ق: سر و دست و پایش) بیست

۲۹- ق، آ، لی: بدان؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل ۳۰- لن، ق، آ، لی: نماند؛ آ: بود؛ در ب لت دوم این بیت پاک شده است؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و ۳۱- ف، س، لن، ق، آ، پ: مانند (یکی از دو حرف سوم یا چهارم ن است و دیگری نقطه ندارد)؛ لی، آ (و نیز ل، ل، ق، و (و نیز لن، آ): از بد بخت او مانده؛ در و پس از این بیت دو بیت ۴۸۰ پ آمده است؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت دو بیت ۴۸۴ پ آمده است ۳۲- ل، ق: تنگ جایش گزید؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ل

بیاورد مسمارهای گران  
فرو برد و بستش بدان<sup>۲</sup> کوه باز<sup>۳</sup>  
بیستش بران گونه آویخته<sup>۴</sup>  
به جایی که مغزش نبود، اندر آن  
بدان تا بماند بسختی دراز<sup>۴</sup>  
و زو<sup>۵</sup> خون دل بر زمین ریخته

۴۸۵ بیا تا جهان را به بد نسپریم  
نباشد همی نیک و بد پایدار  
همان گنج<sup>۶</sup> دینار و کاخ<sup>۷</sup> بلند  
سُخَن ماند از تو<sup>۸</sup> همی یادگار  
فریدون فرخ فرشته نبود  
۴۹۰ به<sup>۹</sup> داد و دِهش یافت آن<sup>۱۰</sup> نیکویی  
فریدون ز<sup>۱۱</sup> کاری که کرد ایزدی  
یکی پیشتر بند ضحاک بود  
و دیگر<sup>۱۲</sup> که گیتی ز نابخردان  
سدیگر<sup>۱۳</sup> که کین پدر باز خواست

۴۹۵ جهاننا چه بد مهر و بد گوهری  
نگه کن کجا آفریدون گرد  
که خود پرورانی و خود بشگری<sup>۱۴</sup>  
که از تخم<sup>۱۵</sup> ضحاک شاهی<sup>۱۶</sup> ببرد

۱- در لن این لت پاك شده است ۲- ل- ق، آ، پ، آ، ب: فرو بست دستش بدان (ل، ق: بران)؛ متن= ف، لی، و ۳- لن، ق، ق: کوهسار؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۴- لن: فکار؛ ق: زکار؛ و: بدان تا بسختی بماند دراز؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۵- س، ق، ق: آ، لی، پ، آ، ب: بماند او (آ: بماند) برین (ق: آ، ب: بران؛ لی: بدین) گونه آویخته؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن= ف، ل، و ۶- ل، ل، لن: ازو؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ ل پس از این بیت و س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از بیت ۴۸۰ افزوده اند (در لن لت یکم بیت دوم پاك شده است):  
ازو (آ، ب: از ان) نام ضحاک چون خاک شد جهان از بد او همه پاك شد  
گسسته شد از (س، ق، آ، لی، پ، آ: آن) خویش و پیوند او (پ: اوی) ل، لن، ق: آ: بمانده (ق: آ: نمانده) بدان گونه در بند او  
س، پ، آ، ب: بمانده بکوه اندرون بند او (پ: اوی)  
لی: بکوه اندرون مانده آن بند او

این دو بیت در ف، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۷- در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ ق ۴۸۶ ب و ۴۸۷ و ۴۸۸ را انداخته و از ۴۸۶ آ و ۴۸۸ ب يك بیت ساخته است ۸- لی، و، آ، ب: گنج و؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آ، پ؛ لی این بیت را دو بار نوشته است ۹- ل: تاج ۱۰- و: ما؛ در لن این بیت پاك شده است؛ ق ۴۸۶ ب و ۴۸۷ و ۴۸۸ آ را انداخته و از ۴۸۶ آ و ۴۸۸ ب يك بیت ساخته است؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

سخن را سخن دان ز گوهر گزید سخن را سخن دان ز گوهر برتر سزید  
تویی آنک گیتی بجویی همی چنان کن که بر داد پویی همی

۱۱- در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۱۲- ق، آ، و، آ: ز ۱۳- س: این ۱۴- لی: که ۱۵- ق، آ، لی: نخست این ۱۶- س: بی باک؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۷- ل: دو دیگر؛ س، لن، پ، ب: سدیگر؛ ق، آ، لی، آ: سه دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، و ۱۸- ل: برداخت؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پالود؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): تهی کرد؛ متن= ف ۱۹- ب: و بر بست؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ پیایی این دو بیت در متن به پیروی از ف، ل، و است ۲۰- ل: سه دیگر؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: و دیگر؛ متن= ف، ق، و؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ف: بسپری؛ س، و، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): که پرورده خویش را بشکری؛ متن= ل- پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- ل، ق: شاه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: پیر؛ متن= و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۳- س، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): ملکت؛ ف این بیت و سه بیت پس از آن را ندارد، ولی این بیت ها در دستنویس های دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) آمده اند

بُئِدْ دَرَا جِهَانِ پَنجَصَدِّ۲ سَالِ شَاهِ۲  
 جِهَانِ۶ جِهَانِ دِیْگَرِی رَا سِیْرِدْ  
 چُنِیْنِیْمِ یِکَسْرَ۸ کِه و مِه هَمِه  
 بِه آخِرِ بَشْدَ۴ ، مَانْدِ اَزُو جَایْگَاهِ۵  
 بَجَزِ دَرْدِ و اَنْدَوِه چِیْزِی نَبْرِدْ  
 تُو خَوَاهِی شَبَانِ بَاشْ۹ ، خَوَاهِی رَمِه

۱- و: بد اندر؛ ف این بیت را ندارد ۲- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب: پانصد؛ (لن: پنج و صد)؛ متن= ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳- ل: سال و ماه ۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بآخر شد و؛ متن= ل، ق ۵- و: به فرجام رفت و بجا ماندگاه ۶- پ: جهانی ۷- س، لن، لی، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>): بجز حسرت از دهر (س، آ: ملک) چیزی نبرد؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): بجز نیکنامی ز گیتی نبرد؛ ب: بجز حسرت و درد چیزی نبرد؛ ف، ق این بیت را ندارند؛ متن= ل، ق؛ آپس از این بیت افزوده است (← فریدون، بیت ۱۲):

جِهَانِ چُونِ بَرُو بَر نَمَانْدِ اِی پَسَرِ تُو نِیْزِ اَزِ مَسْپَارِ و اَنْدِه مَخْوَرِ

۸- ل، ق: چنیم اینجا؛ ب: چو خواهیم مردن؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= س، لن، ق، آ ۹- ق، ق، آ، پ، آ: باش و؛ متن= ل، س، لن، لی، و، ب

فریدون



## پادشاهی فریدون پانصد سال بود<sup>۱</sup>

فریدون چو<sup>۲</sup> شد بر جهان کامگار  
 به رسم کیان گاه<sup>۳</sup> و تخت مهی  
 به روز خجسته سر مهرماه<sup>۴</sup>  
 زمانه بی اندوه گشت از بدی  
 ۵ دل از داوری‌ها برداختند  
 نشستند فرزندگان شادکام  
 می روشن و چهره‌ی شاه نو  
 بفرمود تا آتش افروختند  
 پرستیدن مهرگان دین اوست  
 ۱۰ اگر یادگارست ازو<sup>۱۳</sup> ماه و مهر  
 ندانست جز خوشتن شهریار  
 بیاراست با تاج<sup>۲</sup> شاهنشهی  
 به سر برنهاد آن کیانی کلاه  
 گرفتند هر کس<sup>۶</sup> ره بخردی<sup>۷</sup>  
 به<sup>۸</sup> آیین یکی جشن نو<sup>۹</sup> ساختند  
 گرفتند هر یک<sup>۱۰</sup> ز یاقوت جام  
 جهان نو ز داد و<sup>۱۱</sup> سر ماه نو  
 همه عنبر و<sup>۱۲</sup> زعفران سوختند  
 تن آسانی و خوردن آیین اوست  
 بکوش و به رنج ایچ<sup>۱۴</sup> منمای چهر

- ۱- ف: گفتار اندر پادشاهی شاه فریدون پانصد سال و هفت ماه و بیست و چهار روز بود و نهادن جشن و سده؛ ل: آغاز داستان؛ س: پادشاهی فریدون فرخ پانصد سال بود؛ ق<sup>۲</sup>: بر تخت نشستن فریدون؛ آ: محضر نوشتن ضحاک تازی (!)؛ ب: پادشاهی فریدون پانصد سال؛ متن= لن، ق، لی، پ، و؛ ل<sup>۲</sup> از آغاز تا بیت ۴۰ را اندخته است ۲- س، و، آ، ب: که؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳- ل- آ، ب: تاج؛ متن= ف ۴- س- آ، ب: کاخ؛ متن= ف، ل ۵- ل: مهر و ماه؛ در ف، ل، و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ف پس از بیت ۳ افزوده است: بزرگان و شاهان ایران زمین به شاهی برو خواندند آفرین
- ۶- ق<sup>۲</sup>، لی: مردم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۷- س- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): ایزدی؛ متن= ف، ل؛ در ف، ل، و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- لن، ق<sup>۲</sup>، پ: بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۹- پ: که؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۰- س، لن، ق<sup>۲</sup>، پ، و: هر کس؛ متن= ف، ل، ق، لی، آ، ب؛ در پ این بیت پس از بیت ۸ آمده است ۱۱- ق: <و>؛ ف: جهان نورداد از؛ س، لن، لی، پ، آ، ب: جهان پرز داد و؛ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): جهان گشت روشن؛ در ق<sup>۲</sup> این لت ناخواناست؛ متن= ل ۱۲- آ: همه عود با؛ در پ پس از این بیت بیت ۶ آمده است؛ ف پس از این بیت افزوده است (← جمشید، بیت ۵۵):
- چنین جشن فرخ کزان روزگار  
 بماند از فریدون به ما یادگار
- ۱۳- و: زو ۱۴- آ: بنوش و به خور هیچ





- ۲۵ همان<sup>۱</sup> گنج‌ها را گشادن گرفت  
 گشادن<sup>۲</sup> در گنج را گاه<sup>۳</sup> دید  
 همان جامه و گوهر<sup>۴</sup> شاهوار  
 همان جوشن و خود و ژوپین<sup>۵</sup> و تیغ  
 همه خواسته بر شتر<sup>۶</sup> بار کرد  
 ۳۰ فرستاد نزدیک فرزند چیز  
 چو آن خواسته دید شاه زمین  
 بزرگان لشکر چو بشناختند  
 که ای شاه پیروز<sup>۱۱</sup> یزدان شناس  
 چنین<sup>۱۲</sup> روز روزت فزون باد<sup>۱۳</sup> بخت<sup>۱۴</sup>  
 ۳۵ همه<sup>۱۶</sup> زَر و گوهر برآمیختند  
 همان مهتران از همه<sup>۲۰</sup> کشورش  
 ز یزدان همی خواستند<sup>۲۳</sup> آفرین  
 همه<sup>۲۶</sup> دست برداشته باسَمان  
 که جاوید باد این چنین<sup>۲۸</sup> شهریار  
 ۴۰ وُزان<sup>۳۰</sup> پس فریدون به گرد جهان  
 هر آن چیز کز راه بیداد<sup>۳۱</sup> بود<sup>۳۲</sup>  
 نهاده همه رای دادن گرفت  
 درم خوار شد چون پسر شاه دید  
 همان اسپ تازی به زرین فسار<sup>۵</sup>  
 کلاه و کمر هم نبودش دریغ  
 دل پاک سوی جهاندار کرد  
 زبانی پر از آفرین داشت<sup>۸</sup> نیز  
 پذیرفت<sup>۹</sup> و بر مام کرد آفرین  
 بر شهریار جهان ناختند  
 ستایش<sup>۱۱</sup> مرو را و زویت سپاس  
 بداندیشگان را نگون باد بخت<sup>۱۵</sup>  
 به تخت<sup>۱۷</sup> سپهد<sup>۱۸</sup> فرو ریختند<sup>۱۹</sup>  
 بدان<sup>۲۱</sup> فرخی<sup>۲۲</sup> صف زده بر درش  
 بران<sup>۲۴</sup> تخت و تاج و کلاه و نگین<sup>۲۵</sup>  
 همی خواندندش به نیکی گمان<sup>۲۷</sup>  
 برومند باد این چنین<sup>۲۹</sup> روزگار  
 بگردید و دید آشکار و نهان  
 هر آن<sup>۳۳</sup> بوم و بر کان نه<sup>۳۴</sup> آباد بود<sup>۳۵</sup>

۱- ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: همه؛ و (و نیز ل، ن، آ): سر؛ متن = ل، ق ۲- آ: گشودن؛ ل ن این بیت را ندارد ۳- لی: راه ۴- ل: جامه  
 گوهر ۵- ف- پ، آ: عذار؛ متن = و، ب (و نیز ل، ن، آ) ۶- ق: آ، لی، و: خود زرین؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (ف- ق، پ، آ: ژوپین؛  
 ب: ژوپین) ۷- ف: سر بر سر؛ ل ن این بیت را ندارد؛ متن = ل، س، ق- و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) ۸- و: داد ۹- ب: پذیرفت؛ آ این بیت را ندارد ۱۰-  
 لی: فیروز ۱۱- و (و نیز ل، ن، آ): نیایش ۱۲- ق، آ، لی: همی ۱۳- س: روز نیزت فزون باد؛ ق: روز و روزت فزون باد؛ آ: روزگارت فزون باد؛  
 متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۴- ق: تخت ۱۵- پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): تخت؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:  
 ترا باد پیروزی از آسمان مبادی بجز راد و نیکی گمان  
 وزان پس جهاندیدگان سوی (پ: پیش) شاه ز هر گوشه‌ای بر گرفتند راه  
 ۱۶- ق: همان ۱۷- ل، ق، و: به تاج؛ متن = متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ب ۱۸- لی: فریدون ۱۹- آ: بر آن تخت و تاج شهی ریختند ۲۰- ف:  
 مهتر و کهتر از؛ ب: مهتران همه؛ متن = ل- آ (و نیز ل، ن، آ) ۲۱- ل: بران؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۲- ل- پ، آ، ب: خرمی؛ و (و  
 نیز ل، ن، آ): فرهی؛ متن = ف (و نیز ل، ن، آ) ۲۳- س، ل، ن، ق، لی، پ، آ، ب: خواندند؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۴- ق،  
 لی: بدان؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، پ، و، آ، ب ۲۵- ق: بخت بیدار و تاج و نگین؛ پ، و: تاج و تخت و کلاه و نگین؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، لی، آ، ب  
 ۲۶- ق: همی؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۷- س: همی خواندندش نیکی گمان؛ لی: بنیکی همی خواندندش گمان؛  
 و: گشاده بدو بر بنیکی گمان؛ متن = ف، ل، ن، ق، آ، پ، آ، ب؛ در ق<sup>۲</sup> لهای این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۸- ل، ق، و (و نیز ل، ن، آ): بادا چنین؛ متن =  
 هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۹- ل، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، ن، آ) بادا چنین؛ متن = ف، س، ل، ن، آ، ب ۳۰- و: ازان؛ در ل، ن، ق، آ، لی پس از این  
 بیت، بیت های ۴۴ و ۴۵ آمده‌اند؛ ل پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۳۱- ق: همان چیز کان رانه از داد؛ ل: هر آن چیز کان نزره داد ۳۲-  
 ل- پ، آ، ل، ب: دید؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۳۳- ق، ب، ل، آ: همان؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۳۴- ل، آ: به ۳۵- ل،  
 س، ق- پ، ل، آ، ب: دید؛ در ل ن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن = ف، و، آ (و نیز ل، ن، آ)

۴۵ کجا «کر جهان گوش»<sup>۷</sup> خوانی همی  
 به نیکی فروبست ازو دست بد  
 بیاراست گیتی بسان بهشت  
 ز آمل گذر سوی<sup>۵</sup> تمیشه<sup>۶</sup> کرد  
 چنان کز ره پادشاهان سزد<sup>۱</sup>  
 بجای گیا سرو و<sup>۳</sup> گلبن بکشت  
 نشست اندر آن نامور بیشه کرد  
 جزین نیز نامش<sup>۸</sup> ندانی همی

۵۰ پدر نوز<sup>۱۹</sup> ناکرده از ناز<sup>۲۰</sup> نام  
 ز سالش چو یک پنجه اندر کشید  
 به بخت<sup>۱۱</sup> جهاندار هر سه پسر  
 به بالا چو سرو و<sup>۱۴</sup> به رخ چون بهار<sup>۱۵</sup>  
 ازین<sup>۱۶</sup> سه دو پاکیزه از شهرناز<sup>۱۷</sup>  
 از آن پس بدیشان نگه کرد شاه  
 فریدون از آن نامداران خویش  
 کجا نام او جندل راهبر<sup>۲۴</sup>  
 بدو گفت برگرد گرد جهان  
 ۵۵ سه خواهر<sup>۲۶</sup> ز یک مادر و یک پدر

سه فرزندش آمد گرمی پدید<sup>۹</sup>  
 سه فرخ<sup>۱۱</sup> نژاد ازدر<sup>۱۲</sup> تاج زر<sup>۱۳</sup>  
 به هر چیز مانندهی شهریار  
 یکی کهتر از خوبچهر<sup>۱۸</sup> ارنواز  
 همی<sup>۲۱</sup> پیش پیلان نهادند گام  
 که گشتند زیبای تخت<sup>۲۲</sup> و کلاه  
 یکی را گرانمایه تر<sup>۲۳</sup> خواند پیش  
 به هر کار دلسوزه<sup>۲۵</sup> بر شاه بر  
 سه دختر گزین از نژاد مهان  
 پریچهره و پاک و خسروگر

۱- ل، ق، پ: بنیکی بیست از همه دست بد؛ س، لن، ق، آ، لی، ب، ل: آ: بنیکی بیست او در دست بد (ق: آ: دو دست بدی؛ ل: آ: درو دست بد؛ ب: از آن دست بد)؛ و: بنیکی فروبست آن راه بد؛ آ: بنیکی بشت از جهان دست بد؛ متن= ف ۲- ف: پادشایی (و یا: پادشاهی) سزد؛ ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، آ: ب: چنان کز (ل: چنانک از) ره هوشیاران (ق: هوشیاری؛ ب: شهریاران) سزد؛ ق: آ: پدید آورد اوره ایزدی؛ متن= و (و نیز ل، آ، لن) ۳- ل، لی، آ، ب: < و >؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۴- ل- پ، آ، ل: آ: از؛ متن= ف، و، ب ۵- لی: < سوی > (وزن نادرست است) ۶- لی: تمیشه؛ در لن، ق، آ، لی: این بیت و بیت پس از آن پس از بیت ۴۰ آمده اند ۷- ف: کر (یا: کن) جهان گوش؛ ل- ب: کز (س، ل: آ: کر؛ ق، و: از) جهان گوش (س، ق، و، ل، آ، لی، ب: کوس) ۸- پ: نام نیزش ندانی؛ در لن، ق، آ، لی: این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۴۰ آمده اند ۹- ب: گرمی سه فرزندش آمد پدید ۱۰- ل- آ: به تخت (!) ۱۱- ل- لی، آ، ل، آ، ب: خسرو؛ متن= ف، پ، و (و نیز ل، آ، لن) ۱۲- ل- آ: از بر؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است ۱۳- آ: تاجور ۱۴- ل، لی: < و > (وزن نادرست است) ۱۵- ب: نگار ۱۶- آ: از آن ۱۷- ل: شهنواز؛ ب: دو بودند از شهرناز ۱۸- ق- آ: ب (و نیز ل، آ، لن): خوب رخ؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن= ف، ل، ق: ل پس از این بیت افزوده است:

کهین بود با فر و برز کیان دو مهتر ز کینه سری پر زبان  
 ۱۹- ق، آ، لی، پ: پدر بود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ل: آ: کرده از ناز (وزن نادرست است) ۲۱- ل: همش ۲۲- لی: زیبا بتخت؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ ل، س، ق، این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:  
 چو دید آن سه شه را سزاوار جفت همی جفتشان جست اندر نهفت  
 این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل، لن) نیست ۲۳- ل: آ: بر؛ آ: یکی مرد داننده را؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:  
 پژوهنده دانش و راه و روز بهر کار پیروز و گیتی فروز  
 برخی از دستنویس ها در اینجا یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: فرستادن فریدون جندل را بطلب زن خواستن پسران سلم و تور و ایرج بولایت یمن؛ پ: فرستادن فریدون جندل را بطلب سه خواهران از بهر پسران؛ و: فرستادن شاه فریدون جندل را باطرف جهان؛ ل: فرستادن جندل بطلب زن و فرزندان؛ ب: خواستن فریدون دختر شاه یمن؛ ل- لی، آ سرنویس ندارند ۲۴- ل، ق: جندل پر هنر؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۵- س، پ، و، آ، ل، آ: ب: دلسوز؛ ل، ق: شب و روز دل سوز؛ در لن نیمه دوم این لت پاک شده است؛ متن= ف، ق، آ، لی ۲۶- ف: دختر؛ در لن این بیت پاک شده است؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن)؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: این بیت پس از بیت ۵۷ آمده است؛ پایانی بیت های متن به پیروی از ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن) است

به خوبی سزای سه فرزند من  
 پدر نام ناکرده از نازشان  
 چو بشنید جندل ز خسرو سخن  
 که بیداردل بود و بسیار مغز  
 ۶۰ یکایک ز<sup>۵</sup> ایران سر اندرکشید<sup>۶</sup>  
 به هر کشوری کز جهان مهتری  
 نهفته بجستی همه رازشان  
 ز دهقان پرمایه کس را ندید  
 خردمند و روشن دل و پاک تن  
 ۶۵ نشان یافت جندل مر او را درست<sup>۱۲</sup>  
 خرامان بیامد بنزدیک سرو  
 زمین را بیوسید و چربی<sup>۱۷</sup> نمود  
 به جندل چنین گفت شاه یمن  
 چه پیغام داری چه فرمان<sup>۲۰</sup> دهی؟  
 ۷۰ بدو گفت جندل که خرم بدی<sup>۲۳</sup>  
 از<sup>۲۴</sup> ایران یکی کهترم چون شمن<sup>۲۵</sup>  
 درود<sup>۲۷</sup> فریدون فرخ<sup>۲۸</sup> دهم

چنان چون بشایند پیوند من<sup>۱</sup>  
 بدان تا نخوانند<sup>۲</sup> باوازشان<sup>۳</sup>  
 یکی رای پاکیزه افگند بن  
 زبان چرب و شایسته‌ی کار نغز  
 پژوهند و<sup>۷</sup> هر گونه گفت و شنید  
 به پرده درون داشتی دختری  
 شنیدی<sup>۸</sup> همه<sup>۹</sup> نام و آوازشان  
 که پیوسته‌ی آفریدون<sup>۱۰</sup> سزید  
 بیامد بر سرو، شاه یمن<sup>۱۱</sup>  
 سه دختر چنان کافریدون<sup>۱۳</sup> بجست  
 ز<sup>۱۴</sup> شادی چو پیش<sup>۱۵</sup> گل اندر<sup>۱۶</sup> تذر  
 بران<sup>۱۸</sup> کهتری<sup>۱۹</sup> آفرین برفزود  
 که بی آفرینت مبادا دهن  
 فرستاده‌ی گر<sup>۲۱</sup> گرامی مهی<sup>۲۲</sup>؟  
 همیشه ز تو دور دست بدی  
 پیام آوریده<sup>۲۶</sup> به شاه یمن  
 سخن هر چه پرسى تو<sup>۲۸</sup> پاسخ دهم

۱- ل، س، ق، و، آ (و نیز ل، ن، آ): بشاید بیوند من؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب؛ ل پس از این بیت، ق پس از بیت ۵۷ و پ پس از بیت ۵۵ افزوده‌اند:

ببالا و دیدار هر سه یکی که این را ندانند ازان اندکی

۲- س، ق، و، ب: نخواند؛ ل این بیت را ندارد؛ در لن این بیت پاك شده است؛ متن = ف، آ، ل، آ (و نیز ل، آ) ۳- ل، آ: آوازشان؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب پس از این بیت بیت ۵۵ آمده است ۴- ل- پ، آ، ل، آ، ب: پاکیزه؛ و (و نیز ل، ن، آ): بیدار؛ متن = ف؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ببخت تو ای شاه گفتا بدهر بگردم بهر بوم و هر مرز و شهر

ل، ق، پ بجای بیت بالا افزوده‌اند:

ز پیش سپهبد برون شد براه ابا چند تن مرورا نیکخواه

۵- س، لن، ق، آ، ل، آ: از؛ ب: که؛ متن = ف، ل، لی، پ، و، آ ۶- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: همه برسید؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ ۷- س، ق، آ، لی، آ: < و >؛ در س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب این بیت پس از بیت ۶۲ آمده است ۸- ف: شنیده؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۹- ق: همی؛ در س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب پس از این بیت بیت ۶۰ آمده است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، لن، لی: آمدن (لی: رفتن) جندل بنزدیک شاه (لی: سرو شاه) یمن؛ ق، آ: رسیدن (ق: رفتن) جندل بنزد سرو شاه یمن بدختر خواستن (ق: آ: بخواهش دختران) ۱۰- و: که پیوستگی با فریدون ۱۱- لی: بیامد بر شاه سرو یمن ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: بر او (س، آ: بدو) بر درست؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، آ) ۱۳- ل- ق، آ، پ، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): چنان چون فریدون؛ متن = ف، لی ۱۴- س، لن، ق، آ، لی- ب: به؛ متن = ف (و نیز ل، آ) ۱۵- ل، ق: چنان چون پیش ۱۶- ق، آ، لی: آید ۱۷- ل: خوبی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۸- ق: بدان ۱۹- پ: کهتران؛ آ: مهتری؛ ب: بسان رهی؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

که جاوید بادا سرافراز شاه همیشه فروزنده تاج و گاه

این بیت در نه دستنویس دیگر (و نیز در ل، ن، آ) نیست ۲۰- و: پاسخ ۲۱- ف- و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): یا؛ متن = ل ۲۲- س، لن، لی، و: رهی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- لی (و نیز ل، ن، آ): بزی؛ آ: بوی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴- آ: به ۲۵- لی، پ (و نیز ل، ن، آ) سمن ۲۶- ل، لن، ب: آورنده؛ س: آورنده (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل، آ (و نیز ل، ن، آ): آوردیم؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۷- و: درود از ۲۸- ل: هر چه پرسند؛ س، لن، پ، آ، ل، آ، ب: هر چه پرسیم؛ متن = ف، ق، آ، لی، و (و نیز ل، ن، آ)

ترا آفرین از فریدون گرد  
 مرا<sup>۲</sup> گفت شاه<sup>۴</sup> یمن را بگوی  
 ۷۵ همیشه تن آزاد بادت ز رنج<sup>۵</sup>  
 بدان ای سر مایه‌ی تازیان  
 که شیرین تر از جان<sup>۱۱</sup> و<sup>۱۲</sup> فرزند<sup>۱۳</sup> و<sup>۱۴</sup> چیز  
 [پسندیده تر کس ز فرزند نیست  
 به سه دیده<sup>۱۶</sup> اندر جهان گر کس ست<sup>۱۷</sup>  
 ۸۰ گرامی تر از<sup>۱۹</sup> دیده آنرا شناس  
 چه گفت آن خردمند پاکیزه مغز  
 که پیوند کس را نیاراستم<sup>۲۳</sup>  
 خرد یافته مرد نیکی سگال  
 که<sup>۲۶</sup> خرم<sup>۲۷</sup> به مردم بود روزگار  
 ۸۵ مرا<sup>۲۸</sup> پادشاهی آباد هست  
 سه فرزند شایسته‌ی تاج و گاه<sup>۳۱</sup>  
 بزرگ آن کسی کو<sup>۱</sup> نداردش<sup>۲</sup> خرد  
 که بر گاه تا مشک بوید بیوی<sup>۵</sup>  
 پراکنده رنج و بیاکنده گنج<sup>۷</sup>  
 کز اختر<sup>۸</sup> بدی<sup>۹</sup> جاودان بی زیان<sup>۱۰</sup>  
 همانا که چیزی نباشد بنیز<sup>۱۴</sup>  
 چو پیوند فرزند پیوند نیست<sup>۱۵</sup> [  
 سه فرزند، ما را سه دیده بس ست<sup>۱۸</sup>  
 که دیده به<sup>۲۰</sup> دیدنش دارد سپاس  
 کجا داستان زد به<sup>۲۱</sup> پیوند<sup>۲۲</sup> نغز  
 مگر کهش به از خویشتن خواستم<sup>۲۴</sup>  
 همی دوستی را نجوید<sup>۲۵</sup> همال  
 نه نیکو بود بی سپه شهریار  
 همان<sup>۲۸</sup> گنج و مردان<sup>۲۹</sup> و بنیاد هست<sup>۳۰</sup>  
 اگر<sup>۳۲</sup> - داستان را - بود گاه و گاه<sup>۳۳</sup> (!)

۱- ل: کش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- و: ندانش ۳- و: بمن ۴- و: سرو ۵- پ: بیوی ۶- ف، لن، ق، لی، پ، ل: همیشه تن آباد  
 بادت ز رنج (ق: گنج)؛ ل، س: همیشه تن آزاد بادت بگنج؛ ق، و (و نیز ل): خجسته بزی شاد بی درد و رنج؛ متن = آ، ب ۷- ل: پراکنده گنج و  
 پراکنده رنج؛ س، لی، پ، آ، ل: ب: پراکنده رنج و پراکنده گنج؛ ق: بیاکنده گنج و پراکنده رنج؛ متن = ف، لن، ق، و (و نیز ل) ۸- پ: که اختر؛  
 ل: که زخر (!) ۹- ف: تویی؛ ق، لی: بزی؛ و (و نیز لن): بوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۰- ل: بی زیان (!) ۱۱- و: <و> ۱۲-  
 ف، س- ب: <و>؛ متن = ل ۱۳- و: چیست ۱۴- لی: عزیز؛ ل: نباشند نیز؛ و: بهین جوهری در جهان آدمیست؛ متن = نه دستنویس دیگر  
 ۱۵- س: چو پیوند فرزند فرزند نیست؛ آ: چو فرزند شیرین به پیوند نیست؛ ف، و (و نیز ل، لن) این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۶-  
 ل، س، ب: پسندیده؛ آ: بسی دیده؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، و، ل: کسبست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ف، و، ل: دو دیده بود مر  
 مرا دیده شست (و: دیده ایست؛ ل: دیده سیست)؛ ل: سخن دانشی را از این در بسبست؛ س: سه فرزند او را سه دیده بس است؛ متن = لن، ق، لی،  
 پ، آ، ب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ل پس از این بیت افزوده است:

که گر نه بر امید فرزندی بزنی هیچ گونه نپیوندمی  
 دگر گونه گوید همی رهنمای ازین در بسی دانش آرد بجای

۱۹- ل: گرنا ترا ۲۰- س، و، آ، ب: ز؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ل- و: ز؛ متن =  
 ف، آ، ل، ب ۲۲- لن، ق، آ، پ: فرزند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- ل: نیاراستند ۲۴- لی: داشتم؛ ل: خواستند ۲۵- ف، س، ق، آ، پ:  
 نجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، ب (و نیز ل): بجوید؛ و (و نیز لن): بخواهد؛ متن = ق، لن، لی، ل ۲۶- ل- پ، آ، ب: چو؛ ل این بیت را  
 ندارد؛ متن = ف، و (و نیز ل، لن) ۲۷- ل (و نیز ل): خورم ۲۸- ل، ق: هم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- لن، پ، و، ب: مردی؛ متن = هشت  
 دستنویس دیگر ۳۰- ل- پ، ل، آ، ب: نیروی دست؛ متن = ف، و، آ (و نیز ل، لن)؛ در ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل) این بیت با بیت سپسین پس و پیش  
 شده است و در ل، ق در میان آنها سه بیت زیر را افزوده‌اند:

مرا داد دادار فریاد بخش بدیشان شب و روز من هست کش  
 ق: بدیشان مرا شب چو روزست خوش  
 سپاسم ز یزدان که او داد دست مرا بر چنین دستگاه و نشست  
 ز هر گونه چون بنگرم روزگار مرا هست خود بخت آموزگار

۳۱- ق: سه شایسته تاج و زیبای گاه؛ و: گرامی سه فرزند دارم چو ماه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- ل: دگر ۳۳- ل، س، ق، لی، پ، آ: کاه ماه؛  
 لن: کاه شاه؛ ق: شاه ماه؛ ل: کاه و ماه؛ و: سزاوار دیهیم و تخت و کلاه؛ ب: اگر آن نشان را بود کاه و ماه؛ (ل: اگر داستانها بود شاه یار؛ لن: کاه  
 و شاه)؛ متن = ف؛ در ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در ل، ق در میان آنها سه بیت افزوده‌اند (← ۸۵ پ)

به هر آرزو دست ایشان<sup>۱</sup> دراز  
 بیاید همی<sup>۴</sup> شاهزاده سه، جفت  
 بدان<sup>۵</sup> آگهی تیز<sup>۶</sup> بشتافتم  
 سه پاکیزه داری تو ای نامجوی  
 چو بشنیدم<sup>۹</sup> این شد دلم<sup>۱۰</sup> شادکام  
 چُن<sup>۱۱</sup> اندرخور آید<sup>۱۲</sup> نکردیم یاد  
 بیاید برآمیخت<sup>۱۵</sup> يك<sup>۱۶</sup> بادگر  
 سزا را سزا کار<sup>۱۸</sup> بی گفت و گوی<sup>۱۹</sup>  
 تو پاسخ گزار<sup>۲۱</sup> آنچه<sup>۲۲</sup> آیدت<sup>۲۳</sup> یاد

پیژمرد چون زآب گنده سمن<sup>۲۵</sup>  
 نبینم<sup>۲۸</sup> سه ماه<sup>۲۹</sup> جهان بین من  
 نباید<sup>۳۲</sup> گشادن به پاسخ<sup>۳۳</sup> دو لب  
 مرا چند رازست با رهنمون  
 به هر کار هستند<sup>۳۷</sup> انباز من

پس آنگه به کار اندرون بنگرید

ز هر کام و هر خواسته بی نیاز  
 مرین<sup>۳</sup> سه گرانمایه را در نهفت  
 ز کارآگهان آگهی یافتم  
 کجا از پس پرده پوشیده روی  
 مران<sup>۷</sup> هر سه را نوز<sup>۸</sup> ناکرده نام  
 که ما نیز نام سه فرخ نژاد  
 کنون این<sup>۱۳</sup> گرامی دو<sup>۱۴</sup> گونه گهر  
 سه پوشیده رخ را سه دیهیم جوی<sup>۱۷</sup>  
 فریدون پیامم برین<sup>۲۰</sup> گونه داد  
 ۹۰

پیامش چو بشنید شاه<sup>۲۴</sup> یمن  
 همی گفت<sup>۲۶</sup> اگر<sup>۲۷</sup> پیش بالین من  
 مرا روز روشن بود<sup>۳۰</sup> تاره<sup>۳۱</sup> شب  
 شتابش<sup>۳۴</sup> نباید به پاسخ کنون<sup>۳۵</sup>  
 بریشان گشاده کنم<sup>۳۶</sup> راز من  
 ۱۰۰

فرستاده را زود جای<sup>۳۸</sup> گزید

۱- ل، ق: دست گشته؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۲- ق: در آرز؛ لی پس از این بیت افزوده است:

سه پور گرانمایه دارم چو ماه سزاوار دیهیم و تخت و کلاه (= ۸۶)

۳- ل، ق: < این > (وزن نا درست است) ۴- ل: کنون؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۵- ل- پ، آ، ل، ب: بدین؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۶- ل: سز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ ق: نیز؛ آ: تیر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- ق: بدان ۸- لی: بور؛ ق: از ناز ۹- س، ل، ن (و نیز ل، ن، آ): چو بشنید ۱۰- ل: دل شدم ۱۱- ل- ب: چو؛ متن = ۱۲- ق: آمد ۱۳- ب: ای ۱۴- آ: سه ۱۵- ل، ن، ق، آ، لی، پ: بر آمیخت باید؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۶- ف، س، ق، و- ب (و نیز ل، ن، آ): با یکدیگر؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ: ابا یکدیگر؛ متن = ل ۱۷- ق: جو؛ و (و نیز ل، ن، آ): سه پوشیده را با سه دیهیم جوی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- ل، و (و نیز ل، ن، آ): سزارا سزاوار؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: سزا در سزا کار؛ ل: سزا در سزایند؛ متن = ف، ق ۱۹- ل: بی گفت گوی؛ ق: بی گفت و گو ۲۰- ل- ل، لی، ل، آ: بدین؛ و: ازین؛ متن = ف، پ، آ، ب ۲۱- ف: گذار؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۲۲- ق- ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، ل، ن ۲۳- و: بایدت داد ۲۴- ق: سرو ۲۵- س، ل، ن، ق، آ، لی، آ: چون آب گنده سمن؛ ق: چون ز آب گنده دهن؛ ل: چون شاخ کبک سمن؛ ب: چون شاخ گنده سمن؛ متن = ف، ل، پ، و ۲۶- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بدل گفت؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۲۷- ل: گر؛ ق: کز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- ل- ق، آ، پ، آ، ل، ب: نبیند؛ لی: به بیند؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۹- ل، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: سه ماه این؛ متن = ف، ق، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) ۳۰- س، ل، ن، ق، آ- ب: شود؛ متن = ف، ل، ق ۳۱- ف، ل، ن، پ، و، آ، ب: تار؛ ق، آ، لی: تیره؛ ل: باز؛ متن = ل، س، ق (و نیز ل، ن، آ) ۳۲- س، ل، ن، ق، آ (و نیز ل، ن، آ): بیاید؛ ل، ق، آ: باید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) ۳۳- ف، ب: به پاسخ گشادن؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۳۴- ف- ق، آ، پ، ل، آ، ب: شتاب؛ و (و نیز ل، ن، آ): ستایش؛ آ: شتابم؛ متن = ل، آ) ۳۵- لی: بیاسخ شتابت نیاید کنون؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ در ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب این بیت با بیت سپسین و در ل با بیت ۱۰۰ پ پس و پیش شده است، پیاپی بیت های متن = و (و نیز ل، ن، آ) ۳۶- ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: گشاده برایشان (لی: بدیشان) بود؛ و: برایشان گشاده کند؛ متن = ل، آ، ل، ن، آ) ۳۷- ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: به هر نیک و بد باشد (ف، ق، آ: بوده)؛ متن = و (و نیز ل، ن، آ)؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ در ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب این بیت با بیت پیشین و در ل با بیت ۱۰۰ پ پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = و (و نیز ل، ن، آ)؛ ل، ق بجای بیت ۱۰۰ بیت زیر را آورده اند:

سراینده را گفت کای نامجوی زمان باید اندر چنین گفت گوی (ق: جست و جوی)

۳۸- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ: فرستاده را جایگاهی؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در آ از بیت ۹۹ تا ۱۰۵ در هم ریخته اند: ۱۰۰، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۵

به انبوه اندیشگان درنشست  
 بر خویش خواند آزموده سران  
 همه راز يك يك بدیشان<sup>۳</sup> بگفت  
 سه<sup>۴</sup> شمع ست روشن ز<sup>۵</sup> دیدار بیش<sup>۶</sup>  
 بگسترده پیشم یکی خوب<sup>۷</sup> دام  
 یکی راز<sup>۸</sup> خواهم<sup>۹</sup> زدن با شما  
 که ما را سه<sup>۱۰</sup> شاهست<sup>۱۱</sup> با تاج و گاه<sup>۱۲</sup>  
 به سه روی پوشیده فرزند من<sup>۱۳</sup>  
 دروغ ایچ کی درخورد<sup>۱۴</sup> با مہی  
 شود دل پر<sup>۱۵</sup> آتش، پر از آب روی<sup>۱۶</sup>  
 هراسان شود دل از آزار<sup>۱۷</sup> اوی<sup>۱۸</sup>  
 نه بازیست با او<sup>۱۹</sup> سگالید کین  
 که ضحاک را زو چه آمد بروی<sup>۲۰</sup>  
 سراسر به من بر بیاید<sup>۲۱</sup> گشاد

گشادند يك يك به پاسخ زبان  
 که هر باد را تو بجنسی ز جای  
 نه ما<sup>۲۲</sup> بندگانیم با گوشوار

بیامد<sup>۱</sup> در<sup>۲</sup> بار دادن بیست  
 فراوان کس از دشت نیزه‌وران  
 نهفته برون آورید از نهفت  
 ۱۰۵ که ما را به<sup>۳</sup> گیتی ز فرزند خویش<sup>۴</sup>  
 فریدون فرستاد<sup>۵</sup> زی ما<sup>۶</sup> پیام  
 همی کرد خواهد ز چشم<sup>۷</sup> جدا  
 فرستاده گوید: چنین گفت شاه  
 گراینده<sup>۸</sup> هر سه به پیوند من<sup>۹</sup>  
 ۱۱۰ اگر گویم آری و دل زان تهی  
 وگر آرزو را<sup>۱۱</sup> رسانم<sup>۱۲</sup> بدوی<sup>۱۳</sup>  
 وگر سر پیچم ز گفتار<sup>۱۴</sup> اوی<sup>۱۵</sup>  
 کسی کو بود شهریار زمین  
 شنید این سخن<sup>۱۶</sup> مردم راهجوی<sup>۱۷</sup>  
 ۱۱۵ ازین<sup>۱۸</sup> در سخن هرچنان هست یاد<sup>۱۹</sup>

جهان آزموده دلاور سران  
 که ما همگنان این<sup>۲۰</sup> نبینیم رای  
 اگر شد فریدون جهان<sup>۲۱</sup> شهریار

۱- ل: ۲؛ بیاید ۲- ف: بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن: ۲)؛ در ل، س، لن، ق: ۲، لی، پ، ل: ۲، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ بیایی بیت‌های متن = ف، ق، و (و نیز ل: ۲، لن: ۲) ۳- ل- ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲): همه رازها پیش ایشان؛ متن = ف ۴- س- ل: ۲ (و نیز ل: ۲، لن: ۲)؛ ز؛ متن = ف، ل، ب ۵- ل، س، لن، ق: ۲، لی، ب: ز پیوند خویش؛ ق: سه شمعت بیش؛ پ، آ، ل: ۲؛ و پیوند خویش؛ و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): سه فرزند خویش؛ متن = ف ۶- ف: ز؛ متن = ل، س، لن، ق: ۲، لی، ب ۷- ل، لن، ق: ۲، لی، پ: به؛ س: چو؛ متن = ف، و، آ، ل، ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲) ۸- س: فرزند خویش؛ آ: پیوند بیش؛ ق: بدیدار روشن ز پیوند خویش ۹- لی: فرستاده ۱۰- ل، س، لن، ق: ۲، لی، پ، آ (و نیز ل: ۲): زی من؛ ق: نزد؛ ل: ۲، ب: زین من؛ متن = ف، و ۱۱- لی: چرب ۱۲- و: پیشم ۱۳- ل- ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲): رای؛ متن = ف ۱۴- ل: باید ۱۵- آ: شه ۱۶- ف، س: ماهست؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن: ۲) ۱۷- ل، لن، پ: زیبای گاه؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مشورت کردن سرویمن با مهتران و بزرگان عرب و پیوندی کردن او با افریدون ۱۸- لن، ق: ۲، لی، و، ل: ۲، ب (و نیز ل: ۲): گرایند؛ آ (و نیز لن: ۲): گر آیند؛ متن = ف، ل، س، ق: ۲، پ ۱۹- پ: گراینده مهر و پیوند تو ۲۰- پ: تو ۲۱- ل، ق: دروغم نه اندر خورد؛ س، و، آ، ب: دروغ ایچ نه اندر خورد (و: نه در خورد)؛ لن، لی، پ: دروغ آن نه اندر خورد؛ ق: ۲ (و نیز ل: ۲): دروغ ایچ اندر خورد؛ ل: ۲: دروغ آنچه نه در خورد؛ متن = ف ۲۲- ل- ق: ۲، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل: ۲): آرزوها؛ متن = ف، لی (و نیز لن: ۲) ۲۳- ل- ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲): سپارم؛ متن = ف ۲۴- آ: بدو ۲۵- ف: ز ۲۶- آ: رو؛ لی: پر از گفت و گوی؛ س: هراسان شود دل ز تیمار اوی (= ۱۱۲ ب)؛ ق: ۲: شود دلش پر آتش از آب روی؛ و (و نیز لن: ۲): شود دلش پر آتش و گفت و گوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ س ۱۱۱ ب و ۱۱۲ آ را انداخته و از ۱۱۱ و ۱۱۲ ب يك بیت ساخته است ۲۷- ل، لن، ق: ۲، لی، پ، آ، ل، ب: فرمان؛ ق: پیمان؛ متن = ف، و (و نیز ل: ۲) ۲۸- ل، آ: او ۲۹- لن، لی، پ، آ، ل، ب: پیمان؛ ل، ق: بيك سو گراییم ز پیمان (ق: فرمان)؛ متن = ف، و (و نیز ل: ۲، لن: ۲) ۳۰- ل، آ: او؛ ق: ۲: که ضحاک را زو چه آمد بروی (= ۱۱۴ ب) ۳۱- و (و نیز ل: ۲، لن: ۲): برنجست با وی ۳۲- ل، ق: شنید ستم از؛ پ: شنید آن سخن؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- ق: راه جو ۳۴- ق: برو؛ ق: ۲: هراسان شدند و پر از گفت و گوی (= ۱۱۲ ب) ۳۵- ق: ۲: کزین ۳۶- ل: هرچ دارید یاد ۳۷- ل: ۲: نباید؛ ل: ۲ پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن موبدان مر شاه یمن را ۳۸- ل، پ: آن ۳۹- ف، س- پ، آ، ل، ب: چنین؛ متن = ل، و (و نیز ل: ۲، لن: ۲) ۴۰- س: که ما؛ لی: ترا

عنان و سنان تافتن<sup>۲</sup> دین ماست  
به نیزه هوا<sup>۵</sup> را نیستان کنیم  
سر بدره بگشای<sup>۶</sup> و لب را بیند  
بترسی ازین پادشاهی همی  
که کردار آن را<sup>۱۱</sup> نبیند راه

نه سر دید آنرا به<sup>۱۴</sup> گیتی نه بن<sup>۱۵</sup>  
فراوان سخن<sup>۱۶</sup>ها به چربی<sup>۱۷</sup> براند  
به هر چم<sup>۱۸</sup> بفرمود فرمانبرم  
سه فرزند تو بر تو بر<sup>۲۰</sup> ارجمند  
بویژه<sup>۲۱</sup> که زیبا بود گاه را  
ز دختر من<sup>۲۴</sup> اندازه گیرم همی  
وگر دشت گردان و تخت یمن<sup>۲۶</sup>  
نبینم<sup>۲۸</sup> به هنگام بایست پیش  
نشاید زدن جز به فرمانش گام  
برون آنگه آید ز دربند من<sup>۳۲</sup>  
فروزندهی تاج و گاه<sup>۳۳</sup> ترا  
شود روشن این<sup>۳۵</sup> شهر تاریک من

سخن گفتن و بخشش<sup>۱</sup> آیین ماست  
۱۲۰ به خنجر زمین را<sup>۳</sup> میستان<sup>۴</sup> کنیم  
سه فرزند اگر بر تو هست ارجمند  
وگر چاره بی پاره<sup>۸</sup> خواهی همی  
ازو<sup>۹</sup> آرزوهای پرمایه خواه

چو بشنید از آن کاردانان<sup>۱۳</sup> سخن  
۱۲۵ فرستادهی شاه را پیش خواند  
که من شهریار ترا کهترم  
بگوش که گر چه تو<sup>۱۹</sup> هستی بلند  
پسر خود گرامی بود شاه را  
سخن هر چه<sup>۲۲</sup> گفتی<sup>۲۳</sup> پذیرم همی  
که گر<sup>۲۵</sup> پادشا دیده خواهد ز من  
مرا خوار تر چون<sup>۲۷</sup> سه فرزند خویش  
اگر<sup>۲۹</sup> شاه را<sup>۳۰</sup> این چنین ست کام  
به فرمان شاه این سه فرزند من  
کجا من بینم سه شاه ترا  
۱۳۵ به شادی بیایند نزدیک<sup>۳۴</sup> من

۱- ل: کوشش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۲- آ: داشتن؛ ل: یافتن ۳- آ (و نیز ل، ۲): شمرها؛ در لن این لت پاک شده است ۴- ل: می استان ۵- ق: زمین ۶- ق: بگشا ۷- ل: زبند؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- ف: چاره باره؛ ل: چاره کار؛ س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: چاره کرد؛ و: چاره باره؛ (ل: چاره تازه؛ لن: چاره بار)؛ ق: (چاره بی باره) ۹- و: از <و> (وزن نادرست است) ۱۰- ل- ق، لی- آ، ب (و نیز ل، ۳، لن، ۲): جوی؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن= ل، ۱۱- ل: <را> (وزن نادرست است) ۱۲- ل، س، لن، لی- آ، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): روی؛ ق: نبیند بروی؛ متن= ل، ۱۳- ل، ق: نامداران؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۴- ق: ز ۱۵- ف: نه سر دید کین را بنیزونه بن؛ و: نه سر دید این کار را و نه بن؛ آ: نه سر دید پیدا مر آنرا نه بن؛ (ل: نه سر دید پیدا سخن را نه بن؛ لن، ۲: نه سر دید کین را و نه نیز بن)؛ متن= ل، س، لن، ق، لی، پ، ل، ب؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، پ: پاسخ دادن سرو شاه یمن جندل را؛ و: پاسخ دادن سرو شاه یمن پیغام شاه فریدون را ۱۶- پ: سخن را ۱۷- ل، لن- پ، ل: بخوبی؛ و بخوبی سخنها فراوان؛ آ: بخوبی فراوان سخنها؛ متن= ل، س، ب ۱۸- ل- ق، لی، ل، آ، ب: بهر چ او؛ ق: بهر چون؛ پ: بهر چه او (وزن نادرست است)؛ متن= ل، ف، و، آ (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۱۹- ق: بگوش اگر چه تو؛ و: بگوش که هر چند؛ ل: بگوش که گر تو چه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۰- پ: سه فرزند تو بر تو است؛ ل: سه فرزند بر تو بود؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۱- ف: بخاصه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۲۲- ل، لن: هر چ؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- س: گفتم؛ و: گویی ۲۴- ف: از اختر من؛ لن، ق، لی، پ: ز فرزند؛ و: ز دختر هم؛ متن= ل، س، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۲۵- ل- ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): اگر؛ متن= ل، ف ۲۶- س: وگر تخت گردان و دشت یمن ۲۷- و: کین ۲۸- پ: به بینم؛ درس لت دوم این بیت افتاده است ۲۹- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: پس از؛ درس این بیت افتاده است؛ متن= ل، ق، و (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۳۰- ل- آ: شا؛ و: را <پاک شده است> ۳۱- درس این لت افتاده است ۳۲- ل، و (و نیز ل، ۲، لن، ۲): آید زیبوند من؛ آ: آیند از پند من؛ س: برون آید آنگه ز دربند من؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ س ۱۳۱، ب، ۱۳۲ و ۱۳۳ آرا انداخته و از ۱۳۱ و ۱۳۳ ب یک بیت ساخته است ۳۳- ب: گاه و تاج ۳۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: بیایند شادان (ل: هر سه؛ لی: ایشان؛ ب: شاهان) نزدیک؛ ق: فرستاد باید نزدیک؛ متن= ل، ف، و (و نیز ل، ۲، لن، ۲) ۳۵- پ: آن

کنم<sup>۱</sup> شادمان دل به دیدارشان  
 بینم که شان دل<sup>۳</sup> پر از داد هست  
 پس آنگه سه روشن جهان بین من<sup>۴</sup>  
 که ت آید<sup>۷</sup> به دیدار ایشان نیاز

۱۴۰ سراینده جندل چو پاسخ شنید  
 پر از آفرین لب، ز ایوان او<sup>۱۱</sup>  
 بیامد چو نزد فریدون رسید

سه فرزند را خواند شاه جهان  
 ز پویدن<sup>۱۴</sup> جندل و رای<sup>۱۵</sup> خویش  
 ۱۴۵ چنین گفت کان<sup>۱۶</sup> شهریار یمن  
 چو<sup>۱۷</sup> ناسفته گوهر سه دخترش بود  
 فروش ار بیابد چن<sup>۱۸</sup> ایشان عروس  
 ز بهر شما از پدر خواستم  
 کنون تان بیاید بر او<sup>۲۱</sup> شدن  
 ۱۵۰ سراینده<sup>۲۴</sup> باشید و بسیار هوش  
 به چربی<sup>۲۶</sup> سخنهاش پاسخ دهید  
 ازیرا که پرورده‌ی پادشا  
 سخن گوی و<sup>۲۹</sup> روشن دل و پاک تن<sup>۳۱</sup>

بینم<sup>۲</sup> روان های بیدارشان  
 به زنهارشان دست گیرم به دست  
 سپارم بدیشان<sup>۵</sup> به<sup>۶</sup> آیین من<sup>۴</sup>  
 فرستم سبکشان<sup>۸</sup> بر<sup>۹</sup> شاه باز

بیوسید تختش<sup>۱۱</sup> چنان چون سزید  
 سوی شهریار جهان<sup>۱۲</sup> کرد روی  
 بگفت آن، کجا گفت و پاسخ شنید

نهفته برون آورید از نهان<sup>۱۳</sup>  
 سخن ها همه پاک بنهاد پیش  
 سر انجمن، سرو سایه فگن  
 نبودش پسر، دختر افسرش بود  
 دهد پیش هریک مگر خاک بوس<sup>۱۹</sup>  
 سخن های بایسته آراستم<sup>۲۰</sup>  
 به هر<sup>۲۲</sup> بیش و کم<sup>۲۳</sup> رای فرخ زدن  
 به گفتار او بر نهاده<sup>۲۵</sup> دو گوش  
 چو پرسد سخن<sup>۲۷</sup> ، رای فرخ نهید  
 نباید که باشد مگر<sup>۲۸</sup> پارسا  
 سزای ستودن به هر انجمن<sup>۳۱</sup>

۱- ل- ق- آ، پ- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): شود؛ متن= ف، لی ۲- آ: به بیند ۳- لی، و، ب: بینم که دلشان؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ف، س، لن، لی- ب این بیت با بیت سببین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن= ل، ق ۴- ف، ل، و، ل<sup>۲</sup>، ب: خویش؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= س، لن، ق، لی، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۵- ف، س، لن، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: بدیشان سپارم؛ متن= ل، ق، و، ب ۶- ل، لن، بر؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در ف، لن، لی- ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های متن= ل، ق ۷- ل، ق، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): چو آید؛ ق<sup>۲</sup>، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): گر آید؛ آ: کش آید؛ ل<sup>۲</sup>: چنان بد؛ متن= متن= ف، س، لن، لی، پ ۸- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): سبکشان فرستم ۹- ل، و: سوی؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰- ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>): دستش؛ در ق<sup>۲</sup> پس از این بیت بیت ۱۴۳ آمده است ۱۱- آ: او (پساوند درست نیست) ۱۲- ل<sup>۲</sup>: سوی شاه ایرانیان ۱۳- در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۱۴۰ آمده است ۱۴- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: از آن رفتن؛ متن= ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۵- ق<sup>۲</sup>: راز ۱۶- ل- پ، آ- ب: کین؛ و: که؛ متن= ف (و نیز ل<sup>۳</sup>) ۱۷- پ: ز؛ ل<sup>۲</sup>: سه؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر آموختن شاه فریدون پسران را که به مهمانی شاه سرو یمن چگونه کنند و گویند ۱۸- ف- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ل<sup>۲</sup> ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: مگر پیش هر سه دهد خاک بوس؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): دهد بربر هر یکی خاک بوس؛ آ: زمین را دهد پیش آن هر سه بوس؛ متن= ل، ق ۲۰- ب: پیراستم ۲۱- ق، آ، لی (و نیز لن<sup>۲</sup>): کنون تان (لی: < تان > (وزن نادرست است)) بر او بیاید ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: زهر؛ متن= ف، ل، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۳- ق، ب: نیک و بد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۴- ف: ستانیده (→ ستانیده)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۵- لی: در نهاده ۲۶- ل، ق، ب: بخوبی؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو پرسد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- و: بر او همه ۲۸- ل، ل<sup>۲</sup>: بجز؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۹- ف: < و > ۳۰- ل- پ، ل<sup>۲</sup>، ب: پاک دین؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳۱- ل- پ، ل<sup>۲</sup>: بکاری که پیش آیدش (لن، پ: آیدت) پیش بین (ق<sup>۲</sup>: پاک بین)؛ متن= ف، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ در ل، ق، پ این بیت یکبار هم برابر ف پس از بیت ۱۵۶ (در ل، پ) و پس از بیت ۱۷۲ (در ق) آمده است



زبان راستی را برآراسته<sup>۱</sup>      ۱۵۵ [شما هرچ<sup>۳</sup> گویم ز من بشنوید  
 خرد ساخته کرده بر خواسته<sup>۲</sup>      یکی ژرف بین ست شاه یمن  
 اگر کار بندید خرم<sup>۴</sup> بوید<sup>۵</sup> ]      نباید که گیرد<sup>۶</sup> شما را زبون  
 که چون او نباشد به هر انجمن<sup>۷</sup>      به روز نخستین یکی بزمگاه<sup>۸</sup>  
 بکار آورد مرد بینا<sup>۹</sup> فسون      سه خورشیدرخ را چو باغ بهار<sup>۱۰</sup>  
 بسازد، شما را دهد پیشگاه      نشانند بران<sup>۱۱</sup> تخت شاهنشاهی  
 بیارد پر از بوی و رنگ<sup>۱۱</sup> و نگار      به بالا و دیدار هر سه یکی  
 سه خورشیدرخ را چو سرو سهی<sup>۱۳</sup>      از آن<sup>۱۶</sup> هر سه کهتر بود پیشرو  
 که از مه<sup>۱۴</sup> ندانند باز اندکی<sup>۱۵</sup>      نشیند کهین نزد مهتر پسر  
 مهین باز پس در<sup>۱۷</sup> میان ماه نو      میانین<sup>۲۱</sup> نشیند هم اندر میان  
 مهین<sup>۱۸</sup> ماه<sup>۱۹</sup> نزد کهین<sup>۲۰</sup> تاجور      پیرسد شما را کزین سه همال  
 بدان! کهت ز دانش نیاید زیان<sup>۲۲</sup>      میانین<sup>۲۴</sup> کدامست و<sup>۲۵</sup> کهتر<sup>۲۶</sup> کدام  
 کدامین<sup>۲۳</sup> شناسید مهتر به سال      بگوید کان برترین کهترست  
 بیاید برین<sup>۲۷</sup> گونه‌تان برد نام<sup>۲۸</sup>      میانین<sup>۲۹</sup> خود اندر میانست راست

۱- ل- ب (و نیز ل، ن، آ) : بیاراسته ؛ متن = ف ۲- ل، ق : خرد خیره (→ چیره) کرده ابر خواسته ؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب : خرد داشته گنج بر  
 (ب : پر) خواسته ؛ و : خرد خواسته کرده بر خواسته ؛ آ : خرد ساخته کرد بر خاسته ؛ متن = ف ۳- س، ق- و، ل، آ، ب : هر چه ؛ ف، آ این بیت را نداشتند ؛  
 متن = ل، لن، ۴- ل : خورم ۵- س- و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) : شوید ؛ متن = ل ۶- درل، پ پس از این بیت، بیت ۱۵۳ آمده است ؛ س، لن،  
 ق، آ، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت و ل، پ پس از آوردن بیت ۱۵۳ بیت زیر را افزوده اند :

همش گنج بسیار و هم لشکر است (لی : لشکرند) (پساوند نادری است) ((  
 همش دانش و رای و هم افسرست  
 این بیت در ف، ق، آ نیست ۷- ل- ب (و نیز ل، ن، آ) : یابد ؛ متن = ف ۸- ل- ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب : دانا ؛ لی : ناگهان يك ؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ) ۹-  
 و : رزم گاه ۱۰- و : بسان بهار ؛ ق : سه خورشید را همچو باغ بهار ؛ ل : سه خورشید رخ چون سه باغ بهار ؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل : بوی  
 رنگ ؛ س، ق، آ، و، آ (و نیز ل، ن، آ) : رنگ و بوی ؛ ق : بو و رنگ ؛ متن = ف، لن، لی، پ، ل، آ، ب ۱۲- ل : < ان > ؛ لی : بدان ۱۳- و : بسان رهی ؛  
 آ : سه مه چهره را همچو سرو سهی ۱۴- ف، س، ق : کی از مه ؛ ب : مه از که ؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- لن : ندانند که را یکی ؛ آ : ندانید  
 باز اندکی ۱۶- س، ق، آ، لی، پ : ازین ؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۷- مهین از پس اندر ؛ ل : مهین باز پس تر ؛ ب : مهین  
 باز در پس ؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۸- ق، و : کهین ۱۹- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب : باز ؛ متن = ف، ق، و، آ ۲۰- ق، و :  
 مهین ۲۱- ل- ق، آ، پ- ب (و نیز ل، ن، آ) : میانه ؛ لی این بیت را ندارد ؛ متن = ف ۲۲- ف، لن، ق، آ : نیاند زبان (حرف چهارم واژه یکم و حرف  
 دوم واژه دوم نقطه ندارند) ؛ س : نیاند زبان (حرفهای دوم و چهارم واژه یکم و حرف دوم واژه دوم نقطه ندارند) ؛ پ : نیاید زبان (حرف دوم واژه دوم نقطه  
 ندارد) ؛ و (و نیز لن، آ) : بیاید نشان ؛ ل : نیاید زبان (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد) ؛ ب (و نیز ل، آ) : نیاید زبان ؛ ل، ق : پس آنکه پدر برگشاید زبان ؛ آ :  
 شمار از دانش نیاید زبان ۲۳- س : کدامی ؛ لی این بیت را ندارد ۲۴- ل- ب (و نیز ل، ن، آ) : میانه ؛ متن = ف ۲۵- ق، آ : < و > ۲۶- س،  
 ق، آ، و، ل، آ : مهتر ؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۷- ق، لی، پ، ل، آ (و نیز ل، ن، آ) : بدین ؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ق : گونه بردست نام  
 ۲۹- ل- ب (و نیز ل، ن، آ) : میانه ؛ متن = ف ۳۰- لی : برآید ۳۱- و : همه ۳۲- ل، ق : کام ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳- و : خاست ؛ ل :  
 راست ؛ ف، ل پس از این بیت افزوده اند :

برین گونه راندند کار یمن (ل : بدین گونه رانید یکسر سخن)      ز خورشید رویان چو سرو سمن (ل : چون سرو بن)  
 ل پس از بیت بالا دو بیت دیگر هم افزوده است :  
 بباشید یک باذگر هم سرای      نباید که باشید از هم جدای  
 بدین گفت های من ار بگروید      بکار اندرون شاد و خورم بوید (= ۱۵۵)

نهاده همه دل<sup>۲</sup> به گفت پدر  
 پر از دانش و پر فسون آمدند  
 پسر را که چونان<sup>۳</sup> پدر پرورد  
 ابا خویشان موبدان خواستند<sup>۴</sup>  
 همه نامداران خورشیدچهر

بیاراست لشکر چو پر<sup>۸</sup> تذرو  
 چه بیگانه فرزندگان و چه خویش<sup>۹</sup>  
 برون آمدند<sup>۱۳</sup> از یمن مرد و زن  
 همه<sup>۱۵</sup> مشک با می برآمیختند  
 پراکنده دینار در<sup>۱۶</sup> زیر پی  
 همه سیم و زر اندرافکنده خشت<sup>۱۷</sup>  
 چه مایه بدو اندرون خواسته<sup>۱۹</sup>  
 چو شب روز شد کرد<sup>۲۱</sup> گستاخشان  
 سپهد برون آورد از نهفت  
 نشایست کردن بدیشان<sup>۲۳</sup> نگاه  
 که گفتش فریدون به گردنکشان<sup>۲۵</sup>  
 کزین سه ستاره<sup>۲۸</sup> کدامست که<sup>۲۹</sup>  
 بیاید برین<sup>۳۱</sup> گونه‌تان برد نام<sup>۳۲</sup>

گرانمایه و پاک<sup>۱</sup> هر سه پسر  
 ۱۷۰ ز پیش فریدون برون آمدند  
 بجز رای و دانش چه اندرخورد  
 برفتند و هر سه برآراستند<sup>۴</sup>  
 کشیدند<sup>۵</sup> با لشکری چون سپهر

چُن<sup>۷</sup> از آمدنشان شد آگاه سرو  
 ۱۷۵ فرستادشان لشکری گشن پیش<sup>۹</sup>  
 شدند این<sup>۱۱</sup> سه پرمایه اندر یمن<sup>۱۲</sup>  
 همه<sup>۱۴</sup> گوهر و زعفران ریختند  
 همه یال اسپان پر از مشک و می  
 یکی کاخ آراسته چون بهشت  
 ۱۸۰ به دیبای رومی<sup>۱۸</sup> بیاراسته  
 فرود آورد اندر آن<sup>۲۰</sup> کاخشان  
 سه دختر چنان چون فریدون بگفت  
 به دیدار هر سه<sup>۲۲</sup> چو تابنده ماه  
 نشستند هر سه بدان<sup>۲۴</sup> هم نشان  
 ۱۸۵ ازین<sup>۲۶</sup> سه گرانمایه پرسید مه<sup>۲۷</sup>  
 میانه کدامست و مهتر<sup>۳۰</sup> کدام

۱- ل: گرانمایه آن پاک ۲- آ: نهاده دل و جان؛ متن = ف، و (و نیز ل ن)؛ در ق پس از این بیت چند بیت در هم ریخته اند: ۱۶۹، (أ)، ۱۷۱، ۱۷۰، (ب)، ۱۷۲، ۱۵۳، ۱۷۳ و ۳- و: که چون او؛ ق: این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت دو بیت افزوده است که تنها در ق آمده است:

(أ) سوی خانه رفتند هر سه چو باد  
 (ب) چو خورشید زد عکس بر آسمان  
 پراکنند بر لآزورد ارغوان (ق: زعفران)  
 در ق بیت (أ) پس از بیت ۱۶۹ و بیت (ب) پس از بیت ۱۷۰ آمده است؛ برخی از دستنویس ها پس از بیت ۱۷۱ سرنویس دارند، ل ن، ق، آ، لی، پ، ب: رفتن پسران فریدون بنزدیک سرو (ق، آ، پ، ب: بنزد شاه یمن)؛ لی: رفتن پسران فریدون یمن زن خواستن؛ و: فرستادن شاه فریدون پسران را بنزد سرو شاه یمن بدامادی؛ ل: آمدن پسران فریدون نزد شاه یمن ۴- ل، س، ن، ق، آ، لی، پ، ل، ب: بیاراستند؛ متن = ف، ق، و، آ، (و نیز ل، ن، آ) ۵- آ: بسی موبدان و ردان خواستند؛ ل: ابا موبدان خویشان خواستند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ق پس از این بیت، بیت ۱۵۳ آمده است ۶- ف: برفتند؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۷- ف- آ، ب (و نیز ل، ن، آ): چو؛ متن = ل ۸- ل ن: بسان؛ پ: چو بر گل؛ آ: چو چشم؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف، ق پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آگاهی سرو یمن از آمدن فرزندان شاه فریدون و پذیره فرستادن لشکر را؛ ق: رسیدن پسران فریدون بیمن بطلب زنان خود ۹- آ: فرستاد لشکر کشانرا از پیش ۱۰- ق: چه بیگانگان و چه فرزانه خویش ۱۱- ل ن، لی، پ، و، ب: آن؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل ۱۲- ب: گرانمایگان در یمن ۱۳- آ: آمده ۱۴- ل، و: همی، ق: این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- و (و نیز ل، ن، آ): همی؛ آ: همان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- آ: فشانده بسی سیم و زر ۱۷- ف، و: ز سیم و زر ز ریش (و: اندر) افکنده خشت؛ ق: هم از زر و سیم اندر افکنده خشت؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ): بدینار و دیبا؛ ل این بیت را ندارد ۱۹- ف: نهاده بدوی اندرون خواسته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- آ: اندرین؛ ل: فرود آوردند بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ق: شب و روز می کرد ۲۲- ل: بد > ید < ار هر سه (وزن نادرست است) ۲۳- ق، آ: در ایشان؛ ق: بریشان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۴- پ، و، آ، ب: بران؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- در ل ن این ل ت پاک شده است ۲۶- و، ب: از آن؛ در ل ن این ل ت پاک شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- و: چه؛ (ل ن: شه)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۲۸- ق: کزین سان ستاره ۲۹- ق، و: مه؛ (ل ن: مه)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۳۰- ف، ل، ن، ق، پ، آ، ل (و نیز ل، ن، آ): کهنتر؛ متن = س، ق، آ، لی، و، ب (و نیز ل، ن، آ) ۳۱- لی: بدین ۳۲- ل، آ، ب: گونه تان (ل: گونتا > ن) < گفت نام؛ ل، ق: مباحث از این گفته در کار خام؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، پ، و، آ (و نیز ل، ن، آ)؛ در ق ل ت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

سبک<sup>۲</sup> چشم نیرنگ بردوختند  
 کز آمیختن رنگ نایدش<sup>۳</sup> سود  
 مهین را به مه داد و که را به که  
 بهم درکشیدند<sup>۷</sup> بازارشان  
 رخانشان پر از خوی ز شرم<sup>۹</sup> پدر  
 پر از رنگ رخ<sup>۱۱</sup>، لب پر آوای<sup>۱۲</sup> نرم  
 کجا خواب و آسایش<sup>۱۶</sup> اندر خورد  
 بفرمودشان ساختن<sup>۱۸</sup> جای خواب  
 بخفت این<sup>۲۱</sup> سه آزاده<sup>۲۲</sup> نیکبخت  
 یکی چاره اندیشه کرد اندر آن<sup>۲۴</sup>  
 بیاراست آرایش جادوی<sup>۲۶</sup>  
 بدان<sup>۲۸</sup> تا سرآید<sup>۲۹</sup> بریشان<sup>۳۰</sup> زمان  
 بسر بر<sup>۳۲</sup> نیارست پرید زاع<sup>۳۳</sup>  
 بجستند<sup>۳۶</sup> از آن<sup>۳۷</sup> سخت سرما ز جای  
 به افسون شاهان<sup>۴۰</sup> و مردانگی<sup>۴۱</sup>  
 نکرد ایچ سرما بدیشان نگاه

بگفتند از آن گونه<sup>۱</sup> کاموختند  
 بدانست شاه گرانمایه زود  
 چنین گفت کاری<sup>۴</sup> همینست<sup>۵</sup>، زه!  
 شد آنگه<sup>۶</sup> که پیوسته شد کارشان  
 ۱۹۰ سه افسرور از<sup>۸</sup> پیش سه تاجور  
 سوی خانه رفتند با ناز و شرم<sup>۱۰</sup>  
 بدانگه<sup>۱۳</sup> که می چیره<sup>۱۴</sup> شد بر<sup>۱۵</sup> خرد  
 سبک بر سر آگیر<sup>۱۷</sup> گلاب  
 ۱۹۵ به پالیز<sup>۱۹</sup> پیش<sup>۲۰</sup> گل افشان درخت  
 سر<sup>۲۳</sup> تازیان، شاه افسون گران  
 برون آمد از گلشن خسروی<sup>۲۵</sup>  
 برآورد سرما و باد<sup>۲۷</sup> دمان  
 چنان شد که بفسرد<sup>۳۱</sup> هامون و راغ  
 ۲۰۰ سه فرزند آن شاه<sup>۳۴</sup> افسون گشای<sup>۳۵</sup>  
 بدان<sup>۳۸</sup> ایزدی فرو فرزانیگی<sup>۳۹</sup>  
 بران<sup>۴۲</sup> بند جادو<sup>۴۳</sup> بیستند راه

۱- ل، ل: ۲: زان گونه؛ س: از آن کار؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- پ: بیک ۳- ل: ۲ (و نیز لن): بایدش؛ ق این بیت را ندارد ۴- س، ق، ق، ل، ل، پ، ل: ۲: آری؛ متن= ف، ل، لن، و، آ، ب ۵- س: چنین است ۶- ل: ب (و نیز ل، لن): بدانگه؛ متن= ف ۷- و: بهم بر شکستند؛ آ: بهم در شکستند؛ ل: بهم در کشیدند و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- ف (و نیز لن): سه افسروران؛ ل: سه افسر بُد از؛ لن، پ: سه افسرورا <ز>؛ ق: ۲: سه افسر دراز؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل) ۹- س، ق، ل، ب: پر از شرم و رنگ؛ لن، آ، ل: پر از رنگ و شرم؛ پ: پر آژنگ شرم؛ و: پر از شرم پیش؛ متن= ف، ل، ق، ل، ل ۱۰- ف: پر آب گرم (ناخواناست)؛ س، ق، ل: پر ناز و شرم؛ لن: بر کرم (!) و شرم؛ ق، ل، ل، ب: بر طرم (!) و شرم؛ پ: پر شرم و طرم (!)؛ متن= ل، و، آ (و نیز ل، لن) ۱۱- ق، ل، پ: پر آژنگ رخ ۱۲- س، لن، پ، ل: آواز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ س پس از این بیت افزوده است:

سر تازیان سرو شاه یمن  
 برامش بیاراست و بگشاد لب  
 می آورد و میخواره کرد انجمن  
 همی خورد تا تیره تر گشت شب  
 سه پور فریدون سه داماد اوی  
 نخوردند می جز همه یاد اوی

۱۳- ق: ۲: بر آنگه ۱۴- ل، ل، پ، ل: ۲: خیره؛ آ: چهره؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵- آ: پر؛ ل: ۲: <بر> (وزن نادرست است) ۱۶- لن: آرایش ۱۷- ل: آگیری؛ لن، پ: آگیری؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۸- ق: ۲: بفرمود بر ساختن ۱۹- ق: ۲: بیالین؛ ل: ۲: بیالید ۲۰- ل: ل، ل، و، ل، ل، ب: زیر؛ متن= ف، پ، آ (و نیز ل، لن) ۲۱- ق: ۲: بخفتن؛ و، ل، ل، ب (و نیز ل، لن): بخفت آن؛ آ: بخفتند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- آ: سه خسرو ۲۳- ق: ۲ (و نیز ل): سه ۲۴- ب: یکی چاره کرد اندر نهان؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر جادوی ساختن شاه یمن بفرزند آن فریدون و آگه شدن ایشان و دفع کردن آن ۲۵- و: خسروی ۲۶- ل، ل، پ، و، ل، ل (و نیز ل، لن): جادویی (جز در و پساوند نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۷- پ: بادی؛ س: ابری و بادی ۲۸- و: همی؛ ل: ۲: بران ۲۹- س، لن، ق: ۲- ل (و نیز ل، لن): سر آرد؛ ب: بریشان؛ متن= ف، ل، ق ۳۰- ف، س، لن، ق، ل، ل، پ (و نیز ل، لن): بریشان؛ متن= ل، ق، و، آ، ل، ل (و نیز لن) ۳۱- ل: ۲: بفسرد ۳۲- لن: <بر> (وزن نادرست است) ۳۳- ل: ۲: بسر بر نپزید بارند زاع (!) ۳۴- ل، ق: ۲: سه فرزند شاه آن سه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۵- ق: ۲: افسون گرای ۳۶- ف: نجستند؛ ل: نجستند (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س- ل، و (و نیز لن): بجستند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= پ، آ، ل، ب (و نیز ل) ۳۷- ل: زان ۳۸- ل (و نیز ل): بران؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز لن) ۳۹- ب: مردانگی ۴۰- ق: ۲: شاهی ۴۱- ب: فرزانیگی ۴۲- ف: بان؛ س، ق، ق، ل، ل، آ (و نیز ل، لن): بدان؛ در لن این لت پاک شده است؛ متن= ل، پ، و، ل، ل، ب ۴۳- س: جادوان بر؛ ل: تند جادو

۲۰۵ چو خورشید برزد سر از تیره<sup>۱</sup> کوه  
بنزد سه داماد آزاد مرد  
فسرده به<sup>۷</sup> سرما<sup>۸</sup> و برگشته کار  
چنین<sup>۱۱</sup> خواست کردن بدیشان<sup>۱۲</sup> نگاه  
سه آزاده<sup>۱۳</sup> را دید چون ماه نو  
بدانست کافسون نیاید<sup>۱۵</sup> بکار  
نشستن گهی ساخت شاه یمن  
۲۱۰ در گنج های کهن کرد باز<sup>۱۹</sup>  
سه خورشیدرخ را چو باغ<sup>۲۱</sup> بهشت  
ابا تاج و با گنج نادیده رنج<sup>۲۴</sup>  
بیاورد<sup>۲۵</sup> هر سه بدیشان سپرد  
به پیش همه موبدان سرو گفت<sup>۲۷</sup>  
۲۱۵ بدانید کین سه جهان بین من<sup>۲۹</sup>  
بیامد سبک مرد افسون<sup>۲</sup> پژوه<sup>۳</sup>  
که بیند<sup>۴</sup> رخانشان شده<sup>۵</sup> لاژورد<sup>۶</sup>  
بمانده<sup>۹</sup> سه دختر بدو یادگار<sup>۱۰</sup>  
نه بر آرزو گشت خورشید و ماه  
نشسته بران<sup>۱۴</sup> خسروی گاه نو  
نباید بدین<sup>۱۶</sup> برد خود روزگار  
همه<sup>۱۷</sup> نامداران شدند<sup>۱۸</sup> انجمن  
گشاد آنک<sup>۲۰</sup> یکچندگه بود راز  
که موبد<sup>۲۲</sup> چن<sup>۲۳</sup> ایشان صنوبر نکشت  
مگر زلفشان دیده رنج شکنج  
که سه ماه نو بود و سه شاه<sup>۲۶</sup> گرد  
که زیبا بود ماه را شاه<sup>۲۸</sup> جفت  
سپردم بدیشان<sup>۳۰</sup> به<sup>۳۱</sup> آیین من<sup>۲۹</sup>

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): تیغ؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲- س، لن، ق، آ، پ: دانش؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳- آ: گروه ۴- ق: ببیند ۵- س، ل، آ: همه؛ ب: همی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۶- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۷- ل، آ: ز؛ ق: سه؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۸- ق: داماد ۹- س، لن، ق، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>): بماند؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۰- آ: سه دختر ورا بر کنار ۱۱- ل: چنان؛ ق: چو او؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- س، و: بایشان ۱۳- و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۴- سه شه زاده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- ف، ق، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدان؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۶- ل، س، ق، آ: برین؛ ب: بدان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- ق: ابا ۱۸- ل، ق: نامداران آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- آ: باز کرد (پساوند ندارد) ۲۰- ل: آنچ؛ ق، لی، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۱- آنکه؛ و، ب: آنچه؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل ۲۲- ق: چو باد ۲۳- و (و نیز ل<sup>۲</sup>): دهقان؛ آ: رضوان ۲۴- ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): چو؛ متن = ف، ل، آ ۲۵- ل، ق، آ، پ: بیاورد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۶- و: شیر؛ س: سه چون ماه نو بود و سه شاه؛ ل پس از این بیت افزوده است:

چو از کار پیوند پر دخته شد دلش بر ترازوی غم سخته شد

ل پس از این بیت و ف، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از بیت ۲۱۳ سه بیت افزوده اند:

که بدز آفریدون نیامد (ف، لی، ل، آ: نیاید؛ لن، ق، آ: بیامد) بمن ز کینه به دل (و: ز تیماردل) گفت شاه یمن

ل، و: که از آفریدون بد آمد (و: که بد از فریدون نیامد) بمن

ف، آ: که ماده شد از نر (و: آ: این نر) تخم کیان

ل: که ماده شد و رنجم آمد زیان

س، لن، لی، ل، آ، ب: که ماده شد آن (لی: این) نیز (لن: تیره) تخم کیان

ق، آ: که ماده شد تخم جفت تخم کیان

پ، و: که ماده شد آن تخم برز (و: از تخم بی بی) کیان

چو (ل، آ: که) دختر بود روشن اخترش نیست

به اختر کس آن دان (ف: <دان>؛ و: هر آنکس) که دخترش نیست

لن، ق، آ، لی، ل، آ: به اختر (ق، آ: باختر) کسی دان که دخترش نیست

این بیت ها در ق نیست، ولی آنها را در کناره افزوده اند ۲۷- ق: پس بگفت ۲۸- ف، لی، ب: که زیبا بود شاه را ماه؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۹- ل: خویش؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۳۰- ل، آ: بایشان ۳۱- ل: بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>)

لن، آ؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر عروسی کردن شاه یمن دختران را و فرستادن ایشان به ایران زمین

بدان تا چو دیده بدارند نشان  
 چو جان پیش دل برگمارندشان<sup>۱</sup>  
 خروشید و<sup>۲</sup> بار<sup>۳</sup> عروسان<sup>۴</sup> بیست  
 ابر<sup>۵</sup> پشت شرز<sup>۶</sup> هیونان مست<sup>۷</sup>  
 ز گوهر یمن گشت<sup>۸</sup> افروخته  
 [ چو فرزند را باشد آیین و فر<sup>۹</sup>  
 بسوی فریدون<sup>۱۰</sup> نهادند روی  
 جوانان<sup>۱۱</sup> بینادل<sup>۱۲</sup> راهجوی<sup>۱۳</sup>

### گفتار اندر آزمون کردن شاه آفریدون پسران را به ناشناس<sup>۱۳</sup>

چُن<sup>۱۴</sup> از باز گردیدن این<sup>۱۵</sup> سه شاه  
 ز<sup>۱۷</sup> دلشان همی خواست کاگه شود  
 بیامد<sup>۱۸</sup> بسان<sup>۱۹</sup> یکی از<sup>۲۰</sup> رها  
 خروشان و جوشان به جوش<sup>۲۱</sup> اندرون  
 چو هر سه پسر را بنزدیک دید<sup>۲۳</sup>  
 برانگیخت گرد و برآورد جوش<sup>۲۴</sup>  
 شد آگه فریدون<sup>۱۶</sup> بیامد به راه  
 ز<sup>۱۷</sup> بدها گمانیش کوتاه شود  
 کزو شیر گفتی<sup>۲۰</sup> نیابد رها  
 همی از دهانش<sup>۲۲</sup> آتش آمد برون  
 به گرد اندرون کوه<sup>۲۴</sup> تاریک دید<sup>۲۵</sup>  
 جهان شد<sup>۲۷</sup> از<sup>۲۸</sup> آواز<sup>۲۹</sup> او با خروش<sup>۳۰</sup>

۱- ل- ب: برنگارندشان؛ متن = ف؛ در ل ن این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۲- ف (و نیز ل<sup>۳</sup>): چو خورشید؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳- ل- ۳: بارش ۴- ل- ل، ی، و- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>): غریبان؛ متن = ف، پ ۵- ل: بر (وزن نادرست است)؛ آ: پُران (→ بران) ۶- ق- ۶: ره رو؛ ل<sup>۲</sup>: ژرزه ۷- س، ق، ۲، پ: بیست؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در ل ن این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۸- ل- ۸: گشته؛ ل: زهر گونه گوهر شد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل- ن، ق، ۲، ل، ی، پ: چو فرزند باشد بآیین و فر؛ ل<sup>۲</sup>: چو فرزند را شد بآیین و فر؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ف، س، ل، ن، ق، ۲- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>): پس از این بیت افزوده اند: عماری و اشتر (س، آ، ب: استر) هیونان مست چنان چون بود ساز و آیین بیست (ل، ن، پ: ساز آیین پرست) ل، ن، ل، ی، پ: عماری به پشت هیونان بیست (لی: مست)

ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ ف، س، ل، ن، ق، ۲، پ، و، ل، ۲، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>): پس از بیت بالا یک بیت دیگر هم افزوده اند: ابامال (ق، ۲، پ: چتر) و یا خواسته شاهوار (ف: سازوار؛ ق، ۲، و، ب: شهریار) همیشه به کار اندرون نیک یار (→ بی کیار) پ: گسی کردشان و بر آراست کار

این بیت در ل، ق، ل، ی، آ نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۱۰- آ: سوی آفریدون ۱۱- ل، ل، ل<sup>۲</sup>: بینا دل و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- ل، ق: چاره جوی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>) ۱۳- س: پذیره شدن شاه فریدون پسران را و آزمودن ایشان؛ ل، ن، ق، ۲، پ، ب: آزمودن فریدون پسران را (پ: پسران خود را)؛ ق: رفتن فریدون بپذیره پسران و آزمودن ایشان؛ ل: گفتار اندر آزمودن فریدون پسران را؛ و: آزمودن شاه فریدون پسران را و نام نهادن؛ آ: رفتن کاوه پیش فریدون؛ ل<sup>۲</sup>: رفتن فریدون براه پسران؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن = ف ۱۴- ل، س، ق- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>): چو؛ در ل ن آغاز این لت پاک شده است؛ متن = ف ۱۵- ل، ل، ی، پ، و، ب: آن؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، ق، ۲، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ب: فریدون شد آگه ۱۷- ل- ۱۷: که؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:

به افسون تن خود دگرگونه ساخت بنزدیک آن (آ: این) هر سه آزاده تاخت

۱۸- ف، آ، ل: خروشان؛ در ل ن آغاز این لت پاک شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>) ۱۹- ل- ۱۹: جوشان ۲۰- آ: شرز ۲۱- ق: براه؛ پ: بخشم؛ آ: ز تندی بجوش و خروش؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ل: همی از منش؛ و: همی از دهان؛ آ: ز کامش همی؛ ل<sup>۲</sup>: همی ازدهاش؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- آ: چو با هر سه شهزاده نزدیک کرد ۲۴- ل، ق: روز؛ آ: بریشان جهان تنگ و؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>) ۲۵- آ: کرد ۲۶- و: برآمد بجوش ۲۷- س، پ، ل، ۲، ب: گشت؛ متن = ف- ل، ی، و ۲۸- ل، ل، ی، و: ز ۲۹- ب: آوای؛ آ: از آواز او شد جهان ۳۰- س- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): پر خروش؛ متن = ف، ل (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:

زمین را همی زد بدنبال چاک بگردون همی (آ: ابر) برپراکند خاک



۲۴۵ پدر دست بگرفت و بنواختشان  
چُن آمد به کاخ<sup>۵</sup> گرانمایه باز  
همی<sup>۸</sup> آفرین کرد بر کردگار  
چوزان پس جهاندیدگان را بخواند<sup>۱۰</sup>  
چُنین<sup>۱۲</sup> گفت کان<sup>۱۳</sup> اژدهای دژم  
پدر بُد که جست از شما مردمی  
کنون نامتان ساختستیم نغز  
تویی مهترین<sup>۱۹</sup> سلم نام تو باد  
۲۵۰ که جستی سلامت زچنگ<sup>۲۰</sup> نهنگ  
دلاور که نندیشد<sup>۲۲</sup> از پیل<sup>۲۳</sup> و شیر  
میانہ کز آغاز تیزی<sup>۲۵</sup> نمود  
وُرا تور خوانیم<sup>۲۹</sup> شیر دلیر  
۲۵۵ هنر خود دلیرست<sup>۳۰</sup> بر جایگاه  
دگر کھترین<sup>۳۲</sup>، مرد با سنگ و چنگ<sup>۳۳</sup>  
ز خاک و ز آتش<sup>۳۴</sup> میانہ گزید

بر<sup>۲</sup> اندازه بر پایها<sup>۳</sup> ساختشان  
به پیش جهان داور آمد<sup>۷</sup> براز  
کزو<sup>۹</sup> دید نیک و بد روزگار  
به تخت گرانمایگی<sup>۱۱</sup> برنشاند  
کجا خواست گیتی بسوزد<sup>۱۴</sup> به دم<sup>۱۵</sup>  
چو بشناخت برگشت با خرمی<sup>۱۶</sup>  
چُنان چون بیاید<sup>۱۷</sup> سزاوار<sup>۱۸</sup> مغز  
به گیتی پراکنده کام تو باد  
به گاه گریزش<sup>۲۱</sup> نکردی درنگ  
تو<sup>۲۴</sup> دیوانه خوانش مخوانش دلیر  
از آتش مرو را<sup>۲۶</sup> دلیری<sup>۲۷</sup> فزود<sup>۲۸</sup>  
کجا زنده پیلش نیارد بزیر  
که بددل نباشد سزاوار<sup>۳۱</sup> گاه  
که هم با شتابست و هم با درنگ  
چُنان کز ره<sup>۳۵</sup> هوشیاری<sup>۳۶</sup> سزید

۱- ف (و نیز ل): بزد دست و بگرفت و بنواختشان (وزن نادرست است)؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز لن) ۲- ل، لن، لی، آ، ل، ب (و نیز ل): به؛ متن = ف، ق، آ، پ، و (و نیز لن) ۳- ف، ل، آ، ل، آ، نامها؛ ق، و؛ جایگه؛ لی، ب (و نیز ل، لن): پایگه؛ متن = لن، ق، پ ۴- ل- ب (و نیز ل، لن): چو؛ متن = ف ۵- ف: بگاہ؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۶- ق، ل: جهاندار آمد؛ و: جهان آفرین شد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- ف، آ: فراز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- س، لن، پ، ل، آ، ب: بسی؛ ق، لی این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن) ۹- ف، آ: وزو؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن): ل پس از این بیت سرنویس دارد: نام نهادن فریدون پسران را و بر تخت نشاندن ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، ل، آ، ب: وزان پس سه فرزند خود را بخواند؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن) ۱۱- ل، و، ل (و نیز ل، لن): گرانمایگان؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:

وزیشان بپرسید فرزانه شاه  
که ایدر شما را چه آمد براه  
آ: که از بد چه آمد شما را براه

از آن اژدها یاد کردند زود  
که ما را براه اندرون رخ نمود  
۱۲- ف، آ: پدر؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۳- ل: که ۱۴- ف: نسوزد؛ ل، س، لن، ق، و: بسوزد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: بدوزد؛ متن = ق، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، لن) ۱۵- آ: که گیتی همی سوخت از دود دم ۱۶- لن، پ: چو بگذشت برخاست با مردمی (پ: با خرمی)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن): خورمی ۱۷- لن: ستاید؛ لی: بیابد؛ پ: بشاید؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۸- ل، ق، و، آ: بیابکزه؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۹- ف، س، لن، ق، آ، پ- ب: مهتر و؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ل، ق ۲۰- ل، لن: حنگ (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، پ، ل: جنگ (حرف یکم نقطه دارد)؛ س، ق، آ، لی، و، ب (و نیز لن): کام؛ متن = ف، آ (حرف یکم سه نقطه دارد) ۲۱- ق: بجای گزندش ۲۲- ف، ق، آ، پ: بندیشد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن: بندیشد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۳- لن، ق، آ، و، ب: ببر؛ پ (و نیز لن): تیر؛ متن = ف، ل، س، لی، آ، ل (و نیز ل) ۲۴- لن، ق، آ، ب: به ۲۵- ل، ق، و (و نیز ل، لن): تند؛ ق، لی: شیری؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ل، و (و نیز لن): از آن پس مرورا؛ ق: بگاہ دلیری؛ ق، آ، لی: بگاہ درشتی؛ آ: بر آتش مرورا؛ متن = ف، س، لن، پ، ل، آ، ب ۲۷- ق: درشتی ۲۸- ق، آ، لی: نمود ۲۹- لن، آ، ل: خوانیم و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- ف، ل (و نیز ل): دلیرست؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن) ۳۱- لن، پ، ل: خداوند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۲- ف، لن- ب: کھتران؛ متن = ل ۳۳- و: با فر و سنگ؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- س: زآب و زآتش ۳۵- ل: چنانک از ره؛ ق: چنان کرزه (→ کرزه)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۶- س، لی، پ، آ، ل، ب: هوشیاران؛ و (و نیز ل): هوشمندان؛ متن = ف، ل، لن، ق؛ در ق لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

دَلیر و جوان چون<sup>۱</sup> هُشیوار<sup>۲</sup> بود  
 کنون ایرج اندر خورد<sup>۶</sup> نام اوی<sup>۷</sup>  
 ۲۶۰ بدان کو به<sup>۱۰</sup> آغاز شیری<sup>۱۱</sup> نمود  
 به نام پری چهرگان<sup>۱۳</sup> عرب  
 زن سلم را کرد نام<sup>۱۵</sup> آرزوی<sup>۱۶</sup>  
 زن ایرج نیک پی<sup>۱۹</sup> را سَهی  
 پس از اختر گردگردان<sup>۲۱</sup> سپهر  
 ۲۶۵ نبشته<sup>۲۴</sup> بیاورد و بنهاد پیش  
 به سلم اندرون جست<sup>۲۶</sup> از<sup>۲۷</sup> اختر نشان  
 دگر طالع تور فرخنده: شیر،  
 چو کرد اختر فرخ ایرج نگاه  
 از<sup>۳۱</sup> اختر بدیشان<sup>۳۲</sup> نشانی نمود<sup>۳۳</sup>  
 به<sup>۳</sup> گیتی جز او را نباید<sup>۴</sup> ستود<sup>۵</sup>  
 در<sup>۸</sup> مهتری<sup>۹</sup> باد فرجام اوی<sup>۷</sup>  
 به گاه درستی دلیری<sup>۱۲</sup> فزود  
 کنون برگشایم به شادی<sup>۱۴</sup> دو لب  
 زن تور را ماه<sup>۱۷</sup> آزاده خوی<sup>۱۸</sup>  
 کجا بُد به خوبی سُهیلش<sup>۲۰</sup> رهی  
 که<sup>۲۲</sup> اخترشناسان نمودند چهر<sup>۲۳</sup>  
 بدید<sup>۲۵</sup> اختر نامداران خویش  
 ستاره: زحل دید و، طالع: کمان<sup>۲۸</sup>  
 خداوند: بهرام بر خون دلیر<sup>۲۹</sup>  
 حمل دید: طالع<sup>۳۰</sup>، خداوند: ماه  
 که آشوبش و جنگ بایست<sup>۳۴</sup> بود

## گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران<sup>۳۵</sup>

۱- ل، ل، ق، آ، لی، پ، آل، آ: جوان و؛ متن = ف، و، ب (و نیز ل، آ) ۲- ب: هشیار (وزن نادرست است) ۳- ل، ن، پ، و، ل، آ، ب: ز؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، لی، آ، ۴- ل، ن: مرورا ببايد؛ ق، آ، لی، و، آ: جز او را نشاید؛ متن = ف، ل، س، پ، ل، آ، ب ۵- لی: ستوه (پساوند ندارد)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ در لی این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۶- پ: اندر خور ۷- ل: تو؛ س، ق، آل، آ، ب: او؛ متن = ف، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و ۸- ق، ق، آ، لی: همه؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۹- ل، آ، ب: بهتری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ل: ز؛ پ: نه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۱- ف: تیزی؛ ل: تند؛ ل، ن: سیری؛ متن = س، ق، آ، ب (و نیز ل، آ) ۱۲- س، لی، و، آل، آ، ب: نمود؛ ق: وزان پس مرا و دلیری فزود؛ متن = ف، ل، ن، پ ۱۳- ل، ل، ن، ق، پ، ل، آ، ب: پری چهرگان روز و شب؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ (و نیز ل، آ، ل، ن، آ) ۱۴- ق، آ: برگشایم زاید؛ لی: برگشایم زیدر ۱۵- ل، س، ق، لی، آ: نام کرد؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، آ) ۱۶- ق: آرزو ۱۷- ل، ق، آ، ب: نام؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، آ) ۱۸- ق: آزاده خو؛ لی: آزاد خوی ۱۹- س، ق، آ، لی: پاک خو؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- س، ل، ن، آل، آ، ب: کجا بد سُهیلش بخوبی؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، آ) ۲۱- آ: کردگار ۲۲- آ: کش ۲۳- ق: همی باز جستش ره کین و مهر ۲۴- ل، ل، ن، و، نوشته؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن، آ) ۲۵- ق: چنین ۲۶- س، ل، ن، ق، پ، ل، آ، ب: بود؛ لی: برد؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۲۷- ل، ل، ن، پ: ز؛ ق، آ: <ز>؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ل، و، و (و نیز ل، آ، ل، ن، آ): سبب (ل: شب) مشتری بودو طالع کمان؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: نبودش مگر مشتری و (ق، آ، لی: در) کمان؛ ق: تن مشتری دید و طالع کمان؛ متن = ف، آ ۲۹- ل- ب: خداوند خورشید (آ: خورشید و) سعد (لی: شیر) دلیر؛ (ل: چو آید به خورشید سعد دلیر؛ ل، آ: خداوند شمشیر و سعد دلیر)؛ متن = ف ۳۰- ل، ق، پ: کشف طالع آمد؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آل، آ، ب (و نیز ل، آ، ل، ن، آ): کشف دید طالع؛ متن = ف ۳۱- ل، ق، لی، و، ز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۲- ل، ل، ن، ق، لی، و، آل، آ: بریشان؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، آل، آ، ب ۳۳- ل: نبود؛ ق: که دید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- ل: که آشوب پیکار بایست بود؛ ق: بدانت کاشوبش و جنگ دید؛ و، آل، آ: که آشوبش جنگ بایست (و، آ: خواهست) بود؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ب: و (و نیز ل، آ، ل، ن، آ) و (در کناره) سه بیت (سه دستنویس دیگر چهار بیت) افزوده اند:  
 شد اندوهگین شاه چون آن بدید  
 بر ایرج بر آشفته دید او سپهر  
 به اندیشه و رای روشن روان  
 نگردد دگرگونه گفت این گمان  
 یکی باد سرد از جگر برکشید  
 نید سازگاریش با او به مهر  
 ۳۵- ف: گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران و دادن سلم را روم و تور ترکستان و ایرج ایران را؛ س، ق، آ، لی: بخش کردن شاه (لی: قسمت کردن) فریدون زمین را بر پسران، ل، ن، پ، ب: بخش کردن فریدون جهان را (ل، ن، پ: را بر پسران)؛ آ: عجایب دیدن فریدون فرخ؛ ل، آ: بخش کردن فریدون زمین به پسران؛ ل، ق، و، س: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف



۲۷۰ نهفته چو بیرون کشید<sup>۱</sup> از نهان  
یکی روم و خاور، دگر<sup>۳</sup> ترك<sup>۴</sup> و<sup>۵</sup> چین  
نُخستین به سلم اندرون بنگرید  
بفرمود تا لشکری برگزید<sup>۶</sup>  
به تخت کیان اندر آورد پای  
۲۷۵ دگر تور را داد توران زَمین<sup>۱۳</sup>  
یکی لشکری نامزد کرد شاه  
بیامد به تخت کی<sup>۱۵</sup> برنشست  
بزرگان برو<sup>۱۷</sup> گوهر افشانند  
ازین دو<sup>۱۹</sup> نیابت<sup>۲۰</sup> به ایرج رسید  
۲۸۰ هم ایران و هم دشت<sup>۲۲</sup> نیزه‌وران  
بدو<sup>۲۵</sup> داد کو<sup>۲۶</sup> را سزا بود تاج<sup>۲۷</sup>  
نشستند هر سه به آرام<sup>۲۹</sup>، شاد  
هرآن را<sup>۳۱</sup> که بُد هوش و فرهنگ و رای  
برآمد برین<sup>۳۳</sup> روزگاری دراز  
۲۸۵ فریدون فرزانه شد سالخورده

به سه بخش<sup>۲</sup> کرد آفریدون جهان  
سیم<sup>۶</sup> دشت گردان و<sup>۷</sup> ایران زمین  
همی<sup>۸</sup> روم و خاور مرو را سزید<sup>۹</sup>  
گرازان سوی خاور اندرکشید<sup>۱۱</sup>  
همی خواندندش<sup>۱۲</sup> خاورخدای  
و<sup>۱۴</sup> را کرد سالار ترکان و چین  
کشید آنگهی تور لشکر براه  
کمر بر میان بست و بگشاد دست<sup>۱۶</sup>  
مِهان<sup>۱۸</sup> پاك توران شهش خواندند  
مرو را پدر شهر<sup>۲۱</sup> ایران گزید  
همان<sup>۲۳</sup> تخت شاهی و تاج سران<sup>۲۴</sup>  
همان تیغ و مهر و همان تخت عاج<sup>۲۸</sup>  
چنان مرزبانان خسرو<sup>۳۰</sup> نژاد  
مرو را همی خواند<sup>۳۲</sup> ایران خدای  
زمانه به دل در<sup>۳۴</sup> همی داشت راز  
به باغ بهار اندر آورد گرد

۱- ف (و نیز ل<sup>۳</sup>): نهفته برون آورید؛ س: نهفته چون بیرون کشید (وزن نادرست است)؛ آ: چو بیرون کشید این نهفت؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>)  
۲- س، ق، آ، لی: بهره؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- لن، پ، ل: یکی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۴- ل: تور ۵- ل: >  
< ۶- ف، س، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): سوم؛ لن، لی، و: سیوم؛ متن = ل، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۷- لن، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>): > و؛ متن = ف، ل، س، ق، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)  
۸- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): همه؛ متن = ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۹- س، ق، آ، لی، پ، ب: گزید؛ ل: بدید؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است؛ متن = ف، ل، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰- ل: جنگجوی؛ ق، آ، پ، آ، ل: برکشید؛ متن = ف، س، لن، ق، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۱- ل: سوی مرزخوارزم بنهاد روی؛ آ: کزان سوی خاور سراندرکشید؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- ل: خواندندش؛ آ: خواندندش ۱۳- ل: ترکان و چین  
۱۴- ل: توران زمین؛ ق: ترکان چین؛ آ: توران و چین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۵- ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): شهی؛ س، لن، ق، آ، پ، ل: مهی؛ لی: کیان؛ متن = ل، ق، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)  
۱۶- لی: لب (پساوند ندارد) ۱۷- لی: بدو ۱۸- ل، ق، و، ب: همه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): جهان؛ متن = ف ۱۹- س، لن، ق، آ، پ، ل، ب: پس آنگه؛ لی: وزان پس؛ و: ازیشان؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۰- ق: میانه؛ لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو نوبت؛ متن = نه دستنویس دیگر  
۲۱- ل، و: شاه؛ ق: تخت؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- و: شهر ۲۳- ل: هم از ۲۴- س: باج سران؛ لی: همان تیغ مهر و همان تخت عاج (لی ۲۸۵ ب ۲۸۶ آ را انداخته و از ۲۸۵ آ و ۲۸۶ ب يك بيت ساخته است که پساوند هم ندارد)؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: پادشاهی ایرج به ایران زمین ۲۵- پ: برو ۲۶- ق: او را ۲۷- ف: سزاوار تاج؛ س، ق: سزاید تاج؛ لن، پ، ل، ب: سزاید گاه؛ لی این لت را انداخته است (← پ ۲۴)؛ متن = ل، ق، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۸- ل: همان کرسی و مهر و آن تخت عاج؛ لن، پ، ل: همان تیغ و مهر و نگین و کلاه؛ آ: همان تیغ و گرز و همان تخت عاج؛ متن = ف، س، ق، آ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۹- ف، س، لن، لی، پ، آ، ب: به آرام و؛ متن = ل، ق، آ، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>)  
۳۰- ل، ق، ب، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): فرخ؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در س، ق، آ، لی، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۱- س، ق، آ، لی، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): مرورا؛ لن، و، ل: مرورا؛ پ: کسی را؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۳۲- س: مرورا چه خواندندی (وزن نادرست است)؛ لن، ق، آ، لی، و، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): مرورا چه خواندند (و، ل: خوانند)؛ متن = ف، پ، آ؛ در س، ق، آ، لی، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۳- لی: بدین ۳۴- س: بر

برین<sup>۱</sup> گونه گردد سراسر سَخُن  
 چو آمد<sup>۴</sup> به کار اندرون تیرگی<sup>۵</sup>  
 بجنبید مر<sup>۷</sup> سلم را دل ز جای  
 دلش گشت غرقه به آ<sup>۸</sup> اندرون  
 ۲۹۰ نبودش پسندیده بخش پدر  
 به دل پر زکین شد<sup>۱۱</sup>، به رخ پر زچین  
 فرستاد نزد برادر پیام  
 بگفت آنچه<sup>۱۴</sup> اندر دل<sup>۱۵</sup> اندیشه بود<sup>۱۶</sup>  
 بدان ای<sup>۱۸</sup> شهنشاه ترکان و چین<sup>۱۹</sup>  
 ۲۹۵ ز پیلی ژیان<sup>۲۱</sup> کرده گوشه پسند<sup>۲۲</sup>  
 به بیداردل بنگر این داستان<sup>۲۵</sup>  
 سه<sup>۲۷</sup> فرزند بودیم زیبای تخت<sup>۲۸</sup>  
 اگر مهترم من به سال و خرد  
 گذشته ز من، تاج و تخت و کلاه  
 ۳۰۰ چو ایران و دشت یلان و یمن  
 سپارد ترا دشت<sup>۳۳</sup> ترکان و<sup>۳۴</sup> چین

شود سست<sup>۲</sup> نیرو چو گردد کهن<sup>۳</sup>  
 گرفتند پرمایگان چیرگی<sup>۴</sup>  
 دگرگونه‌تر شد به آیین و رای  
 پُر اندیشه<sup>۹</sup> بنشست با رهنمون  
 که دادش<sup>۱۰</sup> به کهتر پسر تخت زر  
 فرسته فرستاد زی شاه چین<sup>۱۲</sup>  
 که جاوید زی، خرم<sup>۱۳</sup> و شادکام  
 فرستاده‌یی را برافگند زود<sup>۱۷</sup>  
 گسسته دل روشن از به‌گزین<sup>۲۰</sup>  
 منش<sup>۲۳</sup> پست و<sup>۲۴</sup> بالا چو سرو بلند  
 کزین گونه نشنیدی از باستان<sup>۲۶</sup>  
 یکی کهتر از ما به آمد به بخت<sup>۲۹</sup>  
 زمانه به مهر من اندر خورد<sup>۳۰</sup>  
 نزید مگر بر تو ای پادشاه<sup>۳۱</sup>  
 به ایرج<sup>۳۲</sup> دهد، روم و خاور به من  
 که از ما<sup>۳۵</sup> سپهدار ایران زمین<sup>۳۶</sup>

۱- لی: بدین ۲- آ: پست ۳- لن: شود سست چون مرد گردد کهن (نیمه دوم این لت در لن ناخواناست و پایان آن پاك شده است)؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- و: درآمد ۵- و، آ (و نیز لن): خیرگی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- ل، س، و: حیرگی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، آ، ل (و نیز ل): خیرگی؛ متن = ق، لی، پ، آ، ب (و نیز لن)؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- ل: می ۸- لن: دلش غرقه بد از اندرون (ناخوانا و وزن نادرست است)؛ ل: دلش غرقه بد آب اندرون (وزن نادرست است)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۹- ل، ق، و (و نیز ل، لن): باندیشه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ل، ق، آ: داد او؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۱- ق: بد؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- لی: فرستاده شد زی سوی شاه چین؛ ل: فرستاد نامه زی شاه چین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- ل: خورم؛ در لن، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، ف: پیغام فرستادن سلم به تور و خواندن او را تا بمشورت نامه به فریدون نویسند؛ لن (چند بیت پایین تر): پیغام سلم بنزد تور برادرش؛ ق: گفتار در سبب عداوتی که میان ایران و توران افتاد؛ پ: پیغام سلم بنزد تور؛ و: پیغام سلم نزد تور و پاسخ دادن تور او را؛ ل: نامه نوشتن شاه به توران ۱۴- ل، س، لن: آنچه؛ ق، لی، پ، و، ل، آ، ب: آنچه؛ متن = ف، آ ۱۵- ق: و برادر(!)؛ ق، و، ل، آ: در دلش؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۶- لن: کرد ۱۷- ق، لی: هیونی بر آن (لی: بدان) سو برافکند زود؛ و: فرستاده مردی برافکند زود؛ ل: فرستاده راه برافکند زود؛ در لن نیمه دوم این لت پاك شده است؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در لن، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ س، ق، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بنزد برادر جهانگیر تور که بود از دلش رای و اندیشه دور

۱۸- لی: بدانید ای (وزن نادرست است)؛ آ: که دان که ۱۹- ل: که ای شاه ترکان و سالار چین ۲۰- آ: از ترس و کین؛ لی، پ: هنرمند و روشن دل و پاك دین (پ: و برگزین)؛ در لن این لت پاك شده است؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۱- ل، ق: زییل دمان؛ لی، و، ل، آ، ب: زییل ژیان ۲۲- ل، ق، و: گوشه پسند؛ لن، پ: زنیکی زیان کرده گویی پسند؛ آ: زگیتی بیک گوشه کرده پسند؛ متن = ف، س، ق ۲۳- لن، ل، آ: تنش ۲۴- پ: > و ۲۵- ل: کتون بشنواز من یکی داستان؛ و: برانداز دل بنگر این داستان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ق، آ: این باستان؛ و: از راستان؛ در لن این لت پاك شده است ۲۷- س: ز ۲۸- لی: با تاج و تخت ۲۹- ل، و (و نیز ل): از ما برآمد بتخت (پساوند ندارند)؛ س، آ: از ما مه آمد به بخت؛ لی: از ما سرآمد به بخت؛ ب: از مایه آمد به بخت (حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد)؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، ل ۳۰- در لن لت دوم این بیت پاك شده است ۳۱- لی: نیکخواه؛ در س- ب پس از این بیت ۳۰۳ آمده است؛ پایایی بیت های متن = ف، ل ۳۲- لی: بایران ۳۳- ل: مرز؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۴- ل، لن: > و ۳۵- ل، س، ق، لی، پ، ل، آ، ب: که از تو؛ ق: که ایرج؛ در لن لت دوم این بیت پاك شده است؛ متن = ف، آ ۳۶- ف: ایران و چین؛ و: کناری فرستد ز روی زمین

به مغز پدرت<sup>۱</sup> اندرون رای نیست  
 کزین سان پدر کرد بر ما ستم<sup>۲</sup>  
 بیامد بنزدیک<sup>۶</sup> توران خدای<sup>۷</sup>  
 سر تور بی مغز پُر باد کرد  
 برآشفست برگاه<sup>۱۱</sup> چون تند شیر<sup>۱۲</sup>  
 بگوی<sup>۱۴</sup>: این سخن همچنین یاد دار  
 برین گونه<sup>۱۵</sup> بفریفت<sup>۱۶</sup> ای دادگر  
 کجا آب<sup>۱۷</sup> او<sup>۱۸</sup> خون و بارش<sup>۱۹</sup> کبست  
 بیاید بروی اندرآورد روی  
 هیون برفگندن بنزدیک<sup>۲۲</sup> شاه  
 فرستاد نزدیک<sup>۲۵</sup> شاه جهان<sup>۲۶</sup>  
 نباید که یابد<sup>۲۹</sup> دلاور شکیب<sup>۳۰</sup>  
 که خام<sup>۳۳</sup> آید آسایش<sup>۳۴</sup> اندر بسیج

بدین بخشش اندر مرا پای نیست  
 سزد گر بمانیم هر دو دژم  
 هیون فرستاده<sup>۳</sup> بگذارد<sup>۴</sup> پای<sup>۵</sup>  
 ۳۰۵ به چربی<sup>۸</sup> شنیده<sup>۹</sup> همه یاد کرد  
 چو این راز بشنید<sup>۱۰</sup> تور دلیر  
 چُنین داد پاسخ که با<sup>۱۳</sup> شهریار  
 که ما را به گاه جوانی پدر  
 درختیست این خود نشانده به دست  
 ۳۱۰ ترا با من اکنون بدین<sup>۲۰</sup> گفت و گوی<sup>۲۱</sup>  
 زدن رای هُشیار و کردن نگاه  
 زبان آوری چرب گوی<sup>۲۳</sup> از میان<sup>۲۴</sup>  
 بجای زبونی<sup>۲۷</sup> و جای فریب<sup>۲۸</sup>  
 نشاید<sup>۳۱</sup> درنگ اندرین<sup>۳۲</sup> کار هیچ

۱- ل، ق: پدر؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup> و ق درکناره) پس از این بیت افزوده اند:

یکی پرخرد مرد را برگزید که هرکار را نغز و شایسته دید

۲- در س- ب این بیت پس از بیت ۲۹۹ آمده است؛ پیاپی بیت های متن= ف، ل ۳- س- پ، آ، ل، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): هیونی فرستاد و؛ و: هیونی برافکند و؛ متن= ف، ل ۴- ف، س- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>): بگزارد؛ متن= ل (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۵- لی: آب (پساوند ندارد) ۶- ل، ق: ز نزدیک؛ و: بیامد بر تور؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- ف، ل، ق، آ (ونیز ل<sup>۲</sup>): خاور خدای؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ ف، ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند:

بیامد (پ: چو آمد) بزودی به توران زمین بنزد سپهدار ترکان (ل: < > ) چین

ل: چو آمد بر مرز توران زمین

این بیت در هشت دستنویس دیگر (ونیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) نیست ۸- ل، لن (به خطی نو)، ق، ق، آ، پ: بخوبی؛ و: شنیده؛ متن= ف، س، لی، آ، ل، ب (س نخست بخوبی داشته است) ۹- ق، آ: شنوده؛ لی: شنود (وزن نادرست است)؛ و: بخوبی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- ق، آ: بشنود؛ ف، آ این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): ناگاه؛ ل<sup>۲</sup>: باگاه؛ متن= ق ۱۲- ل: برسان شیر؛ ق، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چون نره شیر؛ متن= س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب ۱۳- ف، ق، آ، ب: ای؛ س: نا (نقطه ندارد)؛ (ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): یا؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۴- ل، س، ق، آ، لی، و، آ: بگو؛ متن= ف، لن، ق، پ، ل، ب ۱۵- ل، و، آ: بدین گونه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، ب: ازین گونه؛ متن= ف، ق ۱۶- لی: بفرتی ۱۷- ق، آ، لی: بار ۱۸- ق: وی ۱۹- س، ق، آ، لن، لی، پ، و: برگش؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل، ب: ل پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن سلم مر تور را و بهم رسیدن ۲۰- ق، آ: ازین؛ پ: برین ۲۱- ل، ق، ب: گفت گوی؛ آ: گفت و گو؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل: هیونی فکندن بنزدیک؛ س- ب: هیونی برافکند نزدیک؛ متن= ف؛ در ل لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۳- ل: چرب گو؛ ق: خوب گوی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۴- س، ق، آ، پ، آ، ب: از مهان؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۵- ل، ق: فرستاد باید به؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۶- و (ونیز لن<sup>۲</sup>): کیان؛ لن- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت کز (ل: از) من (و: ما) بگو (پ، ل: بگوی) این پیام که ای شاه بینادل نیکنام (ق، آ، لی: آ: شادکام)

این بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۷- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: فرونی؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۸- س، ق، آ، ب: نهیب؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۹- ف، ق: گردد؛ ل: ببند؛ و (ونیز لن<sup>۲</sup>): باشد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۳۰- ف: نشیب؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ در س، لن، ق، آ، لی، ل، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۱- لی، پ، ل، آ، ب: نسازد؛ و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): نباید؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آ، ۳۲- ق: اندران ۳۳- ل، ق، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کجا؛ لن، لی، پ، ل، آ: که خوار؛ متن= ف، س، ق، آ، ب ۳۴- و: آسانی

- ۳۱۵ فرستاده چون پاسخ آورد باز  
برفت این<sup>۲</sup> برادر ز روم، آن<sup>۳</sup> ز چین  
رسیدند پس يك<sup>۴</sup> بديگر فراز<sup>۵</sup>  
گزیدند پس موبدی تیزویر  
ز بیگانه پردخت<sup>۶</sup> کردند جای  
۳۲۰ سَخُن سلم پیوند کرد از نَخُست  
فرستاده را گفت: ره برنورد<sup>۷</sup>  
چو آبی به کاخ فریدون فرود  
پس آنگه<sup>۸</sup> بگوش که ترس خدای  
جوان را بود روز پیری امید  
۳۲۵ چه<sup>۹</sup> سازی<sup>۱۰</sup> درنگ اندرین جای<sup>۱۱</sup> تنگ  
جهان مر ترا داد یزدان پاک  
همی<sup>۱۲</sup> بآرزو خواستی<sup>۱۳</sup> رسم و راه  
نجستی<sup>۱۴</sup> جز از<sup>۱۵</sup> کژی و کاستی  
سه فرزند بودت خردمند و گرد  
۳۳۰ ندیدی هنر با<sup>۱۶</sup> یکی بیشتر  
یکی را دم<sup>۱۷</sup> ازدها ساختی
- برهنه شد از روی، پوشیده راز<sup>۱</sup>  
به زهر اندر آمیختند<sup>۲</sup> انگبین  
سَخُن راندند آشکارا و راز  
سَخُن گوی<sup>۳</sup> و بینادل<sup>۴</sup> و یادگیر  
سگالش گرفتند<sup>۵</sup> هر گونه رای  
ز شرم پدر دیدگان را بشست  
نباید که یابد ترا باد و گرد<sup>۶</sup>  
نخستین ز هر دو پسر ده درود  
بیاید که<sup>۷</sup> باشد به هر دو سرای  
نگردد سیه، موی گشته سپید<sup>۸</sup>  
شود تنگ<sup>۹</sup> بر تو سرای درنگ  
ز تابنده خورشید تا تیره خاک<sup>۱۰</sup>  
نکردی به فرمان یزدان نگاه  
نکردی<sup>۱۱</sup> به بخش اندرون<sup>۱۲</sup> راستی  
بزرگ آمده<sup>۱۳</sup> نیز<sup>۱۴</sup> پیدا<sup>۱۵</sup> ز<sup>۱۶</sup> خرد  
کجا دیگری زو فرو برد<sup>۱۷</sup> سر  
یکی را به ابراندر افراختی<sup>۱۸</sup>

۱- س، و، آ، ب (و نیز ل ن): برهنه (س: گشاده) شد آن (س: از) روی پوشیده راز؛ متن = ف، ل، ق، ل، ۲- پ: آن؛ ل ن، ق، آ این بیت را ندارند ۳- س، ب: او؛ پ: این ۴- ل، ق، پ- ب (و نیز ل، ل ن): آمیخته؛ متن = ف، س، ل؛ در ل<sup>۲</sup> ت های این بیت پس و پیش شده اند ۵- ل: رسیدند نزدیکی هم فراز؛ ل: رسیدند دیگر بهر يك فراز؛ ل ن، ق، آ این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ل<sup>۲</sup> ت های این بیت پس و پیش شده اند ۶- ل: سخن گو ۷- ق، آ، ل: روشن دل؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن): برخی از دستنویس ها پس از این بیت یا چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر پیغام فرستادن سلم و تور بنزدیک شاه افریدون اندر حق ایرج و ملک ایران؛ س: تدبیر سلم و تور در کشتن ایرج و پیغام ایشان بنزد فریدون؛ ل ن، ل، پ، و، ل: پیغام سلم و تور بنزد (پ: بنزدیک؛ و: نزد؛ ل: نزد پدر) فریدون (ل: افریدون)؛ ق: رسول فرستادن سلم و تور بنزد فریدون؛ آ: پادشاهی فریدون فرخ پانصد سال؛ ب: پیغام دادن سلم و تور فریدون را ۸- ل، ل ن، ق (و نیز ل): پردخته؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۹- ف، ق، آ: گرفتند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن) ۱۰- ق: رو در نورد؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- آ: آب و گرد؛ ق: نباید ترازین سخن یاد کرد؛ ف، س، ل ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

برو زود نزد فریدون چو باد  
بجز راه رفتنت کاری مباد  
این بیت در ل، ق، و (و نیز ل، ل ن): نیست ۱۲- س، ل، پ- ب (و نیز ل، ل ن): و دیگر؛ متن = ف، ل، ل ن، ق ۱۳- ف، ق، آ، و: نباید که؛ آ: پسندیده ۱۴- پ: سفید؛ ل: این بیت را ندارد ۱۵- ق، آ، ب: چو؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن) ۱۶- و: سازد ۱۷- ل ن: کار ۱۸- ل، ق: که شد تنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن) ۱۹- در آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۰- س- پ، آ، ل، ب: همه؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، ل ن) ۲۱- ل، آ: ساختی؛ ق: خواسته؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن) ۲۲- ل ن، پ، آ، ل: نکردی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، آ، ل، و، آ، ب (و نیز ل ن): بجز؛ متن = ف، س، ل ن، پ، ل (و نیز ل) ۲۴- پ، آ: نجستی ۲۵- ف، ل، ق، آ، ل، و (و نیز ل): به بخشش درون؛ متن = س، ل ن، پ، و، آ، ب (و نیز ل ن) ۲۶- ل، ق، ب: بزرگ آمدت؛ و: بزرگت نبود؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۷- ل ن، ل، پ، ب: نیست؛ و: ایرج؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل (در ل هر سه حرف واژه، در س حرف دوم و در ل<sup>۲</sup> حرف سوم آن نقطه ندارند) ۲۸- ل، س، ق، آ، پ، آ، ل، ب: بیدار (در ل<sup>۲</sup> حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل ن، ل، و (و نیز ل) ۲۹- پ: یا؛ ل: تا؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- ف، آ: فرو برده؛ ل: فزون برد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل ن) ۳۱- ق: یکی را بدم؛ ق، آ پس از این بیت سرنویس دارد: تدبیر سلم و تور در کشتن ایرج و پیغام ایشان به پدر ۳۲- س: انداختی

بدو<sup>۲</sup> شاد گشته<sup>۳</sup> جهان بین تو  
که<sup>۵</sup> بر تخت شاهی نه اندر خوریم  
برین<sup>۷</sup> داد هرگز مباد آفرین  
شود دور<sup>۸</sup>. یابد جهان زو رها  
نشیند چو ما گشته از تو نهان<sup>۱۱</sup>  
هم از روم گردان<sup>۱۲</sup> جوینده کین  
از<sup>۱۵</sup> ایران و ایرج برآرم دمار

زمین را ببوسید و بنمود پشت  
که از باد آتش بجنبد ز جای  
برآورده می دید سر ناپدید<sup>۱۸</sup>  
زمین کوه تا کوه پهنای اوی<sup>۲۰</sup>  
به پرده ندر<sup>۲۳</sup> جای پرمایگان<sup>۲۴</sup>  
به دست دگر زنده پیلان جنگ  
خروشی برآمد چو آوای شیر  
پری<sup>۲۵</sup> لشکری گردش اندر پپای<sup>۲۶</sup>  
بگفتند با شهریار جهان<sup>۲۷</sup>  
یکی برمنش<sup>۲۸</sup> مرد بادستگاه  
بر اسپش ز درگاه بگذاشتند<sup>۲۹</sup>  
همه دیده و دل پر از شاه دید<sup>۳۱</sup>

یکی تاج بر سر به بالین<sup>۱</sup> تو  
نه ما زو<sup>۴</sup> به مام و پدر کمتریم  
ایا<sup>۶</sup> دادگر شهریار زمین  
اگر تاج از آن تارک بی بها  
سپاری<sup>۹</sup> بدو گوشه یی<sup>۱۰</sup> از جهان  
وگر نه سواران<sup>۱۲</sup> ترکان و<sup>۱۳</sup> چین  
فراز آورم لشکری گرزدار

چو بشنید موبد پیام<sup>۱۶</sup> درشت  
بدانسان<sup>۱۷</sup> به زین اندر آورد پای  
به درگاه شاه آفریدون رسید  
به ابر اندر آورده<sup>۱۹</sup> بالای اوی<sup>۲۰</sup>  
نشسته به دربر<sup>۲۱</sup> گران سایگان<sup>۲۲</sup>  
به يك دست بر بسته شیر و پلنگ  
ز چندان گرانمایه گرد دلیر  
سپهریست پنداشت ایوان بجای  
برفتند بیدار کاراگهان  
که آمد فرستاده می نزد شاه  
بفرمود تا پرده برداشتند  
چو چشمش به روی فریدون رسید<sup>۳۵۰</sup>

۱- و: باین ۲- ل، ق: برو؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۳- و: گشته روشن ۴- س، لی، ب: نه زوما؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- ل- ب (و نیز لن)؛ نه؛ متن = ف (و نیز ل) ۶- ف: ابا (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ق، پ: ابا؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۷- لن، پ، ل: بدین؛ ق، لی: بران؛ متن = ف، ل، س، ق، و، آ، ب ۸- ل، س، لن، لی، پ: دور و؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن) ۹- ق، ۲: بسازی ۱۰- ل، ق: کشوری؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۱۱- ل، ق، و (و نیز لن)؛ نشیند چوما از تو خسته نهان؛ لن، لی، پ، ب: نشیند چوما از تو گشته نهان؛ آ (و نیز ل)؛ نشیند چوما خسته اندر نهان؛ متن = ف، س، ق، ل، ۲، ۱۲- ل: سواران و ۱۳- ف، ل، ل: > و؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۱۴- ل: مردان؛ ل (و نیز ل)؛ ترکان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۵- ل، ق، ل: ز؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۱۶- ل: بنام ۱۷- ل، س، لن، ق، آ، پ، ل: بران سان؛ متن = ف، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ۲، لن) ۱۸- لن، لی، پ: برآورده از دور ایوان بدید؛ ل: بر آورده ایوان سر > نشیند (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۹- لن، و، ب: اندر آورد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۲۰- ل، س، ق، ق، آ، پ- ب: او؛ متن = ف، لن، لی (و نیز ل، ۲، لن)؛ ل: پس از این بیت افزوده است (وزن لت دوم نادرست است):

نشد نامش از ابر بر رفته تر که بد نامش از ابر رفته تر

۲۱- لی: نشستند بر در ۲۲- ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ۲، لن)؛ گرانمایگان؛ متن = ف، س، آ ۲۳- ل- ب: به پرده درون؛ متن = ف (و نیز س)؛ به پرده اندرون (ضحاک، بیت ۴۰) ۲۴- لن، پ: جای آزادگان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۲۵- ل: گران؛ س، آ، ب: بسی؛ لن: پر از؛ ق، لی: یکی؛ و: همی؛ متن = ف، ق، پ، ل، ۲ ۲۶- ل: گرد او بر پپای؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- ف: پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن سلم و تو > ر < بنزدیک آفریدون و گزاردن پیغام ایشان ۲۸- ف، پ، و، آ، ب (و نیز لن)؛ برمنش؛ س، ل: برمنش (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ل، لن، ق، ق، آ، لی ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: براند اسب و بر درش بگذاشتند؛ ل: باسب اندر از درش بگذاشتند؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، ۲، لن) ۳۰- ف: فتاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن) ۳۱- ف: یکی شاه دید او پر از فر و داد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن)

به بالا چو سرو و<sup>۱</sup> چو خورشید روی  
 دو لب پر ز خنده، دو رخ پر ز شرم  
 فرستاده چون دید سجده نمود  
 نشاندش همانگه فریدون ز پای<sup>۲</sup>  
 ۳۵۵ پرسیدش از<sup>۱</sup> دو گرامی نُخست  
 دگر گفت کین زشت راه دراز<sup>۲</sup>  
 فرستاده گفت: ای گرانمایه شاه  
 ز هر کس که پرسى به کام تواند  
 منم بنده‌ی شاه را ناسزا<sup>۱۴</sup>  
 ۳۶۰ پیامی<sup>۱۶</sup> درشت آوریده به شاه  
 بگویم چو فرماید شهریار  
 بفرمود پس تا<sup>۱۸</sup> زبان برگشاد  
 فریدون بدو<sup>۲۱</sup> پهن بگشاد گوش  
 فرستاده را گفت کای هوشیار<sup>۲۲</sup>  
 ۳۶۵ که من چشم خود همچُنین داشتم<sup>۲۴</sup>  
 بگوی<sup>۲۷</sup> آن دو ناباک<sup>۲۸</sup> بیهوده را

چو کافور گرد<sup>۲</sup> گل سرخ، موی<sup>۳</sup>  
 کیانی زبان پر ز گفتار نرم<sup>۴</sup>  
 زمین را سراسر<sup>۵</sup> به بوسه پَسود  
 سزاوار دادش<sup>۶</sup> یکی خوب جای<sup>۷</sup>  
 که هستند شادان دل و تندرست<sup>۸</sup>  
 شدی رنجه اندر نشیب و فراز  
 که بی تو مبیناد کس<sup>۱۳</sup> پیشگاه  
 همه پاک زنده به نام تواند  
 چُنین بر تن خویش ناپادشا<sup>۱۵</sup>  
 فرستنده پر خشم و من بی گناه  
 پیام جوانان ناهوشیار<sup>۱۷</sup>  
 شنیده سخن<sup>۱۹</sup> سر بسر<sup>۲۰</sup> کرد یاد  
 چو بشنید مغزش برآمد بجوش  
 نایست پوزش ترا خود بکار<sup>۲۳</sup>  
 همی<sup>۲۵</sup> بر دل خویش بگماشتم<sup>۲۶</sup>  
 دو آهرمن<sup>۲۹</sup> مغز پالوده را<sup>۳۰</sup>

۱- ل، س، لن، ق، آل: بیالای سرو و؛ پ: بیالای سرو (وزن نادرست است)؛ متن = ف، ق، آ، لی، و، ب (و نیز ل، لن، آ) ۲- ل، ق، ق، آ، لی، و (و نیز ل، لن، آ) ۳- پ: چو کافور موی و چو گل سرخ روی ۴- ل، لی: گرم؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۵- و: سراسر زمین را ۶- ف- ب (و نیز ل، لن، آ): بسود (حرف یکم يك نقطه دارد) ۷- ق، ق، آ، لی، و، آ، ب: نشاندش فریدون همانگه (لی: همانگه (وزن نادرست است)) ز پای؛ متن = ف، ل، لن، پ، ل، آ، ل: کردش؛ ق، آ، لی: دیدش؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- ل: بر خویش جای؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- ق: پرسید از؛ ق: پرسید از آن ۱۱- پ: دین درست ۱۲- ل: دگر گفت کز راه دور و دراز؛ لن، و، ب: دگر گفت کین دشت و (لن، ب: < و >) راه دراز؛ ق: دگر گفت کین راه زشت و دراز؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، پ، آل، ل: پس از این بیت افزوده است:

چه پیغام داری چه خواهش کنی بگو آنچ باید ز راه منی

۱۳- ل: ابی تو مبیناد کس؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ل: ب: مبیناد بی تو کسی؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، لن، آ) ۱۴- و: پارسا؛ ل: باسزا؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۱۵- لن، ق، آ، پ (و نیز ل، لن، آ): نا پارسا؛ س، ل، آ: با پادشا؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۶- لن، ق، آ، پ، ل، ب: پیام؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۷- پ، ل، آ: با هوشیار؛ ق: این بیت را ندارد ۱۸- ل، آ: بفرمود تا پس ۱۹- لن، لی، پ: سخنها همه؛ و: شنیده همه؛ ل، آ: سخن را همه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- ق: در بدر ۲۱- و: همی؛ ل، آ: برو ۲۲- لن، پ: پس شهریار؛ ق: ای هوشیار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- ف: ترا ترس و پوزش نباید بکار؛ ل، ق: نباید (ق: نباید) ترا پوزش اکنون بکار؛ لی: که پوزش ترا خود نباید بکار؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۴- ل، و: که من چشم ازیشان چنین (و: همین) داشتم ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: همین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، لن، آ) ۲۶- ل، و (و نیز لن، آ): بگذاشتم؛ ق: بگذاشتم؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ): ل، ق، پس از این بیت افزوده اند:

که از گوهر بد نیاید بهی مرا دل همی داد ازین (ل: داد این) آگهی

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۳۶۵ سرنویس دارند، ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه فریدون پسران را سلم و تور و باز گشتن بکشتن رسولان؛ ق: پاسخ فرستادن شاه فریدون پسران را؛ پ: پاسخ دادن فریدون پسران را؛ و: پاسخ دادن شاه فریدون پیغام سلم و تور را؛ ل: پاسخ آوردن فریدون مر فرزندان را ۲۷- ل، ق، لی، و: بگو؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- آ، ب: نا پاک؛ لن: این دو < نا > پاک (وزن نادرست است)؛ و: آن < دو > ناباک (وزن نادرست است)؛ ل: ای دو ناباک؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، پ ۲۹- ف- پ، آل، ل، ب (و نیز ل، آ): آهرمن (وزن نادرست است)؛ و: آهرمین؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- ل، و: آن دو آهرمن مغز پالوده را (وزن نادرست است)؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

دروود از شما<sup>۳</sup> خود بدینسان<sup>۴</sup> سزید  
 همان<sup>۵</sup> از خردتان نماند<sup>۶</sup> آگهی  
 شما را همانا جز اینست<sup>۷</sup> جای<sup>۸</sup>  
 چو سرو سهی قد و چون ماه روی  
 نشد پست<sup>۹</sup>، گردان بجایست<sup>۱۰</sup> نور<sup>۱۱</sup>  
 نماند<sup>۱۲</sup> خمانیده<sup>۱۳</sup> هم پایدار<sup>۱۴</sup>  
 به رخشنده خورشید و آرمیده<sup>۱۵</sup> خاک<sup>۱۶</sup>  
 که من بد نکردم شما را نگاه<sup>۱۷</sup>  
 ستاره‌شناسان و هم موبدان  
 نکردیم بر باد<sup>۱۸</sup> بخشش<sup>۱۹</sup> زمین  
 ز<sup>۲۰</sup> کژی نه سر بود پیدا نه بن<sup>۲۱</sup>  
 همه راستی خواستم در جهان  
 نجستم پراگندن انجمن<sup>۲۲</sup>  
 سپارم<sup>۲۳</sup> به سه دیده‌ی نیکبخت  
 به کژی و تاری<sup>۲۴</sup> کشید اهرمن<sup>۲۵</sup>

انوشه<sup>۱</sup> که کردید<sup>۲</sup> گوهر پدید  
 ز پند من ار<sup>۳</sup> مغزتان شد تهی  
 ندارید شرم و<sup>۴</sup> نه ترس از خدای<sup>۵</sup>  
 ۳۷۰ مرا پیشتر قیرگون بود موی  
 سپهری که پشت مرا کرد کوز<sup>۶</sup>  
 خماند شما را همان<sup>۷</sup> روزگار  
 بدان برترین<sup>۸</sup> نام یزدان پاک  
 به تخت و کلاه و به خورشید<sup>۹</sup> و ماه  
 ۳۷۵ یکی انجمن کردم<sup>۱۰</sup> از بخردان  
 بسی روزگاران شده‌ست<sup>۱۱</sup> اندرین  
 همه راستی خواستم<sup>۱۲</sup> زین سخن  
 همه ترس یزدان ب<sup>۱۳</sup> اندر نهان<sup>۱۴</sup>  
 چ<sup>۱۵</sup> آباد دادند<sup>۱۶</sup> گیتی به من  
 ۳۸۰ مگر همچنان گفتم<sup>۱۷</sup> آباد تخت  
 شما را کنون گر<sup>۱۸</sup> دل از راه من<sup>۱۹</sup>

۱- لن: کانوشه ۲- ل، پ: کردند ۳- ل: درود شما ۴- ل، لی: برین سان؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۵- ل: آن  
 ۶- ل: همی ۷- ل، لن، ق، پ: نبود؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- لن، پ: ندارید ترس و؛ ل: ندارند ترس و؛ ب: ندارند شرم و؛ متن= هشت  
 دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۹- ل: نه بیم خدای؛ لن، پ، ل: نه شرم از خدای؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۰- ل، ق (و  
 نیز ل): همانا همینست؛ لی: همانا خرد نیست؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۱- ل-آ، ب (و نیز ل، لن): رای؛ متن= ف، ل، ۱۲- ل،  
 لن، لی، پ، آ (و نیز ل، لن): کوز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- لن، پ، ل، ب: پست و؛ لی: سست و؛ سست و؛ متن= ف، ل، س، ق، ق، آ،  
 آ (و نیز ل) ۱۴- ق: بپایست؛ ل: بجانست؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۵- ل: نور؛ لن: انوز؛ ق، ق، آ، لی (و نیز لن): هنوز؛  
 ل: توز؛ متن= ف، س، پ، و، آ، ب (و نیز ل) ۱۶- ف: خماند شما را همان (حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ ل: خماند شما را هم این؛ س، لی،  
 پ: شما را چماند همان؛ لن، آ، ل، ب: شما را خماند همان؛ ق: شما را چه ماند همان؛ و (و نیز لن): چماند شما را همان؛ ل: نماید شما را  
 همین؛ متن= ق ۱۷- ف: نباشد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۸- ف: چماننده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س: حماسه (نقطه  
 ندارد)؛ لن، آ: چماننده؛ ق، لی، پ، و: چماننده؛ ق: چماننده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: نماینده؛ لن: چمانیده؛ متن= ل، ۱۹- ل:  
 نماند برین گونه بس پایدار ۲۰- لن: برتری ۲۱- ف: وارمنده؛ ل، ب (و نیز ل): و بر تیره؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: و تاریک؛ ق: و آرمیده (وزن  
 نادرست است)؛ پ: و آرنده؛ و: با تیره؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- لن، پ (و نیز لن): بناهید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۳- ل،  
 پ، ل: بگاه؛ و: نگاه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۴- ق: کرد ۲۵- س، لی: شد (حرف یکم نقطه  
 ندارد)؛ ق، و: گذشت؛ ق: نشد؛ آ، ب: بشد؛ ل: شده؛ متن= ف، ل، لن، پ (و نیز ل) ۲۶- ف: نکردیم بر یاد؛ ل: نکردیم بر باد (حرف یکم  
 واژه سوم نقطه ندارد)؛ س: نکردیم بر داد و؛ لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل: بکردیم بر داد (ق: پ: داد و)؛ لی، ب (و نیز ل): نکردم به بیداد؛ و: نکردیم خرداد؛  
 متن تصحیح قیاسی است ۲۷- ل، و، ل: بخش؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۸- و: همی خواستم راستی ۲۹- ل، ق، آ، ب: نه؛ متن= هفت  
 دستنویس دیگر ۳۰- لن، لی، پ، ل، ب: نه سر بد مر این را نه بن؛ ق: نجستم پراگندن انجمن (= ۳۷۹)؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ (و نیز ل)  
 ۳۱- ل (و نیز ل): میان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن)؛ در ق این بیت پس از بیت ۳۷۹ آمده  
 است و در اینجا بجای بیت ۳۷۸ بیت ۳۸۰ را آورده است ۳۲- ل- ب (و نیز ل، لن): چو؛ متن= ف ۳۳- پ: دارند ۳۴- ق: ز کژی نه سر  
 بود پیدا نه بن (= ۳۷۷)؛ در ق پس از این بیت بیت ۳۷۸ آمده است ۳۵- ق: مگر گفتم همچنان (وزن نادرست است) ۳۶- ق: بسازم؛ در ق  
 این بیت پس از بیت ۳۷۷ آمده است ۳۷- س: کنون تان ۳۸- آ: رای من؛ لن، پ: شما را کنون از دل و رای من؛ ق، آ، لی: شما را اگر اکنون دل از  
 راه من؛ ل: شما را کنون از دل راه من؛ متن= ف، ل، ق، س، و، ب ۳۹- س، ق، آ: بتاری و کژی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۴۰- ق: کشد ز انجمن

چُنین از شما کرد خواهد پسند  
همان بر<sup>۳</sup> که کارید<sup>۴</sup> خود بدروید<sup>۵</sup>  
جز اینست جاوید ما را سرای<sup>۷</sup>  
چرا شد چُنین دیو انبازتان  
روان یابد<sup>۱۱</sup> از کالبدتان رها  
نه هنگام<sup>۱۲</sup> تیزی<sup>۱۳</sup> و آشفتن<sup>۱۴</sup> ست  
که بودش سه فرزند آزاد مرد  
همان<sup>۱۵</sup> خاک<sup>۱۶</sup> و هم<sup>۱۷</sup> گنج<sup>۱۸</sup> شاهنشهی  
سزد گر نخوانندش<sup>۱۹</sup> از آب پاک  
نخواهد شدن رام با هر کسی  
بود رستگاری<sup>۲۴</sup> به روز شمار  
بکوشید تا رنج کوتاه کنید

زَمین را بیوسید<sup>۲۷</sup> برگاشت روی  
تو<sup>۲۸</sup> گفتی که با باد انباز گشت

شهنشاه بنشست و بگشاد راز<sup>۲۹</sup>  
همه بودن<sup>۳۰</sup> پیش او باز راند  
ز خاور سوی ما نهادند روی  
که باشند شادان به کردار بد  
که آن بوم ها را درشتی برست

پرسید<sup>۱</sup> تا کردگار بلند  
یکی داستان گویم ار بشنوید<sup>۲</sup> :  
چُنین گفت با ما سخن<sup>۶</sup> رهنمای  
به تخت خرد<sup>۸</sup> برنشست آرتان  
۳۸۵  
بترسم که در چنگ<sup>۹</sup> این<sup>۱۱</sup> اژدها  
مرا خود ز گیتی که رفتن ست  
ولیکن چُنین گوید آن سالخورده  
که چون آز گردد ز دلها تهی  
۳۹۰  
کسی کو برادر فروشد به خاک  
جهان چون شما دید و بیند بسی<sup>۲۰</sup>  
کنون<sup>۲۱</sup> هر چه<sup>۲۲</sup> دانید کز کردگار<sup>۲۳</sup>  
پیوید<sup>۲۵</sup> و آن<sup>۲۶</sup> توشه‌ی ره کنید

فرستاده بشنید گفتار اوی  
۳۹۵  
ز پیش فریدون چُنان بازگشت

فرستاده‌ی سلم چون گشت باز  
گرامی جهانجوی را پیش خواند  
و<sup>۳۱</sup> گفت کان<sup>۳۲</sup> دو پسر جنگ جوی  
ز<sup>۳۳</sup> اختر چُنین ستشان<sup>۳۴</sup> بهره خود  
۴۰۰  
دگرشان ز دو کشور آبشخورست<sup>۳۵</sup>

۱- س: برسید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ لن، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ ببینید؛ ق: نترسید؛ ق: برسید؛ متن=ف، ل، آ، ۲- ق: بشوی ۳- لن: بد ۴- ق: که کاری ۵- س، ق، آ، لی، و، آ: آن بدروید؛ ق: همان بدروی؛ متن=ف، ل، لن، پ، ل، آ، ب ۶- ل: ما را سخن؛ س، لی: با من سخن؛ ق: با ما یکی؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۷- س، ق، آ، ب: که ما را جز اینست جاوید جای؛ ل: چو این نیست جاوید ما را سرای؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۸- ل، ق: کئی؛ ل: آ: هوا؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۹- ف- ب: جنگ (حرف یکم يك نقطه دارد) ۱۰- پ: آن ۱۱- آ: آید ۱۲- لن: بهنگام ۱۳- ل: تندی و؛ لن: پیری؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۴- لن: برآشفتست ۱۵- ل: چه آن؛ متن=یازده دستنویس دیگر ۱۶- ل: تاج ۱۷- ل، ق، ق، آ (و نیز لن، آ): آن؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ): آ: تخت؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۹- لی (و نیز ل، ل، ن، آ): نخوانیمش؛ لن این بیت را ندارد؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۰- ل: جهان چون شما زود بیند بسی؛ متن=یازده دستنویس دیگر؛ در و این بیت پس از بیت ۳۹۳ آمده است ۲۱- ل: کزین؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۲- ل: هرچ ۲۳- لن، پ: دانید کردن بکار (پ: ز کار) ۲۴- لن: زشتکاری؛ ل: راست کاری ۲۵- ل، س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: بجوید؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن=ف، ق، و (و نیز ل، ل، ن، آ) ۲۶- پ: این؛ در و پس از این بیت بیت ۳۹۱ آمده است؛ لن پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ نامه سلم و تور از شاه فریدون ۲۷- لی: < و > ۲۸- ل، ق: که؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند، ق: رای زدن فریدون با ایرج جهت سلم و تور؛ و: رای زدن شاه فریدون با ایرج در کار سلم و تور ۲۹- در لن این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۰- ل، ق: همه گفتی؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- ق: بدو ۳۲- و: آن ۳۳- ل، لن، ق، آ، پ: از؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳۴- لن، پ، ل، آ: هستشان؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳۵- ق: آ: آب و خورست؛ س: زاختر چنن کشور آبشخورست؛ ل: دگر آنک دو کشور آبش خورست؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ)



کجا مر ترا بر سر افسر بود  
نگردد کسی گرد بالین تو  
سرت گردد آسوده<sup>۲</sup> از داوری  
بدینسان<sup>۵</sup> گشادند بر من<sup>۶</sup> نِهان<sup>۷</sup>  
در گنج بگشای و<sup>۹</sup> بر بند بار<sup>۸</sup>  
وگر نه خورند ای<sup>۱۱</sup> پسر بر تو شام  
بی آزاری<sup>۱۴</sup> و راستی یار تست<sup>۱۵</sup>

بدان<sup>۱۷</sup> مهربان<sup>۱۸</sup> پاک<sup>۱۹</sup> فرخ پدر  
نگه کن بدین<sup>۲۰</sup> گردش روزگار  
خردمند مردم چرا غم خورد  
کند تیره دیدار<sup>۲۲</sup> روشن روان  
پس از رنج<sup>۲۵</sup>، رفتن ز جای<sup>۲۶</sup> سِنج  
درختی چرا<sup>۲۸</sup> باید امروز کِشت  
بُنش<sup>۳۰</sup> خون خورد، بار کین آورد<sup>۳۱</sup>  
چو ما دید و بسیار<sup>۳۳</sup> بیند زمین<sup>۳۴</sup>  
ندیدند کین اندر آیین خویش  
به بد نگذرانم بد روزگار<sup>۳۷</sup>  
شوم پیش ایشان دوان بی سپاه<sup>۳۸</sup>

برادرت چندان برادر بود  
چو پژمرده شد روی رنگین تو  
تو گر پیش شمشیر مهر آوری  
دو فرزند من کز<sup>۳</sup> دو گوشه<sup>۴</sup> جهان  
گرت سر به کارست بیسیج<sup>۸</sup> کار  
تو گر چاشت را دست یازی به جام  
نباید ز<sup>۱۲</sup> گیتی ترا یار جُست<sup>۱۳</sup>

نگه کرد پس ایرج نامور<sup>۱۶</sup>  
چنین داد پاسخ که ای شهریار  
که چون باد بر ما همی بگذرد  
همی پژمراند رخ<sup>۲۱</sup> ارغوان  
به<sup>۲۳</sup> آغاز گنجست و فرجام رنج<sup>۲۴</sup>  
که<sup>۲۷</sup> بستر ز خاکست و بالین زخشت  
که هر چند چرخ<sup>۲۹</sup> از برش بگذرد  
۴۱۵ خداوند شمشیر و گاه<sup>۳۲</sup> و نگین  
از آن<sup>۳۵</sup> تاجور نامداران<sup>۳۶</sup> پیش  
چو دستور باشد مرا شهریار  
نباید مرا تاج و تخت و کلاه

۱- ل، ق: دگر؛ متن = ده دستنویس دیگر (ونیز ل، ق، پ، ل این بیت پس از بیت ۲۲۴ نیز آمده است ۳- ل، ن، پ: از ۴- ل: دوش؛ و: کشور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ل، ل، ن، ق، پ، آ، ل، ب: برینسان؛ متن = ف، س، ق، ل، و (ونیز ل، ن) ۶- و، آ: ما ۷- ل، ق، آ (ونیز ل، ن): زبان؛ ق: روان؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، ن) ۸- آ: مسیح ۹- ق: < و > ۱۰- و: باز (پساوند ندارد) ۱۱- آ: خوردندی ۱۲- آ: به ۱۳- ل، و: یار کس؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- ل، ن، پ: که آزادی ۱۵- ل، و: یاربس؛ ل، ن، پ، آ: کار تست؛ متن = ف، س، ق، ل، ل، ب ۱۶- س، ل، ن، ق، ل، ل، پ، ل، ب: پرهیز؛ متن = ف، ل، ق، و، آ (ونیز ل، ن) ۱۷- ل: بران؛ ب: مران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- و: نامور ۱۹- ل، ن، پ: شاه ۲۰- پ: برین ۲۱- ل، ق: گل؛ س، ق، ل، ل: گل و؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، ن) ۲۲- ل: دریای؛ در و از این بیت تا بیت ۴۱۵ درهم ریخته اند: ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۵، ۲۳- و: در ۲۴- آ: با آغاز رنجست و فرجام گنج ۲۵- آ: گنج ۲۶- ل، ن: رفتن سرای؛ ق، ل، ل، پ، ب: رفتن بجای؛ متن = ف، ل، س، ق، و، آ، ل (ونیز ل، ن) ۲۷- ل، ن، ق، ل، ل، پ، و، آ، ل (ونیز ل، ن): چو؛ متن = ف، ل، س، ق، ل، ب (ونیز ل، ن) ۲۸- ق: آ: مرا ۲۹- ل، ن، پ: روز ۳۰- ف- پ (ونیز ل، ن): تنش؛ ل: آ: برش؛ متن = و، آ، ب (ونیز ل، ن) ۳۱- ل، ن، پ: کینه بار آورد؛ ل: آ: برش خورد باز از کین آورد (!)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۲- و: تاج؛ ف: خداوند تیغ و کلاه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳- س- آ، ب (ونیز ل، ن): چو ما دید بسیار و؛ متن = ف، ل، ل (ونیز ل، ن) ۳۴- ق، ب: چنین ۳۵- س، ل، ن، ق، ل، پ، آ، ل، ب: که آن؛ متن = ف، ل، ق، ل، و (ونیز ل، ن) ۳۶- س، ل، ن، ق، آ، ل، آ، ل، ب: شهریاران؛ ل: نامور تاجداران؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل، ن) ۳۷- ف: بر روزگار؛ ق، و (ونیز ل، ن): همی روزگار (ل): یکی روزگار؛ س، ل، ن، ق، ل، ل، پ، آ، ب: همان نگذرانم (پ: بگذرانم) بید روزگار؛ ل: آ: شوم پیش ایشان دوان بی سپاه (= ۴۱۸ ب)؛ متن = ل ۳۸- س، ق، ل، ل، آ: شوم پیش هر دو (ق): < دو >، وزن نادرست است) دوان بی سپاه؛ و: همی پیش ایشان شوم بی سپاه؛ ل: آ: همان بگذرانم بید روزگار (= ۴۱۷ ب)؛ ل: آ: پس از این بیت سرنویس دارد: اجازت خواستن ایرج از فریدون؛ ل- ب (ونیز ل، ن) پس از این بیت افزوده اند:

بگویم که ای نامداران من چنان چون گرامی تن و جان من  
این بیت در ف نیست؛ لی این بیت را دوبار نوشته است؛ در پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

بگویم که<sup>۱</sup> از شهریار<sup>۲</sup> زمین  
 ۴۲۰ به گیتی چه دارید<sup>۴</sup> چندین<sup>۵</sup> امید  
 به فرجام هم شد ز گیتی بدر  
 مرا با شما هم به فرجام کار  
 دل کینه‌ورشان به دین<sup>۱۱</sup> آورم

بدو گفت شاه ای خردمند پور  
 ۴۲۵ مرا<sup>۱۵</sup> این سخن یاد باید گرفت  
 ز تو پرخرد<sup>۱۷</sup> پاسخ ایدون سزید  
 ولیکن چو جانی شود بی بها<sup>۱۹</sup>  
 چه پیش آیدش<sup>۲۱</sup> جز<sup>۲۲</sup> گزاینده زهر  
 ترا ای پسر گر چنین ست رای  
 پرستنده چند از میان سپاه  
 ۴۳۰ ز درد دل اکنون یکی نامه من  
 مگر باز بینم تن تو درست<sup>۲۸</sup>

مدارید خشم<sup>۳</sup> و مجوید کین  
 نگر تا چه بد کرد با جمشید<sup>۶</sup>  
 بماندش همان<sup>۷</sup> تخت و تاج و کمر<sup>۸</sup>  
 بیاید<sup>۹</sup> چشیدن همان روزگار<sup>۱۰</sup>  
 سزاوارتر زانک<sup>۱۲</sup> کین آورم<sup>۱۳</sup>

برادر همی رزم جوید، تو سور<sup>۱۴</sup>  
 ز مه روشنایی نباشد<sup>۱۶</sup> شگفت  
 دلت مهر و<sup>۱۸</sup> پیوند ایشان گزید  
 نهد بخرد اندر<sup>۲۰</sup> دم آژدها  
 کهش<sup>۲۳</sup> از آفرینش چنین ست<sup>۲۴</sup> بهر  
 برآرای<sup>۲۵</sup> کار و پرداز جای  
 بفرمای کاینده با تو به راه  
 نویسم<sup>۲۶</sup> فرستم بدان<sup>۲۷</sup> انجمن  
 که روشن روانم به دیدار تست

### گفتار اندر نامه فرستادن شاه آفریدون به سلم و تور<sup>۲۹</sup>

یکی نامه بنبشت<sup>۳۰</sup> شاه زمین به خاورخدای<sup>۳۱</sup> و به سالار چین<sup>۳۲</sup>

۱- و: به بیهوده؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب ۲- پ: شهریاران ۳- لی: چشم؛ این بیت در ل، ق چنین است: مدارید خشم و مدارید کین نه زیباست کین از خداوند دین

در پ بیت ۴۱۹ با بیت ۴۲۲ پ پس و پیش شده است ۴- ل، ق، پ، ب: مدارید؛ لن: خداوند؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن) ۵- و: اکنون ۶- لی: جام شید ۷- ف، لی، پ، آ، ل: نماندش همان؛ لن: نماندست آن؛ و: بماند از وی این؛ متن= ل، س، ق، آ، ب ۸- ل، لن، ق، لی- ب: تاج و تخت و کمر؛ متن= ف، س، ق، آ؛ لی پس از این بیت افزوده است:

مرا با شما هم به فرجام (۱۴۲۲) بدر نماندش همان تاج و تخت و کمر (=۴۲۱ ب)

۹- ل، ل، ل: نباید ۱۰- ل، ق، لی، و: بد روزگار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل: بدام ۱۲- س، پ، آ، ل: زانکه؛ متن= ف، لن- لی، و، ب ۱۳- ل: بدین کار پیروز نام آورم؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بباشیم با یکدگر شادمان شویم ایمن از دشمن بدگمان فریدون چو بشنید شد شادمان دلش شادمان شد بدیدار او

۱۴- در ل، ق، پ، ل پس از این بیت ۴۰۳ دوباره آمده است ۱۵- ل: من ۱۶- ل، ل، ل: نباید ۱۷- لن، پ: پرهز ۱۸- ل: < و >

۱۹- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: ولیکن چو جان و سر پر بها (س، ب: بی بها)؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، و ۲۰- ل، ق: نهد پرخرد در؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- و: آیدت ۲۲- ب: زین ۲۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: که؛ و: کت؛ متن= ف، ل، ق ۲۴- ق، آ، لی: جز این است ۲۵- ل: بیارای؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۶- ل: نه بینم (→ نیسم) ۲۷- ل، ق: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر

۲۸- ل، لی، و، ب (و نیز ل، لن): ترا تندرست؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۹- ف: گفتار اندر نامه فرستادن شاه آفریدون به سلم و تور پسرانش را و فرستادن ایرج را بنزدیک ایشان؛ ل: نامه نوشتن فریدون بر پسران؛ لن: نامه فریدون بنزد سلم و تور؛ ق: نامه فریدون پسران و رفتن ایرج نزد ایشان؛ پ: نامه نوشتن بسالار چین؛ و: نامه شاه فریدون نزد پسران و رفتن ایرج برسولی؛ س، ق، آ، لی، آ، ل، ب: سرنویس ندارند؛ متن= آغاز ف ۳۰- ل- ب (و نیز ل، لن، آ): بنوشت؛ متن= ف ۳۱- ق: خدا ۳۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: میان کیان چون (ق: بسان کیانی) درخشان (ل: درختان) نگین (= ۴۳۶ ب)؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن، آ)

کجا بود<sup>۱</sup> و باشد همیشه بجای  
 بنزد دو خورشید گشته بلند<sup>۲</sup>  
 میان کیان چون درخشان نگین<sup>۵</sup>  
 شده آشکارا بروبر<sup>۹</sup> نهان  
 فروزندهی نامدار افسران  
 گشایندهی گنج پیش امید<sup>۱۳</sup>  
 به راه روشن اندرآورده روی<sup>۱۷</sup>  
 نه آگنده گنج و نه تخت<sup>۱۸</sup> و نه گاه<sup>۱۹</sup>  
 از آن پس که بردیم<sup>۲۱</sup> رنج دراز<sup>۲۲</sup>  
 وگر<sup>۲۴</sup> چند هرگز نزد<sup>۲۵</sup> باسرد  
 همان<sup>۲۶</sup> آرزومند دیدارتان  
 چنان کز<sup>۲۷</sup> ره نامداران<sup>۲۸</sup> سزید  
 برفت و میان<sup>۳۰</sup> بندگی را بیست  
 نوازیدن مهتر اندرخورست<sup>۳۲</sup>  
 چو پرورده شد تن<sup>۳۴</sup>، روان پرورید  
 فرستید باز<sup>۳۷</sup> منش ارجمند<sup>۳۸</sup>

سر نامه کرد آفرین خدای  
 ۴۳۵ دگر<sup>۲</sup> گفت کین نامه‌ی پندمند  
 دو سنگی، دو جنگی<sup>۴</sup>، دو شاه زمین،  
 ز<sup>۶</sup> آنکس که هر گونه<sup>۷</sup> دیده<sup>۸</sup> جهان  
 گرایندهی<sup>۱۱</sup> گرز و تیغ گران<sup>۱۱</sup>  
 نمایندهی شب به روز سپید<sup>۱۲</sup>  
 ۴۴۰ همه<sup>۱۴</sup> رنج ها گشته<sup>۱۵</sup> آسان بروی<sup>۱۶</sup>  
 نخواهم همی خویشان را کلاه  
 سه فرزند را خواهم آرام<sup>۲۰</sup> و ناز  
 برادر کزو بودتان دل به درد<sup>۲۳</sup>  
 دوان آمد از بهر آزارتان  
 ۴۴۵ بیفگند شاهی شما را گزید  
 ز تخت اندرآمد به زین برنشست<sup>۲۹</sup>  
 بدان<sup>۳۱</sup> کو به سال از شما که ترست  
 گرامیش دارید و نوشته<sup>۳۳</sup> خورید  
 چن<sup>۳۵</sup> از بودنش بگذرد روز چند<sup>۳۶</sup>

۱- ل، ق، پ: هست؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) - ۲- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): چنین؛  
 ق<sup>۴</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، و (و نیز لن<sup>۵</sup>) - ۳- ق: فرزند من (پساوند ندارد) - ۴- ف: دو جنگی دو سنگی؛ ق<sup>۵</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس  
 دیگر (و نیز ل<sup>۶</sup>، لن<sup>۷</sup>) - ۵- ل: بدخشان نگین؛ س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: یکی شاه خاور یکی شاه چین؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل<sup>۸</sup>، لن<sup>۹</sup>) - ۶- ل-  
 ب (و نیز ل<sup>۱۰</sup>، لن<sup>۱۱</sup>): از؛ متن = ف - ۷- ل، ق: آن کوز هر گونه؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۱۲</sup>، لن<sup>۱۳</sup>) - ۸- و: گرد - ۹- س، لن، ل، آ: بدو بر؛ متن =  
 نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۱۴</sup>، لن<sup>۱۵</sup>) - ۱۰- لن، ق، و، ل، ب (و نیز ل<sup>۱۶</sup>، لن<sup>۱۷</sup>): گزارنده؛ پ: گزارنده؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، لی، آ - ۱۱- ل، س، لن،  
 لی- ب (و نیز ل<sup>۱۸</sup>، لن<sup>۱۹</sup>): تیغ و گرز گران؛ ق<sup>۲۰</sup>: کن زو به تیغ گران؛ متن = ف - ۱۲- لن، ق، آ، لی: سفید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره  
 افزوده اند - ۱۳- لن، پ: گنج بیم و امید؛ لی: گنج پیش از امید؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲۱</sup>، لن<sup>۲۲</sup>)؛ و این بیت را دو بار نوشته است - ۱۴-  
 س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: کنون؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل<sup>۲۴</sup>، لن<sup>۲۵</sup>) - ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ: گشت؛  
 متن = ف، ل، س، و، آ، ل، ب - ۱۶- لن، پ: بدوی؛ متن = نه دستنویس دیگر - ۱۷- ف، ل، لن، پ، ل، آ: بدو (لن، ل، آ: برو) روشنی اندر آورده روی؛  
 س، ق، آ، لی، آ: براه (آ: براه و) روش اندر آورده (ق: آورد) روی؛ و (و نیز ل<sup>۲۰</sup>، لن<sup>۲۱</sup>): بدو خلق گیتی در آورده روی؛ متن = ب؛ در پ پس از این بیت  
 بیت ۴۴۲ آمده است - ۱۸- ل، ق: تاج؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲۲</sup>، لن<sup>۲۳</sup>) - ۱۹- س، ق، آ، لی، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲۴</sup>، لن<sup>۲۵</sup>): و سپاه؛ متن = ف، ل، لن،  
 ق، پ، و (و نیز لن<sup>۲۶</sup>) - ۲۰- س: سه فرزند خواهیم آرام؛ لی: نه فرزند خواهیم آرام؛ ق<sup>۲۱</sup> این بیت را ندارد - ۲۱- ل، ق: دیدیم - ۲۲- و: از آنس که  
 بستم در گنج باز؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در پ پس از این بیت بیت ۴۴۰ آمده است - ۲۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل<sup>۲۶</sup>، لن<sup>۲۷</sup>): برادر کزو (ل<sup>۲۸</sup>):  
 که زو بود دلتان بدر؛ متن = ف، ل، ق - ۲۴- س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: اگر؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، آ - ۲۵- س، لن، ل، ب: چند بر کس نزد؛ ق، آ،  
 لی، پ، آ: چه نزد بر کسی؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲۸</sup>، لن<sup>۲۹</sup>) - ۲۶- ل: که بود؛ و: همه؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳۰</sup>، لن<sup>۳۱</sup>) - ۲۷- لن: چنانک از  
 ۲۸- ف: نامداری؛ آ: هوشیاران؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳۲</sup>، لن<sup>۳۳</sup>) - ۲۹- لی: در نشست - ۳۰- پ: بدینسان میان - ۳۱- و: از آن - ۳۲-  
 س، ق، آ، لی، آ، ب: بمهر و نوازندگی در خورست؛ لن، پ، ل، آ: بمهر و نوازیدن اندر خورست؛ (ل<sup>۳۳</sup>): نوازیدن از مهتران در خورست؛ لن<sup>۳۴</sup>: نوازیدن از  
 مهتر اندر خورست؛ متن = ف، ل، ق، و - ۳۳- ق<sup>۳۴</sup>: بوسه (نقطه ندارد)؛ لی (و نیز ل<sup>۳۵</sup>، لن<sup>۳۶</sup>): توشه؛ ل<sup>۳۷</sup>: بوشه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = نه  
 دستنویس دیگر - ۳۴- و: زو - ۳۵- ل، لن، ق، لی- ب (و نیز ل<sup>۳۸</sup>، لن<sup>۳۹</sup>): چو؛ ق<sup>۴۰</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف - ۳۶- لن: از بودنش روز بگذشت چند؛  
 ل<sup>۴۱</sup>: از بودنش روز کی روز چند؛ ب: از رفتنش بگذرد روز چند؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۴۲</sup>، لن<sup>۴۳</sup>) - ۳۷- ف (و نیز ل<sup>۴۴</sup>، لن<sup>۴۵</sup>): بازی؛ ل: نازی  
 (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، پ، و، ل، آ، ب: نزد؛ آ: سوی؛ متن تصحیح قیاسی است - ۳۸- س: فرستند نزدیک من ارجمند؛ لی: فرستید نزدیک  
 من بی گزند؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند: س: رفتن ایرج با نامه شاه فریدون بنزد سلم و تور؛ لن، ب: رفتن ایرج بنزد (ب: نزد) برادران؛  
 ق<sup>۴۱</sup>: رفتن ایرج با نامه پدر بنزد برادران؛ لی: نامه فریدون بتور و سلم و فرستادن ایرج؛ پ: اندر صفت سلطنت ایرج؛ ل<sup>۴۲</sup>: رفتن ایرج نزد برادران و نوازش  
 کردن

۴۵۰ نهادند بر نامه‌بر مهر شاه  
 بشد با تنی چند برنا و پیر  
 چو تنگ اندرآمد به نزدیکشان  
 پذیره شدندش برآین خویش  
 چو دیدند روی برادر به مهر<sup>۷</sup>  
 ۴۵۵ دو پرخاشجو با یکی<sup>۸</sup> نیکخوی<sup>۹</sup>  
 دو دل پر ز کینه<sup>۱۰</sup>، یکی دل بجای  
 به ایرج نگه کرد یکسر سپاه  
 بی آرامشان<sup>۱۲</sup> شد دل از مهر<sup>۱۳</sup> اوی<sup>۱۴</sup>  
 سپاه<sup>۱۷</sup> پراگنده شد جفت جفت  
 ۴۶۰ که اینت<sup>۱۹</sup> سزاوار شاهنشاهی  
 به لشکر نگه کرد سلم از گران  
 به لشکرگه آمد دلی پر ز کین  
 سراپرده پرداخت از<sup>۲۴</sup> انجمن  
 سخن شد پژوهیده<sup>۲۵</sup> از هر دری  
 ۴۶۵ به تور از میان سخن سلم گفت  
 سپاه دو شاه از پذیره شدن

ز ایوان بر ایرج<sup>۱</sup> گزین کرد راه  
 چنان چون بود<sup>۲</sup> راه را ناگزیر  
 نبود آگه از رای<sup>۳</sup> تاریکشان  
 سپه<sup>۵</sup> سربسر باز بردند<sup>۶</sup> پیش  
 یکی تازه‌تر برگشادند چهر  
 گرفتند پرسش نه بر آرزوی  
 برفتند هر سه به پرده‌سرای  
 که او بُد سزاوار تخت<sup>۱۱</sup> و کلاه  
 دل از مهر و<sup>۱۵</sup> دیده پر از<sup>۱۶</sup> چهر اوی<sup>۱۴</sup>  
 همه نام ایرج شد<sup>۱۸</sup> اندر نهفت  
 جزین را<sup>۲۰</sup> مبادا<sup>۲۱</sup> کلاه مهی  
 سرش گشت از آن کار لشکر<sup>۲۲</sup> گران  
 جگر پر ز خون<sup>۲۳</sup>، ابروان پر ز چین  
 خود و تور بنشست با رای زن  
 ز شاهی و از<sup>۲۶</sup> شاه<sup>۲۷</sup> هر کشوری  
 که يك يك<sup>۲۸</sup> سپاه از چه گشتند جفت  
 دگر بود و دیگر به باز آمدن<sup>۲۹</sup>

۱- ف: به ایران بایرج؛ س، ق: بر ایوان بر ایرج؛ لن: بر ایران ایرج؛ ق: از ایران شه ایرج؛ لی: بر ایوان و ایرج؛ پ: بر ایران و ایرج؛ و: پس ایرج بر ایوان؛ آ: بر ایوان ایرج؛ ل، ب: بر ایران بر ایرج؛ (ل: بر ایرج سپرد و؛ لن: ز ایران چو ایرج)؛ متن= ل؛ ل: پس از این بیت شش بیت افزوده است که بیت ششم آن در ق هم آمده است:

برفت و بیامد سوی خان خویش  
 چو بر روز شد تیره شب چیره دست  
 بخفتند شادان دل و نیک بخت  
 برفتند یاران سوی خان خویش  
 بگفتند هر کس همی هرچ خواست  
 چو بدرید شب چادر عنبری

بران تا کند هرچ باید ز پیش  
 برآمد بکردار چرخ از جمست  
 بدان تا دگر روز بنندند رخت  
 بدان تا بگویند هر کم و بیش  
 بدان تا نباشد فزون و نه کاست  
 فروزنده شد گنبد چنبری

5

۲- ل: که چون چون بود (!) ۳- ف، ق، و (و نیز ل، لن): جان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴- س، و، ل، ب (و نیز ل، لن): به؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، آ ۵- آ: بنه ۶- ق: دادند؛ ب: رفتند؛ لن: سپه سر <سر> باز بردند (وزن نادرست است)؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- ق: ز مهر ۸- ل، و: دو پرخاش جوی و یکی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۹- ق، ل، آ: نیک جوی؛ و: نیکجوی (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ب: نامجوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- و: کین و ۱۱- ف: تاج؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۲- ل، آ: بی آرمشان؛ ق: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- ل: بهر ۱۴- ل، س، پ، آ: او؛ متن= ف، لن، لی، و، ل، ب ۱۵- آ: < و ۱۶- س، لن، لی، پ، ل، ب: دو دیده از؛ متن= ف، ل، و، آ ۱۷- آ: سپاهی ۱۸- ف- ل، آ (و نیز ل، لن): بُد؛ متن= ب ۱۹- ف، ل، ق، و (و نیز لن): که هست این؛ لن، لی، ل، آ: که اینست؛ پ: که این را؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= س، آ، ب (و نیز ل) ۲۰- و: جز او را ۲۱- ل، ق: نزدیک؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۲- ف: از آن لشکر خود؛ ل، ق: از کار لشکر؛ ق: از راز لشکر؛ و، ب (و نیز ل، لن): از آن کار یکسر؛ متن= س، لن، لی، پ، آ، ل ۲۳- ل، آ: خون و ۲۴- لن، پ: بگذاشت بر؛ ل، آ: برداشت از؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۵- ل، لن، ق، لی، آ: پژوهنده؛ س، و (و نیز ل، لن): سخن را پژوهید؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، پ، ل، ب ۲۶- ل، ل، لن، ق، پ، و، ب (و نیز لن): تاج؛ س: باج و؛ لی، آ، ل، آ (و نیز ل، لن): تاج و؛ متن= ف ۲۸- آ: که بکدل ۲۹- در س، لن، لی، پ، آ، ل، ب این بیت پس از بیت ۴۶۸ و در و (و نیز در ل، لن) پس از بیت ۴۶۷ آمده است؛ پایی بیت های متن= ف، ل، ق؛ ق این بیت را ندارد

نکردی همانا<sup>۱</sup> به لشکر نگاه  
یکی چشم از ایرج برداشتند  
بر<sup>۵</sup> اندیشه اندیشگان<sup>۶</sup> برفزود<sup>۷</sup>  
ازین<sup>۸</sup> پس جزو را نخوانند شاه  
ز تخت<sup>۹</sup> بلندت کشد<sup>۱۰</sup> زیر پای

همه شب همی چاره آراستند  
سپیده برآمد<sup>۱۳</sup>، پالود خواب<sup>۱۴</sup>  
که دیده بشویند هر دو<sup>۱۷</sup> ز شرم  
نهادند سر سوی<sup>۱۹</sup> پرده سرای  
پر از مهر دل، پیش<sup>۲۲</sup> ایشان دوید  
سُخن بیشتر بر چرا رفت و چون  
چرا برنهادی کلاه مهی  
مرا بر در ترک بسته<sup>۲۷</sup> میان  
به سربر ترا افسر و زیر گنج  
همه نزد<sup>۳۰</sup> کهتر پسر روی کرد  
نه نام بزرگی، نه ایران، نه شاه<sup>۳۳</sup>

یکی پاکتر پاسخ<sup>۳۵</sup> افگند بُن

به هَنگامه‌ی بازگشتن ز راه  
که چندان<sup>۲</sup> کجا راه بگذاشتند  
از<sup>۳</sup> ایران دل ما همی تیره<sup>۴</sup> بود  
۴۷۰ سپاه دو کشور چو کردم نگاه  
اگر بیخ او نگیلانی ز جای

برین<sup>۱۱</sup> گونه از جای برخاستند  
چو برداشت پرده ز پیش<sup>۱۲</sup> آفتاب  
دو بیهوده را دل<sup>۱۵</sup> بران<sup>۱۶</sup> کار گرم  
۴۷۵ برفتند هر دو گرازان<sup>۱۸</sup> ز جای  
چُن<sup>۲۰</sup> از خیمه ایرج به ره بنگرید<sup>۲۱</sup>  
برفتند با او<sup>۲۳</sup> به خیمه درون  
بدو گفت تور: ار<sup>۲۴</sup> تو از ما که<sup>۲۵</sup>  
ترا باید ایران و تخت کیان<sup>۲۶</sup>  
۴۸۰ برادر که کهتر ز<sup>۲۸</sup> خاور به رنج  
چُنین<sup>۲۹</sup> بخششی کان جهانجوی کرد  
نه تاج کمی<sup>۳۱</sup> مانم<sup>۳۲</sup> اکنون، نه گاه

چُن<sup>۳۴</sup> از تور بشنید ایرج سُخن

۱- س، لن، لی، پ، آ، ل، ب: همانا نکردی؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن=ف، ل، ق، و؛ در و (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ق: خندان؛ در س، لن، لی، پ، آ، ل، ب پس از این بیت بیت ۴۶۶ آمده است ۳- لی، آ: ز ۴- ف: دل ما همه تیره؛ ل: دلم خود بدو نیم؛ ق: دلم خود بدو تیره؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۵- ل: به؛ ق: از ۶- لن، لی، پ، ل، آ (و نیز لن)<sup>۲</sup>: اندیشه ها؛ متن=ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، آ)<sup>۲</sup> ۷- ف: بران تیرگی تیرگی برفزود ۸- آ: ازان ۹- ل، س، لن: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: آ: بخت؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: بلند اوفتی؛ و: بلندی شوی؛ متن=ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ)<sup>۲</sup> ۱۱- س، لی، و: بدین؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۲- ق: پرده زمین ۱۳- ق: بیامد؛ متن=ل، س، لن، ق، آ، ب ۱۴- لن، پ: بیامد جواب؛ آ: بیالید خواب؛ ف: سر کینه جویان در آمد ز خواب؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> ۱۵- ل، آ، ل: دو بیهوده دل را؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۶- ل، ق، ق، آ، لی، آ: بدان؛ لن: بدین؛ پ، و (و نیز لن)<sup>۲</sup>: برین؛ متن=ف، س، ل، آ، ب (و نیز ل، آ)<sup>۲</sup> ۱۷- ق: نشویند هرگز؛ ب: بشویند هر سه ۱۸- ف، ل، ق، و: برفتند با شمع (ف: شمع و یاران (ق، و: یازان)؛ (ل): برفتند با جمع تازان؛ لن: برفتند بی شرم تازان)؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۱۹- لن: نهاده سران سوی ۲۰- ل- ب (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup>: چو؛ متن=ف ۲۱- ل، ق: از پرده ایرج برون بنگرید؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> ۲۲- ل، ق: سوی؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> ۲۳- ق: وی؛ ف پس از این بیت و دستنویس های دیگر چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر مناظره کردن سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج بر دست برادران (س): بر دست تور برادرش؛ لی: بر دست تور؛ لن، پ، آ: کشتن (پ: کشته شدن) سلم و تور (آ: تور و سلم) ایرج را؛ ق: ماجرای سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج بی گناه؛ ب: کشتن تور ایرج را؛ ل، ق سرنویس ندارند ۲۴- ل: تور ۲۵- ق: بهی ۲۶- لن، ق، آ، پ: مهان؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۷- پ: بستن ۲۸- ل، ق، لی (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup>: به؛ ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۹- لن، لی، پ: چنان؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۳۰- س، لن، لی، پ، آ، ب: سوی؛ متن=ف، ل، ق، و، ل ۳۱- ل، ق: کیان؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> ۳۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: خواهم؛ متن=ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup> ۳۳- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: نه ایران سپاه؛ متن=ف، ق، و (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup>؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب این بیت پس از بیت ۴۸۴ آمده است ۳۴- ف- آ، ب (و نیز ل، آ، لن)<sup>۲</sup>: چو؛ متن=ل ۳۵- ف: یکی با گهر پاسخ؛ س، ق، آ، لی، آ، ب: خوبتر پاسخ؛ و: نگر تا پاسخ چه؛ متن=ل، لن، ق، پ، ل (و نیز ل، آ)

بدو گفت کای مهتر کامجوی<sup>۱</sup>  
 ۴۸۵ من ایران نخواهم، نه خاور<sup>۳</sup>، نه چین،  
 بزرگی که فرجام او<sup>۵</sup> بتریست<sup>۴</sup>  
 سپهر بلند ار کشد زین تو  
 مرا تخت ایران اگر بود زیر  
 سپردم شما را کلاه و نگین  
 ۴۹۰ مرا با شما نیست جنگ<sup>۱۲</sup> و نبرد  
 زمانه نخواهم از<sup>۱۴</sup> آزارتان  
 جز از<sup>۱۷</sup> کهتری نیست آیین من  
 چو بشنید تور از برادر چُنین  
 نیامدش گفتار<sup>۲۲</sup> ایرج پسند  
 ۴۹۵ به<sup>۲۵</sup> کرسی به خشم<sup>۲۶</sup> اندرآورد پای  
 ز ناگه<sup>۳۰</sup> برآمد ز جای نشست  
 بزد بر سر خسرو تاجدار<sup>۳۲</sup>  
 نیایدت<sup>۳۴</sup> گفت<sup>۳۵</sup> ایرج<sup>۳۶</sup> ترس<sup>۳۷</sup> از<sup>۳۸</sup> خدای  
 مکش مر مرا کهت سرانجام کار  
 ۵۰۰ پسندی و همداستانی کنی  
 مکش مورکی را که روزی کش<sup>۴۳</sup> ست

اگر کام دل یابی<sup>۲</sup> آرام جوی  
 نه<sup>۴</sup> شاهی، نه گسترده روی زمین  
 بران<sup>۷</sup> برتری<sup>۸</sup> بر<sup>۹</sup> ببايد گریست  
 سرانجام خشت ست بالین تو  
 کنون گشتم از تاج و از تخت<sup>۱۱</sup> سیر  
 ترا زین پس از من مباد ایرج کین<sup>۱۱</sup>  
 دلت خود نباید به من رنجه کرد<sup>۱۳</sup>  
 وگر<sup>۱۵</sup> دور مانم ز<sup>۱۶</sup> دیدارتان  
 مباد از<sup>۱۸</sup> گردنکشی<sup>۱۹</sup> دین من  
 به ابرو ز خشم<sup>۲۰</sup> اندرآورد چین<sup>۲۱</sup>  
 بُد راستی<sup>۲۳</sup> نزد<sup>۲۴</sup> او ارجمند  
 همی<sup>۲۷</sup> گفت و برجست<sup>۲۸</sup> هزمان<sup>۲۹</sup> ز جای  
 گرفت آن گران کرسی زر به دست<sup>۳۱</sup>  
 ازو خواست ایرج<sup>۳۳</sup> به جان زینهار  
 نه شرم از<sup>۳۹</sup> پدر پس<sup>۴۰</sup> همینست رای  
 پیچاند از خون من کردگار<sup>۴۱</sup>  
 که جان داری و جان ستانی کنی<sup>۴۲</sup>  
 که او نیز جان دارد و جان خوش ست<sup>۴۴</sup>

۱- س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب: نامجوی؛ متن=ف، ل، ق، و ۲- ل-آ، ب (و نیز ل، ن، آ): خواهی؛ متن=ف، ل، آ: درس، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب پس از این بیت ۴۸۲ آمده است و درس پس از این بیت ۴۸۸ آمده است ۳- ق، آ: نه روم و ۴- ل، آ: ز ۵- ق، آ، ل: آن ۶- ل، ل، ن، ق، ل، پ، آ: تیره گيست؛ و بدتريست؛ درق آساونديپاك شده است؛ متن=ف، س، آ، ب (و نیز ل، ن، آ) ۷- س، ق، آ، ل، پ: بدان؛ متن=هشت دستنويس ديگر ۸- ف: بتري؛ ل، س، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ): بدتري؛ متن=ل، ن، پ، آ، ل، ب ۹- ل، آ: هم ۱۰- ل، ل، پ: ز تخت؛ ق: از تخت و ز تاج؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستنويس ديگر؛ درس این بیت پس از بیت ۴۸۲ آمده است (پ ۲) ۱۱- ل، ق: بدین (ق: ازین) روی با من مداريد کين؛ س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب: مداريد با من شما نیز (ل، ن، پ، آ، ل، آ: هيچ) کين؛ متن=ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۱۲- ل، ل، س، و (و نیز ل، ن، آ): ننگ؛ متن=نه دستنويس ديگر ۱۳- ل: روان را نباید برین رنجه کرد؛ س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب: نباید بمن هيچ دل رنجه کرد؛ و (و نیز ل، ن، آ): دلت را نباید بدین رنجه کرد؛ متن=ف، ق ۱۴- ل، س، ل، ن، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ): به؛ ق: بر؛ ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب: نباشد بجز (س)، متن=ف ۱۵- ل، ق: اگر؛ متن=هشت دستنويس ديگر ۱۶- آ: به ۱۷- ل: بجز ۱۸- ل: < و > ۱۹- س-پ، آ، ل، ب: نباشد بجز (س)، ق، آ، ل، ب: جز از (مردمی (ق: مهتری)؛ متن=ف، ل، ق، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۰- ق: کين ۲۱- این بیت درس، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب چنین است:

چو بشنید تور این (ل: آن) همه سر بر سر (آ: این سخن در بند)  
 متن=ف، ل، ق، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۲- س: نیامدش ایران و ۲۳- س، ل، ن، پ، آ، ل، ن: نه آن آشتی؛ ق، آ، ل: نه نیز آشتی؛ ب: بند آشتی؛ متن=ف، ل، ق، و (و نیز ل، ن، آ) ۲۴- و: پیش ۲۵- ف، س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): ز؛ متن=ل، ق، و، ل ۲۶- ق: کرسی زر؛ و: کرسی ز خشم ۲۷- آ: سخن ۲۸- پ: برگشت؛ و: می جست؛ متن=ف، ل، آ، ب ۲۹- ل: هردم؛ ل: وجست هر زمانی ۳۰- ل-پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ): یکايک؛ متن=ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۳۱- ل: گرفت آن گرانمایه کرسی بدست؛ ب (و نیز ل، ن، آ): گرفت آن زمان کرسی زر بدست؛ متن=ده دستنويس ديگر ۳۲- و: نامدار ۳۳- پ: خسرو ۳۴- ل، پ، آ: نیامدت ۳۵- ق: آ: < گفت > (وزن نادرست است) ۳۶- ق: هيچ ۳۷- ل: بیم ۳۸- و: < از > ۳۹- ف: < از >؛ متن=یازده دستنويس ديگر ۴۰- ل، س، ل، ن، ق، آ- (و نیز ل، ن، آ): خود؛ متن=ف، ق، ل، آ، ب ۴۱- درس-ب (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت ۵۰۲ آمده است؛ در و بیت های میان ۴۹۹ تا ۵۰۵ در هم ریخته اند: ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۱، ۵۰۵، ۴۲- ل این بیت را ندارد ۴۳- ل، ن، پ: مکش مورکی را که دانه کش است؛ س، ق، آ، ل، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): میازار موری که دانه کش است؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف، ل، آ ۴۴- ل، ن، ق، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): که جان دارد و جان شیرین خوش است؛ متن=ف، س، ق، ل (درس این بیت را تراشیده و به خطی نوشته اند)

کزین<sup>۱</sup> پس نیابی خود از من<sup>۲</sup> نشان  
به کوشش فراآورم توشه‌یی  
چه سوزی دل پیر گشته پدر  
مکن با جهاندار یزدان ستیز<sup>۳</sup>  
همان گفتش آمده<sup>۴</sup>، همان سردباد<sup>۵</sup>  
سراپای او چادر خون کشید  
همی کرد چاک آن کیانی<sup>۶</sup> برش  
گسست آن کمرگاه<sup>۷</sup> شاهنشهی  
شد آن نامور شهریار جوان<sup>۸</sup>

وُزان<sup>۹</sup> پس ندادی به جان زینهار<sup>۱۰</sup>  
برین<sup>۱۱</sup> آشکارت بیاید<sup>۱۲</sup> گریست  
ز بهر جهان دل پر از داغ و درد  
ازین<sup>۱۳</sup> دو ستمگاره اندازه گیر

به خنجر جدا کرد و برگشت کار<sup>۱۴</sup>  
فرستاد نزد جهان بخش<sup>۱۵</sup> پیر  
که تاج نیاگان بدو گشت باز  
شد آن شاخ گستر<sup>۱۶</sup> نیازی<sup>۱۷</sup> درخت

مکن خویشان را ز مردم کُشان  
بسندۀ کنم زین جهان گوشه‌یی  
به خون برادر چه بندی کمر  
۵۰۵ جهان خواستی، یافتی، خون مریز  
سُخن چند بشنید و<sup>۱</sup> پاسخ نداد  
یکی خنجر از موزه بیرون کشید<sup>۲</sup>  
بدان<sup>۳</sup> تیز<sup>۴</sup> زهر آبگون خنجرش  
فرود آمد از پای سرو سهی  
۵۱۰ دوان خون از آن<sup>۱</sup> چهره‌ی ارغوان

جهانا پیروردیش در<sup>۱۴</sup> کنار  
نهانی ندانم<sup>۱۷</sup> ترا دوست<sup>۱۸</sup> کیست  
تو نیز ای به خیره خرف گشته مرد<sup>۲۱</sup>  
چو شاهان<sup>۲۲</sup> کشی بی گنه<sup>۲۳</sup> خیر خیر<sup>۲۴</sup>

۵۱۵ سر تاجور<sup>۲۶</sup> زان تن<sup>۲۷</sup> پیلوار  
بیاگند مغزش به مشک و عبیر<sup>۲۹</sup>  
چنین<sup>۳۱</sup> گفت کاین<sup>۳۲</sup> سر آن نیاز<sup>۳۳</sup>  
کنون خواه تاجش ده و خواه تخت

۱- ل: که زین ۲- ل، ق: نیابی ز من خود؛ پ: نیابی تو از من؛ و: تو از من نیابی؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در س- ب (و نیز ل، ۳، لن) این بیت پس از بیت ۴۹۹ آمده است ۳- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۴- ل: < و >؛ ل، ق: سخن را چوبشید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن) ۵- ل، ق: همان گفتن آمد؛ س، ق، لی، آ، ل، ب: همان خشم بود؛ متن= ف، و (و نیز ل) ۶- لن، پ: دلش بود پر خشم و سر پرز باد ۷- ل، ق: یکی خنجر آبگون بر کشید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن) ۸- پ: بران ۹- و: تیره؛ آ: تیغ ۱۰- ق، لی: گرامی ۱۱- س، لن، لی، پ: کمر بند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- ق: خون براز؛ لی: خون بدان ۱۳- ق، آ، ل (و نیز ل، ۳، لن): جهان؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در س، لن، ق، آ- ب (و نیز لن) پس از این بیت بیت ۵۱۵ آمده است؛ در آ، ل بیت های میان ۵۱۰ تا ۵۱۷ در هم ریخته اند، آ: ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۱۰؛ ل: ۵۱۷، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۷؛ پ: پیلای بیت های متن= ف، ل، ق (و نیز ل) ۱۴- ف، س، لن، پ (و نیز ل) ۱۵- ل: از آن ۱۶- ل: بخنجر جدا کرد و برگشت کار (= ۵۱۵ ب) ۱۷- ق: ندانم نهانی ۱۸- ل: برادرت ۱۹- لن، ق، لی، پ: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- ق (و نیز ل): آشکارا بیاید؛ لی، آ: آشکارات باید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز لن) ۲۱- ل: به خیره گنه کرده مرد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن) ۲۲- لن، پ: شاهی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن) ۲۳- پ: بگیتی همی؛ و: کشد بی گنه ۲۴- ل، لن، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ۳، لن) خیره خیر؛ متن= ف، ق، ل ۲۵- ف، آ: از آن؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن) ۲۶- لی: تاجدار ۲۷- لن، لی، پ، ل: از تن؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- ل: و زان پس ندادی بجان زینهار (= ۵۱۱ ب)؛ در س، لن، ق، آ- ب (و نیز لن) این بیت پس از بیت ۵۱۰ آمده است (= پ ۱۳) ۲۹- ل: و بقیر؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۰- س، ق، لی، ب: جهاندار؛ و: جهانجوی؛ آ: فریدون؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ، ل ۳۱- ل، ق، ق، آ: بدو؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۲- ق: اینک، ب: کانت ۳۳- و: آن سربنی نیاز؛ ل: سرای نیاز؛ ب: سران بناز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۴- ل، پ، و، ب (و نیز ل، ۳، لن): سایه گستر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، لی، آ، ل ۳۵- لی: پیلای؛ پ، و: کیانی؛ متن= هشت دستنویس دیگر

برفتند باز آن<sup>۱</sup> دو بیداد شوم  
 یکی سوی چین و<sup>۲</sup> یکی سوی روم  
 ۵۲۰ فریدون نهاده دو دیده به راه  
 چو هنگام برگشتن شاه بود  
 همی شاه را تخت پیروزه<sup>۳</sup> ساخت  
 پذیره شدن را بیاراستند<sup>۴</sup>  
 تبیره ببردند و پیل از درش<sup>۵</sup>  
 ۵۲۵ بدین<sup>۶</sup> اندرون بود شاه و سپاه  
 هیونی برون آمد از تیره گرد<sup>۷</sup>  
 خروشی بزار و دلی سوگوار<sup>۸</sup>  
 به تابوت زر اندرون پرنیان  
 ابا ناله و آه و با روی زرد  
 ۵۳۰ ز تابوت زر تخته<sup>۹</sup> برداشتند  
 ز تابوت چون<sup>۱۰</sup> پرنیان برکشید<sup>۱۱</sup>  
 بیفتاد ز<sup>۱۲</sup> اسپ آفریدون به خاک  
 سیه شد رخان<sup>۱۳</sup>، دیدگان شد سپید<sup>۱۴</sup>  
 چو خسرو بران<sup>۱۵</sup> گونه آمد ز راه  
 ۵۳۵ دریده درفش و نگون کرده<sup>۱۶</sup> کوس  
 تبیره سیه کرده و روی پیل<sup>۱۷</sup>

یکی سوی چین و<sup>۲</sup> یکی سوی روم  
 سپاه و کلاه آرزومند شاه  
 پدر زان سخن خود کی آگاه بود  
 همی<sup>۴</sup> تاج را گوهر اندر نشاخت<sup>۵</sup>  
 می<sup>۷</sup> و رود و رامشگران خواستند<sup>۸</sup>  
 بیستند آذین<sup>۹</sup> همه<sup>۱۰</sup> کشورش  
 یکی<sup>۱۳</sup> گرد تیره برآمد ز راه  
 نشسته برو سوگواری<sup>۱۵</sup> بدرد  
 یکی زر<sup>۱۷</sup> تابوتش اندر کنار  
 نهاده سر ایرج اندر میان<sup>۱۸</sup>  
 به پیش فریدون شد<sup>۱۹</sup> آن شوخ مرد  
 که گفتار او خیره<sup>۲۲</sup> پنداشتند  
 سر ایرج آمد بریده پدید<sup>۲۵</sup>  
 سپه سربسر جامه کردند چاک<sup>۲۷</sup>  
 که دیدن دگرگونه بود از امید<sup>۳۰</sup>  
 چنین بازگشت از پذیره سپاه<sup>۳۲</sup> :  
 رخ نامداران به رنگ<sup>۳۴</sup> آبسوس  
 پراکنده بر تازی اسپانش نیل

۱- ف، لن، پ، ل، ب: چو گشتند بازان ( در ف، لن حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ س: چو گشتند یاد آن؛ ق: چو گشتند شادان؛ آ: چو گشتند تازان؛ (ل، لن، آ: چو رفتند تازان)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ل، لی، و (در ل حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد) ۲- ف: سوی توران؛ ل: سوی ترک و؛ س، ق، ل، پ، ب: سوی چین شد؛ متن = لن، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ)؛ ف، آ در اینجا و، پ، و چند بیت پایین تر سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آگهی یافتن فریدون از کشتن تور و سلم ایرج را و زاری بروی؛ پ: آگاهی یافتن فریدون از کشته شدن ایرج؛ و: آگاه شدن فریدون از کشته شدن ایرج؛ آ: آوردن سر ایرج پیش فریدون؛ ل، لن، ق، ق، ل، لی، ل، آ، ب سرنویس ندارند ۳- لی: فیروزه ۴- ل، آ: همان ۵- و (و نیز ل، آ): همی زر به پیروزه اندر نشاخت؛ ب: شد آن سایه گستر نیازی درخت (= ۵۱۸ ب)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت و آ پس از بیت سپسین بیت زیر را افزوده اند:

به دیبا بیاراست گاه شهی به گوهر کیانی کلاه مهی  
 ۶- ف: بیاراستش؛ ق: براراستند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۷- و: همی ۸- ف: خواستش؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۹- س، لن، ق، ل، لی، پ، ل، ب: برش؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۱۰- ق، و (و نیز لن، آ): آیین؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۱۱- ل، ق: بهر؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۱۲- ل: برین ۱۳- لی: که یک ۱۴- ل، آ: هیونی بر آمد ازین تیره گرد؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- لن، لی، پ، ل، ب: بدو سوگواری؛ و (و نیز ل، لن، آ): برو بر سواری؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ب ۱۶- ل: خروشی بر آورد دل سوگوار؛ لن، لی، پ: خروشی بر آمد از آن سوگوار؛ ق: خروشان بزار و دلی سوگوار؛ آ: خروشان پر از درد و دل سوگوار؛ ل، آ: خروشی نزار و دلی سوگوار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، و، ب ۱۷- لی: زرد ۱۸- لی: به پیش فریدون شد آن شوخ مرد (در لی ۵۲۸ و ۵۲۹ را انداخته و از ۱۵۲۸ و ۵۲۹ ب یک بیت ساخته است)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۹- ق، آ: < شد > (وزن نادرست است) ۲۰- پ: نیک مرد؛ لی: ۱۵۲۸ + ۵۲۹ (= ۱۷) ۲۱- س: پرده ۲۲- ل: خوار؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ)؛ لی این بیت را دو بار نوشته است ۲۳- ف: یکی سنگ دل؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۴- لی: پرنیان کشید (وزن نادرست است) ۲۵- س، ق، ل، لی، آ، ب: بریده سر ایرج آمد پدید؛ و: سر ایرج آمد از آنجا پدید؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل، آ، ب: از؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- و: جامه را کرد چاک ۲۸- ل، ق، ق، ل، لی: سیه شد رخ و؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۲۹- لی، پ، و، ب: سفید ۳۰- ل، ق، و (و نیز ل، لن، آ): بودش امید؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- س: ازان؛ لن: بدین؛ پ: برین؛ و، ل: بدان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۲- آ: جزین بازگشتند از ره سپاس (پساوند ندارد) ۳۳- ل، س، ق، آ، و (و نیز ل، لن، آ): نگوینار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۴- لن، پ: شده ۳۵- ل، آ: تبیره سیه کرده رویان پیل



پر از خاک سر، برگرفتند راه  
کنان گوشت شاهان بران زادمرد<sup>۱</sup>

بخواهد<sup>۵</sup> ربودن چو بنمود چهر  
نه<sup>۶</sup> نیکو بود راستی در کمان<sup>۸</sup>  
وگر<sup>۱۰</sup> دوست خوانی نبینیش چهر<sup>۱۱</sup>  
دل از مهر گیتی بیایدت شست<sup>۱۲</sup>

سوی باغ ایرج نهادند روی  
و<sup>۱۵</sup>را پیشتر جشنگاه آن<sup>۱۶</sup> بدی  
بیامد به بر بر گرفته<sup>۱۸</sup> نوان  
سر شاه را نر در تاج<sup>۲۰</sup> دید  
درخت گل افشان و بید<sup>۲۳</sup> و<sup>۲۴</sup> بهی  
به کیوان برآورده<sup>۲۷</sup> گرد سیاه<sup>۲۸</sup>  
همی ریخت اشک<sup>۳۱</sup> و همی کند موی<sup>۳۲</sup>  
فگند آتش اندر سرای نشست<sup>۳۳</sup>  
بیکبارگی چشم شادی بدوخت  
سر خویش کرده سوی<sup>۳۵</sup> کردگار  
بدین بی گنه کشته<sup>۳۷</sup> اندر نگر

پیاده سپهبد، پیاده سپاه،  
خروشیدن پهلوانان به درد

برین<sup>۲</sup> گونه گردد<sup>۳</sup> به ما بر سپهر<sup>۴</sup>  
۵۴۰ مبر خود به مهر زمانه<sup>۶</sup> گمان  
چو دشمنش گیری نمایدت مهر<sup>۹</sup>  
یکی پند گویم ترا من درست

سپه داغ دل، شاه با هوی هوی<sup>۱۳</sup>  
به روزی کجا بار شاهان<sup>۱۴</sup> بدی  
۵۴۵ فریدون سر شاه پور جوان<sup>۱۷</sup>  
بدان<sup>۱۹</sup> تخت شاهنشهی بنگرید

سر<sup>۲۱</sup> حوض شاهان<sup>۲۲</sup> و سرو سهی  
تهی دید<sup>۲۵</sup> از<sup>۲۶</sup> آزادگان جشنگاه  
همی سوخت باغ<sup>۲۹</sup> و همی خست روی<sup>۳۰</sup>  
۵۵۰ میان را به زنار خونین بیست  
گلستانش<sup>۳۴</sup> برکنند و سروان بسوخت  
نهاده سر ایرج اندر کنار  
همی گفت کای<sup>۳۶</sup> داور دادگر

۱- ف: کنان موی شاهان بران زادمرد؛ ل: کنان گوشت تن را بران رادمرد؛ س، و، ل، ب: کنان گوشت بازو بران زادمرد (ل<sup>۲</sup>: بدان دادمرد)؛ لن، لی، پ: کنان گوشت از بازوی (لی: بازو ازاده؛ پ: بازو آزاد) مرد؛ ق: کنان گوش شاهان ز آوای سرد؛ (ل، لن، ل: کنان گوشت شاهان بران راد (ل<sup>۲</sup>: داد) مرد)؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲- ق، لی: بدین؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- ل: کرد (وزن نا درست است) ۴- ل، ق: همی این سپهر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- و: نخواهد؛ در س، لی، پ، آل، ب، این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بیایی بیت های متن= ف، ل، لن، ق، و (و نیز ل، لن، ل) ۶- و: بمهر از زمانه؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۷- ل: که ۸- ل: نجوید کسی اشتی در کمان؛ نجوید کسی راستی از کمان؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل)؛ در س، لی، پ، آل، ب، این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۹- ق، ل، ق: چهر؛ ف، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- آ: ورش ۱۱- ق: مهر ۱۲- ف این بیت را ندارد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل) ۱۳- ف، ل، لن: های هوی؛ س، لی، پ، آل، ب (و نیز لن، ل): های و هوی؛ متن= ق، ق، و ۱۴- ل- ق، ب- ب (و نیز ل، لن، ل): جشن شاهان؛ لی: بیادشاهان؛ متن= ف ۱۵- ل، لن، پ (و نیز لن، ل): وزان؛ ق: ازان؛ لی: کجا؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل): بزماگان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل) ۱۷- س، ق، لی، آ: سر پادشاه جوان؛ ل: سر تاجور را جوان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ف، ل، ق، ل، ب: به بر در گرفته؛ س: در آن جشن که برگرفته؛ متن= لن، ق، لی، پ، و، آ ۱۹- ل، ق، ب: بران؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- ق: سر شاه نه از در تاج؛ لی: سر شاه ایرج نه با تاج؛ و: سر شاه را از درگاه؛ ب: سر شاه را بر در تاج؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- ل: همان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل) ۲۲- لن، ق، لی، پ: شاهی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- آ: بار ۲۴- ل، ق، آ: و؛ در ق بجای بیت های ۵۴۶ و ۵۴۷ بیت زیر را افزوده اند:

همی کند و میراند از دیده خون  
همی گفت با داور رهنمون  
۲۵- ق: گشت ۲۶- لی: ز ۲۷- ق، پ، آل، ب: بر آورد؛ متن= ل، س، لن، ق، لی ۲۸- ف، و (و نیز لن، ل): سر شاه برگشته بی تن ز راه؛ و (و نیز لن، ل) پس از این بیت افزوده اند:

بنالید از آن نامور جشنگاه  
بکیوان برآورد گرد سیاه  
۲۹- و: کاخ ۳۰- لن، پ، و: کند موی؛ ق: کند روی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- ف: خون؛ لن، پ، و (و نیز ل، ل): آب؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۲- لن، پ، و: خست روی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۳- ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ق این بیت را در کناره به این ریخت نیز افزوده اند:

بزَنار خونین بستش میان  
فگند آتش اندر همه خان و مان  
۳۴- ب: گلستان؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۵- ل: سر خویشتن کردزی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل) ۳۶- ف: ابا؛ ق، ل، آ: ای؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، ل) ۳۷- و: خسته

تنش خورده شیران آن انجمن  
 که هرگز نینند جز تیره‌روز  
 که بخشایش آرد بریشان<sup>۷</sup> دده  
 که چندان زمان<sup>۹</sup> یابم از روزگار  
 بینم برین کینه بسته<sup>۱۱</sup> کمر  
 کجا<sup>۱۲</sup> خاک بالا پیمایدم

به خنجر سرش خسته<sup>۱</sup> در پیش من  
 ۵۵۵ دل هر دو بیداد<sup>۲</sup> از آنسان<sup>۳</sup> بسوز  
 به داغی<sup>۵</sup> جگرشان کنی آرده  
 همی خواهم ای<sup>۴</sup> روشن کردگار  
 که از تخم ایرج یکی نامور  
 چو دیدم چنین، زان سپس<sup>۱۱</sup> شایدم

همی<sup>۱۵</sup> تا گیا رُستش<sup>۱۶</sup> اندر کنار  
 شده تیره روشن<sup>۱۸</sup> جهان بین اوی<sup>۱۹</sup>  
 همی گفت: زار ای نبرده جوان<sup>۲۰</sup>  
 که تو مردی<sup>۲۲</sup> ای نامبردار گرد  
 تنت<sup>۲۴</sup> را شده کام شیران کفن  
 ز هر دام و دد برده آرام و خواب  
 بهر جای کرده یکی انجمن<sup>۲۸</sup>  
 نشست به تیمار مرگ<sup>۲۹</sup> اندرون  
 نشست به<sup>۳۰</sup> انبوه<sup>۳۱</sup> با<sup>۳۲</sup> سوگ<sup>۳۳</sup> شاه  
 همی<sup>۳۵</sup> زندگی مرگ پنداشتند

۵۶۰ برین<sup>۱۳</sup> گونه بگریست چندان بزار<sup>۱۴</sup>  
 زمین بستر و خاک بالین اوی<sup>۱۷</sup>  
 در بار بسته، گشاده زبان  
 کس از تاجداران بدینسان<sup>۲۱</sup> نمرد  
 سرت<sup>۲۳</sup> را بریده بزار آهرمن  
 ۵۶۵ خروشی<sup>۲۵</sup> مغانی<sup>۲۶</sup> و چشمی<sup>۲۷</sup> پر آب  
 سراسر همه کشورش مرد و زن  
 همه دیده پر آب و دل پر ز خون  
 همه جامه کرده کبود و سیاه  
 چه مایه چنین<sup>۳۴</sup> روز بگذاشتند

۱- ل، ق: کنده؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- ف: بدخواه؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۳- ف، لی: زانسان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۴- ق: که هردو ۵- ف، ق، و، آ، ل: داغ؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= ل، س، لن، لی، پ، ب ۶- پ: آرده (حرف دوم سه نقطه دارد) ۷- لن، ق، پ، آ، ل، ب: بدیشان؛ لی: بایشان؛ متن= ف، ل، س، و ۸- ل، ق، و: از؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- لی، پ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): امان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- ف: بینم برین کشته بسته؛ ل، ق: بیاید برین (ق: بدین) کین ببندد؛ لن، ق، لی، پ، ل: بینم بدین (پ: این) کینه بسته؛ و: بیاید ببندد برین کین؛ متن= س، آ، ب؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چو این بی گنه را بریدند سر ببرد سر آن دو بیدادگر

۱۱- آ: سبب؛ ق: چو این دیده باشم همان ۱۲- ل: اگر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۳- لن، ق، لی، ل: بدین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۴- ل: بگریست آن شاه زار ۱۵- ف: چنین؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۶- ق: تا که یارستش (→ تاگیارستش) ۱۷- ل، س، آ، ل، ب: او ۱۸- ق: چشم ۱۹- ل، س، و، آ، ل، ب: او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای آن دو بیت زیر آمده است:

زمان تا زمان سر سوی آسمان  
 برفتند باز آن دو بیداد شوم  
 همی کرد و گفت ای خدای جهان  
 یکی سوی ترک و یکی سوی روم (= ۵۱۹)

۲۰- ل: همی گفت کای داور راستان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۲۱- ق، آ، پ: برین سان ۲۲- ل: که مردست این؛ ق، آ، لی: که مردی تو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۲۳- ل: سرش؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۲۴- ل: تنش؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۲۵- لن، پ، آ، ل، ب: خروش؛ متن= ف، ل، س، و (و نیز ل، آ، لن) ۲۶- ل: بزاری؛ و (و نیز ل، آ، لن): بافغان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: چشم؛ ق: دیده؛ متن= ف، ل، س، و، آ (و نیز ل، آ، لن) ۲۸- آ این بیت را ندارد ۲۹- ل، ق: به تیمار و گرم؛ لن، پ، آ: به تیمار و درد؛ لی: به تیمار و سوگ؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، ق، و، ب (و نیز لن، آ، س، لن، لی، ل، آ: بر؛ پ، آ، ل، ب: بر؛ متن= ف، ل، ق، و ۳۱- ل، س، لن، لی، و، ب (و نیز ل، آ، لن): اندوه؛ متن= ف، ق، ل، آ ۳۲- ل: در؛ س، لن، ق، لی، ل، آ، ب: بر؛ متن= ف، و (و نیز ل، آ، لن) ۳۳- ل، آ، مرگ؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

سیه پوش گیتی همه مرد و زن  
 همان شاه فرزانه (ق: شاه بی دیده) و رای زن

۳۴- ق: برین؛ آ: بدین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- ل، لن، ق، پ، و (و نیز لن، آ): همه؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، آ)؛ در ب بیت ۵۷۱ یکبار هم پس از بیت ۵۶۹ آمده است

۵۷۰ برآمد برین<sup>۱</sup> نیز یکچندگاه  
 یکی خوب چهره پرستنده<sup>۲</sup> دید  
 که ایرج برو<sup>۳</sup> مهر بسیار داشت  
 پریچهره را بچه بُد درنهان  
 از آن خویرخ<sup>۵</sup> شد دلش پر امید<sup>۴</sup>  
 ۵۷۵ چو هنگامه‌ی زادن آمد پدید<sup>۶</sup>  
 جهانی گرفتند پروردنش<sup>۹</sup>  
 مر آن ماهرخ<sup>۱۱</sup> را ز سر تا به پای  
 چو برجست<sup>۱۲</sup> و آمدش هنگام شوی  
 نیا نام زد کرد شویش پشنگ  
 ۵۸۰ بدادش بدان<sup>۱۹</sup> نامبردار شوی

شبستان ایرج نگه کرد شاه  
 کجا نام او بود ماه‌آفرید  
 قضا را کنیزك ازو بار داشت  
 از آن شاد شد شهریار جهان<sup>۴</sup>  
 به کین پسر داد دل را نوید<sup>۷</sup>  
 یکی دختر آمد ز ماه‌آفرید  
 برآمد به ناز و بزرگی<sup>۱۰</sup> تنش  
 تو گفستی مگر ایرجستی بجای  
 چوپروین شدش<sup>۱۳</sup> روی و<sup>۱۴</sup> چون قیر<sup>۱۵</sup> موی<sup>۱۶</sup>  
 بدو داد و<sup>۱۷</sup> چندی برآمد درنگ<sup>۱۸</sup>  
 چو<sup>۲۰</sup> یکچندگاهی برآمد بر او<sup>۲۱</sup>

### گفتار اندر زادن منوچهر از مادر<sup>۲۲</sup>

یکی پور زاد آن هنرمند<sup>۲۲</sup> ماه<sup>۲۴</sup> چگونه؟ سزاوار تخت و کلاه<sup>۲۵</sup>

- ۱- لی: بدین؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ س، لن، ق-<sup>۲</sup> ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 فریدون شبستان سراسر (لی: بریشان؛ پ: یکایک) بگشت بران (لی: بدان) ماه رویان یکی (س، لی، پ، آ، ب: همی) برگذشت  
 س، ق، آ، و: فریدون سراسر شبستان بگشت
- این بیت در ف، ل، ق نیست ۲- ف: پسندیده؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۳- لی، پ: بدو ۴- ب این بیت را ندارد ۵- ق:  
 خوبرو؛ ب این بیت را ندارد ۶- ل: پر نهیب؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۷- ل: به کین پسر بود دل ناشکیب؛ س، لی، آ: بنیکی پسی  
 (س، آ: پس) داد دل را نوید (لی: امید (لی: پساوند ندارد))؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۸- پ، آ: چو هنگام زادن بیامد (پ: بر آمد)  
 پدید؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:  
 شد امید کوتاه بر شه دراز پپروردش (لی: پپرورد) او را بشادی و ناز  
 این بیت در ف، ل، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) نیست ۹- ق: جهانی گرفته پپروردنش ۱۰- ق: بناز و بزرگی بر آمد؛ ل<sup>۲</sup>: بر آمد بیاز و بزرگی؛ و (و نیز  
 ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:
- بدو بدنیا را همه از و ناز بمانده بدرد پسر در گذاز  
 ۱۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: لاله رخ؛ ل<sup>۲</sup>: بران لاله رخ؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۲- و: پرورد ۱۳- و: بدش؛ آ: شده ۱۴-  
 لی: <و> ۱۵- ل: مشک؛ متن = ف، س، لن، ق-<sup>۲</sup> ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۶- لن: <موی>؛ ق: چو سروی شدش قد و خورشید روی ۱۷-  
 لی، آ: <و>؛ متن ← ۱۸- ف: بدو داد دختر برآمد درنگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ ف، ق پس از این بیت افزوده‌اند:  
 یکی مرد بود آن (ق: این) پشنگ دلیر ز تخم فریدون یکی نره شیر  
 س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب بجای بیت بالا دو بیت زیر و، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) تنها بیت دوم را افزوده‌اند:  
 پشنگ آنک (ق: آ: آن؛ لی، پ، آ: آنکه) پور برادرش بود نژاد از گرانمایه گوهرش بود  
 گوی بود از تخم (ل: آ: که وی بود از نسل) جمشید شاه سزاوار شاهسی و تخت و کلاه  
 بنداری نیز دست کم بیت نخستین را داشته است: فروجها من ابن اخیه بشنج؛ این دو بیت در ف، ل، ق نیست ۱۹- ق: بران؛ ل این بیت را ندارد  
 ۲۰- لی: که ۲۱- لن، لی: بدوی؛ س، لن، ق-<sup>۲</sup> ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت بیٹی افزوده‌اند که در لن، لی، پ، ل<sup>۲</sup> لت های آن پس و پیش  
 شده‌اند:
- چو (پ: که) یکچند (ق: آ: یکی چند) برگشت (لی، و، آ: بگذشت) جرخ کیود بسر بر شگفتی نگر چون نمود  
 این بیت در ف، ل، ق نیست ۲۲- ف: گفتار اندر زادن منوچهر از مادر و آوردن پیش فریدون و باز یافتن فریدون چشمها؛ لن، ق: زادن منوچهر از مادر؛  
 ق: گفتار در مولود منوچهر شاه؛ س، لی: زادن منوچهر (س: شاه منوچهر) از مادر بفیروزی؛ پ: زادن منوچهر از مادرش که دختر ایرج بود و پسر فریدون؛  
 و: گفتار اندر زادن منوچهر شاه از مادر بفیروزی؛ آ: زابیدن منوچهر از مادر؛ ل: ولادت منوچهر شاه از مادر؛ ب: زادن منوچهر؛ ل: سرنویس ندارد؛ متن =  
 آغاز ف ۲۳- ل، ق: خردمند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۴- س، پ: شاه ۲۵- لن، پ: سزاوار دیهیم و گاه

چُن<sup>۱</sup> از مادر مهربان<sup>۲</sup> شد جدا  
 برنده بدو گفت<sup>۴</sup> کای<sup>۵</sup> تاجور  
 جهان بخش را لب پر از خنده شد<sup>۶</sup>  
 ۵۸۵ گرفت<sup>۹</sup> آن گرانمایه را بر<sup>۱۰</sup> کنار  
 همی گفت کین<sup>۱۲</sup> روز فرخنده باد  
 همان<sup>۱۴</sup> کز جهان آفرین کرد یاد  
 فریدون چو روشن جهان را بدید  
 چُنین گفت کز پاك<sup>۱۹</sup> مام و پدر  
 ۵۹۰ می روشن آمد ز پُرمایه جام<sup>۲۰</sup>  
 چنان پروریدش که باد هوا  
 پرستنده‌یی کهش به بر داشتی<sup>۲۶</sup>  
 به پای<sup>۲۸</sup> اندرش<sup>۲۹</sup> مُشك سارا بُدی  
 چُنین<sup>۳۱</sup> تا برآمد برو<sup>۳۲</sup> سالیان  
 نیامدش ز اختر<sup>۳۳</sup> زمانی زیان

۱- ل- ب (و نیز ل، ن، آ): چو؛ متن = ف ۲- ف، ل، آ: مادر آن مهربان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- ل، ق، و (و نیز ل، ن، آ): بنزد نیا؛ پ: سوی پادشا؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴- ل: بدو گفت موبد؛ ق، آ، پ: برنده بدو گفت؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۵- ف: ایا؛ ل: که ای؛ و، ل، آ: ای؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۶- پ: بر؛ ل: یکی چشم بگشای و ۷- س، ق، آ، ل، آ، ب: گشت؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- ق، آ: گویی ۹- ل- ب (و نیز ل، ن، آ): نهاد؛ متن = ف ۱۰- ل، پ: در ۱۱- ق، و، آ: بر؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

که ای کاشکی (س، ب: کاجکی) دیده بودی مرا  
 این بیت در ف، ل، ق، و، ل، آ (و نیز در ل، ن، آ) نیست ۱۲- س، ق، آ، ل، آ، ب: بگفتا؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۳- و: تو؛ در س، ق، آ، ل، آ، ب: پس از این بیت ۵۸۸ آمده است؛ ف پس از بیت ۵۸۶ افزوده است:

ازین پیشتر دیدگان بر نکرد  
 بُدی چشم بر هم روان پر ز درد  
 ۱۴- س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ: زبس؛ ب: ز پس؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ) ۱۵- ق، آ، ل، پ: ببخشید ۱۶- ق، آ: براو؛ و: ببخشودش و دیدگان ۱۷- س، ل، ن، ق، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): بچهر نوآمد؛ متن = ف، ل، ق، ۱۸- ل: یکی؛ ق: نکو؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ)؛ در برخی از دستنویس‌ها بیت‌های میان ۵۸۵ تا ۵۹۱ در هم ریخته‌اند، س، ق، آ، ل، آ، ب: ۵۸۵، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۸۵-۵۸۸، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۹۱-۱۹- و: کز مام پاك و پدر ۲۰- و: چو فرزند ۲۱- س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ: می روشن آورد و (لی، آ: < و >) پرمایه جام؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ، ب ۲۲- ل: مران چهره دارد؛ س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، آ، ب: مرورا نهادش (پ: نهاده)؛ ق: پریچهره دارد؛ و (و نیز ل، ن، آ): منوچهره دارد؛ متن = ف (و نیز ل، ن، آ)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

جهان آفرین را ستایش گرفت  
 بداد و بنیکی فزایش گرفت  
 پس آنکه بگفتش که ای کردگار  
 چو دادی ز ایرج مرا یادگار  
 یقین دانم ای کردگار جهان  
 کزین پس بگردد بسی سالیان  
 بدین کودک آرام فرخنده کن  
 دل بد سگالان ماکنده کن

۲۳- ل، ق، آ: برگزشتی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- ل، ق، آ: نبود؛ و: نکردی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۶- ل، آ: پرستنده کیتی برداشتی (!) ۲۷- ق، آ، ل، پ: زمی (لی: زمین) را بی او؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۸- ل: بیا؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- ق، آ: اندرو؛ ل، آ: اندرون؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- و: روان از برش چتر و دیبا؛ ل، آ: روان بر سر خز و دیبا ۳۱- ل، آ: همین ۳۲- س، ل، ن، ق، آ، ل، پ، آ: برین؛ لی: بدین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۳۳- ق، پ، آ، ل، آ: نیامد ز اختر (ق: اخترش)؛ ق، آ، ل، آ: ز اختر نیامد؛ و: ز اخترش نامه؛ متن = ف، ل، س، ل، ن، ب

۵۹۵ هنرها که بُد پادشا را بکار  
 چو چشم و دل پادشا باز شد  
 نیا تخت زرین<sup>۵</sup> و گرز گران  
 کلید در گنج های کهن<sup>۹</sup>  
 سراپردهی دیبه از رنگ رنگ<sup>۱</sup>  
 ۶۰۰ چه<sup>۱۳</sup> اسپان تازی به زرین ستام  
 چه<sup>۱۴</sup> از جوشن و ترگ و رومی زره  
 کمان های چاچی و تیر خدنگ  
 برین<sup>۱۵</sup> گونه آراسته گنج ها  
 سراسر سزای منوچهر دید  
 ۶۰۵ کلید در گنج آراسته  
 همه پهلوانان<sup>۱۹</sup> لشکرش را  
 بفرمود تا پیش اوی<sup>۲۱</sup> آمدند  
 به شاهی برو آفرین خواندند  
 چو جشنی بُد این روزگار بزرگ<sup>۲۴</sup>  
 ۶۱۰ سپهدار چون قارن کاویان<sup>۲</sup>  
 چو شد ساخته کار<sup>۳۰</sup> لشکر همه  
 بیاموختش نامور شهریار  
 سپه<sup>۳</sup> نیز با او<sup>۴</sup> هم آواز شد  
 بدو داد و پیروزه<sup>۷</sup> تاج سران<sup>۸</sup>  
 بدو داد جمله ز سر تا به بُن<sup>۱۱</sup>  
 بدوی<sup>۱۲</sup> اندرون خیمه های پلنگ  
 چه<sup>۱۳</sup> شمشیر هندی به زرین نیام  
 گشادند مر بندها را گره  
 سپرهای چینی و ژوپین جنگ  
 کشیده به گرد اندرون رنج ها<sup>۱۶</sup>  
 دل خویش را زو<sup>۱۷</sup> پُر از مهر دید  
 به گنجور او داد و آن خواسته<sup>۱۸</sup>  
 همان<sup>۲۰</sup> نامداران کشورش را  
 همه با دل<sup>۲۲</sup> کینه جوی<sup>۲۳</sup> آمدند  
 ز رَجَد به تاجش برافشانند  
 شده در جهان میش پیدا ز گرگ<sup>۲۵</sup>  
 سپه کش چو شیروی<sup>۲۷</sup> و<sup>۲۸</sup> چون اندیان<sup>۲۹</sup>  
 برآمد سرا<sup>۳۱</sup> شهریار از رمه<sup>۳۲</sup>

۱- ل: هنرها که آید شهان را بکار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- ق، و: < و > ۳- لن، لی، پ، ل، آ: جهان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴- ق: وی ۵- ل: شاهی ۶- ق، آ: < و > ۷- ل: پیرانه ۸- س، آ، ب: کیان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، لن): گنج های گهر؛ لن، لی، پ، ل، آ: گنج (ل: گنج و زو و گهر؛ متن = ف، ل، ق ۱۰- س، ق، آ، لی، آ، ب: همان تخت و دیبیم و تیغ (لی: تاج) و کمر؛ لن، پ: همان تخت و طوق و کلاه و کمر؛ و، ل، آ: کلید در گنج طوق (ل: تاج) و کمر؛ متن = ف، ل، ق ۱۱- ل: سراپرده دیبه هفت رنگ؛ لن، پ، و: سراپرده از دیبه رنگ رنگ؛ ب (و نیز ل، آ): سراپرده دیبه رنگ رنگ؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۱۲- ل- ب: بدو؛ متن = ف ۱۳- ق، آ، ل: چو؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۱۴- ق (و نیز لن، آ): چو؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۱۵- س، لن، لی، و، آ، ل، آ، ب: بدین؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ ۱۶- ل، ق، و: که بودش (ق، و: کشیده) بگرد آمده (و: آمدن) رنج ها؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: بگرد آمده بر (پ: در) بسی رنج ها؛ (ل، آ، لن): کشیده بگرد آمد از (لن، آ: < از >) رنج ها؛ متن = ف ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: دل خویشتن زو؛ ق، و این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل (و نیز ل، آ) ۱۸- ل، س، ق، آ، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن): داد با (ق، آ، و: نا) خواسته؛ متن = ف، لن، لی، پ، ل، آ ۱۹- آ: پهلوان (وزن نا درست است) ۲۰- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، لن): همه؛ متن = ف، ق، ل، آ ۲۱- ل- ق، آ، پ، آ، ل، آ: او؛ متن = ف، س، لی، و، ب ۲۲- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز لن، آ): دلی؛ متن = ف، ق، ل، آ (و نیز ل، آ) ۲۳- ل، ق، آ، پ: کینه جو؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- س: نه جشنی بد این خود به روزی بزرگ؛ لن، ق، آ- ب (و نیز ل، آ، لن): به جشنی (و: به جشن) نو آیین (لن: به آیین؛ پ، ل، آ: بآیین) و روزی (و: روز) بزرگ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل ۲۵- پ: میش همراه گرگ؛ و: شده میش پیدا ز درنده گرگ ۲۶- س، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، آ، لن): کاوگان (و: کاوه گان)؛ متن = ف، ل، ق ۲۷- ق: شیران؛ آ: شیر (وزن نادرست است) ۲۸- ق، پ: < و > ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): آوگان؛ آ: یاوگان؛ پ: چو شیروی شیر افکنان؛ متن = ف، ل، ق؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۰- و: ساز ۳۱- ل: بر ۳۲- ل، و (و نیز ل، آ، لن): شهریار رمه؛ لی: شهریاران رمه؛ ل: شهریار از دمه؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت سرتویس دارند: لن: پیغام سلم و تور بنزد فریدون؛ ق (سه بیت پایین تر): رسول فرستادن سلم و تور بعد از خواهی نزد فریدون؛ و، پ: آگاه شدن سلم و تور از منوچهر (و: منوچهر شاه)؛ ل، آ: آگاهی سلم و تور از کار منوچهر



پر از آب دیده ز شرم پدر  
 همی سوی پوزش نیابند<sup>۳</sup> راه  
 بدین<sup>۵</sup> بُرزدرگاه شاهنشهی<sup>۶</sup>  
 که گفتارشان کس بیارد<sup>۹</sup> شنود  
 که هر کس<sup>۱۱</sup> که بد کرد کیفر برد  
 چو ما مانده‌ایم<sup>۱۵</sup> ، ای<sup>۱۶</sup> شه زادمرد<sup>۱۷</sup>  
 به رسم بوش<sup>۲۰</sup> اندرآمد<sup>۲۱</sup> روش  
 ز دام<sup>۲۴</sup> قضا هم نیابد رها  
 ببرد ز دل<sup>۲۶</sup> ترس<sup>۲۷</sup> گیهان خدیو  
 که مغز دو فرزانه شد<sup>۳۱</sup> جای اوی<sup>۳۲</sup>  
 که بخشایش آرد به ما بر مگر  
 به بی دانشی برنهد پیشگاه  
 که گاهی پناهست و<sup>۳۶</sup> گاهی گزند  
 میان بسته دارد ز بهر گزند  
 شود<sup>۳۸</sup> پاک<sup>۳۹</sup> ، روشن شود دین ما  
 فرستد بنزدیک خواهشگران  
 بیاشیم جاوید<sup>۴۲</sup> ، اینست رای

بگو کان<sup>۱</sup> دو<sup>۲</sup> بدخواه بیدادگر  
 پشیمان شده، داغ دل، پُر گناه،  
 ۶۳۰ پیامی گزارم<sup>۴</sup> ز هر دو رهی  
 ازیرا که خود چشم<sup>۷</sup> ایشان<sup>۸</sup> نبود  
 چه گفتند دانندگان خرد<sup>۱۰</sup>  
 بماند<sup>۱۲</sup> به تیمار<sup>۱۳</sup> ، دل پر ز درد<sup>۱۴</sup> ،  
 نبشته<sup>۱۸</sup> چنین بودمان از بوش<sup>۱۹</sup>  
 ۶۳۵ هزبر<sup>۲۲</sup> جهان سوز و<sup>۲۳</sup> نر آژدها  
 و دیگر که بی باک و ناپاک<sup>۲۵</sup> دیو  
 به ما بر چنان<sup>۲۸</sup> چیره<sup>۲۹</sup> شد رای اوی<sup>۳۰</sup>  
 همی<sup>۳۳</sup> چشم داریم از آن تاجور<sup>۳۴</sup>  
 اگر چه بزرگست ما را گناه  
 ۶۴۰ و دیگر بهانه<sup>۳۵</sup> سپهر بلند  
 سیم<sup>۳۷</sup> : دیو کاندلر میان چون نوند  
 اگر پادشا را سر از کین ما  
 منوچهر را با سپاهی<sup>۴۰</sup> گران  
 بدان تا چو بنده به<sup>۴۱</sup> پیشش پیای

۱- ل- پ، آ، ل، آ، ب: بدان کان؛ و: بگو آن؛ متن= ف (و نیز ل) ۲- لن: < دو > ۳- ل، و، آ (و نیز ل، لن): نماینده، س، لن، ق، آ، ل، آ، ب: بجویند؛ متن= ف، ق، لی، پ ۴- ف: گزارم؛ ق: رسانم؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۵- ق: برین ۶- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: بر آیین (لی: بایین) درگاه شاهنشی؛ و (و نیز ل، لن): بدین برزدرگاه با فرهی؛ متن= ف، ق، پ (ق: برین)؛ در س، لن، لی، پ، آ، ب این بیت پس از بیت ۶۲۷ و در ق<sup>۱</sup> بجای بیت ۶۲۷ آمده است (← ۶۲۷ پ) ۷- س، لن، ق، آ، لی، آ: ازیرا کجا چشم؛ ق: مگر شرم در چهر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، پ، و، ل، آ، ب ۸- س: ایران ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: تواند؛ ق: نیارد؛ و: که گفتار ایشان نشاید؛ متن= ف؛ در ب این بیت و بیت ۶۳۰ پس از بیت ۶۲۷ آمده‌اند (← ۶۲۷ پ) ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، لن): چه گفتند گفتند کای (ل): ای) پر خرد؛ متن= ف، ل، ق، پ ۱۱- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، لن): هر آنکس که؛ متن= ف، ل، ق، پ ۱۲- لی: نماند ۱۳- ل، س، پ، ل، آ، ب: به تیمار و؛ ق: ز تیمار؛ متن= ف، لن، ق، آ، لی، و، آ ۱۴- آ: پر ز در (!) ۱۵- و: چو ماندیم ما ۱۶- ق: از ۱۷- ل، لن، ق، لی، پ: رادمرد؛ آ: دادگر؛ س، ق، آ: چو ما مانده‌ای شاه آزاد مرد؛ متن= ف، ل، آ، ب ۱۸- ل، ق، آ، پ، و، ب: نوشته؛ ق این بیت را ندارد، ولی انرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، س، لن، لی، آ، ل (و نیز ل) ۱۹- ف: بودشان از بوش؛ آ: بود ما را روش؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۰- ق، آ، نوش ۲۱- ق، آ، و، ل، آ، ب: آید؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- لی: هزبر ۲۳- س، لن، ق، آ، ب: < و > ۲۴- ق، آ، لی: جنگ ۲۵- ل، ق، پ: و دیگر که فرمان ناپاک (پ: بی باک)؛ س، لن، ق، آ، ل، آ، ب: و دیگر که بی باک ناپاک؛ متن= ف، لی، و (لی، و): < و > ۲۶- ل، پ: ببرد دل از؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: بریده (ل: برنده) دل از؛ ق، آ: ببرد از دلم؛ و (و نیز ل): ببرد این دل از؛ متن= ف ۲۷- لی، و: راه؛ پ: بیم؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- ل، ق، آ، لی، پ، و: چنین؛ متن= ف، س، لن، آ، ل، آ، ب ۲۹- ل، س، لن، ق: حیره (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: تیره؛ لی، پ، و، آ، ل، آ: خیره؛ متن= ف، ب ۳۰- ف، س، ق، آ، لی، و- ب: او؛ ل، ق: بد؛ متن= لن، پ ۳۱- ل، ق، آ، لی، و: دو فرزند شد؛ لن: دو فرزند شه؛ متن= ف، س، ق، پ، آ، ل، آ، ب ۳۲- ف، س، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: جای او؛ ل، ق: جای بد؛ لن: جایجوی؛ متن= پ، و ۳۳- لی: همان ۳۴- لی: نامور ۳۵- ق: شناسد همی زین؛ آ: دگر آنکه گردان ۳۶- لی، ب: < و >؛ آ: پناهست گاهی؛ و: متن= نه دستنویس دیگر ۳۷- ل، لی، و، آ، ب (و نیز لن): سیوم؛ س، ق، آ (و نیز ل): سوم؛ لن: همان؛ ف ناخواناست (سوم؟ سیوم؟ سیم؟)؛ ق، ل این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= پ ۳۸- ق، آ: کند ۳۹- ل، پ: پاک و؛ متن= ده دستنویس دیگر ۴۰- ق: سپاه؛ ل این بیت را ندارد ۴۱- ب: ز ۴۲- ل، ق، ق، آ، ب: جاوید و؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر

به آب دو دیده توانیم شست  
چو تازه شود<sup>۴</sup> تاج<sup>۵</sup> و گنجش<sup>۶</sup> دهیم

سَخْن را نه سر بود<sup>۷</sup> پیدا نه بُن  
به درگاه شاه آمد آراسته<sup>۸</sup>  
بفرمود تا تخت<sup>۹</sup> شاهنشاهی  
کلاه کیانی بپراستند

چو سرو سهی بر سرش<sup>۱۲</sup> گرد ماه<sup>۱۳</sup>  
چنان چون بود درخور شهریار<sup>۱۴</sup>  
نشسته، نهاده به سر بر کلاه<sup>۱۵</sup>  
سراپای یکسر به زر آرده<sup>۱۷</sup>  
زمین کرده خورشیدگون سربسر  
به طوق و به زنجیر زرین دده<sup>۲۱</sup>  
بدست دگر زنده‌پیلان جنگ<sup>۲۲</sup>

فرستاده‌ی سلم<sup>۲۴</sup> را پیش بُرد  
پیاده دوان اندرآمد ز راه<sup>۲۵</sup>  
سر تخت و تاج<sup>۲۷</sup> بلندش بدید  
همی بر زمین بر بمالید روی

۶۴۵ مگر کان<sup>۱</sup> درختی که از<sup>۲</sup> کین برُست  
پیویم تا آب و رنجش<sup>۳</sup> دهیم

فرستاده آمد دلی پُر سَخْن  
ابا پیل و با گنج و با خواسته  
به شاه آفریدون<sup>۸</sup> رسید آگهی  
به دیبای چینی<sup>۱۰</sup> بیاراستند

نشست از بر تخت پیروزه<sup>۱۱</sup> شاه  
ابا تاج و با طوق و با گوشوار  
خجسته منوچهر بر دست شاه  
دو رویه بزرگان کشیده رده<sup>۱۶</sup>

۶۵۵ به زرین عُمود و به زرین سپر<sup>۱۸</sup>  
به درگاه ایوان<sup>۱۹</sup> کشیده رده<sup>۲۰</sup>  
بیک دست بر بسته شیر و پلنگ

۶۶۰ برون آمد از کاخ<sup>۲۳</sup> شاپور گرد  
فرستاده چون دید درگاه شاه  
چو نزدیک شاه آفریدون<sup>۲۶</sup> رسید  
ز بالا فرو برد سر<sup>۲۸</sup> پیش او<sup>۲۹</sup>

۱- ف: آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲- ل، ق، و، آل (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کزین؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- ل، پ: آب و رنجش؛ ق<sup>۲</sup>: بیویم و تارنج ایش؛ (لن<sup>۲</sup>: آب و رنجش)؛ ق، و این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۴- آ: چو پرورده شد ۵- ل<sup>۲</sup>: آب ۶- س- ق<sup>۲</sup>، پ، و، آ، ب: دید؛ متن = ف، ل، لی، ل<sup>۲</sup> ۷- ل پس از این بیت افزوده است:  
چو آمد فرستاده زی بارگاه شدند آگه از نامدار سپاه  
۸- ل (و نیز ل<sup>۳</sup>): بشاه فریدون؛ پ: چو نزد فریدون؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ب: تا کاخ؛ ل<sup>۲</sup>: با کاخ؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۱۰- ل، ق، پ: رومی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- ل: پیروز؛ لی: فیروزه ۱۲- ل، ق: از برش؛ متن = ف، س، لن، لی، ب ۱۳- ق<sup>۲</sup>: نشسته نهاده به سر بر کلاه (ق<sup>۲</sup> ۶۵۱، ب، ۶۵۲ و ۶۵۳ را انداخته و از ۶۵۱ و ۶۵۳ ب یک بیت ساخته است) ۱۴- ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ در پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵- لی، پ، ل<sup>۲</sup>: نشسته بسر بر نهاده کلاه؛ در پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ق<sup>۲</sup> ۶۵۱، ب، ۶۵۲ و ۶۵۳ را انداخته و از ۶۵۱ و ۶۵۳ ب یک بیت ساخته است ۱۶- ل: درویه (→ دورویه) کشیده بزرگان زده (→ رده) ۱۷- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ل<sup>۲</sup>: به طوق و به زنجیر زرین دده (= ۶۵۶)؛ ق: بزرگان سراسر بزر آرده؛ متن = ف، ل، س، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ در ل، ق، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ۶۵۴ و ۶۵۶ را انداخته و از ۶۵۴ و ۶۵۶ ب یک بیت ساخته‌اند؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، بیت ۶۵۵ را هم انداخته‌اند ۱۸- ل، س، ق، پ، و، آل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کمر؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی این بیت را ندارند؛ متن = ف، در ل، ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- آ: دورویه غلامان؛ متن = ف، س، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۰- ل<sup>۲</sup>: زده؛ متن = ف، س، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۱- آ: زده؛ ل<sup>۲</sup>: ب: سراپای یکسر به زر آرده (= ۶۵۴)؛ ل، ق، پ این بیت را ندارند؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و از ۶۵۴ و ۶۵۶ ب یک بیت ساخته‌اند (پ ۱۷)؛ متن = ف، س (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- ق: بیکسوی دیگر هزبران جنگ؛ و این بیت را ندارند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ل: برون شد ز درگاه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۴- ل: شاه ۲۵- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): براه؛ متن = ف، ل، ق، پ، آل ۲۶- پ: چو نزدیکی شه فریدون ۲۷- ل: سر و تخت و تاج؛ س، لی، آل ۲۸: سر و تاج و تخت؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): سر تاج و تخت؛ متن = ف، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۸- و: فرو بود و در ۲۹- آ: او (پساوند نادرست است)



۶۶۵ گرانمایه شاه جهان کدخدای  
 فرستاده بر شاه کرد آفرین  
 زمین گلشن از پایه‌ی تخت<sup>۳</sup> تست  
 همه بنده‌ی<sup>۶</sup> خاک پای تویم  
 چو با آفرین<sup>۷</sup> شاه بگشاد چهر  
 پیام دو خونی بگفتن گرفت  
 گشاده‌زبان مرد بسیارهوش  
 ز کردار بد پوزش آراستن<sup>۱۰</sup>  
 ۶۷۰ میان بستن او را بسان رهی  
 خریدن<sup>۱۳</sup> ازو باز خون پدر  
 فرستاده گفت و سپهد شنید  
 چو بشنید شاه جهان کدخدای  
 یکایک به مرد گرانمایه گفت  
 ۶۷۵ نهان<sup>۲۰</sup> دل آن دو مرد پلید  
 شنیدم<sup>۲۲</sup> همه هر چه<sup>۲۳</sup> گفستی سخن  
 بگو<sup>۲۵</sup> آن دو بی شرم ناباک<sup>۲۶</sup> را  
 به کرسی زرینش بر کرد جای<sup>۱</sup>  
 که ای نازش تاج و تخت<sup>۲</sup> و نگین  
 هوا<sup>۴</sup> روشن از مایه‌ی بخت<sup>۵</sup> تست  
 همه پاک<sup>۶</sup> زنده برای تویم  
 فرستاده پیشش بگسترد مهر  
 همه راستی‌ها نهفتن گرفت<sup>۸</sup>  
 بدو داده شاه جهاندار گوش<sup>۹</sup>  
 منوچهر را نزد خود خواستن<sup>۱۱</sup>  
 سپردن بدو تاج و تخت<sup>۱۲</sup> مهی  
 به دیبا و دینار<sup>۱۴</sup> و تاج و کمر<sup>۱۵</sup>  
 مران بند<sup>۱۶</sup> را پاسخ آمد کلید<sup>۱۷</sup>  
 پیام دو فرزند ناپاک<sup>۱۸</sup> رای  
 که خورشید را چون توانی نهفت<sup>۱۹</sup>  
 ز خورشید روشن تر آمد<sup>۲۱</sup> پدید  
 نگه کن که پاسخ چه یابی ز بن<sup>۲۴</sup>  
 دو بیداد و<sup>۲۷</sup> بد مهر و<sup>۲۸</sup> ناپاک<sup>۲۹</sup> را

۱- ل: بکسی زرین ورا کرد جای؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: بفرمود او را سزاوار جای؛ ق، پ: بکسی زر پیش فرمود جای؛ متن=ف، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>)  
 لن<sup>۲</sup> ۲- س، ق، آ، لی، آ: تخت و گاه؛ لن، ق، ب: تخت و تاج؛ ل<sup>۲</sup>: تیغ و تاج؛ متن=ف، ل، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) لن<sup>۲</sup> ۳- ق: زمین روشن از مایه  
 بخت ۴- ل، ق، پ: زمان؛ متن=نه دستنویس دیگر ۵- ق: گلشن از پایه تخت؛ و: روشن از فره و بخت ۶- ق، ق، آ، لی، ل<sup>۲</sup>: بنده و؛ متن=هشت  
 دستنویس دیگر ۷- س- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) لن<sup>۲</sup>: بر آفرین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف ۸- در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۹-  
 ل<sup>۲</sup>: بدو داد هر دو جهاندار گوش؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از بیت ۶۶۸ دو بیت زیر را، و، ل<sup>۲</sup>  
 تنها بیت نخستین را افزوده اند:

بگفتش (ل<sup>۲</sup>: بگفتن) بدان شاه کشته پسر  
 که ما بنده (ق<sup>۲</sup>: بندگان) خاک پای تویم  
 پیام دو فرزند بیدادگر  
 ستاده بتدبیر (لی: فرستاده تدبیر) و رای تویم

این دو بیت در ف، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) لن<sup>۲</sup> نیست ۱۰- آ: آراستند ۱۱- آ: خواستند ۱۲- و: تاج شاهنشهی؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن=نه  
 دستنویس دیگر ۱۳- لی: فریدون؛ آ: خریدند ۱۴- ل، لن، ق، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدینار و دیبا؛ متن=ف، س، ق، آ، لی، و، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۵-  
 و (و نیز ل<sup>۲</sup>): و گنج گهر ۱۶- ف: پند (حرف یکم با سه نقطه)؛ س، لن، ق، آ، لی، آ: گفت؛ متن=ل، ق، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) لن<sup>۲</sup>؛ ۱۷- س:  
 پدید؛ دستنویس ها پس از این بیت سرنویس دارند؛ ف: گفتار اندر پاسخ دادن شاه افریدون پیغام سلم و تور و فرستادن منوچهر را بجنگ ایشان؛ س، لن،  
 ق، آ، لی، پ، ل: پاسخ دادن (س، لن: فرستادن) فریدون (س: شاه فریدون) پسران را؛ ق: پاسخ دادن فریدون فرستاده را بخشم؛ و: پاسخ دادن فریدون  
 پیغام پسران را؛ آ: پاسخ دادن فریدون سلم و تور را؛ ب: پاسخ فریدون پسر را؛ ل سرنویس ندارد ۱۸- ف: بکسی زرینش بر کرده جای (= ۶۶۲ ب)؛ آ  
 این بیت را ندارد؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۹- آ این بیت را ندارد ۲۰- ف: نهانی؛ ق، آ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن=  
 نه دستنویس دیگر ۲۱- ل: روشن بر آمد ۲۲- ف: شنیده؛ متن=یازده دستنویس دیگر ۲۳- ل: هرچ ۲۴- ف: به بن؛ لی: زمن؛ متن=ده  
 دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) لن<sup>۲</sup> ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، ب: بگوی؛ متن=ف، ل، ق، و، آ ۲۶- س، و، ل، ب: بی باک؛ متن=هشت دستنویس  
 دیگر ۲۷- س- آ، ب: <و>؛ متن=ف، ل ۲۸- س- پ، آ: <و>؛ و: بی مهر؛ ب: بدخواه؛ متن=ف، ل ۲۹- لن، ق، آ، لی، آ: بی باک؛ متن=  
 ف، ل، س، ق، پ، و، ب (در ل، س، ق حرف سوم يك نقطه دارد)؛ ل<sup>۲</sup>: دو بیدادگر مرد ناباک

که گفتار خیره نیرزد<sup>۱</sup> بچیز  
 اگر بر منوچهرتان مهر خاست  
 ۶۸۰ که کام دد و دام بودش<sup>۲</sup> نهفت  
 کنون چون ز ایرج<sup>۳</sup> پرداختید  
 نبینید رویش مگر<sup>۴</sup> با سپاه  
 ابا<sup>۵</sup> گرز و با کاویانی<sup>۶</sup> درفش  
 سپهدار چون قارن رزمخواه<sup>۷</sup>  
 ۶۸۵ به یکدست بر یادخسرو<sup>۸</sup> پپای  
 به دست دگر سرو شاه یمن<sup>۹</sup>  
 درختی که از کین<sup>۱۰</sup> ایرج برُست  
 از آن تا کنون کین او کس نخواست  
 نه خوب آمدی<sup>۱۱</sup> با دو فرزند خویش  
 ۶۹۰ کنون زان درختی که دشمن بکند  
 بیاید کنون<sup>۱۲</sup> چون<sup>۱۳</sup> هزبر ژیان<sup>۱۴</sup>  
 ابا نامداران لشکر<sup>۱۵</sup> بهم  
 سپاهی که از کوه تا کوه جای  
 و دیگر که<sup>۱۶</sup> گفتند<sup>۱۷</sup> باید که شاه  
 ۶۹۵ که بر ما چنین گشت گردان سپهر

ازین در سخن خود نرانیم نیز<sup>۱</sup>  
 تن<sup>۲</sup> ایرج نامورتان کجاست  
 سرش را<sup>۳</sup> یکی تنگ تابوت جفت  
 به کین<sup>۴</sup> منوچهر بر ساختید<sup>۵</sup>  
 ز پولاد بر سر نهاده کلاه  
 زمین کرده<sup>۶</sup> از لسم<sup>۷</sup> اسپان<sup>۸</sup> بنفش  
 چو شاپور<sup>۹</sup> نستوه<sup>۱۰</sup> پشت سپاه<sup>۱۱</sup>  
 چو شیروی شیروانش رهنمای<sup>۱۲</sup>  
 به پیش سپاه اندرون رای زن<sup>۱۳</sup>  
 به خون بار و برگش<sup>۱۴</sup> بخواهیم شست  
 که پشت زمانه ندیدیم راست  
 که من<sup>۱۵</sup> جنگ را کردمی دست پیش  
 برومند شاخی<sup>۱۶</sup> برآمد بلند  
 به کین پدر تنگ بسته میان<sup>۱۷</sup>  
 چو سام نریمان و<sup>۱۸</sup> کرشاسپ<sup>۱۹</sup> جم  
 بگیرند<sup>۲۰</sup> و کوبند گیتی<sup>۲۱</sup> به پای  
 ز کین دل بشوید<sup>۲۲</sup> ، ببخشد<sup>۲۳</sup> گناه  
 خرد خیره<sup>۲۴</sup> شد، تیره<sup>۲۵</sup> شد جای مهر<sup>۲۶</sup>

۱- ف: نه ارزد؛ ل: ندارم؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲- ل، ق، پ، و: چند رانیم نیز؛ لی: در نرانیم نیز؛ ل: خوار دارم بنیر؛ متن= ف، س، ل، ق، آ،  
 آ، ب ۳- لی: سر ۴- ل: توسن ۵- پ: با ۶- لی: کنون ز ایرج (وزن نادرست است)؛ پ: کنون خون ایرج؛ متن= ده دستنویس دیگر ۷-  
 ل: بکار؛ س، ق، آ، لی، آ، ب: بخون؛ ل: نگین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و ۸- ل: پرداختید؛ ق: برخاستید؛ پ: در ساختید، متن= نه دستنویس  
 دیگر ۹- ق: ببینید رویش همی ۱۰- ف: بکف؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن) ۱۱- ب: ابا کاویانی گرز (وزن نادرست است)  
 ۱۲- ل، ق، آ، لی، آ، ب: گشته؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل ۱۳- ل، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: نعل؛ متن= ف، ل، ق، پ، و ۱۴- لی: ایشان ۱۵- ل:  
 رزم زن ۱۶- ل، ق، آ، ب: شاپور؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- س، ق، آ، آ، ب: نستور؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ) ۱۸- ل:  
 شمشیر زن؛ لی این بیت را دو بار نوشته است ۱۹- ل، ق، پ: بیکدست شیدوش جنگی؛ آ: بیکدست بر پیش خسرو؛ س، ل، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب این  
 بیت را ندارند؛ متن= ف ۲۰- ل: شیروان و رهنمای؛ ق، پ، آ: شیروان رهنمای؛ متن= ف ۲۱- ل، ق، پ، و (و نیز ل، ن): چو سام نریمان و سرو  
 یمن؛ س، ل، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، آ): چو شاه تلیمان (س: بلیمان؛ ل: نلیمان؛ لی: بلیمان) و سرو یمن؛ متن= ف، آ ۲۲- و: باورن (!) ۲۳-  
 ق، ب: خون ۲۴- ل، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: به خون برگ و بارش؛ متن= ف، ق، و؛ س این بیت را با بیت سپسین در هم آمیخته است:  
 درختی که از کین او کس نخواست که پشت زمانه ندیدیم راست  
 ۲۵- و: نه نیکوبدی؛ ل: تو خوب آمدی ۲۶- ل: کجا؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن) ۲۷- ل: یکی شاخ زیبا ۲۸- ل: همی  
 ۲۹- ق، آ: خود ۳۰- ل، آ، ل، آ، ب: دمان؛ متن= ف، پ، و ۳۱- ل: بکین پدر جست کرده میان؛ در ق<sup>۲</sup> لت های این بیت پس و پیش شده اند  
 ۳۲- س، ل، ق، آ، لی، آ، ب: ایران؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل ۳۳- ل: < و > ۳۴- ل، و، ب: < و >؛ آ: گشتاسپ و؛ متن= ف، ل، س، ل، آ  
 (و نیز ل، آ، ل، ن) ۳۵- ف، ل، بگیرند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ل، ن) ۳۶- ق، آ، لی، آ: کیهان ۳۷- آ: دگر آنکه  
 ۳۸- ف، ل، س، ق، آ: گفتند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل، لی، پ، ب: گفتید؛ متن= ق، و، آ، ل ۳۹- س، ل، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: دل از کین بشوید  
 (س: بیچند؛ ل: ببخشد)؛ متن= ف، ل، ق، پ، و ۴۰- ل: بشوید ۴۱- س، ل، ق، آ، ل، آ، ب: تیره؛ ق، و: دور؛ متن= ف، ل، لی، پ، ب ۴۲-  
 س، ل، ق، آ، ل، آ، ب: خیره؛ متن= ف، ل، ق، لی، پ، ب ۴۳- و: خرد دور بود و ببرید مهر

چه گفت<sup>۴</sup> آن جهانجوی نابردبار<sup>۵</sup> :  
 نه خوش روز بیند، نه خرم<sup>۶</sup> بهشت  
 شما را ز خونِ برادر چه باك  
 گناه آن<sup>۹</sup> سگالد که پوزش برد  
 سیه دل، زبان پر ز گفتار گرم<sup>۱۱</sup>  
 بیابید و این<sup>۱۴</sup> هم نماند نهان<sup>۱۵</sup>  
 برین<sup>۱۸</sup> زنده‌پیلان<sup>۱۹</sup> و پیروزه تاج  
 نجویم کین<sup>۲۱</sup> و بشویم<sup>۲۲</sup> خون  
 که مه تخت بادا مه تاج و مه فر<sup>۲۴</sup>  
 مگر بتر<sup>۲۷</sup> از<sup>۲۷</sup> بچه<sup>۲۸</sup>ی ازدها  
 بهایی کند<sup>۲۹</sup> پیر گشته پدر؟  
 سخن چند گویم چندین براز<sup>۳۰</sup>  
 بدین<sup>۳۱</sup> کین نخواهد گشادن کمر  
 یکایک<sup>۳۲</sup> بگوی<sup>۳۲</sup> و بزودی برو

نشست منوچهر سالار دید  
 همانگه به زین اندرآورد پای  
 بدید آن گرانمایه مرد جوان  
 نه بس دیر چین اندرآرد به چهر  
 سری پُر ز پاسخ، دلی بر گمان<sup>۳۵</sup>

شنیدم<sup>۱</sup> همین<sup>۲</sup> پوزش نابکار<sup>۳</sup> ؛  
 که هر کس که تخم جفا را بکشت  
 گر آمرزش آید<sup>۷</sup> ز یزدان پاك  
 هر آنکس که دارد<sup>۸</sup> روانش خرد  
 ز روشن جهانداران نیست شرم<sup>۱۰</sup>  
 مکافات آن<sup>۱۲</sup> بد به هر دو جهان<sup>۱۳</sup>  
 سدیگر<sup>۱۶</sup> فرستادن<sup>۱۷</sup> تخت عاج  
 بدین بدره‌های کهن<sup>۲۰</sup> گونه گون  
 سر تاجداران<sup>۲۳</sup> فروشم به زر  
 سر بی بها<sup>۲۵</sup> ستاند<sup>۲۶</sup> بها  
 که گوید که جان گرامی پسر  
 بدین خواسته نیست ما را نیاز  
 پدر تا بود زنده با پیرسر  
 پیامت شنیدم تو پاسخ شنو

فرستاده آن<sup>۳۳</sup> هول گفتار دید  
 بپژمرد و برخاست لرزان ز جای  
 همه بودن‌ها به روشن روان  
 که با تور و با سلم<sup>۳۴</sup> گردان سپهر  
 بیامد بکردار باد دمان

۱- ق: شنیده ۲- ل، ق، پ، و، آ: همه؛ س، لن، ق، ل، لی، ل، ب: چنین؛ متن= ف ۳- و: بودن روزگار ۴- ف، لی، ب: که گفت؛ ق: بگفت؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۵- لی: با بردبار؛ ل، ب: نابرده‌بار؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ آپس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ دادن فریدون پسران را؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بگو آن دو بیداد بدخواه را بگو آن دو خون ریز بد راه را

۶- ل: خورم ۷- ف، ق، ل، پ، و، آ: آمد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- لی: بیند ۹- لی: او ۱۰- لن: شرم نیست ۱۱- ق، و، ب: نرم؛ لن: بدل تان همی مهر و آرم نیست؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- ل، س، ق، و، ل، ب: این؛ متن= ف، لن، آ ۱۳- ل، پ: سرای؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۴- ل، آ: وین ۱۵- ل، پ: بیابید از دادگریک خدای؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۶- ل، ق، ل، لی، و، آ: سه دیگر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۷- ق: فرستاده ۱۸- س، لن، ق، ل، لی، و، آ: بدین؛ متن= ف، ل، ق، پ، ب ۱۹- لی، آ: < و > ۲۰- ل، پ، و، ل، ب: بدره‌های گهر؛ س، لن، ق، ل، لی، آ: بدرها گهر؛ ق: بدرها و گهر؛ متن= ف ۲۱- ف: نجویم و کین را (حرف یکم واژه یکم نقطه ندارد)؛ آ: بشویم کین و؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۲- آ: نجویم ۲۳- ل، ق: تاجداری؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۴- ف: که مه تخت بادا و مه تاج و فر (هم مه و هم نه میتوان خواند)؛ ل: که مه تاج بادا مه تخت و < مه > فر (وزن نا درست است)؛ ق، آ، ب: که مه تاج بادا مه تخت و مه فر؛ لی، پ، و: که مه تاج باد و مه تخت و مه فر؛ ل، آ: که مه تاج بادا به تخت و کمر؛ متن= س، لن، ق، آ ۲۵- لی: که خون پسر را ۲۶- پ: ستانم ۲۷- ل، ق: مگر ناسزا؛ ق، آ: مگر بتر آن؛ و: مگر بدتر از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- لی: تخمه ۲۹- پ: بها میکند ۳۰- ل، ق، پ (و نیز ل، آ): دراز؛ س: سخن چند خواهیم بگفتن دراز؛ لن، ق، ل، لی، آ، ب: سخن چند خواهیم گفتن دراز (لن، ب: براز)؛ متن= ف، و (و نیز لن، آ) ۳۱- ل، ب: ازین؛ متن= ف (و نیز ل، لن) ۳۲- ل: مگوی؛ س، لن، ق، ل، لی، آ، ب: بگیری؛ ق: بگو؛ متن= ف، پ، و (و نیز ل، لن) ۳۳- س، لن، ق، ل، لی، آ، ل، ب: کان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز لن، آ) ۳۴- س، لن، ق، ل، لی، و، آ، ل، ب: که با سلم و با تور؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳۵- س، لن، ق، ل، لی، آ، ب: بدگمان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ

- ۷۱۵ به دیدار<sup>۱</sup> چون خاور آمد پدید<sup>۲</sup>  
 بیامد ز بالای<sup>۳</sup> پرده‌سرای  
 یکی خیمه‌ی پرنیان<sup>۵</sup> ساخته  
 دو شاه دو کشور نشسته برآز  
 بیامد همانگاه سالار بار  
 نشستن گهی<sup>۹</sup> نو بیاراستند  
 ۷۲۰ بجستند هر گونه‌یی<sup>۱۰</sup> آگهی  
 ز شاه آفریدون و<sup>۱۳</sup> از<sup>۱۴</sup> لشکرش<sup>۱۵</sup>  
 و دیگر ز کردار گردان سپهر  
 بزرگان کدامند و دستور کیست<sup>۱۹</sup>؟  
 ۷۲۵ عنان دار چندند و سالار که؟  
 فرستاده گفت آنکه<sup>۲۲</sup> روشن<sup>۲۳</sup> بهار  
 بهاریست خرم، دراندر بهشت<sup>۲۵</sup>  
 سپهر برین کاخ و<sup>۲۷</sup> میدان<sup>۲۸</sup> اوست  
 به بالای ایوان<sup>۳۰</sup> او راغ<sup>۳۱</sup> نیست  
 ۷۳۰ چو رفتم بنزدیک ایوان<sup>۳۳</sup> فراز  
 به یکدست پیل و به یکدست شیر  
 ابر پشت پیلانش بر تخت زر
- به هامون کشیده سراپرده دید  
 به پرده‌نَدرون<sup>۴</sup> بود خاورخدای  
 ستاره زده<sup>۶</sup>، جای پرداخته<sup>۷</sup>  
 بگفتند کامد فرستاده باز  
 فرستاده را<sup>۸</sup> برد زی شهریار  
 ز شاه نوآیین خبر خواستند  
 ز دیهیم و ز<sup>۱۱</sup> تخت<sup>۱۲</sup> شاهنشاهی  
 ز گردان جنگی و<sup>۱۳</sup> از<sup>۱۶</sup> کشورش<sup>۱۷</sup>  
 که دارد همی با<sup>۱۸</sup> منوچهر مهر؟  
 چه مایه‌ستشان گنج<sup>۲۰</sup> و گنجور کیست<sup>۱۹</sup>؟  
 ز جنگاوران نامبردار که<sup>۲۱</sup>؟
- ندیده‌ست، بیند در شهریار<sup>۲۴</sup>  
 همه خاک عنبر، همه زر<sup>۲۶</sup> خشت  
 بهشت گزین<sup>۲۹</sup> روی خندان اوست  
 به پهنای میدان<sup>۳۲</sup> او باغ نیست  
 سرش با ستاره همی گفت<sup>۳۴</sup> راز  
 جهان را به بخت اندرآورده زیر<sup>۳۵</sup>  
 ز گوهر همه طوق شیران نر

۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: ز دیدار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف (و نیز ل) ۲- لی: خاوران را بدید (پساوند ندارد)؛ و (و نیز لن)؛ چو از راه خاور خور آمد پدید ۳- ل، و (و نیز ل، لن)؛ بیالای؛ س، لن، ق، آ، لی، آل، ب: بدرگاه؛ پ: بنزدیک؛ متن = ف، ق ۴- ل- ب: به پرده درون؛ متن = ف (و نیز س)؛ به پرده اندرون (← ضحاک، بیت ۴۰) ۵- ف: خیمه از پرنیان؛ لن: خیمه بد پرنیان؛ لی: پرده پرنیان؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۶- س، لن: رده؛ پ، و، ب: ستاده رده؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۷- ق: بر ناخته ۸- ل- آ: > را < (وزن نادرست است) ۹- س، لن، ق، آ، لی، و: نشستن گه؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: باز آمدن فرستاده سلم و تور از پیش فریدون ۱۰- پ: هر گونه را؛ و: هر گونه زان ۱۱- س، لن، لی، ب: واز؛ ق، آ: وان؛ آ: ووز؛ و: که جوید همی؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل ۱۲- ب: تاج ۱۳- آ: > و < ۱۴- ل، ق، پ، ل، آ: ز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- و: لشکرش ۱۸- س: بر ۱۹- پ: که ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، آل، ب: چه مایه شبستان؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن)؛ در ق، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- س، ق، آ، لی، آل، ب:

سپهدارشان (آ: سپهداری) چند و سالار کیست  
 بجنگ اندرون (ل: ز جنگ آوران) نامبردار کیست  
 ق، پ، و (و نیز ل، لن):

عنان دارشان چند و سالار چند (پ: کیست)  
 ز جنگ آوران نامبردار چند (پ: کیست)

ل، لن، این بیت را ندارند؛ متن = ف؛ در ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۲- س، لن، ق، آ، ب: آنک؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۳- و: خرم ۲۴- ف: ندیدست و بیند در شهریار؛ ل، س، پ، و، ل، آ، ب: ندید (ل: بدید) او بیند در (ل: رخ) شهریار؛ لن، لی: ندید و نبیند چنان شهریار؛ ق: ندید هست هست آن در شهریار؛ ق، آ: بدید او (آ: ار) بیند در (ق: بن) شهریار؛ متن = ف پس از زدن حرف و ۲۵- ل: در اردیبهشت؛ ق: دل اندر بهشت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- آ: همه خاک و عنبر همه زر و ۲۷- پ: > و < ۲۸- ب: ایوان ۲۹- ل- لی، و، ل، ب (و نیز ل، لن)؛ برین؛ متن = ف، پ، آ (و نیز ل) ۳۱- آ: لاغ ۳۲- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ: ایوان؛ و (و نیز لن)؛ بکردار ایوان؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ، ب (و نیز ل) ۳۳- ف: میدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۴- ف: کرد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۵- س، لن، ق، آ، لی، و، آل، ب: جهانی به بخت (ق، آ، آل، ب: به تخت) اندر آورده زیر (لن، و: آوریده بزیر؛ لی: پای (پساوند ندارد))؛ پ: جهان تخت او آوریده بزیر؛ متن = ف، ل، ق

تیره‌زنان پیش پیلان بیای  
 تو گفستی که میدان بجوشد همی  
 ۷۳۵ خرامان شدم پیش آن ارجمند  
 نشسته برو شهریاری چو ماه  
 چو کافور موی و چو گلبرگ<sup>۵</sup> روی  
 جهان را ازو دل به ترس و امید<sup>۸</sup>  
 منوچهر چون زاد<sup>۱۱</sup> سرو<sup>۱۲</sup> بلند  
 ۷۴۰ نشسته بر شاه بر دست راست  
 به پیش اندرش<sup>۱۷</sup> قارن رزم زن  
 چو شاه<sup>۱۹</sup> یمن سرو دستورشان<sup>۲۰</sup>  
 شمار در گنج‌ها ناپدید  
 همه گرد ایوان<sup>۲۶</sup> دو رویه سپاه  
 ۷۴۵ سپهدار چون قارن کاویان<sup>۲۷</sup>  
 مبارز چو شیروی درنده شیر  
 چنو بست<sup>۳۰</sup> بر کوهی پیل کوس  
 گر آیند زی ما به‌جنگ آن<sup>۳۲</sup> گروه

ز هر سو خروشیدن کره‌نای<sup>۲</sup>  
 زمین باسما<sup>۳</sup>ن برخروشد همی  
 یکی تخت پیروزه دیدم بلند  
 ز یاقوت رخشان به سر بر کلاه  
 دل آرم جوی<sup>۶</sup> و زبان گرم گوی<sup>۷</sup>  
 تو گفستی<sup>۹</sup> مگر زنده شد جمشید<sup>۱۰</sup>  
 بکردار<sup>۱۳</sup> طهمورت<sup>۱۴</sup> دیوبند  
 توگفستی<sup>۱۵</sup> زبان<sup>۱۶</sup> و دل پادشاست  
 بدست چپش سرو شاه یمن<sup>۱۸</sup>  
 چو پیروز کرشاسپ<sup>۲۱</sup> گنجورشان<sup>۲۲</sup>  
 کس اندر<sup>۲۳</sup> جهان آن<sup>۲۴</sup> بزرگی<sup>۲۵</sup> ندید  
 به زرین عمود و به زرین کلاه  
 به پیش سپاه اندرون اندیان<sup>۲۸</sup>  
 چو شاپور یل زنده پیل دلیر<sup>۲۹</sup>  
 هوا گردد از گرد<sup>۳۱</sup> چون آب‌نوس  
 شود کوه<sup>۳۳</sup> هامون و هامون چو کوه

۱-س، ل، ن، ق، آ، لی، ب: بهر سو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲-ف، ل، س، ل، ن، کز نای ۳-س، ل، ن، ق، آ، لی، آ: ز آسمان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۴-س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ب: نزد؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل ۵-ق: گلزار ۶-ف، آ: دلش رزم جوی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن)؛ ۷-ل، س، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ب: چرب گوی؛ لی: دگرگویی (وزن نادرست است)؛ و: نرم گوی؛ متن= ف، آ، ل ۸-ل: بیم و امید؛ ق: جهان را از وترس بود و امید؛ ق: جهان را از وهم بترس و امید؛ آ: جهان را از وترس و هم زو امید؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۹-پ: گویی ۱۰-ق: زنده شد دست جمشید (وزن نادرست است)؛ لی: زنده جام شید (وزن نادرست است) ۱۱-ل، س، ل، ن، ق، آ، ل: راد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۱۲-س، ل، ن، ق، آ، ل، ب: سروی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳-ل، ق، پ: نشسته چو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۱۴-ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: طهمورت؛ متن= ف، ل، س، ل، ن، ق، پ ۱۵-ل، ق، پ: گویی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۱۶-ف، آ: روان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل ن)؛ س، ل، ن، ق، آ، ب: (و نیز ل ن) پس از این بیت افزوده اند:

ز (ل، ن، لی: از) آهنگران کاوه پره‌نر به پیشش یکی رزم دیده پسر  
 این بیت در ف، ل، ق (و نیز ل ن) نیست ۱۷-ل، ق، ل: اندرون؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: کجا نام او؛ متن= ف ۱۸-س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: سپهدار بیدار (و، ل: سپهدار و بیدار و) لشکر شکن؛ متن= ف، ل، ق، پ (و نیز ل ن)؛ در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ف پس از این بیت بیت های ۷۳۷، ۷۳۸ و ۷۳۹ دوباره آمده است و در ۷۳۷ بجای رزم، نرم دارد ۱۹-س: ماه ۲۰-س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، ب: دستور شاه؛ آ: دستور شاه؛ متن= ف، ل، و، ل (و نیز ل ن) ۲۱-ل، ن: کرشاسف ۲۲-س-پ، آ، ب: گنجور شاه؛ متن= ف، ل، و، ل (و نیز ل ن)؛ در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳-س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ب: کسی در؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل ۲۴-ق، آ، لی، ب: این ۲۵-ل، لی، ل، آ، ب: شگفتی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۲۶-ل: ایران؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل ن) ۲۷-ف، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: (و نیز ل ن)؛ آوگان؛ متن= ل، ق، پ ۲۸-ف، ل، ن، لی، و، ل، ب: (و نیز ل ن)؛ آوگان؛ ق: کاوگان (پساوند ندارد)؛ پ: کاردان؛ آ: یاوگان؛ متن= ل، ق؛ در س بجای این بیت ۷۳۷ دوباره آمده است ۲۹-آ پس از این بیت افزوده است:

جهان پهلوان سام یل پیش رو پس پشت او رزم جویان نو  
 ۳۰-ل، ق، لی، ل، آ: چو او بست؛ پ: چونبندند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱-ق: ابر؛ پ: رنگ ۳۲-ب: این ۳۳-ل، ن، ق، آ، ل، ب: شود که چو؛ متن= هفت دستنویس دیگر (س: نخست شود که چو داشته است)؛ ف، آ پس از این بیت افزوده اند:  
 سپاهست بیرون زچند (آ: حد) و شمار دلیران جنگی هزاران هزار

همه دل پر از کین و پُرجین بروی<sup>۱</sup>  
 بجز<sup>۲</sup> جنگشان نیست چیز<sup>۳</sup> آرزوی<sup>۴</sup>  
 ۷۵۰ بریشان<sup>۵</sup> همه برشمرد آنچ<sup>۶</sup> دید  
 دو مرد جفاپیشه را دل ز درد  
 نشستند و جُستند هرگونه رای  
 به سلم بزرگ آنگهی تور گفت  
 نباید که آن<sup>۱</sup> بچهی نرّه شیر  
 ۷۵۵ چنان نامور<sup>۱۱</sup> بی هنر چون بود  
 نبیره چو شد<sup>۱۳</sup> رای زن با نیا  
 بیاید بسیچید ما را به جنگ  
 ز لشکر سواران برون تاختند<sup>۱۵</sup>  
 فتاد اندرآن بوم و بر گفت وگویی  
 ۷۶۰ سپاهی که آنرا کرانه نبود  
 دو لشکر زخاور<sup>۱۹</sup> به ایران کشید  
 ابا زنده‌پیلان و با خواسته

ز چین و ز خاور سپه ساختند<sup>۱۶</sup>  
 جهانی<sup>۱۷</sup> بدیشان نهادند روی  
 بد آن بُد که اختر<sup>۱۸</sup> جوانه نبود  
 به خفتان و خود اندرون ناپدید<sup>۱۹</sup>  
 دو خونی<sup>۲۱</sup> به کینه دل آراسته

### گفتار اندر آمدن سلم و تور به جنگ آفریدون<sup>۲۲</sup>

سپه چون بنزدیک ایران کشید<sup>۲۳</sup> همانگه خبر بافریدون رسید<sup>۲۴</sup>

۱- ق، ل: ۲- برو ۳- س، ل، ن، ق، آ، لی، و- ب (ونیز ل، ن، آ): جز از؛ متن = ف، ل، پ ۳- س: ایچ؛ ل، ن، و: هیچ؛ ق، آ: جز؛ آ: <چیز> (وزن نادرست است)؛ (ل: ۲: خود)؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، ن، آ) ۴- ق، ل: ۲: آرزو ۵- آ: بدیشان ۶- لی- ب: آنچه؛ متن = ف- ق ۲ ۷- ق: سخن دیگر از ۸- ف، س، ق- پ، ل، آ، ب (ونیز ل، ن، آ): لاجورد؛ متن = ل، ل، ن، و، آ ۹- ف، پ، آ، ل (ونیز ل، ن، آ): نباید؛ ل، س، و: بیاید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی: شد اندر؛ متن = ل، ن، ق، آ، ب (ونیز ل، ن، آ) ۱۰- ب: این؛ س، ل، ن این بیت را ندارند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- س: کزان پرهتر؛ آ: ازان پرهتر ۱۲- س، ل، ن، ق، آ، لی، و- ب (ونیز ل، ن، آ): که آموزگار (ل: ۲: آموزگار) فریدون بود؛ متن = ف، ل، ق، پ ۱۳- ق: نبیره شده ۱۴- ل: ۲: شتاب اندراری ۱۵- ل، ن: تاختن؛ و (ونیز ل، ن، آ): حشر ساختند ۱۷- س، ل، ن، ق، آ، لی، ب: سپاهی؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، ن، آ) ۱۸- ف، ل: دولت؛ متن = ده دستنویس دیگر (ونیز ل، ن، آ) ۱۹- ل، ق، و: زخاور دولشکر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- لی: وزیشان که و دشت شد ناپدید ۲۱- لی: دو خونین؛ ل، ن این بیت را ندارد؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲- ف (پس از بیت ۷۶۳): گفتار اندر آمدن سلم و تور بجنگ آفریدون و آگهی یافتن آفریدون و فرستادن منوچهر را بجنگ؛ ل: رزم منوچهر با سلم و تور و کشتن ایشان؛ س: رفتن شاه منوچهر با قارن کاوه بجنگ سلم و تور؛ ل، ن، ق، ق، آ، لی، ل، آ، ب (چند بیت پایین تر): رفتن منوچهر (لی: شاه منوچهر) بجنگ سلم و تور (ق: توربکین ایرج)؛ پ: فرستادن فریدون منوچهر را بجنگ سلم و تور؛ و (چند بیت پایین تر): لشکر کشیدن منوچهر شاه بجنگ سلم و تور؛ آ (چند بیت پایین تر): رزم کردن منوچهر با تور و سلم؛ متن = آغاز ف ۲۳- ق، آ: رسید؛ ل: رکشید (= <ر> سید + کشید)؛ لی: جیحون رسید؛ متن = ف، ل، ق، ل، ن، ق، آ، پ بجای بیت ۷۶۳ و، ل ۲ (ونیز ل، ن، آ): زی فریدون رسید؛ آ: خبر زو به شاه دلیران رسید؛ ب: وزیشان که و دشت شد ناپدید؛ متن = ف، ل، ق، ل، ن، ق، آ، پ بجای بیت ۷۶۳ و، ل ۲ (ونیز ل، ن، آ): زی فریدون رسید؛ آ: خبر زو به شاه دلیران رسید؛ ب: همانگه خبر بافریدون رسید که لشکر بدین (س، ق، آ، ل: ازین) سوی جیحون رسید

ل ۲ پس از بیت ۷۶۳ افزوده است:

که لشکر زخاور بایران رسید وزایشان که و دشت شد ناپدید  
 در لی بیت ۷۶۳ با بیت پیشین پس و پیش شده است

ز پهلَو به هامون<sup>۱</sup> گذارد سپاه  
 که مرد جوان<sup>۳</sup> چون بود<sup>۴</sup> نیک پی  
 پلنگ از پس پشت و صیاد پیش  
 هزبر از بیابان<sup>۶</sup> به دام آورد  
 به فرجام روزی بیچند تنش<sup>۸</sup>  
 که تفسیده<sup>۹</sup> آهن بتابیدمی<sup>۱۰</sup>

کی آید به پیش تو کس<sup>۱۲</sup> کینه‌خواه  
 به جان و تن اندر خورد<sup>۱۴</sup> زینهار  
 بیندم که نگشایم از تن<sup>۱۵</sup> گره  
 برآرم به خورشید گرد سیاه  
 کجا جُست یارند<sup>۱۶</sup> با من نبرد

ز پهلَو به دشت اندرآورد روی  
 درفش همایون به هامون کشید<sup>۱۸</sup>  
 چو دریا بجوشید هامون و کوه  
 تو گفتی که خورشید شد لاژورد<sup>۲۰</sup>  
 همی کر شد<sup>۲۳</sup> مردم تیزگوش  
 ز بانگ تبیره همی برگذشت

بفرمود پس تا منوچهر شاه  
 ۷۶۵ یکی داستان زد جهان‌دیده کی<sup>۲</sup>  
 به دام آیدش ناسگالیده میش  
 شکیبایی و هوش<sup>۵</sup> و رای و خرد  
 و دیگر ز بد<sup>۶</sup> مردم بدگنیش  
 به بادافره آنگه شتابیدمی

۷۷۰ منوچهر گفت: ای سزاوار<sup>۱۱</sup> شاه  
 مگر بد سگالد برو روزگار<sup>۱۳</sup>  
 من اینک میان را به رومی زره  
 به کین جُستن از دشت آوردگاه  
 از آن انجمن کس ندارم به مرد

۷۷۵ بفرمود تا قارن رزم جوی<sup>۱۷</sup>  
 سراپرده‌ی شاه بیرون کشید  
 همی رفت لشکر گروه‌ها گروه  
 چنان تیره شد روز روشن<sup>۱۹</sup> ز گرد  
 ز کشور<sup>۲۱</sup> برآمد سراسر<sup>۲۲</sup> خروش  
 ۷۸۰ خروشیدن تازی<sup>۲۴</sup> اسپان ز دشت

۱- س، لن، ق، آ، ب: زپهلوه به پهلوه؛ و: زخانه بهامون؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- آ: سپهدار کی؛ ل: جهان دید کی ۳- لی: دوان ۴- ل: شود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- پ: شکیبیا و باهوش ۶- س- لی، و- ب (ونیز ل، لن، آ): هزبر (لی: هزبر)؛ متن = ف، ل، پ ۷- ف: دگر کزید؛ س، لن، ق، آ، لی، آ: و دیگر که بد؛ پ: و دیگر کجا؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ل، و، ل، آ، ب ۸- لی: ببیند تنش؛ لن: بیچند فرجام روزی تنش؛ ق پس از این بیت سه بیت افزوده است ← پ ۱۰- ۹- ل: (تفسیر!)؛ این بیت در س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، پ، و، آ ۱۰- پ: نتابید می؛ ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۷۶۸ افزوده‌اند:  
 چو لشکر منوچهر بر ساده دشت برون برد و آنجا بسد روز هشت  
 فریدونش هنگام رفتن بدید سخنها بدانش (ق: زدانش) بدو گسترید  
 ق پس از این دو بیت یک بیت دیگر هم افزوده است:

که شاهان نکه دار جان از بدان گه رزم بسگال با بخردان  
 ۱۱- س، لن، لی، ل، آ، ب: سرافراز؛ و: جهاندار؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، آ ۱۲- ف: که آید پیش تو کس؛ ل، ق، و، آ (ونیز ل، لن، آ): کی (ق: چو) آید کسی پیش تو؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: که آید بنزدیک تو؛ متن = ف (پس از تصحیح که به کی) ۱۳- لن، ل، آ: بد روزگار؛ س، ق، لی (ونیز ل، لن، آ): بد روزگار؛ ق: به پروردگار؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ب ۱۴- ل، ق: بجان و تن خود خورد؛ و (ونیز لن، آ): بجان و تن در خورد؛ آ: خورد با تن و جان خود؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- ف: سن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، ق، آ، و: بن؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، آ) ۱۶- لن، لی: خواهند؛ آ، ل: یابند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، ب: جنگجوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۸- ق: رسید ۱۹- و: روی گیتی ۲۰- ف، س- پ، آ، ل، آ، ب (ونیز ل، لن، آ): لاجورد؛ متن = ل، و ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ: لشکر؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ) ۲۲- لی: سراسر برآمد ۲۳- س، لن: همی گشت کر؛ لی، ب: که کرگشت زان (ب: ازان)؛ و، آ (ونیز ل، لن، آ): همی کر شدی؛ ل: آ: همی کر شدند؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ (در ل با خطی نو شد را به شده، و در ق شد را به شدی برگردانیده‌اند) ۲۴- لی، ب: پیل و؛ در آ پس از این بیت بیت ۷۸۳ آمده است

کشیده دو رویه رده<sup>۱</sup> زنده پیل  
 به زر<sup>۳</sup> اندرون چند گونه گهر  
 چو سیصد<sup>۴</sup> همان<sup>۶</sup> از در کارزار  
 نبُدشان جز از<sup>۷</sup> چشم از آهن<sup>۸</sup> برون  
 ز تمّیشه لشکر به هامون شدند<sup>۹</sup>  
 سواران جنگی چو سیصد هزار<sup>۱۱</sup>  
 برفتند با گرزهای گران  
 همه بسته بر کین ایرج میان  
 به چنگ اندرون تیغ های بنفش  
 برون آمد از بیشه ی نارون  
 برآراست<sup>۱۷</sup> لشکر بران<sup>۱۸</sup> پهن دشت  
 ابر میمنه سام یل با قباد  
 منوچهر با سرو<sup>۲۰</sup> در قلبگاه  
 نبود ایچ نیکوتر از آن گروه<sup>۲۲</sup>  
 سپه<sup>۲۴</sup> تیغ ها برکشید از نیام<sup>۲۵</sup>  
 کمین ور چو گرد<sup>۲۷</sup> تلیمان<sup>۲۸</sup> نژاد  
 به شیران<sup>۲۹</sup> جنگی و<sup>۳۰</sup> آوای کوس  
 که کین آوران<sup>۳۲</sup> جنگ را ساختند<sup>۳۳</sup>

ز لشکرگه پهلوان تا دو میل  
 از آن شست بر<sup>۲</sup> پشتشان تخت زر  
 چو سیصد<sup>۴</sup> بُنه برنهادند<sup>۵</sup> بار  
 همه زیر برگستوان اندرون  
 ۷۸۵ سراپرده ی شاه بیرون زدند  
 سپهدار چون قارن کینه دار<sup>۱۰</sup>  
 همان<sup>۱۲</sup> نامداران<sup>۱۳</sup> جوشن وران  
 دلیران و هر یک<sup>۱۴</sup> چو شیر<sup>۱۵</sup> زیان  
 به پیش اندرون کاویانی درفش  
 ۷۹۰ منوچهر با قارن رزم زن<sup>۱۶</sup>  
 بیامد به پیش سپه برگذشت  
 چپ لشکرش را به کرشاسپ داد  
 رده برکشیدند هر دو<sup>۱۹</sup> سپاه  
 همی تافت چون<sup>۲۱</sup> مه میان گروه  
 ۷۹۵ سپه کش<sup>۲۳</sup> چو قارن، مبارز چو سام  
 طلایه به پیش اندرون با قباد<sup>۲۴</sup>  
 یکی لشکر آراسته چون عروس  
 به سلم و به تور<sup>۳۱</sup> آگهی تاختند

۱- و (ونیز ل، ل، ن، آ) : صف ۲- س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (ونیز ل، ن، آ) : بیست از بر؛ متن = ف، ل، ق، پ (ونیز ل، آ، ف، پ : شصت) ۳- ق : برو ۴- ل : سیصد ۵- س : برنهادند و ۶- و : فزون؛ در آ این بیت پس از بیت ۷۸۰ آمده است ۷- ق : آ : برآز؛ پ، و : بجز؛ س، ل، ن این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- ل، ق، لی : زاهن؛ ق، آ، ل : چشم آهن؛ متن = ف، پ، و، آ، ب ۹- ق، آ، ل : آ : زدند؛ س، ل، ن، ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، پ، و، آ، ب ۱۰- و : نیزه دار؛ آ، ل : رزم دار؛ س، ل، ن، ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، ب (ونیز ل، آ) ۱۱- آ : جهان پهلوان همچو سام سوار؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ آ پس از این بیت افزوده است :

همه زیر خفتان و خود اندرون به پیش سپاه اندرون رهنمون  
 ۱۲- ل، س، ل، ن، و : همه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب ۱۳- س، لی- ب : نامداران و؛ متن = ف، ل، ل، ن، ق، آ (ونیز ل، آ) ۱۴- ل- ق، و- ب (ونیز ل، آ، ل، ن) : دلیران یکایک؛ لی : دلیران ایران؛ متن = ف، پ ۱۵- ف : شیران؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، ل، ن) ۱۶- ل، ق، پ، و، ل (ونیز ل، آ، ل، ن) : پیل تن؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۷- ل- ب (ونیز ل، آ، ل، ن) : بیاراست؛ متن = ف ۱۸- ق، لی، ل (ونیز ل، آ) : بدان؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز ل، آ) ۱۹- ل : برکشیده زهر سو؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب : برکشیدند یکسر؛ متن = ف، ق، پ، و (ونیز ل، آ) ۲۰- آ : با سلم؛ ل : چون شیر ۲۱- س، ل، ن، ق، آ، ب : همی رفت چون؛ لی : همی راند آن؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل ۲۲- ل، ق، پ : نبود ایچ (پ : نبد هیچ) پندار آفران کوه؛ س، ق، آ، لی، ب : و یا مهر کاول (س، ق، آ : کابل) برآید زکوه؛ ل، ن : چو با مهر کاول برآمد زکوه؛ و، ل : و گر مهر کاول برآید زکوه؛ آ : و یا مهر کانک برآید زکوه؛ متن = ف ۲۳- س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب : سپهد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۲۴- ق، آ : همه؛ پ : همی ۲۵- ل، ن : میان (پساوند ندارد)؛ ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل، آ) : سپه (ق : همه؛ پ : همی) برکشیده حسام از نیام؛ متن = س، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب ۲۶- ل، ق، پ، و، آ : چون قباد؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، ب : بدقباد؛ متن = ف، ل (ونیز ل، آ) ۲۷- و (ونیز ل، آ) : گرگ ۲۸- ف، س : تلمان (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، ل، ن، آ : تلمان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ : بلیمان؛ پ : بلیمان (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ و (ونیز ل، آ) : نریمان؛ متن = ق، آ، لی، ب (ونیز ل، آ)؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۹- ل : پیلان ۳۰- پ، لی : بر؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- ل، ق، پ، ل : به تور و به سلم؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۲- ل، ق، پ : که ایرانیان؛ ل : که جنگ آوران؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، ل، ن) ۳۳- س، ل، ن، لی : جنگ بر ساختند؛ متن = نه دستنویس دیگر



زخون<sup>۱</sup> جگر بر لب آورده کف

برفتند<sup>۳</sup> آگنده از کین سران  
الانان و دریا<sup>۴</sup> پس پشت کرد  
چو تور آگهی یافت آمد چو باد<sup>۵</sup>  
بگوش که ای بی پدر شاه نو  
ترا تیغ و گویال و جوشن که داد<sup>۶</sup>  
برین<sup>۱۱</sup> سان که گفتی و بردی تو نام  
خرد با دل تو<sup>۱۴</sup> نشیند براز  
بترسی<sup>۱۷</sup> ازین خام گفتار<sup>۱۸</sup> خویش  
همی گریدی نیستی بس عجب  
سواران جنگ اند و مردان کین<sup>۱۹</sup>  
چو بینند با کاویانی درفش<sup>۲۲</sup>  
بلندی ندانید باز از نشیب<sup>۲۳</sup>

بگفت آنچ بشنید از آن رزمخواه<sup>۲۴</sup>  
که چونین<sup>۲۵</sup> نگوید مگر<sup>۲۶</sup> ابلهی  
شناسندهی آشکار و نهان  
فریدون فرخ گوی من ست  
شود آشکارا نژاد و گهر<sup>۳۰</sup>  
که چندان نمانم<sup>۳۲</sup> ورا<sup>۳۳</sup> دستگاه

زبیشه به هامون کشیدند صف

۸۰۰ دوحونی همان<sup>۲</sup> با سپاهی گران  
کشیدند لشکر به دشت نبرد  
یکایک طلایه برون شد قباد<sup>۵</sup>  
بدو گفت نزد منوچهر شو  
اگر دختر آمد از<sup>۷</sup> ایرج نژاد<sup>۸</sup>  
۸۰۵ بدو گفتش: آری<sup>۱۱</sup> گزارم<sup>۱۱</sup> پیام  
ولیکن گر<sup>۱۳</sup> اندیشه گردد دراز  
بدانی<sup>۱۵</sup> که کاریت هولست<sup>۱۶</sup> پیش  
اگر بر شما دام و دد روز و شب  
که از بیشه‌ی نارون تا به چین  
۸۱۰ درفشیدن<sup>۲۰</sup> تیغ‌های بنفش<sup>۲۱</sup>  
بدرد دل و مغزتان از نهیب

قباد آمد آنکه بنزدیک شاه  
منوچهر خندید و گفت آنگهی  
سپاس از جهاندار<sup>۲۷</sup> هر دو جهان<sup>۲۸</sup>  
۸۱۵ که داند که ایرج نیای من ست  
کنون چون<sup>۲۹</sup> به جنگ اندرآریم سر  
به زور<sup>۳۱</sup> خداوند خورشید و ماه

۱- لی: بخون ۲- س، ق، لی: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل، ۳، لن ۲) ۳- ق، آ: چورفتند؛ س، ق، آ، پس از این بیت افزوده‌اند:

دوحونی چنان با سپاهی (آ: سواری) چوگرد کشیدند لشکر بدشت نبرد

۴- ل: الانان درزا؛ س، لن، ق، آ، لی: آ این بیت را ندارند؛ متن= ق، پ، و، ل، آ، ب ۵- ل، پ، آ، ب: طلایه بیامد قباد؛ س، لن، ق، آ، لی: آ: طلایه برآمد قباد؛ متن= ق، و ۶- ل: به پیش صف آمد زبان برگشاد؛ ق، پ پس از این بیت سرنویس دارند، ق: پیغام فرستادن تور به منوچهر به زبان قباد؛ پ: پیغام تور بدست قباد بنزد منوچهر ۷- ل، س، لن، ق، لی- ب (ونیز ل، لن ۲)؛ ز: متن= ق، ۸- ق، پ: پدید ۹- ل: به پیش صف آمد زبان برگشاد ۱۰- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: بدو گفت آری؛ و (ونیز ل، لن ۲)؛ بدو گفت کاری؛ متن= ق، ۱۱- ل: گزارم؛ پ: که آری ۱۲- ل، پ، و: بدین؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ: بدان؛ ب: بران؛ متن= ق، ف: ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۳- س، لن، لی، پ، آ، ل، آ، ب: چو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ق، و (ونیز ل، لن ۲) ۱۴- ب: او؛ ل: خردپاک باتو ۱۵- آ: ندانی ۱۶- ق، پ: صعبت؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن ۲) ۱۷- ل، ق: بیچی؛ س، ل: نترسی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- س، لن، ق، آ: زشت کردار؛ ق: خام کردار؛ لی: زشت گفتار؛ متن= ق، ل، پ، و، ل، آ، ب ۱۹- لی، و، ل، آ، ب: شیران کین؛ ق: سواران جنگ آمد و شیرکین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- س، آ، ل: درخشیدن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، لن ۲) ۲۱- س: کاویانی درفش ۲۲- س: با تیغ‌های بنفش ۲۳- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۴- ل: از رزمخواه؛ و، آ: از آن رزمگاه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ س پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ دادن منوچهر تور را ۲۵- لی: چنین کس؛ آ: که چونان ۲۶- لن: سخن ۲۷- س: خداوند ۲۸- و (ونیز لن ۲): سپاس از جهانبان خدای جهان ۲۹- ل، س، لن، ق، آ، ب، و، آ: گر؛ متن= ق، ل، لی، آ، ب ۳۰- س، لن، ق، آ، لی، ب: هنر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- لی: بفر؛ ق: بروز؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۲- ق: نامیم؛ ل: بمانم ۳۳- س: ترا

که بر هم زند چشم<sup>۱</sup> زیر و زیر<sup>۲</sup>  
بخوایم ازو کین فرخ پدر

۸۲۰ بفرمود تا خوان بیاراستند

بدانگه که روشن جهان<sup>۵</sup> تیره گشت  
به پیش سپه قارن رزم زن  
خروشی برآمد ز پیش<sup>۹</sup> سپاه  
بدانید<sup>۱۱</sup> کین جنگ آهرمن ست<sup>۱۲</sup>

۸۲۵ میان بسته دارید<sup>۱۵</sup> و بیدار بید

کسی کوشود کشته زین<sup>۱۶</sup> رزمگاه  
هرآنکس که از لشکر چین و روم  
همه<sup>۲۱</sup> نیک نامیش<sup>۲۲</sup> تا جاودان،

هم از شاه یابید دیهیم و تخت

۸۳۰ چو پیدا شود پاک<sup>۲۵</sup> روز سپید

بیندید یکسر میان یلی

بدارید یکسر همه جای خویش

سران سپه، مهتران دلیر

به آواز<sup>۳۰</sup> گفتند ما بندهیم

کشیدند صف پیش سالار شیر<sup>۲۹</sup>

خود اندر جهان شاه را<sup>۳۱</sup> زندهیم

۱-س، لن، لی: مژه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲-ل: چشم رازبرو بر ۳-ل: برنده؛ ق، پ: بریده؛ آ (ونیز ل<sup>۲</sup>): که بی تن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۴-س: نمایم ۵-آ: هوا ۶-ق، ق: پراکنده؛ پ: برافکند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷-ل-ق: و، آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>): برگرد؛ پ: برکوه؛ متن= ف، لی (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۸-آ: همی گفت ۹-ف: میان؛ ق: بیش؛ آ این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰-ل: مردان؛ س، لن، ق، لی، ب: گردان؛ متن= ف، ق، پ، و، ل (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ در س، لن، ق، لی، ل، ب این بیت با بیت سببین پس و پیش شده است ۱۱-ل، ق: بکشید؛ س، لن، ق، لی، ل، ب: بگفتند؛ متن= ف، پ، و ۱۲-و: رزم اهریمنست؛ آ: که رزم چنین جنگ اهرمنست ۱۳-ل، پ: درد و ۱۴-س، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب: همان روز جنگست و کین جستن است؛ (ل: همان گردش و روز کین جستن است)؛ متن= ف، ل، ق، پ؛ در س، لن، ق، لی، ل، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵-ق: باشید ۱۶-و: در ۱۷-س، لن، ق، لی، ل، ب: شود؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸-و: پاک او از گناه؛ آ: پاک گشته گناه؛ ب: گشته پاک از گناه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۹-س، لن، ق، لی، ل، ب: روم و چین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۰-س، لن، ق، لی، ل، ب: بریزند (ب: بریزید) خون اندرین دشت کین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۱-ل: همی؛ و: همان؛ آ: بود؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۲-س، لن، ق، لی، ل، ب: نامید؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۳-س، لن، لی: بمانید بر؛ و، آ: بماند همان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۴-ل: زدیدار بخت؛ ف: چو هشیار باشید و بیدار بخت؛ س، لن، ق، لی، ب: زسالار زر و (س: روز و؛ لی: رزم و) زدادار بخت؛ آ: زدادار هم باز بینید بخت؛ متن= ل، ق، پ، و ۲۵-س، لن، ق، لی، و، ل، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>): چاک؛ متن= ف، ل، ق، آ ۲۶-ل: ببندید ۲۷-ف: شیر؛ س، لن، ق، لی، پ، آ: روز؛ متن= ل، ق، لی، و، ل، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۲۸-ف: یک از دیگری؛ ق: یک از دیگران؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۹-س، لن، ق، لی: از آنجا برفتند (ق: از آنجا رفتند) برسان شیر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰-ل، ق، پ: بسالار؛ س، لن، لی این بیت را ندارند؛ متن= ف، ق، و، آ، ل، ب ۳۱-ق: بهر تو؛ متن= هشت دستنویس دیگر

- ۸۳۵ چو فرمان دهد ما<sup>۱</sup> همیدون کنیم  
 زمین را ز<sup>۲</sup> خون رود جیحون کنیم<sup>۳</sup>
- سوی خیمه‌ی خویش باز آمدند  
 سپیده چُن<sup>۵</sup> از جای سر<sup>۶</sup> بردمید  
 منوچهر برخاست از قلبگاه<sup>۸</sup>  
 سپه یکسره نعره برداشتند
- ۸۴۰ پر از خشم سر، ابروان پر ز چین  
 چپ و راست و<sup>۱۱</sup> قلب و جناح سپاه  
 زمین شد بکردار کشتی بر آب  
 بزد مهره بر کوهی زنده‌پیل  
 همان پیش پیلان تبیره‌زنان
- ۸۴۵ یکی بزمگاهست<sup>۱۷</sup> گفتی بجای  
 برفتند از آن دشت یکسره چو کوه<sup>۱۹</sup>  
 بیابان چو دریای خون شد درست  
 پی زنده‌پیلان به خون<sup>۲۲</sup> اندرون  
 همه چیرگی<sup>۲۵</sup> با منوچهر بود
- ۸۵۰ چُنین<sup>۲۷</sup> تا شب تیره سر درکشید<sup>۲۸</sup>  
 زمانه بیکسان<sup>۳۰</sup> ندارد درنگ  
 گهی شهد و نوش ست<sup>۳۱</sup> و گاهی شرنگ

- ۱- ق، ب: دهدمان؛ س، لن، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- ف: به؛ متن = ل، ق، ق، آ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، ل) ۳- پ: زمین را بخنجر چو جیحون کنیم؛ آ پس از این بیت افزوده است:
- چو گفتند این سروران دلیر ازان جای رفتند برسان شیر
- ۴- ل، پ: با سری؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: با دلی؛ ق: بازبر؛ متن = ف، و، ل، آ (و نیز ل، آ، ل) ۵- ل، ب: چو؛ متن = ف ۶- ل، ق، پ: از تیره شب؛ س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، ل) ۷- ف: جمید (حرف یکم هم در بالا و هم در زیر نقطه دارد)؛ ل: حمید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، لی، پ: جمید؛ ب: دمید؛ متن = س، لن، ق، آ، و، آ، ل ۸- س، لن، لی: آرامگاه؛ ق، آ، ب: رزمگاه؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل ۹- لی: ترگ ۱۰- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: گفتی؛ متن = ل، ق، پ، و، ب؛ درو پس از این بیت ۸۴۲ آمده است ۱۱- ف، س، لن، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، آ، ل)؛ > و <؛ متن = ل، ق، آ، و، ل ۱۲- ل، ق، پ: چو بایست لشکر بیاراست؛ س، لن، ق، آ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، ل)؛ بیاراست لشکر چو بایست؛ متن = ف، لی ۱۳- ف، س، لن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، ل)؛ جنگ؛ ق: غرقه؛ آ: غم؛ متن = ل، پ؛ در و این بیت پس از بیت ۸۳۹ آمده است ۱۴- ل: جنب و؛ س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب: گشت؛ متن = ف، ق، پ، ل ۱۵- ق، آ: چونان؛ آ: گویی؛ س، لن پس از این بیت سرنویس دارند، س: رزم شاه منوچهر با تور و کشته شدن تور؛ لن: کشته شدن تور بر دست منوچهر ۱۶- ق، آ: چو پیل دمان؛ ل: پیلان زنان؛ پ: خروشان سواران و پیلان دمان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- آ: رزمگاهست ۱۸- و: زشیپور و زناله کره‌نای؛ متن = ف- لن، ق، آ- پ، آ- ب؛ ق این بیت را ندارد و بجای آن بیت زیر را افزوده است:
- برفتند یکسر زجان آن گروه سپهبد سپه را زهر سو پژوه
- ۱۹- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: برفتند از جای (س: از آنجای) یکسر چو کوه؛ ق: وزان سو درآمد سپه همچو کوه؛ (ل: براندند از دشت یکسر چو کوه)؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ)؛ آ پس از این بیت افزوده است:
- چنان چون درآمد سپاه از دوراه همی رزم جستی سپاه از سپاه
- ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، و- ب (و نیز ل، آ)؛ ز؛ متن = ف، ل، ق، پ ۲۱- ق: شست ۲۲- س، لن، ق، آ: خاک؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- لن: چو ۲۴- س، لن، ب: بر پاستون؛ ق، آ: بر بیستون؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- ق: همان چیزکان ۲۶- لی: روی ۲۷- ب: چنان ۲۸- س: برکشید؛ و: تیره در سرکشید؛ ل، آ: تیره رخ برکشید؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۹- و (و نیز ل، آ): درفشده ۳۰- ق: زیکسان ۳۱- لی، ب: گهی بهره شهدست؛ آ: گهی شهد نوشید؛ متن = نه دستنویس دیگر

به راه شبیخون نهادند گوش  
 دو جنگی گرفتند ساز<sup>۳</sup> درنگ  
 دل هر دو خونی<sup>۵</sup> زکینه بتفت  
 همه رای<sup>۷</sup> بیهوده انداختند  
 همه کوه و هامون<sup>۹</sup> پر از خون کنیم<sup>۱۰</sup>

سیاهی گرفتش سراسر جهان<sup>۱۱</sup>  
 شبیخون همی بارزو خواستند<sup>۱۲</sup>  
 دوان زی<sup>۱۳</sup> منوچهر بشتافتند  
 بگفتند<sup>۱۵</sup> تا برنشاند سپاه  
 سوی چاره شد مرد بسیار هوش  
 کمین گاه بگزید سالار گرد  
 دلیران و مردان خنجرگزار<sup>۱۸</sup>  
 سوارانش<sup>۱۹</sup> جنگی و بایسته<sup>۲۰</sup> دید

بیامد کمر بستهی کارزار<sup>۲۱</sup>  
 سنان ها<sup>۲۲</sup> به ابر اندرافراخته<sup>۲۳</sup>  
 درفش فروزنده<sup>۲۵</sup> بر پای خویش<sup>۲۶</sup>

دل سلم و تور<sup>۱</sup> از غم آمد<sup>۲</sup> به جوش  
 چو شب روز شد کس نیامد به جنگ  
 چُن<sup>۴</sup> از روز رخشنده نیمی برفت  
 به تدبیر يك بادگر<sup>۶</sup> ساختند  
 ۸۵۵ که چون شب بود<sup>۸</sup> ما شبیخون کنیم

چو آمد شب و روز شد در نِهان  
 دو بیدادگر لشکر آراستند  
 چو کاراگهان آگهی یافتند  
 ۸۶۰ شنیده به پیش<sup>۱۴</sup> منوچهر شاه  
 منوچهر بشنید و<sup>۱۶</sup> بگشاد گوش  
 سپه را سراسر به قارن سپرد  
 ببرد از سران<sup>۱۷</sup> نامور سی هزار  
 کمین گاه را جای شایسته دید

۸۶۵ چو شب تیره شد تور با صدهزار  
 شبیخون سگالیده و ساخته  
 چُن<sup>۲۴</sup> آمد سپه دید بر جای خویش

۱- ل، ق- پ، آ، ب: دل تور و سلم؛ متن= ف، س، لن، و، ل<sup>۲</sup> - ۲- ل: اندر آمد؛ لن- پ، آ: آمد از غم؛ متن= ف، س، و، ل<sup>۲</sup>، ب؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بگفتند فردا نساژیم جنگ  
 بفردا شبانگه شبیخون کنیم

۳- و: راه؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو رفتند هرکس بارامگاه  
 پرانیدشگان جان شاه و سپاه

۴- ل، س، لن، ق- ۲- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۵- ل- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): جنگی؛ متن= ف  
 ۶- س، لن، ق- ۲- پ: ب: با یکدیگر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ل، لی ۷- س، آ، ب: راه؛ متن= نه دستنویس دیگر  
 ۸- ل، س، لن، پ، و: شود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): ۹- ل: در ودشت هامون؛  
 س، لن، ق- ۲- آ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): همه دشت و (ب: < و >) هامون؛ متن= ف، ل<sup>۲</sup> ۱۰- ل: چو جیحون کنیم؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)  
 ۱۱- ف: سراسر گرفتش سیاهی جهان؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز لن<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)  
 ۱۲- ف، ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۳- ف: بسوی؛ و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): دمان  
 زی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۴- ل، ق، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): رسیدند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- ل: نگفتند؛ در ق<sup>۲</sup> پس از این بیت ۸۵۸  
 دوباره آمده است ۱۶- پ: < و > ۱۷- س، لن، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: یلان؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۸- ل، ق، پ: گردان خنجر  
 گزار؛ س، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: بیامد کمر بسته کارزار (= ۸۶۵ ب)؛ لن: بیامد همه شیرمردان کار؛ متن= ف، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۹- ف، ل، ق، پ، و  
 (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): سواران؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= س، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب ۲۰- ق: آهسته؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: شبیخون کردن تور و  
 کشته شدن بر دست منوچهر شاه ۲۱- س، لن، ق، لی، آ، ب: بیامد همه شیرمردان کار؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)  
 ۲۲- ف: سرانسان؛ پ: سنان را؛ و (ونیز لن<sup>۲</sup>): سران سر ۲۳- س، لن، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: بیبوسته تیر و کمان آخته (ق<sup>۲</sup>: ساخته)؛ آ: سرکینه گستر  
 برافراخته؛ (ل<sup>۲</sup>): سواران سنان ها برافراخته؛ متن= ل، ق ۲۴- ل- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف ۲۵- س، لن، ق، آ: فریبنده؛ متن= نه  
 دستنویس دیگر ۲۶- ل- آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>): پیش؛ متن= ف، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>)

جز از جنگ و پیگار چاره ندید  
 ز گرد سواران هوا بست میغ  
 ۸۷۰ هوا را تو گفتی همی<sup>۳</sup> برفروخت  
 به مغز اندرون بانگ پولاد خاست  
 برآورد شاه از کمین گاه سر  
 عنان را پیچید و برگاشت روی  
 دمان از پس اندر<sup>۹</sup> منوچهر شاه  
 ۸۷۵ یکی نیزه انداخت بر<sup>۱۱</sup> پشت او<sup>۱۲</sup>  
 ز زین برگرفتش بکردار باد  
 سرش را همانگه ز تن باز<sup>۱۴</sup> کرد  
 بیامد به لشکرگه خویش باز  
 خروش<sup>۱</sup> از میان سپه برکشید  
 چو برق درخشنده<sup>۲</sup> پولاد تیغ  
 چُن<sup>۴</sup> الماس روی زمین را بسوخت  
 به ابر اندرون آتش و باد خاست<sup>۵</sup>  
 بُد تور را از دو رویه گذر<sup>۶</sup>  
 برآمد ز لشکر یکی<sup>۷</sup> های هو<sup>۸</sup>  
 رسید اندر آن<sup>۱۱</sup> نامور کینه خواه  
 نگوسار<sup>۱۳</sup> شد خنجر از مشت او<sup>۱۲</sup>  
 بزد بر زمین داد مردی بداد  
 دد و دام را از تنش ساز<sup>۱۵</sup> کرد  
 بدید آن نشان نشیب و فراز<sup>۱۴</sup>

### گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون<sup>۱۷</sup>

به شاه آفریدون یکی نامه کرد  
 ۸۸۰ نخست از<sup>۱۹</sup> جهان آفرین کرد یاد  
 سپاس از جهاندار فریاد رس  
 دگر آفرین بر فریدون برز<sup>۲۱</sup>  
 ز نیک و بد روزگار نبرد<sup>۱۸</sup>  
 خداوند خوبی و پاکی و داد  
 زسختی نگیرد<sup>۲۰</sup> جزو دست کس  
 خداوند تاج و خداوند گرز<sup>۲۲</sup>

۱- ل: سپاه ۲- آ: درفشنده؛ ف (ونیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۸۶۹ بیت زیر را افزوده اند؛ و پس از بیت ۸۶۹ نخست بیت ۸۷۱ و سپس بیت زیر را افزوده است:

چو شب روز شد همچنان جنگجوی  
 دو لشکر بروی اندر آورد روی  
 ۳- پ: همه؛ ل: همین ۴- ل-ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف ۵- درو این بیت پس از بیت ۸۶۹ آمده است؛ پیاپی بیت های و: ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۶۹ پ، ۸۷۰، ۸۷۲ ۶- ق: از گذرگه گذر ۷- ق: همان؛ پ، ل: همی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۸- س، ق، ل: لی، پ، آ، ل: ب: های وهوی؛ و: هوی وهوی؛ متن= ف، ل، لن، ق ۹- ل، ق: او؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۰- ق: رسیدند از آن؛ ق پس از این بیت دو بیت ولی تنها بیت یکم را افزوده اند:

یکی بانگ برزد به بیدادگر  
 ببری سر بی گناهان چنین  
 ۱۱- ف، و (ونیز لن<sup>۲</sup>): یکی نیزه زد بر پس (و: <پس>، وزن نادرست است)؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- ل، ق، آ، ل: ب (در لت یکم)؛ او؛ متن= ف، س، لن، لی، پ، و، ب (در لت دوم) ۱۳- ل-ب= نگونسار؛ متن= ف ۱۴- س، لن، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): دور؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- س، لن، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): سور؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۶- ل، ق: بیدار آن لشکر سرفراز؛ آ: ندید از تاناشان یکی رزم ساز؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): درو (ونیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- ف: گفتار اندر نامه فرستادن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون و فرستادن سر تور با نامه بنزدیک او؛ ل: فتح نامه منوچهر بنزد شاه آفریدون؛ س، لن، ق، ل: لی: نامه منوچهر بنزدیک (س، ق، ل: لی: بنزد) فریدون (س: شاه فریدون) با سر تور؛ ق، پ: فتح نامه منوچهر به (پ: نزد) فریدون با سر تور؛ و: فتح نامه منوچهر شاه نزد شاه فریدون با سر سلم؛ آ، ب: نامه منوچهر بنزد فریدون (آ: فریدون با سر تور)؛ ل: فرستادن منوچهر نامه نزد فریدون؛ متن= آغاز ف ۱۸- ل، ق: زمشک و زعنبر سرخامه کرد؛ و: زینک و بدر روزگار و نبرد؛ متن= نه دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۹- پ: آن؛ در س- لی، و- ب (ونیز در لن<sup>۲</sup>) بجای این بیت زیر آمده است:  
 نخست آفرین بر (و: <بر>؛ ل: از) جهاندار کرد  
 که بختی (ق، و، آ: بخت) چنان خفته بیدار کرد  
 متن= ف، ل، پ ۲۰- ل-ق، پ-ل (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): نگیرد به (ل: ز) سختی؛ لی، ب: بسختی نگیرد؛ متن= ف؛ در ف پس از بیت ۸۸۱ بیت ۱۰۲۸ آمده است؛ س، لن، ق، ل: لی، پ، آ، ل، ب پس از بیت ۸۸۱ افزوده اند:

که او رهنمایست وهم (لن، آ: واو) دلگشای  
 که جاوید باشد همیشه بجای  
 این بیت در ف، ل، ق، و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): نیست ۲۱- و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): شاه ۲۲- و (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): گاه

همش تاج<sup>۲</sup> و هم تخت<sup>۳</sup> شاهنشاهی  
 همه فرّ و زیبایی از<sup>۵</sup> تخت اوست  
 سپه برکشیدیم وجستیم کین  
 چه در شب چه با<sup>۹</sup> هور گیتی فروز  
 کشیدیم<sup>۱۰</sup> و جستیم هرگونه کین  
 زیچارگی کار<sup>۱۲</sup> افسون گرفت  
 نماندم بجز باد در مِشت اوی<sup>۱۵</sup>  
 بی اندرگرفتم رسیدم بدوی<sup>۱۷</sup>  
 به باد اندر از زینش<sup>۱۸</sup> برداشتم  
 بریدم سرش زان<sup>۲۰</sup> تن بی بها  
 به تابوت زر اندرافکنده خوار<sup>۲۱</sup>  
 بسازم کنون سلم را کیمیا<sup>۲۲</sup>  
 هیونی برافگند چون تند باد<sup>۲۴</sup>  
 دو چشم از<sup>۲۶</sup> فریدون پر از آب گرم

همش داد و هم دین و هم<sup>۱</sup> فرهی  
 همه راستی راست از بخت اوست<sup>۴</sup>  
 رسیدم به خوبی<sup>۷</sup> به توران زمین  
 سه جنگ گران کرده شد در دو<sup>۸</sup> روز  
 ازیشان شبیخون و از ما کمین  
 شنیدم که ساز شبیخون گرفت  
 کمین ساختم در<sup>۱۳</sup> پس پشت اوی<sup>۱۴</sup>  
 یکایک چو از جنگ برگاشت روی<sup>۱۶</sup> ۸۹۰  
 به خفتانش بر نیزه بگذاشتم  
 بینداختم<sup>۱۹</sup> چون یکی ازدها  
 چنان چون سر ایرج شهریار  
 فرستادم اینک بنزد نیا  
 به نامه درون این سخن کرد یاد<sup>۲۳</sup> ۸۹۵  
 فرستاده آمد رخی<sup>۲۵</sup> پر ز شرم

- ۱- س، لن، ق، آ، لی: همش دادو دینست و هم؛ و (ونیز ل، آ، لن): همش دادو دیهیم و هم؛ آ: همش دادو دین و همش؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل، آ، ب ۲-  
 س، لن، لی، و، آ، ل، ب (ونیز ل، آ): نام؛ ق: کام؛ متن = ف، ل، ق، ب ۳- س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: گنج؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ (ونیز ل، آ، لن)  
 ۴- س، لی: اوی؛ ق، آ، ل، آ، ب: او؛ آ: تخت او؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و ۵- پ: همه سرفرازی بر؛ آ: همه فرزیبایی از ۶-  
 س، لی: اوی؛ ق، آ، ل، آ، ب: او؛ آ: بخت اوی؛ متن = ف، ل، ق، پ، و؛ پ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده اند:  
 جهان شد بنویی ز داد آفرین که گیتی نبد تا که بد همچنین  
 توای شاه با داد و با دانشی ازین آمدن هم تو با رامشی  
 ۷- آ: بفرش رسیدم ۸- ل، ق، آ، لی، پ، و (ونیز ل، آ، لن): سه؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن = ف، آ، ل، ب ۹- ل، ق، آ، لی، پ، ب (ونیز ل، آ): در؛ متن = ف، و، آ، ل، آ (ونیز لن، آ)؛ در و این بیت با بیت ۸۸۸ پس و پیش شده است ۱۰- پ: گشادیم ۱۱- و: بدین گونه پیوسته شد رزم و کین؛ س، لن این بیت را ندارند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ل: نیز؛ س، لن، ق، آ، لی، ب: ساز؛ ق: بندو؛ و، آ، ل، آ (ونیز لن، آ): راه؛ متن = ف، پ؛ در و این بیت با بیت ۸۸۶ پس و پیش شده است ۱۳- ل، پ، و: از؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- ف، ل، ق، ب: او؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، لن) ۱۵- ف، ل، ق، ب: او؛ متن = پ، و، آ، ل، آ (ونیز ل، آ، لن)؛ پی اندر گرفتم رسیدم بدوی (۸۸۹ ب و ۸۹۰ آ را انداخته و از ۸۸۹ و ۸۹۵ ب یک بیت ساخته اند) ۱۶- ق: رو؛ س، لن، ق، آ، لی این لت را انداخته اند (پ ۱۵)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۷- ق: بلو؛ پ: بروی ۱۸- ل: بنیرو از آن زینش؛ س، لی، و (ونیز ل، آ، لن): چوباد از بر زینش؛ ق: بنیرو من از زینش؛ ق، آ، ل، آ: بیاد اندر از پیش؛ پ: زجای اندر از زین؛ متن = ف، ل، آ، ب ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: بیفکندمش؛ (ل: در انداختم)؛ متن = ف، ل، ق، پ (ونیز لن، آ) ۲۰- ل، ق، پ: سرش از؛ ل: سرش راز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ: افکند خوار؛ ب: افکند نار؛ متن = ف، ل، س، ق، آ (ونیز ل، آ، لن)؛ در ف- ب (ونیز در ل، آ، لن) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س، لن، ق، آ، ب (ونیز ل، آ، لن) پس از بیت ۸۹۳ دو بیت زیر را افزوده اند؛ ق پس از بیت ۸۹۳ تنها بیت یکم را افزوده است، ولی بیت دوم را نیز در کناره افزوده اند:  
 برو بر (ل، آ: بدو بر) نبخشود و شرمش نداشت  
 جهان آفرینم برو برگماشت  
 بریدم سرش همچنان کان او (لی، پ، و: اوی)  
 چو پ: که) ویران کنم بوم ویرخان (لن: خوان؛ آ: جان) او (لی، پ: اوی)  
 و: چوبوم و برو خان ویران اوی  
 این دو بیت در ف، ل نیست و ق تنها بیت یکم را دارد ۲۲- در ف- ب (ونیز ل، آ، لن) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های ۸۹۳ و ۸۹۴ تصحیح قیاسی است ۲۳- س، لن، ق، آ، ب: چون همه یاد کرد؛ ق، آ: این سخن یاد کرد؛ لی، ب: چون همی (ب: همه) کرد یاد؛ ل، آ: سرسیر یاد کرد؛ متن = ف، ل، پ، و ۲۴- ل، لی، ب: برسان باد؛ س، لن، ق، آ، ل، آ: برسان گرد؛ ق: چون باد گرد؛ متن = ف، پ، و ۲۵- پ: شد بارخی؛ و: آمد دلی ۲۶- ق، آ، ب: <از>

بریده بر شاه ایران زمین<sup>۱</sup>  
 بشوید همان خون دل آب کین<sup>۲</sup>  
 و دیگر که<sup>۳</sup> کین خواه نو<sup>۴</sup> بود و<sup>۵</sup> گرد

۹۰۰ بیامد فرستاده‌ی شوخ<sup>۶</sup> روی  
 فریدون کی<sup>۷</sup> بر منوچهر بر

به سلم آگهی<sup>۸</sup> رفت ازین<sup>۹</sup> رزمگاه  
 پس پشتش اندر یکی حصن بود  
 چنان ساخت کاید بدان<sup>۱۰</sup> حصن باز  
 ۹۰۵ همی این<sup>۱۱</sup> سخن قارن<sup>۱۲</sup> اندیشه کرد<sup>۱۳</sup>  
 الانی<sup>۱۴</sup> دزش باشد آرامگاه  
 که گر<sup>۱۵</sup> حصن و<sup>۱۶</sup> دریا بود جای او<sup>۱۷</sup>  
 یکی جای<sup>۱۸</sup> دارد سر اندر سحاب  
 نهاده ز هر چیز گنجی<sup>۱۹</sup> به جای<sup>۲۰</sup>  
 ۹۱۰ مرا رفت باید بدین<sup>۲۱</sup> کار<sup>۲۲</sup> زود  
 دمان شد بنزد منوچهر شاه

وزان تیرگی کاند<sup>۲۳</sup> آمد به ماه  
 برآورده سر تا به چرخ کبود  
 که دارد<sup>۲۴</sup> زمانه<sup>۲۵</sup> نشیب و فراز  
 که برگاشت مر سلم روی از نبرد<sup>۲۶</sup>  
 سزد گر بروبر<sup>۲۷</sup> بگیریم<sup>۲۸</sup> راه  
 کسی نگسلاند زن<sup>۲۹</sup> پای او<sup>۳۰</sup>  
 به<sup>۳۱</sup> خارا<sup>۳۲</sup> برآورده از قعر آب  
 برو نغند<sup>۳۳</sup> سایه<sup>۳۴</sup> پر<sup>۳۵</sup> همای  
 رکاب<sup>۳۶</sup> و عنان<sup>۳۷</sup> را<sup>۳۸</sup> بیاید بسود  
 بدو گفت کای نامور پیشگاه<sup>۳۹</sup>

۱- ل: بر شهریار زمین ۲- س، لن، ق، ل، و- ب (ونیز ل، لن، آ): که فرزند هر چند پیچد؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳- ل، ق: پدر را بدو (ق: برو) مهرافزون زکین؛ س، لن، ق، ل، ل، ل، ب: بسوزد بمرگش (لن: بمرگ) پدر همچنین (ق، ل، آ، ب: دل همین)؛ پ: بشوید همی از خرد مهر و کین؛ و (ونیز ل، لن، آ): نشوید همان (ل: بشوید همی) خون دل زاب کین؛ متن= ف، آ ۴- پ، آل، ل، ب: بود؛ و: گناهش گران بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، ل، لی ۵- ل: مهترش؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ) ۶- و: دگر آنک ۷- ل: او؛ متن= ده دستنویس دیگر ۸- ل، پ، و: <و> ۹- لی: سرخ ۱۰- ق: نزدیک ۱۱- ل- ق: همی؛ پ: شه؛ و: یکی؛ متن= ف، ق، ل، آ، ل، ب ۱۲- ل: یکی؛ لن: بسی ۱۳- س، لن، لی: خواند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۴- ل- آ: آنگهی؛ آ این بیت و سه بیت پس از آن را ندارد، ولی آنها را در کناره به خطی نزدیک به خط متن افزوده‌اند ۱۵- ق، و: ازان؛ لی: زان ۱۶- و: کینه‌خواه ۱۷- ب: اندر ۱۸- س، ق، لی، پ: براه؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز آ ۱۹- ل: بران؛ ق: پس پشتش اندر یکی (=۱۹۰۳)؛ پ: چنان خواست کاید بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز آ ۲۰- ف، ل، ق: گذارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز آ (ونیز لن، آ) ۲۱- ل: هم این یک؛ ق: همین یک؛ و: همان یک؛ (ل: همان این)؛ متن= ف ۲۲- و (ونیز ل، آ): شاه؛ متن= ف، ل، ق ۲۳- س، لن، ق، ل، لی، پ، ل، ب: پس آنکه منوچهر از آن (لی: ازو) یاد کرد ۲۴- ل، ق، ق، ل، ب: که برگاشتش (ق: برگاشتست؛ ق: برگاردش) سلم روی از نبرد؛ س، لن، لی، پ، و: که گر سلم پیچید (س، لن: پیچد دو؛ پ: پیچیده؛ و: که پیچد همی سلم) روی از نبرد؛ ل: که برگاردش روی سلم از نبرد؛ (لن، آ: که پردازد از سلم روز نبرد)؛ متن= ف؛ پ این بیت را بگونه زیر هم نوشته و روی آن خط کشیده است:

همین يك سخن گفت و اندیشه کرد که برگاشت پس سلم روی از نبرد

۲۶- ل: کالان؛ ق، پ: الانان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- لن: بدوبر؛ ق: بروما؛ لی: بدوگر؛ پ: سزد بروی ارما؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- ل: نگیریم؛ ۲۹- و: اگر ۳۰- ل، س، لن، ق، ل، ب: <و>؛ متن= ف، ق ۳۱- ف- ق، ل، پ، ل، ب: او؛ متن= لی، و، آ ۳۲- ل: زتن ۳۳- ل، ق: حصن؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۴- لی، و: ز ۳۵- ل، ق، پ: چاره؛ س، لن، ق، آل، ل، ب: مرم؛ متن= ف، لی، و ۳۶- ل: زهر چیز گنجی نهاده؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۳۷- آ: بیای ۳۸- ل، ق، پ: فکنده برو؛ س: برو فکنند (حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد)؛ ق، ل، لی، آ: بدو فکنند؛ متن= ف، لن، و، ل، ب ۳۹- پ: فر ۴۰- س، لن، ل، آ: بدان؛ ب: برین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴۱- ل- ق، لی، پ، آل، ل، ب: چاره؛ ق: جاه؛ متن= ف، و ۴۲- لن، ق: رکیب ۴۳- ق: عنانم؛ درو این بیت پس از بیت های ۴۴ آمده است ۴۴- ل- ب (ونیز ل، لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن= ف؛ س، لن، ق، ل، ب (ونیز ل، لن، آ) بجای این بیت دو بیت زیر را افزوده‌اند:

چو اندیشه کرد این (آ، ب: آن) بقارن بگفت کجا بود آن (و: او) رازها (درو: را) نهفت

چو قارن شنید این (س، آ: آن) سخنهای شاه چنین گفت کای مهتر نیکخواه (لی، و، آل، ل، ب: کینه‌خواه)

این دو بیت در ف، ل، ق نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده‌اند؛ در و پس از این بیت ها بیت ۹۱۰ آمده است

اگر شاه بیند، ز جنگاوران<sup>۱</sup>  
در چاره‌ی او بگیرم بدست  
بباید<sup>۲</sup> درفش همایون شاه  
بخوادم کنون<sup>۳</sup> چاره‌ی ساختن  
من و گرد کرشاسپ<sup>۴</sup> و این<sup>۵</sup> تیره‌شب

چو روی هوا گشت<sup>۱۱</sup> چون آبنوس  
همه نامداران پرخاشجوی  
سپه را به شیروی بسپرد و گفت  
شوم سوی دزبان به پیغمبری<sup>۱۲</sup>  
چو در<sup>۱۴</sup> دز شوم<sup>۱۵</sup> برفرازم درفش  
شما روی یکسر سوی دز<sup>۱۶</sup> نهید

سپه را بنزدیکی دز<sup>۱۸</sup> بماند  
بیامد چو نزدیکی دز رسید  
چنین<sup>۲۳</sup> گفت کز نزد تور آمدم  
مرا گفت رو<sup>۲۵</sup> پیش<sup>۲۶</sup> دزبان بگوی  
تو با او به نیک و به بد یار باش  
گر آید<sup>۲۹</sup> درفش منوچهر شاه  
شما بازدارید<sup>۳۱</sup> و نیرو کنید

به کهنتر سپارد سپاهی گران  
کزین راه جنگست وزان راه جست<sup>۱</sup>  
هم انگشتی<sup>۴</sup> تور با من براه  
سپه را به حصن اندر انداختن  
برین راز<sup>۸</sup> بر هیچ<sup>۹</sup> مگشای لب

نهادند بر کوه‌ی پیل کوس  
ز خشکی به دریا نهادند روی  
که من<sup>۱۱</sup> خویشتن را بخوادم نهفت  
نمایم بدو مهر<sup>۱۳</sup> انگشتی  
درفشان کنم تیغ‌های بنفش  
چو من برخروشم دمید و دهید<sup>۱۷</sup>

به شیروی شیراوزن<sup>۱۹</sup> و<sup>۲۰</sup> خود براند  
سخن گفت و<sup>۲۱</sup> دزدار<sup>۲۲</sup> مهرش بدید  
نفرمود<sup>۲۴</sup> تا يك زمان دم زدم  
که روز و شب آرام و خوشی<sup>۲۷</sup> مجوی  
نگهبان دز باش و هشیار<sup>۲۸</sup> باش  
سوی دز فرستد همی<sup>۳۰</sup> با سپاه  
مگر کان<sup>۳۲</sup> سپاه ورا بشکنید

۱- و: اگر بیند این شاه جنگاوران؛ و در اینجا سرنویس دارد: مگر کردن قارن کاوه و گرفتن حصار سلم ۲- س، لن، ق، پ: که هم راه (س: کنون جای؛ لن: کنون راه) جنگست و هم راه جست؛ لی: کزین رای جنگست و آن راه جست؛ و: کزو جای جنگست و زوجای جست؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، آ، ل، ب ۳- ل: همان با؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۴- ق: همان انگشتی (وزن نادرست است)؛ ق، پ: هم انگشتی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۵- ل، و: بباید کنون؛ آ: توانم مگر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶- ل: کشاسب(!) ۷- ق، آ: ان؛ لی، و، ل: وین؛ ب: این؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- س: برین راه؛ لن، لی: برین رای؛ و: ازین راز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- ل: بریاد ۱۰- ل: گشته ۱۱- ل: کمین ۱۲- س، ق، آ، ب: پیغامبری (وزن نادرست است)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- ف، س، لن، ق، لی، و: مهر؛ متن= ل، ق، پ، آ، ل، ب؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن قارن و گرفتن دز بفر منوچهر ۱۴- س- لی، و- ب: بر؛ متن= ف، ل، پ ۱۵- و، ب: روم ۱۶- ق، پ: من ۱۷- ف، ق: که (ق: چو) پیش اندر آید دمید و دهید؛ ل: چنانک اندر آید خورید و دهید؛ پ: چو آید خنجر کشید و دمید؛ و: چو پیش آمد اندر دمید و دهید؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- س، لن، لی، پ: بنزدیک دریا؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- ل، س، لن، ق، آ، ب: شیراوزن (حرف ششم سه نقطه دارد) ۲۰- پ: < و > ۲۱- ق، و، ب: < و > ۲۲- و، ب: دزدار و ۲۳- ق، پ: بدو ۲۴- ل، س، پ: نفرمود (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ، ل: بفرمود؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۵- ل، پ: شو؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۶- ق، آ، ب: نزد؛ پ: سوی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۷- ل: خوردن؛ لن: خوبی؛ لی، ب: خفتن؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- ل، ق- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): بیدار؛ متن= ف، س، لن (و نیز لن<sup>۲</sup>): درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۹- ل، ق، پ، آ، ل: کز آید؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۳۰- س، لن، لی: کسی؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۱- س، لن، ق، لی، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): شما یار باشید؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، پ، و، ل ۳۲- و: آن



۹۳۰ چو دزبان چُنین<sup>۱</sup> گفت ها را شنید<sup>۲</sup>  
 همانگه در دز گشادند باز  
 نگر تا سخن گوی دهقان چه گفت<sup>۳</sup>  
 مرا و ترا بندگی پیشه باد<sup>۴</sup>  
 به نیک و به بد هرچه<sup>۵</sup> شاید بدن  
 ۹۳۵ چو دزدار با<sup>۶</sup> قارن رزمجوی  
 به بیگانه بر مهر خویشی نهاد  
 چو شب روز شد قارن رزمخواه  
 خروشید و بنمود یک یک نشان  
 چو شیروی دید آن درفش کبی<sup>۷</sup>  
 ۹۴۰ در حصن بگرفت<sup>۸</sup> و اندر نهاد<sup>۹</sup>  
 به یک دست قارن به یک دست شیر  
 چو خورشید بر تیغ گنبد کشید<sup>۱۰</sup>  
 نه دز بود گفستی<sup>۱۱</sup> نه<sup>۱۲</sup> کشتی بر آب  
 درخشیدن<sup>۱۳</sup> آتش و باد خاست

همان مهر و<sup>۱۴</sup> انگشتی را بدید  
 بدید<sup>۱۵</sup> آشکارا، ندانست راز<sup>۱۶</sup>  
 -که راز دل از دیدگان درنهفت-:<sup>۱۷</sup>  
 ابا پیشه‌مان<sup>۱۸</sup> نیز اندیشه باد<sup>۱۹</sup>  
 بیاید همه داستانها<sup>۲۰</sup> زدن  
 یکایک برآز اندر آورد<sup>۲۱</sup> روی  
 بداد از گزافه سر و دز<sup>۲۲</sup> بیاد  
 درفشی برافراشت<sup>۲۳</sup> چون گرد ماه<sup>۲۴</sup>  
 به شیروی و<sup>۲۵</sup> گردان<sup>۲۶</sup> گردنکشان  
 به دز روی بنهاد مرد پی<sup>۲۷</sup> (!)  
 سران را ز خون بر سر افسر نهاد  
 به سر بر ز تیغ آتش<sup>۲۸</sup> و آب زیر  
 نه آیین دز بد<sup>۲۹</sup> نه دزبان پدید  
 یکی دود دیدی<sup>۳۰</sup> سر اندر سحاب  
 خروش اسیران<sup>۳۱</sup> و فریاد خاست

۱-ق: چنا > ن < ؛ آ: چنان ۲-س، لن: چو دزبان سخن را سراسر شنید؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳-ل، پ، ب: < و > ؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، لن ۲) ۴-ف: شنید؛ ق: بدین؛ متن = ل، ق، آ، پ-ب (و نیز ل، لن ۲) ۵-س، لن، لی: ندانست هیچ آشکارا ز راز ۶-ق: نگه کن که دهقان بخرد چه گفت ۷-ل، ق: که راز دل از کودک خود نهفت؛ س، لن، ق-ب (و نیز ل، لن ۲): که راز دل آن (ب: او) دید کود دل نهفت؛ متن = ف ۸-و: داد ۹-س، لن: مران پیشه‌مان؛ لی: بانده‌مان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰-ل: هرچ ۱۱-ل، پ، و (و نیز ل، لن ۲): بیاید همی داستانها؛ ق، ق، آ، لی، آ، ب: همه (ق: بدان) داستانها بیاید؛ متن = ف، س، لن، ل ۱۲-ل، ق، و: چو دز دار (و: دزبان) و چون؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۳-ل، ق، ق، آ، پ، و: یکایک بروی (و: بدز) اندر آورد (ل: آورده)؛ س، لن، لی: یکایک بیالا نهادند؛ ل ۲: یکایک برآیدر آورد؛ متن = ف، آ، ب؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی بدسگال و یکی ساده دل سپهبد به هر چاره آماده دل  
 همی جست آن روز تا شب زمان بناگاه (→ نه آگاه) دز دار از آن بدگمان (ق: بی گمان)

۱۴-ق: سروتن؛ ق: از گزاف از سردز؛ ل ۲ پس از این بیت سرنویس دارد: تسلیم کردن دزبان دز را بقارن کاوه؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بنهاد شب رو براه گریز برآورد خورشید ازو رستخیز

۱۵-ل-آ، ب: بر افراخت؛ متن = ف، ل ۲ ۱۶-س، لن، لی: بردز چوماه؛ پ: چون روی ماه؛ آ: پیکر چوماه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۷-ل: < و > ؛ و: به شیرو و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ق: شیران و؛ س، لی، و، آ، ب: گردان و؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، ل ۱۹-ل: یلی؛ و (و نیز ل، لن ۲): کیان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ل، ق: به کین روی بنهاد با پر دلی (ق: از بدخوی)؛ س: همی روی بنمود مرغ پی؛ لن، ق، آ، ل، ب: بی روی بنهاد (لن: بنمود) مرد پی؛ لی: بیوشید باهن بر پهلوی؛ پ: بدو روی بنهاد از پی پی؛ و (و نیز ل، لن ۲): همی روی بنهاد زی پهلوان؛ متن = ف ۲۱-آ: بگشاد ۲۲-س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: و سر در نهاد؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ ۲۳-ل: به سرگرز و تیغ آتش؛ ق: بسر گرز گران آتش (وزن نادرست است)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ف پس از این بیت، بیت ۹۴۴ آمده است ۲۴-ل، س، ق، آ، ب: رسید؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵-س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: نه دز بود پیدا؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن ۲) ۲۶-س، لن، ق، آ، ب: پیدا؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن ۲) ۲۷-ف: چه؛ پ: که؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن ۲) ۲۸-لی: بودی ۲۹-ف: درفشیدن؛ س، لن: درخشندگی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن ۲) ۳۰-ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن ۲) سواران؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ف این بیت پس از بیت ۹۴۱ آمده است و لت های آن هم پس و پیش شده‌اند

- ۹۴۵ چو خورشید تابان ز گنبد<sup>۱</sup> بگشت  
بکشتند از ایشان ده و دو هزار<sup>۴</sup>  
همه روی دریا شده قیرگون<sup>۵</sup>
- همان<sup>۲</sup> دز نمود و همان<sup>۲</sup> پهن<sup>۳</sup> دشت  
همی دود<sup>۵</sup> آتش برآمد چو<sup>۶</sup> قار  
همه روی صحرا شده رود خون<sup>۷</sup>
- از آن<sup>۹</sup> جایگه قارن رزمخواه  
به شاه نوآیین بگفت آنچ<sup>۱۱</sup> کرد  
۹۵۰ برو بر<sup>۱۳</sup> منوچهر کرد آفرین  
تو زیدر برفتی<sup>۱۵</sup> بیامد سپاه  
نبره سپهدار<sup>۱۶</sup> ضحاک بود  
یکی تاختن کرد با صد هزار<sup>۱۹</sup>  
بکشت از دلیران من<sup>۲۳</sup> چند مرد  
۹۵۵ کنون سلم را رای<sup>۲۴</sup> جنگ آمدهست  
یکی دیو جنگیش گویند هست  
هنوز اندر آورد نبسودمش<sup>۲۷</sup>  
چو این بار کاید<sup>۳۰</sup> سوی ما به جنگ
- بدو گفت قارن که ای شهریار  
۹۶۰ اگر همنبرد تو باشد پلنگ  
کدامست کاکوی<sup>۳۸</sup> و کاکوی<sup>۳۹</sup> چیست<sup>۴۰</sup>
- که آید به<sup>۳۳</sup> پیش تو در کارزار  
بدر<sup>۳۴</sup> بدو<sup>۳۵</sup> پوست از یاد<sup>۳۶</sup> جنگ<sup>۳۷</sup>  
هماورد تو در جهان مرد کیست

۱- ل- پ، آ، ل، ب: بالا؛ متن=ف، و (و نیز ل، آ، لن) ۲- ل: چه آن؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن) ۳- (ل: ساده)؛ متن=ف-ب (و نیز لن) ۴- ل: بکشتند از ایشان فزون از شمار؛ و: ز کشتی و زورق ده و دو هزار؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- پ: دوداز ۶- س، لن، ل، آ: از دیده بر چرخ می شد چو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- س، لن: تیره گون ۸- ل، س، لن، ق، پ، ل، آ، ب: جوی خون؛ ق: تیره گون؛ آ: ز خون روی دریا شده لاله گون؛ متن=ف، ل، و ۹- س-ب (و نیز ل، آ، لن): وزان؛ متن=ف، ل ۱۰- ق، آ، ل، ب: کینه خواه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- ق-ب: آنچه؛ متن=ف، ل، س، لن ۱۲- س، لن، ق، آ، ل، آ، ب: ازان؛ لی: ازین؛ متن=ف، ل، ق، پ، و ۱۳- ل، آ: بدو بر ۱۴- ق، آ، ب: که بی تو مبادا کلاه و نگین؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۵- لی: تو زاید چورفتی؛ آ: چورفتی تو زاید ۱۶- و: جهاندار ۱۷- ل، ق: کرکوی؛ س، لی، پ (و نیز ل، آ، لن): کالوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ف-لی، و، ل، آ: ناپاک؛ پ، آ، ب (و نیز ل، آ، لن): ناپاک ۱۹- و: سی هزار ۲۰- و: ز ترکان ۲۱- ل، پ، آ: گردنکش و ۲۲- ف: کینه دار؛ ق، آ، ل، ب: نیزه دار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، پ، و (و نیز ل، آ، لن): ما؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- و: روز ۲۵- ف: که دلش از پی تور تنگ؛ ل، ق: چو (ق: که) کرکوی یارش بجنگ؛ ل، آ: که یارش (لی: که بازش) ز دز هوخ (لی: هوحه) کنک؛ (ل: هوش کنک؛ لن: آ: هوک کنک)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۶- ف: < و > ل، ق، و: کند رزم ناپاک؛ س، لن: که با سهم پیلست و؛ لی: که در رزم ناپاک؛ آ: که رزم ناپاک؛ ب: که رزم ناپاک و؛ متن= ق، آ، پ، ل ۲۷- لی: نشودمش؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۸- و: بگاہ دلیری ۲۹- ل: به بیمودمش ۳۰- ق: ارین بار کاهد؛ لی، ل، ب: از این بار کاید؛ و: گر این بار آید؛ آ: چو این بار آید؛ س، لن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن=ف، ل، پ ۳۱- و: ورا ۳۲- آ: تنش را بسنگ ۳۳- ل: نه ۳۴- ق: بدری ۳۵- ل، س، لن، ق، پ-ب: برو؛ متن=ف، ق، آ، لی ۳۶- ف، ل، و (و نیز ل، آ): باد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س، لن، لی، آ، ل: هنگام؛ ق، آ، ب: باد؛ (لن: آ: تا)؛ متن=پ ۳۷- ف: چنگ؛ در س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب این بیت با بیت سپسین پس پیش شده است و در س، لن، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

چو برخاست آواز شیپور و نای  
بقلب اندرون شاه بگزید جای  
چنین (س، لن: همی) گفت قارن بشاه جوان (ا، ب: جهان)  
چه بر (ا: ابر؛ ب: که بر) آشکارا چه اندر نهان  
۳۸- ل، ق: کرکوی؛ س، لن، لی، پ: کالوی؛ متن=ف، ق، آ، و، آ، ل، ب ۳۹- ل: کرکوی؛ س، لی، پ: کالوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴۰- ق، ب: کیست (پساوند ندارند)؛ در س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

یکی چاره سازم بدین<sup>۱</sup> کار نغز  
چو کاکوی<sup>۴</sup> ماننده ناید<sup>۵</sup> به جنگ

برآمد ز دهلیز پرده سرای<sup>۸</sup>  
هوا<sup>۱۱</sup> قیرگون شد زمین<sup>۱۲</sup> آبنوس  
همان گرد تیره<sup>۱۳</sup> زبان<sup>۱۴</sup> داری  
هوا دام کرگس شد از پیر<sup>۱۶</sup> تیر  
چکان قطره‌ی خون ز تاریک<sup>۱۷</sup> میغ  
وُزُو<sup>۱۹</sup> موج بر اوج خواهد زد  
برآویخت با شاه چون نره دیو  
گشاده برو دست و<sup>۲۳</sup> بسته میان  
بجنبید بر سرش رومی کلاه  
از<sup>۲۷</sup> آهن تن پاکش<sup>۲۸</sup> آمد پدید

من اکنسون به هوش دل و پاک مغز  
کزین پس سوی<sup>۲</sup> ما ز دزهوخت کنگ<sup>۳</sup>

بگفتند و آوای<sup>۶</sup> شیپور و<sup>۷</sup> نای  
۹۶۵ خروش<sup>۹</sup> سواران و آواز<sup>۱۱</sup> کوس  
تو گفستی که الماس جان داری  
دهاده خروش آمد و گیرگیر<sup>۱۵</sup>  
فسرده<sup>۱۷</sup> ز خون پنجه بر دست<sup>۱۸</sup> تیغ  
تو گفستی زمین موج خواهد زد  
۹۷۰ برون رفت کاکوی<sup>۲۱</sup> و برزد<sup>۲۲</sup> غریو  
تو گفستی دو پیل اند هر دو ژیان  
یکی نیزه زد بر کمر بند<sup>۲۴</sup> شاه  
زره با<sup>۲۵</sup> کمر بند<sup>۲۶</sup> او بردرید

۱- ل، پ، ب: برین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- و: بر؛ ق، ق: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- ف: هوشکنک؛ لی: هوحه کنک؛ ل: هوج کنک؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نزل<sup>۳</sup>) ۴- ل: کرکوی؛ س، لی: کالوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۵- ل: دیگر نیاید؛ س، لن: سرکش نیاید؛ لی (و نزل<sup>۳</sup>): بی مایه ناید؛ و (و نزل<sup>۳</sup>): ماند نیاید؛ ل: ما بنده ناید؛ متن = ف، پ، آ، ب؛ ل، ق، و (و نزل<sup>۳</sup>، لن<sup>۳</sup>) پس از این بیت و ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۹۶۹ افزوده اند:

چنین داد پاسخ بدو (ق، ق، آ، و: بدو گفت پس نامور) شهریار  
تو خود رنجه گشتی بدین تاختن  
کنون گاه رزم (و: جنگ) من آمد فراز  
این بیت ها در ف، س، لن، لی، پ، آ، ل، ب نیست ۶- س، لن، و: بگفت این و آواز؛ لی، آ: بگفتند و (لی: ز) آواز؛ ل<sup>۲</sup>: بگفت و باوای؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، پ، ب ۷- ل، ق: < و > ۸- پ، آ: بر آمد همیدون (آ: همانگه) ز پرده سرای؛ و: بر آمد ز پرده بهر دوسرای؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- ق، ل، آ: ز جوش؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نزل<sup>۳</sup>، لن<sup>۳</sup>) ۱۰- ل- و: آوای؛ متن = ف، آ، ل، ب ۱۱- ل، ق، پ: زمین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ل، ق، پ: هوا؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۳- ل، ق، پ: گرز و نیزه؛ ل، ب: گرد نیزه؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نزل<sup>۳</sup>، لن<sup>۳</sup>) ۱۴- لی، و (و نزل<sup>۳</sup>، لن<sup>۳</sup>): روان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- ل- آ، ب (و نزل<sup>۳</sup>، لن<sup>۳</sup>): دار و گیر؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ق: از ابر تیر؛ و: و ابر تیر ۱۷- ل: فشرده ۱۸- ل، س، پ، آ: بردست و؛ لی: و دست و؛ و: فسرده به پنجه درون دست و؛ ل<sup>۲</sup>: فسرده ز خون بود بردست؛ متن = ف، لن، ق، ق، آ، ب ۱۹- ل، ق، و، ب: وزان؛ پ: همی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- و، آ: شدن؛ ل، ق پس از بیت ۹۶۹ سه بیت زیر را و و تنها بیت نخستین را افزوده اند:

برآمیخته يك بدیگر سپاه  
هم آنگه دمان گرد کرکوی شیر  
چو شاه منوچهر او را بدیدید  
لی، آ، ب پس از بیت ۹۶۹ بیت زیر را و ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۹۶۹ نخست سه بیت ۹۶۳ پ را و سپس بیت زیر را افزوده اند:  
جهان گشت چون روی زنگی سپاه  
به پیش سپاه اندر آمد دلیر  
بکردار بیر (ق: ابر) دمان بردمید  
همان گرد کاکو (لی: کالو) بدو کرد روی  
آ: همان گرد کوکوی و کرد اوی (!)

۲ پس از بیت ۹۶۹ سرنویس دارد: جنگ کاکوی نیبره ضحاک با منوچهر و کشته شدن ۲۱- ل: کرکوی؛ س، پ: کالوی؛ لی: کالو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۲- ل، پ، و: بر شد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- ق، ب: < و >؛ و: بروتنگ؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل، ق، ل<sup>۲</sup>: کمرگاه؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ و: پس از این بیت افزوده است:  
هم آنگه دمان گرد کاکوی شیر  
پیش سپاه اندر آمد دلیر (= ۹۶۹ پ ۲)  
۲۵- ف ناخواناست؛ ل، ق، پ، و: بر؛ ق، آ: تا؛ متن = س، لن، لی، ل، ب ۲۶- و: کمرگاه ۲۷- و، آ، ب: ز ۲۸- ل، ق، پ: آهن کمرگاش؛ متن = نه دستنویس دیگر

همه<sup>۱</sup> چاك شد جوشن<sup>۲</sup> اندر تنش  
 چو برگشته شد هور<sup>۵</sup> گیتی فروز  
 همه<sup>۶</sup> خاك با خون برآمیختند<sup>۷</sup>  
 از اندازه آویزش اندرگذشت<sup>۸</sup>  
 بیفشرد<sup>۱۰</sup> ران و بیازید چنگ  
 ز زین برگسست<sup>۱۲</sup> آن تن پیلوار  
 به شمشیر کردش<sup>۱۴</sup> برو سفت<sup>۱۵</sup> چاك  
 چنان<sup>۱۷</sup> روز بد را ز مادر بزاد<sup>۱۸</sup>  
 شكسته شد و دیگر آمدش<sup>۲۰</sup> رای  
 گریزان همی رفت سوی حصار<sup>۲۱</sup>  
 دمان<sup>۲۳</sup> و دنان<sup>۲۴</sup> برگرفتند راه  
 که پوینده را راه دشوار گشت

یکی تیغ زد شاه بر گردش  
 ۹۷۵ دو خونی<sup>۳</sup> برین<sup>۴</sup> گونه تا نیم روز  
 همی چون پلنگان برآویختند  
 به خون غرقه شد کوه و دریا و دشت  
 دل شاه از<sup>۹</sup> جنگ برگشت تنگ  
 کمربند کاکوی<sup>۱۱</sup> بگرفت خوار  
 ۹۸۰ بینداخت خسته بران<sup>۱۳</sup> گرم خاك  
 شد آن مرد تازی به تیزی<sup>۱۶</sup> به باد  
 چنو<sup>۱۹</sup> کشته شد پشت خاورخدای  
 تهی شد ز کینه سر کینه‌دار  
 پس اندر سپاه<sup>۲۲</sup> منوچهر شاه  
 ۹۸۵ چنان شد<sup>۲۵</sup> ز بس کشته و خسته<sup>۲۶</sup> دشت

۱- پ: همی ۲- س، لن، ل: آ؛ جامه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: دولشکر؛ متن= ف، ل، ق، پ، و ۴- ف، ب: بران؛ لن، ق، آ، لی، آ: بدین؛ متن= ل، س، ق، پ، و، ل ۵- ل، ق، پ، و: که (پ: چو) سرگشته (ق: برگشته) شد هور؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: که گشت از برش شاه (ق، آ، ب: هور)؛ متن= ف ۶- ل، س، ق، پ، ب: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- پ: بیامیختند ۸- درل، س، ق، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: بیت ۹۷۷ چنین آمده است:

چو خوشید گردان (س، ق، آ، لی، آ: تابان) ز گنبد بگشت  
 به خون شسته (س، ل، آ: غرقه؛ لی: تشنه) شد کوه و دریا و دشت  
 ل، ق: به خون غرقه بد (ق: شد) کوه و هامون (ق: صحرا) و دشت  
 لن بجای بیت بالا و س، ق، آ، ل، آ، ب: پس از بیت بالا افزوده‌اند (در س، ق، آ، ل، آ: متن‌های آن پس و پیش شده‌اند):  
 همه (س، لن: همی) گشت (ل، آ: گوشت) پر خون درو (ق، آ: بدو؛ آ: س) کوه و دشت

از اندازه آویزش اندرگذشت

در پ، و بیت ۹۷۷ چنین آمده است:

چو خورشید بر چرخ گردان (و: تابان ز گنبد) بگشت  
 متن= ف ۹- ل- ب (و نیز لن، آ): در (ل، آ: بر)؛ متن= ف ۱۰- ل، ق، و، آ (و نیز ل، آ، لن، آ): بیفشارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- س، لی، ب: کالوی؛ ق: کرکوی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۲- ل، ق- ب (و نیز ل، آ، لن، آ): برگرفت؛ متن= ف، س، لن ۱۳- لی: بدان؛ ل، آ: دران ۱۴- ل، ق، ق، آ، ل، ب: کرده؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ل، ق، پ، و، آ (و نیز ل، آ، لن، آ): سینه؛ لی: دست؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، ل، ب ۱۶- ل، ق، پ: ز تیزی؛ ق، آ: چنان مرد تازی شیری؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، ق، پ، و، آ: جزان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ل، ق، پ، و، آ: نژاد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- ق، پ: چو او ۲۰- لی: افتاد؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر کشته شدن کالوی بر دست منوچهر و هزیمت شدن سلم و کشته شدن سلم بر دست منوچهر؛ س، و: منوچهر شاه؛ آ (چند بیت پایین تر): رزم منوچهر با سلم و کشتن سلم؛ ل (چند بیت پایین تر): هزیمت کردن سلم و کشته شدن اوی ۲۱- پ پس از این بیت افزوده است:

چونزدیکی ژرف دریا رسید نشان یکی چوب کشتی ندید

۲۲- ل، آ: سپاه و ۲۳- آ: دوان ۲۴- ق، آ: دوان؛ در ق، ل، آ: متن‌های این بیت پس و پیش شده‌اند و پس از آن افزوده است:

چو شد سلم تا پیش دریا کنار ندید ایچ کشتی و نه ره گذار

این بیت در هیچ يك از یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ) نیست، ولی در ترجمه بنداری جمله‌ای آمده است که نشان می‌دهد که او این بیت یا بیت ۹۸۳ را داشته است: فلما قرب من البحر لم یصادف إلا مركب الحمام ۲۵- ق: بد ۲۶- ف: خسته و کشته؛ ق، آ، لی: خستگان روی؛ ب: کشتگان روی؛ متن= هشت دستنویس دیگر

نشست از بر چرمه‌ی تیزرو  
به گرد سیه<sup>۲</sup> چرمه<sup>۳</sup> اندر نشاخت<sup>۴</sup>  
خروشید کای مرد بیداد<sup>۵</sup> شوم  
کله یافتی چند پویی براه  
به بار آمد آن خسروانی درخت  
فریدونت گاهی بیاراست نو<sup>۸</sup>  
بینی برش را کنون در<sup>۹</sup> کنار  
وگر پرنیانست خود رشته‌یی

یکایک به تنگی رسید اندروی<sup>۱۴</sup>  
به دو نیم<sup>۱۶</sup> شد خسروانی تنش  
به نیزه به ابر اندرافراشتند<sup>۱۷</sup>  
از آن زور و آن بازوی جنگجوی<sup>۲۰</sup>  
که پیراگند روزگار دمه<sup>۲۱</sup>  
پراگنده در دشت و در غار و کوه<sup>۲۳</sup>  
که بودش زبان پر ز گفتار نغز  
شود گرم و باشد زبان<sup>۲۵</sup> سپاه  
زمین جز به فرمان تو<sup>۲۸</sup> نسپریم

پر از خشم و پر کینه سالار نو  
بیفگند<sup>۱</sup> برگستوان و بتاخت  
رسید آنگهی تنگ در<sup>۵</sup> شاه روم  
بکشتی برادر ز بهر کلاه  
کنون تاجت آوردم ای شاه و تخت<sup>۶</sup>  
ز تاج بزرگی گریزان مشو  
درختی که پروردی<sup>۹</sup> آمد بیار  
گوش<sup>۱۱</sup> بار خارست خود کشته‌یی

همی تاخت اسپ اندرین<sup>۱۲</sup> گفت و گوی<sup>۱۳</sup>  
یکی تیغ زد بر سر و گردنش<sup>۱۵</sup>  
بفرمود تا سرش برداشتند  
بماندند لشکر<sup>۱۸</sup> شگفت اندروی<sup>۱۹</sup>  
همه لشکر سلم همچون رمه  
برفتند بی دل<sup>۲۲</sup> گروه‌ها گروه  
یکی پرخرد مرد پاکیزه مغز  
بگفتند تا زی<sup>۲۴</sup> منوچهر شاه  
بگوید که<sup>۲۶</sup> گفتند<sup>۲۷</sup> ما که‌تریم

۱- ل، ق: بر افکند؛ لی، ب این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ف- ق، پ، و (و نیز ل ن)؛ سیه؛ متن = آ، ل (و نیز ل) ۳- ف، ل: چهره (ف در بالا افزوده است: چرمه)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن) ۴- ل، س، و: ساخت؛ ل: ساخت؛ متن = ف، ل، ن، ق، ق، پ، آ ۵- ل: تنگ بر؛ ق، ب: تند در؛ و: شاه در؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۶- ل، پ، آ: بیداد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- ف: شوم بخت؛ ق: شاه تخت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- س این بیت را ندارد ۹- پ، و: بنشاندی ۱۰- ل، پ، و، ل: بیابی (و، ل: بینی) هم اکنون برش در؛ س، ل، ق، لی، آ: بینی برش (لن: سرش) هم کنون در (آ: بر)؛ ق: هم اکنون بیابی برش در؛ ب: بینی کنون هم برش در؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، ن) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو در گور تنگ استوارت کنند همه نیک و بد در کنارت کنند

۱۱- ل، ق، و، ل: آ؛ اگر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۲- ف، و (و نیز ل ن)؛ اندران؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل) ۱۳- ل، ق، لی: گفت گوی؛ و، آ: گفت و گو؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۴- آ: اندرو؛ س: از آن زور و آن بازوی جنگجوی (= ۹۹۷)؛ ق، لی، ل: یکایک بتندی (ل: بینی) رسید اندروی (ق: رسیدند روی)؛ و: که ناگه بتنگی رسید اندرو؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ، ب ۱۵- ل، ق، پ، و (و نیز ل، ن)؛ زود برگردنش؛ ل، ق، لی، آ، ل، ب: بر برو گردنش؛ س این بیت را انداخته است؛ متن = ف ۱۶- ل- ب (و نیز ل، ن)؛ نیمه؛ متن = ف ۱۷- س این بیت را انداخته است ۱۸- ف: شیران؛ س این لت را انداخته است؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن) ۱۹- لی: اندرو؛ و: پر از گفت و گوی؛ آ: بدو در شگفت؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- لی: جنگجو؛ ل: از آن زور و بازوی آن جنگجوی؛ ق: از آن برز بالای آن نامجوی؛ و: از آن زور و بالا و آن گفت اوی؛ آ: بدان زور و بازوی و آن یال و سفت؛ متن = ف، س، ل، ق، پ، ل؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶ و ۹۹۷ را انداخته و از ۹۹۴ و ۹۹۷ ب یک بیت ساخته است ۲۱- در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۲- ل، پ: لشکر؛ س، ل، ق: یکسر؛ ق، لی، ب: بی ره؛ متن = ف، و، آ، ل (و نیز ل، ن) ۲۳- ل: در دشت < و > دریا و کوه؛ س، ل، ق، لی، پ، و: در (ق: بر) دشت و (ق: < و >) وادی (س، ل، لی: صحرا) و کوه؛ متن = ف، ق، آ، ل، ب ۲۴- ل باری ۲۵- ل: زیان؛ س، ل، لی: شود زود و گوید پیام؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ق: بیامد که؛ آ: بگوید ۲۷- ل: گفتند و ۲۸- ل، و، او؛ ل: شه؛ متن = نه دستنویس دیگر

گروهی خداوند بر<sup>۱</sup> چارپای  
سپاهی بدین رزمگاه آمدیم<sup>۳</sup>  
کنون سربسر شاه را<sup>۵</sup> بنده‌ییم  
گوش<sup>۷</sup> رای جنگست و خون ریختن  
سران یکسره<sup>۸</sup> پیش شاه آوریم  
برانند<sup>۱۱</sup> هر آن کام کو را<sup>۱۱</sup> هواست

بگفت این سخن مرد بسیار هوش  
چنین داد پاسخ که من کام خویش  
هر آن چیز کان نز ره ایزدبست،  
سراسر ز دیدار من دور باد  
شما گر همه کینه‌دار منید  
چو پیروزگر دادمان دستگاه  
کنون روز دادست<sup>۲۱</sup>، بیداد شد  
همه مهر جوید و افسون کنید

سپهدار خیره<sup>۱۳</sup> بدو داد گوش  
به خاک افگنم، برکشم<sup>۱۴</sup> نام خویش  
از اهرمّنی گرز دست بدیست<sup>۱۵</sup>،  
بدی را تن دیو، رنجور<sup>۱۶</sup> باد  
وگر<sup>۱۷</sup> دوستدارید<sup>۱۸</sup> و یار منید<sup>۱۹</sup>  
گنه‌کار شد رسته با<sup>۲۰</sup> بی‌گناه  
سران را سر از کشتن<sup>۲۲</sup> آزاد شد  
ز تن آلت جنگ بیرون کنید<sup>۲۳</sup>

۱- ق، پ: خداونده<sup>۲</sup> - لی: کشت و درای؛ ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

نبدمان برین کینه گه دستگاه (ق: دست و پای) بیایست رفتن به فرمان شاه (ق: و رای)  
۳- ب: گروهی بدین رزمگاه آمدند (پساوند ندارد) - ۴- س، ل، آ، ب: نه بر آرزو پیش (س، ب: نزد) شاه آمدیم؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هفت  
دستنویس دیگر ۵- س، لن، ق، آ، لی: کنون شاه را سربسر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۶- لی: تو آکنده‌ایم؛ ب: وی افکنده‌ایم؛ پ: بفرمان ورایش  
سرافکنده‌ایم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- آ: گرت ۸- س، لن، لی: سرانرا همه؛ ق: سراسر سپه؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- ل، ق، بر او  
سر (ق: تن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ف، ق، آ، و (و نیز لن)؛ برآید؛ آ: سرآید؛ ب: براند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ متن = ل، س، لن، لی،  
پ، ل (و نیز ل) ۱۱- ل: کانرا ۱۲- ف، و (و نیز ل، لن)؛ برین گونه بر؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: ازیرا که بر؛ متن = ل، ق، پ، ب؛ ف، ل  
پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آمدن لشکر سلم و تور بزهار منوچهر و دادن منوچهر زنه‌ارشان و نواختن ایشان؛ ل: پاسخ دادن منوچهر  
لشکریان توران را ۱۳- ب: چیره ۱۴- آ: برکنم ۱۵- ف، س، لن، ق، آ، لی، ل: همه راه اهرمنست (ف: اهرمنی) و بدیست؛ ق، پ، و، آ، ب (و  
نیز لن)؛ از (پ: ز) اهرمنی (و: اهرمنی) یا ز دست بدیست؛ (ل: از) اهرمنی نزره بخردیست؛ متن = ل ۱۶- آ: مزدور ۱۷- و: اگر ۱۸- آ:  
دوستاران ۱۹- و: وگر دشمنید ۲۰- لی: یا؛ و، ب؛ و؛ ل، ق، پ: گنه کار پیدا شد از؛ متن = س، لن، ق، آ، ل، ل، ق: دادست و؛  
متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- س، لن، ق، آ، لی: سرانرا از کشتن سر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- س، لن، ق، آ، لی، ل پس از این بیت سه بیت  
و و تنها بیت سوم را افزوده‌اند:

خردمند باشید و پاکیزه تن (لی: دین)  
بجایی کستان هست آباد بوم  
بروشن روان بادتان جایگاه  
ق، پ پس از بیت ۱۰۱۶ پنج بیت افزوده‌اند (در پ بیت یکم و دوم پس و پیش شده‌اند):  
بجایی که تان هست آباد بوم  
خردمند باشید و پاکیزه تن  
بدان را ز بد دست کوتاه کنید  
همه نیکوی بادتان دستگاه (پ: پایگاه)  
همه مهتران خواندند آفرین  
5  
در ب نیز مانند همین بیت ها پس از بیت ۱۰۱۸ آمده است، ولی این بیت ها در ف، ل، آ نیست و در و نیز تنها يك بیت از آنها آمده است

خروشی برآمد ز پرده‌سرای<sup>۱</sup>      که ای پهلوانان فرخنده رای  
 ازین پس بخیره<sup>۲</sup> مرزید خون      که بخت جفا پیشگان شد نگون<sup>۳</sup>  
 از آن پس همه جنگجویان کین<sup>۴</sup>      یکایک نهادند سر بر زمین  
 همه آلت لشکر و ساز جنگ      ۱۰۲۰      ببردند نزدیک پور پشنگ<sup>۵</sup>  
 ببردند<sup>۶</sup> پیشش گروه‌ها گروه      یکی توده کردند برسان کوه<sup>۷</sup>  
 هم از<sup>۸</sup> جوشن و ترگ و برگستوان      چه گوپال و چه<sup>۹</sup> خنجر هندوان  
 سپهد منوچهر بنواختشان      بر اندازه بر<sup>۱۰</sup> جایگه<sup>۱۱</sup> ساختشان  
 فرستاده‌بی را برون کرد گرد<sup>۱۲</sup>      سر شاه خاور مر او را سپرد

### گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیک شاه آفریدون<sup>۱۴</sup>

۱۰۲۵ یکی نامه بنوشت نزد نیا      چه از جنگ و چه چاره و کیمیا<sup>۱۵</sup>  
 نخست آفرین کرد بر کردگار      دگر یاد کرد از شه نامدار  
 سپاس از جهاندار پیروزگر      کزویست نیرو و<sup>۱۶</sup> هم زو هنر<sup>۱۷</sup>  
 همه نیک و بد<sup>۱۸</sup> زیر فرمان اوست      همه بندها<sup>۱۹</sup> زیر پیمان<sup>۲۰</sup> اوست  
 کنون بر فریدون ازو<sup>۲۱</sup> آفرین      خردمند و بیدار شاه زمین

۱- لن، لی: در آن پهن جای ۲- س، لی: کسی را؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳- آ: سرنگون؛ ب پس از این بیت پنج بیت افزوده است (← ۱۰۱۶پ):

بدان را ز بد دست کوتاه کنید      همه نیکویی سوی خود ره کنید  
 خردمند باشید و پاکیزه رای      ز پرخاش دور و خرد رهنمائی  
 بجایی که ویران شد آن مرز و بوم      اگر تور و چین ست و گر مرز روم  
 همان کردن آباد آنجایگاه      بروشن روان و بفرمان شاه  
 5 بروشن روان بادتان جایگاه      همه نیکویی بادتان دستگاه

۴- س، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: وزان؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، و، ۵- ل، ق، پ، و: چین؛ ق: بکین؛ متن= ف، س، لی، آ، ل، ب، ۶- در آ این بیت چنین آمده است:

همه آلت جنگ و ساز سپاه      ببردند نزدیک فرخنده شاه

۷- ق، پ، آ، ب: برفتند؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- پ: یکی توده که دید برسان کوه؛ ل: یکی پشته کردند بر پشت کوه؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- س: همه؛ لن، ق، آ، لی: همه؛ ق، پ، آ، ب: چه از؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، و، ل، ۱۰- لن: چه گوپال چه؛ لی: ز گوپال و از؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- ق: به اندازه بر؛ ل: بر اندازه‌شان ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): پایگه؛ متن= ف، ق، ۱۳- ل: فرستاده‌بی را برافکند گرد؛ س، ق، آ: فرستاده پس برون کرد گرد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۴- ف: گفتار اندر نامه نوشتن منوچهر بنزدیک شاه فریدون و فرستادن سر سلم را بنزدیک او بجمازه؛ ل: نامه منوچهر پیش فریدون و سپری شدن؛ س: نامه فرستادن شاه منوچهر بنزد شاه فریدون با سر سلم؛ لن، ق، آ، لی: نامه منوچهر بنزد فریدون با سر سلم؛ ق، پ: فتح نامه منوچهر به فریدون شاه (پ: <شاه>) با سر سلم؛ و: فتح نامه منوچهر شاه نزد شاه فریدون با سر سلم؛ آ، ب: نامه فرستادن (ب: <فرستادن>) منوچهر نزد فریدون؛ ل: بازگشتن منوچهر و فرستادن نزد فریدون؛ متن= آغاز ف ۱۵- ل، ق، پ، و (و نیز ل، آ): پر از جنگ و پر (و: از) چاره و کیمیا؛ لی، ب (و نیز لن، آ): چه از جنگ و از چاره و (لن، آ: چاره) کیمیا؛ س، لن، ق، آ، آ: چه از چاره (س: چاره و) جنگ و از کیمیا؛ متن= ف، ل، آ ۱۶- ل: <> (وزن نادرست است)؛ ق، آ، ل: کزوهست نیرو و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۷- س، ل، و: فرو هنر؛ لی: زو هم هنر؛ آ: زور و هنر؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ل، ق: همه نیکویی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۹- ل، ق، پ، و، ب: دردها؛ ل: بندها؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، لی، آ ۲۰- ل، ق، پ، ب: درمان؛ و: بهر درمان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۱- ب: برز؛ ل: کنون ز آفریدون برو؛ ق: کنون از فریدون بدو؛ متن= نه دستنویس دیگر





چه با گونه گونه درفشان درفش<sup>۱</sup>  
 ز دریای گیلان چُن<sup>۲</sup> ابر<sup>۳</sup> سیاه  
 ۱۰۴۵ به زرین ستام و به زرین کمر<sup>۴</sup>  
 ابا گنج و پیلان و با خواسته<sup>۵</sup>  
 همه گیل مردان<sup>۶</sup> چو شیر یله  
 پس پشت شاه اندر ایرانیان  
 به پیش سپاه اندرون پیل و شیر  
 ۱۰۵۰ درفش فریدون<sup>۷</sup> چو آمد پدید  
 پیاده شد از اسپ سالار نو  
 زمین را بیوسید و کرد آفرین  
 فریدونش فرمود<sup>۸</sup> تا برنشست  
 پس آنگه سوی آسمان کرد روی  
 ۱۰۵۵ تو گفتی که من دادگر داورم

جهانی شده سرخ و زرد و بنفش  
 دُمادم<sup>۹</sup> به ساری<sup>۱۰</sup> رسیده سپاه<sup>۱۱</sup>  
 به سیمین<sup>۱۲</sup> رکیب<sup>۱۳</sup> و به زرین سپر<sup>۱۴</sup>  
 پذیره شدن را بیاراسته  
 ابا طوق زرین و<sup>۱۵</sup> مُشکین<sup>۱۶</sup> کله  
 دلیران و هریک چو شیر ژبان<sup>۱۷</sup>  
 پس زنده پیلان پیلان دلیر<sup>۱۸</sup>  
 سپاه منوچهر<sup>۱۹</sup> صف برکشید  
 درختی<sup>۲۰</sup> نوآیین پُر<sup>۲۱</sup> از بار نو  
 برآن تاج و تخت<sup>۲۲</sup> و کلاه و نگین  
 بیوسید<sup>۲۳</sup> و بسترد رویش بدست<sup>۲۴</sup>  
 که ای دادگر داور<sup>۲۵</sup> راست گوی  
 به سختی ستم دیده<sup>۲۶</sup> را یاورم

۱- لن، پ: درفشان زهر گونه گونه درفش؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- ل- ب: چو؛ متن = ف ۳- لی: ابری ۴- آ: یکایک  
 ۵- ف، س، لن، ق، پ، ل، آ: بشادی؛ متن = ل، ق، لی، و، آ، ب ۶- ف: رسیده بشاه؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: رسید (ق: کشید) آن سپاه؛ متن = ل، ق، و، آ، ب؛ درس پس از این بیت های ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ آمده است؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو آمد بنزدیک شاهان فراز فریدون پذیره بیامد بساز

۷- و: لگام و بزین سپر ۸- لن، و، ب: به زرین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- س- پ، آ، ل: رکاب؛ متن = ف، و، ب  
 ۱۰- لی: وزیر جد سپر؛ و: بزین کمر؛ ل: به سیمین سپر؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ درس این بیت پس از بیت ۱۰۴۶ آمده است  
 ۱۱- ف: ابا گنج بسیار و باخواسته؛ پ: ابا گنج و پیلان آراسته؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ): ل بجای این بیت و لن، ق، آ، لی، ل، ب پس از این بیت و س پس از بیت ۱۰۴۸ افزوده اند:

چو آمد بنزدیک شاه و سپاه (ل: شاه آن سپاه) فریدون پیاده (ل: پذیره) بیامد (ب: فریدون بیامد پذیره) براه

۱۲- ل: بگردش سپاهی؛ لن، ق، پ: همان گیل مردان؛ ب: همه گیل مردم؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ ۱۳- ل: همه  
 شیرمردان؛ لن، لی: ابا طوق مشکین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۴- لن، لی: زرین ۱۵- لن، پ: یکایک بکردار شیر ژبان؛ درس پس از این  
 بیت ۱۰۴۶ پ و سپس بیت های ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶ آمده است ۱۶- درس بیت های میان ۱۰۴۴ تا ۱۰۴۹ درهم ریخته اند: ۱۰۴۴، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸،  
 ۱۰۴۶، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۹ ۱۷- ل، ق: درفش درفشان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- لن: منوچهر آنگاه؛ ف، پ پس از این بیت سرنویس  
 دارند، ف: گفتار اندر رسیدن منوچهر بنزدیک شاه افریدون و پذیره شدن افریدون و نیایش کردن بباری سبحانه و تعالی؛ پ: رسیدن منوچهر به ایران  
 بفیروزی ۱۹- ل، لن، ق، پ- ب: درخت؛ متن = ف، س، ق، آ، لی ۲۰- لن، لی: بد ۲۱- لی، ب: بدان تخت و تاج ۲۲- لن، پ، آ: فریدون  
 فرمود؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، پ، ب: برسید؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- و، آ، ب: بپسود دستش (آ: رویش) بدست؛ متن =  
 نه دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

بیامد بگاه (ق: بدرگه) فرستاد کس  
 که سام آمده بد زهندوستان  
 بیاورد چندان زر و (لی، آ، ب: بیاورد با خود بسی) خواسته  
 که آنرا مهندس نداند شمار  
 5 سپردم بگفت این نبیره بتو (لی: بتوی)  
 تو او را بهر کار شو یارور  
 بر سام نیرم که زودآی و (لن: < >) بس  
 بفریاد آن (ب: از) رزم جادوستان  
 ابی (پ، آ: ابا) آنکه زو (لن، ب: آنک ازو) شاه بد (ق: بدشاه ازو) خواسته  
 چو او را (ب: آنرا) بدیدش جهان شهریار  
 که من رفتنی گشتم ای نیکخو (لن: شاه خو؛ لی: نیکخوی)  
 چنان کن که از تو نماید (لی، ب: بماند) هنر

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و، ل نیست ۲۵- ب: روشن ۲۶- ف: ستمکاره؛ متن = یازده دستنویس دیگر

همم تاج دادی<sup>۳</sup> هم انگشتی

نشست از بر تخت زر با کلاه  
به درگاه شاه آمد آراسته  
بیخشید یکسر همه بر سپاه

پیژمرد برگ کیانی درخت  
برآمد چنین<sup>۱۱</sup> روزگاری<sup>۱۱</sup> دراز

همم داد دادی و هم<sup>۱</sup> یآوری<sup>۲</sup>

بفرمود پس تا منوچهر شاه  
سپهدار شیروی و آن خواسته<sup>۴</sup>  
بفرمود تا خواسته پادشاه<sup>۵</sup>

۱۰۶۰ چُن<sup>۶</sup> این کرده شد روز برگشت و<sup>۷</sup> بخت  
فریدون بشد<sup>۸</sup> نام او<sup>۹</sup> ماند باز

۱- لن، ق، آ، پ، ل: دادی همم؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل، س، ق، لی، و، ب: داوری؛ متن = فن، لن، ق، آ، پ، آل، ل ۳- آ: تاج دادی و (وزن نادرست است)؛ پس از این بیت تا پایان داستان بیت های افزوده فراوان است و پیاپی بیت ها هم درهم ریخته است (ب ۱۱)؛ ف پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده است:

i بدیدم نیره جهاندار خویش به مردی و رادی به آیین و کیش  
لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده اند:

ii همه کام ها (ق، آ، لی، ب: کام دل) دادیم ای خدای  
ازین بیشتر اندرین جای تنگ  
کنون مرمرابر (ق، آ، لی، ب: مرمرکنونی؛ آ: مرمرکنون بر) بدیگر سرای  
نخواهم که یابد (ق، آ، لی، ب: دارد) روانم درنگ

این دو بیت در ف، ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> نیست ۴- ل، ق، و: شیروی با خواسته؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- س، ق، ل: بفرمود پس تا منوچهر شاه (= ۱۰۵۷)؛ و: بفرمود تا خواسته پاك شاه؛ متن = ف؛ در ل بجای این بیت، بیت ۱۰۵۷ دوبار آمده است؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت چنین آمده است:

ببخشید آن خواسته بر سپاه  
و ب پس از این بیت بیت iii را افزوده است؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: اندرز کردن منوچهر را و سپردن پادشاهی بدوی ۶- ل- ل- ب: چو؛ متن =  
ف ۷- لن، آ: < و >؛ پ: چو کرده شد آن کار برگشت؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ل- ب پس از این بیت هایی افزوده اند که در زیر آورده میشود و سپس در پ ۱۱ پیاپی آنها در هریک از دستنویس ها تعیین میگردد:

iii فریدون فرزانه شد سالخورد  
کرانه گزیداز بر (لن: سرو؛ پ: س) تاج و گاه  
به باغ بهار اندر آورد گرد  
نهاده برخود سرهر (س، آل، آ، ب: آن) سه شاه (ق، آ، لی: سران سه شاه)  
لن، پ: بیالینش اندر منوچهر شاه

بدست خودش تاج بر سر نهاد  
همی هر زمان زار بگریستی  
بنوحه درون هر زمانی بزار (ل: نزار) 5

که برگشت و تاریک شد روز من  
بزاری چنین کشته در پیش من (در آلت ها پیش و پیش شده اند)  
هم از بدخویی هم ز کردار بد  
نبردند فرمان من لاجرم  
ق: جهان گشت بره رسه بر تارو تم (ل: سه تارو درم؛ آ: سه تارو کم)  
ق: جهان گشت بریشان همی بر درم

10 پراز خون دل و پر (ق: دل پر؛ ق: دلش بد) زگره (آ: کینه) دوروی (ق: دوجوی؛ ق: دروی)

همان (لن: چنین؛ ق: آ: همی) تازمانه (ل: زمانش) سرآمد بروی (لن، ب: بدوی)  
ل، ق: چنین تا سرآمد برو گفت گوی (ق: برو نیز روی)

این بیت هادر ف نیست ۸- ل، ق، و: فریدون شد و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب: نام ازو؛ متن = فن، ل، ق، آل، ل ۱۰- ل، ق، و، ب: برین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل، ق: روزگار؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ پیاپی بیت های ۱۰۵۶-۱۰۶۱ در دستنویس ها: ف: ۱۰۵۶، آ، ۱۰۵۷-۱۰۶۱ (بیت های او او اندارد)؛ ل: ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۷، ۱۰۶۰، iii2، 10-iii4، ۱۰۶۱ (بیت های او او او iii3 و iii1 و iii3 و iii1 اندارد)؛ س: ۱۰۵۶-۱۰۶۰، 10-iii2، ۱۰۶۱ (بیت های او او اندارد)؛ لن، پ: ۱۰۵۶، ii، ۱۰۵۸، ۱۰۶۹، ۱۰۵۷، iii4، ۱۰۶۰، 10-iii2، ۱۰۶۱ (بیت های او او اندارد)؛ ق، و، ل: ۱۰۵۶-۱۰۶۰، iii2، 10-iii4، ۱۰۶۱ (بیت های او او او iii3 و iii1 و iii3 و iii1 اندارد)؛ ق: ۱۰۵۶، ii2، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۵۷، iii3، ۱۰۶۰، iii2، 10-iii4، ۱۰۶۱ (بیت های او او اندارد)؛ لی، آ: ۱۰۵۶، ii، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۵۷، iii3، ۱۰۶۰، 10-iii4، ۱۰۶۱ (بیت های او او اندارد)؛ پیاپی بیت های متن = ف پس از بیرون گذاشتن بیت آ، یا س پس از بیرون گذاشتن بیت های 10-iii2، یا ق، و، ل پس از بیرون گذاشتن بیت های 10-iii4

همه<sup>۱</sup> نیکنامی به و<sup>۲</sup> راستی  
 که کرد ای پسر سود در<sup>۳</sup> کاستی؟  
 منوچهر بنهاد تاج کیان  
 بر<sup>۵</sup> آیین شاهان یکی دخمه کرد  
 ۱۰۶۵ نهادند زیر اندرش تخت عاج<sup>۸</sup>  
 به پدرود کردنش رفتند پیش  
 در دخمه بستند بر شهریار  
 جهاننا سراسر فسوسی<sup>۱۵</sup> و باد  
 به زَنار خونین بیستش میان<sup>۴</sup>  
 چه از زر<sup>۶</sup> سرخ<sup>۷</sup> و چه از لاورود<sup>۹</sup>  
 بیاویختند<sup>۱۰</sup> از بر عاج تاج  
 چنان چون بود رسم و<sup>۱۱</sup> آیین و<sup>۱۲</sup> کیش  
 شد آن<sup>۱۳</sup> ارجمند<sup>۱۴</sup> از جهان زار و خوار<sup>۱۵</sup>  
 به تو<sup>۱۶</sup> نیست مرد خردمند شاد

۱- ل- ب: همان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- لی: نیکنامی و به؛ ب: نیکنامی برو ۳- ل، س، و، ل، آ، ب: بر؛ لن، پ: که کردار بد بردهد؛ لی: که کرد ای پسر روی در؛ متن = ف، ق، آ، ۴- ق: بیسته میان؛ لن، پ: بیستش بزَنار خونین میان؛ ل، آ: برآیین خویشش بیستند میان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۵- لن، لی: به ۶- ف، آ: چه از زرد و سرخ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ف، س، ق، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: لاجورد؛ متن = ل، لن، پ، و ۸- ف: ساج و عاج؛ لن، ق، آ، لی، آ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- س، ق، و، ل، آ: براویختند؛ متن = ل، پ، ب ۱۰- ل، ل، پ، آ، ب: < و >؛ لن، ق، آ، لی، آ این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق، و ۱۱- س، و: < و >؛ متن = ل، ق، پ، آ، ب ۱۲- لی: بشد ۱۳- ق: انجمن ۱۴- لن، ل، آ: خوار و زار؛ و: شادخوار؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در لن، لی، آ، ب لیت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ق، آ، لی، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

i یکی هفته با سوک بد شهریار ازو شهر و بازارها سوگوار

۱۵- لی: فسونی؛ پ: فسوست؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- پ: بدو؛ لن بجای این بیت و ق، آ، لی، پ، آ، ب، ل، آ پس از این بیت های زیر را افزوده‌اند (لن، پ بیت های یکم و هفتم را ندارند؛ ق، آ، لی، پ، آ، ب بیت هفتم را ندارند؛ لی تنها بیت ششم و ل تنها بیت هفتم را دارند):

ii بکردارهای تو چون بنگرم  
 یکایک همی پروریشان (لن، پ: پروردشان) بناز  
 چون مر داده را باز خواهی (لن، پ: خواهد) ستد  
 اگر شهریاری وگر زیر دست  
 5 همه درد و خوشی او (ب: سختی تو) شد چو خواب (لن، پ: آب)

خنک آنک (لی، پ: آنکه) ازو نیکویی یادگار  
 جهاننا پرور چو خواهی درود  
 فسوس است و (آ: فسوس از تو) بازی نماید برم  
 چه کوتاه عمر و چه آن دراز  
 چه غم گر بود خاک آن گر بسد (لن: برسد!)  
 چو از تو جهان این (پ، آ: آن) نفس را گسست  
 بجاوید مانند دلت را متاب  
 آ: نه جاوید مانند دلت را متاب  
 بماند (ق، آ: بدانند) اگر بنده گر شهریار  
 چو می بدروی پروریدن چسود

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و نیست؛ پیاپی بیت های ۱۰۶۴-۱۰۶۸ در دستنویس ها، ف، ل، س، ق، و: ۱۰۶۴-۱۰۶۸ (بیت های او و آ را ندارند)؛ لن: ۱۰۶۴، ۱۰۶۷، ii2-6 (بیت های ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۸ و او ii1 و ii7 را ندارد)؛ ق، آ: ۱۰۶۴، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ii1-6 (بیت های ۱۰۶۵ و ۱۰۶۶ و ii7 را ندارد)؛ لی: ۱۰۶۴، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ii6 (بیت های ۱۰۶۵، ۱۰۶۶ و ii1-5,7 را ندارد)؛ پ: ۱۰۶۴-۱۰۶۸، ii2-6 (بیت های ا و ii1,7 را ندارد)؛ ل، آ: ۱۰۶۴-۱۰۶۸، ii7 (بیت های او ii1-6 را ندارد)؛ ب: ۱۰۶۴-۱۰۶۸، ii1-6 (بیت ii7 را ندارد)؛ پیاپی بیت های متن = ف، ل، س، ق، و



منوچهر



## پادشاهی منوچهر صد و بیست سال بود<sup>۱</sup>

منوچهر يك هفته با درد بود  
 به هشتم بیامد منوچهر شاه<sup>۳</sup>  
 همه<sup>۵</sup> جادوی ها به افسون بیست  
 همه پهلوانان روی زمین  
 ۵ چو دیهیم شاهی به سر برنهاد  
 به دادو دهشن و<sup>۱۱</sup> به مردانگی  
 منم گفت بر تخت<sup>۱۳</sup>، گردان سپهر  
 زمین بنده و چرخ یار منست  
 همم دین و هم فره ایزدی<sup>۱۵</sup>  
 ۱۰ شب تار جویندهی کین منم  
 دو چشمش پرآب و رخس<sup>۲</sup> زرد بود  
 به سر برنهاد آن کیانی کلاه<sup>۴</sup>  
 برو<sup>۶</sup> سالیان انجمن شد دو شست<sup>۷</sup>  
 برو<sup>۸</sup> یکسره خواندند آفرین  
 جهان را سراسر همه<sup>۹</sup> مژده داد:  
 به نیکی و پاکی<sup>۱۲</sup> و فرزنانگی  
 همم خشم<sup>۱۴</sup> و جنگست و هم داد و مهر  
 سر تاجداران شکار منست  
 همم بخت نیکی و دست بدی<sup>۱۶</sup>  
 همان<sup>۱۷</sup> آتش تیز برزین منم

۱- ف: گفتار اندر مردن شاه افریدون و نشستن منوچهر پادشاهی و مدت پادشاهی او صد بیست سال بود؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ل، آ: صد بیست)؛ در ف و بیشتر دستنویس های دیگر سرنویس پس از بیت ۲ آمده است؛ ل<sup>۲</sup> از بیت ۱۸۷ تا بیت ۲۵۸ را انداخته است ۲- ب: دورخ؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ل، ق، و؛ در س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> بجای این بیت زیر آمده است:

پس آنگه یکی (س، ل، آ: آنگاه يك) هفته بگذاشتند همه ماتم و سوگ او داشتند

۳- و: شاد ۴- و: کلاه کیانی بسر برنهاد ۵- لن، لی: در؛ و این بیت را ندارد ۶- لن، ق، آ، لی: بر؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- ل، آ: دو دست؛ آ: برو انجمن سالیان شد درست (پساوند ندارد) ۸- لی: بدو؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، س، آ) ۹- لی: بشاهی همه؛ و (ونیز لن<sup>۲</sup>): سراسر همی؛ ب: همه سربسر؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، س، آ) ۱۰- آ: کرد یاد ۱۱- ف (ونیز س<sup>۲</sup>): به داد و دهش و؛ ل، و: بداد و بآیین و؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: بداد و دهش هم؛ ق، پ: بداد و بدین و؛ ل، آ: بداد و بیخشش؛ متن تصحیح قیاسی است (که برابر است با ف، س<sup>۲</sup> با افزودن يك نقطه) ۱۲- و: پباکی و نیکی؛ ف ناخواناست؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ ل، ق، و، ب پس از این بیت يك بیت افزوده اند:

ل، ق: چنین گفت پس (ق: آن) رادپیروز شاه

و، ب: چنین گفت با سربسر لشکرش

۱۳- لی: تخت و؛ و: منم بر سر تخت ۱۴- و: کین ۱۵- ل، ق، پ، و، ل، آ: ایزدیست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ل، ق، و: و هم بخردیست؛ پ، ل، آ: و دست بدیست؛ آ: همم تخت نیکی و هم دست بدی (وزن نادرست است)؛ ب: همم نیکیختی و هم بخردی؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، لی ۱۷- و: بروز؛ در ب پس از این بیت ۱۴ آمده است

خداوند شمشیر و زرینه کفش<sup>۱</sup>  
 فروزنده‌ی تیغ و برنده میغ<sup>۲</sup>  
 گه بزم<sup>۳</sup> دریا دو دست منست  
 بدان را ز بد دست کوتاه کنم  
 ۱۵ گراینده<sup>۴</sup> گرز و نماینده تاج  
 ابا این هنرها یکی بنده‌ام  
 به راه فریدون فرخ رویم  
 همه دست بر روی خندان<sup>۱۴</sup> زنیم  
 کزوتاج و تخت ست<sup>۱۶</sup> و زومان<sup>۱۷</sup> سپاه  
 ۲۰ هرآنکس که در هفت کشور زمین  
 نماینده‌ی رنج، درویش را  
 برافراختن<sup>۲۰</sup> سر به<sup>۲۱</sup> بیشی<sup>۲۲</sup> و گنج  
 همه سربسر نزد من<sup>۲۵</sup> کافرند<sup>۲۶</sup>  
 هر آن دین‌وری کو برین دین بود<sup>۳۰</sup>

فرازنده‌ی کاویانی درفش  
 به کین<sup>۳</sup> اندرون جان ندارم دریغ  
 دم آتش از برنشست<sup>۵</sup> منست  
 زمین را به کین<sup>۶</sup> رنگ دیبه<sup>۷</sup> کنم  
 فزاینده‌ی<sup>۹</sup> داد<sup>۱۱</sup> بر تخت عاج  
 جهان آفرین را ستاینده‌ام  
 نیامان کهن بود گر<sup>۱۳</sup> ما نویم<sup>۱۵</sup>  
 همه داستان‌ها ز یزدان زنیم  
 بدومان امید و بدومان پناه  
 بگردد ز راه و بتابد<sup>۱۹</sup> ز دین  
 زبون داشتن مردم خویش را  
 به رنجور<sup>۲۳</sup> مردم نماینده<sup>۲۴</sup> رنج  
 از<sup>۲۷</sup> آهرمن<sup>۲۸</sup> بدگنش بترند<sup>۲۹</sup>  
 ز یزدان و از منش<sup>۳۱</sup> نفرین بود

۱- س: کویال و کفش ۲- ل، س، ق، آ، ل، ب: فروزنده‌گاه (ل: میغ) و برنده تیغ؛ لن، لی، پ: فروزنده‌گاه (پ: میغ) و برآورنده تیغ؛ ق، و این بیت را ندارند؛ ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ (س: فروزنده تیغ و برنده تیغ)؛ متن= ف ۳- لن، لی، پ: بجنگ؛ متن= ف، ل، س، ق، آ، ل، ب ۴- ل، ق: که برتر ز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۵- ل، لی، ل: اندر نشست؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۶- لی: به خون؛ و: همه ۷- ف: بوته؛ ق: پلنگان بدخو چورویه؛ متن= ل، س، لن، ق ۲- ب (و نیز ل، لن، آ، س)؛ در ل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ب این بیت پس از بیت ۱۰ آمده است ۸- ل: گزرنده؛ لن، پ: گزرنده؛ ل: گزرنده؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- ل: فرازنده ۱۰- ف، س، لن، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ملک؛ متن= ل، ق، و؛ در ل، آ پس از این بیت نخست بیت های ۱۸ و ۱۹ و سپس بیت های ۱۶ و ۱۷ آمده‌اند ۱۱- ل: بنده‌ایم ۱۲- ل، لن، پ، آ: پرستنده‌ام؛ ل: ستاینده‌ایم؛ لی: یکی بنده آفریننده‌ام؛ متن= ف، س، ق، آ، و، ب ۱۳- س، لن، لی، پ، و، آ: بود اگر؛ ب: شد دگر؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل، در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، آ، س)؛ گریان؛ ل: همه دست در کینه‌داران؛ متن= ف، و (و نیز ل، آ) ۱۵- در ف این ل ت پاك شده است؛ متن= یازده دستنویس دیگر؛ در س، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۶- لن، لی: ازوتاج و تخت و؛ ق، آ: ازوتاج و تختست؛ و: کزویست تاج و؛ ب: کزو تخت و تاجست و؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، ل ۱۷- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: زویم (در لن وزن نادرست است)؛ لی، و: ازویم؛ متن= ف، ل (و نیز س، آ) ۱۸- ل- آ، ب: ازویم (ل، س، ق، آ، لی: زویم) سپاس و بدویم (ل: زویم) پناه؛ متن= ف، ل (و نیز س، آ) ۱۹- در ف این واژه پاك شده است؛ متن= یازده دستنویس دیگر ۲۰- لن، ق، آ، پ، آ: برافراشتن؛ ل: سرافراختن؛ ب: برافراخته؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، و ۲۱- ل، ق، و، ل، ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۲- س، لن، ق، آ، پ، آ: ز؛ ق، لی، و، ل؛ < و >؛ متن= ف، ل، ب ۲۳- ل، ق، پ، و، ب: به درویش؛ لن: بنحور؛ لی: زگنجور؛ متن= ف، س، ق، آ، ل، آ ۲۴- و: رسانیده ۲۵- ل، س، لن، ق، ق، آ، لی، و، آ: همه نزد من سربسر؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، پ، ل ۲۶- لن: کافرند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ س، لی: کافرید؛ و: کافرست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۷- ل- آ: وز؛ متن= ف، ل ۲۸- لی، و: اهریمن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (اهرمن) ۲۹- س، آ: برترند؛ لن: بدترید (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ ق: بدترند؛ لی: بدترید؛ و: بدترست؛ متن= ف، ل، ق، آ، پ، ل ۳۰- ل: هر آنکس که او جز برین دین بود؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: هر آن دین ور (ق: دینه ور؛ پ: دین وری) کونه بر دین بود؛ و (و نیز ل، لن، آ): هر آنکونه بامن برین دین بود؛ آ (و نیز س، آ): هر آن دین ور کو برین دین بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل (که به آ، س نزدیک است) ۳۱- س: ماش؛ لی: زمش؛ آ: وزماش؛ پ: زیزدانش و زماش؛ متن= هفت دستنویس دیگر





مرا پهلوانی نیای تو داد      دلم را خرد هوش و رای<sup>۱</sup> تو داد  
 ۴۰ پس<sup>۲</sup> از پیش تختش گزاید<sup>۳</sup> سام      پیش پهلوانان نهادند گام

### گفتار اندر داستان سام نریمان وزادن زال<sup>۴</sup>

کنون پُر<sup>۵</sup> شگفتی یکی داستان      بیوندم از گفته‌ی باستان  
 نگه کن که مر سام را روزگار      چه بازی نمود ای<sup>۶</sup> پسر<sup>۷</sup> گوش دار  
 نبود ایچ<sup>۸</sup> فرزند مر سام را      دلش بود جوینده‌ی کام را<sup>۹</sup>  
 نگاری بُد اندر شبستان اوئی<sup>۱۰</sup>      ز گلبرگ رخ داشت و ز مُشگ موی<sup>۱۱</sup>  
 ۴۵ از آن ماهش<sup>۱۲</sup> اومید<sup>۱۳</sup> فرزند بود      که خورشید چهره<sup>۱۴</sup> برومند بود  
 ز مادر جدا شد بدان<sup>۱۵</sup> چند روز      نگاری چو خورشید گیتی فروز  
 به چهره نکو<sup>۱۶</sup> بود برسان<sup>۱۷</sup> شید      ولیکن همه موی بودش سپید<sup>۱۸</sup>  
 پسر چون ز مادر برین<sup>۱۹</sup> گونه زاد      نکردند يك هفته بر سام یاد<sup>۲۰</sup>  
 شبستان آن نامور پهلوان      همه پیش آن<sup>۲۱</sup> خرد كودك نوان  
 ۵۰ کسی سام یل را نیارست گفت      که فرزند پیر آمد از خوب جفت  
 یکی دایه بودش بکردار شیر      بر پهلوان اندرآمد دلیر<sup>۲۲</sup>

۱- لن، ق، پ، آ: مهر و رای؛ لی: همان تخت فیروزه جای؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ل-آ، ب پس از این بیت افزوده اند: برو(لی: بدو) کردنیز(لن: تیزکرد؛ ق، پ: نیز کرد) آفرین شهریار      بسی دادش از هدیه (ل: گوهر) شاهوار  
 ل: برو آفرین کرد پس شهریار

این بیت در ف، س، ل<sup>۲</sup> نیست      ۲- ل: جو؛ متن = یازده دستنویس دیگر      ۳- ق، پ: خرامید؛ و: گرایید؛ ل<sup>۲</sup>: گزارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ ل-آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

خرامید و شد سوی آرامگاه      همی گشت (ل: کرد) گیتی بآیین (ق، لی: بارام) و راه (ق: گاه)

این بیت در ف، س، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>) نیست      ۴- ف: گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن پسرش از مادر و بینداختن سام زال را؛ ل، لی: داستان سام و (لی: با) زال و سیمرغ؛ س: زادن زال از مادر؛ لن: گفتار اندر زادن زال از مادر؛ ق: اندر مولود زال سام و کار او با سیمرغ؛ ق، پ، ب: داستان سام نریمان (ب: <نریمان>) با (پ: با پسرش) زال؛ و: داستان زال زرو زادن او از مادر؛ آ: آغاز داستان؛ ل<sup>۲</sup>: داستان زال و پروردن سیمرغ او را؛ متن = آغاز ف      ۵- ق: از؛ س، لی: این بیت را ندارند؛ متن = نه دستنویس دیگر      ۶- لن: از      ۷- ف، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): عجب؛ متن = ده دستنویس دیگر      ۸- س، و: نبد هیچ؛ ق: نبود هیچ؛ پ: نه می بود؛ متن = هشت دستنویس دیگر      ۹- س-ب: جويا (ب: جويا) دلارام را؛ ل<sup>۲</sup>: دلش را نبود ایچ آرام را؛ متن = ف، ل<sup>۱۰</sup>-آ: او      ۱۱-آ: مو؛ لی: و از مشك موی؛ لن: چو گلبرگ رخ هر دو و ز مشك موی؛ ل<sup>۲</sup>: که از لاله رخ داشت و ز مشك موی؛ ب: ز برگ گلش روی و از مشك موی؛ متن = هشت دستنویس دیگر      ۱۲- پ: نامش      ۱۳- ل، س، لن، ق، لی-ب: امید؛ متن = ف، ق، آ      ۱۴- ف، ل، پ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): خورشید چهره و؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ ل، لن-آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

ز سام نریمان همو (لی: همی) بار داشت      ز بارگران تنش (ق، لی: گرانش تن؛ و: گرانش دل) آزار داشت

این بیت در ف، س، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست      ۱۵- ل: بران؛ س، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup>: دران؛ متن = ف، لن، ق، ق، پ، ب؛ در ب این بیت پس از بیت ۴۹ آمده است      ۱۶- ل، لن، ق، پ، و، آ، ب: چنان؛ ق<sup>۲</sup>: چنین؛ س: برخسارگان بود؛ متن = ف، لی، ل<sup>۲</sup>      ۱۷- ل، لن: تابنده؛ متن = ده دستنویس دیگر      ۱۸- لی، و، ب: سفید      ۱۹- ل، س، و، بران؛ لن، لی، آ: بدین؛ ق، ب: بدان؛ پ: ز مادر پسر چون بدین؛ ل<sup>۲</sup>: پسر را چو مادر بدین؛ متن = ف، ق، آ      ۲۰- لی: مر سام یاد؛ ق: نکردند بر سام يك هفته یاد      ۲۱- ل<sup>۲</sup>: این؛ در ب این بیت پس از بیت ۴۶ آمده است      ۲۲- ل-پ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

چو آمد بر پهلوان مژده داد      زبان برگشاد آفرین کرد یاد

این بیت در ف، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست

دل بدسگالان او<sup>۱</sup> کنده باد  
یکی پاک پور آمد از<sup>۳</sup> ماهروی  
برو<sup>۶</sup> بر نبینی يك اندام زشت  
چنین بود<sup>۴</sup> بخش تو ای نامجوی<sup>۹</sup>

به پرده ندرآمد<sup>۱۰</sup> سوی نوبهار  
بیود از جهان سربسر<sup>۱۲</sup> نا امید  
ابا کردگار او به پیگار خاست<sup>۱۳</sup>  
بھی زان فزاید که تو خواستی<sup>۱۴</sup>  
وگر کیش<sup>۱۵</sup> آهرمن<sup>۱۶</sup> آورده<sup>۱۷</sup> ام  
به من بر ببخشاید اندر نهان

که بر سام یل روز فرخنده باد  
پس پرده اندر یل<sup>۲</sup> نامجوی  
تنش نقره‌ی پاک<sup>۴</sup> و رخ چون بهشت<sup>۵</sup>  
از آهو همان که ش سپیدست<sup>۷</sup> موی<sup>۵۵</sup>

فرود آمد از تخت سام سوار  
چو فرزند را دید مویش سپید<sup>۱۱</sup>  
سوی آسمان سر برآورد راست  
که ای برتر از کژی و کاستی<sup>۱۴</sup>  
۶۰ اگر من گناهی گران کرده‌ام  
به پوزش<sup>۱۸</sup> مگر کردگار جهان

۱- س، ب: نو؛ ق، و: وی؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ لن - پ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بداد آنج از (ق: آنک ز؛ ق، لی، ب: آنچه ز) ایزد همی خواستی  
کجا (ق، ق، آ، لی، ب: همی) جان بدین (ق: بدان) خواهش آراستی  
پ: بدادت خدای آنچه میخواستی

این بیت در ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲- ل، ق، و: پس پرده تو درای؛ س: پس پرده اندرت؛ لن، ق، آ، پ، آ: پس پرده تو ایا؛ لی:  
پس پرده تو یکی؛ ب: ترا در پس پرده‌ای؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup> ۳- ل، لن، لی، ب: یکی پور پاک آمد از (لن، پ: آمده؛ و: < از > (وزن نادرست است))؛  
متن = ف، س، ق، ق، آ؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی پهلوان بچه شیر دل  
نماید (لی: برآمد) بدین خردگی چیر دل  
۴- ل، ق: نقره سیم؛ و: نقره سیم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- ق: رویش بهشت؛ و: رخس چون بهشت ۶- لی: بدو؛ در لن این بیت با بیت  
سپسین پس و پیش شده است ۷- ب: سفیدست ۸- ب: است ۹- لن، پ: بخشش ابا نامجوی؛ و: بهر تو ای نامجوی؛ متن = نه دستنویس دیگر؛  
در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ لن پس از بیت ۵۴ و ق، آ، لی، پ، ب پس از بیت ۵۵ افزوده‌اند:

بدین بخششت (ق: گردشت) کرد باید پسند  
مکن جان تو (ق، آ، لی، ب: جانت) نسیاس (لی، پ: نشناس) و دلر اترزند  
ق: مکن ناسیاسی و دل در میند

این بیت در ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup> نیست ۱۰- ل- ب: به پرده در آمد؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>): اندر آمد (← ضحاک، بیت ۴۰) ۱۱- لی، و، ب:  
سفید ۱۲- لن، ق، آ، لی، پ: یکسره؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ لن، ق، ق، آ، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بترسید سخت از پی (ق: از ره؛ و: از بد) سرزنش شد از راه دانش بدیگر منش  
این بیت در ف، ل، س، آ، ل<sup>۲</sup> نیست ۱۳- ف، ل<sup>۲</sup>: ابا کرده کار پیکار خواست (وزن نادرست است)؛ ل، س، ق، و، آ: ز دادار (ل: داداور) آنگاه (و):  
داننده) فریاد خواست؛ لی: ازان کرده خویش زنهار خواست؛ متن = لن، ق، آ، پ، ب ۱۴- آ: راستی ۱۵- لن، پ: دین ۱۶- لی، و: اهریمن؛  
متن = ده دستنویس دیگر (ا: اهرمن) ۱۷- ف: آورده‌ام؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- ل<sup>۲</sup>: ببودش؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آگاهی آید بهر انجمن  
بروی مهان چون گشایم دو چشم  
نباشد بجز کامه بد سگال  
اگر بخشش دادگریک خدای  
بماند مرا نام با آب روی  
و گرنه بجا مانم این انجمن  
شوم ناپدید از میان گروه  
ازین ننگ بدخواه تا جاودان  
ازین زندگی مرگ خوشتر بسی  
چو دشمن بود شاد و نالنده دوست  
سرافکننده مردم ز دد کمتر است  
ازین اهرمن ساز نا پاک تن  
ندانم همی چاره این مگر  
ببخشد برین بنده پرگناه

5

10

بجوشد همی در دلم<sup>۱</sup> خون گرم  
 سیه پیکر و موی سر چون سمن  
 چه گویم<sup>۵</sup> ازین بچه‌ی بدنشان  
 پلنگ<sup>۸</sup> دو رنگست گر بربريست<sup>۹</sup>  
 نخوانم<sup>۱۰</sup> برین بوم و بر<sup>۱۱</sup> آفرین

از آن<sup>۱۳</sup> بوم و بر<sup>۱۴</sup> دور بگذاشتند  
 بدان<sup>۱۶</sup> خانه آن<sup>۱۷</sup> خرد<sup>۱۸</sup> بیگانه بود  
 برآمد برین<sup>۲۰</sup> روزگاری<sup>۲۱</sup> دراز  
 ندانست<sup>۲۳</sup> رنگ سپید<sup>۲۴</sup> و سیاه<sup>۲۵</sup>  
 جفا کرد با<sup>۲۷</sup> کودک<sup>۲۸</sup> شیرخوار  
 کجا کرده بد بچه را سیر شیر<sup>۳۱</sup>

پیچد همی تیره جانم ز شرم  
 ازین بچه چون بچه‌ی آهرمن  
 چو آیند و<sup>۳</sup> پرسند<sup>۴</sup> گردنگشان  
 چه گویم<sup>۶</sup> که این بچه‌ی دیو چیست<sup>۷</sup>  
 ۶۵ ازین ننگ بگذارم ایران زمین

بفرمود پس تاش<sup>۱۲</sup> برداشتند  
 بجایی که<sup>۱۵</sup> سیمرغ را خانه بود  
 نهادند بر<sup>۱۹</sup> کوه و گشتند باز  
 ۷۰ چنان<sup>۲۲</sup> پهلوان زاده‌ی بی‌گناه  
 پدر<sup>۲۶</sup> مهر و پیوند بفرگند خوار  
 یکی داستان زد برین<sup>۲۹</sup> شیر پیر<sup>۳۰</sup>

۱- لن، ق، آ، لی، پ: تنم؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ق، آ، و: سیه چشم و مویش بسان (و: موی سرش چون) سمن؛ ب: همه موی و روی و سرش چون سمن؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- س، ق، آ، و: < و > ۴- س: پرسنده ۵- س، ق، آ: پرسند؛ لن، ق: پرسند؛ لی: نشانها؛ پ، آ: چه گویند؛ ل: برسند (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، و، ب ۶- و: بگویم ۷- لن، ق، آ، لی، و، ل، آ، ب: کیست؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، آ ۸- ل: پلنگ و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- ف، ق، لی، و، آ، ب (و نیز س، آ): ما بربريست (در ف حرف های یکم و پنجم و در و حرف های یکم و سوم و هفتم نقطه ندارند)؛ ل: و گرنه پرست؛ لن، ق، آ، پ (و نیز ل، آ، لن، آ): یا خود پرست؛ متن = س، ل، آ؛ لن، ق، آ، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بخندند بر من مهان جهان  
 بمن بر نبخشند اندر نهان  
 ق، آ، ب: ازین بچه در آشکار و نهان

۱۰- پ: بخوانم ۱۱- س، ب: برین (ب: بدین) زاد و بوم؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:  
 بگفت و بخشم او (ق: بخشم؛ ب: ز خشمش) بتابید روی  
 و: بگفت این بخشم و بتابید روی

این بیت در ف، ل، س، آ، ل نیست ۱۲- س: ناکه ۱۳- ق، پ، و، آ، ب: وزان ۱۴- ل: بوم و در؛ لن، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی کوه بد نامش البرز کوه  
 بخورشید نزدیک و دور از گروه

۱۵- لن، ق، آ، لی، پ: بدانجای؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۶- ل: بران؛ لی: چنان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- لن، ق، آ، لی، پ: از؛ ق، و، آ: این؛ متن = ف، ل، س، ل، آ، ب ۱۸- لن، ق، آ، لی، پ: خلق؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۹- ل: در ۲۰- لی: بدین؛ ل: بران ۲۱- ف: روزگار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ف: چو آن؛ ل: جهان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- س، و: ندانسته ۲۴- لی، و، ب: سفید ۲۵- ل، لن، ق، پ، آ، ب: از؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، ل، آ، بدو ۲۶- لن: بدو ۲۷- لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: بر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ق، آ: کودکی؛ ق پس از این بیت افزوده است:

جهاندار یزدان جان آفرین  
 به بیماری او را همی آزمود  
 پزشکان گشتی به سام انجمن  
 مگر به شود هیچ بهتر نشد  
 5 بدانست سام نریمان درست  
 همان خرد کودک بدان جایگاه  
 زمانی سرانگشت را می مزید  
 از آن کار بر سام بر خشم کین  
 یکی درد کش هیچ درمان نبود  
 همی چاره سازید از مرد و زن  
 کسی سوی آن درد رهبر نشد  
 که یزدان و را زان گنه کرد سست  
 شب و روز افکنده بد بی پناه  
 زمانی خروشدن از بر کشید

۲۹- لی: بدین؛ ق این بیت را ندارد ۳۰- لن، ق، آ، پ: نره شیر؛ و: پیر شیر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- لن، پ، و: شیر سیر؛ ق: از شیر سیر؛ ل، س: کجا بچه را کرده بد سیر شیر؛ لی: کجا داده بد بچه را سیر شیر؛ آ: که فرزند را کرده بد سیر شیر؛ متن = ف، ل، آ، ب

سپاس ایچ<sup>۱</sup> بر سرت ننهادمی<sup>۲</sup>  
دلم بگسلد گر ز من بگسلی

به پرواز برشد دمان از بنه<sup>۶</sup>  
زمین را چو<sup>۸</sup> دریای جوشنده<sup>۹</sup> دید  
تن از جامه دور و لب<sup>۱۲</sup> از شیر پاک  
به سربرش خورشید گشته بلند  
مگر<sup>۱۴</sup> سایه‌یی یافتی ز آفتاب<sup>۱۵</sup>

بزد برگرفتتش از آن گرم<sup>۱۷</sup> سنگ  
که بودش بر آنجا<sup>۱۸</sup> کُنام<sup>۱۹</sup> گروه  
بدان<sup>۲۱</sup> ناله‌ی<sup>۲۲</sup> زار او ننگرند<sup>۲۳</sup>  
همه<sup>۲۴</sup> بودنی داشت اندر روش<sup>۲۵</sup>  
بدان<sup>۲۷</sup> خرد خون از دو دیده چکان<sup>۲۸</sup>  
بماندند خیره در آن<sup>۳۱</sup> خوبچهر  
بدو داد تا او به لب می‌مزید<sup>۳۴</sup>  
برآورد و دارنده<sup>۳۶</sup> بگشاد<sup>۳۷</sup> راز

که گر من ترا خون دل دادمی  
که تو خود مرا ویژه خون دلی<sup>۳</sup>

۷۵ چو سیمرغ را<sup>۴</sup> بچه شده<sup>۵</sup> گرسنه  
یکی شیرخواره خروشنده<sup>۷</sup> دید  
ز<sup>۱۱</sup> خاراش گهواره و<sup>۱۱</sup> دایه خاک  
به گرد اندرش تیره خاک نژند  
پلنگش بُدی کاجکی<sup>۱۳</sup> مام و باب

۸۰ فرود آمد از ابر سیمرغ و<sup>۱۶</sup> چنگ  
ببردش دمان تا به البرز کوه  
سوی بچگان برد تا بشکرنند<sup>۲</sup>  
بخشود یزدان نیکی دهش  
نگه کرد سیمرغ با<sup>۲۶</sup> بچگان  
۸۵ شگفتی، بدوبر<sup>۲۹</sup> فگندند<sup>۳۰</sup> مهر  
شکاری که<sup>۳۲</sup> نازک تر آن<sup>۳۳</sup> برگزید  
برین<sup>۳۵</sup> گونه تا روزگاری دراز

۱- لی، آ: آنچه؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- لی: بنهادمی ۳- ل، پ: که تو خود مرا دیده و هم دلی؛ لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب: تو خود مر(ل)؛ که تو مر؛ ب: که خود تو( مر ازنده همچون (و، آ: جان و) دلی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، س؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر رسیدن سیمرغ بزال بگرفتن او را و پیش بچگان بردن و پروردن زال را ۴- پ: با ۵- ل: چو سیمرغ شد بچه را ۶- ق: پُران از بنه؛ ق، آ، لی: بلند از بنه؛ لن: بر آمد از آن کوه سر یک تنه؛ پ: بیامد خود از کوه سر تا بنه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۷- آ: خروشیده ۸- لن، پ: زمین همچو ۹- آ: جوشیده ۱۰- ق: چو ۱۱- لن، ق: < و > ۱۲- ل: تن از جامه و دولب ۱۳- ف- ق، آ، پ- ل: (و نیز ل، لن، آ، س): کاشکی؛ متن = لی، ب ۱۴- لن، پ: که تا ۱۵- ف: سایه کردیش از آفتاب؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س): لن- و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

خداوند مه‌ری به سیمرغ داد نکرد او (لی: نکردش) بخوردن از آن خرد یاد

پ: نکرد او بخورد از لب خرد یاد

و: که از خوردن او نکرد ایچ یاد

این بیت در ف، ل، س، آ، ل نیست ۱۶- ل: < و > ۱۷- س: کوه؛ لن، پ: نرم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بدانجا؛ ق، و: در آنجا؛ ل: نشست و؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، ب ۱۹- ل، و، آ: کُنام و؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۰- س: نشکوند؛ آ: بشکرد؛ شکرند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۱- ل: بران ۲۲- ل: ناله و ۲۳- لن، پ، ل: بنگرند؛ آ: بنگرد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۴- لن، ق، آ، لی: یکی؛ ق، پ، آ: کجا؛ و، ل، آ، ب: همی؛ متن = ف، ل، س ۲۵- ل، س، لن، ق، آ- و، ل، آ، ب (و نیز ل): بوش (در ل روش داشته، آنرا به بوش برگردانده‌اند)؛ ق: رهش؛ (لن، آ، س: برش)؛ متن = ف، آ ۲۶- آ، ب: تا ۲۷- ل: بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- ب: بدان خرد چون بگسلاند جان ۲۹- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: برو؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ب ۳۰- ل: بیفکند؛ ل، آ، ب: گرفتند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- ل: بران؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: بدان؛ متن = ف، ق، و، آ، ل ۳۲- پ، آ: ز؛ لن این بیت را ندارد ۳۳- ل: نازک ترین؛ آ: نازک بر آن؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۴- ل، س، ق، آ، لی، ل، آ، ب: که بی (لی: کی) شیر مهمان همی خون مزید؛ پ، و، آ: بدو داد تا از لبان می‌مزید (و: می‌مکید)؛ متن = ف؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بمردار خویشش همی پرورید ابا بچگانش همی آرמיד

مدار این تراز کار یزدان شگفت فکنده نشد هر که او برگرفت

۳۵- لن، آ: بدان؛ لی، ب: بدین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۶- ل، ل، آ: بر آورد داننده؛ س: بر آورده دارنده؛ لن، ق، آ: بر آورد دارنده؛ ق: بر آمد چو داننده؛ لی: بدان راز داننده؛ و: بروراز داننده؛ متن = ف، پ، آ، ب ۳۷- ل: نگشاد

چُن آن<sup>۱</sup> کودكِ خُرد پُرمایه گشت      بران کوهبر کاروان ها<sup>۲</sup> گذشت  
یکی مرد شد چون یکی زادسرو      برش کوه سیم و<sup>۳</sup> میانش چو غرو  
نشانش پراکنده شد در جهان      بد و نیک هرگز نماند نهان      ۹۰

### گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان<sup>۴</sup>

به سام نریمان رسید آگهی      از آن نامور<sup>۵</sup> پور با فرهی  
شبی از شبان<sup>۶</sup> داغ دل خفته بود      ز کار زمانه برآشفته بود  
چنان دید کز کشور هندوان<sup>۷</sup>      یکی مرد بر تازی اسپی<sup>۸</sup> دوان  
[فراز<sup>۹</sup> آمدی تا بنزدیک سام      سُواری سرافراز و گرد و هُمام<sup>۱۰</sup> ]  
و<sup>۱۱</sup> را مژده دادی به<sup>۱۱</sup> فرزند اوی<sup>۱۲</sup>      بران<sup>۱۳</sup> بُرز<sup>۱۴</sup> شاخ برومند اوی<sup>۱۲</sup>  
چو بیدار شد موبدان را بخواند      و<sup>۱۵</sup> زین<sup>۱۵</sup> در سَخُن چند گونه براند  
بدیشان<sup>۱۶</sup> بگفت آنچه<sup>۱۷</sup> در خواب دید      جز آن هر چه<sup>۱۸</sup> از کاردانان شنید  
چه گوید گفت اندرین داستان      خردتان بدین<sup>۱۹</sup> هست همداستان

هر آنکس که بودند پیر و جوان      زبان برگشادند بر پهلوان<sup>۲۰</sup>  
۱۰۰ که بر سنگ<sup>۲۱</sup> و بر خاک<sup>۲۲</sup> شیر و پلنگ      چه<sup>۲۳</sup> ماهی بدآب اندرون<sup>۲۴</sup> با<sup>۲۵</sup> نهنگ  
همه بچه را پروراننده اند<sup>۲۶</sup>      ستایش به یزدان رساننده اند<sup>۲۷</sup>

۱- ف: چنان؛ ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): چو آن؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): چو این؛ متن = (س<sup>۲</sup>) ۲- لن، لی، پ: روزگاری؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ بنداری: وكانت القوافل تعبر تحت ذلك الجبل ۳- ل، لی: سیمین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- ف: گفتار اندر خواب دیدن سام نریمان اندر حق زال پسرش و رفتن بطلب او؛ س، لن، ق، ل، لی: بخواب (لن، ق، ل: خواب) دیدن سام کنام سیمرغ را (س: کنام سیمرغ را با زال زر؛ ق، ل: کنام مرغ با زال؛ لی: کنام سیمرغ با زال)؛ ق: خواب دیدن سام و تدارک نمودن حال زال؛ پ: خواب دیدن سام از حال پسر؛ و، آ: خواب دیدن سام نریمان (و... و باز آوردن زال را از کوه)؛ ل، ل: خبر یافتن سام از حال زال و خواب او؛ ب: بخواب دیدن سام سیمرغ؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۵- ل، س، لن، ق، ل، لی، پ، آ، ل (و نیز س<sup>۲</sup>): نیک بی؛ متن = ف، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۶- ل: ز شبها شبی؛ ق از این بیت تا بیت ۱۰۳ را انداخته است ۷- ل، و، آ، ب: چنان دید در خواب کز هندوان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- ل: اسبان؛ آ: یکی مرد تازی اسپ (وزن نادرست است) ۹- ق، ل: برآز؛ ل، س، لن، ق، ل، پ، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن = ف، لی، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۰- لی: سرافراز گرد همام؛ و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>)، س<sup>۲</sup>: سرافراز و گردی (و: مردی) تمام؛ در ق<sup>۲</sup> لت دوم این بیت پاک شده است؛ متن = ف ۱۱- لی، پ: ز ۱۲- ل، س، ق، آ، ل: او؛ متن = ف، لن، لی، پ، و، ب ۱۳- لن، و، ل، آ، پ: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ق ۱۴- لن: شاد ۱۵- ل، و: ازین؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ق ۱۶- ل: بایشان ۱۷- پ، و، آ، ل، آ، ب: آنچه؛ لن، ق این بیت را ندارند؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پاک شده است؛ متن = ف، ل، س، لی ۱۸- ل: هرچ ۱۹- ل، لی، پ، و، آ: برین؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل، ب؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند: که زنده ست آن (پ: این) خرد کودك هنوز وگر (لی، ب: و یا) شد ز سرمای (ب: سرما) و مهر و تموز این بیت در ف، ل، ق، و، آ، ل (و نیز در لن<sup>۲</sup>) نیست ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، ب پس از این بیت و و پس از بیت ۱۰۱ افزوده اند (در ق<sup>۲</sup> لت یکم این بیت پاک شده است):

که هر کو به یزدان شود ناسپاس      نباشد بهرکار (ب: کاری (وزن نادرست است)) نیکی شناس  
این بیت در ف، ل، ق، پ، آ، ل نیست ۲۱- ل: کوه؛ ل: خاک؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ق ۲۲- آ: خاک و؛ ل: سنگ ۲۳- لی: چو ۲۴- ف، لن، لی، پ، و، آ، ب: به آب اندرون؛ ل: بدریا درون؛ متن = س، ق، ل، آ تا ۲۶- ل، ق، آ، ل: پروراننده اند؛ س، لن: پروراننده اند (حرف هفتم نقطه ندارد)؛ متن = ف، لی، پ، و، ب ۲۷- ل، و، آ، ل: رساننده اند؛ س، لن: رساننده اند (حرف پنجم نقطه ندارد)؛ در ق<sup>۲</sup> این واژه پاک شده است؛ متن = ف، لی، پ، ب؛ ب پس از این بیت افزوده است:

پسر داد یزدان بینداختی      ز بی باکی ارجش نبشناختی

چُنان بی گنه بچه را بگنی  
که اویست بر نیک و بد ره‌نمای

توای پیمان نیکی دهش بشکنی  
به یزدان کنون سوی پوزش گرای

کز<sup>۳</sup> اندیشه‌ی دل<sup>۴</sup> شتاب آمدش  
درفشی برافراختندی<sup>۵</sup> بلند<sup>۶</sup>  
سپاهی گران از پس پشتِ اوی  
سوی راستش نامور بخردی  
گشادی زبان را<sup>۷</sup> به گفتار سرد  
دل و دیده شسته ز شرم خدای<sup>۸</sup>  
پس این پهلوانی چه بایسته‌یی<sup>۹</sup>  
ترا ریش و سر<sup>۱۰</sup> گشت چون خنگ بید<sup>۱۱</sup>  
که در تنت<sup>۱۲</sup> هر روز رنگیست نو  
کنون هست پرورده‌ی کردگار  
ترا خود به مهر اندرون مایه نیست

چو شب تیره شد رای خواب آمدش  
چُنان<sup>۱۰۵</sup> دید در خواب کز کوه هند  
غلامی پدید آمدی<sup>۱۱</sup> خوبروی  
به دست چپش بر یکی موبدی  
یکی پیش سام آمدی زان<sup>۱۲</sup> دو مرد  
که ای مرد ناباک<sup>۱۳</sup> ناپاک رای  
ترا دایه گر مرغ شایسته‌یی<sup>۱۴</sup>  
گر<sup>۱۵</sup> آهوست بر مرد موی سپید<sup>۱۶</sup>  
پس از آفریننده بیزار شو  
پسر گر<sup>۱۷</sup> بنزد پدر بود<sup>۱۸</sup> خوار  
کز<sup>۱۹</sup> مهربان تر بدو<sup>۲۰</sup> دایه نیست

چو شیر ژیان کاندرا آید به دام<sup>۲۴</sup>

۱۱۵ به خواب اندرون برخروشید سام

۱- ف: چو؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پاك شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ق (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ز موی سپیدش (لی، ب: سفیدش) دل آری بتنگ  
نگر تا نگویی که او زنده نیست  
که یزدان کسی را که دارد نگاه  
ق<sup>۲</sup>، لی، ب: نگرده ز سرما و گرما تباه

این بیت در ف، ل، س، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup> نیست ۲- ل: بر نیکویی؛ ق<sup>۲</sup>، لی: نیکی ده؛ و؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ق ۳- ل، ق، و، آ: از؛ س: وز؛ متن = ف، ق<sup>۲</sup>، لی، ل، آ، ب ۴- لن، پ: گران شد سرش در؛ لی، ل، آ، ب: کز اندیشه دل بر (ل<sup>۲</sup>: پر) ۵- ل: چنین ۶- ل: برافراشتندی؛ ق، پ، آ: برافراختی چون؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ب: پرند؛ متن = ف، ل، لی، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- ل: آمد (وزن نادرست است)؛ آ پس از این بیت سرنویس دارد: زاییدن زال از مادر ۹- لی: زین؛ ۱۰- ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): زبان بر گشادی؛ متن = ف، آ ۱۱- ل: ناباک و؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ل<sup>۲</sup>: بی باک؛ آ، ب: ناپاک؛ متن = ف، ق، و ۱۲- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ: ز دیده بستی تو شرم خدای؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۳- ل، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): شاید همی؛ آ: شایسته بود؛ ل<sup>۲</sup>: شایستدی؛ (س<sup>۲</sup>: شایستنی)؛ متن = ف (شایستنی) ۱۴- ل، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): باید همی؛ آ: بایسته بود؛ ل<sup>۲</sup>: بایستدی؛ (س<sup>۲</sup>: بایستنی)؛ متن = ف (بایستی)؛ حرف ششم نقطه ندارد)) ۱۵- پ: که ۱۶- لی، و، ب: سفید ۱۷- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، ب: موی سر؛ و: ریش چون؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ف (و نیز س<sup>۲</sup>): خنگ و بید؛ ق، لی، و: خشک بید؛ پ، آ: برگ بید؛ ل<sup>۲</sup>: خند بید (→ خنگ بید)؛ (لن<sup>۲</sup>: مشک بید)؛ متن = ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

همان و همین (ق<sup>۲</sup>: همین بدهمان؛ ب: همین بدهمین) ایزدت هدیه داد همی (لی: چرا) کم کنی تو ببیداد داد

۱۹- س: در دینت (!)؛ و: بر تنت؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ف: چون؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): کو؛ متن = ل، س، ق، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۱- س: هست؛ ق، لی، پ، و، آ، لن<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بنزدیک تو بود؛ متن = ف، ل، لن، ق<sup>۲</sup> ۲۲- ق: که زو ۲۳- ل، ق: ترا؛ س، ق<sup>۲</sup>، آ، لن<sup>۲</sup>، ب: برو؛ و: ورا؛ متن = ف، لن، لی، پ ۲۴- س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بترسید از آن خواب کز (ق، ق<sup>۲</sup>: وز) روزگار (س، ق: کردگار) نباید که ببند (ق: که دیگر ببیند) بد آموزگار (س، ق: روزگار؛ لی: کارزار)

سران<sup>۲</sup> سپه را همه برنشانند  
 که افگندگان را<sup>۵</sup> کند خواستار  
 که<sup>۶</sup> گفتی ستاره بخواهد کشید  
 که ناید ز کیوان بروبر<sup>۸</sup> گزند  
 يك اندر دگر<sup>۱۰</sup> بافته<sup>۱۱</sup> چوب عود<sup>۱۲</sup>  
 بدان<sup>۱۵</sup> هیبت مرغ و هول کنام  
 نه از رنج دست<sup>۱۷</sup> و نه از آب و خاک<sup>۱۸</sup>  
 بمالید رخسارگان بر زمین<sup>۲۱</sup>  
 ز خار<sup>۲۶</sup> سر اندر ثریا کشید  
 توانا و از<sup>۲۸</sup> برتران برترست  
 دد و دام را بر چنان جایگاه<sup>۲۹</sup>  
 ز روشن گمان<sup>۳۲</sup> و ز خورشید و ماه  
 نه از تخم بدگهر<sup>۳۵</sup> آهرمن ست<sup>۳۶</sup>

چو بیدار شد بخردان<sup>۱</sup> را بخواند  
 بیامد دمان<sup>۳</sup> سوی آن<sup>۴</sup> کوهسار  
 سر اندر ثریا یکی کوه دید  
 نشیمی ازو<sup>۷</sup> برکشیده بلند  
 ۱۲۰ فرو برده از شیز و<sup>۹</sup> صندل عمود  
 بدان<sup>۱۳</sup> سنگ<sup>۱۴</sup> خارا نگه کرد سام  
 یکی کاخ بُد تازک<sup>۱۶</sup> اندر سماک  
 ابر<sup>۱۹</sup> آفریننده کرد آفرین<sup>۲۰</sup>  
 کز انسان<sup>۲۲</sup> درو<sup>۲۳</sup> کوه و<sup>۲۴</sup> مرغ آفرید<sup>۲۵</sup>  
 ۱۲۵ بدانست کو دادگر<sup>۲۷</sup> داورست  
 ره برشدن جست و کی بود راه  
 همی گفت کای<sup>۳۰</sup> برتر از جایگاه<sup>۳۱</sup>  
 گر این<sup>۳۳</sup> کودک از پاک پشت<sup>۳۴</sup> من ست

۱- ب: موبدان ۲- ق، و، آ: سراسر؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۳- ل<sup>۲</sup>: دوان ۴- ف: تا سوی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)  
 ۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): که افکنده خود؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶- س، لن، پ، ل<sup>۲</sup>: تو؛ آ این بیت را ندارد؛ متن=  
 هفت دستنویس دیگر؛ لی، ب پس از این بیت سرنویس دارند، لی: رفتن سام بکنام سیمرغ بطلب زال؛ ب: رفتن سام بطلب زال ۷- ف: بدو؛ متن=  
 یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- ف: بدوبر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۹- لن: < و >؛ ق، آ، لی: شیر و؛ پ:  
 شین و؛ و: چوب و؛ آ: شین؛ ل<sup>۲</sup>: شیر؛ متن= ف، ل، س، ق، ب ۱۰- س: یکی از دگر ۱۱- ق، و: ساخته؛ آ: تافته؛ ل<sup>۲</sup>: یافته ۱۲- لن: همچو  
 عود؛ ق<sup>۲</sup>: چوب و عود؛ لی: يك اندر تافته چوب عمود (وزن نادرست است) ۱۳- س، ق، آ: بران ۱۴- و: کوه ۱۵- ف: بداز؛ ق<sup>۲</sup>: بران؛ متن=  
 ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، ن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۶- لی: یکی کاخ دیدش سر ۱۷- ل، س، ق، لی، پ، آ: دست رنج؛ لی، ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن=  
 ف، و، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ل، پ: سنگ و خاک؛ ق: سنگ خاک؛ لی: آب پاک؛ آ: دست خاک؛ متن= ف، س، و، ل<sup>۲</sup>، ب؛ س، ق، لی،  
 ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ستنجه (لی: نشسته) جوانی بکردار سام بدیدش (س: بدیدی) که میگشت گرد (ق: که گشت او بگرد) کنام

۱۹- ل، س، ق، ق<sup>۲</sup>: بران؛ لی، پ، ب: بدان؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، و، آ، ل<sup>۲</sup> ۲۰- پ: بدان آفریننده را کرد یاد (!) ۲۱- لی: بمالید  
 چندی رخ اندر زمین ۲۲- ل: که زانسان؛ لن، پ: کزینسان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۳- س، لن، ق، آ، پ: بران؛ لی: بدان؛ ب: در آن؛ متن=  
 ف، ل، و، آ، ل<sup>۲</sup> ۲۴- لن، ق، آ، لی، ب، آ، ب: < و > ۲۵- ق: کز انسان دد و مرغ و دام آفرید؛ (س<sup>۲</sup>): کز انسان دد و مرغ و کوه آفرید؛ ل<sup>۳</sup> نیز نخست  
 برابر س<sup>۲</sup> بوده است، ولی آنرا برابر متن برگردانده‌اند ۲۶- ف: ز هامون؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): بخارا؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷-  
 ف: کورا یکی؛ (س<sup>۲</sup>): کز دادگس؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، ن<sup>۲</sup>) ۲۸- لن، ق، آ: بر ۲۹- ق، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

نیایش کنان گرد بر کوه بر (ب: گرد آن کوه و در) بر آمد که جایی ندید او کمر (ب: بیابد گذر)

۳۰- س: ای ۳۱- ق: برتر از جای و ز جایگاه (وزن نادرست است) ۳۲- ل، ق: مکان؛ لن، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: روان؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، و؛ لن،  
 ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند (در ق لت ها پس و پیش شده‌اند):

پیوزش بر تو سر افکنده‌ام (لی: سرافکنده‌ایم) ز ترس تو جانرا پراکنده‌ام (لی: پراکنده‌ایم)

برخی از دستنویس ها پس از این بیت و برخی پس از بیت ۱۲۸ و برخی پس از بیت ۱۲۹ بیت هایی افزوده‌اند و پیاپی بیت های میان ۱۲۷ تا ۱۳۰ در برخی  
 از دستنویس ها در هم ریخته است (← ۱۲۹ پ) ۳۳- س: آن ۳۴- ل، آ، ب: از پشت پاک؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۵- و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>):  
 وارونه؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳۶- لی، و: اهریمنست



ازین<sup>۱</sup> برشدن بنده را دست گیر  
 مرین<sup>۲</sup> بی گنه را تو اندرپذیر<sup>۳</sup>  
 ۱۳۰ چنین گفت سیمرغ با پور سام  
 که ای دیده رنج<sup>۴</sup> نشیم و کُنام  
 پدر سام یل پهلوان جهان  
 سرافرازتر<sup>۵</sup> کس میان مهان  
 بدین کوه<sup>۶</sup> فرزند جوی آمده‌ست  
 ترا نزد او آب روی<sup>۷</sup> آمده‌ست  
 روا باشد اکنون که برادرمت  
 بی آزار نزدیک او آرمت<sup>۹</sup>  
 به سیمرغ بنگر<sup>۱۰</sup> که دستان چه گفت  
 ۱۳۵ نشیم تو فرخنده<sup>۱۱</sup> گاه من ست  
 که سیر آمده‌ستی<sup>۱۱</sup> همانا زجفت  
 دو پر تو فر<sup>۱۳</sup> کلاه من ست

۱- لی: بدین ۲- ق، ق، و: مران ۳- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): تو کن دلپذیر؛ متن= ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ س- و، ب پس از این بیت بیت‌هایی افزوده‌اند:

۱ برحمت برافراز (س: بِنیکی سرافراز) این بنده را  
 چو با داور این رازها گفته شد  
 نگه کرد سیمرغ ز (و: از) افراز کوه  
 که آن (ب: این) آمدنش از بی بچه بود  
 5 زبان و دلش سود آنگه نمود  
 بمن بازده پور افکنده را  
 نیایش همانا که پذیرفته شد  
 بدانست چون سام دید و گروه (ق: چون دید سام و گروه)  
 نه از بهر سیمرغ او رنجه بود (ق: و آن لجه بود)  
 که شد آزموده ز چرخ کبود

برخی از دستنویس‌ها پس از این بیت‌ها یا چند بیت پایین‌تر سرنویس دارند، لن، لی: رفتن سام بکنام سیمرغ بطلب زال؛ پ: آمدن سام بکوه بطلب زال  
 زر؛ ب: رفتن سام بطلب زال؛ پیاپی بیت‌های ۱۲۷-۱۳۰ در دستنویس‌ها: ف، ل، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز: لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ۱۲۷-۱۳۰ (بیت‌های ۱۲۷ پ و آرا  
 ندارند)؛ س: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، i1,3,4، ۱۳۰ (بیت‌های ۱۲۷ پ و ۲، ۵ را ندارند)؛ لن، ق، پ: ۱۲۷، ۱۲۹، i1، ۱۲۸، i2-4، ۱۳۰  
 (بیت ۱۵ را ندارند)؛ ق: ۱۲۷، ۱۲۷، p، i1، ۱۲۸، ۱۲۹، i3-5 (بیت ۱۲ را ندارند)؛ لی، و، ب: ۱۲۷، ۱۲۷، p، i1، ۱۲۸، ۱۲۹، i1-4، ۱۳۰ (بیت ۱۵  
 را ندارند)؛ پیاپی بیت‌های متن= ف، ل، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز: لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- ل<sup>۲</sup>: رنج از؛ س- پ، ب (و نیز: ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

ترا پروریده (لی: پرورنده) یکی دایه‌ام  
 نهادم ترا نام دستان زند  
 بدین نام چون بازگردی ز جای (لن، ق: بجای)  
 همت (لن: همه) دایه هم نیک (ق، آ، لی، ب: دایه و نیز سرمایه‌ام  
 که با تو پدر کرد دستان و بند

بگو(ب: نگر) تا خواندیل (س: خواننده هم؛ ق: خوانندای؛ ب: خواندبدین) رهنمای

این بیت‌ها در ف، ل، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۵- س، ل<sup>۲</sup>: سزاوارتر ۶- ب: سرافراز بر مهتران و کهان؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس  
 دارد: آوردن سیمرغ < زال > را نزدیک سام ۷- س: ازین گونه؛ ق، آ، ل<sup>۲</sup>: بدین گونه؛ و: برین گونه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- ق: آبرو؛ آ:  
 آب و روی ۹- ق، و: سام آرمت؛ س، لن، ق، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند (در س پس از بیت یکم بیت ۱۳۱ دوباره آمده است؛  
 در ق، ق، آ، لی، ب بیت چهارم پس از بیت یکم آمده است و در پ بیت‌های سوم و چهارم پس و پیش شده‌اند):

جوان چون ز سیمرغ بشنید این  
 اگر چند مردم ندیده بد او (ق: او)  
 زبان و خرد بود و رای (پ: رایش) درست  
 بر آواز (ق: باواز) سیمرغ گفتی (پ: راندی) سخن  
 پر از آب چشم و دل اندوهگین  
 ز سیمرغ آموخته بد (ق: آموخته) گفت و گوی (ق: گفت و گو)  
 بتن (ق، ق، آ، ب: بدین) نیز یاری زیزدان بجست  
 فراوان خرد بود و دانش کهن

این بیت‌ها در ف، ل، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۱۰- ق، ل<sup>۲</sup>: بشنو ۱۱- لن، پ: مگر سیر گشتی؛ ق، آ: که سیر آمدی تو؛ متن= هشت  
 دستنویس دیگر ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، و- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): رخشنده؛ متن= ف، ق، لی، پ ۱۳- ب: فرخ؛ لن، ق، ق، آ، لی، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>،  
 لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

سپاس از تو دارم هم (ق، ق، آ: پس؛ لی: و) از کردگار  
 بمان تا گذارم برت روزگار  
 ق، ق، آ، لی: که آسان شده از تو دشوار کار

چنین داد پاسخ که گر تخت و گاه  
مگر کین<sup>۳</sup> نشیمنت نیاید بکار  
ابا خویشان بر یکی پرّ من  
که در زیر پرتّ پسرورده ام  
گرت هیچ سختی بروی آورند ۱۴۰  
بر آتش<sup>۱۱</sup> برافگن<sup>۱۱</sup> یکی پرّ من  
همانگه بیایم چو ابر<sup>۱۴</sup> سیاه  
دلش گشت<sup>۱۶</sup> پدرام<sup>۱۷</sup> برداشتش  
ز پروازش آورد پیش<sup>۱۹</sup> پدر  
تنش<sup>۲۱</sup> پیلوار و دو رخ<sup>۲۲</sup> چون بهار<sup>۲۳</sup>  
۱۴۵ فرو برد سر پیش سیمرخ زود  
سراپای<sup>۲۵</sup> کودک<sup>۲۶</sup> همه بنگرید<sup>۲۷</sup>  
ببینی و رسم کیانی کلاه<sup>۲</sup>  
یکی آزمایش کن از روزگار<sup>۴</sup>  
همیشه همی باش در فرّ من<sup>۵</sup>  
ابا بچگان<sup>۷</sup> برآورده ام<sup>۷</sup>  
گر<sup>۸</sup> از نیک و بد<sup>۹</sup> گفت و گوی آورند  
ببینی<sup>۱۲</sup> هم اندر زمان فرّ من<sup>۱۳</sup>  
بی آزارت آرم بدین<sup>۱۵</sup> جایگاه  
گرازان به ابر<sup>۱۸</sup> اندرافراشتش  
رسیده به زیر برش<sup>۲۰</sup> موی سر  
پدر چون بدیدش بنالید زار  
نیایش همی بافرین برفزود<sup>۲۴</sup>  
همی<sup>۲۸</sup> تاج و تخت کیی را سزید

۱- ف: که تخت و کلاه؛ لن، ق، آ، لی، پ (و نیز لن، س، آ): که گر تاج و گاه؛ ل، آ: که آن تاج و گاه؛ متن=ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، س، آ): ۲- ف: رسم کیانی و گاه؛ متن=یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، س، آ): ۳- س: مگر این؛ آ: نگر کین ۴- لی: بیان تا گذارم برت روزگار؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز ل، س، آ): پس از این بیت افزوده اند:

نه از دشمنی دور دارم ترا  
ترا (و: کجا) بودن ایدر مرا درخورست  
سوی پادشاهی گذارم (س: گزارم) ترا  
ولیکن ترا آن ازین بهترست

این بیت ها در ف، ل، ق، آ، ل (و نیز س، آ) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۵- ل، آ: خجسته بود سایه فرّ من؛ س، لن، پ (و نیز لن، آ): همی باش در سایه فرّ من؛ ق (و نیز ل، س، آ): ببینی هم اندر زمان فرّ من؛ ق، و: همیشه همی باش با فرّ من؛ لی (و نیز س، آ): چو خواهی که ببینی سبک فرّ من؛ ل، آ: همی باش پیوسته در فرّ من؛ متن=ف، ب ۶- پ: برآورده ام ۷- پ، ب: بپرورده ام (پ پساوند ندارد)؛ درل، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت پس از بیت ۱۴۱ آمده است ۸- ل، و، آ، ب: و ۹- لن، ق، آ، لی، پ: ز نیک و ز بد؛ س، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن=ف، ل ۱۰- لی، ب: باتش ۱۱- آ: ابر آتش افکن ۱۲- و: که ببینی ۱۳- پ، آ: برآرد همه کام تو فرّ من؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ درل، لن، ق، آ، لی، پ، آ این بیت پس از بیت ۱۳۹ آمده است ۱۴- س، ق، آ، لی، ب: ابری؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۱۵- پ: برین؛ ل، لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل، س، آ): پس از این بیت افزوده اند:

فرامش مکن مهر دایه ز دل  
که در دل مرا مهر تو دلگسل

این بیت در ف، س، و، آ، ل (و نیز در س، آ) نیست ۱۶- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: کرد؛ متن=ف، ل، ق، لی، و، ل (و نیز ل، س، آ) ۱۷- ق: <و>؛ ب: پس رام و ۱۸- آ: زبام ۱۹- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ: نزد؛ و: سوی؛ متن=ف، س، ل، آ، ب ۲۰- پ، آ: بی اش ۲۱- ل، ق: تنی؛ لن، ق، آ، پ: تن ۲۲- ل، آ: و برخ؛ لن، ق، پ: و: و رخس؛ متن=ف، س، ق، آ، لی، ل، آ، ب ۲۳- س، ق، آ، ب: نگار؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۴- در آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ درل، و پس از این بیت بیت ۱۵۰ آمده است؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل، س، آ): پس از این بیت افزوده اند:

که ای شاه مرغان ترا دادگر  
که فریاد (لن: بفریاد) بیچارگان (ق: بیچاره) و یاوری  
بدان (لی: ترا) داد نیرو و زور (ق، آ، ب: ارج) و هنر  
بنیکی بهر (لی: بهرنیکی بهر!) داوران (ق: داوری) داوری  
بمان همچنین جاودان زورمند  
ز تو بدسگالان همیشه نژند

لن، ق، آ، لی، پ یک بیت دیگر نیز افزوده اند:

هم (ق: آ: پس) آنگاه سیمرخ برشد به کوه  
همانده برو چشم سام و گروه  
۲۵- و: سرو پای ۲۶- ل، س، ق، ب: همی ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ: پس آنگه سراپای کودک بدید؛ متن=ف، آ، ل ۲۸- لن، پ: همان؛ آ: همه

بر و بازوی شیر و خورشید روی  
سیاهش مژه<sup>۲</sup> دیده‌ها<sup>۳</sup> قیرگون  
۱۵۰ دل سام شد چون بهشت برین  
تنش را یکی پهلوانی قبای  
فرود آمد از کوه و بالای خواست  
سپه یکسره پیش سام<sup>۱۱</sup> آمدند  
تبیره‌زنان پیش بردند پیل  
۱۵۵ خروشیدن کوس با کره نای  
سواران همه نعره برداشتند  
به شادی به شهر اندرون آمدند  
یکایک<sup>۱۴</sup> به شاه آمد این<sup>۱۵</sup> آگهی  
بدان<sup>۱۶</sup> آگهی شد منوچهر شاد

دل پهلوان، دست شمشیر جوی  
چو بسد<sup>۴</sup> لب و رخ همانند<sup>۵</sup> خون  
بران پاك فرزند کرد آفرین<sup>۶</sup>  
پپوشید و ز<sup>۷</sup> کوه بگذارد<sup>۸</sup> پای  
همان<sup>۹</sup> جامه‌ی خسروآرای خواست  
گشاده دل و شادکام<sup>۱۱</sup> آمدند  
برآمد یکی گرد چون کوه<sup>۱۲</sup> نیل  
همان زنگ زرین و هندی درای  
بدان<sup>۱۳</sup> خرّمی راه بگذاشتند  
ابا پهلوانی فزون آمدند  
که سام آمد از کوه با فره‌ی  
بسی<sup>۱۷</sup> از جهان آفرین کرد یاد

۱- ل، ب: و چون شید روی ۲- ل- پ، آ، ب: سپه مژه و؛ ل: سپه مژگان؛ متن= ف، و (ونیز ل) ۳- لن- پ، آ: دیدگان؛ ل: دیده؛ متن= ف، ل، س، و، ب (ونیز ل) ۴- لن، پ: دوسد؛ لی، ب: چوپسته ۵- ل، س، ق، ق، آ، لی، ب: بمانند؛ لن، پ: بگردار؛ متن= ف، و، آ، ل، س- و (ونیز ل، لن) پس از این بیت افزوده‌اند:

جز از موی بروی (لی، و: مویرویس) نکوهش نبود بدی (و: بد) دیگرش را (س: از؛ لن: دیگر اورا؛ پ: دیگری را) پڑوهش نبود این بیت در ف، ل، آ، ل، ب (ونیز در س) نیست ۶- در ل، و این بیت پس از بیت ۱۴۶ آمده است؛ س- و، ب (ونیز ل، لن) پس از این بیت افزوده‌اند:

بمن ای پسر گفت دل نرم کن  
منم کمترین بنده (و: منم بنده پاك) یزدان پرست  
پذیرفته‌ام از (لن، پ: پذیرفتم اندر) خدای بزرگ  
بجویم هوای تو از نیک و بد

گذشته مکن یادودل (و: خون) گرم کن  
از آن (ق، لی، ب: ازین) پس که آوردمت باز دست  
که دل بر (ب: با) تو هرگز ندارم سترگ

ازین پس چه (ب: جو) خواهی تو چونان (ق: چونین) سزد (ب: بود؛ پ: چنان می سزد) این بیت در ف، ل، آ، ل (ونیز در س) نیست ۷- س، لن، لی- ب: از؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق ۸- ف- ب (ونیز لن، س)؛ بگزارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- س، لن، پ: یکی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- آ: او؛ ۱۱- آ: تازه روی؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ق پس از این بیت افزوده است:

همی مرورا زال زر کرد نام  
۱۲- ف، و (ونیز لن)؛ گرد؛ ل (ونیز ل)؛ مانند؛ س، ل: هم رنگ؛ ق: چون آب؛ متن= لن، ق، لی، پ، آ، ب (ونیز س)؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۳- ل، ق: بران؛ متن= ده دستنویس دیگر؛ ل، ق، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو اندر هوا شب علم برگشاد  
بران دشت (و: <) هامون فرود آمدند  
جو بر چرخ گردان درفشنده شید

شد آن روی (ق: ترك) رومیش زنگی نژاد  
بجستند و یکبار (آ: یکباره) دم برزدند  
یکی خیمه زد از حریر سپید

این بیت ها در نه دستنویس دیگر (ونیز در ل، لن، س) نیست ۱۴- س: زکابل؛ لن، ق، آ، لی، پ (ونیز لن)؛ ززابل؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، س) ۱۵- ب: آن؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۶- س، ق، آ، و: ازان؛ لی: ازین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- لن، لی، پ: همی؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: آگاهی یافتن منوچهر از حال سام با زال؛ لن: رفتن نوذر بنزدیک سام بزابل؛ ق: آگاهی یافتن منوچهر از باز یافتن سام زال را و فرستادن نوذر تهیت و طلب ایشان؛ ق: آ: خبر یافتن منوچهر از کار سام و زال؛ لی: باز آمدن سام از کوه و آوردن زال؛ پ: آگاه شدن منوچهر از حال سام با زال زر و قصه او؛ و: گفتار اندر طلب کردن منوچهر شاه زال زرا

۱۶۰ بفرمود تا نوذر نامدار  
 کند آفرین کیانی بروی<sup>۲</sup>  
 بفرمایدش تا سوی شهریار  
 ببیند یکی روی<sup>۷</sup> دستان سام  
 و زانجا سوی زاولستان<sup>۹</sup> شود  
 شود تازنان<sup>۱</sup> پیش<sup>۲</sup> سام سوار  
 بران<sup>۴</sup> شادمانی که بگشاده روی  
 شود تا سخنها کند خواستار<sup>۶</sup>  
 که بد پرورانیده اندر کُنام<sup>۸</sup>  
 بر آیین خسروپرستان شود

۱۶۵ چو نوذر بر<sup>۱۱</sup> سام نیم رسید  
 فرود آمد از اسپ<sup>۱۳</sup> سام سوار  
 ز شاه و ز گردان<sup>۱۴</sup> پرسید سام  
 چو بشنید پیغام شاه بزرگ  
 دمان<sup>۱۸</sup> سوی درگاه بنهاد روی  
 که پور جهان پهلوان<sup>۱۲</sup> را بدید  
 گرفتند مر یکدیگر را کنار  
 و زیشان<sup>۱۵</sup> بدو داد<sup>۱۶</sup> نوذر پیام<sup>۱۷</sup>  
 زمین را بیوسید سام سترگ  
 چنان که ش<sup>۱۹</sup> بفرمود دیهیم جوی

۱- ل، ل، ۲ (ونیز س ۲): تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ (ل: ۳: تازیان)؛ متن = ده دستنویس دیگر (ونیز لن ۲) ۲- لن، پ، و: سوی؛ درق پس از این بیت ۱۶۴ آمده است ۳- ق، ق، ۲، لی، ب: بدوی ۴- س، لن، ق، ۲، لی، پ، ب: بدان؛ ق: ازان؛ و: بدین؛ متن = ف، ل، آ، ل ۲ ۵- لی، پ، و: بنمود ۶- ل ۲ این بیت را ندارد؛ درق، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ و (ونیز ل ۲، لن ۲) پس از این بیت افزوده اند:

که شاه کیان از جهان کردگار  
 که بخشد جهان پهلوان را به مهر  
 که باشد پرستنده تخت شاه  
 چنین است فرمان یزدان بداد  
 بویژه نژاد جهان پهلوان  
 چو آگاهی آمد بشاه جهان  
 مر او را بیفکند و از کردگار  
 بسختی ز مرگ فریدون کرد  
 مر این کرده را چاره بشناخت نیز  
 دگر باره چون مژده آمد یکی  
 سپاس از جهاندار دانست نیز  
 بهر کشور این مژده دلفروز  
 همی خواهد اکنون که باز از نخست

۷- و: همان چهره خوب؛ ل ۲: بینم یکی روی ۸- لی، ب: بدیدار ایشان شود شادکام؛ درق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ب این بیت هم بگونه لی پیش از بیت ۱۶۲ آمده است و هم بگونه متن پس از بیت ۱۶۲؛ ب پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن نوذر بدیدار زال ۹- س، ق، ۲، ل ۲، ب: زابلستان؛ ل: وزینجا بسوی سیستان؛ لن، پ: وزان پس سوی زابلستان؛ متن = ف، ق، و، آ ۱۰- س، لن، ق، ۲، پ: شوند؛ درق این بیت پس از بیت ۱۶۰ آمده است؛ لی این بیت را انداخته و بجای آن بیت های ۱۶۱ و ۱۶۲ را دوباره نوشته است ۱۱- ب: سوی ۱۲- ل: یکی نوجوان پهلوان؛ س، ب: یکی نوجوان پهلوان؛ لن، ق، ۲، لی، ل ۲: کی نوجوان پهلوان؛ پ: گزین نوجوان پهلوان؛ و (ونیز لن ۲): کی نامور پهلوان؛ آ: گزین جهان پهلوان؛ متن = ف، ق (ونیز س ۲) ۱۳- ل: باره؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل ۲، لن ۲، س ۲) ۱۴- س: بزرگان؛ ب: لشکر ۱۵- ل، ق، و: ازیشان ۱۶- س: داشت ۱۷- ل ۲: پیاده شد از اسب و بگزارد گام ۱۸- ل، لن، ق، ق، ۲، پ: دوان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۹- س: چون؛ س، لن، ق، ۲، لی، پ (ونیز ل ۲) پس از این بیت افزوده اند:

فراز یکی پیل نر (ق: ۲) بر زال زر  
 نشاند و براندش سبک سوی در  
 لی: نشانده براندند نزدیک در

۱۷۰ چُنْ آمد بنزدیکی شهرِ شاه  
 درفش منوچهر چون دید سام  
 منوچهر فرمود تا برنشست  
 سوی تخت ایران<sup>۹</sup> نهادند روی  
 منوچهر بر گاه بنشست شاد  
 به يك دست قارن به يك دست سام<sup>۱۷۵</sup>  
 پس آراسته زال را پیش شاه  
 گزازان بیاورد سالار بار  
 بدان<sup>۱۳</sup> بُرز بالا و آن<sup>۱۴</sup> خوب چهر  
 چُنین گفت مر سام را شهریار  
 به خیره میازارش از هیچ روی  
 که فر کیان دارد و چنگ شیر  
 پس از کار سیمرغ و کوه بلند  
 ۱۸۰

سپهد پذیره شدش با سپاه<sup>۳</sup>  
 پیاده شد از اسپ<sup>۴</sup> و بگذارد<sup>۵</sup> گام  
 مرآن<sup>۶</sup> پاك دل مرد<sup>۷</sup> خسرو<sup>۸</sup> پرست  
 چه دیهیم دار و چه دیهیم جوی  
 کلاه بزرگی<sup>۱۱</sup> به سر برنهاد  
 نشستند روشن دل و شادکام  
 به زرین عمود و به زرین کلاه  
 شگفتی بماند اندرو<sup>۱۲</sup> شهریار  
 تو گفتی<sup>۱۵</sup> که آرام جان ست و مهر  
 که از من تو این را به زنهار دار  
 به کس شادمانه مشو جز بدوی<sup>۱۶</sup>  
 دل هوشمندان<sup>۱۷</sup> و آهنگ شیر<sup>۱۸</sup>

۱-ل-ب: چو؛ متن=ف ۲-ل، لن، ق، ل، پ: شهریار؛ آ: بنزدیک اوشهریار؛ متن=ف، س، ق، و، ل، ب ۳-ل: ازکنار (→ بی کیار؟)؛ س: بی سپاه؛ لن، ق، ل، ب: با نثار؛ آ: بی کنار (→ بی کیار؟)؛ متن=ف، ق، و، ل، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>)؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سام نزد منوچهر شاه ۴-ل، ل، آ: باره؛ متن=ده دستنویس دیگر ۵-ف، س-ب: گزارد؛ متن=ل ۶-ف، و: چنان؛ س، ل<sup>۲</sup>: بدان؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۷-ل، ق، و: گرد؛ ب: شاه؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۸-ل، لن، ل، پ: ل<sup>۲</sup>: بزنان؛ متن=هشت دستنویس دیگر؛ ق پس از این بیت افزوده است:

پرسید ازان درد و بیماریش  
 سپاسم ز یزدان که از پهلوان  
 بدو داد فرزند گم کرده را  
 که بد شاه از آزار با زاریش  
 جدا کرد آن گرم و رنج روان  
 وزو کرد خشنود آزرده را

ف پس از بیت ۱۷۲ سرنویس دارد: گفتار اندر رفتن سام با زال بنزدیک شاه منوچهر و پذیره شدن منوچهر ایشان را و نواختن زال زر ۹-ل، لن، ق، ل، پ: تخت و ایوان؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۱۰-لن: کیانی کله را؛ ق، ل، پ: کلاه کیانی؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۱۱-ل، ق: بدیگر چو سام؛ لن، ق، ل، پ: بدیگرش سام؛ متن=ف، س، و، آ، ل، ب ۱۲-آ: اندران؛ لن، ق، ل، پ: ب پس از این بیت افزوده اند: پس آنگه منوچهر با سام گفت که این را همانا کسی نیست جفت ۱۳-ل، ل، آ، ب: بران؛ لن، ق، ل، پ: بدین؛ ب: برین؛ متن=ف، س، ق، و، آ ۱۴-ل: بالای آن؛ ل: بالا بدین؛ ب: بالا و این؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۵-ل، لن، ق، ل، پ: گویی؛ ق پس از این بیت افزوده است:

ستاره شناس آنگهی شاه خواند  
 کزین پیرسر پهلوان جوان  
 ترا ای شه از وی بسی فرهی  
 نژادش نژاد ترا پرورند  
 پرسید و با وی نهانی براند  
 بینی بسی دشمنان بی روان  
 فزاید ز دادت بسی فرهی  
 همانرا ستاینده و سرورند

۱۶-ب: به کس شاد مشو تو الا بدوی؛ لن، ل، پ: این بیت را ندارند ۱۷-آ: هوشیاران ۱۸-س، لن، ق، ل، ب: اورنگ و ویر؛ ل: آهنگ زیر؛ ب: اورنگ زیر؛ متن=ف، ل، ق، و، آ، ل، لن، ق، ل، پ: ب پس از این بیت افزوده اند:

بیاموز او را ره و ساز رزم  
 ندیدست جز مرغ و کوه و کنام  
 همان شادکامی و آیین (لی: و) بزم  
 کجانداند آیین ها راتمام (ق: آیین و رسم کرام)

۱۹-ف: بدان؛ متن=یازده دستنویس دیگر (ونیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س) ۲۰-ل، س، لن، ق، ل، پ: شد؛ متن=ف، ق، و، آ، ل، ب (ونیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س)

یکایک همه سام با او بگفت  
 و زافگندن زال بگشاد راز  
 ۱۸۵ سرانجام گیتی ز سیمرغ و زال  
 ز خورد و ز جای و ز خفت و نهفت  
 که چون گشت بر سر سپهر از فراز  
 پر از داستان شد به بسیار سال

۱- ق، و: وی ۲- ل، ق، آ: هم از آشکارا هم اندر نهفت (ق: و هم از نهفت)؛ س، ق، آ: لی: ز خورد و ز خفت و ز جای نهفت؛ لن، پ: ز خواب و ز خورد و ز جای نهفت؛ (ل: ز خورد و ز خفت و نهفت؛ س: ز خورد و ز خواب و ز جای نهفت)؛ متن= ف، و، ل، آ، ب (و نیز لن) ۳- ل، و: با او؛ ق، ل، این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴- و: یکی؛ ا: بران ۵- ل: گشت ۶- ل، آ: تو گفتمی که هستند هر سه همال (= 5 ب)؛ همه دستنویس ها پس از بیت ۱۸۵ بیت هایی افزوده اند و برخی از دستنویس ها باز برین بیت ها نیز بیت های دیگری افزوده اند. این افزوده های سپسین در میان چنگک نهاده شده اند:

[همی دید هر کس که آنجا گذشت  
 برفتم به فرمان گیهان خدای  
 یکی کوه دیدم سر اندر سحاب  
 بدوبر (ا، ب: بروین) نشیمی (ق، ا: نشیمن) چوکاخی (ق، لی، پ، ا، ب: کاخ) بلند  
 بران کوه بر کاروان برگذشت  
 به البرز کوه اندران صعب (ل: زشت) جای  
 سپهرست گفتمی ز خارا (لن: جهانرا) بر آب  
 ز هر سو برو بسته راه گزند

۵ بدوی (ق-آ، ب: بدو) اندرون بچه (ق، لی: بچه) مرغ و زال

تو گفتمی که هستند هر سه (س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: دو) همال  
 همی بوی مهر آمد (آ: آید) از یاد (ف، لن، ق، آ، پ، آ: یاد) اوی (ل، ق، آ، ل، آ، ب: او)

ف، س: به دل راحت (س: شادی) آرد همه یاد (ف: یاد) اوی  
 ل، لن، ل، آ: همه راحت (ل: شادی) آمده هم (لن: آورد) از یاد او (لن: اوی)  
 ق، پ، و، ا، ب: همه راحت آرد (ق: آمد) همی یاد (ب: یاد) اوی (ا، ب: او)  
 ق، آ: همه راحت آورد می باد او

دویدم (س، ق: بگشتم) بسی گرد او (لن: وی؛ ق: آن) پوی پوی  
 بدلسوزگی جان همی رفت خواست (ب: راست)  
 که ای چاره خلق و خود (لن: که ای داور پاک و هم) بی نیاز  
 ل، و، ا: که ای افریننده بی نیاز

[نبد راه بر کوه از هیچ روی  
 مرا بویه (ب: بویه) پور گم بوده خاست  
 اباد اور راست (لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: پاک؛ ا: داد) گفتم (ق: گویم) بر از

نگردد فلک جز به فرمان تو  
 به پیش (لن، ق، آ، پ: بنزد) خداوند خورشید و ماه  
 به چیزی دگر نیستم دسترس  
 به زاری و خواری (لن، ق، آ، لی، پ، و: بخواری و زاری) بر آورده را  
 مزد گوشت هنگام پستان (ل: مژده بود گوشت هنگام) شیر  
 سوی او و این (لن، پ: بمن بر همه) رنج کوتاه کن  
 به من باز بخش و (ب: بخشش) دلم بفرورز

رسیده به هر جای برهان تو  
 یکی بنده ام با (لن، ق، آ، و: من) دلی (ل، ق، پ، آ، ل: آ: تنی) پر گناه  
 امیدم به بخشایش تست و (ل، ب: < و >) بس  
 تو این بنده مرغ پرورده را  
 همی چرم (ف، ل: پ) پوشد (و: شاید) بجای حریر  
 [رسان باز من یا مرا راه کن  
 به بد (و: به بی) مهری من روانم مسوز  
 به فرمان یزدان چو این گفته شد

نیایش همانا که پذیرفته (ل، ل، آ، ب: همانا که پذیرفته؛ س، لن: همانا که پذیرفته) شد  
 بزدر (لن، پ: بزید) سیمرغ و (لی: پر سیمرغ) بر شد به ابر (ف: برابر؛ و: بلند)

همی (لی: همه) حلقه زد بر سر مرد گبر  
 و: فرود آمد آنجا که بد سودمند

گرفته تن زال را در (ل: بر) کنار  
 دو دیده مرا با دو لب خشک شد  
 خرد در سرم پای نگرفت بیش  
 که در (پ: از) مهر باشد ورا مایه ای  
 به سیمرغ بر دم نماز ای شگفت  
 ز فرمان یزدان نشاید (لن: که شاید) گذشت  
 ق، ق، آ، ب: ز یزدان و حکمش نشاید گذشت

ز کوه اندر آمد چو ابر بهار  
 20 [ز بویش جهان پاک پر (لن، پ: جهانی) پر از) مشک شد  
 [ز سهم وی (لی: من) و بویه (ب: بویه) پور خویش  
 به پیش من آورد چون دایه ای  
 [زیانم برو بر ستایش گرفت  
 [بمن ماند فرزند و خود بازگشت

همه آشکارات (ل، ب: آشکارات) کردم (ق: گفتم) نهان  
 س، لن، ق، آ، و: همه آشکارا بکردم (و: نمودم) نهان

من آوردمش نزد شاه جهان

بیت 1 تنهادر ق آمده است؛ ل ۱۸۵<sup>۲</sup> ب و بیت های 2، 3، 4، 5 آرا انداخته و از ۱۸۵ آ و 5 ب يك بیت ساخته است؛ در ب بیت های 5 و 6 پس و پیش شده اند؛ بیت 7 تنهادر س، لن، ق، آ، پ، ب آمده است؛ بیت 8 تنهادر س، لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 15 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، و، ب آمده است؛ بیت 20 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 21 تنهادر ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 23 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ بیت 24 تنهادر لن، ق، آ، لی، پ، ب آمده است؛ لی بیت های 6 و 10 و 11 را ندارد و در آن بیت های 16 و 17 پس و پیش شده اند؛ ل ۲ پس از بیت 25 سرنویس دارد: نوازش منوچهر سام و زال را

ستاره‌شناسان و هم<sup>۲</sup> بخردان  
 بران<sup>۴</sup> اختر و<sup>۵</sup> بخت سالار<sup>۶</sup> کیست  
 همان<sup>۷</sup> داستان از چه<sup>۸</sup> خواهد زدن  
 ز<sup>۱</sup> اختر گرفتند يك يك<sup>۱۱</sup> نشان  
 که شادان بزی تا بود روزگار  
 سرافراز و هشیار و گرد و سوار<sup>۱۳</sup>  
 دل پهلوان از غم آزاد شد  
 که کردند هر کس برو<sup>۱۵</sup> آفرین  
 ز شمشیر هندی به زرین نیام  
 ز گستردنی‌های بسیار مر  
 همه پیکر از گوهر<sup>۱۸</sup> و زر<sup>۱۹</sup> بوم  
 چه از زر<sup>۲۱</sup> سرخ و<sup>۲۱</sup> چه از سیم خام  
 همه پیش بردند فرمانبران  
 همان نیزه و تیر و گرز و کمان<sup>۲۳</sup>  
 همان مهر یاقوت<sup>۲۶</sup> و زرین کمر  
 سراسر ستایش<sup>۲۹</sup> سان بهشت  
 ز دریای چین<sup>۳۲</sup> تا به دریای سند  
 به نویی نبشتند<sup>۳۵</sup> عهدی درست

بفرمود پس شاه تا<sup>۱</sup> موبدان  
 بجویند<sup>۳</sup> تا اختر زال چیست  
 چو گیرد بلندی چه خواهد بدن  
 ستاره‌شناسان هم اندر زمان<sup>۹</sup>  
 ۱۹۰ بگفتند با شاه دیهیم دار  
 که او پهلوانی بود نامدار  
 چو بشنید شاه این سخن شاد شد  
 یکی خلعتی ساخت<sup>۱۴</sup> شاه زمین  
 ز<sup>۱۶</sup> اسپان تازی به زرین ستام  
 ۱۹۵ ز دیبا و<sup>۱۷</sup> خز و ز یاقوت و زر  
 غلامان رومی به دیبای روم  
 زبرجد طبق‌ها و<sup>۲۰</sup> پیروزه جام  
 پر از مشک و کافور و پر زعفران  
 همان جوشن و ترگ و برگستوان<sup>۲۲</sup>  
 ۲۰۰ همان تخت پیروزه<sup>۲۴</sup> و تاج<sup>۲۵</sup> زر  
 به مهر<sup>۲۷</sup> منوچهر عهدی نبشت<sup>۲۸</sup>  
 همه کاول<sup>۳۰</sup> و دنبر و مای<sup>۳۱</sup> و هند  
 ز زاولستان<sup>۳۳</sup> تا بدان روی<sup>۳۴</sup> بست

۱- س: ما (نقطه ندارد)؛ لی: بر؛ آ، ب: با؛ متن = ف، ل، ن- و ۲- لن: از؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را انداخته و بجای آن بیت زیر را افزوده است:

پس آنگه منوچهر بنواختشان سوی زابلستان فرستادشان (پساوند ندارد)

۳- ل: که جویند ۴- لی: بدان ۵- آ: <و>؛ ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): از؛ متن = ف، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۶- س: بیدار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای آن بیت زیر آمده است:

بگویند مر سام را ز اخترش که او برفرازاد بگردون سرش

در ل<sup>۲</sup> از بیت ۱۸۷ تا بیت ۲۵۸ افتاده است ۷- س، ق<sup>۲</sup>- آ: همه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، لن، ب ۸- ف: را چه؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>: بر چه؛ لی: داستان‌ها بیاید؛ متن = ل، پ، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۹- س، لن، ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ب: همه هم زبان؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): و هم موبدان؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰- ل، آ: از ۱۱- ل، و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>): پیدا؛ ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): یکسر؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، پ: گرفتند پیدا (ق<sup>۲</sup>، پ: از) اختر؛ متن = ف، لی (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۲- س، ق، ق<sup>۲</sup>، ب این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ق بجای این بیت زیر آمده است:

سزد کو بود مر جهان را پناه بگفتیم ازین پیشتر ما به شاه

۱۳- ق این بیت را ندارد ۱۴- آ: خواست؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب: یکی خلعت آراست؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۱۵- ل، لن، لی، ب: بدو؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۶- س- آ، ب: از؛ متن = ف، ل، و، ۱۷- ف: ز دیبای؛ ل، لی: ز دینار و؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- س، ق<sup>۲</sup>، لی، ب: پیکرش گوهر؛ لن: گوهرش پیکر؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، پ، و، آ ۱۹- لی: زر روم (!)؛ آ: زر و بوم (!) ۲۰- پ: طبقهای ۲۱- ل، ق، آ: خشک و؛ ب: پخته؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۲- لی: همان جوشن و تیغ و گرز گران؛ آ: همان گرز و کویال و برگستوان ۲۳- ل، ق، و: گرز گران؛ لن، ق<sup>۲</sup>، پ: تیغ و تیر و کمان؛ آ: تیر و تیغ بران؛ ب: تیغ و گرز گران؛ لی: همان ترگ و نیزه و برگستوان (وزن ندارد)؛ متن = ف، س ۲۴- لی: فیروزه ۲۵- س: کاخ (!) ۲۶- لن: زرین ۲۷- ل، لن، پ، آ: وزان پس؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۸- ق: نوشت ۲۹- ق، آ: همیدون ۳۰- ف- ب: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۱- ل: زابل و مای؛ ق، و، آ: شهر کشمیر؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۳۲- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب: روارو چنین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۳۳- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، ب: زابلستان؛ متن = ف، ل، ق، آ ۳۴- س: تا بدریای؛ پ: تا بران روی؛ آ: تا بدین روی؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۳۵- ل، و: نوشتند؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

۲۰۵ چو این عهد و خلعت بیاراستند  
 چو این کرده شد<sup>۲</sup> سام بر پای خاست  
 ز ماهی به اندیشه<sup>۴</sup> تا چرخ ماه  
 به مهر و به داد و به خوی و<sup>۵</sup> خرد  
 همه گنج گیتی به چشم تو خوار  
 فرود آمد و تخت را داد بوس  
 ۲۱۰ سوی زاولستان<sup>۹</sup> نهادند روی  
 چو آمد به نزدیکی نیمروز  
 بیاراستند سیستان<sup>۱۲</sup> چون بهشت  
 به سر<sup>۱۵</sup> مشک و دینار بر ریختند<sup>۱۶</sup>  
 یکی شادمانی بُد اندر جهان  
 ۲۱۵ هر آنجا که بُد مهتری نامجوی  
 که فرخنده بادا پی این جوان<sup>۲۱</sup>  
 چو بر پهلوان آفرین خواندند  
 نشست آنگهی سام با رود و جام<sup>۲۵</sup>  
 کسی کو به خلعت سزاوار بود  
 پس اسپ جهان<sup>۱</sup> پهلوان خواستند  
 که ای مهربان<sup>۳</sup> مهتر داد و راست  
 چو تو شاه نهاد بر سر کلاه  
 زمانه همی<sup>۶</sup> از تو رامش برد  
 مبادا ز تو نام تو یادگار<sup>۷</sup>  
 بیست از بر<sup>۸</sup> کوهی پیل کوس  
 نظاره بریشان<sup>۱۰</sup> همه شهر و کوی  
 خبر شد ز<sup>۱۱</sup> سالار گیتی فروز  
 گلش مشک سارا بُد<sup>۱۳</sup> و زر خشت<sup>۱۴</sup>  
 بسی<sup>۱۷</sup> زعفران و درم بیختند<sup>۱۸</sup>  
 سراسر میان کِهان و مِهان<sup>۱۹</sup>  
 ز گیتی سوی سام نهاد روی<sup>۲۰</sup>  
 برین<sup>۲۲</sup> پاک دل<sup>۲۳</sup> نامور پهلوان  
 ابر زال بر زر برافشانند<sup>۲۴</sup>  
 همی داد چیز و همی راند<sup>۲۶</sup> کام  
 خردمند بود و جهاندار بود

۱- ق: ز درباره؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ب: چنین گفت چون ۳- س: پهلوان؛ لن، ق، آ، پ: بگفت ای (ق: ۲: این) گزین؛ لی: بگفت ای گو؛ متن= ف، ل، ق، و، آ، ب ۴- ل: بر اندیشه؛ ق، و، آ (و نیز ل، آ، لن، آ): بر اندیش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۵- ق: بخوبی؛ س، ق، آ: به مهر و به رای و به خوی و؛ لن: به مهر و به خوی و برای و؛ لی: بخوی و بمهر و برای و؛ پ: بمهر و بخوبی برای و؛ متن= ف، ل، و، آ، ب ۶- لی: همی زمانه (وزن نادرست است) ۷- آ: نام بد یادگار؛ ق: زمین برخرد نامور شهریار (!) ۸- س- و، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): بیستند بر؛ متن= ف، ل، آ ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: زابلستان؛ متن= ف، ل، ق، و، آ ۱۰- س- پ، آ: بروبر؛ متن= ف، ل، و، ب ۱۱- ل، و، آ: به؛ ب: که؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل، آ؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بیامد ابا خلعت و تاج و زر ابا عهد و منشور و زرین کمر

۱۲- ل، ق: بیاراسته سیستان؛ لن، لی، پ: شبستان بیاراسته؛ (ل: ۳: بیاراست مر سیستان)؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، س، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س)؛ وزن نادرست است و یا شاید باید در تقطیع صامت د را پس از هجای بلند انداخت ← بیت (۱۳۷۳) ۱۳- س، ق، و، آ: شد ۱۴- و: زرش خشت؛ آ: زر و خشت؛ لن، لی، پ: گلشن مشک شد نیز (لی: < نیز >) و زر گشت خشت؛ متن= ف، ل، ب ۱۵- س، لن، لی، ب: بسی؛ و، ب: همی؛ متن= ف، ل، ق، آ، آ ۱۶- س، لن، ق، آ، لی: بر بیختند؛ ب: همی مشک با زر برآمیختند؛ متن= ف، ل، پ، و، آ ۱۷- ل، ق، و: زبر؛ آ: همی؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل، آ ۱۸- س- لی، ب: ریختند؛ متن= ف، ل، پ، و، آ؛ در ق این بیت با بیت ۲۱۵ پس و پیش شده است ۱۹- و: میان کِهان و میان مِهان؛ در س لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- در ق این بیت با بیت ۲۱۳ و در آ با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- و: باد این نو آیین جوان ۲۲- ب: بدین ۲۳- لن: باره در؛ پ: باره و؛ ق، آ، لی: تازه دل؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل، آ؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۴- ل: ابر زال زر < زر > برافشانند (وزن نادرست است)؛ س، ق، آ، ب (و نیز س، آ): ابر زال زر زر برافشانند؛ لن، پ: ابر زال زر گوهر افشانند؛ لی: ابر زال < زر > گوهر افشانند (وزن نادرست است)؛ و (و نیز ل، آ): ابر زال گوهر برافشانند؛ متن= ف ۲۵- ف: با ژر و کام (حرف دوم واژه دوم نقطه ندارد و پساوند هم ندارد)؛ ل، ق: با زیب و جام؛ متن= آ ۲۶- ف: جست؛ متن= ل، ق، آ؛ س، لن، ق، آ، و، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س) این بیت را ندارند



۲۲۰ بر اندازه‌شان<sup>۱</sup> خلعت آراستند  
جهان دیدگان را ز کشور<sup>۴</sup> بخواند  
چنین گفت با نامور بخردان  
چنین ست فرمان هشیار<sup>۷</sup> شاه  
سوی گرگساران و مازندران  
دل و جانم ایدر بماند همی ۲۲۵  
به گاه جوانی و کُندآوری  
پسر داد یزدان بینداختم  
گرانمایه سیمرغ برداشتش  
پیرورد تا شد<sup>۱۱</sup> چو سرو<sup>۱۲</sup> بلند  
۲۳۰ چو هنگام بخشایش آمد فراز  
بدانید کین زینهار<sup>۱۴</sup> من ست  
گرامیش دارید و پندش دهید  
سوی زال کرد آنگهی سام روی  
چنان دان که زاولستان<sup>۱۹</sup> خان<sup>۲۰</sup> تُست

همی<sup>۲</sup> پایه‌ی برتری<sup>۳</sup> خواستند  
سُخن‌های بایسته<sup>۵</sup> چندی براند  
که ای پاک و هشیار دل موبدان  
که لشکر همی راند باید به راه  
همی راند<sup>۸</sup> خواهم سپاهی گران  
مژه خون دل برفشانند همی  
یکی ساختم بیهده<sup>۹</sup> داوری  
ز بی دانشی ارج نشناختم  
همان آفریننده بگماشتش  
مرا خوار بُد، مرغ را ارجمند  
جهاندار یزدان به من داد باز<sup>۱۳</sup>  
بنزد شما یادگار<sup>۱۵</sup> من ست  
همه راه و رای<sup>۱۶</sup> بلندش دهید<sup>۱۷</sup>  
که داد و دِهش گیر و فرجام جوی<sup>۱۸</sup>  
جهان سربسر زیر فرمان تُست

۱- لی: باندازه‌شان ۲- ل- پ، آ: همه؛ متن= ف، و، ب ۳- ل، لی، آ: برترین؛ متن= هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگاه سام از پی پور خویش هنرهای شاهان بیاورد پیش  
این بیت در هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) نیست؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۲۲۰ افزوده‌اند:

برفتند از پیش آن نامدار چو چندی برآمد برین روزگار  
۴- ب: لشکر ۵- ب: شایسته ۶- لن، ق، آ، لی: < و > ۷- لن، پ: بیدار؛ ق: پیروز ۸- و: برد؛ ف، ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:  
بمانم (ل، ق، پ: بماند) بنزد شما این پسر که همتای جان است و خون (ل: جفت) جگر  
این بیت در هشت دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) نیست ۹- ل، لن، پ، آ: یکی بیهده ساختم؛ متن= ف، س، و، ب ۱۰- لن، ق، آ:  
نگذاشتش؛ لی: نگهداشتش (وزن نادرست است)؛ پ: جهان آفرین خوار نگذاشتش؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۱- ل، ق، و: او را؛ متن=  
هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۲- لی: سروی؛ ب: ابر؛ در لن، لی، پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۳- لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از  
این بیت و س پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

شما را سپردم به آموختن روانش از (ق: < از >) هنرها (لی، ب: خردها) برافروختن  
لی، پ: روان از خردهاش افروختن

۱۴- س، لن، ق، آ، لی: یادگار؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۱۵- س، لن، ق، آ، لی: زینهار؛ متن= هفت دستنویس دیگر  
بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س)؛ در لن این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س پس از این بیت افزوده است (← پ ۱۳) ۱۶- س، لن، ق،  
ق، آ، پ: همه (لن، پ: همان) رای و راه؛ متن= ف، ل، لی، و، آ، ب ۱۷- س، لی، پ: نهید؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛  
ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت، لن پیش از این بیت، ق پس از بیت ۲۳۴ و و پس از بیت ۲۳۶ افزوده‌اند:

که (ق: چو) من رفت خواهم بفرمان شاه سوی دشمنان با سران سپاه

۱۸- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): آرام جوی؛ لن، ق، آ، لی، پ: فرمان بجوی؛ متن= ف، س، ق، و، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، آ، س) ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: زابلستان؛  
متن= ف، ل، ق، و، آ ۲۰- آ: زان؛ ب: جان؛ ق پس از این بیت افزوده است (← پ ۱۷)؛ ف، پ پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر آنک  
سام زال را بیستان بسپرد و خویشتن بجنگ مازندران رفت و وصیت کردن پدر؛ پ: دادن سام پادشاهی زابل را بزال

۲۳۵ ترا خان و مان باید<sup>۱</sup> آبادتر<sup>۲</sup>  
 کلید در گنج ها پیش تُست  
 به سام آنگهی گفت زال جوان  
 جدا<sup>۳</sup> پیشتر<sup>۴</sup> زین کجا داشتی<sup>۵</sup>  
 کسی با گنه گر ز مادر بزاد<sup>۶</sup>  
 ۲۴۰ گهی زیر چنگال مرغ اندرون  
 کنون دور ماندم<sup>۷</sup> ز پروردگار  
 ز گل بهره‌ی من بجز<sup>۸</sup> خار نیست  
 پدر<sup>۹</sup> گفت: پرداختن دل سزاست<sup>۱۰</sup>  
 ستاره‌شمر مرد اخترگرای  
 ۲۴۵ که ایدر ترا باشد آرامگاه  
 گذر نیست بر<sup>۱۱</sup> حکم<sup>۱۲</sup> گردان سپهر  
 کنون گرد خویش اندرآور گروه  
 بیاموز و بشنو ز هر دانشی  
 ز خورد و ز بخشش میاسای هیچ  
 پرداز و برگوی هرچت<sup>۱۳</sup> هواست  
 چنین زد ترا<sup>۱۴</sup> زاختر<sup>۱۵</sup> نیک، رای  
 هم ایدر سپاه و هم ایدر کلاه<sup>۱۶</sup>  
 هم ایدر بگسترد بایدت<sup>۱۷</sup> مهر  
 سواران و مردان دانش پژوه  
 بیابی<sup>۱۸</sup> ز هر دانشی رامشی  
 همه دانش و داد<sup>۱۹</sup> دادن بسیج

۱- ف: باد؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ل-آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲- ق، آ: آباد کرد ۳- ل: < به > ۴- ق: دل دوستداران به خود شاد کرد؛ لی، و: دل دوستان بر تو بر (و: هر زمان) شادتر؛ آ: دل دوستان را همی شاد کرد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ ۵- ل: دل؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

دل روشنت هر چه باید بکار  
 بجای آر (ق، آ، و، ب: بدانست) از بزم و از کارزار  
 و پس از بیت بالا يك بیت دیگر هم افزوده است:

همی پر تو بادا بآموختن روان و خرد را برافروختن (= ۲۳۰ پ)

پس از این بیت ۲۳۲ پ را آورده است ۶- لن: بوان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: آ: توان ۷- پ، آ: چنان ۸- در ف حرف یکم سه نقطه دارد ۹- ب: جدایی که از من همیداشتی ۱۰- ل-آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): که؛ متن = ف؛ در لن، ق، آ، لی، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ: کسی بی گنه گر ز مادر بزاد؛ ل، ق، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کسی کوز مادر گنه کارزاد؛ ب: کسی بی گنه چون ز مادر بزاد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، پ (پس از تصحیح قیاسی بی به با) ۱۲- ف (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): نمانم ز داد؛ ل، و: نمانم ز داد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، لی، پ: بنالم بداد؛ ق، آ، ب: بزارم ز داد؛ متن = س، ق، آ (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ در لن، ق، آ، لی، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۳- ل-ق، آ، پ، آ، ب: چریدن به (ل: ز خون)؛ لی: خزیدن بخار و مزیدن بخون؛ و: چمیدن ز خاک و چریدن ز خون؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

کنامم نشست آمد و مرغ یار بدانگه که بودم ز مرغان شمار

۱۴- لن، پ: گشتم؛ و: مانم ۱۵- لن، ق، آ، پ، ب: مرا ۱۶- ل، ق، آ: کردگار؛ لی: چنین همی پرورد روزگار؛ متن = ف، س، و ۱۷- پ، و: جز از ۱۸- ل-و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بدو؛ متن = ف، ب ۱۹- س: رواست ۲۰- لی: آنچت ۲۱- لن، ق، آ، لی: چنین رای زد ۲۲- و: ترا اخترای ۲۳- ل، آ، ب: هم ایدر بسیچی (ب: بسختی) سپاه و کلاه؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۴- لی، ب: از ۲۵- س: گشت؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۶- س، لن، ق، آ، لی، پ: بیایدت گسترده؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب؛ ق پس از این بیت افزوده است:

و گر نیک دل گردی ای نامدار سوی کابلستان یکی کن گذار

بنخچیر برگرد و بازای زود بدان تا نباید بدی آزمود

۲۷- ل، ق، و، آ: که یابی؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۸- ق: داد و

هوا قیرگون شد زمین آبنوس<sup>۲</sup>  
 برآمد ز دهلیز پرده‌سرای<sup>۳</sup>  
 یکی لشکری ساخته<sup>۴</sup> جنگجوی<sup>۵</sup>  
 بدان تا پدر چون گذارد<sup>۶</sup> سپاه  
 شگفتی خروشیدن اندرگرفت  
 شود شاد دل<sup>۷</sup> باز<sup>۸</sup> تخت و کلاه  
 که تا<sup>۹</sup> چون زید تا بود نیک نام<sup>۱۰</sup>  
 به سر برنهاد آن فروزنده<sup>۱۱</sup> تاج  
 ابا طوق زرین و زرین کمر<sup>۱۲</sup>  
 پژوهید<sup>۱۳</sup> هر چیز<sup>۱۴</sup> و هر چیز راند<sup>۱۵</sup>  
 سواران و گردان<sup>۱۶</sup> و کین آوران  
 زدندی همی<sup>۱۷</sup> رای بر بیش و کم  
 که گفتی ستاره‌ست<sup>۱۸</sup> از<sup>۱۹</sup> افروختن  
 که چون<sup>۲۰</sup> خویشان در جهان کس<sup>۲۱</sup> ندید

۲۵۰ بگفت این و برخاست آوای<sup>۱</sup> کوس  
 خروشیدن زنگ و هندی درای  
 سپهدسوی جنگ بنهاد روی<sup>۲</sup>  
 بشد زال با او<sup>۳</sup> دو منزل براه  
 پدر زال را تنگ<sup>۴</sup> در بر گرفت  
 ۲۵۵ بفرمود تا بازگردد ز راه  
 بیامد<sup>۵</sup> پُر اندیشه دستان سام  
 نشست از بر نامور<sup>۶</sup> تخت عاج  
 ابا یاره و گرزهی گاوسر  
 ز هر کشوری موبدی<sup>۷</sup> را بخواند  
 ۲۶۰ ستاره‌شناسان و دین آوران  
 شب و روز بودند با او بهم  
 چنان گشت زال<sup>۸</sup> از بس آموختن  
 به رای و به دانش به جایی رسید

۱- لی: آواز ۲- لن، پ: زمین آهنین شد هوا آبنوس ۳- ف: برآمد ز دهلیز با کزئی؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز ل (و نیز ل، لن، س) ۴- س: سوی جنگ بنهاد مر سام روی؛ لن این بیت را ندارد ۵- ل، س، ق- آ: یکی ساخته لشکری (ل، لی: لشکر)؛ ب: ابا لشکر ساخته؛ متن= ف (و نیز لن، س) ۶- آ: نامجوی ۷- ق، و: وی ۸- (لن: گزارد) ۹- ل: زود؛ ق: زار؛ آ، ب: باز؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل؛ لن، ق، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

همی زال را دیده در خون نشانند (لی: کشید) برخ بر همی خون دل برفشانند

لی: برخ بر ز آب مژه خون چکید

۱۰- ل، س: شادمان؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز ل ۱۱- ل- آ (و نیز ل، لن، س): سوی؛ متن= ف، ب ۱۲- ق: بر آمد ۱۳- س: که خود؛ ب: که می ۱۴- لن، لی، پ: بی پدر شاد کام؛ و: کو بود نیکام؛ متن= هفت دستنویس دیگر بجز ل ۱۵- ق: پایه ۱۶- ل، آ: دلفروز؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز ل ۱۷- لن، لی، پ بجای این بیت دو بیت زیر را افزوده‌اند:

ابا یاره و (لی: زره‌دار با) گرزّه گاوری همی بود آن گرد پرخاشجوی

ابا طوق زرین و زرین کمر کمر نیز کرده به در و گهر

ل پس از بیت ۲۵۸ دوباره آغاز میگردد ۱۸- ل، ق، ق، لی، و، آ، ب: موبدان؛ ل: جهان پهلوان موبدان؛ متن= ف، س، لن، پ ۱۹- آ: پژوهید و ۲۰- ل، س: هر کار؛ لن- آ، ب (و نیز لن): هر دین؛ متن= ف (و نیز ل) ۲۱- ق (و نیز ل): هر چیز خواند؛ ب: هر گشت راند؛ ل: یکایک سخنهای دستان براند ۲۲- ل- آ (و نیز ل، لن): سواران جنگی؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ب (و نیز س) ۲۳- س: بهم؛ ق، آ، لی، ب: همه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- ق: او ۲۵- ل: چراغست ۲۶- لی: ز ۲۷- س، لی: جز ۲۸- آ، ب: در زمانه؛ ق پس از این بیت پنج بیت و لن، ق، آ، لی، پ، و، ب تنها بیت های یکم و دوم و چهارم را افزوده‌اند؛ در ق پس از بیت یکم بیت ۲۶۴ آمده است:

سوارش چونان (ب: چونین) بدی (و: بودی چنان) در جهان

پ: بجایی رسانید کار جهان

کزو داستانها زندی مهان

ق: زندی بدو داستان ها مهان

چو دیدی شدندی برو (ق: بدو) انجمن

شگفتی بر این داوری درنگر

گمان مشک بردند و کافور بود

و: همان مشک تر دید و کافور دید

ز گلبرگ تر بر ز کافور خشک

این بیت ها در ف، ل، س، آ، ل (و نیز در لن، س) نیست؛ ل پس از بیت ۲۶۳ بیت زیر را افزوده است:

جهان پهلوان سام نیرم برفت

ز خوبیش خیره شده (ق، آ، لی، ب: شدی) مرد وزن

ق: خطش چون ز گلبرگ بر گرد سر

هر آنکش ز نزدیک و از دور (ق: ز دور و نزدیک) بود (و: دید)

5

ق: همی رست کافور بر جای مشک

ابر زال و بر سام<sup>۲</sup> گسترد<sup>۳</sup> مهر

چنین هم<sup>۱</sup> همی گشت گردان سپهر

که در پادشاهی بجنبد ز جای<sup>۶</sup>  
که با او یکی بودشان رای و کیش<sup>۷</sup>  
که در<sup>۹</sup> کاول<sup>۱۱</sup> و دنبر و مرغ و مای<sup>۱۱</sup>  
می و<sup>۱۴</sup> رود و رامشگران خواستی<sup>۱۵</sup>  
بر آیین<sup>۱۶</sup> و رسم سرای سپنج  
گرازان و خندان و دل<sup>۱۹</sup> شادمان

۲۶۵ چنان بُد که روزی<sup>۴</sup> چُنین<sup>۵</sup> کرد رای  
برون رفت با ویژه گردان خویش  
سوی کشور هندوان کرد رای<sup>۸</sup>  
بهر جای کاخی<sup>۱۲</sup> بیاراستی<sup>۱۳</sup>  
گشاده در گنج و افکنده رنج  
۲۷۰ ز زوال<sup>۱۷</sup> به کاول<sup>۱۸</sup> رسید آن زمان

زبردست و<sup>۲۲</sup> با گنج و<sup>۲۳</sup> گسترده کام  
به رخ چون بهار و به رفتن تذرو  
دو کتف<sup>۲۵</sup> یلان<sup>۲۶</sup> و هُش موبدان  
ز کاول<sup>۲۷</sup> بیامد به هنگام بام<sup>۲۸</sup>  
غلامان و هر گونه‌یی خواسته  
ز دیبای زربفت و خز و حریر<sup>۳۱</sup>

یکی پادشا بود مهرباب نام<sup>۲۱</sup>  
به بالا به کردار آزاد<sup>۲۴</sup> سرو  
دل بخردان داشت و مغز ردان  
چو آگه شد از کار دستان سام  
۲۷۵ ابا گنج و اسپان آراسته  
ز<sup>۲۹</sup> دینار و یاقوت و مشک و عبیر<sup>۳۰</sup>

۱- لن، پ، و، ل: ۲؛ بدینسان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل- ب (و نیز لن، س، آ): ابر سام و بر زال؛ متن = ف (و نیز ل، ۳- ل- ق، آ، پ، و، و، ل: ۲؛ گسترده؛ متن = ف، لی، آ، ب؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، لی، ب: داستان زال با مهرباب (لی: مهرباب شاه کابل)؛ ق، آ: داستان زال سام با مهرباب کابل؛ پ: داستان زال با رودابه دختر مهرباب؛ و: گفتار اندر داستان زال و رودابه ۴- ل- آ: داستان ۵- ل- پ، ب: چنان؛ متن = ف، و، آ، ل ۶- ل- ل: دوم این بیت را انداخته و بجای آن ۲۶۷ ب را آورده است ۷- ق، ب: راز و کیش؛ و: کم و بیش؛ آ: دین و کیش؛ ل: این بیت را انداخته است؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- لن: روی؛ ل: این لت را انداخته است ۹- س، ب (و نیز ل، آ، س، آ): در؛ لن، ق، آ، لی، پ: سوی؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۱۰- ف- ب (و نیز لن، س، آ): کابل؛ متن = (ل، ۱۱- ل، ق، و: شهر کشمیر و مای؛ لن، لی: ذنبیل و مرغ موی (لی: مرغ و مای)؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ل ۲۶۵، ب، ۲۶۶ و ۲۶۷ آ را انداخته و از ۲۶۵ آ و ۲۶۷ ب يك بیت ساخته است؛ ق پس از بیت ۲۶۷ افزوده است:

بگردد ببیند شگفت جهان بجویسد بدانند ز راز نهران  
۱۲- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): بهر جایگاهی؛ و: بهر جای گاهی؛ (لن، آ: بهر جای کامی)؛ متن = ف (و نیز ل، آ) ۱۳- ل، ق، ل: بیاراستند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- ل: < و > ۱۵- ل، ق، ل: خواستند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- لی: باین ۱۷- س- پ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، س، آ): زابل؛ متن = ف، ل، و، آ ۱۸- ف- ب (و نیز ل، آ، لن، س، آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- لن، پ، و، ل: خندان دل و ۲۰- ب: گرازان و شادان و رامش کنان؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر داستان زال با شاه مهرباب و دخترش و عاشق شدن زال بر سوداوه (!)؛ س: داستان زال با رودابه دختر مهرباب کابل؛ ق: رسیدن زال به کابل و عاشق شدن او برودابه؛ آ: داستان زال با مهرباب شاه کابلستان؛ ف پس از بیت ۲۷۰ افزوده است:

یکی پادشا بُد به کابل درون هنرمند و بینا دل و رهنمون  
۲۱- ف: گرانمایه و گرد و مهرباب نام؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س، آ) ۲۲- ل، س: < و > ۲۳- آ، ل: < و > ۲۴- لن، پ، و: آزاده ۲۵- س، و (و نیز ل، آ، س، آ): کفت؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۶- ب: یلی؛ لن، ق، ق، آ، لی، پ، و پس از این بیت افزوده‌اند (در ق بیت ها پس و پیش شده‌اند):

ز ضحاک تازی گهر داشتی بکابل همه (لن: یکایک همان) بوم و بر داشتی  
ق، ق، آ: ز کابل همی بهر (ق، آ: همه شهر و) بر داشتی  
و: ز کابل همو بهره بر داشتی

همی دادهر سال با (لن: بی) سام ساو (و: همی سام را دادهر سال ساو) که با او برزمش (لی: بجنگش) نبود ایچ (ق: نبد هیچ) تاو  
۲۷- ل: این بیت را ندارد؛ ف- آ، ب (و نیز ل، آ، لن، س، آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- ل (و نیز س، آ): شام؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۹- ل، ق، و: به؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- آ: خز و حریر ۳۱- ل: چینی حریر؛ آ: مشک و عبیر؛ متن = نه دستنویس دیگر

یکی طوق زرین زبرجد نگار

که زیبا مهی آمد اندر بهی<sup>۲</sup>  
به آیین<sup>۳</sup> یکی پایگه ساختش  
گشاده دل و بزم ساز آمدند<sup>۴</sup>  
نشستند بر خوان دو فرح سران<sup>۵</sup>  
نگه کرد مهراب را پور سام<sup>۶</sup>  
دلش تیزتر گشت<sup>۱</sup> بر<sup>۱۱</sup> کار اوی<sup>۴</sup>  
نگه کرد زال<sup>۱۲</sup> اندران برز و یال<sup>۱۳</sup>  
که زیننده‌تر زین که بندد کمر<sup>۱۴</sup>  
چنین گفت با<sup>۱۷</sup> پهلوان جهان  
که رویش زخورشید نیکو<sup>۱۹</sup> ترست  
به رخ چون بهشت و به بالای<sup>۲۱</sup> ساج  
سرش گشته چون حلقه‌ی پای وند<sup>۲۴</sup>

یکی تاج پر گوهر شاهوار

چو آمد به دستان سام آگهی  
پذیره شدش زال و بنواختش  
سوی تخت پیروزه بازآمدند<sup>۲۸۰</sup>  
یکی پهلوانی نهادند خوان  
گسارنده‌ی می می آورد و جام<sup>۴</sup>  
خوش آمد هماناش<sup>۸</sup> دیدار اوی  
چو مهراب برخاست از خوان زال  
چنین گفت با مهتران زال زر<sup>۲۸۵</sup>  
یکی نامدار<sup>۱۵</sup> از میان<sup>۱۶</sup> مهان  
پس پرده‌ی او<sup>۱۸</sup> یکی دخترست  
ز سر تا به پایش<sup>۲۰</sup> بکردار عاج  
بران سفت<sup>۲۲</sup> سیمینش<sup>۲۳</sup> مشکین کمند

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

سران هرچه بد او ز (س: بد روی؛ ب: بود آن ز) کابل سپاه

و: بکابل درون هر چه بود از سپاه

این بیت در ف، ل، ق، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز در لن، آ، س<sup>۲</sup>) نیست ۲- س، ق، آ، پ، و، آ، ل<sup>۲</sup>: مهی؛ ق: آمد از فرهی؛ لی: اندر آمد مهی؛ ل: که مهراب آمد بدین فرهی؛ متن= ف، لن، ب ۳- لن: نو آیین؛ پ: ز آیین؛ ل<sup>۲</sup>: بر آیین ۴- ق پس از این بیت افزوده است:

بلشکرگه زال آمد فرود

ابر زال او آفرین‌ها بخواند

تن هر دو بودند نیکی نمای

بنیرو و دانش هنرها بجای

۵- ل، س، ق، آ، لی، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): که بنشست بر خوان (ق، لی: خان) او (و: ابا) فرخان؛ لن، پ، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نشستند بر خوان او فرخان؛ ل<sup>۲</sup>: نشستند بر خوان ابا مهتران؛ متن= ف ۶- ب: گسارنده می بیاورد جام ۷- ب: همیخورد مهراب با پور سام؛ ب پس از این بیت افزوده است:

چو نیکو نگه کرد در چهر او

بجنبید اندر دلش مهر او

۸- ل<sup>۲</sup>: خوش آمدش فرخنده ۹- س، ق، آ، لی، آ، ل<sup>۲</sup>: ب؛ او؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ، و ۱۰- ق: تیز برگشت؛ ق، آ: تیره تر گشت ۱۱- س، لن، ل<sup>۲</sup>: ب؛ در؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

از آن دانش و رای مهراب گرد

بگفت آنکه (ق: آنکس) این (پ: او) زاد هرگز نمرد

۱۲- ل: سام (!)؛ ق: نیک ۱۳- ف: برویال (→ برز و یال؟)؛ س: کفت و یال؛ لن، ق، آ، پ، آ: کتف و یال؛ لی: فر و یال؛ و: برز یال؛ ب: سفت و یال؛ (ل<sup>۲</sup>: شاخ و یال)؛ متن= ل، ق (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت برابر متن، ولی بجای بیت ۲۹۵ آمده است ۱۴- س، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بچهر و بالای او (ق: این) مرد نیست

کسی (ق: کسش) گوی این (لن، پ، و: او) را (س: کس این را بگیتی) هم آورد نیست

این بیت در ف، ل، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۱۵- و: نامور ۱۶- ب: نژاد ۱۷- ل، س، ق، آ، و- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کای؛ لی: بدو

گفت کای؛ متن= ف، لن، پ ۱۸- ل<sup>۲</sup>: ب: پرده او را ۱۹- ل، ق، لی، آ، ب: روشن؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): تابان؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، پ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۰- لی: میانش ۲۱- ل، لن، پ، آ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): به بالا چو؛ متن= ف، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۲- ف: کفت؛ آ (و نیز س<sup>۲</sup>):

کتف؛ ل<sup>۲</sup>: قد؛ (ل<sup>۲</sup>: سرو)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۳- لن، پ: سیمین دو؛ ق<sup>۲</sup>: سیمین و؛ و، ب: سیمین ز؛ متن= هفت دستنویس

دیگر ۲۴- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): پای بند؛ متن= ف، و

۲۹۰ رخانش<sup>۱</sup> چو گلنار و<sup>۲</sup> لب ناردان  
 دو چشمش بسان دو نرگس به باغ  
 دو ابرو بسان کمان طراز  
 بهشتست<sup>۵</sup> سرتاسر آراسته

۲۹۵ برآورد مر زال را دل<sup>۴</sup> به جوش  
 شب آمد پر<sup>۱۱</sup> اندیشه بنشست زال

۳۰۰ چو زد بر سر کوه<sup>۱۳</sup> بر تیغ شید  
 در بار بگشاد دستان سام  
 در پهلوان را بیاراستند  
 برون رفت مهرباب کاول<sup>۱۷</sup> خدای  
 چو آمد بنزدیکی بارگاه

ز سیمین برش رسته دو نار دان!  
 مژه تیرگی برده از پر زاغ  
 برو توز<sup>۳</sup> پوشیده از مشک و ناز  
 پر آرایش<sup>۶</sup> و دانش<sup>۷</sup> و خواسته

چنان شد کزو رفت آرام و هوش<sup>۹</sup>  
 به نادیده بر گشت بی خورد و هال

چو یاقوت<sup>۱۴</sup> شد روی گیتی سپید<sup>۱۵</sup>  
 برفتند گردان زرین ستام<sup>۱۴</sup>  
 چو بالای پرمایگان خواستند  
 سوی خانه<sup>۱۸</sup> زال زاول<sup>۱۹</sup> خدای  
 خروش آمد از در که بگشای راه

۱- س، لن، ق، آ، پ: دهانش ۲- ق: < و > ۳- لن، پ: مژه؛ لی: توژ ۴- ل، س، پ، و (ونیز ل، آ، س): مشک ناز؛ ف پس از این بیت چهار بیت افزوده است که بیت چهارم آن در ق<sup>۲</sup> نیز آمده است (بیت ۴۵۳-۴۵۶):

از آن گنبد سیم سر بر زمین  
 به مشک و به عنبر سرش تافته  
 سر زلف و جعدش چو مشکین زره  
 دو (ق<sup>۲</sup>: ده) انگشت برسان سیمین قلم

فرو هشته بر گل کمند کمین  
 به یاقوت و زمرد بنش بافته  
 فکنده ست گویی گره بر گره  
 برو کرده از غالیه صد رقم

ق<sup>۲</sup>: لبانش زلعلست گفتی رقم

۵- س، لن، ق، لی، پ، و، آ: بهشتیست؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل، ب ۶- ق: آرامش ۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: رامش؛ متن = ف، ل، ق، و، آ؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت چنین آمده است:

بهشتست از راستی سربسر  
 ق پس از بیت ۲۹۳ افزوده است:

به پیش پدر دیدمش چند بار  
 فرستاده بودم ز سام سوار

در و پس از بیت ۲۹۳ بیت ۲۹۴ پ آمده است ۸- و: خون ۹- لن، پ: یکباره هوش؛ ق<sup>۲</sup>: چنان شد که گفتی ازورفت هوش؛ س- پ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت و پیش از این بیت افزوده اند:

که (و: چو) از نیکوی مرد (ق: باب) ایدون بود

بخوبی ازین (لن: نبینی کرین؛ پ: بنیکی ازین؛ و: بخوبی نگر) زاده خود (پ: خون) چون بود

لن، ق، آ، پ پس از این سرنویس دارند: عاشق شدن زال بر رودابه (پ: ... دختر مهرباب) ۱۰- لی: در ۱۱- ف، ق، ق، آ، زار؛ لن: از اندیشه ناسود زال؛ پ: از اندیشه زال سوار؛ متن = ل، س، لی، و، آ، ب (ونیز ل، آ، س) ۱۲- ف، ق، ق، آ، پ: به نادیده بر شد چنین (ق<sup>۲</sup>: همی؛ پ: چنان) سوگوار؛ س: بنادیده شد بی دل و هوش و هال؛ لن، لی: بنادیده بر شد چنان در خیال (لی: ابی خورد و حال)؛ و، آ، ب: بنادیده بر (و: بنادیده) گشت بیخواب (آ: برخواب) و هال؛ در ل<sup>۲</sup> بجای این بیت ۲۸۴ آمده است ۱۳- ب: چو برزد سر از کوه ۱۴- ل، آ، بلور ۱۵- لی: روی روز سفید؛ لن، پ: جهان شد بسان بلور سپید ۱۶- ل: همه شادکام؛ س، ق، آ: بزین ستام؛ لن، لی، پ: بزین نیام؛ ق، ب: زرین نیام؛ و: زرینه جام؛ متن = ف، آ، ل (ونیز ل، آ، س) ۱۷- ف- ب (ونیز ل، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- س، لن، لی، پ: خیمه؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، س) ۱۹- ف- ب (ونیز ل، آ، س): زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰- ب: از کاخ و بگشاد راه

بسان درختی پر از بار نو<sup>۱</sup>  
 وُزان<sup>۲</sup> انجمن سر برافراختش<sup>۳</sup>  
 ز تخت و ز مهر و ز تیغ و کلاه<sup>۴</sup>  
 سرافراز و پیروز<sup>۵</sup> و فرمان روا  
 که آن آرزو بر تو دشخوار<sup>۶</sup> نیست  
 چو خورشید روشن کنی جان من  
 به خان<sup>۷</sup> تو اندر مرا جای<sup>۸</sup> نیست  
 همان شاه چون بشنود داستان  
 سُوی خانه ی بت پرستان شویم  
 به دیدار تو<sup>۹</sup> رای<sup>۱۰</sup> فرخ نهم<sup>۱۱</sup>  
 به دل<sup>۱۲</sup> زال را خواند<sup>۱۳</sup> ناپاک دین  
 همی<sup>۱۴</sup> آفرین خواند بر بخت اوی<sup>۱۵</sup>  
 ستودش فراوان چنان چون سزید<sup>۱۶</sup>  
 زبان از ستودنش کوتاه بود  
 مرو را ز دیوانگان<sup>۱۷</sup> داشتند<sup>۱۸</sup>  
 چنان<sup>۱۹</sup> گرم<sup>۲۰</sup> دیدند<sup>۲۱</sup> و<sup>۲۲</sup> با گفت و گوی<sup>۲۳</sup>  
 همان کز پس پرده بودش نهان<sup>۲۴</sup>  
 ز بایستگی، هم ز شایستگی<sup>۲۵</sup>  
 خرد دور شد عشق فرزانه<sup>۲۶</sup> گشت<sup>۲۷</sup>  
 برین بر بگوید<sup>۲۸</sup> یکی داستان<sup>۲۹</sup>  
 خم چرخ گردان نهفت من ست<sup>۳۰</sup>

بر<sup>۱</sup> پهلوان اندرون رفت گو<sup>۲</sup>  
 دل زال شد شاد<sup>۳</sup> و بنواختش  
 پرسید<sup>۴</sup> کز من چه خواهی<sup>۵</sup> بخواه  
 بدو گفت مهراب کای پادشا  
 ۳۰۵ مرا آرزو در زمانه یکیست  
 که آبی<sup>۶</sup> به شادی سُوی خان من  
 چنین داد پاسخ که این رای نیست  
 نباشد بدین<sup>۷</sup> سام همداستان  
 که ما می گساریم و مستان شویم  
 ۳۱۰ جزین هرچه<sup>۸</sup> گویی<sup>۹</sup> تو<sup>۱۰</sup> پاسخ دهم<sup>۱۱</sup>  
 چو بشنید مهراب کرد آفرین  
 خرامان برفت از بر تخت اوی<sup>۱۲</sup>  
 چو داستان سام از پشش بنگرید  
 از آن<sup>۱۳</sup> کو نه هم دین و هم راه بود  
 ۳۱۵ برو<sup>۱۴</sup> هیچ کس چشم نگماشتند<sup>۱۵</sup>  
 چو روشن دل پهلوان را بدوی<sup>۱۶</sup>  
 مرو را ستودند يك يك مهان<sup>۱۷</sup>  
 ۳۲۰ ز<sup>۱۸</sup> بالا و دیدار و آهستگی  
 دل زال یکباره دیوانه گشت<sup>۱۹</sup>  
 سپهدار تازی<sup>۲۰</sup> سر راستان<sup>۲۱</sup>  
 که تا زنده ام چرمه جفت من ست

۱- لن، پ: سوی؛ ق پس از این بیت افزوده است:

- نثار آورید او چو روز نخست ز گوهر بسی اندران پایه جست
- ۲- لی، پ: دلش شاد شد زال ۳- ل، ق، و، آ، ل: از آن؛ ق: بدان؛ متن=ف، س، لن، ق، لی، پ، ب، ۴- ق: برافراشتش ۵- ل، ب: بدو گفت
- ۶- ل: چه باید ۷- لن: ز تخت و ز تیغ و ز مهر و کلاه؛ ب: ز تخت مهی و ز تیغ و کلاه؛ در ف این بیت چنین آمده است:
- پرسید کز من چه خواهی بگوی ز تخت بزرگی بهانه مجوی
- ۸- و: فیروز ۹- ل- ب (و نیز ل، لن، س): دشوار؛ متن=ف ۱۰- س، لن، ق، لی، و (و نیز س): گرای (یا: گرای)؛ (ل: خرامی)؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۱- لن، ب: خوان ۱۲- ق: پای ۱۳- آ، ل، ب: برین ۱۴- ل: هرچ ۱۵- ل: گویند
- ۱۶- ق، لی، و، آ، ل، ب: دهم؛ متن=ف- ق، پ ۱۷- لن: آن ۱۸- ل: روز ۱۹- ق، لی، و، آ، ل، ب: نهم؛ متن=ف- ق، پ ۲۰- لی: بدان ۲۱- و: گفت ۲۲- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: او؛ متن=ف، ق، لی، و ۲۳- ب: همان ۲۴- ق این بیت و پنج بیت پس از آنرا انداخته است، ولی آنها را در کناره افزوده اند ۲۵- ق: از این؛ لی: بدان ۲۶- س: بدو ۲۷- ل: نگماشتی؛ ب: نگذاشتی ۲۸- و (و نیز س): بیگانگان ۲۹- ل، ب: داشتی ۳۰- ل، س، ق، و، آ، ل، بروی؛ متن=ف، لن، لی، پ، ب ۳۱- ب: چنین ۳۲- لی: شاد ۳۳- ل، س، و: < و > ۳۴- ل: گفت گوی؛ و: از آن گفت گوی؛ ل: چنان گرم دیدندی و گفت و گوی (!)؛ متن=ف، لن، ق، پ، آ ۳۵- لی: نهان ۳۶- لن، لی، پ: بزرگان و ناماوران جهان ۳۷- ف: به؛ متن= ده دستنویس دیگر بجز ق (و نیز ل، لن، س) ۳۸- ق: ز شایستگی هم ز بایستگی ۳۹- لی: شد ۴۰- ل: صبر بیگانه ۴۱- ق: گیتی ۴۲- ل: یکی داستان ۴۳- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن): بگوید برین بر؛ (س): نکوزد برین بر؛ متن=ف، و ۴۴- ل: سر راستان ۴۵- و این بیت را ندارد

بنزد<sup>۲</sup> خردمند کانا<sup>۱</sup> شوم<sup>۲</sup>  
 بر آن کار بنهاد پیوسته دل  
 مگر تیره گردش<sup>۶</sup> ازین آب روی<sup>۷</sup>  
 دل زال زر تا سر آگند مهر<sup>۸</sup>

عروسم نباید که رعنا<sup>۱</sup> شوم<sup>۲</sup>  
 از اندیشگان زال شد خسته دل  
 همی بود پیچان دل از گفت وگویی<sup>۵</sup>  
 همی گشت یکچند بر سر سپهر ۳۲۵

برفت و بیامد<sup>۹</sup> از آن<sup>۱۰</sup> بارگاه  
 همی گشت بر گرد بستان خویش<sup>۱۱</sup>  
 چو سیندخت و رودابه<sup>۱۴</sup>ی ماهروی  
 سراپای پر بوی و<sup>۱۵</sup> رنگ و نگار  
 همی نام یزدان<sup>۱۷</sup> بروبر بخواند  
 نهاده به مه بر ز عنبر کلاه<sup>۱۸</sup>  
 بسان بهشتی پر از خواسته  
 ز خوشاب بگشاد<sup>۲۰</sup> عتاب را  
 که کوتاه باد از تو دست بدی  
 همی تخت کام<sup>۲۴</sup> آیدش گر<sup>۲۵</sup> کُنام<sup>۲۶</sup>  
 پی نامداران سپارد همی؟  
 که ای سرو<sup>۲۷</sup> سیمین بر خوب روی<sup>۲۸</sup>  
 پی زال را کس نیارد سپرد<sup>۲۹</sup>

چنان بُد که مهراب روزی پگاه  
 گذر کرد سوی شبستان خویش  
 دو خورشید دید اندر<sup>۱۲</sup> ایوان او<sup>۱۳</sup>  
 بیاراسته همچو باغ بهار  
 شگفتی به رودابه اندر بماند ۳۳۰  
 یکی سرو دید از برش گرد ماه  
 به دیبا<sup>۱۹</sup> و گوهر بیاراسته  
 پرسید سیندخت مهراب را  
 که چون رفتی امروز و<sup>۲۱</sup> چون آمدی  
 چه مردی ست<sup>۲۲</sup> این پیرسر<sup>۲۳</sup> پور سام؟ ۳۳۵  
 خوی مردمی هیچ دارد همی؟  
 چنین داد مهراب پاسخ بدوی  
 به گیتی در از پهلوانان گرد

۱- ل: رسوا ۲- ل، و، آ (و نیز لن، س، آ): شود؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل ۳) ۳- ب: پیش ۴- لن، و، ب: رسوا؛ ل: رعنا؛ متن = ف، ل، س، آ (و نیز ل، س، آ) ۵- ل: همی بود پیچان و دل گفت گوی؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- ل، و، آ: گردد؛ ل: که تیره نگردد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۷- لن: این آرزوی؛ لی: زین آب روی؛ پ: از آن آبروی؛ ل: مگر آبروی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- س، و، ل: آکنده مهر؛ لن، لی، پ: دل زال آکنده یکسر به (پ: ز) مهر؛ ق: دل زال در تابش افکند مهر؛ ق: این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، و، ل: پس از این بیت سرنویس دارند؛ و: ستایش کردن مهراب زال را و عاشق شدن رودابه؛ ل: عاشق شدن زال بر دختر مهراب ۹- ق: بیامد برفت او؛ ل: خرامان بیامد؛ لن این بیت را ندارد ۱۰- ل: بران؛ س: زی آن؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- لن، ق، آ، لی، پ، و: دو (ق: چو) خورشید دید اندر ایوان (پ: < ایو > ان) خویش (= ۱۳۲۸)؛ در ب لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- ل، ق، ب: بود اندر؛ و: رخ بد در؛ متن = ف، س، ق، آ، ل، آ، ق، آ، ل: او ۱۴- ق، آ: ماهرو؛ در لن، لی، ب این بیت چنین آمده است:

یکی همچو رودابه خوبچهر یکی (ق: دگر) همچو سیندخت با رای و مهر

در ق این بیت پس از بیت ۳۲۹ آمده است؛ س، ق پس از بیت ۳۲۸ افزوده اند:

یکی جفت او و یکی دخت او (ق: او) بدین هر دو مهراب شد تازه روی (ق: رو)

۱۵- ل: < و > ۱۶- س، و، ل: سراسر پر از بوی و رنگ و نگار؛ لن، لی، پ: سرای از همه رنگ و بوی و نگار؛ ق: سراسر پر از رنگ و بوی نگار؛ متن = ف، آ، ب؛ ق این بیت و سه بیت پس از آن را انداخته است، ولی آنها را در کناره افزوده اند؛ در ق این بیت بیت ۳۲۸ پ آمده است ۱۷- س: بسی آفرین را؛ لن، ق، آ، پ، ل: همی آفرین را؛ لی، و: جهان آفرین را؛ متن = ف، ل، آ، ب ۱۸- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: نهاده زعنبر به سر بر کلاه؛ (س: نهاده به سر بر زعنبر کلاه)؛ متن = ف، و، ب (و نیز ل، لن) ۱۹- لن: بدینار؛ لی این بیت را ندارد ۲۰- ب: بگشاده ۲۱- لی، آ: < و > ۲۲- ل، ق، لی، و، آ: مردست؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۳- لن، پ: آن پیرسر؛ ل: پیر سراین (وزن نادرست است) ۲۴- ل- ق، لی- آ، ب (و نیز لن، س، آ): یاد؛ ل: باز؛ متن = ف (و نیز ل ۲) ۲۵- ف، س، لن، ق، لی- ب (و نیز ل، لن، س، آ): یا؛ متن = ل ۲۶- ق: بدیدن بهست از (→ ان) باواز و نام (= ۴۸۰ ب) ۲۷- س: ماه ۲۸- ف: خوب گوی؛ ل، ق، پ، آ: ماهروی؛ (س: مشکبوی)؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۹- ف: پی زال کس را نیارد سپرد؛ ل، س، ق- و، ب: پی زال زر کس نیارد (ق: نباید) سپرد؛ لن، لی: پی زال را کس نیارد (لن: نشاید) سپرد (لی: شمرد)؛ متن = ل: ق پس از این بیت افزوده است:

نه کرشاسپ چون او نه سام دلیر برزم ار گرانید اینست چیر



نبینی و<sup>۲</sup> بر زین چنو يك سوار<sup>۳</sup>  
 دو دستش بکردار دریای نیل<sup>۵</sup>  
 چو در جنگ<sup>۶</sup> باشد سرافشان بود<sup>۸</sup>  
 جوان سال و بیدار و<sup>۱۱</sup> دولت جوان<sup>۱۲</sup>  
 به زین اندرون چون نهنگ<sup>۱۳</sup> بلاست  
 فشاننده ی خنجر آبگون  
 نگوید<sup>۱۷</sup> سخن<sup>۱۸</sup> مردم عیب جوی

برافروخت و<sup>۲۱</sup> گلنارگون کرد روی  
 ازو<sup>۲۳</sup> دور شد رامش و خورد<sup>۲۴</sup> و هال<sup>۲۵</sup>  
 دگر شد به رای و به آیین و<sup>۲۸</sup> خوی<sup>۲۹</sup>

پرستنده و مهربان بنده بود  
 که بگشاد خواهم نهان<sup>۳۲</sup> از نهفت  
 پرستنده و غمگسار<sup>۳۳</sup> منید  
 همه ساله با بخت همراه بید<sup>۳۶</sup>

چو دست و عنانش بر<sup>۱</sup> ایوان نگار  
 ۳۴۰ دل شیر نر دارد<sup>۴</sup> و زور پیل  
 چو بر گاه باشد در افشان<sup>۶</sup> بود  
 رخس پژمراننده<sup>۹</sup> ارغوان<sup>۱۰</sup>  
 به کین اندرون چون نهنگ<sup>۱۳</sup> بلاست  
 نشاننده ی<sup>۱۴</sup> خاک در کین به خون  
 ۳۴۵ از آهو همان<sup>۱۵</sup> که ش سپیدست<sup>۱۶</sup> موی

چو بشنید رودابه آن<sup>۱۹</sup> گفت و گوی<sup>۲۰</sup>  
 دلش گشت پر آتش از<sup>۲۲</sup> مهر زال  
 چو بگرفت جای خردش<sup>۲۶</sup> آرزوی<sup>۲۷</sup>

و<sup>۱</sup> پنج ترك پرستنده بود  
 ۳۵۰ بدان<sup>۳۰</sup> بندگان خردمند<sup>۳۱</sup> گفت  
 شما يك به يك رازدار منید  
 بدانید هر پنج و<sup>۳۴</sup> آگاه بید<sup>۳۵</sup>

۱- لن، لی، پ، ل، آ: به؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل، ق: نبینی نه؛ ق، آ: پ: نبینند و؛ لی، ل، آ: نبینند؛ و، آ: نبینی تو؛ متن = ف، س، ب  
 ۳- لن: نبینند چو بر زین بود بر سوار؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۴- ل، آ: دل شیر دارد هم ۵- لی: نهنگان برآرد ز دریای نیل ۶-  
 ف: گلفشان؛ ب: زر افشان؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س، پ، ب: رزم؛ متن = هفت دستنویس  
 دیگر ۸- و: شود؛ در ق، ل، آ، لن، س، پ: پ: رخس سرخ مانده؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۱۰- ب: رخس ارغوانی و دولت جوان ۱۱- س: جوان سال و هم تخت و ۱۲- ب: روشن روان ۱۳- ف: پلنگ؛ متن = یازده  
 دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س، پ) ۱۴- ل، آ: فشاننده؛ لی، آ این بیت را ندارند ۱۵- و: همین ۱۶- و، ب: سفیدست ۱۷- ل، س، ق:  
 بگوید؛ لن، لی (و نیز ل، آ، لن، س، پ): نجوید؛ ق، آ، و: نجوید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، آ، پ: بجوید؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ب (و نیز س، آ) ۱۸-  
 لی: جزین؛ و: هنر؛ ل- پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

سپیدی مویش بزبید (لی، پ، ل، آ: بزبید) همی تو گویی که دلها فریید همی

این بیت در ف، و، آ (و نیز در لن، س، آ) نیست ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: این؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۲۰- ل، ق: گفت گوی  
 ۲۱- لی، آ: < > ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب: < از >؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب، و، آ: وزو ۲۴- ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ:  
 دور شد خورد و آرام؛ متن = ف، س، لی، ل، آ، ب ۲۵- ف: بال (→ هال)؛ ق، و: حال (→ هال)؛ پ: بال (→ هال)؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛  
 س، ق، پس از این بیت و لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از بیت سپسین افزوده اند:

چه نیکو سخن گفت (ق، آ، ب: گفتش) آن رای زن ز مردان مکن یاد در پیش زن  
 دل زن همان (ق: همه) دیو را هست جای ز گفتار باشند (ب: باشد چو) جوینده رای

این بیت هادر ف، ل، و، آ، ل (و نیز در ل، آ، لن، س، آ) نیست؛ ف، ق، آ، پ، ل، آ پس از این بیت سرنویس دارند، ف: گفتار اندر عاشق شدن سوداوه (!)  
 بر زال و فرستادن کنیزکان را بنزدیک او به پیغام؛ لن، ق، آ، ل: عاشق شدن رودابه بر زال (لن: زال زر)؛ پ: عاشق شدن دختر مهراب ۲۶- ل،  
 ق، و، آ (و نیز ل، آ، لن، س، پ، ل، آ، ب: خرد؛ متن = ف (و نیز س، آ) ۲۷- س: آرزو ۲۸- ل: < و >؛ و: بدین و؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ،  
 ب: دگرگونه تر شد به آیین و؛ متن = ف، ق، آ ۲۹- س: خو؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب پس از این بیت دو بیت افزوده اند (پ ۲۵) ۳۰- س، لن، لی،  
 پ: بدین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۱- لی: پرستنده ۳۲- ق: زبان ۳۳- لی: راز دار (پساوند ندارد) ۳۴- و: بدانید و هر پنج ۳۵-  
 ل، س، ق، آ، پ، و، آ، ل (و نیز لن، آ): آگه بوید؛ لن: آگه شوید؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۶- ل، س، ق، پ، و، آ، ل (و نیز لن، آ):  
 همره بوید؛ لن: همره شوید؛ ق، آ: پرستنده و بخت همره بوید؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل، آ، س، آ)

ازو<sup>۲</sup> برشده موج تا<sup>۳</sup> آسمان  
به خواب اندر اندیشه زو نگسلم  
شب و روزم<sup>۶</sup> اندیشه ی چهر اوست<sup>۷</sup>  
چه خواهید<sup>۹</sup> و<sup>۹</sup> با من چه پیمان کنید  
دل و جانم از رنج پرداختن<sup>۱۱</sup>

که بی کاری آمد<sup>۱۲</sup> ز دخت ردان<sup>۱۳</sup>  
چن<sup>۱۴</sup> آهرمن از جای برخاستند  
سرافرازتر دختر اندر مهان<sup>۱۵</sup>  
میان بتستان چو روشن نگین<sup>۱۸</sup>  
چو رخسار تو تابش پرو نیست<sup>۲۱</sup>  
فرستد همی سوی<sup>۲۴</sup> خاورخدای  
پدر را بنزد تو آرم نیست  
تو خواهی که گیری مرو را<sup>۲۸</sup> به بر  
نشانی شده در میان گروه  
نه زان کس<sup>۳۱</sup> که زاید بیاید نژاد<sup>۳۲</sup>  
شگفتی بود گر بود<sup>۳۵</sup> پیرجوی<sup>۳۶</sup>  
بر<sup>۳۷</sup> ایوان ها صورت چهر تست

که من عاشقی ام چو بحر دمان  
پر از پور سام ست<sup>۴</sup> روشن دلم  
همه خانه ی شرم پر مهر اوست  
کنون این سخن را چه درمان کنید  
یکی چاره باید کنون<sup>۱</sup> ساختن

پرستندگان را شگفت آمد آن  
همه پاسخش را بیاراستند  
که ای افسر بانوان جهان  
ستوده ز<sup>۱۶</sup> هندوستان تا<sup>۱۷</sup> به چین  
به بالای تو بر<sup>۱۹</sup> چمن<sup>۲۰</sup> سرو نیست  
نگار<sup>۲۲</sup> رخ تو ز قنوج، رای<sup>۲۳</sup>  
ترا خود به دیده درون<sup>۲۵</sup> شرم نیست  
که آنرا که بندازد<sup>۲۶</sup> از بر<sup>۲۷</sup> پدر  
که<sup>۲۹</sup> پرورده ی مرغ باشد به کوه  
کس از مادران پیر<sup>۳۰</sup> هرگز نژاد  
چنین سرخ دو<sup>۳۳</sup> بسد شیربوی<sup>۳۴</sup>  
جهانی سراسر پر از مهر تست

۱- ل، ق: عاشقم همچو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- س، ل، آ: وزو ۳- ق، پ: بر ۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ: پر از مهر زالست؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۵- ب: اوی؛ ل، ق (و نیز ل، لن، آ): همیشه دلم در غم مهر اوست؛ لن: دل و جانم یکسر پر از مهر اوست (وزن نادرست است)؛ لی، ل (و نیز س، آ): همه جای شرمم پر از مهر اوست؛ پ: دل و جان و هوشم پر از مهر اوست؛ متن = ف، س، ق، آ، و، آ ۶- ل، ق، ب: شب و روز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- ب: اوی؛ ف، ق، آ (و نیز ل، آ، س، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ندانند کسی راز من جز شما که هم مهربانید و هم پارسا

این بیت در نه دستنویس دیگر (و نیز در لن، آ) نیست ۸- ل، س، ق، آ، آ: چگوید؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۹- ق، ل، آ، ب: < و > ۱۰- س، ل، آ: همی ۱۱- لن، پ، ب: از غم برداختن ۱۲- س، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): که بدکاری آید؛ متن = ف، ل، و، آ (و نیز لن، آ، س، لن، ق، آ، لی، ل، آ، ب: شهان؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، آ ۱۴- ل، ب: چو؛ متن = ف ۱۵- ل، ق، ب: سرافراز بر (ق، ق، آ، پ، ب: تر) دختران مهان (ل، آ: شهان)؛ متن = ف، س، لن (و نیز س، آ) ۱۶- ق، و، آ: به ۱۷- ق، آ: و ۱۸- ف (و نیز لن، آ): میان نیستان (→ بتستان) چو روشن نگین؛ ل، س، ق: میان بتان در چو (س: همچو) روشن نگین؛ لن، لی، پ: میان بتان چون درخشان نگین؛ ق، آ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): میان شهبستان چو روشن نگین؛ متن = و ۱۹- لن، و، ل، آ، ب: در؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۰- ب: زمین ۲۱- ل، ق: برسمن غرو (ق: مرو) نیست؛ ل، آ: بالش پرو نیست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ق، آ: نگارا؛ لی این بیت را ندارد ۲۳- ل: قنوج و رای؛ پ: قنوج و مای؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۴- پ: فرستند نزدیک ۲۵- و: به چشم اندرون ۲۶- لی: اندازد ۲۷- لن: بن (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ: تن؛ و: بن؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۸- س: که برگیری او را؛ لن، ق، آ، لی، پ: که او را بگیری؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۹- لی: چو ۳۰- ل، س، ل، آ، لی: نیز؛ لن: مادر پیر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل: نه آنکس؛ س، ل، آ: از آنکس؛ لن، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، آ): وزانکس؛ (لن، آ: و آنکس)؛ متن = ف، ق، آ، ب (و نیز س، آ) ۳۲- ف، س: بیاند نژاد (حرف های یکم و چهارم واژه یکم نقطه ندارند)؛ ل، ق، آ: بیانش نژاد؛ لن، ق، آ، پ (و نیز ل، آ، س، آ): نباشد نژاد؛ لی: نیایش یاد؛ و: نباید نژاد؛ ل، آ، ب: نیاید نژاد؛ (لن، آ: نیاید نژاد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۳- ق: تازه دو؛ و: سرخ رو ۳۴- پ: سزموی؛ لی: چنین سرخ رخساره و مشکبوی ۳۵- ل، ق، و، آ: شود؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۶- ل: پیر حوی (حرف یکم واژه دوم نقطه ندارد)؛ س، ل، آ: پیرحوی؛ ق، آ: تیزحوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۷- ل، لن، لی، پ: به؛ متن = هشت دستنویس دیگر

ز چرخ چهارم خود<sup>۴</sup> آیدت شوی<sup>۵</sup>  
 چُن<sup>۶</sup> از باد<sup>۷</sup> آتش، دلش بردمید  
 بتابید روی و بخوابید<sup>۹</sup> چشم  
 به ابرو ز خشم اندر آورد<sup>۱۳</sup> خم<sup>۱۴</sup>  
 شنیدن نه ارزد ز پیگارتان<sup>۱۷</sup>  
 نه از<sup>۱۹</sup> تاج داران ایران زمین  
 ابا بازوی شیر و<sup>۲۰</sup> با بُرز و<sup>۲۱</sup> یال  
 مرا او بجای تن ست و روان<sup>۲۳</sup>  
 چو بشنید دل<sup>۲۷</sup> خسته آواز<sup>۲۸</sup> اوی<sup>۲۶</sup>  
 به دل مهربان و پرستنده<sup>۲۹</sup> میم  
 نیاید ز فرمان تو جز بهی<sup>۲۹</sup>

۳۷۰ ترا با چُنین روی<sup>۱</sup> و بالای<sup>۲</sup> و موی<sup>۳</sup>  
 چو رودابه گفتار ایشان شنید  
 بریشان<sup>۴</sup> یکی بانک برزد به خشم  
 و زان پس<sup>۵</sup> به خشم<sup>۱۱</sup> و به روی<sup>۱۲</sup> دژم  
 چُنین گفت کین خام<sup>۱۵</sup> گفتارتان<sup>۱۶</sup>  
 ۳۷۵ نه فغفور خواهم نه قیصر نه چین<sup>۱۸</sup>  
 به بالای من پور سام ست زال  
 گرش پیر خوانی همی یا<sup>۲۲</sup> جوان  
 پرستنده آگه شد<sup>۲۴</sup> از راز<sup>۲۵</sup> اوی<sup>۲۶</sup>  
 به آواز گفتند ما بنده<sup>۲۷</sup> میم  
 ۳۸۰ نگه کن کنون تا چه فرمان دهی

۱- لی: رای ۲- س، لن، ق، پ، و، ب: بالا؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، آ، ل ۳- ب: خوی ۴- س، لن، ق، آ، لی، ل، ب (و نیز ل، س، آ): خور؛ ق: همی (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ل، پ، و، آ (و نیز ل، آ) ۵- ل، آ، ب: آید بشوی ۶- ل- ب (و نیز ل، س، آ): چو؛ متن= ف ۷- ل، آ: پای (!) ۸- ق: بایشان ۹- ق: بتابید؛ در پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در میان آنها بیت ۱۴ پ آمده است ۱۰- لن، لی، پ: پس آنکه ۱۱- س، پ، و، آ، ل: بحشم (حرف دوم نقطه ندارد)؛ لن، ق، آ: بحشم؛ ب: بروی؛ متن= ف، ل، ق، لی ۱۲- ق: بابر؛ ب: بحشم ۱۳- ق: آورده ۱۴- پ: غم؛ در پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و در میان آنها بیت زیر را افزوده است؛ لی، پ پس از این بیت افزوده اند:

وزانپس بکینه بتابید روی ندیدد اندران گفت ها رنگ و بوی

۱۵- و: سخت ۱۶- ل، س، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز ل، س، آ): پیکارتان؛ متن= ف، لن، ق، لی، و، ب ۱۷- ل، س، ق، آ، پ، ل، آ (و نیز ل، س، آ): شنیدن نیززید گفتارتان؛ لن، ق، لی: شنیدن نیززید پیکارتان؛ و: نیززد بدین خام گفتارتان؛ ب: شنیدم همان زشت کردارتان؛ متن= ف؛ س- پ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند (ق بیت سوم را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند):

دل من چو شد بر ستاره تباه چگونه توان شاد بودن به ماه  
 به گل ننگر دهرکه (لن، ق، لی، ل، آ: آنک؛ ب: آنکه) او گل خورست (پ: خورد)

اگرچه گل از گل ستوده ترست (پ: برد)

که را سرکه دارو بود بر (ل، آ، پ: در) جگر شود زانگبین درد او بیشتر

این بیت ها در ف، ل، و، آ (و نیز در ل، س، آ) نیست ۱۸- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: نه قیصر بخواهم نه فغفور چین؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، س، آ) ۱۹- لن: نه آن ۲۰- پ: < و >؛ آ: ابا زور شیران و؛ ب: ابا روی چون شید و ۲۱- ق: < و >؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: کتف و؛ متن= ف، ل، و، آ ۲۲- ل: گر؛ لن، پ: خوانند یا نو؛ لی: خوانید گرنو؛ و: خواننده ای یا؛ ل: خوانی همین یا؛ متن= ف، س، ق، ق، آ، آ، ب ۲۳- لن، پ: مرا هست آرام جان و روان؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند (بیت یکم تنها در ق، ل، آ آمده است و لی تنها بیت سوم را دارد):

جز او هرگز اندر دل من مباد ازو جز بر من میایاد باد

مرا مهر او دل ندیده (پ: بدیده) گزید همان (ق، آ، پ: نه این؛ آ: که آن؛ ب: نه آن) دوستی از شنیده گزید

لن: نه از دیدنی از شنیده گزید

برو (لی: بدو) مهربانم نه بر روی و موی بسوی (س: زبهر) هنر گشتمش مهرجوی (ق، آ، لی: جفت جوی)

این بیت ها در ف، ل، ق، و (و نیز در ل، س، آ) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۲۴- آ: پرستندگان آگه ۲۵- ب: کار ۲۶- ل، س، ق، آ، ل، آ، ب: او؛ متن= ف، لن، ق، آ، لی، پ، و ۲۷- ق، آ: آن ۲۸- ب: گفتار ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

یکی گفت ازیشان که ای سرو بس نگر تا نداند کسی این (ق، آ: زین) سخن

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل، س، آ) نیست

چو ما صدهزاران فدای تو باد  
 سیه نرگسانت پر از شرم باد  
 اگر جادوی باید آموختن  
 بپریم با مرغ و آهو شویم<sup>۳</sup>  
 مگر شاه را نزد ماه آوریم<sup>۳۸۵</sup>  
 لب سرخ<sup>۶</sup>، رودابه پر خنده کرد  
 که این<sup>۷</sup> گفته<sup>۸</sup> را گر شوی<sup>۹</sup> کاربند  
 که هر روز<sup>۱۱</sup> یاقوت بار آورد  
 پرستنده برخاست از پیش او<sup>۱۵</sup>  
 به دیبای رومی بیاراستند<sup>۳۹۰</sup>  
 برفتند هر پنج تا رودبار  
 مه فوردین<sup>۲۱</sup> و<sup>۲۲</sup> سر سال بود  
 خرد زآفرینش ردای<sup>۱</sup> تو باد  
 رخانت پر از رنگ و آرم<sup>۲</sup> باد  
 به بند و فسون چشم ها دوختن  
 بپویم و در چاره جادو شویم<sup>۴</sup>  
 بنزدیک<sup>۵</sup> او<sup>۵</sup> پایگاه آوریم  
 رخان مُعَصَفَر سوی بنده کرد  
 درخت<sup>۱۰</sup> برومند کاری بلند  
 برش<sup>۱۲</sup> تازنان<sup>۱۳</sup> در<sup>۱۴</sup> کنار آورد  
 سوی<sup>۱۶</sup> چاره بیچاره<sup>۱۷</sup> بنهاد روی<sup>۱۸</sup>  
 سر زلف بر گل پیراستند<sup>۱۹</sup>  
 ز هر بوی و رنگی چو خرم بهار<sup>۲۰</sup>  
 لب رود<sup>۲۳</sup> لشکرگه زال بود

۱- پ: داوی؛ ب: زدای؛ و (و نیز ل ن آ): خرد را افزایش ردای؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن آ، س آ) ۲- ق، و: رنگ آرم؛ ب: رنگ و اورنگ (پساوند ندارد)؛ ل، پ، ل این بیت را ندارند ۳- ل، ق، و: جادو شویم؛ س، ل ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل (و نیز ل ن آ، ل ن آ، س آ): بپریم و با مرغ (لی: مرغ و) جادو شویم؛ ب: بپریم تا مرغ و آهو شویم؛ متن = ف ۴- ف: بپویم در چاه و جادو شویم؛ ل- پ، ل (و نیز ل ن آ، س آ): بپویم (ل ن، پ: بتازیم) و در چاره آهو شویم؛ و (و نیز ل ن آ): بپویم در دشت و آهو شویم؛ آ: بپویم و در چاه آهو شویم؛ ب: بکوشیم و در جای جادو شویم؛ متن تصحیح قیاسی است ۵- ق: وی؛ ق: تو؛ و: این؛ ل ن، ل، ل این بیت را ندارند ۶- ل ن، پ: لعل؛ ف، ل، ق، آ پس از این بیت افزوده اند:

پرستندگان را چنین گفت ماه که این است روی و هم این است راه

این بیت در هشت دستنویس دیگر (و نیز در ل ن آ، س آ) نیست ۷- ف: مرین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل ن آ، س آ) ۸- ل ن، ق، آ، ل، پ: بنده؛ پ: بنده؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- س، ل ن، ق، آ، پ: بوی؛ ل: تویی؛ متن = ف، ل، ل، و، آ، ب ۱۰- ل، ل، ق، آ، ب (و نیز س آ): درختی؛ متن = ف، س (و نیز ل ن آ، ل ن آ) ۱۱- ف: هر روز (!)؛ ب: مردزو (!)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل ن آ، ل ن آ، س آ) ۱۲- ق، آ: سرش؛ و (و نیز ل ن آ): برو؛ (ل: گوش) ۱۳- ل: تازنان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س، ل ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل (و نیز ل ن آ): بار آن؛ و: بارتان؛ (ل ن آ: نازتان؛ س آ: آرتان)؛ متن = ف ۱۴- ل (و نیز س آ): بر؛ ل ن پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام رودابه بنزدیک زال ۱۵- ل، ل، آ: او ۱۶- ل، س، ق، و، ب (و نیز ل ن آ، ل ن آ، س آ): بدان؛ ل ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل: بران؛ متن = ف ۱۷- ق، آ: چاره کار ۱۸- ل: رو ۱۹- ل، ق، ل این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در میان بیت ها افزوده اند؛ برخی از دست نویس ها در اینجا سرنویس دارند، لی: داستان زال با کنیزکان رودابه؛ پ: رفتن کنیزان رودابه بدیدن زال زر؛ ل: رفتن دختران بر لب رود و آگاهی یافتن زال ۲۰- ف: رخان چون گلستان و گل در کنار (= ۳۹۳ ب)؛ ق، و: زهر بوی و هر رنگ چون نو بهار؛ ل، ل این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ س، ق پس از این بیت و ل ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب پس از بیت ۳۹۳ افزوده اند:

بگشتند (ق: آ: بگفتند) و (ق: < و >) هر سو همی گل چدند سرپایه را چون برابر شدند

این بیت در ف، ل، و (و نیز در ل ن آ، س آ) نیست ۲۱- س، ل، ل: فرودین؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- ل: بد ۲۳- و: رود؛ ل ن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب پس از بیت افزوده اند:

از آن سوی رود آن (ق: از آن سو وزین سو) کنیزان بدند

ز (ق: به) دستان همی داستان ها زدند (ق: سوی دستان شدند)

ق آ پس از این بیت افزوده است:

عنان پیچ و اسب افکن و نامدار که چون او بگیتی که بیند سوار

این دو بیت در ف، ل، س، و (و نیز در ل ن آ، س آ) نیست

همی<sup>۱</sup> گل چندند از لب رودبار<sup>۲</sup>  
نگه کرد دستان ز تخت بلند  
۳۹۵ چُنین گفت گوینده با پهلوان  
پرستندگان<sup>۳</sup> را سُوی گلستان  
بنزد پریچه‌رگان رفت زال<sup>۴</sup>  
پیاده همی شد ز بهر<sup>۵</sup> شکار  
کمان ترک<sup>۶</sup> گل رخ به زه برنهاد  
۴۰۰ نگه کرد<sup>۷</sup> تا مرغ برخاست زاب<sup>۸</sup>  
ز پروازش<sup>۹</sup> آورد گردان فرود<sup>۱۰</sup>  
پرستنده با ریدک<sup>۱۱</sup> پهلوان<sup>۱۲</sup>  
که این<sup>۱۳</sup> شیربازو گو پیلتن

رخان چون گلستان و گل در کنار<sup>۱۴</sup>  
پرسید کین گل پرستان که اند  
که از کاخ<sup>۱۵</sup> مهرباب سرو روان<sup>۱۶</sup>  
فرستد همی ماه کاولستان<sup>۱۷</sup>  
کمان خواست از ترک<sup>۱۸</sup> و بفراخت یال  
خشنسار<sup>۱۹</sup> بد<sup>۲۰</sup> اندر آن رودبار<sup>۲۱</sup>  
به دست جهان<sup>۲۲</sup> پهلوان درنهاد<sup>۲۳</sup>  
یکی<sup>۲۴</sup> تیر بنداخت<sup>۲۵</sup> اندر شتاب<sup>۲۶</sup>  
چکان خون و<sup>۲۷</sup> وشی<sup>۲۸</sup> شده آب رود<sup>۲۹</sup>  
سخن گفت و بگشاد<sup>۳۰</sup> شیرین زبان<sup>۳۱</sup>  
چه مردست و<sup>۳۲</sup> شاه کدام انجمن<sup>۳۳</sup>

۱- ق: یکی ۲- ف: برفتند هر پنج تا رودبار (= ۳۹۱)؛ ل، ق، پ، آ: همی گل بچیدند از رودبار؛ متن = س، لن، لی، و، ل، آ، ب ۳- ل: برکنار؛  
ق: رخ چون بهار؛ ف: بنزدیکشان نامور شهریار؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب پس از این بیت بیت ۱۴ پ را افزوده‌اند؛ ف بیت  
۳۹۲ را انداخته است و بیت های ۳۹۱ و ۳۹۳ را چنین آورده است:

برفتند هر پنج تا رودبار      رخان چون گلستان و گل در کنار  
برفتند هر پنج تا رودبار      بنزدیکشان نامور شهریار

۴- لن، لی، پ: که این آن ۵- لن-آ، ب (و نیز ل، آ، س)؛ روشن روان؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ل، آ، ب ۶- س، ل، آ: فرستادگانرا؛  
ل این بیت را ندارد ۷- ف، س-ب (و نیز ل، آ، س)؛ کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:  
چو بشنید دستان دلش (پ: ازو) بردمید

ز بس مهر (آ: چاره) برجای بر نارمید (پ: می نارمید؛ ق: آ: برجان برنارمید)

همی رفت دستان ازین (ق: آ: از آن) روی (آ: سوی) آب      خرامید (لی: خرامیده؛ آ، ب: خرامنده) باینده پرشتاب

لن، پ: جهانجوی دستان از آن رود (پ: روی) آب

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و، ل، آ (و نیز در ل، آ، س) نیست ۸- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: چوزان سو (لن، پ: زانسان؛ لی: زان رو)  
پرستندگان دید زال؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۹- لی، آ: < و > ۱۰- ل: رفت چونان؛ ق: شد بعزم؛ لی: شد چو شیر؛ و: رفت بهر؛ متن = هشت  
دستنویس دیگر ۱۱- ل: حسساز (حرف سوم نقطه ندارد)؛ س: حس سار؛ ق: حسن سار؛ لی: چنین کار؛ پ: خسیسار؛ ل: آ: حشسار (حرف سوم  
نقطه ندارد)؛ متن = ف، ق، و، آ، ب ۱۲- ل، س، ق-ب: دید؛ متن = ف ۱۳- س، ق، و: مرغزار؛ ق: آ: جویبار؛ لن: همی دیدی آن مه رخانرا نگار  
۱۴- لن، لی، پ: بدست چپ ۱۵- ل: برنهاد (پساوند ندارد) ۱۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: یزد بانک؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، ل، آ،  
س) ۱۷- لن: از آب؛ و: زال ۱۸- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: همی ۱۹- س، ب: انداخت؛ و: بگشاد ۲۰- و: زان برزیال ۲۱- س، لن،  
ق، آ، لی، پ، ل، آ: ز (لن، پ: از) افرازش؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب (و نیز ل، آ، س) ۲۲- لی: بزیر (پساوند ندارد) ۲۳- ل، س، ق، ق، آ، پ،  
و، آ: < و >؛ متن = ف، لن، لی، ل، آ ۲۴- لی: روشن ۲۵- ق: آ: شده زاب رود؛ پ: ازو آب رود؛ و: شد از آن آب رود (وزن نادرست است)؛  
ب: چکان خون ازان مرغ شد روی رود؛ ل-پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

به ترک<sup>۱</sup> آنکهی گفت زان (لن، ق، آ، پ، ب: ازان) سوگذر      بیاور تو آن (لن: همان) مرغ افکنده پر (ل، س، لن، ل، آ: سر)

به کشتی گذر کرد ترک<sup>۲</sup> سترک<sup>۳</sup>      خرامید (ب: خرامنده) نزد پرستنده ترک<sup>۴</sup>

این بیت ها در ف، و (و نیز در لن، آ، س) نیست ۲۶- لن: ماه روی؛ پ: رودک ماه روی؛ ل، ق: پرستنده پرسید کای پهلوان؛ متن = هشت دستنویس  
دیگر ۲۷- ل، ق: سخن گوی و بگشای ۲۸- لن، پ: سخن گفت زان پهلوان نامجوی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۹- س، ل، آ: که ای ۳۰-  
ق، آ: < و >

چه سنجد به پیش اندرش<sup>۲</sup> بدگمان  
 به تیر و کمان بر چنین کامگار<sup>۴</sup>  
 مکن گفت<sup>۷</sup> ازین<sup>۸</sup> گونه از<sup>۹</sup> شاه یاد  
 که دستانش خوانند شاهان به نام  
 زمانه نبیند چنو نامدار<sup>۱۰</sup>  
 بخندید و گفتش که<sup>۱۵</sup> چندین<sup>۱۶</sup> مگوی  
 به يك<sup>۱۷</sup> سر ز شاه تو<sup>۱۸</sup> برتر به پای  
 یکی ایزدی بر سر از مشک تاج  
 ستون دو ابرو چو<sup>۲۱</sup> سیمین قلم<sup>۲۲</sup>  
 سر زلف چون<sup>۲۴</sup> حلقه‌ی پای وند<sup>۲۵</sup>  
 چنو در جهان نیز يك ماه نیست<sup>۲۶</sup>  
 کند<sup>۲۸</sup> آشنا با لب پور سام  
 که با ماه خوب ست رخشنده مهر<sup>۲۹</sup> [

که بگشاد ازین<sup>۱</sup> گونه تیر از کمان  
 ندیدیم زیبنده‌تر<sup>۳</sup> زین سوار<sup>۴۰۵</sup>  
 پری روی<sup>۵</sup> دندان به لب برنهاد<sup>۶</sup>  
 شه نیمروزست<sup>۱۰</sup> فرزند سام  
 نگردد فلک بر چنو يك سوار<sup>۱۱</sup>  
 پرستنده با كودك<sup>۱۳</sup> ماهروی<sup>۱۴</sup>  
 که ماهی ست مهراب را در سرای<sup>۴۱۰</sup>  
 به بالای ساج ست و<sup>۱۹</sup> هم رنگ عاج  
 دو نرگس دژم و دو ابرو به خم<sup>۲۰</sup>  
 دهانش به تنگی<sup>۲۳</sup> دل مستمند  
 نفس را مگر بر لبش راه نیست  
 بدین<sup>۲۷</sup> چاره تا آن لب لعل فام<sup>۴۱۵</sup>  
 [چنین گفت با بندگان خوبچهر

۱- ل، س، ق، و؛ زین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- س، ب؛ به پیشش؛ و؛ به پیش اندرون ۳- آ؛ ندیدم به بیننده به ۴- ق؛ سوگوار (ا)؛ ف؛ زمانه نبیند چنو نامدار (= ۴۰۸)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۵- ل، ن، ق، لی، پ، آ، ل؛ سبک بنده؛ ف این بیت را انداخته است؛ متن = ل، س، ق، و؛ ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۶- ل، ن، پ؛ لب را به دندان نهاد ۷- ل، ن؛ مکن کن (!) ۸- ق، آ؛ زین ۹- ل، ن، ق، آ، پ؛ بر؛ ل؛ با ۱۰- ب؛ نیمروزست و؛ ف این بیت را انداخته است ۱۱- و؛ چنین يك سوار؛ ل، ق؛ به گرد جهان گر بگردد سوار؛ ل، ن، پ؛ بگرد جهان در چنو يك سوار؛ ف این بیت را انداخته است؛ متن = س، ق، لی، آ، ب (و نیز س، آ) ۱۲- ل، ن، پ؛ دگر نامدار؛ لی؛ چنین نامدار؛ آ؛ چنو يك سوار (پساوند ندارد)؛ ب؛ یکی نامدار؛ ل، ق؛ ازین سان نبیند یکی نامدار؛ متن = س، ق، آ، و، ل (و نیز س، آ)؛ ف ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷ و ۴۰۸ را انداخته و از ۴۰۵ و ۴۰۸ ب يك بیت ساخته است ۱۳- ل، ن، پ؛ ریذک؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۴- س؛ خوب روی ۱۵- ب؛ گفتا ۱۶- س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل؛ چوین؛ متن = س، ق، و، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ ل؛ پس از این بیت سرنویس دارد؛ مناظره کردن ریذک با دختران رودابه ۱۷- س؛ یکی ۱۸- آ؛ زماهست ۱۹- آ؛ <و>؛ ب؛ ساج و به ۲۰- ف؛ و ابروانش به خم؛ ل؛ و دو ابروی بخم (وزن نادرست است)؛ س، ق؛ بُد دو ابرو بخم؛ ل، ن، پ؛ بر دو ابرو بخم؛ آ؛ بود و ابرو بخم؛ متن = ق، لی، و، ب، ل (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۱- ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل؛ دو بینی چو؛ آ؛ دو ابر <و>؛ چو؛ ب؛ دو ابروش؛ متن = س، ق، و ۲۲- ل، س، ق، ل (و نیز س، آ)؛ تیغ درم؛ ق، و، آ (و نیز ل، ن، آ)؛ تیغ دژم؛ لی (و نیز ل، ن، آ)؛ تیغ قلم؛ متن = ل، ن، پ، ب ۲۳- و؛ دهان تنگ همچون ۲۴- آ؛ تا ۲۵- ل- ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ پای بند؛ متن = (و نیز ل، ن، آ) ۲۶- ل، ق (و نیز ل، ن، آ)؛ پس از این بیت افزوده اند:

پرستندگان هر یکی آشکار همی کرد وصف رخ آن نگار  
 این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل، ن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ ل، ن، لی، پ بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده اند:  
 خرامان ز کابلستان آمدیم بر شاه زابلستان آمدیم  
 ۲۷- ق؛ بدان ۲۸- ل، ن، لی، پ؛ کنیم؛ ل؛ کنید؛ ف، پ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده اند:  
 سزا باشد و سخت درخور بود که با زال رودابه همسر بود  
 چو بشنید از بندگان این غلام (پ؛ پیام) رخس گشت ازین گفت ها لعل فام  
 این بیت ها در نه دستنویس دیگر (و نیز در ل، ن، آ، س) نیست؛ ق، آ، ب بجای بیت های بالا سه بیت زیر را و ل، ن، لی، ل تنها بیت یکم را افزوده اند:  
 به پیوستگی چون جهان (لی، آ؛ چنان) رای کرد دل هر کسی مهر را جای کرد  
 چو خواهد گسستن نبایش گفت نبرد (آ، ب؛ ببرد) سبک جفت را او (ب؛ او را) ز جفت  
 گسستنش پیدا و بستن نهان مه این و مه آن و (آ؛ مه این باد آن و) مه خوی جهان  
 این بیت ها در شش دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) نیست و تنها در پ بیت یکم پس از بیت ۴۱۹ آمده است ۲۹- س، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ این بیت را ندارند؛ متن = س، ق، و، ل، ق، پ

بود کاب را ره بدین جوی نیست  
 بماند<sup>۴</sup> به آسانی<sup>۵</sup> اندر نهفت  
 نباید شنیدنش ننگی سخن<sup>۶</sup>  
 چو بر خایه بنشست و گسترد<sup>۷</sup> پر  
 ز پشت پدر خایه<sup>۸</sup> بیرون کنیم<sup>۹</sup>

پرسید ازو نامور پور سام  
 شکفته رخ<sup>۱۴</sup> و سیم دندان شدی  
 ز شادی دل پهلوان شد جوان  
 که رو مر<sup>۱۸</sup> پرستندگان را بگوی  
 مگر با گل از باغ گوهر برید  
 گرانمایه دیای زرینت پنج  
 کسی را مگویند و<sup>۲۱</sup> پنهان برید  
 بدان<sup>۲۴</sup> تا پیامی فرستم براز  
 ابا گرم گفتار و دینار و<sup>۲۶</sup> گنج  
 پیام<sup>۲۸</sup> جهان پهلوان زال زر  
 که هرگز نماند سخن در نهفت

[ولیکن به گفتن مرا<sup>۱</sup> روی نیست  
 [دلاور که<sup>۲</sup> پرهیز جوید ز جفت<sup>۳</sup>  
 [بدان تاش دختر نباشد ز بُن  
 ۴۲۰ [چنین گفت مر جفت را باز نر  
 [کزین خایه<sup>۸</sup> گر مایه<sup>۹</sup> بیرون کنیم<sup>۱۰</sup>

ازیشان چو برگشت خندان<sup>۱۲</sup> غلام  
 که با توجه گفت آنک<sup>۱۳</sup> خندان شدی  
 بگفت آنچه<sup>۱۵</sup> بشنید با<sup>۱۶</sup> پهلوان  
 ۴۲۵ چنین گفت با ریدک ماهروی<sup>۱۷</sup>  
 که از<sup>۱۹</sup> گلستان يك زمان مگذرید  
 درم خواست و دینار و گوهر<sup>۲۰</sup> ز گنج  
 بفرمود کین نزد ایشان برید  
 نباید<sup>۲۲</sup> شدنشان<sup>۲۳</sup> سوی کاخ باز  
 ۴۳۰ برفتند با<sup>۲۵</sup> ماه رخسار پنج  
 بدیشان سپردند گنجی گهر<sup>۲۷</sup>  
 پرستنده با ماه دیدار<sup>۲۹</sup> گفت

۱- ل، ق، پ: مگر؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، س، آ) این بیت را ندارند ۲- آ، ق، آ، ل: چو ۳- ق، آ: پرهیز بیند  
 جفت ۴- ف: نباید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: نباید؛ ق، پ: نیاید؛ و: نیاید؛ ل: نماند؛ ب: نباشد؛ لن، لی این بیت را ندارند متن = س، ق، آ،  
 آ ۵- ب: بآسایش ۶- آ: ننگ سخن؛ ق: نباشد که راند بتنگی سخن؛ پ: نباید شنیدنش نیکی سخن؛ و: نباید شنیدن ز ننگش سخن؛ ل: آ:  
 نباید شنیدن ننگی سخن؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ب؛ پ پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۴۱۵ پ) ۷- ل:  
 بگشاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- ل: خانه؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س، آ) ۹- ق: ماده؛ ۱۰- ل، ق، آ، آ، ل: کم؛ (ل، آ،  
 س، آ: کنی)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۱۱- لن: مایه ۱۲- ب: گلرخ؛ ل، ق، ق، آ، لی (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 که بود اینک (ق: آنک؛ لی: آنکه) باتو همی راز گفت (لی: گفت راز) بیایدت با من همه باز گفت (لی: همی گفت باز)  
 ۱۳- لی، پ، آ، ل، آ: آنکه؛ و: او که؛ ل، ق، ق، آ: که از گفت او شاد و؛ متن = ف، س، لن، ب ۱۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: گشاده لب؛  
 متن = ف، ل، ق، و ۱۵- ق: آنک؛ لی، آ: آنکه؛ پ، و، ل، ب: آنچه؛ متن = ف، ل، س، لن، ق ۱۶- ق: آ: ازو ۱۷- ب: خویروی ۱۸- ل:  
 که زاید؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: که روان؛ ق: که رورو؛ متن = ف، و، ب ۱۹- ق: کزین؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز در ل، آ، لن، آ) پس  
 از این بیت ۴۲۹ آمده است ۲۰- لن، پ: با در و گوهر؛ ق، آ، لی، آ، ب: با زر و گوهر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۲۱- ق،  
 لی: < و >؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- ف، پ: بیاید؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س، آ) ۲۳- ف، لن، لی، پ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، آ):  
 شدنشان؛ متن = ل، س، ق، ق، آ، و، آ (و نیز س، آ) ۲۴- پ: بران؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز در ل، آ، لن، آ) این بیت پس از بیت ۴۲۶ آمده است  
 ۲۵- ف، ق، آ، لی، پ، آ، ل: ازان (در ف به زی تصحیح شده است)؛ س، ق (و نیز س، آ): زی؛ لن، ب: آن؛ (ل: سوی؛ لن: تا)؛ متن = ل، و ۲۶-  
 ل، ق: < و >؛ ق، آ، ل: دیبا و؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ ق پس از این بیت سرنویس دارد: حال زال با کنیزکان رودابه ۲۷- س، لن، ق، آ، پ، آ،  
 ل، آ، ب: زر و گوهر؛ متن = ف، ل، ق، لی، و ۲۸- و (و نیز لن، آ): بنام ۲۹- ف: نگر تا خردمند دهقان چه گفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ،  
 لن، آ)

مگر آنک<sup>۱</sup> باشد میان دو تن  
 بگو ای خردمند پاکیزه رای  
 سه تن نانهان ست و چار انجمن<sup>۲</sup>  
 سخن گر به رازست با ما سرای<sup>۳</sup>

۴۳۵ پرستنده گفتند<sup>۴</sup> يك با دگر<sup>۵</sup>  
 کنون کام<sup>۶</sup> رودابه و کام زال  
 که آمد به دام اندرون شیر نر  
 بجای آید و<sup>۷</sup> این بود خوب فال<sup>۸</sup>

بیامد سیه چشم گنجور شاه  
 سخن هر چه<sup>۹</sup> بشنید از آن<sup>۱۱</sup> دلنواز  
 سپهبد<sup>۱۲</sup> خرامید تا گلستان  
 پری روی<sup>۱۸</sup> گلرخ بتان طراز  
 ۴۴۰ سپهبد پرسید ازیشان<sup>۲۰</sup> سخن  
 ز گفتار و دیدار و رای و خرد  
 بگوید با من<sup>۲۳</sup> یکایک<sup>۲۴</sup> سخن  
 اگر<sup>۲۷</sup> راستی تان بود گفت و گوی  
 وگر هیچ کژی گمانی<sup>۲۸</sup> برم  
 که بود<sup>۹</sup> اندران کار دستور شاه  
 همی<sup>۱۲</sup> گفت پیش سپهبد برآز<sup>۱۳</sup>  
 به اومید<sup>۱۵</sup> خورشید<sup>۱۶</sup> کاولستان<sup>۱۷</sup>  
 برفتند و بردند پیشش نماز<sup>۱۹</sup>  
 ز بالا و دیدار آن سروین<sup>۲۱</sup>  
 بدان تا به خوی وی اندر خورد<sup>۲۲</sup>  
 به کژی نگر<sup>۲۵</sup> ننگینید ایچ بن<sup>۲۶</sup>  
 بنزدیک من تان بود آبروی  
 به زیر پی پیلتان بسپرم

۱- ف، پ، آ: آنکه؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- ف: که آن سر نهانی بود ز انجمن؛ لن: سه تن نانهان و چهار انجمن؛ ب: سه تن آشکارست و چار انجمن؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ)؛ ف پس از این بیت دو بیت و ل، ق، پ تنها بیت دوم را افزوده اند:

به پاسخ زبان را بیاراستند وزو خلوت پهلوان خواستند  
 کنون باز رو پیش آن (ف: کنون پیش رو باش زی) پهلوان بگو ای خردمند روشن روان  
 بیت یکم در هیچیک از یازده دستنویس دیگر (و نیز در ل، لن، آ، س، آ) و بیت دوم در هیچیک از هشت دستنویس دیگر (و نیز در ل، لن، آ، س، آ) نیست ۳- در ف این بیت چنین آمده است:

سخن هر چه رازست با ما سرای اگر دلت دستور و پاکیزه رای  
 متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۴- ق: پرستندگان گفت ۵- س، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، لن، آ): با یکدگر؛ متن = ف، ل، ق (و نیز لن، آ، س، آ) ۶- ل: کار؛ س، و، ل این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- ل، ق، آ، ب: بجای آمد و؛ لن: بجای اندرین؛ ق: بجا آید و؛ لی: بجای آمد؛ پ: بجای آید این؛ متن = ف، آ ۸- لن: بود ای خوب فال؛ لی: این بود فرخنده فال؛ پ: هم بود خوب فال؛ متن = ف، ل، ق، آ، آ، ب ۹- لن، لی، پ، آ: بد ۱۰- ل، س: هرچ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- ل: < آن >؛ لی: از این؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- ف: همه؛ متن = ل- آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۱۳- ل: برفتند و بردند پیشش نماز (= ۴۴۰ ب)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

جهان پهلوان زال با کام و ناز جو بشنید گفتار ریدك برآز  
 ل، ق پس از بیت ۴۳۸ افزوده اند:

جو از ترك بشنید زاول (ق: زابل) خدای بیامد سوی باغ کابل خدای  
 ۱۴- ف: ازان پس؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۱۵- ل: برآمد (→ برآمد)؛ س، ق، و، ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ): برآمد؛ لن، پ: بنزد؛ ق، لی، آ، ل: بنزدیک؛ متن = ف ۱۶- لن، پ: کنیزان ۱۷- ف- ب (و نیز ل، لن، آ، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- ق: پری روی و ۱۹- ل: آ: همی گفت پیش سپهبد برآز (= ۴۳۸ ب) ۲۰- ل، ق: زیشان ۲۱- ف، ب: به کژی نگر ننگینید ایچ بن (= ۴۴۳ ب) ۲۲- س: بدان تا بخوبا که اندر خورد؛ لن، ق، آ، لی: بدان تا که با او که اندر خورد؛ ق، پ: بدان تا بخوبی چه (پ: که) اندر خورد؛ و: بدان نامجویی بدو در خورد؛ آ: بدان تا که تا او کی اندر خورد؛ ل: بدان تا کی او تا کی اندر خورد؛ ب: بدان تا بروی خود اندر خورد؛ ف این بیت را انداخته است؛ متن = ل ۲۳- ق: آ: با او؛ و: گفتا ۲۴- س: سراسر؛ ف این لت را انداخته است ۲۵- لن: < نگر > (وزن نادرست است)؛ آ: مگر ۲۶- ق: ننگینی هیچ بن؛ ل: ننگینی ایچ بن؛ ب: ز بالا و دیدار آن سرو بن (= ۴۴۱ ب)؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ف ۴۴۱، ۴۴۲ و ۴۴۳ را انداخته و از ۴۴۱ و ۴۴۳ ب یک بیت ساخته است ۲۷- ب: که گر ۲۸- و: نماید



به پیش سپهبد زمین داد بوس  
 نزاید کسی در<sup>۳</sup> میان مهان<sup>۵</sup>  
 به پاکی دل و دانش و رای اوی<sup>۹</sup>  
 بدین<sup>۷</sup> برز بالا<sup>۸</sup> و بازوی شیر<sup>۹</sup>  
 عبیرست گویی<sup>۱۲</sup> مگر موی تو<sup>۱۱</sup>  
 یکی سرو سیم ست<sup>۱۵</sup> با رنگ و بوی<sup>۱۶</sup>  
 به<sup>۱۷</sup> سرو سهی بر، سهیل یمن<sup>۱۸</sup>  
 فرو هشته برگل<sup>۲۱</sup> کمند کمین<sup>۲۲</sup>  
 به یاقوت و زُمرُد بنش بافته<sup>۲۳</sup>  
 فگنده ست گویی گره بر گره  
 برو کرده از غالیه صد<sup>۲۷</sup> رقم  
 برو ماه و پروین کند<sup>۲۹</sup> آفرین  
 سخن های شیرین به آوای<sup>۳۱</sup> نرم<sup>۳۲</sup>  
 یکی راه جستن<sup>۳۴</sup> بنزدیک اوی  
 همه آرزو دیدن چهر اوست<sup>۳۵</sup>  
 گزاریم<sup>۳۷</sup> تا کاخ سرو سهی<sup>۳۸</sup>  
 ز دیدار و گفتار<sup>۳۹</sup> روشن روان  
 میان اندرون نیست وارونه‌یی<sup>۴۲</sup>  
 لبش زی لب پور سام آوریم

رخ لاله رخ<sup>۱</sup> گشت چون سندروس  
 چنین گفت کز مادر اندر<sup>۲</sup> جهان  
 به دیدار سام و به بالای اوی<sup>۴</sup>  
 دگر چون تو ای پهلوان دلیر<sup>۶</sup>  
 ۴۵۰ همی می چکد گویی از روی<sup>۱۱</sup> تو<sup>۱۱</sup>  
 سدیگر<sup>۱۳</sup> چو رودابه‌ی ماه‌روی<sup>۱۴</sup>  
 ز سر تا به پایش گل ست و سمن  
 از آن<sup>۱۹</sup> گنبد سیم سر بر<sup>۲۰</sup> زمین  
 به مشک و به عنبر سرش تافته  
 ۴۵۵ سر زلف<sup>۲۴</sup> جعدش چو مشکین زره<sup>۲۵</sup>  
 ده<sup>۲۶</sup> انگشت بر سان سیمین قلم  
 بت آرای چون او<sup>۲۸</sup> نبیند به چین  
 سپهبد پرستنده را گفت گرم<sup>۳۰</sup>  
 که اکنون چه چاره‌ست<sup>۳۳</sup> با من بگوی  
 ۴۶۰ که ما را دل و جان پر از مهر اوست  
 پرستنده گفتا چه<sup>۳۶</sup> فرمان دهی  
 ز فرخنده رای جهان پهلوان  
 فرییم و<sup>۴۰</sup> گویم هر گونه‌یی<sup>۴۱</sup>  
 سر مشک بویش به دام آوریم

۱- و، ب: لاله گون ۲- س، لن، ق، آ، لی، ل: مادران؛ آ: مادر این؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ب ۳- ل، ق: کس اندر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- ل، س، لن، ق، آ، ل: او؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ، و، ب ۵- ل، س، لن، ق، آ، ل: او؛ ق: آ: آبروی؛ متن = ف، لی، پ، و، ب ۶- ب: جهان ۷- ق: برین؛ ب: بدان ۸- ل: برزو بالا؛ آ: برزو بالای ۹- ق: بازو و بالای ۱۰- ل: بوی ۱۱- لن، پ: او ۱۲- س، لن، ق، آ، لی، آ، ل: ب: یکسر؛ متن = ف، ل، ق، پ، و؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۴۵۲ آمده است ۱۳- ل، ق، آ، لی، آ: سه دیگر ۱۴- ل، پ: خوب روی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: سیمین؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۱۶- ق: آ: باریک موی ۱۷- لن، لی، پ، آ، ل: چو؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۱۸- آ: سپهبد یمن (!)؛ ق: آ: فکندست گویی ز گل بر سمن (پساوند ندارد)؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۴۵۰ آمده است ۱۹- لی: بدان؛ آ: ازین ۲۰- ق: آ: تا؛ ل: آ: و سرو ۲۱- ف، لن (و نیز س): از گل (بیت ۲۹۲ پ)؛ ق: آ: باز از؛ (ل: یازان)؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز لن) ۲۲- ل، ق، پ: کمند از کمین؛ س، لن، آ، ل: کمند گزین؛ ب: کمند و کمین؛ متن = ف، ق، آ، لی، و؛ در ف بیت های ۴۵۳-۴۵۶ یکبار هم پس از بیت ۲۹۲ آمده‌اند ۲۳- و: برش تافته؛ آ: برو بافته؛ ق: آ: به لعل و زمرد سرش تافته؛ پ: بیاقوت و گوهر تنش بافته؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۴- ف، س، پ: زلف و؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۲۵- ق، آ: گره (پساوند ندارند) ۲۶- پ، آ: دو (بیت ۲۹۲ پ) ۲۷- ق: چند (وزن نادرست است)؛ لی، و: ده ۲۸- لن: < او > (وزن نادرست است) ۲۹- ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: کنند؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل ۳۰- ق: نرم ۳۱- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: ب: آواز؛ متن = ف، ل، ق، لی، و ۳۲- ق: گرم ۳۳- آ: سازست ۳۴- آ: جستم ۳۵- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳۶- ل، لی، و- ب (و نیز لن، س، آ): چو؛ متن = ف، پ ۳۷- ف، ل، س، ق، و، ل، ب (و نیز لن): گذاریم؛ متن = لن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز س): گزینیم و؛ لی (و نیز س): فرستیم و؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ) ۴۱- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: هر گونه چیز؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۴۲- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: وارونه چیز؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ب (و نیز ل، لن، آ، س)

- ۴۶۵ خرامد<sup>۱</sup> مگر پهلوان با کمند  
 کند حلقه در<sup>۲</sup> گردن کنگره  
 برفتند خوبان و<sup>۵</sup> برگشت زال  
 رسیدند خوبان به درگاه<sup>۸</sup> کاخ  
 نگه کرد دربان برآراست<sup>۱۰</sup> جنگ  
 ۴۷۰ که بیگه ز درگياه بیرون شويد<sup>۱۱</sup>  
 بتان پاسخش را بیاراستند  
 که امروز روز دگرگونه نیست  
 بهار آمد<sup>۱۳</sup> از گلستان گل چنیم  
 نگهبان در گفت کامروز کار  
 ۴۷۵ که زال سپهد به کاول<sup>۱۵</sup> نبود<sup>۱۶</sup>  
 نبینید<sup>۱۹</sup> کز کاخ، کاول<sup>۲۰</sup> خدای  
 اگر تان ببیند چنیم گل بدست  
 شدند اندر ایوان بتان طراز  
 نهادند دیبا<sup>۲۵</sup> و گوهر به پیش<sup>۲۶</sup>  
 ۴۸۰ که چون بود تان کار با پور سام؟  
 بنزدیک دیوار<sup>۲</sup> کاخ بلند  
 شود شیر شاداً از شکار بره  
 شبی دیر یاز آن به بالای سال<sup>۷</sup>  
 به دست اندرون هر يك از گل دو<sup>۹</sup> شاخ  
 زبان کرد گستاخ و دل کرد تنگ  
 شگفت آیدم تا شما چون شوید  
 به تنگی دل<sup>۱۲</sup> از جای برخاستند  
 به راه گلان دیو وارونه نیست  
 ز روی زمین شاخ سنبل چنیم  
 نباید گرفتن بدان هم شمار<sup>۱۴</sup>  
 سراپرده‌ی شاه زاول<sup>۱۷</sup> نبود<sup>۱۸</sup>  
 به زین اندر آورد شبگیر<sup>۲۱</sup> پای  
 کند بر<sup>۲۲</sup> زمین تان همانگاه پست<sup>۲۳</sup>  
 نشستند با ماه و گفتند راز<sup>۲۴</sup>  
 پرسید رودابه از کم و بیش  
 به دیدن بهست ار<sup>۲۷</sup> به<sup>۲۸</sup> آواز و نام<sup>۲۹</sup>؟

- ۱-ق: چو آید ۲-لن، پ: ایوان و؛ لی: دیوار و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳-ف: بر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲) ۴-ق، و: شاد شیر؛ ل: سیر شیر؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۳</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 بین آنگهی (س: بدین آگهی) تا خوش آید ترا برین (ق، آ، لی، ل: بدین) گفته رویش (لی، آ: رامش) فزاید ترا  
 لن، پ: بدل گفت و گویش (پ: و رامش) فزاید ترا  
 این بیت در ف، ل، ق، و، ب (و نیز لن، ۲، س، ۲) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۵-س: برفتند چون باد و؛ لن: برفتند ایشان و؛ ل: برفتند چونان و؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶-ل، لی، ل، آ، دید؛ پ: < دیر > (وزن نادرست است) ۷-ق، آ: یال؛ ل، ق، و، آ (و نیز لن، ۲): دلش گشت با ناز و (ل: با کام و) شادی همال؛ متن= ف، س، لن، ل، آ، ب (و نیز ل، ۲، س، ۲): دیر یازان؛ س: دیر یاز آن ۸-و: بنزدیک ۹-لی: سه؛ ل: پس از این بیت سرنویس دارد: باز گردیدن کنیزان از پیش زال ۱۰-ب: بیاراست ۱۱-لی: روید ۱۲-لن، لی، پ، آ: بدل تنگی؛ در ق آغاز این لت پاک شده است؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳-س، ل، آ: آید ۱۴-لن، پ، و: بران هم شمار؛ لی: چودی بر شمار؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۵-ف-پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ۳، س، ۲): کابل؛ و: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۶-لن، پ: درست؛ لی: شود؛ و: نبد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷-ل، س، ق، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ۳، س، ۲): زابل؛ و: کابل؛ متن= ف ۱۸-لی: بود؛ و: نبد؛ لن، پ: زمین پر ز خرگاه و پر لشکرست ۱۹-لی، آ: ببینید ۲۰-ف-ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱-ل، س، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل: آرد بشبگیر؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ب ۲۲-ب: با ۲۳-ف: همانگه سبت (!)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۳، لن، ۲، س، ۲) ۲۴-ل، س، لن، ق، پ، ب (و نیز ل، ۳، س، ۲): نشستند و با ماه گفتند راز؛ ق، و، آ (و نیز لن، ۲): نشستند و گفتند هر گونه راز؛ ل: نشستند با ماه گفتند راز؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ۲) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 برافروخت رودابه را دل به مهر به (ق، آ: بر) آن تا ببیندش چهر (لی: کش ببیند بچهر)  
 این بیت در هفت دستنویس دیگر (و نیز در لن، ۲، س، ۲) نیست ۲۵-ف، س، ق، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ۳): دینار؛ متن= ل، ق، لی، و (و نیز لن، ۲، س، ۲)؛ لن، پ این بیت را ندارند ۲۶-س، ق، آ، لی، آ، ل، آ، ب: گوهرش پیش؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل، ۳، لن، ۲، س، ۲) ۲۷-ق: یا ۲۸-ق: به؛ و: ز ۲۹-ل، ق، آ، و: آواز نام؛ ب: نباید که باشد همی کار خام؛ لن، پ این بیت را ندارند



که یزدان هرآنچت هوا بود داد  
 یکی خانه بودش چو خرم<sup>۲</sup> بهار  
 به دیبای چینی بیاراستند<sup>۳</sup>  
 ۵۰۰ عقیق و زبرجد<sup>۵</sup> برو<sup>۶</sup> ریختند  
 بنفشه گل و نرگس<sup>۹</sup> و ارغوان<sup>۱۰</sup>  
 همه زر<sup>۱۲</sup> و پیروزه<sup>۱۱</sup> بد جامشان  
 از آن خانه‌ی دخت خورشیدروی  
 چو خورشید تابنده شد ناپدید  
 ۵۰۵ پرستنده شد سوی<sup>۱۴</sup> دستان سام  
 سپهد سویی کاخ بنهاد روی  
 برآمد سیه‌چشم گلرخ به بام  
 چن<sup>۲۰</sup> از دور دستان سام سوار  
 دو بیجاده بگشاد<sup>۲۱</sup> آواز داد  
 ۵۱۰ درود جهان‌آفرین بر تو باد  
 پرستنده خرم دل و<sup>۲۴</sup> شاد باد

سرانجام این کار فرخنده باد<sup>۱</sup>  
 ز چهر بزرگان بروبر نگار  
 طبق‌های زرین پیراستند<sup>۴</sup>  
 می و<sup>۷</sup> مشک و<sup>۸</sup> عنبر برآمیختند  
 سمن شاخ و سنبل<sup>۱۱</sup> به دیگر کران  
 به روشن گلاب اندر آرامشان  
 برآمد همی تا به خورشید بوی  
 در حجره<sup>۱۳</sup> بستند و گم شد کلید  
 که شد<sup>۱۵</sup> ساخته کار<sup>۱۶</sup> بگذار<sup>۱۷</sup> گام  
 چنان چون بود<sup>۱۸</sup> مردم جفت جوی  
 چو سرو سهی بر سرش ماه تام<sup>۱۹</sup>  
 بدید، آمد آن دختر نامدار  
 که شاد آمدی ای جوانمرد و راد<sup>۲۲</sup>  
 خم چرخ گردان زمین تو باد<sup>۲۳</sup> (!)  
 چنانی سراپای کو<sup>۲۵</sup> کرد یاد

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

همی کار سازید رودابه زود نهانی ز خویشان او (ب: و از هر که بود  
 این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲- ل: خورم ۳- ق: بیاراسته ۴- ق: پیراسته ۵- ل، ق، و: زمرد؛ متن= نه دستنویس دیگر  
 ۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ف: فرو؛ متن= ف، ل، ق، و، ب ۷- و: همی ۸- ل: < و > ۹- ب: لاله ۱۰- ق: زعفران ۱۱- س، ق: آ: شاخ  
 سنبل؛ لن، پ: همان سرخ سنبل؛ لی: سمن شاخ و سوسن؛ آ: همه شاخ سنبل؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ در ل، ق، و (و نیز در لن<sup>۲</sup>) این بیت با  
 بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- س: همه روز؛ در لن، پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در ل، ق، و (و نیز در لن<sup>۲</sup>) این بیت با بیت  
 پیشین پس و پیش شده است ۱۳- لی: خانه ۱۴- ف: پیش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۵- پ: < شد > (وزن نادرست  
 است) ۱۶- لن، ل، آ: کارو؛ ق: زود ۱۷- ف، س- آ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>): بگزار؛ ل<sup>۲</sup>: بگزارد؛ (لن<sup>۲</sup>: بگذارد)؛ متن= ل: برخی از دستنویس ها  
 پس از این بیت سرنویس دارند، س: رسیدن زال و رودابه در قصر مهرباب بیکدیگر؛ لن: رسیدن زال سام به رودابه؛ ق: رفتن زال به خانه رودابه و با یکدیگر  
 عهد بستن؛ ق، آ، پ، ب: آمدن (پ، ب: رفتن) زال بنزد رودابه؛ و: گفتار اندر رفتن زال زربنزد رودابه ۱۸- لی: رود ۱۹- و: چو سرو سهی سرش ماه  
 تمام ۲۰- ل، س، ق- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): چو، لن این بیت را ندارد؛ متن= ف ۲۱- ق: آ: < و > ۲۲- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>):  
 جوانمرد شاد؛ (لن<sup>۲</sup>: جوانمرد داد→ جوانمرد و راد)؛ متن= ف، و ۲۳- ق، آ، ل، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): نگین تو باد (پساوند ندارد)؛ آ: بزین تو باد (پساوند  
 ندارد)؛ لن، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، پ (و نیز ل<sup>۳</sup>) (پساوند ندارد) ۲۴- ق، آ: شد و؛ ف: زد دولت همیشه دلت؛ ل،  
 لن این بیت را ندارند؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۵- لی: او؛ ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>) جهانی سراسر که او؛ متن= هشت دستنویس دیگر  
 (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ در ف این بیت چنین آمده است:

ز دولت همیشه دلت شاد باد چنانی سراپای کو کرد یاد  
 در ق این بیت در کناره چنین آمده است:  
 ز دولت همیشه دلت شاد باد ترا در جهان بخشش و داد باد  
 پس شاید ف نخست داشته است:  
 ز دولت همیشه دلت شاد باد ترا در جهان بخشش و داد باد  
 پرستنده خرم دل و شاد باد چنانی سراپای کو کرد یاد  
 ولی لت دوم و سوم را انداخته و از لت یکم و چهارم يك بیت ساخته است

برنجیدت<sup>۲</sup> این<sup>۳</sup> خسروانی دو پای  
نگه کرده<sup>۵</sup> خورشیدرخ را بدید  
بجای گلش، سرخ<sup>۷</sup> یاقوت، خاک  
درودت ز من<sup>۹</sup>، آفرین از سپهر  
خروشان بدم<sup>۱۱</sup> پیش<sup>۱۲</sup> یزدان پاک  
نماید مرا<sup>۱۳</sup> روی تو در<sup>۱۴</sup> نِهان  
بدین چرب<sup>۱۵</sup> گفتار با ناز<sup>۱۶</sup> تو  
چه پرسى تو بر<sup>۱۷</sup> باره و من به کوی  
ز سر<sup>۱۹</sup> شعر گلنار بگشاد زود<sup>۲۰</sup>  
که از<sup>۲۱</sup> مشک از آن سان نیچند کمند  
بران غبغش<sup>۲۳</sup> نار بر نار<sup>۲۴</sup> بر<sup>۲۲</sup>  
بر شیر بگشای و چنگ کیان  
ز بهر تو باید<sup>۲۸</sup> همی گیسوام  
شگفتی بماند اندر آن روی و موی<sup>۲۹</sup>  
چنین<sup>۳۲</sup> روز، خورشید روشن مباد  
بدین<sup>۳۴</sup> خسته دل، نوک<sup>۳۵</sup> پیکان زنم

پیاده بدینسان ز<sup>۱</sup> پرده سرای  
سپهد کزان گونه<sup>۴</sup> آوا شنید  
شده بام<sup>۶</sup> از آن گوهر تابناک  
چنین داد پاسخ که ای ماه چهر<sup>۸</sup>  
۵۱۵ چه مایه شبان دیده اندر<sup>۱</sup> سماک  
همی خواستم تا خدای جهان  
کنون شاد گشتم به آواز تو  
یکی چاره ی راه دیدار جوی  
۵۲۰ پری روی گفت سپهد شنود<sup>۱۸</sup>  
کمندی گشاد او ز سرو بلند  
خم اندر خم و مار بر مار بر<sup>۲۲</sup>  
بدو گفت<sup>۲۵</sup> بریاز<sup>۲۶</sup> و برکش میان  
بگیر این<sup>۲۷</sup> سیه گیسو از یکسوام  
۵۲۵ نگه کرد زال اندر آن ماه روی<sup>۲۹</sup>  
چنین داد پاسخ که این نیست<sup>۳۱</sup> داد  
که من دست را خیره<sup>۳۳</sup> در جان زنم

۱- لن: پیاده که آمد ز؛ ق<sup>۲</sup>: پیاده بیامد ز؛ و: پیاده بدین ساز و؛ آ، ل: پیاده بدینجا ز؛ ب: پیاده بدانجا ز؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، پ ۲- و: نرنجیدت ۳- س، لی، ا: آن؛ در لن، ق<sup>۴</sup>، لی، ا: الت های این بیت پس و پیش شده اند؛ آپس از این بیت سرنویس دارد: خواستن زال سام رودابه را ۴- س، لن، ق<sup>۵</sup>، لی، پ، ا، ل: سپهد چو از باره؛ ق: سپهد کزین گونه؛ و (و نیز لن<sup>۶</sup>): سپهدار از آن گونه؛ ب (و نیز ل<sup>۷</sup>): سپهد کزان باره؛ متن = ف، ل (و نیز س<sup>۸</sup>) ۵- ل، س، لن، ق<sup>۹</sup>، لی، و، ل، ا، ب: کرد و؛ متن = ف، ق، پ، ا ۶- ق<sup>۷</sup>: < نام > ۷- ف: بجای گلش سرخ و؛ ل، پ، و (و نیز لن<sup>۸</sup>): بجای گل سرخ؛ س، ب: به پیش رخس سرخ؛ لن، ق<sup>۹</sup>، ا: بجای لبش سرخ؛ لی: ز رنگ رخس سرخ؛ و، ل<sup>۱۰</sup>: بجای رخس سرخ؛ (ل، س<sup>۱۱</sup>): ز عکس رخس سرخ)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند (= ل<sup>۱۲</sup>)؛ متن = ف پس از زدن حرف واو ۸- س، و: خوب چهر ۹- لی: درود از منت و؛ ل<sup>۱۰</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن زال بکاخ رودابه و عهد کردن ۱۰- پ: دیده ام در ۱۱- و: شدم ۱۲- ق: نزد ۱۳- س، لن، ق<sup>۱۴</sup>، لی، پ، ا، ل: بمن؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۱۴- ل: چهرت اندر؛ س- ب (و نیز لن<sup>۱۵</sup>): رویت اندر؛ متن = ف (و نیز ل<sup>۱۶</sup>، س<sup>۱۷</sup>) ۱۵- ل، لن، ق، ق<sup>۱۸</sup>، و، ا، ب: خوب؛ متن = ف، س، لی، پ، ل ۱۶- ق<sup>۱۷</sup>: دمساز؛ ل<sup>۱۸</sup>: با یار (!) ۱۷- لی: از؛ لن: چه باشی < تو > بر (وزن نادرست است) ۱۸- ف: پری روی گفتار از آن سان شنود؛ ل، س، ق، ق<sup>۱۹</sup>، و، ا، ل: پری روی گفت و سپهد شنود؛ لن: پریچهره گفت سپهد شنید؛ لی: چوزین گونه گفت سپهد شنید؛ پ: پریچهره گفت و سپهد شنود؛ ب: پری روی گفت و سپهد شنید (پساوند ندارد)؛ متن = (س<sup>۱۹</sup>) ۱۹- ل: سر؛ ق: سراز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- لن: گلنار گون برکشید؛ پ: شبگون همی برگشود ۲۱- لی: که بر؛ و: کس از ۲۲- ب: بود ۲۳- لن: غبغ ۲۴- لن، لی، ل: ناز بر ناز (پساوند ندارد)؛ ق<sup>۲۵</sup>: نار در نار؛ و: تار بر تار؛ ا: تاره بر تار؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، ب؛ س، لن، ق<sup>۲۶</sup>، لی، پ، ا، ل، ا، ب (و نیز ل<sup>۲۷</sup>) پس از این بیت افزوده اند (س بیت دوم را ندارد):

فرو هشت گیسو از آن کنگره

بدل زال گفت (س: گفت زال) این (لی، ل<sup>۲</sup>: ای) کمندی (س، لن، ل<sup>۲</sup>: کمند) سره

پس از (ل<sup>۲</sup>: دگر) باره رودابه آواز داد که ای پهلوان بجه (لن، پ: زاده) گرد زاد

این بیت هادر ف، ل، ق، و (و نیز س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنها را در کناره افزوده اند ۲۵- لن، ق<sup>۲۶</sup>، لی، پ، ا، ل، ب: کنون زود؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۲۶- ل، س، لن: بریاز (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند)؛ ق: برناز؛ ق<sup>۲۷</sup>: بر تاز؛ پ: تریاز؛ ا: دریاب؛ ل<sup>۲۸</sup>: بر تار؛ متن = ف، لی، و، ب ۲۷- ل<sup>۲۹</sup>: ای ۲۸- ق: بادا ۲۹- ب: گفت و گوی ۳۰- س، ل<sup>۳۱</sup>: رنگ و بوی؛ لن، ق<sup>۳۲</sup>، ا: گفت و گوی؛ ق: هر دو موی؛ لی: رو و موی؛ پ: شگفت آمدش آنچنان گفت و گوی؛ متن = ف، ل، و، ب؛ س، لن، ق<sup>۳۳</sup>، لی، پ، ا، ل، ب (و نیز ل<sup>۳۴</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

بسایید (س، ل<sup>۳۵</sup>: بساوید) مشکین کمندش بیوس که بشنید آواز بوسش عروس

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در س<sup>۳۶</sup>) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۳۱- و: اینست ۳۲- لن، پ: بدین ۳۳- لی: خیره رادست ۳۴- ل، س، لن، ق<sup>۳۵</sup>، ل<sup>۳۶</sup> (و نیز لن<sup>۳۷</sup>، س<sup>۳۸</sup>): برین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل<sup>۳۹</sup>) ۳۵- ل، س، ق<sup>۴۰</sup>، پ، ا (و نیز لن<sup>۴۱</sup>): تیر؛ لن، و، ب (و نیز ل<sup>۴۲</sup>): تیز؛ لی: نیز؛ ل<sup>۴۳</sup>: تیرو؛ (س<sup>۴۴</sup>: نیز (حرف یکم نقطه ندارد))؛ متن = ف

بینداخت<sup>۱</sup> خوار و نزد<sup>۲</sup> هیچ<sup>۳</sup> دم  
برآمد ز بُن تا به سر یکسره<sup>۴</sup>  
برآمد<sup>۵</sup>، پری روی<sup>۶</sup> بردش نماز  
برفتند هر دو بکردار مست<sup>۱</sup>  
به دست اندرون دست شاخ بلند  
بدان<sup>۱۳</sup> مجلس شاهوار آمدند  
پرستنده بر پای<sup>۱۴</sup> و در<sup>۱۵</sup> پیش حور  
بدان روی و آن موی و بالای و فر<sup>۱۷</sup>  
ز دیا و<sup>۱۸</sup> گوهر چو باغ<sup>۱۹</sup> بهار  
سر زلف جعدش<sup>۲۱</sup> شکن بر شکن<sup>۲۲</sup>  
نشسته بر ماه با فرهی  
ز یاقوت رخشان سر و افسرش<sup>۲۴</sup>  
مگر شیر کو گور<sup>۲۶</sup> را نشکرید<sup>۲۷</sup>  
که ای سرو سیمین، پر از رنگ وبوی<sup>۲۸</sup>  
نباشد بدین<sup>۳۰</sup> کار<sup>۳۱</sup> همداستان

کمند از رهی بستد و داد خم  
به حلقه درآمد سر کنگره  
۵۳۰ چو بر بام آن بارهی شست یاز<sup>۵</sup>  
گرفت آن زمان<sup>۸</sup> دست دستان به دست<sup>۹</sup>  
فرود آمد از بام<sup>۱۱</sup> کاخ بلند  
سوی خانهی زرنگار<sup>۱۲</sup> آمدند  
بهشتی بُد آراسته پر ز نور  
۵۳۵ شگفتی بماند اندرو<sup>۱۶</sup> زال زر  
ابا یاره و طوق و با گوشوار  
دورخساره<sup>۲۰</sup> چون لاله اندر سمن  
همان زال با فر شاهنشهی  
حمایل یکی دشنه<sup>۲۳</sup> اندر برش  
۵۴۰ همه<sup>۲۵</sup> بود بوس و کنار و نبید  
سپهد چُنین گفت با ماهروی  
منوچهر چون<sup>۲۹</sup> بشنود داستان

۱- ل- پ، آ، ل، آ، ب (ونیز ل، آ، س، آ): بیفکند؛ متن = ف، و ۲- پ: بزد ۳- ل: ایچ؛ س، لن، ق، ق، آ، آ، ل: نیز؛ پ، ب (ونیز لن، آ): تیز؛ و: تیز؛ متن = ف، لی (ونیز ل، آ، س، آ) ۴- س پس از این بیت افزوده است:

چنان ازدها بر که خاره بر ننازد چو دستان بر آن باره بر

۵- س، لن، لی، پ، آ، ل: آ: باره بنشست باز (ل، آ، و باز)؛ ق: بارگه گشت باز؛ و: چو بر بام شد زال نیرنگ ساز؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب (ب: شصت) ۶- س، لن، لی، پ، آ، ل: آ: بیامد؛ ق، و: درآمد؛ متن = ف، ل، ب ۷- س، لن، ق، پ، و، ل: آ: پری روی و؛ ق: آ: پری روی بنشست و ۸- س: آنگهی ۹- لن: دستان سام ۱۰- لن: بدل شادکام ۱۱- ل: آ: بام و ۱۲- ق: آ: بزمگاه ۱۳- ل: بران ۱۴- ق: بریا؛ لی: درپای ۱۵- ل، لن: و بر؛ پ: < و > بر؛ آ، ل، آ، ب: < و > در؛ متن = ف، س، ق، ق، آ، لی، و ۱۶- ب: اندران؛ ل، لن- ل، آ (ونیز لن، آ): شگفت اندرو مانده بد؛ متن = ف، س (ونیز ل، آ، س، آ) ۱۷- ب: بالا و فر؛ ل، و: بران (و: بدان) موی و آن روی و بالا و فر؛ س، ق، آ، لی، آ، ل: آ: بدان روی (لی: رو) و بالا و آن موی و فر؛ لن: بدان روی و موی و بدان زیب و فر؛ ق: بدان رو و آن مو و بالا و فر؛ پ: بدان موی و آن روی و آن زیب و فر؛ متن = ف، ل، ل، لن، و، ب (ونیز ل، آ): زدنار و؛ آ: زدیای؛ متن = ف، س، ل، آ (ونیز لن، آ، س، آ) ۱۹- لن: شاخ ۲۰- لی، و: رخسار ۲۱- ف: سر زلف و جعدش؛ ل، لن- آ (ونیز ل، آ): سر جعد زلفش؛ س: سرو جعد زلفش؛ ل: آ: سرو جعد و زلفش؛ متن = ب (ونیز س، آ) ۲۲- پ: سراسر شکن ۲۳- ف: چو یابد یکی دیبه؛ (ل، آ): حمایل یکی دست)؛ س، ل، آ این بیت را ندارند؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز لن، آ) ۲۴- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: زیاقوت سرخ افسری بر سرش؛ متن = ف، ل، ق، و؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند (لن بیت چهارم را ندارد و بیت یکم تنها در ب آمده است):

خردمند و بیدار هر دو جوان دل افروز بودند و روشن روان

ز دیدنش رودابه می نارمید بدزدیده در وی همی بنگرید

فروغ رخسار که جان بر فروخت (ق، آ، ب: راکه جان را فروخت؛ لی: جان بیفروختی)

درو (ق، آ: وزو) بیش دیدو (ق، آ، لی، ب: دیدی) دلش بیش سوخت (لی: سوختی)

ق، آ، لی، ب: که خاره چوخار (ب: خاک) آمدی زوبگرز

پ، آ: که خار چوخار (آ: خاک) آمدی زوبگرز

از آن (پ، ب: بدان) شاخ ویال و از آن (پ، ب: بدان) فر و برز

ق، آ: از آن شاخ و آن ویال و آن فر و برز

۲۵- ل- پ، آ، ل، آ، ب (ونیز لن، آ): همی؛ متن = ف، و (ونیز ل، آ) ۲۶- و: گاو ۲۷- لی، ل، آ، ب: بشکرید ۲۸- ل: سیمین برورنگ بوی؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: سیمین برمشکبوی؛ ق: سیمین بر خوب روی؛ و: سیمین بارنگ و موی؛ آ: سیمین بر مشک روی؛ ب: سیمین پر رنگ و بوی؛ متن = ف (ونیز لن، آ) ۲۹- ل، ق، و: اگر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- ل، ق، برین؛ لی: بدان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ: نیز؛ متن = هفت دستنویس دیگر

کف اندازد و بر من آید به جوش<sup>۲</sup>  
همه خوار گیرم پیوشم کفن  
که هرگز ز پیمان تو نگذرم  
چو ایزد<sup>۵</sup> پرستان نیایش<sup>۶</sup> کنم  
بشویده<sup>۷</sup> ز خشم و ز پیگار و کین  
مگر کاشکارا<sup>۹</sup> شود<sup>۱۰</sup> جفت من  
پذیرفتم از داور داد و دین<sup>۱۲</sup>  
جهان آفرین بر زبانم گوا  
که با تخت و تاجست<sup>۱۴</sup> و بازب<sup>۱۵</sup> و فر

خرد دور بود<sup>۱۷</sup>، از در<sup>۱۸</sup> پیش بود  
تبیره برآمد ز پرده سرای  
بر<sup>۲۲</sup> خویش تار<sup>۲۳</sup> و برش پود کرد  
زبان برگشادند<sup>۲۵</sup> بر آفتاب  
فرود آمد از کاخ فرخ همال

برفتند گردان همه همگروه  
وزانجایگه برگرفتند راه

همان سام<sup>۱</sup> نیرم برآرد خروش  
ولیکن سرمای<sup>۳</sup> جانست و تن  
۵۴۵ پذیرفتم از دادگر داورم  
شوم پیش یزدان ستایش<sup>۴</sup> کنم  
مگر کو<sup>۶</sup> دل سام و شاه زمین  
جهان آفرین بشنود گفت من  
بدو گفت رودابه<sup>۱۱</sup> من همچنین  
۵۵۰ که بر من نباشد کسی پادشا  
جز از پهلوان جهان<sup>۱۳</sup> زال زر

همی هر زمان مهرشان<sup>۱۶</sup> بیش بود  
چنین تا سپیده<sup>۱۹</sup> برآمد<sup>۲۰</sup> ز جای  
پس آن ماه را شاه<sup>۲۱</sup> پدروود کرد  
۵۵۵ [سر میژه<sup>۲۴</sup> کردند هر دو پر آب  
ز<sup>۲۶</sup> بالا کمند اندرافگند<sup>۲۷</sup> زال

چو خورشید تابان برآمد ز کوه  
بدیدند مر پهلوان را به گاه

۱- پ: <سام> (وزن نادرست است) ۲- ل، ق: ازین کار بر من شود او (ق: او بر من آید بجوش؛ متن= ده دستنویس دیگر (ونیز لن ۲، س ۲) ۳- لن: چو پرمایه؛ پ: که پرمایه ۴- ق، ق، ل، لی، و، آ (ونیز ل ۳، لن ۲): نیایش؛ متن= هفت دستنویس دیگر (ونیز س ۲) ۵- لن، ق ۲- ب (ونیز لن ۲): یزدان؛ متن= ف، ل، س، ق (ونیز ل ۳، س ۲) ۶- ل (ونیز لن ۲): نمایش؛ ق، ق، ل، لی، و، آ (ونیز ل ۲): ستایش؛ متن= ف، س، لن، پ، ل، آ، ب (ونیز س ۲) ۷- ب: کان ۸- ب: بشویم ۹- س، و: آشکارا ۱۰- ل، س، لن، لی، پ، و، آ، ب (ونیز لن ۲): شوی؛ ق، ل ۲ این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ف، ق ۲ (ونیز ل ۳، س ۲) ۱۱- و: روداو ۱۲- ل، س، لن، لی، پ، و، آ، ب (ونیز ل ۳، لن ۲): کیش و دین؛ ق: پاک بین؛ (س: هوش و دین)؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق ۲ ۱۳- ل ۲: زمین ۱۴- لن، پ: که با تاج و گنجست؛ ق، لی، آ: که با تاج و تختست؛ ق ۲: که با بخت و با تاج؛ متن= ف، ل، س، و، ل، آ، ب ۱۵- س، لن، ق، ل، لی، پ، آ، ل ۲: نام؛ متن= ف، ل، ق، و، ب ۱۶- ل، س، لن، ق، ق، ل، پ، و، آ: همی مهرشان هر زمان؛ متن= ف، ل، لی، آ، ب ۱۷- ل، س، ق، آ، آ: بُد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۸- ل، ق، لی، پ، و، آ (ونیز ل ۳، لن ۲): آرزو؛ متن= ف، س، لن، ق، ل، آ، ب (ونیز س ۲)؛ آ این بیت را دوبار نوشته است ۱۹- لی: سفیده ۲۰- ب: برآمد سپیده ۲۱- ل: شید؛ (ل ۳: زال)؛ متن= یازده دستنویس دیگر (ونیز لن ۲، س ۲) ۲۲- س، لن، پ، آ، ل، آ، ب: تن؛ متن= ف، ل، ق، ق، ل، لی، و ۲۳- آ: بار (!) ۲۴- س- ب (ونیز ل ۳، لن ۲، س ۲): مژه؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف ۲۵- پ: برکشیدند؛ س، لن، ق ۲- ب (ونیز ل ۳) پس از این بیت افزوده اند:

س، لن: یکایک بیایست پردخت نیز (لن: نبایست آید بنیز)  
لی، پ، و، آ، ل ۲، ب: یکایک (ل ۲: بکابل) نبایست آمد بنیز (لی: بیر؛ پ: بچیز)  
نبایست آمد یکایک بنیز

که ای فرگیتی یکی لخت نیز (لی: لحظه بر؛ پ: بخت نیز)

گسستندی (لی: گشادندی) از دل بدیدار (آ: به بیدار) بند  
لن، پ: گسستندی از دل غم (پ: غم و) درد و بند

مگر این (لن، لی، پ، ل ۲: کین) دو مهرآزمای نژند

این بیت ها در ف، ل، ق (ونیز در لن ۲، س ۲) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند ۲۶- و: پس (وزن نادرست است) ۲۷- ق: انداخت؛ ل ۲ پس از این بیت سرنویس دارد: باز گردیدن زال از نزد رودابه؛ ف، ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

بیامد همانگه بجای نشست زمی مانده مخمور وزبوسه (ف: باده) مست

این بیت در نه دستنویس دیگر (ونیز در ل ۳، لن ۲، س ۲) نیست، ولی در ترجمه بنداری جمله ای هست که با لت یکم این بیت سازگار است: فافتراقا علی ذلك و جاء الی مخیمه

سپهبد فرستاد خواننده<sup>۱</sup> را  
 ۵۶۰ چو دستور<sup>۲</sup> فرزانه با موبدان  
 زبان تیز بگشاد دستان سام  
 نُخست آفرین بر<sup>۳</sup> جهاندار کرد  
 چُنین گفت کز داور داد و پاك<sup>۴</sup>  
 به بخشایش اومید<sup>۵</sup> و ترس از گناه  
 ۵۶۵ ستودن مرو را چُنان چون توان  
 خداوند گردنده خورشید و ماه  
 بدویست گیهان<sup>۶</sup> خرم پپای  
 بهار آرد و<sup>۷</sup> تیرماه و خزان  
 جوان داردش گاه با رنگ و بوی  
 ۵۷۰ ز فرمان و رایش کسی نگذرد  
 بدانگه که لوح آفرید و قلم  
 جهان را فزایش<sup>۸</sup> ز جفت آفرید  
 یکی نیست جز داور کردگار<sup>۹</sup>  
 هرآنچه<sup>۱۰</sup> آفریده است جفت آمدند<sup>۱۱</sup>  
 ۵۷۵ ز چرخ برین<sup>۱۲</sup> اندر آری<sup>۱۳</sup> سخُن  
 زمانه به<sup>۱۴</sup> مردم شد آراسته

که خواند<sup>۱۵</sup> بزرگان داننده<sup>۱۶</sup> را  
 سرافراز گردان و<sup>۱۷</sup> فرخ ردان  
 لبی پر ز خنده دلی شادکام  
 که بخت چُنان خفته<sup>۱۸</sup> بیدار کرد  
 دل ما پر از ترس و اومید و باك<sup>۱۹</sup>  
 به فرمان ها ژرف کردن نگاه  
 شب و روز بودن به پیشش نوآن<sup>۲۰</sup>  
 روان را به نیکی نُماینده راه  
 همو داد و داور<sup>۲۱</sup> به هر دو سرای  
 برآرد پر از<sup>۲۲</sup> میوه دار و<sup>۲۳</sup> رزان  
 گهش پیر بینی<sup>۲۴</sup> دژم کرده روی  
 پی مور بی او زمین نسپرد<sup>۲۵</sup>  
 بزد بر همه بودن<sup>۲۶</sup> ها رقم  
 که از يك فرونی<sup>۲۷</sup> نیامد<sup>۲۸</sup> پدید  
 که او را نه انباز و نه جفت و یار<sup>۲۹</sup>  
 گشاده ز راه<sup>۳۰</sup> نهفت آمدند<sup>۳۱</sup>  
 سراسر هم اینست گیتی به<sup>۳۲</sup> بن  
 و زو ارج<sup>۳۳</sup> گیرد<sup>۳۴</sup> همه<sup>۳۵</sup> خواسته

۱- لن، پ: جوینده ۲- لن، پ، آ: جوید ۳- لن، پ، آ: گوینده ۴- ل (و نیز س): دستور؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۵- لی: < و > ل- ب (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

به شادی بر پهلوان آمدند خردمند و (لی: < و >) روشن روان آمدند

این بیت در ف (و نیز در س) نیست؛ ف، و در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر گفتن زال زر احوال خود با موبدان اندر خواستن رودابه را از پدر؛ و: سخن گفتن زال با موبدان و بزرگان ایران زمین ۶- ل، ق، و، ل، آ: < بر >؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- ل، س، لن، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س): دل موبد از خواب؛ ق، و (و نیز ل، ن، آ): که او را بهرکار؛ متن = ۸- ل: راد و پاك؛ س، لن، لی، پ، ل: پاك و داد؛ ق، ب: داد پاك؛ و: پاك راد؛ آ: پاك و راد؛ ق، آ: گرد اوژن پاك زاد؛ متن = ف (و نیز ل، ن، آ) ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل: امید باد؛ ب: بادا و باك؛ ل، ق: دل ما بر امید (ق: امید و) ترس است و باك؛ متن = ف ۱۰- ل، س، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): امید؛ متن = ف ۱۱- ق: به بخشایش اندر ترس از گناه (!)؛ آ: ببخایش آید ز ترس از گناه (!)؛ لن، ق، پ این بیت را ندارند ۱۲- س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، لی، و، ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۳- لن، پ: گیتی ۱۴- لن، ق، آ، و، آ، ب (و نیز لن): داد داور؛ ل: داد داد او؛ (ل): داد دارد؛ متن = ل، س، ق، لی، پ (و نیز س)؛ ف این بیت را ندارد ۱۵- لن، پ: آورد؛ ق: آمد و ۱۶- لن: < پراز > (وزن نادرست است)؛ ق، آ، پ، آ، ب: بنو؛ ل: نواز؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۷- ل، آ، ل، آ: < و >؛ س، لن، ق، آ، پ، ب: از؛ متن = ف، ق، لی، و (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۸- س، لن، پ: دارد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۹- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۲۰- ق، آ، آ، ل، ب: جهان آفرینش؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۲۱- و: فزایش ۲۲- لی، ب: نیاید ۲۳- و: کامکار ۲۴- و: جفتست و یار؛ ق، لی: نه جفت و نه انباز و یار؛ ل، لن، پ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق، آ، ل، آ ۲۵- لی، آ: هرآنچه (وزن نادرست است) ۲۶- ق، آ، لی، آ، ل: آفرید؛ و: آمدست؛ لن، پ: جهان آفرین پاك جفت آفرید؛ ل، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق، آ، لن، پ، و، آ، ل (و نیز ل، ن، آ): راز؛ متن = ف، س، ق، آ، لی (و نیز س) ۲۸- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: آفرید؛ و: آمدست؛ متن = ف، س، ق، آ، لن، پ، آ، ل، س، لن، ق، آ، لی، و (و نیز ل، ن، آ) ۳۰- ل، ب: اندر آمد؛ س، پ: اندر آم؛ و (و نیز ل) اندر آراین؛ (لن): اندر آراین؛ س: اندر آید؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل، س، ق، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): ز؛ ل: نه (→ به)؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ (و نیز س) ۳۲- و، ب: ز ۳۳- لی: اوج ۳۴- ب: دارد ۳۵- ل، س، لن، ق، آ: همی؛ متن = هفت دستنویس دیگر



بماندی توانایی اندر نِهان  
 ندیدیم، مرد<sup>۴</sup> جوان را، بجای<sup>۵</sup>  
 چو<sup>۷</sup> بی جفت باشد<sup>۸</sup> نماند<sup>۹</sup> سترگ  
 که گردد ز<sup>۱۱</sup> فرزند روشن روان  
 به فرزند نوروز بازآیدش  
 که این پور زال ست و آن<sup>۱۴</sup> پور سام  
 ازو<sup>۱۵</sup> رفته<sup>۱۶</sup> نام<sup>۱۷</sup> و بدین مانده<sup>۱۸</sup> بخت  
 گل و نرگس و<sup>۲۰</sup> بوستان من ست  
 شما بنگرید این<sup>۲۲</sup> چه درمان برد<sup>۲۳</sup>  
 به مغز و<sup>۲۵</sup> خرد درنیامد کمی<sup>۲۶</sup>  
 زمینش چو گردان سپهر من ست<sup>۲۷</sup>  
 چه گوید؟ باشد<sup>۲۹</sup> بدین<sup>۳۰</sup> رام سام؟<sup>۳۱</sup>  
 جوانی گمانی برد<sup>۳۳</sup> گر<sup>۳۴</sup> گناه؟  
 سوی دین<sup>۳۸</sup> و آیین نهاده ست روی<sup>۳۹</sup>  
 که هم راه دین ست و هم ننگ نیست<sup>۴۰</sup>

اگر<sup>۱</sup> نیستی جفتی<sup>۲</sup> اندر جهان  
 و دیگر که بی مایه<sup>۳</sup>، دین خدای  
 بویژه<sup>۶</sup> که باشد ز تخم بزرگ  
 ۵۸۰ چه<sup>۱۰</sup> نیکوتر از پهلوان جوان  
 چو هنگام رفتن فرازآیدش  
 به<sup>۱۲</sup> گیتی بماند به<sup>۱۳</sup> فرزند نام  
 بدو گردد آراسته تاج و تخت  
 کنون این<sup>۱۹</sup> همه داستان من ست  
 ۵۸۵ دل ازمن رمیده ست و برده خرد<sup>۲۱</sup>  
 نگفتم من این تا نگشتم غمی<sup>۲۴</sup>  
 همه کاخ مهرباب مهر من ست  
 دلم گشت با دخت سیندخت<sup>۲۸</sup> رام  
 شود تیز، گویی<sup>۳۲</sup> منوچهر شاه؟  
 ۵۹۰ چه مهتر چه کهنتر<sup>۳۵</sup> چو شد<sup>۳۶</sup> جفت جوی<sup>۳۷</sup>  
 بدین در خردمند را جنگ نیست

۱- ب: که گر ۲- ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل: جفت؛ متن = ف، س، لن، پ، ب ۳- ل، و (و نیز ل، ل، ن، آ، س): که مایه ز؛ س: که بی ماده؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ل، ب: که بی جفت؛ ق این بیت را ندارد، ولی آن را در کناره افزوده اند؛ متن = ف ۴- ل: ندیدم که ماندی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۵- ق (و نیز ل) پیای ۶- لن، پ: و دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۷- ق، و، آ، ل: که متن = هفت دستنویس دیگر ۸- ق: ماند ۹- ل، س، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز س): بماند؛ ق (و نیز ل، ل، ن، آ): نباشد؛ متن = ف، لن، و، ب ۱۰- ب: که ۱۱- ل، لن، پ: به؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۱۲- ل: ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۱۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ب (و نیز لن، آ، س): ز؛ متن = ف، ل، ق، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۱۴- لن: این ۱۵- ف: ازین؛ س، لن، پ- ب (و نیز س): از آن؛ ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ل، ق، آ (و نیز ل، ل، ن، آ، س)، لن، ق، آ، پ، ل: رفت؛ متن = ف، ل، و، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۱۷- ب: تخت ۱۸- س، لن، ق، آ، پ، ل: ماند؛ متن = ف، ل، و، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): در ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- پ: آن ۲۰- ل، س، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل): < و >؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ (و نیز ل، آ، س): ل، ق (و نیز ل، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

گزید این دلم دخت مهرباب را ز دیده ببستم ره خواب را

ق، آ، ل، ل، س: بیارم ز دیده زد ل (ل، آ، س): به مهر آب را

۲۱- لی: هوش و خرد؛ پ، آ: رفته خرد؛ ل، ق: که از من رمیدست صبر و خرد؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل، ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل: بگوید کین را؛ لی: کنون بنگرید آن؛ ب (و نیز ل): ببیند کین را؛ (س): کنون بنگری آن؛ متن = ف ۲۳- ل: چه اندر خورد؛ پ: که درمان برد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۴- لن: غمین ۲۵- ف: < و >؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۶- لن: کمین ۲۷- و این بیت را ندارد (و، لن) این بیت را بجای بیت ۵۸۴ گرفته اند و پس از نوشتن آن بیت های ۵۸۵-۵۸۷ را انداخته اند) ۲۸- لی: مهرباب ۲۹- ل: چه گوینده باشد؛ آ: چه گویند باشد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- و: ازین ۳۱- لی: سام رام (پساوند ندارد) ۳۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ: شود رام گویی؛ و: همان هم چه گوید؛ ب: و گربشود زی؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل: گمان برده ۳۴- ف، س- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): یا؛ متن = ل ۳۵- لن، پ: چه کهنتر چه مهتر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۶- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: بود؛ و، ب: که شد؛ متن = ف، ل، س ۳۷- پ: چاره جوی (!) ۳۸- ق: < دین > (وزن نادرست است) ۳۹- لن، پ: نهاده دوروی؛ ب: نهادند روی ۴۰- ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند

چه رانند<sup>۲</sup> فرزندگان<sup>۳</sup> اندرین؟

سخن بسته شد بر لب<sup>۴</sup> بخردان<sup>۵</sup>  
دل شاه ازیشان پر از<sup>۶</sup> کیمیا  
که نشنید کس نوش با زهر<sup>۷</sup> جفت  
بجوشید<sup>۸</sup> و<sup>۹</sup> رای نو<sup>۱۰</sup> افگند<sup>۱۱</sup> بُن  
بدین<sup>۱۲</sup> رای<sup>۱۳</sup> بر من<sup>۱۴</sup> نکوهش کنید  
بیاید<sup>۱۵</sup> شنیدش<sup>۱۶</sup> بسی سرزنش  
و<sup>۱۷</sup> زین بند راه<sup>۱۸</sup> گشایش کنید  
که با کهتران<sup>۱۹</sup> کس نکرد از مهان

همه کام و آرام او خواستند  
نه از بس شگفتی سرافگنده<sup>۲۰</sup> بیم  
به زن<sup>۲۱</sup> پادشا را نکاهد هنر  
بزرگست و گرد و سبک<sup>۲۲</sup> مایه<sup>۲۳</sup> نیست  
و<sup>۲۴</sup> گر<sup>۲۵</sup> چند بر تازیان پادشاست

چه گوید کنون<sup>۱</sup> موبد پیش بین؟

بیستند لب موبدان و ردان  
که ضحاک<sup>۲</sup> مهرباب<sup>۳</sup> را<sup>۴</sup> بُد نیا  
گشاده، سخن کس نیارست گفت  
۵۹۵ چون نشنید<sup>۵</sup> ازیشان<sup>۶</sup> سپهبد سخن  
که دانم ازین چون<sup>۷</sup> پڑوهش کنید  
ولیکن<sup>۸</sup> هرآن کو گزیند منش<sup>۹</sup>  
مرا گر برین ره<sup>۱۰</sup> نمایش کنید  
۶۰۰ بجای شما آن کنم در نهان<sup>۱۱</sup>

همه موبدان پاسخ آراستند  
که ما مر ترا يك بيك<sup>۱۲</sup> بنده بیم  
که بوده<sup>۱۳</sup> ست<sup>۱۴</sup> ازین<sup>۱۵</sup> کمتر و بیشتر  
ابا<sup>۱۶</sup> آنک مهرباب ازین<sup>۱۷</sup> پایه<sup>۱۸</sup> نیست  
۶۰۵ همان ست<sup>۱۹</sup> کز گوهر اژدهاست

۱- لی: بدین ۲- ل، ب: دانید؛ س، لی، و، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>): داند؛ لن، ق، پ (و نیز لن<sup>۲</sup>): گویند؛ ق<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): ببند؛ متن=ف، آ ۳- ق<sup>۲</sup>:  
بینندگان ۴- ل: دل؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۵- ف: موبدان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶-  
ل<sup>۲</sup>، ب: که مهرباب ضحاک را (!) ۷- س: بران؛ لن، پ: وزیشان دل شاه پر؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: پاسخ آوردن موبدان زال را و بند  
دادن ۸- ل: نیش؛ آ: زهر با نوش؛ ل<sup>۲</sup>: نوشته بازهر؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ف، س، ق، پ، آ، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>): بشنید؛ ل، لی (و نیز س<sup>۲</sup>):  
شنید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= لن، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۰- س: زیشان ۱۱- آ: < و > ۱۲- لی: اندیشه ۱۳- س: که زین چون؛  
لن، ق، آ، پ: که چون این؛ ق، و، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): کزین چون؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): کزین پس؛ آ: که چون آن؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف ۱۴-  
س، ق، لی، و: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ق<sup>۲</sup>: کار؛ و: راه ۱۶- پ: من بر؛ آ: با من ۱۷- س: و دیگر ۱۸- ل، لن، ق، ق، آ،  
لی: بود بر منش؛ پ، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): بود پرمنش؛ متن=ف، س، ل (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۹- و: نباید ۲۰- ل، لی، ل<sup>۲</sup>: شنیدن؛ متن=ف، پ،  
و، آ، ب ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: بدین ره؛ ل: مرا اندرین گر؛ متن=ف، س، ق، و، ب ۲۲- ق: برین ننگ را هم؛ ق<sup>۲</sup>: درین بند راه؛ لی:  
بدین بند راه؛ و: مراین بند راه هم؛ ل<sup>۲</sup>: و زین بند راه هم؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۳- ل، لن، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): جهان؛ متن=ف، س (و نیز  
لن<sup>۲</sup>) ۲۴- لی: کجا با کهان؛ پ: که از مهتران؛ ل، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

ز خوبی و از(ل) ز نیکی و(ق، ق) و نیکی واز؛ پ: و از نیکی و(ل) و نیکی و(ز) راستی

ز بد ناووم بر(لن، ق، آ، پ، آ، ب: در) شما کاستی

این بیت در ف، س، لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۵- لن، ق، آ، پ، آ، ل: سر بر؛ س، ب: که ما یک یک مر ترا؛ لی: که ماها ترا سر بر؛  
متن=ف، ل، ق، و ۲۶- س، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): فرو مانده ایم؛ لن، ق، آ، پ، آ، ل: درین بس شگفتی فرو مانده ایم؛ ب: به پیش از شگفتی سرافکنده ایم؛  
متن=ف، ل، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ ف پس از این بیت افزوده است:

بدین رایت ای پهلوان جهان نکوهش ندیدند فرخ مهان

این بیت در یازده دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۷- ل<sup>۲</sup>: که تو دست ۲۸- س: زین ۲۹- لن، ق، لی، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>،  
س<sup>۲</sup>): بدین؛ ق<sup>۲</sup>، و: برین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= متن=ف، س، ل، ب ۳۰- و: نباشد گهر ۳۱- ف: ویا؛ لی: که با؛ متن= ده دستنویس  
دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۲- س: زین؛ آ: از آن ۳۳- ق<sup>۲</sup>، پ، آ: مایه (ق<sup>۲</sup>، آ: پساوند ندارند)؛ (س<sup>۲</sup>: خاه= خایه؟، خانه؟)؛ متن= نه دستنویس  
دیگر ۳۴- پ: پایه؛ و: گردست بر مایه (!) ۳۵- ل: بد آنست؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۶- لن، پ: اگر

اگر شاه را بد نگرده گمان  
 یکی نامه باید سوی پهلوان  
 ترا خود خرد زان ما بیشتر  
 مگر کو یکی نامه نزدیک شاه  
 ۶۱۰ منوچهر هم رای<sup>۱۰</sup> سام سوار  
 نباشد ازو<sup>۳</sup> ننگ بر دودمان<sup>۴</sup>  
 چنان چون تو دانی به<sup>۵</sup> روشن روان  
 روان و گمانت به اندیشتر<sup>۷</sup>  
 فرستد<sup>۹</sup> کند رای او را نگاه  
 نه بردارد<sup>۱۱</sup> از ره بدین مایه کار

### گفتار اندر نامه نبشتن زال بنزدیک پدرش سام<sup>۱۲</sup>

سپهد نبیسند<sup>۱۳</sup> را پیش خواند  
 یکی نامه فرمود نزدیک سام  
 ز خط<sup>۱۶</sup> نخست آفرین گسترید  
 ازو دید<sup>۲۰</sup> شادی و زو جست<sup>۲۱</sup> زور  
 ۶۱۵ خداوند هست و خداوند نیست  
 ازو باد بر سام نیم درود  
 چمانده<sup>۲۵</sup> دیزه هنگام گرد  
 فزایندهی باد آوردگاه  
 گرایندهی تاج و زرین کمر  
 دل آکنده بودش همه برفشانند  
 سراسر نوید و درود<sup>۱۴</sup> و پیام<sup>۱۵</sup>  
 بران<sup>۱۷</sup> دادگر کافرین<sup>۱۸</sup> آفرید<sup>۱۹</sup>  
 خداوند ناهید و کیوان<sup>۲۲</sup> و هور  
 همه بندگانیم<sup>۲۳</sup> و ایزد یکیست  
 خداوند گویال و شمشیر<sup>۲۴</sup> و خود  
 چرانندهی کرگس اندر نبرد  
 فشانندهی<sup>۲۶</sup> تیغ<sup>۲۷</sup> از<sup>۲۸</sup> ابر سیاه  
 نشانندهی<sup>۲۹</sup> شاه<sup>۳۰</sup> بر تخت زر

- ۱- ق: زمان؛ ق: اگر پادشه بد ندارد گمان ۲- ق: و، نیاید؛ ب: ندارد ۳- ق: جزا؛ لی: ازین ۴- ف: ننگ هر دودمان؛ ق: نیک و بد هر زمان؛ ب: ننگ و با دودمان؛ لن، پ، آ، ل این بیت را ندارند؛ متن = ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ف پس از این بیت افزوده است: مرادت بدین کار گردد تمام بدین آرزو باشدت نام و کام
- این بیت در یازده دستنویس دیگر (و نیز در ل، لن، آ، س) نیست ۵- س: بود رای؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل: توانی به؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۶- ق: هنر ۷- س، آ: بدانیش تر؛ ق، ب: بر اندیش تر؛ ق، آ، ل: باندیش تر؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، لن، پ، و ۸- و: او ۹- لن، پ: نویسد ۱۰- ب: راه ۱۱- س: نگراند ۱۲- ف: گفتار اندر نامه نوشتن زال بنزدیک سام نریمان اندر احوال رودابه و مهربان؛ ل: نامه زال بنزدیک سام و آگاه شدن؛ س: نامه فرستادن زال بنزد پدرش سام نریمان؛ لن، و: نامه زال بنزدیک سام (و: سام نریمان)؛ ق: نامه زال نزد سام جهت دختر مهربان؛ ق: نامه زال بنزد پدرش سام؛ لی: نامه زال بنزد سام از کار رودابه؛ پ: نامه زال سام و احوال نمودن؛ و: نامه نوشتن زال نزد سام نریمان؛ ل: نامه نوشتن زال نزد سام جهت رودابه؛ ب: نامه زال نزد سام؛ متن = آغاز ف ۱۳- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س): نویسنده؛ متن = ف ۱۴- س، و، آ، ب: درود و نوید ۱۵- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز س): خرام؛ ق، لی: سلام؛ متن = ف، و، ب (و نیز ل، لن، آ) ۱۶- س: بخط بر؛ لن، ق، لی، پ، آ: بخط از؛ ب: ز خطش؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۷- ل، ق، ق، لی، پ، ل، آ، ب: بدان؛ متن = ف، س، لن، و، آ ۱۸- ل: کوجهان؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ل: کوزمین؛ متن = ف، ق، و، ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۹- س، لن، ق، آ، ل: گسترید؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): ازویست؛ و، ل: ازوجست؛ (س): کزویست؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، س ۲۱- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): و زویست؛ متن = ف، و، ل ۲۲- ل، س، ق، لی: کیوان و (لی): <و> ناهید؛ لن، پ: ناهید و بهرام؛ متن = ف، و، آ، ل، ب ۲۳- ق، لی: <و> ۲۴- ق، لی، و، ل، ب: شمشیر و کویال؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ق، آ: جهاننده؛ در ق این بیت پس از بیت ۶۱۹ آمده است ۲۶- س: نماینده ۲۷- ف: میغ (!)؛ ل (و نیز ل، س): خون؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۸- ق، لی: ز ۲۹- س: نماینده ۳۰- ل: زال؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س)؛ در ق این بیت پس از بیت ۶۱۷ آمده است

۶۲۰ به‌مردی هنر در هنرا ساخته  
 من<sup>۴</sup> او را بسان یکی بندهام  
 ز مادر بزادم<sup>۵</sup> بدانسان<sup>۶</sup> که دید  
 پدر بود در ناز و خز<sup>۷</sup> و پزند  
 نیازم بدان<sup>۱۱</sup> کو شکار آورد  
 ۶۲۵ همی پوست از باد<sup>۱۳</sup> برمن بسوخت  
 همی خواندندی مرا<sup>۱۵</sup> پور سام  
 چو یزدان چنین راند اندر بوش<sup>۱۶</sup>  
 کس از داد<sup>۲۳</sup> یزدان نیابد<sup>۲۴</sup> گریغ  
 سنان ار<sup>۲۷</sup> به دندان بخاید دلیر  
 ۶۳۰ گرفتار<sup>۲۸</sup> فرمان یزدان بود  
 یکی کار پیش آمدم دل شکن  
 پدر گر دلیرست و نر ازدهاست  
 من از دخت مهرباب گریان شدم  
 ستاره شب تیره<sup>۳۴</sup> یار من ست  
 ۶۳۵ به رنجی رسیده‌ستم از خویشتن

خرد<sup>۲</sup> از هنرها<sup>۳</sup> برافراخته  
 به مهرش روان و دل آگندهام  
 ز گردون به‌من بر<sup>۷</sup> ستم‌ها رسید  
 مرا برده<sup>۹</sup> سیمرغ بر<sup>۱۱</sup> کوه هند  
 ابا بچگان<sup>۱۲</sup> در شمار آورد  
 زمان تا زمان خاک چشم<sup>۱۴</sup> بدوخت  
 به<sup>۱۶</sup> اورنگ بر<sup>۱۷</sup> سام و من<sup>۱۸</sup> بر<sup>۱۹</sup> کُنام  
 برین<sup>۲۱</sup> گونه پیش آوریدم روش<sup>۲۲</sup>  
 اگر خود پیرد<sup>۲۵</sup> برآید به میغ<sup>۲۶</sup>  
 بدرد از آواز او چرم شیر  
 وگر<sup>۲۹</sup> چند دندانش سندان<sup>۳۰</sup> بود  
 که نتوان ستودنش<sup>۳۱</sup> بر انجمن  
 اگر بشنود راز<sup>۳۲</sup> کهتر<sup>۳۳</sup> رواست  
 چو بر آتش تیز بریان شدم  
 من آنم که دریا<sup>۳۵</sup> کنار من ست  
 که برمن بگرید همی<sup>۳۶</sup> انجمن

- ۱- و: گهر ۲- س: خردش؛ لن، لی، پ، آ، ل، آ، ب: سرش؛ ق: هنرش؛ متن=ف، ل، ق، و ۳- ق: از هنر سر؛ و: زین هنرها؛ س، لن، ق: آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:
- چو سام نریمان گه (س: که در) کارزار به مردی (س: نبود) نه هست و نه باشد سوار  
 این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۴- ل: مر ۵- ل: نژادم (!) ۶- ل، س، ق: برانسان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۷- لی: به من چه؛ ب: به سر بر ۸- و: در خز و ناز؛ ق: پدر در بر بار و خز؛ ب: برهنه تن من ز خز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۹- ب: برد ۱۰- س، لن، پ، ل، آ: در؛ ب: تا؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ف، ق، آ، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:
- مرا خورد خون بود بر جای شیر در آن (ف: بران) آشیانه بسان اسیر (ق: بدم ناگزیر)  
 امیدم به سیمرغ مانده مدام (ق: بدم) به دل (ق، ق: دلی) مستمند و به رخ (ق، ق: ورخی) زردفام
- این بیت ها در هشت دستنویس دیگر (و نیز در لن، آ، س) نیست ۱۱- ب: بدو ۱۲- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س): بچه‌ام؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن=ف، لی، و (و نیز لن)؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۳- لی: از بار (!)؛ آ: بر باد ۱۴- س: چشم خاکم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ل: همی خوانندی مر مرا ۱۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بر؛ متن=ف، ل، ق، ل، آ، ب ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بُد؛ ل: <بر> (وزن نادرست است)؛ متن=ف، ل، ق ۱۸- پ: <من> (وزن نادرست است) ۱۹- ل، ب: در؛ و: مرا نام بر سام و جایم ۲۰- ف، ق: روش؛ س: چنین داشتم در بوش؛ و: چنین راندم اندر بوش؛ ل: چنین بود اندر بوش؛ (ل: چنین خواست اندر بوش)؛ متن=ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز لن، آ، س) ۲۱- لی، آ: بدین؛ ل: بران؛ ب: بدین ۲۲- ف، ل، آ، ب: دهش؛ آ: آوریدم روش؛ ل، ق: بران بود (ق: برانست) چرخ روان را روش (ق: پساوند ندارد)؛ لن، ق، آ، پ: برسم بوش اندر آید (پ: آمد) روش؛ متن=س، لی، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۳- لن، پ: از حکم؛ ق: <از> داد (وزن نادرست است) ۲۴- لن، پ، ل، آ: نشاید ۲۵- ل، س، ق، آ، لی، ل، پ (و نیز ل): اگر (ل: وگر) چه پیرد؛ لن، پ: اگر داستان را؛ متن=ف (و نیز س) ۲۶- و (و نیز لن): نه سوزنده آتش نه بارنده میغ؛ آ: اگر چه برآید پیرد به میغ ۲۷- ل، لن، ق، آ، پ- ب: گر؛ لی: را؛ متن=ف، س، ق ۲۸- ق: نماند چو ۲۹- لن، پ، ل، آ: اگر ۳۰- س، لی: سندان دندان ۳۱- س: گشادش؛ ق: نمودنش؛ ق: که پیران ستودند؛ متن=نه دستنویس دیگر ۳۲- لن، ق، لی، پ، آ: گفت؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۳۳- ل، س، و: بنده؛ ق: چاکر؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۳۴- لن: شب تار؛ ق، آ، ل، آ: شب و روز؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۳۵- ق: گشاده چو دریا؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۶- ق: بزار



ازو آگهی جست باید نُخست  
 همه<sup>۲</sup> کرد باید سَخُن<sup>۳</sup> خواستار  
 به دست اندرون نامهی نامدار<sup>۴</sup>  
 بسی<sup>۵</sup> از جهان آفرین کرد یاد<sup>۶</sup>  
 فرستاده گفت آنچ<sup>۱۱</sup> بود از پیام<sup>۱۲</sup>  
 فرود آمد از تیغ<sup>۱۴</sup> کوه بلند  
 پیژمرد بر جای و<sup>۱۶</sup> خیره<sup>۱۷</sup> بماند  
 دگرگونه بایستش<sup>۱۹</sup> او را به خوی<sup>۲۰</sup>  
 سَخُن هرچه<sup>۲۱</sup> از گوهر بد<sup>۲۲</sup> سزید<sup>۲۳</sup>  
 چنین کام دل<sup>۲۴</sup> جوید از روزگار  
 به دلش اندر اندیشه آمد دراز<sup>۲۶</sup>  
 مکن داوری، سوی دانش گرای<sup>۲۷</sup>  
 شود<sup>۳۱</sup> خام گفتار و پیمان شکن<sup>۳۲</sup>  
 پرداز دل را بدانچت<sup>۳۳</sup> هواست  
 چگونه برآید، چه گویی<sup>۳۶</sup>، نژاد؟  
 بخفت و برآسوده<sup>۳۹</sup> گشت اندران<sup>۴۰</sup>

فرستاده‌ی زال باشد درست  
 ز دستان و ایران و از<sup>۱</sup> شهریار  
 هم<sup>۴</sup> اندر زمان پیش او شد سوار<sup>۵</sup>  
 فرود آمد و خاك را بوسه داد<sup>۶</sup>  
 ۶۵۵ پرسید<sup>۱۰</sup> و بستد ازو نامه سام  
 سپهدار بگشاد از آن<sup>۱۳</sup> نامه بند  
 سَخُن های دستان یکایک<sup>۱۵</sup> بخواند  
 پسندش نیامد چنان آرزوی<sup>۱۸</sup>  
 چنین داد پاسخ که آمد پدید  
 ۶۶۰ چو مرغ ژیان باشد آموزگار  
 ز نخچیر کامد سوی خانه باز<sup>۲۵</sup>  
 همی گفت: اگر گویم این نیست رای  
 دل<sup>۲۸</sup> شهریاران<sup>۲۹</sup> سر<sup>۳۰</sup> انجمن  
 وگر گویم آری و کامت رواست  
 ۶۶۵ ازین<sup>۳۴</sup> مرغ پرورده، وان<sup>۳۵</sup> دیوزاد  
 سرش گشت از<sup>۳۷</sup> اندیشه‌ی<sup>۳۸</sup> دل گران

۱- ل، ق، آ، ل: ز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: همی؛ متن = ف، ل، ق، ل (ونیز س) ۳- ق: همی (!)؛ و: سخن کرد باید همه ۴- لی: چو ۵- و: دوان ۶- و: پهلوان؛ آ: شهریار؛ و پس از این بیت سرنویس دارد: پژویش کردن سام نریمان اختر زال زر را ۷- ل، س (ونیز س): بوس داد؛ ق: داد بوس؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز ل، آ، لن) ۸- ف: همی ۹- ق: همی بود اندر سخن چاپلوس؛ و (ونیز لن): فراوان برو آفرین کرد یاد؛ (ل): که بس آفرین بر جهان دار کرد؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز س) ۱۰- لی: ببوسید ۱۱- و، ل: آنچه ۱۲- ل: بودش پیام؛ ب: فرستاده گفتش یکایک پیام؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۳- ل، ق، ب: < آن >؛ لن، پ: زان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۴- و: پیش؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ل، ق، و: سراسر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- ق: بر جاو؛ س، لی، و، ل، ب: پیژمرد و بر جای؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، آ ۱۷- ق، آ، ل: خامش؛ آ: حیران ۱۸- س: آرزو ۱۹- و: میخواست؛ ب: بایست ۲۰- س: خو ۲۱- ل: هرچ ۲۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: او؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۲۳- ب: رسید ۲۴- لی: چنین آرزو ۲۵- ب: ز نخچیر که بازگشت او بساز ۲۶- پ، ل: فراز؛ لن: اندیشه‌های دراز ۲۷- ب: دژم گردد و دل بیچند ز جای؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۸- ل، ق: سوی؛ لی، و: بر؛ متن = ف، س، ق، آ، ب (ونیز ل، س) ۲۹- س، ق: شهریار و؛ ق، ب: شهریار آن؛ و: نامداران؛ متن = ف، ل، ق، آ، لی، ب (ونیز ل، س) ۳۰- ق: سوی؛ و: این؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، لی، ب (ونیز ل، آ، لن، پ، آ، ل: بر دادگر نیز و بر (آ: وز) ۳۱- و، ق، لی (ونیز س): شوم؛ متن = ف، ل، س، ب (ونیز ل) ۳۲- لن، ق، آ، پ، آ، ل: نباشد پسندیده پیمان شکن؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ف پس از این بیت افزوده است:

که پیمان شکستی بگشتی ز راه نجستی تو آرم فرزند شاه

۳۳- ب: برانکت ۳۴- لی، آ: آزان ۳۵- لن، لی، پ، آ (ونیز س): مرغ پرورد و آن (لی: و این)؛ ق، و، ل: مرغ پرورده؛ متن = ف، ل، س، ق، ب ۳۶- لن، پ: همانا؛ آ: نگویی؛ ل، ق، و: چگویی (ق: چگویم؛ و: ندانم) چگونه برآید؛ ق: چه زاید فزونی ندانم؛ لی: چگونه بزاید چه باشد؛ ل: چگونه بزاید چگویی؛ ب: چگونه بزاید بنیکی؛ (ل = ل؛ لن: ندانم چگونه برآید؛ س: چگوید (→ چگونه) برآید چه گویی = ف)؛ متن = ف، س ۳۷- س، لن، ز؛ ب: پر (در بالا افزوده است: ز) ۳۸- ب: اندیشه و ۳۹- ل: نه آسوده؛ س: بیاسود و (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، پ، آ: برآسود و؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۴۰- ق: از روان

دلش<sup>۳</sup> خسته‌تر زان و تن<sup>۴</sup> زارتر  
که<sup>۶</sup> فرمان دهد کردگار جهان<sup>۵</sup>

یکی انجمن کرد<sup>۹</sup> با بخردان<sup>۸</sup>  
که فرجام این بر چه یابد گذر<sup>۱۱</sup>  
برآمیختن باشد از بُن<sup>۱۴</sup> ستم  
فریدون و ضحاک را کارزار  
سر خامه بر بخش<sup>۱۸</sup> فرخ نهید  
همی زآسمان<sup>۲۰</sup> باز جستند راز<sup>۱۹</sup>  
که دو دشمن از بخش<sup>۲۲</sup>، خویش آمدند  
چنین گفت کای گرد زرین کمر  
که گردند<sup>۲۳</sup> هر دو دو فرخ<sup>۲۴</sup> همال  
بیاید بیند به مردی میان  
نهد تخت شاه از بر پشت<sup>۲۶</sup> میغ  
به روی زمین بر نماند<sup>۲۷</sup> مغاک  
زمین را بشوید<sup>۲۹</sup> به گرز گران  
بیند<sup>۳۲</sup> در جنگ و<sup>۳۳</sup> راه گزند  
ازو<sup>۳۵</sup> پهلوان<sup>۳۶</sup> را خرام و نوید<sup>۳۷</sup>  
بمالد<sup>۴۱</sup> برو<sup>۴۲</sup> روی جنگی پلنگ<sup>۴۳</sup>

سُخن هرچه<sup>۱</sup> بر بنده دشخوارتر<sup>۲</sup>  
گشاده‌تر آن باشد اندر نهان<sup>۵</sup>

چو برخاست از خواب، با موبدان<sup>۸</sup>  
گشاد این<sup>۱۱</sup> سخن بر ستاره شُمر<sup>۱۰</sup> ۶۷۰  
دو گوهر چو آب و چو آتش بهم<sup>۱۳</sup>  
همانا که باشد به روز شمار  
از<sup>۱۵</sup> اختر بجوید<sup>۱۶</sup> و پاسخ<sup>۱۷</sup> دهید  
ستاره‌شناسان به روز دراز<sup>۱۹</sup>  
بدیدند و با خنده پیش آمدند ۶۷۵  
به سام نریمان ستاره شُمر  
ترا مژده از دخت مهراب و زال  
ازین دو هنرمند، پیلی ژیان  
جهانی پِیای اندرآرد به تیغ<sup>۲۵</sup>  
بیرد پی بدسگالان ز خاک ۶۸۰  
نه سگسار ماند نه مازندران<sup>۲۸</sup>  
به خواب اندرآرد<sup>۳۰</sup> سر دردمند<sup>۳۱</sup>  
بدو<sup>۳۴</sup> باشد ایرانیان را امید  
پی<sup>۳۸</sup> باره‌یی کو<sup>۳۹</sup> چماند<sup>۴۰</sup> به جنگ

۱- ل: هرچ ۲- ل- ق، پ- ب (و نیز س<sup>۲</sup>): دشوارتر؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۳- پ: تنش ۴- پ: ودل؛ ل: آ: بتن ۵- ق: آ: گشاده زبان باشد اندر نهان؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): گشاده شود هرچه باشد نهان؛ لی این بیت را ندارد ۶- ل، لن، ق، ق، پ- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): چو؛ متن= ف، س ۷- ق: زبان ۸- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): چو از خواب برخاست از موبدان ۹- ل، ق، آ (و نیز س<sup>۲</sup>): ساخت؛ متن= ف، س، لن، لی، پ، و، ل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۰- لن، پ (و نیز لن<sup>۲</sup>): از بخردان؛ و: واز بخردان؛ ق: سخن گفت بر بیش و کم اندران؛ لی پس از این بیت سرنویس دارد: باز گفتن ستاره شناسان از طالع رستم ۱۱- ل، ق، ق، آ، لی، و، ل: آن؛ آ: گشادن؛ متن= ف، س، لن، پ، ب ۱۲- ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): باشد گذر؛ لن، ق، آ، پ، ل: ب: آید بسر؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): باشد نگر؛ و: برکه دارد گذر؛ س: که فرجام خود برچه آید بسر؛ متن= ف ۱۳- ق، و: کجا گوهر آب و آتش بهم ۱۴- پ: تن (!)؛ و: من (!) ۱۵- و: ز ۱۶- ل: بخوانید؛ ق: بجوید؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۷- لن، پ: فرمان ۱۸- لی: نقش؛ ل: همه کار و کردار؛ ق: سرانجام این کار؛ و: بفرجام بر بخش؛ ب: سرنامه بر بخش؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۹- ق: شمار (!) ۲۰- ب: باسما ۲۱- ق: همی باز جستند از چرخ کار ۲۲- ل، لی: بخت؛ لن، پ: چو شادان دل از بخت؛ ق: سرانجام دشمن به؛ ق، آ، ل، ب: همه شاد از بخت؛ آ: همی شاد از بخت؛ متن= ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۳- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ: که باشند؛ و: چو کردند؛ متن= ف، س، ق، ل، ب ۲۴- ل، س، ق: هردو بشادی؛ و: آن هردو فرخ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- ل، ق، و: جهان زیر پا اندر آرد به تیغ؛ ب: جهانی بمردی بگیرد بتیغ؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۶- لن، پ: تند؛ ق: رخت؛ ق، آ، ل: تخت؛ آ: از بن تخت؛ لی: شاهان ابر پشت؛ متن= ف، ل، س، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- ب: نجوید ۲۸- ق: همه گرساران و مازندران ۲۹- آ: بشورد؛ ب: بگوید ۳۰- آ: آمد؛ ب: آید ۳۱- و: ارجمند ۳۲- آ: نه بندد ۳۳- ق: در چاره؛ و: در رنج و ۳۴- آ: برو ۳۵- لن، ق، پ، و: وزو ۳۶- ل: با؛ لن، پ: پهلوانان؛ ل: <را> (وزن نادرست است)؛ متن= ف، س، ق، آ، آ، ب ۳۷- لی: نهد تخت شاه از بر تخت شید؛ و: وزو گوش شاهان شود پر نوید ۳۸- ق، و: یکی ۳۹- و، آ، ب: چرمه کو؛ ل: باره او ۴۰- ب: جهاند ۴۱- س: نیارد؛ لن، پ، ل: بماند؛ ق: نماند؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۴۲- س، ق، لی: بدو؛ ب: بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۴۳- ق: نهنگ

۶۸۵ خُنك پادشاهی<sup>۱</sup> که هنگام اوی<sup>۲</sup>  
 چو بشنید گفتار اخترشناس  
 بیخشدشان بی کران زَر و سیم<sup>۳</sup>  
 زمانه به شاهی<sup>۳</sup> برد نام اوی<sup>۲</sup>  
 بخندید و پذیرفت ازیشان<sup>۴</sup> سپاس<sup>۵</sup>  
 چو آرامش آمد به هنگام بیم<sup>۶</sup>

۶۹۰ فرستاده‌ی زال را<sup>۱</sup> پیش خواند  
 بگفتش که<sup>۱</sup> با او<sup>۱۱</sup> به چربی<sup>۱۲</sup> بگوی  
 ولیکن چو پیمان چُنین<sup>۱۴</sup> بد نُخست  
 من اینک به شبگیر ازین رزمگاه  
 فرستاده را داد چندی درم  
 بیستند از آن گرگساران هزار  
 دو بهره چو از تیره شب درگذشت<sup>۲۰</sup>

۶۹۵ همان ناله‌ی کوس با کره‌نای  
 سپهبد سوی شهر<sup>۲۴</sup> ایران کشید  
 فرستاده آمد دمان سوی<sup>۲۶</sup> زال  
 ز هرگونه با او<sup>۹</sup> سَخُن‌ها براند  
 که این آرزو را بُد هیچ<sup>۱۳</sup> روی  
 بهانه نشاید به بیداد جست  
 سوی شهر ایران<sup>۱۵</sup> گذارم<sup>۱۶</sup> سپاه  
 بدو گفت: خیره مزن هیچ دم<sup>۱۷</sup>  
 پیاده به خواری<sup>۱۸</sup> کشیدند زار<sup>۱۹</sup>  
 خروش سواران<sup>۲۱</sup> برآمد ز دشت<sup>۲۲</sup>  
 برآمد ز دهلیز پرده‌سرای<sup>۲۳</sup>  
 سپه را بنزد دلیران<sup>۲۵</sup> کشید  
 ابا بخت<sup>۲۷</sup> پیروز و<sup>۲۸</sup> فرخنده فال

۱- ف: پادشاهی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲- ل، س، ق- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: او؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup>، و ۳- پ: بشادی ۴- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ: زیشان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- س: هراس (!) ۶- ل: سیم و زر؛ لی: زرسیم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ل: شر؛ ل<sup>۲</sup>، پ: چو سور آمد او را به هنگام بیم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸- س: فرستاده را زود در ۹- ق: وی؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت سرنویس دارد: باز فرستادن رسول را بخوبی و عزیمت سام ۱۰- ل: بدو گفت با؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۱- ق: لی: وی ۱۲- ل، ل<sup>۲</sup>، ق، ق، ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: بخوبی؛ متن = ف، س، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۳- ق: ۲: نماند ایچ ۱۴- س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: برین؛ ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، ب: بدین؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۵- ق: شهریارم ۱۶- ل: گرام؛ ل<sup>۲</sup>، پ: برانم؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ل<sup>۲</sup>، ق- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تا چه فرمایدم (ل<sup>۲</sup>، پ: فرمان دهد) شهریار چه آردش (ل<sup>۲</sup>، پ: آیدش؛ ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>: آرد) ازین کام تو (ل<sup>۲</sup>، ب: او) کامکار

این بیت در ف، ل، س، ق (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۷- ف: چنین گفت کورا مگردان دژم؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ س، ل<sup>۲</sup>، ق، ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

گسی کردش و خود براه (آ: بره) ایستاد سپاه و سپهبد از آن کار شاد

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۱۸- ل، ل<sup>۲</sup>، ق، ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>: بزاری؛ متن = ف، س، ق، ب ۱۹- ل، س، ل<sup>۲</sup>، ق- ل<sup>۲</sup>: خوار؛ متن = ف، ق، ب ۲۰- ق: برگذشت؛ و: دو بهره ز تیره شب اندرگذشت ۲۱- ب: تیره ۲۲- ق: بیامد ز دشت؛ ل: خروشان و جوشان بید کوه و دشت؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳- در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۴- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، ق، ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: سپهد بنزدیک؛ ق: سپهد سپه سوی؛ و: سپه را سوی مرز؛ ب: سپهدار نزدیک دستان؛ متن = ف، ل، س (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۵- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: دهستان؛ ق: سپه را بنیرنگ و دستان؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): سپه را بنزدیک دستان؛ و: بنزدیک شاه دلیران؛ ب: سپهدار نزدیک دستان؛ متن = ف، ل، س (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۶- ل، س، ق: دوان سوی؛ ل<sup>۲</sup>، ق، ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: بنزدیک؛ و: دوان نزد؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۷- پ، ب: تخت (!) ۲۸- ق: ۲: < و >؛ س: پیروزه؛ ل<sup>۲</sup>، پ، و، ل<sup>۲</sup>: فیروزه و؛ ب: فیروزه؛ متن = ف، ل، ق، ل<sup>۲</sup>؛ ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو آمد بدو داد پیغام سام (ق<sup>۲</sup>: زود) همه حال‌ها گفت با او (ل<sup>۲</sup>، آ: وی) تمام (ق<sup>۲</sup>: زود وی را نمود)

ب پس از بیت ۶۹۷ افزوده است:

بگفت آن کجا سام یل گفته بود از اول که بر زال آشفته بود  
 چو پیغام‌ها زال را باز گفت بشادی رخ زال زو برشکفت



گرفت آفرین زال بر کردگار  
 درم داد و دینار درویش را

۷۰۰ میان سپهدار با سروئن  
 پیام آوردی سوی پهلوان  
 سپهدار دستان مرو را بخواند  
 بدو گفت: نزدیک رودابه شو  
 سخن چون ز تنگی به سختی<sup>۱</sup> رسید

۷۰۵ فرستاده باز آمد از پیش سام  
 بسی گفت و جوشید و زد<sup>۲</sup> داستان  
 سبک پاسخ نامه زن<sup>۳</sup> را سپرد  
 بنزدیک رودابه آمد چو باد  
 پری روی بر زن درم برفشانند

بران<sup>۱</sup> بخشش و شادمان روزگار<sup>۲</sup>  
 نوازنده شد<sup>۳</sup> مردم خویش را

زنی بود گویا و<sup>۴</sup> شیرین سخن  
 هم از پهلوان سوی سرو روان<sup>۵</sup>  
 سخن هر چه<sup>۶</sup> بشنید با او<sup>۷</sup> براند  
 بگوش که ای نیکدل ماه نو  
 فراخیش را زود بینی کلید  
 ابا شادمانی و فرخ پیام<sup>۸</sup>  
 سرانجام هم گشت همداستان<sup>۹</sup>  
 زن از پیش او بازگشت و ببرد<sup>۱۰</sup>  
 بدین<sup>۱۱</sup> شادمانی و<sup>۱۲</sup> را مژده داد  
 به کرسی زریپکرش برنشانند<sup>۱۳</sup>

۱- ب: بدان ۲- ل، س: بران بخشش و (ل: < و >) گردش روزگار؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): از آن شادمان بخشش روزگار؛ متن = ف، ق (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ این بیت در لن، پ چنین آمده است:

چو بشنید دستان سام سوار  
 این بیت در ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ل<sup>۲</sup> چنین آمده است:

برو (آ: ازو) گشت بس شادمان روزگار  
 چو بشنید آن (لی: ازو؛ آ: از) زال سام سوار

۳- پ: نوازنده و؛ ف (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت سه بیت و ق<sup>۲</sup> تنها بیت یکم را افزوده اند که در هیچیک از ده دستنویس دیگر (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست:

بسی آفرین بر سپهدار سام  
 ق<sup>۲</sup>: بسی داد با آن درود و پیام

نه شب خواب کرد و نه روز آرمید  
 دلش گشته بود (ل<sup>۲</sup>: دل زال گشت) آرزومند جفت  
 نه می خورد و نه نیز رامش گزید  
 همه هر چه گفتش (ل<sup>۲</sup>: گفتی) ز رودابه گفت

بجز ل دیگر دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: پیغام فرستادن زال به رودابه بدست آن زن که میان ایشان بود بدان که سام اجازت داده است؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی: آگاهی (ق<sup>۲</sup>، لی: خبر) یافتن سیندخت از کار رودابه با (ق<sup>۲</sup>، لی: و) زال سام؛ ق: خبر فرستادن زال زر رودابه از رضای سام و آگاه شدن سیندخت از حال رودابه و زال؛ پ: باز آمدن فرستاده زال از پیش سام؛ و: آگاه شدن سیندخت از حال رودابه و دستان سام؛ آ: خبر یافتن سیم دخ از کار رودابه؛ ل<sup>۲</sup>، ب: آگاهی سیندخت از کار رودابه ۴- لن، و، ب: و آن سرو بن؛ پ: و آن انجمن (!)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۵- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): گوینده؛ متن = ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶- لن، پ: روشن روان؛ و: سرو جوان؛ ق<sup>۲</sup>: پهلوانان سوی سرو بن (پساوند ندارد)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- ل: هرچ ۸- لی: وی ۹- ل، ق (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): رو؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۰- س: بتنگی و سختی؛ لن، ق<sup>۲</sup>، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>): ز سختی بتنگی؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): سختی و تنگی؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۱- و: زبانی پر از خوب فرخ پیام ۱۲- ل، ق: بشنید و زد؛ ب: چندی زدش؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>) ۱۳- ق<sup>۲</sup>، لی، ب: هم (لی: این؛ ب: را) گشت همداستان؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): گشتست همداستان؛ ف: بسی داد با این درود و پیام (= ۷۱۳ ب)؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- ب: او ۱۵- لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: رفت و نامه (لن: پاسخ) ببرد؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>) ۱۶- لن، پ: ازان؛ ب: بدان ۱۷- س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

بدادش بدان (ل<sup>۲</sup>: بران) دایه چاره گر یکی دست جامه بدان مژده بر  
 لن، پ: پس آنگه بداد او بدان چاره بر (پ: گ)

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق آنرا در میان سطرها افزوده اند

۷۱۰ یکی شاره<sup>۱</sup> سربند پیش آورید  
 همه پیکرش سرخ<sup>۴</sup> یاقوت و<sup>۵</sup> زر  
 یکی جفت پرمایه انگشتی  
 فرستاد نزدیک<sup>۶</sup> دستان سام  
 زن از حجره بمیان<sup>۱۱</sup> ایوان رسید  
 زن از بیم او گشت<sup>۱۳</sup> چون سندروس  
 پر اندیشه شد<sup>۱۵</sup> جان سیندخت ازوی<sup>۱۶</sup>  
 زمان تا زمان پیش من بگذری  
 دل روشنم بر تو شد<sup>۱۹</sup> بدگمان  
 بدو گفت زن: من یکی<sup>۲۴</sup> چاره جوی  
 بدین<sup>۲۶</sup> حجره رودابه پیرایه خواست  
 بیاوردمش افسری زرنگار<sup>۲۹</sup>  
 بدو<sup>۳۱</sup> گفت سیندخت: بنمایم<sup>۳۲</sup>  
 سپردم به رودابه - گفت<sup>۳۷</sup> - این<sup>۳۸</sup> دو چیز

شده<sup>۲</sup> تار و پود اندرو ناپدید<sup>۳</sup>  
 شده زر همه<sup>۶</sup> ناپدید از گهر  
 فروزنده چون بر فلک مشتری  
 بسی<sup>۷</sup> داد<sup>۸</sup> با آن<sup>۹</sup> درود و پیام  
 نگه کرد سیندخت<sup>۱۲</sup> او را بدید  
 بترسید و<sup>۱۴</sup> روی زمین داد بوس  
 به آواز گفت: از کجایی بگوی<sup>۱۷</sup>  
 به حجره<sup>۱۸</sup> درآیی به من ننگری  
 نجوی<sup>۲۰</sup> مرا تا<sup>۲۱</sup> زهی گر<sup>۲۲</sup> کمان<sup>۲۳</sup>  
 همی نان<sup>۲۵</sup> فرازآرم از چند روی  
 همان<sup>۲۷</sup> گوهران گرانمایه خواست<sup>۲۸</sup>  
 یکی حلقه<sup>۳۰</sup> پر گوهر شاهوار  
 دل<sup>۳۳</sup> بسته<sup>۳۴</sup> زانديشه<sup>۳۵</sup> بگشایم<sup>۳۶</sup>  
 فزون خواست، اکنون<sup>۳۹</sup> بیارمش نیز<sup>۴۰</sup>

۱-س، لن: ساره؛ ق<sup>۲</sup>: شاه؛ لی، پ: ساده؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲-پ: همه ۳-و: شده تار و پودش بزر ناپدید ۴-ف، ل، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): سرخ و؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۵-ل: <و> ۶-ف: شده پیکرش؛ س، لن، پ: همه زر شده؛ (س<sup>۲</sup>): شده زرد رو → شده زر همه؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۷-ب: همی؛ (س<sup>۲</sup>): همش) ۸-ل: بود ۹-ل، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): این؛ لن، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: او؛ متن=س، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۰-ف: اباشادمانی و فرخ پیام (=۷۰۵ ب) ۱۱-ل: ق: آنکه؛ لن، ب، آ، ل<sup>۲</sup>: رفت و به؛ ق<sup>۲</sup>: چون پیش؛ و: چون نزد؛ ب: چون سوی؛ لی: از آن حجره رفت و به؛ متن=ف، س ۱۲-س، لن، و، ب: سیندخت و؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۱۳-ل، ق، لی، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): بیم برگشت؛ لن، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: پیش برگشت؛ پ این بیت را ندارد؛ متن=ف، س، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۴-ق: <و>؛ در لن، لی، آ این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است و در لن پس از این بیت و در ق<sup>۲</sup> بجای بیت سپسین بیت زیر آمده است:

بدو گفت سیندخت کای زن بگوی سخن هر چه پرسم تو کژی مجوی

۱۵-آ: بد ۱۶-ق: ازو؛ پ: سخن هر چه پرسم تو کژی مجوی ۱۷-ق: بگو؛ در ق<sup>۲</sup> بجای این بیت ۷۱۵ پ آمده است؛ در لن، لی، پ، آ: ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، ب: شد به تو؛ متن=ف، ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> ۲۰-ل، لن: بگوی ۲۱-ب: تو ۲۲-ف، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، و، ب: یا؛ ل<sup>۲</sup>: تا؛ متن=ل ۲۳-س: نجوی مرا نام خود بانسان؛ پ: نجوی بمن تارهی از کمان؛ آ: نجوی مرا زهی با کمان (!)؛ در آلت های این بیت با یکدیگر پس و پیش شده اند ۲۴-ق، لی: هستم یکی؛ و: هستم زنی ۲۵-ق، آ، ل<sup>۲</sup>: همی تان (→ همی نان)؛ ف، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): پس از این بیت افزوده اند: روم من سوی خانه مهتران ز من جامه خردند و هم گوهران این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست، ولی در ق<sup>۲</sup> آنرا در میان سطرها افزوده اند؛ لی پس از بیت بالا و س، لن، ق، آ، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب بجای آن بیت زیر را افزوده اند:

بهای زجامه ز<sup>۲</sup>: بهای بود جامه پیرایه ها (ب: پیراهنا) فروشم ز مردم (لن: زمرد؛ لی: زمردی) بودمایه ها (ق<sup>۲</sup>: یابها)

این بیت در ف، ل، ق، و (و نیز در ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۶-ب: بدان ۲۷-ل: هم از؛ ق: همه ۲۸-لن، پ: بدو دادم اکنون همینست راست؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۹-ل: بر کنار؛ ق، و: پرنگار؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۳۰-ق: حقه ۳۱-لن، پ: بز ۳۲-ف، س، لی، پ، آ: نمایم ل، ق، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>: نمایم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ و، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): بنمای زود؛ متن=لن (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۳-لن، پ: در ۳۴-ل<sup>۲</sup>: بنده ۳۵-ق: از بند ۳۶-ف، س، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: نگشایم؛ ل، لن: نگشایم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ و، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): بگشای زود؛ متن=(ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۷-لن، پ: سپردم بدو گفت زن؛ ق، لی: سپردم بدو دایه (→ برودابه) گفت؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۳۸-لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب، آن ۳۹-س: دیگر؛ لن، پ: کاکنون ۴۰-لن، پ: بیاور بنیز

بها<sup>۱</sup> گفت بگذار بر چشم من  
 ۷۲۵ درم - گفت - فردا دهد<sup>۲</sup> ماهروی  
 همی<sup>۵</sup> کژ دانست<sup>۶</sup> گفتار اوی<sup>۷</sup>  
 بیامد بجستش بر و آستی<sup>۱۱</sup>  
 چُن آن<sup>۱۲</sup> جامه‌های گرانبه‌ایه دید  
 در کاخ بر خویشتن<sup>۱۴</sup> برببست  
 ۷۳۰ بفرمود تا دخترش رفت پیش  
 دو گل<sup>۱۶</sup> را به دو نرگس خواب‌دار<sup>۱۷</sup>  
 به رودابه<sup>۲۰</sup> گفت ای سرافراز<sup>۲۱</sup> ماه<sup>۲۲</sup>

یکی آب زن بر سر<sup>۲</sup> خشم من  
 بها<sup>۴</sup> تا نیام تو از من مجوی  
 بیاراست دل را به<sup>۸</sup> پیگار<sup>۹</sup> اوی<sup>۷</sup>  
 همی جست ازو کژی و کاستی<sup>۱۱</sup>  
 هم از دست رودابه<sup>۱۳</sup> پیرایه دید  
 از<sup>۱۵</sup> اندیشگان شد بکردار مست  
 همی دست برزد به رخسار خویش  
 همی شست تا شد گلان<sup>۱۸</sup> آب‌دار<sup>۱۹</sup>  
 گزین کردی از ناز<sup>۲۳</sup> بر گاه چاه<sup>۲۴</sup>

۱- س: بدو ۲- لی: بر سرو؛ ل: یکی برزن آتش برین (!)؛ لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: یکی آب برزن برین؛ متن = ف، س، و (و نیز لن، آ، س)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: دهم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، ل، لی، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۴- آ: کجا ۵- س، ق، و: همه ۶- آ: بدانست؛ لی: بدانست کژ جمله ۷- ل، ق، آ، لی، ل، ب: او؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- آ: ز ۹- لی: تیمار (!) ۱۰- لی، آ: بروراستی ۱۱- ف: که پیدا کند کژی و راستی؛ س: ندید اندران پیرزن راستی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ل، ق، پ پس از این بیت و ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۷۲۸ و س، لی پس از بیت ۷۲۹ بیت زیر را افزوده‌اند:

به خشم اندرون شد از آن زن غمی به خواری کشیدش بروی (س، ق، آ: همی بر) زمی  
 ۱۲- ل، لن، ق، ق، آ، پ- ب (و نیز ل، ل، آ، س): چون؛ س: همان؛ لی: مران؛ متن = ف ۱۳- ق: او دانه (→ رودابه)؛ درس لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ق<sup>۲</sup> (و نیز ل، ل، آ، س) پس از این بیت افزوده‌اند (ق همین بیت ها را در میان سطرها افزوده است؛ س<sup>۲</sup> بیت دوم را ندارد؛ ل، ق، پ بیت دوم را پس از بیت ۷۲۷ و س، لی پس از بیت ۷۲۹ آورده‌اند):

برآشفست و گیسوی او را بدست  
 به خشم اندرون شد از آن زن غمی  
 کشانش همی برد و مویش کنان  
 ب پس از بیت ۷۲۸ افزوده است:

گرفت و بروی اندرآورد پست  
 بخواری کشیدش همی بر زمی  
 بخشم از بر و سر دو دستش زنان

برآشفست و گیسوی او را بدست  
 زدش بر زمین کند مویش ز سر  
 کشانش همی برد و مویش کنان  
 همیخواست زنه‌ار از آن ماهروی  
 5 وزانجا بکاخ اندرآمد دژم  
 ۱۴- س: بر پیرزن ۱۵- ق<sup>۲</sup>: ز؛ س، لی پس از این بیت بیت ۷۲۷ پ را افزوده‌اند، و لی پس از آن دو بیت دیگر هم افزوده است:  
 بیفکند و او را هم آنجا ببست  
 و زانجا بکاخ اندرآمد دژم  
 و پس از بیت ۷۲۹ افزوده است:

کشید آن زن چاره‌گر را بموی کشیده همیدون فکندش بروی  
 ۱۶- لی: دورخ ۱۷- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ: آبدار (س، لی، آ پساونند ندارند)؛ پ: تابدار؛ متن = ف، ل، ق، ب ۱۸- ق: گلاب (→ گلان)  
 ۱۹- لن: چون نگار؛ ق<sup>۲</sup>: تابدار؛ ل<sup>۲</sup>: خوابدار؛ و: همی شست پژمرده آن لاله‌زار ۲۰- ل<sup>۲</sup>: بدودایه (→ برودابه) ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ:  
 گرانبه‌ایه؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۲۲- س: شاه (!) ۲۳- آ: از باد ۲۴- ق: ناکام و جاه؛ لی: چرا برگزیدی تو بر گاه چاه؛ ب: گزین کرده از تاج و ز تخت چاه

۷۳۵ چه ماند از نکو داشتن در جهان  
 ستمگر چرا گشتی ای ماهروی  
 که این زن ز پیش<sup>۵</sup> که آید همی  
 سَخُن بر چه سانست و این<sup>۶</sup> مرد کیست  
 ز گنج بزرگ افسر تازیان  
 بدین نام بد<sup>۹</sup> داد خواهی به باد  
 زَمین دید<sup>۱۱</sup> رودابه و پشت پای<sup>۱۲</sup>  
 ۷۴۰ فرو ریخت از دیدگان<sup>۱۴</sup> آب مهر  
 به مادر چُنین گفت کای پر خرد  
 مرا مام فرخ<sup>۱۸</sup> نژادی زُن  
 سپهدار دستان<sup>۲۰</sup> به کاول<sup>۲۱</sup> بماند  
 چُنان تنگ شد بر دلم بر<sup>۲۶</sup> جهان  
 ۷۴۵ نخواهم بُدن<sup>۲۸</sup> زنده<sup>۲۹</sup> بی روی او  
 بدان ! کو مرا دید و با من نشست  
 فرستاده شد نزد سام بزرگ<sup>۳۲</sup>  
 زمانی پیچید<sup>۳۴</sup> دستور بود  
 فرستاده را داد<sup>۳۷</sup> بسیار چیز  
 ۷۵۰ بدست همین زن<sup>۳۹</sup> که کندیش موی

که نمودمت آشکار<sup>۲</sup> و نهان  
 همه رازها<sup>۳</sup> پیش<sup>۴</sup> مادر بگوی  
 بنزدت ز بهر<sup>۷</sup> چه آید<sup>۷</sup> همی  
 که زیبای سربند و انگشتریست  
 به ما ماند بسیار سود و زیان  
 چو من زاده‌ام دخت، هرگز که زاد<sup>۱۰</sup>  
 فرو ماند از شرم<sup>۱۳</sup> مادر بجای  
 به خون دو<sup>۱۵</sup> نرگس<sup>۱۶</sup> بیاراست<sup>۱۷</sup> چهر  
 همی مهر جان مرا بشکرد  
 نرفتی ز من نیک یا بد سَخُن<sup>۱۹</sup>  
 چُنین<sup>۲۲</sup> مهر اویم<sup>۲۳</sup> بر<sup>۲۴</sup> آتش نشاند<sup>۲۵</sup>  
 که گریان شدم ز<sup>۲۷</sup> آشکار و نهان  
 جهانم نه ارزد<sup>۳۰</sup> به یک موی او  
 به پیمان گرفتیم دستش<sup>۳۱</sup> بدست  
 فرستاد پاسخ به زال سترگ<sup>۳۳</sup>  
 سَخُن های بایسته<sup>۳۵</sup> گفت و شنود<sup>۳۶</sup>  
 شنیدم همه پاسخ نامه<sup>۳۸</sup> نیز  
 زدی بر زَمین و<sup>۴۰</sup> کشیدی بروی

۱- ل: ۲: نکو داشت اندر جهان ۲- س: ز آشکار؛ ق: ۲: که نمودت این آشکار؛ لی، آ، ب: که آن نیست آشکار؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- لن: همه حالها ۴- ق: نزد ۵- ق: نزد ۶- ل، ق، ب: به پیشت ز بهر؛ س: بنزدیک تو بر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۷- س، لن، لی: باید؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸- لن: و آن؛ ل: ۲: وین ۹- س: بید نام خود؛ و: بدین نام بر؛ ل: ۲: بدین نام خود؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل، ق، و: (و نیز لن)؛ هرگز مباد؛ آ (و نیز س)؛ هرگز مزاد؛ (ل: ۲: کس را مباد)؛ متن = ف، س، ق، لی، ل، آ، ب ۱۱- لی: داد (!) ۱۲- ل: ۲: بر بست پای (!) ۱۳- ل، ق: خشم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- ل: ۲: مژگان ۱۵- ف: به خون از دو؛ ق: ۲: پاك شده است؛ لن این بیت را ندارند؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۶- لی: دیده ۱۷- و: پیلود ۱۸- س: مام گر خود؛ لی: مادر از خود؛ و: مرا کاش مادر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۹- ب: نیک و بد با سخن؛ ل: ۲: نرفتی و من نیک باید سخن (!) ۲۰- لن، پ: زایل ۲۱- ف- ق، لی- آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): کابل؛ ل: ۲: یکایک (→ بکابل)؛ در ق این لت پاك شده است؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- لی: همی؛ و: مرا ۲۳- و: آن یل ۲۴- لی، ب: به ۲۵- ف: فشاند؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۶- ق، و: بردل من؛ لی: بردلم این؛ ب: این دلم در؛ لن، ق، آ، ل این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، پ ۲۷- ل: < ز >؛ س: به؛ متن = ف، ق، لی، پ، و، ب ۲۸- لی، و: شدن ۲۹- لی: شاد؛ ل: ۲: دیده ۳۰- ل، س، لن، ق، ب (و نیز ل، لن، آ، س): نیرزد؛ متن = ف، س؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا درکناره افزوده اند ۳۱- لن: گرفتیم دستان؛ ق، ق: ۲: گرفتم دو دستش؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ف، و (و نیز لن) پس از این بیت افزوده اند:

بگفتیم چیزی که بایست گفت نباشد مرا جز مگر زال جفت

س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده اند (در ل این بیت پیش از بیت ۷۴۶ آمده است):

جز از دیدنی چیز دیگر نرفت میان من و او خود (س: بر؛ لی: چو؛ ل: ۲: به) آتش بتفت

این بیت ها در ل، ق (و نیز ل، آ، س) نیست ۳۲- و، ب: سترگ ۳۳- و: بزرگ؛ ب: فرستاد هم نزد شاه بزرگ ۳۴- ق، آ: < و > ۳۵- و، ب: شایسته ۳۶- پ: شنید (پساوند ندارد) ۳۷- لن: دید ۳۸- ل، س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): سام؛ متن = ف، ق، لی، و (و نیز لن) ۳۹- ق: ۲: مرد همین زد (!)؛ ب: بدست این همین زن (وزن نادرست است) ۴۰- لن: بر زمینش؛ در لن، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

مرا<sup>۱</sup> پاسخ نامه آن<sup>۲</sup> جامه بود  
 پسند آمدش زال را<sup>۵</sup> جفت اوی<sup>۴</sup>  
 چو دستان ز پرمایگان گرد نیست  
 همش نام و<sup>۸</sup> هم رای و<sup>۹</sup> روشن روان  
 که گردد هنر پیش او اندکی  
 ز کاول<sup>۱۳</sup> برآرد<sup>۱۴</sup> به خورشید خاک  
 کسی پای خوار<sup>۱۶</sup> اندرآرد به زین  
 چنان کرد پیدا<sup>۱۷</sup> که نشناختش<sup>۱۸</sup>  
 کجا<sup>۲۱</sup> نشنود پند کس<sup>۲۲</sup> در جهان  
 همی پوست بر تنش گفتی بگفت<sup>۲۸</sup>

کزو کرده بُد<sup>۳۰</sup> زال بسیار یاد  
 رخس پژمریده، دل آشفته دید  
 چرا پژمردی<sup>۳۴</sup> چو گلبرگ<sup>۳۵</sup> روی

فرستاده آرنده‌ی نامه بود  
 فروماند سیندخت از آن<sup>۳</sup> گفت اوی<sup>۴</sup>  
 چنین داد پاسخ که این خرد نیست  
 بزرگست و<sup>۷</sup> پور جهان پهلوان  
 هنرها همه هست و<sup>۱۰</sup> آهو یکی  
 شود شاه گیتی<sup>۱۱</sup> ازین<sup>۱۲</sup> خشمناک  
 نخواهد که از<sup>۱۵</sup> تخم ما بر زمین  
 رها کرد زن را و بنواختش  
 چنان دید<sup>۱۹</sup> دخترش را<sup>۲۰</sup> در نهان  
 بیامد<sup>۲۳</sup> به<sup>۲۴</sup> تیمار و<sup>۲۵</sup> تنها<sup>۲۶</sup> بخت<sup>۲۷</sup>

بیامد<sup>۲۹</sup> ز درگاه مهرباب شاد  
 گرانبمایه سیندخت را خفته دید  
 پرسید و<sup>۳۱</sup> گفتش<sup>۳۲</sup> چه بودت<sup>۳۳</sup> بگوی

۱- لن، لی، پ: همان؛ ق: آ. مران؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- ل، س، ق- ب (و نیز ل، آ، س، آ): این؛ متن= ف، لن ۳- ل: زان؛ لن، ق: آ، لی، پ، و، آ: ازین؛ متن= ف، س، ق، ل، آ، ب ۴- ف: گفت او؛ ل، لی (و نیز س، آ): گفت گوی؛ س، لن، ق: آ- ب (و نیز لن، آ): گفت و گوی؛ ق: گفتگو؛ متن= (ل، آ) ۵- ف، و (و نیز لن، آ): زره؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۶- ف، ق، آ: او (در آ پساوید نادرست است)؛ ق: آ: گفت و گوی (پساوند ندارد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۷- ل، لن، و، آ: < و >؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۸- لی: هشیوار و؛ ل: آ: همش رای و ۹- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، آ: < و >؛ ل: آ: هم نام؛ متن= ف، ق، لی، ب ۱۰- لن، ق: < و > ۱۱- پ: ایران ۱۲- ل- پ، آ، ل (و نیز س، آ): بدین؛ متن= ف، و، ب (و نیز لن، آ) ۱۳- ف- ب (و نیز ل، آ، س، آ): کابل؛ متن= تصحیح قیاسی است ۱۴- پ: برآید؛ ب: برآرد ز کابل ۱۵- ف: کس؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۱۶- س، ب: کسی خوار پای؛ لی پس از این بیت و ب پس از بیت ۷۵۹ افزوده‌اند:

بزن گفت کای زیرک هوشیار چنان کن (ب: بپاکی) همیشه لبت بسته دار  
 مبادا لب تو بگفتار چاک سخن را هم اینجا (ب: سخن هم در آنجا) فرو کن بخاک  
 لطف کرد بسیار کردش گسی برفت از برش نیز (ب: تیزو) نامد بسی  
 ۱۷- آ: پید < > ۱۸- ل: آ: بشناختش؛ ف، و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تا ببد نامشان در جهان نداند کسی را زمان در نهان  
 و، لن، آ: کسی نشنود راز ماند نهان (لن، آ: آشکار و نهان)

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل، آ، س، آ) نیست ۱۹- ف: چنین گفت؛ و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۰- ل (و نیز ل، آ): رودابه را؛ ب: آن دخترش؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۲۱- ق: که او ۲۲- ف: بشنود این کسی؛ س، لن، ق: آ: پند کس نشنود؛ متن= ل، ق، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ب پس از این بیت بیت های ۱۶ را افزوده است ۲۳- و: شب آمد ۲۴- ل- ب (و نیز ل، آ، س، آ): ز؛ متن= ف ۲۵- س- و (و نیز ل، آ، س، آ): < و >؛ متن= ف، ل، آ، ب (و نیز س، آ) ۲۶- ل- ب (و نیز ل، آ، س، آ): گریان؛ متن= ف ۲۷- ف: بخوفت ۲۸- ب: گویی بگفت؛ و (و نیز لن، آ): از آن نیک و بد چیز با کس نگفت ۲۹- ل: چو آمد؛ (ل، آ): در آمد؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ) ۳۰- ل، ق: همی کرد از؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز لن، آ): ازو کرده بد؛ متن= ف، س، لی، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ب پس از این بیت سرنویس دارد: آگاه شدن مهرباب از کار دخترش ۳۱- ق: < و > ۳۲- ل، ق: گفتا؛ لی: چو آمد بگفتا؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۳- پ: دیدی ۳۴- ل، و (و نیز ل، آ، س، آ): پژمرد آن؛ س- پ، آ، ل، ب: پژمردت؛ متن= ف ۳۵- لن: چو گلنار؛ آ: ز گلبرگ؛ س پس از این بیت افزوده است:

بترسید کز راز دختر بشوی بگوید مر او را بد آید بروی

که اندیشه اندر<sup>۲</sup> دلم شد دراز  
 وزین تازی اسپان آراسته  
 وزین<sup>۷</sup> باغ<sup>۸</sup> و این<sup>۹</sup> خسروانی<sup>۱۰</sup> نشست  
 وزین نام<sup>۱۳</sup> و این دانش و رای ما<sup>۱۲</sup>  
 زمان تا زمان آیدش<sup>۱۴</sup> کاستی  
 همه رنج ما باد باید شمرد  
 درختی که تریاک<sup>۱۸</sup> او<sup>۱۹</sup> زهر ماست<sup>۱۷</sup>  
 بیایختیم از برش<sup>۲۰</sup> تاج و گنج  
 به خاک اندرآمد<sup>۲۲</sup> سر مایه دار<sup>۲۱</sup>  
 ندانم<sup>۲۶</sup> کجا باشد<sup>۲۷</sup> آرام ما  
 نو آوردی و نو نگردد کهن  
 خرد یافته زو هراسان بود<sup>۲۹</sup>  
 گذر نی<sup>۳۰</sup> که چرخش همی بسپرد<sup>۳۱</sup>  
 بدین<sup>۳۳</sup> نیست پیگار<sup>۳۴</sup> با<sup>۳۵</sup> دادگر  
 به روی دگر برنهد راستان<sup>۳۷</sup>

چنین داد پاسخ به مهراب باز  
 ۷۶۵ ازین<sup>۳</sup> کاخ<sup>۴</sup> آباد و این خواسته  
 وزین<sup>۵</sup> ریدکان<sup>۶</sup> سپهدپرست  
 وزین چهره و<sup>۱۱</sup> سرو بالای ما<sup>۱۲</sup>  
 بدین آبداری و این راستی  
 به ناکام باید به دشمن سپرد  
 ۷۷۰ یکی تنگ صندوق<sup>۱۵</sup> ازین بهر<sup>۱۶</sup> ماست<sup>۱۷</sup>  
 بکشتم و دادیم آبش به رنج  
 چو برشد به خورشید و شد سایه دار<sup>۲۱</sup>  
 برینست<sup>۲۴</sup> انجام و فرجام<sup>۲۵</sup> ما  
 به سیندخت مهراب گفت این سخن  
 ۷۷۵ سرای سپنجی برینسان<sup>۲۸</sup> بود  
 یکی اندرآید دگر بگذرد  
 به تنگی دل و غم<sup>۳۲</sup> ، نگردد دگر  
 بدو گفت سیندخت کین<sup>۳۶</sup> داستان

۱- س، و: چنین پاسخ داد سیندخت باز؛ لن، ق، آ، ل، ب: چنین داد پاسخ سیندخت باز؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ ۲- س، و: که اندیشه‌ای در ۳- و: کزین ۴- لن، ق، آ، لی، آ، ل: گنج؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند: ازین (ق، آ، لی: وزین) کاخ (پ: گنج) آباد و این بوستان (ق: خواسته) وزین (لن، ل: ازین) کامکاری دل (آ: بر) دوستان (ق: دل آراسته) این بیت در ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز در لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۵- ل، ق، پ، ب: ازین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۶- ل، ل، آ، ب: بندگان؛ لی، آ: دیدگان؛ پ: زندگانی؛ و: زندگان؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل: ازین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- ب: تاج ۹- و: وزین ۱۰- س: جایگاه؛ س، ل: در اینجا سرنویس دارند، س: آگاهی یافتن مهراب از حال رودابه با زال سام نریمان؛ ل: اندر گفتن سیندخت حال رودابه ۱۱- ف: چهره؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۲- ب: تو ۱۳- ب: کام ۱۴- ل (و نیز س): آورد؛ ق، آ، ب: آیدت؛ لی: آیدم؛ ل: آمدش؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۱۵- ل، ق، و (و نیز لن): تابوت؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۱۶- ق، آ، لی، ل: از بهر ۱۷- ل: ما ۱۸- آ: تریاق ۱۹- ق، لی، ب: آن ۲۰- ف: ز ما یافت اندر جهان؛ لن، ق، آ، لی، پ (و نیز ل): برآویختیم از برش؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۲۱- پ: مایه دار ۲۲- آ، ل: آید؛ ۲۳- لن، پ: سر سایه دار؛ ل: همی مایه دار؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۴- لن، پ، و: بدین است؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۵- ل، لن، پ، و: فرجام و انجام؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ل: بدان تا؛ در و آغاز این لت پاک شده است؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۷- ل: که باشند ۲۸- ل، س، ق، لی، ل، آ، ب (و نیز ل): بدینسان؛ و (و نیز لن): ازینسان؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، آ (و نیز س) ۲۹- ف: گذر نی که چرخش همی بسپرد (= ۷۷۶ ب)؛ لی: یکی خوار و دیگر تن آسان بود؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۰- لن، پ: گذر بین؛ ق: گذر نه؛ آ: گزندی؛ ب: یکی نه؛ متن = ل، س، ق، آ، لی، و، ل ۳۱- لن، ق، آ، لی، و، آ: بشکرد؛ پ: که چرخ فلک بسپرد؛ ب: که چرخش همی نشکرد؛ متن = ل، س، ق، آ، ل؛ ف: خرد یافته زو هراسان بود (= ۷۷۵ ب)؛ در ف این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۲- ل: بشادی و انده؛ لن، پ: بتنگی دلم غم؛ ق: بتنگی دلت غم؛ لی، و (و نیز ل، لن، آ، س): بتنگی دل غم؛ آ: بتنگ دلم غم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ف، س، ل، آ، ب ۳۳- ل، ق، آ، لی، پ، آ: برین؛ متن = ف، س، لن، و، ل، آ، ب ۳۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بیداد؛ متن = ف، ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۵- ق: بر؛ در ف این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۶- ل: این؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۳۷- ل، ق: باستان؛ لن، ق: چنین دان و این کارهای چنان؛ لی: چنین دان و این رازها در نهان؛ و (و نیز لن): بروی دگر برنه از باستان؛ آ: چنین داد وین کارها در جهان؛ متن = ف، س، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، س، آ)؛ پ، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چگونه توان کرد از تو نهان چنین راز و این کارها در جهان

خردیافته موبد<sup>۱</sup> نیک بخت  
 ۷۸۰ زدم داستان تا<sup>۲</sup> ز راه خرد  
 فرو برد<sup>۵</sup> و<sup>۶</sup> سرو سهی<sup>۷</sup> داد خم  
 که<sup>۹</sup> گردون بسر بر چنان<sup>۱۰</sup> نگذرد  
 چنان دان که رودابه<sup>۱۲</sup> را<sup>۱۳</sup> پور سام  
 بردهست روشن دل او<sup>۱۵</sup> ز راه  
 بسی<sup>۱۹</sup> دادمش پند و<sup>۲۰</sup> سودش<sup>۲۱</sup> نکرد  
 ۷۸۵ چو بشنید مهرباب بر پای جست  
 تنش گشت لرزان و رخ لاژورد<sup>۲۵</sup>  
 همی گفت رودابه را<sup>۲۶</sup> رود خون  
 چن آن<sup>۲۸</sup> دید سیندخت بر پای جست  
 ۷۹۰ چنین<sup>۳۰</sup> گفت کز کهتر اکنون<sup>۳۱</sup> یکی  
 و<sup>۳۳</sup> زان پس همان کن که رای آیدت  
 پیچید و انداخت<sup>۳۵</sup> او را بدست<sup>۳۶</sup>  
 مرا<sup>۳۷</sup> - گفت - چون دختر آمد پدید  
 نکشتم نرفتم<sup>۳۹</sup> به<sup>۴۰</sup> راه نیا  
 ۷۹۵ پسر کو ز راه پدر<sup>۴۱</sup> بگذرد  
 یکی داستان زد برین بر<sup>۴۳</sup> پلنگ

به فرزند زد داستان درخت  
 سپهد به گفتار من<sup>۳</sup> بنگرد<sup>۴</sup>  
 به نرگس<sup>۸</sup> گل سرخ را داد نم  
 که ما را همی باید ای پر خرد  
 نهانی نهادهست هرگونه دام<sup>۱۴</sup>  
 یکی<sup>۱۶</sup> چاره‌مان<sup>۱۷</sup> کرد باید نگاه<sup>۱۸</sup>  
 دلش خیره<sup>۲۲</sup> بینم همی، روی زرد<sup>۲۳</sup>  
 نهاد از بر دست شمشیر دست<sup>۲۴</sup>  
 پر از خون جگر، لب پر از باد سرد  
 بروی زمین برکنم هم کنون<sup>۲۷</sup>  
 کمر کرد بر گردگاهش<sup>۲۹</sup> دو دست  
 سخن بشنو و گوش<sup>۳۲</sup> دار اندکی  
 روان را خرد<sup>۳۴</sup> رهنمای آیدت  
 خروشی برآورد چون پیل مست  
 بیاستش اندر زمان<sup>۳۸</sup> سر برید  
 کنون ساخت بر من چنین کیمیا  
 دلیرش ز پشت پدر نشمرد<sup>۴۲</sup>  
 بدانگه که در جنگ شد تیز جنگ

۱- و، ب (و نیز لن، س، آ)؛ مردم ۲- و؛ داستانی ۳- لی؛ بگفتارها ۴- ف، ل، آ، ب (و نیز لن، س، آ)؛ ننگرد؛ ل، لن، و؛ ننگرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، آ؛ بشکرد (!) متن = س، ق، لی، پ، آ (و نیز ل، آ)؛ ق، آ پس از این بیت سرنویس دارد: خبر یافتن مهرباب از کار رودابه و زال ۵- ف، ق، آ، پ، و؛ فرو بود؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۶- ل، لی، آ؛ < و >؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- لی؛ سرو را (وزن نادرست است) ۸- ل؛ سرشک؛ ق؛ سرشکش؛ س؛ ز نرگس؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- آ؛ که گر (وزن نادرست است) ۱۰- لن، پ؛ نه بر ما چنان؛ ب؛ بسر همچنان ۱۱- س، لن، ق، آ، پ، ب؛ بگذرد؛ لی، آ، ل؛ نگذرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۲- ق، آ؛ مهرباب (!) ۱۳- ل، آ؛ یا ۱۴- آ؛ نام (!) ۱۵- ل، س؛ دلش را؛ ق؛ دل او را؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- و؛ کنون ۱۷- لی، ب؛ چاره‌ای ۱۸- پ؛ براه (پساوند ندارد) ۱۹- پ؛ همی ۲۰- س، ق، ق، آ، لی، آ؛ < و >؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۱- س- ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ سودی؛ متن = ف، ل ۲۲- ق؛ تیره ۲۳- لن، پ؛ دورخساره زرد؛ ل؛ هم روی زرد (وزن نادرست است)؛ لن، لی، ب پس از این بیت سرنویس دارند، لن؛ خشم نمودن مهرباب بر رودابه؛ لی؛ خبر یافتن مهرباب از کار زال و رودابه؛ ب؛ آگاهی مهرباب از کار رودابه ۲۴- آ؛ راست (!)؛ لن، پ؛ قبضه تیغ دست؛ ل، آ؛ دسته شمشیر دست؛ ق، آ؛ کمر کرد بر گردگاهش دو دست (= ۷۸۹ ب)؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ف، س، ق، آ، لی، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ)؛ لاجورد؛ متن = ل، ق، پ، و؛ لن این بیت را ندارد ۲۶- و؛ ز رودابه گفتا یکی؛ ل، آ؛ همی رفت رودابه را ۲۷- س؛ رهنمون؛ آ؛ من کنون؛ و؛ بر برانم کنون؛ لن، پ؛ بریزم بروی زمین هم کنون؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ف، ل، لی، و، آ (و نیز لن، آ)؛ چوان؛ س، ق؛ چنان (= چن آن)؛ لن، پ، ب (و نیز ل، آ)؛ چو این؛ ق، آ این بیت را ندارد؛ متن = ل، آ، س، لن، لی، پ، و، ل، آ، ب؛ کرده گاهش؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۳۰- و؛ ورا ۳۱- س؛ کاکنون ز کهتر ۳۲- ق؛ هوش ۳۳- ل (و نیز ل، آ)؛ ازان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ) ۳۴- ل، ق، آ، و، آ، ل، آ، ب (و نیز لن، آ)؛ روان و خرد؛ س؛ خرد را روان؛ لن، لی، پ؛ بران (لی؛ بدان) رو که دل؛ (س، آ)؛ روان را برین)؛ متن = ف (و نیز ل، آ) ۳۵- ل، ق؛ بنداخت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- لن، لی، پ؛ ز دست؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۷- لن، لی، پ؛ همی؛ و، ل، آ، ب؛ ورا؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، آ ۳۸- لن، ق، آ، پ، آ، ل؛ بیایستمش (ق)؛ بیایستیش) در زمان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۹- ل، آ؛ بگشتم؛ س، ق، آ؛ برفتم؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۴۰- ل، س، آ؛ ز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۴۱- ق، آ؛ خرد؛ لی؛ پسرگر زرای پدر ۴۲- لی؛ دلیرش زرای پدر نشمر (!) ۴۳- ق، لی؛ بدین بر؛ ل، آ؛ بمن بر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر

۸۰۰ مرا کارزارست گفت آرزوی<sup>۲</sup>  
 نشان پدر باید اندر پسر  
 همم<sup>۶</sup> بیم جانست وهم<sup>۷</sup> جای ننگ<sup>۸</sup>  
 اگر سام یل با<sup>۱۱</sup> منوچهر شاه  
 ز کاول<sup>۱۴</sup> برآید به خورشید دود  
 چنین گفت سیندخت با مرزبان<sup>۱۶</sup>  
 کزین آگهی یافت سام سوار  
 وی از گرگساران بدین<sup>۲۱</sup> گشت باز  
 چنین<sup>۲۳</sup> گفت مهرباب کای<sup>۲۴</sup> ماه روی  
 چنین خود<sup>۲۶</sup> کی<sup>۲۷</sup> اندر خورد با خرد  
 مرا دل بدین نیستی<sup>۲۹</sup> دردمند<sup>۳۰</sup>  
 که باشد که پیوند سام سوار  
 بدو گفت سیندخت کای سرفراز  
 گزند تو پیدا<sup>۳۶</sup> گزند من ست  
 چنین ست و این نزد من<sup>۳۷</sup> شد درست  
 اگر باشد این نیست کاری<sup>۳۹</sup> شگفت

پدرم از نیا خود همین<sup>۳</sup> داشت خوی<sup>۴</sup>  
 روا باشد ار کمتر آرد<sup>۵</sup> هنر  
 چرا بازداری<sup>۹</sup> سرم<sup>۱۰</sup> را ز جنگ  
 بیابند<sup>۱۲</sup> بر ما یکی<sup>۱۳</sup> دستگاه  
 نه آباد ماند نه<sup>۱۵</sup> کشت و درود  
 کزین<sup>۱۷</sup> در مگردان به خیره زبان<sup>۱۸</sup>  
 به دل<sup>۱۹</sup> ترس و تیمار چندین<sup>۲۰</sup> مدار  
 گشاده شده ست این سخن<sup>۲۱</sup>، نیست راز<sup>۲۲</sup>  
 سخن هیچ با من<sup>۲۵</sup> به کژی مگوی  
 که مر<sup>۲۸</sup> خاک را باد فرمان برد  
 اگر ایمنی یابمی از<sup>۳۱</sup> گزند  
 نخواهد، ز<sup>۳۲</sup> اهواز تا<sup>۳۳</sup> قندهار<sup>۳۴</sup>  
 به گفتار کژی مبادم<sup>۳۵</sup> نیاز  
 دل دردمند تو بند من ست  
 همین بد گمانی مرا از نخست<sup>۳۸</sup>  
 کزان بر دل اندیشه<sup>۴۰</sup> باید گرفت

۱- س: ترا؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- س: آرزو ۳- لن: نیام همین؛ ق ۲- ب: نیا همچنین ۴- س: برزم از نیا همچنین کرد خوی؛ (ل: پدر از نیا خود همین داشت خوی)؛ متن = ف ۵- ل، ق: آید؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۶- و: مرا ۷- لی: جان و همم ۸- آ: تنگ (!) ۹- ب: بازپچی ۱۰- ق: دلم ۱۱- ل: یا؛ لی: یل را با (وزن نادرست است) ۱۲- ل: بیابد ۱۳- ل: برین؛ ق: بدین؛ ب: چنین؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۱۴- ف- ب (و نیز ل، لن): ز کابل؛ (س: یکایک)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- لن، لی، پ: نماند برین بوم؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۶- لن، لی، پ: کای پهلوان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۷- لن، لی، پ: ازین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ق، لی: کزین دو (لی: ازین در) بخیره مگردان زبان ۱۹- آ: بدین ۲۰- ل، ق: تیمار و سختی؛ س، ق، ب: تیمار و تنگی؛ آ: تیمار و تنگی؛ ل (و نیز ل، س، آ): تیمار و تنگی؛ متن = ف، لن، لی، پ، و (و نیز لن، آ)؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفته بد سام با زال زر کزین کار تیمار و انده مخور  
 ۲۱- لن، پ: بدان؛ آ: برین؛ ل: چنین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- لی: جز براز ۲۳- ق: بدو ۲۴- ب: با ۲۵- ق: سخن هر چه یابی ۲۶- س: چنان کو؛ لن این بیت را ندارد ۲۷- ق: که ۲۸- ب: که می ۲۹- ب: برین نیستی؛ لن، ق: (و نیز لن، آ): مرا نیستی دل بدین؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل، س، آ) ۳۰- ق: مستمند ۳۱- لن، ق، لی، پ، آ، ل: یافتی از؛ و: یابم از هر؛ ب: اگر هستمی ایمنی از؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل، س، آ)؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ز زال گرانمایه داماد به  
 ق، آ، ل، آ، ب: نباشد همی دائم (ل: داند) از که و مه  
 این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، س، آ) نیست ۳۲- س، ق: از ۳۳- لی: قنوج تا؛ و: تاتار تا؛ آ: ابراز یا (!) ۳۴- ق: بدل ترس و تیمار و تنگی مدار (= ۸۰۳ ب)؛ ل: نخواهد هرا را مانند بهار (!)؛ متن = ف، ل، لن، پ، ب ۳۵- س: کژم مباد؛ ل: کژی مبادت ۳۶- ق: ایدر ۳۷- س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، س، آ): این بردلم؛ و (و نیز لن، آ): این مرمر؛ ل: این را دلم؛ متن = ف، ل، ق ۳۸- لی: همین بد گمان مرادر نخست؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

کزان (لن، پ: کزین) گونه دیدی مرا دردناک  
 ۳۹- ق (و نیز لن، آ): کار؛ لن، ق، لی، پ، آ: اگر نیستی باز (ق: یاد؛ لی: یاد) کاری؛ ل: اگر باشدی نیست کاری؛ ب: اگر باشد اینست کاری؛ متن = ف، ل، س، و (و نیز ل، س، آ) ۴۰- ل، س، لن، ق، ق، ب (و نیز س، آ): که چندین بد اندیشه؛ لی: کزان برتر اندیشه؛ پ، ل (و نیز ل، آ): که چندین باندیشه؛ و (و نیز لن، آ): که چندین باندیشه؛ آ: که چندین باندیش؛ متن = ف



جهانجوی دستان<sup>۳</sup> همین جست<sup>۴</sup> راه  
نشد تیره روی زمین تابناک<sup>۵</sup>  
شود<sup>۶</sup> تیره<sup>۷</sup> رای<sup>۸</sup> بداندیش تو

دلی<sup>۱۲</sup> پر ز کینه، سری<sup>۱۳</sup> پر ز جوش<sup>۱۴</sup>  
که رودابه را خیز پیش<sup>۱۶</sup> من آر  
که او را ز درد<sup>۱۹</sup> اندرآرد به گرد  
که او را سپاری به من تندرست<sup>۲۰</sup>  
نگردد تهی روی<sup>۲۲</sup> کاولستان<sup>۲۳</sup>  
به چاره دلش را ز<sup>۲۵</sup> کینه بشست  
که رودابه را بد نیارد بروی<sup>۲۶</sup>  
سر<sup>۲۸</sup> از ما کند زین سخن<sup>۲۹</sup> پر ز کین  
شود پست<sup>۳۱</sup> رودابه با رود آب<sup>۳۲</sup>  
فرو برد و بر خاک<sup>۳۵</sup> بنهاد<sup>۳۶</sup> روی<sup>۳۷</sup>  
گشاده رخ<sup>۳۸</sup> روزگون زیر<sup>۳۹</sup> شب

فریدون به<sup>۱</sup> سرو یمن<sup>۲</sup> گشت شاه  
که بی آتش از آب و از باد و خاک<sup>۳</sup>  
هر آنگه که بیگانه شد<sup>۷</sup> خویش تو

سپرده به سیندخت مهرباب گوش<sup>۱۱</sup>  
به سیندخت فرمود پس نامدار<sup>۱۵</sup>  
بترسید سیندخت از آن<sup>۱۷</sup> تیزمرد<sup>۱۸</sup>  
بدو گفت: پیمان<sup>۲۰</sup>ت خواهم نخست  
۸۲۰ وزان<sup>۲۱</sup> چون بهشت برین گلستان  
یکی سخت پیمان ستد زو<sup>۲۴</sup> نخست<sup>۲۴</sup>  
زبان داد سیندخت را نامجوی  
بدو گفت: بنگر<sup>۲۷</sup> که شاه زمین  
نماند<sup>۳۰</sup> بر و بوم و نه مام و باب  
۸۲۵ چو بشنید سیندخت سر<sup>۳۳</sup> پیش او<sup>۳۴</sup>  
بر دختر آمد پر از خنده لب

۱- آ: و ۲- ق: چمن (!) ۳- ق: چنان تاجور خود ۴- ل، ق، و (و نیز لن): همین دید؛ س، ل: همی جست؛ لن، ق، پ، آ: همینست؛ متن = ف، لی، ب (و نیز ل، س) ۵- س، ق، آ، ل، ب (و نیز ل): که (س: نه) از آتش و آب و از باد و خاک؛ لن، لی، پ: که از آتش و باد و از آب و خاک؛ و: که بی آتش و باد و بی آب و خاک؛ (لن): که بی آتش و آب و بی باد و خاک؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ متن = ف (و نیز س): زیاد) ۶- لن: زیر خاک؛ ق، لی، پ، آ، ل، ب: بشد تیره روی رخشناک (ق): خشمناک؛ پ: بر مغاک؛ ل: وحشناک؛ متن = ف، س، و (و نیز لن، س): و پس از این بیت افزوده است:

بیاورد آن پاسخ نامه پیش ورا گفت خوش کن بدین رای خویش

۷- آ: هم آنگه نه بیگانه بد؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۸- پ: بود؛ آ: بشد ۹- س: خیره ۱۰- لن، ق، لی، پ: روی؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ در ف، س (و نیز ل، س) این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- لن، لی، پ: بسیندخت مهرباب بسپرد (لی): بگشاد) گوش؛ ق، آ، ل، ب: بسیندخت بسپرد مهرباب گوش؛ ل این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ق، و، ب ۱۲- س، ب: سری ۱۳- س، ب: دلی ۱۴- و: پر خروش؛ در ف، س (و نیز ل، س) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پایی بیت های ۸۱۵ و ۸۱۶، لن، ق، آ، ب (و نیز لن) ۱۵- و: چنین گفت سیندخت را نامدار ۱۶- لن، پ: خیز نزد؛ ق، ل، آ: خیز و پیش؛ و: تیز پیش؛ ب: رو بنزد؛ س: که رومه رخ را بنزد؛ متن = ف، ل، ق، لی، آ؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: اندر پیمان ستن سیندخت و آوردن رودابه ۱۷- ق: < آن >؛ لی: زان ۱۸- ق: شیرمرد؛ ل: پیرمرد ۱۹- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: ز باد؛ لی: که رودابه را؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در س این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- پ: به من بر درست؛ ل: به چاره دلش را ز کینه بشست (= ۸۲۱)؛ آ: وزان پس سپاری بمن تندرست؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ب: وزین ۲۲- ق: باغ؛ و: کاخ؛ ل، لی این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- ف، س، لن، ق، ق، آ، ب (و نیز ل، لن): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴- ل این لت را انداخته است؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۲۵- آ: به؛ ل (و نیز س) ۸۱۹، ب، ۸۲۰، آ را انداخته اند و از ۸۱۹ و ۸۲۱ يك بیت ساخته اند ۲۶- ل: بدوی؛ لی این بیت را ندارد ۲۷- آ: منگر؛ و: بدل گفت ترسم ۲۸- ل: دل؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۹- لی: سپس ۳۰- ل: نه ماند ۳۱- س: خون ۳۲- ف (و نیز س) رودابه و (س): بن خان خراب؛ س، و (و نیز ل، س): رودابه و رود آب؛ ق: رودابه رود آب؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب این بیت را ندارند؛ متن = ل، ق ۳۳- ق: در؛ و: بر ۳۴- ق، آ: او (در آ پساوند درست نیست) ۳۵- ق: خاک و ۳۶- ف: مالید؛ لن، لی، ل (و نیز س) این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن) ۳۷- ق: رو؛ ف پس از این بیت افزوده اند:

چنین گفت کای نامور دادخواه گمانی مبر جز بایین و راه

۳۸- ف، ق، و، آ (و نیز لن، س): رخ و؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل) ۳۹- س: کرد (یا: گرد)؛ ق: پیش؛ و (و نیز لن): روز کم زیر

ز گور ژیان کرد<sup>۱</sup> کوتاه چنگ  
 به<sup>۴</sup> پیش پدر رو<sup>۵</sup> بزاری بنو<sup>۶</sup>  
 بجای سر مایه بی مایه کیست<sup>۷</sup>  
 چرا<sup>۸</sup> آشکارا بباید<sup>۹</sup> نهفت  
 به<sup>۱۱</sup> یاقوت وزر اندرون<sup>۱۲</sup> گشته غرق  
 چو خورشید تابان به خرم<sup>۱۴</sup> بهار  
 جهان آفرین را نهانی<sup>۱۶</sup> بخواند  
 ز پرگوه‌ران این کی<sup>۱۸</sup> اندر خورد  
 که مه تاج بادت<sup>۲۰</sup> مه انگشتری  
 شود مغ بیایدش<sup>۲۶</sup> کشتن<sup>۲۷</sup> به تیر  
 فرو خوابنید و نزد هیچ دم  
 همی<sup>۳۴</sup> رفت<sup>۳۵</sup> غران بسان پلنگ  
 رخان مَعْصَفَر به زر<sup>۳۷</sup> آژده<sup>۳۸</sup>  
 هم این دلشده<sup>۳۹</sup> ماه<sup>۴۰</sup> و هم پیشگاه<sup>۴۱</sup>

همی مژده دادش که جنگی پلنگ  
 کنون<sup>۲</sup> زود پیرایه بگشای و رو<sup>۳</sup>  
 بدو گفت رودابه: پیرایه چیست  
 ۸۳۰ روان مرا پور سام ست جفت  
 به پیش پدر شد چو خورشید شرق<sup>۱</sup>  
 بهشتی بُد آراسته پر<sup>۱۳</sup> نگار  
 پدر چون وُرا دید خیره بماند<sup>۱۵</sup>  
 بدو گفت کای<sup>۱۷</sup> شسته مغز از خرد  
 ۸۳۵ که با اهرمن جفت گیرد<sup>۱۹</sup> پری  
 گر<sup>۲۱</sup> از دشت<sup>۲۲</sup> قحطان<sup>۲۳</sup> سگ<sup>۲۴</sup> مارگیر<sup>۲۵</sup>  
 سیه میزه<sup>۲۸</sup> بر<sup>۲۹</sup> نرگسان<sup>۳۰</sup> دژم  
 پدر دل<sup>۳۱</sup> پر از خشم<sup>۳۲</sup> و سر<sup>۳۳</sup> پر ز جنگ  
 سوی خانه شد دختر دل شده<sup>۳۶</sup>  
 ۸۴۰ به یزدان گرفتند هر دو پناه

۱- و: کرده ۲- لی: برو ۳- ق: بگشا و رو؛ و: بگشاز روی ۴- لن: پ: ز ۵- ل، س، لن، ق، ل ۲ (و نیز ل، ل، س، آ): شو؛ ق: در؛ متن = ف، ب ۶- ق: برو؛ و: بنوی؛ آ: و نو ۷- ل، س، ق، لی، و، آ، ل ۲ (و نیز ل، ل، س، آ): چیست؛ متن = ف، لن، ق، پ، ب ۸- لن، ق، آ، پ، آ، ل ۲: مرا؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، ل، س، آ): ب: نباید؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، ل، س، آ): ۱۰- ق: چو یاقوت و برق (!) ۱۱- س: چه ۱۲- س: اندرو ۱۳- س: چون ۱۴- ف، و (و نیز لن، آ): بوقت؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، س، آ): در ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- س، ب: پدر چون بدیدش از او خیره ماند (ب: بخیره بماند) ۱۶- لن، لی، پ: فراوان؛ ب: بران برتری نام یزدان؛ در ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۷- س، ق، پ، آ: ای؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ف: < ز > پر گوه‌ران این کی (وزن نادرست است)؛ س: بدین گوهر ما کی؛ لن، ق، آ، پ، و، آ، ل ۲ (و نیز لن، آ، س، آ): به (ق: ز) بد گوه‌ران این کی (لن: که؛ پ: آنکه)؛ لی: بر گوه‌ران این کی؛ ب: بین کین بگوهر کی؛ (ل: بدین گوه‌ران این کی)؛ متن = ل ۱۹- س: باشد؛ لن، لی، و، ب: گردد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- ل، لن، لی، پ، و: بادا؛ ق: بادو؛ متن = ف، س، ق، آ، ل ۲، ب ۲۱- آ، ل ۲: که ۲۲- ف، لن، لی، پ (و نیز س، آ): دست؛ ل، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = س، ق، آ، و، آ، ل ۲، ب (و نیز ل، ل، س، آ): ۲۳- آ: فحطان ۲۴- ق، آ، و، ل ۲، ب: سگی؛ لی، پ (و نیز ل، آ): یکی؛ متن = ف، س، لن، آ (و نیز لن، آ، س، آ): ۲۵- ق: یادگیر ۲۶- ق: بباید (وزن نادرست است)؛ آ: نبایدش ۲۷- ل ۲: زد (وزن نادرست است)؛ ف (و نیز ل، آ): پس از این بیت افزوده‌اند:

به پیش اندرافکنند رودابه سر  
 رخ از شرم پر خون و دل پر فکر  
 ل: رخ از شرم گلنار و پر خون جگر

ل، ق بجای بیت بالا بیت زیر را افزوده‌اند:

چو بشنید رودابه (ق: چو رودابه بشنید) آن گفت گوی  
 لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲ بجای بیت های بالا بیت زیر را افزوده‌اند:

چو بشنید رودابه پاسخ بتوخت (آ: سبُوخت؛ ل ۲: نیوخت)  
 ب (و نیز ل ۲) بجای بیت های بالا (ل ۳ پیش از بیت نخستین) بیت زیر را افزوده‌اند:

چو رودابه این از پدر بشنوید  
 دلش گشت پر خون و رخ شنبلید

هیچیک از این بیت ها در س، و (و نیز در لن، آ، س، آ) نیست ۲۸- ل، س، ق، آ، لی، و، آ، ل ۲، ب: مژّه؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف ۲۹- ل: و ۳۰- ق: دیدگان؛ ب: نرگسان شد ۳۱- ب: سر ۳۲- س: خون ۳۳- ب: دل ۳۴- س، و: برون ۳۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲: گشت؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۳۶- آ، ل ۲: دل زده؛ ب: سوی خانه خویش شد دل شده ۳۷- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: به خون؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۲ (و نیز ل، ل، س، آ): ۳۸- (لن: آژده) ۳۹- لن، لی، و، آ، ب: همان؛ ق، آ، پ: هم آن؛ متن = ف، ل، س، ق، ل ۲، ب ۴۰- لن: نام؛ لی: دخت؛ پ: مام ۴۱- لی: بادستگاه

## گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب<sup>۱</sup>

پس<sup>۲</sup> آگاهی آمد به شاه بزرگ  
 ز پیوند مهرباب و ز مهره زال  
 سخن رفت هر گونه با موبدان  
 چنین گفت با بخردان<sup>۳</sup> شهریار  
 ۸۴۵ چو ایران<sup>۴</sup> ز چنگال شیر و پلنگ  
 نباید<sup>۵</sup> که بر خیره بر<sup>۶</sup> عشق<sup>۷</sup> زال  
 چن<sup>۸</sup> از دخت مهرباب و ز پور سام  
 یکسو نه<sup>۹</sup> از گوهر ما بود  
 اگر<sup>۱۰</sup> تاب گیرد سوی مادرش  
 ۸۵۰ کند<sup>۱۱</sup> شهر ایران پر آشوب و رنج<sup>۱۲</sup>  
 همه موبدان آفرین خواندند  
 بگفتند کز ما تو داناتری  
 همان کن کجا<sup>۱۳</sup> با<sup>۱۴</sup> خرد<sup>۱۵</sup> درخورد

ز مهرباب و داستان و سام سترگ  
 وزان ناهمالان گشته همال  
 به پیش سرافراز شاه ردان  
 که بر ما شود زین دژم روزگار  
 برون آوریدم به رای و به جنگ  
 همال<sup>۱۶</sup> سرافکنده گردد همال  
 برآید یکی تیغ تیز<sup>۱۷</sup> از نیام  
 چو<sup>۱۸</sup> تریاک<sup>۱۹</sup> با زهر همتا بود؟  
 ز گفت بد آگنده<sup>۲۰</sup> گردد سرش  
 بدو باز گردد مگر تاج و گنج<sup>۲۱</sup>  
 ورا خسرو<sup>۲۲</sup> پاک دین خواندند  
 به بایست هابر تواناتری  
 دل ازدها را خرد بشکرد

۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن شاه منوچهر از پیوند گرفتن زال با دختر مهرباب و خواندن سام را؛ س، لن، لی، ب: آگاهی (لی: خبر) یافتن (ب: < یافتن > ( منوچهر از کار زال (س، لی: . . . و رودابه)؛ ق: آگاه شدن منوچهر از حال زال و دختر مهرباب؛ ق<sup>۲</sup>: آگاهی یافتن منوچهر از عشق زال با رودابه؛ پ: آگاه شدن منوچهر از حال زال و رودابه؛ و: آگاه شدن منوچهر شاه از داستان داستان و رودابه؛ آ: خبر یافتن منوچهر از حال رودابه و زال؛ ل<sup>۲</sup>: آگاهی یافتن منوچهر از عشق رودابه؛ ل سرتویس ندارد؛ متن= آغاز ف ۲- ب: چو ۳- ل، ق: < و >؛ لن، لی، پ: ز داستان و مهرباب و؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۴- س، لن، لی، آ، ل<sup>۲</sup>: از؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، و ۵- لی: عشق؛ آ: کار ۶- س، آ: وزان با همالند یا نا همال؛ لن: وزان نا همالیده با آن همال؛ ق<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>: وزان نا همالیده ناهمال؛ لی: وزان نا همالان ابا نا همال؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ س، و پس از این بیت افزوده اند:

س: منوچهر از آن کار پر درد شد  
 و: منوچهر ازین کار شد پر ز درد

۷- پ: همی؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۸- و: موبدان ۹- ل<sup>۲</sup>: که ایزد (!) ۱۰- ب: برون آوریدم از تیز چنگ؛ ل، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، پ، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

فریدون ز ضحاک گیتی بشست  
 بترسم (ق: نخواهم) که آید (ق<sup>۲</sup>: بترسید کامل) از آن تخم (آ: تخم و) رست

این بیت در ف، س، لی (و نیز س<sup>۲</sup>) نیست ۱۱- ل: بایب؛ ب: نباشد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۲- س، لن، ق، لی، پ، آ: از؛ و، ل<sup>۲</sup>: در؛ ب: که خیره شود؛ متن= ف، ل، ق، ۱۳- س: کرد ۱۴- لی: نهال ۱۵- آ: بمال ۱۶- س- ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو؛ ب: که؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۷- س، لن، ق، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: از؛ متن= ف، ق، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ق: نو؛ و: کین ۱۹- و: نه پیوند ۲۰- ف، ق: که؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۱- آ: تریاق ۲۲- لن، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: وگر؛ متن= ف، ل، س، و، ب ۲۳- ل، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): ز گفت پراکنده؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۴- س: شود؛ لی: کنون ۲۵- س، ق، و: جنگ ۲۶- س، و: نام و ننگ؛ ق، آ، ل<sup>۲</sup>: سرو تاج و گنج؛ آ: سرو تاج و گنج؛ لن، لی، ب: اگر باز گردد بدو (پ: برو) تاج و گنج؛ ق: بدو باز گردد دل شیر و چنگ پلنگ (وزن نادرست است)؛ متن= ف، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- لن، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: موبد؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۸- ل: همانا سخن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۹- لن، ق، لی، پ: از؛ آ: کز؛ ب: در؛ متن= ف، ل، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۰- پ: خود؛ ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup> و ق در کناره) پس از این بیت افزوده اند:

چو بشنید ازیشان گرانمایه شاه  
 سرانجام آنرا همی جست راه

۸۵۵ فرمود تا نوذرش رفت پیش بدو گفت: رو پیش سام سوار چو دیدی بگوش کزین سو گرای [همانگاه برخاست فرزند شاه [سوی سام نیم نهادند روی [چو زین کار سام یل آگاه شد ۸۶۰ همه نامداران پذیره شدند رسیدند پس پیش سام سوار پیام پدر شاه نوذر بداد چنین داد پاسخ که فرمان کنم نهادند خوان<sup>۱۵</sup> و گرفتند جام ۸۶۵ به شادی برآمد<sup>۱۶</sup> شب دیرباز خروش تبیره برآمد ز در سوی بارگاه منوچهر شاه منوچهر چون یافت زو<sup>۲۲</sup> آگهی ز ساری و آمل برآمد خروش

ابا ویزگان و بزرگان خویش پرسش که چون آمد از کارزار ز نزدیک ما کن سوی خانه رای ابا ویزگان سر نهادش<sup>۵</sup> به راه [ ابا زنده پیلان پرخاشجوی<sup>۶</sup> [ پذیره سوی پور کی شاه شد<sup>۷</sup> [ ابا زنده پیل و تبیره شدند بزرگان و کی<sup>۱۱</sup> نوذر نامدار به دیدار او سام یل گشت شاد ز<sup>۱۳</sup> دیدار او رامش<sup>۱۴</sup> جان کنم نخست از منوچهر بردند نام چو خورشید رخشنده<sup>۱۷</sup> بگشاد راز هیون تگاور<sup>۱۹</sup> برآورد<sup>۲۰</sup> پر به فرمان او<sup>۲۱</sup> برگرفتند راه بیاراست دیهیم<sup>۲۳</sup> شاهنشاهی چو دریای جوشان برآورد<sup>۲۴</sup> جوش

۱- ل، س، ل، آ، ب (و نیز س آ): نوذر آمدش پیش؛ لن، ق، ق، آ، لی، پ، و، آ (و نیز ل، آ، لن): نوذر آمد (پ، آ: آید) پیش؛ متن = ف ۲- س: بزرگان و کی نوذر نامدار (= ۸۶۱ ب): لی: بزرگان ابا نوذر نامدار (= ۸۶۱ ب) ۳- ب: بدین ۴- و: نزدیک ما کن تو از خانه رای؛ آ: ز نزدیک ما شو سوی خانه جای؛ ب: نزدیک ما کن سوی کاخ رای؛ س این بیت را ندارد؛ لن، ق، آ، لی، پ پس از این بیت افزوده اند:

چو نوذر برون شد ز (ق آ): بیامد به پیش پدر بر (ق آ، لی: سوی) پهلوان زود بنهاد سر

ق پس از بیت ۸۵۶ بیت ۸۵۹ پ را افزوده است ۵- ل: نهاده؛ س- ب (و نیز ل، آ، لن، س آ) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۶- س- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س آ) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق؛ ل پس از این بیت و ق پس از بیت ۸۵۶ افزوده اند:

ز پیش پدر نوذر نامدار بیامد بنزدیک سام سوار

۸- لن، لی، پ: پهلوانان؛ س، ق این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- و: چه با ۱۰- و: رسیدند نزدیک؛ س این لت را انداخته است؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: بزرگان ابا؛ ل: بزرگان با؛ متن = ف، ل، س (و نیز ل، آ، س): س ۸۵۵ ب تا ۸۶۱ آ را انداخته و از ۸۵۵ و ۸۶۱ ب یک بیت ساخته است ۱۲- ب: برم ۱۳- ل، لی، و: به ۱۴- ل: دیدارش آرامش؛ متن = بازده دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدند (ق آ): بدید؛ لی، ب: بیود اندران (ل): نبودند آن روز مهمان سام

بیدار سام آن گره (ق آ، لی: گو) شادکام این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، آ، س) نیست ۱۵- ل: خان؛ ل پس از این بیت دو بیت زیر را، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) تنها بیت یکم را، و ق تنها بیت دوم (و بیت یکم را در کناره) افزوده اند:

پس از نوذر و سام (لی: نوذر شاه) و هر مهتری

چو بگشاد زیور بگیتی سپهر بیوشید رخشنده دیدار مهر

این بیت ها در ف، س، و (و نیز در لن، آ، س) نیست ۱۶- س: شب آمد؛ لن، لی: در آمد؛ ق، ل، آ، ب: سر آمد؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، و، آ ۱۷- س: چو رخشنده خورشید ۱۸- لن، آ: <راز>؛ ق آ: گشت از فراز ۱۹- ل، ق، و، آ، ل (و نیز ل، آ، لن): دلآور؛ ق، آ، بسوی دلآور؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، ب (و نیز س آ) ۲۰- آ: سر ۲۱- و: وی ۲۲- لن، لی: زان؛ ب: ازو ۲۳- لن، لی، پ: ایوان ۲۴- لن، پ، ب: برآمد بجوش؛ و: در آمد بجوش؛ ل، ق: چو دریای سبز اندر آمد بجوش؛ س: چو دریای بروان برآمد بجوش؛ لی (و نیز س آ): چو دریای عمان برآورد جوش؛ متن = ف، ق، آ، ل، آ

۸۷۰ بیستند آذین و ژوپین و ران<sup>۲</sup>  
 سپاهی که از کوه تا کوه مرد<sup>۴</sup>  
 ابا کوس و<sup>۷</sup> با نای روین و<sup>۸</sup> سنج<sup>۹</sup>  
 ازین<sup>۱۱</sup> گونه لشکر<sup>۱۲</sup> پذیره شدند  
 چن<sup>۱۴</sup> آمد بنزدیک آن<sup>۱۵</sup> بارگاه  
 ۸۷۵ چو شاه جهاندار بنمود<sup>۱۷</sup> روی  
 منوچهر برخاست از تخت عاج  
 بر خویش بر تخت بنشاختش  
 و زان<sup>۲۲</sup> گرگساران<sup>۲۳</sup> جنگاوران  
 پرسید و بسیار تیمار<sup>۲۴</sup> خورد  
 ۸۸۰ کانوشه<sup>۲۷</sup> زی ای<sup>۲۸</sup> شاه و جاویدمان<sup>۲۹</sup>  
 برفتم بدان<sup>۳۲</sup> شهر دیوان نر  
 که از تازی اسپان<sup>۳۶</sup> تگاورترند  
 سپاهی که سگسار خوانندشان  
 ز من<sup>۴۰</sup> چون بدیشان رسید آگهی  
 ۸۸۵ به شهر اندرون نعره برداشتند  
 همه پیش من<sup>۴۳</sup> جنگجوی آمدند

برفتند با خشت های گران<sup>۳</sup>  
 سپر در سپر بافته<sup>۵</sup> سرخ و زرد<sup>۶</sup>  
 ابا تازی اسپان و پیلان و گنج<sup>۱۰</sup>  
 همه<sup>۱۳</sup> با درفش و تبیره شدند  
 پیاده شد و راه بگشاد<sup>۱۶</sup> شاه  
 زمین را بیوسید و<sup>۱۸</sup> شد پیش<sup>۱۹</sup> اوی  
 ز یاقوت رخشنده<sup>۲۰</sup> بر سرش تاج  
 چنان چون سزا بود بنواختش<sup>۲۱</sup>  
 و زان<sup>۲۲</sup> نره دیوان مازندران  
 سپهد سخن<sup>۲۵</sup> يك بيك<sup>۲۶</sup> یاد کرد  
 ز جان<sup>۳۰</sup> تو کوتاه بد بدگمان<sup>۳۱</sup>  
 نه<sup>۳۳</sup> دیوان، چه<sup>۳۴</sup> شیران جنگی پیر<sup>۳۵</sup>  
 ز گردان ایران دلاورترند<sup>۳۷</sup>  
 پلنگان جنگی<sup>۳۸</sup> گمانندشان<sup>۳۹</sup>  
 از<sup>۴۱</sup> آواز من مغزشان شد تهی  
 و زانپس<sup>۴۲</sup> همه شهر بگذاشتند  
 چنان<sup>۴۴</sup> خیره و پوی پوی آمدند<sup>۴۵</sup>

۱- ل، ق: بیستند آیین؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ: برفتند آنگاه؛ ل: برفتند از گاه؛ متن = ف، س، و، ب ۲- ب: جوشن و ران ۳- لن، لی، پ، آ، ل: ابا جوشن و خشت های (ل: گرزهای) گران؛ ق: ابا خشت و با گرزهای گران؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۴- س: بود ۵- ل، ب: ساخته؛ ل: یافته؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۶- س: تار و پود ۷- ق: < و > ۸- و: < و >؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: ب: نای و (ق: آ: < و >) روئینه؛ س: ابا کوس روین و با نای و؛ متن = ف، ل ۹- ف، س، لن، ق، لی: ل (و نیز ل، آ، س): صنج؛ ب: زنگ؛ متن = ل، ق، آ (و نیز ل، آ) ۱۰- ب: پیلان جنگ ۱۱- س: برین؛ ل: ازان؛ متن ← ۱۲- لن، پ: سپه یکسراندر؛ لی: همه یکسره در؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، آ، ب ۱۳- ل، ق: بسی؛ لن، آ: مهان؛ لی: چنان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۴- ل، س، ق، لی، و، ب (و نیز ل، لن، آ): چو؛ لن، ق، آ، پ، آ، ل این بیت را ندارند؛ متن = ف (و نیز س، آ) ۱۵- ل، ق، ب: بنزدیکی؛ متن = ف، س، لی، و (و نیز ل، لن، آ، س): ق: برگشادند ۱۷- ل، ق: بگشاد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۸- لی: < و > ۱۹- ب: نزد ۲۰- لی: زیاقوت و پیروزه ۲۱- لی: پرسید بسیار و بنواختش؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲- لن، پ: ازان ۲۳- ف، س- ق، آ، پ- ب (و نیز ل، لن، آ، س): گرگساران و؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ل ۲۴- لن، ق، آ، پ، ل (و نیز ل، آ، س): پرسید بسیار و تیمار؛ و: فراوان پرسید و تیمار؛ ب: پرسید و تیمار بسیار؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، آ ۲۵- لن، پ: همه؛ و: برو ۲۶- ل: سربسر ۲۷- ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، لن، آ): که نوشته؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: که شادان؛ متن = ب (و نیز س، آ) ۲۸- ل: بزی (وزن نادرست است) ۲۹- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ (و نیز ل، آ، س): شاه تاجاودان؛ متن = ف، ق، ل، آ، ب (و نیز ل، آ) ۳۰- ب: ز تاج ۳۱- و (و نیز لن، آ): توشادان دل بخردان ۳۲- ق، ل: بران ۳۳- لن، لی، و (و نیز س، آ): چه؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س): که؛ متن = ف، لی ۳۵- ق: سپر؛ لن، پ: پرخاشخر؛ لی: شیران نر (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (در ف، ل، س، ق، آ، ل حرف دوم با يك نقطه است) ۳۶- لن، لی، پ: ز (لی: از) اسبان تازی ۳۷- ف: زکاور ترند (!)؛ آ: رک آورترند (!)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س): س پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن سام نریمان بدرگاه شاه منوچهر ۳۸- س: گیتی ۳۹- ل: نمایندگان؛ آ، ب: همانندشان؛ (ل: بمانندشان؛ لن: شمارندشان)؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۴۰- ل: زمین (!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۱- ب: وز؛ آ: ز ۴۲- ل: ازانپس؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ در ل، آ پس از این بیت بیت ۸۷۱ دوباره آمده است ۴۳- ف: چنان پیش من؛ لن، ق، آ، لی، پ: به پیشم همه؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۴۴- س: زبان؛ لی: چنین ۴۵- ب: خیره با های و هوی آمدند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

سپه جنب جنبان<sup>۱</sup> شد و روز تار<sup>۲</sup>  
 زمین نیز جنبان شد از لشکر<sup>۴</sup>  
 نبیره جهاندار سلم سترگ<sup>۵</sup>  
 ۸۹۰ جهانجوی را نام کاکوی<sup>۶</sup> بود  
 به<sup>۱۰</sup> مادر هم<sup>۱۱</sup> از تخم<sup>۱۲</sup> ضحاک بود  
 سپاهش<sup>۱۵</sup> بکردار مور و ملخ  
 چو برخاست زان<sup>۱۷</sup> لشکر گشن گرد<sup>۱۸</sup>  
 من این<sup>۱۹</sup> گرز یکزخم<sup>۲۰</sup> برداشتم  
 ۸۹۵ خروشی خروشیدم<sup>۲۲</sup> از پشت زین  
 دل آمد<sup>۲۵</sup> سپه را همه<sup>۲۶</sup> باز جای  
 چو بشنید کاکوی<sup>۲۸</sup> آواز<sup>۲۹</sup> من  
 بیامد بنزدیک من جنگ<sup>۳۲</sup> ساز

پس اندر فراز<sup>۳</sup> آمد و پیش غار  
 ندیدم که تیمار آن چون<sup>۵</sup> خورم  
 به پیش سپاه اندر آمد چو گرگ<sup>۷</sup>  
 یکی سرو بالای مهروی بود<sup>۹</sup>  
 سر سروران<sup>۱۳</sup> پیش او خاک بود<sup>۱۴</sup>  
 بُد دشت پیدا، نه کوه و نه شیخ<sup>۱۶</sup>  
 رخ نامداران ما گشت زرد  
 سپه را<sup>۲۱</sup> همانجای بگذاشتم  
 که چون<sup>۲۳</sup> آسیا شد بریشان<sup>۲۴</sup> زمین  
 سراسر سوی<sup>۲۷</sup> رزم کردند رای  
 چنان<sup>۳۰</sup> زخم گوپال سرباز<sup>۳۱</sup> من  
 چو پیل<sup>۳۳</sup> ژیان<sup>۳۴</sup> با کمندی<sup>۳۵</sup> دراز

۱- ل، ق، آ: جنب و جنبان؛ ب: زمین تیره جنبان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲- و: کوهسار؛ ل، آ: رودبار ۳- و: پدیده؛ در لی این بیت با بیت پیشین  
 پس و پیش شده است ۴- س: سپه جنب جنبان شد از لشکر؛ ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: برافتاد (لن، پ: درافتاد) ترس اندرین (پ: ترسی در آن)  
 لشکر؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، آ) ۵- ل، آ: خون؛ ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده اند:  
 دو سیصد (لی، ل، آ، ب: همین صد؛ آ: همان صد) منی گرز برداشتم سپاهم (لی: سپاهی) بدان مرز بگذاشتم (لی: نگذاشتم)  
 همی رفتم و کوفتم مغزشان لن: تهی کردم آن پتک بر مغزشان  
 ق، آ، ل، آ، ب: تهی گشت آن (آ: گشت آن) هیبت نغزشان  
 لی، پ: تهی کردم آن پیکر نغزشان

این بیت ها در ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، س) نیست ۶- ل، ق: بزرگ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ق: سترگ؛ ب: بزرگ؛ ل، ق، آ، لی، پ، آ،  
 ل (و نیز ل، آ): پیش اندر آمد بکردار گرگ؛ متن = ف، ل، س، و (و نیز ل، آ) ۸- س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ): کرکوی؛ ل (و نیز ل، آ)  
 این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، آ) ۹- ق: بدروی بود؛ س: یکی برز بالا و بدروی بود؛ ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ: یکی سرو بالا نکوروی  
 (لی: جهانجوی) بود؛ و (و نیز ل، آ): ستمکاره بود و جفاجوی بود؛ ب لت دوم این بیت را انداخته است؛ متن = ف ۱۰- آ: ز ۱۱- ق، آ، ل، آ: وی ۱۲-  
 و: به مادر ز پیوند؛ ب این لت را انداخته است ۱۳- لن، لی، پ، آ، ل، ب: سر سرکشان؛ متن = ف، س، و ۱۴- ب: پیش او گوی بود؛ ق: شنیدم  
 که کاکوی ناباک بود؛ ل (و نیز ل، آ) این بیت را ندارند؛ ب ۸۹۰ و ۸۹۱ را انداخته و از ۸۹۰ و ۸۹۱ ب يك بیت ساخته است؛ ق پس از بیت ۸۹۱  
 افزوده است:

دلیر و سبکسار و ناباک بود سر سرکشان پیش او خاک بود

۱۵- ل، س (و نیز ل، آ): سپاهی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۶- ف: بُد دشت پیدا و نه کوه و شیخ؛ س، ل، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ،  
 س): بُد دشت پیدا نه خاک (لن، پ: ریگ؛ ل، آ، ب: خار) و نه شیخ؛ ق، آ، ل، آ: بُد کوه پیدا نه دشت (ق: دریا؛ آ: خار) و نه شیخ؛ متن = ل، لی، و  
 نیز ل، آ) ۱۷- س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: از؛ متن ← ۱۸- ق، آ: چو از لشکر گشن برخاست گرد؛ متن = ل، ق، و، آ (و نیز ل، آ، س)؛ ف این  
 بیت را ندارد و بجای آن بیت ۸۹۸ را آورده است و پس از آن سرنویس دارد: گفتار اندر شراب خوردن سام نریمان با شاه منوچهر و گفتن داستانها و مردی  
 که کرده بود ۱۹- ف، س، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، آ): آن؛ متن = ل، لن، لی، پ، و (و نیز ل، آ) ۲۰- ب: يك لخت ۲۱- ق، آ، ل، آ: سپاهم  
 ۲۲- لن، ق، آ، پ، آ، ب: چنان برخروشیدم؛ ق: یکی برخروشیدم؛ متن = ف، ل، س، لی، و، ل، آ ۲۳- س: کجا ۲۴- لی: بدیشان؛ ل، آ: بران (وزن  
 نادرست است) ۲۵- ل، آ: در آمد ۲۶- لن، ق، آ، پ، آ: ازان؛ ب: سپاه مرا؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۷- س: همه ۲۸- س، ل، ق، آ، لی،  
 پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): کرکوی؛ (س: کالوی)؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ) ۲۹- ق: کوپال ۳۰- س، ق: همان ۳۱- ق: گرز يك زخم  
 خوش فال ۳۲- لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل، آ: رزم؛ متن = ف، ل، س، ق، ب ۳۳- و، ل، آ: پیلی ۳۴- لن، لی، پ: دمان ۳۵- ل، پ، ب: کمند؛  
 متن = ف، و، آ، ل؛ در ف این بیت پس از بیت ۸۹۲ آمده است؛ پیلی بیت های متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س)؛ در ق پس از بیت  
 ۸۹۸ بیت ۹۰۴ آمده است

چو دیدم خمیدم<sup>۱</sup> ز راه گزند  
 به پیکان پولاد و تیر خدنگ<sup>۲</sup>  
 چُن آتش بروبر همی ریختم<sup>۷</sup>  
 که شد<sup>۹</sup> دوخته مغز<sup>۱۱</sup> با<sup>۱۱</sup> مغفرش  
 برآمد<sup>۱۴</sup> یکی تیغ هندی به دست  
 کزو کوه زنه‌ار خواهد به جان<sup>۱۵</sup>  
 همی جستمش تا کی آید به چنگ<sup>۱۶</sup>  
 من از چرمه چنگال کردم دراز  
 ز زین برگسستم<sup>۱۹</sup> بگردار شیر  
 پر آهن بر و دست و گردی میان<sup>۲۳</sup>  
 سپه روی برگاشت از کارزار  
 بهر سوشدند انجمن<sup>۲۵</sup> همگروه<sup>۲۶</sup>  
 فگنده پدید آمد اندر شمار<sup>۲۷</sup>  
 همانا که بودند<sup>۲۹</sup> سیصد هزار  
 ز پیش<sup>۳۰</sup> پرستنده‌ی تخت تو

مرا خواست کارد به خم کمنند  
 ۹۰۰ کمان<sup>۲</sup> کیانی گرفتم به چنگ  
 عقاب<sup>۴</sup> تگاوره برانگیختم  
 گمانم چنان بُد به<sup>۸</sup> سندان سرش  
 نگه کردم<sup>۱۲</sup> از گرد<sup>۱۳</sup> چون پیل مست  
 چنان آمدم شهریارا گمان  
 ۹۰۵ وی اندر شتاب و من اندر درنگ  
 چُن<sup>۱۷</sup> آمد گه مرد جنگی فراز  
 گرفتم کمر بند مرد دلیر  
 زدم بر زمین بر<sup>۲۰</sup> چو پیل<sup>۲۱</sup> ژیان<sup>۲۲</sup>  
 چو افکنده شد، شاه! از آن<sup>۲۴</sup> گونه خوار  
 ۹۱۰ نشیب و فراز و بیابان و کوه  
 سوار و پیاده ده‌ودو هزار  
 سپاهی و شهری و جنگی<sup>۲۸</sup> سوار  
 چه سنجید بداندیش با بخت تو

چو بشنید گفتارِ سالار<sup>۳۱</sup>، شاه، برافراخت با ماه<sup>۳۲</sup> فرخ کلاه

۱- ق، ق، آ، ب: حمیدم؛ و: حمیدم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ، ل: خمیده؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، س، لی ۲- ل: کمانی ۳- آ: به پیکان تیر و بزین خدنگ؛ لن، پ این بیت را ندارند ۴- ق: عنان ۵- لی: دلاور ۶- ف، ل، س، ق، ق، آ، لی، و- ب (و نیز ل، ل، ن، آ): چو؛ متن= (س) ۷- ل: بدوبر تیر ریختم؛ ق: بدوبر همی ریختم؛ ق، آ، و، آ، ب (و نیز لن، آ): برو تیر می ریختم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، س، لی، ل (و نیز س) ۸- ل، س، ق، ق، آ، و (و نیز لن، آ، س): که؛ لی: ز؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ف، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) ۹- ق: بشد؛ و: شود ۱۰- و: ترک ۱۱- ق: بر ۱۲- ق: کرد ۱۳- ف، ق، آ، و، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): آن گرد؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ل، س، ق، لی، آ ۱۴- س، ق، ق، آ، و (و نیز لن، آ) بیامد؛ متن=ف، ل، لی، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، س، آ) ۱۵- لن، پ این بیت را ندارند؛ در ق این بیت پس از بیت ۸۹۸ آمده است ۱۶- لن، پ این بیت را ندارند ۱۷- ل، س، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): چو؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ف (و نیز س) ۱۸- ل: آمد بنزدیک من سرفراز؛ س، ل: آمد بر مرد جنگی فراز؛ ق: آمد بنزدیکی من فراز؛ ق، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): آمد بر مرد جنگی فراز؛ لی: آمد گه مرد سنگی فراز؛ و (و نیز لن، آ): آمد بنزدیک ما رزمساز؛ متن=ف (و نیز س) ۱۹- س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): برگرفتم؛ لی: درگسستم؛ متن=ف، ل، و (و نیز لن، آ، س) ۲۰- لن، لی، پ: بخاکش فکندم؛ ب (و نیز ل، ل، س، آ): زدم بر زمینش ۲۱- س: پیلی؛ ق: شیر؛ ل: همچو پیلی ۲۲- لن، پ: دمان ۲۳- ل، ق: بدین آهنین دست و گردی میان؛ س: چو آهن برود دست و گردی میان؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: زدم تیغ هندی و را بر میان (آ: نیام)؛ و (و نیز لن، آ): پر آهن برود دست و پا و میان؛ ب: یکی تیغ هندی زد بر میان؛ (ل): باهرمنی دست گردی میان؛ س: یکی تیغ تیزش زدم بر میان؛ متن=ف ۲۴- ل، ق: زین؛ لی، و: ازین؛ لن این بیت را ندارد؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۵- ل، ق: بهر سوشده مردمان؛ ل: بهر سوی شد انجمن؛ (ل): هزیمت شدند انجمن؛ ف، لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=س، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س) ۲۶- آ: با گروه؛ ب (و نیز س، آ): هر گروه ۲۷- ل: آمد از بد شمار (!)؛ لن، لی، پ: فکنده برآمد در آنجا شمار؛ ق، آ، ب: فکنده بدانجا برآمد شمار؛ متن=ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۸- س، لن، پ، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، آ): سپاهی و جنگی و شهری؛ ق: سواری و جنگی و شهری؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف، ق، آ، لی، و، ب (و نیز س، آ) ۲۹- و: همانا فروز بود ۳۰- س، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): به پیش؛ لن، پ: بجنگ؛ ل این بیت را ندارد؛ متن=ف ۳۱- آ: سالارگفتار ۳۲- ف: پر مایه؛ ل، س: ناماه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لن، ق، لی، پ، ب: بر ماه؛ و، ل (و نیز ل، ل، ن، آ): تا ماه؛ متن=ق، آ، و (و نیز س، آ)؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو روز از شب آمد به کوشش ستوه ستوهی گرفته (ق: ستوهی شده بر) فرو شد به کوه

۹۱۵. می و مجلس<sup>۱</sup> آراست و شد<sup>۲</sup> شادمان  
به بگماز<sup>۳</sup> کوتاه کردند شب<sup>۴</sup>

جهان پاك دید از بد بدگمان  
به یاد<sup>۵</sup> سپهبد گشادند لب<sup>۶</sup>

چو شب روز شد پرده<sup>۷</sup> بارگاه  
بیامد سپهدار سام سترگ<sup>۸</sup>  
چنین<sup>۹</sup> گفت با سام شاه جهان  
به هندوستان آتش اندر فروز<sup>۱۰</sup>

۹۲۰ نباید که او یابد از تو<sup>۱۱</sup> رها  
زمان تا زمان زو برآید خروش  
هرآنکس که پیوسته<sup>۱۲</sup> او بوند<sup>۱۳</sup>  
سر از تن جدا کن زمین را بشوی

۹۲۵ چنین<sup>۱۴</sup> داد پاسخ که ایدون کنم  
بیوسید تخت و بمالید روی  
سوی خانه بنهاد سر<sup>۱۵</sup> با سپاه

گشادند و دادند زی<sup>۱۶</sup> شاه راه  
بنزد منوچهر شاه بزرگ<sup>۱۷</sup>  
کز ایدر برو با گزیده<sup>۱۸</sup> مهان  
همه کاخ مهرباب<sup>۱۹</sup> و کاول<sup>۲۰</sup> بسوز  
که او ماند<sup>۲۱</sup> از تخمه<sup>۲۲</sup> اژدها  
شود رام<sup>۲۳</sup> گیتی پُر از جنگ و<sup>۲۴</sup> جوش  
بزرگان که در بسته<sup>۲۵</sup> او بوند<sup>۲۶</sup>  
ز پیوند<sup>۲۷</sup> ضحاک و خویشان اوی  
که کین از<sup>۲۸</sup> دل شاه بیرون کنم  
بران<sup>۲۹</sup> نامور<sup>۳۰</sup> مهر و<sup>۳۱</sup> انگشت اوی  
بران<sup>۳۲</sup> بادپایان جوینده<sup>۳۳</sup> راه

### گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال<sup>۳۱</sup>

۱- و: می ورامش ۲- ق، ق، ل: آراست شد؛ ل: آراسته؛ درس این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۳- لی: بیکبار؛ و: بگفتار؛ آ: بیک جمع؛ ل: یکماه؛ ق این بیت راندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر (ونیز ل، س، آ) ۴- لن: دست (!)؛ ل: راه ۵- آ: بیاده ۶- لن: بشستند دست (!)؛ ق، ل: آ، لی: آ: گشاده دلب؛ ل: گشادند و شاه؛ متن = ف، ل، س، پ، و، ب؛ درس این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۷- ف: پرده از؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ونیز ل، س، آ) ۸- ق: دادن بر ۹- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (ونیز ل) پس از این بیت افزوده اند:

بشاه آفرین کرد آن بی همال  
که شاه جهان پیشتر برگرفت  
همی خواست گفتن ز مهرباب و زال  
سخن را بروی دژم در گرفت

این بیت هادرف، ل، س، ق، لی (ونیز ل، س، آ) نیست ۱۰- آ: چنان ۱۱- س: گروه ۱۲- لی، و: آتشی برفروز؛ آ: اندر آتش فروز؛ ل: بربر آتش فروز ۱۳- س- ب (ونیز ل، س): < و >؛ متن = ف، ل (ونیز ل، س، آ) ۱۴- ف- ب (ونیز ل، ل، ن، آ، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- ل، ل، ن، ب (ونیز ل، ل، ن، آ): ازید؛ متن = ف، س (ونیز س، آ) ۱۶- آ، ل، آ: مانده ۱۷- لن: بچه؛ ب: تخم آن ۱۸- ب: جمله ۱۹- ل: < و > ۲۰- ل، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (ونیز ل، ل، ن، آ، س): بود؛ ق این بیت راندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، پ ۲۱- ل: که در دست؛ س: که هم بسته؛ ب (و نیز س، آ): کجاسته؛ متن = هشت دستنویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ) ۲۲- و: زمردان؛ ق این بیت راندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ لن، ق، آ- ب (ونیز ل، ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

بدوشاه چون خشم و تیزی (ق، آ، آ، ب: نیرو؛ پ: تند) نمود  
نیارست آنگه (و: از آنپس) سخن برفروز

این بیت در ف، ل، س، ق (و نیز س، آ) نیست ۲۳- آ: بدو ۲۴- و: که از کین ۲۵- ق: بدان ۲۶- ب: مهرباب ۲۷- ل، لن، پ: < و >؛ متن = نه دستنویس دیگر (ونیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۸- و: رخ ۲۹- ل، ق، لی، ب: بدان؛ آ: مران؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۰- ق، و: کوبنده؛ لی، ب: پوینده؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن سام نریمان از آمدن پسرش زال زر و نواختن او را؛ لن: رفتن زال بنزدیک سام پدرش؛ ق، آ، ب: آمدن زال بنزد سام (ق، آ): . . . و اجازت خواستن؛ لی: رفتن سام نریمان بکنگ مهرباب؛ پ: آمدن زال بنزد سام پدرش؛ و: فرستادن منوچهر شاه سام را بکنگ مهرباب؛ ل، س، ق، ل، آ، آ: سرنویس ندارند؛ متن = آغاز ف



که شاه و سپهبد فگنندند<sup>۴</sup> بُن  
 فرو هشته<sup>۵</sup> لَفَج و برآورده یال  
 بیاید<sup>۶</sup> که گیتی بسوزد به دم  
 نُخُسْتین سر من بیاید درود  
 پر اندیشه دل، پر ز گفتار سر  
 که آمد ز ره بچّه‌ی نره شیر  
 درفش فریدون<sup>۱۴</sup> بیراستند<sup>۱۵</sup>  
 سپاه و سپهبد پذیره<sup>۱۷</sup> شدند  
 بیاراسته سرخ و زرد و بنفش  
 برانگیخت بالای زرین ستام<sup>۱۹</sup>  
 پیاده شد<sup>۲۰</sup> از اسپ و بگذارد گام  
 چه سالار خواه<sup>۲۳</sup> و چه دیهیم<sup>۲۴</sup> جوی  
 سَخُن گفت با او<sup>۲۵</sup> پدر نیز دیر<sup>۲۶</sup>  
 چو زرین<sup>۲۸</sup> درخشنده کوهی<sup>۲۹</sup> بلند  
 به تیمار و با<sup>۳۱</sup> گفت و گوی<sup>۳۲</sup> آمدند

به<sup>۱</sup> مهرباب و دستان رسید<sup>۲</sup> این<sup>۳</sup> سَخُن  
 خروشان ز کاول همی<sup>۵</sup> رفت زال  
 همی گفت اگر<sup>۷</sup> ازدهای دژم  
 چو کاولستان<sup>۹</sup> را بخواهد<sup>۱۰</sup> پسود<sup>۱۱</sup>  
 به پیش پدر شد پر از خون جگر<sup>۱۲</sup>  
 چُن<sup>۱۳</sup> آگاهی آمد به سام دلیر  
 همه لشکر از جای برخاستند  
 پذیره شدن را چپیره شدند<sup>۱۶</sup>  
 همه پشت پیلان به رنگین<sup>۱۸</sup> درفش  
 چو دستان پدید آمد از دور، سام  
 چو روی پدر دید دستان سام  
 بزرگان پیاده شدند<sup>۲۲</sup> از دو روی  
 زمین را ببوسید زال دلیر  
 نشست از بر تازی اسپ<sup>۲۷</sup> سمنند  
 بزرگان همه پیش اوی<sup>۳۰</sup> آمدند

۱- ق: ۲ ز ۲- ق: ۲ نهند ۳- آ: آن ۴- ق: ۲، آ، ل، ۲، ب: چه افکند؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ لن، ق: ۲، لی، پ، و، آ، ل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲) پس از این بیت افزوده اند:

برآمد همه شهر کابل بجوش وزایوان مهرباب برشد (لی: کابل برآمد) خروش  
 چو سیندخت و مهرباب و رودابه نیز بنومید گشتند از جان (ل: ۲: خان) و چیز

این بیت ها در ف، ل، س، ق (و نیز س) نیست ۵- س، ق: ۲، پ: برون؛ متن = نه دستنویس دیگر ۶- لی: فرود برده (وزن نادرست است) ۷- ل: ۲: از ۸- آ: بیامد؛ ل: ۲: نباید؛ لن، پ این بیت را ندارند ۹- ف، ل، س، ق، ق: ۲، لی، و، آ، ل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س: ۲): کابلستان؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- و: بیاید ۱۱- لی: ستود؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س: ۲): در س ۲ حرف یکم سه نقطه دارد) ۱۲- ب: همی رفت پیش پدر خون جگر؛ لن، پ این بیت را ندارند ۱۳- ف- ب (و نیز ل، ۲): چو؛ متن = (س: ۲) ۱۴- لی: درفش و تیره ۱۵- ل- ق، پ- ب (و نیز لن، ۲، س: ۲): بیاراستند؛ (ل: ۲): برآاستند؛ متن = ف، ق: ۲، لی ۱۶- ف، ل، ق (و نیز ل، ۲): تیره زدند؛ س: خسر زدند (حرف های دوم و سوم نقطه ندارند)؛ آ: جنیره زدند؛ ل: ۲: جنیره شدند؛ (س: ۲): چنیره شدند؛ لن، ق: ۲، لی، پ: با تیره شدند؛ و (و نیز لن، ۲): ابا نای و کوس و تیره شدند؛ ب: بزرگان سامش پذیره شدند؛ متن تصحیح قیاسی است (که به س، آ، ل ۲ و بیشتر به س ۲ نزدیک است) ۱۷- ب: خیره؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در س این بیت با بیت سپمین پس و پیش شده است ۱۸- لن، ق: ۲، لی، ل، ۲: برنگ؛ و: بزین؛ آ: بزنگ و؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، ب؛ در س این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- لن: لگام؛ ب: پذیره شد و تیز بگزارد گام (= ۹۳۸ ب)؛ متن = ف، ق: ۲، پ، آ، ل، ۲ (پ ۳۰) ۲۰- ق: ۲: فرود آمد ۲۱- ف: زرین لگام؛ لن، ق: ۲، پ، آ، ل، ۲: بگزارد گام؛ ب: برانگیخت بالای زرین ستام (= ۹۳۷ ب)؛ ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، ۲، لن، ۲) از بیت های ۹۳۷ و ۹۳۸ يك بیت ساخته اند:

چو دستان پدید آمد از دور سام پیاده شد از باره بگزارد (ل: از اسپ بگزارد) گام  
 و (و نیز لن، ۲): همان نامداران به زرین نیام

۲۲- لی: پیاده بزرگان شدند ۲۳- لی: خوار ۲۴- ل، س، لن، ق، پ، و، آ، ل، ۲ (و نیز لن، ۲، س: ۲): سالار؛ ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق: ۲، لی (و نیز ل، ۲): آ در اینجا سرنویس دارد: آمدن زال نزد پدر ۲۵- لن، لی: وی ۲۶- لن: ز مهرباب شیر؛ لی: همی زال دیر؛ و: پدر نیز با او سخن راند دیر ۲۷- ل، ق: ۲، لی، ل، ۲ (و نیز لن، ۲): تازی اسپ؛ س: بادپایی؛ پ، و، آ: اسپ تازی؛ متن = ف، لن، ق، ب (و نیز ل، ۲، س: ۲) ۲۸- و: چو در زین؛ آ: چو زین (وزن نادرست است) ۲۹- لن، ق، ق: ۲، و، آ، ل، ۲ (و نیز لن، ۲): کوه؛ متن = ف، ل، س، لی، پ، ب (و نیز ل، ۲، س: ۲) ۳۰- ق، ق: ۲، لی، پ، آ، ل، ۲: او؛ متن = ف، ل، س، لن، و، ب ۳۱- ق، ق: ۲، لی: به تیمار با؛ ل: ۲: به تیمار و < با > (وزن نادرست است) ۳۲- ل: گفت گوی؛ ق، ق: ۲، پ، آ: گفت و گو؛ متن = هفت دستنویس دیگر

ره<sup>۲</sup> پوزش آر و<sup>۳</sup> مکش<sup>۴</sup> هیچ سر  
 مرا نیز بر جای خون<sup>۵</sup> خاک نیست  
 همانا سخن بر سخن نگذرد<sup>۷</sup>  
 من از شرمش آب اندرآرم به چشم<sup>۹</sup>

گشاده دل و شادکام آمدند  
 هم اندر زمان زال را داد بار  
 زمین را ببوسید و گسترد پیر<sup>۱۰</sup>  
 وز آب دو دیده<sup>۱۱</sup> همی<sup>۱۲</sup> گل سپرد<sup>۱۳</sup>  
 روانش گراینده<sup>۱۵</sup> داد باد  
 زمین روز<sup>۱۷</sup> جنگ تو<sup>۱۸</sup> گریان<sup>۱۹</sup> شود  
 شتاب آید اندر<sup>۲۲</sup> سپاه<sup>۲۳</sup> درنگ  
 بماند<sup>۲۵</sup> ، ستاره نیارد کشید  
 روان<sup>۲۸</sup> و خرد گشت<sup>۲۹</sup> بنیاد تو  
 و گرا<sup>۳۱</sup> چه به<sup>۳۲</sup> پیوند<sup>۳۳</sup> تو شهرام  
 ز گیتی<sup>۳۵</sup> مرا نیست با کس نبرد<sup>۳۶</sup>

که آزده گشته ست بر<sup>۱</sup> تو پدر  
 چنین داد پاسخ کزین<sup>۵</sup> باک نیست  
 ۹۴۵ پدر گر به مغز اندرآرد خرد  
 نگر تا گشاید زبان را به خشم<sup>۸</sup>

چنین تا به درگاه سام آمدند  
 فرود آمد از اسپ سام سوار  
 چو زال اندرآمد به پیش پدر  
 ۹۵۰ یکی آفرین کرد بر سام گرد  
 که بیدار دل پهلوان شاد باد<sup>۱۴</sup>  
 ز تیغ تو الماس بریان<sup>۱۶</sup> شود  
 کجا دیزه<sup>۲۰</sup> تو جهدا<sup>۲۱</sup> روز جنگ  
 سپهری کجا<sup>۲۴</sup> باد گرز تو دید  
 ۹۵۵ زمین نسپرد شیر<sup>۲۶</sup> با داد<sup>۲۷</sup> تو  
 مگر من که از داد<sup>۳۰</sup> بی بهره ام  
 یکی مرغ پرورده ام خاک خورد<sup>۳۴</sup>

۱- س، ق، لی، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ از؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- ل، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ)؛ یکی؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ)  
 ۳- ل، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ آور؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ) ۴- ق، آ؛ مکن؛ ل، آ؛ مگر ۵- ل؛ که این؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۶- ق، آ؛ خود (→ خون)؛ آ؛ چون (→ خون)؛ ل؛ سرانجام اخیربجز؛ س؛ مرا بر زمین جای جز؛ ل، ن، پ؛ مرا نیز هم جای جز؛ ق؛ مرا جای اخیربجز؛ لی؛ نهالی مرا نیز جز؛ و (و نیز ل، ن، آ، س)؛ مرا جای فرجام جز؛ (ل، ن، آ)؛ مرا نیز خود جای جز؛ متن = ف، ل، ب، آ، ب ۷- لی؛ گسترد ۸- ل، آ؛ و گر بر گشاید زبان را بخشیم؛ ل، ن، لی، پ؛ نگر تا زبان را گشاید بمهر؛ ق، آ، ل؛ نگر تا زبان را گشاید بخشیم؛ و (و نیز ل، ن، آ)؛ اگر بر گشاید زبان را بمهر؛ ق، آ؛ این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، س، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ ب؛ مگر ۹- و (و نیز ل، ن، آ)؛ بچهر؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب؛ بس از شرم (ب؛ خشم) آب اندر آرد بچشم (ل، ن، لی، پ؛ آرم بچهر)؛ متن = ف، ل، س، آ (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۰- ف، ل، س، ل، ن، ق، آ، پ؛ بر (= پ)؛ ق، لی (و نیز س، آ)؛ فر؛ و، ب (و نیز ل، ن، آ)؛ برداشت سر؛ ل، آ؛ بسپرد بر؛ متن = آ (و نیز ل، ن، آ) ۱۱- ل، ل، ن، ق، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، ن، آ)؛ نرگس؛ متن = ف، س، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۲- و؛ همه ۱۳- ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س)؛ سترد؛ متن = ف، ل، آ؛ وزان نرگسان هر دومی گل سپرد ۱۴- ب؛ باش ۱۵- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ؛ پرستنده؛ و، ل، آ (و نیز ل، ن، آ)؛ گشاینده (ل، ن، آ)؛ گزارنده؛ متن = ف، ل، س، ق، ب (و نیز س، آ) ۱۶- ل، ن، ق، آ؛ گریان (ل، ن، آ)؛ پس او ندارد ۱۷- لی؛ زیر ۱۸- ل، ل، ق، پ (و نیز ل، ن، آ)؛ از تو؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۱۹- ق، آ؛ بریان ۲۰- و؛ چرمه ۲۱- ل، ل، س، ل، ن، پ، و، آ، ل، آ (و نیز ل، ن، آ، س)؛ چمد؛ متن = ف، ق، آ، لی، ب ۲۲- ل، ن، پ، و، آ؛ شتاب اندر آرد (و؛ آید)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۳- و؛ بمغز ۲۴- ل، آ؛ سپهر از کجا ۲۵- ل، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب؛ همانا؛ ل، آ؛ سپاه ار (!)؛ ق، آ؛ این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، و (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۶- ل، ن، لی، پ؛ زمین سر بسر سبز؛ و؛ رمه نسپرد شیر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۷- ب؛ یاد ۲۸- ف (و نیز ل، ن، آ)؛ < و > (ل، ن، آ)؛ این حرف را داشته، ولی پاک شده است؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۹- ل، ق، آ، لی، ب (و نیز ل، ن، آ)؛ گشته؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س)؛ ل، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ)؛ پس از این بیت افزوده اند:

همه مردم از داد تو شادمان ز تو داد یابد زمین و زمان

لی: ز تو دور بادا بد بد گمان

و (و نیز ل، ن، آ) بجای این بیت افزوده اند:

ز انصاف و دادت جهان بهره مند ستم را ز دست تو بر پای بند

این بیت ها در ف، س، ل (و نیز س، آ) نیست ۳۰- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب؛ مگر من ز داد (لی)؛ مهر؛ تو؛ ل، آ (و نیز ل، ن، آ)؛ شگفتی ز داد تو؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ن، آ، س) ۳۱- ل، ن، لی، پ، ل، آ؛ اگر ۳۲- ل، ن، پ، و، ل، آ؛ ز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- ل، ق؛ پیمان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۳۴- س؛ سالخورد ۳۵- ل، س، ل، ن، لی، پ، و، ل، آ (و نیز ل، ن، آ)؛ بگیتی؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ (و نیز ل، ن، آ) ۳۶- ل، ن، پ؛ کسی نیستم همبند؛ ق، آ، ب؛ مرا نیست کس همبند؛ لی؛ ندارم کسی هم بمرد؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل، آ (و نیز ل، ن، آ، س)

ندانم همی خویشان را گناه  
مگر آنک<sup>۳</sup> سام<sup>۴</sup> یلستم پدر  
۹۶۰ ز مادر بزادم بینداختی  
[نه گهواره دیدم نه پستان نه شهر<sup>۱</sup>  
]ببردی به کوهی بیفگندیم  
فگندی<sup>۱۴</sup> به تیمار زاینده را<sup>۱۵</sup>  
ترا با جهان آفرین ست<sup>۱۸</sup> جنگ  
۹۶۵ [کنون کهم جهان آفرین پرورید  
هنر هست و<sup>۲۲</sup> مردی<sup>۲۳</sup> و تیغ یلی  
ابا گنج<sup>۲۶</sup> و با تخت<sup>۲۷</sup> و گرز گران  
نشستم به کاول<sup>۲۹</sup> به فرمان تو

که بر من کسی را بدان<sup>۱</sup> هست راه  
دگر هست<sup>۵</sup> با این<sup>۶</sup> نژادم هنر<sup>۷</sup>  
به کوه اندرم<sup>۸</sup> جایگه<sup>۹</sup> ساختی  
نه از هیچ خوشی<sup>۱۱</sup> مرا بود بهر<sup>۱۲</sup> ]  
دل از ناز و آرام برکنندیم<sup>۱۳</sup> ]  
به<sup>۱۶</sup> آتش سپردی فزاینده را<sup>۱۷</sup>  
که از چه سیاه و سپیدست<sup>۱۹</sup> رنگ  
به مهر<sup>۲۰</sup> خدایی به من بنگرید<sup>۲۱</sup> ]  
یکی یار چون مهتر<sup>۲۴</sup> کاولی<sup>۲۵</sup>  
ابا رای و با داد و تاج سران<sup>۲۸</sup>  
نگه داشتم راه<sup>۳۰</sup> و پیمان<sup>۳۱</sup> تو

۱- ل، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): بران؛ متن = ف، ق؛ این بیت در هشت دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲- س: مرا؛ ل<sup>۲</sup>: و گر ۳- لی، پ، آ: آنکه ۴- لی: < سام > (وزن نادرست است) ۵- لن، ق، ل<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>: و گر نیست؛ لی: اگر نیست؛ ب: و گر هست؛ متن = ف، ل، س، ق، و، آ ۶- آ: با کین ۷- س، ق، ل<sup>۲</sup>، آ، ل<sup>۲</sup>: گهر؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۸- س، ق، لی، ب: اندرون؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- لی: جای من ۱۰- لن، ق، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ب: نه پستان شیر؛ لی: نه پستان و شیر؛ (ل<sup>۳</sup>: نه پستان نه شیر)؛ ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۱۱- لی: هوشی ۱۲- لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): ویر؛ متن = ف ۱۳- ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۴- س، و: سپردی؛ لن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- ف، ل: باینده را (!) (در ل حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق<sup>۲</sup>: این بنده را؛ پ: زاینده ام؛ و: و غم بنده را؛ متن = س، لی، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۶- و: بر ۱۷- ف: تو زاینده را؛ لی: تن بنده را؛ پ: فزاینده ام؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ در ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب این بیت پس از بیت ۹۶۰ آمده است ۱۸- لن، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: نیست؛ ق<sup>۲</sup>: و؛ بود؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، لی، ب ۱۹- ب: سفیدست؛ لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ: سپید و سیاهست؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ل<sup>۲</sup>؛ در و پس از این بیت ۹۶۶ آمده است؛ ف پس از بیت ۹۶۴ و و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۹۶۶ افزوده اند:

وگر نه به چهر از کسی کم نیم سزای غم و رنج و ماتم نیم

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۰- ل، ق، پ، آ: بچشم؛ س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن = ف ۲۱- ل: ننگرید (!) ۲۲- ق: < و > ۲۳- لن، پ: هنرهای مردی؛ ل، لی این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۴- و: یکی پر هنر مهتر؛ ل<sup>۲</sup>: یکی باره چون مهتر ۲۵- ف، س، ق، ق، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابلی؛ لن، پ: زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- لن، ق، پ، و: تاج؛ ق، آ: تخت؛ لی، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ب ۲۷- ق، آ: گنج ۲۸- ف: ابارای و با تخت و تاج سران؛ ل: ابارای و با تاج و بخت سران (حرف یکم واژه هفتم نقطه ندارد)؛ س: ابارای و با تاج گوهر سران؛ لن، ق، ل<sup>۲</sup>، پ: ابارای و با تاج داران سرای؛ ق: ابا داد و رای و ابا بخردان؛ و: ابارای و با داد و هوش سران؛ ب: ابارای و با مهر و تاج سران؛ متن = آ؛ ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

چو زاید بر رفتی (و، لن<sup>۲</sup>: نشستم بکابل) بفرخنده روز سپردی مرا کشور نیمروز

این بیت در ده دستنویس دیگر (و نیز در ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۹- لن، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: یکایک؛ ف، ل، س، ق، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل؛ لی این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- ل، س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، پ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): رای؛ متن = ف، ق، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳۱- ف (و نیز س<sup>۲</sup>): فرمان (پساوند ندارند)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت تا بیت ۱۰۴۱ را انداخته است؛ ف پس از بیت ۹۶۸ دو بیت افزوده است که تنها بیت یکم آن در ق آمده است:

چه کرد از گناه و چه دیدی ازوی (ق: ازو) که نزدش به کینه نهادی تو روی (ق: رو)  
دگر آنکه گفستی که بر کام تو کنم شهره اندر جهان نام تو

۹۷۰ که چون<sup>۱</sup> کینه جویی بکارآیمت<sup>۲</sup>  
 ز مازنداران هدیه این ساختی  
 که ویران کنی خان آباد من؟  
 من اینک به پیش<sup>۶</sup> تو استاده‌ام<sup>۷</sup>  
 به آره میانم به دو نیم کن

۹۷۵ سپهد چو بشنید گفتار زال  
 بدو گفت آری همینست<sup>۱۳</sup> راست  
 همه کار من با<sup>۱۶</sup> تو بیداد بود  
 ز من<sup>۱۷</sup> آرزو خود همین خواستی  
 مشو تیز<sup>۱۹</sup> تا<sup>۲۰</sup> چاره‌ی کار تو  
 یکی نامه فرمایم اکنون<sup>۲۳</sup> به شاه  
 ۹۸۰ سخن هرچه<sup>۲۵</sup> باید<sup>۲۶</sup> به یاد آورم<sup>۲۷</sup>  
 اگر یار باشد جهاندار ما<sup>۲۹</sup>  
 درختی که کشتی<sup>۳</sup> به بار آیمت<sup>۴</sup>  
 هم از گرگساران بدین تاختی  
 چنین داد خواهی همی<sup>۵</sup> دادمن؟  
 تن بنده<sup>۸</sup> خشم ترا داده‌ام  
 ز کاول<sup>۹</sup> میمای با من<sup>۱۰</sup> سخن  
 برافراخت<sup>۱۱</sup> گوش و فرو<sup>۱۲</sup> برد یال  
 زیانت بدین<sup>۱۴</sup> راستی پادشاست<sup>۱۵</sup>  
 دل دشمنان بر تو بر شاد بود  
 به تنگی دل<sup>۱۸</sup> از جای برخاستی  
 بسازم کنون<sup>۲۱</sup> تیز<sup>۲۲</sup> بازار تو  
 فرستم بدست تو ای<sup>۲۴</sup> نیکخواه  
 روان و دلش<sup>۲۸</sup> سوی داد آورم<sup>۲۷</sup>  
 به کام تو گردد<sup>۳۰</sup> همه کار ما

۱- ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): که گر؛ متن = ف، س (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲- ف، ل: نیازمست؛ س: سارمست (نقطه ندارد)؛ متن = و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: نگفتی (لی: تو گفتی) که هرگز نیازمست؛ ق این بیت را ندارد، ولی آترا در میان سطرها افزوده‌اند ۳- س، ق، آ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): کاری؛ متن = ف، ل، لن، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- ف، ل، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): به بار آرمست؛ س: بپیرایمست؛ متن = لی، و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بوم پهلوان را غلام و رهی به کاری اگر هیچ فرمان دهی  
 ۵- لی: <همی> (وزن نادرست است) ۶- لن، لی، پ: بنزد ۷- ف: ایستاده‌ام (وزن نادرست است) ۸- لن، ق، آ، پ، ب: تن زنده؛ و: دل و دیده؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، آ ۹- ف- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- و: دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

بکن هر چه خواهی که پیمان (ب: فرمان) تراست بکابل گزندی بود آن مراست (آ، ب: ممراست)

ق<sup>۲</sup>: یکایک گزیدی توجان مراست

لی: زبانم بدین راستی برگواست (= ۹۷۵ ب)

۱۱- س، ب: بفراخت؛ ق، و: برافراخت؛ لی این بیت را انداخته است؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، آ ۱۲- لی: برو؛ آ: نزد ۱۳- ل: کاری چنینست؛ لی این بیت را انداخته است؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- ل، ق، و: زبان تو بر؛ س، آ: زیانت برین؛ لی: زبانم بدین؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، ب ۱۵- ف، ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): راستی برگواست؛ متن = س، لن، پ ۱۶- لن، پ: بر ۱۷- و: زما ۱۸- لی، و: بدل تنگی ۱۹- لن، پ: تند؛ ق<sup>۲</sup>: تیره؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۰- لی: با ۲۱- س، و، آ، ب: کنم؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۲- پ: نیز ۲۳- س: خواهم نبستن؛ ق: بنویسم اکنون ۲۴- ل، س، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): یکی؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): بدست تو ای پره‌نر؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۵- ل: هرچ ۲۶- لن، پ: باشد؛ ق: گوید ۲۷- س، لن، لی، پ: آوریم؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۲۸- ف: مگر کان دلش؛ ب: زبان و دلش؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۹- ب: مان ۳۰- لی: باشد؛ ل، لن- پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

ببازو کند شیر همواره کار

هرآنجا که اوشد (ق: اورا) بپاید (ق<sup>۲</sup>، آ: نیاید؛ لی: بیاید؛ پ: بیامد؛ ب: نیابد) شکار

ل: هرآنجا که کو بیاید شکار

این بیت در ف، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست

## گفتار اندر نامه فرستادن سام نریمان بنزدیک شاه منوچهر<sup>۱</sup>

نپسینده<sup>۲</sup> را پیش بنشانند  
 سر نامه کرد آفرین خدای  
 از ویست نیک و بد و هست و نیست<sup>۵</sup>  
 ۹۸۵ هرآن چیز کو خواست اندر<sup>۶</sup> بوش  
 خداوند کیوان و خورشید<sup>۹</sup> و ماه  
 به رزم اندرون زهر<sup>۱۱</sup> تریاک سوز  
 گراینده<sup>۱۳</sup> گرز و گشاینده شهر<sup>۱۴</sup>  
 کُشنده<sup>۱۶</sup> درفش فریدون به جنگ  
 ۹۹۰ ز باد<sup>۱۸</sup> دبوس<sup>۱۹</sup> تو کوه بلند  
 همان<sup>۲۱</sup> از دل پاک<sup>۲۲</sup> و پاکیزه کیش  
 یکی بندهام من<sup>۲۵</sup> رسیده بجای  
 همی<sup>۲۸</sup> گرد کافور گیرد سرم  
 بیستم میان را یکی<sup>۳۰</sup> بنده وار<sup>۳۱</sup>  
 ۹۹۵ عنان پیچ و اسپ افگن<sup>۳۳</sup> و گرزدار<sup>۳۴</sup>

ز هر در سخن ها همی راندند<sup>۳</sup>  
 کجا هست<sup>۴</sup> و باشد همیشه بجای  
 همه بندگانیم و ایزد یکیست  
 برآنست<sup>۷</sup> چرخ روان را روش<sup>۸</sup>  
 و زو<sup>۱۰</sup> آفرین بر منوچهر شاه  
 به بزم اندرون ماه<sup>۱۲</sup> گیتی فروز  
 ز<sup>۱۵</sup> شادی به هرکس رساننده بهر  
 کُشنده سرافراز جنگی پلنگ<sup>۱۷</sup>  
 شود خاک نعل سرافشان<sup>۲۰</sup> سمنند  
 به آبشخور آری<sup>۲۳</sup> همه<sup>۲۴</sup> گرگ و میش  
 به<sup>۲۶</sup> مردی به شست<sup>۲۷</sup> اندر آورده پای  
 چنین داد<sup>۲۹</sup> خورشید و ماه افسرم  
 ابا جادوان<sup>۳۲</sup> ساختم کارزار  
 چو من کس ندیدی به گیتی<sup>۳۵</sup> سوار

۱- ف: گفتار اندر نامه فرستادن سام بنزدیک شاه منوچهر و فرستادن زال را بخدمت؛ ل: نامه سام نزد شاه منوچهر؛ س، پ: نامه سام بنزد منوچهر و رفتن زال با نامه بنزد شاه منوچهر (پ: زال برسولی)؛ لن: نامه سام بنزدیک منوچهر؛ ق: نامه سام بشاه منوچهر و رفتن زال زر برسولی)؛ آ: فرستادن سام زال را بنزد منوچهر؛ متن = آغاز ف ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-

چو من دست بردم به گرز گران  
 برآورده گردن ز گردن کشان<sup>۱</sup>  
 برون<sup>۲</sup> آمد و کرد گیتی<sup>۳</sup> چو کف  
 همان<sup>۴</sup> کوه تا کوه بالای<sup>۵</sup> او  
 همی داشتندی شب و روز پاس  
 همان روی کشور<sup>۶</sup> ز درندگان<sup>۷</sup>  
 زمین زیر زهرش همی بفروخت  
 همان از هوا درکشیدی عقاب<sup>۸</sup>  
 جهانی مرو را<sup>۹</sup> سپردند جای  
 که با او<sup>۱۰</sup> همی دست یارست سود<sup>۱۱</sup>  
 بیفگندم<sup>۱۲</sup> از دل همه<sup>۱۳</sup> ترس و باک  
 نشستم بران پیل<sup>۱۴</sup> پیکر سمند  
 به بازو کمان و به گردن سپر  
 مرا تیز جنگ و<sup>۱۵</sup> ورا تیز دم  
 که بر آژدها گرز خواهم کشید  
 کشان موی سر<sup>۱۶</sup> بر زمین چون کمند<sup>۱۷</sup>  
 زفر بازکرده فگنده به راه  
 مرا دید و<sup>۱۸</sup> غرید و<sup>۱۹</sup> آمد به خشم  
 که دارد<sup>۲۰</sup> مرا<sup>۲۱</sup> آتش<sup>۲۲</sup> اندر کنار

بشدا آب گردان مازندران  
 ز من گر نبودی به گیتی نشان  
 چنان<sup>۱</sup> آژدها کو<sup>۲</sup> زه رود<sup>۳</sup> کشف  
 زمین شهر تا شهر پهنای<sup>۴</sup> او  
 جهان<sup>۵</sup> را ازو بود دل پر<sup>۶</sup> هراس  
 هوا پاک دیدم ز پرنندگان  
 ز تفس همی پر کرگس بسوخت  
 نهنگ دژم برکشیدی از<sup>۷</sup> آب  
 زمین گشت بی مردم و چارپای  
 چو دیدم که اندر جهان کس نبود  
 به زور جهاندار یزدان پاک  
 میان را بیستم به نام بلند  
 به زین<sup>۸</sup> اندرون گزه‌ی گاوسر  
 برفتم بسان نهنگ<sup>۹</sup> دژم  
 مرا کرد پدرود هرکو<sup>۱۰</sup> شنید<sup>۱۱</sup>  
 رسیدمش و دیدم<sup>۱۲</sup> چو کوهی<sup>۱۳</sup> بلند  
 زبانش بسان درختی سیاه  
 چو دو آبگیرش پر از خون دو چشم  
 گمانی چنان بودم<sup>۱۴</sup> ای شهریار

۱- و: برفت؛ درو این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲- ل این بیت را ندارد؛ درو (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت به گونه ای دیگر آمده است (پ ۱۵)؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ ف پس از این بیت يك بیت افزوده است که تنها در و (و نیز لن<sup>۲</sup>) آمده است (پ ۱۵، بیت سوم)  
 ۳- س: جزان؛ لن، ق، آ، پ؛ چو آن؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، آ، ب ۴- س: کس ۵- ل، س، ق، لی، ب؛ به؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، و، آ ۶- ق، آ، لی، و؛ کوه ۷- س، ب؛ پدید؛ آ: همی ۸- ب؛ دریا ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ پهنای؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۰- آ: هم از ۱۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ پهنای؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۲- ق، آ؛ هوا ۱۳- س، و؛ در ۱۴- ل، لن، و، ب (و نیز لن<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ گیتی؛ متن = ف، س، آ (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۵- و؛ پویندگان ۱۶- ل، س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب؛ ز؛ متن = ف، ق، پ ۱۷- ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ به دم درکشیدی ز گردون عقاب؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ همان از هوا تیز (لی، ب؛ نیز پُران عقاب؛ س<sup>۲</sup>)؛ فرود آوردی ز گردون عقاب؛ متن = ف ۱۸- ل، ق؛ همه یکسر او را؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ جهان جمله او را؛ و؛ که از بیم او را؛ (لن<sup>۲</sup>)؛ که از بیمش او؛ متن = ف، س، آ (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۹- لی؛ وی ۲۰- ق، و؛ یارد بسود؛ ق، آ؛ که یارست با او نبرد آزمود ۲۱- و؛ برون کردم ۲۲- لی؛ همی ۲۳- لن؛ بر پیل؛ لی؛ بدین پاک ۲۴- س؛ بچنگ؛ ق، آ؛ بزیر ۲۵- ب؛ پلنگ ۲۶- ل، لی، پ، ب؛ <و> (وزن نادرست است)؛ در آ این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ؛ هرکان؛ و؛ هرکس؛ (ل<sup>۲</sup>)؛ هرکم؛ لن<sup>۲</sup>؛ هرک (این)؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۲۸- ف (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ بدید؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ در آ این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است ۲۹- ل، ق؛ ز سر تا به دمش؛ ق<sup>۲</sup>؛ رسیدمش دیدم؛ لی؛ رسیدم بدیدم؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ف، لن، پ، و، آ، ب ۳۰- ل، لن، ق، پ، آ؛ کوه؛ متن = ف، ق، آ، لی، و، ب ۳۱- ب؛ خود ۳۲- ق؛ کشان بر زمین موی همچون کمند ۳۳- ل، س، پ؛ <و>؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۳۴- س، لن؛ غرنده ۳۵- ل- آ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ بردم؛ متن = ف ۳۶- س؛ بارد ۳۷- لن، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ مگر؛ متن = ف، ل، س، و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۳۸- و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ دوزخ

- ۱۰۱۵ جهان پیش چشمم چو دریا نمود  
 ز بانگش بلرزید روی زمین  
 برو<sup>۳</sup> برزدم بانگ برسان<sup>۴</sup> شیر  
 یکی تیر الماس پیکان خدنگ  
 چو شد دوخته يك کران<sup>۶</sup> دهانش  
 هم اندر زمان دیگری همچنان<sup>۱۰</sup>  
 سدیگر<sup>۱۲</sup> زدم بر میان زفرش<sup>۱۳</sup>  
 چو تنگ اندرآورد با من زمین  
 به نیروی یزدان گیهان خدای<sup>۱۸</sup>  
 زدم بر سرش گزهی گاوچهر  
 شکستم سرش<sup>۲۱</sup> چون سر<sup>۲۲</sup> زنده پیل  
 به زخمی چنان شد که دیگر نخاست<sup>۲۵</sup>  
 کشف رود پر خون و<sup>۲۶</sup> زرداب گشت<sup>۲۷</sup>  
 جهانی برآن<sup>۲۹</sup> جنگ نظاره بود  
 مرا سام یکزخم از آن خواندند  
 ۱۰۳۰ کزو<sup>۳۳</sup> بازگشتم تن روشنم  
 فرو ریخت از باره<sup>۳۶</sup> برگستوان
- به ابر سیه برشده تیره دود  
 ز زهرش جهان<sup>۱</sup> شد چو دریای چین<sup>۲</sup>  
 چنان چون بود کار مرد دلیر  
 به چرخ اندرون راندمش<sup>۵</sup> بی درنگ  
 بماند ای<sup>۷</sup> شگفتی به<sup>۸</sup> بیرون زبانش<sup>۹</sup>  
 زدم بر دهانش<sup>۱۱</sup> بیچید از آن  
 برآمد همی جوش<sup>۱۴</sup> خون از جگرش  
 برآختم<sup>۱۵</sup> این<sup>۱۶</sup> گاو سر گرز کین<sup>۱۷</sup>  
 برانگیختم پیلتن را ز جای<sup>۱۹</sup>  
 برو<sup>۲۰</sup> کوه بارید گفتی سپهر  
 فرو ریخت زو<sup>۲۳</sup> زهر چون آب<sup>۲۴</sup> نیل  
 ز مغزش زمین گشت با کوه راست  
 زمین جای آرامش و خواب گشت<sup>۲۸</sup>  
 که آن ازدها زشت<sup>۳۰</sup> پتیاره بود  
 جهان<sup>۳۱</sup> زر و گوهر برافشانند<sup>۳۲</sup>  
 برهنه بد<sup>۳۴</sup> از<sup>۳۵</sup> نامور جوشنم  
 وزین هست<sup>۳۷</sup> هرچند رانم زیان<sup>۳۸</sup>

۱- ل، لن، ق، ق، پ، و، آ: زمین؛ متن = ف، س، ب ۲- لی: ز زهرش چو دریا شده مرزچین ۳- ف، لی: بدو؛ متن = نه دستنویس دیگر بجز ل (و نیل، لن، آ) ۴- و: مانند ۵- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیل، لن، آ): راندم؛ ق: رزم را؛ متن = ف، ف، و (و نیل، لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

زدم بر یکی نیمه تیفوز (و: تیفوز؛ لن، آ: بی فوز) اوی  
 لن، ق، ق، لی، پ، آ، ب (و نیل، لن، آ) بجای بیت بالا افزوده‌اند:

بسوی زفر (لن: بسوری فرو) کردم آن تیر رام  
 بدان تا بدوزم (ق: بسوزد) زبانش بکام

ل، س هیچک از این بیت ها را ندارند ۶- ل: کنار از؛ س، لن، ق، لی، ب، آ (و نیل، لن، آ): کران از؛ ق، و (و نیل، لن، آ): کنار؛ متن = ف، ب ۷- ل-آ، ب (و نیل، لن، آ): از؛ متن = ف ۸- ق: ز ۹- و (و نیل، لن، آ): سرین و میانش (!) ۱۰- ق: دیگری را چنان ۱۱- و: زدم بر دگر سو ۱۲- ل، ق، لی، آ: سه دیگر ۱۳- آ: ربرش (!) ۱۴- آ: موج ۱۵- ق: برانگیختم (وزن نادرست است)؛ ب: برآوردم ۱۶- لن، ق، لی، پ: آن؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل (و نیل، لن، آ) ۱۷- لی: گاو پیکر ز زمین؛ ف این بیت را دوبار نوشته است ۱۸- س، ب: کیهان خدیو ۱۹- س: باره برسان دیو؛ لی: پیل پیکر ز جای؛ ب: باره را همچو دیو ۲۰- ق: ابر ۲۱- س: تنش ۲۲- ل، س: تن؛ لی: <سر> (وزن نادرست است)؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ل (و نیل، لن، آ) ۲۳- لن، ق، لی، ب: ازو ۲۴- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ: رود؛ متن = ف، ق، ب ۲۵- س، آ: نخواست ۲۶- آ: <و> ۲۷- و: زهراب گشت؛ س: کشف رود چون خون و خوناب گشت؛ لن، لی، پ: کشف رود چون رود زرداب شد (لی: گشت)؛ متن = ف، ل، ق، ق، لی، ب ۲۸- لن، پ: شد؛ ل، لن، پ، آ، ب (و نیل، لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه (لی: همان) کوهساران پر از مرد وزن  
 همی (آ: همه) آفرین خواندندی بمن

این بیت در ف، س، و (و نیل، لن، آ) نیست ۲۹- س: برین؛ لی: بدان ۳۰- لن، پ، ب: سخت ۳۱- ق: همان؛ و: مهان ۳۲- لن، ق، لی، پ: جهانی بمن (ق: برو) گوهر افشانند؛ متن = ف، ل، س، آ، ب ۳۳- لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیل، لن، آ): چوزو؛ ق: ازو؛ متن = ف، ل، س، و (و نیل، لن، آ) ۳۴- ف: پدید آمد؛ س-آ، ب (و نیل، لن، آ): برهنه شد؛ متن = ل (و نیل، لن، آ) ۳۵- لی: آن ۳۶- ق: بار (!) ۳۷- لن، پ: وزوهست؛ ق: کنون هست؛ لی: وزان هست؛ ب: وزینست؛ متن = ف، ل، س، ق، آ ۳۸- ف: زبان (حرف دوم هم يك نقطه در بالا دارد و هم يك نقطه در زیر)؛ س، لن: زبان (حرف دوم نقطه ندارد)؛ آ: سخن (پساوند ندارد)؛ ق: هرچ اندرانم زیان؛ متن = ل، ق، لی، پ، ب؛ و: شد از دود زهرش تنم ناتوان

بران بوم تا سالیان بر نبود  
 چنین و جزین<sup>۲</sup> هرچه بودیم<sup>۳</sup> رای  
 کجا من چمانیدمی<sup>۵</sup> چارپای<sup>۴</sup>  
 ۱۰۳۵ کنون چند سالست<sup>۷</sup> تا<sup>۶</sup> پشت زین  
 همه گرگساران و مازندران  
 نکردم زمانی بروبوم یاد  
 کنون آن<sup>۱۳</sup> برافراخته یال من  
 بران<sup>۱۴</sup> هم که بودم<sup>۱۵</sup> نماند<sup>۱۶</sup> همی  
 ۱۰۴۰ کمندی بیانداخت از دست شست  
 سپردیم نوبت کنون زال را<sup>۱۷</sup>  
 یکی آرزو دارد اندر نهان  
 یکی آرزو کان به یزدان نکوست  
 نکردیم بی رای<sup>۲۵</sup> شاه بزرگ

جز از سوخته خار و خاور نبود  
 سران را<sup>۴</sup> سر آوردمی زیر پای  
 پرداختی شیر درنده جای  
 مرا تخت گاهست<sup>۹</sup> و اسپم زمین<sup>۱۰</sup>  
 برو<sup>۱۱</sup> راست کردم به گرزگران  
 ترا خواستم راد و<sup>۱۲</sup> پیروز و شاد  
 همان زخم کوبنده گویال من  
 برو گردگام<sup>۱۷</sup> خماند<sup>۱۸</sup> همی  
 زمانه مرا باشگونه<sup>۱۹</sup> بیست  
 که شاید<sup>۲۱</sup> کمربند و<sup>۲۲</sup> گویال را  
 بیاید بخواهد ز شاه جهان  
 کجا<sup>۲۳</sup> نیکویی زیر فرمان<sup>۲۴</sup> اوست  
 که بنده نباید که باشد سترگ

۱- لن: خاک و؛ آ: خاک؛ ب: خان و؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup>؛ س، ق، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت، ق بجای این بیت، و لن، لی، پ پس از بیت سپسین افزوده‌اند؛ ازان (س، ب: گراز؛ ا: وران) جنگ دیوان بگویمت (لن، ق، آ، لی: نگویمت) باز

ز پیکار (ق: ز بیداد) آن نامه گردد دراز (ق: بران)  
 این بیت در ف، ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) نیست ۲- ق: جزان ۳- لی: دیدیم ۴- ل: سراسر؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در لن، پ این بیت چنین آمده است (و پس از آن بیت پ ۱ را افزوده‌اند):

سرانرا سر آوردمی زیر پای کجا من چمانیدمی چارپای (= ۱۰۳۴ ب)  
 ۵- جهانیدمی؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ چرانیدمی ۶- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ بادپای؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، آ، ب؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در لن، لی، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و در لن، پ این بیت چنین آمده است:  
 نپرداختی شیر درنده جای چنین و جزین هرچه بودیم رای (= ۱۰۳۳ آ)  
 ف پس از این بیت ۱۰۳۴ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۰۳۵ افزوده‌اند:

در آباد و ویران نماندست جای که آنرا نه من یاد (و، لن<sup>۲</sup>: باز) کردم پیای  
 ۷- و: گاهست ۸- ف: بر؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۹- ف (و نیز ل<sup>۲</sup>): تخت و گاهست؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۰- لن، لی، پ، آ، ب: و جایم همین؛ ق: و بالین زمین؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در لی این بیت با بیت پیشین و در و با بیت پ ۶ پس و پیش شده است؛ در لن، پ پس از این بیت پ ۶ آمده است ۱۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بتو؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ترا؛ (ل: بدو)؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س ۱۲- لن، ق، آ، لی، پ، ب: نیز؛ و: شاه و؛ متن = ف، ل، س، ق، آ؛ در لی پس از این بیت بیت ۱۰۴۱ آمده است ۱۳- ل، ق، آ، لی، و، آ: این؛ متن = ف، س، لن، پ، ب ۱۴- ل، ق: بدان؛ متن = ده دستنویس دیگر بجز ل<sup>۲</sup> ۱۵- ل، س، ق، آ، لی، پ: بودی؛ لن، لی، پ: بود؛ متن = ف، ق، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۶- آ: نماندی ۱۷- س، ق، آ، لی، پ، ب: کرده گاهم؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ ۱۸- ل، لن، ق، آ، لی، پ: چماند؛ س: چماند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ: خماندی؛ متن = ف، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ و: تک روزگارم چماند ۱۹- س- پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): باژگونه؛ متن = ف، ل، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۰- و: سپردم کنون جای خود زال را ۲۱- س، لن: که ساید؛ و، آ: کشاید (= که شاید) ۲۲- آ: < و >؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۰۳۷ آمده است؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت و لی پس از بیت سپسین افزوده‌اند:

چو من کردم او دشمنان کم کند هنرهای او جای خرم (ق: دل بخرم؛ آ: دلت خرم) کند  
 ل<sup>۲</sup> پس از بیت ۱۰۴۱ دوباره آغاز میگردد؛ در س بیت های میان ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ درهم ریخته‌اند ۲۳- ل: که گر ۲۴- لن، ق، آ، لی، پ: پیمان؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ل، آ، ب؛ در ق این بیت چنین آمده است:

ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۰۴۳ افزوده‌اند:  
 که آن آرزو بر به یزدان نکوست  
 کونون بنگری زیر فرمان اوست

ازین آرزو گرچه خیزد بداد  
 ۲۵- ل: راه؛ لن این بیت را ندارد؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:

یکسی نامه بنوشت سام سوار  
 و پس از آن سرنویس دارد: نامه سام بمنوچهر و رفتن زال



شنیده‌ست شاه جهانبان من  
همی چاك چاك آمدش زاستخوان<sup>۲</sup>  
سزاتر<sup>۵</sup> که آهننگ کاول<sup>۷</sup> کنی  
فکنده به دور از میان گروه<sup>۸</sup>  
چو سرو سهی بر سرش گلستان<sup>۱</sup>  
ازو شاه را کین نباید گرفت  
که بخشایش آرد هراَنکش بدید<sup>۱۳</sup>  
چنان رفت پیمان<sup>۱۶</sup> که بشنید شاه<sup>۱۷</sup>  
چُن<sup>۲۰</sup> آمد<sup>۲۱</sup> بنزدیک تخت بلند<sup>۲۲</sup>  
ترا خود نیاموخت<sup>۲۵</sup> باید خرد

۱۰۴۵ همانا که با زال پیمان من  
به پیش من آمد پر از خون رخان<sup>۱</sup>  
مرا گفت بر دار آمل<sup>۲</sup> کنی  
چو پروردهی مرغ باشد به کوه  
چنان ماه بیند به کاولستان<sup>۱</sup>  
۱۰۵۰ چو دیوانه گردد<sup>۱۱</sup> نباشد شگفت  
کنون رنج<sup>۱۲</sup> مهرش به جایی رسید  
ز بس رنج<sup>۱۴</sup> کو دید<sup>۱۵</sup> بر بی گناه  
گسی کردم<sup>۱۸</sup> با دلی<sup>۱۹</sup> مستمند  
همان<sup>۲۳</sup> کن که با<sup>۲۴</sup> مهتری درخورد

۱- س: همانا با؛ ف، و پس از این بیت پنج بیت (و لن<sup>۲</sup> تنها سه بیت نخستین را) افزوده‌اند:

که هر آرزو کان گو سرفراز  
بر من سوی گرگساران پیام  
ز مازندران من بدین کار باز  
ندیدم ( و: بریدم) بدین آرزو راه را  
چو برگشتم از درگه شهریار 5

لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از بیت ۱۰۴۵ افزوده‌اند:

چو باز آوریدم ز (لی: آوریدمش از) البرز کوه  
ق، آ: چو آوردم اورا ز البرز کوه

لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از بیت بالا و ل، ق، ل (و نیز ل<sup>۳</sup> پس از بیت ۱۰۴۵ افزوده‌اند:

درین روزهاکردزی ما (آ، ل، ب: من) بسیج (ق: گربسیچم همی)  
که ازرای اوسرنبیچم بهیج (ل: نیبیچم هیج؛ ق: نیبیچم همی)

لی، پ: درین (پ: ازین) روزکردش سوی من (لن: <من>) بسیج

لی: درین روز کرد او سوی تو بسیج

این بیت در ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) نیست ۲- ف، لن، ق، آ، لی، پ، ل: خون و خاک؛ متن = ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>) ۳- لی: ز آسمان  
چاك چاك؛ لن، ق، آ، پ، ل: همی آمدش زاستخوان چاك چاك؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ در ف لت دوم را چنین تصحیح کرده‌اند:  
همی آمدش ز استخوان چاك چاك ۴- ل: کابل ۵- آ: سرانرا (→ سزاتر)؛ ب: از آن به ۶- س: چو ۷- ف، ل، س، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ کابل؛ ل: آمل؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ل، ق: نشانی شده در میان گروه؛ ل: فکنده من او از میان گروه؛ متن = نه دستنویس دیگر  
(و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ پیاپی بیت های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۸ در س: ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۸، ۹- ف- ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>):  
کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ف: بوستان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>) ۱۱- لن، ق، آ، پ، ب: باشد  
۱۲- ل: رنج و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- س: هراَنکس بدید؛ و: هراَنکس که دید؛ آ: ورا هرکه دید؛ ب: آورد هرکش بدید؛ متن = هشت  
دستنویس دیگر ۱۴- ل- ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ درد؛ متن = ف ۱۵- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: خورد؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>) ۱۶-  
ق: آن هم ۱۷- و (و نیز لن<sup>۳</sup>)؛ مرا روز از اندوه او شد سیاه؛ در ف لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۸- و، ب: فرستادمش  
۱۹- س- لی، ل، آ، ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ دل شده؛ پ: بادل؛ متن = ف، ل، و، آ (و نیز لن<sup>۳</sup>) ۲۰- ل- ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ چو؛ متن = ف ۲۱- ل- و، ب  
(و نیز لن<sup>۳</sup>)؛ آید؛ متن = ف، آ، ل (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ و (و نیز لن<sup>۳</sup>)؛ بدن بارگاه بلند ۲۳- ق: تو آن ۲۴- آ: از ۲۵- ف، لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب:  
نیامخت؛ متن = ل، س، ق، لی، و، آ (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>)؛ لن پس از این بیت يك بیت و ق- ب (و نیز ل، لن<sup>۳</sup>) دو بیت افزوده‌اند:

بگیتی مرا خود همینست و بس چه انده‌گسار و چه فریادرس

ز سام نریمان بشاه جهان هزار (ل: هم از) آفرین بادو هم بر مهان (ق: در هر زمان)

این بیت هادرف، ل، س، و بیت دوم در لن نیست

۱۰۵۵ چو نامه نبشتند<sup>۱</sup> و شد رای راست  
 بیامد به زین اندرآورد پای  
 سَند زود<sup>۲</sup> دستان<sup>۳</sup> و بر پای خاست  
 برآمد خروشیدن<sup>۴</sup> کره‌نای<sup>۴</sup>  
 چو در کاول<sup>۵</sup> این داستان فاش گشت<sup>۶</sup>  
 برآشفت و<sup>۸</sup> سیندخت را پیش خواند  
 چُنین<sup>۱۱</sup> گفت کاکنون جزین رای نیست<sup>۱۲</sup>  
 ۱۰۶۰ که آرمت<sup>۱۵</sup> با دخت ناپاک تن  
 مگر شاه ایران ازین<sup>۱۶</sup> خشم<sup>۱۷</sup> و کین  
 چو بشنید سیندخت<sup>۲۰</sup> بنشست پست<sup>۲۱</sup>  
 سر مرزبان پر ز پرخاش<sup>۷</sup> گشت<sup>۶</sup>  
 همه<sup>۹</sup> خشم رودابه بر وی<sup>۱۱</sup> براند  
 که<sup>۱۳</sup> با شاه گیتی مرا پای نیست<sup>۱۴</sup>  
 کُشم زارتان بر سر انجمن  
 برآساید و رام<sup>۱۸</sup> گردد برین<sup>۱۹</sup>  
 دل چاره‌جوی اندر اندیشه بست<sup>۲۲</sup>

۱- ل، لن، ق، لی، و، آ: نوشتند؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س) ۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، ب: دست؛ و: نامه؛ متن = ف، ل، ق، آ ۳- لی: < و >؛ پ پس از این بیت سه بیت و ل، ق تنها بیت های یکم و سوم را افزوده‌اند:

چو خورشید سر سوی خاور نهاد  
 بخفت و بیاسود تا بامداد  
 ق، پ: شب از تیرگی تاج بر سر نهاد

بخفت و بیاسود تا بامداد  
 چو آن جامه سوده بفکند شب  
 از اندیشه بر دل نیامدش یاد  
 سپیده بخنیدید و بگشاد لب

۴- ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بسوی شهنشاه بنهاد روی  
 ابا نامه سام آزاده خوی (پ: بابک دادجوی)

و پس از بیت ۱۰۵۶ افزوده است:

ز زاولستان رخ بایران نهاد  
 دلی پر ز انده سری پر ز باد

برخی از دستنویس ها پس از بیت ۱۰۵۶ سرنویس دارند؛ ف: گفتار اندر رسیدن زال بنزدیک شاه منوچهر و دیدن شاه او را و پسندیدنش (و پس از آن افزوده است: گفتار اندر ترتیب دادن آنگ سیندخت را برسولی بنزدیک سام فرستد شاه کابل مهربان؛ س، لی: خشم گرفتن مهربان بر سین دخت (س: . . . از بهر رودابه)؛ لن: رفتن سین دخت بنزدیک سام با خواسته؛ ق: خیر یافتن مهربان کابل از خشم منوچهر؛ پ: آگاه شدن مهربان از کار منوچهر؛ و: رفتن سین دخت نزد سام نریمان؛ آ: آمدن سیمدخ بنزدیک سام؛ ب: آغاز داستان ۵- ف- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س)؛ کابل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ و: بکابل چو؛ (لن: یکایک چو) ۶- ب: شد ۷- لی، و: فرخاش ۸- لی: < و > ۹- ل: همی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۰- ل (و نیز ل، آ، س)؛ با او؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۱۱- لن، ق، آ، پ- ب (و نیز لن، آ)؛ بدو؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س، ق، لی (و نیز ل، آ، س) ۱۲- و: نیست رای ۱۳- س، لی، و، ب (و نیز لن، آ، س)؛ چو ۱۴- و: نیست پای ۱۵- س، لی، و: بیارمت ۱۶- لن، پ: ازان؛ ق: آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س)؛ جنگ ۱۷- لی: جنگ ۱۸- س: برآساید آرام؛ لن، پ: بیاساید و رام ۱۹- ل- ب (و نیز ل، آ، س)؛ زمین؛ متن = ف؛ ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س) پس از این بیت افزوده‌اند:

به (پ: ز) کابل (آ، ب: یکایک) که با سام یارد چخید  
 که خواهد از آن (لن، پ: همی) زخم گرزش چشید

ل، لی، ب: از آن (لی: مران) زخم گرزش که یارد چشید

این بیت در ف، س، ق، و (و نیز در لن، آ، س) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند ۲۰- پ: چو سیندخت بشنید ۲۱- ق، آ، ل، آ، پ: پیش نشست ۲۲- ق: اندران کار بست؛ ف، و، ب (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

همه روز تا شب در (ب: و آنشب به) اندیشه بود  
 دلش از بس اندیشه چون بیشه بود

ب: ز مهربان را دل پر اندیشه بود

و (و نیز لن، آ) پس از بیت بالا دو بیت و ب یک بیت افزوده‌اند:

دگر روز چون خور برآمد (ب: هور برشد) بلند  
 بر گرد مهربان شد چاره‌جوی

ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، آ) بجای بیت های بالا و ب پس از بیت های بالا افزوده‌اند:

یکی چاره آورد از دل بجای (ل، آ: که چاره بدل آورد او بجای)  
 که بد ژرف بین او به تدبیر و رای (ل، ق: و فزاینده رای)

ق، آ، ب: که او ژرف بین بد به تدبیر و رای

س (و نیز س، آ) هیچیک از بیت های بالا را ندارند

۱۰۶۵ وُزان پس دوان<sup>۱</sup> دست کرده به کش  
بدو گفت بشنو ز من يك سَخُن<sup>۲</sup>  
ترا خواسته گر ز بهر تن ست<sup>۳</sup>  
اگر چند باشد<sup>۴</sup> شب<sup>۵</sup> دیر یاز  
شود روز، چون چشمه رخشان شود،  
بدو گفت مهرباب کز باستان  
بگوی<sup>۱۳</sup> آنچه<sup>۱۴</sup> دانی و جان را بکوش<sup>۱۵</sup>  
۱۰۷۰ بدو گفت سیندخت کای سرفراز  
مرا رفت باید همی<sup>۱۹</sup> پیش<sup>۲۰</sup> سام  
ز من جان و رنج<sup>۲۳</sup> و ز تو خواسته  
بدو گفت مهرباب کاینک<sup>۲۵</sup> کلید  
پرستنده و اسپ و تخت<sup>۲۶</sup> و کلاه  
۱۰۷۵ مگر<sup>۲۹</sup> شهر کاول<sup>۳۰</sup> نسوزد<sup>۳۱</sup> به<sup>۳۲</sup> ما  
چنین گفت سیندخت کای<sup>۳۳</sup> نامدار  
نباید که چون من شوم<sup>۳۵</sup> چاره جوی

بیامد بر شاه خورشیدفش<sup>۲</sup>  
چو دیگر یکی<sup>۴</sup> کامت<sup>۵</sup> آید بکن  
بیخش و بدان<sup>۸</sup> کین شب آبستن ست  
برو<sup>۱۱</sup> تیرگی هم نماند دراز  
زمین<sup>۱۲</sup> چون نگین بدخشان شود  
مزن در میان یلان داستان  
وگر<sup>۱۶</sup> چادر خون به تن بر<sup>۱۷</sup> پیش  
بود که ت به خونم نیاید<sup>۱۸</sup> نیاز  
کشیدن مرین<sup>۲۱</sup> تیغ را از نیام<sup>۲۲</sup>  
سپردن به من<sup>۲۴</sup> گنج آراسته  
غم گنج هرگز نباید کشید  
بیارای<sup>۲۷</sup> و با خویشان بر به راه<sup>۲۸</sup>  
چو پژمرده شد برفروزد به ما  
بجای<sup>۳۴</sup> روان، خواسته خواردار  
تو رودابه را سختی آری بروی

۱- س، ق: ۲؛ روان؛ ب: < دوان > (وزن نادرست است) ۲- لی: وش؛ درو (و نیز در لن<sup>۲</sup>) این بیت چنین آمده است:

چنین گفت کای شاه خورشید فش همه شربت بی مرادی مجش

۳- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ز من بشنو از ابتدا يك سخن ۴- ق: وزانپس کجا ۵- ق: ۲؛ رایب (یا: راست) ۶- لی: پس آنگه هرآنچه مرادست کن؛ و: وزانپس هرآنچه بیاید بکن ۷- ق: زنت؛ ق: ۲؛ آ: منست ۸- ل (و نیز س<sup>۲</sup>): بین و بدان؛ س: بدان و بده؛ ق: بده تو بدان؛ لی: مدار اندوهان؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۹- س، ق: ۲؛ لن: باشی ۱۰- س، ق: ۲؛ ل: شبی ۱۱- آ: بدو ۱۲- ل، لن، ق: ۲؛ لی، پ، آ، ل: ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): جهان؛ متن = ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س)؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۱۳- ق، و: بگو ۱۴- ق، ق: ۲؛ پ، و، آ، ل: ب؛ آنچه؛ متن = ف، ل، س، لن، لی ۱۵- لی: بجای آرهوش ۱۶- لی، ل: ۲؛ و یا؛ پ: اگر ۱۷- س: به سربر؛ ق، لی، آ، ل: ۲؛ به تن در؛ و: خاک و خون را به تن در؛ متن = ف، ل، لن، ق: ۲؛ پ، ب ۱۸- ق: ۲؛ < نیاید > (پاک شده است)؛ ل: ۲؛ نباشد؛ س، لن، لی، پ: بود کت نیاید (پ: بیاید) بجزی (س: بخونم)؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ب ۱۹- لی، ب: همی رفت باید ۲۰- ل: بنزدیک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- آ: زین ۲۲- ل: زبان برگشایم چو تیغ از نیام؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل- پ، آ، ل: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند (در ل، ق، وزن در ل دوم نادرست است): بگویم بدو آنچه (پ، آ، ل: ۲؛ ب: آنچه) گفتن سزد (ق: آنچه بایستی)

خرد خام گفتارها (لن، لی: گفتار او؛ ل: گفتهها) را پزد

ق: سخنهای نیکو < که > بایستی

این بیت در ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) نیست ۲۳- ل، س، لن، ق: ۲؛ پ، آ، ل: ۲؛ ز من رنج جان؛ ق: ز من رنج و جان؛ متن = ف، لی، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۴- ق: ۲؛ تو (ا) ۲۵- ل: بستان؛ س، لن، ق: ۲؛ لی، پ، آ، ب: کاینت؛ (لن: کانک)؛ متن = ف، ق، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۶- لن، لی، پ، آ: تخت و اسب؛ و: اسب و گنج؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق: ۲؛ ل: ب ۲۷- ل، ق: بیفروز؛ و: برآرای ۲۸- س: بیر آنچه خواهی و بر ساز راه ۲۹- ل: همه ۳۰- ف- ق: لی- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۱- پ: بسوزد ۳۲- ق: ز (ردیف نادرست است)؛ ق: این بیت را ندارد؛ در لن، لی، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۳- س، لن، لی، پ، آ، ل: ۲؛ با؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و، ب ۳۴- لن، پ: بخوایی؛ در لن، لی، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۵- ق: شدم

کنون با توام روز<sup>۳</sup> پیمان اوست<sup>۴</sup>  
پس آنگه به جلدی<sup>۶</sup> ره<sup>۷</sup> چاره جست

به در<sup>۹</sup> و به<sup>۱۰</sup> یاقوت پرمایه سر<sup>۱۱</sup>  
برون<sup>۱۴</sup> ریخت<sup>۱۵</sup> دینار چون سی هزار<sup>۱۶</sup>  
پرستنده پنجه به زرین کمر<sup>۱۸</sup>  
ز<sup>۲۰</sup> اسپان تازی و از<sup>۲۱</sup> پارسی  
یکی جام مر<sup>۲۳</sup> هر یکی را به دست  
یکی پر ز گوهر<sup>۲۵</sup>، یکی پر شکر<sup>۲۶</sup>  
طرازش<sup>۲۹</sup> همه گونه‌گونه گوهر  
چه زو سی<sup>۳۱</sup> به زهرآب داده پرنده  
صد استر همه بارکش، راه‌جوی  
ابا یاره و طوق و با گوشوار<sup>۳۳</sup>

ما در جهان انده<sup>۱</sup> جان اوست<sup>۲</sup>  
یکی سخت پیمان ستد زو<sup>۵</sup> نخست

۱۰۸۰ بیاراست تن را به دیبای زر<sup>۸</sup>  
پس<sup>۱۲</sup> از گنج خضرا ز<sup>۱۳</sup> بهر نثار  
ده<sup>۱۷</sup> اسپ گرانمایه با ساز زر  
به سیمین<sup>۱۹</sup> ستام آوریدند سی  
ابا طوق زرین پرستنده شست<sup>۲۲</sup>  
۱۰۸۵ پر از مشک و کافور و یاقوت<sup>۲۴</sup> و زر  
چهل تخت<sup>۲۷</sup> دیبای پیکر<sup>۲۸</sup> به زر  
به زرین و سیمین دو صد<sup>۳۰</sup> تیغ هند  
صد اشتر همه ماده و<sup>۳۲</sup> سرخ موی  
یکی تاج پر گوهر شاهوار

۱- لی، پ؛ چاره<sup>۲</sup> - ل: تست؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) - ۳- ف: کنم با توام زود (در بالا کنم را به کنون تصحیح کرده است)؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup> - ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>): کنون با تو امروز؛ متن = س، ق، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) - ۴- ل: یکی سخت پیمان خواهی درست؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

ندارم همی انده خویشتن ازویست (ل<sup>۲</sup>: کزویست) این درد و اندوه من

۵- آ: از؛ ل<sup>۲</sup>: زو ستد (وزن نادرست است) - ۶- ل، س، ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: بمردی؛ ق: بزودی؛ و: بدانش؛ متن = ف، ب - ۷- ق: در؛ ب در اینجا سرنویس دارد: آمدن سین دخت نزد سام - ۸- ف، ق: دیبای وزر؛ ل<sup>۲</sup>، پ: دیبا وزر؛ متن = هشت دستنویس دیگر - ۹- ق، لی، و: به زر - ۱۰- و: ز - ۱۱- ل<sup>۲</sup>، ن<sup>۲</sup>، و: تر؛ لی، ب: در؛ پ، آ: بر؛ ل<sup>۲</sup>: ولعل و گوهر؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ س، ق<sup>۲</sup>: پرستنده پنجه به زرین کمر (= ۱۰۸۲ ب) - ۱۲- آ: من - ۱۳- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): گنج زرش ز؛ س: گنج چینی ز؛ ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: گنج مهرباب؛ ق: نقد گنجی ز؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): خانه گنج؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>) - ۱۴- ل: برو؛ ق، و: فرو؛ متن = هشت دستنویس دیگر - ۱۵- ل<sup>۲</sup>، لی، پ: کرد؛ آ: آخت - ۱۶- ل<sup>۲</sup>، لی، پ، ل<sup>۲</sup>: سیصد هزار؛ آ: زین بدرها سی هزار؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب؛ بنداری؛ و: أخرجت ثلاثین ألف دینار برسم النثار؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است - ۱۷- ل، ق، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): صد؛ ل<sup>۲</sup>، پ: دو؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، و، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ بنداری؛ و عشرة من الخیول المذكورة - ۱۸- س: پرستنده پنجاه با زیب و فر؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است - ۱۹- ل: بزین؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر - ۲۰- س، و: از - ۲۱- ل: ز - ۲۲- لی، آ: شصت - ۲۳- ل: می؛ ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: زر؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر - ۲۵- س: برحسبه (نقطه ندارد)؛ ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ب: پر شراب و (لی: < و >)؛ ل<sup>۲</sup>: پر ز عنبر؛ متن = ف - ۲۶- ل<sup>۲</sup>، لی، پ: پر گهر؛ متن = ف، س، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: ل: ز پیروزه چند و چندی گهر؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): طرازش همه گونه‌گونه گهر (= ۱۰۸۶ ب) - ۲۷- ل، ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ب: جامه؛ س، ق، ل<sup>۲</sup>: رزمه؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>) - ۲۸- ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ب: نیکو؛ لی: رومی؛ متن = ف، ل، س، ق، ل<sup>۲</sup> - ۲۹- آ: هزارش؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۰۸۹ آمده است؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۰۸۵ ب و ۱۰۸۶ آ را انداخته و از ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ ب يك بیت ساخته‌اند - ۳۰- ف، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): به زرینه قبضه دوصد؛ س: بزین نیام بود صد (وزن نادرست است)؛ ل<sup>۲</sup>، ق، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب این بیت را ندارند؛ متن = ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) - ۳۱- ل، ق: جزان سی؛ س: چو < ز > و سی؛ و: از آن سی؛ متن = ف - ۳۲- ل، ق: ماده؛ ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب این بیت را ندارند؛ متن = ف، س، و؛ بنداری نیز این بیت و بیت پیشین را دارد: و مائة قطعة من السیوف الهندية والصوارم المشرفية، و مائة ناقة حمر. . . - ۳۳- ل، ق، ق، لی، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ابا طوق و بایاره و گوشوار؛ س: همان طوق و هم یاره و گوشوار؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup>، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ در لی پس از این بیت بیت ۱۰۸۶ آمده است

۱۰۹۰ بسان سپهری یکی تخت زر  
 بهرش<sup>۴</sup> خسروی بیست پهنای او<sup>۵</sup>  
 وزان زنده پیلان جنگی<sup>۶</sup> چهار<sup>۷</sup>  
 چو برساخت کار<sup>۱۱</sup> اندرآمد به اسپ  
 بیامد گرازان به<sup>۱۴</sup> درگاه سام  
 ۱۰۹۵ به کار آگهان گفت تا<sup>۱۶</sup> ناگهان  
 که آمد فرستاده‌یی کاوی<sup>۲۰</sup>  
 ز مهرباب گرد آوریده پیام  
 بیامد<sup>۲۴</sup> بر سام یل پرده‌دار  
 فرود آمد از اسپ سیندخت و<sup>۲۶</sup> رفت  
 ۱۱۰۰ زمین را ببوسید و کرد آفرین  
 نثار و پرستنده و اسپ و پیل  
 یکایک همه پیش سام آورید  
 پُر اندیشه بنشست برسان مست  
 که‌جایی کجا مایه چندین بود

برو بافته<sup>۲</sup> چند گونه گوهر<sup>۳</sup>  
 چو<sup>۴</sup> سیصد فزون بود بالای او<sup>۵</sup>  
 همه جامه و<sup>۱۱</sup> فرش کردند بار  
 چو گردی<sup>۱۲</sup> به کردار آذرگشسپ<sup>۱۳</sup>  
 نه آواز داد<sup>۱۵</sup> و نه برگفت نام  
 بگویند<sup>۱۷</sup> با سرفراز<sup>۱۸</sup> جهان  
 بنزد سپهبد یل<sup>۲۱</sup> زاولی<sup>۲۲</sup>  
 بنزد سپهبد جهانگیر<sup>۲۳</sup> سام  
 بگفت و بفرمود تا داد بار<sup>۲۵</sup>  
 به پیش سپهبد خرامید<sup>۲۷</sup> تفت  
 ابر شاه و بر پهلوان زمین  
 رده<sup>۲۸</sup> برکشیده ز در تا دو میل<sup>۲۹</sup>  
 سر پهلوان خیره شد کان<sup>۳۰</sup> بدید  
 به کش کرده دست و سرافکنده پست  
 فرستادن زن چه آیین بود

۱- ق<sup>۲</sup>: طوق زر؛ ق: بساطی بسان سپهری بزر ۲- ل (و نیز س<sup>۲</sup>): برو ساخته؛ س: درو ساخته؛ لن، پ: نشانده درو؛ ق<sup>۲</sup>، آ، ب: درو بافته؛ ل<sup>۲</sup>: درو یافته؛ ل<sup>۲</sup>: بدو بافته؛ متن= ف، ق ۳- (س<sup>۲</sup>: اندگونه گهر)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): برو کرده ترکیب بی مرگهر؛ لی از این بیت و بیت سپسین يك بیت ساخته است:

نشانده درو چند گونه گوهر رسن خسروی شصت پهنای زر  
 ۴- س، لن، ق<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): رش؛ ف، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ل، آ ۵- ب: شست بالای او؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): که صد گز فزون بود بالای اوی ۶- پ: ز ۷- ب: پهنای او؛ س (و نیز ل<sup>۲</sup>): سوار سرافراز بالای او؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): مگر شست گز بود پهنای اوی ۸- ل- ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): هندی؛ متن= ف، لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۹- لی: هزار؛ بنداری: وأربعة من القيلة الهائلة ۱۰- و: جامه؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند؛ ق، ق<sup>۲</sup>: رفتن (ق<sup>۲</sup>: آمدن) سین دخت برسولی نزد سام نریمان (ق<sup>۲</sup>: <نریمان>)؛ ل<sup>۲</sup>: آمدن سین دخت نزد سام با خواسته ۱۱- لن، لی، پ: چو پردخت گنج؛ ق<sup>۲</sup>، آ، ب: چو پردخت (ب: پرداخت) کار؛ ل<sup>۲</sup>: چو بر نخت (!) کار؛ متن= ف (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- و: گردان؛ درل، س، ق این بیت چنین آمده است:

چو شد ساخته کار خود برنشست  
 چو گردی بمردی میان را بیست  
 س: عنان سست کرد آنگهی او بدست

۱۳- ف، ل، ق، ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

یکی ترک رومی بسر برنهاد  
 یکی باره‌یی زیرش اندر چو باد (ق<sup>۲</sup>: اندر نهاد)

ل، ق: یکی باره زیر اندرش همچو باد

۱۴- لی: خرامان ز ۱۵- س: گفت ۱۶- لن، پ: از؛ لی: کز؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۷- لن، لی، پ: بگوئید ۱۸- لن، لی، پ، و: با پهلوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- ف: مهان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۰- ف- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ق<sup>۲</sup>: یکی؛ (ل<sup>۲</sup>: گو)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): چمان چرمه زیر او ۲۲- ف- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): زابلی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۳- ف: جهاندار؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): بنزد جهانگیر فرخنده؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۴- ل<sup>۲</sup>: درآمد ۲۵- و: پرده‌دار (بساوند ندارد) ۲۶- ل: <و> ۲۷- ل، ق، لی، پ: خرامید؛ و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- ل<sup>۲</sup>: زده ۲۹- لی: چو دریای نیل؛ و: زره تا دو میل؛ لی پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سیندخت نزد سام برسولی ۳۰- آ: چون

- ۱۱۰۵ گرین<sup>۱</sup> خواسته زو<sup>۲</sup> پذیرم همه<sup>۳</sup>  
 وگر<sup>۴</sup> بازگردانم از پیش، زال  
 [برآورد سرگفت کین<sup>۵</sup> خواسته  
 شوید<sup>۹</sup> این<sup>۱۰</sup> به گنجور دستان دهید  
 پری روی<sup>۱۵</sup> سیندخت بر<sup>۱۶</sup> پیش سام  
 ۱۱۱۰ سه بت روی با او بیکجا بُدند  
 گرفته یکی<sup>۱۹</sup> جام هریک به بر<sup>۲۰</sup>  
 به پیش<sup>۲۳</sup> سپهبد فروریختند  
 چو با پهلوان کار برساختند  
 چنین گفت سیندخت با پهلوان  
 ۱۱۱۵ بزرگان ز<sup>۲۶</sup> تو دانش آموختند  
 به مهر<sup>۲۹</sup> تو شد بسته<sup>۳۰</sup> دست بدی  
 گنه‌کار اگر بود<sup>۳۲</sup> مهرباب بود  
 سر بی‌گناهان کاول<sup>۳۵</sup> چه کرد  
 پرستنده<sup>۳۶</sup> خاک پای تواند  
 ۱۱۲۰ از آن<sup>۳۸</sup> ترس کو هوش و زور آفرید<sup>۳۹</sup>  
 ز من گردد آشفته<sup>۴</sup> شاه رمه<sup>۵</sup>  
 برآرد بکردار سیمرخ یال<sup>۷</sup>  
 غلامان و پیلان آراسته  
 به نام<sup>۱۱</sup> بت<sup>۱۲</sup> کاولستان<sup>۱۳</sup> دهید<sup>۱۴</sup>  
 زبان کرد گویا و دل<sup>۱۷</sup> شادکام  
 سمن پیکر<sup>۱۸</sup> و سروبالا بُدند  
 پُر از سرخ<sup>۲۱</sup> یاقوت و دُر و گهر<sup>۲۲</sup>  
 همه يك به دیگر برآمیختند  
 ز بیگانه خانه پرداختند  
 که با رای<sup>۲۴</sup> تو پیر گردد جوان<sup>۲۵</sup>  
 به تو تیره گیهان<sup>۲۷</sup> بیفروختند<sup>۲۸</sup>  
 به<sup>۳۱</sup> گرزت گشاده ره ایزدی  
 ز خون دلش میزه<sup>۳۳</sup> سیراب<sup>۳۴</sup> بود  
 کجا اندرآورد باید به گرد  
 همه شهر<sup>۳۷</sup> زنده برای تواند  
 درخشنده ناهید و هور آفرید<sup>۴۰</sup>

۱- لن، پ: اگر؛ آ: کزین ۲- ب: زین ۳- آ: بدیدم همی ۴- ل- و، ل، ب (و نیز لن، س، آ): آزرده؛ متن = ف (و نیز ل، آ) ۵- لی، پ (و نیز ل، س، آ): شاه و رمه؛ آ: از آن بردل شاه باشد غمی ۶- پ: اگر ۷- س، ق، ق، آ (و نیز لن، س، آ): بال؛ و: نال (نقطه ندارد)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ): لن، لی در اینجا سرنویس دارند: دلخوشی دادن سام سیندخت را ۸- لی: این؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ): ل، س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): این بیت را ندارند ۹- ل: روید؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۱۰- لن- ب (و نیز ل، س، آ): و؛ متن = ف، ل، س ۱۱- ف، پ، و (و نیز لن، آ): پیام؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، س، آ) ۱۲- ل، ل، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، س، آ): مه؛ متن = ف، س، و، ب (و نیز لن، آ) ۱۳- ف- ب (و نیز ل، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۴- س، لن، ق، ق، آ، ل، ب (و نیز س، آ): نهید؛ متن = ف، ل، لی، پ، و، آ (و نیز ل، س، آ) ۱۵- لن، ق، آ- ب: پری چهره؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز ل، س، آ) ۱۶- لن- پ، آ، ل، ب: در؛ متن = ف، ل، س، و ۱۷- و، آ: گویا دل و؛ ل، لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند: چو آن هدیه او (ل): هدیه‌ها را پذیرفته دید رسیده بهی و بدی رفته دید این بیت در ف، س، و (و نیز در لن، س، آ) نیست ۱۸- ق: پری پیکر ۱۹- س: گرفتند يك ۲۰- ل، ق (و نیز ل، آ): بدست؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): بکف؛ و (و نیز لن، آ): زرز؛ متن = ف ۲۱- و: لعل و ۲۲- س: در و صدف؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: در پیش صف؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ): ل، ق (و نیز ل، آ): بفرمود کامد بجای نشست؛ در ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳- لن، لی، پ: بنزد؛ در ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۴- و: فر ۲۵- ل، آ: سر پهلوانان و پشت گوان (= ۱۱۲۶ ب)؛ ب: که ای تاج و تخت و خرد را روان؛ آ این بیت را ندارد ۲۶- ق: آ: < ز ۲۷- ل، ق، لی، و (و نیز ل، س، آ): به توتیرگی ها؛ س: به فر تو کیهان؛ لن، ق، آ، پ، ب: به تو تیره گیتی؛ ل، آ این بیت را ندارد؛ متن = ف ۲۸- ل، لن- پ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): برافروختند؛ متن = ف، س، و ۲۹- لی: به زور؛ آ: به بند ۳۰- ب: شسته ۳۱- ق: ز؛ در س پس از این بیت ۱۱۲۰ آمده است ۳۲- ل، ق، آ، ل، ب: گر بود؛ ق، آ، ب: اگر چه که؛ و: اگر باب (ا)؛ متن = ف، لن، س، لی، پ ۳۳- ل، ق، ق، آ: دیده؛ س: چشم؛ لن، لی، پ، و، آ، ل (و نیز ل، س، آ): مژه؛ ب: ز خون مژه دلش؛ متن = ف (حرف دوم نقطه ندارد) ۳۴- لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، آ): پراب؛ ب: خوناب؛ متن = ف، ل، س، و (و نیز لن، س، آ) ۳۵- ف- و، ل، آ، ب (و نیز ل، س، آ): کابل؛ آ: بکابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۶- پ- ب: پرستنده؛ متن = ف- لی ۳۷- و: همه ساله؛ در لن، لی، پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۸- لی، ب: از او ۳۹- ق، لی: زور و هوش آفرید ۴۰- پ: آفرین (ردیف نادرست است)؛ در س این بیت پس از بیت ۱۱۱۶ آمده است

نیاید چُنین کارش<sup>۱</sup> از تو پسند  
بدو سام یل گفت: با من بگوی  
تو مهرباب را کهتری<sup>۲</sup> گر<sup>۳</sup> هَمال  
به روی و به موی و به خوی و خرد<sup>۴</sup>  
ز بالا و دیدار و فرهنگ او<sup>۵</sup> ۱۱۲۵  
بدو گفت سیندخت کای پهلوان<sup>۶</sup>  
یکی سخت پیمانت خواهم نُخست  
که از تو نیاید به جانم گزند  
مرا کاخ و ایوان<sup>۷</sup> آباد هست  
چو ایمن شوم<sup>۸</sup>، هر چه گفتم<sup>۹</sup>: بگوی  
نهفته همه گنج کاولستان<sup>۱۰</sup>  
گرفت آن زمان سام دستش بدست  
چو بشنید سیندخت سوگند<sup>۱۱</sup> او<sup>۱۲</sup>  
زَمین را بیوسید و بر پای خاست  
که من خویش ضحاکم ای پهلوان ۱۱۳۵  
همان<sup>۱۳</sup> مام<sup>۱۴</sup> رودابه‌ی ماه‌روی  
همه دودمان پیش<sup>۱۵</sup> یزدان پاک<sup>۱۶</sup>  
همی برتوبر خواندیم آفرین<sup>۱۷</sup>  
کنون آمدم تا هوای تو<sup>۱۸</sup> چیست

میان را به خون برهمن میند<sup>۱</sup>  
هرآنچت<sup>۲</sup> پیرسم بهانه مجوی  
مران<sup>۳</sup> دخت او را کجا دید زال  
به من گوی<sup>۴</sup> تا با که اندرخورد  
برانسان<sup>۵</sup> که دیدی<sup>۶</sup> یکایک بگوی<sup>۷</sup>  
سر پهلوانان و پشت گوان<sup>۸</sup>  
که لرزان شود<sup>۹</sup> زو بر و بوم و رُست  
نه آنکس<sup>۱۰</sup> که برمن بود ارجمند<sup>۱۱</sup>  
همان گنج و خویشان و بنیاد هست<sup>۱۲</sup>  
بگویم، بجویم<sup>۱۳</sup> بدین<sup>۱۴</sup> آب روی<sup>۱۵</sup>  
بکوشم رسانم به زاولستان<sup>۱۶</sup>  
وَرَا نیک بنواخت و<sup>۱۷</sup> پیمان بیست  
همان راست گفتار و پیوند<sup>۱۸</sup> او<sup>۱۹</sup>  
بگفت آنچ<sup>۲۰</sup> اندر نهان بود راست  
زن گرد مهرباب روشن روان  
که دستان همی جان<sup>۲۱</sup> فشانند بروی<sup>۲۲</sup>  
شب تیره تا برکشد روز چاک<sup>۲۳</sup>  
همان بر جهاندار شاه زَمین  
ز<sup>۲۴</sup> کاول<sup>۲۵</sup> ترا دشمن و دوست کیست

۱- س، لن، لی، پ، و: کار؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز لن، س، آ) ۲- ل، س، ق، ق، آ، پ: به خون ریختن در میند (ق) نخست برابر متن بوده است؛ ل: میان بخون برهمن بر میند (وزن نادرست است)؛ متن = ف، لن، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن، س، آ) ۳- ل، ق: از آن کت؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۴- س: مهتری ۵- ف، س-ب (و نیز ل، لن، س، آ): یا؛ متن = ل ۶- پ: مرا ۷- ق: بخوبی خرد ۸- ف: به من گو که؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۹- ل، ل، آ، او؛ و روی ۱۰- س، ق، لی: بدانسان ۱۱- ق، ق، آ، لی: دانی ۱۲- لی: بگو؛ ل: بکابل بگو ۱۳- آ: نیک نام ۱۴- آ: بزی همچنین جاودان شادکام ۱۵- لن، پ، آ: بود ۱۶- ف: نه از کس؛ متن = ل، لن، ب (و نیز لن، س، آ) ۱۷- آ: انجمن (پساوند ندارد)؛ س: نه زانان کجا بندگان تواند ۱۸- ل: مرا کاخ ویران و (!) ۱۹- لن، لی، ب: خویشان با زور دست؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۰- ف: شدم؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۱- ل، ق، و (و نیز لن، س، آ): گویی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۲- پ: نجویم ۲۳- ق، ق، آ: بدان؛ و: برین ۲۴- آ، ل: آب و روی ۲۵- ف-ب (و نیز ل، لن، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- ل-ب (و نیز ل، لن، س، آ): زابلستان؛ متن = ف ۲۷- لن، ق، آ: همان (ق، آ، و، آ، ل: همه) عهد و سوگند و؛ متن = ف، ل، س، ق (و نیز س، آ) ۲۸- ب: پیمان (پساوند ندارد) ۲۹- ل-لی، آ، ل، ب: او؛ متن = ف، پ، و ۳۰- ب: سوگند؛ ق: همان راست پیوند پیمان ۳۱- لن، ق، آ، ل، ب: آنک؛ ق، و: آنچه؛ پ، آ: آنکه؛ متن = ف، ل، س، لی؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: عهد کردن سین دخت با سام ۳۲- ق، و: منم ۳۳- پ: نام (!)؛ ل: سام (!) ۳۴- ف: خون؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۳۵- ل، ق، لی: بدوی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۳۶- لن، ق، آ، پ، آ، ب: نزد؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، ل ۳۷- لی: پبای ۳۸- ق، آ: خاک؛ لی: شب تیره بودیم یکسر بجای ۳۹- لن، لی، پ: همه بر تو خوانیم و زال آفرین؛ آ: همه بر تو خواندیم می آفرین؛ ل: همی بر تو خواند می آفرین؛ ب: همه بر تو میخواندیم آفرین؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، ق، آ ۴۰- ق، آ: <تو> (وزن نادرست است) ۴۱- ق، آ، لی، پ، و: به؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴۲- ف-ب (و نیز ل، لن، س، آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است

۱۱۴۰ اگر ما گنه‌کار و بدگوهریم  
من اینک به پیش توام مستمند  
دل بی‌گناهان کاول<sup>۲</sup> مسوز

زنی دید برای و<sup>۷</sup> روشن روان  
میانش چو<sup>۹</sup> غرو و<sup>۱۰</sup> به رفتن تذرو  
درستست<sup>۱۱</sup> اگر نگسلد<sup>۱۲</sup> جان من  
بمانید شادان دل و تندرست  
به<sup>۱۶</sup> گیتی چورودابه خواهد<sup>۱۷</sup> همال  
همان تاج و اورنگ را درخورید  
ابا<sup>۲۰</sup> کردگار جهان جنگ نیست  
یکی با<sup>۲۲</sup> فزونی<sup>۲۳</sup> یکی با<sup>۲۴</sup> نهیب  
ز کمی<sup>۲۷</sup> دل دیگری کاسته

۱۱۴۵ سَخُن‌ها چو بشنید ازو<sup>۶</sup> پهلوان  
به رخ چون بهار و به بالا چو سرو<sup>۸</sup>  
چنین داد پاسخ که پیمان من  
تو با<sup>۱۳</sup> کاول و<sup>۱۴</sup> هرکه پیوند تُست  
بدین<sup>۱۵</sup> نیز همداستانم که زال  
شما گرچه از گوهری<sup>۱۸</sup> دیگرید  
چنین ست گیتی وزین<sup>۱۹</sup> ننگ نیست  
۱۱۵۰ یکی بر<sup>۲۱</sup> فراز و یکی در نشیب  
یکی از فزایش<sup>۲۵</sup> دل<sup>۲۶</sup> آراسته

۱- ق آ پس از این بیت افزوده است:

من اینک به پیش تو استادهام سرم را بفرمانت بنهادهام  
لی پس از بیت ۱۱۴۰ افزوده است:

سر بی‌گناهان کابل چکرد که از جان ایشان برآری تو گرد (= ۱۱۱۸)

۲- س: تودل مستمند؛ ق: به پیش تو استادهام مستمند؛ (ق از بیت ۱۱۴۱ دو بیت ساخته است، ← پ ۱) ۳- ل، ق (و نیز س): بکش گرکشی (ق: کشتنی) و ر بندی ببند؛ س، لن، ق-۲ ب (و نیز لن): بکش کشتنی بستنی را ببند؛ متن= ف (و نیز ل) ۴- ف- ب (و نیز ل، لن، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۵- ل، ق (و نیز س): کجا تیره روز؛ س: که بس تیرگی؛ لن، پ: کزین تیرگی؛ ق، لی، آ، ب: کزان تیرگی؛ و (و نیز لن): که بس زود روز؛ ل: که بس تیره شب؛ (ل: کجا تیرگی)؛ متن= ف ۶- لن: زو ۷- س، لن، ق، لی، پ، و، ل، ب (و نیز لن): < و >; متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل، س) ۸- س، و: ببالای سرو ۹- لن، لی، پ: میانی چو؛ ق، و، آ، ل، ب: میان همچو؛ متن= ف، ل، س، ق ۱۰- ق: < و > ۱۱- لی: همانست ۱۲- س، پ: بگسلد (نقطه ندارد)؛ لن، ق، ق، لی، و، آ (و نیز ل، لن، س): بگسلد؛ متن= ف، ل، ب ۱۳- س: ترا ۱۴- لن: کابلی؛ ف، ل، س، ق- ب (و نیز ل، لن، س): کابل و؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- لن، ق، لی، پ، ب: برین؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ل، س، ق، ق، آ، ب (و نیز س): ز؛ متن= ف، لن، لی، پ، و، ل (و نیز ل، لن، آ) ۱۷- ل، لن، ق، لی، پ (و نیز ل، س): جوید؛ متن= ف، س، ق، و، آ، ل، ب (و نیز لن) ۱۸- س، آ، ل: گوهر ۱۹- ق، ق، آ: و این ۲۰- و: که با؛ ل، ق، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

چنان آفریند که آیدش رای

نمانیم (ق: بماندیم؛ ق: نماندیم) و ماندیم با های های (ق: هوی و های)

۲۱- س: با؛ لن، ق، لی، پ، ل، ب: در؛ متن= ف، ل، ق، و، آ ۲۲- ف: را؛ ق: در؛ متن= ل، س، لن، لی، پ، و، ل، ب (و نیز ل، لن، س) ۲۳- ق: یکی شادمانی؛ آ: یکی شادمان و ۲۴- ف: را؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۵- لن، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل): فزونی؛ س، ق، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن= ف، ل، و (و نیز لن، س) ۲۶- ل، و (و نیز لن): شد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۲۷- لی: ز تنگی؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س) پس از این بیت افزوده‌اند:  
سرانجام هردو بخاک اندر است (لی، آ: اندرند)

که هرگوهری کشته (ق: کشت وی؛ آ: کشته‌زی؛ ل، ب: کشت زی) گوهرست

لی: که هر گوهر از گونه دیگرند

این بیت در ف، ل، س، ق، و (و نیز لن) نیست، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ ق پس از بیت ۱۱۵۱ و ق (و نیز ل) پس از بیت بالا افزوده‌اند:

بکوشم چنین از (ق: کنون کز) بی کار تو وزین لابه و ناله زار تو



نیشتم<sup>۲</sup> بنزدیک<sup>۳</sup> شاه بلند  
چنان شد که گفتی<sup>۴</sup> برآورد پر  
همان نعل اسپش زمین را ندید<sup>۵</sup>  
چو خندان شود، رای<sup>۶</sup> فرخ نهد  
از<sup>۷</sup> آب مژه پای در<sup>۸</sup> گل شده‌ست  
سزد گر برآیند هر دو ز پوست<sup>۹</sup>  
مرا<sup>۱۰</sup> نیز بنمای<sup>۱۱</sup> و بستان بها  
کند بنده را شاد و روشن روان  
سرم برشود با<sup>۱۲</sup>سمان<sup>۱۳</sup> بلند  
همه پیش او<sup>۱۴</sup> جان نثار آوریم  
همه<sup>۱۵</sup> بیخ<sup>۱۶</sup> کین از دلش کنده دید<sup>۱۷</sup>  
برافگند و مهرباب را مژده داد<sup>۱۸</sup>  
دلت شاد کن، کار مهمان بسیج<sup>۱۹</sup>  
بیایم، نجویم<sup>۲۰</sup> به ره بر زمان

بجنبید<sup>۲۱</sup> و بیدار شد سر ز خواب  
به درگاه<sup>۲۲</sup> سالار دیهیم جوی

یکی نامه با لابه وا دردمند  
بنزد منوچهر شد زال زر  
به زین اندرآمد که زین را ندید  
بدین<sup>۱</sup> زال را شاه پاسخ دهد  
۱۱۵۵ که پرورده‌ی مرغ بی دل شده‌ست  
عروس ار<sup>۲</sup> به مهراندرن همچنوست<sup>۳</sup>  
یکی روی آن<sup>۴</sup> بجهی ازدها  
بدو گفت سیندخت: اگر<sup>۵</sup> پهلوان  
۱۱۶۰ چماند<sup>۶</sup> به کاخ من اندر سمند  
به کاول<sup>۷</sup> چنو<sup>۸</sup> شهریار آوریم  
لب سام سیندخت پر خنده دید<sup>۹</sup>  
نوندی<sup>۱۰</sup> دلاور<sup>۱۱</sup> بکردار باد  
کز<sup>۱۲</sup> اندیشه‌ی بد مکن یاد هیچ<sup>۱۳</sup>  
۱۱۶۵ من اینک پس نامه اندر دمان

دوم<sup>۱۴</sup> روز چون چشمه‌ی آفتاب  
گرانمایه سیندخت بنهاد روی

۱- لی، پ: لابه؛ و: یکی نامه کرده‌ام ۲- ل، لن، ق، لی، پ، آ: نوشتم؛ و: بنزد؛ متن=ف، س، ق، ل، آ، ب ۳- و: منوچهر ۴- پ: گویی؛ ل: چنان رفت گفتی ۵- لن، لی، پ این بیت را ندارند ۶- لن، ق، لی، پ، آ، ل: برین؛ متن=ف، ل، س، ق، و، ب ۷- ل: راه ۸- ا: ز ۹- ف: پر (حرف یکم با یک نقطه، ولی به پیش است)؛ متن=یازده دستنویس دیگر (ونیز ل، لن، آ، س) ۱۰- س: عروسش ۱۱- ل (ونیز ل): همچو تست؛ لن، ق، لی، پ، و، ب: همچو اوست؛ ق: همچو تست (پساوند نادرست است)؛ متن=ف، س، آ، ل (ونیز س) ۱۲- ل (ونیز ل): سزد گر بمانید هردو درست؛ و (ونیز لن): سزد گر برآیم هر دو ز پوست؛ آ: سزد گر برآیند هر دو ز پوست؛ ب: سزد گر برآیند ز پوست (وزن نادرست است)؛ متن=هشت دستنویس دیگر (ونیز س) ۱۳- پ: از آن ۱۴- ق: مران ۱۵- ف، ب: بنما؛ متن=ده دستنویس دیگر (ونیز لن، آ، س)؛ و (ونیز لن) پس از این بیت دو بیت، و ق (ونیز ل) تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

که بالا چنین باید و روی و میوی  
مگر دیدن او پسند آیدم  
همان هم برآورده تو بخوی  
که دیدار او سودمند آیدم

۱۶- ل، ق، گر؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۷- لی، پ، آ: جهانند ۱۸- لی، ل، آ: زآسمان؛ و: سرم برافرازد بچرخ؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۹- لن، ق (ونیز س): یکایک؛ ف، ل، س، ق، لی- ب (ونیز ل، لن): به کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰- لی: چوتو ۲۱- لن، لی، پ: تو؛ ق: وی؛ در ق این بیت چنین آمده است:

یکایک همه جان نثار آوریم  
لن، ق، لی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بخنده بدو گفت سام دلیر  
برآید بکیام تو این (ق، آ، ب: تو بن کار زود  
بیامد از آنجایگه شادکام (ق، آ، ب: شادمان)  
ق، آ، ب: بچهره شده چو گل و (ب: < و > ارغوان  
کز اندیشه دل را مکن هیچ خیر (ق: تیر؛ لی، پ: سیر؛ ب: پیر)  
چو بشنید سین دخت پوزش (ق، آ، ب: خدمت) نمود  
رخ از خرمی گشته یاقوت فام  
ق، آ، ب: بچهره شده چو گل و (ب: < و > ارغوان

۲۲- ق: بود ۲۳- س، لن، پ: همان؛ آ: همین؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل، ق: تخم؛ متن=ده دستنویس دیگر؛ لن، لی در اینجا سرنویس دارند، لن: مژده دادن سین دخت مهرباب را؛ لی: مژده فرستادن سین دخت بمهرباب کابل ۲۵- ل: نویدی ۲۶- س: تکاور ۲۷- ب: نیایم کم هر چه او گفت یاد (!)؛ پ این بیت را ندارد ۲۸- و: که ۲۹- لی: هیچ یاد (پساوند ندارد)؛ س، لن، پ: کز اندیشه دل را مکن رنجه هیچ (لن: هیچ یاد؛ پ: یاد هیچ)؛ ب این بیت را ندارد؛ متن=ف، ل، ق، آ، ل ۳۰- پ: ساز مهمان بسیج؛ لن: دلت شاد گردان بدین روز شاد ۳۱- ل: بجویم؛ ب این بیت را ندارد ۳۲- و: دگر ۳۳- لن، لی، پ: بخندید؛ متن=نه دستنویس دیگر ۳۴- لن، لی، پ، و: بنزدیک؛ متن=هشت دستنویس دیگر؛ ف پس از این بیت افزوده است:

ز شادی جهان بر دلش چون بهشت  
شده کارهایش همه خوب زشت



که آمد ز ره زالِ سامِ سوار  
 که بودند در پادشاهی نشان  
 سبک نزد شاهش<sup>۲</sup> گشادند راه  
 بوسید و<sup>۴</sup> بر شاه کرد آفرین  
 بدو داده<sup>۵</sup> دل شاه<sup>۶</sup> آرمجوی<sup>۷</sup>  
 ببردند شادان سوی گردِ مشگ<sup>۸</sup>  
 پرسید ازو شهریار بلند  
 بدین<sup>۱۱</sup> راه دشخوار<sup>۱۲</sup> با باد و گرد<sup>۱۳</sup>  
 ابا تو همه رنج رامشگریست<sup>۱۴</sup>  
 بخندید و شد شاد و روشن روان  
 که رنجم<sup>۱۷</sup> فزودی به دل بر دراز<sup>۱۸</sup>  
 که بنبشت<sup>۱۹</sup> با<sup>۲۰</sup> درد دل سام پیر  
 برآتم<sup>۲۲</sup> نه اندیشم<sup>۲۳</sup> از بیش و کم  
 گر<sup>۲۶</sup> اینست آرام و فرجام<sup>۲۷</sup> تو  
 شهنشاه بنشست با زال زر<sup>۲۸</sup>  
 نشستند بر خوان شاه رمه<sup>۲۹</sup>

پس آگاهی آمد سوی شهریار  
 پذیره شدندش همه سرکشان  
 چُن آمد<sup>۱</sup> بنزدیکی بارگاه  
 چو نزدیک شاه اندرآمد زمین  
 ۱۱۸۵ زمانی همی داشت بر خاک روی  
 بفرمود تا رویش از خاک<sup>۸</sup> خشک  
 بیامد بر تخت شاه ارجمند  
 که چون بودی ای پهلوان زاده مرد<sup>۱۰</sup>  
 به فر<sup>۱۴</sup> تو<sup>۱۵</sup> گفتا همه بهتریست<sup>۱۶</sup>  
 ۱۱۹۰ ازو بستد آن نامه‌ی پهلوان  
 چو برخواند پاسخ چُنین داد باز  
 ولیکن بدین نامه‌ی دلپذیر  
 اگرچه مرا هست دل زین دژم<sup>۲۱</sup>  
 بسازم برآرم<sup>۲۴</sup> همه کام<sup>۲۵</sup> تو  
 ۱۱۹۵ ببردند خوالیگران خوان زر  
 بفرمود تا نامداران همه

- ۱- ل-لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): چو آمد؛ پ: برآمد؛ متن = ف (و نیز س، آ) ۲- ل، ن، ق، آ، پ، آ، ب: پادشاه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳- س: راهش ۴- لی: < و > ۵- ل، س، ل، ن، ق، پ (و نیز ل، آ): داد؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۶- ل، آ: چو (وزن نادرست است) ۷- ف: آرمجوی؛ (س، آ: آزاده خوی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، ن، آ): و (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:  
 چو زان سان همی بود افتاده دیر دلش از نیایش نمی گشت سیر
- ۸- لی: خار ۹- ل، ق (و نیز ل، آ): ستردند و بروی پراکند (ل، آ: فشانند) مشک؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۱۰- ل: پهلوان رادمرد؛ ق: پهلوان رادمرد؛ ب (و نیز ل، ن، آ): پهلوان زادمرد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ) ۱۱- ل، ن، لی: از آن؛ ق: برین؛ پ: ازین؛ آ، ل، آ: درین؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۱۲- ل- ل، ب (و نیز ل، ن، آ، س، آ): دشوار؛ متن = ف ۱۳- ق: پر باد و گرد؛ ل، آ: بیاد و بگرد (وزن نادرست است) ۱۴- ل، آ: بفرمود ۱۵- (ل، آ): همه ره گذار ۱۶- ل، ق: همه روزمان بزم و رامشگریست؛ (ل، آ): ز خوشی تو گویی که بد چون بهار؛ متن = ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): ف، س، و (و نیز ل، ن، آ) این بیت را ندارند، ولی بنداری نیز آنرا داشته است: فقال کل تعب یفضی الی لقائک فهو راحة و سرور، و کل عناء یقع فی الطريق الیک فهو مسرة و حبور ۱۷- ل، س، لی، و (و نیز ل، ن، آ، س، آ): رنجی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ل، ن، لی، پ: بدل در (لی: بن) فراز؛ ق، آ: بران بردراز؛ ب: بدل در دراز؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۹- ل- ل، لی، و- ب (و نیز ل، ن، آ، س، آ): بنوشت؛ متن = ف، پ ۲۰- لی: از ۲۱- ل، ق: ازین دل دژم؛ س: اگر چه دلم هست ازین خود نژند (پساوند ندارد)؛ ل، ن، لی، پ: اگر چه دلم هست ازین بس دژم؛ ق، آ، ل، آ، ب: اگر چه دلم هست ازین (ق، آ: از آن؛ ل، آ: زین) بس (ل، آ: پس) دژم؛ و (و نیز ل، ن، آ، س، آ): اگر چه دلم هست ازین در دژم؛ متن = ف ۲۲- لی: برآرم؛ و: زبهرش ۲۳- ل، ق (و نیز ل، آ): که نندیشم؛ ل، ن، آ: براندیشه؛ ق، آ: نه اندیشه؛ و، ب (و نیز ل، ن، آ): نیندیشم؛ متن = ف، س، لی، پ، ل، آ (و نیز س، آ) ۲۴- ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: برآرم بسازم؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ن، آ، س، آ) ۲۵- ق، آ: کار ۲۶- ل، ن، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب: که؛ متن = ف، ل، س، پ ۲۷- ل، ق (و نیز س، آ): فرجام آرام؛ س: فرجام و آرام؛ ل، ن، پ، ل، آ، ب: انجام و فرجام؛ ق، آ: انجام و فرخار؛ لی: آغاز و انجام؛ آ (و نیز ل، آ): فرجام و انجام؛ و: که فرجام از اینست آرام؛ متن = ف، ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:  
 تو یکچند اندر (ق: نزد) بشادی (پ: میباش نزد) پیای  
 که تا من بکارت ز من نیک رای  
 ۲۸- ل، ن، لی، پ: بازب و فر ۲۹- ف: نشستند با شاه بر خوان همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س، آ)

چو از خوان<sup>۱</sup> خسرو پرداختند  
 چو می<sup>۴</sup> خورده شد نامور پور سام  
 برفت و پیمود بالای شب  
 بیامد به شبگیر بسته کمر<sup>۶</sup> ۱۲۰۰  
 برو<sup>۱</sup> آفرین کرد شاه جهان  
 بفرمود تا موبدان و ردان  
 کنند<sup>۱۳</sup> انجمن پیش تخت بلند  
 برفتند و بردند رنج دراز  
 سه روز اندران<sup>۱۷</sup> کارشان شد<sup>۱۸</sup> درنگ ۱۲۰۵  
 چهارم برفتند زی شهریار<sup>۲۱</sup>  
 چنین<sup>۲۲</sup> آمد از داد<sup>۲۳</sup> اختر پدید  
 ازین دخت مهرباب و ز پور<sup>۲۵</sup> سام  
 بود زندگانش بسیار مر  
 همش برزا<sup>۳۱</sup> باشد، همش تیغ<sup>۳۲</sup> و یال ۱۲۱۰  
 کجا باره‌ی او کند موی تر  
 عقاب از بر ترگ او نگذرد

به تخت<sup>۲</sup> دگر جای می ساختند<sup>۳</sup>  
 نشست از بر اسپ<sup>۵</sup> زرین ستام  
 پر اندیشه دل، پر ز گفتار لب  
 به پیش<sup>۸</sup> منوچهر پیروزگر<sup>۹</sup>  
 چو برگشت<sup>۱۱</sup> بستودش<sup>۱۲</sup> اندر نهان  
 ستاره‌شناسان و هم بخردان  
 به کار<sup>۱۴</sup> سپهری پژوهش کنند  
 که تا<sup>۱۵</sup> با ستاره چه یابند راز<sup>۱۶</sup>  
 برفتند با زیج رومی<sup>۱۹</sup> به چنگ<sup>۲۰</sup>  
 که کردیم با چرخ گردان شمار  
 که این آب، روشن بخواهد دويد<sup>۲۴</sup>  
 گوی برمنش<sup>۲۶</sup> زاید و<sup>۲۷</sup> نیک نام<sup>۲۸</sup>  
 همش زهره<sup>۲۹</sup> باشد، همش زور<sup>۳۰</sup> و فر  
 به رزم و به بزمش<sup>۳۳</sup> نباشد همال  
 شود خشک هم رزم او را جگر  
 سران جهان را به کس نشمرد

۱- آ: خان ۲- آ: تختی ۳- س، لن، ق: آ: جای بر ساختند ۴- لی: نان ۵- لن، ق: ب (و نیز ل، آ، س): ببردند (آ: بیورد) بالای؛ متن = ف، ل، س، ق ۶- ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ ل پس از این بیت و ق بجای این بیت افزوده‌اند:

چو شنگرف بر تخته سیم فام بگسترد خورشید رخشنده (ق: جسته ز دام

۷- لی: میان ۸- س، لی: بنزد ۹- لن، پ: بازب و فر؛ لی: شاه جهان؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- لی: بدو ۱۱- و: بنشت ۱۲- ل: آ: بشنودش (!)؛ در لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیاپی بیت های متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، لن) ۱۳- ل: آ: کند ۱۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): زکار؛ لی: زراز؛ متن = ل، و (و نیز ل، آ، لن): ف این بیت را ندارد؛ بنداری: فامر بجمع العلماء و الحكماء و من تبحر من المنجمین، وأمرهم بالبحث فی طالع زال، والتقیب عن سرالفلك فی أمره... ۱۵- ق: از ۱۶- ل، لن: دارند راز؛ لی: دارد براز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۷- ف: اندرین؛ متن = ل، لن- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): لی: < شد > (وزن نادرست است)؛ ق: کار شدشان؛ س: چوسه روزشان اندران شد ۱۹- لن، پ: هندی ۲۰- آ: برفتند با رنج و غم سوی جنگ ۲۱- ل، س، لن، ق، لی- ب (و نیز ل، آ، س): زبان برگشادند بر (ل، آ، ب: با) شهریار؛ ق: چنین یاد کردند بر شهریار؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ) ۲۲- لی: چنان ۲۳- لن، لی، پ، آ: رای؛ ق: سیر؛ ق، آ، ب (و نیز ل، آ): راه؛ و (و نیز لن، آ): چرخ و؛ ل: آ: راز؛ متن = ف، ل، س (و نیز س، آ) ۲۴- لن: نباشد پلید؛ ق: بخواهد دمید؛ پ، آ: بخواهد برید؛ و: بخواهد دويد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- ف: و دستان، س، لن، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز لن، آ): و از پور؛ (س، آ: با پور)؛ متن = ل، ق، پ، و، ل (و نیز ل، آ) ۲۶- ف، پ، آ: پرمش (در ف حرف یکم با يك نقطه، ولی به پیش) ۲۷- س، لن، ق، لی، ل: آ: < و > (وزن نادرست است)؛ و: آید < و > (وزن نادرست است) ۲۸- ق، آ، ب: برآید یکی تیغ تیز از نیام؛ آ پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۱۲۱۰ پ)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

یکی شیر ازین زال پیدا شود ز مردی سرش بر ثریا شود

۲۹- ل، س، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن): زور؛ ق (و نیز س، آ): هوش؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف ۳۰- ل: ل: برز؛ س: تاج؛ ق، و، آ، ل، ب: هوش؛ ق (و نیز س، آ): زور؛ (ل، آ: نام)؛ لن، لی: هم آیین؛ متن = ف؛ ب پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۱۲۱۰ پ) ۳۱- س: گرز؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: زهره؛ لی، ل، آ: زور؛ متن = ف، ل، ق، و ۳۲- ل، ق: شاخ؛ لی: فر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۳- ق: بزم و برزمش؛ ق پس از این بیت، آ پس از بیت ۱۲۰۸ و ب پس از بیت ۱۲۰۹ افزوده‌اند:

پدیدار گردد یکی (آ، ب: یلی) زورمند که نبود چنو زیر چرخ بلند

یکی برزبالا بود فَرَمَنَدُ  
 بر آتش یکی گور بریان کند  
 ۱۲۱۵ کمر بسته‌ی شهریاران بود  
 چُنین گفت پس شاه گردن فراز  
 بخواند آن زمان زال را شهریار  
 بدان تا پرسند ازو چند چیز  
 همه<sup>۲</sup> شیر گیرد به خَم کمنند  
 هوا را به شمشیر گریان کند  
 به ایران پناه سواران بود<sup>۴</sup>  
 کزین<sup>۶</sup> هرچه<sup>۷</sup> گفتید دارید راز<sup>۸</sup>  
 کزو خواست کردن سَخُن خواستار<sup>۹</sup>  
 سَخُن‌های پوشیده<sup>۱۰</sup> در پرده نیز<sup>۱۱</sup>

### گفتار اندر سخن پرسیدن موبدان از زال<sup>۱۲</sup>

نشستند بیدار دل بخردان<sup>۱۳</sup>  
 ۱۲۲۰ پرسید مر زال را<sup>۱۵</sup> موبدی  
 که از<sup>۱۷</sup> ده‌ودو تاه<sup>۱۸</sup> سرو سهی<sup>۱۹</sup>  
 از آن هریکی برزده<sup>۲۱</sup> شاخ سی  
 دگر موبدی گفت کای<sup>۲۳</sup> سرفراز  
 یکی زو<sup>۲۵</sup> بکردار دریای قار  
 ۱۲۲۵ به رنج اند و<sup>۲۸</sup> هردو شتابنده‌اند<sup>۲۹</sup>  
 همان زال با نامور موبدان<sup>۱۴</sup>  
 از آن پیش بین تیزهش بخردی<sup>۱۶</sup>  
 که رُسته‌ست شاداب<sup>۲۰</sup> با فره‌ی  
 نگردد کم و بیش بر<sup>۲۲</sup> پارسی  
 دو اسپ گرانمایه و<sup>۲۴</sup> تیزتاز  
 یکی<sup>۲۶</sup> چون بلور سپید<sup>۲۷</sup> آبدار  
 همان<sup>۳۰</sup> یکدگر را نیابنده‌اند<sup>۳۱</sup>

۱- س، ق، لی، و: زورمند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): همی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳- لی: به؛ در ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۴- در ل<sup>۲</sup> این بیت چنین آمده است:  
 پرستنده تخت ایران بود اگر چند با زور شیران بود  
 ۵- س: گردن کشان؛ ف: چنین گفت با موبدان سرفراز؛ ل<sup>۲</sup>، لی، آ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۶- ق، آ، ب: که این ۷- ل، س: هرج؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸- س: دارد نشان ۹- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، این بیت را ندارند ۱۰- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ: پاکیزه؛ ق، آ، ب: بنهفته؛ لی: بدرفته؛ ا: بیهوده؛ ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نهفته سخنهای؛ متن = ف، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۱- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): دیرینه نیز؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ ف این بیت را دوبار نوشته است؛ در ل<sup>۲</sup>، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است  
 ۱۲- ف: گفتار اندر پرسیدن موبدان مسل ها (!) از زال زر اندر حکمت و کار این جهان و آن جهان؛ س، پ: پژوهش کردن موبدان از زال (س: . . . و پاسخ دادن زال موبدان را)؛ ل<sup>۲</sup>: سؤال کردن موبدان از زال زر؛ ق، ب: سؤال موبدان از زال (ق: . . . پیش منوچهر شاه)؛ ق، آ: در سخنها که موبدان از زال پرسیدند؛ لی: پرسیدن زال بخردان را؛ ل<sup>۲</sup>: سؤال کردن موبدان از زال و جواب او؛ ل، آ سرنویس ندارند؛ متن = و ۱۳- ل<sup>۲</sup>، ق، آ، پ، آ، ب: موبدان؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۱۴- ق، آ، ب: بخردان؛ ل<sup>۲</sup>، پ: از آن (پ: ازین) تیزهش نامور بخردان؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و؛ در ل<sup>۲</sup>، ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۵- ل<sup>۲</sup>، پ: پرسید از زال زر ۱۶- ل- ب: ازین تیزهش راه بین (ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>)؛ راه بر؛ لی: رای بر؛ و: نامور) بخردی؛ متن = ف ۱۷- س، ق، و، آ، ل، ب: که آن؛ متن = ف، ل ۱۸- ل، س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): تازی؛ ا: تازه؛ ب: تازه؛ ل<sup>۲</sup>: ده و > دو < بای؛ متن = ف (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۹- ل<sup>۲</sup>، پ: که دیدم ده و دو درخت سهی؛ ق، آ، لی: که چیست آن ده و دو ز سرو سهی ۲۰- س: که گشتست شاداب؛ لی: که تازست و شاداب و؛ و: که شاداب رستند و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۱- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>: از آن (لی: ازو) برزده هر یکی؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>): در؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): از؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ ف پس از این بیت و (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۲۲۵ افزوده‌اند:

کجا رسته‌اند از کدامین چمن بگو گر از آن آگهی همچو من  
 در و (و نیز در ل<sup>۲</sup>) بیت های میان ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۶ در هم ریخته‌اند: ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۲، ۱۲۲۲، پ، ۱۲۲۳، ۱۲۲۶ ۲۳- ق: ای ۲۴- س- آ، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): گرانمایه؛ متن = ف، ل، آ ۲۵- لی، پ: زان ۲۶- و: دگر ۲۷- و: سفید ۲۸- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>: بجنبند؛ ق: آ: بجنبند و؛ پ، ب: بجنبند و؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۹- س، ل<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>: شتابند می؛ آ: شتابنده؛ (ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): شتابند همی؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ب؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): شتابنده هردو برنج اندرند ۳۰- ق: همی ۳۱- ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، پ، ل<sup>۲</sup>: نیابند می؛ آ: نیابنده؛ (ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نیابند همی؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ب؛ س: تک یکدگر در نیابند می؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): همه ساله بر ضد یکدیگرند

سدیگر<sup>۱</sup> چنین گفت<sup>۲</sup> کان سی سوار  
 یکی کم شود باز چون بشمرند<sup>۴</sup>  
 دگر گفت کان برکشیده دو سرو<sup>۵</sup>  
 یکی مرغ دارد بریشان<sup>۱۱</sup> کُنام  
 ۱۲۳۰ ازین چون<sup>۱۳</sup> بپرد شود<sup>۱۴</sup> برگ<sup>۱۵</sup> خشک  
 ازین<sup>۱۷</sup> دو همیشه یکی آبدار<sup>۱۸</sup>  
 به پنجم چنین گفت<sup>۲۱</sup> کان مرغزار  
 گیاه از هرگونه<sup>۲۳</sup> تر و خشک  
 بیاید یکی مرد با داس تیز  
 ۱۲۳۵ که با تر و خشکش همه بدرود<sup>۲۶</sup>  
 برسید دیگر که<sup>۲۸</sup> بر کوهسار  
 کجا بگذرانند بر شهریار<sup>۳</sup>  
 همان سی بود<sup>۵</sup> راست<sup>۶</sup> چون بنگرند<sup>۷</sup>  
 ز<sup>۹</sup> دریای باموج<sup>۱۱</sup> برسان غرو  
 نشیمش به بامین بود گه به شام<sup>۱۲</sup>  
 بران<sup>۱۶</sup> برنشیند دهد بوی مشک  
 یکی<sup>۱۹</sup> پزمریده شده<sup>۲۰</sup> سوگوار  
 که باشد پر از رنگ و بوی و نگار<sup>۲۲</sup>  
 که آید ازو<sup>۲۴</sup> بوی کافور و مشک  
 تو گویی که دارد به دل در ستیز<sup>۲۵</sup>  
 زمانی نیاساید و نغنون<sup>۲۷</sup>  
 یکی شارستان<sup>۲۹</sup> یافتم استوار

۱- ل، ق، آ، لی: سه دیگر ۲- لن: <گفت> (وزن نادرست است) ۳- ف: کدامند جاوید ناهاموار؛ (س: با شهریار؛ ل: کجا برگذارند بر شهریار)؛  
 آ این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ بنداری: وسأله آخر عن ثلاثین فارسا يعرضون علی السلطان ۴- ل، لن، ق، پ: بشمری؛  
 ق، آ، ب: بشمره؛ لی: بنگری؛ متن = ف، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، آ، س<sup>۲</sup>) ۵- س، لن، ق، آ، لی، و، ل<sup>۲</sup>، ب: شود؛ متن = ف، ل، ق، پ، آ ۶- ل، س، ق، ق، آ، لی، پ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): باز؛ متن = ف، لن، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۷- ل، لن، ق، پ: بنگری؛ ق، آ، ب: بنگرد؛ لی: بشمری؛ متن =  
 ف، س، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، آ، س<sup>۲</sup>) ۸- ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): چهارم چنین (لن: همان) گفت کان هر دو سرو؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)  
 ۹- لن، لی، پ: دو ۱۰- و (و نیز ل<sup>۲</sup>، آ، س<sup>۲</sup>): پر موج؛ ف: ز دریا برآیند؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ بنداری: وسأله آخر و قال  
 شجرتان من بواسق الأشجار، ثابتان فی البحر الزخار؛ در ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup> و بنداری) پرسش چهارم (بیت های ۱۲۲۸-۱۲۳۱)  
 با پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) پس و پیش شده اند؛ س پرسش پنجم را انداخته است؛ (در س<sup>۲</sup> پس از پرسش چهارم نخست پرسش ششم و  
 سپس پرسش پنجم آمده است)؛ پیاپی بیت های متن = ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۱- لن، لی، پ: برور؛ و: برایشان یکی مرغ دارد ۱۲- ف: نشیم این به  
 بامین بود و آن به شام؛ س: نشیم بمغرب بود گه بشام؛ لن، لی، ق، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: نشیم این (ق: آن) به شامی (ل: ب: بامی) بود آن به بام (ل: ب:  
 شام)؛ پ: نشیم به شامش بود گه به بام؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): نشستن به بام این بود آن بشام؛ (ل: نشیم این نشانی بود آن بام؛ س: نشیم بیامی بود تا  
 بشام)؛ متن = ل، ق، آ؛ بنداری: علی کل واحدة منهما و کرلطائر یصبح علی إحداهما و بمسی علی الأخری ۱۳- ق: سو ۱۴- آ: بود ۱۵- ق:  
 چوب ۱۶- ق: بدان ۱۷- لن، لی، پ: ازان ۱۸- و: یکی زین دو باشد مدام آبدار ۱۹- س: دگر ۲۰- ف، ق، آ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): شود؛  
 متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۱- ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): چهارم چنین گفت؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ششم گفت برگوی؛ متن =  
 ف ۲۲- ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): که بینی پراز (ل: ترا) سبزه و پر نگار (لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): جویبار؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): کدامست  
 پر بوی و رنگ و نگار؛ (س: که باشد پر از بوی و رنگ و نگار)؛ متن = ف؛ در ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup> و بنداری) پرسش چهارم با  
 پرسش پنجم پس و پیش شده اند (پ ۱۰)؛ س پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) را انداخته است؛ در و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) پرسش پنجم (بیت های  
 ۱۲۳۲-۱۲۳۵) با پرسش ششم (بیت های ۱۲۳۶-۱۲۴۱) پس و پیش شده اند ۲۳- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): گیاهها بدو اندرون؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۴-  
 و (و نیز لن<sup>۲</sup>): ازان؛ متن = ف (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند ۲۵- در ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>) این  
 بیت چنین آمده است:

یکی مرد (آ: پیر) با تیز داسی بزرگ سوی مرغزار اندرآید سترگ  
 متن = ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ بنداری: ثم ینحی علیها ذو منجل یتزل بساحتها مکروه الخطب ۲۶- ل، ق: همی بدرود آن گیا خشک و تر؛ لن، ق، آ،  
 پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب: همه (ب: همی) تر و خشکش همی (پ: بهم؛ آ: همه) بدرود؛ لی: گیای تر و خشک می بدرود؛ و: همه تر و خشک آن گیا بدرود؛  
 متن = ف ۲۷- ل، ق: نه بردارد او هیچ از آن (ق: زین) کارسر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: وگر (لن، پ: اگر) لابه سازی سخن نشنود؛ ل: ز کس زاری  
 و لابه شان نشنود؛ متن = ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ در و، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- ف: ششم کس چنین گفت؛ و (و نیز  
 لن<sup>۲</sup>): برسید پنجم که بر (پ ۲۲)؛ (ل: برسید ششم که بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲۹- س، لن، ق، لی، پ، ب: شارسان؛ ل:  
 سازشان؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، آ؛ آپس از این بیت سرنویس دارد: سؤال کردن موبدان از زال زر

گرفتند<sup>۲</sup> هامون یکی خارستان<sup>۳</sup>  
پرستنده گشتند و<sup>۴</sup> هم پیشگاه  
کس<sup>۵</sup> از یاد کردن<sup>۶</sup> سخن نشمرد  
بر و بومشان پاك گردد نهران  
هم اندیشگان<sup>۷</sup> دراز آورد

به پیش ردان آشکارا بگوی<sup>۸</sup>  
ز خاک سیه مشك سارا کنی

برآورد یال<sup>۹</sup> و بگسترد<sup>۱۰</sup> پر  
همه پرسش<sup>۱۱</sup> موبدان کرد یاد  
که هریک همی شاخ سی برکشند<sup>۱۲</sup>  
چو شاهسی<sup>۱۳</sup> نوآیین ابر<sup>۱۴</sup> گاه نو  
برین سان<sup>۱۵</sup> بود گردش روزگار<sup>۱۶</sup>  
که مر یکدگر را نیابند راه

خرامنده شد مردم شارستان<sup>۱</sup>  
بناها کشیدند سر تا به ماه  
وزان<sup>۲</sup> شارستانشان<sup>۳</sup> به دل نگذرد  
یکی بومهین خیزد<sup>۴</sup> از ناگهان  
بدان<sup>۵</sup> شارستانشان<sup>۶</sup> نیاز آورد<sup>۷</sup>

به پرده ندرست<sup>۸</sup> این سخن ها بجوی<sup>۹</sup>  
گرین رازها آشکارا کنی

زمانی پر اندیشه شد<sup>۱۰</sup> زال زر  
وزان<sup>۱۱</sup> پس به پاسخ زبان برگشاد<sup>۱۲</sup>  
نخست<sup>۱۳</sup> از<sup>۱۴</sup> دهودو درخت بلند  
به سالی دهودو بود ماه نو  
به سی روز<sup>۱۵</sup> مه را سرآید شمار  
دو اسپ دونده سپید و سیاه

۱۲۴۰

۱۲۴۵

- ۱- ل، س، ق، پ: خرامند (س: چوآیند؛ پ: خرامنده) مردم از آن شارستان (ق: شارسان)؛ لن، ق، ل، آ، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>): خردمند مردم از آن شارستان (لی: ب: شارسان؛ ل<sup>۲</sup>: سارشان)؛ (س<sup>۲</sup>: خرامند مردم در آن شارستان)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن= ف ۲- س: بگیرند؛ ق: گراید به (یا: گر آید به)؛ (ل<sup>۲</sup>: گزیند ز)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳- ق، لی، ب: خارسان ۴- ق، لی: < و >؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند ۵- لن: از آن؛ لی: بدان؛ پ: ازین ۶- ق، پ، ل، ب: شارسانشان؛ لی: شارسان (وزن نادرست است)؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- آ: کز ۸- س: یاد گردش ۹- ف: یکی گرد خیزد که؛ س: یکی بر نمی خیزد؛ لن، و: یکی نومهین خیزد؛ ق، ل، آ، ب: یکی نومهی خیزد؛ لی، پ: یکی برهن خیزد؛ ب: یکی بومهی خیزد؛ (ل<sup>۲</sup>: یکی نویهی خیزد؛ لن<sup>۲</sup>: یکی مردمی خیزد)؛ متن= ل (و نیز س<sup>۲</sup>: بومهن) ۱۰- پ: ازین؛ ل، ب: بران ۱۱- ل، ب: شارسانشان ۱۲- لن، لی: بدان شارستان (لی: شارسان) بناز آورد (وزن نادرست است) ۱۳- ق: اندیشه ایشان؛ ق<sup>۲</sup>: اندیشگان را؛ لی: اندیشه‌های؛ در و (و نیز در لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) پس از این بیت پرسش پنجم (بیت های ۱۲۳۲-۱۲۳۵) آمده است ۱۴- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) به پرده درست؛ (س<sup>۲</sup>: به پرده درون)؛ متن= ف: اندرست (← ضحاک، بیت ۴۰) ۱۵- س، لن، ق، ل، آ، ب: بازجوی؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل<sup>۲</sup> ۱۶- ق، ل، آ، لی: این سخن بازگوی ۱۷- ق<sup>۲</sup>: پر اندیشه بد؛ و: در اندیشه شد؛ آ: بدانندیشة ۱۸- ق، ل، ق، و، ل<sup>۲</sup>: فر؛ س، لن، ق، ل، آ، لی (و نیز س<sup>۲</sup>): بر؛ متن= ف، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر جواب دادن زال مسلها (!) را و آفرین خواندن شاه منوچهر برو؛ لن، ق، ل، آ، لی، پ: پاسخ دادن زال موبدان را (لی: . . . نزدیک شاه)؛ و: پاسخ دادن زال زر سؤال موبدانرا؛ آ: پاسخ دادن موبدان زال زر را (!)؛ ل، ب: پاسخ دادن زال (ل<sup>۲</sup>: . . . سخنان موبدان نزد منوچهر) ۲۰- ل، پ: ازان پس؛ ق<sup>۲</sup>: وزیشان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- لن، پ، آ، ل، ب: زبان را به پاسخ گشاد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۲- آ: برسوی (!) ۲۳- س، ق، و: آن ۲۴- س: سی گسترند؛ لن، پ، و: برسی کشند؛ ل<sup>۲</sup>: سی بر کنند؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ در ل<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۱۲۴۸ آمده است ۲۵- ل، س، لن، ق، لی، پ، و: شاه؛ ق، ل، آ، ب: شاخ؛ متن= ف ۲۶- آ: بود ۲۷- ل، لی، ل<sup>۲</sup>: روز و ۲۸- ل، ق، لی، و: بدین سان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۹- لی: < رو > زگار؛ در ل<sup>۲</sup> پس از این بیت ۱۲۴۶ آمده است

۱۲۵۰ بدین سان شب و روز دان ای شگفت  
سواران هشیار گر دررسی  
شمار مه نو بدین گونه دان  
کنون از<sup>۲</sup> نیام این<sup>۴</sup> سخن برکشیم<sup>۵</sup>  
ز برج بره تا ترازو جهان  
۱۲۵۵ چو روی از ترازو به کژدم نهاد

۱- پاسخ دوم (بیت های ۱۲۴۹-۱۲۵۰) درل، ق (و نیز درل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) چنین آمده است:

دگر (ل<sup>۲</sup>: دوم) آنک از اسب دادی نشان  
(س<sup>۲</sup>: دو تا اسب گفستی دونده براه  
دوان هر دوان از پس یکدگر  
ل: همی این نیابد مران را نگر

نیابد (ق: نیابند) اگر (س<sup>۲</sup>: وگر) چه شتابد (ق: شتابند) همی  
تو این داستان را شب و روز دان  
که چون سر ز برج بره برزند  
جهان زو شود همچو دریای زرد

پوشدشان (ل<sup>۲</sup>: پوشندشان؛ س<sup>۲</sup>: پوشدشان) چادر لاجورد (ل: لاژورد)

شب و روز باشد بدینسان درست  
س<sup>۲</sup>: چو خورشید پنهان کند روی خویش

پاسخ دوم (بیت های ۱۲۴۹-۱۲۵۰) در س، لن، ق، ل، پ، آ، ل، ب چنین آمده است (س بیت های چهارم و پنجم و آ، ل بیت سوم را ندارند):

کنون آنک (لی: آنچ؛ پ، آ: آنکه؛ س: دوگانه که) گفستی ز کار دواسب  
سپید و سیاهست (س: سیاه اند) هر دو زمان (س: دوان؛ لی: هر روز زمان)

سپید و سیاهست (س: سیاه اند) هر دو زمان (س: دوان؛ لی: هر روز زمان)  
س: برنج از تنک یکدگر هر دو ان

شب و روز باشند (لن، پ: برانسان که گفتید؛ ق، آ، لی: برینسان که بینی تو) هر دو بهم

یکی در وجود و یکی در عدم  
دم چرخ بر ما (ق، ل، آ، ل، ب: تو) همی بشمرد  
دوان همچو نخجیر از پیش سنگ  
شب و روز باشد که می بگذرد  
نیابند مر یک دگر را بتک

و (و نیز لن<sup>۲</sup>) بیت های ۱۲۴۹ و ۱۲۵۰ و هیچیک از بیت های بالا را ندارند؛ متن = ف ۲- پاسخ سوم بیت های (۱۲۵۱ و ۱۲۵۲) درل، س، لن، ق، ق، آ، ل، پ، آ، ل، ب چنین آمده است (س، لن، ق، آ، ل، ب بیت سوم را ندارند):

سدیگر (لن، پ: و دیگر)؛ که گفستی از آن (ل، س: که آن؛ ل<sup>۲</sup>: ازین) سی سوار

کجا برگزشتند (ق، آ، لی: بگذرانند) بر شهریار

از آن سی سواران (ل: سواران) یکی کم شود (لی: بود)

به گاه (س، ق، آ، ل، آ، ل، ب: بوقت) شمردن همان سی بود (لن، ق، لی: شود)

شمار مه نو برین (ق: بدین) گونه دان  
نگفتی سخن جز ز (ل: به) نقصان ماه  
کزین (ق، پ: چنین) کرد پیدا (پ: فرمان) خدای جهان  
که یک شب (ل<sup>۲</sup>: که یکی) کم آید همی گاه گاه (لی: همان گاه)

و (و نیز لن<sup>۲</sup>) بیت های ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ و هیچیک از بیت های بالا را ندارند؛ متن = ف ۳- لن: زان ۴- لن، آ، ل، ب: آن؛ ق، آ: < این > ۵- ق: کنون این سخن از دهن برکشیم ۶- ق: در آن؛ لی: وزان ۷- و: ز مرغی که دوسرود دارد نشیم ۸- س، لن، ق، آ، ل، ب: همی؛ لی:

همان؛ متن = ف، ل، ق، و ۹- ف: روشنی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۱۰- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) این بیت را ندارند؛ متن = ف



چنین تا ز گردش<sup>۱</sup> به ماهی شود  
 دو سروان<sup>۴</sup> دو بازوی<sup>۵</sup> چرخ بلند  
 برو<sup>۷</sup> مرغ پَران تو<sup>۶</sup> خورشید دان  
 دگر شارستان بر سر<sup>۱۲</sup> کوهسار  
 ۱۲۶۰ همین<sup>۱۴</sup> خارستان<sup>۱۵</sup> چون<sup>۱۶</sup> سرای سپنج  
 همی دم زدن برتوبر بشمرد  
 برآید<sup>۲۳</sup> یکی باد با زلزله  
 همه رنج ما مانده با<sup>۲۷</sup> خارستان<sup>۲۸</sup>  
 کسی دیگر از رنج ما<sup>۳۱</sup> برخوردار

پر از<sup>۲</sup> تیرگی و<sup>۳</sup> سیاهی شود  
 کزو نیمه شاداب و نیمی گزند  
 جهان را ازو<sup>۹</sup> ترس<sup>۱۰</sup> و اومید<sup>۱۱</sup> دان  
 سرای درنگست و جای شمار<sup>۱۳</sup>  
 که هم<sup>۱۷</sup> ناز و گنج ست<sup>۱۸</sup> و هم درد و رنج<sup>۱۹</sup>  
 همو پروراند<sup>۲۱</sup>، همو بسپرد<sup>۲۲</sup>  
 ز گیتی<sup>۲۴</sup> برآرد<sup>۲۵</sup> خروش و خله<sup>۲۶</sup>  
 گذر کرد باید سوی<sup>۲۹</sup> شارستان<sup>۳۰</sup>  
 نیاید<sup>۳۲</sup> بدو<sup>۳۳</sup> نیز هم بگذرد<sup>۳۴</sup>

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: چوزو (س، پ: زین) باز گردد؛ ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>): چنین باز گردد؛ (ل<sup>۳</sup>: چنین تا بگردد)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، ق ۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بدان؛ متن=ف، ل، ق ۳- آ: رو؛ بنداری (بیت های ۱۲۵۳-۱۲۵۶): وأما الشجرتان اللتان عليهما معشش الطائر فان العالم من وقت حلول الشمس في برج الحمل الى أن تبلغ الميزان يتبرج كالخريدة المعطار، في حلى الرياحين وحلل الأزهار. و من حين حلولها العقب الى أن تحل الحوت يقع بين أسحاق الحداد، وأطمار السواد ۴- لن: دو سرواز؛ ق: دو سرو ۵- لی: دو بالای؛ ب: دو بازو دو ۶- ل: نژند؛ س: که يك نیم شادست و نیمی گزند؛ لن، پ، و: کزو نیم شادی (و: شاداب) و نیمی (لن: بیم) گزند؛ ق، آ: کزویم شاد و ازو با (آ: وزو هم) گزند؛ لی: کزویم شادان و زو مستمند؛ ل<sup>۲</sup>: کزو روزی شادی و روزی نژند؛ ب: کزویم شاد > ان < و زو با گزند؛ متن=ف، ق (و نیز س<sup>۲</sup>) ۷- لی: مران؛ و: همان ۸- ل، لن، ق، آ، ل، آ: چو؛ و: پرند؛ پ: دو مرغ پَران ماه و؛ متن=ف، س، ق، آ، لی، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۹- لن، پ، آ، ب: بدو؛ ل<sup>۲</sup>: برو؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): بیم؛ متن=ف (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۱- ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): آمید؛ متن=ف، ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند (ف بیت های چهارم و پنجم را ندارد):

دگر آن دو اسب سیاه و سپید (و: سفید)  
 شب و روز گیتی ست کان می برد  
 همان سی سوارست سی روز ماه  
 چو اعداد دهرش منظم (لن<sup>۲</sup>: معظم) شود  
 5 چو گردون بپیمود گیتی فرورز  
 کزایشان جهان راست بیم و امید  
 یکی اندر آید یکی بگذرد  
 که ناقص شود زان یکی گاه گاه  
 نه در وی (لن<sup>۲</sup>: دردی) فزاید نه زان کم شود  
 چه حاصل شود؟ سیصد و شصت روز

۱۲- ف، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): شارستانی که بر؛ لن: شارستان از بر؛ ق، لی، پ: شارسان از بر؛ ق، آ، ل، ب: شارستان ابر؛ متن=ل، س (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۳- ف- و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): قرار؛ بنداری: وأما البلدة الطيبة فهي دارالقرار ومنزل الأبرار؛ متن=ل، آ، ب ۱۴- لن، آ، ب: بهین؛ ق، آ، لی: چنین؛ و: همان؛ متن=ف، ل، س، ق، پ، ل ۱۵- س، ق، آ: شارستان؛ لن، لی، پ، ب: شارسان؛ ق: خارسان؛ ل<sup>۲</sup>: شارشان (ا)؛ متن=ف، ل، و ۱۶- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل، آ: این؛ لی: < چون >؛ ب: زین؛ متن=ف، ل، س، ق ۱۷- ل، ق: کزو؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۸- ق: بارجنگست (!) ۱۹- پ: که هم نازو دردست و هم رنج و گنج ۲۰- ق: بر تو هم بشمرد؛ ب: بر تو می بشمرد ۲۱- ل، ق، آ، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): برفرازد؛ و، آ، ل، ب: برفزاید؛ متن=ف، س ۲۲- ل، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): بشکرد؛ س: بدرود؛ متن=ف (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ لن، پ: بماند (پ: نماند) برو نیز و هم بگذرد (= ۱۲۶۴ ب)؛ در لن، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۳- س، ق، و: برآرد؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۴- ف، و، ب: ز کشتی؛ ق: برآرد؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۵- ل، لن، ق، پ، ب: برآید؛ ق: ز کشتی؛ متن=ف، س، لی، و، آ، ل ۲۶- ل، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): خروش خله؛ لن، ق: خروش وله؛ (لن<sup>۲</sup>: خروش ويله)؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۷- ل: ماندزی؛ س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ماند با؛ ل<sup>۲</sup>: ماند بر؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۸- ق، لی، پ، ب: خارسان؛ ل<sup>۲</sup>: خارشان؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۹- و: بدان ۳۰- ق، لی، پ، ب: شارسان؛ ل<sup>۲</sup>: شارشان؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۳۱- ف: تو؛ ل: او؛ س این بیت را ندارد؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۲- ق، لی: نماند ۳۳- ل، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): برو؛ متن=ف، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۴- لن، پ: همو برفزاید همو بشکرد (= ۱۲۶۱ ب)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

همان مرغزار نزه عالمست که چون باز بینی خوش و خرمست  
 گیا خشک و تر جانسور (لن<sup>۲</sup>: گیا) گونه گون ز هر جنس و نوعش ز جنسش فزون

ف پس از بیت ۱۲۶۴ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از دو بیت بالا پاسخ ششم (بیت های ۱۲۷۰-۱۲۷۵) را آورده اند و سپس بیت های ۱۲۶۵-۱۲۶۹ را؛ پیایی  
 بیت های متن=ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>، بنداری)

۱۲۶۵ چنين رفت از<sup>۱</sup> آغاز يكسر سخن  
اگر توشه مان<sup>۳</sup> نيك نامی بود  
وگر<sup>۷</sup> از برزیم<sup>۶</sup> و پیچان شویم  
گر<sup>۱۱</sup> ایوان ما<sup>۱۲</sup> سر<sup>۱۲</sup> به کیوان برست<sup>۱۳</sup>  
که بر روی پوشند و بر سرش خاک<sup>۱۴</sup>  
۱۲۷۰ بیابان و آن مرد با تیزداس  
تر و خشك يكسان همی بدرود  
دروگر زمانست<sup>۲۳</sup> و ما چون گیا  
به پیر و جوان يك بيك ننگرد  
جهان را چنين ست ساز و نهاد

همین باشد و نو<sup>۲</sup> نگردهد کهن  
روانها<sup>۴</sup> بدان سر<sup>۵</sup> گرامی بود  
پدید آید آنگه<sup>۹</sup> که بی جان شویم  
ازین<sup>۱۴</sup> بهره ی ما یکی چادرست  
همه جای بیم<sup>۱۶</sup> ست و تیمار<sup>۱۷</sup> و باك  
كجا<sup>۱۸</sup> خشك و تر زودل اندر هراس<sup>۱۹</sup>  
وگر<sup>۲۰</sup> لابه سازی<sup>۲۱</sup> سخن<sup>۲۲</sup> نشنود  
همانش نبیره، همانش نیا  
شکاری که<sup>۲۴</sup> پیش آیدش بشکرد  
که جز مرگ را کس ز مادر نژاد

۱: <از>؛ ل: ۲- ز: ۲- لن، ق: ۲، لی، پ، و، آ، ل: ۲، ب (و نیز لن: ۲): این؛ س این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، ق (و نیز ل: ۲، س: ۳- س: پیشه مان ۴- لن، لی: روان را؛ پ، آ: روان مان؛ ل: ۲: بران سر ۵- ل، لن، پ: بران سر؛ آ: بران سو؛ ل: ۲: روان مان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۶- ق: ۲، لی، ل: ۲، ب: اگر؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۷- ف، س- ب (و نیز ل: ۲، لن، س: ۸- س، لی، و، آ: <و>؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۹- ق: پدید آنگه آید ۱۰- لن: کز؛ و: که ۱۱- ف: ایوانت را؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن، س: ۱۲- و: گر ۱۳- لی، پ: درست ۱۴- س، پ، و (و نیز لن: ۲): از آن؛ لن، ق، ق: ۲، لی، آ، ب (و نیز ل: ۲، س: ۱۵- ل: چو پوشند بر روی ما خون و خاک؛ س، لن، ق: ۲، پ، آ، ل: ۲، ب: که (لن، پ: چو پوشند (لن، پ، آ، ل: ۲: پوشید) بر روی و بر سرش خاک؛ ق: که پوشد سر و روی بر خشت و خاک؛ لی: چو پوشید بر روی تو گرد و خاک؛ و: که بر روی پوشند و ز برش خاک؛ متن= ف ۱۶- س، لن، ق: ۲- ب (و نیز ل: ۲، س: ۱۷- ل: ق (و نیز لن: ۲): آید؛ و: اندوه؛ و (و نیز لن: ۲): پس از این بیت افزوده اند:

چو کشتی شناسای رب العباد	ز مبداء خود آگهی وز معاد
بتحقیق اشیا شوی بهره مند	که اجناس خوانند و انواع چند
اگر حاصلست این قدر مایهات	برین چرخ باشد کهن پایهات
چو زین تنگنای گلوگیر خاک	رسد روح پاکت بفردوس پاک
سوی بارگاه بلندان رسی	بدان حضرت ارجمندان رسی
ولی زنده بر چرخ نتوان گذشت	بمرگ آن ره پاک بتوان نوشت

و پس از این بیت ها بیت های ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ را آورده است ۱۸- س، لی: گیا؛ ل: ۲: که با ۱۹- ق: ۲، آ: گیایی تر و خشك ازود در هراس؛ پ: تر و خشك را زودل اندر هراس؛ ب: گیاه تر و خشك ازود بر هراس؛ در ف بیت های ۱۲۷۰-۱۲۷۵ پس از بیت ۱۲۶۴ و در و (و نیز لن: ۲) پس از دو بیت ۱۲۶۴ پ به گونه زیر آمده اند:

فنا چیست آن مردم داس دار	که باشد ترا روز و شب پاس دار
بمهر کسی هیچ گون ننگرد	چو وقت اندر آید همه بدرود
نه روباه برهد ز داسش نه شیر	چه بددل بنزدیک او چه دلیر
چنین رفت از آغاز يكسر سخن	چنین باشد و این نگردهد کهن (= ۱۲۶۵)
درو چون زمانست و ما چون گیا	همانش نبیره همانش نیا (= ۱۲۷۲)
تر و خشك يكسان همی بدرود	وگر لابه سازی سخن نشنود (= ۱۲۷۱)
بنیروی چون بگذرد چرخ پیر	همی خلق را بشکرد ناگزیر
نباشد بجز دانشت پای مرد	همی تا توانی ز دانش مگرد (= ۱۲۷۳ پ)

۲۰- آ، ل: ۲، ب: اگر ۲۱- س: سازد ۲۲- ل: ۲، ب: همی ۲۳- ف: فرشته است جان گیر؛ لن، ق: ۲، پ، ل: ۲، ب: دروگر جهانست؛ و (و نیز لن: ۲): درو چون زمانست؛ آ: درون گر جهانست؛ (ل: ۲): درنگ زمانست؛ متن= ل، س، ق، لی (و نیز س: ۲۴- ل: ۲: چو؛ لن این بیت را ندارد؛ ف پس از این بیت و و (و نیز لن: ۲) در پایان بیت های ۱۲۷۰ پ افزوده اند:

نباشد بجز دانشت پای مرد همی تا توانی ز دانش مگرد

۱۲۷۵ ازین در درآید<sup>۱</sup> بدان<sup>۲</sup> بگذرد  
 زمانه برو<sup>۳</sup> دم همی بشمرد<sup>۴</sup>  
 چو زال این سخن ها بکرد آشکار  
 به<sup>۵</sup> شادی یکی انجمن برشگفت<sup>۶</sup>  
 یکی جشن گاهی بیاراست شاه  
 کشیدند می تا جهان تیره گشت<sup>۷</sup>  
 ۱۲۸۰ خروشیدن مرد بالای خواه<sup>۸</sup>  
 برفتند<sup>۹</sup> گردان همه شاد و مست  
 چو برزد زبانه<sup>۱۰</sup> ز کوه آفتاب  
 بیامد<sup>۱۱</sup> کمر بسته زال دلیر  
 به دستوری بازگشتن ز در<sup>۱۲</sup>  
 ۱۲۸۵ به شاه جهان گفت کای<sup>۱۳</sup> نیک خوی<sup>۱۴</sup>  
 چو بوسیدم<sup>۱۵</sup> این پایهی تخت عاج  
 بدو گفت شاه<sup>۱۶</sup>: ای جوانمرد گرد<sup>۱۷</sup>  
 ترا بویه<sup>۱۸</sup>ی<sup>۱۹</sup> دخت مهرباب خاست  
 بفرمود تا سنج<sup>۲۰</sup> و<sup>۲۱</sup> هندی درای<sup>۲۲</sup>  
 ازو شادمان شد دل شهریار<sup>۲۳</sup>  
 شهنشاه گیتی زهازه بگفت<sup>۲۴</sup>  
 چنان چون شب چارده چرخ ماه<sup>۲۵</sup>  
 سر می گساران ز می خیره گشت<sup>۲۶</sup>  
 یکایک برآمد ز درگاه شاه  
 گرفته یکی دست هریک<sup>۲۷</sup> بدست  
 سر نامداران برآمد<sup>۲۸</sup> ز خواب  
 به<sup>۲۹</sup> پیش شهنشاه چون نره شیر<sup>۳۰</sup>  
 شدن نزد<sup>۳۱</sup> سالار فرخ پدر  
 مرا چهر سام آمدهست آرزوی<sup>۳۲</sup>  
 دلم گشت روشن بدین<sup>۳۳</sup> برز و تاج<sup>۳۴</sup>  
 یک امروز نیزت بیاید شمرد<sup>۳۵</sup>  
 دلت را هُش سام و کاول کجاست<sup>۳۶</sup>  
 به میدان گذارند<sup>۳۷</sup> با<sup>۳۸</sup> کره نای<sup>۳۹</sup>

۱- س: بیاید؛ آ: درد زاید (!) ۲- س، ق: از آن؛ لن، لی، پ: وزان؛ ل: بران؛ ب: بدین؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۳- لی: بدو ۴- لن، ق: زمانه دم ما همی بشمرد (ق: بشکرد)؛ ق: وگر لابه سازی سخن نشنود (= ۱۲۷۱ ب) ۵- س، لن، ق: ای، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، س) این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، ق، پ؛ ل، پ پس از این بیت افزوده اند:

چو این گفته شد نامه سام خواند  
 نوشته نویسنده چون باز راند  
 پ: نبشته همی بر زبانش براند

برو (پ: بدو) اندرون چند گونه سخن  
 منوچهر برخواند سر تا بین

۶- س: ز ۷- لن، لی، پ، ب: در شکفت؛ ق: در نهفت؛ و: همه انجمن ماند ازو در شکفت؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل ۸- ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ): گرفت؛ متن = ف، ق (و نیز س) ۹- ق، لی، آ: چرخ و ماه ۱۰- لن، لی، پ: شد ۱۱- ل (و نیز لن، آ): بالای گاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۱۲- ل: گرفتند ۱۳- ل، لن، ق، ق، لی، پ، و (و نیز س): دست دیگر؛ ب: دست هرکس؛ (ل: دست گل)؛ متن = ف، س، آ، ل ۱۴- ل، ق: زمانه؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۱۵- لن، پ، و: درآمد ۱۶- لی: گرفته ۱۷- آ، ب: ز ۱۸- ق: برسان شیر؛ لی: به پیش شه آمد به کردار شیر؛ ل این بیت را ندارد ۱۹- لن، ق، لی، آ، ب: بدر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۰- لن، ق، لی، آ، ل، ب: سوی؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و؛ ق در اینجا سرنویس دارد: دستوری طلبیدن زال از شاه منوچهر و هنر نمودن ۲۱- س، ل: ای ۲۲- ل: نیکو ۲۳- ل: آرزو ۲۴- ل، لن، ق، آ- ب (و نیز ل، لن، س): بیوسیدم؛ س: پرستیدم؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف ۲۵- ل: برین؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س) ۲۶- س (و نیز س): برز تاج؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل: فر و تاج؛ و (و نیز لن، آ): نور تاج؛ (ل: تخت و تاج)؛ متن = ف، ل؛ (س پس از این بیت افزوده است):

چو فرمان دهد شاه پیروزگر  
 یکی بازگردم به پیش پدر

۲۷- آ، ل، ب: بدو شاه گفت ۲۸- لن: راد ۲۹- ل، س، ق، لی، پ (و نیز ل، س): سپرد؛ لن: یک امروز دیگر برم شاد باش؛ متن = ف، ق، آ، و، آ، ل، ب (و نیز لن، آ) ۳۰- پ، و، ب: بویه؛ آ: پایه ۳۱- ف: سام و کابل کجاست؛ ل، ق: سام زابل کجاست؛ و (و نیز لن، آ): سام نیم کجاست؛ (س: سام و زاول کجاست)؛ س: ز سام و ز زابل بهانه چراست؛ لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: دلت خواهش سام نیم کجاست؛ (ل: دلت راهش و کام کابل کجاست)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۲- ف: پیل؛ س- ب (و نیز ل، لن، س): صنج؛ متن = ل ۳۳- لی: < و > ۳۴- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: درآرند؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۳۵- ل: آبا

۱۲۹۰ ابا نیزه و گرز و تیر و کمان  
 کمان‌ها گرفتند و تیر خدنگ  
 بتابید<sup>۵</sup> هریک به چیزی عنان<sup>۶</sup>  
 درختی گشن<sup>۸</sup> بُد به میدان شاه  
 کمان را بمالید دستان سام  
 ۱۲۹۵ بزد بر میان درخت سهی  
 هم اندر تگ اسپ یک<sup>۱۳</sup> چوبه تیر  
 سپر برگرفتند ژوپین و ران  
 سپر خواست از ریدک ترک زال<sup>۱۴</sup>  
 کمان را بیفگند<sup>۱۸</sup> و ژوپین گرفت  
 ۱۳۰۰ بزد بر سه تا اسپر گیل وار  
 به گردن کشان گفت شاه جهان  
 یکی<sup>۲۵</sup> برگراییدش<sup>۲۶</sup> اندر نبرد  
 همه برکشیدند<sup>۲۷</sup> گردان سلیخ<sup>۲۸</sup>  
 به آورد رفتند پیچان عنان  
 ۱۳۰۵ چنان شد که مرد اندر آمد به مرد  
 نگه کرد تا کیست زیشان<sup>۳۲</sup> سوار

برفتند گردان همه<sup>۲</sup> شادمان  
 نشانه نهادند<sup>۳</sup> چون روز جنگ<sup>۴</sup>  
 به گرز و به تیر و به تیغ و کمان<sup>۵</sup>  
 گذشته برو<sup>۹</sup> سال بسیار و ماه  
 برانگیخت اسپ و برآورد نام<sup>۱۱</sup>  
 گزاره شد آن تیر شاهنشاهی<sup>۱۲</sup>  
 بینداخت و بگذاشت بر نرد شیر<sup>۱۴</sup>  
 بگشتند با خشت‌های<sup>۱۵</sup> گران  
 برانگیخت اسپ و برآورد یال<sup>۱۷</sup>  
 به ژوپین به کار<sup>۱۹</sup> نوآیین گرفت  
 گشاده<sup>۲۱</sup> به دیگر سو افگند<sup>۲۲</sup> خوار  
 که با او<sup>۲۳</sup> که جوید نبرد از مهان<sup>۲۴</sup>  
 که از تیر و ژوپین برآورد گرد  
 به دل خشمناک و زبان پر مزیح<sup>۲۹</sup>  
 ابا نیزه و<sup>۳۰</sup> آب داده سنان  
 برانگیخت زال اسپ و برخاست گرد<sup>۳۱</sup>  
 عنان پیچ و گردن کش<sup>۳۳</sup> و نامدار

۱- ق: ابا نیزه و تیر و گرز گران ۲- و: بدل؛ در و لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳- س: نهادند برجاس ۴- و: مردان جنگ ۵- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): پیچید؛ ق<sup>۲</sup>، لی (و نیز س<sup>۱</sup>): این بیت را ندارند؛ متن=ف، و (و نیز لن<sup>۱</sup>) ۶- ل: عنان؛ ب: بجیزی پیچید هریک عنان ۷- ل، س، لن، ق، پ، آ، ل، ب: بگرز و به تیغ و به تیر و سنان؛ و: به گرز و به <نیزه> به <تیر و کمان (وزن نادرست است)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر هنرها نمودن زال بنزدیک شاه منوچهر بتیر و کمان و گوی باختن؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی: هنر نمودن زال بنزد (لی: در میدان) منوچهر؛ پ: آزمودن منوچهر زال را؛ ب: هنر نمودن زال ۸- ق، و: کهن ۹- ق، لی، پ: بدو ۱۰- ف، س، لن، ق، آ، ل: سال و بسیار ماه؛ متن=ل، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، ب (و نیز س<sup>۱</sup>)؛ و (و نیز لن<sup>۱</sup>): فراوان گذشته برو سال و ماه ۱۱- ف: برانگیخت اسب از میان کرام (!)؛ متن=یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>، س<sup>۱</sup>) ۱۲- لن، لی، پ: تیر با فرهی؛ متن=نه دستنویس دیگر ۱۳- آ: هر ۱۴- ف، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): بر نره شیر (ف، ل<sup>۲</sup> نخست داشته‌اند: بر نرد شیر)؛ ق: بر تیر تیر؛ و: بر نردسر (نقطه ندارد= بر نرد شیر)؛ ل<sup>۲</sup>: بگذشت بر نرد و شیر (حرف یکم واژه سوم نقطه ندارد)؛ ب: بگذشت بر اسب تیر؛ س: بینداخت آن پهلوشیر گیر؛ ق<sup>۲</sup>: بینداخت بگذشت و شد بر اثیر؛ لی: بینداخت بر چرخ شد بر اثیر؛ آ: بینداخت و بگشاد و شد سرائیر؛ (لن<sup>۱</sup>): بگذشت چون نره شیر؛ س<sup>۱</sup>: بگذشت بر نرد و خیر)؛ بنداری؛ ثم ائبعها بأخری راکضا فرسه فنفذت فیها کمثل الأولى ۱۵- و: گرزهای ۱۶- و: ترک زاد؛ ق: سپر خواست از ترک آن شیر زال ۱۷- ف: بال؛ س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی: بال (نقطه ندارد)؛ و: یاد؛ متن=ل، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۱</sup>) ۱۸- ل، لن، ق: بینداخت؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۱</sup>) ۱۹- ف: زکار (یا: نگار)؛ ل، و (و نیز س<sup>۱</sup>): نکار (نقطه ندارد)؛ س: شکار؛ لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل، ب: شکار؛ (ل<sup>۲</sup>: نگاری)؛ متن=ق ۲۰- ل، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): بزد خشت بر سه سپر گیل وار؛ س: بزد بر سه اسپر گیلی سوار (!)؛ لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، آ، ل، ب: بزد خشت بر سه سپر نامدار (ق: شد گذار)؛ متن=ف، پ (و نیز س<sup>۱</sup>) ۲۱- لی: گذشت و ۲۲- لن: سوی افکند؛ ق<sup>۲</sup>: سرافکند؛ و: بسوی دگر برد ۲۳- ق، ل<sup>۲</sup>: وی ۲۴- آ: از کران ۲۵- لن: همی ۲۶- ل: برگرانید ۲۷- لن، پ: بخود راست کردند؛ و: همه برگرفتند؛ متن=نه دستنویس دیگر ۲۸- ف، س، ق، لی، آ (و نیز س<sup>۱</sup>): سلاح؛ متن=هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۱</sup>) ۲۹- ف، س، ق، ق<sup>۲</sup>، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۱</sup>): مزاح؛ متن=هفت دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۱</sup>؛ در ق<sup>۲</sup>، لی، ل<sup>۲</sup> پساوند نادرست است) ۳۰- لی، پ، ل<sup>۲</sup>: نیزه؛ متن=نه دستنویس دیگر ۳۱- لی: اسپ و برآورد گرد (وزن نادرست است)؛ ل<sup>۲</sup>: که از تیر و ژوپین برانگیخت گرد (= ۱۳۰۲)؛ ب: برانگیخت زال و برون خاست گرد؛ در لن، لی، پ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۲- ق، ب: ازیشان ۳۳- س، لی: اسب افکن؛ لن پس از این بیت دو بیت و لی، پ تنها بیت دوم را پس از بیت ۱۳۰۹ افزوده‌اند:

سبک زال جنگی برو حمله برد  
 منوچهر گفت این (پ: ای) دلاور جوان  
 ز پیشش گریزان شد آن مرد گرد  
 بماناد همواره (پ: بمانی همه روزه) روشن روان

ز گرد اندرآمد بسان نهنگ<sup>۱</sup>  
چنان خوارش از پشت زین برگرفت  
به آواز گفتند گردن کشان  
هرآنکس که با او<sup>۶</sup> بجوید نبرد<sup>۷</sup> ۱۳۱۰  
ز شیران<sup>۱۲</sup> نزاید<sup>۱۳</sup> چنین<sup>۱۴</sup> نیز<sup>۱۵</sup> گرد  
خنگ سام یل که ش<sup>۱۷</sup> چنین یادگار<sup>۱۸</sup>  
برو<sup>۲۱</sup> آفرین کرد شاه بزرگ  
بزرگان سوی کاخ شاه آمدند  
یکی خلعت آراست شاه جهان ۱۳۱۵  
چه از تاج پرمایه و تخت زر  
همان<sup>۲۷</sup> جامه‌های گرانمایه نیز  
پس آن نامه‌ی سام<sup>۲۹</sup> پاسخ نبشت<sup>۳۰</sup>  
که ای نامور پهلوان دلیر  
نبیند چو تو نیز<sup>۳۳</sup> گردان سپهر ۱۳۲۰  
گرفتش<sup>۲</sup> کمر بند<sup>۳</sup> او را به چنگ<sup>۴</sup>  
که شاه و سپه ماند زو در شگفت<sup>۵</sup>  
که مردم نبیند کسی زین نشان<sup>۶</sup>  
کند جامه مادر<sup>۹</sup> برو<sup>۱۰</sup> لاژورد<sup>۱۱</sup>  
چه گرد؟ از<sup>۱۶</sup> نهنگانش باید شمرد  
بماند<sup>۱۹</sup> به گیتی دلیر و سوار<sup>۲۰</sup>  
همان<sup>۲۲</sup> نامور مهتران سترگ<sup>۲۳</sup>  
کمر بسته و با کلاه آمدند  
کزان خیره گشتند یکسر مهان<sup>۲۴</sup>  
چه از یاره<sup>۲۵</sup> و طوق<sup>۲۶</sup> زرین کمر  
پرستنده و اسپ و بسیار<sup>۲۸</sup> چیز  
شگفتی سخن های فرخ نبشت<sup>۳۱</sup>  
بهر کار پیروز برسان<sup>۳۲</sup> شیر  
به رزم و به بزم<sup>۳۳</sup> و به رای و به چهر

۱- ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): پلنگ؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، پ ۲- ق، پ: گرفت آن ۳- ب: کمرگاه ۴- ف: او بی درنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۵- ل، س: مانند اندر شگفت؛ ق، آ، پ، و، ب: ماند ازود در شگفت؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، لی، آ، ل، آ ۶- لن این بیت را ندارد؛ لی، پ پس از این بیت يك بیت افزوده‌اند (← ۱۳۰۶ پ) ۷- پ: تو ۸- ل، ق: هرآنکس که جویند با او (ق: وی) نبرد؛ و: هرآنکس که جوید ز دستان نبرد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- ق: جامه تن؛ ل: جامه ما ۱۰- لن، ق، ق، آ، لی، ب: بدو؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۱- ف، س، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): لاجورد؛ متن = ل، لن، و ۱۲- و: گردان ۱۳- س: نباشد؛ آ: برآید ۱۴- و: چو او؛ آ: چنان؛ ل: چو ۱۵- ق، پ: مرد؛ لی: تیز ۱۶- لن: ز تخم؛ آ: که گرد از ۱۷- لن، ل، آ، ب (و نیز س، آ): کین ۱۸- ق: نامدار ۱۹- ل، آ: بماند و ۲۰- ق: ازو یادگار؛ ل: دلیری سوار؛ ف، س، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: فلیهن ساما أن یخلفه هذا البطل الجسور واللیت الهصور ۲۱- لی: بدو ۲۲- لی: چنان ۲۳- لن، پ: همان (پ: همه) پهلوانان (پ: پهلوانان و) گرد و سترگ ۲۴- ل، ق: که گشتند از آن خیره یکسر مهان؛ س، ب (و نیز س، آ): که گشتند خیره مهان و (ب، س، آ: زرایش) مهان؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل: کزو (ل: کزان) خیره ماندند یکسر مهان؛ و (و نیز لن، آ): چنان چون بیاید سزای مهان؛ متن = ف ۲۵- ف: باره؛ ل: باره (نقطه ندارد)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۲۶- آ: < و > ۲۷- لن، پ: چه از؛ و: همه ۲۸- ل، لن، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): هرگونه؛ متن = ف، س؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

به زال سپهبد سپرد آن زمان همه (پ: همان) چیزها از کران تا کران  
لی پس از بیت ۱۳۱۷ افزوده است:

به دستان فرخ سپرد آن تمام زمین را ببوسید دستان سام  
برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ، ب: پاسخ نامه سام از شاه (ب: < شاه > منوچهر؛ و: پاسخ نامه سام نریمان از نزد منوچهر  
شاه ۲۹- س، لی: نامه را شاه؛ ق از این بیت تا بیت ۱۳۲۶ را ندارد، ولی آنها را در کناره افزوده‌اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۰- ل، لن، و، ب: نوشت؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل، لن، لی، و، ب: نوشت (در لی پساوند نادرست است)؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، آ، ل ۳۲- لن: فیروز برسان؛ و: پیروزگر همچو؛ آ: فیروز و برکار؛ س، ق این بیت را ندارند؛ لن، پ پس از این بیت و لی پس از بیت ۱۳۲۳ افزوده‌اند:  
چو آمد برم نامه پهلوان شنیدم من آنرا (لی: مر آن را) بروشن روان  
۳۳- ف: نبیند چون تیز؛ پ، و (و نیز لن، آ، س، آ): نبیند چنو (و، لن، آ: چو او) نیز؛ متن = ل، ق (و نیز ل، آ) ۳۴- ف، و (و نیز لن، آ، س، آ): بزم و برزم؛ متن = ل، ق، آ، پ (و نیز ل، آ)؛ س، لن، ق، لی، آ، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ در ف، و (و نیز در لن، آ، س، آ) این بیت پس از بیت ۱۳۲۲ آمده است

همان پور فرخنده، زال<sup>۱</sup> سوار  
 رسید و بدانستم از کام<sup>۳</sup> او  
 سخن هر چه زو سام را کام<sup>۵</sup> بود  
 همه آرزوها سپردم بدوی  
 ۱۳۲۵ ز شیری که باشد شکارش پلنگ  
 گسی کردمش با دلی شادمان  
 کز او ماند اندر جهان یادگار  
 همان خواهش و رای و آرام او  
 همان زال را رای و آرام بود  
 بسی روز فرخ<sup>۶</sup> شمردم بدوی<sup>۷</sup>  
 چه زاید<sup>۸</sup> جزاز<sup>۹</sup> شیر شرز به جنگ  
 کزو دور بادا بد بدگمان<sup>۱۰</sup>  
 برون رفت با فرخی<sup>۱۲</sup> زال زر  
 نوندی برافگند نزدیک<sup>۱۴</sup> سام  
 ابا خلعت خسروانی و تاج<sup>۱۵</sup>  
 ۱۳۳۰ چنان شاد شد زان سخن<sup>۱۹</sup> پهلوان  
 سواری به کاول<sup>۲۱</sup> برافگند زود  
 نوازیدن شهریار جهان  
 من اینک<sup>۲۴</sup> چو<sup>۲۵</sup> دستان بر من رسد<sup>۲۶</sup>  
 فرستاده تازان به کاول<sup>۳۰</sup> رسید  
 ز گردان لشکر برآورده سر<sup>۱۳</sup>  
 که برگشتم از شاه، دل شادکام  
 همان یاره<sup>۱۶</sup> و طوق و هم<sup>۱۷</sup> تخت عاج<sup>۱۸</sup>  
 که با پیرسر<sup>۲۰</sup> شد به نوی جوان  
 به مهراب گفت آن کجا رفته بود  
 وزان شادمانی<sup>۲۲</sup> که رفت از مهان<sup>۲۳</sup>  
 گذاریم<sup>۲۷</sup> هردو<sup>۲۸</sup> چنان چون سزد<sup>۲۹</sup>  
 خروشی برآمد چنان چون سزید

۱- ق: ۲- سام ۲- ق: ۲- وزو ۳- ق: ۲: کارتو؛ (ل: ۲: کام تو)؛ متن= ل ۴- ق: ۲: آزار تو؛ (ل: ۲: آرام تو)؛ متن= ل؛ س، لن، ق، لی، آ، ل، ۲، ب بیت های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ را ندارند و ف، پ، و (و نیز لن، ۲، س) از آنها يك بيت ساخته اند:

رسید و بدانستم (پ: ندانستم) از روی کار (ف: آن روزگار) کزو ماند (و: ماندی) اندر جهان یادگار  
 س: ۲: سخن ها که گفتی تو ای نامدار

پیلای بیت های متن= ل، ق، ۲ (و نیز ل<sup>۳</sup>) ۵- ل: برآمد هر آنچه آن ترا کام بود؛ س: که اینک هر آنچه ترا کام بود (وزن نادرست است)؛ لن، ق، ۲، لی، آ، ل، ۲، ب: بکردم (لن: بدادم؛ آ، ل: ۲: که اینت) هر آنچه کت کام بود؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): هر آن چیز کان (لن: ۲: کن) مر ترا کام بود؛ ق، پ (و نیز ل<sup>۳</sup>) این بیت را ندارند؛ متن= ف (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ ف: هر چه ازو)؛ لی پس از این بیت ۱۳۳۶ پ را افزوده است ۶- ق: ۲، لی، ل، ۲، ب: خرم؛ متن= ف، ل، س (و نیز ل<sup>۳</sup>) ۷- و: بسی پند فرخ شمردم براوی؛ آ: که نیکی بجای خود آید بکوی (!)؛ لن، ق، پ این بیت را ندارند ۸- ل: چه آید؛ ل: ۲: جز آید؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، ۲، س) ۹- و: بجز ۱۰- لن، پ: نهنگ ۱۱- س، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ۲، ب این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، ۲، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، ۲، س) ۱۲- ل: ۲: فرهی ۱۳- و، آ: برآورد سر؛ پ، ق این بیت را ندارند ۱۴- ف: دستان؛ (ل: ۳: برسوی)؛ پ این بیت را ندارند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن، ۲، س)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، ق، ۲، لی: باز آمدن زال بنزد (لی: از پیش) سام (س: سام نریمان و داماد شدن)؛ ل: ۲: آمدن دستان به سیستان نزد سام بشادی ۱۵- س: ابا خلعت و خسروانیم تاج ۱۶- ف، ق: باره؛ س، ق، ۲، و: باره (نقطه ندارد)؛ پ این بیت را ندارد؛ متن= ل، لن، لی، آ، ل، ۲، ب (و نیز لن، ۲، س) ۱۷- و (و نیز لن، ۲، س): با ۱۸- لی: تخت و عاج؛ ق پس از این بیت افزوده است:

سبک نزدت آیم کنون بر شتاب ایا مهربان نامبردار بساب

۱۹- ق: خیر ۲۰- لن: <سر> (وزن نادرست است)؛ پ این بیت را ندارد ۲۱- ف- ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، ۲، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است  
 ۲۲- ق، ۲، لی، ل، ۲، آ، ب: از آن (ق: ۲: بران؛ لی: بدان) گونه شادی؛ متن ← ۲۳- ق: که دید از مهان؛ لی: که بد در نهان؛ آ: گرفت از مهان؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، س، و ۲۴- لی: هم اکنون ۲۵- س: که ۲۶- ق، ۲، آ: رسید ۲۷- س، ق: ۲: گزاریم؛ ق، و: بیایم؛ لی: گزاریم؛ ب: گزاریم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، آ، ل ۲۸- س: از آن سو ۲۹- ق، ۲، آ: سزید؛ آ در اینجا سرنویس دارد: آمدن زال بکابلستان ۳۰- ف، ل، س، ق، ۲، و، آ، ل، ۲، ب (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، ۲، س): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند

۱۳۳۵ چنان شاد شد شاه کاولستان  
 که گفتی<sup>۵</sup> همی<sup>۶</sup> جان برافشانند  
 چو<sup>۷</sup> مهرباب شد شاد و روشن روان  
 گرانمایه سیندخت را پیش خواند  
 بدو<sup>۱۲</sup> گفت کای<sup>۱۳</sup> جفت<sup>۱۴</sup> فرخنده‌رای  
 به شاخی زدی دست کاندز زمین<sup>۱۹</sup> ۱۳۴۰  
 چنان<sup>۲۱</sup> هم کجا<sup>۲۲</sup> ساختی از نخست<sup>۲۳</sup>  
 همه گنج پیش تو آراسته‌ست  
 چو بشنید سیندخت ازو گشت<sup>۲۷</sup> باز  
 همی<sup>۳۱</sup> مژده دادش به دیدار زال<sup>۳۲</sup>  
 ز پیوند خورشید<sup>۲</sup> زاوولستان<sup>۳</sup>  
 ز هر جای رامشگران خواندند  
 لبش گشت خندان و دل شادمان<sup>۴</sup>  
 بسی<sup>۹</sup> چرب<sup>۱۱</sup> گفتار با او<sup>۱۱</sup> براند  
 بیفروخت<sup>۱۵</sup> از رایت<sup>۱۶</sup> این<sup>۱۷</sup> تیره‌جای<sup>۱۸</sup>  
 برو<sup>۲۰</sup> شهریاران کنند آفرین  
 بیاید مرین<sup>۲۴</sup> را سرانجام جست  
 اگر تخت و تاج ست<sup>۲۵</sup> اگر<sup>۲۶</sup> خواسته‌ست  
 بر<sup>۲۸</sup> دختر<sup>۲۹</sup> آمد سراینده راز<sup>۳۰</sup>  
 که تو یافتی چونک باید همال<sup>۳۳</sup>

۱- ف- ب (و نیز ل، آ، س، آ): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲- لن، پ: سالار ۳- ل- ق، لی- ب (و نیز ل، آ، س، آ): زابلستان؛ ق ۲: کابلستان (پساوند ندارد)؛ متن = ف؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

که بیجان شده بازیابد روان و یا پیرسر مرد گردد جوان  
 لی: لبش گشت خندان و دل شادمان (= ۱۳۳۷ ب)

ق ۲ پس از بیت بالا يك بیت دیگر هم افزوده است:

همه شهر کابل از آن شادمان تو گفتی که گشتند از سر جوان

۴- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: تو؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، س، آ) ۵- ق: گویی ۶- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ): همه؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، آ، س، آ)؛ ل، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بشادی زدند آنگهی دست زود کز اندوه و غم هرکسی رسته بود

۷- ل: که؛ لی، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۸- ق، آ، ل، آ، ب: دل (ق: رخ) شد جوان؛ متن = ف، ل، س، لن، ق، پ (و نیز ل، آ، س، آ) ۹- لن، پ، آ، ل، آ، ب: همه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل، ق، آ، و (و نیز ل، آ، لن، آ): خوب؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۱۱- لی: وی ۱۲- و: چنین ۱۳- س، آ، ل، آ، ب: ای ۱۴- و: ماه ۱۵- س: برافروخت ۱۶- س، ل، آ: از جانت؛ لی: از جای؛ و: رای تو؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، پ، آ، ب ۱۷- ل، آ، آن ۱۸- ل، لی، ل، آ: رای (پساوند ندارند)؛ ق: رایت از این تیره جای ۱۹- لی: جهان (پساوند نادرست است) ۲۰- ق: بدو؛ ب: بران ۲۱- ل، س، ق، آ، و، آ، ل، آ: چنین؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ف، لن، لی، پ (و نیز س، آ) ۲۲- ل: هر کجا؛ س: هم که این؛ ق: همچنان؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۲۳- ف: از نهفت؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) در ف به از نخست تصحیح کرده است ۲۴- ل (و نیز ل، آ، س، آ): مران؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۵- ل، س، ق: اگر تخت عاجست؛ لن، پ: اگر تاج اگر تخت؛ و، ل (و نیز ل، آ): اگر تاج و تختست؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، آ، لی، آ (و نیز لن، آ، س، آ) ۲۶- س، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، آ، لن، آ): وگر؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۲۷- ل: برگشت؛ متن = بازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۲۸- ق: سوی؛ ق: آ: پس ۲۹- ل، آ: دخت ۳۰- لی: باز (پساوند ندارد)؛ آ: ناز ۳۱- س: همان ۳۲- آ: سراینده زال ۳۳- ل: که دیدی چنان چون باید همال؛ س، ق: چنان یافتی تو که باید همال؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): که چون یافتی تو که باید همال؟؛ و (و نیز لن، آ): که چون خواستی یافتی تو (لن، آ: زو) همال؛ (ل، آ): که خود یافتی چون که باید همال؛ متن = ف؛ در ل پس از این بیت ۱۳۴۷ آمده است

۱۳۴۵ زن و مرد را از بلندی منش  
سوی کام دل تیز<sup>۳</sup> بشتافتی  
بدو گفت رودابه: ای شاه<sup>۷</sup> زن  
من از خاک پای تو بالین کنم  
ز تو چشم آهرمنان<sup>۱۰</sup> دور باد  
۱۳۵۰ چو بشنید سیندخت گفتار اوی<sup>۱۲</sup>  
بیاراست ایوانها چون بهشت<sup>۱۵</sup>  
بساطی بیفگند پیکر به زر  
دگر<sup>۱۸</sup> پیکرش در خوشاب بود  
یک<sup>۲۰</sup> ایوان همه<sup>۲۱</sup> تخت زرین نهاد  
۱۳۵۵ همه پیکرش<sup>۲۳</sup> گوهر آگنده بود  
ز یاقوت مر تخت را پایه بود<sup>۲۴</sup>  
بیاراست<sup>۲۵</sup> رودابه را<sup>۲۶</sup> چون بهشت<sup>۲۷</sup>  
نشست اندران<sup>۲۹</sup> خانهی زرنگار

نیابد به گیتی ز کس سرزنش<sup>۲</sup>  
کنون هرچه<sup>۴</sup> جستی همه<sup>۵</sup> یافتی  
سزای ستایش بهر انجمن  
ز فرمانت<sup>۸</sup> آرایش دین کنم  
دل و جان<sup>۱۱</sup> تو خانهی سور باد  
به<sup>۱۳</sup> آرایش کاخ بنهاد روی<sup>۱۴</sup>  
گلاب و می و مشک<sup>۱۶</sup> و عنبر سرشت<sup>۱۷</sup>  
زبرجد برو بافته سربسر  
که هر دانه<sup>۱۹</sup> قطره<sup>۱۹</sup>ی آب بود  
به آیین و آرایش چین<sup>۲۲</sup> نهاد  
میان گهر نقشها کنده بود  
که تخت کیان بود و پرمایه بود<sup>۲۴</sup>  
به خورشید بر جادویها نشست<sup>۲۸</sup>  
کسی را بر او<sup>۳۰</sup> ندادند بار

۱- لن: برین؛ پ: مرین؛ آ، ل، آ، ب: بز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- ل، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن): سزدگر فرازد (ق، ل، آ: برآرد؛ ق، آ، ل، آ، ب: فرازی؛ لی، و، لن: برآید) سراز سرزنش (آ: گردنش)؛ س: بکام دل آمد ابی سرزنش؛ لن، پ: سزدگر برافرازی از سرزنش؛ (س: برآید به آخر سراز سرزنش)؛ متن= ۳- لن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: زود؛ متن= ۴- ل: هرچ؛ س: آنچه؛ ق، آ، لی: آنچه؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۵- ل: همی؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۶- ق: کی؛ لی: کای ۷- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: شاد؛ متن= ۸- س، و (و نیز لن): سزاتر که (س: چو)؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ، ب: بفرمانت؛ متن= ۹- ل، ق (و نیز ل، آ، س)؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

بکام تو گردد همه کار ما سرآمد همان تیز بازار ما

۹- لن: من ۱۰- ف، ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن): اهرمان؛ و: اهریمان؛ (س: اهرمانا)؛ متن= ۱۱- ق: چشم؛ ق در اینجا سرنویس دارد: گفتار در ترتیب عروسی رودابه و رسیدن زال از نزد منوچهر و آمدن سام و زال بکابل ۱۲- ق، آ، او ۱۳- ل: بر؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۴- ق: رو؛ ل پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

چهل بوستان کرد از خرمی بهشت برین کرد روی زمی  
بهار نو آورد در بوستان که شادان شدند از دوستان

۱۵- لن، پ: ایوان چو خرم بهشت ۱۶- لی، و: < ۱۷- لن، پ، ل، می و (ل: همی) مشک و عنبر بهم در سرشت؛ ق: بخورشید بر جادویها نشست (= ۱۳۵۷ ب) ۱۸- لی: همه ۱۹- ق: زاده ۲۰- لن، ق، آ، لی، پ، ب: در؛ آ: که؛ متن= ۲۱- ل، ق، و، ل، آ، س، و: پراز؛ لن، پ: یکی؛ ق، آ، لی، ب: همی؛ آ، ل، آ: بران؛ متن= ۲۲- ل، ق، آ: آیین (پساوند ندارد) ۲۳- لی: گوهرش؛ و این بیت را ندارد ۲۴- س: کرد؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

یک ایوان همه جامه (ق: جامه و) رود و می بیاورده از پارس و اهواز و ری

۲۵- ق: بیاورد ۲۶- لی: < را > ۲۷- ل: نگار؛ ق: بهار؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- و، آ، ب: نوشت؛ ل، ق: پراز جامه و رنگ و بوی بهار (ق: و بهار)؛ لن، پ: برو بررسی جادویها نوشت (پ: نوشت)؛ ق: گلاب و می و مشک و عنبر سرشت (= ۱۳۵۱ ب)؛ متن= ۲۹- ل، ق، ب پس از این بیت افزوده است:

گلی دیگرش بر سر گل نهاد به گیسو درش مشک و سنبل نهاد

۲۹- لن، پ: نشاندش دران؛ لی: نشاند اندران؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۰- ل، آ، وی



- ۱۳۶۰ همه کاولستان<sup>۱</sup> شد آراسته<sup>۲</sup>  
همه<sup>۵</sup> پشت پیلان بیاراستند<sup>۶</sup>  
نشستند بر پیل رامشگران  
پذیره شدن را بیاراستند  
کجا برفشانند<sup>۱۲</sup> مشک و عبیر  
فشانند<sup>۱۵</sup> بر سر همی<sup>۱۶</sup> مشک و زر
- ۱۳۶۵ همی راند<sup>۲۰</sup> دستان گرفته شتاب  
[همه ره<sup>۲۳</sup> چو آتش همی راند زال  
کسی را بُد ز آمدنش<sup>۲۵</sup> آگهی  
خروشی برآمد ز پرده سرای  
پذیره شدش سام یل شادمان  
چو شد زو رها زال<sup>۲۹</sup>، بوسید خاک  
نشست از بر تخت پرمایه سام  
سُخن های سیندخت گفتن گرفت
- پر از رنگ و بوی و<sup>۳</sup> پر از خواسته<sup>۴</sup>  
به دیبای رومی و می خواستند<sup>۷</sup>  
نهادند بر سر<sup>۸</sup> ز زر<sup>۹</sup> افسران  
زکاول<sup>۱۰</sup> پرستندگان خواستند<sup>۱۱</sup>  
همان<sup>۱۳</sup> گسترانند<sup>۱۴</sup> خز و حریر  
کنند<sup>۱۷</sup> از گلاب و ز می<sup>۱۸</sup> خاک<sup>۱۹</sup> تر
- چو پرنده مرغان و<sup>۲۱</sup> کشتی بر<sup>۲۲</sup> آب  
نه خورد و نه خواب و نه آرام و<sup>۲۴</sup> هال]  
پذیره نرفتند با<sup>۲۶</sup> فرهی  
که آمد ز ره<sup>۲۷</sup> زال فرخنده رای  
همی داشت اندر برش يك زمان<sup>۲۸</sup>  
بگفت آن کجا<sup>۳۰</sup> دید و بشنید پاك  
ابا زال خرم<sup>۳۱</sup> دل و شادکام  
چو شد لبش خندان<sup>۳۲</sup> نهفتن گرفت

۱- ف- آ، ب (و نیز ل، ق، ن، س، آ): کابلستان؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۲- ل: بیاراسته؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، س، آ، ب) (و نیز س، آ): ۳- ق: < > ۴- س: پر از رنگ و بوی و پر خواسته ۵- ل، ق: همان؛ متن= ده دستنویس دیگر ۶- آ، ب: برآراستند ۷- ف، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): ز کابل (ل، ن، پ، ب: یکایک؛ آ: بکابل) پرستندگان خواستند (= ۱۳۶۲ ب)؛ ق<sup>۲</sup>: بشادی همه مشک و می خواستند؛ متن= ل، س، ق، ل، و (و نیز ل، ن، آ): بنداری: و جلاواظهور الفیلة بالحریر و الدبیاج ۸- ل، ل، ن: نهاده بر سر بر؛ ق<sup>۲</sup>، ل، ی: این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- پ: همه؛ آ، ل، ب: بزرگ؛ متن= ف، ل، س، ل، ن، ق، و ۱۰- متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ل، ن، پ، آ، ل، ب: نثارش همه مشک و زر خواستند؛ ف (پ ۷)، ل، ق، آ، ل، ی: این بیت را ندارند؛ متن= س، ق، و (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ ق پس از این بیت و ق پس از بیت ۱۳۶۴ افزوده اند:

دگر سو دمان زال و یاران اوی (ق: او) سوی زابلستان نهادند روی (ق: او)

۱۲- ف، ل، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ق، ن، آ): برفشانند؛ ل، ق، ق، آ، ل، ی: این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= س (و نیز س، آ) ۱۳- ل، س، و، آ، ل، ب: همی؛ متن= ف، پ ۱۴- ل، پ، آ، ل، ب: گسترانند؛ و: گستریدند؛ متن= ف، س (و نیز س، آ) ۱۵- ف، ل، ق، آ، ل، ی، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ق، ن، س، آ): فشانند؛ ل، ن، ق این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= س ۱۶- ل، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ل، ب: همه؛ متن= ف، س، و ۱۷- ل، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): که شد؛ و: همان؛ متن= ف، س (و نیز ل، آ) ۱۸- ق، آ، ل، ی، آ، ل، ب: آن همه؛ متن= ف، ل، س، پ، و ۱۹- ل، ی: آب؛ ق پس از این بیت يك بیت افزوده است (پ ۱۱) ۲۰- ل، ی: رفت ۲۱- ل، ق، پ (و نیز ل، آ): مرغ و چو؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۲۲- ل، ی: در ۲۳- ف (و نیز س، آ): وزین سو؛ متن= ل، ق (و نیز ل، آ) ۲۴- ق: < > ؛ س، ل، ن، ق، ل، ی، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ): این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست: قال فانصرف زال من حضرة الملك منوچهر يسوق مستعجلا كالطير في الهواء، والسفينة على وجه الماء. فلم يشعر به أحد حتى طلع على أبيه (= ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷) ۲۵- ل، ن، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ل، ب: کسی را که بد ز آمدن؛ متن= ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، ق، ن، س، آ) ۲۶- ل، ن، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ل، ب: برفتند با؛ س: که رفتی پذیره اش ابا؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل، ق، ن، س، آ)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر رسیدن زال بنزدیک پدر و دامادی کردن اوی با دختر شاه کابل؛ ل: رسیدن زال بنزد سام بفروری؛ ل، ی، پ: رسیدن زال بنزدیک سام؛ ب: باز آمدن زال نزد منوچهر ۲۷- ل، آ: در ۲۸- ف: چو دیدش به بر داشتش يك زمان؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ق، ن، س، آ) ۲۹- ل: فرود آمد از باره؛ (ل، ق): چو شد زو جدا زال؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۳۰- ل، ن: آنک او ۳۱- ل: خورم ۳۲- ل، ق: لبش گشت خندان؛ ل، ن، ق، آ، ل، ی، پ، آ، ب: چو خندان شد آنکه؛ متن= ف، س، و، ل، آ (و نیز ل، ن، س، آ)؛ در ق، آ، ل، ی: این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

<p>۱۳۷۵ زهر چیز کز من به خوبی بخواست نُخست آنک<sup>۱۰</sup> با<sup>۱۱</sup> شاه<sup>۱۲</sup> زاولستان<sup>۱۳</sup> دگر آنک زی او به مهمان شویم فرستاده‌یی آمد از نزد او<sup>۱۷</sup> کنون چیست پاسخ فرستاده را ۱۳۸۰ ز شادی چنان تازه شد<sup>۲۱</sup> زال سام چنین داد پاسخ که ای پهلوان سپه بگذرد ما ز پس تر رویم<sup>۲۴</sup> به دستان نگه کرد فرخنده<sup>۲۶</sup> سام سُخن هرچه<sup>۲۸</sup> از دخت<sup>۲۹</sup> مهراب نیست</p>	<p>چنین<sup>۱</sup> گفت کامد ز کاول<sup>۲</sup> پیام ز من خواست پیمان و<sup>۵</sup> دادم زبان ۱۳۷۵ زهر چیز کز من به خوبی بخواست نُخست آنک<sup>۱۰</sup> با<sup>۱۱</sup> شاه<sup>۱۲</sup> زاولستان<sup>۱۳</sup> دگر آنک زی او به مهمان شویم فرستاده‌یی آمد از نزد او<sup>۱۷</sup> کنون چیست پاسخ فرستاده را ۱۳۸۰ ز شادی چنان تازه شد<sup>۲۱</sup> زال سام چنین داد پاسخ که ای پهلوان سپه بگذرد ما ز پس تر رویم<sup>۲۴</sup> به دستان نگه کرد فرخنده<sup>۲۶</sup> سام سُخن هرچه<sup>۲۸</sup> از دخت<sup>۲۹</sup> مهراب نیست</p>
<p>پیمبر<sup>۳</sup> زنی بود سیندخت نام<sup>۴</sup> که هرگز نباشم برو<sup>۷</sup> بدگمان سُخن ها برآن<sup>۸</sup> برنهادیم راست<sup>۹</sup> شود جفت خورشید<sup>۱۴</sup> کاولستان<sup>۱۵</sup> بران<sup>۱۶</sup> دردها پاک درمان شویم که شد ساخته<sup>۱۸</sup> کار فرزند او<sup>۱۹</sup> چه گویم مهراب<sup>۲۰</sup> آزاده را که رنگش سراپای شد لعل فام<sup>۲۲</sup> گر ایدونک<sup>۲۳</sup> بینی به روشن روان<sup>۲۵</sup> بگویم بسیار و هم بشنویم<sup>۲۵</sup> بدانست کو را درین<sup>۲۷</sup> چیست کام شب تیره مر زال را خواب نیست<sup>۳۰</sup></p>	<p>۱۳۸۵ بفرمود تا زنگ<sup>۳۱</sup> و<sup>۳۲</sup> هندی درای ز دند و گشادند پرده سرای</p>

۱- و: همی ۲- ف- ق، لی- ب (و نیز لن، س، آ): کابل؛ ق: زابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- ف، آ، ل: پیامبر (وزن نادرست است و یا شاید باید در تقطیع صامت م را پس از هجای بلند انداخت- بیت ۲۱۲) ۴- س: که رنگش سراپای شد لعل فام (= ۱۳۸۰ ب)؛ درس پس از این بیت ۱۳۸۱ آمده است؛ در ق، آ، لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۵- لی: < و > ۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ، ب: زمان؛ متن = ف، ل، ق، و، آ ۷- ل، ق، لی، پ، ل، آ، ب: بدو؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، و، آ ۸- ق، آ، پ: برو؛ لی: بدان؛ س این بیت را ندارد ۹- پ: بر نهادم براست ۱۰- پ، و، آ، ل: آنکه ۱۱- ق، آ، ب: تا ۱۲- ل، لی، و: ماه؛ س این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- ل، ق، آ، لی، و: کابلستان (و پساوند ندارد)؛ لن، ق، پ، آ، ب: زابلستان؛ متن = ف، ل، آ ۱۴- لن، پ: هم ماه؛ ق، آ، ب: با ماه؛ لی: با شاه؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن، س، آ) ۱۵- ف، لن، ق، آ، پ- ب (و نیز س، آ): کابلستان؛ ل، لی (و نیز ل، آ، لن، آ): زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۶- آ: بدان؛ ف، س، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند ۱۷- ق، آ، ل، آ، ب: او ۱۸- ل: که پردخته شد؛ س این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، س، آ) ۱۹- ف (و نیز لن، آ): کار فرزند او (پساوند ندارند)؛ لن، پ: کار را رنگ و بوی؛ ق، آ، لی: کار پیوند جوی؛ و: کار اورمزد اوی (!)؛ آ، ل، آ، ب (و نیز س، آ): کار پیوند او (پساوند ندارند)؛ متن = ل، ق، ق، (ق: او) ۲۰- ل: چه گویم بمهراب؛ س این بیت را ندارد ۲۱- ل، ق، پ: چنان شد دل؛ لن، و: چنان شاد شد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۲- س: پیامبر زنی بود سین دخت نام (= ۱۳۷۳ ب)؛ لن، ق، آ، ب: بدانست کورا از آن (آ، ب: ازین) چیست کام (= ۱۳۸۳ ب)؛ درس ۱۳۷۳ ب و ۱۳۸۰ ب پس و پیش شده‌اند و بیت های میان این دو بیت بجز بیت ۱۳۷۴ افتاده‌اند ۲۳- پ: ایدونکه؛ لن، لی، آ، ب این بیت را ندارند؛ درس این بیت پس از بیت ۱۳۷۳ آمده است ۲۴- ل، س، ق، و (و نیز لن، آ): سپه رانی و ما به کابل (و، لن، آ: ما نخستین شویم؛ ق، آ: سپه رانی و بار بستر (→ ماز پستر) شویم؛ پ: ز پیش سپه ما بیکسو شویم؛ ل: سپه را سراسر پذیره شویم؛ (ل، آ: سپه رانی و ما ز ایدر رویم؛ س: سپه رانی و ماز پس تر شویم)؛ لن، لی، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ف ۲۵- ل، س، ق، پ، و، ل (و نیز لن، آ، س، آ): بگویم و (ل، ق: < و >) زین در سخن بشنویم؛ ق، آ: بگویم در آن سر سخن بشنویم؛ (ل، آ: بگویم و گفتارشان بشنویم)؛ متن = ف ۲۶- س، ق، پ، و، ل (و نیز س، آ): و خندید؛ لن، آ، ب لت یکم این بیت را ندارند، لی این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۷- ل، ق: ازین؛ س: زین؛ لن، ق، آ، پ، و، ل (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): از آن؛ متن = ف؛ لن، آ، ب ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ را انداخته و از ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳ ب یک بیت ساخته‌اند؛ ف، و (و نیز لن، آ) پس از بیت ۱۳۸۳ افزوده‌اند:

ورا داد پاسخ به شیرین زبان که ای نامور نیک‌پی پهلوان

۲۸- ل، لن: هرچ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- آ: از بهر ۳۰- ل، س: بنزدیک زال آن جز از خواب نیست؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۳۱- ل: صبح ۳۲- لن، ق، آ: < و >

بدان تا شود نزد<sup>۳</sup> مهراب شیر  
 ابا زال و پیلان<sup>۶</sup> و چندی<sup>۷</sup> سپاه  
 بیاراست لشکر چو چشم خروس  
 زمین شد بهشت از کران تا کران  
 چه سرخ و سپید<sup>۱۱</sup> و چه زرد<sup>۱۱</sup> و بنفش  
 خروشیدن بوق<sup>۱۵</sup> و آوای زنگ<sup>۱۴</sup>  
 یکی رستخیزست گر رامش<sup>۱۷</sup> ست  
 فرود آمد از اسپ و بگذارد<sup>۱۹</sup> گام  
 پرسیدش از گردش روزگار  
 چه<sup>۲۱</sup> بر سام و بر زال زر<sup>۲۲</sup> همچنین<sup>۲۳</sup>  
 چن<sup>۲۴</sup> از<sup>۲۵</sup> کوه<sup>۲۶</sup> سر برکشد<sup>۲۷</sup> ماهنو  
 نهاد از<sup>۲۹</sup> بر تارک زال زر  
 سخن های دیرینه کردند یاد  
 ز نالیدن بربط و چنگ و نای<sup>۳۳</sup>  
 زمانه بر<sup>۳۴</sup> آرایشی<sup>۳۵</sup> دیگرست

هیونی برافگند و<sup>۱</sup> گردی<sup>۲</sup> دلیر  
 بگوید که آمد<sup>۴</sup> سپهبد ز<sup>۵</sup> راه  
 بزد نای مهراب و<sup>۸</sup> بربست کوس<sup>۹</sup>  
 ابا زنده پیلان و رامشگران  
 ۱۳۹۰ ز بس گونه گون پرنیانی درفش  
 چه آوای<sup>۱۲</sup> نای و چه آوای<sup>۱۳</sup> چنگ<sup>۱۴</sup>  
 تو گفتی مگر روز انجامش ست  
 همی رفت ازین گونه تا پیش<sup>۱۸</sup> سام  
 گرفتش جهان پهلوان در کنار  
 ۱۳۹۵ شه کاولستان<sup>۲۰</sup> گرفت آفرین  
 نشست از بر باره ی تیزرو  
 یکی تاج زرین، نگارش<sup>۲۸</sup> گهر،  
 به کاول<sup>۳۰</sup> رسیدند خندان و شاد  
 همه شهر از<sup>۳۱</sup> آواز<sup>۳۲</sup> هندی درای  
 ۱۴۰۰ تو گفتی دد و دام رامشگرست

۱- ل- ب (و نیز س): < و >؛ متن = ف (و نیز ل، ن، آ) ۲- ل: گردو؛ س، ق، آ، و: مردی؛ ل، ن، ق، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، س، آ): مرد؛ ل: زال؛  
 متن = ف (و نیز ل، ن، آ) ۳- ل: پیش؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۴- آ: بگویند کامد ۵- ق، ل، پ، آ، ل، ب: به؛ متن =  
 ف، ل، س، ل، ن، ق، و ۶- ل: ابا زال با پیل؛ ق، پ: ابا زنده پیلان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- ق: چندین؛ ل، آ، ل: چندان؛ متن = هشت  
 دستنویس دیگر؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن مهراب بدیدن سام و زال؛ ل پس از این بیت بیت های ۱۳۳۴-۱۳۳۶ و ق، پ بیت ۱۳۳۴ را  
 دوباره آورده اند؛ ل، ق، ل: پس از این بیت دو بیت و پ پس از افزودن بیت ۱۳۳۴ تنها بیت دوم را افزوده اند:

فرستاده آمد به مهراب زود سراسر بگفت آنچه دید و شنود  
 چو بشنید مهراب شد شادمان رخس گشت چون لاله و ارغوان

ق، ل: رخس (لی: برخ) گشت همچون گل و ارغوان

۸- چو بشنید مهراب؛ ل، ن، ق، ل، پ (و نیز ل، ن، آ): بزد نای روئین و؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س، آ) ۹- ق، ل، پ: بر پشت؛ آ: زد زود ۱۰-  
 س: سیاه؛ ل: چه سبز؛ ل: چه زرد؛ و، ب: سفید؛ متن ← ۱۱- س: سپید؛ ل، پ: چه سبز؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ل، آ ۱۲- س، ل، ن، ل، ل،  
 پ، ب: آواز؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۳- س، ل، ن، ل، ل، پ، و، ب: آواز؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ل، آ ۱۴- س: کوس ۱۵- ق: نای ۱۶-  
 ل: کوس (پساوند ندارد)؛ س: خروشان شده همچو چشم خروس (۱) ۱۷- ف: و یا رامش؛ س، ق، ل (و نیز ل، ن، آ): < و > یا رامش؛ ل، ن، ق، ل، پ،  
 آ، ل، ب: و آرامش؛ (س، آ): و با رامش؛ و: نه هنگام شادی و آرامش؛ متن = ل ۱۸- ق: نزد ۱۹- ف، س- ب (و نیز ل، ن، س، آ): بگذارد؛  
 متن = ل ۲۰- ف- ق، ل- ب (و نیز ل، ن، س، آ): کابلستان؛ ق، آ: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ق: ابر ۲۲- س، ق، ل، ب: بر؛  
 آ: یل؛ ل: آ؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۳- آ: آفرین (پساوند ندارد)؛ ل، ن، ل: پس از این بیت افزوده اند:

برایشان برافشانند مشک و عبیر همی گسترانید خز و حریر

۲۴- ل- ب (و نیز ل، ن، س، آ): چو؛ متن = ف ۲۵- ل: آن ۲۶- و: چرخ ۲۷- ل، ن، ل، ل، پ، و (و نیز ل، ن، س، آ): برزند؛ ق، آ، ب: برزدش؛  
 متن = ف، ل، س، ق، ل، آ (و نیز ل، ن، آ): بکارش ۲۸- ق: بکارش ۲۹- ل، ن، پ (و نیز ل، ن، آ): نهادند؛ در س، ق، ل، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، س، آ): لت های  
 این بیت پس و پیش شده اند؛ ف این بیت را ندارد ۳۰- ل- ب (و نیز ل، ن، آ): به کابل؛ (س، آ): یکایک؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ف این بیت را  
 ندارد ۳۱- ل، ل، ق، ز؛ ل، آ: < از >؛ ل: همه زخم؛ ل، ن این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ق، ل، پ، و، ب ۳۲- ق، ق، ل، پ، آ، ل: آوای؛ متن =  
 ف، ل، س، ل، و، ب ۳۳- ق، ل: زنالیدن چنگ و بربط سرای ۳۴- ل، س، ق، ل، و، آ، ل، ب: به؛ ل، ن این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، ل، پ  
 ۳۵- ل: از آتشی؛ پ، و، ل: آرایش؛ متن = هفت دستنویس دیگر



عقیق و زبرجد برافشانند<sup>۱</sup>  
 سر شاه<sup>۳</sup> با تاج گوهرنگار<sup>۲</sup>  
 همه<sup>۷</sup> نُسَخَتِ<sup>۸</sup> گنج آراسته<sup>۹</sup>  
 که گوش آن نیارست گفتن<sup>۱۲</sup> شنود<sup>۱۳</sup>  
 بودند يك هفته با می به دست  
 سه هفته به شادی گرفتند ساز<sup>۱۴</sup>  
 کشیدند<sup>۱۸</sup> بر<sup>۱۹</sup> پیش کاخ<sup>۲۰</sup> بلند  
 سُوی سیستان<sup>۲۱</sup> روی بنهاد<sup>۲۲</sup> تفت  
 زمانه رکاب<sup>۲۳</sup> وُرا داد بوس

به يك تختشان شاد بنشانند  
 ۱۴۱۵ سر ماه با افسر نامدار<sup>۲</sup>  
 بیاورد پس دفتر<sup>۵</sup> خواسته<sup>۶</sup>  
 برو خواند از<sup>۱۱</sup> گنج ها هر چه<sup>۱۱</sup> بود  
 برفتند از آنجا بجای نشست  
 وُزایوان<sup>۱۴</sup> سُوی کاخ<sup>۱۵</sup> رفتند باز  
 ۱۴۲۰ بزرگان کشورش<sup>۱۷</sup> دست بند  
 سر ماه سام نریمان برفت  
 ابا زال و با لشکر و پیل و کوس

۱- لی این بیت را ندارد ۲- لن، لی، آ: زرنگار؛ ق، ل، آ، ب: پرنگار؛ متن=ف، ل، س، ق، پ، و ۳- س: شاخ ۴- لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: با (ق، آ، لی: بر) گوهر شاهوار؛ متن=ف، ل، س، ق، پ، و؛ در لن این بیت پس از بیت ۱۴۱۳ آمده است؛ لی، ل، آ پس از این بیت سرنویس دارند، لی: رفتن مهرباب به پیش رستم (۱)؛ ل، آ: عقد بستن رودابه و زال و عرس (→ عروسی) ایشان؛ ب پس از این بیت چهارده بیت افزوده است:

بخندید و لب را به دندان گزید  
 کدامین پری کو بدین دلبريست  
 نهانی همی دید دیدار اوی  
 چو رودابه و زال بنشاختند  
 ابا او درآمد ابر گفت و گوی  
 می و شیر در يك قدح ریختند  
 به گوهر دو مرجانش اندر گزید  
 مران مهربان را گره برگشاد  
 چو شد کهربا رنگ رخسار شاه  
 دو جان شد یکی چهر دیدار کرد  
 زمین شد برومند و کان پر گهر  
 ز بهر نیایش یکی جای جست  
 بنزدیک آن تخت و آن گاه شد  
 بیامد بنزدیک داستان راد

چو زال گرانیامیه او را بدید  
 همی گفت با خود مگر این پریست  
 همان نیز رودابه مهرجوی  
 وزانپس مران خانه پرداختند  
 پس آنگاه دستان پاکیزه روی  
 چو نسرين و گل درهم آویختند  
 چو شکر لبانش یکی برمزید  
 چو پرگار بر مرکز دل نهاد  
 عقیقین شد از زخم پرکار شاه  
 چو در نقطه جان گهر کار کرد  
 مه نو درآمد به چرخ هنر  
 چو شد روز دستان سر و تن بشست  
 ز جای نیایش سوی ماه شد  
 پس آنگاه مهرباب فرخ نهاد

۵- ل، لی: دفترو ۶- آ: آراسته ۷- لن، ق، آ، ب: همان؛ ق: یکی؛ متن=ف، ل، س ۸- لن، ق، آ، لی، پ، ب: نسخه؛ ق: نسخه از؛ متن=ف، ل، س، و، آ، ل، آ: ۹- آ: پرخواسته ۱۰- س، لن، لی، پ، و، ل، آ، ب: آن؛ آ: بر؛ ق: خوانند؛ متن=ف، ل، ق ۱۱- ل، لن: هرچ؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۲- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، آ): گفتی؛ و: گفت و؛ ل، آ: کورا؛ متن=ف، س (و نیز لن، آ، س) ۱۳- ق: چه تاج و چه از گوهر نابسود؛ ق پس از این بیت افزوده است:

چو سام آن چنان دید خیره بماند

۱۴- س: وزانجا ۱۵- ل، ق: باغ؛ متن=ده دستنویس دیگر ۱۶- آ: ناز؛ لی: بشادی گرفتند یک هفته ساز ۱۷- س: لشکرش با؛ ق: که بودند؛ آ، ل، آ، ب: لشکرا با؛ لن، لی این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، آ، س) ۱۸- ف، ق، آ: برفتند؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۹- س، و (و نیز ل، آ، س): صف؛ ق: تا؛ آ، ب: در؛ متن=ف، ل، ق، پ، ل، آ ۲۰- ل، ق: گاه؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۱- ق: شهر خود ۲۲- ل، پ: بنهاد و؛ در ق، آ پس از این بیت ۱۴۲۸ آمده است؛ لن، لی- ب (و نیز ل، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

از آن پس که او رفته بد زال باز (لی: زر)

بشادی گرفتند (لی: بی بودند؛ پ: بیاراست) یک هفته ساز (لی: در؛ آ: ناز)

لن: سه هفته بشادی گرفتند ساز (=۱۴۱۹ ب)

این بیت در ف، ل، ق نیست ۲۳- و: رکیب؛ متن=ف، ل، ق (و نیز لن، آ)؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س) این بیت را ندارند

عماری و پالان و هودج بساخت  
 چو سیندخت و مهرباب و پیوند خویش  
 ۱۴۲۵ برفتند شادان دل و خوش منش  
 رسیدند پیروزه در نیمروز  
 سپرد آن زمان پادشاهی<sup>۱۱</sup> به زال  
 سوی گرگساران شد و<sup>۱۳</sup> باختر  
 شوم<sup>۱۴</sup> گفت کان پادشاهی جداست<sup>۱۷</sup>  
 ۱۴۳۰ بترسم از<sup>۱۹</sup> آشوب بدگوهران  
 بشد سام یک زخم<sup>۲۲</sup> و<sup>۲۳</sup> بنشست زال

یکی مهد تا ماه را درنشاخت<sup>۳</sup>  
 سوی<sup>۵</sup> سیستان ره گرفتند پیش  
 پر از آفرین لب ز نیکی دهش<sup>۷</sup>  
 چنان<sup>۱۰</sup> شاد و خندان و گیتی فروز  
 برون برد<sup>۱۲</sup> لشکر به فرخنده فال  
 درفش خجسته برافراشت<sup>۱۴</sup> سر<sup>۱۵</sup>  
 دل و دیده با ما ندارند<sup>۱۸</sup> راست  
 بویژه ز گردان<sup>۲۰</sup> مازندران<sup>۲۱</sup>  
 می و<sup>۲۴</sup> مجلس آراست و بفراشت یال<sup>۲۵</sup>

۱- پ: ز ۲- ف، لی، پ، و (و نیز ل، ن، آ): بالای؛ ل: بالای و؛ ق: بالا و؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = س، لن، ق، آ، ل (و نیز س، آ) ۳- ف: یکی مهد رودابه را درنشاخت؛ لی: یکی مهد با شاه اندر نشاخت؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۴- ق: < و ۵- لن، پ: ره ۶- ل: روی کردند؛ لن: برگرفتند؛ ق: راه کردند؛ پ: را گرفتند؛ ل: زابلستان گرفتند؛ متن = ق، آ، لی، آ (و نیز ل، ن، س، آ)؛ ف، س، و، ب (و نیز لن) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده است: ثم عزم سام علی الارتحال خارجا نحو سجستان. فتوجه الیها و أمر زال بإعداد العماریات و تهیه المهود و الهوادج، و اتبعه مستصحباً صاحبته و مهرباب و زوجته، و ارتحلوا من سبجستان جمیعاً قاصدین قصد نیم روز فقدموها ۷- ل، لن، و: کنش؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸- لن، پ، آ: فیروز ۹- ل، ق: تا؛ س این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- لن، پ: همه؛ بنداری پس از این بیت افزوده است: و أقام سام بضيفاتهم ثلاثة أيام. ثم استأذن مهرباب و رحل راجعاً الی کابل خطه ملکه و مقر عزه. و أقامت سین دخت عند ابنتها. اصل این ترجمه در هیچیک از دستنویس های ما نیست، ولی در برخی از دستنویس های دیگر، از آن میان در دستنویس بی تاریخ لنینگراد از سده نهم هجری و نیز در کناره ل<sup>۳</sup> آمده است:

یکی سور پس (ل: یکی بزم سام) آنگهی ساز کرد  
 پس آنگاه سیندخت آنجا بماند  
 چو زال گرانیمایه نیک نام  
 به کام دل خویشتن دید سام

سه روز اندران سور مهرباب خورد (ل: بزم بگماز کرد)  
 خود و لشکرش سوی کابل براند  
 چو زال گرانیمایه نیک نام  
 به کام دل خویشتن دید سام

۱۱- لن: آنگهی پادشاهی؛ پ: آنگهی سام شاهی؛ آ، ل، ب: آن زمان سام شاهی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۲- س: کرد ۱۳- س، ل: ل: گرگساران سوی؛ لن، پ، و: گرگسار و سوی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۴- ل، لن، پ، آ، ل، ب: برافراخت؛ س: برافراخته؛ و (و نیز ل، ن، آ، س)؛ برآورد؛ متن = ف ۱۵- لن: بر؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۱۴۲۱ آمده است ۱۶- ق: سپه ۱۷- ل، لن، ق، لی، پ: مراسم؛ س: جداست؛ ق<sup>۲</sup> (و نیز س، آ): چراست؛ آ: کراست؛ متن = ف، و، ل، ب (و نیز ل، ن، آ) ۱۸- آ: بانامدارند؛ ل: با ما بدارید؛ ل، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

منوچهر منشوران شهر بر (ل، ق، آ، لی، پ: بوم و بر؛ ب: شهر بر)  
 مرا داد و گفتا همی (ل: همه) دار و خور  
 این بیت در ف، س، ق، آ، و (و نیز لن، آ، س) نیست ۱۹- ل، ق، آ، و، آ، ل، ب: ز؛ متن = ف، س، لن، لی، پ ۲۰- لن، لی، پ: دیوان؛ متن ← ۲۱- ق: بویژه ز کردار نام اوران؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ن، س، آ) پس از این بیت افزوده اند:

ترادادم ای زال این تخت گاه (پ: تخت و گاه؛ آ، ل، ب: جایگاه)  
 همین پادشاهی و فرخ کلاه (آ، ب): وهم تخت و گاه؛ ل: وهم تاج و گاه

۲۲- ل: لخت ۲۳- ق، آ، ل، آ: < و ۲۴- س: همی ۲۵- ل، س، ق، آ، لی، و، ل، آ: و بفراخت یال؛ آ: و فرخنده یال؛ ب: و فرخنده فال؛ متن = ف، لن، پ: بیاراست مجلس به فرخنده فال؛ ف، و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

نشست از بر تخت زاول (لن: زابل) به داد  
 به شاهنشهی تاج بر سر نهاد  
 و (و نیز لن، آ) پس از بیت بالا افزوده اند:

همه کابل و زابل و نیمروز  
 چو خلد برین خرم و تازه شد  
 هنرپروان جهان سرسیر  
 ز دانش بنزدش فروزنده جاه  
 5 گرانیمایه دستان خسرونژاد  
 چنان شیفته بود بر چهر او (لن: او)  
 ق، پ پس از بیت ۱۴۳۱ افزوده اند:

همه کابل و زابل و نیمروز  
 چو خلد برین خرم و تازه شد  
 هنرپروان جهان سرسیر  
 ز دانش بنزدش فروزنده جاه  
 5 گرانیمایه دستان خسرونژاد  
 چنان شیفته بود بر چهر او (لن: او)  
 ق، پ پس از بیت ۱۴۳۱ افزوده اند:

بسر بر نهادش یکی تاج زر  
 چو رودابه بنشست با زال زر

## گفتار اندرزادن رستم از مادر به فیروزی<sup>۱</sup>

بسی برنیامد برین<sup>۲</sup> روزگار  
شکم کرده فریبی<sup>۶</sup> و تن<sup>۷</sup> شد گران<sup>۸</sup>  
بدو گفت مادر<sup>۹</sup> که ای جان<sup>۱۰</sup> مام  
چنین داد پاسخ که من روز و شب  
همانا<sup>۱۳</sup> زمان آمده‌ستم فراز  
تو گویی<sup>۱۵</sup> بسنگستم آگنده<sup>۱۶</sup> پوست  
چنین تا گه زادن آمد فراز  
چنان بد<sup>۲۱</sup> که یک روز زو رفت هوش<sup>۲۲</sup>  
خبر شد به<sup>۲۴</sup> سیندخت و<sup>۲۵</sup> بشخود روی  
یکایک به دستان رسید آگهی<sup>۲۶</sup>

۱۴۳۵  
۱۴۴۰

که با زادسرو<sup>۳</sup> اندرآمد نهار<sup>۴</sup>  
شد آن ارغوانی رخس زعفران  
چه بودت که گشتی چنین<sup>۱۱</sup> زردفام  
همی برگشایم به فریاد لب<sup>۱۲</sup>  
وزین<sup>۱۴</sup> بار بردن نیابم جواز  
وگر<sup>۱۷</sup> زآهنست<sup>۱۸</sup> اینک بمیان اوست<sup>۱۹</sup>  
به<sup>۲۰</sup> خواب و به<sup>۲۰</sup> آرام بودش نیاز  
از<sup>۲۳</sup> ایوان دستان برآمد خروش  
بکند آن سیه گیسوی مشک بوی  
که پژمرده شد برگ سرو سهی

- ۱- ف: گفتار اندر آنک شکم مادر رستم بشکافتند و رستم از آن بیرون کشیدند به گفت سیمرخ؛ ل، ق: گفتار اندر (ق: در) مولود رستم زال (ق: زال سام)؛ س، ق: زادن رستم زال از مادر (س: بفیروزی)؛ آ: اندرزادن رستم زال از مادر؛ ل: ولادت رستم از دختر مهرباب و آمدن سیمرخ؛ ب: گفتار اندر ولادت رستم؛ متن= و (که با بیشتر دستنویس ها میخواند) ۲- ق: بدان؛ لی: بدین ۳- ل، لی: که ازاد سرو؛ س: بران زاد سرو؛ ق، پ (و نیز ل): که ازاده سرو؛ و (و نیز لن): که تا زاد سرو؛ متن= ف، لن، ق، آ، ل، ب (و نیز س) ۴- ل، ق، لی، پ، و (و نیز ل، لن): بیار؛ س، ق، آ، ل، ب (و نیز س): بهار؛ لن: بهار (نقطه ندارد)؛ متن= ف؛ ل، لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): پس از این بیت افزوده‌اند:
- بهار دلفروز پژمرده شد  
دلش راغم ورنج بسپرد (ق: آزرده؛ ق: آ، بسترده؛ لی: بشمرده) شد  
ف، س، و (و نیز لن): این بیت را ندارند؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): پس از بیت بالا افزوده‌اند:
- ز بس بار کو داشت در (ق، ل، آ: از) اندرون  
لن، پ، آ: همی راند سین دخت (آ: رودابه) از دیده خون  
ق، آ، لی، ل، آ، ب: همی راند رودابه چون دیده (ل: جوی؛ ب: جویی) خون
- ف، ل، س، ق، و (و نیز لن): این بیت را ندارند ۵- ل، لن، ق، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: گشت؛ متن= ف، س (و نیز س) ۶- ل، لن، ق، آ، لی، آ: فریه؛ متن= ف، س، ق، و، ل، ب (و نیز لن، س) ۷- لن، آ: تنش ۸- پ: شکم سخت شد فریه و تن گران ۹- ق: سیندخت ۱۰- س، ق، آ، ل، آ: ناز؛ لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، لی، پ، و ۱۱- و: که ایدون شدی؛ در ق: بیت های ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۶ پ پس از بیت ۱۴۴۰ آمده‌اند ۱۲- لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ ف، و (و نیز لن): پس از این بیت افزوده‌اند:
- چنان گشته (ف: گشت) بی آب (لن: زور) و (ف: و) پژمرده‌ام  
تو (و: که) گویی که من زنده‌ام مرده‌ام  
۱۳- ل: همان تا ۱۴- ق: کزین؛ لن، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ ق: پس از این بیت افزوده است:
- فرود آمد آن زندگانی زال  
چو بنشست با خویش بگرفت یال
- ۱۵- لن، ق، آ، پ، آ، ب: گفتی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ف: بسنگم درآکنده؛ لن، ق، آ، پ، ب: بسنگستش آکنده؛ آ: ز سنگست آکنده؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل، آ (و نیز س) ۱۷- ف، لن، لی، پ، و (و نیز لن، س): و یا؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۸- ف، ل، و، آ (و نیز لن): < ز > آهنست؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز س) ۱۹- ل، ق: آنک نیز (ق: < نیز >) اندروست؛ لن، ق، آ، لی، پ (و نیز س): آنک (لی: آنچه؛ پ: آنکه؛ س: آنچه) بوده دروست؛ و (و نیز لن): اینکه در جوف اوست؛ آ: آنکه بچه دروست؛ ب: آنک بود اندروست؛ متن= ف، س، ل، آ (ل: آنکه)؛ در لن، پ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل، آ: نه؛ در لن، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۱- ف، لن، ق، آ، پ، و، ب (و نیز لن): شد؛ ل: تا؛ متن= ل، س، ق، لی، آ، و (و نیز ل، س) ۲۲- ف: کز و رفت یک روز هوش؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، ل، س، ق، آ، و: ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر؛ لن پس از این بیت سرنویس دارد: طلب کردن زال سیمرخ را ۲۴- ل، س، ق، پ، و (و نیز لن، س): خروشید؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل) ۲۵- ق، آ، لی، آ، ل، ب: < و >؛ در ق: پس از این بیت بیت های ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶ و ۱۴۳۶ پ آمده‌اند ۲۶- پ: بکابل به مهرباب شد آگهی

به بالین رودابه شد زال زر  
 چو زان<sup>۱</sup> پر سیمرغش آمد بیاد<sup>۲</sup>  
 یکی مجمر آورد و<sup>۳</sup> آتش فروخت  
 هم اندر<sup>۴</sup> زمان تیره‌گون<sup>۵</sup> شد هوا  
 چُن<sup>۶</sup> ابری که بارانش مرجان بود  
 ستودش فراوان و بردش نماز  
 چُنین<sup>۱۱</sup> گفت با زال<sup>۱۲</sup> کین غم چراست  
 کزین<sup>۱۴</sup> سرو سیمین بر<sup>۱۵</sup> ماهروی  
 که خاک پی او بیوسد هزبر<sup>۱۸</sup>  
 و ز<sup>۲۰</sup> آواز او چرم جنگی پلنگ<sup>۲۱</sup>  
 هرآن گرد کاواز<sup>۲۳</sup> گوپال اوی<sup>۲۴</sup>  
 از<sup>۲۶</sup> آواز او<sup>۲۷</sup> اندرآید ز پای<sup>۲۸</sup>  
 بجای<sup>۳۰</sup> خرد سام سنگی<sup>۳۱</sup> بود  
 به بالای سرو و<sup>۳۴</sup> به نیروی پیل  
 نیاید<sup>۳۶</sup> به گیتی ز راه زهش<sup>۳۷</sup>  
 بیاور یکی خنجر<sup>۳۹</sup> آبگون  
 نخستین به می ماه را مست کن  
 تو منگر<sup>۴۱</sup> که بینادل افسون کند

پر از آب رخسار و خسته جگر  
 بخندید و سیندخت را مژده داد  
 و زان پر سیمرغ لختی بسوخت  
 پدید<sup>۶</sup> آمد آن مرغ فرمان‌روا  
 چه<sup>۸</sup> مرجان که آرایش جان بود  
 برو کرد زال<sup>۹</sup> آفرین<sup>۱۰</sup> دراز  
 به چشم هزبر<sup>۱۳</sup> اندرون نم چراست  
 یکی شیر باشد<sup>۱۶</sup> ترا نامجوی<sup>۱۷</sup>  
 نیارد به سربر گذشتنش ابر<sup>۱۹</sup>  
 شود چاک چاک و بخاید دو چنگ<sup>۲۲</sup>  
 ببیند برو بازوی و یال<sup>۲۵</sup> اوی<sup>۲۴</sup>  
 دل مرد جنگی برآید ز جای<sup>۲۹</sup>  
 به خشم<sup>۳۲</sup> اندرون شیر جنگی<sup>۳۳</sup> بود  
 به آورد خشت<sup>۳۵</sup> افگند بر دو میل  
 به فرمان دادار<sup>۳۸</sup> نیکی دهش  
 یکی مرد بینادل<sup>۴۰</sup> پُرفسون  
 ز دل بیم و اندیشه را پست کن  
 به صندوق تا<sup>۴۲</sup> شیر<sup>۴۳</sup> بیرون کند

۱- ل، ق، پ: همان؛ س، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، آ، س): چو آن؛ لن، ل، آ: چواز؛ و (و نیز لن، آ): از آن؛ متن = ف ۲- ل، آ: سیمرغ آمدش یاد  
 ۳- ق: < و > ۴- پ: همان در ۵- ب: فیرگون ۶- لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: بزیر؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ): لی، پ در  
 اینجا سرنویس دارند، لی: آمدن سیمرغ و افسون کردن بر رودابه؛ پ: آمدن سیمرغ بنزدیک زال زر ۷- ل- ب (و نیز ل، آ، س، آ): چو؛ متن = ف  
 ۸- لی: که؛ ق ۲ پس از این بیت بیت ۱۴۳۶ پ را دوباره آورده است ۹- لی: بدوزال کرد ۱۰- لن، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): آفرینی؛ متن = ل، ق،  
 ق، آ، لی (و نیز ل، آ، س، و) (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: ولما دنت خر زال ساجدا یقبل الأرض ویذری الدمع ۱۱- ق، آ، لی: بدو ۱۲-  
 لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: سیمرغ؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، س، آ) ۱۳- لی، ب: هزبر ۱۴- س، لن: از آن؛ لی، ل، آ، ب: ازین؛  
 متن = هفت دستنویس دیگر ۱۵- ق، آ، ل، آ، ب: تن؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۶- س: پور باشد؛ ق، آ، لی، آ: کودک آید؛ متن = < و > ۱۷- و:  
 گو و نامجوی؛ ل، ق: یکی نره شیر آید و (ق: ای) نامجوی؛ متن = ف، ل، س، پ، ل، آ، ب (و نیز س، آ) ۱۸- لی، ب: هزبر ۱۹- ل، س، ق- ب (و نیز  
 س، آ): نیارد گذشتن بسر برش (ق: آ: همی نیز؛ ب: بسر نیز) ابر؛ متن = ف، لن ۲۰- ل، ل، ق، ق، آ، لی، پ، و: از؛ س: ز؛ متن = ف، آ، ل، ب (و نیز  
 س، آ) ۲۱- ف: استخوان پلنگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۲- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: بچنگ؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و  
 (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۳- س، و: هرآن باره دزکه؛ ق، ب: هرآن گرد کوگرد (ب: زخم)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل، س، لن، ق، لی، آ،  
 ل، آ، ب: او؛ متن = ف، ق، آ، پ، و ۲۵- س، ق، ق، آ، ب: بازو و یال؛ لن، لی: بازو و یال؛ و: بیاید ببیند پر و بال؛ متن = ف، ل، پ، آ، ل ۲۶-  
 لن، ق، آ، لی، آ، ب: به؛ ق: ز؛ متن = ف، ل، س، پ، آ، ل ۲۷- و: هم اندر زمان ۲۸- س: به پای؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: ز جای (ل) پساوند  
 ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۹- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پولاد خای؛ و: نماند بجای؛ متن = ف، ل، س، ق، آ، ل ۳۰- س، پ: بگاه؛ آ: بهوش؛ و: متن =  
 نه دستنویس دیگر ۳۱- لی: جنگ جنگی (!) ۳۲- لی: به جنگ؛ و: به چشم ۳۳- لی: سنگی ۳۴- ل: < و > (وزن نادرست است) ۳۵-  
 ل: باواز اسب؛ س: باورد اسب؛ لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: بانگشت خشت؛ ق: باورد مرد؛ متن = ف، لی، و (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۶- لی: بیاید ۳۷-  
 ق، آ، لی، و: رهش؛ آ: دهش؛ ل، آ: ورهش؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۸- ل، ق: دارای؛ لی: داداد؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی،  
 پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان تاش (ل): بدانش که؛ ب: بدان باش) بیشی بود خرمی بدین (ل): بس آدمی (لی، ب: آمدن) از ره مردمی  
 ف، ل، س، و (و نیز لن، آ، س، آ) این بیت را ندارند ۳۹- ق، آ، ب: خنجری ۴۰- ل: بینادل و ۴۱- ل: نگر؛ ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ):  
 بنگر؛ لن این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، و (و نیز ل، آ، س، آ) ۴۲- ل، آ: با ۴۳- آ: بچه



نباشد مرو را ز درد آگهی  
 ز دل<sup>۳</sup> دور کن ترس و تیمار<sup>۴</sup> و باک  
 بکوب و بکن هر سه در<sup>۷</sup> سایه خشک  
 بیینی همان روز پیوستگیش<sup>۱</sup>  
 خجسته بود سایه<sup>۱۲</sup> فر من  
 به پیش<sup>۱۳</sup> جهاندار باید شدن  
 که هر روز نو<sup>۱۵</sup> بشکفاندت<sup>۱۶</sup> بخت  
 که شاخ برومندت<sup>۱۸</sup> آمد به بار  
 فگند و پرواز برشد بلند<sup>۲۰</sup>  
 برفت و بکرد<sup>۲۱</sup> آنچه<sup>۲۲</sup> گفت ای شگفت  
 همه دیده پر<sup>۲۵</sup> خون و خسته روان<sup>۲۶</sup>  
 که کودک ز پهلو کی آید<sup>۳۰</sup> برون

مرآن ماهرخ را به می مست کرد  
 بتابید مر<sup>۳۳</sup> بچه را سر ز راه  
 که کس در جهان آن<sup>۳۴</sup> شگفتی ندید  
 به بالا بلند و به دیدار گش  
 که نشنید کس بچه ی پیل تن

۱۴۶۰ بکافدا تهی گاه سرو سهی  
 وُزان پس بدوز آن<sup>۲</sup> کجا کرد چاک  
 گیایی<sup>۵</sup> که گویمت<sup>۶</sup> با شیر و مشک  
 بسای<sup>۹</sup> و بیالای<sup>۹</sup> برخستگیش  
 برو<sup>۱۱</sup> مال ازان پس یکی پر من  
 ۱۴۶۵ ترا زین سخن شاد باید بدن  
 که او دادت<sup>۱۴</sup> این خسروانی درخت  
 بدین<sup>۱۷</sup> کار دل هیچ غمگین مدار  
 بگفت و یکی پر ز بازو<sup>۱۹</sup> بکند  
 بشد زال و آن پر او برگرفت  
 ۱۴۷۰ بدان<sup>۲۳</sup> کار نظاره بُد<sup>۲۴</sup> يك جهان  
 فرو<sup>۲۷</sup> ریخت از میژه<sup>۲۸</sup> سیندخت خون<sup>۲۹</sup>

بیامد یکی موبدی چرب دست  
 بکافید<sup>۳۱</sup> بی رنج پهلوی ماه<sup>۳۲</sup>  
 چنان بی گزندش برون آورید  
 ۱۴۷۵ یکی بچه بُد چون گوی<sup>۳۵</sup> شیرفش  
 شگفت اندرو مانده بُد<sup>۳۶</sup> مرد وزن

۱- ف، لی: بکاود؛ آ، ب: شکافد؛ (لن<sup>۲</sup>: بکابد)؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ لن، لی، پ پس از این بیت افزوده اند: وزو بچه شیر بیرون کشد همه پهلوی ماه در خون کشد

بنداری: ثم یشق الحکیم بتلک الحدیده خاصرتها و یستخرج منها الولد ۲- لی، ل: بدوزد ۳- ل: تن؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)؛ لن، پ، و: اندوه ۵- س، لن، ق، و، آل، ل: ب: گیاهی؛ متن= ف، ل، ق، لی، پ ۶- لن، ق، لی، پ، آل، ل: ب: گویم تو؛ متن= ف، ل، س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۷- ق: هر سه بر؛ آ: جمله در ۸- ل: بساو؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۹- ف: بیالای (یک نقطه دارد)؛ ل، ق: برآلای؛ ق، آل، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>): بیالای؛ پ: برآلای بران؛ و، ب: بیالای؛ متن= س، لن، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۰- لن، ق، آل، ب، ل: هم اندر زمان بستگیش (آ، ل: رستگیش)؛ لی (و نیز س<sup>۲</sup>): همان گاه پیوستگیش؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۱۱- ل: بدو؛ لن، ق، آل، پ، آل، ل: ب: بران؛ متن= ف، س، ق، لی، و ۱۲- ل: سایه و ۱۳- لن، پ، آل، ب: بنزد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۴- پ: داد ۱۵- لن: گل ۱۶- ل، لن، ق، پ: بشکفاندش؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- س، آ: برین ۱۸- و: برومندی؛ ل: برومند؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ پ پس از این بیت و ب پس از بیت سپسین افزوده اند:

مرو را همی نام رستم کنید ز شادی روان (ب: رخان) را ابی غم (ب: نم) کنید

۱۹- ل: بازوی؛ و: بگفت این و از بال پری ۲۰- ق: بیفکند و پرواز برشد بلند؛ و: بدو داد و برشد به ابر بلند ۲۱- ق: بگفت ۲۲- ق، لی، پ، و، آل، ب: آنچه؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، آل ۲۳- س، لن، آل، ب: بران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- ل، ق، لی، آ: شد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- ل: همه دل پراز؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۶- لی: کهان و مهان ۲۷- لی: همی ۲۸- س، لی، و، آل (و نیز لن<sup>۲</sup>): دیده؛ لن، پ، ل، آل، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): مژه؛ متن= ف ۲۹- ل، ق، ق، آل (و نیز ل<sup>۲</sup>): فرو ریخت سین دخت از مژه (ق، آل): دیده خون ۳۰- ق: که آرد؛ ل: کی آرد؛ لی: که کودک کی آید ز پهلو؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن: زادن رستم از مادر؛ لی: زادن رستم از مادر به فیروزی؛ پ: زادن رستم از مادرش رودابه؛ ل: بیرون آوردن رستم از شکم مادر ۳۱- لی، آل، پ: بکاوید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>)، س<sup>۲</sup>) ۳۲- ق: بکافید نخ ز پهلوی ماه ۳۳- و: پس ۳۴- ل، لن، لی، پ: این؛ ق: زان؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- ف، آل (و نیز لن<sup>۲</sup>): گو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳۶- پ: شد

ز می<sup>۱</sup> خفته<sup>۲</sup> و دل ز هُش<sup>۳</sup> رفته بود  
 به دارو همه درز<sup>۴</sup> بسپوختند  
 به سیندخت بگشاد لب بر سَخُن<sup>۵</sup>  
 ابر کردگار آفرین خواندند  
 بسان سپهری برافراختند<sup>۱۱</sup>  
 بدید اندرو<sup>۱۳</sup> فر شاهنشهی<sup>۱۴</sup>  
 نهادند رستم<sup>۱۵</sup> نام پسر<sup>۱۵</sup> ]  
 به بالای آن شیر<sup>۱۷</sup> ناخورده شیر  
 به رخ برنگاریده<sup>۱۹</sup> ناهید و هور  
 به چنگ اندرش<sup>۲۱</sup> داده چنگال شیر  
 به يك دست گوپال و دیگر عنان  
 به گرد اندرش<sup>۲۵</sup> چاکران نیز چند<sup>۲۶</sup>  
 به فرمانبران<sup>۲۸</sup> برم ریختند  
 ببردند نزدیک<sup>۳۰</sup> سام سوار  
 ز زاولستان<sup>۳۳</sup> تا<sup>۳۴</sup> به کاولستان<sup>۳۵</sup>

شبان روز مادر ز می<sup>۱</sup> خفته بود  
 همان<sup>۴</sup> درزگاهش<sup>۵</sup> فرودوختند  
 چو از خواب بیدار شد سروئن  
 برو<sup>۹</sup> زر<sup>۹</sup> و گوهر برافشانند  
 ۱۴۸۰ مران بچه را پیش<sup>۱۱</sup> او تاختند  
 بخندید از آن بچه سرو سهی<sup>۱۲</sup>  
 [برستم بگفتا غم آمد بسر  
 یکی کودکی دوختند<sup>۱۶</sup> از حریر  
 ۱۴۸۵ درون اندراگنده<sup>۱۸</sup> موی سمور  
 به بازوش بر آژدهای دلیر  
 به زیر کش اندر نگار سنان<sup>۱۱</sup>  
 نشانندش<sup>۲۲</sup> آنگه بر<sup>۲۳</sup> اسپ<sup>۲۴</sup> سمنند  
 هیون<sup>۲۷</sup> تگاور برانگیختند  
 ۱۴۹۰ مران<sup>۲۹</sup> صورت رستم گرزدار  
 یکی جشن کردند در<sup>۳۱</sup> گلستان<sup>۳۲</sup>

۱- آ: زمین ۲- لن، پ: خسته ۳- ل، ق: و هوش ازو؛ س، و: بود و ز هُش؛ متن = هششت دستنویس دیگر؛ در ل، ق، پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- ل: مران ۵- ق: درزهایش؛ ل: زخم گاهش ۶- ل، ق: درد؛ ل: دارو (وزن نادرست است)؛ متن = ف، پ، و (و نیز لن)؛ س، لن، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، س) این بیت را ندارند؛ در ل، ق، پ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۷- ف: در لب سخن؛ س، ق، ل، آ، ل، ب: لب در سخن؛ متن = ل، لن، ق، پ، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۸- ل: بدو ۹- ل، ق: در؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛ بنداری: ثم آفات بعد ذلك فنثرواعليها الذهب و الجواهر ۱۰- آ: نزد ۱۱- آ: برانداختند؛ ل: (و نیز س) پس از این بیت افزوده‌اند: بیک روزه گفתי که یکساله بود یکی توده سوسن و لاله بود  
 ۱۲- لن: سروبن ۱۳- ل، آ، ب: پدید آمده؛ ل: پدید آمد آن؛ متن ← ۱۴- لن: بگفتند از آن بچه چندی سخن؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

پدر چون بیدار او کام (ق: رام) کرد مر او را سبک رستم نام کرد  
 ۱۵- ف- ب (و نیز ل، لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن = (س)؛ این بیت در برخی از دستنویس های دیگر، از آن میان در دستنویس بی تاریخ لنینگراد از سده نهم هجری و در کناره ل<sup>۲</sup> (و در چاپ مول ۱۷۰۶/۷) و نیز در ترجمه بنداری آمده است: فلما رأته تبسمت ضاحكة و قالت برستم آى قد خلصت. فسمى الصبى رستم ۱۶- ل: دوخته؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- ل، س، ل، و، آ (و نیز ل، س، آ): سیر؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز لن) ۱۸- ف: درون اندراکند؛ ل، ق: درون وی آکنده؛ س: بدو اندر افکند؛ لن، ق، ل، آ، ل، ب: درو (ل: دران) اندر آکنده (ق، ل: آکند)؛ و (و نیز لن): درونش بیاکنده؛ (ل، س، آ: بدو اندر آکنده)؛ متن = پ ۱۹- ق، آ: برخ برنگارید؛ ل: برخ برنگارنده؛ ب: برو برنگاریده؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۰- س، لن، ق، ل، آ، ل، ب: اندرون؛ متن = ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۱- ل: نگاری ستان؛ لن، ق، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س): گرفته ستان؛ ق: سواری ستان؛ (لن: نشانده ستان)؛ متن = ف، س، و (و نیز ل، آ) ۲۲- ل: نشانند؛ ل: نشانیدش ۲۳- ل: به ۲۴- لن، پ: اسبی ۲۵- ل: اندرون ۲۶- ق: تاي چند؛ ف، س، و (و نیز لن) این بیت را ندارند؛ بنداری: فرس آرکبوه عليه محفوفاً بخدم مكنوفا بخول و حشم؛ ل، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

چو شد کار یکسر همه ساخته چنان چون ببايست پرداخته  
 ۲۷- ف، پ، و (و نیز ل، لن، آ): هیونی؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز س) ۲۸- لن: فرمان بزدان؛ و: فرمان برور؛ پ در اینجا سرنویس دارد: فرستادن زال نمودار رستم را به سام ۲۹- ل: پس آن؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- و: نامدار؛ در پ پس از این بیت ۱۴۹۲ آمده است ۳۱- ق: بر؛ ل: آ: <در> ۳۲- س: سیستان؛ ل: زابلستان ۳۳- لن، و، آ، ل، ب (و نیز ل، لن، آ، س): زابلستان؛ ق، ل: کابلستان؛ ب این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق ۳۴- ل: و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۵- ف- ق، و- ب (و نیز ل، لن، آ، س): کابلستان؛ ق، ل: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است

همه دشت<sup>۱</sup> پرا<sup>۲</sup> باده و نای بود  
 [به کاول<sup>۳</sup> درون گشت مهرباب شاد  
 به زاولستان<sup>۴</sup> از کران تا کران  
 ۱۴۹۵ نبد کهتر از مهتران<sup>۵</sup> بر فرود<sup>۶</sup>  
 پس آن<sup>۷</sup> پیکر رستم شیرخوار<sup>۸</sup>  
 ابر سام یل موی بر پای خاست  
 اگر نیم ازین پیکر آید تنش  
 وزان پس فرستاده را پیش خواست<sup>۹</sup>  
 ۱۵۰۰ به<sup>۱۰</sup> شادی برآمد ز درگاه کوس  
 می آورد و رامشگران را بخواند  
 بیاراست جشنی<sup>۱۱</sup> که<sup>۱۲</sup> خورشید و ماه  
 پس آن نامه‌ی زال<sup>۱۳</sup> پاسخ نبشت<sup>۱۴</sup>  
 نخست آفرین کرد بر کردگار  
 ۱۵۰۵ ستودن گرفت آنگهی زال را  
 پس آمد بران<sup>۱۵</sup> پیکر پرنیان

به هر کُنج صد مجلس آرای بود  
 به مژده به درویش<sup>۱۶</sup> دینار داد  
 نشسته<sup>۱۷</sup> به هرجای رامشگران  
 نشسته، چنان چون بود<sup>۱۸</sup> تار و پود  
 ببردند نزدیک<sup>۱۹</sup> سام سوار<sup>۲۰</sup>  
 مرا مانند این پرنیان - گفت - راست<sup>۲۱</sup>  
 سرش ابر ساید، زمین دامنش<sup>۲۲</sup>  
 درم ریخت<sup>۲۳</sup> تا بر سرش گشت<sup>۲۴</sup> راست  
 بیاراست میدان چو چشم خرویس  
 به خواهندگان<sup>۲۵</sup> بر درم برفشانند<sup>۲۶</sup>  
 نظاره شدند<sup>۲۷</sup> اندران<sup>۲۸</sup> بزمگاه<sup>۲۹</sup>  
 روان را بدان پاسخ اندر سرشت<sup>۳۰</sup>  
 بدان<sup>۳۱</sup> شادمان گردش روزگار  
 خداوند شمشیر و گوپال را  
 که یال یلان داشت و فر کیان<sup>۳۲</sup>

۱- لن: دست ۲- لن، ق، آ، لی، آل، ب (و نیز س آ): با؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل آ) ۳- لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب (و نیز ل آ، س آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۴- (س آ): به مژده یکی گنج؛ ف، ل، س، ق، و (و نیز ل آ) این بیت را ندارند؛ بنداری: و بلغ الخبر الی مهرباب فاستهز الطرب أعطافه، و کساه السرور أفوافه ۵- س، لن، ق، آ، لی، و، ل، ب (و نیز ل آ، س آ): زابلستان؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، آ ۶- لن: نشستند ۷- ف: نبد مهتر از که بسی؛ لن: نبد کهتر و مهتران؛ و: نبد مهتر از کهتران؛ س، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز لن آ، س آ) ۸- ل، ق، و، ب (و نیز لن آ): بر فرود؛ آ (و نیز س آ): بس فرود؛ ل آ: پس فرود؛ متن = ف، لن، ق، آ، لی ۹- ق: چنان بود چون؛ لی: بهم در نشستند چون؛ و: نشسته بیکجای چون؛ آ، ب (و نیز س آ): نشسته چنان جفت با؛ ل آ: نشسته چنان همچنان؛ متن = ف، ل، لن، ق آ ۱۰- س: مران؛ لن، پ: چوآن؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- لن، پ: گرزدار ۱۲- لن، پ: بدیدش جهانگیر سام سوار؛ ق آ: چو دیدش جهان پهلوان سوار؛ لی: بر سام بردند کرده نگار؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ب پس از این بیت بیت ۱۴۹۱ دوباره آمده است؛ ق، لی پس از این بیت افزوده اند:

فرستاده بنهاد در پیش سام نکه کرد خرم شد و شادکام  
 ۱۳- و: مرا گفت مانند سراپای راست؛ ل آ: عجب مانده بر نام و برگفت راست ۱۴- ل آ این بیت را ندارد ۱۵- لن، ق، آ، لی، آ، ب: خواند ۱۶- س، ل آ: خواست؛ متن = ف، ل، ق، پ ۱۷- س: کرد؛ و: درم بر سرش ریخت تا گشت؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل آ؛ لن، ق، آ، لی، آ، ب لت دوم این بیت را انداخته اند ۱۸- س، و: ز؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل آ؛ لن، ق، آ، لی، آ، ب این بیت را ندارند؛ پ، ل آ پس از این بیت افزوده اند (در ل آ لت ها پس و پیش شده اند):

در آن شهر سگسار و مازنداران نشاند او بهرجای رامشگران (= ۱۴۹۴ ب)

ل آ: بفرمود آوین کران تا کران

۱۹- آ: به آیندگان ۲۰- و: به درویش خواهنده زر برفشانند؛ لن، ق، آ، لی، آ، ب ۱۴۹۹ ب، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱ آ را انداخته اند و از ۱۴۹۹ آ و ۱۰۵۱ ب يك بيت ساخته اند ۲۱- س: بزمی ۲۲- ل، ق: چو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- س: بنظاره شد ۲۴- ل: اندرین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب (و نیز س آ): جشنگاه؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل آ، لن آ) ۲۶- ل، و: نامه را سام؛ ق: نامه را زود؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- ل، لن، لی، و، آ، ب: نوشت؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، ل آ ۲۸- ل- ق، پ- ب (و نیز ل آ، لن آ، س آ): بیاراست چون مرغزار بهشت؛ ق، آ، لی: شگفتی سخن های فرخ نبشت؛ متن = ف ۲۹- ل- ق، و- ب (و نیز لن آ، س آ): بران؛ متن = ف، لی، پ (و نیز ل آ)؛ پ، و در اینجا سرنویس دارند، پ: پاسخ نامه زال از سام؛ و: پاسخ دادن سام نریمان نامه زال زر را ۳۰- ف: برین؛ س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل آ، لن آ): بدان؛ متن = ل، ق، آ، ل آ (و نیز س آ) ۳۱- ق، آ، لی، و (لی): (>) گرزگران

بدارید کز دم نیابد گزند  
چنین جستم از کردگار جهان  
ز تخم تو گردی بر آیین من  
نباید جز از زندگانیش خواست

بفرمود کین را چنان ارجمند  
نیایش همی کردم اندر نهان  
که زنده ببیند جهان بین من  
کنون شد مرا و ترا پشت راست ۱۵۱۰

بر زال روشن دل و شادمان  
که روشن روان اندر آمد به مغز  
برافراخت گردن به چرخ کبود

فرستاده آمد چو باد دمان  
چو بشنید زال آن سخن های نغز  
به شادیش بر شادمانی فرود

### گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزد یک رستم<sup>۱۷</sup>

برهنه شد آن روزگار نهان  
که نیروی مردست<sup>۲۱</sup> سرمایه شیر  
شد از ماز<sup>۲۳</sup> و ز<sup>۲۴</sup> گوشت<sup>۲۵</sup> با برتنی<sup>۲۶</sup>  
بماندند مردم<sup>۲۸</sup> از آن پرورش<sup>۲۹</sup>  
بسان یکی سرو آزاد گشت  
جهان<sup>۳۲</sup> بر ستاره نظاره بود<sup>۳۱</sup>

همی گشت ازین گونه برسر<sup>۱۸</sup> جهان  
به رستم همی داد ده دایه شیر  
چن از<sup>۲۲</sup> شیر آمد سوی خوردنی  
بدی پنج مرده<sup>۲۷</sup> مرو را خورش  
چو رستم پیمود<sup>۳۰</sup> بالای هشت  
چنان شد که رخشان ستاره بود<sup>۳۱</sup> ۱۵۱۵

۱- لن، ق، آ، ب، کو؛ پ: کان؛ متن = ف، ل، س، لی، و، ل ۲- ل، لی: چنین؛ ق: چوجان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳- ق: کرد ۴- ل، س (و نیز ل، س): همی جستم از؛ لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: شب و روز یا (ب: بر)؛ ق: همی خواستم از (وزن نادرست است)؛ و (و نیز لن، آ): ازین بخشش؛ متن = ف ۵- ب: آشکار و نهان ۶- لن، ق، آ، ل، ب: که دیده ببیند؛ پ: که روزی ببیند؛ و: مگر زنده ببیند؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، آ ۷- لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: پوری؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۸- ف: نوآیین؛ ل، لن، ق، لی، پ، ل، آ (و نیز ل، آ): بآیین؛ متن = س، ق، آ، و، آل، ب (و نیز لن، آ، س) ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: کتون شد مراد من از بخت راست؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۱۰- و، آ، بجز؛ ب: مگر ۱۱- ق، آ، ل، ب: باز (→ بزبان)؛ ب: باز (→ باد) بزبان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۲- ل: شادکام (پساوند ندارد) ۱۳- و: چو برخواند ۱۴- ل، لن، ق، پ: این؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- ل، ق (و نیز س، آ): به ۱۶- ل، ق (و نیز س، آ): اندر آورد مغز؛ س: اندر آن بود مغز؛ ق، آ، و، آل، ب: اندر آرد بمغز؛ لی (و نیز لن، آ): اندر آید بمغز؛ متن = ف، ل، پ: دلش گشت خرم گو پاک مغز ۱۷- ف: گفتار اندر آمدن سام نریمان از گرگساران بنزدیک رستم و دیدن او را و نواختن زال زر و رستم؛ لن، لی، پ، و: آمدن سام به زابل (لی، و: سام نریمان) به دیدن رستم (و: رستم دستان)؛ ق، آ، ل، ب: رسیدن (ل: آمدن) سام به دیدن رستم (ق: و استقبال کردن زال و مهراب و رستم دستان)؛ آ: استقبال کردن رستم زال را؛ ب: آمدن سام بنزد رستم)؛ متن = آغاز ف ۱۸- ل، ق: چندی بسربر؛ لن، ق، آ، پ، آل، ب: از آن گونه برسر؛ و: چندی برین بر؛ ل: ازین گونه برسر؛ متن = ف، س، لی ۱۹- ل، آ: از ۲۰- لی: کهان؛ پ: مهان؛ و: گهی آشکارا و گاهی نهان ۲۱- لن، لی، و، ب (و نیز ل، آ): مردست و؛ متن = ل، ق، آ، پ، آل، ب (و نیز لن، آ، س)؛ ف، س، ق این بیت و دو بیت سپسین را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده اند؛ بنداری: و کانت له عشر مرضعات یمتص نخب ألبها نهن حتی ترعرع؛ درل این بیت و دو بیت سپسین پس از بیت ۱۵۱۹ آمده اند ۲۲- ل، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): چو از؛ متن = ل ۲۳- لن، ق، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): نان؛ متن = ل ۲۴- پ، و، آ: از ۲۵- ب: از گوشت و از نان ۲۶- ل: افزودنی؛ لن (و نیز لن، آ): نابرتنی؛ ق، آ، پ، ل، ب: باسی (نقطه ندارد)؛ و: پاترتنی؛ آ: بررستی؛ (ل: پروردنی)؛ متن = لی (و نیز س، آ)؛ ف، س، ق این بیت را ندارند ۲۷- لن: بره ۲۸- ل: مردان ۲۹- لن، پ: بدین گونه بودی ورا پرورش؛ ف، س، ق، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند ۳۰- و: همانگه که پیمود ۳۱- ف: ببود؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب: شود؛ (ل: نمود)؛ متن = ل، ق، و (و نیز لن، آ، س) ۳۲- لی: همان؛ درل پس از این بیت بیت های ۱۵۱۵-۱۵۱۷ آمده اند

۱۵۲۰ تو گفتی که سام یلستی بجای  
 چو آگاهی آمد به سام دلیر  
 کس اندر جهان کودک<sup>۵</sup> نارسید  
 بجنبید مر سام را دل ز جای  
 سپه را به سالار لشکر سپرد  
 چو مهرش سوی پور دستان کشید  
 چو زال آگهی یافت<sup>۸</sup> بر بست کوس  
 خود و گرد مهرباب و کاول<sup>۹</sup> خدای  
 بزد مهره در<sup>۱۱</sup> جام و<sup>۱۲</sup> برخاست عو<sup>۱۳</sup>  
 یکی لشکری<sup>۱۵</sup> کوه تا کوه مرد  
 خروشیدن تازی اسپان و پیل  
 یکی زنده پیلی بیاراستند  
 نشست از بر تخت بر<sup>۲۲</sup> پور زال  
 به سر برش<sup>۲۶</sup> تاج و کمر بر میان  
 چن<sup>۲۸</sup> از دور سام یل آمد پدید

به بالا<sup>۱</sup> و دیدار و فرهنگ<sup>۲</sup> و رای  
 که شد پور دستان همانند<sup>۴</sup> شیر  
 بدان<sup>۶</sup> شیرمردی و گردی ندید  
 به دیدار آن کودک آمدش رای  
 برفت و جهان دیدگان را ببرد  
 سپه را سوی زاولستان<sup>۷</sup> کشید  
 ز لشکر زمین گشت چون آبسوس  
 پذیره شدن را نهادند رای<sup>۱۰</sup>  
 برآمد ز هر دو سپه<sup>۱۴</sup> دار و رو<sup>۱۵</sup>  
 زمین قیرگون و<sup>۱۶</sup> هوا لاژورد<sup>۱۷</sup>  
 همی رفت<sup>۱۸</sup> آواز تا<sup>۱۹</sup> پنج<sup>۲۰</sup> میل  
 برو تخت زرین پیراستند<sup>۲۱</sup>  
 ابا قد چون سرو<sup>۲۳</sup> و با کتف<sup>۲۴</sup> و یال<sup>۲۵</sup>  
 سپر پیش و در دست گرز گران<sup>۲۷</sup>  
 سپه بر<sup>۳۰</sup> دو رویه رده برکشید<sup>۳۱</sup>

- ۱- ف: بالای؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، ۲- لن، پ: فرهنگ و دیدار ۳- ق: پس ۴- لن، ق، آ، لی، ب: بگردار؛ ل، آ: بمانند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۵- پ: کودکی ۶- ل، لن، پ، و: بدین؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:
- بجز پیل او را نبرتافتی که اسپ از نشستن شکن یافتی  
 بنداری: وکان لایحمله مرکوب غیر الفیل لضخامة جثته و عبالة أكتافه؛ در و پس از این بیت بیت ۱۵۲۵ آمده است ۷- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): زابلستان؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز س، آ)؛ لی این بیت را ندارد؛ در و این بیت پس از بیت ۱۵۲۲ پ آمده است ۸- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: چو دستان شد آگاه؛ (س آچو دستان بدانست)؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ)؛ لی این بیت را ندارد ۹- ف- ق، آ، پ- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): کابل؛ لی این بیت را ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰- ل، ق، آ (و نیز ل، آ، لن، آ)؛ پای؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ) ۱۱- ب: بر ۱۲- س: بزد مهره وز دشت ۱۳- ق، آ: غو ۱۴- س، لن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب (و نیز لن، آ): زهرسو (لن، پ: جا) دم و؛ لی، آ (و نیز ل، آ، س، آ): زهر سو ده؛ متن = ف، ل، ق، آ: لشکر از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- س: شد؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۷- ف، س، ق (و نیز ل، آ، لن، آ): لاجورد؛ متن = ل، و؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): سپر در سپر بافته سرخ و زرد؛ ل پس از این بیت افزوده است:
- سوی سیستان سام بنهاد روی ابا این چنین لشکر و رنگ و بوی  
 چو این مژده بشنید زال دلیر بزد نای رویین و ناسود دیر
- ۱۸- و: برشد ۱۹- س، لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: بر؛ لی: در؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۰- ل، ق، آ، لی، و: چند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۱- آ پس از این بیت افزوده است:
- ابر تخت زرین زبرجد نگار نشسته بران رستم نامدار  
 برخ همچو خورشید و بیالا چو سرو (!) برفتند مانند کبک و تذرو
- ۲۲- لن، لی، پ، و: زر؛ آ: نشسته ابر تخت بر؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۳- ل (و نیز س، آ): ابا بازوی شیرو؛ س، ق، آ، ب: ابا (و: بدان) قامت سرو و (ق، آ، لی، آ، ب: < و >)؛ متن = ف، ق (و نیز ل، آ) ۲۴- ف، س (و نیز س، آ): کتف؛ ب: برز؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۲۵- لن: بزرگان که بودند بسیار سال (= ۱۵۳۵ ب) ۲۶- لن، ق، آ، لی، آ، ب: ابر سرش؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۲۷- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: تیر و کمان؛ بنداری: فی یده قوس و نشاب؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۲۸- ل- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): چو؛ متن = ف ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز س، آ): او را بدید؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ) ۳۰- لن، پ، آ، ل، آ: را؛ ب: از؛ متن ← ۳۱- ق، آ: نگه کرد با تاج و تختش بدید (پساوند ندارد)؛ لی: همان اسب و گرز گران را بدید (پساوند ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، و؛ در لی پس از این بیت بیت ۱۵۳۹ آمده است

۱۵۳۵ فرود آمد از اسپ<sup>۱</sup> مهرباب و زال  
 یکایک نهادند سر بر زمین  
 چو گل چهره‌ی سام یل بشکفید<sup>۲</sup>  
 چنان همش بر پیل پیش آورد<sup>۳</sup>  
 یکی<sup>۴</sup> آفرین کرد سام دلیر  
 بیوسید رستمش<sup>۵</sup> تخت ای شگفت  
 ۱۵۴۰ که ای پهلوان جهان شاد باش  
 یکی بنده‌ام، نامور<sup>۶</sup> سام را  
 همه<sup>۷</sup> پشت<sup>۸</sup> زین خواهم و درع و خود  
 به چهر تو ماند همی چهره‌ام  
 ۱۵۴۵ وزان<sup>۹</sup> پس فرود آمد<sup>۱۰</sup> از<sup>۱۱</sup> پیل مست  
 جوانان و گردان<sup>۱۲</sup> بسیار سال<sup>۱۳</sup>  
 ابر سام یل خواندند آفرین<sup>۱۴</sup>  
 چو بر پیل بر<sup>۱۵</sup> بجهی شیر دید<sup>۱۶</sup>  
 نگه کرد تا<sup>۱۷</sup> تاج و تختش<sup>۱۸</sup> بدید  
 که تهما<sup>۱۹</sup>، هزبر<sup>۲۰</sup>، بزی شاد و دیر<sup>۲۱</sup>  
 نیا را یکی نو ستایش<sup>۲۲</sup> گرفت  
 چو<sup>۲۳</sup> شاخ توام من، تو بنیاد باش<sup>۲۴</sup>  
 نشایم<sup>۲۵</sup> خور و خواب و آرام را  
 همه<sup>۲۶</sup> تیر ناولک<sup>۲۷</sup> فرستم درود<sup>۲۸</sup>  
 چنان چون تو<sup>۲۹</sup> باشد مگر<sup>۳۰</sup> زهره‌ام  
 سپهدار بگرفت دستش بدست

۱- ل: باره؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲- لن: در حال زال ۳- ل، س، ق، لی-ب (و نیز ل، آ، س، آ): بزرگان که بودند؛ متن = ف، ق ۴- ق: با فر و یال؛ لن: ابا قامت سرو با سفت و یال (= ۱۵۳۲ب)؛ لن پس از این بیت افزوده است:

چو از دور سام یل او را بدید (= ۱۵۳۳آ) فرو رفت و لب را به دندان گزید

۵- و: گرفتند بر سام یل آفرین ۶- لن، لی، پ، آ، ل، ب: بر شگفت ۷- و: نر ۸- لن، لی، پ، آ، ل، ب: چو (آ: که) فرزند را (آ: ان) دید با یال و سفت؛ متن = ف، ل، س، ق، آ: درس لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ لن، لی، پ، آ، ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

چو بر پیل بر بجهی شیر دید (= ۱۵۳۷ب) بخندید و شادان دلش بردمید

آ، ل، آ، ب: چو گل (آ: دل) و چهره سام یل بشکفید (= ۱۵۳۷آ)

۹- لن، لی، پ، ب: چنانش همی پیش پیل آورد؛ ق: چنانش ابر پیل پیش آورد؛ آ: عنان را سوی پیل گرد آورد؛ ل: چنان همش بر پشت پیل آورد؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز لن، آ، س، آ) ۱۰- ق: چون؛ لی، و، ب: و با؛ پ، آ: با؛ ل: نا (نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، لن (و نیز س، آ) ۱۱- ل، ب: تخت و تاجش؛ ق: نگه کرد تاج و سریرش؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۲- لن: برو؛ پ: بدو؛ ل این بیت را ندارد ۱۳- لی: شیرا ۱۴- لی، ب: هزبر ۱۵- ل، س: شاد دیر؛ متن = ف، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب؛ ق: نرسید از آوادن (→ آواز آن) نره شیر؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۵۳۴ آمده است؛ ق<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:

نماز نیا برد و بر پای ساخت بیوسید مر سام را دست راست

۱۶- س: بیوسید رستم ز ۱۷- لن، پ: نیایش؛ ب: پرستش؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

چنین گفت با پهلوان پور زال چو دیدش ابر (لی: ابا) پیل (لی، آ: پیل) و با فر (ق، آ، لی: کتف) و یال ۱۸- و: که ۱۹- س: چو شاخ برومند بنیاد باش ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: پهلوان؛ متن = ف، ل، ق، و (و نیز لن، آ، س، آ) ۲۱- ق: نخواهم؛ لی: فشانم؛ در ق پس از این بیت بیت ۱۵۴۳ پ آمده است ۲۲- ل: همی ۲۳- لی: اسب و ۲۴- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: تیر و ناولک؛ متن = ف، ق، و ۲۵- ف: چو دود؛ ق<sup>۲</sup> پاک شده است؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ)؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ) پس از این بیت، ق پس از بیت پیشین (و س<sup>۲</sup> پس از بیت سپسین) افزوده اند:

سر دشمنان را سپارم بیای بفرمان دادار برتر خدای

این بیت در ف، ل، س، و (و نیز لن، آ) نیست ۲۶- ل، س، لی، پ (و نیز س، آ): چو آن تو؛ لن، ق، آ، ب: چنان تو؛ ل: چن آن تو؛ متن = ف، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ) ۲۷- ق، و: دل و؛ آ: همی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۸- ل: ازان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- پ: < آمد > (وزن نادرست است) ۳۰- ق: < از > (وزن نادرست است)

فروا<sup>۱</sup> ماند بر جای پیلان و<sup>۲</sup> کوس  
همه<sup>۴</sup> راه شادان و با<sup>۵</sup> گفت وگویی  
نشستند<sup>۷</sup> و خوردند و بودند<sup>۸</sup> شاد  
به رنجی نبستند هرگز<sup>۱۱</sup> میان  
همی گفت هر یک<sup>۱۳</sup> به نوبت<sup>۱۴</sup> سرود<sup>۱۵</sup>  
دگر گوشه<sup>۱۶</sup> رستم عمودی<sup>۱۷</sup> به دست<sup>۱۸</sup>  
فروهشته از تاج فرّ همای<sup>۲۰</sup>  
برو<sup>۲۴</sup> هر زمان نام یزدان بخواند  
میان چون قلم، سینه و بر فراخ  
پیرسی<sup>۳۰</sup> ندارد کسی این به یاد<sup>۳۱</sup>  
بدین مُنگری چاره<sup>۳۲</sup> چون آورند  
که<sup>۳۳</sup> ایزد وُرا<sup>۳۴</sup> ره نمود اندرین  
به گیتی ندارد کس این را<sup>۳۷</sup> همال

همی بر سر و چشم او داد بوس  
به گورابه اندر نهادند<sup>۳</sup> روی  
همه کاخ ها تخت زرین نهاد  
برآمد برین بر یکی<sup>۹</sup> ماهیان<sup>۱۰</sup>  
همی خورد هر کس به آوای رود<sup>۱۲</sup> ۱۵۵۰  
به يك گوشه‌ی تخت دستان نشست  
به پیش اندرون سام گیهان گشای<sup>۱۹</sup>  
به<sup>۲۱</sup> رستم همی<sup>۲۲</sup> از<sup>۲۳</sup> شگفتی بماند  
بران<sup>۲۵</sup> بازو و یال<sup>۲۶</sup> و آن سُفت<sup>۲۷</sup> و شاخ  
به زال آنگهی گفت تا<sup>۲۸</sup> صد<sup>۲۹</sup> نژاد ۱۵۵۵  
که کودک ز پهلو برون آورند  
[به سیمرغ بادا هزار آفرین  
بدین خوب روی و این<sup>۳۵</sup> قد<sup>۳۶</sup> و یال

۱- ق، ق، آ، و، آ: فرو مانده؛ ل: فراوان ز؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- آ: < و >؛ ل، ق، ل: پیلان و (ق: از) آوای؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳- ل: سوی کاخ از آن پس نهادند؛ ق (و نیز ل): پس آنکه به ایوان نهادند؛ و: سپه سوی زابل نهادند؛ لی این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز س): بنداری؛ ثم توجهوا جميعا نحو کورابند ۴- ب: همان ۵- لن، ق، آ، پ، آ، ل، ب: و پر؛ ق: < و > با؛ متن = ف، ل، س، و ۶- ل، ق: گفت گوی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۷- س: نهادند ۸- آ: بودند و خوردند؛ ب: خوردند و گشتند ۹- ف: برین بر چویک؛ س: برین تابیک؛ ق، آ، ل، ب: برین تایکی؛ و (و نیز لن): برین کارها؛ (ل): برین هم برآمدیکی؛ س: برین گونه يك؛ متن = ل، لن، ق، لی، پ ۱۰- لی: سالیان ۱۱- پ: یکتن؛ و: روزی؛ ل: هر یک؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ف، ق: همی خوردومی رانداوای (ق: از آوای) رود؛ ل: بخوردند باده به آوای رود؛ و (و نیز لن): همی خورد باده بر آوای؛ س این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز س): لی، ب: باواز) ۱۳- لن، ق، آ، ب: هر کس؛ متن = ف، ل، ق، و (نیز ل): (و نیز لن): بشادی؛ و (و نیز لن): کیانی؛ متن = ف، ل، ق، و (نیز ل، س): ۱۵- ق، آ، ب: درود ۱۶- س: دگر دست؛ ق: بيك گوشه ۱۷- ل: رستمش گزری؛ ق: رستم گزری (وزن نادرست است)؛ آ: رستم کمائی؛ ل: رستم چو گزری؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، ب ۱۸- و (و نیز لن): بدست دگر رستم شه پرست؛ لن، پ این بیت را ندارند ۱۹- ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: گیتی گشای (آ: گشا)؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن = ف، ل، س، ق ۲۰- آ: هما ۲۱- ل، ق، و: ز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۲- لن، پ: نیا ۲۳- ل، ق، لی، و: در؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۴- ب: بروبر (وزن نادرست است) ۲۵- لن، لی، پ، ل، آ، ب: بدان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۶- ل: بازوی و یال؛ و: بازوی و زور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ل، ق، آ، ب: پشت؛ س (و نیز س): کفت؛ لن، پ: قد؛ ق، آ، لی، آ (و نیز ل): کتف؛ و: یال؛ متن = ف، ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز س): پس از این بیت افزوده اند:

دورانش چوران هیونان (ق: هیونی؛ لی، آ: هیون) ستبر دل شیر و (ق: < و >) نیروی ببر و هزبر (لی: هزبر)

ل: دل شیر نر دارد و زور ببر

ف، س، و (و نیز ل، لن) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۸- س، ق: گر؛ ل: با ۲۹- س: هر ۳۰- لن، پ: بنوی (→ بیوی)؛ ۳۱- س، ق: ندارد کس این را بیاد؛ لن، پ، ل: کس این را ندارد بیاد؛ ق، آ، لی، ب: کسی این (ب: آن) ندارد بیاد؛ آ: کس آنرا ندارند یاد؛ متن = ف، و (و نیز ل، لن)؛ ل این بیت و بیت سپمین را ندارد؛ در ل، پ این بیت و بیت سپمین پس از بیت ۱۵۵۹ آمده اند ۳۲- س، لن، ق، لی، پ (و نیز ل، س): بدین (لی: بدان) نیکویی چاره؛ و: بدین منکر این چاره؛ آ: برین پیکری چاره؛ لن: برین پیکرش چاره)؛ متن = ف، ق، آ، ل، ب (ل): بدان)؛ ل این بیت و بیت پیشین را ندارد، ولی هر دو بیت در ترجمه بنداری هست؛ و یقول لزال لوسایلت مائة من القرون لم تسمع بولد استخراج عن خاصرة أمه كما استخراج هذا ۳۳- ق: ز ۳۴- ق: که او؛ ق، آ، لی: بدو؛ آ: باو؛ ل: پس از ایزد او؛ متن = ل، پ، ب: ف، ل، س، و (و نیز لن) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست؛ و طفق يشكر العنقاء و يحمد الله عزوجل إذ ألهمها صنعها ذلك؛ در لن، پ این بیت پس از بیت ۱۵۵۹ آمده است ۳۵- لن، ل: خوب روی بدین؛ ق، آ، لی، و، آ، ب: خوب روی و بدین؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۳۶- ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): فر؛ و: کفت؛ متن = ف، س ۳۷- س، ق، آ: کس اورا؛ لن، ق، پ، آ، ل، ب: کسی را؛ ل: ندارد کس از پهلوئان؛ لی: بگیتی کس او را نباشد؛ و: بگیتی نباشد کس اورا؛ متن = ف

۱۵۶۰ بدین شادمانی<sup>۱</sup> کنون می خوریم  
 که گیتی سپنج ست<sup>۵</sup> پُرآی<sup>۶</sup> و رَوُ  
 به می دست بردند و مستان شدند  
 همی خورد مهراب چندان نبید  
 همی گفت نندیشم از زال زر  
 من ورستم و اسپ<sup>۱۳</sup> شبدیز و تیغ  
 ۱۵۶۵ کم زنده آیین ضحاک را  
 پر از خنده گشته لب<sup>۱۷</sup> زال و<sup>۱۸</sup> سام  
 سر ماه<sup>۱۹</sup> نو هرمنز مهرماه  
 چُنین گفت مر زال را کای<sup>۲۲</sup> پسر  
 به فرمان شاهان دل آراسته  
 ۱۵۷۰ همه ساله بسته<sup>۲۴</sup> دو دست ازیدی<sup>۲۵</sup>  
 چنان دان که بر کس نماند جهان<sup>۲۶</sup>  
 برین<sup>۲۸</sup> پند من باش و مگذر ازین

به می<sup>۲</sup> جان اندوه<sup>۳</sup> را بشکریم<sup>۴</sup>  
 کهن شد یکی دیگر آرند نو<sup>۷</sup>  
 ز رستم سوی یاد دستان شدند<sup>۸</sup>  
 که جز<sup>۹</sup> خویشتن در جهان کس ندید<sup>۱۰</sup>  
 نه از سام و نزا<sup>۱۱</sup> شاه با تاج و قتر<sup>۱۲</sup>  
 نیارد برو<sup>۱۴</sup> سایه گسترده میغ  
 به پی<sup>۱۵</sup> مشک سارا کنم<sup>۱۶</sup> خاک را  
 ز گفتار مهراب دل شادکام  
 بشد سام و بر تخت بگزید راه<sup>۱۸</sup>  
 نگر تا نباشی بجز<sup>۲۳</sup> دادگر  
 خرد را گزین کرده بر خواسته  
 همه روز جُسته ره ایزدی  
 یکی بایدت<sup>۲۷</sup> آشکار و نهان  
 بجز بر ره راست مسپر زمین

۱- ف: شادکامی؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲- پ: همان؛ متن ← ۳- ق، ل<sup>۲</sup>، لی، و: اندیشه؛ متن ← ۴- س: به می انده از جان خود بشکریم؛ ق: به می دل ز اندوه را بشکریم؛ متن = ف، ل، لن، آ، ل<sup>۲</sup>، ب؛ در لن، پ پس از این بیت بیت ۱۵۵۷ و پس از آن بیت های ۱۵۵۵ و ۱۵۵۶ آمده اند ۵- لن، پ: سپنجست گیتی ۶- ف، ل، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): بر رای؛ لن، ق، پ (و نیز لن<sup>۲</sup>): بر آرای؛ متن = س، ق، آ، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ در و، آ حرف یکم سه نقطه دارد) ۷- لن، پ: آردبنو ۸- ق، ل<sup>۲</sup>، لی: زیاد سپهد به دستان شدند ۹- ل، ق، و: که چون؛ لن: جزا؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۰- ل، س، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): خویشتن کس به گیتی ندید؛ لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): خویشتن را به گیتی ندید؛ متن = ف، و ۱۱- لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: واز؛ ق: < و > نه از؛ آ: و نه از؛ متن = ف، ل، س ۱۲- ل: با تاج زر؛ ق: با داد و فر؛ متن = ف، س، لن- پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب؛ و: نه از سام یل نزشه تاجور ۱۳- س: گرزو؛ لی، و: اسب و؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۴- لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب: بدو؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل<sup>۲</sup>؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

ز بازوی او تازه شد زور من همان اختر عالم افروز من  
 که دارد به گیتی درون پای او همان چهره گیتی آرای او

۱۵- ل: بوی؛ ق: بمی؛ لی: < به > پی؛ پ: همی؛ و: همه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۶- ل: دهم؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز س<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

بسازم کنون من (آ، ل<sup>۲</sup>: هم اکنون) زبهرش سلیح (پ: آ: سلاح) همی (ق: بهر) گفت چونین ز بهر (لی: زراه) مزیح (ق: پ، آ: مزاح)  
 ف، ل، س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۷- ق: لب ۱۸- س: < و > ۱۹- ل، س، ق: سال؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق، لی: هرمنز و مهرماه؛ س: هرمنز فرودین؛ لن، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: هرمنز از مهر (پ: مهر) ماه؛ متن = ف، و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ ق: سرمایه سام نریمان ز گاه ۲۱- ل، لن- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بران (پ: بدان) تخت فرخنده (س: پیروزه) بگزید راه؛ س: بشادی نشسته بدید این چنین؛ متن = ف؛ لن، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) پس از این بیت و س تنها بیت یکم را افزوده اند:

بسازید سام و برون شد بدر یکی منزلی زال شد با پدر  
 همی رفت بر پیل رستم دژم به بدرود کردن نیارا بهم (پ: نیا نیز هم)

ف، ل، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) این دو بیت را و س بیت دوم را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده اند: ثم عزم سام علی الرحیل فارتحل و خرج فی رکابه رستم و أبوه برسم الوداع مرحلتین ۲۲- ق: ای ۲۳- ل، س، لن، ق، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): جزا؛ متن = ف، ق (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۴- س، لن، ق، پ، و، آ، ل<sup>۲</sup>: شسته؛ متن ← ۲۵- ل: همه ساله بر بسته دست بدی؛ متن = ف، ق، ل<sup>۲</sup>، لی، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۲۶- س: جهان دانک بر کس نماند چنان ۲۷- ق: یکی دان همه؛ و این بیت را ندارد ۲۸- آ: بدین؛ و این بیت را ندارد



که من<sup>۱</sup> در دل ایدون گمانم همی  
 دو فرزند را کرد پدرود و گفت<sup>۵</sup>  
 که آمد<sup>۲</sup> به تنگی<sup>۳</sup> زمانم<sup>۴</sup> همی  
 که این پندها<sup>۶</sup> را نشاید<sup>۷</sup> نهفت  
 ۱۵۷۵ برآمد ز درگاه زخم<sup>۸</sup> درای<sup>۹</sup>  
 سپهد سوی باختر کرد روی  
 برفتند با او دو فرزند او<sup>۱۳</sup>  
 سه<sup>۱۵</sup> منزل برفتند و<sup>۱۶</sup> گشتند باز  
 ز پیلان<sup>۱۰</sup> خروشیدن کره<sup>۱۱</sup> نای<sup>۱۲</sup>  
 زبان گرم گوی<sup>۱۲</sup> و دل آرم جوی  
 پر از آب رخ، دل پر از پند او<sup>۱۴</sup>  
 کشید آن سپهد به راه دراز<sup>۱۷</sup>

### گفتار اندر اندرز کردن منوچهر نوذرا<sup>۱۸</sup>

منوچهر را<sup>۱۹</sup> سال شد بر دو شست<sup>۲۰</sup> ز گیتی همی بار رفتن بیست

۱- ق، ل، لی: مرا ۲- ف، پ، و (و نیز لن<sup>۲</sup>): آید؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳- ل، ل: بنیکی ۴- ق، ل: زمانم به تنگی (پساوند ندارد)  
 ۵- ل، ل: دو فرزند پدرود کرد و بگفت ۶- لن، لی، پ، آ: پند ما؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- ل- ق، ل، پ، و، ل، ل: ب: نباید؛ آ: بیاید؛ متن= ف، لی ۸- لن، لی، پ: زابل؛ آ: بانگ؛ متن= ف، ل، س، ق، ق، ل، ل، ب ۹- و: همانکه برآمدز پرده سرای ۱۰- ق، ل: زمینان ۱۱- ف، ل، س: کرنا<sup>۱۲</sup>؛ لی: برآمد همانکه سپهد ز جای ۱۲- لن، لی، پ: چرب گوی؛ ق، ل: کینه گوی؛ ب: کینه جوی؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۳- ل، لن، ق، ل، ل: ب: او؛ س: را؛ متن= ف، ق، ل، لی، پ، و، آ ۱۴- ل، لن، ق، ل، ل: ب: او؛ س: را؛ ق، ل، لی: پر از درد بد دل (لی: دل بد) پر از آب روی؛ متن= ف، پ، و، آ ۱۵- ل: دو؛ بنداری: فشیعاه مرحلتین آخرین و رجعا؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۶- ل: < و > ۱۷- ق، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): به تنگی فراز؛ ل، لن، ق، ق، ل، لی، پ، و، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت دو روایت الحاقی به نام های: کشتن رستم پیل سپید را، و: رفتن رستم به کوه سپند افزوده اند؛ این دو روایت در ف، س، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز در س<sup>۲</sup>) نیست و در ترجمه بنداری نیز نیامده اند؛ همچنین دستنویس بی تاریخ انستیتوی شرق شناسی کاما از سده هشتم هجری، دستنویس طویقاپوسرای، مورخ ۸۰۳ هجری (به نشان H. 1515)، دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول (به نشان Fy 1407)، دستنویس طویقاپوسرای، مورخ ۸۹۱ هجری (به نشان H. 1056) و دستنویس بی تاریخ لنینگراد از سده نهم هجری (به نشان S. 822) نیز این دو روایت را ندارند؛ تصحیح این دو روایت تنها بر اساس ل، لن، ق، ب انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد:

وزان روی زال سپهد به (ق: ز) راه  
 شب و روز با رستم شیرمرد  
 سوی سیستان باز برد آن سپاه  
 همی کرد شادی و هم (لن: همی) باده خورد

#### کشتن رستم زال پیل سپید را

چنان بُد که یکرروز با دوستان (ق: در بوستان)  
 خروشنده گشته دل (ب: همی) زیر و بم  
 همی باده خوردند در بوستان (ق: با دوستان)  
 شده شادمان نامداران بهم ←

۱۸- ف: گفتار اندر وصیت کردن شاه منوچهر و ولی عهد کردن نوذر پسرش را و بیرون رفتن ازین جهان؛ س: اندرز منوچهر نوذر را؛ ق: وصیت شاه منوچهر نوذر پسرش را؛ ق، ل، پ، آ، ب: اندرز کردن منوچهر نوذر را (پ: پسرش را)؛ لی: آغاز داستان منوچهر (!)؛ و: انجام روزگار منوچهر شاه و سپردن پادشاهی به نوذر؛ ل: اندرز کردن شاه منوچهر لشکر و پسر را ۱۹- س، لن، ق، ل، لی، پ، آ، ب: چون؛ متن= ف، ل، ق، و ۲۰- لی، ب: شصت؛ در لن این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

۱۵۸۰ ستاره‌شناسان بر او شدند  
 ندیدند<sup>۲</sup> روزش کشیدن دراز  
 بدادند از آن<sup>۳</sup> روز<sup>۴</sup> تلخ آگهی  
 همی زآسمان داستان‌ها زدند<sup>۱</sup>  
 ز گیتی همی گشت بایست باز  
 که شد تیره آن تخت<sup>۵</sup> شاهنشاهی

۱- در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ق: بدیدند؛ لن این بیت را ندارد ۳- و: بدادندش از ۴- ب: تلخیش ۵- ق: این تخت؛ ق: آ، ل، ب: آن فر؛ س، لن، لی، پ، و: که تیره شود (س: شد آن) فر؛ متن = ف، ل

← 5 می لعل گون در (لن: را) به جام بلور  
 چنین گفت فرزندی را زال زر  
 دلیرانت را خلعت و یاره ساز  
 بیخشد رستم بسی (لن: زر) خواسته  
 و زان پس پراگنده شد (ب: گشت) انجمن  
 سپهبد بسوی شبستان خویش  
 تهمتن همیدون سرش پر شتاب (ق: ز تاب)  
 بخفت و به خواب اندر آمد سرش  
 10

که پیل سپید (لن: سفید) سپهبد ز بند  
 وزو کوی و برزن به جوش آمده‌ست  
 تهمتن ز خواب اندر آمد چو باد  
 چو زان گونه گفتارش آمد به گوش  
 دوان رفت (لن، ب: گشت) و گرز نیا برگرفت  
 کسانی که بودند بر درگهش  
 که از بیم اسپهبد نامور  
 شب تیره و پیل جسته ز بند  
 تهمتن شد آشفته از گفتنش  
 برانسان (ب: بدانسان) که شد سرش مانند گوی  
 رمیدند از (لن، ق: از آن) پهلو نامور  
 بزد گرز و بشکست زنجیر و بند  
 برون آمد از در بکردار باد  
 همی رفت تازان (ق: بازان) سوی زنده پیل  
 نگه کرد کوهی خروشنده دید  
 رمان دید ازو نامداران خویش  
 تهمتن یکی نعره زد همچو شیر  
 چو پیل دمنده مر او را بدید  
 برآورد خرطوم پیل زیان  
 تهمتن یکی گرز زد بر سرش  
 بلرزید بر خود که بیستون  
 بیفتاد پیل دمنده ز پای  
 بخفت و چو خورشید از خاوران  
 به زال آگهی شد که رستم چه کرد  
 15  
 20  
 25  
 30  
 35

بخوردند تا در سر افتاد شور  
 که ای نامور پور خورشیدفر  
 کسی را که باشند (ل: هستند) گردنفر از  
 ز خوبان و (لن: بسی تازی) اسپان آراسته  
 بسی خواسته یافته تن بتن  
 بیامد برانسان (ق، ب: بدانسان) که بد رسم (لن: که آیین) و کیش  
 بیامد گرازان سوی جای (لن، ق: جامه) خواب  
 برآمد خروشدنی از درش (ل: خروشدن از کشورش)  
 ق، ب: خروشدن آمد همی از (ق: مردم آمد) درش  
 رها گشت و آمد به مردم گزند  
 زمستی چنین سخت کوش آمده‌ست (لن، ب: ندارند)  
 ز مردم بپرسید و کردند یاد (لن، ب: ندارند)  
 دلیری و گردی (لن: تند) برو (ق: بدو) کرد جوش  
 برون آمد و راه (لن، ب: آمدن را ره) اندر گرفت  
 همی (ل: همه) بسته کردند بروی رهش (در لن پس از بیت 15)  
 چگونه گشاییم پیش تو در  
 تو بیرون شوی کی بود این پسند  
 یکی مشت زد بر سر (ل: بر) و گردنش  
 سوی دیگران اندر آورد روی  
 دلآور بیامد بنزدیک در  
 چنین زخم از آن نامور بد پسند  
 بدست اندرش (لن: به گردن برش) گرز و سرپر ز باد (ق، ب: داد)  
 خروشنده مانند دریای نیل  
 زمین زیر او پاک (لن، ب: دیگ) جوشنده دید  
 برانسان (ب: بدانسان) که بیند رخ گرگ میش (ق ندارد)  
 نرسید و آمد بر او دلیر  
 بکردار کوهی بر او (ق: براوی) دوید  
 بدان تا به پهلو (لن، ب: رستم) رساند زیان  
 که خم گشت بالای که پیکرش  
 به زخمی بیفتاد خوار و زبون (ق: نگون)  
 تهمتن بیامد سبک باز جای (لن ندارد)  
 برآمد بسان رخ دلبران (ق ندارد)  
 زپیل دمنده برآورد گرد ←

مگر نزدا یزدان به آیدت<sup>۲</sup> جای  
 نباید که مرگ آورد<sup>۳</sup> تاختن  
 به رسم دگرگون بیاراست گاه  
 همه راز دل پیش ایشان براند

گه رفتن آمد به دیگر سرای  
 نگر تا چه باید کنون ساختن  
 ۱۵۸۵ سَخُن چون ز داننده بشنید شاه  
 همه موبدان و ردان را بخواند

۱- لن، پ، ل، پ، پیش ۲- ف: آمدش؛ ل: آیدش؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۳- و: آردت؛ ل (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

تو ناساخته کار رفتن کنی بدست زیر گل (ل<sup>۲</sup>): تنت زیر گل در) نهفتن کنی

← بیک گرز بشکست گردش را به خاك اندرافگند مر تنش را  
 سپهد چو بشنید زیشان (ق، ب: ازیشان) سخن که چون بود ز آغاز (لن، ق: از آغاز) کردار و (ل، لن: < و > بن

ب: که چون بود کردار از آغاز و بن

به گفتا دریغا چنان (ب: از آن) زنده پیل 40  
 بسا رزمگاهها که آن پیل مست  
 اگر چند در رزم پیروزگر  
 بفرمود تا رستم آمد برش

بدو گفت کای بجه نره شیر (لن: شیرنر)  
 بدین کودکی نیست همتای تو

کنون پیشتر زآنک آواز (لن: بالای) تو 45  
 به خون نریمان میان را بیند

برآید وزان (ب: وزو) بگسلد ساز (لن: رای) تو  
 برو تازیان تا به کوه سپند

رفتن رستم به کوه سپند به خون خواستن نریمان

یکی کوه بینی سر اندر سحاب که بر وی نپرند پَران عقاب  
 چهارست فرسنگ بالای کوه (لن: او) پر از سبزه و آب و دور از گروه

لن: همیدون چهارست پهنای او

همیدون چهارست پهناش بر (ب: فرسنگ سر؛ لن: پر از سبزه و آب و دیبا و زر)

بسی اندرو مردم و جانور

کسی خود ندیدست از آن گونه (ب: از کوه) مرز

درو آفریدست پروردگار

بسان سپهری برافراخته

به فرمان شاه (لن: شه) آفریدون گرد (ق: به فرمان کی شاه لشکر ببرد)

وزان رای (لن: در آن راه) ازو (ل: او؛ ب: از آن) گشت پرداخته جای (ل: اوی)

همیدون گهی چاره گاهی (لن: چاره و گه) فسون

سپاه اندرون و سپهد برون (ل ندارد)

جهان را ز پهلو برداختند

هزیمت بر شاه گردن فراز

که شیر دلاور شد از بیشه سیر

همی هر زمان ناله‌یی برفزود

سر هفته پهلو سپه گرد کرد

بیابان و باره (ق: سراسر) سپه گسترد (ب ندارد)

سوی باره دز ندانست (ق: ندیدست) راه

نیامد برون و نشد (لن: نیامد همیدون نرفت) اندرون

اگر چند در (لن، ب: ره) بسته بد (لن: شد) سال و ماه

ز خون پدر نارسیده به کام ←

50 درختان بسیار با کشت و رز (در لن لت ها پس و پیش شده اند)

ز هر پیشه کاروز (ل: کامروز؛ ق: امروز) هر میوه دار

یکی راه (ق: را) بر (ب: در) وی دزی (لن، ق، ب: دری) ساخته

نریمان که گوی از دلیران ببرد (ق: دلیر سواران نریمان گرد)

به سوی حصار دز آورد رای (ل: روی؛ لن: اندر آورد پای)

55 شب و روز بودی به رزم اندرون

بماند اندران رزم سالی فزون

سرانجام سنگی بینداختند

سپه بی سپهدار گشتند باز

60 چو آگاهی آمد به سام (لن: شاه) دلیر

خروشید بسیار و زاری نمود

یکی هفته بودند (لن: بیک هفته می بود؛ ب: یکی هفته بی بود) با سوگ و درد

به سوی حصار (لن: حصارو) دز اندر کشید

نشست اندران جا بسی سال و ماه

ز دروازه دز یکی تن برون

65 که حاجت نباشان به يك پَر کاه

سرانجام نومید برگشت سام

بفرمود تا نوذر آمدش پیش<sup>۱</sup>  
 که این تخت<sup>۲</sup> شاهي فسوست و باد  
 مرا بر صد و بیست<sup>۵</sup> شد سالیان  
 بسی شادی و کام<sup>۷</sup> دل راندم<sup>۸</sup> ۱۵۹۰  
 ورا پندها داد از<sup>۳</sup> اندازه بیش  
 برو<sup>۴</sup> جاودان دل نباید نهاد  
 به رنج و به سختی بیستم<sup>۶</sup> میان  
 به رزم اندرون دشمنان ماندم<sup>۹</sup>

۱- لن، ق، لی، پ: نوذر آمد به پیش؛ و: نوذرش رفت پیش؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲- ل، لی: ز؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳- لن، ق، لی، پ، آ، ل، ب: تاج؛ متن= ف، ل، س، ق، و ۴- لن، لی، پ، ل، آ، ب: بدو؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- لن: صد و شصت؛ آ: صد و هشت ۶- ق، آ: بندم؛ لی، ل، آ: بیسته ۷- ق: خرمی کام ۸- ق، لی، ل، آ (و نیز ل، آ، س): خواندم؛ متن= ل، لن، ق، آ، پ، و، آ، ب ۹- لن، لی، پ: خواندم؛ ق، آ، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س): راندم؛ متن= ل، ف، س (و نیز لن، آ) این بیت و سه بیت سپسین را ندارند (← ۱۵۹۳ پ)

← کنونای پسرگاه آنست چون (ب: نون، لن: تروای پسرگاه آمد کنون)  
 روی (ب: شوی) شاددل با یکی کاروان  
 تن خود به کوه سپند افگنی  
 که اکنون نداند کسی نام تو  
 بدو گفت رستم که فرمان کنم  
 بدو گفت زال ای پسر گوش گیر (لن: هوش دار) 70

براری تن (ق: براری تنست) چون تن ساروان  
 به بار شتر در (لن: به پشت شتر بر) نمک دار و بس  
 که بار نمک هست آنجا عزیز  
 چو باشد حصاری گران بر درش  
 چو بینند بار نمک ناگهان  
 چو بشنید رستم برآراست کار 75

به بار نمک در (ب: بر) نهان کرد (ل: دار) گرز  
 ز خویشان تنی چند با خود ببرد  
 به بار شتر در سلیح گوان  
 لب از چاره خویش در خندخند  
 رسید و ز که دیده بانش بدید  
 بدو گفت کامد یکی کاروان  
 گمانم که باشد نمک بارشان  
 فرستاد مهتر یکی را دوان  
 بدو گفت بنگر تا چیست بار  
 فرود آمد از دز فرستاده مرد  
 بدو گفت کای مهتر کاروان  
 بدان تا بنزدیک مهتر شوم (لن: شویم؛ ب: رویم) 80

به پاسخ چنین گفت رستم بدوی  
 چنین (لن، ب: همین) گویش از گفت ما (لن، ق، ب: گفت ها) یک بیک  
 فرستاده برگشت و آمد فراز  
 یکی کاروانست گفتا تمام  
 چو بشنید مهتر برآمد ز جای  
 بفرمود تا در (لن: بر) گشادند باز  
 چو آگاه شد رستم جنگجوی  
 چو آمد بنزدیک دروازه تنگ  
 چو رستم بنزدیک مهتر رسید  
 ز بار نمک برد پیشش بسی  
 بدو گفت مهتر که جاوید باش 85

که رو نزد آن مهتر نامجوی  
 که در بارشان ست (ق: هست) یکسر نمک  
 بنزدیک آن مهتر سرفراز (ق: رزمسان)  
 نمک بارشان ست (لن، ب: دارند) ای نیکنام  
 لبش گشت خندان و شادی (ل: نیکی) فزای  
 بدان تا شود کاروان برفراز (ب: سرفراز)  
 زیستی بیالا نهادند روی (لن، ب: ندارند)  
 پذیره شدندش همه (ق: همی) بی درنگ (لن، ب: ندارند)  
 زمین بوس کرد آفرین گسترید  
 همی (ق: بسی) آفرین خواندند (لن، ق: خواند بر؛ ب: خواندش) هرکسی  
 چو تابنده ماه و چو خورشید باش ← 90

به فر فریدون ببستم میان  
 بجستم ز سلم و ز تور<sup>۳</sup> سترگ  
 جهان ویژه<sup>۴</sup> کردم ز پتیاره‌ها  
 چنانم که گویی ندیدم<sup>۶</sup> جهان  
 به<sup>۱</sup> پندش مرا سود شد هر زیان  
 همان کین ایرج نیای بزرگ  
 بسی شهر کردم بسی باره‌ها  
 شمار گذشته شد اندر<sup>۸</sup> نهان

۱- لی: ز ۲- ق، لی، ل: هر زمان؛ درل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳- لی، پ، آ: ز تور و ز سلم؛ درل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۴- ل: تیره ۵- ل، ل، ن- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): تیمارها؛ متن = (س<sup>۲</sup>: پتیارها) ۶- ل، ل، ن- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بارها؛ ف، س (و نیز ل<sup>۲</sup>) این بیت و سه بیت پیشین را ندارند، ولی در ترجمه بنداری آمده‌اند: فانی قد نیفت علی المائة والعشیرین أعالج الخطوب، و أمارس الحروب. و نالنتی سعاده الملك أفریدون، و توصلت إلی أن أدركت ثار ایرج و انتقمته له من سلم و تور، و طهرت العالم من العیث و الفساد، و شیدت الدور و القصور، و عمرت المدن و البلاد ۷- ق: ندیده ۸- ف: چه دارم؛ ق: که شد در؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)

← پذیرفتم و نیز دارم سپاس  
 درامد به بازار مرد جوان  
 ز هرسر برو (ب: بدو) گرد شد انجمن  
 105 یکی داد جامه، یکی زر و سیم  
 چو شب تیره شد رستم تیز چنگ  
 سوی مهتر باره آورد روی (ل، ق: چو مهتر به باره (ق: باده) در آورد روی)

پس او (ق، ب: وی) دلیران پرخاشجوی  
 برآویخت با رستم نامدار  
 که زیر زمین شد سر و مغزش (لن: توگفتی سرش)  
 سوی رزم بدخواه بشتافتند  
 زمین همچو لعل بدخشان شده  
 توگفتی شفق ز آسمان شد نگون  
 سران دلیران سراسر بکنند  
 جهان از ثری تا ثریا گرفت  
 چه کشته، چه از رزم گشته ستوه  
 بکشتند مر هر که را یافتند  
 برآورده دید اندران جای تنگ  
 مهندس بر آن گونه پرداخته  
 110 چو آگاه شد کوتوال حصار  
 تهمتن یکی گرز زد بر سرش  
 همه مردم دز خیر یافتند  
 شب تیره و تیغ رخشان شده  
 ز بس داروگیر و ز بس موج خون  
 تهمتن به گرز و به تیغ کمند  
 چو خورشید از پرده بالا (ق: پرده بی‌الا) گرفت  
 به دز بر (ق: در) یکی تن نبد زان گروه  
 115 دلیران بهر گوشه بشتافتند  
 تهمتن یکی خانه از خاره سنگ  
 یکی در ز آهن پرو ساخته  
 بزدگرز و افکند (لن، ب: بفرکند) دراز جای (ق: پس آن گرز برداشت حالی زجای)

پس آنگه (ق: بیامد) سوی خانه بگذارد (لن، ق، ب: بگذارد) پای  
 به دینار سرتاسر انباشته (ب: آراسته)  
 ز راه شگفتی لب اندر گزید  
 که زین گونه هرگز که دارد نشان  
 به دریا درون نیز گوهر نماند  
 درین (لن: بدان) جایگه در بگسترده‌اند  
 120 یکی گنبد از ماه (ق: یکی کنده از فعر) بفراشته  
 فرو ماند رستم چو زان گونه دید  
 چنین گفت با نامور سرکشان  
 همانا به کام اندرون زر نماند  
 کزینسان همی زر (لن، ب: زر) برآورده‌اند

نامه نوشتن رستم به داستان سام

یکی نامه بنوشت نزد پدر  
 نخست آفرین بر (ب: < بر >) خداوند هور  
 خداوند خورشید (لن: ناهید؛ ب: بهرام) و ناهید (لن: بهرام) و مهر  
 ازو (لن، ب: وزو) آفرین بر سپهدار زال  
 پناه گوان، پشت ایرانیان  
 130 نشاننده شاه و ستاننده گاه (ق: نشاننده شاه بر تخت و گاه)  
 به فرمان رسیدم به کوه سپند  
 به پایان آن که فرود آمدم  
 به فرمان مهتر برآستم  
 شب تیره با نامداران جنگ  
 135 چه کشته، چه خسته، چه بگریخته  
 ز کار و ز کردار خود در به در (لن، ق، ب: سربسر)  
 خداوند مار (لن: ماه) و خداوند مور (لن: هور)  
 خداوند این برکشیده سپهر  
 یل زابلی مهتر (لن، ب: پهلو) بی همال  
 فروزنده اختر کاویان (لن ندارد)  
 روان گشته فرمانش چون هور و ماه  
 چه (ل: چو) کوهی بسان سپهر (لن، ق: سپهری) بلند  
 همانگه ز مهتر درود آمدم  
 برآمد برانسان که من خواستم (لن ندارد)  
 به دز در یکی را ندادم درنگ  
 ز تن ساز کینه فروریخته ←

۱۵۹۵ نیرزدا همی<sup>۲</sup> زندگانی به مرگ<sup>۳</sup>  
ازان<sup>۵</sup> پس که بردم بسی درد و رنج  
چنان چون<sup>۷</sup> فریدون مرا داده بود  
چنان<sup>۸</sup> دان که خوردی و بر تو گذشت

درختی که زهر آورد<sup>۴</sup> بار و برگ  
سپردم ترا تخت<sup>۶</sup> شاهی و گنج  
ترا دادم این تاج شاه آزمود  
به خوشتر زمان باز بایدت گشت<sup>۹</sup>

۱- لن، پ، ل، نه ارزد ۲- لن، ق، پ، و، آ، ل، ب: همه؛ متن = ف، ل، ق، لی ۳- ل، لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س): زندگانی مرگ؛ متن = ف، و (و نیز لن)؛ س: مثل زندگانی اباروز مرگ ۴- لن، پ: تلخ آورد؛ و: زهرش بود؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در لن، ق، ل، پ، آ، ل، ب (و نیز س) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۵- لن، ق، ل، لی، آ، ل، ب: وزان؛ متن = ف، ل، س، ق، پ، و ۶- ل، آ: تاج ۷- لن، هم؛ در ل، ق این بیت پس از بیت سپسین آمده است؛ ف، س (و نیز لن) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: و این مسلم إليك التاج و التخت كما سلمهما إلی فریدون ۸- لن: جهان ۹- آ: رست (!)؛ لن: بخورد زمان باز بایدت گشت؛ در ل، ق پس از این بیت پیشین آمده است

← همانا ز (لن: که) خروار پانصد (ق، ب: سیصد) هزار  
ز پوشیدنی و ز گسترده  
همانا نداند شمارش (لن: شمارش نداند) کسی  
کنون تا چه فرمان دهد پهلوان  
فرستاده آمد چو باد دمان  
140 چو برخواند نامه سپهدار گفت (لن، ب: سپهد چو نامه فرو خواند گفت)

بود نقره ناب (ب: خام) و زر عیار  
ز هر چیز کان باشد آوردنی  
ز ماه و ز روز ار شمارد بسی (لن: کسی)  
که فرخنده تن باد و روشن روان (لن ندارد)  
رسانید نامه بر پهلوان

که با نامور آفرین باد جفت  
تو گفستی که خواهد شد از سر جوان  
ز شادی چنان شد دل (ل: شاد شد) پهلوان  
پاسخ نامه رستم از زال زر

یکی پاسخ نامه افکند بن  
سر نامه بود آفرین خدای  
145 به پیروزی و خرمی خواندم (لن، ب: به پیروز بختی فرو خواندم)  
ز تو پور شایسته زینسان (لن، ب: چونین) سزد  
روان نریمان برافروختی

بگفته درو در فراوان سخن  
دگر گفت کان نامه دلگشای  
ز شادی برو جان برافشاندم  
سزد زانک هستی هشیوار (لن: سزاوار؛ ق: تو هشیار) مرد  
چو دشمنش را جان و تن سوختی  
لن، ب: همه دشمنان ورا سوختی

چو نامه بخوانی سبک برنشین  
ز اشتر همانا هزاران هزار  
150 شتر بارکن زانک (ق: زانچ) باشد گزین  
چو نامه بنزد تهمتن رسید  
ز هر چیز کان بود شایسته تر  
هم از لؤلؤ و گوهر شاهوار  
گزید و فرستاد زی پهلوان

که بی روی تو هستم اندوه گین (در لن پس از بیت 149)  
بنزدت فرستادم از بهر بار  
پس آنگه به دز درزن (لن: برزن) آتش به (ق، ب: ز) کین  
فرو خواند و (ق: و) زو شادمانی گزید  
ز مهر و ز تیغ و کلاه و کمر  
هم از دیبه چین سراسر نگار  
همی شد به راه اندرون کاروان  
که دودش برآمد به چرخ بلند  
155 نهاده سر خویش زی آسمان (ب: پهلوان)  
لن: همی شد به ره بر چو باد دمان  
که آمد سپهدار گیتی فروز  
همه کوی (ب: شهر) و برزن بیاراستند (لن: بیاراستند)

پذیره شدن را چو برخاستند (لن: بیاراستند)  
برآمد خروشیدن کره نای (ل: کزنای)  
160 همی شد به راه اندرون زال زر  
تهمتن چو روی سپهد بدید  
سپهدار فرزند خود را کنار  
وزانجا به ایوان دستان سام  
بنزدیک رودابه آمد پسر  
165 بیوسید مادر دو یال و برش  
به مژده بنزدیک سام سوار

همان سنج (لن، ق، ب: صنج) با بوق و هندی درای  
شتابان به دیدار فرخ پسر (لن ندارد)  
فروید آمد و آفرین گسترید (لن ندارد)  
گرفت و بفرمود کردن نثار (در لن پس از بیت 166)  
بیامد سپهدار جوینده کام  
به خدمت نهاد از بر خاک سر  
همی آفرین خواند بر پیکرش  
فرستاد نامه یل نامدار←

نشانی که ماند<sup>۱</sup> همی از تو باز  
 ۱۶۰۰ نباید<sup>۴</sup> که باشد جزاز<sup>۵</sup> آفرین  
 نگر تا نتابی<sup>۶</sup> ز دین خدای  
 تو هرگز مگرد از<sup>۹</sup> ره ایزدی  
 برآید برو<sup>۲</sup> روزگاری<sup>۳</sup> دراز  
 که پاکسی نژاد آورد پاک<sup>۶</sup> دین<sup>۷</sup>  
 که دین خدای آورد پاک<sup>۸</sup> رای<sup>۹</sup>  
 که نیکی ازویست و<sup>۱</sup> هم زو بدی

۱- لن، ق، آ، ل، ب: نشانی نماند؛ آ: نشانی بماند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- پ: برآن ۳- ل، س، ق، لی، و: روزگار؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۴- ق، آ: نشاید ۵- و، ل، بجز ۶- پ: به کزین (!)؛ لن: که ناگه نژاد آورد یا کزین (!) ۷- لن، ق، آ، لی، پ، ب: نیچی؛ آ: نگردي؛ متن = ل، ق، و، ل، آ (و نیز ل، س، آ)؛ ف، س (و نیز ل، س، آ)؛ ف، س (و نیز ل، س، آ)؛ پس از بیت پیشین و لن، ب (و نیز ل، س، آ)؛ پس از این بیت افزوده‌اند (ف، س، لن، آ) بیت دوم را ندارند؛ در ل، ق، بیت دوم و سوم پس و پیش شده‌اند:

کنون نو شود در جهان داوری  
 چو (لی: که) موسی بیاید به پیغمبری (و: پیغامبری)  
 پدیدآید آنک (لن، ق، آ، لی، آ، ب: آنکه؛ پ: اکنون) به (ق، پ: ز) خاورزمین

ل، لی، و، ب: نگر تا نتازی (ل: نتابی) براو (لی: ابروی) به کین  
 لن، پ: نگر تا نیازی بدو در بکین  
 ق، آ، ل، آ: نگر تا نتابی بروسرزکین (آ: به رای و به کین؛ ل، آ: برو برنگین)  
 ق، آ: نگر تا براو نیازی به کین

بدو بگرو (ف: تو بگرو که؛ لن، پ: بران بگرو) آن (لی، و: ار) دین یزدان بود

ف، ل، س، ق، و: نگه کن ز سر تا چه پیمان (س، ق، و: فرمان) بود

لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: نگه کن که از (لی: آن) سرچه پیمان (ق، آ، ل، ب: فرمان) بود  
 جز بیت دوم که در ف، س (و نیز لن، آ) نیست، این بیت ها در همه دستنویس های ما آمده‌اند و در ترجمه بنداری نیز هست: *و استجدد عن قليل نوبة فيعث الله عزوجل موسى نبيا بناحية المغرب. فصلده و آمن به ولا تحيدن عن طاعته. و تنكب سبيل مخالفته ۹- ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): تو مگذار هرگز؛ س: تو هرگز مگردان؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ) ۱۰- ل: < و >*

نموده بُد آن پهلوی پر خرد (ل: برآن پهلوان خرد)  
 بنزد سپه‌دار کردش گسی  
 ز شادی رخس همچو گل بشکفید  
 ل: رخانش ز شادی همی بشکفید

← به نامه درون سربسر نیک و بد  
 همی داد (لن: فرستاد؛ ق: داشت) با نامه هدیه بسی  
 چو نامه بر سام نیرم رسید

ز بس شادمانی گو نامدار  
 ز رستم همی داستان کرد یاد  
 بنزدیک فرزند گردن فراز  
 نباشد شگفتی که باشد دلیر

170 بیاراست بزمی چو خرم بهار  
 فرستاده را خلعت و یاره (ق: بازه) داد  
 نوشت آنگهی پاسخ نامه باز  
 به نامه درون گفت کز نره (ل: شرز) شیر  
 همان بچه شیر ناخورده شیر

ستاند یکی موبدی (ب: همی موبد) تیزوبر (لن ندارد)  
 چو دندان برآرد شود زو ستوه (در ق در کناره)  
 به خوی پدر بازگردد تمام (در ق در کناره)  
 که دارد دلیری چو داستان پدر

175 مراورا درآرد میان گروه  
 ابی آنک دیدست پستان مام  
 عجب نیست از رستم نامور  
 که (لن: به) هنگام گردی و کنداوری  
 چو نامه به مهر اندرآورد گرد

ازو (لن: همی؛ ق، ب: زوی) شیرخواهد همی (لن: ازو) باوری  
 فرستاده را خواند و او را سپرد  
 ابا خلعت و نامه نامور  
 ز کردار آن (ق: ازان کرده) نورسیده جوان (لن ندارد)

180 فرستاده آمد بر زال زر  
 وزو شادمان شد دل پهلوان  
 جهان زو پر امید شد یکسره  
 کنون از منوچهر گویم سخن (ب: دگر)

ز روی زمین تا به برج بره  
 وزان شاه پر مهر گویم سخن (ل، ق ندارند)  
 ب: وزان شاه آزاده گویم خبر  
 به هنگام رفتن سوی (ب: شه) دادگر (ل، ق ندارند)

چه اندرز کردش (ب: کرد او) پسر را نگر

۱۶۰۵ وُزان<sup>۱</sup> پس بیاید ز ترکان<sup>۲</sup> سپاه  
 ترا کارهای درشتست<sup>۳</sup> پیش  
 بگفت و فرود آمد آبش به روی  
 [بی‌آنکش بدی هیچ<sup>۴</sup> بیماری<sup>۵</sup>  
 دو چشم کیانی بهم برنهاد  
 شد آن نامور پرهنر<sup>۶</sup> شهریار  
 نهند از بر تخت ایران کلاه  
 گهی گرگ باید بُدن<sup>۷</sup> گاه میش  
 همی زار بگریست نوذر بر اوی  
 نه<sup>۸</sup> از دردها هیچ<sup>۹</sup> آزاری<sup>۱۰</sup>  
 پیژمرد و برزد یکی سردباد  
 به گیتی سَخُن ماند<sup>۱۱</sup> ازو<sup>۱۲</sup> یادگار

- ۱- ل، و: ازان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- لن، پ: ز ترکان بیاید ۳- س: بزرگست؛ لن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: درازست؛ متن = ف، ل، ق، لی، و (و نیز ل، لن، آ، س) ۴- ب: بدو؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز س) پس از این بیت افزوده‌اند (لی بیت سوم را ندارد):  
 گزند تو آید ز پور پشنگ ز توران شود کارها بر تو تنگ  
 بجوی ای پسر چون رسد (لی، پ: شود) داوری ز سام و ز زال (ق: ز زال و زسام) آنگهی (لی: ای پسر) یاوری  
 وزین نودرختی که از پشت (ق: آ، و، آ، ب: بیخ) زال برآمد کسوں برکشد (آ: بیرآمد اکنون کشد) شاخ و یال  
 ازو شهر توران شود بی (و: پر) هنر به کین تو آید همان کینه‌ور  
 ف، ل، س، ق، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل، لن، آ) این بیت ها را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: وستلقى من ابن بشنك معضلة لاتبقى و لاتذر، و ذاهیه يضيق بها عليك المورد والمصدر. فأذا أناخ عليك الزمان بكلكلة فاستعن بسام و ولده. واعلم أن هذا الغصن الذي تفرع الآن من دوحه زال سيدوخ بلاد الترك و يتوغل ديارهم، و يطلب بشارك و ينتقم لك ۵- لن، پ: ابی آنک بودیش؛ ق، آ، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>): ابی آنک بد هیچ (ل<sup>۲</sup>: ایچ)؛ ب: ابی آنک بدش ایچ؛ متن = ل، ق ۶- ل: تیماری ۷- ق، آ، لی: هم ۸- ل<sup>۲</sup>: ایچ؛ ف، س (و نیز لن، آ، س) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فتنفس منوچهر و غمض عینیه، و فاضت نفسه من غیر مرض و لاوصب ۹- لن، لی، پ: شد آن پر (لن: با) هنر نامور؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- پ: گشت ۱۱- ل، لن: زو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:  
 ز کار منوچهر پرداختم ز (ق: به) کردار نوذر سخن ساختم



نوذر



## پادشاهی نوذر هفت سال بود<sup>۱</sup>

چو سوگ پدر شاه نوذر بداشت  
 به تخت منوچهر بر بار<sup>۳</sup> داد  
 برین<sup>۵</sup> برنیامد بسی روزگار  
 ز گیتی برآمد ز<sup>۷</sup> هرجای عَو<sup>۸</sup>  
 چُن<sup>۱۱</sup> او رسم های پدر درنوشت<sup>۱۲</sup>  
 همه<sup>۱۴</sup> مردمی نزد او خوار گشت<sup>۱۵</sup>  
 کدیور<sup>۱۸</sup> یکایک سپاهی شدند  
 چُن<sup>۲۰</sup> از روی گیتی<sup>۲۱</sup> برآمد خروش  
 بترسید بیدادگر شهریار  
 ز<sup>۲</sup> کیوان کلاه کیی بفراشت  
 بخواند انجمن را و دینار داد<sup>۴</sup>  
 که بیدادگر شد سر شهریار  
 جهان را کهن شد سر<sup>۹</sup> از<sup>۱۰</sup> شاه نو<sup>۱۱</sup>  
 ابا موبدان و ردان شد درشت<sup>۱۳</sup>  
 دلش بر ره<sup>۱۶</sup> گنج و<sup>۱۷</sup> دینار گشت<sup>۱۵</sup>  
 دلیران سزاوار<sup>۱۹</sup> شاهی شدند  
 جهانی<sup>۲۲</sup> سراسر برآمد<sup>۲۳</sup> به جوش<sup>۲۴</sup>  
 فرستاد کس نزد سام سوار<sup>۲۵</sup>

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی نوذر پسر منوچهر دوازده سال و هفت ماه بود و بیرون آمدن لشکر براو؛ ل: پادشاهی نوذر دو سال و نیم بود؛ س، آ: پادشاهی نوذر پسر منوچهر هفت سال (آ: هفت سال و هفت ماه) بود؛ پ: پادشاهی نوذر هشت سال؛ و: پادشاهی نوذر هفت سال یازده روز بود؛ ل<sup>۲</sup>: پادشاهی نوذر بن منوچهر هفت سال بود؛ متن= لن، ق، ق، آ، لی، ب؛ در ب از بیت ۲۱۴ تا ۳۶۱ افتاده است ۲- ق، لی، و؛ به ۳- ل<sup>۲</sup>: بر باد و؛ ب: بر یاد ۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز س<sup>۲</sup>): سپه را درم داد و دینار داد؛ متن= فن، ل، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) ۵- لی: بدین ۶- لن، لی، پ: به ۷- ل، س، لی، و، ل<sup>۲</sup>: ب؛ به؛ متن= فن، لن، ق، آ، پ، آ، ۸- ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ب؛ غو ۹- لن، ق، آ، لی، پ: ب؛ جهان کهن شد پیر ۱۰- ق، آ: < از > ۱۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: چو؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= فن، و، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۲- ف: برنوشت؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۳- ل: شد بدشت؛ لن: گشت زشت؛ ق: شد گشت (وزن نادرست است)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): تیز گشت؛ ب: تند گشت؛ متن= فن، س، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): همی؛ س، لن، ق، آ- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ره؛ متن= فن، ق ۱۵- ل، لن، آ، ب: شد؛ متن= فن، س، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۶- ل، س، لن، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): برده؛ ق، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بنده؛ متن= فن، ل<sup>۲</sup> ۱۷- ل، س، پ: < و >؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۸- ق: گزیده ۱۹- س، لن، ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ب؛ براواز؛ آ: برآزار؛ متن= فن، ل، ق، لی، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ و پس از این بیت افزوده است:

نبرد او بداد و دهش هیچ راه همه خورد و خفتن بدی کار شاه

۲۰- ل- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): چو؛ متن= فن، ل<sup>۲</sup> ۲۱- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب؛ کشور؛ و: از کشور وی؛ متن= فن (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲- ل- آ: جهان را؛ متن ← ۲۳- س: برآمد سراسر؛ متن ← ۲۴- ف: جهان شد سراسر پیر از جنگ و جوش؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۵- ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

به سگسار و مازندران بود سام فرستاد نوذر براو (ل<sup>۲</sup>: به پیشش) پیام

لن، ق، آ، پ، آ، ب: نخست از جهان آفرین بردنام (= ۱۱ ب)

لی: نبشت و فرستاد نزدیک سام (= ۱۱۱)

ف، س، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فکتب الی سام، و کان بسکسار مازندران؛ ل پس از این بیت سرنویس دارد: نامه نوشتن نوذر نزدیک سام

۱۰	یکی نامه با لابه و دردمند نبشت و فرستاد نزدیک سام <sup>۵</sup> خداوند کیوان <sup>۶</sup> و بهرام <sup>۷</sup> و هور نه <sup>۸</sup> دشخواری <sup>۹</sup> از چیز <sup>۱۰</sup> برترمنش <sup>۱۱</sup> همه با توانایی او یکیست	نبشتند <sup>۱</sup> از آن <sup>۲</sup> شهریار بلند <sup>۳</sup> نخست <sup>۴</sup> از جهان آفرین برد نام که هست آفریننده‌ی پیل و مور نه آسانی آید ز اندک بوش <sup>۱۲</sup> بزرگست و <sup>۱۳</sup> بسیار و گر <sup>۱۴</sup> اندکیست
۱۵	کنون از <sup>۱۵</sup> خداوند خورشید و ماه مران <sup>۱۷</sup> پهلوان جهان دیده را <sup>۱۸</sup> که تا <sup>۲۰</sup> شاه مژگان <sup>۲۱</sup> بهم برنهاد هم ایدر <sup>۲۳</sup> مرا پشت گرمی بدوست <sup>۲۴</sup> نگهبان کشور به هنگام <sup>۲۶</sup> شاه	درود <sup>۱۶</sup> روان <sup>۱۶</sup> منوچهر شاه سرافراز گرد <sup>۱۹</sup> پسندیده را <sup>۱۸</sup> ز سام نریمان همی کرد <sup>۲۲</sup> یاد که هم پهلوان ست و هم شاه‌دوست <sup>۲۵</sup> وزو گشت <sup>۲۷</sup> رخشنده تخت و کلاه <sup>۲۸</sup> سخن ها از <sup>۲۹</sup> اندازه اندرگذشت ازین تخت <sup>۳۱</sup> پردخت ماند <sup>۳۲</sup> زمین
۲۰	کنون پادشاهی پر آشوب گشت اگر برنگیری تو آن <sup>۳۰</sup> گرز کین چو نامه بر سام نیرم رسید	یکی باد سرد از جگر برکشید

۱- ل، و: نوشتند؛ س: نویسنده؛ متن=ف، ق، لی ۲- ل، س، ق، لی: از <آن>؛ متن=ف، و ۳- ل: بیستند از شهریاری بلند؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب این بیت را انداخته‌اند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- ل: نوشت و؛ و: نوشته؛ متن=ف، س، ق، ل ۵- لی: فرستاد نوذر سوی او پیام؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب لت یکم این بیت را انداخته‌اند؛ در لی لت های این بیت با هم و خود بیت با بیت پیشین پس و پیش شده‌اند ۶- لن، ق، آ، پ، آ، ل، آ، ب: ناهید؛ لی، و: بهرام؛ متن=ف، ل، س، ق ۷- لی، و: کیوان؛ و پس از این بیت افزوده است:  
خداوند عقل و خداوند جان خداوند گردنده هفت آسمان

۸- ل، پ: به ۹- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، و، ل، آ، ب: دشواری؛ ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن=ف (و نیز لن) ۱۰- س، ق، آ، ل: چیز و؛ لن، پ: آسان و ۱۱- و: بر پرورش ۱۲- ل: نه آسانی از اندک و سرزنش؛ س، ب (و نیز ل، آ، س): نه آسانی از (ب: <از> اندک اندر بوش؛ لن، پ: نه آسانی اندک بود بر بوش؛ و (و نیز لن) نه آسانی از رنج اندر بوش؛ آ: نه آسانی آید گراید برش؛ ل: نه آسانی اندکی در بوش؛ متن=ف، ق، آ، ل پس از این بیت سرنویس دارد: نامه نوذر بنزد سام و آمدن وی ۱۳- س، لن، پ، و، ل، آ: <و>؛ ل: اگر هست؛ ق، لی این بیت را ندارند، ولی در ق آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن=ف، ق، آ، ب ۱۴- س: <و> گر؛ ق، آ، و، ل، آ، ب: <و> یا؛ پ: اگر؛ متن=ف، ل، لن، آ ۱۵- لن: آن ۱۶- ل، ق، لی (و نیز ل): ثنا بر روان؛ س، لن، ق، آ، پ- ب (و نیز لن): درودی بجان؛ (س): درود روان بی؛ متن=ف؛ ل، ق، ب (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

ابر سام یل باد چندان درود که آید (ب: بارد) همی زابر باران فرود

۱۷- لن، ق، آ، پ، ب: بدان؛ و: جهان؛ آ: بران؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ متن=ف، ل، س، لی، ل ۱۸- آ: باد ۱۹- ف: سزاوار و گردو؛ ل (و نیز لن): سرافراز و گرد؛ ب: سرافراز گرد و؛ (س): سرافراز و گردو؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل)؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ل، ق (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند (در ق بیت یکم در کناره آمده است):  
همیشه دل و هوش آباد باد روانش ز هر درد آزاد باد  
شناسد مگر پهلوان جهان سخن ها هم از آشکار و نهان

۲۰- ف: که آن؛ متن=یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۲۱- و: دیده ۲۲- ل: بسی کرد؛ لی: نکردیم؛ متن=ده دستنویس دیگر؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- ل (و نیز ل): همیدون؛ ق: همیشه؛ (س): هم اندر → هم ایدر؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز لن) ۲۴- و: ازوست ۲۵- س، ل، آ: شاه جوست ۲۶- و: بفرمان ۲۷- ل: ازویست؛ ق: ازوگشت؛ پ، و: وزوگشته؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۸- ل، ق (و نیز ل): فرخ کلاه؛ متن=ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۲۹- ل، س، لی، و، آ: ز؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۳۰- ل، س، ق، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): برنگیرد وی آن (و، لن، آ: همی)؛ متن=ف، لن، پ، ل ۳۱- و: تخمه ۳۲- ق، ل: پردخته گردد؛ پ: پردخت باید

به شبگیر هنگام بانگ خروس  
 یکی لشکری راند<sup>۲</sup> از گرگسار  
 ۲۵ چو نزدیک ایران کشیده<sup>۵</sup> آن سپاه  
 چو ایرانیان آگهی یافتند  
 پیاده همی<sup>۸</sup> پیش سام دلیر  
 ز بیدادی نوذر تاجور  
 جهان گشت ویران<sup>۱۱</sup> ز کردار اوی  
 ۳۰ نگرده همی بر ره<sup>۱۲</sup> بخردی  
 چه باشد اگر سام یل پهلوان  
 جهان گردد آباد با<sup>۱۵</sup> داد<sup>۱۶</sup> اوی  
 همه<sup>۲۰</sup> بنده باشیم و فرمان<sup>۲۱</sup> کنیم  
 بدیشان<sup>۲۴</sup> چنین گفت سام سوار  
 ۳۵ که چون نوذری از نژاد کیان  
 به شاهی مرا تاج<sup>۲۶</sup> باید بسود<sup>۲۷</sup>  
 خود این گفت یارد کس اندر جهان؟  
 اگر دختری از منوچهر شاه  
 برآمد خروشیدن بوق و کوس<sup>۱</sup>  
 که دریای سبز<sup>۳</sup> اندرو<sup>۴</sup> گشت خوار  
 پذیره شدندش بزرگان به راه<sup>۶</sup>  
 سوی پهلوان تیز<sup>۷</sup> بشتافتند  
 برفتند و گفتند هرگونه دیر<sup>۹</sup>  
 که بر خیره گم کرد راه پدر  
 غنوده شد آن بخت بیدار اوی<sup>۱۱</sup>  
 ازو دور شد فره ایزدی  
 نشیند برین<sup>۱۳</sup> تخت روشن روان<sup>۱۴</sup>  
 مروراست<sup>۱۸</sup> ایران و بنیاد<sup>۱۹</sup> اوی  
 روانها<sup>۲۲</sup> به مهرش<sup>۲۳</sup> گروگان کنیم  
 که این کی پسندد ز من<sup>۲۵</sup> کردگار  
 به تخت کیی بر کمر بر میان  
 مُحالست و این کس نیارد سُنود<sup>۲۸</sup>  
 چنین زهره دارد کس اندر نهان<sup>۲۹</sup>؟  
 برین<sup>۳۰</sup> تخت زر برشدی<sup>۳۱</sup> با کلاه

۱- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): نای و کوس؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آل، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): زد رگاه برخاست آوای (س، لی: آواز) کوس؛ متن= ف، ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر نامه نبشتن ایرانیان نزدیک سام و آمدن سام نزدیک نوذر و پند دادن او را ۲- ق: ساخت ۳- لن: قار ۴- س: اندران ۵- ل، ق، لی، پ: رسید؛ متن= ف، س، و، ل ۶- و، ل ۷- بزرگان شاه؛ س، لی: بزرگان پذیره شدندش براه؛ متن= ف، ل، ق، پ؛ لن، ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ درل<sup>۲</sup> این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: سام؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) این بیت را ندارند ۸- ل، س، لن، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب: همه؛ متن= ف، لی، آ ۹- ق: بگفتند با وی ز هر گونه دیر؛ درل<sup>۲</sup> این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب: پس از این بیت افزوده اند:

ز کردار (ب: گفتار) نوذر بگفتند چند ابا نامور پهلوان بلند

پ پس از این بیت سرنویس دارد: آمدن سام بدرگاه نوذر ۱۰- س، لی: خیره ۱۱- ل- ب: او؛ متن= ف ۱۲- ل، ق: بگرده (ق: نگرده) همی از ره؛ س: نگرده همی برخوی؛ لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): نگرده همی گرد او؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

ز رسم پدر سربیک سونهاد به پیشش یکی گشت بیداد و داد

۱۳- ق: بدین؛ ق، آ، ل: بران ۱۴- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): انوشه روان؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۵- س- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س): از؛ ف این بیت را ندارد؛ متن= ل ۱۶- لن، ق، آ، پ، آ، ب: بخت؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۱۷- ل، س، ق، آ، لی، آل، ب: او؛ لن، پ: نو؛ متن= و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ) ۱۸- ل: برویست؛ ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدویست؛ ل: که اویست از؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۹- لن، ق، آ، پ، آ، ب: و آن تخت؛ متن= ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۲۰- ل، ق: که ما؛ پ: همان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- لی: پیمان ۲۲- س، لی: زبانها؛ پ، ب: روان را؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- س، لن، لی: مهرت؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴- ق: بریشان ۲۵- لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: ما؛ متن= ف، ل، س، ق، ل ۲۶- ف: دست؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): تخت؛ ب: شاه (!)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- و: پسود (با سه نقطه) ۲۸- س، لی: محالیست کین کار شاید ستود (لی: کس نیارد شنود)؛ ق: محالست و کس این نیارد شنود؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۲۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ): کسی از مهان؛ آ: کسی از جهان (پساوند ندارد)؛ متن= ف، ل، ق (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳۰- ل، س، لی، و، بران؛ ق: بدان؛ ق، آ، پ: بدین؛ متن= ف، لن، آ، ل، ب ۳۱- ل، س، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ): ز زین شدی؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: ز زین بدی؛ ق، ل (و نیز س<sup>۲</sup>): ز زین بود؛ متن= ف؛ و پس از این بیت افزوده است:

نبودی بجز بندگی پیشه‌ام ز شاهی نبودی خود اندیشه‌ام

نبودی جز از<sup>۱</sup> خاك بالين من  
 ۴۰ دلش گر ز راه پدر گشت باز  
 هنوز آهنی<sup>۶</sup> نیست زنگارخورد  
 من آن<sup>۹</sup> ایزدی فر<sup>۱۰</sup> بازآورم  
 شما زین<sup>۱۱</sup> گذشته پشیمان شوید  
 گر آمرزش کردگار سپهر  
 ۴۵ بدین<sup>۱۶</sup> گیتی اندر بود خشم شاه  
 بزرگان ز گفته<sup>۱۸</sup> پشیمان شدند  
 به فرخ پی نامور پهلوان<sup>۲۱</sup>  
 [چو آمد به درگاه سام سوار  
 به پوزش<sup>۲۴</sup> همه<sup>۲۵</sup> پیش<sup>۲۶</sup> نوذر شدند<sup>۲۷</sup>  
 ۵۰ برافروخت نوذر ز تخت مهی  
 [جهان پهلوان<sup>۳۱</sup> پیش نوذر پای

بدو<sup>۲</sup> شاد گشته<sup>۳</sup> جهان بین من  
 برین<sup>۴</sup> برنیامد زمانی دراز<sup>۵</sup>  
 که رخشنده دشخوار<sup>۷</sup> شایدش کرد<sup>۸</sup>  
 جهان را به مهرش نیاز آورم  
 به نوئی ز سر<sup>۱۲</sup> باز پیمان شوید  
 نیابید<sup>۱۳</sup> و ز<sup>۱۴</sup> نوذر شاه مهر<sup>۱۵</sup>  
 به برگشتن آتش<sup>۱۷</sup> بود جایگاه  
 به نوئی ز سر<sup>۱۹</sup> باز پیمان شدند  
 جهان سربسر شد به نوئی جوان<sup>۲۲</sup>  
 پذیره شدش نوذر شهریار<sup>۲۳</sup> [   
 به جان<sup>۲۸</sup> و به دل ویژه کهنتر شدند<sup>۲۹</sup>  
 نشست اندر آرام با فرهی<sup>۳۰</sup>  
 پرستنده او بود و هم رهنمای<sup>۳۲</sup> ]

۱- ل، ن، ق، پ، و، آ، ب: بجز؛ و: به پیشش بدی؛ متن = ف، ل، س، ق، ل، ل، ۲- و: وزو؛ ل، ۲: برو ۳- ل: شاد بودی؛ س، ل، آ: گشته روشن؛  
 ق، پ، و: شاد گشتی؛ متن = ف، ل، ن، ق، ل، آ، ب ۴- ق: بدین ۵- لی: نیامد بروروزگاری دراز؛ پ این بیت را ندارد ۶- ل، آ: آهنش ۷- ل-آ  
 (و نیز ل، ۲): دشوار؛ متن = ل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، س، آ) ۸- ف: که دشخوار باشد زدودنش گرد ۹- ل، و، ل، ۲: این؛ ل، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت  
 دستنویس دیگر ۱۰- ل، آ، ۲: فره؛ و: فر برگشته؛ پ بجای این بیت افزوده است:

بگوئیم بسیار و پندش دهیم به پند اختر سودمندش دهیم

۱۱- ل، ق، ل، ۲: بر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ب: بسر؛ و پس از این بیت افزوده است:

که نپسندد این از شما کردگار بیابید از مالش روزگار

۱۳- ل، س، پ، ب: بتابید؛ ل، ن، آ: بیاید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ق، ل، و، ل، ۲ (و نیز ل، ۲، س، آ) ۱۴- ل،  
 س، ق، پ، آ: < و از؛ ل، ن، و، ل، ۲، ب: و از؛ متن = ف، لی ۱۵- لی: نوذر پاک مهر؛ ل، آ: شاه نوذر نه مهر ۱۶- پ: بدان ۱۷- ل، ن، ب: آگه؛  
 لی: بدان گیتی آتش؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- ل: کرده؛ ل، ن، ق، ۲، پ، آ: گفتن؛ ب: ز گفتن  
 بزرگان؛ متن = ف، س، ق، ل، و، ل، ۲ ۱۹- ل، ق، ل، ۲: یکایک؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- آ، ب: دگر ۲۱- س، لی: پهلوان جهان ۲۲- س،  
 لی: جهان شد بنوی سراسر جوان؛ ل، ن، ق، آ، ب: جهان شد سراسر بنوی جوان؛ پ: جهان شد بنوذر سراسر جوان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، ۲؛ درل، ق  
 این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۳- ق: تاجدار؛ متن = ف، ل، و (و نیز ل، ۲)؛ س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، س، آ) این بیت  
 را ندارند؛ درل، ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ ف، و (و نیز ل، ۲) پس از این بیت افزوده اند:

بیاورد و بر تخت خویشش نشاند بسی آفرین کیانی بخواند

سخن کرد نوذر برو (و: بدو) آشکار که لشکر چه کردند و چون بود کار

و (و نیز ل، ۲) پس از بیت های بالا افزوده اند:

جهان پهلوان گفت ای شهریار همیشه جهان را به شادی گذار

اگر شاه آزرده گشت از سپاه ببخشای هر چندشان بُد گناه

۲۴- آ: بنوی ۲۵- ل، ق (و نیز ل، ۲): مهان؛ ل، آ: نهان؛ ف این بیت را ندارد متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، س، آ) ۲۶- لی: نزد ۲۷-  
 ل، ۲: پیش او آمدند ۲۸- س، لی: به رای ۲۹- س، ل، ن، ق، آ، لی، ب: بار دیگر شدند؛ پ: یار دیگر شدند؛ آ: باز چاکر شدند؛ (س، آ): باز دیگر  
 شدند؛ متن = ل، ق، و (و نیز ل، ۲)؛ ل، ۲: بخوبی و با گفت و گوی آمدند ۳۰- ف این بیت را ندارد؛ و (و نیز ل، ۲) پس از این بیت افزوده اند:

برآمد برین روز و خوردند می ز شادی و رامش نهادند پی

ببودند با بزم و رامش سه روز چهارم چو بفروخت گیتی فروز

۳۱- ف: جهان آفرین؛ متن = ل، ق ۳۲- ف، ق: بیازید (ق: بسازید) و دادش بر (ق: ابن) تخت جای؛ متن = ل، س، ل، ن، ق، آ- ب (و نیز ل، ۲، ل، ۲،  
 س، آ) این بیت را ندارند

[به نوذر در پندها برگشاد<sup>۱</sup>  
 [ز گرد آفریدون<sup>۲</sup> و هوشنگ شاه  
 [که گیهان<sup>۳</sup> به داد و دهش داشتند  
 ۵۵ [دل او ز کژی به راه<sup>۴</sup> آورید  
 [دل مهتران را برو<sup>۵</sup> نرم<sup>۶</sup> کرد  
 [چو شد گفته آن بودنی ها همه<sup>۷</sup>  
 جهان پهلوان پیش نوذر<sup>۸</sup> پیای  
 برون رفت با خلعت نوذری  
 ۶۰ غلامان و اسپان زرین<sup>۹</sup> ستام  
 سخن های نیکو همی کرد یاد<sup>۱۰</sup>  
 همان از منوچهر زیبای گاه  
 به بیداد بر، چشم نگماشتند  
 چنان کرد نوذر که او رای دید  
 همه داد و بنیاد آزم<sup>۱۱</sup> کرد  
 به گردن کشان و به شاه رمه  
 به دستوری بازگشتن بجای  
 چه تخت و چه تاج و چه انگشتی<sup>۱۲</sup>  
 پر از گوهر سرخ، زرین دو<sup>۱۳</sup> جام

### گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر<sup>۱۴</sup>

برین<sup>۱۵</sup> نیز بگذشت چندی سپهر  
 وزان پس<sup>۱۶</sup> ز مرگ منوچهرشاه  
 ز نارفتن<sup>۱۷</sup> کار نوذر همان  
 چو بشنید سالار ترکان پشنگ  
 ۶۵ همی<sup>۱۸</sup> یاد کرد<sup>۱۹</sup> از پدر<sup>۲۰</sup> زادشم<sup>۲۱</sup>  
 نه با<sup>۲۲</sup> نوذر آرام<sup>۲۳</sup> بودش نه مهر<sup>۲۴</sup>  
 بشد آگهی تا به توران سپاه  
 یکایک بگفتند با بدگمان  
 چنان<sup>۲۵</sup> خواست<sup>۲۶</sup> کاید به ایران<sup>۲۷</sup> به جنگ  
 هم از تور<sup>۲۸</sup> برزد یکی تیزدم

۱- ل: ۲. بسی کرد یاد؛ ل: ۲. که دانش فرود؛ متن = ف، ق، و (و نیز لن: ۲)؛ س، لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل: ۲، س: ۲) بیت های ۵۲-۵۷ را ندارند؛ در ل: ۲ بیت های ۵۲-۵۷ پس از بیت ۵۸ آمده اند ۳- ل، و (و نیز لن: ۲)؛ ز گرد فریدون؛ ل: ۲. ز فرخ فریدون؛ متن = ف، ق ۴- ل، ق، و، ل: ۲. گیتی؛ متن = ف (و نیز لن: ۲) ۵- ل، ق، بیداد؛ ل: ۲. بجای؛ متن = ف، و (و نیز لن: ۲) ۶- ل، ق، ل، بدو؛ متن = ف، و (و نیز لن: ۲) ۷- ق: رام ۸- ق: بنیاد و آرام؛ ل: ۲. بیداد بازم ۹- ل، ق، و، ل: ۲ (و نیز لن: ۲)؛ چو گفته شد از گفتنی ها (و، لن: ۲. این بودنی ها؛ ل: ۲. این گفتارها) همه؛ متن = ف؛ بیت های ۵۲-۵۷ در س، لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب (و نیز در ل: ۲، س: ۲) نیست و در ترجمه بنداری هم نیامده اند: فلما سمعوا ذلك منه ندموا علی ما بذر منهم من المخالفة، و رجعوا الی مسلك الطواغیة. فاستبقت الأمور بیمن نقیبته، و عادت الی أحسن ما كانت علیه من قبل. و بادرت الأمرا و القواد الی خدمة الملك نوذر، و أهووا الی الأرض و سألوه العفو و الصفح. ثم إن ساما لما أصلح الفاسد، و لم الشعب أستاذن الملك فی عوده الی مستقره...؛ ل: ۲ پس از بیت ۵۷ افزوده است:

بفرمود تا خلعت آراستند ز گنج آنچ پرمایه تر خواستند

۱۰- س، لن، ق، ۲، لی، پ، ب (و نیز س: ۲)؛ پیش او بر؛ و، آ، ل: ۲ (و نیز ل: ۳، لن: ۲)؛ پیش او در؛ متن = ف؛ ل، ق، این بیت را ندارند؛ در ل: ۲ پس از این بیت بیت های ۵۲-۵۷ آمده اند ۱۱- س: چه تاج و چه تخت و چه انگشتی؛ لن، لی، پ، آ: چه با تاج و تخت و چه انگشتی؛ ق: ۲. چه با تاج و با تخت و انگشتی؛ و: ز تخت و ز تاج و ز انگشتی؛ ل: ۲، ب: ابا تاج و با تخت و انگشتی؛ متن = ف، ل، ق (و نیز ل: ۲) ۱۲- ل: ۲. بزین ۱۳- ل، ق، آ: سه؛ س این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۴- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن پشنگ پسر توران از مرگ منوچهر و به پادشاهی نشستن نوذر بجای او؛ س: آگاهی یافتن پشنگ از مرگ منوچهر و کار نوذر؛ لن: آگاهی یافتن پشنگ از کار منوچهر؛ ق: رای زدن پشنگ پدر افراسیاب با تورانیان و فرستادن افراسیاب و لشکر به ایران به جنگ شاه نوذر؛ ق، ۲، لی، آ، ل: ۲، ب: خبر یافتن (ل: ۲. آگهی؛ ب: آگاهی) پشنگ از مرگ منوچهر؛ و: آگاه شدن پشنگ از وفات منوچهر؛ پ: آگاهی یافتن پشنگ مرگ منوچهر را؛ ل سرنویس ندارد؛ متن = آغاز ف ۱۵- لی، ب: بدین ۱۶- لن، پ: ابا ۱۷- ق، و: آزم ۱۸- پ: به مهر؛ ل: ۲. نه بود و نه آرام بود و نه مهر (!)؛ لن، ق، ۲، لی، پ، و (و نیز لن: ۲) پس از این بیت افزوده اند:

چو بگذشت از شاهیش هفت سال شکست اندر آمد به فرخ همال (ق: ۲) به فر و بحال

۱۹- ل- پ، آ، ب: پس آنکه؛ متن = ف، و، ل: ۲ (و نیز ل: ۳، لن: ۲) ۲۰- لن، لی، پ: وزان رفتن؛ ل: ۲. برآشتن؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۱- ق: همی ۲۲- ف: ساخت؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل: ۲، لن: ۲، س: ۲) ۲۳- لی، و: به توران (!) ۲۴- ل، ق: یکی؛ س، لی، و، ل: ۲، ب: بسی؛ متن = ف، لن، ق، ۲، پ، آ ۲۵- س، پ: کرد یاد ۲۶- ل، لی، ل: ۲. نیا؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- ل، و: رادشم؛ پ: یادشم؛ ل: ۲. زاده شم؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۸- آ: همی تور

ز کار<sup>۱</sup> منوچهر و از<sup>۲</sup> لشکرش<sup>۳</sup>  
 همه نامداران لشکرش را<sup>۴</sup>  
 چُن<sup>۱۰</sup> اخواست<sup>۱۱</sup> و کرسیوز<sup>۱۲</sup> و بارمان  
 سپهبدش<sup>۱۵</sup> چون ویسه‌ی تیزچنگ  
 ۷۰ جهان پهلوان پورش<sup>۱۶</sup> افراسیاب  
 سَخُن راند از سلم و از تور گفت<sup>۱۷</sup>  
 سری<sup>۲۲</sup> را کجا مغز جوشیده<sup>۲۳</sup> نیست  
 که با ما چه کردند ایرانیان  
 کنون روز تیزی<sup>۲۶</sup> و کین جستن ست  
 ۷۵ ز گفت پدر مغز<sup>۲۷</sup> افراسیاب  
 به پیش پدر شد گشاده‌زبان  
 که شایسته‌ی جنگ شیران منم  
 اگر زادشم تیغ برداشتی  
 میان گر<sup>۳۵</sup> بیستی به کین آوری  
 ز گردان و<sup>۴</sup> سالار و از<sup>۵</sup> کشورش<sup>۶</sup>  
 بخواند و<sup>۸</sup> بزرگان کشورش<sup>۹</sup> را  
 چو گلباد<sup>۱۳</sup> جنگی هزبر<sup>۱۴</sup> دمان  
 که سالار بُد بر سپاه پشنگ  
 بخواندش<sup>۱۷</sup> درنگی<sup>۱۸</sup> و آمد<sup>۱۹</sup> شتاب  
 که کین زیر دامن<sup>۲۱</sup> نشاید نهفت  
 بروبر چُنین<sup>۲۴</sup> کار پوشیده نیست  
 بدی را بیستند يك يك<sup>۲۵</sup> میان  
 رخ از خون دیده گه شستن ست  
 برآمد از<sup>۲۸</sup> آرام و ز<sup>۲۹</sup> خورد و خواب<sup>۳۰</sup>  
 دل آکنده از<sup>۳۱</sup> کین، کمر بر میان<sup>۳۲</sup>  
 همآورد سالار ایران منم  
 جهانی<sup>۳۳</sup> به کرشاسپ<sup>۳۴</sup> نگذاشتی  
 به ایران نکردی<sup>۳۶</sup> کسی<sup>۳۷</sup> داوری<sup>۳۸</sup>

۱- س: گاه ۲- ل، ق، پ، و؛ ز؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳- س، لی: کشورش ۴- ف، ل، ق، و، آ، ل، ب: < و >؛ متن= س، ل، ق، لی، پ ۵- ل، ل، پ: ز؛ ق: < و >؛ متن= نه دستنویس دیگر ۶- س، لی: لشکرش ۷- ل، ق، پ، آ، ب: کشورش را؛ ل: ز گردان و سالار و لشکرش را؛ ف، ق، این بیت را انداخته‌اند؛ متن= س، لی، و، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۸- ل، ل: بخواند آن؛ ق: بخواند او؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، س) ۹- ل، ق، پ، آ، ب: لشکرش؛ متن= س، لی، و، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۱۰- ل- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): چو؛ متن= ف ۱۱- ف، ل، ق، و (و نیز ل، ل، ن، آ): ارجاسپ؛ س، ق، آ: اخواست؛ ل: آخواس؛ لی: احواس؛ ل: اغریر؛ متن= پ، آ، ب (و نیز س، آ، بنداری) ۱۲- (ل، ن، آ: کرسیوز) ۱۳- س: اناز (!)؛ لی: هومان ۱۴- ل، لی، ب: هزبر؛ بنداری: فأحضر أمراءه و قواده و أعیان دولته و خواصه، مثل اخواست و کرسیوز و بارمان و کلباد، و دعا بزعم عسکره و قائد جیشه ویسه (= ۶۷-۶۹) ۱۵- و، آ، ل، آ: سپهدار ۱۶- ل، ق، ب: بود؛ ل، ن، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، ل، س): بودش؛ ب: پور؛ متن= ق ۱۷- ق: نکردی ۱۸- لی: بنزدیک ۱۹- ق: همی در؛ ف، س، و (و نیز ل، ن، آ) این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: و أحضر ابنه أفراسیاب، و کان پهلوان دولته ۲۰- ل- ل، پ، ب: سخن راند (لی: گفت) و از تور و از (ل، ق، پ: ز) سلم (پ: سلم) و گفت؛ متن= ف، و، آ، ل ۲۱- ل، ن، ق، آ، پ، ب: که این کین زیزدان؛ آ: که این کین ایران؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۲- ل، ق: کسی؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۳- ل، س، ق، آ: جوشیده (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ، آ: جوشنده (بساوند ندارد)؛ و: جوشیده؛ ق: که مغزش بجوشیده؛ متن= ف، ل، ن، لی، ل، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۴- س، ل، ن، لی، پ: چنان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۵- س: هریک؛ ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، و: یکسر؛ متن= ف، ل، ق، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۶- ل: تندی؛ ل، ن، ق، آ، ب: جنگست؛ پ: کنون نوبت جنگ؛ متن= ف، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۲۷- ل، ن، پ: شاه؛ ب: جان؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۸- ل، ل، ن، ق، لی، پ، آ، و: ز؛ متن= ف، س، ق، آ، ب ۲۹- س، ل، ن، ق، آ، لی، آ، و، ب: از؛ متن= ف، ل، ق، پ ۳۰- ل، آ: بجوشید و آمد دلش بر شتاب؛ ف پس از این بیت افزوده است:

چه آمد ازیشان به تور سترگ  
 کنون برد باید به ایران سپاه  
 بران نامور سلم شاه بزرگ  
 بجستن برین کینه بر نام و گاه  
 دلش گشت پر درد روز کهن  
 چو بشنید افراسیاب این سخن

۳۱- ل: بر؛ متن ← ۳۲- ف: به کین نیا تنگ بسته میان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۳۳- ق، لی، آ: جهان را ۳۴- س: مگر راست (→ بکرشاسب)؛ ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): چنن خوار؛ ل: به کرشاب (→ به کرشاسب)؛ (ل: بتوراب؛ س: بکرشاسف)؛ متن= ف، ل، ق؛ پ: چنن مر جهان خوار ۳۵- ل- ل- ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): را؛ متن= ف ۳۶- ق، آ: نکردی به ایران؛ لی: به ایران بکردی؛ ل: ز ایران ندیدی ۳۷- ل، ل، ن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): مگر؛ پ: همی؛ ل: چنان؛ متن= ف، س (و نیز ل، ل، ن، آ، س) ۳۸- ل- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س): سروری؛ متن= ف، و، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س)



۸۰ کنون هرچه<sup>۱</sup> مانید بود<sup>۲</sup> از نیا  
گشادنش بر تیغ تیز من ست

به مغز پشنگ اندرآمد شتاب  
برو بازوی شیر و هم زور<sup>۳</sup> پیل  
زیانش بکردار بُرنده تیغ  
۸۵ بفرمود تا برکشد تیغ جنگ  
سپهد چو شایسته بیند پسر<sup>۱۱</sup>  
پس از<sup>۱۲</sup> مرگ باشد سر او<sup>۱۳</sup> بجای  
ز<sup>۱۷</sup> پیش پشنگ آمد افراسیاب

چو شد ساخته کار جنگ آزمای<sup>۱۱</sup>  
۹۰ به پیش پدر شد پر اندیشه دل  
چنین<sup>۱۷</sup> گفت کای<sup>۱۸</sup> کاردیده<sup>۱۹</sup> پدر  
منوچهر از ایران اگر<sup>۲۰</sup> کم شده ست  
چو کرشاسپ<sup>۲۲</sup> و<sup>۲۳</sup> چون قارن رزم زن  
تو دانی که بر<sup>۳۷</sup> تور و سلم<sup>۳۸</sup> سترگ  
۹۵ نیا<sup>۴۱</sup> زادشم<sup>۴۲</sup> شاه توران سپاه  
ازین در سخن هیچ گونه<sup>۴۴</sup> نراند

ز کین جستن و جنگ و از کیمیا<sup>۱</sup>  
گه شورش و<sup>۴</sup> رستخیز من ست

چو دید<sup>۵</sup> آن سهی قد افراسیاب  
و<sup>۷</sup> زو سایه گسترده<sup>۸</sup> بر چند میل  
چو دریا دل و کف چو بارنده میغ<sup>۹</sup>  
به ایران شود با سپاه پشنگ<sup>۱۱</sup>  
سزد گر برآرد به خورشید سر  
ازیرا<sup>۱۴</sup> پسر<sup>۱۵</sup> نام زد رهنمای<sup>۱۶</sup>  
سری<sup>۱۸</sup> پر ز کینه<sup>۱۹</sup> دلی<sup>۲۰</sup> پر شتاب

به کاخ<sup>۲۲</sup> آمد<sup>۲۳</sup> اغریرت<sup>۲۴</sup> رهنمای<sup>۲۴</sup>  
که اندیشه دارد همه<sup>۲۵</sup> پیشه دل<sup>۲۴</sup>  
ز ترکان به مردی برآورده سر  
سپه را سپر<sup>۳۱</sup> سام نیم شده ست  
جزین<sup>۳۴</sup> نامداران<sup>۳۵</sup> آن<sup>۳۶</sup> انجمن  
چه آمد از آن تیغ زن<sup>۳۹</sup> پیر<sup>۴۰</sup> گرگ  
که ترکش همی سود بر چرخ ماه<sup>۴۳</sup>  
به<sup>۴۵</sup> آرام بر نامه ی کین نخواند<sup>۴۶</sup>

۱- ل: هرک؛ س: هرچ؛ ق، ق: هرکه؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲- ل، لن، ب: ماننده بود؛ س، و (و نیز لن): مانند بود؛ ق: مانیده بود؛ ق: پ (و نیز ل): مانده بود؛ لی: مان بنده بود؛ لی: مان بنده بود؛ آ: نانیده بود؛ ل: پانیده بود؛ (س: مان بود)؛ متن = ۳- پ: ز کیمیا؛ ل: چاره و کیمیا ۴- ف: که در کشورش؛ ل: که در شورش و؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۵- و: بدید ۶- ف: هم قد؛ آ، ب: هم رنگ؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۷- ل: از ۸- لن، ق، پ، آ، ب: افکنده؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۹- آ این بیت را ندارد ۱۰- ل: پلنگ؛ آ این بیت را ندارد ۱۱- س: پدر؛ آ این بیت را ندارد ۱۲- س، لی، پ، و: < از >؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- لن، ق، پ، آ، ب: مرورا؛ لی: پسررا؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ل (و نیز لن، آ، س) ۱۴- لن: ازین از ۱۵- ل: پس از (!) ۱۶- ب: شهریار (پساوند ندارد)؛ پ: همی نام او را بدارد پای ۱۷- لی، پ، آ، ل: به ۱۸- ق، آ، پ، آ، ل، ب: دلی؛ متن = ف، س، ق، لی ۱۹- ل: کین و ۲۰- ق، آ، پ، آ، ل، ب: سری؛ متن = ف، س، ق، لی؛ ل، لن، و این بیت را ندارند ۲۱- ل: رزم آزمای ۲۲- ق، آ، ب: بکار ۲۳- ل: اندر ۲۴- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، و، آ، ل (و نیز لن، آ، بنداری)؛ اغریرت؛ متن = ف، ق، پ، ب (و نیز ل، لن، آ، س)؛ ل، لن این بیت را ندارند ۲۵- ل، ق: مرا؛ لن، ق، آ، پ: همی؛ متن = ف، س، لی، و، آ، ب ۲۶- ل: نکورای بودی همیشه بدل ۲۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: بدو؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- آ: ای ۲۹- آ، ب: دهر دیده ۳۰- لن: ازیشان مگر ۳۱- ف: سپه را سر (یا: سپر)؛ ل، ق، آ: سپهدار چون؛ لن، لی، پ، ب: سپه را سرش؛ ق: سپهد سپه؛ و (و نیز لن): پناه سپه؛ ل: سپهدارشان؛ متن = س (و نیز ل، آ، س) ۳۲- پ، ل: چو کشواد؛ (ل: همان زال)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س، آ، بنداری؛ س: کرشاسف) ۳۳- لن، ق، لی، ل: < و > ۳۴- لن، ق، آ، پ، ب: چنین ۳۵- ف: تیغ داران؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س)؛ بنداری؛ ومعه قارن و کشتاسب الی غیرهما من هولاء الأمراء الکبار ۳۶- ق: این ۳۷- ل، ل: آ: با ۳۸- ل، لن، ق، پ، آ، ل: سلم و تور؛ متن = ف، س، ق، آ، لی، و، ب ۳۹- آ: تیغ سر؛ ب: پیر سر؛ ق: چه آمد تو دانی از آن ۴۰- آ، ب: تیز ۴۱- لن، پ: نه از ۴۲- ل: زاده شم ۴۳- ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل: چرخ و ماه؛ متن = ف، س، لن، ق، و، ب ۴۴- ل: ایچ باکس ۴۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: بر؛ متن = ف، ل، ق، ل ۴۶- ق: آرام هم کینه نامه نخواند

اگر<sup>۱</sup> ما نشوریم<sup>۲</sup> بهتر بود  
 کزین<sup>۳</sup> جنبش<sup>۴</sup> آشوب<sup>۵</sup> خاور<sup>۶</sup> بود  
 پسر را چنین داد پاسخ پشنگ<sup>۷</sup>  
 یکی نره شیرست<sup>۸</sup> روز شکار<sup>۹</sup>  
 ۱۰۰ نبیره که کین نیا را نجست  
 ترا نیز با او بیاید شدن  
 چو از دامن ابر چین<sup>۱۴</sup> کم شود  
 چراگاه اسپان شود کوه و دشت  
 جهان سربسر سبز گردد ز خوید<sup>۱۸</sup>  
 ۱۰۵ دل<sup>۱۹</sup> شاد<sup>۲۰</sup> بر سبزه و گل برید<sup>۲۱</sup>  
 دهستان و گرگان همه زیر نعل<sup>۲۳</sup>  
 منوچهر از آنجایگه جنگ جوی  
 سپه را جزین<sup>۲۷</sup> نیست زایران پناه

که افراسیاب آن دلاور نهنگ  
 یکی پیل جنگی گه کارزار<sup>۱</sup>  
 سزد گر نباشد نژادش<sup>۱۱</sup> درست  
 بھر نیک و بد<sup>۱۲</sup> رای فرخ<sup>۱۳</sup> زدن  
 بیابان سراسر<sup>۱۵</sup> پر از نم شود  
 گیاه ز یال یلان<sup>۱۶</sup> برگذشت<sup>۱۷</sup>  
 به هامون سراپرده باید کشید  
 سپه را همه سوی آمل برید<sup>۲۲</sup>  
 بکوبید<sup>۲۴</sup> و ز<sup>۲۵</sup> خون کنید آب لعل  
 به کینه سوی تور بنهاد روی<sup>۲۶</sup>  
 از آن روی جنبید مهر و کلاه<sup>۲۸</sup>

۱- ل: ۲- که گر ۲- لن: بسازیم؛ ق: بشوریم ۳- ل: که زین، ل: کزان ۴- ق، ق، آ، پ، و، ل (و نیز ل، ۲، لن، ۲): شورش؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز س) ۵- لن، آ، ب: آرام ۶- ل، س، ق، لی، پ، و (و نیز لن، ۲، س): کشور؛ ل (و نیز ل، ۲): لشکر؛ متن = ق، آ، ب، ۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: چنین داد پاسخ پسر را پشنگ؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۸- س، ق، آ، ب: شیر نرست؛ لن، پ: شیر شرزست؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- لن، ق، آ، پ، ب: آن نامدار؛ آ: افراسیاب ۱۰- آ: که پیش نیارد در آورد تاب ۱۱- ل، پ: نخوانی نژادش؛ ق: نژادش نباشد؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در ل، ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲- ل، لن، ق، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): بیش و کم؛ متن = ف، س، ق، آ، لی (و نیز س) ۱۳- ب: باید ۱۴- ق: کین؛ ق: چو برف از سر کوهها ۱۵- ل، س، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): ز باران؛ متن = ف، لی، ل ۱۶- س: کیان؛ متن ← ۱۷- لن: در گذشت؛ ل، ق، پ: ترا ز آب جیحون بیاید گذشت؛ ل (و نیز ل، ۲): پراکنده لشکر تواند گذشت؛ متن = ف، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز لن، ۲، س) ۱۸- ل: <ز> خوید؛ لن، ق، آ، پ، آ: جهان سبز گردد سراسر خوید (آ: زخید)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، لی، و، ب (و نیز لن، ۲، س) ۱۹- ل: دلی؛ ل: بدل؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ق، آ، پ، ب: شاه ۲۱- ل: براند؛ ل: بدل شادزی سبزه و گل شوید ۲۲- ل: براند؛ در ل لت های این بیت پس و پیش شده است ۲۳- س: زمین شان همه سربسر زیر نعل؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: دهستان بکوبید در (آ: بکوبد همه؛ ب: بکوبید همه (ا)) زیر نعل؛ لی (و نیز س): دهستان و خوارزم را زیر نعل؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، ۲، لن، ۲): بنداری؛ و دو خوا بخوافر خیلکم دهستان و جرجان ۲۴- لن، پ: بیارید؛ ق، آ، ب: بتازید؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۵- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب: از؛ متن = ف، ل، ق، پ ۲۶- س، لی این بیت را ندارد؛ در ل این بیت چنین آمده است:

چو نوذر از آنجایگه رزمجوی  
 سوی ما نهادی گه کینه روی  
 ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:

از آنسو سپاهی چو ابر سیاه  
 بیامد بر ما بدین رزمگاه  
 همی نیز باید که هم زین نشان  
 برآید گرد از سر سرکشان

۲۷- ل: جزو؛ پ (و نیز س): جزان؛ و (و نیز لن، ۲): کنون؛ (ل: بدو)؛ متن = ف، ل ۲۸- ل، پ: بدو (پ: بدان) پایدارست مهر و کلاه؛ و: بما ماند آماده تخت و کلاه؛ ل: بدانجا بیاراست باید سپاه؛ (ل: بدو گشت آراسته تخت و گاه؛ لن: تهی ماند از شاه تخت و کلاه؛ س: بدانرا بیاراست مهر و کلاه)؛ متن = ف، س، لن، ق، ق، آ، لی، آ، ب این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فإن فی هذا الخطة حارب منوچهر تورا و ظفربه. فالقوهم أتم فی ذلك الموضوع (= ۱۰۷، ۱۰۸)؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت دوم را پس از بیت ۱۰۷ افزوده اند:

از ایران چو شد مرد کم نیست باک  
 نیرزند جمله بیک مشت خاک  
 ز نوذر مرا در دل اندیشه نیست  
 که نوذر جوانست و هم پیشه (ل: بد پیشه) نیست

بکوشید تا قارن رزم زن  
 مگر دست یابید در<sup>۷</sup> دشت کین  
 ۱۱۰ روان نیاگان ما<sup>۱۰</sup> خوش کنید  
 چنین گفت با نامور نامجوی  
 وگر<sup>۲</sup> گرد<sup>۳</sup> کرشاسپ<sup>۴</sup> زان<sup>۵</sup> انجمن  
 برین<sup>۸</sup> دو سرافراز ایران زمین<sup>۹</sup>  
 دل بدسگالان بر<sup>۱۱</sup> آتش کنید  
 که من خون کین<sup>۱۲</sup> اندرآرم به جوی

### گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر<sup>۱۳</sup>

چو دشت از گیا گشت چون پرنیان  
 سپاهی بیامد ز<sup>۱۵</sup> ترکان و چین<sup>۱۶</sup>  
 ۱۱۵ سپه را<sup>۱۹</sup> میان و کرانه نبود  
 چو لشکر به نزدیک جیحون رسید  
 سپاه جهاندار بیرون شدند  
 به راه دهستان نهادند روی  
 شهنشاه نوذر<sup>۲۴</sup> پس پشت اوی<sup>۲۵</sup>  
 ۱۲۰ چو لشکر به پیش<sup>۲۷</sup> دهستان رسید  
 بیستند گردان ترکان<sup>۱۴</sup> میان  
 هم از<sup>۱۷</sup> گرزداران خاورزمین<sup>۱۸</sup>  
 همان بخت نوذر جوانه نبود  
 خبر نزد پور فریدون رسید<sup>۲۰</sup>  
 ز کاخ<sup>۲۱</sup> همایون به هامون شدند  
 سپهدارشان<sup>۲۲</sup> قارن رزمجوی<sup>۲۳</sup>  
 جهانی سراسر پر از گفت و گوی<sup>۲۶</sup>  
 چنان شد<sup>۲۸</sup> که خورشید شد<sup>۲۹</sup> ناپدید

۱- س، لن: با (نقطه ندارد)؛ ق، لی، پ، و، ل، آ: با؛ متن = ف، ل، ق، آ، ب ۲- لن، لی، و، آ، ل: دگر؛ ق: وزان؛ متن = ف، ل، س، پ، ب ۳- ق: قوم ۴- پ: گشتاسپ (!) ۵- س، پ، ب: ازان؛ ق، و: وان؛ متن = ف، ل، لن، لی، آ، ل، ق: چنین نامداران این؛ ل: پس از این بیت افزوده است: بر آوردگه‌شان بدست آورند بر ایرانیان بر شکست آورند  
 ۶- ل، آ: یابند؛ ق: مگرشان بیاید ۷- ل، لن- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س): بر (ل: نخست در داشته است)؛ متن = ف، س، و (و نیز لن، آ) ۸- ف، لی: بران؛ ق (و نیز ل، آ): بدین؛ ق: مرین؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۹- ل: گردان چین؛ آ: از ایران زمین؛ ل: سرافرازان و گردان چین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ف: نیاکان ما را روان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۱۱- پ، آ، ب: پر ۱۲- ل، ق، آ، ل: به کین؛ لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، آ): ز کین؛ متن = ف، س، و (و نیز س، آ) ۱۳- ف: گفتار اندر آمدن افراسیاب به ایران زمین به جنگ نوذر و رفتن لشکر ایران برابر به جنگ او؛ ل، ل، آ: رزم افراسیاب با نوذر (ل: ... و گرفتار شدن)؛ س، ق، آ، و: آمدن افراسیاب به ایران زمین (ق: آ: زمین) < بجنگ شاه (ق: آ: < شاه) > نوذر؛ لن: رسیدن افراسیاب و نوذر بیکدیگر؛ لی: در وصف رزم کردن؛ پ، ب: آمدن افراسیاب بجنگ نوذر؛ آ: لشکر کشیدن پشنگ بسر نوذر؛ متن = آغاز ف ۱۴- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): توران؛ ق: بیکسر؛ متن = ف، ل، س، لی؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

دگر روز چون بردمید آفتاب بمردان کین اندرآمد شتاب  
 زدند از بر پیل روئینه کوس جهان شد ز گرد سپاه آبنوس

۱۵- لن، ق، پ: برآمد ۱۶- ل: ترکان چین؛ س، ل (و نیز ل، آ): گردان چین؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س)؛ بنداری: طالع‌امن الشرق فی عساکر الترك والصفین ۱۷- س، ق، آ: همه؛ لن، لی، پ، آ، ب: همان؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، آ، س) ۱۸- و: ایران زمین ۱۹- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: که آن را؛ متن = ف، س، و، ل (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۲۰- ف، و (و نیز لن، آ): خیر نزد شاه همایون رسید؛ ل: همه بخت بد سوی جیحون رسید؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۲۱- ق: طاق؛ ف، س، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ ل: بجای این بیت افزوده است:

چو نوذر خبر یافت از کینه‌خواه بخواند از همه پادشاهی سپاه  
 بزد کوس و لشکر به هامون کشید خبر زو به شاه همایون رسید

۲۲- ق: سپهدار شد ۲۳- س: جنگجوی ۲۴- س: سپهدار ایران؛ لی: همی شاه نوذر ۲۵- ق، آ، ب: او ۲۶- ل: گفت گوی؛ ق، آ، ب: گفت و گو ۲۷- لن، ق، آ، پ، آ، ب: بزد؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۸- ل: تو گفتی؛ و، ل، آ: چنان بد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۹- آ: بد



ندارد مرین<sup>۱</sup> جنگ را پای و پر<sup>۲</sup>  
نشسته‌ست با تاج<sup>۴</sup> گیتی فروز  
زدن رای با مرد هشیار<sup>۶</sup> و دوست  
از آن<sup>۷</sup> پس نیابد<sup>۸</sup> چنان<sup>۹</sup> روزگار  
بشد نزد سالار خورشیدفر<sup>۱۱</sup>

طلایه به پیش دهستان رسید  
همی خفته را گفت بیدارمان  
همه ساز و آرایش جنگ بود<sup>۱۵</sup>  
سراپرده‌ی شاه نوذر بدید  
نشان داد از آن لشکر و بارگاه<sup>۱۷</sup>  
که ما را هنر چند باید نهفت  
بجویم از آن انجمن کارزار  
جز از من کسی را<sup>۲۲</sup> نخوانند<sup>۲۳</sup> گرد  
که گر بارمان را رسد زین گزند  
برین<sup>۲۶</sup> انجمن کار بسته شود  
که انگشت از آن پس نباید گزید<sup>۲۷</sup>  
ز گفتار اغریرت<sup>۲۹</sup> آمدش ننگ<sup>۳۰</sup>  
که<sup>۳۱</sup> جوشن پیوش و به زه کن کمان

ستودان همی سازدش زال زر  
همانا<sup>۳</sup> شماساس در نیمروز  
بهرکار هنگام<sup>۵</sup> جستن نکوست  
۱۴۰ چو کاهل شود مرد هنگام کار  
هیون تگاور برآورد<sup>۱۱</sup> پر

سپیده چُن<sup>۱۲</sup> از کوه سر برکشید<sup>۱۳</sup>  
یکی ترک<sup>۱۴</sup> بُد نام او بارمان  
میان دو لشکر دو فرسنگ بود  
۱۴۵ بیامد سپه را همه<sup>۱۶</sup> بنگرید  
بشد نزد سالار توران سپاه  
وُزان<sup>۱۸</sup> پس به سالار بیدار گفت<sup>۱۹</sup>  
به دستوری شاه من شیرواز<sup>۲۰</sup>  
ببینند<sup>۲۱</sup> پیدا ز من دست برد  
۱۵۰ چُنین گفت اغریرت<sup>۲۴</sup> هوشمند  
دل مرزبانان<sup>۲۵</sup> شکسته شود  
یکی مرد بی نام باید گزید  
پُر از رنگ<sup>۲۸</sup> شد روی پور پشنگ  
به روی دُژم گفت با بارمان

۱- ل، لی، ل، آ (و نیز ل، آ): همی؛ س، لن، ق، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز س، آ): همان؛ متن = ف ۲- لی: سر؛ و (و نیز لن، آ): ندارد به پیکار ما پای و پر ۳- پ: همان با ۴- ل: تاج و ۵- ل، ق: بهنگام هر کار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- س، لن، ق، پ، و، ل، آ، ب (و نیز لن، آ): < و >؛ متن = ف، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، آ، س، آ) ۷- پ: ازین ۸- ل، آ: نیند ۹- لی: همان؛ پ، ل، آ: چنن؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ق، آ: برآورده ۱۱- و: سالار توران خیر ۱۲- ل، و، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): چو؛ متن = ف، ل، آ ۱۳- س، ق، آ، ب: برمدید؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ لن، پ، و در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: رسیدن لشکر (لن: < لشکر >) افراسیاب و نوذر بیکدیگر (پ: < بیکدیگر >)؛ و: رزم قباد با بارمان و کشته شدن قباد ۱۴- س: مرد؛ در ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- لن این بیت را ندارد؛ در ق، آ، لی، پ، آ، ب این بیت با بیت پیشین و در و با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۶- ل: همی؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ در و این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۷- ل، ق: نشان جست از (ق: گفت از آن) لشکر کینه خواه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- ل، لن: از آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- و: هشیار گفت؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: بیامد به سالار گفت؛ متن = ف، ل، لن، س، و، آ: بینید؛ ق این بیت را ندارد، ولی آرا در کناره افزوده اند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۲- س، لی: به گیتی ۲۳- ل، و: نخوانید؛ س: ندانید؛ لی: ندانند؛ پ: مجوید؛ متن = ف، لن، ق، آ، ل، آ، ب ۲۴- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، و، آ، ل، آ: اغریرت؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ب ۲۵- ق، آ، و: نامداران؛ ب: مرزبان زو؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۶- ل، آ: برآن؛ لن: تراز؛ لی: بدان؛ پ: بر؛ متن = ف، س، ق، ق، آ، و، ب ۲۷- ل این بیت را ندارد ۲۸- ل، س، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): پرآزنگ (ل نخست پر از رنگ داشته است)؛ متن = ف، لن، ق (و نیز س، آ) ۲۹- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، و، آ، ل، آ (و نیز لن، آ): اغریرت؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۰- لی: آمد بتنگ ۳۱- لن، ق، پ، و، ب: تو؛ متن = هفت دستنویس دیگر

- ۱۵۵ تو باشی برآن<sup>۱</sup> انجمن سرفراز  
 بشد بارمان<sup>۴</sup> تا به دشت نبرد  
 کزین<sup>۶</sup> لشکر نوذر<sup>۷</sup> نامدار<sup>۸</sup>  
 نگه کرد قارن به مردان مرد  
 کس از نامدارانش پاسخ نداد  
 ۱۶۰ دژم گشت سالار بسیار هوش  
 ز خشمش سرشک اندرآمد به چشم  
 که<sup>۱۳</sup> چندان<sup>۱۴</sup> جوان<sup>۱۵</sup> مردم جنگجوی  
 دل قارن آزرده گشت از قباد  
 که سال تو اکنون به جایی رسید  
 ۱۶۵ یکی مرد آسوده چون بارمان  
 سواری<sup>۱۹</sup> که دارد دل شیر نر  
 تویی مایه ور<sup>۲۰</sup> کدخدای سپاه  
 به خون گر شود لعل ریش<sup>۲۳</sup> سپید<sup>۲۴</sup>  
 شکست اندرآید بدین رزمگاه<sup>۲۷</sup>
- ۱۷۰ نگه کن که با<sup>۲۸</sup> قارن رزم زن  
 چنین داد پاسخ مرو را قباد  
 بدان ای برادر که تن مرگ راست  
 ز گاه<sup>۳۳</sup> خجسته منوچهر باز
- به انگشت و دندان<sup>۲</sup> نیاید نیاز<sup>۳</sup>  
 سوی قارن کاوه آواز<sup>۵</sup> کرد  
 که داری که با من کند کارزار؟  
 از آن<sup>۹</sup> انجمن تا که جوید نبرد  
 مگر پیر گشته دلآور قباد  
 ز گفت برادر برآمد به جوش<sup>۱۱</sup>  
 از آن<sup>۱۱</sup> لشکر گشن و<sup>۱۲</sup> بد جای خشم  
 یکی پیر جوید همی<sup>۱۶</sup> جنگ<sup>۱۷</sup> اوی  
 میان دلیران زبان برگشاد  
 که از جنگ<sup>۱۸</sup> دستت بیاید کشید  
 جوان و گشاده دل و شادمان  
 همی برفرزد به خورشید سر  
 همی<sup>۲۱</sup> بر تو گردد همه<sup>۲۲</sup> رای شاه  
 شوند این دلیران همه<sup>۲۵</sup> ناامید  
 پر از درد گردد دل نیک<sup>۲۷</sup> خواه
- چه گوید قباد<sup>۲۹</sup> اندران<sup>۳۰</sup> انجمن  
 که این چرخ گردان مرا داد داد<sup>۳۱</sup>  
 سر رزم زن<sup>۳۲</sup> سودن ترگ راست  
 از امروز<sup>۳۴</sup> بومدم دل<sup>۳۵</sup> اندر نیاز<sup>۳۶</sup>

۱- س: بدین؛ ق: دران؛ ل: لی؛ ل: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲- ق: انبان (!)؛ ل: <و> دندان ۳- ل: به انگشت دندان نیاید بگاز؛ (ل: به دندان در انگشت ناید بگاز)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز لن، س، آ) ۴- آ، ب: نازنان ۵- ل: آهنگ؛ ل: در اینجا سرنویس دارد: رزم بارمان با قباد و کین خواستن قارن ۶- ل: که زین ۷- لن، ق، پ، آ، ب: نامور؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- س: تاج دار؛ ق: شهریار ۹- س، آ: درآن؛ ل: لی؛ ل: بدان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر مبارز خواستن بارمان ترك از لشکر ایران و رفتن قباد به جنگ او و کشته شدن قباد ۱۱- آ: کزان ۱۲- ل، س، ق، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ): < و >؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، آ (و نیز س، آ) ۱۳- لن، ق، پ، آ، ب: ز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۴- ق: چندین ۱۵- س، لی: از آن ۱۶- لن، پ: دارد سوی ۱۷- ل، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، س، آ): رزم؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، آ) ۱۸- آ: رزم ۱۹- ل: جوانی ۲۰- س، لی، ل: نامور؛ ق: مایه و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۱- لی، ل: همه ۲۲- ف، ق، آ، لی، ل: همی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۳- ل، لن، ق، پ، ب: موی؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۴- لی، و: سفید ۲۵- لن، ق، آ، لی، پ، ب: ما؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۶- س: بارگاه ۲۷- س، لی: سراسر سپاه؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۸- ق، ل، آ: تا ۲۹- لن، ق، آ، لی، ب: چه گوید برادر؛ پ: برادر چه گفت؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۰- لن: بران؛ ق، آ، لی، ب: دران؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۱- س، ق، آ، لی این بیت را ندارند ۳۲- س، لن، پ، ب: سرویال من (پ: ما)؛ لی، آ: سر نامور؛ متن= ف، ل، ق، آ، و، ل ۳۳- ق: کاخ ۳۴- س: ز امروز؛ ق، لی، و (و نیز لن، آ): ازین روز؛ آ: از آن روز؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۵- ل- آ، ب: تن؛ متن= ف، ل (و نیز س، آ) ۳۶- ل- ب (و نیز لن، آ، س): گداز؛ متن= ف؛ در لن، ق، آ، پ، آ، ب این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۱۷۸ آمده اند؛ در و این بیت پس از بیت ۱۷۷ آمده است

- کسی زنده بر آسمان نگذرد  
یکی را برآرد به شمشیر هوش  
تش کرگس و شیر درنده راست  
یکی را به بستر برآید<sup>۵</sup> زمان  
اگر من روم<sup>۹</sup> زین جهان فراخ  
یکی دخمه‌ی خسروانی<sup>۱۱</sup> کند  
۱۸۰ سرم را به کافور و مشک و گلاب  
سپار ای برادر تو پدرود باش
- شکارست و مرگش<sup>۲</sup> همی بشکرد  
بدانگه که آید دو لشکر به جوش<sup>۳</sup>  
سرش نیزه و تیغ<sup>۴</sup> برنده راست  
همی<sup>۶</sup> رفت باید زبن<sup>۷</sup> بی گمان<sup>۸</sup>  
برادر به جایست با برز<sup>۱۰</sup> و شاخ  
پس از رفتنم<sup>۱۳</sup> مهربانی کند<sup>۱۴</sup>  
تسم را بدان<sup>۱۴</sup> جای جاوید خواب<sup>۱۵</sup>  
همیشه جهان<sup>۱۶</sup> تار و تو پود باش
- به آوردگه رفت چون پیل مست  
که<sup>۱۷</sup> آورد پیشم سرت را زمان<sup>۱۸</sup>  
همی کرد با جان تو<sup>۱۹</sup> کارزار  
که يك چند گیتی<sup>۲۲</sup> مرا داد داد  
نپاید<sup>۲۳</sup> زمان يك زمان بی گمان<sup>۲۴</sup>  
نداد<sup>۲۵</sup> آرمیدن<sup>۲۶</sup> دل تیز را  
همی این بران، آن برین<sup>۲۸</sup> کرد زور
- بگفت این و بگرفت نیزه به دست  
چنین گفت با رزم زن بارمان  
ببایست ماندن<sup>۱۹</sup> که خود<sup>۲۰</sup> روزگار  
۱۸۵ چنین گفت مر بارمان را قباد  
به جایی توان مرد کاید زمان  
بگفت و برانگیخت شب‌دیز را  
ز شبگیر تا سایه گسترد<sup>۲۷</sup> هور

۱- ق: از ۲- ل، س، ق، آ، لی، پ، و: < و > مرگش؛ لن: هرکس؛ متن= ف، ق، آ، ل، ب ۳- س، لن، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ) این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، ل، آ ۴- س، لی: سرش تیغ پولاد؛ ق، آ، ب: سرش جای شمشیر؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، آ؛ در ل (و نیز س، آ) لت های این بیت پس و پیش شده اند ۵- لن، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز ل، آ): سرآید؛ ب: سرآرد؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، آ، س، آ) ۶- ق، آ: یکی؛ لی: همه؛ متن= ۷- و: زتن؛ متن= ۸- لن، پ: سبک بر کران؛ ق، آ، ب: سبک بی گمان؛ لی: همی بدگمان؛ آ: یکی را بجنگ اندرون بی گمان؛ ل (و نیز ل، آ): یکی را به آوردگه بی گمان؛ متن= ف، ل، س، ق؛ در و پس از این بیت بیت ۱۷۳ آمده است ۹- لن، ق، آ، پ، ل: شوم؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- س: برد؛ ل، آ: فر؛ در لن، ق، آ، پ، آ پس از این بیت بیت های ۱۷۳ و ۱۷۴ آمده اند ۱۱- و: پهلوانی ۱۲- س- پ، آ، ب: کنید؛ متن= ف، ل، و، ل، آ ۱۳- ل، آ: مردنم؛ در ق، آ، ل، ب لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۴- ل: بران؛ متن= ۱۵- ق، آ: بشوید و تن را بدان جای خواب؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۶- ل: خرد؛ متن= ف، ق، لی، و (و نیز ل، آ)؛ س این بیت را ندارند؛ در لن، ق، آ، پ، آ، ب این بیت چنین آمده است:

سپارید ما را و ساکن شوید به یزدان دادار (آ: دادارو) ایمن شوید

در ل (و نیز ل، آ، س، آ) این بیت چنین آمده است:

سپارد به یزدان که او آفرید ازین باره غم چند باید کشید

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، لی، پ: کشته شدن قباد بر دست بارمان؛ ب: رزم قباد کاهه با بارمان ۱۷- ل: کت ۱۸- لن، لی، ب: سرت رایگان؛ ق، آ: به میدان جنگ اندر آمد دمان (= ۱۸۹ ب)؛ و این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، ق، پ، و ۱۹- س، لی: نبایست آمد؛ ق، آ: این بیت را ندارند؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۲۰- ب: چون ۲۱- ل، آ: او ۲۲- س، لن، لی، آ، ب (و نیز س، آ): گردون؛ متن= ف، ل، ق، پ، و، ل (و نیز ل، آ)؛ ق، آ این بیت را ندارد ۲۳- ل: بباید (یا: بیاید)؛ س، آ: نباید؛ لن، پ: نداند؛ ق: بیاید (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی، ب (و نیز س، آ): نباید؛ و: نیاند (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل (و نیز ل، آ): نباید؛ متن= ف ۲۴- لن، پ، آ، ب: زمان (لن، پ: زمین) بی تو خود بکرمان؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، و (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ل: که از مرگ مردم نیاند امان؛ ق، آ این بیت را ندارد ۲۵- ل، س، ق، آ، لی، ل، آ: بداد؛ لن: مداد؛ ق: چنان؛ متن= ف، پ، و، آ، ب (ف نخست بداد داشته است) ۲۶- ل، ق: آرمیده؛ متن= ده دستنویس دیگر ۲۷- س، لی: سایه ور گشت؛ لن، ق، پ، آ، ب: سایه افکند؛ متن= ف، ل، ق، آ، و، ل (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۸- ف: این بدان آن بدین؛ ق، آ، ب: آن برین این بران؛ ل (و نیز ل، آ، س، آ)؛ و لی گویا برابر ف بوده است)؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ)

به فرجام پیروز<sup>۱</sup> شد بارمان  
 یکی خشت زد بر سرین<sup>۲</sup> قباد  
 ۱۹۰ ز<sup>۳</sup> اسپ اندرآمد نگوسار<sup>۴</sup> سر  
 بشد<sup>۵</sup> بارمان نزد افراسیاب  
 یکی خلعتش داد کاندز جهان  
 چنو<sup>۶</sup> کشته شد<sup>۷</sup>، قارن رزمجوی<sup>۸</sup>  
 ۱۹۵ دو لشکر بسان دو<sup>۹</sup> دریای چین  
 بیامد دمان<sup>۱۰</sup> قارن رزم زن  
 از آواز اسپان و گرد سپاه  
 درخشیدن تیغ<sup>۱۱</sup> الماس گون  
 به گرد اندرون همچو ابری پُر آب<sup>۱۲</sup>  
 ۲۰۰ پر از ناله‌ی کوس شد مغز میغ<sup>۱۳</sup>  
 بهر سو که قارن برافگند<sup>۱۴</sup> اسپ  
 توگفتی که الماس مرجان فشاند  
 ز قارن چو افراسیاب آن بدید

به میدان جنگ<sup>۱</sup> اندرآمد دمان  
 که بند کمرگاه او برگشاد  
 شد آن شیردل پیر<sup>۲</sup> سالار سر<sup>۳</sup>  
 شکفته دو رخسار<sup>۴</sup> با جاه و آب  
 کس از کهتران<sup>۵</sup> نستد و نزا<sup>۶</sup> مهان  
 سپه را بیاورد و بنهاد روی<sup>۷</sup>  
 توگفتی که شد جنب جنبان زمین<sup>۸</sup>  
 و زان روی<sup>۹</sup> کرسیوز پیلتن<sup>۱۰</sup>  
 نه خورشید تابید<sup>۱۱</sup> روشن، نه ماه<sup>۱۲</sup>  
 شده لعل و آهار داده به خون  
 که سنگرف بارد برو<sup>۱۳</sup> آفتاب  
 پر از آب سنگرف شد جان<sup>۱۴</sup> تیغ  
 همی تافت<sup>۱۵</sup> آهن چو آذرگشسپ  
 چه مرجان، که در کین<sup>۱۶</sup> همی<sup>۱۷</sup> جان فشاند  
 بزد اسپ و لشکر سوی او کشید

۱- لن، لی: فیروز ۲- لی: سبک ۳- س، ق (و نیز لن<sup>۲</sup>): سرون؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- لی، ل<sup>۲</sup>: از ۵- ل-ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نگونسار؛ متن= ۶- س، ق<sup>۲</sup>: مرد ۷- آ (و نیز ل<sup>۲</sup>): فر ۸- و: چو شد ۹- س، لن، ق<sup>۲</sup>، آ، ل<sup>۲</sup>: رخساره؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- ل، و، ب: مهتران؛ ق<sup>۲</sup>: کسی از کهان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل، س، ق، ق<sup>۲</sup>، و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نستد آن از؛ لن، لی، پ: آن ندید از؛ ل<sup>۲</sup>، ب: نستدند از؛ متن= ۱۲- ل، ق، لی، پ، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): چو او؛ متن= س، لن، ق<sup>۲</sup>، آ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۳- ف: چو کشته شد او ۱۴- س: جنگجوی ۱۵- ل<sup>۲</sup>: و شد کینه جوی ۱۶- ل: بکردار؛ ق: بمانند؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۷- ف: که شد جم جنبان ازیشان زمین؛ متن= یازده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۸- ف: بر؛ متن= ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۹- ب: سوی ۲۰- ل، ل<sup>۲</sup>: ترکان شدند انجم؛ متن= ف، س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ب (و نیز س<sup>۲</sup>): در ق، و بجای این بیت و در ل<sup>۲</sup> بس از آن چنین آمده است:

وزان روی (و: وزان سوی؛ ل<sup>۲</sup>: سرافراز) کرسیوز (و: کرشیوز) رزمجوی (ق: جنگجوی)

ابا لشکر (و: لشکری) گشن بنهاد روی

۲۱- س، لی: تابنده؛ متن ← ۲۲- لن، ق<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نه خورشید پیدا نه تابنده ماه؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= ف، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۲۳- و: دورخشنده شمشیر ۲۴- ل<sup>۲</sup>: < و >؛ پ: از؛ لی: سنان های؛ در لن، پ، آ، ب پس از این بیت ۲۰۱ آمده است؛ ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:

زمین قیرگون شد هوا آبنوس شده خیره سر دهر از آوای کوس

۲۵- ل: دریای آب؛ لی: پر عقاب؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۶- لن، ق<sup>۲</sup>، پ، ب: ابر؛ آ: همی ز؛ متن= ف، ل، س، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup> ۲۷- ف: مهر و میغ؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۸- و: روی ۲۹- و، ل<sup>۲</sup>: برانگیخت ۳۰- و: رفت؛ در لن، پ، آ، ب این بیت پس از بیت ۱۹۸ آمده است؛ لن، ق<sup>۲</sup> در اینجا سرنویس دارند، لن: رزم نوذر با افراسیاب؛ ق<sup>۲</sup>: جنگ ایران با ترکان ۳۱- ل: که مرگش؛ ق<sup>۲</sup>: که در خون؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۲- لی: همه؛ ل، ق، ل<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده اند:

به آورد گشتن (ل<sup>۲</sup>: همی کرد پست و) همی کشت مرد همی جوی خون کرد دشت نبرد

در ق<sup>۲</sup> بیت های ۱۹۴ تا ۲۰۲ درهم ریخته اند: ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۶، ۲۰۱، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲ (بیت ۱۹۵ را ندارد)



یکی رزم، تا شب برآمد ز کوه،  
 ۲۰۵ چو شب تیره شد قارن رزمخواه  
 بر نوذر آمد به پرده‌سرای  
 ورا دید نوذر فروریخت آب  
 چنین گفت کز مرگ سام سوار  
 چو خورشید بادا روان قباد  
 ۲۱۰ پیرورد و ز مرگ مان<sup>۱</sup> چاره نیست  
 چنین گفت قارن که تا زاده‌ام<sup>۲</sup>  
 فریدون نهاد این کله بر سرم  
 هنوز آن<sup>۳</sup> کمر بند نگشاده‌ام  
 برادر شد آن مرد سنگ و<sup>۴</sup> خرد  
 ۲۱۵ انوشه بزی<sup>۵</sup> تو که<sup>۶</sup> امروز جنگ  
 چو از لشکرش گشت<sup>۷</sup> لختی<sup>۸</sup> تباه  
 مرا دید با گره‌ی گاوری  
 به رویش بران<sup>۹</sup> گونه اندر شدم  
 یکی<sup>۱۰</sup> جادوی<sup>۱۱</sup> ساخت با من به جنگ  
 ۲۲۰ شب آمد جهان سربسر تیره گشت

بکردند و نامد دل از کین ستوه  
 بیاورد پیش<sup>۱</sup> دهستان سپاه  
 ز خون برادر شده دل ز جای  
 از آن میزه‌ی<sup>۲</sup> سیر نادیده<sup>۳</sup> خواب  
 ندیدم روان را چنین سوگوار  
 ترا زین<sup>۴</sup> جهان جاودان<sup>۵</sup> بهره باد<sup>۶</sup>  
 زمین<sup>۷</sup> را جزا<sup>۸</sup> گور<sup>۹</sup> گهواره نیست  
 تن پُر هنر مرگ را داده‌ام<sup>۱۰</sup>  
 که بر کین ایرج زمین<sup>۱۱</sup> بسپرم  
 همان تیغ پولاد نهاده‌ام<sup>۱۲</sup>  
 سرانجام من هم برین<sup>۱۳</sup> بگذرد  
 به چنگ<sup>۱۴</sup> اندر آورد پور پشنگ  
 از آسودگان خواست<sup>۱۵</sup> چندی<sup>۱۶</sup> سپاه  
 بیامد بنزدیک من جنگجوی<sup>۱۷</sup>  
 که با دیدگانش برابر شدم  
 که با<sup>۱۸</sup> چشم روشن نماند آب و رنگ  
 مرا بازو از کوفتن<sup>۱۹</sup> خیره گشت

۱- ل، ق: سوی؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ پ در اینجا سرنویس دارد: رزم افراسیاب و نوذر با لشکر ۲- ق، و: به ۳- ل، لن، پ، و، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): مؤذ؛ س، ق، ق، لی، ل، آ: دیده؛ متن = ف ۴- ق، ل، آ (و نیز ل، آ): سیر ناخورده ۵- ل، آ: در؛ متن ← ۶- ف: ترا جاودان زین جهان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س) ۷- ل: بهره‌باد؛ و: < بهره‌باد >؛ ق، ل (و نیز ل، س، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

جهان را چنین است آیین و سان  
 یکی زو زید شاد (ل، آ، س): یکی روز شادی و دیگر غمان  
 ل: یکی زو به شادی دگر باغمان

۸- ل، ق: کزین رزم و ز مرگمان؛ لن، ق، پ، ب: پیروردن از مرگشان؛ (س، آ: پیروردن از مرگشان)؛ متن = ف، س، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، آ، لی، و، لن، آ: از) ۹- ل، ق: زمی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ف: چنان؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: بجز؛ متن = ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۱۱- ف: کوه؛ متن = یازده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ) ۱۲- س، ق، آ، ب: زنده‌ام؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۳- س: من بی هنر مر ترا بنده‌ام (!)؛ ق، ل، آ: همین (ل، آ: همان) تیغ پولاد نهاده‌ام (= ۲۱۳ ب)؛ ق، آ: که بر کین ایرج زمین بسپرم (= ۲۱۲ ب)؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۴- ق: زمی؛ و، ل این بیت را ندارند؛ ق، ۲۱۱ ب و ۲۱۲ آ را انداخته و از ۲۱۱ و ۲۱۲ ب یک بیت ساخته است ۱۵- لن (و نیز ل، آ): از ۱۶- ف: دل کینه ور جنگ را داده‌ام؛ ق، ب: تن پر هنر مرگ را داده‌ام (= ۲۱۱ ب)؛ و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، آ، س، آ: فولاد)؛ ل، ۲۱۱ ب، ۲۱۲، ۲۱۳ آ را انداخته و از ۲۱۱ و ۲۱۳ ب یک بیت ساخته است؛ در ق ۲۱۱ ب و ۲۱۳ ب پس و پیش شده‌اند ۱۷- آ: ننگ و؛ ل، آ: سنگی ۱۸- ق: بدین؛ س: سرانجام من بر همین؛ ق، آ: سرانجام بر من همین؛ ل، آ: سرانجام ما هم چنین؛ متن = ف، ل، لن، لی، پ، و، آ؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ب از این بیت تا بیت ۳۶۱ افتاده است ۱۹- ل، س، لن، پ، و (و نیز لن، آ): بدی؛ متن = ف، ق، آ، لی، آ، ل (و نیز ل، آ) ۲۰- ق: زانک ۲۱- لن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز س، آ): بتنگ؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، لن، آ): در ف با سه نقطه ۲۲- ق: خاست ۲۳- ل، آ: چندی ۲۴- پ: خواند ۲۵- ل، آ: جنگی ۲۶- و: کینه جوی؛ ق: بنزد من آمد همی جنگجوی ۲۷- س، ق، آ، لی، و: بدان؛ آ: بدین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، لن، پ، آ (و نیز س، آ): بتنگ؛ متن = ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل، لن، آ): در ف با سه نقطه ۲۲- ق: خاست ۲۳- ل، آ: چندی ۲۴- پ: خواند ۲۵- ل، آ: جنگی ۲۶- و: کینه جوی؛ ق: بنزد من آمد همی جنگجوی ۲۷- س، ق، آ، لی، و: بدان؛ آ: بدین؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، س، ق، لی (و نیز لن، آ، س، آ) ۳۱- ف: مرا بازو از کوفته؛ آ: مرا بازو از دیدگان؛ (لن، آ: مرا بازو از خویشتن)؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ل- و (و نیز ل، س، آ؛ لن، پ: بازوی)

هوا زیر خاک<sup>۲</sup> اندرآید همی  
که گرد سپه بود و شب بُد<sup>۵</sup> سیاه

برفتند روز دوم<sup>۷</sup> جنگ جوی  
چنان چون بود ساز جنگ<sup>۸</sup> کیان<sup>۹</sup>  
بزد کوس<sup>۱۰</sup> روین و صف برکشید<sup>۱۱</sup>  
که خورشید گفستی شد اندر نهان<sup>۱۲</sup>  
بیابان بُد هیچ<sup>۱۴</sup> پیدا ز کوه  
چو<sup>۱۷</sup> رود روان خون همی ریختند<sup>۱۸</sup>  
فروریختی خون ز گرد سیاه<sup>۲۰</sup>  
همه خون شدی دشت چون رود آب<sup>۲۲</sup>  
بیامد بنزدیک او رزمخواه<sup>۲۳</sup>  
سنان یک بدیگر برآمیختند<sup>۲۵</sup>  
شهان را<sup>۲۷</sup> چنین کی بود کارزار<sup>۲۸</sup>  
برو<sup>۳۰</sup> چیره شد دست پور پشنگ  
وژان<sup>۳۳</sup> روی پیگار پیوسته شد<sup>۳۴</sup>

تو گفستی زمانه سرآید<sup>۱</sup> همی  
ببایست<sup>۳</sup> برگشتن از<sup>۴</sup> رزمگاه

برآسوده شد لشکر از هر دو روی<sup>۶</sup>  
رده برکشیدند ایرانیان

۲۲۵ چو افراسیاب آن سپه را بدید  
چنان شد ز گرد سواران جهان  
دهاده برآمد<sup>۱۳</sup> ز هر دو گروه  
برانسان<sup>۱۵</sup> سپه درهم آویختند<sup>۱۶</sup>  
بهر سو که قارن شدی رزمخواه<sup>۱۹</sup>  
۲۳۰ کجا خاستی گرد<sup>۲۱</sup> افراسیاب  
سرانجام نوذر ز قلب سپاه  
چنان نیزه بر نیزه آویختند<sup>۲۴</sup>  
که بر هم نیچد بران<sup>۲۶</sup> گونه مار  
چنین تا شب تیره آمد بتنگ<sup>۲۹</sup>  
۲۳۵ ز<sup>۳۱</sup> ایران سپه<sup>۳۲</sup> بیشتر خسته شد

۱- لن، پ: سرآمد ۲- س، لی: ابر؛ لن، ق، آ: هوا را ز (ق) از ابر؛ پ: هوا خود از ابر؛ ل: آ؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ق، و ۳- ف: بیاراست؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ل- آ (و نیز ل، لن، س) ۴- ل، ق، آ: گشتن از آن؛ متن = ف، س، لن، ق- آ (و نیز ل، لن، س) ۵- ل، ق، لی، و، آ: شد؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، پ ۶- و: سوی؛ ل، ق: برآسود لشکر پس از (ق) از آن هردو روی؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: برآسود (س): بیاسود) پس لشکر از هردو سوی (س، ق، آ: روی)؛ (س): برآسود شب لشکر از هردو سوی؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف ۷- ق، و: دگر؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ق: گفتار در کین طلبدن افراسیاب از ایرانیان؛ ق، آ، لی: جنگ نوذر (لی: و ایرانیان) با افراسیاب؛ پ: جنگ افراسیاب با نوذر دگر بار؛ و: سخن گفتن شاه نوذر با طوس و گستههم؛ ل: هزیمت نوذر از افراسیاب ۸- س، لی: ساز و رزم؛ ل: جنگ و ساز؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ب ۹- آ: گران؛ ل: گوان ۱۰- و: نای؛ متن ← ۱۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: بیامد برابر صفی برکشید؛ متن = ف، ل، ق، ل (و نیز ل) ۱۲- ل: که خورشید گشت از دودیده نهان ۱۳- ل: برآمد دهاده ۱۴- ل، و، ل: آ؛ ایچ؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ب ۱۵- لن، ق، آ، پ، آ: از آنسان؛ و، ل (و نیز ل): بدانسان؛ متن = ل، ق (و نیز لن، س) ۱۶- ل، ق: بر هم آویختند؛ س، لی: دلبران همی (لی: همه) در هم آمیختند ۱۷- لن: که ۱۸- ل: برانگیختند؛ ل: سنان یک بدیگر برآمیختند (= ۲۳۲ ب)؛ متن = س، ق- آ (و نیز ل، لن، س)؛ ف این بیت را ندارد ۱۹- و: رزمجوی ۲۰- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: از آن رزمگاه؛ و: زد دریا به جوی؛ ل: ز قلب سیاه؛ متن = ف، ل، ق ۲۱- ل: چو انگیختی اسب ۲۲- ل: برسان آب؛ و: همه دشت از خون شدی رود آب؛ متن = ف، س- ل ۲۳- لن، پ، ل: کینه خواه؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ب؛ س، لی پس از این بیت افزوده اند:

چنان شد ز گرد سواران جهان که خورشید گفستی شد اندر نهان

۲۴- ق: آمیختند؛ پ: انداختند؛ و، ل: بر ساختند؛ متن = ف، ل، س، لن، ق، آ، لی، آ ۲۵- لن، پ: برافراختند؛ ق: برآویختند؛ ل: چو رود روان خون همی ریختند (= ۲۲۸ ب)؛ س، ق، آ، لی: که گفستی بهمیشان برآمیختند؛ و، ل: که از یکدیگر باز نشناختند؛ متن = ف، آ؛ ل پس از این بیت افزوده است:

دگر ره برآن گونه آویختند سنان یک بدیگر برآمیختند (= ۲۳۲ ب)

۲۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، ل: از آن؛ و: نیچد بهم بر بران؛ متن = ف، ل، ق، آ ۲۷- لن: کیان را؛ ق: شما را؛ پ: جهان را ۲۸- پ: جهان را نبود اینچنین یادگار ۲۹- ف، لی، آ (و نیز ل): به جنگ؛ متن = ل، س، لن، ق، آ، پ، و، ل (و نیز لن، س) ۳۰- ف (و نیز ل، لن): بدو؛ متن = ل- ل (و نیز س) ۳۱- ل- ق، آ، پ- ل: از؛ متن = ف، لی ۳۲- آ: ایوان ها (!)؛ (س): ایرانیان ۳۳- و: از آن ۳۴- بنداری: و عظمت النکایات علی الایرانیة، و ظهرت مبادئ الغلبة للتورانیة

به هامون بر افکنده<sup>۲</sup> بگذاشتند  
 که تاجش از<sup>۳</sup> اختر<sup>۴</sup> پُر از گرد بود  
 بفرمود تا پیش او رفت طوس  
 لبان<sup>۸</sup> پُر ز باد و روان<sup>۹</sup> پُر ز غم<sup>۱۰</sup>  
 همی گفت چندی و چندی گریست<sup>۱۲</sup>  
 پُر از خون جگر، لب پُر از بادِ سرد<sup>۱۴</sup>  
 سپاهی بیاید به ایران زمین  
 بسی بر سپاه تو آید گزند  
 فراز آمد آن روز گردن کشان<sup>۱۷</sup>  
 که چندین سپه کس ز ترکان براند<sup>۱۹</sup>  
 شبستان بیاوردن و آمدن<sup>۲۰</sup>  
 بدان<sup>۲۲</sup> کوه البرز بردن<sup>۲۳</sup> گروه  
 وزین<sup>۲۵</sup> لشکر خویش<sup>۲۶</sup> پنهان روید<sup>۲۷</sup>  
 ازین بدگنش جادوی بدپسند<sup>۲۸</sup> [   
 از آن<sup>۳۰</sup> پس نبندند<sup>۳۱</sup> کین را میان ]  
 بدین<sup>۳۳</sup> خستگی نیز خسته<sup>۳۴</sup> شوند  
 برد جان ازین بی شمار انجمن<sup>۳۶</sup>

به بیچارگی<sup>۱</sup> روی برگاشتند  
 دل نوذر از غم پر از درد بود  
 چو از دشت بنشست آواز<sup>۵</sup> کوس  
 بشد طوس و گسته<sup>۶</sup>م با او<sup>۷</sup> بهم<sup>۸</sup>  
 ۲۴۰ بگفت این که<sup>۱۱</sup> در دل مرا درد چیست  
 از اندرز<sup>۱۳</sup> فرخ پدر یاد کرد  
 کجا گفته بودش که از ترك و چین  
 و زیشان<sup>۱۵</sup> ترا دل شود<sup>۱۶</sup> دردمند  
 ز گفتار شاه آمد اکنون نشان  
 ۲۴۵ کس از نامه نامداران<sup>۱۸</sup> نخواند  
 شما را سوی پارس باید شدن  
 و زآنجا کشیدن سوی رابه کوه<sup>۲۱</sup>  
 از ایدر به راه سپاهان روید<sup>۲۴</sup>  
 [نباید که آید شما را گزند  
 ۲۵۰ چو گردند<sup>۲۹</sup> آگاه ایرانیان  
 ز کار<sup>۳۲</sup> شما دل شکسته شوند  
 ز تخم فریدون<sup>۳۵</sup> مگر يك دو تن

۱- ل: ۲: بیکبارگی ۲- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: پراکنده؛ متن = ل، ق، و، ل، آ (و نیز ل، آ، لن) ۳- ل- ل: ۲ (و نیز ل، آ، لن، آ، س): ز؛ متن = ف ۴- لی: گردون ۵- ل، لن، ق، آ، پ، آ، ل: آوای؛ متن = ف، س، لی، و ۶- س، لی، وی ۷- ق: با او بهم گسته<sup>۸</sup> ۸- ف: سران؛ متن = ل- ل: ۲ (و نیز ل، آ، س) ۹- ل: ابروان؛ آ: ورخان؛ متن = ف، س- و، ل، آ (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۰- آ: نم ۱۱- ل، س، لن، لی (و نیز ل، آ): آنک؛ ق: آنچه؛ ق، آ، پ، و، آ، ل (و نیز لن، آ): آنکه؛ متن = ف (و نیز س) ۱۲- ل: ۲: همی گفت و باهای و هوی او گریست ۱۳- ل: ۲: از اندازه ۱۴- ل: ۲: کرد ۱۵- ل، س، لن، ق، آ، ل (و نیز ل، آ، لن، آ): ازیشان؛ ق (و نیز س، آ): از ایران (→ ازیرا؟)؛ متن = ف ۱۶- س: شود دل ترا ۱۷- و (و نیز لن، آ) مردم کشان؛ متن = ف- پ، آ، ل (و نیز ل، آ، لن، آ): شهریاران ۱۹- لی: تراند؛ لن، ق، آ، پ: که چندین ز ترکان سپه را براند (ق: تراند)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ل ۲۰- ق: نامدن؛ ل: بیاورد و باز آمدن؛ پ در اینجا سرنویس دارد: مشورت کردن نوذر با سران لشکر ۲۱- س، لن: زاوه کوه؛ پ: زاوه کوه و: رانه کوه؛ (ل، آ، س): دابه کوه؛ بنداری: جبل زاوه؛ ل: وزآنجا کشیده سپه را به کوه؛ ق: وزآنجا سپه را کشیدن به کوه؛ ق: وزآنجا شدن تا سوی زاوه کوه؛ متن = ف، لی، آ، ل (و نیز لن، آ)؛ گویا راده کوه درست است ۲۲- ل، س، ق، پ، آ: بران؛ ل: ابر؛ متن = ف، ق، آ، لی، و ۲۳- ق: بودن ۲۴- ل، ق (و نیز ل، آ): از ایدر (ق: وزیدر) کنون زی سپاهان روید؛ س: کنون ایدر از راه شاهان شوید؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز س، آ): کنون سوی راه (پ: ری و) سپاهان (لن، پ: صفاهان) روید؛ لی: کنون زیدر اندر صفاهان شوید؛ متن = ف، و، ل (و نیز لن، آ) ۲۵- ل: ازین ۲۶- و: گشن ۲۷- لی، پ: شوید ۲۸- ل- پ، آ، ل (و نیز ل، آ، س) این بیت و بیت سپسین را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ) ۲۹- و (و نیز لن، آ): گشتند؛ متن = ف ۳۰- و (و نیز لن، آ): ازین؛ متن = ف ۳۱- ف، و: ببندند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن، آ): به ببندند؛ ل- پ، آ، ل (و نیز ل، آ، س) این بیت و بیت پیشین را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۳۲- ق: زکام؛ ل: بکار ۳۳- ل، ق، و، آ، ل: برین؛ لن: بدان؛ لی: وزین؛ پ: بران؛ متن = ف، س، ق ۳۴- ل: ۲: بسته ۳۵- ل: ۲: که از تخم ایرج ۳۶- بنداری: و امرهما أن يتوجها الى صوب فارس، و ينطلقا على طريق إصبهان يستصحبان الحرم والنساء و ما قدرا عليه من الخزائن، و يصيران الى جبل زاوه من جبال البرز. و قال لعله ينجو من آل فریدون اثنان. فانی لم أسمع بمثل هذا العسكر الذى خرج الآن من الترك، و أعلم أنه لا قبل لنا بهم. و امرهما بالرحيل على وجه لا يحس به العسكر لئلا تضعف قلوبهم (= بیت های ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۴۵، ۲۵۱)

يك امشب بکوبیم<sup>۳</sup> دست پسین  
بجوید<sup>۵</sup> هشیار<sup>۶</sup> کار جهان  
شود تیره این فر<sup>۸</sup> شاهنشهی،  
که تا بُد چُنین بود<sup>۱</sup> چرخ بلند  
یکی با کلاه مهی<sup>۱۳</sup> شادمان  
طپد یکزمان بازش آسان<sup>۱۶</sup> شود

فروریخت آب<sup>۱۹</sup> از<sup>۲۰</sup> مژه شهریار  
رخانشان پر آب و روانشان دژم<sup>۲۳</sup>  
سدیگر<sup>۲۷</sup> چو بفروخت گیتی فروز  
به بیچارگی جنگ بایست کرد<sup>۲۹</sup>  
چو دریای جوشان بُد و جوی آب<sup>۳۰</sup>  
ابا<sup>۳۲</sup> ناله‌ی بوق<sup>۳۳</sup> و هندی درای  
نهادند بر سر ز آهن کلاه<sup>۳۴</sup>  
کسی را سر اندر نیامد به خواب<sup>۳۶</sup>  
همه<sup>۳۷</sup> تیغ و ژوپین پیراستند<sup>۳۸</sup>  
برفتند با گرزهای گران

ندانم<sup>۱</sup> که دیدار باشد<sup>۲</sup> جزین  
شب و روز دارید<sup>۴</sup> کاراگهان  
ازین لشکر ار<sup>۷</sup> بد دهند آگهی<sup>۲۵۵</sup>  
شما دل مدارید بس<sup>۹</sup> مستمند  
یکی را به جنگ<sup>۱۱</sup> اندر آرد<sup>۱۲</sup> زمان  
تن مرده با کشته<sup>۱۴</sup> یکسان شود<sup>۱۵</sup>

گرفت آن دو<sup>۱۷</sup> فرزند را در<sup>۱۸</sup> کنار  
بشد طوس و گسته<sup>۲۱</sup>م نوذر<sup>۲۲</sup> بهم<sup>۲۳</sup>  
و زان<sup>۲۴</sup> پس<sup>۲۵</sup> بیاسود لشکر دو روز<sup>۲۶</sup>  
نُبد شاه را روزگار نبرد<sup>۲۸</sup>  
ابا لشکر نوذر افراسیاب  
خروشیدن آمد ز پرده سرای<sup>۳۱</sup>  
تبیره برآمد ز درگاه شاه  
به پرده سرای رد افراسیاب<sup>۳۵</sup>  
همه شب همی لشکر آراستند  
ز زمین کوه تا کوه جوشن وران<sup>۳۹</sup>

۱- س، لی: برانم ۲- لی: نبود ۳- ل، س، لن، ق، لی، پ، آ، ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): بکوشیم؛ متن=ف، ق، و (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۴- ف، لن، ل: دارند؛ متن=ل، س، ق-آ ۵- ل: بجوید ۶- ق: بیدار ۷- لن، پ: اگر لشکر از؛ ق: که گر لشکر از ۸- لی: آن فر؛ آ: آیین ۹- س، و، آ: ازین؛ لن: کس؛ متن=ف، ل، ق، ق، لی، پ، ل ۱۰- ل: که باید (→ که تابد) چنین بد ز؛ و: که تا بود این بود؛ متن=ف، س-پ، آ، ل ۱۱- لن، ق، لی، پ، آ، ل: خاک؛ متن=ف، ل، س، ق، و ۱۲- ل، س، ق، لی، و (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): اندر آید؛ متن=ف، لن، ق، آ، پ، آ، ل ۱۳- لن، ق، آ، پ، آ (و نیز س<sup>۲</sup>): کی؛ ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): شهی؛ متن=ف، ل، س، ق، لی، و، ل (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۴- ل، لن، ق، آ، پ، آ، ل: تن کشته با مرده؛ متن=ف، س، ق، لی، و ۱۵- لی: بود ۱۶- س، لی: باز آسان؛ ق: تازیچان؛ آ: بازیچان؛ متن=هفت دستنویس دیگر بجز ب؛ ل، ق پس از این بیت افزوده اند:

بدادش مران پندها چون سزید پس از دشت (ق: آن دست) شاهانه بیرون کشید

۱۷- ق: چو بگرفت ۱۸- ل: بر ۱۹- پ: خون ۲۰- ق: <از>؛ ف پس از این بیت سرنویس دارد: گفتار اندر وداع کردن شاه نوذر طوس و گسته<sup>۲۱</sup>م را و فرستادن به جانب پارس ۲۱- ل: با او؛ لی، پ، و، ل: و نوذر؛ متن=ف، س، لن، ق، آ ۲۲- ق: با او بهم گسته<sup>۲۳</sup>م ۲۳- ل: رخان پر زدود و روان پر زغم؛ لن، پ، آ، ل: رخانشان پر از آب و جانسان (آ: لبها؛ ل: روشن) دژم؛ و: دور خساره پر آب و دل پر زغم؛ متن=ف، س، ق، ق، آ، لی ۲۴- ل: ازان ۲۵- س، لی: سو ۲۶- س، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): سه روز؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>، بنداری: یومین) ۲۷- س، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): چهارم؛ متن=نه دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>، بنداری: من الیوم الثالث) ۲۸- لن، ق، آ، پ، آ، ل: درنگ؛ متن=ف، ل، س، ق، لی، و ۲۹- لن، ق، آ، پ، آ، ل: کرد بایست جنگ؛ لی: رزم بایست کرد؛ متن=ف، ل، س، ق، و ۳۰- ل، ق: بدو رود آب؛ لی (و نیز ل<sup>۲</sup>): برآورده تاب؛ و: بدو سیل آب؛ متن=ف، ل، س، لن، ق، آ، پ، آ: کسی را سر اندر نیامد (ق: نیامد سر اندر) به (لن: ز) خواب (=۲۶۶ ب) ۳۱- ف، ق، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): زهر دوسرای؛ متن=ل، و، ل ۳۲- و: همان ۳۳- ل، ل: کوس؛ متن=ف، ق، لی، و؛ س، لن، ق، آ، پ، آ این بیت را ندارند ۳۴- ق: ز آهن نهادند بر سر کلاه؛ متن=ف، ل، لی، و، ل؛ س، لن، ق، آ، پ، آ این بیت را ندارند ۳۵- لی: نبرده سپاه رد افراسیاب؛ ل: پیده سرای آمد افراسیاب؛ س، لن، ق، آ، پ، آ این لت را ندارند؛ متن=ف، ل، ق، و ۳۶- لن: ز خواب؛ لی: چو دریای جوشان برآورده تاب؛ و: سر اندر نیامد کسی را بخواب؛ س، لن، ق، آ، پ، آ ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶ آرا انداخته و از ۲۶۳ و ۲۶۶ ب یک بیت ساخته اند ۳۷- ل، س، ق: همی؛ لن، پ: همان؛ متن=ف، ق، آ، لی، و، آ، ل ۳۸- لن، پ: نیزه پیراستند؛ و: کویال پیراستند؛ در ل<sup>۲</sup> بیت های ۲۶۵-۲۶۷ در هم ریخته اند: ۲۶۷، ۲۶۵، ۲۶۶ ۳۹- و: نیزه وران

ز دریا به دریا کشیدند نخ  
 که با<sup>۳</sup> شاه باشد سپه را ستون  
 چو شاپور نستوه بر دست راست  
 بُد کوه پیدا، نه دریا<sup>۷</sup>، نه<sup>۸</sup> دشت  
 زمین زیر اسپان بنالد<sup>۱۲</sup> همی  
 شکست آمد اندر سر مایه‌دار<sup>۱۴</sup>  
 گرفتند<sup>۱۶</sup> ترکان برو<sup>۱۷</sup> چیرگی<sup>۱۸</sup>  
 پراکنده شد هرچه<sup>۲۱</sup> انبوه بود  
 سر بخت ایران سپه<sup>۲۲</sup> گشته شد  
 به سوی دهستان نهادند روی  
 نه بسیار بُد مر سپه را گذار<sup>۲۵</sup>  
 برآمد برین<sup>۲۷</sup> نیز چندی درنگ  
 برو<sup>۲۸</sup> بسته شد<sup>۲۹</sup> راه<sup>۳۰</sup> جنگ سوار<sup>۳۱</sup>،

بُد کوه پیدا، نه ریگ و نه شخ<sup>۱</sup>  
 ۲۷۰ بیاراست قارن به قلب<sup>۲</sup> اندرون  
 چپ شاه<sup>۴</sup> گرد تلیمان<sup>۵</sup> بخواست  
 ز شبگیر تا خور ز گردون<sup>۶</sup> بگشت  
 دل تیغ<sup>۹</sup> گفتی<sup>۱۱</sup> بیالد<sup>۱۱</sup> همی  
 چو شد نیزه‌ها بر زمین<sup>۱۳</sup> سایه‌دار  
 ۲۷۵ چو آمد به بخت اندرون تیرگی<sup>۱۵</sup>  
 بدان<sup>۱۹</sup> سو<sup>۲۰</sup> که شاپور نستوه بود  
 همی بود شاپور تا کشته شد  
 ز<sup>۲۳</sup> انبوه ترکان پرخاشجوی  
 دهستان گرفتند ازیشان<sup>۲۴</sup> حصار  
 ۲۸۰ شب و روز بُد بر گذرهاش جنگ<sup>۲۶</sup>  
 چو نوذر فروهشت پی در حصار،

۱- ل، ق، پ: ز ریگ و ز شخ؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲- ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، پ: رزم ۳- ف، س، ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup>، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>)؛ تا؛ متن = ل، ق، پ، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>)؛ بنداری؛ و جعل نوذریعی صفوفه؛ فجعل قارن معه فی القلب و تلیمان فی المیسرة و سابور فی المیمه (۲۷۰-۲۷۱) ۴- آ: دست ۵- ل، س، ل<sup>۱</sup>، و، ل<sup>۲</sup>: بلیمان (حرف یکم نقطه ندارد)؛ آ: بلیمان؛ متن = ف، ل<sup>۲</sup>، ق، ق<sup>۲</sup>، پ (و نیز بنداری) ۶- ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>): گنبد؛ متن = ف، ل، س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۷- پ: نه هامون؛ و: ز دریا ۸- ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ و؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۹- ل<sup>۱</sup>: کوه ۱۰- و: گویی ۱۱- ف، پ، و: ببالد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل، ق، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ببالد؛ س: سالد (نقطه ندارد)؛ ل<sup>۲</sup>: ببالد (حرف دوم نقطه ندارد)؛ متن = آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۲- ل، و: سالد (نقطه ندارد)؛ ل<sup>۱</sup>: ببالد؛ (ل<sup>۲</sup> بتابد؛ س<sup>۲</sup>: ببالد)؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ب؛ ق پس از این بیت افزوده است:

نه شب بود پیدا تو گفتی نه روز  
 ۱۳- آ: چو شد بر زمین نیزه‌ها؛ ل<sup>۱</sup>: چو شد تیرگی بر زمین ۱۴- ل- پ، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): شکست (پ: شکفت؛ آ: بخاک) اندر آمد سوی (پ: بسر؛ آ: ل<sup>۲</sup>: س) مایه‌دار؛ متن = ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۱۵- آ: چیرگی ۱۶- ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، پ: برفتند ۱۷- ف (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدو؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، پ: بران؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): همه؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup>، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز س<sup>۲</sup>) ۱۸- آ: تیرگی؛ پ در اینجا سرنویس دارد: هزیمت شدن نوذر از افراسیاب ۱۹- ل- ق<sup>۲</sup>، پ، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بران؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل<sup>۱</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۰- ف: سر؛ ق<sup>۲</sup>: سان؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۱- ل: ل<sup>۱</sup>: هرک؛ ق: هرچ؛ ق<sup>۲</sup>: چپ لشکر شاه چون؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۲- ل، ل<sup>۲</sup>، ق، پ، و: ایرانیان؛ ق<sup>۲</sup>: آن نامور؛ آ این بیت را ندارد؛ متن = ف، س، ل<sup>۱</sup>، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>)؛ ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

وزان سو کجا بد تلیمان گرد  
 نماندند زنده بزرگان و خرد  
 این بیت در هیچک از دستنویس‌ها دیگر و نیز در ترجمه بنداری نیست ۲۳- س، ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: از؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۴- ف، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ایشان؛ ل: زیشان؛ ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup>: یکسر؛ (س<sup>۲</sup>: ترکان)؛ متن = س، ق، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۵- ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>): به سه جای بد مر (و: برید؛ ل<sup>۲</sup>: بدبد) سپه را گذار؛ ل، ق: برو بسته شد راه جنگ استوار (= ۲۸۱ب)؛ س: بسنبار در بد سپه را گذار؛ ل<sup>۲</sup>: سپه را بسنبار برید گذار؛ ق<sup>۲</sup>: فرو بسته شد جای جنگی سوار (= ۲۸۱ب)؛ ل<sup>۱</sup>: بنی‌سار بردند سپه را گذار؛ آ: سپه را بساره بزیند گذار؛ ل<sup>۲</sup>: سپه را بسگسار برید گذار؛ (س<sup>۲</sup>): بنی‌سار برید سپه را گذار؛ متن = پ ۲۶- ف: کردند پیوسته جنگ؛ پ: بد برگذرای جنگ؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۷- ل<sup>۱</sup>: بدین؛ درل این بیت پس از بیت ۲۸۲ آمده است ۲۸- ف (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدو؛ ل<sup>۲</sup>، ق، پ: فرو؛ متن = ل، س، ق، ل<sup>۱</sup>، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۹- س: بد ۳۰- ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، پ: جای ۳۱- ل، ل<sup>۲</sup>، س، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): جنگ استوار؛ ل<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، ل<sup>۱</sup>، پ، و (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): جنگی سوار؛ متن = ف؛ آ، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند؛ ل، ق، ۲۷۹ب و ۲۸۱آ را انداخته و از ۲۷۹آ و ۲۸۱ب يك بیت ساخته‌اند؛ بنداری (۲۷۷-۲۸۱)؛ و بقی سابور فی خف من أصحابه واقفالا بیریح، و یرد تلك الحملات الی أن قتل فی موقفه ذلك. فانكشفوا و أحجم نوذر فرد عنانه الی دهستان، و تحصن بالبلد. فبقی كذلك أياما یقاتل من وراء الحصار

سواران بیاراست افراسیاب  
یکی نامور ترك را کرد یاد<sup>۳</sup>  
سوی پارس فرمود تا برکشید  
کزان سو بُد ایرانیان را بنه  
چو قارن شنود<sup>۹</sup> آنک<sup>۱۰</sup> افراسیاب  
شد از رشك<sup>۱۱</sup> جوشان و دل کرد تنگ  
که توران شه آن ناجوانمرد مرد  
سوی روی پوشیدگان سپاه  
شبستان ما گر بدست آورد<sup>۱۵</sup>  
به ننگ اندرون سر شود ناپدید  
ترا خوردنی هست و آب روان  
همی باش و دل را مکن هیچ<sup>۲۱</sup> بد<sup>۲۲</sup>  
بدو گفت نوذر که این رای نیست  
ز بهر بنه رفت گستههم و طوس  
بدین زودی اندر شبستان رسد

گرفتش ز جنگ<sup>۱</sup> درنگی شتاب<sup>۲</sup>  
سپهبد قراخان<sup>۴</sup> ویسه نژاد  
به راه بیابان<sup>۵</sup> سر اندرکشید  
بجوید<sup>۷</sup> بنه مردم بدتنه<sup>۸</sup>  
گسی کرد لشکر به هنگام خواب  
بر نوذر آمد بسان پلنگ  
نگه کن<sup>۱۲</sup> که با شاه ایران<sup>۱۳</sup> چه کرد  
سپاهی فرستاد بی مر به راه<sup>۱۴</sup>  
برین<sup>۱۶</sup> نامداران شکست آورد<sup>۱۵</sup>  
به دم<sup>۱۷</sup> قراخان<sup>۱۸</sup> بیاید کشید<sup>۱۹</sup>  
سپاهی به مهر از بر تو نوان<sup>۲۰</sup>  
که از شهریاران دلیری سزد<sup>۲۳</sup>  
سپاهیت چن<sup>۲۴</sup> لشکرآرای<sup>۲۵</sup> نیست  
بدانگه که برخاست<sup>۲۶</sup> آوای کوس  
کند ساز ایشان چنان چون سزد<sup>۲۷</sup>

۱- ف: گرفتند کار؛ ل: گرفتند جنگ؛ ق، لی (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>): گرفتش ز جنگی؛ متن=س، لن، و، آ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲- پ: گسی کرد لشکر بهنگام خواب (= ۲۸۶ب)؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ در ل این بیت پس از بیت ۲۸۰ آمده است ۳- لی: آواز داد ۴- ل، س، لن، ق، پ، و، آ (و نیز بنداری): کروخان؛ (لن<sup>۲</sup>: کزوجان → کروخان)؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن=ف، ق، لی (و نیز ل<sup>۳</sup>، س<sup>۲</sup>) ۵- ل: بسوی بیابان؛ ق: سپاه از بیابان؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن=هشت دستنویس دیگر بجز ب ۶- ل: که زان ۷- ق<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>): نجوید ۸- لی، آ (و نیز ل<sup>۳</sup>): يك تنه؛ (لن<sup>۲</sup>: بی بنه)؛ متن=ل-ق، آ، پ، و (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ ف، ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری نیز هست؛ ثم إن افراسیاب نقد کروخان بن ویسه علی طریق البریه الی فارس فی طلب نساء الایرانیة و ذرائعهم و خزائنهم و أموالهم (= ۲۸۳-۲۸۵) ۹- لن، ق، آ، پ: شنید؛ متن=ف، ل، س، ق، لی، و ۱۰- لی، پ، آ: آنکه؛ ل<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۱۱- ف: جنگ؛ ق<sup>۲</sup>: خشم؛ لی: کرد؛ آ: ننگ؛ متن=هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>)؛ بنداری: ولما بلغ الخبر بذلك الی قارن تضرمت نیران غیرته... ۱۲- ق: نگر تا ۱۳- لی: با نامداران؛ لن در اینجا سرنویس دارد: رفتن قارن از پی کروخان ۱۴- لی: فرستاد لشکر به بی راه و راه ۱۵- ل، س، ق، لی (و نیز س<sup>۲</sup>)؛ متن=هفت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ): لی: بدین ۱۷- لن: بدنب؛ لی: بدشت (→ بدنب) ۱۸- ف: قراخوان؛ س، لن، ق، آ، پ، آ: کروخان؛ ل<sup>۲</sup>: کرم خویشان (!)؛ (س<sup>۲</sup>: کورخان)؛ متن=ل، ق، لی ۱۹- و (و نیز لن<sup>۲</sup>): بنگی کزوجان (→ کروخان) نشاید کشید ۲۰- ل (و نیز ل<sup>۳</sup>): سپاهی به مهر تو دارد روان؛ لی: سپاهی به مهرند با تو نوان؛ و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>): سپاهی به مهر از پی تو نوان (لن<sup>۲</sup>: دوان)؛ ل<sup>۲</sup>: سپاهی به مهر از تو بر تو نوان؛ متن=ف، س، لن، ق، آ، لی؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ لی پس از این بیت افزوده است:

به دستوری شاه پیروزیخت بتازم پس ترك شوریده بخت  
۲۱- ل: ایچ ۲۲- لن، ق، آ، لی، آ: تنگ؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۲۳- لن، ق، آ، لی، آ: که آسان شود بر تو بر کار جنگ؛ متن=هفت دستنویس دیگر؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون من شوم بر (ق: که تا من شوم در) پی این سپاه بگیرم بریشان ز هرگونه راه (ق: پس و پیش راه)  
در ق پس از این بیت بیت ۲۹۰ دوباره آمده است؛ لن، ق، آ، لی، آ پس از بیت ۲۹۳ افزوده‌اند:  
بکن شیری آنجا که شیری سزد که از شهریاران دلیری سزد (= ۲۹۳ب)  
۲۴- ف، س (و نیز لن<sup>۲</sup>): سپاهست جز (ف را نیز میتوان خواند: سپاهست چن)؛ ل، ق: سپاهست چن؛ لن، ق، آ، لی، پ، و: سپه را چو تو؛ آ؛ بجز تو کسی؛ ل<sup>۲</sup>: سپاهست بجز (ل<sup>۳</sup>: جز از تو دگر؛ س<sup>۲</sup>: سپاهست و خود)؛ متن تصحیح قیاسی است (ویا: سپه چیست چن؛ سپه نیست چن؛ سپه هیچ چن- ولی چن را در جای هجای بلند نمی آورد و باید همان جز باشد یا چون) ۲۵- لی: کس سرآرای؛ بنداری: فلم یستصوب نوذر ذلك، و قال لابد لهذا الجمع من مرتب ۲۶- ف: برداشت؛ متن=ل-ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۳</sup>، لن، آ، س<sup>۲</sup>) ۲۷- ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ لن، پ، آ بجای این بیت افزوده‌اند:  
رسیدند اندر (آ: پس در) شبستان بساز (آ: فزان) یلان و بزرگان گردن فرزاز

نشستند برخوان و می خواستند<sup>۱</sup>  
 پس آنگه سوی خان قارن شدند  
 سخن را فگنند هرگونه بُن  
 ۳۰۰ که ما را سوی پارس<sup>۶</sup> باید کشید<sup>۷</sup>  
 چو پوشیده‌رویان ایران<sup>۱</sup> سپاه  
 زن و زاده در بند<sup>۱۲</sup> ترکان شود<sup>۱۳</sup>  
 که گیرد بدین<sup>۱۵</sup> دشت نیزه بدست؟  
 زمانی دل از غم<sup>۲</sup> پیراستند<sup>۳</sup>  
 همه دیده چون ابر بهمن شدند<sup>۴</sup>  
 بران<sup>۵</sup> برنهادند یکسر سخن  
 نباید بدین<sup>۸</sup> رای هیچ آرمید<sup>۹</sup>  
 اسیران شوند از بد<sup>۱۱</sup> کینه خواه  
 اسی<sup>۱۴</sup> جنگ دل پُر ز پیکان شود<sup>۱۳</sup>  
 کرا باشد آرام و جای نشست<sup>۱۶</sup>؟  
 چو شیروی<sup>۱۷</sup> و کشواد و قارن بهم  
 ۳۰۵ چو نیمی گذشت از شب دیرباز<sup>۱۸</sup>  
 بدین روی دزدار<sup>۲۲</sup> بد<sup>۲۳</sup> گزدهم<sup>۲۴</sup>  
 وُزان<sup>۲۵</sup> روی<sup>۲۶</sup> دز<sup>۲۷</sup> بارمان<sup>۲۸</sup> سپاه  
 کزو قارن رزم‌زن خسته بود

۱- پ: نشستند و یکدم می خواستند ۲- س: غم از دل؛ ل: ز غم دل؛ ۳- آ: زمانی به می غم زد دل کاستند؛ ق: این بیت را ندارد ۴- ق: این بیت را ندارد؛ و پس از این بیت افزوده است:

بسی گفته راندند از هر دری  
 فروزند اندیشه هر سری  
 ۵- ف، ق (و نیز ل: ۲): بدن؛ متن = ل، س، ل، ن، ق، ۲- ل (و نیز ل: ۳، س) ۶- آ: فارس ۷- و: شدن ۸- ل، س، ق، پ، ل: ۲: برین؛ متن = ۹- ل: جایگاه آرمید؛ و: جزین هیچ رای نباید زدن؛ متن = ف، ل، ن، ق، ۲، ل، آ ۱۰- آ: به ایران ۱۱- ل، ن، پ: بر ۱۲- و: در دست ۱۳- س: بود؛ ل، ن، ق، ل، ی، پ، آ: شوند؛ ل، ق: این بیت را ندارند؛ متن = ف، و، ل ۱۴- پ، آ: ابا ۱۵- و، آ: برین ۱۶- ل: آرام جای و نشست؛ ق: کرا بر بود جای آرام و نشست (!)؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل- ل (و نیز ل: ۲، ل، ن، آ، س): شیدوش؛ متن = ف ۱۸- ل، ق: اندران؛ متن ← ۱۹- ل: دلیران بیدار با او بهم (= ۳۰۶)؛ متن = هشت دستنویس دیگر بجز ب؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر رفتن قارن از نزدیک نوذر بجانب پارس و گرفتار شدن نوذر بر دست افراسیاب؛ ق: کشته شدن بارمان در نبرد قارن و رفتن قارن به پارس؛ ق: گرفتار شدن نوذر بر دست افراسیاب ۲۰- ق: دیرباز ۲۱- ف: دلیران بیدار با او برآز (= ۳۰۶)؛ ق: این بیت را ندارند؛ متن = ل، س، ل، ن، ق، ل، ی، پ، و، آ ۲۲- پ: شد ۲۳- ل، ن، و، آ: دربان بدو گستم (ل: گزدهم)؛ ل: بگفتند شد طوس با گستم؛ متن = ل، س ۲۴- ل: بسیار؛ ق، ق: این بیت را ندارند؛ ف ۳۰۵ و ۳۰۶ را انداخته و از ۱۳۰۵ و ۳۰۶ يك بیت ساخته است؛ ل ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶ را انداخته و از ۱۳۰۴ و ۳۰۶ يك بیت ساخته است؛ ل: پس از این بیت دو بیت افزوده است (= پ ۳۰) ۲۵- س، ل: بدن ۲۶- ل: <روی> (وزن نادرست است) ۲۷- ل، ن، ل: در ۲۸- ل، ل، ل: ۲؛ و؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، ۲- آ ۲۹- و: خود و ۳۰- ل: کوس و پیلان؛ ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند؛ پ: پس از این بیت پنج بیت و لی تنها دو بیت پسین آنرا پس از بیت پیشین افزوده‌اند:

بگفتند شد طوس با گستم  
 بدانست بدگوهر افراسیاب  
 که هنگام کوشش ندارند پای  
 همانگه بشد قارن رزم‌زن  
 چو بیرون شد از شهریویان براه (ل: به بیرون شد از شهر آن نیکخواه)

۳۱- ق: این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده‌اند و در متن بجای این بیت و بیت پیشین افزوده است:

سپه را گذر بود بر بارمان  
 پس او برفتند گردان او  
 چو آگاه شد بارمان دلیر  
 چو قارن مرو را چنان تیز دید  
 سوی راه شد قارن آنگه دمان  
 سوی پارس بنهاد یکباره روی  
 به پیش اندر آمد بکردار شیر  
 شکار دل شیر خون‌ریز دید

- برآویخت چون شیر با بارمان  
 یکی نیزه زد بر کمر بند او<sup>۳۱۰</sup>  
 سپه يك بیک<sup>۵</sup> دل شکسته شدند  
 سپهبد سُوی پارس<sup>۷</sup> بنهاد روی  
 چو بشنید نوذر که قارن برفت  
 همی تاخت کز روز بد بگذرد  
 چو افراسیاب آگهی یافت زوی<sup>۳۱۵</sup>  
 سپاه انجمن کرد و پویان برفت  
 چو تنگ اندر آمد<sup>۱۵</sup> بر<sup>۱۶</sup> شهریار  
 بدانسان<sup>۱۸</sup> که آمد همی جست راه  
 شب تیره تا شد<sup>۲۰</sup> بلند آفتاب  
 ز گرد دلیران<sup>۲۱</sup> جهان تار شد  
 خود و نامداران هزار و دویست  
 بسی راه جستند و بگریختند<sup>۲۴</sup>  
 چنان<sup>۲۶</sup> لشکری را گرفته به بند<sup>۲۷</sup>  
 اگر با تو گردون نشیند به راز  
 همو<sup>۳۲</sup> تاج و تخت<sup>۳۳</sup> و<sup>۳۴</sup> بلندی دهد  
 ۳۲۵
- سُوی چاره جستن<sup>۱</sup> ندادش زمان<sup>۲</sup>  
 که بگسست پی ها و پیوند او<sup>۳</sup>  
 همه يك ز<sup>۴</sup> دیگر گسسته شدند  
 ابا نامور لشکری<sup>۵</sup> جنگجوی  
 دمان<sup>۹</sup> از پیش<sup>۱۰</sup> روی بنهاد تفت<sup>۱۱</sup>  
 سپهرش مگر زیر پی نسپرد  
 که سوی بیابان نهادهست<sup>۱۳</sup> روی  
 دمان از پس او همی تاخت تفت<sup>۱۴</sup>  
 همش تاختن دید<sup>۱۷</sup> و هم کارزار  
 که یا سر برد یا برآرد کلاه<sup>۱۹</sup>  
 همی گشت با نوذر افراسیاب  
 سرانجام نوذر گرفتار شد  
 تو گفستی که شان بر زمین<sup>۲۲</sup> راه<sup>۲۳</sup> نیست  
 به دام بلا هم درآویختند<sup>۲۵</sup>  
 بیاورد<sup>۲۸</sup> با شهریار<sup>۲۹</sup> بلند  
 هم از گردش او<sup>۳۰</sup> نیابی جواز<sup>۳۱</sup>  
 همو<sup>۳۵</sup> تیرگی و نژندی دهد

۱- ل: چاره خود؛ متن = ف، س- ل ۲- ق، پ: امان؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: کشته شدن بارمان بر دست قارن ۳- ل، س، لی: او؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۴- ف، ل، ق، و: پهنای (ق، و: پهنار)؛ لن، ق، آ، لی، ل، آ: بنیاد و؛ پ، آ: خفتان و؛ (ل) ۳: یکباره؛ لن: همه بندو؛ س: بی ها ز؛ متن = س (و نیز س: بی ها ز)؛ ق پس از این بیت افزوده است:

نگون اندرآمد ز پشت ستور شده تیره زو چرخ و تابنده هور  
 ۵- لن، ق، پ، آ، ل: سرسره؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۶- آ: به ۷- ق، آ: فارس ۸- ف، لن، ق، آ، پ، ل: لشکر؛ و: همان لشکر نامور؛ متن = ل، س، ق، لی، آ (و نیز ل، س) ۹- ق: سبک؛ متن ← ۱۰- ل، ق: پیش؛ متن ← ۱۱- ل، ق، پ: بنهاد و تفت؛ لن، ق، آ: چو شیر از پیش روی بنهاد تفت؛ متن = ف، س، لی، و، ل، آ؛ این بیت را ندارد ۱۲- ق، آ: ازوی ۱۳- ق، آ، ل: نهادند؛ پ این بیت را ندارد ۱۴- ل، س، ق، لی (و نیز ل، آ): چو شیر از پیش روی بنهاد (ل، لی، ل، آ: بنهاد) و تفت؛ لن، ق، آ، و، آ (و نیز لن، آ): دمان از پیش روی بنهاد (لن: بنهاد) و تفت؛ ل، آ: چو شیر از پس شاه یازید تفت؛ پ این بیت را ندارد؛ متن = ف ۱۵- پ: چو دشمن برآمد ۱۶- لن، ق، آ، و، آ، ل (و نیز ل، آ، س، آ): پس؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = ل، س، ق، لی، پ ۱۷- پ: بود ۱۸- ل: براهی؛ س، ق، آ، ل: برانسان؛ ق: بدان ره؛ پ: بدانگه؛ متن = ف، لن، لی، و، آ ۱۹- ل، س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل (و نیز س، آ): که تا بر سر آرد سری (س: سرش؛ ق، پ، ل، آ: سر) با (ل، ق، پ، و، ل، آ: بی) کلاه؛ لن: که تا بر سر آید سری بی کلاه؛ (لن، آ): که تا سر برآرد سری بی کلاه؛ متن = ف؛ در پ بیت های ۳۱۱ تا ۳۱۸ درهم ریخته اند: ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۸ (بیت های ۳۱۵ و ۳۱۶ را ندارد)؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، ق، آ، ل، پ: گرفتار شدن نوذر بر (پ: در) دست افراسیاب؛ ل، آ: گریختن نوذر و لشکریان و گرفتار شدن ایشان ۲۰- ق، آ، ل: باشد ۲۱- ل، ق: سواران؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل ۲۲- پ: جهان ۲۳- ل، لن، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز ل، آ): جای؛ متن = ف، س، لی، و (و نیز لن، آ، س، آ) ۲۴- لی: نگریختند ۲۵- ل، لی، و (و نیز ل، آ): هم برآویختند؛ س، ق، آ، پ: برنیاوختند؛ لن: درنیاوختند؛ آ: هم بیاویختند؛ (لن، آ، س، آ): برهم آویختند؛ متن = ف، ل، آ ۲۶- لن: همان ۲۷- ق، آ: گرفته چنان لشکری را به بند ۲۸- ق، آ: ببردند ۲۹- ل، ق، آ، پ، ل (و نیز ل، آ، س، آ): شهریار؛ متن = ف، لی ۳۰- ف: گردش تو؛ متن ← ۳۱- لن، ق، آ، پ، و، آ (و نیز لن، آ): نیابی هم از گردش او جواز؛ متن = ل، س، ق، لی، ل، آ (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۲- لی: چواو؛ پ: همه ۳۳- ف: تخت و تاج؛ متن = ل، ل (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۳۴- ل، س، لن، ق، آ، لی، آ (و نیز ل، آ): > و؛ متن = ف، ق، پ، و، ل (و نیز لن، آ، س، آ) ۳۵- پ: همه



به دشمن همی ماند و هم<sup>۱</sup> به دوست  
 سرت گر بساید به<sup>۲</sup> ابر سیاه  
 وُزان<sup>۳</sup> پس بفرمود افراسیاب  
 بجویند تا قارن رزم زن  
 ۳۳۰ چو بشنید کو پیش ازین<sup>۴</sup> رفته بود،  
 چنین گفت با ویسه پس نامور<sup>۵</sup>  
 که چون قارن کاوه جنگ<sup>۶</sup> آورد  
 ترا رفت باید به پشت پسر<sup>۷</sup>  
 بشد ویسه سالار توران سپاه  
 ۳۳۵ از آن پیشتر تا به<sup>۸</sup> قارن رسید  
 دلیران و گردان توران سپاه  
 دریده درفش و نگوسار<sup>۹</sup> کوس  
 ز ویسه به قارن رسید، آگهی  
 ستوران تازی سوی نیمروز

گهی مغز یابی ازو گاه پوست<sup>۱۰</sup>  
 سرانجام خاکست ازو جایگاه  
 که از غار و کوه<sup>۱۱</sup> و بیابان و<sup>۱۲</sup> آب  
 رهایی نیابد ازین<sup>۱۳</sup> انجمن  
 ز کار شبستان برآشفته بود،  
 که دل سخت گردان به مرگ پسر  
 پلنگ<sup>۱۴</sup> از شتابش درنگ آورد<sup>۱۵</sup>  
 یکی لشکری ساخته پره‌نر  
 ابا لشکری نامور<sup>۱۶</sup> کینه‌خواه  
 گرامیش<sup>۱۷</sup> را کشته افکنده دید  
 بسی نیز با او<sup>۱۸</sup> فگنده به راه<sup>۱۹</sup>  
 چو<sup>۲۰</sup> لاله کفن، روی چون سندرُوس  
 که آمد به پیروزی<sup>۲۱</sup> و فره‌ی  
 گسی کرد<sup>۲۲</sup> و خود رفت گیتی فروز<sup>۲۳</sup>

۱- ف: ماند او گه؛ ق: ماندم هم؛ ل: ستاند ز دشمن نماند؛ متن= ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ (و نیز لن، س، آ) ۲- لن، ق، لی، پ، آ: ازو مغز یابی گهی گاه پوست؛ متن= ف، ل، س، ق، و، ل (و نیز ل، س، آ) ۳- لن، پ، و، آ: بر؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، ل، آ: از آن ۴- ف: که از کوه و غار؛ لن، ق، آ: پ: کز آغاز کوه (→ که از غار و کوه)؛ و (و نیز لن، آ): که در غار و کوه؛ متن= ل، س، ق، لی، آ، ل (و نیز ل، س، آ) ۵- ف: < و > ۶- لن: کس از؛ ق، آ: از آن؛ و: سر نامداران آن؛ متن= ف، ل، س، ق، لی، پ، ل، آ: و پس از این بیت افزوده است: کجا رفت ازین سهمگن رزمگاه که پیشم نیاید به تن کینه‌خواه  
 ۷- ل، ق، لی: از آن؛ و: یکی گفت قارن به شب؛ ل: چو بشنید شب را که وی؛ متن= ف، س، لن، ق، لی، پ؛ ل، ق، پ: پس از این بیت افزوده‌اند: غمی گشت از آن کار افراسیاب ازو دور (ق، پ: برو تلخ) شد خورد و آرام و خواب که قارن رها یافت از وی به جان بران (پ: از آن) درد پیچید و شد بدگمان  
 ۸- ل، ق، پ، و، آ: ویسه نامور؛ لی: چنین گفت پس ویسه را نامور؛ متن= ف، س، لن، ق، آ، ل، آ: ۱۰- س، لن، ق، آ: قارن گرد جنگ؛ ل: قارن او را بجنگ؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۱- ف، ل، آ: به جنگ؛ متن= ل- آ (و نیز ل، س، آ) ۱۲- آ: پلنگ از شتابش درنگ آورد؛ ل: به جنگ از سنانش پلنگ آورد؛ (ل: پلنگ از سنانش درنگ آورد) ۱۳- ل، ق: بیسته کمر؛ س: زدم پسر؛ لن، ق، آ، پ، آ: ز بهر پسر؛ لی، ل (و نیز س، آ): به پیش پسر؛ متن= ف، و (و نیز ل، س، آ)؛ در س پس از این بیت یکبار بیت های ۳۳۴، ۳۳۸ و ۳۳۹ آمده و سپس باز از نواز بیت ۳۳۴ آغاز کرده است ۱۴- لن، ق، آ: ابا او یکی لشکر (ق: لشکری)؛ پ: ابا نامور لشکری؛ آ: همان نامور لشکر؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: رفتن ویسه از پی قارن و پسر خود را بارمان کشته یافتن ۱۵- لی، و، آ: کوبه؛ ل: از آن پس چو در کار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۶- ل، آ: گرامی پسر ۱۷- ق: وی؛ متن= ۱۸- ل: برافکنده راه؛ لن: ابا او یکی لشکری کینه‌خواه؛ ق: برفتند تادشت آوردگاه؛ آ: همان نامور لشکر کینه‌خواه؛ لی این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، س، پ، و؛ در س، لن، پ، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و لن، پ، آ پس از آن و ق پس از بیت ۳۳۴ افزوده‌اند:

روان گشته با او چو ابر روان  
 فتاده ازو شور اندر جهان (ق: شوری اندر گوان)

۱۹- ل- ل (و نیز ل، س، آ): نگوسار؛ متن= ف (و نیز لن، آ) ۲۰- پ، ل، آ: ز؛ در س، لن، پ، آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است  
 ۲۱- لن، لی، پ، و: پیروزی؛ در ق آ بیت های ۳۳۴ تا ۳۳۸ درهم ریخته‌اند: ۳۳۴، ۳۳۷، ۹، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۸، ۲۲- ل، و: فرستاد؛ متن= نه دستنویس دیگر بجز ب ۲۳- و: سالار گیتی فروز؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

ز درد پسر ویسه جنگ جوی سوی پارس چون باد بنهاد روی

- ۳۴۰ چُن<sup>۱</sup> از پارس لَشکر<sup>۲</sup> به هامون کشید<sup>۳</sup>  
 ز گرد اندرآمد<sup>۵</sup> درفش سیاه  
 رده برکشیدند از<sup>۸</sup> هر دو روی  
 ز قلب سپه ویسه آواز داد  
 ز قَنُوج تا مرز کاولستان<sup>۱۲</sup>
- ۳۴۵ همه<sup>۱۳</sup> سربسرباڭ در چنگ<sup>۱۴</sup> ماست  
 کجا یافت خواهی تو<sup>۱۷</sup> آرام‌گاه  
 چُنین داد<sup>۱۸</sup> پاسخ که من قارنم<sup>۱۹</sup>  
 نه از بیم رفتم، نه از گفت و گوی<sup>۲۲</sup>  
 چو از کین او دل پرداختم
- ۳۵۰ برآمد چپ و راست گرد سیاه  
 سپه<sup>۲۶</sup> يك به دیگر برآمیختند<sup>۲۷</sup>  
 بر ویسه شد قارن رزمجوی  
 فراوان ز جنگاوران کشته شد  
 چو بر ویسه آمد از<sup>۳۲</sup> اختر<sup>۳۳</sup> شکن
- ز دست چپش لَشکر آمد پدید<sup>۴</sup>  
 سپهدار ترکان<sup>۶</sup> به پیش<sup>۷</sup> سپاه  
 برفتند گردان پرخاشجوی  
 که شد تاج<sup>۹</sup> و تخت بزرگی به باد  
 همان تا در بُست و<sup>۱۱</sup> زاولستان<sup>۱۲</sup>  
 بر<sup>۱۵</sup> ایوان ها نقش نیرنگ<sup>۱۶</sup> ماست  
 از آن پس کجا شد گرفتار شاه  
 گلیم<sup>۲۰</sup> اندر آب روان ننگم<sup>۲۱</sup>  
 به پیش<sup>۲۳</sup> پسر<sup>۲۴</sup> آمدم جنگجوی  
 کنون کین و جنگ<sup>۲۵</sup> ترا ساختم
- نه روی هوا ماند روشن نه ماه  
 چو رود روان خون همی ریختند  
 از<sup>۲۸</sup> ویسه در جنگ برگاشت روی  
 به<sup>۲۹</sup> آورد چون ویسه<sup>۳۰</sup> برگشته<sup>۳۱</sup> شد  
 نرفت<sup>۳۴</sup> از پیش قارن رزم‌زن

۱-ل-ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): چو؛ متن=ف ۲-ل، ق: قارن؛ متن=نه دستنویس دیگر بجز ب ۳-پ: رسید ۴-ق<sup>۲</sup>، پ: آ: زدست (پ: دشت) چپش گردی (ق<sup>۲</sup>: گززی) آمد پدید ۵-ل، ق<sup>۲</sup>، آ: برآمد از آنجا ۶-لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ویسه؛ آ: توران ۷-ف: ویشت؛ (ل<sup>۲</sup>: زپیش)؛ متن=ل-ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۸-ل، س، ق، لی: بر؛ متن=ف، ل، ق<sup>۲</sup>، پ، و، آ، ل ۹-ف: نام؛ متن=ل-ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): در پ بیت های ۳۳۵ تا ۳۴۳ در هم ریخته‌اند: ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۳، ۱۰-ف-ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱-ل، پ: همان نیز غزنین و ۱۲-ف-و، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): زابلستان؛ متن=آ ۱۳-و: جهان ۱۴-لی، آ: دست ۱۵-س، لی: در ۱۶-ل: نقش و نیرنگ؛ ل، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): نقش اورنگ (ل<sup>۲</sup> نخست نقش نیرنگ داشته است)؛ ل<sup>۲</sup>: نیز نیرنگ؛ متن=ف، س، ق ۱۷-ل: کجا جست خواهی از؛ ق پس از این بیت افزوده است:

به ویسه چنین گفت قارن که بس  
 زمانه چو تنگ آمدش کار بود  
 چنین است فرجام گردان سپهر  
 اگر شاه نوذر گرفتار شد  
 شما را همان روز پیش آورد  
 به قارن چنین گفت بدخواه بخت  
 فریب زمانه نگشتست بس  
 ندارد غم و درد و تیمار سود  
 بخواهد برید از تو یکروز مهر  
 نه گردون گردنده بی‌کار شد  
 وزین تیزی او خوی خویش آورد  
 ربود از شما تاج و دیهیم و تخت

۱۸-ق<sup>۲</sup>: یافت ۱۹-ل<sup>۲</sup>: که تا من زرم (!) ۲۰-لی: که سهم ۲۱-ل، س، ل، ق<sup>۲</sup>، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): افکنم؛ ق: بفکنم؛ ل<sup>۲</sup>: فکنم (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن=ف (و نیز ل<sup>۲</sup>) ۲۲-ل: گفت گوی ۲۳-ل، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ: بسوی؛ متن=ف، ل، س، ق، و، ل ۲۴-ل: کینه جوی؛ متن=ف، س-ل<sup>۲</sup> ۲۵-لی: جنگ و بند؛ پ، آ: جنگ و کین؛ و: جنگ و رزم؛ متن=هفت دستنویس دیگر بجز ب؛ ف، و (و نیز ل<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

چنانست فرستم به دنبال اوی  
 که آگه شوی زود از (ل<sup>۲</sup>: ز) احوال اوی  
 ۲۶-س، ل، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ: سبک؛ ل<sup>۲</sup>: همی؛ متن=ف، ل، ق، و ۲۷-ل، ق، و، آ (و نیز ل<sup>۲</sup>): برآویختند؛ ق<sup>۲</sup>: درآویختند؛ متن=ف، س، ل، لی، پ، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۲۸-ل<sup>۲</sup>: از آن ۲۹-ل، ق<sup>۲</sup>: ز؛ ق: بر؛ لی، ل<sup>۲</sup>: در؛ آ: از؛ پ، و این بیت را ندارند؛ متن=ف، ل، س (و نیز س<sup>۲</sup>) ۳۰-ل<sup>۲</sup>: بخت؛ لی: آورد که ویسه ۳۱-ل، لی (و نیز س<sup>۲</sup>): سرگشته؛ متن=ف، س، ل، ق، آ، ل ۳۲-ل، ل، ق، لی، و، آ، ل<sup>۲</sup>: ز؛ پ این بیت را ندارد؛ متن=ف، س، ق ۳۳-آ: قارن ۳۴-ف، ل، س، ل، لی، ل<sup>۲</sup> (و نیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): برفت؛ ق<sup>۲</sup>: بشد؛ متن=ق، و، آ

۳۵۵ بشد ویسه تا پیش<sup>۱</sup> افراسیاب ز درد پسر میژه و رخ پرآب<sup>۲</sup>

### گفتار اندر داستان شماساس<sup>۳</sup>

کسانی که<sup>۴</sup> از شهر ارمان<sup>۵</sup> شدند  
 شماساس<sup>۶</sup> کز<sup>۷</sup> پیش جیحون برفت  
 خزبران<sup>۸</sup> و آن<sup>۹</sup> تیغ زن سی هزار<sup>۱۰</sup>  
 برفتند بیدار تا<sup>۱۱</sup> هیرمند  
 ۳۶۰ ز بهر پدر زال با سوگ و درد  
 به شهر اندرون گرد مهرباب بود  
 فرستاده‌یی آمد از نزد<sup>۱۲</sup> اوی  
 به پیش سراپرده آمد فرود  
 که بیدار دل شاه توران سپاه  
 ۳۶۵ ز ضحاک تازی ست ما را نژاد  
 به<sup>۱۳</sup> پیوستگی<sup>۱۴</sup> جان خریدم همی  
 کنون این سرای<sup>۱۵</sup> نشست من ست  
 به کینه سوی زاولستان<sup>۱۶</sup> شدند  
 سوی سیستان روی بنهاد<sup>۱۷</sup> تفت  
 ز ترکان بزرگان<sup>۱۸</sup> خنجرگزار<sup>۱۹</sup>  
 ابا گرز و با تیغ<sup>۲۰</sup> و بخت<sup>۲۱</sup> بلند<sup>۲۲</sup>  
 به گورابد<sup>۲۳</sup> اندر<sup>۲۴</sup> همی دخمه کرد  
 که روشن روان بود و بی خواب<sup>۲۵</sup> بود  
 به سوی شماساس<sup>۲۶</sup> بنهاد روی  
 ز مهرباب دادش فراوان<sup>۲۷</sup> درود  
 بماناد تا جاودان با کلاه<sup>۲۸</sup>  
 بدین پادشاهی نیم<sup>۲۹</sup> سخت<sup>۳۰</sup> شاد  
 جز آن<sup>۳۱</sup> نیز چاره<sup>۳۲</sup> ندیدم همی  
 همه<sup>۳۳</sup> زاولستان<sup>۳۴</sup> به دست من ست

۱- س، ق، و، آ: تانزد؛ لی: نزدیک؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ل، ن، ق، آ، پ ۲- ل، ق (و نیز ل): مژه کرده پرآب؛ س، ق: دیدگان پرآب؛ ل، لی، پ، آ: دیدگانش پرآب؛ و (و نیز ل): هر دو دیده پرآب؛ (س): مژه و رخ پرآب؛ متن = ف ۳- ف: گفتار اندر داستان شماساس که به زابلستان رفته بود و حیلت کردن شاه مهرباب با او و شکستن او را؛ س: رفتن شماساس و خروران به زابلستان به جنگ زال؛ ل: پیغام مهرباب نزدیک شماساس؛ ق، ق: داستان شماساس و خروران با مهرباب و زال؛ لی: پیغام مهرباب کابل نزد شماساس؛ پ: رسیدن شماساس به زابلستان؛ و: گفتار اندر رسیدن خروران و شماساس به سیستان؛ آ: داستان شماساس و خروران با زال زره؛ ل: صفت شماساسی به زابلستان؛ متن = آغاز ف ۴- ل، س، ل، ن، ق، ق، آ، پ، آ: و دیگر که؛ لی (و نیز ل، آ، س): سپاهی که؛ ل (و نیز ل): دگر آنک؛ و این بیت را ندارد؛ متن = ف ۵- ل، ق: از راه کرمان (ق: زمان)؛ لی: از شهریاران؛ متن = ف، س، ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س): بندند ۶- س: بندند ۷- ف، ل، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س): زابلستان؛ متن = ق (و نیز بنداری) ۸- ل: شماساسی ۹- ق: از ۱۰- ف، ل، پ (و نیز س): بنهاد؛ و؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س): در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۱- ل، آ: خروران؛ س: خرورای؛ ل (و نیز س): خروران؛ ق، ق، آ، و: خروران؛ لی: خروران؛ پ: خروزان؛ (ل، ن): خروشان؛ بنداری: خزیران؛ متن = ف ۱۲- ل، ن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ابا، ل: چو خراوز؛ متن = ف، س، لی (و نیز س، آ): ۱۳- ف: صد هزار؛ متن = ل- ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ، و نیز پیش ازین بنداری: ثلثین ألفا؛ ← بیت ۱۲۵) ۱۴- و: سواران و ترکان؛ ل: ز ترکان و مردان ۱۵- ف، ل: خنجرگزار؛ متن = س- ل (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۶- ف: شادان بر؛ و (و نیز ل، ن، آ): هشیار تا؛ متن = ل- پ، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ): ابا تیغ و با گرز؛ متن = ف، س، لی، ل (و نیز ل، ل، ن، آ) ۱۸- ف، ل، ل، ن، ق، لی، آ، ل (و نیز ل، ل، ن، آ): تخت؛ س، ق، آ: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = پ ۱۹- و (و نیز ل، ن، آ): ابا تیغ و گرز و کمان و کمند ۲۰- ل، ل، ن، و، ل (و نیز ل، ل، ن، آ): گوراب؛ س، لی، پ، آ (و نیز س): گورابه؛ متن = ف، ق، ق، آ؛ بنداری: کورابد (← منوچهر، بیت ۱۵۴۷) ۲۱- و (و نیز ل، ن، آ): دزد در ۲۲- ل: خوش خواب (!)؛ متن = ف، س- ل (و نیز ل، ل، ن، آ)؛ ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد ۲۳- ف: پیش؛ متن = ل- ل (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۲۴- ل: شماساسی ۲۵- ل: مرورا؛ آ این بیت را ندارد ۲۶- ف: با سپاه؛ ق: تا جاودانش کلاه؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۲۷- ف، آ، منم؛ (ل: شدم)؛ متن = ل- و، ب (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۲۸- ل: نیستیم (وزن نادرست است) ۲۹- پ: ز ۳۰- و: پیوند من ۳۱- ل، ن، ق، پ، آ: جزین؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۳۲- ف: چاره دیگر؛ و (و نیز ل، ن، آ): روی چاره؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ) ۳۳- ل، ل، ن، ق، لی (و نیز ل، ل، ن، آ): سرای؛ و؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ، س، آ): همان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، ن، آ) ۳۵- ف، س، ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ل، ن، آ): زابلستان؛ و: کابلستان؛ متن = ل، ق (و نیز س، آ)

از ایدر چو دستان بشد سوگوار<sup>۱</sup>  
 دلم شادمان شد<sup>۳</sup> به<sup>۴</sup> تیمار اوی<sup>۵</sup>  
 ۳۷۰ زمان خواهم از نامور پهلوان  
 یکی مرد بینادل<sup>۹</sup> پُر شتاب  
 مگر کز<sup>۱</sup> نهان من آگه شود  
 نثاری<sup>۱۳</sup> فرستم<sup>۱۴</sup> چنان چون سزاست  
 گر ایدونک<sup>۱۸</sup> گوید بنزد<sup>۱۹</sup> من آی  
 ۳۷۵ همه پادشاهی سپارم بدوی  
 تن پهلوانان<sup>۲۳</sup> ندارم<sup>۲۴</sup> به رنج  
 ازین سر<sup>۲۷</sup> دل<sup>۲۸</sup> پهلوانان<sup>۲۹</sup> بیست<sup>۳۰</sup>  
 نوندی برافگند نزدیک زال  
 به دستان بگوی<sup>۳۴</sup> آنچ<sup>۳۵</sup> دیدی ز<sup>۳۶</sup> کار  
 ۳۸۰ که دو پهلوان آمد ایدر به جنگ  
 چو<sup>۳۹</sup> لشکرگشن<sup>۴۰</sup> بود بر هیرمند  
 اگر زآمدن<sup>۴۲</sup> دم زنی یک زمان  
 فرستاده نزدیک دستان رسید  
 سُوی گرد مهرباب بنهاد روی  
 ۳۸۵ چو مهرباب را پای بر جای دید

ز بهر ستودان سام سوار<sup>۲</sup>  
 برآنم که هرگز نبینمش روی<sup>۶</sup>  
 بدان تا فرستم هیونی<sup>۷</sup> دوان<sup>۸</sup>  
 فرستم بنزدیک افراسیاب  
 سخن های گوینده<sup>۱۱</sup> کوتاه شود<sup>۱۲</sup>  
 جز آن<sup>۱۵</sup> نیز هرچ<sup>۱۶</sup> ازدر<sup>۱۷</sup> پادشاست  
 جز از<sup>۲۰</sup> پیش تختش نباشم به پای<sup>۲۱</sup>  
 همیشه دل ارمیده دارم بدوی<sup>۲۲</sup>  
 فرستم<sup>۲۵</sup> هرگونه آگنده<sup>۲۶</sup> گنج  
 وزان سر<sup>۳۱</sup> سُوی<sup>۳۲</sup> چاره یازید دست<sup>۳۳</sup>  
 که پرنده شو، بازکن پُر و بال  
 بگوش که از آمدن سر مخار  
 ز<sup>۳۷</sup> ترکان سپاهی چو دشتی<sup>۳۸</sup> پلنگ  
 به دینارشان<sup>۴۱</sup> پای کردم به بند  
 برآید همی کامه ی بدگمان  
 بکردار آتش دلش<sup>۴۳</sup> بردمید  
 همی تاخت بالشکری<sup>۴۴</sup> جنگجوی  
 به سرش<sup>۴۵</sup> اندرون دانش و رای دید

۱- ق: ۲: سام سوار ۲- ق: ۱: بشد سوگوار ۳- لن، ل: ۲: بد ۴- ق، ق: ۲: ز ۵- ق: ۱: او ۶- ق: ۱: رو ۷- لن، پ: سواری ۸- لن، پ، آ: دمان؛  
 ق: ۱: و، روان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- ل: دل و ۱۰- ف: زین؛ لن: از؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۱- و (و نیز  
 لن، آ): دیرینه ۱۲- ف: چون بشنود؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، س، آ) ۱۳- ق، ق، آ: ب: بیاری ۱۴- ق: بیایم ۱۵- ل، ق، پ: جزین؛ ق: ۲:  
 چنان؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۶- لن: < هرچ > (وزن نادرست است) ۱۷- لن: کز در (وزن نادرست است) ۱۸- لی، آ، ل: ایدونکه  
 ۱۹- ل: ۲: که نزد ۲۰- ق: چنان ۲۱- و: شوم پیش تختش بیاشم پای ۲۲- ف: دلم ارمیده ندارم بدوی؛ ل، ق: همیشه دلی شاد دارم بدوی؛ س،  
 لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: دل خویش را شاد (س، لی: رام) دارم بدوی؛ و (و نیز لن، آ): دلی (لن، آ: دل) خرم و رام دارم بدوی؛ ل، آ (و نیز س، آ): همیشه دل  
 آرمده (س، آ: ارمیده) دارم بدوی (وزن نادرست است)؛ (ل: همیشه دل آرام دارم بدوی)؛ متن = ل، آ، س، آ پس از تصحیح آرمده و ارمیده به ارمیده  
 ۲۳- ل، س، لن، ق، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، آ): پهلوان را؛ و: تن از پهلوانی؛ متن = ف، ق، ل، آ (و نیز لن، آ) ۲۴- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز  
 ل، س، آ): نیارم؛ متن = ف، ق، و، ل، آ (و نیز لن، آ) ۲۵- ل، آ: فرستم ۲۶- ق: آ: آگنده هرگونه؛ لی: هرگونه بسیار؛ و: ز هرگونه آگنده ۲۷- ل- ق،  
 لی- ب (و نیز ل، لن، س، آ): سو؛ ق: آ: سان؛ متن = ف ۲۸- ف: سُوی؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، س، آ) ۲۹- ل- پ، آ (و نیز ل، آ): پهلوان  
 را؛ متن = ف، و، ل، آ، ب (و نیز لن، س، آ) ۳۰- س: برنج ۳۱- ل، ق، ل، آ: در؛ لن، ق، آ، لی، و، آ (و نیز ل، س، آ): سو؛ ب (و نیز لن، آ): سُوی؛  
 متن = ف ۳۲- لن، پ، ب: بر؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، لی، و (و نیز لن، س، آ) ۳۳- آ، ل: بچاره بیازید دست؛ س: سپارم درین چارسوی سپنج (!)؛  
 پ پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام مهرباب به دستان به مدد خواستن ۳۴- ل، ق، و، ل، آ: بگو؛ ف این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس دیگر  
 ۳۵- ق- ب: آنچه؛ متن = ل، س، لن ۳۶- ل، و، ل، آ: به؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۳۷- لی: چو ۳۸- پ: پشت؛ و:  
 جنگی ۳۹- ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، آ: ب: دو؛ متن = ف، س، ق، و (و نیز لن، س، آ) ۴۰- ل- ب (و نیز ل، لن، س، آ): کشیدند؛ متن = ف ۴۱-  
 ل: به دیدارشان؛ و (و نیز لن، آ): به گفتارشان؛ (ل: به دستانشان)؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز س، آ) ۴۲- ل، ق، ق، آ، پ: گر از آمدن؛ متن =  
 هشت دستنویس دیگر ۴۳- ب: همی ۴۴- ف، پ، ل، آ، ب: لشکر؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، لن، س، آ) ۴۵- س، لی: به دلش

چه پیشم خزبران<sup>۳</sup>، چه يك مشت خاك  
پسندیده باید همه<sup>۴</sup> کار کرد  
یکی دست یازم بدیشان<sup>۵</sup> به خون  
دل آکنده و کینه‌ساز آمدم

یکی<sup>۷</sup> تیر برسان<sup>۸</sup> نرد<sup>۹</sup> درخت  
خندگش<sup>۱۱</sup> به چرخ اندرون راند راست<sup>۱۱</sup>  
برآمد خروشیدن دار و گیر<sup>۱۲</sup>  
بدان<sup>۱۴</sup> تیر کردند هرکس نگاه  
نراند چنین<sup>۱۵</sup> در کمان تیر<sup>۱۶</sup> کس  
نکردی<sup>۲۰</sup> چنین نرم گردن<sup>۲۱</sup> به چیز<sup>۲۲</sup>  
نه از زال بودی بدین روز<sup>۲۳</sup> رنج  
نه آهرمن ست و نه از آهن ست<sup>۲۷</sup>

به دل<sup>۱</sup> گفت کاکنون<sup>۲</sup> ز لشکر چه باك  
به مهرباب گفت: ای هُشیوار مرد  
کنون من شوم در شب تیره‌گون  
شوند آگه از من که بازآمدم

۳۹۰ کمانی به بازو درافگند<sup>۳</sup> سخت  
نگه کرد تا جای گردان کجاست  
بینداخت سه جای سه چوبه تیر  
چو شب روز گشت<sup>۱۳</sup> انجمن شد سپاه  
بگفتند کین تیر زال ست و بس  
۳۹۵ شماساس گفت ار<sup>۱۷</sup> خزبران<sup>۱۸</sup> بنیز<sup>۱۹</sup>  
نه مهرباب ماندی، نه لشکر، نه گنج  
خزبران<sup>۲۴</sup> چنین<sup>۲۵</sup> گفت کین<sup>۲۶</sup> يك تن ست

۱- ف، ل، ق، آ، ب (و نیز ل، س، ق، لی، پ، و، ل، آ، ب: اکنون؛ متن = ل، س، ق، ق، آ،  
آ ۳- ف: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل: خرووان؛ س، و (و نیز س، آ): خرووان؛ ل، ق، ق، آ، ب: خرووان؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز ل، آ):  
خرووان؛ آ: خرووان؛ ل: خراوازا؛ (ل: خرووان)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنگه سوی شهر بنهاد روی چو آمد به شهر اندرون نام جوی  
۴- ل، و (و نیز ل، آ، س، آ): پسندیده اندر همه؛ س، ل، ق، لی، پ، آ، ب: پسندیده آید ز تو؛ ل: پسندیده آمد همه؛ متن =  
۵- ف، ل، س، ل، ق، آ، ب: بریشان؛ متن = ف، ق، لی، ل، آ، ب: کمانی بیاورد و افکند ۷- و: بسی؛ ل: همه ۸-  
ل: تیره‌هایش چو (!) ۹- ل، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): شاخ؛ ب: شاخی؛ متن = ف، ل، آ، ب: خدنگی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-  
لی: اندرون گشت راست؛ آ: اندر آورد راست؛ ل: اندرون رواست (!) ۱۲- بنداری: فلما قرب من معسكر الأتراك رمی بثلاثة أسهم الی وسط  
خیامهم. فوق فیهم الاضطراب، و علت منهم الأصوات ۱۳- ل: شد ۱۴- ل، آ، ب: بران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- ل، آ، ب: جزا ۱۶- س،  
ل، ق، آ، لی، پ، ب: هیچ؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل ۱۷- ق: ای؛ آ: از ۱۸- ف: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، آ: خرووان؛ س: خرورای؛  
ل، و (و نیز س، آ): خرووان؛ ق، ق، آ، ب: خرووان؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز س، آ): خرووان؛ (ل: خرووان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- ف،  
ل: سیز (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س: سر (نقطه ندارد)؛ ل: سر (نقطه ندارد)؛ ق، ق، آ، تیز؛ لی: <بنیز> (وزن و پساوند ندارد)؛ و: بجیز؛  
ب (و نیز س، آ): بتیز؛ متن = پ (به نیز)؛ ل: شماسای گفتا بخرازا نیز (!) ۲۰- ف: ندیدی؛ ق، پ: بگشتی؛ ل: بکردی؛ متن = هشت دستنویس  
دیگر ۲۱- ف: رزم کردن؛ ل: گرم کردن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- و: به نیز ۲۳- ف: رزم؛ لی، ل، آ: گونه؛ و: غم و درد؛ متن = هشت  
دستنویس دیگر؛ ل، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: نودی مگر او چنین رزم خواه که سازند بر ما کنون کینه‌خواه  
ل: نبود مگر کام فرخنده‌شاه شده چیره بر رزم و بر کینه‌خواه

۲۴- ف: خزبران (حرف سوم نقطه ندارد)؛ ل، آ: خرووان؛ س: خرووا؛ ل، ق، ق، آ، و، ب (و نیز س، آ): خرووان؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز  
ل، آ): خرووان؛ ل: خراوان؛ (ل: خرووان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- پ: بدو ۲۶- ل: کو؛ ب: <گفت کین> (وزن ندارد)؛ متن = ده  
دستنویس دیگر ۲۷- س: نه آهن تن است (پساوند ندارد)؛ و: نه از آهنست و نه اهریمنست؛ متن = ده دستنویس دیگر

توا از جنگ او دل مدار ایچ تنگ  
 چو خورشید تابان ز گنبد<sup>۵</sup> بگشت  
 ۴۰۰ به شهر اندرون کوس با کره<sup>۶</sup> نای  
 برآمد<sup>۷</sup> سپه را به هامون کشید  
 سپاه اندرآورد<sup>۹</sup> پیش سپاه  
 خزیران<sup>۱۲</sup> دمان با عمود و سپر<sup>۱۳</sup>  
 عمودی بزد بر بر<sup>۱۵</sup> روشنش  
 ۴۰۵ چو شد تافته<sup>۱۷</sup> شاه زاولستان<sup>۱۸</sup>  
 یکی گبر<sup>۲۰</sup> پوشید زال دلیر  
 بدست اندرون داشت گرز پدر  
 بزد بر سرش گزهی گاورنگ

هرآنگه که آرم<sup>۲</sup> مرو را<sup>۳</sup> به چنگ<sup>۴</sup>  
 خروش تبیره برآمد ز دشت  
 خروشیدن زنگ و هندی درای<sup>۷</sup>  
 سراپرده و پیل بیرون کشید  
 شد از دور<sup>۱۱</sup> هامون چو کوهی<sup>۱۱</sup> سیاه  
 یکی تاختن کرد بر<sup>۱۴</sup> زال زر  
 گسسته<sup>۱۶</sup> شد آن نامور جوشنش  
 برفتند گردان کاولستان<sup>۱۹</sup>  
 به جنگ اندرآمد بکردار شیر  
 سرش گشته پر خشم و پر خون جگر<sup>۲۱</sup>  
 زمین شد ز خون همچو<sup>۲۲</sup> پشت پلنگ

۱- آ: نه ۲- پ: آیم؛ لی (و نیز س): هم اکنون بیارم؛ (ل: بدانگه که آرم) ۳- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، س): من اورا؛ متن= ف ۴- و (و نیز لن): که اورا به مردی من آرم بچنگ؛ لی پس از این بیت افزوده است:

نمانم ورا زنده بر پشت زین همان نامداران ایران زمین  
 برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر نبرد کردن زال با شماساس و خزیران و کشتن خزیران و کلبدارا و هزیمت شدن ترکان؛ لن، ق، آ، لی، پ: رزم (ق: جنگ) زال با شماساس و خروزان (ق: خزوران ترك؛ لی: خراوران؛ پ: خرووران)؛ آ: رزم کردن نوذر با شماساس؛ ل: جنگ خراوران با زال و رفتن از پیش وی؛ ب: رزم زال با خزوران ۵- ل، لن، ق، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س): بالا؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، پ؛ آ این بیت را ندارد ۶- ف، ل، پ: کر نای ۷- ل: بوق و زرین درای ۸- لن، پ، ب: بیامد؛ و: سپهد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۹- لن، پ، و، آ، ب: اندرآمد به؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۰- ف: آن رود (→ آن روی؟ یا: از دور؟ یا: از گرد؟)؛ س- پ، آ، ب (و نیز ل، س): از گرد؛ متن= و، ل (و نیز لن) ۱۱- س، ق، لی، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س): کوه؛ لن، پ (و نیز ل): ابر؛ ق: گرد؛ ل: میغ؛ متن= ف؛ ل: چو هامون شد از گرد کوه سیاه ۱۲- ف (و نیز بنداری): خزیران؛ ل: خرووران؛ س: خرورا؛ لن، ق، آ (و نیز س): خرووران؛ ق، و، ب: خزوران؛ لی: خراوران؛ پ (و نیز لن): خروزان؛ آ: خزوران؛ ل: خرازان؛ (ل: خروزان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- آ: تبر؛ ب: خزوران عمودش بدست و سپر ۱۴- ق: با ۱۵- ب: سر ۱۶- لن، پ، آ، ب: شکسته؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل: تاخته ۱۸- ف، ل، لن، آ، ب (و نیز ل، آ، س): زابلستان؛ س، ل: کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- ف، ل، لن، آ، ب (و نیز ل، آ، س): کابلستان؛ س: زابلستان؛ ل: زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: فتقدمت الفرسان الزاولیه ۲۰- ل، ق، لی، پ (و نیز س): درع؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س)؛ پ پس از این بیت دو بیت افزوده است (← پ ۲۱) ۲۱- ل: و کین در جگر؛ ق: سرش گشت پر خشم و دل بر حذر (!)؛ ل پس از این بیت چهار بیت، ل: تنها دو بیت نخستین را، ق: تنها سه بیت نخستین را پس از بیت سپین، پ: دو بیت نخستین را پس از بیت سپین و بیت های سوم و چهارم را پس از بیت پیشین افزوده اند:

خروشان(ق): خزوران؛ پ: خروزان؛ ل: خراوران) بیامد همان کینه خواه

چو شیری (پ، ل: شیر) خروشان به پیش سپاه  
 به جنگ اندرون همچونان شرزه شیر  
 هم آنگه برآمد خزروان بگرد(پ: خروزابگرد؛ ل: خرازان چوگرد)  
 که بشکست آن کوه آهن تنش  
 هم آنگه برون رفت زال دلیر  
 چو دستان برانگیخت گرد نبرد  
 یکی گرز زد زال بر گردنش  
 ق بجای بیت چهارم و ب بجای این چهار بیت افزوده اند:  
 به گرد اندرون (ب: دمنده چنان) در خزوران رسید  
 برافراشت (ق: برآشت) و آن گرز را چون سزید  
 ۲۲- لن، لی، پ، و: ز خونس چو؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ ق، پ پس از این بیت هائی افزوده اند (← پ ۲۱)؛ و پس از این بیت افزوده است:

خرووران شد از کینه و جنگ سیر هم آنگه برانگیخت زال دلیر

۴۱۰ بیفگند و بسپرد وزو درگذشت<sup>۱</sup>  
 شماساس را خواست<sup>۲</sup> کاید برون  
 به گرد<sup>۳</sup> اندرون یافت<sup>۴</sup> گلباد را  
 چو شمشیرزن گرز<sup>۵</sup> دستان بدید  
 کمان را به زه کرد زال سوار<sup>۶</sup>  
 بزد بر کمر بند<sup>۷</sup> گلباد بر<sup>۸</sup>  
 ۴۱۵ میانش ابا<sup>۹</sup> کوهی زین بدوخت  
 چو این<sup>۱۰</sup> دو سرافگنده شد در نبرد  
 شماساس<sup>۱۱</sup> و آن<sup>۱۲</sup> لشکر رزم ساز  
 پس اندر دلیران زاولستان<sup>۱۳</sup>  
 چنان شد<sup>۱۴</sup> ز بس کشته آوردگاه<sup>۱۵</sup>  
 ۴۲۰ سوی شاه ترکان نهادند سر<sup>۱۶</sup>  
 شماساس<sup>۱۷</sup> چون در بیابان رسید  
 که از لشکر ویسه برگشته بود  
 [بهم بازخوردند هر دو<sup>۱۸</sup> سپاه  
 بدانست قارن که ایشان کیند<sup>۱۹</sup>

ز پیش سپاه اندرآمد به دشت  
 نیامد برون، کهش نجوشید خون  
 به گردن برآورده<sup>۲۰</sup> پولاد<sup>۲۱</sup> را  
 همی کرد ازو<sup>۲۲</sup> خویشتن ناپدید  
 خدنگی بدوی<sup>۲۳</sup> اندرون راند خوار<sup>۲۴</sup>  
 بران<sup>۲۵</sup> بند<sup>۲۶</sup> زنجیر پولاد<sup>۲۷</sup> بر<sup>۲۸</sup>  
 سپه را به گلبادبر<sup>۲۹</sup> دل بسوخت  
 شماساس<sup>۳۰</sup> شد بی<sup>۳۱</sup> دل و روی زرد  
 پراگنده از رزم گشتند باز<sup>۳۲</sup>  
 برفتند با شاه کاولستان<sup>۳۳</sup>  
 که گفستی<sup>۳۴</sup> جهان تنگ شد بر سپاه  
 گشاده<sup>۳۵</sup> سلیح<sup>۳۶</sup> و گسسته کمر<sup>۳۷</sup>  
 ز ره قارن کاوه آمد پدید  
 به خواری<sup>۳۸</sup> گرامیش را کشته بود  
 شماساس<sup>۳۹</sup> با قارن کینه خواه  
 ز زاولستان<sup>۴۰</sup> تافته<sup>۴۱</sup> بر چیند<sup>۴۲</sup>

۱- ب: برگذشت ۲- لن، لی، پ: شماساس میخواست؛ ل: شماسای برخواند ۳- لی: بجنگ ۴- س، لن، ق، لی، آ، ب: دید؛ ل: رفت؛ متن= ف، ل، ق، پ، و (و نیز ل، لن) ۵- لی، پ، و: برآورد ۶- ف: کوپال (پساوند ندارد)؛ لن: فولاد؛ ب: بگرد اندرون دید کلباد (!)؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بگردن برآورد آن گرز را همی تا زند بر تن برز را  
 ۷- س، ق، آ، و: آ، گرد؛ لن، پ: چو آن گرز و شمشیر؛ متن= ف، ل، ق، لی، ل، آ، ب ۸- لن: مر؛ آ: از؛ و: همی خواست کزوی؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ل، پ، ل پس از این بیت افزوده اند:

بیامد برش گرد کلباد زود همی خویشتن را به مردی ستود  
 لن، ق، آ، ب (و نیز س) بجای بیت بالا و پ پس از بیت ۴۱۶ افزوده اند:

گریزان شماساس و گردان همه پراکنده چون روز باران (آ: روزبانان) رمه  
 این بیت ها در ف، س، ق، لی، و (و نیز ل، لن) نیست ۹- لی: دلیر ۱۰- ل: برو؛ س- آ، ب (و نیز ل، لن، س): بدو؛ متن= ف ۱۱- لی: حمر (نقطه ندارد)؛ ل: خدنگی براند اندران نابکار؛ ب در اینجا سرنویس دارد: رزم زال یا کلباد ۱۲- س، ق، آ، ب: کمرگاه؛ متن= نه دستنویس دیگر  
 ۱۳- ل: آ: را ۱۴- ف، لی (و نیز ل): بدان؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن، س) ۱۵- س- ب (و نیز ل، لن): بندو؛ متن= ف، ل (و نیز س) ۱۶- لن، لی: فولاد ۱۷- پ، ل: را (پ ساوند ندارد) ۱۸- ق: ابر؛ ل: میان رانش با؛ و: کمرگاه با؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۹- ل: آ: را ۲۰- آ: آن ۲۱- ل: شماسای ۲۲- ل، ق، و: بد؛ ب این بیت را ندارد؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، س)؛ پ پس از این بیت يك بیت افزوده است (← ۴۱۲ پ) ۲۳- ل: شماسای ۲۴- ف: این؛ متن= ل- ب (و نیز لن، س) ۲۵- ل: پراکنده گشتند و گشتند باز ۲۶- ف، س- ب (و نیز ل، لن، س): زابلستان؛ متن= ل ۲۷- ف- ب (و نیز ل، لن، س): کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- لن: <شد> (وزن ندارد) ۲۹- ل: در رزمگاه؛ ق: آن رزمگاه؛ متن= ده دستنویس دیگر ۳۰- لی: گیتی ۳۱- لن: روی ۳۲- ق: فکنده ۳۳- س، پ، آ: سلاح؛ متن= نه دستنویس دیگر ۳۴- لن: گلوی ۳۵- ل: شماسای؛ لن این بیت را ندارد ۳۶- ق، آ: بزاری ۳۷- لن، ق، آ، لی، آ، ل، ب: باز خورد آن (ل: این) دوباره؛ و (و نیز لن): باز خورد این دو جنگی؛ متن= ل، ق، پ (و نیز ل، س) ۳۸- ل: شماسای؛ ف، س این بیت را ندارند؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳۹- س، ق، لی، پ، و: آ: که اند؛ متن= ف، ل، لن، ق، ل، آ، ب ۴۰- ف، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، لن): زابلستان؛ متن= ل، ق، و (و نیز س، بنداری) ۴۱- ل، لی، و: ساخته؛ س، لن، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، لن): تاخته؛ پ (و نیز س): تاختن؛ متن= ف ۴۲- س، ق، لی، پ، و، آ، ل: چه اند؛ متن= ف، ل، لن، ق، ب؛ بنداری؛ ف عرفهم و علم انهم منزه مون من زاولستان؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

۴۲۵ بزد نای روین و بگرفت راه  
بدین<sup>۲</sup> لشکر خسته و بسته<sup>۳</sup> خورد<sup>۴</sup>  
گریزان شماساس با چند مرد

به پیش سپاه اندرآمد سپاه<sup>۱</sup>  
به خورشید تابان برآورد گرد  
برفتند<sup>۵</sup> از آن تیره گرد نبرد

سوی شاه ترکان<sup>۷</sup> رسید آگهی  
دلش گشت پر آتش از<sup>۱</sup> درد و غم  
برآشفت و<sup>۱۲</sup> گفتا که نوذر کجاست

۴۳۰ سپهدار<sup>۱۵</sup> نوذر چو آگاه شد  
سپاهی پر از غلغل و گفت و گوی<sup>۱۶</sup>  
گرفتند<sup>۱۷</sup> بازوش با بند و تنگ<sup>۱</sup>

کزان<sup>۸</sup> نامداران جهان<sup>۹</sup> شد تهی  
دو رخ را به<sup>۱۱</sup> خون جگر داد نم  
کز ویسه خواهد همی<sup>۱۳</sup> کینه خواست<sup>۱۴</sup>  
بدانست کهش روز کوتاه شد  
سوی شاه نوذر نهادند روی  
کشیدندش از جای<sup>۱۹</sup> پیش نهنگ<sup>۱</sup>

۱- آ: سپاه اندرآمد به پیش سپاه ۲- ل: از آن؛ س، لی، و: برین؛ لن، پ: بدان؛ ق، ل: ازین؛ ق، آ، ب: بران؛ متن= ف ۳- س، و، ل: بسته و خسته؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بسته خسته؛ ق: خسته بسته؛ متن= ف، ل ۴- ل، ق، ل: مرد؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ)؛ ف، و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بسی را ببست و بسی را بخشست  
بسی را به گرز گران کرد پست

۵- ل: بجستند ۶- و: همی تاخت دلخسته برسان گرد ۷- لی: توران ۸- لن، پ، ل: که از ۹- و: زمین؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند: ف: گفتار اندر آگه شدن افراسیاب از شکستن لشکر بزاول و کشتن شاه نوذر را و اسیران را؛ ق: گفتار در کشتن نوذر بحکم افراسیاب؛ لی، و، آ: کشته شدن نوذر (و: شاه نوذر) بر (آ: از) دست افراسیاب؛ پ: آگاه شدن افراسیاب از کار لشکر؛ ب: کشتن افراسیاب نوذر را ۱۰- س، و، آ، ب: و؛ لن، ق، آ، لی، پ، ل: < از >؛ متن= ف، ل، ق ۱۱- ب: ز؛ لن، ق، آ، پ، آ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند (پ بیت سوم را ندارد):

چنین گفت کین (لن: پس) نوذر تاج دار  
به زندان و یاران من کشته زار (ق: آ: خوار)  
آ: بریدش بزاری سوی کشته‌زار

چه چاره است جز خون او ریختن  
اگر چرخ گردان کشد زین تو

۱۲- ق، لی: < و > ۱۳- پ: < همی > (وزن ندارد) ۱۴- و: عذر خواست؛ س: کزو کینه خواهد همی ویسه خواست؛ ل، لی، و، ل: پس از این بیت دو بیت و پ تنها بیت دوم را افزوده‌اند:

چه چاره است جز خون او ریختن  
به دژخیم فرمود کورا (لی: که او را) کشان (لی، ل: آ: بیان)

یکی کینه (لی: کینه بر؛ و: کینه از) نو برانگیختن  
بیر تا بیاموزد او (پ، و: بیاموزدش) سرفشان  
لی، ل: آ: بدان تا بیاموزدش کارزار

ف، س، ق این بیت ها و بیت های پ ۱۱ را ندارند، ولی در ل، آ، لن، آ، س نیز آمده‌اند و بنداری نیز بیت نخستین پ ۱۱ را داشته است: و قال: کیف أبقی نوذر حیا و قد قتل أعیان امرائی و وجوه قوادی؟ ۱۵- آ: شهنشاه؛ ق این بیت را ندارد ۱۶- ل، ب: گفت گوی ۱۷- ل، لی (و نیز س، آ): بیستند؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ) ۱۸- ل، س، لن، ق، ق، آ، ب (و نیز ل، آ): با بند تنگ؛ لی (و نیز س، آ): برسان سنگ؛ و (و نیز لن، آ): بازور تنگ؛ ل: آ: را بسته تنگ؛ متن= ف؛ پ: گرفتندش بازوی همچون پلنگ (وزن نادرست است) ۱۹- آ: از پای؛ ل: آ: از جا به ۲۰- لن: همچون نهنگ؛ پ: با بند تنگ؛ ل، ق، ق، آ، لی، پ، آ، ل (و نیز ل، آ، س) پس از این بیت و لن، ب پیش از این بیت افزوده‌اند:

بدشت آوردندش ازخیمه‌خوار (آ: زار؛ لی: آسیمه‌وار؛ ل: آ: آسیمه‌خوار)

برهنه سروپای و برگشته کار  
ف، س، و (و نیز لن، آ) این بیت را ندارند، ولی گویا بنداری آنرا داشته است: فبأدر جماعة الى الخیمة التي كان فيها محبوسا و أخرجوا ذلك الملك المتوجح حاسرا یرسف فی أصفاده و قیوده؛ لی، ل، آ پس از بیت بالا يك بیت دیگر هم افزوده‌اند:

ابر شاه نوذر رد افراسیاب  
برافکننده دیده دلی پر شتاب

برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: کشتن افراسیاب نوذر را؛ ق: کشته شدن نوذر و پادشاهی افراسیاب دوازده سال بود؛ ل: کشته شدن نوذر بر دست افراسیاب



۴۳۵ چو از دور دیدش زبان برگشاد  
بدو<sup>۲</sup> - گفت - هر بد که آید<sup>۳</sup> سزاست<sup>۴</sup>  
بزد گردن نوذر<sup>۵</sup> تاجدار<sup>۶</sup>  
پس از<sup>۷</sup> یادگار منوچهر شاه

۴۴۰ ای<sup>۱۱</sup> دانشی مرد بسیار هوش  
که تخت و کله چون تو بسیار دید  
رسیدی به جایی که بشتافتی  
چه خواهی<sup>۱۶</sup> ازین<sup>۱۷</sup> تیره خاک نژند  
اگر<sup>۱۹</sup> چرخ گردان کشد زین تو

پس آن بستگان<sup>۲۱</sup> را کشیدند خوآر<sup>۲۲</sup>  
پس<sup>۲۵</sup> اغریرت<sup>۲۶</sup> آمد<sup>۲۷</sup> به خواهشگری  
که چندین<sup>۳۰</sup> سرافراز<sup>۳۱</sup> و گرد<sup>۳۲</sup> سوار  
گرفتار<sup>۳۵</sup> کشتن نه والا بود

همه چادر<sup>۱۱</sup> آزمندی<sup>۱۲</sup> میپوش  
چنین<sup>۱۳</sup> داستان چند خواهی شنید<sup>۱۴</sup>  
سرآمد<sup>۱۵</sup> کزو آرزو یافتی  
که هم باز گرداندت<sup>۱۸</sup> مستمند  
سرانجام خشتست<sup>۲۰</sup> بالین تو

به جان خواستند آنگهی<sup>۲۳</sup> زینهار<sup>۲۲</sup>  
بیاراست<sup>۲۸</sup> با نامور داوری<sup>۲۹</sup>  
نه با ترگ<sup>۳۳</sup> و جوشن، نه در<sup>۳۴</sup> کارزار  
نشیبست<sup>۳۶</sup> جایی که بالا بود

۱- ل، لن، ق، ق، آ، پ- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س) پس از این بیت افزوده اند:

ز تور و ز سلم (لن، پ، آ، ب: زسلم و زتور) اندرآمد نخست  
دل و دیده از شرم شاهان بشتست  
ف، س، لی این بیت را ندارند، و در ترجمه بنداری هم چیزی از آن نیست ۲- ف، ق، آ: بتو؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۳- ب:  
یابد ۴- لن، پ، آ، ل، ب: رواست؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۵- ب لت دوم این بیت را انداخته است ۶- ل، و، ل، آ: خسرو؛ متن= نه دستنویس  
دیگر ۷- لن، پ: شهریار؛ ق، آ، ب: نامدار؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۸- ل- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س): شدان؛ متن= ۹- ل، س، ق، آ، پ،  
و، آ، ل، آ (و نیز ل، آ، لن، آ): ز؛ ب: تهی ماند از ایران و؛ متن= ف، ق، لی (و نیز س) ۱۰- و: توای؛ ل، آ: ابا ۱۱- ب: جامه ۱۲- پ: ارجمندی  
۱۳- و: ازین ۱۴- س، لی: نخواهد همی با کسی آرمید؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ق، آ: برآمد؛ درل این بیت با  
بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۶- ل، س، ق، لی، پ، و، ب: چه جویی؛ ل، آ: چه گویی؛ متن= ف، لن، ق، آ، ۱۷- ق: درین ۱۸- لن: باز  
گردد ترا ۱۹- ل: که گر ۲۰- ل: خاکست؛ در س، لن، ق، آ، ب این بیت پس از بیت ۴۲۹ آمده است؛ در و بیت های ۴۳۹ تا ۴۴۲ درهم ریخته اند:  
۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۰، ۴۳۹؛ ف در اینجا سرنویس دارد: آغاز داستان؛ ف، و (و نیز لن) پس از بیت ۴۴۲ افزوده اند:

بساکس (و، لن، آ: کسان) کز ایران اسیران بدند همه پهلوانان و میران بدند  
۲۱- ل، لن: کشتگان؛ ل، آ: بندیان ۲۲- لن: برفتند خوآر؛ و: کشیدندشان بسته و خوآرزار ۲۳- س، ق، لی، آ، ل، آ، ب: يك بيك؛ لن، پ: هریکی؛  
متن= ف، ل ۲۴- ق، آ: نه با ترگ و جوشن نه با کارزار (= ۴۴۵ ب)؛ و: همی خواست هریک بجان زینهار؛ ل، ق، آ پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت  
یکم را افزوده اند:

چو اغریرت (ق، آ: اغریرت) پرهنر آن بدید

دل او بر در چو آتش دمید (ق: دل او چو آتش بهم بردمید؛ ق، آ: دل او برش چون کبوتر طپید)

همی (ق، آ: کنون) گفت چندین سربی گناه ز تن دور مانند (ق، آ: مانده) به فرمان شاه  
۲۵- س، لن، لی، پ، آ، ب: چو؛ متن= ف، و، ل، آ ۲۶- لی، و، آ، ل، آ (و نیز لن، آ، بنداری): اغریرت؛ متن= ف، س، لن، پ، ب (و نیز س) ۲۷-  
ل، ق، ق، آ (و نیز ل، آ): بیامد خروشان ۲۸- آ: برآراست ۲۹- ق، آ: مهتری ۳۰- س، لی: که این صد ۳۱- ل، پ، آ، ب (و نیز ل، آ): < و >  
؛ آسرا نراز؛ متن= ف، و (و نیز لن، آ، س) ۳۲- لی، ل، آ: < و > ۳۳- ف: خود؛ متن= ل- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۳۴- ل، ق، آ، ل، آ (و نیز ل، آ):  
با؛ و: و با جوشن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز س)؛ و پس از این بیت افزوده است:

ستم یافته نه ستمکاره اند همه بیگناهند و بیچاره اند

۳۵- ل، آ: اسیرند و ۳۶- لی: نشتست

سَزَد گر نباشد<sup>۱</sup> به جانشان گزند  
 بریشان<sup>۳</sup> یکی غار<sup>۴</sup> زندان<sup>۵</sup> کنم  
 به ساری به زاری<sup>۶</sup> برآرند هوش  
 ۴۵۰ بیخشید جانشان<sup>۹</sup> به گفتار<sup>۱۰</sup> اوی  
 سپاری همیدون به منشان<sup>۲</sup> به بند  
 نگه‌دارشان<sup>۶</sup> هوشمندان کنم  
 تو از خون بکش دست و چندین مکوش<sup>۸</sup>  
 چو بشنید با درد<sup>۱۲</sup> پیگار<sup>۱۳</sup> اوی<sup>۱۱</sup>  
 به غلّ و به مسمار و زاری<sup>۱۵</sup> برند

### گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین<sup>۱۶</sup>

ز پیش دهستان سُو ری کشید  
 کلاه کیانی به سر برنهاد  
 به گسته<sup>۲۳</sup> و طوس آمد این آگهی  
 ۴۵۵ به شمشیر تیز آن سر تاجدار<sup>۲۴</sup>  
 بکنند موی<sup>۲۸</sup> و شخوند<sup>۲۹</sup> روی<sup>۳۰</sup>  
 سر سرکشان گشت پر درد و خاک<sup>۳۴</sup>  
 ز<sup>۱۷</sup> اسپان<sup>۱۸</sup> به رنج و به تگ<sup>۱۹</sup> خوی کشید  
 به دینار<sup>۲۰</sup> دادن در<sup>۲۱</sup> اندرگشاد<sup>۲۲</sup>  
 که شد تیره<sup>۲۴</sup> دیهیم<sup>۲۵</sup> شاهنشاهی  
 به زاری بریدند و برگشت کار<sup>۲۷</sup>  
 از<sup>۳۱</sup> ایران<sup>۳۲</sup> برآمد یکی هوی<sup>۳۳</sup>  
 همه دیده خون و<sup>۳۵</sup> همه جامه چاک<sup>۳۶</sup>

۱- ل، ق، ق، آ، لی، آ، ل، نیاید؛ لن، پ، و (و نیز ل، آ، لن): نیاری؛ متن = ف، س، ب ۲- ق: بهم شان؛ و: بمنشان سپاری همیدون؛ ل: سپاری بمنشان همیدون ۳- ق: زایشان؛ لی: بدیشان ۴- و: خانه ۵- آ: دندان ۶- و، ل: نگهبانشان ۷- ل، ق، پ، و (و نیز لن): بمان تا به زاری؛ ل: بخواری و زاری؛ متن = هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س): بنداری؛ و آنفد هم الی مدینه ساری ۸- ق: و بدرامکوش؛ ل: تو بر خونشان نیز چندین مکوش ۹- لن، ق، آ، لی، پ (و نیز لن): بیخشودشان جان؛ و، آ: بیخشیدشان جان؛ متن = ل، ق، آ، ب (و نیز ل، آ، س) ۱۰- و: زکردار ۱۱- ل، ق، ق، آ، ل، ب: او؛ متن = لن، لی، پ، و، آ (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: زاری و؛ متن = ل، ق، و، ل (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۱۳- ق: بازار؛ و: گفتار؛ ف، س این بیت را ندارند، ولی در ترجمه بنداری هست: فوہب لأغریث دماء هم، و حفظ علیهم دماء هم ۱۴- لن: بزاری ۱۵- ل، پ، و، آ: خواری؛ لن: ببند و در شهر ساری (وزن ندارد)؛ ل: بغل و عماری و خواری؛ متن = ف، س، ق، ق، آ، لی، ب؛ ل (و نیز ل) پس از این بیت افزوده‌اند:

وزان پس سپهدار ترکان چین سپه را پراکند بر دشت کین  
 لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز س) بجای بیت بالا افزوده‌اند:

چو این کرده شد ساز رفتن گرفت زمین زیر (لی: زمین را به) اسپان نهفتن گرفت

۱۶- ف (پس از بیت ۴۳۶): گفتار اندر پادشاهی افراسیاب اندر ایران زمین دوازده سال و هفت ماه و بیست روز بود؛ ل (پس از بیت ۴۳۶): پادشاهی افراسیاب به ایران دوازده سال؛ لن: پادشاهی افراسیاب به ایران؛ لی، پ: پادشاهی افراسیاب در (پ: به) ایران دوازده سال بود؛ و: پادشاهی نشستن افراسیاب در ایران زمین؛ ل: آگاهی یافتن طوس و گزدهم از مرگ پدر؛ بنداری: ذکر سلطنة افراسیاب فی ممالک ایران و ماجری فی نوبته؛ متن = آغاز ف ۱۷- س، لن، لی، و، آ، ب: از؛ متن = ف، ل، ق، آ، پ، ل ۱۸- س، و، ب: ایشان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۹- ب: به رنج اندرون ۲۰- و: بدیدار ۲۱- ق، آ، ب: سر ۲۲- پ: ز نورسم و این دیگر نهاد؛ ل: به دینار داد آنگهی در گشاد ۲۳- آ: به گودرز (!) ۲۴- ل: که تیره شد ۲۵- ل، ق، پ: آن فر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۶- س، لن، ق، آ، لی، ب: نامدار؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۷- س: خوار ۲۸- س: روی ۲۹- لن، پ: خلیدند ۳۰- س: موی ۳۱- ف، ب: ز ۳۲- ف: ایوان؛ متن = ل، س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن) ۳۳- ل، لن، ق (و نیز لن): های هوی؛ س، لی، پ، آ، ب: های و هوی؛ متن = ف، و؛ ق، آ، ل: زبان شاه گوی و روان شاه جوی (= ۴۵۸ ب)؛ در ق پس از این بیت ۴۵۹ آمده است ۳۴- ل، س، ق، آ، پ، و (و نیز لن، آ، س): گرد و؛ لی: خون و؛ آ: اندر آمد به؛ متن = ف، لن، ل، آ، ب ۳۵- ل، ق، لی: همه دیده پر خون؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۶- لی: و دل چاک چاک؛ ل: همه دیده چاک

زبان شاه‌گوی و روان شاه‌جوی<sup>۲</sup>  
 رخان<sup>۵</sup> پر ز خون و سران<sup>۶</sup> پر ز گرد  
 گوا!<sup>۸</sup> تاج‌دارا! مها! داورا!<sup>۱</sup>  
 سر تاجداران<sup>۱۱</sup> و شاه جهان<sup>۱۲</sup>  
 زمین خون شاهان بیوید<sup>۱۳</sup> همی  
 نگون دارد از شرم خورشید سر  
 به خون پدر سوگواری<sup>۱۸</sup> کنیم<sup>۱۷</sup>  
 زمین نعل<sup>۲۱</sup> اسپ<sup>۲۲</sup> ورا<sup>۲۱</sup> بنده بود  
 بریدند با<sup>۲۵</sup> نامدار انجمن  
 به کین جستن آید<sup>۲۸</sup> و دشمن کشید<sup>۲۹</sup>  
 ز دیده فروباردی<sup>۳۳</sup> خون مهر<sup>۳۴</sup>  
 ز تن<sup>۳۵</sup> جامه‌ی ناز بیرون کنید  
 نباشد پر از آب<sup>۳۸</sup> و دل پر ز خشم

چو بر آتش تیز بریان شدند  
 نبیند نیام مرا تیغ تیز  
 سنان دار<sup>۴۴</sup> نیزه، درخت من ست  
 یکی ترگ تیره سرم را کلاه

سوی زاولستان<sup>۱</sup> نهادند روی  
 سوی<sup>۳</sup> زال رفتند با سوگ و درد<sup>۴</sup>  
 ۴۶۰ که زارا<sup>۷</sup>! دلیرا! شها! نوذرا!  
 نگهدار ایران و پشت مهان<sup>۱۰</sup>  
 سرت افسر از خاک جوید همی  
 گیاهی که روید بدان<sup>۱۴</sup> بوم و بر  
 همی<sup>۱۵</sup> داد خواهیم<sup>۱۶</sup> و زاری کنیم<sup>۱۷</sup>  
 ۴۶۵ نژاد<sup>۱۹</sup> فریدون بدو<sup>۲۰</sup> زنده بود  
 به زاری و خواری<sup>۲۳</sup> سرش<sup>۲۴</sup> را ز تن  
 همه<sup>۲۶</sup> تیغ زهرآگون برکشید<sup>۲۷</sup>  
 همانا بدین<sup>۳۰</sup> سوگ<sup>۳۱</sup> ما بر<sup>۳۲</sup>، سپهر  
 شما نیز دیده پر از خون کنید  
 ۴۷۰ که<sup>۳۶</sup> با کین شاهان نشاید<sup>۳۷</sup> که چشم

همه انجمن زار و گریان شدند  
 زبان داد<sup>۳۹</sup> دستان که تا رستخیز<sup>۴۰</sup>  
 چمان<sup>۴۱</sup> چرمه<sup>۴۲</sup> در زیر<sup>۴۳</sup>، تخت من ست  
 رکابست<sup>۴۵</sup> پای مرا جایگاه

۱- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: زابلستان؛ متن = ف، ق، و (و نیز بنداری) ۲- ق، آ، ب: از ایران برآمد یکی های و هوی (ب: شاه جوی؛ = ۴۵۶ب)؛  
 و، آ (و نیز لن)؛ جهانی (آ: ز کینه) بدستان نهادند روی ۳- لن، پ، آ، ل، ب: بر؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، و ۴- ل، ق: بارنج و درد؛ ق: به زابل  
 رسیدند با مرگ و درد ۵- ق: آ، لبان ۶- ق: روان؛ لی: لبان؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت ۴۵۶ آمده است ۷- لن: که زالا؛ لی: که رادا؛ پ: که  
 زار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸- و: یلا ۹- ل، لی، ب: مهتر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۰- ل، ق: نگهبان ایران و شاه جهان؛ لن، آ، ب: سر  
 سرفرازان و پشت مهان؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۱- ق، آ، و: نامداران ۱۲- ل، ق، ل، آ: پشت مهان (ل<sup>۲</sup> پساوند ندارد)؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از  
 بیت ۴۶۶ آمده است ۱۳- آ، ب: بیوید ۱۴- ل، و، ل (و نیز لن، آ، س)؛ بران؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، ب: از آن؛ آ: ازین؛ متن = ف، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>)  
 ۱۵- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: همه؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۱۶- ف: دادخواهی؛ ق: زارنالمیم؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س)  
 ۱۷- ف: کم؛ متن = ل- ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ، س) ۱۸- پ: همه جامه ناز بیرون (= ۴۶۹ب) ۱۹- ل- ق، آ، پ، و، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن، آ): نشان؛  
 متن = ف، لی، ل ۲۰- و: بتو ۲۱- ق: آ، سم ۲۲- و: ترا ۲۳- لن، ق، آ، ب: به خواری و زاری؛ پ: بخواری و خواری؛ متن = هفت دستنویس  
 دیگر ۲۴- و: سرت ۲۵- ق: آن؛ ل: بدیدند ابا (!)؛ در ق<sup>۲</sup> پس از این بیت بیت ۴۶۱ آمده است و پس از آن بیت ۴۷۱ ۲۶- ل: همی؛ متن =  
 ف، س- ب ۲۷- ل: برکشیم ۲۸- ل: آیم ۲۹- ل: کشیم؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: پس از این بیت افزوده‌اند:

پوشید جوشن همه کینه را (آ: خواست) کجا (ق: آ، ب: کنون) تازه شد کین دیرینه را (آ: راست)

۳۰- ل، ق: کزین؛ س، و: برین؛ لی: بدان؛ پ، ب: درین؛ متن = ف، لن، ق، آ، ل ۳۱- ق: سوز؛ ل: خون ۳۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب:  
 باما؛ ق: برما؛ و: ماز؛ متن = ف، ل، س، ل ۳۳- و: ز دیده بیاردهمی ۳۴- لن، لی، ب: خون بمهر؛ ق: خون زمهر؛ ق: آ: آب مهر؛ پ: خوبمهر؛  
 متن = ف، ل، س، و، آ، ل ۳۵- ل- آ، ب (و نیز لن، آ، س)؛ همه؛ متن = ف، ل ۳۶- لن، ق، آ، ب: ابا؛ ق: این بیت را ندارد؛ متن = هفت دستنویس  
 دیگر ۳۷- س، لن، ق، آ، لی، و، آ: نباید؛ ب: بیاید؛ متن = ف، ل، پ، ل ۳۸- ل: آ، خون ۳۹- لی، پ، آ، ل: چنین گفت؛ متن = هشت دستنویس  
 دیگر ۴۰- آ: پس زال تارستخیز ۴۱- لن، ق، ق، آ، ب: همان؛ لی، ل: آ، جهان؛ پ: چنان؛ متن = ف، ل، س، و، آ ۴۲- لن: جامه ۴۳- ق: >  
 در < زین؛ آ: > در < زیر؛ ل: و دیده ۴۴- ق: آ: > دار < ۴۵- لن، لی، و، ل، آ، ب: رکیست؛ متن = هفت دستنویس دیگر

- ۴۷۵ برین<sup>۱</sup> کینه آرامش و خواب نیست  
روان چنان شهریار جهان<sup>۳</sup>  
شما را به داد جهان آفرین<sup>۴</sup>  
ز مادر همه مرگ را زاده‌یم
- ۴۸۰ چو گردان سوی کینه بشتافتند  
ازیشان بشد خورد و آرام و خواب  
ازیشان<sup>۱۲</sup> به اغریرت<sup>۱۳</sup> آمد پیام<sup>۱۴</sup>  
به گیتی ز<sup>۱۷</sup> گفتار تو زنده‌یم  
تو دانی که دستان به<sup>۱۹</sup> زاولستان<sup>۱۸</sup>  
چو برزین و چون<sup>۲۲</sup> قارن رزم زن  
یلانند<sup>۲۴</sup> با چنگ‌های دراز  
چو تابند گردان<sup>۲۷</sup> ازین سو عنان  
از آن تیز گردد رد<sup>۲۸</sup> افراسیاب  
سر یک رمه مردم<sup>۳۱</sup> بی‌گناه  
اگر بیند اغریرت<sup>۳۲</sup> هوشمند
- همانند اشکم<sup>۲</sup> به جوی آب نیست  
درخشنده بادا میان مهان  
دل ارمیده<sup>۵</sup> باد اندر آرام و دین<sup>۶</sup>  
بر آنیم<sup>۷</sup> و گردن ورا<sup>۸</sup> داده‌یم
- به ساری سران<sup>۹</sup> آگهی یافتند  
پُر از ترس<sup>۱۱</sup> گشتند از<sup>۱۱</sup> افراسیاب  
که ای برمنش<sup>۱۵</sup> مهتر نیکنام<sup>۱۶</sup>  
همه<sup>۱۸</sup> یک بیک مر ترا بنده‌یم  
به جایست با شاه کاولستان<sup>۱۹</sup>  
چو خرداد<sup>۲۳</sup> و کشواد لشکرشکن  
ندارند از ایران<sup>۲۵</sup> چنین دست<sup>۲۶</sup> باز  
به چشم اندرآرند نوک سنان  
دلش گردد از بستگان<sup>۲۹</sup> پرشتاب<sup>۲۸</sup>  
به خاک اندرآرد ز بهر کلاه  
مرین بستگان<sup>۳۳</sup> را گشاید ز بند<sup>۳۴</sup>

۱- لی، و؛ بدین ۲- ل؛ همی چون دو چشم؛ س- ب (و نیز ل، ل، ل، س، آ)؛ همانند (ل، ل)؛ بمانند (چشم؛ متن = ف ۳- ل، ل، جوان ۴- ف؛ دادار (یا: از) جهان آفرین؛ متن = ل- ب (و نیز ل، ل، ل، س، آ) ۵- ف؛ ارمیده؛ س، لی (و نیز ل، ل)؛ آرام؛ ق؛ آسوده؛ آ؛ ارمیده؛ ل؛ آمده؛ (ل، ل)؛ امید؛ متن = ل، و (ل در بالا افزوده است: آرام) ۶- ل، ق؛ بادا به آیین و دین؛ س، لی؛ ده باد ابا رام و دین؛ ل، آ؛ باد و در آرام و دین؛ آ؛ بارام دین؛ (ل، ل)؛ بادا همی گاه کین)؛ متن = ف، و (و نیز ل، ل)؛ ل، پ، ب؛ روانتان بارام و دین؛ ق، آ؛ روانتان بارام و با داد و دین ۷- ل، پ، و، آ؛ برینیم؛ متن = ف، س، ل، ق، ق، آ، لی، ب ۸- ف؛ بدین؛ ل، ب، و، آ (و نیز ل، ل، ل، آ)؛ بدو؛ متن = ل، س، ق، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز س، آ)؛ ل؛ همه یک بیک تن ورا؛ ف پس از این بیت افزوده است:

وزان پس همه کینه را ساختند  
فراز آوریدند بی مر سپاه  
سپه را همه یکسر آباد کرد  
ز هر سوی بودش فسیله یله  
5 سلیح و درم دادن آغاز کرد  
هیونی ز هر سو برون تاختند  
ز شادی بریدند و ز بزمگاه  
دل سرفرازان بدان شاد کرد  
به شهر اندرآورد یکسر گله  
جهانی ز گردان پرآواز کرد

این بیت ها در هیچیک از دستنویس های دیگر و نیز در ترجمه بنداری نیست ۹- ق، آ؛ بران؛ و در اینجا سرنویس دارد: گفتار اندر تدبیر کردن ایرانیان در کار خویش ۱۰- ل، ق، آ؛ بیم؛ لی؛ درد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۱- لی؛ ز ۱۲- ل، س (و نیز ل، ل)؛ از آن پس؛ ل، ق، ق، آ، لی، پ، ل، ب (و نیز س، آ)؛ وزان پس؛ متن = ف، و، آ (و نیز ل، ل)؛ وزیشان) ۱۳- س؛ اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، و، آ، ل، آ (و نیز ل، ل)؛ اغریرت؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، ب (و نیز ل، ل، س، آ) ۱۴- ل، ل، پ؛ نیک نام ۱۵- ف، آ، ب (و نیز ل، ل، ل، آ)؛ پرمش ۱۶- ل، ل، پ؛ از آن برمنش (پ؛ پرمش) مهتران شد پیام؛ ل؛ < مهتر > نیک نام (وزن ندارد) ۱۷- ل، ل، س، لی، آ، ب؛ به؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۸- پ؛ که ما؛ در پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ پ پس از این بیت سرنویس دارد: پیغام کردن بزرگان ایران ۱۹- ل، ق؛ < به > ۲۰- س- ب (و نیز ل، ل، ل، س، آ)؛ زابلستان؛ متن = ف، ل، بنداری ۲۱- ف- ب (و نیز ل، ل، ل، س، آ)؛ کابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۲- آ؛ و با ۲۳- لی؛ به زاد ۲۴- لی؛ یلانند و ۲۵- ل، ل، پ؛ ازیشان؛ آ؛ ازاین (وزن ندارد) ۲۶- س، ل، ل، لی، پ، آ، ب (و نیز س، آ)؛ چنگ؛ متن = ف، ق، ق، آ، و، ل، آ (و نیز ل، ل، ل، آ)؛ ل این بیت را ندارد؛ در لی پس از این بیت های ۲۹۱ تا ۳۰۶ دوباره آمده‌اند ۲۷- ل، آ؛ جمله؛ ل این بیت را ندارد ۲۸- ق؛ تیز گردد؛ ل؛ تیره گردد ز ۲۹- ل؛ کشتگان؛ ق، آ، لی، پ، ب؛ کین ما؛ متن = ف، س، ل، ق، و، ل، آ ۳۰- آ؛ سر یک رمه مردم آرد بخواب (= ۱۴۸۸) ۳۱- ل؛ پس آنگه سر یک رمه؛ ق؛ پس این یک رمه مردم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- ق، آ، و، آ، ل، آ؛ اغریرت؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۳۳- آ؛ مرین خستگانرا؛ ل؛ زبن تشگان را ۳۴- ق؛ گشاید مراین بستگانرا ز بند

- ۴۹۰ پراگنده گردیم گرد جهان  
 به پیش بزرگان ستایش کنیم  
 چنین گفت اغریرت<sup>۴</sup> پرخرد  
 ز من<sup>۶</sup> آشکارا شود<sup>۷</sup> دشمنی  
 یکی چاره سازم دگرگونه زین<sup>۹</sup>  
 ۴۹۵ گر ایدونک<sup>۱۱</sup> دستان<sup>۱۲</sup> شود تیزچنگ  
 چو آرد<sup>۱۴</sup> بنزدیک ساری رمه<sup>۱۵</sup>  
 پردازم آمل نیام<sup>۱۶</sup> به جنگ  
 بزرگان ایران ز<sup>۱۸</sup> گفتار او<sup>۱۹</sup>  
 چو از آفرینش پرداختند  
 ۵۰۰ بسوید نزدیک<sup>۲۳</sup> دستان سام  
 که بخشود<sup>۲۶</sup> بر ما جهاندار ما  
 یکی سخت پیمان فگندیم بُن  
 کز ایران اگر- داستان را- دو مرد  
 گرانمایه اغریرت<sup>۳۲</sup> نیک پی  
 ۵۰۵ مگر زنده از چنگ<sup>۳۴</sup> این<sup>۳۵</sup> ازدها
- زبان برگشاییم پیش<sup>۱</sup> مهان  
 همان<sup>۲</sup> پیش یزدان<sup>۳</sup> نیایش کنیم  
 کزین گونه چاره نه اندرخورد  
 بجوشد سر مرد آهرمنی<sup>۸</sup>  
 که با من نگردد برادر<sup>۱۱</sup> به کین  
 یکی لشکر آرد بر<sup>۱۳</sup> ما به جنگ  
 بدیشان سپارم شما را همه  
 سر نامدار<sup>۱۷</sup> اندرآرم به ننگ  
 به روی زمین برنهادند<sup>۲۱</sup> روی  
 نوندی ز ساری<sup>۲۲</sup> برون تاختند  
 بیاورد از آن<sup>۲۴</sup> نامداران پیام<sup>۲۵</sup>  
 شد اغریرت<sup>۲۷</sup> پرخرد<sup>۲۸</sup> یار ما  
 بران برنهادیم با او<sup>۲۹</sup> سخن  
 بیاید، نجویند با او<sup>۳۱</sup> نبرد  
 ز آمل گذارد سپه را به ری<sup>۳۳</sup>  
 تن<sup>۳۶</sup> یک جهان مردم آید رها<sup>۳۷</sup>

۱- س: گرد؛ ق: نزد ۲- لی، پ، ب: همه؛ متن ← ۳- ق، آ، ل: جهان آفرین را؛ متن= ف، ل، س، لن، ق، و ۴- ق، آ، لی، و، آ، ل: بنداری: اغریرت؛ متن= هفت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۵- ل: کزین گونه گفتار کی در خورد؛ متن= ف، س- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س) ۶- و: زما ۷- پ: کند ۸- لی، و: اهریمنی ۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، آ، س): دگرگون ازین؛ متن= ف، ل، ق، و، ل (و نیز لن، آ) ۱۰- س، لن، ق، لی، پ، و، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): که با من برادر نگردد؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل (و نیز س، آ): ایدونکه ۱۲- لن: ایران ۱۳- س: آیدسوی؛ لن، پ: آید بر؛ لی، و: آردسوی؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل، آ، ب ۱۴- لن، پ: آید؛ آ: آمد ۱۵- ل: دمه ۱۶- ق: نیارم ۱۷- ل، س، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز لن، آ، س): سرم را ز (ل، آ: به) نام؛ لن، پ: سر نام را؛ (ل، آ: سر مرزبان)؛ متن= ف ۱۸- آ: به ۱۹- ل، ق، لی، او؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۰- لی: در نهادند؛ آ: همه برنهادند برخاک ۲۱- ق، لی، و: رو ۲۲- ب: سارا؛ ل: نوبدی ز شادی ۲۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بیامد بنزدیک؛ و: شتابان بنزدیک؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل ۲۴- ل: از <آن>؛ س، لی: ازین ۲۵- لن: سلام؛ ق، آ: چنین داشت از نامداران پیام؛ و: که ای نامور پهلوشادکام ۲۶- لی: که بخشید؛ و: بیخشود ۲۷- س، ل، آ: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، لی، و، آ (و نیز لن، آ): اغریرت؛ متن= ف، ل، لن، ق، پ، ب (و نیز ل، آ، س) ۲۸- ق، آ، ل، آ، ب: هنر؛ ل، آ پس از این سرنویس دارد: پیغام گردان ایران نزد دستان سام ۲۹- ل، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ: یکسر؛ ق: باوی؛ متن= ف، س، ل، آ، ب ۳۰- ف: کز ایران اگر زال آزاد مرد؛ ل، ق، ل (و نیز ل، آ): کز ایران (ل، آ: کزانجا) چو دستان آزاد مرد؛ لن، لی، پ: کز ایران اگر زال زر با دو مرد؛ آ، ب: کز ایران اگر داستان ها (ب: باستان ها) دو مرد؛ (ل، آ: کز ایران اگر پهلوانرا دو مرد)؛ متن= س، ق، آ، و (و نیز س، آ: ق، آ: از) ۳۱- ق، لی، با وی؛ ل، ق، آ، و، ب (و نیز لن، آ): بیایند و جویند با او (ل: وی؛ ق، آ: ما)؛ لن، پ: بیایند و سازند با ما؛ آ: بیایند و سازند با ما؛ ل: بیاید که با او بجوید؛ متن= ف، س (و نیز س، آ) ۳۲- س: اغریرت (حرف پسین نقطه ندارد)؛ ق، آ، و، آ (و نیز لن، آ): اغریرت؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۳۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: سپه را گذارد ز (س، لی: از) آمل به ری؛ ل، آ: از آمل سپه را گذارد به ری؛ ب: سپه را ز آمل گذارد به ری؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز ل، آ، لن، آ) ۳۴- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: دست؛ ل، آ: جان؛ متن= ف، ل، ق، و ۳۵- لن: آن ۳۶- ق، لی، آ: سر ۳۷- لی: سر یک رمه مرد گردد رها

سراینده<sup>۴</sup> در پیش<sup>۵</sup> دستان رسید<sup>۶</sup>  
پیام یلان پیش ایشان براند<sup>۸</sup>  
پلنگان<sup>۱۱</sup> جنگی و نام آوران<sup>۱۲</sup>  
به مردی<sup>۱۶</sup> سیه کرده در جنگ دل  
به خورشید گردن برافراختن  
منم گفت یازان بدین<sup>۱۹</sup> کار<sup>۲۰</sup> شست<sup>۲۱</sup>  
که خرم بدی<sup>۲۳</sup> تا بود ماه و سال

ز زاول<sup>۲۴</sup> به آمل نهادند روی<sup>۲۵</sup>  
خبر شد به اغریرت<sup>۲۸</sup> نیک خواه  
بزد نای رویین و لشکر براند  
پدید آمد آن بندها را کلید<sup>۳۱</sup>  
ز<sup>۳۲</sup> آمل<sup>۳۳</sup> سوی زاولستان<sup>۳۴</sup> بتاخت<sup>۳۵</sup>  
که برگشت کشواد<sup>۳۶</sup> با فرهی  
سراینده را جامه‌ی<sup>۳۷</sup> خویش داد

چو پوینده در<sup>۱</sup> زاولستان<sup>۲</sup> رسید<sup>۳</sup>  
بزرگان و جنگ آوران را بخواند<sup>۷</sup>  
وُزان<sup>۹</sup> پس چنین گفت کای سروران<sup>۱۰</sup>  
کدامست<sup>۱۳</sup> گردی<sup>۱۴</sup> کنارنگ دل<sup>۱۵</sup>  
۵۱۰ خریدار این جنگ و این تاختن  
به بر زد برین<sup>۱۷</sup> کار کشواد دست<sup>۱۸</sup>  
برو<sup>۲۲</sup> آفرین کرد فرخنده زال

سپاهی ز گردان پرخاشجوی  
چُن از زاولستان<sup>۲۶</sup> برون شد سپاه<sup>۲۷</sup>  
۵۱۵ همه بستگان<sup>۲۹</sup> را به ساری<sup>۳۰</sup> بماند  
چو کشواد فرخ به ساری رسید  
یکی اسپ مر هر یکی را بساخت  
چو آمد به دستان سام آگهی  
یکی گنج ویژه به درویش داد

۱- لن، پ: بر ۲- ل، س، لن، ق، ۲- ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): زابلستان؛ متن = ف، ق (و نیز س، ۲) ۳- س، لی: کشید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- ف: سرپرده؛ متن = ل- ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲) ۵- لن، پ: نزدیک؛ ق: بر روی؛ متن = نه دستنویس دیگر ۶- ف، ق: بدید؛ لی: کشید؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲)؛ بنداری: فلما وصل الرسول أمر بإحضار الأمراء والقواد، وأخبرهم بالحال (= ۵۰۶ و ۵۰۷) ۷- ل: بدید ۸- ل: پیام یلان بستگان برکرید (۱) ۹- ف، ل (و نیز ل، ۲): ازان؛ متن = س- ب (و نیز لن، ۲، س، ۲) ۱۰- س، لی، آ، ل (و نیز ل، ۲، س، ۲): با یاوران؛ ق، ۲: ناموران؛ و (و نیز لن، ۲): باسروان؛ ب: با بارمان؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ ۱۱- ق: بزرگان؛ و: سواران ۱۲- لی: کنداوران؛ ق، ۲: که ای نامداران و کنداوران ۱۳- س: که تاکیست ۱۴- ل، ق، ل، ۲: مردی؛ پ: مرد؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۵- و: ابا سنگ دل؛ ل، ۲: که مارک در (→ کنارنگ دل) ۱۶- و: دلیری ۱۷- ل، ق، و: بران؛ ق، ۲: بدین؛ لی: درین؛ ل، ۲: بزد برین (وزن ندارد)؛ متن = ف، س، لن، پ، آ، ب ۱۸- آ: جنگ ۱۹- پ، و: برین ۲۰- ف: باد؛ لن، لی، پ (و نیز ل، ۲): داد (ل، ۲ نخست کار داشته است)؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، ۲، س، ۲) ۲۱- ف، ل، لن، ق، ق، ۲، پ، و، ل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): دست (ل، ق، ق، ۲، و، ل، ۲، ب، لن، ۲ پساوند ندارند)؛ لی: جست؛ آ: تنگ؛ متن = س (و نیز س، ۲)؛ ل، ۲ پس از این بیت افزوده است:

بگفتش بدان نامبردار گو بدین کار و نیکی منم پیشرو

۲۲- لن، لی: بدو ۲۳- ف: بوی؛ س- ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲): بزی؛ متن = ل؛ ف، پ در اینجا سرنویس دارند، ف: گفتار اندر جوانمردی کردن اغریرت با ایرانیان و کشته شدن او بر دست برادرش افراسیاب؛ پ: آمدن کشواد و رهانیدن ایرانیان از بند ۲۴- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): زابل؛ متن = ف، و (و نیز س، ۲) ۲۵- دل، ۲ این بیت چنین آمده است:

سپاهی به آمل نهادند روی همه نامبردار و پرخاشجوی

۲۶- ل، ق: چو از پیش دستان؛ متن ← ۲۷- س، ق، ۲، آ، ب (و نیز س، ۲): گرازه (س: گرازان؛ س، ۲: طلایه) برون شد ز (س: به) پیش سپاه؛ لن، پ: کنارنگ بیرون ز (پ: پیروز) پیش سپاه؛ لی، ل، ۲: چو منزل یکی دو برون شد براه؛ و (و نیز ل، ۲، لن، ۲): ز پیش گرازه (لن، ۲: کراده) برون شد سپاه؛ متن = ف، ق، ۲، لی، و، آ (و نیز لن، ۲، بنداری): اغریرت؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، س، ۲) ۲۹- ق، ۲: بندگان ۳۰- ل، ۲: به آمل ۳۱- و پس از این بیت افزوده است:

همه بند از پایشان برگشود ز ساری بیاورد و برگشت زود

۳۲- لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ل، ۲، ب: از؛ متن = ف، ل، س، ق، و ۳۳- ل، ق: ساری؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س، ۲) ۳۴- ل، س، لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ل، ۲، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲): زابلستان؛ متن = ف، ق، و (و نیز س، ۲، بنداری) ۳۵- ل، ۲: شتافت ۳۶- س، لی: که کشواد برگشت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۷- لن، پ: خلعت؛ ق، ۲ این بیت را ندارد

پذیره شدش زال زر چون سزید<sup>۲</sup>  
 کجا رسته<sup>۴</sup> بودند از<sup>۵</sup> چنگ<sup>۶</sup> شیر  
 به سر خاک برکرد<sup>۷</sup> و بگریست زار  
 بیاراست ایوان های بلند  
 که با گنج<sup>۹</sup> و با تخت<sup>۱۱</sup> و افسر بُدند  
 شد از خواسته بی نیاز آن سپاه

ز کردار او<sup>۱۴</sup> آگهی یافت کی  
 که با شهد حنظل برآمیختی  
 که جای خرد نیست و<sup>۱۸</sup> هنگام هُش  
 نباید<sup>۲۰</sup> به جنگ اندرون آب روی<sup>۲۱</sup>  
 که هرگز نیامیخت<sup>۲۲</sup> کین با خرد  
 که لختی بیاید<sup>۲۴</sup> همان<sup>۲۵</sup> شرم و آب  
 ز یزدان بترس و مکن بد به کس  
 نخواهد شدن رام با هرکسی  
 خرد را<sup>۳۰</sup> سر دیو کی درخورد<sup>۳۱</sup>

۵۲۰ چو کشواد نزدیک زاول<sup>۱</sup> رسید  
 بران<sup>۳</sup> بستگان زار بگریست دیر  
 پس از نامور نوذر شهریار<sup>۷</sup>  
 به شهر اندرآوردشان ارجمند  
 چنان هم که هنگام نوذر بُدند  
 ۵۲۵ بیاراست<sup>۱۱</sup> دستان همان<sup>۱۲</sup> دستگاه

چو اغریرت<sup>۱۳</sup> آمد ز آمل به ری  
 بدو گفت کین<sup>۱۵</sup> چیست کانگیختی  
 بفرمودمت<sup>۱۶</sup> کین بدان را<sup>۱۷</sup> بکش  
 به دانش نباشد سر<sup>۱۹</sup> جنگ جوی  
 ۵۳۰ سر مرد جنگی خرد نسپرد  
 چُنین داد پاسخ به<sup>۲۳</sup> افراسیاب  
 هرآنکه کهت آید<sup>۲۶</sup> به بد دست رس  
 که تاج و کمر چون تو بیند بسی<sup>۲۷</sup>  
 یکی پر ز دانش<sup>۲۸</sup> یکی بی خرد<sup>۲۹</sup>

۱- ل، س، لن، لی، پ، آ، ل، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>): زایل؛ و (و نیز ل<sup>۲</sup>): کابل؛ متن = ف، ق (و نیز س<sup>۲</sup>) ۲- آ، ل، ب: بدید؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۳-  
 لی، ب: بدان ۴- ل، ل، ل، ل: مانده؛ س، لن، ق، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بسته؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد؛ متن = ف ۵- ل: بر؛ س، لن، ق، لی-  
 ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): در؛ متن = ف ۶- س: چرم؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۷- لن، پ، آ: نامدار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸-  
 لی: < و >؛ ق<sup>۲</sup> پس از این بیت افزوده است:

به شهر اندرآوردشان چون سزید به کاخ و به ایوان فرود آورید  
 ۹- ل- پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): تاج؛ متن = ف، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>) ۱۰- ل: بخت ۱۱- لی: بیاورد ۱۲- ل، س، و: همه؛ لن، ق، آ، ب:  
 چنان؛ متن = ف، ق، لی، ل ۱۳- ق، آ، لی، و، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>، بنداری): اغریرت؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۴- ل، ق، و، ل<sup>۲</sup> (و  
 نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): وزان کارها؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: ازآن (س، لی: وزان) کار او؛ متن = ف ۱۵- و: این ۱۶- ل: فرمودمت (حرف یکم نقطه  
 ندارد)؛ ق، آ، ب: فرمودمت؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۷- ل (و نیز ل<sup>۲</sup>): کای برادر؛ متن = ف، س- ب (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): ق،  
 ب: کان ۱۸- ل، ق، آ، لی (و نیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): < و >؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ:  
 کشتن افراسیاب برادر خود را اغریرت (پ: < اغریرت >) و: گفتار اندر کشتن افراسیاب اغریرت را؛ ب: کشتن افراسیاب برادر خود ۱۹- ف، ل<sup>۲</sup> (و  
 نیز س<sup>۲</sup>): برآتش نباشد (ل: نیامد) سر (ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>: دل)؛ ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): به دانش نباید (لی، ب، ل<sup>۲</sup>: نیاید) سر (در ل واژه سوم  
 نقطه ندارد)؛ و (و نیز لن<sup>۲</sup>): پر از خشم باید دل؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = س ۲۰- لی، ل، آ، ب: نیاید ۲۱- لن، ق، آ: آب جوی؛ لی: آب و روی؛  
 آ: آب و رو ۲۲- ل: نیامخت ۲۳- ل: پاسخش ۲۴- ق، ق، آ: نیابد؛ پ: بشاید؛ و: بیاید ۲۵- ل، و: همی؛ س، لن، لی، پ، آ، ب: هم  
 از؛ ق: پس از؛ متن = ف، ق، ل<sup>۲</sup> ۲۶- و، ل<sup>۲</sup>: که یابی ۲۷- ق: دید چون توبسی؛ ل، ق پس از این بیت افزوده است:

درازست دست فلک بر بدی همه نیکویی کن اگر بخردی  
 چو نیکی کنی نیکی آید برت بدی را بدی باشد اندر خورت  
 ۲۸- آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): آتش ۲۹- ل، س، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>): پر؛ متن = ف، لن، لی (و نیز س<sup>۲</sup>، و، ل<sup>۲</sup> (و نیز لن<sup>۲</sup>): دلی (ل: سری) پر از  
 دانش سری پر ۳۰- ل، س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، ب (و نیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): با؛ متن = ف، پ ۳۱- لی: برخورد؛ ق این بیت را ندارد؛ لی در اینجا  
 سرنویس دارد: کشته شدن اغریرت بر دست افراسیاب

- ۵۳۵ سپهد برآشفت چون پیل مست  
میان برادر بدو نیم کرد
- ۵۴۰ چُن<sup>۳</sup> از کار اغریرت<sup>۴</sup> نامدار  
چُنین گفت کاکنون سربخت<sup>۶</sup> اوی<sup>۷</sup>  
بزد نای روین و بر بست کوس  
سپهد<sup>۱۰</sup> سوی پارس<sup>۱۱</sup> بنهاد روی  
ز دریا به دریا همی<sup>۱۲</sup> مرد بود  
چو بشنید افراسیاب این<sup>۱۴</sup> سَخُن  
بیاورد لشکر سوی خوار ری<sup>۱۵</sup>  
طلایه شب و روز در جنگ بود  
مبارز همی<sup>۱۹</sup> کشته شد بر<sup>۲۰</sup> دوروی  
۵۴۵ شبی زال بنشست<sup>۲۱</sup> هنگام خواب<sup>۲۲</sup>  
هم از<sup>۲۴</sup> رزم زن نامداران خویش  
همی گفت: هرچند کز<sup>۲۷</sup> پهلوان  
بیاید یکی شاه خسرو<sup>۲۹</sup> نژاد  
۵۵۰ بکردار کشتی ست کار سپاه
- به پاسخ به شمشیر یازید دست  
چنان بی وفا<sup>۱</sup> ناهشیوار مرد<sup>۲</sup>
- خبر شد سوی سام زال سوار<sup>۵</sup>  
شود تار و بیران شود<sup>۸</sup> تخت<sup>۹</sup> اوی<sup>۷</sup>  
بیاراست لشکر چو چشم خروس  
همی رفت پر خشم و دل کینه جوی  
رخ<sup>۱۳</sup> ماه و خورشید پر گرد بود  
که دستان جنگی چه افگند بُن  
بیاراست جنگ و بیفشارد<sup>۱۶</sup> پی<sup>۱۷</sup>  
تو گفتی که گیتی برو تنگ<sup>۱۸</sup> بود  
همه نامداران پرخاشجوی
- سَخُن گفت بسیار از افراسیاب<sup>۲۳</sup>  
وُزان<sup>۲۵</sup> پهلوانان و یاران<sup>۲۶</sup> خویش  
بود بخت بیدار و روشن<sup>۲۸</sup> روان  
که دارد گذشته سَخُن ها<sup>۳۰</sup> بیاد  
همش باد و هم بادبان تخت<sup>۳۱</sup> شاه

۱- ل، پ، ل، نیک دل؛ و (و نیز لن آ)؛ تیز سر؛ (ل، آ، س)؛ سنگ دل؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، آ، ب، ل، با هشیوار مرد؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب؛ ناسزاوار مرد؛ پ؛ ناهشیوار مرد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ف، و، ل (و نیز ل، آ، س)؛ ق؛ سپه را از و دل پراز بیم کرد ۳- ل، ب (و نیز ل، آ، س)؛ چو؛ متن = ف ۴- ق، آ، لی، و، آ (و نیز لن آ)؛ اغریرت؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل آ) ۵- ل، ق؛ خبر شد بنزدیک زال سوار؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س) ۶- ف، ل، و، ل، ب؛ بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ پ؛ تخت؛ متن = ق، آ، و (و نیز ل، آ، س) ۷- ل، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب؛ او؛ متن = ف، و (و نیز ل، آ، س) ۸- ل، ق، ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س)؛ شود تار (ل)؛ بار؛ ق؛ باد؛ ق؛ بار؛ ل (باز و ل)؛ و (و)؛ ویران شود (ق)؛ پ؛ همه؛ متن = ف (حرف یکم تار و حرف یکم و دوم بیران نقطه ندارند) ۹- ف، پ، ل، آ، ب؛ بخت؛ ل، و؛ بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن = ق، آ، آ (و نیز ل، آ، س)؛ س، لن، لی این بیت را ندارند ۱۰- و؛ شتابان ۱۱- آ؛ فارس؛ ل؛ جنگ ۱۲- س، ق، آ، آ، ب؛ همه؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۳- و؛ برخ؛ در ب این بیت پس از بیت ۵۴۳ آمده است ۱۴- س، ل، آ؛ آن؛ پ، ل؛ در اینجا سرنویس دارند، پ؛ لشکر کشیدن زال برزم افراسیاب؛ ل؛ آگاهی یافتن زال از کشته شدن اغریرت ۱۵- ق، پ (و نیز ل، آ، س)؛ خوار وری؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، بنداری؛ خوارالری) ۱۶- ق، آ، لی، و، ل، آ، ب؛ بیفشرد؛ متن = ف، ل، س، لن، ق، آ ۱۷- پ؛ بشد کوه لرزنده چون بید و نی؛ در ب پس از این بیت ۱۸- لی؛ بدو تنگ؛ پ؛ بیک رنگ ۱۹- ل؛ بسی؛ س؛ همه؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۰- ل؛ هر؛ و؛ از؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ لن، ق، آ، پ، آ (و نیز س، آ)؛ پس از این بیت افزوده اند؛

برآمد دو هفته (س)؛ دو هفته برآمد) برین روزگار پیاده بمانده ز کار (آ)؛ کار و سوار (س)؛ سوار و پیاده بمانده ز کار بنداری نیز گویا این بیت را داشته بوده است؛ یجری بینهما سحابة کل یوم مقدار أسبوعین ۲۱- لی؛ بگرفت ۲۲- ل؛ ز افراسیاب ۲۳- ل، ق؛ ز افراسیاب؛ لی؛ با افراسیاب (وزن ندارد)؛ ل؛ هنگام خواب؛ ب؛ سخن رفت چندی ز افراسیاب؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲۴- پ؛ همان؛ آ؛ وزان؛ ب؛ بدان؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۵- س، لن، لی، پ؛ هم از؛ ل؛ همان؛ ب؛ از آن؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، آ ۲۶- ب؛ شاهان ۲۷- و؛ اگر؛ ل؛ کز بر (وزن ندارد) ۲۸- ل؛ دولت ۲۹- آ؛ فرخ ۳۰- ق؛ سخنها گذشته ۳۱- ب؛ بخت؛ در آ این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است



سپاهست و<sup>۱</sup> گردان بسیار مر  
بباید یکی شاه بیدار<sup>۳</sup> بخت  
بتابد ز دیهیم او<sup>۵</sup> بخردی

یکی شاه، زیبای تخت بلند  
که تاج فریدون بدو گشت نو<sup>۶</sup>  
سپاهی ز بامین<sup>۸</sup> و ز گرزبان<sup>۹</sup>  
که تاج فریدون به تو گشت نو<sup>۱۰</sup>  
ترا خواستند ای<sup>۱۲</sup> سزاوار گاه<sup>۱۳</sup>  
بیامد نشست از بر گاه نو<sup>۱۴</sup>

اگر داری طوس و گستهم فر  
نزید بریشان<sup>۲</sup> همی تاج و تخت  
که باشد برو<sup>۴</sup> فره ایزدی

ز تخم فریدون بجستند چند  
۵۵۵ ندیدند جز پور طهماسب: زو<sup>۷</sup>  
شد قارن و<sup>۹</sup> موبد و مرزبان  
یکی مژده بردند نزدیک زو<sup>۱۱</sup>  
سپهدار<sup>۱۲</sup> دستان و یکسر<sup>۱۳</sup> سپاه  
پذیرفت<sup>۱۴</sup> شاهی و برخاست زو<sup>۱۵</sup>

۱- ق: < و > ؛ ل: سپه هست و؛ در آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- لی، ل: بدیشان ۳- پ، ب: پیروز ۴- ل، لن، ق: آ، لی، پ: بدو؛ متن= ف، س، و، آ، ل: ب ۵- س: بتابد ازو فره؛ لن، ق: آ، پ: بیاید (پ: بتابد) ز گفتار او؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ف، ل، لی، و، آ، ل: ب ۶- ل، لن، ق: آ، پ، آ: که زور کیان داشت و فرهنگ گو؛ س، لی، و، ل: آ، ب (و نیز لن، آ، س): که فر کیان داشت (س: بود) و (لی: < و >) فرهنگ گو (ل: آ، ب، س: آ: نو)؛ متن= ف (و نیز ل: آ): بنداری؛ وکان ذا قدر و جلاله و شهامة و صرامة ۷- ل: آ: < و > ؛ لن: بشدرای زن ۸- ق: آ: بامی؛ ل: آ، ب: نامین ۹- ل، س، لن: کرزبان (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ ل: آ: کربران؛ ق: آ: و گرزگران؛ پ، آ، ب: واز کرزبان؛ (ل: آ: واز کردتان)؛ متن= ف، ق (و نیز س: آ)؛ لی: سپاهی زبان دان روشن روان؛ و (و نیز لن: آ): گروهی هنرگستر خوش زبان؛ در پ این بیت پس از بیت ۵۵۸ آمده است ۱۰- س، ق: آ، لی: سرافراز؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۱- آ: دیگر ۱۲- س، ق: آ: خواستندی؛ ب: خواست یکسر؛ متن= نه دستنویس دیگر (و نیز ل: آ، لن، آ، س: آ) ۱۳- ق: آ، پ، و، آ، ل: ب (و نیز ل: آ، لن، آ، س): شاه؛ متن= ف، ل، س، لن، لی؛ در پ پس از این بیت ۵۵۶ آمده است؛ ل، ق پس از این بیت سه بیت و ق: آ، آنها بیت سوم را افزوده اند:

چو بشنید زو گفته مرزبان (ق: موبدان) همان گفته قارن و بخردان  
بیامد به نزدیک ایران سپاه بسر بر نهاده (ق: بر نهاد آن) کیانی کلاه  
سرآمد همه کار نوذر چو بود کنون کار زورا بیاید شنود (ل: ستود؛ آ: سرود)

۱۴- ل، پ، ل: آ: پذیرفت؛ متن= ف، ق؛ س، لی، لن، ق: آ، و، آ، ب (و نیز ل: آ، لن، آ، س) این بیت را ندارند؛ ب بجای این بیت افزوده است:  
چو بشنید ازین گونه پیغام زو بیامد یکی کار برساخت نو



زَوُّظْهَمَاسِپ



## پادشاهی زو طهماسب پنج سال بود<sup>۱</sup>

بیامد برآمد بر افراز تخت  
نشست از بر تخت زر پنج سال  
به داد و به خوبی جهان تازه کرد<sup>۱</sup>  
که با پاك یزدان یکی<sup>۱۱</sup> راز داشت<sup>۱۲</sup>  
و زان<sup>۱۴</sup> پس ندیدند<sup>۱۷</sup> کشته<sup>۱۸</sup> بسی<sup>۱۹</sup>  
شده خشك خاک<sup>۲۱</sup> و گیا را دهان<sup>۲۲</sup>  
همی برکشیدند نان با درم  
به روی اندر آورده<sup>۲۸</sup> روی سپاه  
نه<sup>۳۱</sup> روز یلان<sup>۳۲</sup> بود و رزم<sup>۳۳</sup> سران

به روز همایون زو نيك بخت  
به شاهی برو<sup>۳</sup> آفرین خواند<sup>۴</sup> زال  
کهن بود<sup>۷</sup> بر<sup>۷</sup> سال<sup>۸</sup> هشتاد<sup>۹</sup>، مرد  
سپه را ز کاپ بدی بازداشت  
گرفتن<sup>۱۳</sup> نیارست<sup>۱۴</sup> و کشتن<sup>۱۵</sup> کسی  
همان بُد که تنگی<sup>۲۰</sup> بُد اندر جهان  
نیامد همی ز آسمان باد و نم<sup>۲۳</sup>  
دو لشکر<sup>۲۴</sup> بران گونه<sup>۲۵</sup> بُد<sup>۲۶</sup> هشت<sup>۲۷</sup> ماه  
نکردند<sup>۲۹</sup> يك روز جنگی<sup>۳۰</sup> گران

- ۱- ف: گفتار اندر پادشاهی زو طهماسب پنج سال بود و جنگ او با افراسیاب و شکستن افراسیاب؛ ل، پ: پادشاهی زو (پ: رد) طهماسب پنج سال؛ س: پادشاهی طهماسب زو به ایران پنج سال بود؛ لی: پادشاهی طهماسب زو پنج سال بود؛ ب: پادشاهی طهماسب پنج سال؛ بنداری: ذکر نوبه زو بن طهماسب و ماجری فی عهده؛ متن= لن، ق، ق، آ، و، آ، ل؛ در س از بیت ۷۳ تا پایان داستان افتاده است؛ در ب از بیت ۱۰۰ تا ۱۵۴ افتاده است ۲- ل: بافراز؛ ل، س، ق (و نیز ل) این بیت را ندارند؛ لن، ق، آ، ب، آ (و نیز س) پس از این بیت افزوده اند:
- به شاهی (پ، س: آ: بزرگان) بر او آفرین خواندند      نثارشهی بروی افشانند (پ، س: آ: ورا پادشاه (س: آ: شهریار) زمین خواندند)
- ۳- لی: بدو ۴- لن، پ، ب: کرد ۵- ل، لن، ق، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز ل، س: آ): زو؛ متن= ف، س، و، ل، ب (و نیز لن) ۶- ق، و: بودو ۷- ف، لی: در ۸- ف: سال و؛ ب: زال ۹- ف، ب (و نیز ل): هشیار؛ متن= ل- ل (و نیز لن، س: آ): بنداری: وکان کبیر السن قد أناف علی ثمانین سنة ۱۰- س، لی: جهان را به داد و دهش تازه کرد؛ متن= ده دستنویس دیگر ۱۱- و: همی ۱۲- ل: دلش با همه نیکی انباز داشت ۱۳- ف: گرفته؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن، س: آ) ۱۴- ف، لی: < و > ۱۵- ل، لی، پ: بستن؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، س: آ) ۱۶- ب: از آن ۱۷- ل: بدیدند ۱۸- ل: کشتن؛ ب: انده؛ متن= هشت دستنویس دیگر (و نیز س) ۱۹- پ، آ: کسی ۲۰- س: خشکی؛ لن، ق، آ: نیکی؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۱- و، ل: شده خاک خشك؛ پ: شده خشك مهر ۲۲- ل: گیاهان؛ ب: گیاهان دهان ۲۳- ل، ق، پ، و (و نیز لن): هیچ نم؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب: آب و نم؛ ل: نا و نم؛ متن= ف (و نیز ل، س: آ) ۲۴- و (و نیز لن): دو خسرو ۲۵- لن، پ، ب: برین گونه؛ ق، لی: بدان گونه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۲۶- ل، ق، لی، ل (و نیز ل، س: آ): تا؛ س، لن، ق، آ، پ، و، آ، ب (و نیز لن): بر؛ متن= ف ۲۷- س، لن، ق، آ، پ، آ: پنج؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل، ب (و نیز ل، لن، س: آ): بنداری: ثمانیه أشهر ۲۸- ف: اندر آورده؛ متن= ل- ب (و نیز ل، لن، س: آ) ۲۹- ف، س- آ، ب (و نیز ل، لن، س: آ): بکردند؛ ل: بکردند (حرف یکم نقطه ندارد)؛ متن= ل ۳۰- س: روزی دو جنگ؛ لن، ق، آ، پ، آ: هر روز جنگی؛ لی: تدبیر جنگ؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، ب (و نیز لن، س: آ: جنگ) ۳۱- ف، س- آ، ب (و نیز ل، لن، س: آ): که؛ متن= ف، ل ۳۲- ق: بلی ۳۳- ل، لی، ل، آ، ب: جنگ؛ بنداری: و بقیه عساکر الفریقین ثمانیه أشهر متقاتلین و متقابلین علی حالة واحدة

۱۰ ز تنگی چنان شد که چاره نماند  
 سَخْن رفتشان يك بيك هم زبان  
 ز هر دو سپه خاست فریاد<sup>۷</sup> و عَوُ  
 کجا<sup>۱</sup> بهره‌مان<sup>۱۱</sup> زین سرای سپنج<sup>۱۲</sup>  
 بیا تا بیخشیم روی زمین  
 ۱۵ سر نامداران تهی شد ز جنگ  
 برآن<sup>۱۷</sup> برنهادند هر دو<sup>۱۸</sup> سَخْن  
 بیخشند<sup>۱۹</sup> گیتی به رسم و به داد  
 ز رودابد و شیر<sup>۲۲</sup> تا مرز تور<sup>۲۳</sup>  
 روارو چنین تا به چین و ختن<sup>۲۶</sup>  
 ۲۰ ز مرزی کجا رسم<sup>۲۸</sup> خرگاه بود  
 وُزین روی<sup>۳۰</sup> ترکان نجویند<sup>۳۱</sup> راه  
 سُوی پارس<sup>۳۲</sup> لشکر برون راند زو<sup>۳۳</sup>  
 سُوی زاولستان<sup>۳۵</sup> بشد زال زر  
 پر از غلغل و<sup>۳۷</sup> رعد شد کوهسار

ز لشکر همی<sup>۱</sup> پودو<sup>۲</sup> تاره نماند<sup>۳</sup>  
 که از ماست بر ما بد آسمان<sup>۵</sup>  
 فرستاده آمد بنزدیک<sup>۹</sup> زو  
 نیاید<sup>۱۳</sup> بجز<sup>۱۴</sup> درد و اندوه و رنج<sup>۱۵</sup>  
 سراییم يك بادگر<sup>۱۶</sup> آفرین  
 ز تنگی بُد روزگار درنگ  
 که در دل ندارند کین کهن  
 ز کار<sup>۲۰</sup> گذشته نیارند<sup>۲۱</sup> یاد  
 از آن بخش<sup>۲۴</sup> گیتی بنزدیک و دور<sup>۲۵</sup>  
 سپردند شاهی بدان<sup>۲۷</sup> انجمن  
 زو و<sup>۲۹</sup> زال را دست کوتاه بود  
 چنین بخش کردند تخت و کلاه  
 کهن بود، لیکن جهان کرد<sup>۳۴</sup> نو  
 جهانی گرفتند هر یک<sup>۳۶</sup> به‌بر  
 زمین شد پر از رنگ و بوی<sup>۳۸</sup> و نگار

۱- ب: ز دولشکران ۲- س: < و > ۳- ق: سپه را همی قوت و باره نماند؛ و: ز لشکر همی نان و باره نماند ۴- ل، ن، پ: هم نشان؛ (ل) ۳: بر زبان؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، س) ۵- س، ل: که بر ما بد آمد هم از (لی: همی ز آسمان؛ ل، ن، ق: که بر ما بد آمد بد (ق) ۲: سر آمد سن آسمان؛ آ: که بر ما پر آمد بدید آسمان؛ متن = ف، ل، ق، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، س) ۶- ق: ز مردو ۷- ق: < و >؛ س، ل، ن، ق، ل، آ: آواز؛ متن = ف، ل، پ، و، ل، آ، ب ۸- ق، ل، آ، ب: غو ۹- ب: به درگاه ۱۰- ل، س، ل، ن، ق، ل، پ، و، آ (و نیز ل، ن): که گر؛ ق، ل، آ (و نیز ل، ن، س) ۱۱- ل: بهرمان؛ س- ب (و نیز ل، ن، آ، س): بهرما؛ متن = ف ۱۲- ق: زین سپنجی سرای ۱۳- ل، ن، ق، ل، ل، پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): نیامد؛ ل، س: نیامد (یا: نیاید)؛ متن = ف، ق، ل، آ ۱۴- س، ل: جزا ۱۵- ق: رای؛ و: نخواهد بدن جز غم و درد و رنج ۱۶- ف، ل، ن، پ، و، آ، ل (و نیز ل، ن): بر یکدگر؛ ق، پ (و نیز س): یک بردگر؛ ق: با یکدگر؛ متن = ل، س، ل، ل (و نیز ل، ن): ۱۷- ل، ن: بدان؛ ق، ل، آ، ب: برین؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۸- پ، و، ل، آ، ب: یکسر؛ پ در اینجا سرنویس دارد: بخش کردن زوطهماسب ممالک را ۱۹- ق، ل، آ، ل: بیخشید؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۰- ق: زرد؛ آ: که کار ۲۱- ل، ن، ق، آ: ندارند؛ ل: ندارند؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل: ز دریای بیکند؛ س، آ: ز رودابد شهر؛ ل، ن، ل، پ (و نیز ل، ن): روم؛ متن = ف، ل، س، و، آ، ب (و نیز ل، ن): ز کوراب را تا باموی و تور؛ (س): ز رودابه روتا سر مرز تور) ۲۴- و: روی ۲۵- ل، و، آ: ز نزدیک و دور؛ ل، ن، ل، پ: گیتی و آباد بوم؛ متن = ف، س، ل، آ، ب، ق، ق، این بیت را ندارند ۲۶- ف: تا به مرز ختن؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س): بنداری (۱۸- ۲۱): فاستقرت الحال علی أن یکون من حد زو زابد و شیر الی منتهی أقصى الصين و الختن لأفراسیاب و الثورانیة، و من هذا الجانب لزو و الایرانیة ۲۷- ل، ن، پ: بران؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۸- س، ل، ن، ق، ل، ل، پ، و (و نیز ل، ن): مرز؛ متن = ف، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۹- ل، س، ل، ن، ل، پ، و (و نیز ل، ن، آ، س): ازو؛ ق: زو؛ ب: از آن؛ متن = ف، ل، آ؛ ق، آ این بیت را ندارند ۳۰- و: مرز ۳۱- پ: نجستند؛ ق این بیت را ندارد ۳۲- آ: فارس ۳۳- ب: گو ۳۴- س: بود؛ پ، ل، آ این بیت را ندارند و پ بجای آن افزوده است:

چو بنشست بر تخت و گاه پدر جهان را همی داشت با زیب و فر

۳۵- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): زابلستان؛ متن = ف، و (و نیز س، آ، بنداری) ۳۶- پ: یکسر؛ ل این بیت را ندارد ۳۷- س، ل، ن، ق، ل، ل، و، آ، ب: < و >؛ متن = ف، ل، ق، پ، ل، آ ۳۸- ل: رنگ بوی؛ ق: رنگ و بو؛ آ: بوی و رنگ؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

۲۵ جهان چون عروسی رسیده جوان  
 چو مردم ندارد نهاد پلنگ  
 مهان<sup>۴</sup> را همه انجمن کرد زو<sup>۵</sup>  
 فراخی که آمد ز تنگی<sup>۹</sup> پدید  
 بهرسویکی جشنگه ساختند  
 ۳۰ چُنین<sup>۱۰</sup> تا برآمد برین<sup>۱۱</sup> پنج سال  
 زمانه همانا شد از داد سیر  
 چو سال اندرآمد<sup>۱۵</sup> به هشتاد<sup>۱۶</sup> و شش  
 بُد بخت<sup>۱۷</sup> ایرانیان کُندرو<sup>۱۸</sup>  
 پر از چشمه و باغ و آب روان  
 نگردد زمانه<sup>۲</sup> برو<sup>۳</sup> تار و تنگ  
 به دادار بر<sup>۶</sup> آفرین خواند<sup>۷</sup> تو<sup>۸</sup>  
 جهان آفرین داشت آنرا کلید  
 دل از کین و نفرین برداختند  
 نبودند آگه ز رنج همال<sup>۱۲</sup>  
 جهان<sup>۱۴</sup> خواست کاید به چنگال شیر  
 پیژمرد سالار خورشیدفش  
 شد آن دادگستر بی آزار<sup>۱۹</sup> زو<sup>۲۰</sup>

### گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زوطهماسپ<sup>۲۱</sup>

چُن آمد ز<sup>۲۲</sup> خوار ری افراسیاب  
 ۳۵ نیورد<sup>۲۴</sup> يك تن درود<sup>۲۵</sup> پشنگ<sup>۲۶</sup>  
 بیخشید گیتی و بگذاشت آب<sup>۲۳</sup>  
 دلش<sup>۲۶</sup> پر ز کین بود و سر<sup>۲۷</sup> پر ز جنگ

۱- لی: شده نو جوان؛ و: شد از سر جوان؛ در این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲- ل: بگردد زمانه؛ ق: زمانه نگردد ۳- لن: بدو ۴- ق، پ، ل: جهان ۵- و: نو (پساوند ندارد) ۶- ل: <بر> (وزن ندارد) ۷- ل، لی، ب: کرد؛ س، ق: ساخت؛ متن= ف، لن، ق، آ، پ، و، آ، ل ۸- ب: گو ۹- لن، ق، آ، پ، آ: فراخی که از تنگی آمد؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- س: چنان ۱۱- لی: بدین ۱۲- ف، ل، لن، ق، ل، آ، ب (و نیز س): سال پنج؛ متن= س، ق، آ، لی، پ، و (و نیز ل، آ، لن) ۱۳- ف، ل، آ، ب: ز درد و زرنج؛ ل، ق (و نیز س): کس از درد و رنج؛ لن: کسی را زرنج؛ پ: زرنج و وبال؛ و (و نیز لن): نگشتند با یکدیگر بدسگال؛ (ل: کس از رنج و هال)؛ متن= س، ق، آ، لی؛ آ این بیت را ندارد ۱۴- لن، ق، آ، پ، آ، ب: همی؛ متن= ف، ل، س، ق، آ، لی، و، ل؛ در ل پس از این بیت نخستین پ ۲۰ دوباره آمده است؛ در لن این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ب: چو سالتش برآمد ۱۶- آ: هفتاد؛ ل این بیت را ندارد؛ در لن این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ل پس از این بیت های ۴۲ و ۴۳ آمده اند ۱۷- ف، لن (و نیز لن): تخت؛ ل، س، ق، آ، و، آ: بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل این بیت را ندارد؛ متن= لی، پ، ب (و نیز س) ۱۸- س: تیزرو ۱۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ: جهاندار؛ متن= ف، ل، ق، و، ب ۲۰- ق، ق، آ، لی، آ: نو؛ متن= ف، ل، س، لن، پ، و، ب؛ در س پس از این بیت ۴۳ آمده است؛ ل، لن، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، س) پس از این بیت افزوده اند:

#### پادشاهی کرشاسب زونه سال بود

پدر کرده بودیش کرشاسب (لن: کرشاسف) نام  
 بسر بر نهاد آن کیانی (ق، آ: گرامی) کلاه  
 جهان را همی داشت بازیب و فر (لی: از ایران یکی آفرین خاست نو)  
 پسربد مرورا (ل، ق: بود زورا؛ آ، ب: بود ویرا) یکی خویش کام  
 بیامد نشست از بر تخت و گاه (و، ب: تختگاه)  
 چو نشست بر تخت (ق، ق، آ، و، ب: <و>) گاه پدر (لی: کرشاسب زو)  
 این سه بیت و سرنویس آن در ف، س، ل<sup>۲</sup> و نیز در ترجمه بنداری نیست؛ در ل، ق پس از سه بیت بالا بیت های ۴۲ و ۴۳، و در لن، ق<sup>۲</sup>- ب (و نیز ل، آ، لن، س) پس از سه بیت بالا بیت ۴۳ آمده است و لی پیش از آن بیت زیر را افزوده است:  
 وزان پس خبر شد به افراسیاب که بیدار بخت اندر آمد بخواب  
 ۲۱- ف: گفتار اندر آگاهی یافتن افراسیاب از مرگ زوطهماسب و آمدن او بار دوم به ایران به جنگ؛ ل: پادشاهی کرشاسب؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: پادشاهی کرشاسب (لن: کرشاسف) زو (آ: زو کرشاسب) نه سال بود (پ، ب: <بود>)؛ ل: آگاهی یافتن از مرگ زو افراسیاب را؛ متن= آغاز ف ۲۲- ل، لن، لی، پ، ب: بیامد به؛ س: بیامد ز؛ ق، آ، و، ل: چو آمد ز؛ آ: چو آمد به؛ متن= ف ۲۳- لن، ق، لی: بگذشت از آب؛ متن= نه دستنویس دیگر ۲۴- آ، ب: بیورد ۲۵- لی: درود از پشنگ؛ ل: درودش پشنگ ۲۶- ل، لن، ق، پ، ل، آ، ب: سرش؛ ق: برش؛ متن= ف، س، لی ۲۷- ل، لن، ق، پ، ل، آ، دل؛ ق: آ: تن؛ ب: سرش پر ز کین و دلی؛ متن= ف، س، لی ۲۸- و: شد آن تیغ تیزش همه تیره رنگ (= ۳۷ ب)؛ آ: شد آن تیغ روشن پر از تیره رنگ (= ۳۷ ب)

فرستاده‌یی رفت نزدیک اوی<sup>۱</sup>  
بدو روی نمود هرگز پشنگ  
دلش خود ز تخت و کله تفته<sup>۲</sup> بود  
همی گفت: اگر<sup>۳</sup> بخت<sup>۴</sup> را سر<sup>۵</sup> بدی  
۴۰ تو خون برادر بریزی همی<sup>۱۵</sup>  
مرا با تو تا جاودان کار نیست

به سال و به مه بُد که نمود روی<sup>۱</sup>  
شد آن تیغ روشن پر از تیره زنگ<sup>۲</sup>  
زه تیمار اغریرت<sup>۳</sup> آشفته<sup>۴</sup> بود  
چُن<sup>۱۱</sup> اغریرتش<sup>۱۲</sup> یار<sup>۱۳</sup> درخور بدی<sup>۱۴</sup>  
ز پرورده مرغی گریزی همی<sup>۱۶</sup>  
بنزد منت راه دیدار نیست<sup>۱۷</sup>

چنین تا برآمد برین روزگار  
به ترکان خبر شد<sup>۱۹</sup> که زو درگذشت  
پر آواز شد گوش ازین آگهی  
۴۵ پیامی پیامد<sup>۲۳</sup> بکردار سنگ<sup>۲۴</sup>  
که بگذار<sup>۲۶</sup> جیحون و برکش سپاه  
ترا سوی دشمن فرستم به جنگ  
یکی لشکری ساخت افراسیاب  
ز دشت<sup>۲۸</sup> سپیجاب<sup>۲۹</sup> تا رود آب

۱- آ: شد بنزدیک اوی؛ ل، ق، و، ل، آ، ب: فرستاده رفتی بنزدیک (ق: ز نزدیک) اوی؛ متن = ف، ل، ن، ق، پ ۲- و، ب (و نیز س): هیچ نمود روی؛ ل: هیچ نمود از اوی؛ ل، ق: بدو سال و مه هیچ نمود روی؛ ل، ن، ق، آ، پ، آ (و نیز ل، ن): ز پیش (ق: آ: ز نزد) پشنگ آن شه نامجوی؛ متن = ف (و نیز ل): س، لی این بیت را ندارد؛ در ل، ن، ق، ق، آ، پ، و، ل، آ، ب (و نیز در ل، ن، آ، س): این بیت با بیت ۳۸ پس و پیش شده اند ۳- ل: کینه زنگ؛ س، لی: همی بود همچون دلاور نهنگ؛ و: که از کار او بود بر دوده ننگ؛ متن = ف، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ب (ف، ل، ن، ق: رنگ)؛ آ این بیت را ندارد؛ در س، لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- ل- پ، ل، آ، ب (و نیز ل): گشته؛ و: خفته؛ متن = ف (و نیز ل، ن، آ، س): ۵- ل، س، ل، ن، ق، ق، آ، پ، ب: به؛ متن = ف، ل، و، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): آ: اغریرت؛ ق، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): آ: اغریرتش؛ ل: اغریرش (حرف ششم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، ب ۱۳- ف: ۳۶ و در س، لی با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ پیایی بیت های متن = ف ۸- ل: گر ۹- و: تخت ۱۰- ق: رهبر ۱۱- ل- پ، آ، ب: چو؛ ل: جز؛ متن = ف ۱۲- ل، ن، پ: اغریرت؛ ق، آ، ب: اغریرش؛ ل: اغریرش (حرف ششم نقطه ندارد)؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، ب ۱۳- ف: شاه؛ ل: یارو؛ ل، ن، ق، آ، ب: بار؛ ل: نار (نقطه ندارد)؛ (س: آ: باد)؛ متن = س، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز ل): ۱۴- و (و نیز ل): و رارای اغریرت افسر بدی ۱۵- ل: چو خون برادر بریزد کسی ۱۶- ل: بسی ۱۷- بنداری (بیت ۳۴-۴۱): و کان افراسیاب لما ارتحل من خوارالری و عبر جیحون قسم الممالک. و کان ابوه بشنک متغیرا علیه و معتاظا عن جهة إقدامه علی قتل أخیه أغریرت. و کان لایجیب عن کتبه الیه، ولایمکن رسله من اللدخول علیه. و کانت رسله تبقى علی بابه سنة كاملة لایسمع لهم کلاما، ولا یرفع بهم رأسا. و کان یقول علی سبیل التعنیف مخاطبا لابنه فی غیته: لوکان الجد لك معاضدا و مساعدا لبقی لك أخوک عضدا و ساعدا. أنفر ریب طیر ثم تنحی علی أخیك بکل ضیر؟ فمن الآن لاسبیل لك الی الحضور بین بدی، ولا طریق الی أن أنظر الیک أو تنظر الی ۱۸- س، لی این بیت را ندارند؛ در ب این بیت پس از بیت ۴۴ آمده است؛ ← پ ۲۱- ۱۹- ل، ن، ق، آ، پ، و، آ، ب: خبر شد به ترکان؛ متن = ف، ل، س، ق، لی، ل، آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): این بیت، و در ل، ق این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۳۳ آمده است؛ در ل این بیت و بیت پیشین پس از بیت ۳۲ نیز آمده اند؛ پیایی بیت های متن = ف، بنداری؛ فمضی علی ذلك مدّة من الزمان و تناهی الخبر بموت زوالی بشنک ۲۲- ل: بی شاه؛ در ب پس از این بیت بیت ۴۲ آمده است؛ و پس از این بیت افزوده است:

بدان سال کرشاسب زو درگذشت ز گیتی همان بد چو او درگذشت

۲۳- آ: برآمد ۲۴- ف، و (و نیز ل): ز نزد پشنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز س) ۲۵- ف، س، لی، و، ب (و نیز ل): آن دلاور نهنگ (ف: پلنگ)؛ ق: از هوای پشنگ؛ متن = ل، ن، ق، آ، پ، آ، ل (و نیز س) ۲۶- ل، ن، لی، پ: که بگذرز ۲۷- ق، آ، ب: کار؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آمدن افراسیاب دوم نوبت به ایران ۲۸- س، لی: مرز ۲۹- ف، س: سنجاب (حرف دوم و سوم نقطه ندارد)؛ ل، ق: سنجاب (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل، ن، ق، لی، ب (و نیز ل): سنجاب؛ پ، و، آ (و نیز س): سنجاب؛ ل: سقلاب (وزن ندارد)؛ (ل: سبجان)؛ متن تصحیح قیاسی است



که گفستی زمین شد سپهر روان  
 ۵۰ یکایک به ایران<sup>۲</sup> رسید آگهی  
 سوی زاولستان<sup>۳</sup> نهادند روی  
 بگفتند با زال چندی درشت  
 پس از<sup>۷</sup> سام تا تو شدی پهلوان  
 سپاهی ز جیحون بدین<sup>۸</sup> سو کشید  
 ۵۵ اگر چاره داری مرین را<sup>۱۱</sup> بساز  
 چنین گفت با مهتران<sup>۱۲</sup> زال زر  
 سواری چو من پای در<sup>۱۴</sup> زین نگاشت<sup>۱۵</sup>  
 [به دریا نهنگ و به که در<sup>۱۷</sup> پلنگ  
 به جایی که من پای بفشاردم  
 ۶۰ شب و روز در جنگ یکسان بدم  
 همی بارد از تیغ هندی روان<sup>۱</sup>  
 که آمد خریدار تخت مهی  
 جهان شد سراسر<sup>۴</sup> پر از گفت و گوی<sup>۵</sup>  
 که گیتی بس آسان گرفت<sup>۶</sup> به مشت  
 نبودیم یک روز روشن روان  
 که شد<sup>۹</sup> آفتاب از جهان ناپدید  
 که آمد سپهبد به تنگی<sup>۱۱</sup> فراز  
 که تا من به مردی بیستم<sup>۱۳</sup>  
 کسی تیغ و گرز<sup>۱۶</sup> مرا برنداشت  
 ز بیم نهان گشت در آب و<sup>۱۸</sup> سنگ  
 عنان<sup>۱۹</sup> سواران<sup>۲۰</sup> شدی<sup>۲۱</sup> پاردم  
 ز پیری همه ساله ترسان<sup>۲۲</sup> بدم

۱- ف: گفستی روان؛ ق: ۲؛ چو اختر همی تافت نعل اندران؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ۲، س، ۲)؛ لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ۳، لن، ۲، س، ۲) پس از این بیت افزوده اند:

به نه (ب: سیوم) سال (آ: ماه) این (ق: ۲: بدین گونه آن) لشکر نامدار  
 بیامد روارو (لن: ز توران؛ لی: بخواری؛ پ: ز خواری) سوی کارزار  
 ف، ل، س، ق، و، ل، ۲ این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲- ق: بزابل به ایران؛ ل، ۲: به ایران و کابل؛ پ، ب در اینجا سرنویس دارند،  
 پ: رفتن ایرانیان بنزد زال و یاری خواستن؛ ب: باز آمدن افراسیاب به ایران؛ لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ۳، لن، ۲، س، ۲) پس از بیت ۵۰ افزوده اند:  
 بدان سال کرشاسب زو درگذشت

ز گیتی همان (پ: هم) بدچو او درگذشت (آ: هوارا بگشت؛ ب: هویدا بگشت)

ق: ۲: ز گیتی درود و ببرد آنچه کشت

بید (ق: ۲، آ، ب: چو شد) تخت ایران ز شاهان تهی  
 ندیدند کس (لن، لی: ندیده کسی؛ پ: ندیدند خود) روزگار بهی  
 وز (ق: ۲، آ، ب: از) ایران سراسر برآمد (ق: ۲: برآمد سراسر) خروش  
 برآمد همه (لن، لی: همان) کوی و برزن بجوش

ف، ل، س، ق، و، ل، ۲ این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۳- ل، س، لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ۳، لن، ۲): زابلستان؛ متن = ف، ق، و، ل، ۲ (و نیز س، ۲، بنداری) ۴- ف: جهان سرسبز شد؛ ب: جهانی سراسر؛ متن = ل-ل (و نیز ل، ۳، لن، ۲، س، ۲) ۵- ل، ق: گفت گوی؛ پ: گفت <و گوی>; متن = نه دستنویس دیگر؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۶- ل، س، آ (و نیز ل، ۳): تن آسان گرفت؛ لن، پ: گرفتی بس آسان؛ ق: ۲: سراسر گرفتی؛ متن = ف، لی، و، ل، ۲، ب (و نیز لن، ۲، س، ۲)؛ ق این بیت را ندارد ۷- س، لی، آ: <از>; ق، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، ۳، لن، ۲، س، ۲) پس از این بیت افزوده اند:

چو زو درگذشت و پسر شاه بود  
 کنون شد جهانجوی کرشاسب شاه  
 بدان را ز بد دست کوتاه بود  
 کنون گشت بی تاج و بی سرسپاه (پ: بی شاه شهر و سپاه)

ف، ل، س، ق، و، ل، ۲ این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۸- س، لن، برین ۹- و: گشت؛ و در اینجا سرنویس دارد؛ باز آمدن افراسیاب به ایران زمین  
 بار دیگر ۱۰- ق، ۲، لی، ب: اگر چاره دانی این را؛ آ: اگر چاره دانی اکنون؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۱- ل، ۲: بنیکی  
 ۱۲- ل، ق: پس نامور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- ل، آ، ب (و نیز ل، ۳، لن، ۲): که تا من بیستم به مردی کمر؛ متن = ف، ل، ۲ (و نیز س، ۲) ۱۴- ل،  
 لن، ق، لی، پ، آ: بر؛ متن = ف، س، ق، ۲، و، ل، ۲، ب ۱۵- آ، ل، ۲: نداشت ۱۶- و، ل، ۲: گرز و تیغ ۱۷- و (و نیز لن، ۲): بر؛ متن = ف ۱۸- و (و  
 نیز لن، ۲): <و>; متن = ف؛ ل-پ، آ، ل، ۲، ب (و نیز ل، ۳، س، ۲) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۱۹- لن: لگام ۲۰- ق: سواری؛  
 ل، ۲: دلیران ۲۱- لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ل، ۲: بدی؛ متن = ف، ل، س، ق، و، ب ۲۲- لن، ل، ۲ این بیت را ندارند

کنون چنبری گشت پشت<sup>۱</sup> یلی  
 [من ار بازماندم ز تاب و توان  
 کنون گشت<sup>۲</sup> رستم چو سروسهی  
 یکی اسپ جنگیش باید همی  
 بجویم یکی<sup>۱۱</sup> بارهی پیلتن  
 بخوانم به رستم بر این<sup>۱۴</sup> داستان  
 که بر کینهی تخمهی زادشم<sup>۱۶</sup>  
 همه شهر ایران ز<sup>۲۰</sup> گفتار اوی<sup>۲۱</sup>  
 ز هر سو هیونی<sup>۲۳</sup> تگاور بتاخت  
 به رستم بگفت ای گو<sup>۲۵</sup> پیلتن  
 یکی کار پیش ست و رنجی<sup>۲۶</sup> دراز  
 ترا نوز<sup>۲۹</sup> پورا گه<sup>۳۰</sup> رزم نیست  
 هنوز از لب شیر بوید همی  
 چگونه فرستم به دشت نبرد

۶۵  
 ۷۰

نتابم<sup>۲</sup> همی<sup>۳</sup> خنجر کاوی<sup>۴</sup>  
 نماندم<sup>۵</sup> جهان بی جهان پهلوان  
 بروبر<sup>۷</sup> برآزد<sup>۸</sup> کلاه مهی  
 کزین<sup>۹</sup> تازی اسپان<sup>۱۰</sup> نشاید<sup>۱۱</sup> همی  
 بخوانم<sup>۱۲</sup> ز هر سو که هست<sup>۱۳</sup> انجمن  
 که هستی بدین کار<sup>۱۵</sup> همداستان؟  
 ببندی<sup>۱۷</sup> میان<sup>۱۸</sup> و نباشی<sup>۱۹</sup> دژم؟  
 بیوند شادان دل و تازه روی<sup>۲۲</sup>  
 سلیح<sup>۲۴</sup> سواران جنگی بساخت  
 به بالا سرت برتر از انجمن  
 کزو بگسلد<sup>۲۷</sup> خواب<sup>۲۸</sup> و آرام و ناز  
 چه سازم که هنگامهی بزم نیست  
 دلت ناز و شادی<sup>۳۱</sup> بجوید همی  
 ترا پیش<sup>۳۲</sup> شیران<sup>۳۳</sup> پرکین و درد<sup>۳۴</sup>

- ۱- ل، پ، آ: یال؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲- ل: نتابد؛ س، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): نیابم؛ و: بتابم؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، لی، پ، ل (و نیز ل، آ) ۳- لن: یکف ۴- ف- ب (و نیز ل، آ، س، آ): کابلی؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ف پس از این بیت افزوده است: سرآمد جوانی و پیری رسید گل زرد بر جای خیری رسید ق، و (و نیز ل، آ) پس از بیت ۶۱ افزوده اند:
- سیاسم گر این (و، ل، آ: کزین) بیخ سست (ل، آ: شست) شد ازوی (و: تناور) یکی شاخ فرخ برست (و، و نیز ل، آ) پس از بیت بالاییک بیت دیگر هم افزوده اند:
- که از وی همی سر به گردون رسد بیبیم به مردی که تا چون رسد
- ۵- (ل، آ: نمانم)؛ متن = ف، و؛ ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، س، آ) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست ۶- لن: ولی گشت؛ (س، آ: بیالید) ۷- ف، ل: بروبر فرآزد؛ س: بتابد بروبر؛ ل، ق، آ، لی، آ: بزید بروبر؛ پ، ب: نزیید بروبر؛ و (و نیز ل، آ): که زید بروبر؛ ل: برآرد مرورا (→ برآزد. . .)؛ (ل، آ): برآزد بروبر؛ س، آ: برآزد بروبر؛ متن = ق ۸- س: که زین؛ و: وزین؛ ل، آ: ازین؛ متن = نه دستنویس دیگر ۹- پ: اسب اورا ۱۰- لی: نتابد؛ درق این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۶۷ آمده اند ۱۱- ف: همی؛ متن = ل- ب (و نیز ل، آ، س، آ) ۱۲- ل، س، ل، ب: بخوادم؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۱۳- ف: یکی؛ ل، آ: که شد؛ متن = ل- آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ) ۱۴- و: بخوانم بر رستم این؛ ل، آ: برانم بر رستم بدین ۱۵- ل، ل، ق، پ، و، ل، آ: برین کار؛ ق، آ: که هست او بدین کار؛ لی: ببینم که او هست؛ آ: که هست او برین کار؛ متن = ف، س؛ ب این بیت را ندارند؛ درق این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۱۶- ق: تخم آزادشم؛ آ: که بر تخمه کین نیاز داشتم (!) ۱۷- لی، آ، ب: ببندد ۱۸- ل، آ: میان را ۱۹- و: دل نداری؛ آ، ب: و نباشد؛ درق این بیت بابت پیشین پس و پیش شده است؛ درق پس از این بیت های ۶۴ و ۶۵ آمده اند ۲۰- س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: به؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۱- ق: او ۲۲- ق، آ: او ۲۳- ل، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ب: هیون؛ متن = ف، س، ق، و، ل ۲۴- س، ق، لی، آ: سلاح؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۵- ل، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): به رستم چنین گفت کای؛ متن = ف، س، ل (و نیز ل، آ) ۲۶- س، ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل، ب: رنج؛ متن = ف، ل، ق، و ۲۷- ق: بگذرد ۲۸- س، ق، و: خورد؛ ل، آ: پشت؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۹- لن، ل، لی، پ، آ: نیز؛ متن ← ۳۰- س: ترا آگهی دانم از؛ متن = ف، ل، ق، آ، و، ل، آ، ب ۳۱- لی: خوشی؛ ل، آ: آرام؛ درس از این بیت تا پایان داستان افتاده است؛ ق، آ، لی، پ، آ، ب در اینجا سرنویس دارند: پهلوانی دادن زال رستم را (ق، آ. . . و طلب کردن رخس) ۳۲- لن، ق، آ، پ، آ، ب: نزد؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل ۳۳- ل: ترکان؛ متن = ف، ل، ب (و نیز ل، آ، س، آ) ۳۴- لن، پ (و نیز ل، آ): مردان مرد

۷۵ چه گویی چه سازم؟<sup>۱</sup> چه پاسخ<sup>۲</sup> دهی؟  
 که جفت<sup>۳</sup> تو بادا مهی و بهی<sup>۴</sup>  
 چنین گفت رستم به داستان سام  
 چنین<sup>۵</sup> یال و این چنگ های<sup>۶</sup> دراز  
 اگر دشت کین آید و<sup>۷</sup> جنگ<sup>۸</sup> سخت  
 بینی که در جنگ من چون شوم  
 یکی ابر دارم به چنگ اندرون  
 همی آتش افروزد از گوهرش  
 هرآنکه که جوشن به<sup>۹</sup> بر<sup>۱۰</sup> درکشم

۱-لن، پ: چه سازی؛ و: چه سازم چه گویم ۲-ق: فرمان ۳-ف: گفت؛ ل: این بیت را ندارد؛ متن=ل، لن-آ، ب (ونیز ل، س، س) ۴-ل، ق، آ، ب: بهی و مهی؛ متن=ف، لن، ق، آ، لی، پ، و؛ ق، ق (ونیز ل) پس از این بیت و ب پس از بیت ۷۶ و ل پس از بیت ۷۷ افزوده اند (در بیت ۱ پس از بیت ۱۴ آمده است):

چنین پاسخ آورد رستم بدوی  
 همانا فراموش کردی ز من  
 ز کوه سپید (ب: سفید) و ز پیل زبان  
 کنون گر بترسم ز پور پشنگ  
 کنون گاه رزمست و آویختن  
 ز (ب: از) افکندن شیر شیرست مرد  
 ب: همان جشن اورا و جنگ و نبرد

زنان را از آن نام ناید بلند  
 بدو گفت زال ای دلیر و (ق، ب: < و >) جوان  
 ز کوه سپند و ز پیل سپید  
 ق: که پیوسته در خفتن و خوردن اند (ق ندارد)  
 سر نامداران و پشت گوان  
 فزودی (ب: که گفستی) و دادی دلم را نوید  
 ق: سرودی دلم را و دادی امید

۱۰ همانا که آن (ب: این) رزم (ل: رزمست؛ ق: رسم) آسان بدی  
 ولیکن ز کردار (ل: ترکان) افراسیاب  
 چگونه فرستم ترا پیش (ق: نزد) اوی  
 ترا گاه بزمست و آرام و (ل: آوای) رود  
 نه هنگام رزمست و ننگ (ب: جنگ) و نبرد  
 دلم زان (ب: زین) سخن کی (ق: کم) هراسان بدی  
 شب تیره من سر (ق: ب: رفتن) نیارم به (ب: نه آرام) خواب  
 که ترکی دلیرست و پرخاشجوی (ب: وهم جنگجوی؛ ل ندارد)  
 کشیدن می و پهلوانی سرود  
 برآوردن از خاک بر ماه گرد (ق ندارد)

۵- در پ این بیت پس از بیت ۸۳ آمده است؛ در ب پس از این بیت بیت هائی افزوده است (← پ ۴) ۶- ب: مرین ۷- پ: لفجهای ۸- ل: زیبا؛ ق: نیکو؛ در ل روی بیت های ۷۶ و ۷۷ خط کشیده و پس از آن بیت هائی افزوده است (← پ ۴) و سپس بیت های ۷۶ و ۷۷ را از نو آورده است  
 ۹- لن، پ، ب: کینست اگر؛ ق: کینست و ر؛ آ: کینست و گر؛ متن=ف، ل، ق، لی، و، ل ۱۰- ل، ق، آ: رزم؛ ب: چنگ؛ متن=ف، لن، ق، لی، و، آ، ل، آ، ب ۱۱- ق: مرا ۱۲- ل، لن، ق: ب (ونیز لن، س، آ)؛ < و >؛ متن=ف، ق (ونیز ل) ۱۳- لی، آ: فیروز؛ در ق، آ، ب پس از این بیت بیت ۸۲ آمده است ۱۴- ل: که با بور گل رخس در جوشنم؛ ق، آ، ب: چو اندر صف ریزش خون شوم؛ و (ونیز لن)؛ چو با رخس گلگون به هامون شوم؛ ل: که با سینه (!) گلرنگ در خون شوم؛ لن، پ این بیت را ندارند؛ متن=ف، لی (ونیز ل، س، آ؛ لی، ل، س، آ: که با... ۱۵- ق: < و >؛ لن، لی، پ این بیت را ندارند ۱۶- ل، آ، ب: همه ۱۷- ل، ق، آ، و، آ، ب (ونیز لن)؛ بساید؛ لی: بگوید؛ (س: بسوزد)؛ متن=ف، ق (ونیز ل)؛ لن، پ این بیت را ندارند ۱۸- لن، ق، آ، ب، آ، ب (ونیز لن)؛ هرآنکه که چاچی بزه؛ متن=ف، ل، ق، لی، و، ل (ونیز ل، س، آ) ۱۹- آ، ب: ستاره فروریزد از ترکشم (آ: جوشنم)؛ در پ لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در آ، ب این بیت پس از بیت ۸۸ نیز آمده است و در آنجا در آ لت دوم و در ب لت یکم برابر متن است؛ در ق این بیت پس از بیت ۸۸ آمده است

هرآن<sup>۱</sup> باره کو زخم گویال من  
 نترسد ز عراده و منجنیق  
 ۸۵ چو من پیش دارم<sup>۵</sup> سنانم به چنگ<sup>۶</sup>  
 یکی باره باید چو پیل<sup>۷</sup> بلند  
 که زور مرا پای دارد<sup>۸</sup> به جنگ  
 یکی گرز خواهم<sup>۱۲</sup> چو یک لخت کوه  
 شکسته کنم من بدو<sup>۱۴</sup> پشت پیل  
 ۹۰ که روی زمین را کنم بی سپاه<sup>۱۵</sup>  
 چنان شد ز گفتار او پهلوان<sup>۱۷</sup>  
 گله هرچه بودش به<sup>۱۹</sup> زاولستان<sup>۲۰</sup>  
 بسیند برو بازوی<sup>۲</sup> و یال من  
 نگهبان نباید<sup>۳</sup> ورا<sup>۴</sup> جاثلیق  
 ببرد ز خون دل پیل رنگ<sup>۶</sup>  
 چنان چون من آرم به خم کمند  
 شتابش نیاید<sup>۱</sup> به روز درنگ<sup>۱</sup>  
 چو پیش من آیند توران گروه<sup>۱۳</sup>  
 ز خون رود رانم چو دریای نیل  
 که خون بارد ابر اندر آوردگاه<sup>۱۳</sup>  
 که گفتی<sup>۱۸</sup> برافشانند خواهد روان  
 بیاورد، لختی<sup>۲۱</sup> ز<sup>۲۲</sup> کاولستان<sup>۲۳</sup>

۱- ل: ۲؛ همان ۲- لن، ق، پ: بازو؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، آ، ل، ۲؛ ب؛ در پ پس از این بیت بیت ۷۶ آمده است ۳- ل، لن، پ: نباشد؛ ل: ۲؛  
 نباشد؛ متن = ف، ق، لی، و، آ ۴- آ: ترا؛ ب این بیت را ندارد ۵- و، آ، ب (و نیز ل، ۲، س): چو سرپیش دارد؛ ل: ۲؛ که تن پیش دارد ۶- لی: سر میش دارد عنانم  
 بجنگ ۷- ق، ۲، آ: بگیرد به (آ: ز) خونش دل (آ: دل از) سنگ رنگ؛ لی: ستایش نیاید بروز درنگ؛ و: بگیرد ز خون دلش نیل رنگ؛ ل: ۲؛ ببرد ز خون و دل یک ز رنگ (۱)؛  
 ب: شتابش نباشد برو برد رنگ (= ۸۷)؛ (لن: ۲: بگیرد ز خونش دل نیل رنگ؛ س: ۲: بگیرد به خونش دل سنگ رنگ)؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ این بیت را ندارند ۸- لن،  
 ق، ۲، لی، آ، ب: کوهی؛ پ: کوه؛ ل: ۲؛ پیل؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = ف، ق، و ۹- لن، ق، لی، آ: تاب دارد؛ پ: تاب آرد؛ متن = ف، ق، و، ل ۱۰-  
 ق، ۲، آ: نباشد؛ ل: ۲؛ ستایش نباید؛ متن ← ۱۱- لن، لی، پ: بگیرد (لی: نگوید) ز خونش دل سنگ رنگ (= ۸۵)؛ متن = ف، و؛ ل، ق، ب این بیت  
 را ندارند ۱۲- ل: ۲؛ باید ۱۳- ل، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): گر (لن، آ، ب، لن: ۲؛ که؛ ل: ۲؛ چو) آیند پیشم (ق، لی، ل، ۲، ب، س: ۲: آید  
 به پیشم) ز توران (آ: ترکان) گروه؛ و: که آید ز توران به پیشم گروه؛ متن = ف؛ لن، پ پس از این بیت افزوده اند:

سرانشان بکویم بدان (پ: بران) گرز بر نباید برم هیچ پرخاشخبر

۱۴- ف: بدان؛ متن = ل، ق، پ، ل، لن، ق، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ۲، لن، ۲، س): این بیت را ندارند ۱۵- لن، پ: گراید ننگ رزمی بود بی سپاه؛ ق، ۲،  
 لی، آ، ل، ب (و نیز ل، ۲، س): گر (ق: ۲؛ چو) آیند (آ: ب: گراینده) رزمی کنم بی (آ: با) سپاه؛ و (و نیز لن: ۲): یکی رزم سازم چنان بی سپاه؛ متن = ف، ل  
 ۱۶- لن، پ، ب: که خون ریزد (ب: بارد) از ابر آوردگاه؛ ق: ۲؛ که خون باز دارد بر آوردگاه؛ متن = ف، لن، لی، و، آ، ل (و نیز لن، ۲، س): ق این بیت را  
 ندارد؛ ل، پ پس از این بیت و ق پس از بیت پیشین افزوده اند:

نباشد خدنگ مرا پایدار کجا زاهین کوه گیرد (ق: یابد؛ پ: کرده باشد) گذار

لن پس از بیت ۹۰ و پ پس از بیت بالا افزوده اند:

همه رسم و راه پلنگ آورم سر سرکشان زیر چنگ آورم

۱۷- ق: چنان شد ز شادی دل پهلوان ۱۸- لی: گویی؛ ق پس از این بیت و ب پس از بیت پیشین افزوده اند:

بپاسخ چنین گفت دستان سام بیارم برت گرز سام سوار

که ای سرگشته (ب: ناگشته) ز آرام و جام که دارم ز وی (ب: ازو) در جهان یادگار

فکندی بدان گرز پیل ژبان که جاوید باشی و روشن روان (ب: بادی توای پهلوان)

بفرمود تا گرز سام سوار (ب: بنام) بیارند زی پهلوان نامدار (ب: شادکام)

تو لب کرد خندان و شادی گزید که ای پهلوان جهان سربسز

کشد این چنین فرّه و برز من برو هر زمان نام یزدان بخواند

سپهبد ز گفتار او خیره ماند یکی (ب: همی) آفرین خواند بر زال زر

یکی اسب خواهم کجا گرز من یکی اسب خواهم کجا گرز من

۱۹- لن، پ، ل: ۲؛ ز؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۰- ل، لن، ق، لی، پ، آ، ل، ۲؛ ب: زابلستان؛ ق: ۲؛ کابلستان؛ متن = ف، و ۲۱- لن، لی: چندی؛

ق، ۲؛ ب: بهری؛ پ: وچندی؛ آ: و بهری؛ متن = ف، ل، ق، و، ل ۲۲- ل، ب: به؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۳- ف، ل، لن، ق، لی: ب: کابلستان؛

ق: ۲؛ زابلستان؛ متن تصحیح قیاسی است

برو<sup>۱</sup> داغ شاهان<sup>۲</sup> همی خواندند  
 به پشتش بر افشاردی<sup>۴</sup> دست خویش  
 نهادی به روی زمین بر شکم  
 فسیله همی تاخت از رنگ رنگ  
 برش چون بر شیر و<sup>۵</sup> کوتاه‌لنگ  
 بر و یال فربی<sup>۱۱</sup>، میانش<sup>۱۲</sup> نزار  
 سرین<sup>۱۵</sup> و برش هم به پهنای اوی<sup>۱۴</sup>  
 سیه خایه و تند و پولادسُم<sup>۱۷</sup>  
 چو داغ گل سرخ بر زعفران<sup>۱۸</sup>  
 به رنگ آتشی و به خوی آتش ست<sup>۲۰</sup>  
 مران<sup>۲۱</sup> کره‌ی پیلتن را بدید  
 که آن<sup>۲۲</sup> کره را باز گیرد ز رم<sup>۲۳</sup>  
 که ای مهتر<sup>۲۴</sup> اسپ کسان را مگیر  
 که از داغ دو روی رانش تهیست<sup>۲۶</sup>

همه پیش رستم همی راندند  
 هراسپی که رستم کشیدیش پیش<sup>۳</sup>  
 ۹۵ ز نیروی او پشت کردی به خم  
 چُنین تا ز<sup>۵</sup> کاول<sup>۶</sup> بیامد ز رنگ  
 یکی مادیان تیز بگذشت خنگ  
 دو گوشش چو دو خنجر آبدار<sup>۹</sup>  
 یکی کره از پس<sup>۱۳</sup> به بالای اوی<sup>۱۴</sup>  
 ۱۰۰ سیه چشم و افراشته<sup>۱۶</sup> گاودُم  
 تنش پر نگار از کران تا کران  
 همی رخس خوانیم و<sup>۱۹</sup> بورابرش ست  
 چو رستم بدان مادیان بنگرید  
 کمند کیانی همی داد خم  
 ۱۰۵ به رستم چُنین گفت چویان پیر  
 پرسید رستم که این<sup>۲۵</sup> اسپ کیست

۱- ق، لی، ب: بدو ۲- ب: شاهی ۳- لن، لی، پ: کشیدی به پیش ۴- ل، لی: بیفشاردی؛ لن، پ، آ (ونیز لن<sup>۲</sup>): فشردی همی؛ ق، آ، ب: فشردی کف؛ متن=ف، ق، و، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۵- ق<sup>۲</sup>: به ۶- ف، ل، لن- ب: کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- لن: بیامد ز رنگ؛ لی، آ: بیامد ز رنگ؛ پ، ب: بیامد درنگ؛ متن=ف، ل، ق، آ، ل، ق، و: چُنین تا بیامد ز کابل ز رنگ (و: کرنگ)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند، لن، لی، پ، و: رخس گرفتن رستم از رمه (و: گله) کابلستان (پ: کابل)؛ ل<sup>۲</sup>: هزیمت آوردن رستم رخس را ۸- ل: < و > ۹- ق: تابدار ۱۰- ل، لن، ق، لی- ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): فریه؛ متن=ف، ق<sup>۲</sup> (ونیز س<sup>۲</sup>) ۱۱- آ: دورانش ۱۲- ل: نزار ۱۳- ق: در پی ۱۴- ل، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>: ب: او؛ متن=ف، لن، و ۱۵- ق: سرون؛ لی: سرش؛ متن=نه دستنویس دیگر بجز س ۱۶- ل، لن، ق، پ (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>): بورابرش و؛ ق، آ، آ: شرزه برو؛ لی: لنگ افکن و؛ و: افراشته و؛ (س<sup>۲</sup>: افراخته)؛ متن=ف، ل<sup>۲</sup> ۱۷- لی: خم؛ در ب از این بیت تا بیت ۱۵۴ افتاده است؛ لن، لی، پ (ونیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده‌اند:

سنان گوش و مه‌تازش و چرخ‌گرد  
 گرازنده از پیش و ره بر ز پس  
 زمین کوب (لی: کوش) و دریا بر و رهنورد  
 جهنده رهان و (لی: خمیده زهارو) گریزنده رس (!)  
 پ: چمنده رها و گرازنده رس (!)

از اندیشه دل سبک پوی تر  
 چه بر آب بودی چه بر خشک راه  
 ۱۸- ق<sup>۲</sup>: آ: ارغوان؛ بنداری (بیت ۹۹-۱۰۱): و خلفها مهر جلع فی قذالأم، طامح الطرف، مطهم الخلق، ململم الکفل، ضافی الذنب، صافی اللون، فی  
 اوصاف کثیره ذکرها؛ لن، لی (ونیز لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۰۱ افزوده‌اند:

به شب مورچه بر (لی: از) پلاس سیاه  
 به نیروی پیل و به بالا هیون  
 نمودی به گوش (پ: بدیدی به چشم) از دوفر سنگ‌راه  
 به زهره چو شیر آن که بیستون

۱۹- ل: < و >؛ و: خوانند و ۲۰- ل، و، ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): به خوی (ل، و: خو) آتشی و به رنگ آتش است؛ لن، ق، آ، پ، آ (ونیز لن<sup>۲</sup>): به خوبی  
 چو آب و به رنگ (پ: بتک) آتش است؛ لی: بتک بادپای و به رنگ آتش است؛ متن=ف، ق: این بیت را ندارد؛ در لن، لی، پ، آ (ونیز لن<sup>۲</sup>) این بیت پس  
 از بیت ۱۰۷، در ل<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۰۸ و در ق<sup>۲</sup> (ونیز س<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۰۹ آمده است؛ پیاپی بیت متن=ف، ل، و ۲۱- ق، لی: همان؛ ق<sup>۲</sup>:  
 میان ۲۲- آ: تا ۲۳- ق<sup>۲</sup>: زدم؛ آ، ل<sup>۲</sup>: بدم ۲۴- ل<sup>۲</sup>: مرد؛ ل<sup>۲</sup> در اینجا سرنویس دارد: مناظره چویان با رستم و گرفتن رخس ۲۵- ف، لن: <  
 این > (وزن ندارد) ۲۶- ل: که دورانش از داغ آتش تهیست؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup> (ونیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): که از داغ دو روی دورانش تهیست؛ متن=ف، ق،  
 و (ونیز ل<sup>۲</sup>: دوروبه)

چنین<sup>۱</sup> داد پاسخ که داغش مجوی  
 خداوند این را<sup>۲</sup> ندانیم کس  
 سه<sup>۵</sup> سال ست تا این به زین<sup>۶</sup> آمده ست  
 ۱۱۰ چو مادرش بیند کمنده<sup>۹</sup> سوار  
 بینداخت رستم کیانی کمنده  
 بیامد چو شیر ژیان<sup>۱۳</sup> مادرش  
 بغرید رستم چو شیر ژیان  
 بیفتاد و برخاست<sup>۱۶</sup> و برگشت<sup>۱۷</sup> از وی<sup>۱۸</sup>  
 ۱۱۵ بیفشارد<sup>۲۱</sup> ران رستم زورمند<sup>۲۲</sup>  
 بیازید چنگال گردان<sup>۲۵</sup> بزور  
 نکرد ایچ پشت از فشردن تهی  
 به دل گفت کین برنشست من ست  
 کشد جوشن و خود و گوپال من<sup>۲۹</sup>  
 ۱۲۰ ز چوبان پیرسید کین آژدها  
 چنین داد پاسخ که گر رستمی  
 مرین را<sup>۳۵</sup> برویوم ایران بهاست  
 لب رستم از خنده شد چون بسد<sup>۳۸</sup>

کزین هست هرگونه‌یی گفت و گوی<sup>۲</sup>  
 همی رخس رستمش خوانیم و<sup>۴</sup> بس  
 به چشم<sup>۷</sup> بزرگان کزین<sup>۸</sup> آمده ست  
 چو شیر<sup>۱۱</sup> اندرآید کند کارزار  
 سر ابرش<sup>۱۱</sup> آورد ناگه به بند<sup>۱۲</sup>  
 همی خواست کندن به دندان سرش<sup>۱۴</sup>  
 از<sup>۱۵</sup> آواز او خیره شد مادیان  
 به سوی گله<sup>۱۹</sup> تیز<sup>۲۰</sup> بنهاد روی  
 برو<sup>۲۳</sup> تنگ تر<sup>۲۴</sup> کرد خم کمنده  
 بیفشارد<sup>۲۶</sup> انگشت بر<sup>۲۷</sup> پشت بور  
 تو گفتمی ندارد همی<sup>۲۸</sup> آگهی  
 کنون کار کردن بدست من ست  
 تن پیلوار و بر و<sup>۳۰</sup> یال من<sup>۲۹</sup>  
 به چندست و این را که داند<sup>۳۱</sup> بها  
 برو<sup>۳۲</sup> راست کن روی<sup>۳۳</sup> ایران زمی<sup>۳۴</sup>  
 برین بر تو<sup>۳۶</sup> خواهی جهان کرد راست<sup>۳۷</sup>  
 همی گفت<sup>۳۹</sup> : نیکی ز یزدان سزد<sup>۴۰</sup>

۱- لی: بدو ۲- ل، ق: گفت گوی؛ لی: همی رخس رستمش خوانیم و بس (= ۱۰۸)؛ در لن، لی، پ، آ (ونیز لن) پس از این بیت بیت ۱۰۲ آمده است ۳- ف: اورا؛ متن = ل، لن، ق، ق، آ، پ، و، آ، ل (ونیز ل، لن، آ، س) ۴- لن، ق، ق، آ، پ: < و >؛ متن = ف، ل، لی، و، آ، ل؛ لی ۱۰۷ اب و ۱۰۸ آ را انداخته و از ۱۱۰۷ و ۱۰۸ اب يك بیت ساخته است؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ل (ونیز ل) پس از این بیت بیت ۱۰۲ آمده است ۵- ق: دو ۶- ل: بدید ۷- ف: بنزد؛ متن = ل، لن، ل (ونیز ل، لن، آ، س) ۸- ل: کزید؛ در ق این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است و پس از آن بیت ۱۰۲ آمده است ۹- آ: کمنده ۱۰- ل: به پیش ۱۱- ل: سرو پایش؛ ق: سرو یالش؛ متن = ۱۲- و: سر و گردنش اندر آمد ببنده؛ متن = ف، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۱۳- آ: دمان ۱۴- ق: به دندان همی خواست کندن سرش ۱۵- ل: کز؛ ل، پس از این بیت افزوده اند:

یکی مشت زد نیز بر گردنش (ل: بر سر و گردنش) کزان مشت برگشت لرزان تنش  
 ل: کزان درد او دردمند شد تنش

۱۶- پ: بینداخت و برجست ۱۷- و: بگذشت ۱۸- ق: از وی؛ لی: زوی ۱۹- ل، و: رمه؛ متن = متن = ف، لن، پ، آ، ل ۲۰- پ: زود ۲۱- لن، لی، پ، و، ل: بیفشرد؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، ل ۲۲- ل: بیفشرد رستم برو کرده بند ۲۳- لی: بدو ۲۴- ق: سخت تر ۲۵- لن- آ (ونیز ل، لن، آ): گردی؛ متن = ف، ل (ونیز س) ۲۶- لن، پ: بیفشرد ۲۷- لن، ق، آ، پ، آ (ونیز لن): يك دست بر؛ لی: دستش ابر؛ متن = ف، ل، ق، و (ونیز ل، س)؛ در ل این بیت چنین آمده است:

پس آنگه بیفشرد دستش به پشت که دست ویش هیچ نامد درشت

ف پس از بیت ۱۱۶ سرنویس دارد: گفتار اندر گرفتن رستم زال رخس را و رفتن به جنگ افراسیاب با لشکر ایران و کابلستان ۲۸- و: مگر ۲۹- ل، ق، ق، آ، ل (ونیز ل): او؛ لن، پ (ونیز لن): را؛ و: اوی؛ متن = ف، لی (ونیز س)؛ در ل- ب (ونیز ل، لن، آ، س) این بیت پس از بیت ۱۲۵ آمده است؛ پیایی بیت متن = ف ۳۰- ف، ق، ل: سرو؛ و: بلی؛ متن = ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ (ونیز ل، لن، آ، س) ۳۱- ل، ق، لی: خواهد؛ متن = ف، لن، ق، آ، پ، و، آ، ل ۳۲- لی: بدو ۳۳- ق، و: بوم ۳۴- و: زمین (پساوند ندارد) ۳۵- لی: که این را؛ آ: مراورا ۳۶- ل: بدین بر تو؛ و: بزیر تو؛ ل: بدین تو (وزن ندارد)؛ متن = ف، لن، ق، ق، آ، لی، پ، و ۳۷- لن، ق، آ، پ، و، آ، ل: خواهد جهان گشت (آ: کرد) راست؛ متن = ف، ل، ق، لی (ونیز ل، س) ۳۸- پ: سبد ۳۹- لن، ق، آ، پ: چنین گفت؛ آ: بگفتا که؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل ۴۰- ل: رسد

سرش تیز شد کینه و جنگ را  
 بدیدش که دارد دل و تاو و رگ<sup>۲</sup>  
 همی سوختندی<sup>۴</sup> ز بهر<sup>۵</sup> گزند  
 به آورد تازنده<sup>۷</sup> آهو<sup>۶</sup> شده ست  
 زنج گرد و بینادل و گام خوش<sup>۱</sup>  
 ز رخس نوآیین و فرخ<sup>۱۱</sup> سوار  
 بر<sup>۱۳</sup> امروز و فردا نیامدش یاد  
 و زو<sup>۱۴</sup> بر شد<sup>۱۵</sup> آواز تا<sup>۱۶</sup> چند میل  
 همان زنده پیلان و هندی<sup>۱۸</sup> درای  
 زمین خفته<sup>۲۰</sup> را بانگ برزد که خیز  
 پس پشت او سالخورده گوان<sup>۲۱</sup>  
 که بر سر نیارست پدید زاع<sup>۲۲</sup>  
 جهان<sup>۲۵</sup> را نه سر بود پیدا نه پای  
 بیاورد لشکر ز<sup>۲۷</sup> زاولستان<sup>۲۸</sup>  
 برآمد از<sup>۳۱</sup> آرام و ز<sup>۳۱</sup> خورد و خواب  
 بدان<sup>۳۳</sup> مرغزاری<sup>۳۴</sup> که بد<sup>۳۵</sup> آب و نی<sup>۳۶</sup>

به زین اندر آورد گلرنگ را  
 ۱۲۵ گشاده زنج کردش و<sup>۱</sup> تیزتگ  
 چنان گشت ابرش که هر شب سپند  
 چپ و راست گفتی که جادو<sup>۶</sup> شده ست  
 سُرین گرد و کفک افگن و دست کش<sup>۹</sup>  
 دل زال زر شد چو خرم بهار  
 ۱۳۰ در گنج دینار بگشاد و داد  
 بزد مهره در جام بر پشت پیل  
 خروشیدن کوس با کره<sup>۱۷</sup> نای  
 برآمد ز زاولستان<sup>۱۹</sup> رستخیز  
 به پیش اندرون رستم پهلوان  
 ۱۳۵ چنان شد ز لشکر در و دشت و راغ  
 تبیره زدندی همی<sup>۲۳</sup> شست جای<sup>۲۴</sup>  
 به هنگام بشکوفه و<sup>۲۶</sup> گلستان  
 ز زال<sup>۲۹</sup> آگهی یافت افراسیاب  
 بیاورد لشکر سوی رود ری<sup>۳۲</sup>

۱- ق، آ: فروزنده آتش جنگ را ۲- ل: دیدش و؛ لی: بود و هم؛ متن= فن، ق، ق، پ، و، آل (و نیز ل، ل، س، آ) ۳- ف، ل: ناوگ؛ لن، لی، پ (و نیز لن) زور ورگ؛ ق، آ: تار ورگ؛ متن= ق، ق، و، ل (و نیز س)؛ درل، لن، ق، ق، پ، و، آل (و نیز ل، ل، س، آ) این بیت پس از بیت ۱۱۹ آمده است؛ در لی این بیت پس از بیت ۱۲۷ و سپس بیت ۱۱۹ آمده است ۴- ل، لن، ق، ق، لی، پ، و، ل (و نیز ل، ل، س، آ): سوختندش؛ متن= ف، ق، آ ۵- ل، ق، لی، و، ل (و نیز س): زبیم؛ متن= فن، ق، پ، آ (و نیز ل، ل، آ) ۶- ق، آ: آهو ۷- لن، ق: یازنده؛ لی: بازنده؛ ل: یازیده؛ متن= فن، ق، پ، و، آ ۸- ق، آ: جادو ۹- ل: سرون نرم و شیر اوژن و دست کش؛ لن، ق، پ، آ (و نیز لن): زنج نرم و کفک (آ، لن: کف) افکن و دست کش؛ ق: سُرین گرد و شیرافکن و دست کش؛ لی: سرش نرم و لنگ افکن و گام خوش؛ و: سرون پهن و دست افکن و پای کش؛ ل: بتک گرم و دست افکن و بارکش؛ س: بزین نرم و دست افکن و پای کش؛ متن= ف ۱۰- ل، لی، و (و نیز ل، ل، س، آ): زنج گرد و کفک افکن و گام خوش (لی: بارکش؛ ل: گام کش)؛ لن، ق، پ، آ (و نیز لن): سُرین نرم (ق، آ: گرد؛ پ، لن: پهن) و بینادل و گام خوش؛ ق: زنج نرم و کف افکن و گام خوش؛ متن= فن؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری ترجمه بیشتر بیت های ۱۰۳ تا ۱۲۸ را ندارد: فومی بالوهق فی عنقه و استجره الیه، و غمز ظهره بکفه، فنتب و لم يتحرك. فسر بذلك وأسرجه وألجمه واسترضاه لفسه مرکوبا. وکان یسمی رخشا (= ۱۱۱، ۱۱۶-۱۱۸) ۱۱- ل: خرم ۱۲- ل، ق، لی، و، آل (و نیز ل، ل، س، آ): در گنج بگشاد و دینار داد؛ متن= فن، ق، پ (و نیز لن) ۱۳- ل، و (و نیز لن): از؛ ق، لی: وز؛ متن= فن، ق، پ، آل (و نیز ل، ل، س، آ) ۱۴- ل، ق: ازو ۱۵- لن، پ: رفت ۱۶- لی، آ: بر ۱۷- ف، ل: کر نای ۱۸- ل: رؤین ۱۹- لن، پ، آ (و نیز ل، ل، س، آ): زابلستان؛ متن= فن، ل، و (و نیز س) ۲۰- آ: مرده؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- ل: مهان؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۲- ق، آ: توگفتی جهان گشت چون پر زاع؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- لن، ق، پ، ل: همه؛ متن= فن، ل، ق، لی، و، آ ۲۴- لن، پ، ل: شب بجای؛ ق، آ: شب سه جای؛ متن= فن، ل، ق، لی، و، آ (و نیز ل، ل، س، آ): شصت ۲۵- ل: پیلان ۲۶- لی، ل: بشکوفه ۲۷- و: به ۲۸- ل، ق- ل (و نیز ل، آ، بنداری): زابلستان؛ متن= فن (و نیز لن، ل، س، آ)؛ لن این بیت را ندارد ۲۹- لی: چوزان؛ آ: ازان ۳۰- ل، ق، ق، آ، و، آل؛ ز؛ متن= فن، ل، ق، لی، پ، آ: از؛ متن= فن، ل، ق، و، ل؛ لن این بیت را ندارد ۳۱- ل، لی، ل (و نیز ل، ل، س، آ): خوارری؛ متن= فن، ق، ق، پ، و، آ (و نیز لن، ل، س، آ) ۳۳- ل: بران؛ و: دران ۳۴- ل: مرغزاران ۳۵- لی: بود ۳۶- ف: آبهوی؛ لن این بیت را ندارد؛ متن= فن، ل، ق- ل (و نیز ل، ل، س، آ)؛ بنداری: و بلغ خبره افراسیاب فسار فی عساکره و ساقهم حتی وصل الی الی الی الی. فنزل فی مرج کثیر الماء و القصب

۱۴۰ وُزَا ایران بیامد دُمادُم<sup>۲</sup> سپاه  
 ز لَشکر به لَشکر دو فرسنگ ماند  
 بدیشان چُنین گفت<sup>۵</sup> کای بخردان  
 هم ایدر همین<sup>۷</sup> لَشکر آراستیم<sup>۸</sup>  
 پراگنده شد<sup>۱۲</sup> رای بی تخت شاه  
 ۱۴۵ چو بر تخت بنشست فرخنده<sup>۱۴</sup> زو  
 کسی<sup>۱۶</sup> باید اکنون<sup>۱۷</sup> ز تخم<sup>۱۸</sup> کیان  
 نشان داد موبد به ما فرخان  
 ز تخم فریدون یل کیقباد  
 به رستم چُنین گفت<sup>۲۳</sup> فرخنده زال  
 ۱۵۰ برو تازنان<sup>۲۵</sup> تا به البرزکوه  
 ابر کیقباد آفرین کن یکی  
 به دو هفته باید که ایدر بوی<sup>۲۹</sup>

۳ راه بیابان سوی رزمگاه  
 سپهد جهاندیدگان را بخواند<sup>۴</sup>  
 جهان دیده و کارکرده<sup>۶</sup> ردان  
 بسی برتری<sup>۹</sup> و مهی<sup>۱۰</sup> خواستیم<sup>۱۱</sup>  
 همه کار بی روی و بی بر سپاه<sup>۱۳</sup>  
 ز گیتی یکی آفرین خواست<sup>۱۵</sup> نو  
 به تخت کمی بر کمر بر میان<sup>۱۹</sup>  
 یکی شاه با فر و بخت جوان<sup>۲۱</sup>  
 که با فر و برزست و با رای<sup>۲۲</sup> و داد  
 که برگیر گوپال و<sup>۲۴</sup> بفرارز یال  
 گزین کن<sup>۲۶</sup> یکی لشکری هم گروه  
 مکن پیش<sup>۲۷</sup> او در<sup>۲۸</sup> درنگ اندکی  
 گه و بی گه<sup>۳۰</sup> از تاختن نغنی<sup>۳۱</sup>

۱- ل: ز: ل: از ۲- ق، آ: دمامد بیامد؛ ل: پيامی بیامد ۳- لی، و: به ۴- پ: جهان دیدگان را سپهد بخواند؛ لی پس از این بیت افزوده است:  
 بدیشان چُنین گفت کافراسیاب بیاورد لشکر ازین روی آب  
 ۵- پ: <گفت> (وزن ندارد) ۶- پ: کار دیده؛ ق، آ: پس از این بیت افزوده اند:

چو بر کینه نوذر نامدار بیاورد (آ: بیاوردم) از زابلستان سوار  
 ابا نامور قارن رزم ن (آ: پیلتن) سپاهی جهانگیر لشکرشکن

۷- ل، و: هم ایدر من این؛ لن، لی، پ، آ (و نیز لن): هم ایدر بسی؛ ل: منم کایدار؛ (ل: من ایدون همی؛ س: من ایدر همی)؛ متن = ف، ق، ل، ل، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، آ، س): آراستم؛ پ: آراستند؛ متن = ف، ق، ۹- ل، ق، ق، آ (و نیز س): سروری؛ لن، پ (و نیز لن): نیکویی؛ ل: مهتری؛ (ل: سروران)؛ متن = ف، لی، و ۱۰- لن، ق، آ، پ، ل (و نیز لن): بهی؛ (ل: مهان)؛ متن = ف، ل، ق، لی، و (و نیز س): آ: مهتر و سروری ۱۱- ل، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل (و نیز ل، لن، آ، س): خواستم؛ پ: خواستند؛ متن = ف، ق، ۱۲- لن، ق، آ، بد ۱۳- ل، ق، آ (و نیز لن): بی مر سپاه؛ ق، پ، آ (و نیز ل، س): بی سر سپاه؛ متن = ف، لن، و، ل: لی: همه کار بی نوری و فر و جاه ۱۴- لن: پرمایه ۱۵- ف، ق، آ، پ، آ (و نیز ل): خواست؛ متن = ل، لن، ق، لی، ل (و نیز لن، س): و این بیت را ندارد؛ ل: پس از این بیت زیر را و پس از آن بیت ۱۴۶ پ را افزوده است:

کنون زو نماندست پشت گوان از آن کین که شد باز دادش روان

۱۶- ل، ق، پ: شهی؛ متن = ف، لن، ق، آ، لی، آ، ل ۱۷- و: یکی شاه باید ۱۸- ل: نسل ۱۹- ل: یکی شاه با فر و بخت جوان (= ۱۴۶)؛ ل، ق (و نیز ل): پس از این بیت و ل: پس از بیت ۱۴۵ پ افزوده اند:

شهی کو به اورنگ (ل: یکی شاه باید که) دارد زمی که بی سر نباشد تن آدمی

۲۰- لن، لی، پ (و نیز لن): نشان داد باید مرا در زمان؛ و: نشان داد موبد بر پهلوان؛ متن = ف، ل، ق، ق، آ، آ (و نیز ل، س): ل: بخت و جوان؛ لن، پ: برز کیان؛ لی: بخت کیان؛ متن = ف، ق، آ، و، آ، ل؛ ل ۱۴۶ و ۱۴۷ آ را انداخته و از ۱۴۶ و ۱۴۷ ب یک بیت ساخته است ۲۲- لن، ق، آ، لی، پ، آ: رسم؛ و: بخت؛ ل: خورد؛ متن = ف، ل، ق، ۲۳- لن: <گفت> (وزن ندارد) ۲۴- ل: که کوپال برگیر و ۲۵- پ: برو تازیان؛ و: شتابان برو ۲۶- ل: تو برکن؛ در ق، آ، آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۷- و: نزد ۲۸- ل، لن، ق: بر؛ ل: را؛ متن = ف، ق، آ، لی، پ، و، آ: برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، پ: رفتن رستم بطلب کیقباد (لن: ... به البرز کوه)؛ ق: رفتن رستم به البرز کوه بطلب کیقباد و آوردن او را ۲۹- ف: که آبی تو باز؛ متن = ل، لن- ل (و نیز ل، لن، س): ۳۰- ق، آ: شب و روز؛ و: چنان کن که؛ متن ← ۳۱- ف: همی تازی اندر نشیب و فراز؛ متن = ل، لن، ق، لی، پ، ل (و نیز ل، لن، س)



بگویی<sup>۱</sup> که لشکر ترا خواستند  
همان<sup>۳</sup> تخت شاهی پیراستند<sup>۴</sup>  
کمر بر میان بست رستم چو باد  
بیامد گرازان بر کيقباد<sup>۵</sup>

۱- ق، و: بگوش؛ متن = ف، ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ل ۲- و: خواستست ۳- ل، لن، پ (و نیز ل): همی؛ و، ل (و نیز لن): سر؛ آ (و نیز س): همه؛ متن = ف ۴- ل، لن، لی، پ، ل (و نیز لن، آ، س): شاهی بیاراستند؛ ق: پیروزه آراستند؛ و: شاهی بیاراستست؛ متن = ف، ق، آ (و نیز ل): ل، لن، ق، آ، لی، پ، آ (و نیز ل، لن): پس از بیت ۱۵۳ روایت: رفتن رستم به البرز کوه به طلب کيقباد را افزوده‌اند (در ل پس از بیت ۱۵۳ نخست بیت های ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶ آمده و سپس روی آنها را خط کشیده و در پایان روایت نامبرده ۱۵۵ و ۱۵۶ را از نو نوشته‌اند)؛ این روایت در ف، و، ل (و نیز س) نیست و در ترجمه بنداری هم نیامده است؛ س، ب در این بخش افتادگی دارند؛ همچنین دستنویس بی تاریخ انستیتوی شرق شناسی کاما از سده هشتم هجری این روایت را ندارد؛ تصحیح این روایت تنها بر اساس ل، لن، ق انجام گرفت و از ثبت نسخه بدل های دستنویس های دیگر چشم پوشی شد:

نبینم ز شاهان (لن نبینم شاهاتو) فریاد رس  
چو زال زر این داستانها بگفت  
ل، ق: کمر بر میان بست و (ل: < و >) چون باد تفت  
گرازان بیامد بر کيقباد (ل، ق ندارند)  
رسید اندر ایشان یل صف پناه  
لن: رسیدند در رستم کینه خواه

یکی گرزّه گاوپیکر به چنگ  
سرانجام از رزم (ق: جنگ) بگریختند  
همه دل پر از خون و دیده پرآب  
سپهد شد از کار ایشان دژم  
ز ترکان دلیری گوی پرفسون  
وز ایدر برو تا در کوهسار (لن: شهریار)  
به پاس اندرون سخت (ل: نیز) بیدار باش  
همی ناگهان بر طلایه زنند  
به پیش اندرون مردم رهنمون  
به مردان جنگی و پیلان مست  
بپیمود زی شاه ایران زمین  
یکی جایگه دید بس با شکوه (ل: برنا شکوه)  
نشستن گه مردم نوجوان  
برو ریخته مشک ناب و گلاب  
نشسته برآن تخت بر سایه گاه  
به رسم بزرگان کمر بر میان ←

که درخورد تاج کیان جز تو (لن: نیست) کس  
تهمت زمین را به مژگان برفت

به رخس اندرآمد هم آنگاه شاد  
ز ترکان طلایه بسی بُد به راه

برآویخت با نامداران جنگ (لن: بجنگ)  
دلیران توران برآویختند

نهادند سر سوی افراسیاب  
بگفتند وی (لن: او) را همه بیش و کم

بفرمود تا نزد او شد قلون  
بدو گفت بگزین ز لشکر سوار

دلیر و خردمند و هشیار باش  
که ایرانیان مردمی ریمنند

برون آمد از نزد خسرو قلون  
سر راه بر نامداران ببست

وزان روی رستم دلیر و گزین  
یکی میل ره تا به البرز کوه

درختان بسیار و آب روان  
یکی تخت بنهاده نزدیک آب

جوانی بکردار تابنده ماه  
رده برکشیده بسی پهلوان

5

10

15

20

۵- در ل روی این بیت را خط کشیده‌اند؛ لن- پ، آ (و نیز ل، لن) این بیت را در اینجا ندارند؛ متن = ف، و، ل (و نیز س)؛ ب پس از این بیت دوباره آغاز میگردد؛ ف، و پس از این بیت افزوده‌اند:

ز نزدیک زال آوریدش پیام  
سپه جملگی مر ترا خواستند  
بدو گفت کای خسرو نیک نام  
به پیکار دل را بیاراستند

## ۱۵۵ به نزدیک زال آوریدش به شب به آمدشدا هیچ نگشاد لب

۱- ق (و نیز ل<sup>۲</sup>): بدان آمدن؛ ل<sup>۲</sup>: بآمل شد و

<p>بسان بهشتی برنگ و نگار پذیره شدندش از آن سایه گاه (لن، ق: جایگاه) نشایدت ز آنجای کردن گذر (ل، ق: ندارند) فرود آی ایدر (لن: اینجا) به فرمان ما بیاد رخ نامور می خوریم تهمت بدیشان چنین گفت باز (ق: تهمت چنین گفت بدیشان که باز)</p> <p>که ای نامداران گردن فراز (ق: به پیش است بسیار رنج دراز) به کاری که بسیار دارد شکوه (ق ندارد) که پیش است بسیار رنج دراز مرا باده خوردن نیاید بکار کسی کز شما دارد او را بیاد که دارم نشانی من از کیقباد بیفروزی از روی خود جان ما (لن ندارد) که او را چگونه است رسم و نهاد چو بشنید ازوی (لن: ازینسان) نشان قباد نشستند در زیر آن سایه دار گرفته یکی دست رستم بدست وزو یاد (ل: نام) مردان آزاده کرد بدو گفت کای نامبردار و گرد تو این نام را از که داری بیاد پیام آوردم به روشن روان بزرگان بشاهی ورا خواستند که خوانند (لن: خوانندش) او را همی زال زر قباد دلاور بین با (ق: بی) گروه نباید که سازی (لن: مکن پیش او) درنگ اندکی به شادی جهانی (لن: سر تخت شاهی) بیاراستند دهی و به شاهی رسانی ورا بخندید و گفتش که ای پهلوان پدر بر پدر نام دارم بیاد به خدمت فرود آمد از تخت زر پناه بزرگان و پشت مهان تن (ق: سر) زنده پیلان به دام تو باد همت سرکشی باد و هم فرهی ز زال گزین آن یل (لن: گو) پهلوان گشاید ز بند این دو (لن: که بگشایم از بند) گوینده را به (ل: ز) گفتار رستم دل و هوش و رای پیام سپهدار ایران بداد ز شادی دل اندر برش برطپید بیاد تهمتین به دم (لن: به لب) درکشید (ق: برکشید) بخورد آفرین کرد بر جان کی فراوان شده شادی، اندوه کم که خوابی بدیدم به روشن روان یکی تاج، رخشان بکردار شید ←</p>	<p>بیاراسته مجلسی شاهوار ← چو دیدند مر پهلوان را به راه (ل: بگاه؛ لن: ز راه) بگفتند کای پهلو نامور که ما میزبانیم و مهمان ما بدان تا همه دست شادی بریم تهمت بدیشان چنین گفت باز (ق: تهمت چنین گفت بدیشان که باز)</p> <p>مرا رفت باید به البرز کوه نباید به بالین سرو دست ناز (ق ندارد) سر تخت ایران ابی شهریار نشانی دهیم سوی کیقباد سر آن (لن: یکی زان؛ ق: مه آن) دلیران زبان برگشاد گر آیی فرود و خوری نان ما بگویم یکسر (لن، ق: بگویم ترا من) نشان قباد تهمتین ز رخس اندرآمد چو باد بیامد دمان تا لب رودبار جوان از بر تخت خود برنشست (لن: زرین نشست) بدست دگر جام پر باده کرد دگر جام بر دست رستم (لن، ق: باده برستم) سپرد بپرسیدی از من نشان قباد بدو گفت رستم که از (لن، ق: ای) پهلوان سر تخت ایران بیاراستند پدرم آن گزین یلان (لن: مهان) سربسر مرا گفت رو تا به البرز کوه به شاهی برو آفرین کن یکی بگوش که گردان ترا خواستند نشان ار توانی و دانی مرا ز گفتار رستم دلیر و (ق: &lt; و &gt;) جوان ز تخم فریدون منم کیقباد چو بشنید رستم فرورد سر که ای خسرو خسروان جهان سر تخت ایران به کام تو باد نشست تو بر تخت شاهنشهی درودی رسانم به شاه جهان اگر شاه فرمان دهد بنده را قباد دلاور برآمد ز جای تهمتین هم آنگه زبان برگشاد سخن چون به گوش سپهبد رسید بیازید جامی (ق: جام) لبالب نبید (لن: بیازید پس گفت جام نبید) تهمتین همیدون یکی جام می برآمد خروش از دل زیر و بم شهنشه چنین (ق: شه پر خرد) گفت با پهلوان که از سوی ایران دو باز سپید</p>	<p>25</p> <p>30</p> <p>35</p> <p>40</p> <p>45</p> <p>50</p> <p>55</p> <p>60</p>
--	---	---





کیقباد



## پادشاهی کیقباد صد سال بود<sup>۱</sup>

به هشتم بیاراستند<sup>۲</sup> تخت عاج  
 به شاهی نشست از برش کیقباد  
 همه<sup>۷</sup> نامداران شدند انجمن  
 چو خرداد و کشواد و برزین گئو<sup>۸</sup>  
 ۵ قباد از بزرگان سخن برسید<sup>۹</sup>  
 دگر روز برداشت لشکر ز جای  
 پیوشید رستم سلیح<sup>۱۶</sup> نبرد  
 رده برکشیدند ایرانیان  
 به يك دست مهراب کاول<sup>۲۰</sup> خدای  
 ۱۰ به قلب اندرون قارن رزم زن

بیاویختند<sup>۳</sup> از بر عاج تاج<sup>۴</sup>  
 همان تاج گوهر<sup>۵</sup> به سر برنهاد  
 چو دستان و چون قارن رزم زن  
 فشاندند<sup>۹</sup> گوهر بران<sup>۱۰</sup> تاج<sup>۱۱</sup> نو  
 ز<sup>۱۳</sup> افراسیاب و<sup>۱۴</sup>، سپه را بدید<sup>۱۵</sup>  
 خروشیدن آمد ز پرده سرای  
 چو پیل ژیان شد<sup>۱۷</sup> که<sup>۱۸</sup> برخاست گرد<sup>۱۹</sup>  
 بیستند خون ریختن را میان  
 دگر دست گزدهم جنگی<sup>۲۱</sup> پپای  
 ابا<sup>۲۲</sup> گرد کشواد<sup>۲۳</sup> لشکرشکن

۱- ف: گفتار اندر پادشاهی کیقباد صد سال بود و رفتن او به جنگ افراسیاب و شکستن او را؛ پ: پادشاهی کیقباد صد سال؛ ق<sup>۲</sup> سرنویس ندارد؛ متن = ل، لن، ق، لی، و، آ، ل، ب ۲- ل: بیاراست پس؛ لن، پ: بیاراسته؛ ق: براراست آن؛ و: شد آراسته؛ متن = ف، ق، لی، آ، ل، ب ۳- ل، ق: برآویختند؛ لن، پ: بیاویخته؛ متن = ف، ق، لی، و، آ، ل، ب ۴- ق: تاج عاج (پساوند ندارد)؛ درس از آغاز تا بیت ۸ افتاده است ۵- ق، ل، ب: شاهی؛ و: کلاه بزرگی ۶- ق: گوهرش بر سر نهاد ۷- ق: همان ۸- ل، لن، ق، لی، پ، ب (و نیز لن، س): چو کشواد و خرداد و (ل، پ، س): < و > (ق: برزین و) گو؛ و: چو خرداد برزین و کشواد گو؛ متن = ف، ل (و نیز ل) ۹- ل: نشاندند < ۱۰- لن، ق، لی، ب: بدان؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل ۱۱- ل، لی، ل: شاه؛ آ این بیت را ندارد ۱۲- ل: بشنوید؛ ل: نشنوید؛ پ، و: سخنها شنید؛ متن = ف، لن، ق، ق، لی، آ، ب (و نیز ل، س) ۱۳- ل، و: پس؛ لن، ق، آ، ل، ب: چو؛ لی، پ: از؛ متن = ف، ق (و نیز س) ۱۴- لن، ق، آ، ب: آن؛ متن = ف، ل، ق، لی، پ، و، ل (و نیز س) ۱۵- لی: سپه ناپدید؛ بنداری: فسایلم عن افراسیاب و حاله؛ ل، ق، پ پس از این بیت افزوده اند: چو بشنید افراسیاب آگهی فرود آمد از تخت شاهنشاهی ق<sup>۲</sup> پس از بیت ۵ افزوده است:

قیباد از بزرگان سخن برگشاد ز پیش و پس و بودنی داد داد  
 میان سخنها که گفت و شنید سواری دلاور بدانجا رسید  
 که افراسیاب اندرآمد ز راه ابا او ز ترکان فراوان سپاه

و پس از این بیت ها سرنویس دارد: رزم کیقباد با افراسیاب ۱۶- ق، لی، پ، آ: سلاح ۱۷- ق: ژیانی؛ متن ← ۱۸- و: چو؛ متن ← ۱۹- ب: که پرخاش کرد؛ پ: چون پیل دمنده برانگیخت گرد؛ ل: به پیل ژیان اندرآمد چو گرد؛ متن = ف، ل، لن، ق، لی، آ (و نیز ل، لن، س): بنداری: و تدجج رستم مظاهرا بین لبوس الحرب، و تصدی کاللیث الکاشر للطعن و الضرب ۲۰- ف- ب (و نیز ل، لن، س): کابل؛ متن = تصحیح قیاسی است ۲۱- س، لن، ق، آ- ب (و نیز لن، س): بیک (و، لن، س): دگر دست گسته هم جنگی؛ ق: دگر دست گرد تهمتن؛ متن = ف، ل، ل (و نیز ل) ۲۲- و: همان ۲۳- ل: چنان شیردل گرد؛ س، لن، ق، لی، پ، آ، ب (و نیز لن، س) پس از این بیت افزوده اند: به پیش سپه (س، ق، آ، ب: اندرون) رستم پهلوان پس پشت او سرکشان و (س، ق، آ، ب: سالخورده) گوان ف، ل، ق، و، ل (و نیز ل) این بیت را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست (← ۱۲ پ)

پس پشتشان زال با کیقباد  
 به پیش اندرون کاویانی درفش  
 چو کشتی شد ارمیده روی زمین  
 سپر در سپر ساخته دشت و راغ  
 ۱۵ جهان سربسر گشته دریای قار  
 ز نالیدن بوق و بانگ سپاه  
 بهر حمله‌ی قارن سرفراز  
 گهی سوی چپ تاخت گه<sup>۱۶</sup> سوی راست  
 به یک دست آتش به<sup>۱</sup> یک دست باد  
 جهان زو شده<sup>۲</sup> سرخ و زرد و بنفش<sup>۳</sup>  
 کجا موج خیزد ز دریای چین  
 درفشیدن<sup>۴</sup> تیغ‌ها چون چراغ  
 برافروخته شمع<sup>۵</sup> از<sup>۶</sup> صد هزار  
 تو گفستی که خورشید گم کرد راه<sup>۷</sup>  
 چنان چون بود مردم رزمساز<sup>۸</sup>  
 بران گونه از هر سوی<sup>۱۷</sup> کینه خواست

۱- ق: ز ۲- ب: < شده > ۳- و: جهان گشته سرخ و کیبود و بنفش؛ بنداری (بیت ۹-۱۲): فوقف مهرباب فی أحد الجانین، و وقف کزدم فی الجانب الآخر، و وقف قارن مع کشواد فی القلب، و وقف وراءهم الملك کیقباد مع زال یخفق علی رأسه درفشه المیمون، ولواؤه المنصور ۴- ف: چو کشتی ز لشکر سراسرزمین؛ ل، ق: ز لشکر چو کشتی سراسرزمین؛ لن، لی، پ، آ (ونیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): چو کشتی شد از باد (لی، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): از مرد؛ آ: از مهد) روی زمین؛ ق، ل<sup>۲</sup>: چو کشتی شده پهن (ل<sup>۲</sup>: جمله) روی زمین؛ متن= س، و، ب ۵- و، ل<sup>۲</sup> (ونیز لن<sup>۲</sup>): سپه در سپه؛ ب: سپر بر سپر ۶- ل، س، لن، و: نافته (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بافته؛ متن= ق، ف، ق ۷- ل<sup>۲</sup>: سپه در سپه دشت تا کوه و راغ ۸- پ، و، ل<sup>۲</sup>: درخشیدن؛ س در اینجا سرنویس دارد: جنگ کیقباد و رستم با افراسیاب و هزیمت شدن افراسیاب ۹- ل، ق: گشت؛ ب: < گشته >؛ متن= نه دستنویس دیگر ۱۰- لی: تیغ ۱۱- ل، پ: از ۱۲- لن، پ: هندی درای؛ لی، و: گرد سپاه؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۳- لن، پ: جای؛ ل<sup>۲</sup>: گم شد ز راه؛ متن= نه دستنویس دیگر؛ ل، ق، ق<sup>۲</sup> (ونیز ل<sup>۲</sup>): پس از این بیت افزوده‌اند:

سبک قارن رزم زن کان بدید چو رعده از میان (ق<sup>۲</sup>: آن زمان) نعره برکشید  
 میان سپاه اندرآمد دلیر سپهدار قارن بکردار شیر

۱۴- لی، ل<sup>۲</sup>: رزم زن؛ (ل<sup>۲</sup>: رزمساز)؛ ف: همه جمله بر قارن رزم ساز؛ و: جهان پهلوان قارن سرفراز؛ متن= س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، پ، آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>) ۱۵- ف: مردم بی نیاز؛ ق<sup>۲</sup>: گرد کردن فراز؛ ب: مردم سرفراز (پساوند ندارد)؛ لی، ل<sup>۲</sup>: چنین شیردل گرد آن انجمن (ل<sup>۲</sup>: لشکرشکن)؛ و: بهر سو چو شیر زیان رزمساز؛ (س<sup>۲</sup>: بیفکنند صد گرد کردن فراز)؛ متن= س، لن، پ، آ (ونیز لن<sup>۲</sup>)؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت پس از بیت های ۱۷ آمده است ۱۶- ل، ق، پ (ونیز س<sup>۲</sup>): چپ و گهی؛ س، لن، ق، ل<sup>۲</sup>، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>): چپ شد گهی؛ متن= ق، ف ۱۷- س، لن، لی، پ، و، آ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): بگردید و از (لی، س<sup>۲</sup>: ز) هرکسی؛ متن= ق، ل، ق، در ق<sup>۲</sup> این بیت یکبار هم برابر س پس از بیت های ۱۷ آمده است؛ بنداری: فرکض قارن و برزمن الصف کالهبزب الصائل، و جعل یحمل علی المیمنة تارة و علی المیسره آخری (= ۱۳، ۱۸)؛ ل، س، لن، ق، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، و، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>) پس از بیت ۱۸ افزوده‌اند (ل، ق<sup>۲</sup> بیت یکم را، ق بیت یکم و دوم را، س، لن، لی، پ، ب، لن<sup>۲</sup> بیت سوم و چهارم را، و بیت دوم- پنجم، هشتم و نهم را ندارند):

میان سپاه اندرآمد دلیر سپهدار قارن بکردار شیر  
 و: شماساس را دید مانند شیر (= ۱۵)

به گرز و به تیغ و سنان دراز  
 ز کشته زمین کرد مانند کوه  
 سپهدار قارن چو پیل (ل: باد) دمان  
 5 شماساس را دید گرد دلیر (س، ب: گرد دلیر؛ لن، لی، پ: مانند شیر؛ ق: مرد دلیر؛ ق<sup>۲</sup>: کوبود گرد دلیر)

که می برخوشید (ق<sup>۲</sup>: همی برخوشید؛ لی: که برمی خروشید) چون نره شیر (س، ب: مانند شیر؛ لن، لی، پ: گرد دلیر؛ ق<sup>۲</sup>: برسان شیر)  
 بیامد دمان تا بر او رسید  
 بزدر سرش تیغ زهرآب دار (لن، لی، پ، و: برسر و ترگ آن نامدار)  
 نگون اندرآمد شماساس گرد  
 چو دید او (ق، ق<sup>۲</sup>: دیدش) ز قارن چنان دست برد  
 س، لن، لی، پ: بیفتاد بر جای و آنگه بمرد  
 پ: بیفتاد آنگاه بر جای مرد  
 چنین است کردار گردون پیر  
 گهی چون کمانست و (لی: < و >) گاهی چو تیر

در ق<sup>۲</sup> پس از این بیت های ۱۷ و ۱۸ آمده‌اند؛ ف، آ، ل<sup>۲</sup> (ونیز س<sup>۲</sup>) این بیت ها را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست



چو رستم بدید آنک<sup>۱</sup> قارن چه کرد  
 ۲۰ به پیش پدر شد پرسید ازوی  
 که افراسیاب آن بداندیش مرد  
 چه پوشد؟ کجا<sup>۲</sup> بفرزاد دِرفش؟  
 من امروز بند کمرگاه اوی  
 بدو گفت زال: ای پسر گوش دار  
 ۲۵ که آن ترک در جنگ نراژدهاست<sup>۱۱</sup>  
 دِرفشش سیاهست و خفتان سیاه  
 همه روی آهن گرفته به زر  
 ازو خویشتن را نگه دار سخت  
 بدو گفت رستم که ای پهلوان  
 ۳۰ جهان آفریننده یار من ست  
 برانگیخت پس<sup>۲۲</sup> رخس روینه سم<sup>۲۳</sup>  
 چو افراسیابش به هامون بدید  
 ز گردان<sup>۲۵</sup> پرسید کین اژدها  
 کدامست کین را<sup>۲۸</sup> ندانم به نام  
 ۳۵ نبینی که با گرز سام آمدهست  
 به<sup>۳۱</sup> پیش سپاه آمد افراسیاب

چگونه بود ساز<sup>۳</sup> جنگ و<sup>۴</sup> نبرد  
 که با من جهان پهلوانا بگوی<sup>۴</sup>  
 کجا جای گیرد<sup>۵</sup> به روز<sup>۶</sup> نبرد؟  
 که پیداست تابان<sup>۸</sup> دِرفش بنفش  
 بگیرم، کشانش بیارم<sup>۹</sup> بروی  
 یک امروز با خویشتن هوش دار  
 دم آهنج<sup>۱۲</sup> و در کینه ابر بلاست  
 از<sup>۱۳</sup> آهنش ساعد<sup>۱۴</sup>، و ز آهن<sup>۱۵</sup> کلاه  
 دِرفش<sup>۱۶</sup> سیه بسته بر<sup>۱۷</sup> خود بر  
 که مردی دلیرست و<sup>۱۸</sup> پیروز<sup>۱۹</sup> بخت  
 تو از من مدار ایچ رنجه روان<sup>۲۰</sup>  
 دل و تیغ و بازو حصار من ست<sup>۲۱</sup>  
 برآمد خروشیدن گاو<sup>۲۱</sup>م  
 بماند اندران<sup>۲۴</sup> کودک نارسید  
 بدین گونه<sup>۲۶</sup> از بند گشته<sup>۲۷</sup> رها  
 یکی گفت کین پور دستان سام  
 جوان ست<sup>۲۹</sup> و<sup>۳۰</sup> جویای نام آمدهست  
 چو کشتی که موجش برآرد<sup>۳۲</sup> ز آب

۱- پ، آ: آنکه ۲- و: کار؛ آ: ساز ۳- ل- ق، آ، پ، و، ب: ننگ و؛ لی: روز؛ ل<sup>۲</sup> (ونیز لن<sup>۲</sup>): دشت؛ متن= ف، آ (ونیز س<sup>۲</sup>): درق چهار بیت سپسین را انداخته ولی در کناره افزوده است؛ پ پس از این بیت افزوده است:

بپیچید و پس شد سوی زال زر که بنمایم افراسیاب ای پدر

۴- پ این بیت را ندارد ۵- لی: دارد ۶- لن، ق، ق، آ، لی، و، ب: به دشت؛ متن= ف، ل، س، آ، ل<sup>۲</sup>؛ پ این بیت را ندارد ۷- ق: چوهر کجا ۸- س، لن، ق، آ، پ، ب: با او؛ و: همانا که هست آن؛ متن= ف، ل، ق، آ، ل<sup>۲</sup> ۹- س، لن، ق، آ، پ، ب: بیارم کشانش؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، و، آ ۱۰- ل پس از این بیت افزوده است:

که آن ترک در جنگ آهرمنست تو گویی سرپایش از آهنست

۱۱- ل<sup>۲</sup>: یکی شیر جنگی و نراژدهاست ۱۲- ل: دژ آهنج؛ متن= ف، س- ب (ونیز لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>) ۱۳- ل، س، لن، ق، پ، و، ب: ز؛ متن= ف، ق، آ، لی، آ، ل<sup>۲</sup> ۱۴- ب: ز آهن دوساعد ۱۵- ل، لن، پ، و، ب: ز آهن؛ ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ز آهنش (وزن نادرست است)؛ متن= ف، س، ق، لی ۱۶- ل، ق: نشانی؛ لن، و، آ، ب: درفشی؛ متن= ف، س، ق، آ، لی، پ، آ ۱۷- ل: در ۱۸- س، لن، ق، لی، و، ب: < و >؛ متن= ف، ل، پ، آ، ل<sup>۲</sup> ۱۹- و: بیدار؛ آ: فیروز؛ ق<sup>۲</sup> این بیت را ندارد ۲۰- و، آ، ل<sup>۲</sup>: خسته روان؛ لن، پ: تواز من مرنج و مرنجان روان؛ متن= ف، ل، س، ق، آ، لی، ب ۲۱- و: سراختر اندر کنار من است ۲۲- ل- لی، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (ونیز ل<sup>۲</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>): آن؛ متن= ف، پ ۲۳- لی: خم ۲۴- س: شگفتی از آن؛ لن، ق، آ، لی، پ، ب (ونیز لن<sup>۲</sup>): شکفتید از آن؛ آ (ونیز ل<sup>۲</sup>): عجب ماند از آن؛ متن= ف، ل، ق، و، ل<sup>۲</sup> (ونیز س<sup>۲</sup>): برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، لن، ب: رزم رستم با افراسیاب؛ ق: دیدن افراسیاب اول کره رستم را و محاربت ایشان و هزیمت افراسیاب؛ لی: جنگ رستم با افراسیاب بار اول؛ پ: رزم رستم با افراسیاب و لشکر به انبوه؛ و: گفتار اندر رزم رستم با افراسیاب بار اول ۲۵- ل: ترکان ۲۶- ق، ق، آ، پ، و، آ، ل<sup>۲</sup>: برین گونه؛ لی: مرین دیو؛ متن= ف، ل، س، لن، ب ۲۷- ق: کرده ۲۸- ق: کورا؛ ل<sup>۲</sup>: آن را ۲۹- لی: دلیرست ۳۰- و: < و > ۳۱- ق، آ، ل<sup>۲</sup>: ز ۳۲- ق: براند؛ ق<sup>۲</sup>: برآید؛ لی: برآمد؛ متن= نه دستنویس دیگر

چو رستم ورا دید<sup>۱</sup> بفشارد<sup>۲</sup> ران  
 چو تنگ اندرآورد با<sup>۳</sup> وی<sup>۴</sup> زمین  
 به بند کمرش اندرآورد<sup>۵</sup> چنگ  
 ۴۰ همی خواست بردنش پیش<sup>۶</sup> قباد  
 ز سنگ<sup>۷</sup> سپهدار و هنگ<sup>۸</sup> سوار  
 گسست<sup>۹</sup> و<sup>۱۰</sup> به خاک اندرآمد سرش  
 سپهبد چو از چنگ رستم بجست  
 چرا؟- گفت- نگرفتمش زیر کش؟

۴۵ چو آوای<sup>۱۱</sup> زنگ آمد از پشت پیل  
 یکی مژده بردند نزدیک<sup>۱۲</sup> شاه  
 چو رستم بر شاه<sup>۱۳</sup> ترکان رسید  
 گرفتش کمربند و بفگند<sup>۱۴</sup> خوار  
 ز جای<sup>۱۵</sup> اندرآمد چن<sup>۱۶</sup> آتش قباد  
 ۵۰ برآمد خروشیدن دار و کوب<sup>۱۷</sup>  
 بران<sup>۱۸</sup> ترگ زرین و زرین سپر  
 تو گفتی که ابری برآمد ز کنج

۱- لی: بدیدش ۲- لن، ق، لی، پ، ل، آ، ب: بفشرد؛ متن= ف، ل، س، ق، و، آ ۳- آ: اندر آمد ابا ۴- ل-آ، ب (و نیز ل، ن، آ، س): او؛ متن= ف، ل ۵- و: فروبرد ۶- س، ق، آ، ب: اندرآویخت؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۷- لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب (و نیز لن، آ، س): خلدنگ؛ متن= ف، ل، س، لی، و (و نیز ل) ۸- ف، ل، آ: بردنش سوی؛ لن، پ، ب (و نیز لن): بردن به پیش؛ و: بردش به پیش؛ آ: بردنش پیش؛ لی: همی خواستش برد نزد؛ متن= ل، س، ق، ق، آ (و نیز ل) ۹- ق: باد؛ ق، آ، باد؛ پ: نخستش بیاد ۱۰- ل، س، لن، ق، و، آ، ل، ب (و نیز لن): هنگ؛ ق، آ: هند؛ لی: جنگ؛ (ل: زور)؛ متن= ف، پ ۱۱- ف، س-لی، و، آ، ل، ب (و نیز لن): جنگ؛ پ: چنگ؛ متن= ل (و نیز ل) ۱۲- و: استوار؛ ل ۲ پس از این بیت افزوده است:

دوال کمر از قضا گشت چاک سر مرد جنگی درآمد بخاک  
 ۱۳- ل: گسسته ۱۴- س، لن، ق، آ، پ، ب: همه؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۱۵- ل: بند خوش؛ س، لن، ق، آ، ب (و نیز لن): بند و کش؛ لی (و نیز س): دست فش؛ و (و نیز ل): دست خوش؛ ل: بندکش؛ ق: ساخت بند درفش؛ متن= ف، پ؛ س، لن، لی، پ، ب (و نیز لن): پس از این بیت افزوده اند:

سپهدار ترکان بشد زیر دست یکی باره تیزتک (پ: زیرکش) برنشست  
 ۱۶- س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: آواز؛ متن= ف، ل، ق، و، ل، ق، لی، ل، ق، آ: خروش آمد از گوش تا ۱۹- ق: تاپیش ۲۰- ل، ق (و نیز ل): چنان تا بر شاه؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن): بنزد سپهدار؛ متن= ف، لی، و، ل (و نیز س) ۲۱- لن، پ: ترکان بدید ۲۲- س، لن، ق، آ، ب: افکند؛ متن= ف، ل، ق ۲۳- س، لن، ق، لی- ب: خروشی برآمد ز ترکان؛ متن= ف، ل، ق، آ ۲۴- و: زجا ۲۵- ل- ب (و نیز ل، ن، آ، س): چو؛ متن= ف ۲۶- ف: بجوشید؛ ق: بخندید؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل، ن، آ، س) ۲۷- ق، آ: دریای باد ۲۸- س، لن، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): دار و گیر؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل (و نیز س) ۲۹- ل، س، ق، لی- ب (و نیز ل، ن، آ، س): درخشیدن؛ متن= ف، ل ۳۰- لی: تیغ و ۳۱- س، لن، لی، و، آ، ب (و نیز ل، ن، آ): تیر؛ متن= ف، ل، ق، پ، ل (و نیز س)؛ ق: بیک زخم شد کشته چون نره شیر (= ۵۳)؛ در لن لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۲- ق: بدان ۳۳- ق، آ، لی، و، آ: دل؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۴- س، لن، ق، ق، آ، لی، پ، ل، ب (و نیز ل، ن، آ) پس از این بیت دو بیت و ل تنها بیت یکم را افزوده اند:  
 زسم ستوران (ل، ق): زگردسواران؛ لی: زسم سواران (دران) (ق): بران پهن دشت زمین شش شد و آسمان گشت هشت فرورفت و بررفت روز نبرد به ماهی نم خون و بر ماه (ق): به خورشید گرد ل: نم خون به ماهی ابر ماه گرد

ف، و، آ (و نیز س) بیت یکم را و ف، ل، و، آ (و نیز س) بیت دوم را ندارند و در ترجمه بنداری هم نیست؛ ق، لی پس از دو بیت بالا هریک بیتی افزوده اند:  
 ق: سر سرکشان زیر گرز گران چو سندان برو پتک آهنگران  
 لی: فرورد به ماهی و برزد به ماه بن نیزه و قبه بارگاه



۷۰ کمربند بگسست و بند قبای  
بدان زور هرگز نباشد هزیر<sup>۳</sup>  
سواران جنگی همه هم گروه  
تو دانی که شاهی، دل و چنگ من  
به دست وی اندر<sup>۱</sup> یکی پشه‌ام  
۷۵ یکی پیلتن دیدم و<sup>۹</sup> شیرچنگ  
عنان را<sup>۱۲</sup> سپرده بدان<sup>۱۳</sup> گرگ<sup>۱۴</sup> مست  
همانا<sup>۱۶</sup> که گوپال، سیصد هزار<sup>۱۷</sup>  
تو گفستی که از آهنش کرده‌اند  
چه روباه پیشش<sup>۲۳</sup>، چه بیر بیان<sup>۲۴</sup>  
۸۰ همی تاخت یکسان چوروز<sup>۲۷</sup> شکار  
چنو<sup>۲۹</sup> گر<sup>۳۰</sup> بدی سام را دست برد  
جز از آشتی جستش<sup>۳۳</sup> رای نیست  
زمینی کجا آفریدون گرد  
به من<sup>۳۷</sup> داده بودند و بخشیده راست<sup>۳۸</sup>

ز چنگش<sup>۱</sup> فتام نگون<sup>۲</sup> زیر پای  
دو پایش به خاک اندرون<sup>۴</sup>، سر به ابر  
کشیدندم از چنگ<sup>۵</sup> آن<sup>۶</sup> لخت کوه  
به جنگ اندرون زور و<sup>۷</sup> آهنگ من  
وزان آفرینش پُراندیشه‌ام  
نه هوش<sup>۱۰</sup> و نه دانش، نه رای و درنگ<sup>۱۱</sup>  
همش غار و هم کوه و هم راه پست<sup>۱۵</sup>  
زندگی<sup>۱۸</sup> بران<sup>۱۹</sup> تارگ گرزدار<sup>۲۰</sup>  
ز سنگ و ز رویش<sup>۲۱</sup> برآورده‌اند<sup>۲۲</sup>  
چه درنده<sup>۲۵</sup> شیر و چه پیل ژیان<sup>۲۶</sup>  
به بازی همی آمدش<sup>۲۸</sup> کارزار  
ز ترکان<sup>۳۱</sup> نماندی سرافراز گرد<sup>۳۲</sup>  
که با او<sup>۳۴</sup> سپاه ترا<sup>۳۵</sup> پای نیست  
بدانگه به تور دلاور سپرد<sup>۳۶</sup>  
ترا کین پیشین<sup>۳۹</sup> نبایست خواست

۱- ق، ا، لی: زدستش ۲- ق، پ: همی ۳- لی، ب: هزیر ۴- ل، و، ل، ا: اندرو؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر؛ در ق، ا پس از این بیت بیت های پنجم و هفتم ۸۶ آمده‌اند ۵- ل: پیش؛ پ: دست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- ل، ا: این ۷- لی: گرزو؛ لن، پ: دلیری و کردار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۸- و: تو گفستی بدستش؛ آ: بیچنگ وی اندر ۹- لن، ق، لی: < و > (وزن نادرست است)؛ پ، و: دیدمش؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۱۰- س، ق، ا: نه زور؛ آ: نه مهر؛ ب: نه روی؛ متن ← ۱۱- س، لن، ق، ا، لی، پ، آ (و نیز ل، ا، س، ا): نه سنگ؛ ق: نه هوش و نه رای و نه هنگ و درنگ؛ و: نه هوش و نه پرهیز و رای درنگ؛ ل، ا: به هوش و به دانش به رای و به سنگ؛ متن = ف، ل ۱۲- س، لن، ق، ا، پ، آ، ب: عنانش؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل، ا ۱۳- ل: بران ۱۴- ل، س، لن، ق، ا، پ، آ، ب (و نیز ل، ا، لن، ا): پیل؛ و: دیو؛ متن = ف، ق، لی، ل، ا (و نیز س، ا) ۱۵- ل (و نیز ل، ا): یکی گرزۀ گاو پیکر بدست؛ س، لن، ق، ا، لی، و، ب (و نیز لن، ا، س، ا): همش کوه و هم غار و هم راه بست (س): جست؛ پ: همش درد و هم غار و هم کوه پست؛ آ، ل، ا: همش کوه و غار و همش راه (آ: راه و) بست؛ متن = ف (بست)؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۶- ل، ا: همان بد ۱۷- لن، لی، پ: بیش از هزار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ل- ب (و نیز ل، ا، لن، ا، س، ا): زندش؛ متن = ف ۱۹- ق، لی، ل، ا: بدان ۲۰- س، لن، ق، ا، لی، آ، ب (و نیز لن، ا): تارگ نامدار؛ پ: پیکر نامدار؛ و، ل (و نیز ل، ا، س، ا): تارگ ترگ دار؛ متن = ف، ل؛ ل، ق پس از این بیت افزوده‌اند:

گر از جای جنبان شود کوه خار (ق: کوهسار) به زین در بجنید آن نامدار (ق: به زین بر نجنید آن بردبار)

۲۱- س، ق، ا، و، آ، ل، ا، ب: به روی و به سنگش؛ لن، پ: به سنگ و به رویش؛ لی: ز روی وز سنگش؛ متن = ف، ل، ق ۲۲- س، آ، ب: پیورده‌اند ۲۳- ل- پ، آ، ب (و نیز ل، ا، لن، ا): چه دریا پیش و؛ ل، ا: چه خفتان به پیش و؛ (س، ا): چه دریا به پیشش؛ متن = ف ۲۴- پ: چه کوهش همان ۲۵- ق: غرنده ۲۶- لی، پ: دمان؛ و این بیت را ندارد؛ در ق این بیت پس از بیت ۶۳ آمده است ۲۷- و: چو شیر؛ ب: بروز ۲۸- لی، ب: آیدش ۲۹- ق: چواو؛ لی، ل، ا، ب: چنان ۳۰- لی، پ: کو ۳۱- ق: سواری ۳۲- س، لی، و، آ، ل، ا: سرافراز و گرد؛ متن = ف، ل، لن، ق، پ، ب؛ ق: به گیتی نماندی بزرگ و نه خرد؛ و پس از این بیت افزوده است:

جهانجوی و روی سپاهت منم به دشواری اندر پناهت منم

نماندست با او مرا تاو هیچ برو رای زن آشتی را بسیج

۳۳- ل، س، لن، لی، و، آ، ب (و نیز لن، ا): جست؛ ل، ا (و نیز ل، ا، س، ا): کردنت؛ ق، پ، این بیت را ندارند؛ متن = ف، ق، ا ۳۴- ف، لی، و؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ا، لن، ا، س، ا) ۳۵- ق، ا: مرا ۳۶- ق، ا: به تور و به سلم و به ایرج سپرد؛ لی: به تور و به سلم دلاور سپرد؛ ق، پ این بیت را ندارند؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۳۷- ق، ا (و نیز س، ا): مرا؛ آ: بما؛ (ل، ا): بتی؛ متن ← ۳۸- ف: چو داده بدند و بیخشیده راست؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز لن، ا) ۳۹- پ: کین کشیدن

۸۵ تو دانی که دیدن<sup>۱</sup> نه چون<sup>۲</sup> آگهی ست  
 ترا جنگ ایران چو بازی نمود  
 نگر تا چه مایه ستام به زر  
 همان تازی اسپان به<sup>۸</sup> زرین لگام<sup>۹</sup>  
 ازین<sup>۱۱</sup> بیشتر نامداران گرد<sup>۱۲</sup>  
 ۹۰ بترزین همه نام و ننگ و<sup>۱۴</sup> شکست  
 دگر آن کجا بخت برگشته شد<sup>۱۵</sup>  
 جوانی بُد و تنگی<sup>۱۹</sup> روزگار  
 به<sup>۲۱</sup> پیش آمدند همه<sup>۲۲</sup> سرکشان  
 بسی یاد دادند از<sup>۲۴</sup> روزگار  
 ۹۵ کنون از گذشته<sup>۲۸</sup> مکن هیچ<sup>۲۹</sup> یاد  
 گرت<sup>۳۱</sup> دیگر آید<sup>۳۲</sup> یکی<sup>۳۳</sup> آرزوی  
 به<sup>۳۵</sup> يك دست رستم که<sup>۳۶</sup> تابنده هور

میان شنیدن همیشه<sup>۳</sup> تهی ست  
 ز بازی<sup>۴</sup> سپه را درازی نمود<sup>۵</sup>  
 همان<sup>۷</sup> ترگ زرین و زرین سپر  
 همان تیغ هندی به زرین نیام<sup>۸</sup>  
 قباد<sup>۱۳</sup> اندرآمد به خواری ببرد  
 شکستی که هرگز نشایدش بست  
 که<sup>۱۶</sup> اغریرت<sup>۱۷</sup> پرخرد<sup>۱۸</sup> کشته شد  
 و ز امروز با دی گرفتن شمار<sup>۲۰</sup>  
 پس پشت هرکس<sup>۲۳</sup> درفشی کشان  
 دمان<sup>۲۵</sup> از پس و من دوان<sup>۲۶</sup> خوارخوار<sup>۲۷</sup>  
 سوی آشتی یاز با<sup>۳۰</sup> کیقباد  
 به گرد اندرآید سپه<sup>۳۴</sup> چارسوی  
 گه رزم<sup>۳۷</sup> با او<sup>۳۸</sup> نتابد<sup>۳۹</sup> به زور<sup>۴۰</sup>

۱- ف: دیده؛ متن=ل-ب (و نیز ل، ل، ن، س، ف)؛ ۲- س، ل، ق-ب (و نیز ل، ل، ن، س، ف)؛ به از؛ متن=ف، ل، ق-۳- پ: سراسر؛ لی: همیشه  
 میان شنیدن؛ درل پس از این بیت بیت پنجم ۸۶ پ و در ق پس از این بیت بیت های پنجم و هفتم ۸۶ پ آمده اند ۴- ل-۵: زیاری ۵- ل، لی، آ (و  
 نیز ل، س، آ): فزود؛ ق: سپاهی فزود؛ متن=ف، س، ل، پ، و، ل، ب (و نیز ل، ن، س، ف)؛ ق: سپهد سپهدار زال فزود (!)؛ س، ل، لی، پ، ب (و نیز ل، ن، س)  
 پس از این بیت و ل، ق، ق، ق (و نیز ل، ن، س)؛ پس از بیت ۸۹ بیت هایی افزوده اند (س، ل، لی، پ، ب بیت دوم را، س، ل، ن بیت ششم را و ل بیت هفتم را  
 ندارند؛ بیت پنجم درل پس از بیت ۸۵ و بیت های پنجم و هفتم در ق پس از بیت ۸۵ و در ق پس از بیت ۷۱ آمده اند):

چو کلباد و چون بارمان دلیر که بودی شکارش همه نره شیر  
 چو کلباد و سه که قارن بکشت دل چرخ گردان بدو شد درشت  
 خروزان (ل): خروزان؛ ق: ب: خروزان؛ لی: خرواران؛ پ: خروزان؛ کجزال بشکست خرد نمودش به گرزگران دست برد  
 شماساس کین توز (ق: آن شین لشکر پناه که (پ: چو) قارن بکشتش به آوردگاه  
 از امروز کارت به فردا ممان که داند که فردا چه گردد زمان (ب: جهان)  
 جزین نامداران کین (ق، ق: دگر) صد هزار فزون کشته آمد گه (ق: آ: برین؛ ق: کشته گشته بدان) کارزار  
 گلستان که امروز باشد به بار تو (لی، پ: چو) فردا چنی گل نیاید بکار (ب: نیایی بیار)

این بیت هادر ف، و، آ، ل (و نیز س، آ) نیست ۶- پ: ستام و تبر ۷- ل: هم از ۸- ل: <به> ۹- ق: ستام ۱۰- ق: ستام ۱۱- ق: آ:  
 از آن ۱۲- و: ازین نامداران و شیران گرد ۱۳- ف، ل، ن: چو باد؛ س، ق-ب (و نیز ل، ن، س، ف)؛ که باد؛ متن=ل (و نیز ل، ل، ن، س، آ)؛ ل، ق، ق، آ پس از این  
 بیت بیت هایی افزوده اند (← ۸۶ پ) ۱۴- س، ق، ب: <و>؛ ل، لی، پ، آ: ننگت؛ و: ننگ و نام؛ متن=ف، ل، ق، آ، ل؛ درل این بیت با بیت  
 سپسین پس و پیش شده است ۱۵- ل-آ، ب (و نیز ل، ل، ن، س، آ): گراز من سر نامور گشته شد؛ ل: دگر آن کجا سرم برگشته شد؛ متن=ف ۱۶-  
 س، ل، ق، آ، پ، ب: چو؛ متن=هفت دستنویس دیگر ۱۷- ق، آ، لی، و، آ (و نیز ل، ن، س، ف)؛ اغریرت؛ متن=هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، ل، س، آ) ۱۸-  
 س، ق، آ، لی، ب: نامور؛ ل، ق، پ، آ: پر هنر؛ متن=ف، ل، و، ل؛ درل این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۹- ق: تنگی از؛ ب: نیکی؛  
 لی: جزای بد و نیکی ۲۰- ل، ق، پ: من (پ: از) امروز را دی گرفتم شمار؛ س، ب (و نیز ل، ن، س، ف): ز نیک و ز بد بر گرفتن شمار؛ ل: دمان از پس من  
 دنان زار و خوار (= ۹۴ پ)؛ ق، آ، لی، آ: وز امروز (آ: امروز) فردا گرفتن شمار؛ و: وز امروز دی برگرفتم شمار؛ (ل: آ: از امروز تادی گرفتن شمار)؛ متن=  
 ف؛ ل این بیت را ندارد ۲۱- ل: که؛ ل، ق، ل این بیت را ندارند؛ متن=هشت دستنویس دیگر ۲۲- ل، آ: همان؛ متن=هفت دستنویس دیگر  
 ۲۳- ل، س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز ل، ل، ن، س، ف): هریک؛ متن=ف ۲۴- س، ق، آ، لی، و، آ، ب: آن؛ پ: دارند از آن؛ ف پاک شده است؛ ل این ل  
 را ندارد؛ ق، ل این بیت را ندارند؛ متن=ل ۲۵- ق: زمان؛ و: دوان ۲۶- س، ق، آ، ب: دمان؛ ل، لی: دنان؛ پ: از آن؛ متن=ف، ل ۲۷-  
 ل، س، ل، لی، پ، آ، ب: زار و خوار؛ ق: خوار و زار؛ متن=ف، و؛ ل، ن، ۹۲، ۹۳، ۹۴ را انداخته و از ۹۲ و ۹۴ پ يك بیت ساخته است ۲۸-  
 س: گذشتن ۲۹- ل: ایچ ۳۰- ق: آ: یا ۳۱- و: ورت ۳۲- س، ل، ن: آمد ۳۳- و: همی ۳۴- ل: اندر اندیشه؛ پ: اندر اندیشه را  
 ۳۵- ق: ز ۳۶- ل: چو ۳۷- ق: آ: جنگ ۳۸- لی: وی ۳۹- آ: نیاید ۴۰- ل، ن، پ: ابا گرز و کویال و با فر و زور؛ ب: نتابد گه رزم با او بزور

که چشمش ندیده‌ست هرگز شکن  
که آمد به آمل<sup>۳</sup> ببرد آن سپاه<sup>۴</sup>  
که سالار شاهست و<sup>۶</sup>، زاوول خدای<sup>۷</sup>

به روی<sup>۱</sup> دگر قارن رزم زن  
سدیگر<sup>۲</sup> چو کشواد زرین کلاه  
چهارم چو مهرباب کاول<sup>۵</sup> خدای<sup>۱۰۰</sup>

شگفتی فرومانده ز<sup>۹</sup> افراسیاب  
فرستاد<sup>۱۱</sup> بایران چنان چون سزید<sup>۱۲</sup>  
به<sup>۱۵</sup> پیش آر قرطاس و مشک سیاه<sup>۱۴</sup>  
برو کرده صدگونه رنگ و نگار  
که او داد بر آفرین دستگاه  
کزو دارد این تخم ما<sup>۲۰</sup> تار و پود  
بد آمد پدید<sup>۲۲</sup> از پی تاج و تخت  
نباید که پرخاش<sup>۲۵</sup> ماند<sup>۲۶</sup> به<sup>۲۷</sup> بن  
منوچهر سرتاسر این<sup>۳۰</sup> کین کشید  
کجا<sup>۳۳</sup> راستی را به بخشش بجست<sup>۳۴</sup>

سپهدار ترکان<sup>۸</sup> دو دیده پرآب  
یکی مرد با هوش دل<sup>۱۰</sup> برگزید  
دبیر نبیسنده<sup>۱۳</sup> را گفت شاه<sup>۱۴</sup>  
یکی نامه بنوشت<sup>۱۷</sup> ارتنگ وار<sup>۱۸</sup>  
به نام خداوند خورشید و ماه  
وزو<sup>۱۹</sup> بر روان فریدون درود  
گر از<sup>۲۱</sup> تور بر ایرج نیک بخت  
بران بر<sup>۲۳</sup> همی راند<sup>۲۴</sup> باید سخن  
گرین<sup>۲۸</sup> کینه از<sup>۲۹</sup> ایرج آمد پدید  
بران<sup>۳۱</sup> هم که کرد آفریدون<sup>۳۲</sup> نخست<sup>۱۱۰</sup>

۱- لن، ق، آ، پ، آ: بدست؛ ق: ز روی؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۲- لی: سه دیگر ۳- و: ز ساری؛ متن ← ۴- پ: فروزان سپاه؛ آ: بنزد سپاه؛ ف: که بر چشم او خوار باشد سپاه؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۵- ف- ب (و نیز ل، آ، س، آ): کابل؛ متن تصحیح قیاسی است ۶- ق: < و >؛ ل: که دستور شاهست و؛ و: که کابل خدایست و؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۷- ل، ق، لی، و، ل (و نیز س، آ): زابل خدای؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن، آ): با فر و رای؛ (ل، آ): فرخنده رای؛ متن = ف؛ بنداری بسیاری از بیت های ۵۷ تا ۱۰۰ را ترجمه نکرده است؛ ثم عبر وتوجه نحو آیه بشنك. فلما مثل بین یدیه سرد علیه جميع أحوال الوقعة، و وصف قوة الأیرانية وقلة ثبات التورانية بین آیدبهم. وقال: الصواب أن نغتنم السلامة منهم، و ننفذ الرسل إليهم جانحين الى السلم. ثم طفق يعترض الى آیه من سبق السيف العذل فی قتل إغریث آخیه، و يسأله العفو و الصفح ۸- س، لن، ق، آ، پ: توران؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۹- ل، س، لی، ق، لی، پ: ماند ز؛ و، ل، آ، ب: ماند از؛ متن = ف، ق، آ، ق، آ، پ پس از این بیت افزوده اند:

که چندان (پ: چندین) سخنهای یاد آمد دست سرش را کنون راه (پ: روانش همی سوی) داد آمد دست

۱۰- لن، لی، پ: بیدار دل؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۱۱- ل، ق، لی، و: فرسته؛ ل: فرستید؛ متن ← ۱۲- ق: رسید؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: بایران فرستاد چون می (لن، ق، آ، پ: چونان) سزید؛ متن = ف؛ ل- ب در اینجا سرنویس دارند، ل: نامه نوشتن پشنگ بر کیقباد؛ س، ق، آ، لی، پ، و، آ، ل، آ، ب: نامه پشنگ بنزد (لی، پ: به؛ و، ل، آ، ب: نزد) کیقباد (س: و پاسخ دادن کیقباد پشنگ را؛ ق، آ، لی، آ: و آشتی خواستن؛ و: و آشتی جستن ازو؛ ل: جهت صلح)؛ لن: نامه افراسیاب به کیقباد و آشتی کردن؛ ق: نامه پشنگ پدر افراسیاب به کیقباد در التماس صلح ۱۳- ل، و، ل، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): نویسنده؛ ق، پ: پسندیده؛ متن = ف ۱۴- ل، آ، ب: پیش خواند ۱۵- ل، ق، پ (و نیز س، آ): که؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ) ۱۶- ل، آ، ب: ابا او همه راز دل برفشاند؛ س، لن، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۱۷- ق: بنویس ۱۸- ل: ارتنگ وار (→ ارتنگ وار)؛ س، لی، ب: ارتنگ و عار (→ ارتنگ وار)؛ ق، ق، آ، آ (و نیز ل، آ): ارتنگ وار؛ و، ل، آ (و نیز لن، آ): فرزانه وار؛ متن = ف، پ (و نیز س، آ) ۱۹- ق، آ، ب: کز ویست این تخم با ۲۱- ف، س، لن، لی، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ): که از؛ متن = ل، ق، آ، پ، و (و نیز س، آ) ۲۲- ق، آ: همی ۲۳- ف، ل: بران هم؛ لی: بدان هم؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۴- و: ماند ۲۵- ل، ل، آ (و نیز ل، آ): بباید که پیوند؛ متن ← ۲۶- لن: یابد؛ متن ← ۲۷- لی (و نیز س، آ): کهن؛ ب: زین؛ و (و نیز لن، آ): نکاوید (لن، آ): نکارید) باید حدیث کهن؛ متن = ف، س، ق، آ، پ، آ؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ و (و نیز لن، آ) پس از این بیت افزوده اند:

نماند دست آن کینه ناخواستہ وزان خواسته کینه شد کاسته

۲۸- ف: که این؛ آ: گران؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۹- لن، پ: کز ۳۰- ق، آ، ب: آن؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ بنداری (۱۰۷-۱۰۹): و ذکر فیه أن تورا و إن کان ظلم إیرج فإن منوچهر انتقم له و أدرك ثاره؛ و پس از بیت ۱۰۹ افزوده است:

بماند این زمان بخش ایران و تور جهان قسم کردن ز نزدیک و دور

۳۱- ل، آ، ب: بدان ۳۲- س، ب: بران هم که کرد آن فریدون؛ ق: همان آفریدون شاه از ۳۳- ق: همی؛ پ: که مر ۳۴- لی: درست؛ بنداری: و قد کان آفریدون قبل ذلك قد قسم الممالک قسمة عادلة؛ در لی این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ و پس از این بیت افزوده است:

نه کاهید کشور نه دردی فزود همه راستی جست و نیکی نمود

سَزَد گر بداریم<sup>۱</sup> دل هم<sup>۲</sup> بران  
 ز خرگاه<sup>۳</sup> تا ماورالنهر<sup>۴</sup> بر<sup>۵</sup>  
 بر و بوم ما بود هنگام شاه  
 همان بخش<sup>۱۱</sup> ایرج از<sup>۱۲</sup> ایران زمین  
 ۱۱۵ از آن گر بگردیم و<sup>۱۴</sup> جنگ آوریم  
 بود زخم شمشیر<sup>۱۵</sup> و خشم خدای  
 و<sup>۱۹</sup> گر همچنان چون فریدون گرد  
 بیخشیم و زان<sup>۲۱</sup> پس نجویم کین  
 سر زنده از سال<sup>۲۳</sup> چون برف گشت  
 ۱۲۰ سرانجام هم جز<sup>۲۶</sup> به بالای خویش  
 بمانیم با آن رشی پنج خاك<sup>۲۷</sup>  
 در آزمندیست<sup>۲۹</sup> اندوه و رنج  
 مگر رام گردد بدین<sup>۳۱</sup> کیقباد  
 کس از ما نبینند<sup>۳۳</sup> جیحون به خواب،  
 ۱۲۵ مگر با درود و نوید و پیام<sup>۳۷</sup> ،  
 چو نامه به مهر اندرآورد شاه  
 فرستاد نزدیک ایران سپاه<sup>۳۹</sup>

۱- ل- ق، پ- ب (و نیز ل، ن، آ، س، آ): برانیم؛ لی: بمانیم؛ متن= ف ۲- لی، و: مادل؛ ل: هم دل ۳- لن، پ: آهنگ ۴- ق: آ: رای ۵- ل: مهان؛ در لی این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۶- ل، ق: ز جیحون (ق: < و >)؛ (ل: ز چینست)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز لن، آ، س) ۷- س- و، ل، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): در؛ متن= ف، ل، آ (و نیز ل، آ) ۸- س، لن، ق، آ، پ، و، ب (و نیز لن، آ، س، آ): میانستش؛ لی: میانست؛ ل: میانریست (!)؛ متن= ف، ل، ق، آ (و نیز ل، آ) ۹- لی: برره گذر ۱۰- ل: نکردی بران؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: نکرد اندران؛ ق: نکردی برین؛ لی، و، ل: نکرد اندرین؛ متن= ف ۱۱- و: مرز ۱۲- ل، ق: ز؛ س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب: بد؛ و: که؛ متن= ف، ل، آ ۱۳- س، پ، ب: که از شه فریدون بدش آفرین؛ لن، ق، آ، لی، آ: که (لی: بد) از آفریدون برو (لن: بدش) آفرین؛ و: بدادش فریدون با داد و دین؛ ل: که دادش فریدون برو آفرین؛ متن= ف، ل، ق ۱۴- ل: وگزان نگردیم ۱۵- لن: خورشید ۱۶- س، لن، آ، ل: بیابیم؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۷- ل، س، لن، لی، آ، ل، آ، ب: بهردو؛ ق: بدیگر؛ متن= ف، ق، و ۱۸- پ: نیابیم از بهره خویش جای ۱۹- لن: اگر ۲۰- ل- ل: لی، آ، ل، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): به تور و به سلم؛ متن= ف، و (و نیز ل، آ)؛ پ این بیت را ندارد ۲۱- س، لن، ق، آ، آ، ب: از آن؛ ق، لی، و، ل: وزین؛ متن= ف، ل ۲۲- ل: بر؛ پ این بیت را ندارد ۲۳- ل، ق: سراننده از سال؛ س، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): سرزنده زال؛ لن: سرزنده زال؛ متن= ف، و، ل (و نیز ل، آ) ۲۴- س، لن، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ): یلان؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، و (و نیز لن، آ) ۲۵- ل: برف؛ پ این بیت را ندارد ۲۶- لن: سرانجام جز هم؛ آ: سرانجام همچون؛ پ این بیت را ندارد ۲۷- ف، ل، ق، پ: بمانیم روز پسین زیر خاك؛ لی: بمانیم باز اندران کنج خاك؛ ل: بمانیم یاران رسی (→ با آن رشی) پنج خاك؛ (س، آ): بمانیم با آن وشى (→ رشی) پنج خاك؛ متن= س، ق، آ، و، آ، ب (ق: آ: یا؛ آ: این) ۲۸- س، ق، آ، آ، ب: سرویای؛ لن این بیت را ندارد ۲۹- ل، ل، آ (و نیز ل، آ): وگر آزمندیست و (ل: آ: < و >)؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): دگر (آ: وگر) آرزویست؛ لی: دگر آزمندیست؛ متن= ف، و ۳۰- لن، لی، پ: زین؛ آ: بر؛ ق این بیت را ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۱- ل، ق، پ، ل: برین؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۳۲- س، پ: سخن نیز ازین گونه کردند یاد (= ۱۲۷ ب) ۳۳- لن: گر از ما ببینند ۳۴- ف، آ، ب: از ایران؛ متن= ل، ق، لی، پ، و، ل ۳۵- و، ل، آ: زین؛ لی: نیاید بدین؛ لن: ازین پس نیابند از آن؛ ق: نیابند ایران ازین ۳۶- ف، ق، پ: سوی؛ متن= ل، لن، ق، آ، لی، و، آ، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، س، آ)؛ س این بیت را ندارد ۳۷- ف، ل، ق، و، آ (و نیز ل، آ، س، آ): سلام و پیام؛ لن، ق، آ، پ، ل، آ، ب: پیام و سلام؛ لی: یکی با نوید و درود و سلام؛ س این بیت را ندارد؛ متن= (س، آ) ۳۸- لن، ق، آ، لی، ب: بود؛ متن= هفت دستنویس دیگر؛ بنداری ترجمه بیت های ۱۱۷- ۱۲۵ را ندارد ۳۹- س این بیت را ندارد

بردند نامه بر کیقباد  
 چُنین داد پاسخ که دانی درست<sup>۲</sup>  
 ز تور اندرآمد نخستین ستم<sup>۳</sup>  
 بدین روزگار اندر<sup>۴</sup> افراسیاب<sup>۱۳۰</sup>  
 شنیدی که با شاه نوذر چه کرد  
 ز کینه به اغریرت<sup>۵</sup> پرخورد  
 ز کردار بد گر پشیمان شدی<sup>۶</sup>  
 مرا نیست از کینه و آزرنج<sup>۷</sup>  
 شما را سپردم<sup>۸</sup> از آن<sup>۹</sup> روی<sup>۱۰</sup> آب<sup>۱۳۵</sup>  
 به نئی یکی باز پیمان نبشت<sup>۱۱</sup>  
 بدو گفت رستم که ای شهریار  
 نبود آشتی هیچ درخوردشان<sup>۱۲</sup>  
 به رستم چُنین گفت پس کیقباد<sup>۱۳</sup>  
 به باغ بزرگی درختی بکشت  
 مجوی<sup>۱۴</sup> آشتی در گه کارزار  
 بدین روز گرز من آوردشان<sup>۱۵</sup>  
 که چیزی ندیدم نکوتر<sup>۱۶</sup> ز داد

۱- پ: سر مرد بخرد نگردد ز داد (= ۱۲۳ب)؛ ل: سخن نیز کردند ازین گونه یاد؛ س ۱۲۳ب، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷ را انداخته و از ۱۲۳آ و ۱۲۷ب يك بيت ساخته است؛ پ پس از این بیت سه بیت، ق تنها دو بیت نخستین و ق، آ تنها بیت سوم را افزوده‌اند (در پ بیت دوم و سوم پس و پیش شده‌اند):

بیامد فرستاده نزد قباد هم‌آنگاه پیغام و نامه بداد  
 چو بشنید ازین گونه آیین و راه زبان را به پاسخ بیاراست شاه  
 چو شاه جهاندار نامه بخواند به پاسخ سخنها فراوان (آ: فراوان سخنها) براند

۲- پ: ز افراسیاب آمد این کین درست؛ در پ لت های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- ق، ل: نخست این ستم ۴- پ: آمد ۵- ل، ق، و: بیامد بتیزی و؛ پ: بدین سوی ایران؛ ل: بیامد برین روی؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز لن، س) ۶- ق، لی، ل: بگذشت ز (ق: از) آب؛ متن = نه دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۷- ق: دل داد و دین؛ لی: دل و جان ما ۸- ق، آ، لی، و، آ (و نیز لن، آ، بنداری): اغریرت؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۹- ق: اندر خورد (وزن ندارد)؛ و: نه آن کردکان با خرد در خورد ۱۰- ل، و، ل (و نیز ل، س): شوید؛ س، لن، ق، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز س): شوی؛ پ (و نیز لن، آ): شود؛ متن = ف ۱۱- ل: آزرنج؛ لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): آزار و رنج؛ س: جز این است از کینه آزار و رنج؛ متن = ف، ل، ق، و ۱۲- ق: نجبیده‌ام ۱۳- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب (و نیز لن، آ، س): سپارم؛ متن = ف، ل، ق، ل، آ، لی: ازین ۱۴- ف، و (و نیز لن، آ): سوی؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، س) ۱۶- ق، ل، آ، لی: آرام ۱۷- ل، لن، لی، پ، و: نوشت؛ متن = هفت دستنویس دیگر؛ ل، ق، ق، آ (و نیز ل، آ) پس از این بیت افزوده‌اند (در ل در بیت چهارم لت ها پس و پیش شده‌اند):

فرستاده آمد بسان پلنگ رسانید نامه بنزد پشنگ  
 بنه برنهاد و سپه را براند همی گرد بر آسمان برفشانند  
 ز جیحون گذر کرد مانند باد وزان آگهی شد بر کیقباد  
 بدان (ق، آ: چنان) گشت شادان دل شهریار که دشمن شد از پیش بی کارزار

۱۸- ل، و: مجو؛ ق: چرا؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۹- ل، س، ق، ق، آ، ل: نبد پیشتر آشتی را نشان (ق: رایشان؛ در ل، س حرف یکم واژه پسین نقطه ندارد)؛ لن، پ، ب (و نیز س، آ): نبود (ب: نبد) آشتی پیشتر زان (پ: زین؛ ب: را) نشان (س: آ: رایشان)؛ لی: نبد آشتی پیش ازین نزدشان؛ آ: ازیشان نبود آشتی را نشان؛ (ل: نبود آشتی پیش از آوردشان)؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ) ۲۰- بنداری: هلاکان ذلك منهم قبل هذا الوقعة! والآن فالرأی أن نجوس دیارهم، و نستیح أموالهم و دماءهم ۲۱- ل- پ، آ، ل، ب (و نیز ل، س، آ): چنن گفت با (لی، ل، آ، ل، آ: پس) نامور (س: پلتن) کیقباد؛ متن = ف، و (و نیز لن، آ) ۲۲- لی: ندیدیم بهتر؛ و: در اینجا سرنویس دارد: گفتار اند رخلعت دادن کیقباد پهلوانان را



- ۱۴۰ نَبیره فریدون و پور پشنگ  
سَزِد گر هرآنکس که دارد خرد  
ز زاولستان<sup>۶</sup> تا به دریای سند<sup>۷</sup>  
تو شو تخت<sup>۱۱</sup> با افسر نیمروز  
وُزین<sup>۱۲</sup> روی کاول<sup>۱۳</sup> به مهراب ده<sup>۱۴</sup>
- ۱۴۵ کجا پادشاهی ست<sup>۱۶</sup> بی جنگ نیست  
سرش را بیاراست از<sup>۱۸</sup> تاج زر  
ز يك روی گیتی مرو را سپرد  
وُزان<sup>۲۰</sup> پس چُنین<sup>۲۱</sup> گفت فرخ قباد  
به يك<sup>۲۳</sup> موی دستان نیرزد جهان
- ۱۵۰ یکی جامه‌ی شهریاران<sup>۲۵</sup> به زر  
نهادند مهد<sup>۲۶</sup> از بر پنج پیل  
بگسترد زربفت بر مهد<sup>۲۸</sup> بر  
فرستاد<sup>۳۰</sup> نزدیک دستان<sup>۳۱</sup> سام  
اگر باشدم زندگانی دراز
- ۱۵۵ همان قارن و نیز<sup>۳۴</sup> کشواد را
- به سیری<sup>۲</sup> همی سر پیچد<sup>۳</sup> ز جنگ  
به<sup>۴</sup> کژی و ناراستی ننگرد<sup>۵</sup>  
نِشْتیم<sup>۸</sup> عهدی ترا بر پرند<sup>۹</sup>  
بدار و همی باش<sup>۱۱</sup> گیتی فروز  
سراسر سِنانت<sup>۱۵</sup> به زهر آب ده<sup>۱۴</sup>  
وگر چند روی زمین تنگ نیست<sup>۱۷</sup>  
همان گردگاهش به زرین کمر  
ببوسید روی زمین<sup>۱۹</sup> مرد گرد  
که بی زال تخت<sup>۲۲</sup> بزرگی مباد  
که او ماندمان یادگار از مهان<sup>۲۴</sup>  
ز یاقوت و پیروزه تاج و کمر  
ز پیروزه، رخشان تر از آب نیل<sup>۲۷</sup>  
یکی گنج کهش کس ندانست مر<sup>۲۹</sup>  
که خِلمت مرا زین فزون بود کام<sup>۳۲</sup>  
ترا دارم اندر<sup>۳۳</sup> جهان بی نیاز  
چو برزین و خَراد و پولاد را<sup>۳۵</sup>

۱- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، آ، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): فریدون فرخ پشنگ؛ متن = ف، ل، ق، آ (ق: < و >) ۲- لی: بشیری؛ ل: بتیزی ۳- س، لن، ق، آ، و: پیچد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: نیچد؛ ف ناخواناست؛ متن = ل، ق، لی، پ، آ، ب ۴- و: ز ۵- لی: بنگرد؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فاد طلب بشک مصالحتنا و مواعتنا فحقیق بنا آن نجیبه الی ما طلب ۶- س- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، بنداری): زابلستان؛ متن = ف، ل (و نیز س، آ) ۷- ق: هند ۸- ل، ق، لی، پ، و: نوشتیم؛ متن = ف، س، لن، ق، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۹- ق: سراسر پرند ۱۰- ل، ق: سر تخت؛ متن = ده دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ) ۱۱- س، لن، ق، آ، ب (و نیز لن، آ): همی دار و می باش؛ لی: بداد و دهش باش؛ ب: همی باش و میدار؛ متن = ف، ل، ق، و، آ، ل، آ (و نیز ل، آ، س، آ)؛ پ در اینجا سرنویس دارد: عهد نوشتن کیقباد رستم را در پادشاهی ۱۲- س، لن، ق، ب، آ، ل، آ، ب: وزان؛ متن = ف، ل، ق، لی، و ۱۳- ف- ق، آ، پ- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ، بنداری): کابل؛ لی: کشور؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۴- لی: داد ۱۵- لی: سنانش؛ در ق<sup>۲</sup>لت های این بیت با یکدیگر و خود بیت با بیت سپسین پس و پیش شده اند ۱۶- ل- ب: پادشاهیست؛ متن = ف ۱۷- ف: اگر جنگ جویی ز بن ننگ نیست؛ ل: وگر جنگ جویی زمین تنگ نیست؛ متن = س- ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ؛ و: اگر؛ ق: زمی)؛ در ق<sup>۲</sup> این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۱۸- ل، س، لن، پ، آ، ل، ب (و نیز ل، آ، لن، آ، س، آ): با؛ متن = ف، ق، آ، لی، و ۱۹- ق: زمی؛ در س، لن، پ، ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰- ل، س، و، ب: از آن؛ متن = هشت دستنویس دیگر ۲۱- ف: بدو؛ متن = ل- ب (و نیز لن، آ، س، آ) ۲۲- لی: تاج؛ در س، لن، پ، ب این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۳- ل: یکی ۲۴- ق، آ، پ، و، آ، ل، ب (و نیز س، آ): یادگار مهان؛ ل، لی: که او ماند از یادگار مهان؛ ق: که ماند بما یادگار از جهان؛ متن = ف، س، لن (و نیز لن، آ): بنداری: و ذکر دستان و آئنی علیه و قال إنه بقية الملوك الماضين ۲۵- ل- ب، آ، ب (و نیز لن، آ، س، آ): شهریاری؛ متن = ف، و، ل، آ ۲۶- و: تخت ۲۷- ل، ق: رخشان بکردار نیل؛ لی، و: رخشان تر از رود نیل؛ متن = هشت دستنویس دیگر (و نیز ل، آ، س، آ) ۲۸- لی: زر؛ ل: بگسترده زربفت رومی بزر ۲۹- لی: یکی گنج بدکش ندانست بر؛ در ل<sup>۲</sup> بیت های ۱۵۰ تا ۱۵۲ درهم ریخته اند: ۱۵۰، ۱۵۲، ب، ۱۵۰، آ، ۱۵۲، ۱۵۱ ۳۰- ق: ببردند ۳۱- ف: دستام ۳۲- لی: که خلمت ترا زین فرونست کام ۳۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: ترامن کم در؛ لی: ترا دادم اندر؛ متن = ف، ل، ق، و، ل، آ ۳۴- ل، ق، و، ل، آ: قارن نیو و؛ س، پ: قارن گرد و؛ لن، ب (و نیز لن، آ): قارن و گرد؛ ق: قارن گرد؛ لی، آ (و نیز س، آ): قارن پیرو؛ (ل: قارن شیرو)؛ متن = ف ۳۵- خرداد و پولاد را؛ ل: خَراد و میلاد را؛ س، آ: چو برزین پولاد و خَراد را؛ و (و نیز لن، آ): چو برزین و پولاد و خَراد را؛ متن = ل، ق، آ، لی، پ، ب (و نیز س، آ)؛ بنداری: مثل قارن و کشواد و برزین و خَراد بنفائس الخلع . . .

برافگند<sup>۱</sup> خلعت چنان چون سزید  
 درم داد و<sup>۲</sup> دینار و تیغ و سپر  
 و زانجا سوی پارس<sup>۴</sup> اندرکشید  
 نشستن گه آنگاه<sup>۵</sup> اصطخر<sup>۶</sup> بود  
 ۱۶۰ جهانی سوی وی<sup>۷</sup> نهادند روی<sup>۸</sup>  
 به تخت کیان<sup>۱۰</sup> اندرآورد پای  
 چنین گفت با نامور مهتران<sup>۱۳</sup>  
 اگر پیل با پشه کین<sup>۱۵</sup> آورد  
 نخواهم<sup>۱۸</sup> به گیتی جزاز<sup>۱۹</sup> راستی<sup>۲۰</sup>  
 ۱۶۵ تن آسانی از درد و رنج تن ست<sup>۲۳</sup>  
 سپاهی و شهری مرا<sup>۲۵</sup> یکسرست<sup>۲۶</sup>  
 همه در پناه جهاندار بید  
 هرآنکس که دارد خورید و دهید  
 هرآنکس<sup>۳۱</sup> کجا<sup>۳۲</sup> بازماند ز خورد  
 ۱۷۰ چراگاهشان بارگاه<sup>۳۶</sup> من ست  
 و زان<sup>۳۹</sup> رفته نام آوران یاد کرد

کسی را که خلعت سزاوار دید  
 که را بود درخور<sup>۳</sup> : کلاه و کمر  
 که در پارس<sup>۴</sup> بد گنج ها را کلید  
 کیان را بدانجایگه فخر بود  
 که او بود سالار<sup>۹</sup> دیهیم جوی  
 به داد<sup>۱۱</sup> و به آیین و<sup>۱۲</sup> فرخنده‌رای  
 که گیتی مرا از<sup>۱۴</sup> کران تا کران  
 همه<sup>۱۶</sup> رخنه در داد و دین<sup>۱۷</sup> آورد  
 که خشم خدای<sup>۲۱</sup> آورد کاستی<sup>۲۲</sup>  
 کجا خاک و آبست گنج من ست<sup>۲۴</sup>  
 همه پادشایی مرا لشکرست<sup>۲۷</sup>  
 خردمند بید و<sup>۲۸</sup> بی آزار بید  
 سپاسی<sup>۲۹</sup> ز<sup>۳۰</sup> خوردن به من برنهد  
 نیابد<sup>۳۳</sup> همی<sup>۳۴</sup> توشه از<sup>۳۵</sup> کارکرد  
 هرآنکس که آید<sup>۳۷</sup> سپاه<sup>۳۸</sup> من ست  
 به داد و دهش گیتی آباد باد

۱- ف: بفرمود؛ و: فرستاد؛ (لن: ۲: برآراست)؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل: ۳، س: ۲- لن، ق: ۲، پ: آ، ب: ز دیبا و؛ متن= ف، ل، ق، لی، و، ل: ۲ (و نیز ل: ۳، لن: ۲) ۳- ل، و: که را درخور آمد؛ متن= ده دستنویس دیگر (و نیز ل: ۳، لن: ۲، س: ۲)؛ لن، پ در اینجا سرنویس دارند: آمدن کیقباد به اصطخر فارس (پ: اصطخر پارس) ۴- آ: فارس ۵- ل- پ، آ، ب (و نیز ل: ۳، س: ۲): آنگه به؛ ل: آنگه < به >؛ متن= ف، و (و نیز لن: ۲) ۶- ق: آ، پ: اصطخر ۷- ل، ق، لی (و نیز ل: ۳): او؛ متن ← ۸- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن: ۲، س: ۲): جهانی نهادند رخ (س: ۲): سوی اوی (آ، ب، لن: ۲، س: ۲): او؛ متن= ف، و، ل: ۹- ل، س، و، آ: سالار و؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۰- آ: وزان پس به تخت ۱۱- و: برسم ۱۲- ل- ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲، س: ۲): < و >؛ متن= ف ۱۳- لن، لی، پ: بخردان؛ ق: پهلوان؛ متن= هشت دستنویس دیگر ۱۴- و: شد؛ آ: ز ۱۵- ق: جنگ ۱۶- س، لن، پ، ب (و نیز لن: ۲): وگر؛ ق، ق، لی، و؛ آ: همی؛ متن= ف، ل، ل: ۲ (و نیز ل: ۳، س: ۲) ۱۷- ق: رنگ ۱۸- و: نجوم ۱۹- ق: آ، لی: بجز ۲۰- لی: داد و دین ۲۱- ف، ل، ق (و نیز ل: ۳، لن: ۲، س: ۲): خدا؛ متن= س، لن، ق، آ، پ- ب ۲۲- لی: بسازیم بزم و نجویم کین ۲۳- ف، ق (و نیز ل: ۳، س: ۲): منست؛ ل: از درد رنج منست؛ س، ب: از درد و از رنج نیست؛ ق: آ، لی، و (و نیز لن: ۲): از داد و (و: < و >) رنج منست (لی: تنست)؛ آ: و داد رنج منست؛ ل: و درد رنج منست؛ لن: تن از داد و آزار بر رنج نیست؛ پ: تن از داد آزاد رنج منست؛ متن= ف، ق (و نیز ل: ۳، س: ۲) پس از تصحیح من به تن، و یا= لی پس از تصحیح داد به درد ۲۴- س، لن، ب: کجا آب و خاکست بی گنج (لن: جز رنج؛ ب: جز گنج) نیست؛ ق: آ: جهان آب و خاکست و گنج منست؛ لی، پ، آ، ل: ۲ (و نیز ل: ۳، س: ۲): کجا آب و خاکست گنج منست؛ متن= ف، ل، ق، و (و نیز لن: ۲) ۲۵- ل: همه ۲۶- ل، ق، ل: ۲ (و نیز ل: ۳): یکسراند؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن: ۲): همه پادشاهان مرا لشکرند؛ متن= ف، و (و نیز س: ۲) ۲۷- ل، ق، و، ل: ۲ (و نیز س: ۲): همه پادشاهی مرا لشکرند (و، س: ۲): لشکرست؛ س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز لن: ۲): سپاهی و شهری مرا یکسرند (ب: لشکرند)؛ متن= ف؛ لی این بیت را ندارد ۲۸- لی: خردمند و راد و ۲۹- ق: سپاسش؛ ل: ۲: سپاهی؛ متن= ف، ل، ق، آ، لی، و، آ (و نیز ل: ۳، لن: ۲، س: ۲): ۳۰- ل: ۲: به؛ س، لن، پ، ب این بیت را ندارند ۳۱- س، لن، ق، آ، پ، ب: وزانکس؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۲- ق: که او ۳۳- ل، ق، لی، و، ل: ۲: ندارد؛ متن= هفت دستنویس دیگر ۳۴- پ: همه ۳۵- ل (و نیز ل: ۲): توشه؛ س، لن، پ (و نیز لن: ۲): قوت از؛ و، ل: ۲: توشه در؛ متن= ف، ق، ق، آ، لی، آ، ب (و نیز س: ۲)؛ ف: نوشته ۳۶- آ: پایگاه ۳۷- ل، س، لن، ق، آ، پ، آ، ب (و نیز ل: ۲، لن: ۲): اندر؛ متن= ف، لی، و، ل: ۲ (و نیز س: ۲) ۳۸- س، ق: آ: پناه؛ ق این بیت را ندارد، ولی آنرا در کناره افزوده اند ۳۹- س، لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب: آزان؛ متن= ف، ل، ق، ل: ۲؛ در ق این بیت پس از بیت ۱۷۹ آمده است

برین<sup>۱</sup> گونه صدسال آسان<sup>۲</sup> بزیست  
 پسر بد مرو را خردمند چار<sup>۴</sup>  
 نخستین چو کاوس باآفرین  
 ۱۷۵ چهارم کجا اشکش بود نام<sup>۱</sup>  
 چو صدسال بگذشت<sup>۱۲</sup> با تاج و تخت  
 چو دانست کامد بنزدیک، مرگ  
 سر ماه<sup>۱۵</sup> کاوس کی را بخواند  
 بدو گفت: ما برنهادیم رخت  
 ۱۸۰ چه<sup>۱۹</sup> تختی که<sup>۲۰</sup> بی آگهی بگذرد<sup>۲۱</sup>  
 چنانم که گویی ز<sup>۲۳</sup> البرزکوه  
 تو گر دادگر<sup>۲۵</sup> باشی و پاک رای<sup>۲۶</sup>  
 وگر آز گیرد سرت را به دام  
 بگفت این و شد زین جهان فراخ

نگر تا چنین در جهان<sup>۳</sup> شاه کیست  
 که بودند ازو در<sup>۵</sup> جهان یادگار  
 کی آرش<sup>۶</sup> دگر<sup>۷</sup> بد<sup>۸</sup>، دگر<sup>۹</sup> کی پشین<sup>۹</sup>  
 سپردند گیتی به آرام و کام<sup>۱۱</sup>  
 سرانجام تاب اندرآمد به بخت<sup>۱۳</sup>  
 پیژمرد خواهد همی سبزبرگ<sup>۱۴</sup>  
 ز داد و دهش چند با او<sup>۱۶</sup> براند  
 تو بگذار<sup>۱۷</sup> تابوت و بردار تخت<sup>۱۸</sup>  
 پرستندهی او ندارد خرد<sup>۲۲</sup>  
 کنون آمدم شادمان بی گروه<sup>۲۴</sup>  
 به آیین بیایی به دیگر سرای<sup>۲۷</sup>  
 براری یکی تیره تیغ از نیام<sup>۲۸</sup>  
 گزین کرد صندوق بر جای کاخ<sup>۲۹</sup>

۱- لی: بدین ۲- ف، ل، ق، لی، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س): شادان؛ متن = س، لن، ق، آ، پ، آ، ب ۳- لن، پ: نگر تا به کیهان چنین ۴- س: مر او را پسر بد خردمند چار؛ لن، پ: پسر بد خردمند او را چهار؛ متن = نه دستنویس دیگر ۵- ل: زودر؛ لن، پ: اندر؛ متن = نه دستنویس دیگر ۶- ق: که آرش ۷- ل: دوم و؛ س- پ، آ، ب (و نیز لن، آ، س): دوم بد؛ و: دو دیگر؛ ل: آ: یکی و؛ متن = ف ۸- لن، لی، پ، و: سوم؛ ق: سوم؛ متن = هفت دستنویس دیگر ۹- ق، آ، لی، پ، ل (و نیز ل، لن، آ، س): کی نشین؛ ل، س، لن، ق، و: کی نشین (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = ف، آ، ب ۱۰- ل، ق، ل: چهارم کجا ارشش بود نام (وزن ندارد و یا: آرشش، ← بنداری)؛ س، ق، آ، ب: چهارم کیارش (ق: که آرش) کجا بود نام؛ لن: چهارم کجا کی سبین بود نام (حرف یکم واژه چهارم نقطه ندارد)؛ لی (و نیز س): چهارم کی اشکش (لی: که اشکش) و رابود نام؛ پ: چهارم کجا سبین بودیش نام (!)؛ و (و نیز لن): چهارم که بود اردشیر او بنام؛ آ: چهارم کی ارمین کجا بد بنام؛ ل: چهارم کی آدرش بود نام)؛ متن = ف؛ بنداری: وکان له اربع بنین کیکاوس و کی آرش و کی نشین و کی آرشش ۱۱- و: همه هر چهار از پدر شادکام ۱۲- پ: چو بگذشت صدسال ۱۳- س، لن، ق، آ، پ، آ، ب: سرانجام تاج اندر آمد ز بخت؛ متن = ف، ل، ق، لی، و، ل ۱۴- و: شاخ و برگ ۱۵- و: سرافراز؛ ل: همانگاه ۱۶- لی: وی ۱۷- ل، لن، و، ل (و نیز ل، لن، آ، س): بسیار؛ متن = ف، س، آ، ب ۱۸- ف: بنشین به تخت؛ متن = ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س): در ق پس از این بیت بیت ۱۷۱ آمده است ۱۹- ل، س، ق، آ، لی، و، آ، ب (و نیز س): چو؛ ل: که؛ متن = ف، لن، پ (و نیز لن) ۲۰- ل، س، لن، ق، آ، لی: سختی که (حرف یکم نقطه ندارد)؛ لی (و نیز س): برتخت؛ پ، آ: بختی که؛ و: عمری که؛ متن = ف، ب (و نیز لن) ۲۱- لی: نگذرد ۲۲- لی: پرستنده او را نداند خرد؛ ق این بیت را ندارد؛ درل، س، لن، ق- ب (و نیز ل، لن، آ، س) این بیت با بیت سببین پس و پیش شده است ۲۳- لن، لی: از؛ ل: کز؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۴- ل- ب (و نیز ل، لن، آ، س): با گروه؛ متن = ف؛ درل، س، لن، ق- ب (و نیز ل، لن، آ، س) این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است؛ در ق این بیت پس از بیت های ۱۸۳ پ آمده است؛ بیایی بیت های متن = ف ۲۵- و: اگر نیک دل ۲۶- ل، ق: پاک دین؛ ق این بیت را ندارد؛ متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- ل، ق: ز هرکس نیایی بجز (ق: جزا) آفرین؛ س، لن، ب، آ (و نیز لن): ثوابش بیایی (آ: بیایی ثوابش) به دیگر سرای؛ لی، و، ل (و نیز ل، س): بیایی برش را (ل: بران؛ ل: براین) بدیگر (لی، س): بهردو سرای؛ پ: همی مزد یایی بدیگر سرای؛ متن = ف (حرف های دوم و چهارم واژه سوم نقطه ندارند: بیایی) ۲۸- ل، س، لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب (و نیز ل، لن، آ، س): یکی تیغ تیز از نیام؛ و: نباشی بهردو جهان شادکام؛ متن = ف، ق، ل؛ پ در اینجا سرنویس دارد: تیره شدن روزگار کیقباد؛ ل، ق پس از بیت ۱۸۳ افزوده اند:

نگه دار تن باش و آن خرد خرد مرد را سر به گردون برد  
 ز داد و دهش هیچ ماسای نیز که از داد باشی به گیتی عزیز

در ق پس از این بیت ها بیت ۱۸۱ آمده است ۲۹- لن، پ: برگاه و کاخ؛ ق، آ: برتخت و کاخ؛ ق: برتخت و گاه (پساوند ندارد)؛ متن = هفت دستنویس دیگر

۱۸۵ [جهان را چُنین ست ساز و نهاد برآرد<sup>۲</sup> ز خاک و دهدشان به باد<sup>۳</sup>]

۱-ل<sup>۲</sup>: برین گونه گیتی همی بگذرد ۲-س، ب: بیارد؛ متن ← ۳-لی: دهد سر بیاد؛ ل، ق: یکی نزد او نوزد و کیقباد؛ ل<sup>۲</sup>: یکی را برد دیگری آورد؛ (ل<sup>۳</sup>: برآرد ز خاک و فشانند بیاد)؛ متن = لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ (و نیز لن<sup>۲</sup>)؛ ف، و (و نیز س<sup>۲</sup>) این بیت را ندارند؛ ل، ق (و نیز ل<sup>۲</sup>) پیش از این بیت، و (و نیز س<sup>۲</sup>) بجای این بیت و س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب (و نیز لن<sup>۲</sup>) پس از این بیت افزوده اند:

به سر شد کنون قصه کیقباد ز کاوس باید کنون (ل، ق، ل<sup>۳</sup>: سخن) کردیاد  
س، لن، پ، ل<sup>۲</sup>، ب: ز کاوس باید که گیریم (ل<sup>۲</sup>: کی بایدم کرد) یاد

ف این بیت را ندارد





فهرست ها





## فہرست نام کسان

- آبتین - ضحاک ۱۱۹، ۱۵۸، ۳۴۱
- آذرگشسپ - منوچہر ۶۴۳، ۱۰۹۳؛ نوذر ۲۰۱
- آرزوی - فریدون ۲۶۲
- آفریدون - ضحاک ۹۲، ۱۱۳، ۱۵۳، ۲۳۴، ۳۱۱، ۳۳۳، ۳۴۸
- ۴۲۷، ۴۹۶؛ فریدون ۶۳، ۳۴۱، ۲۷۰، ۲۳۴، ۶۵، ۵۳۲، ۶۶۱، ۶۴۹، ۶۲۶، ۷۲۲، ۷۵۰، ۷۵۵، ۷۶۳، ۸۷۹، ۱۰۳۸؛ نوذر ۵۳؛ زوطھماسپ ۸۳؛ کقباد ۱۱۰، ۱۱۴
- آوگان - فریدون ۶۱۰ پ، ۷۴۵
- آھرمن - گیومرت ۱۹، ۲۰، ۳۲
- ابلیس - جمشید ۸۸، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۳۷، ۱۶۱
- ابوالقاسم - دیباچہ ۱۶۵
- آخواست - نوذر ۶۸ پ
- آخواست - نوذر ۶۸ پ
- آرتنگ - کقباد ۱۰۴
- آرجاسپ - نوذر ۶۸ پ
- آرژنگ - کقباد ۱۰۴ پ
- آرمانک - ضحاک ۱۶ پ
- آرمایل - ضحاک ۱۶
- آرنواز - ضحاک ۸، ۴۳، ۵۴، ۵۹، ۳۴۷، ۳۷۲، ۴۰۵؛ فریدون ۴۹
- آشکس - کقباد ۱۷۵
- آغریرت - نوذر ۸۹، ۱۵۳، ۴۴۴، ۴۸۱، ۴۸۹، ۴۹۲، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۱۴، ۵۲۶، ۵۳۷؛ زوطھماسپ ۳۸، ۳۹؛ کقباد ۹۱، ۱۳۲
- آغریرت ← آغریرت
- آفراسیاب - نوذر ۷۰، ۷۵، ۸۲، ۸۸، ۹۸، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۸۲، ۲۸۶، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۸، ۳۵۵، ۳۷۱، ۴۸۰، ۴۸۷، ۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۶؛ زوطھماسپ ۳۴، ۴۵، ۴۸، ۱۳۸؛ کقباد ۵، ۲۱، ۳۲، ۳۶، ۱۰۱، ۱۳۰، ۱۳۵
- آندیان - فریدون ۶۱۰، ۷۴۵
- آھرمن - طھمورت ۲۷

- ایرج - فریدون ۲۵۹، ۲۶۳،  
 ۲۶۸، ۲۷۹، ۳۰۰، ۴۰۸،  
 ۴۵۰، ۴۵۷، ۴۶۸،  
 ۴۷۶، ۴۹۴، ۴۹۷،  
 ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۴۳، ۵۵۲،  
 ۵۸۸، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۷،  
 ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۷۹، ۶۸۱،  
 ۶۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۱۵،  
 ۸۹۳؛ منوچهر ۱۵۹۲؛ نوذر  
 ۲۱۲؛ کیقباد ۶۰، ۱۰۷،  
 ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸،  
 ۱۲۹
- بارمان - نوذر ۶۸، ۱۴۳،  
 ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۵،  
 ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۲،  
 ۳۰۷، ۳۰۹
- بتول - دیباچه ۹۵ پ  
 برزین - نوذر ۴۸۴؛ کیقباد  
 ۴، ۱۵۵
- برمایه<sup>۱</sup> (برادر فریدون) - ضحاک  
 ۲۵۴، ۲۷۲
- برمایه<sup>۲</sup> (گاودایه) - ضحاک ۱۰۱،  
 ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۴۸، ۱۴۹،  
 ۳۴۳
- بلیمان ← تلیمان  
 بوبکر - دیباچه ۹۵ پ  
 بیوراسپ - جمشید ۸۴
- پرمایه (برادر فریدون) ← برمایه  
 پرمایه (گاودایه) ← برمایه  
 پشنگ<sup>۱</sup> (شوی ماه آفرید) - فریدون  
 ۵۷۹
- پشنگ<sup>۲</sup> (پدر افراسیاب) - نوذر  
 ۶۴، ۶۹، ۸۲، ۸۵، ۸۸،  
 ۱۳۴، ۲۱۵، ۲۳۴؛ زوطهماسپ  
 ۳۵، ۳۷، ۴۵؛ کیقباد  
 ۵۷، ۱۴۰
- پولاد - کیقباد ۱۱۵  
 پیروز کرشاسپ - فریدون ۷۴۲
- تلیمان - فریدون ۷۹۶؛ نوذر ۲۷۱  
 تور - فریدون ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۷،  
 ۲۷۵، ۲۷۶، ۳۰۵، ۳۰۶،  
 ۴۶۵، ۴۷۸، ۴۸۳، ۴۹۳،  
 ۶۱۲، ۷۱۳، ۷۵۳، ۷۹۸،  
 ۸۰۲، ۸۵۲، ۸۷۲، ۹۱۴،  
 ۹۲۵؛ منوچهر ۱۵۹۲؛ نوذر  
 ۶۵، ۷۱، ۹۴، ۱۰۷؛  
 کیقباد ۸۳، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۲۹
- جم - ضحاک ۳۳۲، ۴۰۴  
 جمشید - جمشید ۳، ۵۲، ۱۷۱،  
 ۱۷۸، ۱۷۹؛ ضحاک ۷، ۱۱۱  
 جمشید - جمشید ۱۶۸؛ ضحاک  
 ۶؛ فریدون ۴۲۰، ۷۳۸  
 جندل - فریدون ۵۳، ۵۸، ۶۵،  
 ۶۸، ۷۰، ۱۴۰، ۱۴۴
- حیدر - دیباچه ۱۰۴
- خرّاد (← خرداد) - کیقباد ۱۵۵  
 خرداد (← خرداد) - نوذر ۴۸۴؛  
 کیقباد ۴، ۱۵۵ پ  
 خزیران - نوذر ۱۲۴، ۳۵۸،  
 ۳۸۶، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۳  
 خرزوان<sup>۱</sup> - گیومرت ۲۵ پ

،۶۳ ،۴۷ ،۴۶ ،۴۳ ،۳۷	خرزوان <sup>۱</sup> ← خزبران
۱۳۹ ، ۱۳۷ ، ۹۷	خزروان ← خزبران
،۳۳۰ ، ۳۲۸ منوچهر	خزوران <sup>۱</sup> - گیومرت ۳۵
،۴۳۶ ، ۳۸۶ ، ۳۷۱ ، ۳۴۶	خزوران <sup>۱</sup> ← خزبران
،۷۰۳ ، ۵۴۹ ، ۴۷۹ ، ۴۵۱	خزیران ← خزبران
،۷۲۸ ، ۷۲۳ ، ۷۲۰ ، ۷۰۸	
،۷۸۸ ، ۷۸۳ ، ۷۳۹ ، ۷۳۲	دستان - منوچهر ۱۶۳ ، ۲۵۶
،۸۲۹ ، ۸۲۴ ، ۸۲۲ ، ۸۱۷	،۳۱۳ ، ۲۹۷ ، ۲۷۸ ، ۲۷۴
،۱۱۴۷ ، ۱۱۳۶ ، ۱۰۷۷ ، ۱۰۵۸	،۵۶۱ ، ۵۰۸ ، ۵۰۵ ، ۴۰۷
۱۴۴۲ ، ۱۴۰۷ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۴۷	،۷۱۳ ، ۷۰۲ ، ۶۵۷ ، ۶۵۲
روداوه - منوچهر ۵۴۹ پ	،۸۴۱ ، ۸۱۳ ، ۷۵۳ ، ۷۴۳
زادشم - نوذر ۶۵ ، ۷۸ ، ۹۵ ؛	،۱۰۵۵ ، ۹۳۸ ، ۹۳۷ ، ۹۲۸
زوطهماسپ ۶۷	،۱۳۳۳ ، ۱۲۹۴ ، ۱۱۳۶ ، ۱۱۰۸
زال - منوچهر ۱۷۶ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ،	،۱۴۴۱ ، ۱۴۳۹ ، ۱۳۸۳ ، ۱۳۶۵
،۲۳۷ ، ۲۳۳ ، ۲۱۷ ، ۱۸۷	؛ ۱۵۶۱ ، ۱۵۵۱ ، ۱۵۲۵ ، ۱۵۲۱
،۲۶۴ ، ۲۶۲ ، ۲۵۴ ، ۲۵۳	نوذر ۱۲۶ ، ۳۶۸ ، ۳۷۹ ،
،۲۹۴ ، ۲۸۵ ، ۲۸۴ ، ۲۷۹	،۴۸۳ ، ۴۷۲ ، ۴۱۲ ، ۳۸۳
،۳۱۱ ، ۳۰۲ ، ۲۹۹ ، ۲۹۵	،۵۱۸ ، ۵۰۶ ، ۵۰۰ ، ۴۹۵
،۳۳۸ ، ۳۲۵ ، ۳۲۳ ، ۳۱۹	،۵۲۵ ، ۵۴۲ ، ۵۵۸ ؛ زوطهماسپ
،۳۹۷ ، ۳۹۲ ، ۳۷۶ ، ۳۴۷	،۷۶ ؛ کيقباد ۳ ، ۳۴ ، ۶۳ ،
،۴۷۵ ، ۴۶۷ ، ۴۳۶ ، ۴۳۱	۱۵۳ ، ۱۴۹
،۵۳۸ ، ۵۳۵ ، ۵۲۵ ، ۴۹۲	ديوبند - جمشيد ۱
،۶۵۱ ، ۵۸۲ ، ۵۵۶ ، ۵۵۱	
،۶۹۸ ، ۶۹۷ ، ۶۸۸ ، ۶۷۷	رخش - زوطهماسپ ۱۰۸ ،
،۸۴۲ ، ۷۶۱ ، ۷۵۲ ، ۷۴۷	۱۲۹ ؛ کيقباد ۳۱
،۹۴۸ ، ۹۴۰ ، ۹۲۹ ، ۸۴۶	رستم - منوچهر ۱۴۸۳ ، ۱۴۹۰ ،
،۱۰۴۵ ، ۱۰۴۱ ، ۹۷۴ ، ۹۴۹	،۱۵۴۰ ، ۱۵۱۸ ، ۱۵۱۵ ، ۱۴۹۶
،۱۱۵۳ ، ۱۱۴۷ ، ۱۱۲۳ ، ۱۱۰۶	؛ ۱۵۶۴ ، ۱۵۶۱ ، ۱۵۵۳ ، ۱۵۵۱
،۱۱۹۵ ، ۱۱۸۱ ، ۱۱۷۷ ، ۱۱۵۵	زوطهماسپ ۶۳ ، ۶۷ ، ۷۰ ،
،۱۲۴۴ ، ۱۲۲۰ ، ۱۲۱۹ ، ۱۲۱۷	،۱۰۵ ، ۱۰۳ ، ۹۴ ، ۹۳ ، ۷۶
،۱۳۰۵ ، ۱۲۹۸ ، ۱۲۸۳ ، ۱۲۷۶	،۱۱۵ ، ۱۱۳ ، ۱۱۱ ، ۱۰۸ ، ۱۰۶
،۱۳۴۴ ، ۱۳۲۷ ، ۱۳۲۳ ، ۱۳۲۱	،۱۴۹ ، ۱۳۴ ، ۱۲۳ ، ۱۲۱
	،۱۵۴ ؛ کيقباد ۷ ، ۱۹ ، ۲۹ ،

- ۸۰۸، ۸۳۰، ۸۴۱، ۸۴۷،  
 ۸۵۵، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۱،  
 ۸۶۲، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۳۴،  
 ۹۳۷، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۵۰،  
 ۹۵۹، ۱۰۲۹، ۱۰۷۱، ۱۰۹۴،  
 ۱۰۹۸، ۱۱۰۲، ۱۱۰۹، ۱۱۲۲،  
 ۱۱۳۲، ۱۱۶۲، ۱۱۶۸، ۱۱۷۲،  
 ۱۱۷۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۸، ۱۲۰۸،  
 ۱۲۸۵، ۱۲۸۸، ۱۳۱۲، ۱۳۱۸،  
 ۱۳۲۳، ۱۳۲۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۱،  
 ۱۳۸۳، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۴۰۵،  
 ۱۴۰۷، ۱۴۰۹، ۱۴۱۱، ۱۴۲۱،  
 ۱۴۳۱، ۱۴۵۴، ۱۴۹۰، ۱۴۹۶،  
 ۱۴۹۷، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۳،  
 ۱۵۳۴، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۹،  
 ۱۵۴۲، ۱۵۵۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۶،  
 ۱۵۶۷؛ نوذر ۹، ۱۱، ۱۷،  
 ۲۲، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۵۸،  
 ۹۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۲۰۸، ۳۶۸؛  
 زوطهماسپ ۵۳؛ کيقباد ۳۵،  
 ۶۳، ۸۱،  
 سَرو- فریدون ۶۴، ۶۶، ۱۷۴،  
 ۲۱۴، ۶۸۶، ۷۴۱، ۷۴۲،  
 ۷۹۳، ۸۲۲؛ منوچهر ۸۱۳  
 سُروش- ديباچه ۲۶؛ گيومرت  
 ۴۴؛ ضحاک ۴۴۵، ۴۷۷،  
 سَلَم- فریدون ۲۵۰، ۲۶۲، ۲۶۶،  
 ۲۷۲، ۲۸۸، ۳۲۰، ۳۹۶،  
 ۴۶۱، ۴۶۵، ۶۱۲، ۶۵۸،  
 ۷۱۳، ۷۵۳، ۷۹۸، ۸۵۲،  
 ۸۹۴، ۹۰۲، ۹۰۵، ۹۵۵،  
 ۹۹۸؛ منوچهر ۸۸۹، ۱۵۹۲؛  
 ۱۳۶۶، ۱۳۶۸، ۱۳۷۱، ۱۳۸۰،  
 ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۹۵، ۱۳۹۷،  
 ۱۴۲۲، ۱۴۲۷، ۱۴۳۱، ۱۴۴۲،  
 ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۶۹، ۱۵۰۳،  
 ۱۵۱۲، ۱۵۲۶، ۱۵۳۲، ۱۵۳۵،  
 ۱۵۵۵، ۱۵۶۳، ۱۵۶۶، ۱۵۶۸؛  
 نوذر ۱۲۷، ۱۳۷، ۳۶۰، ۳۷۸،  
 ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۶،  
 ۴۱۳، ۵۱۲، ۵۲۰، ۵۳۷،  
 ۵۴۶؛ زوطهماسپ ۲، ۲۰،  
 ۲۳، ۵۲، ۵۶، ۱۲۹، ۱۳۸،  
 ۱۴۹، ۱۵۵؛ کيقباد ۱۱، ۲۴،  
 ۱۴۸  
 زَوطهماسپ- نوذر ۵۵۵،  
 ۵۵۷، ۵۵۹؛ زوطهماسپ ۱،  
 ۱۲، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۳۳،  
 ۴۳، ۱۴۵  
 زيرك- ضحاک ۸۵  
 سام- فریدون ۶۹۲، ۷۹۲، ۷۹۵،  
 منوچهر ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۴۸،  
 ۵۰، ۵۲، ۵۶، ۹۱، ۹۴، ۱۰۸،  
 ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۰،  
 ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶،  
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵،  
 ۱۷۹، ۱۸۳، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۸،  
 ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۶۴، ۲۸۲،  
 ۳۰۸، ۳۳۵، ۳۵۴، ۳۷۶،  
 ۴۰۷، ۴۲۲، ۴۴۸، ۴۶۴،  
 ۴۸۰، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۸۲،  
 ۵۸۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۶،  
 ۶۲۶، ۶۴۳، ۶۵۵، ۶۷۶،  
 ۷۴۷، ۷۸۳، ۸۰۰، ۸۰۳،

- ۴۰۵، ۴۳۶؛ فریدون ۴۹  
 شهناز ← شهرناز (ضبط ل)  
 همه جا شهناز است)  
 شیر (= شیروی) - فریدون ۹۴۱  
 شیروی - فریدون ۶۱۰، ۶۸۵،  
 ۷۴۶، ۹۱۹، ۹۲۳، ۹۳۸  
 ۱۰۳۴، ۱۰۵۸؛ نوذر ۳۰۴  
 ضحاک - جمشید ۸۳، ۹۸،  
 ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۶، ۱۵۲،  
 ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۵؛ ضحاک  
 ۱، ۹، ۳۸، ۴۷، ۵۱، ۵۴،  
 ۸۶، ۹۸، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۲،  
 ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۷۷،  
 ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۳۱، ۲۴۵، ۳۰۹،  
 ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۴۱، ۳۴۲،  
 ۳۴۹، ۳۶۷، ۳۸۶، ۳۹۷، ۴۰۱،  
 ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۰،  
 ۴۳۳، ۴۳۷، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۹،  
 ۴۹۲، ۴۹۶؛ فریدون ۱۴، ۱۷،  
 ۱۱۴، ۹۵۲؛ منوچهر ۵۹۴،  
 ۶۷۲، ۸۹۱، ۹۲۴، ۱۱۳۵،  
 ۱۵۶۵؛ نوذر ۳۶۵  
 طوس - نوذر ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۹۵،  
 ۴۵۴، ۵۵۱  
 طهمورت - طهمورت ۱، ۳۱،  
 ۳۵؛ ضحاک ۱۶۰؛ فریدون ۷۳۹  
 طهمورث ← طهمورت  
 عثمان - دیباچه ۹۵ پ  
 علی - دیباچه ۹۵ پ، ۹۶، ۱۰۱  
 عمر - دیباچه ۹۵ پ
- نوذر ۷۱، ۹۴؛ کيقباد ۱۱۸  
 سهی - فریدون ۲۶۳  
 سیامک - گیومرت ۱۵، ۲۲،  
 ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۹، ۵۰  
 سیمغ - منوچهر ۶۸، ۷۵، ۸۰،  
 ۸۴، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۸۲،  
 ۱۸۵، ۲۲۸، ۶۲۳، ۱۴۴۳،  
 ۱۴۴۴، ۱۵۵۷  
 سیندخت - منوچهر ۳۲۸، ۳۳۳،  
 ۵۸۸، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۲۲،  
 ۷۵۲، ۷۶۲، ۷۷۴، ۷۷۸،  
 ۷۸۹، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۶،  
 ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۲۲، ۸۲۵، ۱۰۵۸،  
 ۱۰۶۲، ۱۰۷۰، ۱۰۷۶، ۱۰۹۹،  
 ۱۱۰۹، ۱۱۱۴، ۱۱۲۶، ۱۱۳۳،  
 ۱۱۵۹، ۱۱۶۲، ۱۱۶۷، ۱۱۷۶،  
 ۱۳۳۸، ۱۳۴۳، ۱۳۵۰، ۱۳۷۲،  
 ۱۳۷۳، ۱۴۰۳، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸،  
 ۱۴۰۹، ۱۴۲۴، ۱۴۴۰، ۱۴۴۳،  
 ۱۴۷۱، ۱۴۷۹  
 شاپور - فریدون ۶۵۸، ۶۸۴،  
 ۷۴۶؛ نوذر ۲۷۱، ۲۷۶،  
 ۲۷۷  
 شماساس - نوذر ۱۲۴، ۱۳۸،  
 ۳۵۷، ۳۶۲، ۳۹۵، ۴۱۰،  
 ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۲۳،  
 ۴۲۷  
 شماسای ← شماساس (ضبط  
 ل همه جای شماسای است)  
 شهرسپ - طهمورت ۲۱  
 شهرناز - ضحاک ۸، ۳۷۲

- فرانک - ضحاک ۱۲۴، ۱۳۳،  
 ۱۴۳، ۱۵۷؛ فریدون ۱۳  
 قَرَّخَان - زوطھماسپ ۱۴۷  
 فریدون - ضحاک ۱۰۶، ۱۰۹،  
 ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۱، ۱۷۳،  
 ۱۸۴، ۲۳۱، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۵۵،  
 ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۸۰، ۲۹۸، ۳۰۱،  
 ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۴۰، ۳۵۳،  
 ۳۷۷، ۳۸۴، ۴۲۰، ۴۲۳،  
 ۴۳۶، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۶۰،  
 ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱؛ فریدون  
 ۱، ۴۰، ۵۲، ۷۲، ۷۳، ۹۵،  
 ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۲، ۱۸۲، ۱۸۴،  
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۸۵، ۳۲۲،  
 ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۹۵، ۵۲۰، ۵۲۹،  
 ۵۴۵، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۲۵، ۸۱۵،  
 ۸۸۲، ۸۹۶، ۹۰۱، ۹۹۱، ۱۰۲۹،  
 ۱۰۵۰، ۱۰۵۳، ۱۰۶۱؛ منوچہر  
 ۱۷، ۶۷۲، ۸۱۳، ۹۳۴، ۹۸۹،  
 ۱۵۹۱، ۱۵۹۷؛ نوذر ۱۱۶،  
 ۲۱۲، ۲۵۲، ۴۶۵، ۵۵۴،  
 ۵۵۵، ۵۵۷؛ زوطھماسپ ۱۵۸؛  
 کقباد ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۰
- قارن - فریدون ۶۱۰، ۶۸۴، ۷۴۱،  
 ۷۴۵، ۷۷۵، ۷۸۶، ۷۹۰، ۷۹۵،  
 ۸۲۲، ۸۶۲، ۹۰۵، ۹۳۵،  
 ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۵۹؛ منوچہر ۱۷۵؛  
 نوذر ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۵۶،  
 ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۱،  
 ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۲۹، ۲۷۰،  
 ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۳،  
 ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۷
- ۳۵۲، ۳۵۴، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴،  
 ۴۸۴، ۵۵۶؛ کقباد ۳، ۱۰،  
 ۱۷، ۱۹، ۹۸، ۱۵۵  
 قباد (پسر کاوہ) - فریدون ۷۹۲،  
 ۷۹۶، ۸۰۲، ۸۱۲؛ نوذر  
 ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۵،  
 ۱۹۰، ۲۰۹  
 قباد ← کی قباد  
 قراخان - نوذر ۲۸۳، ۲۹۱،  
 قلون - زوطھماسپ ۱۵۳ پ  
 ۹، ۱۳، ۷۳، ۷۸، ۸۰،  
 ۸۳، ۸۴
- کاکوی - فریدون ۹۵۲، ۹۶۱،  
 ۹۶۳، ۹۷۰، ۹۷۹؛ منوچہر  
 ۸۹۰، ۸۹۷  
 کالوی ← کاکوی  
 کاوس - کقباد ۱۷۴، ۱۷۸  
 کاوس کی ← کاوس  
 کاوہ - ضحاک ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۱،  
 ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۹  
 کتایون - ضحاک ۲۵۴، ۲۷۲  
 کرشاسپ - فریدون ۷۹۲، ۹۱۶؛  
 نوذر ۷۸، ۹۳، ۱۰۹  
 کرشاسپ جم - فریدون ۶۹۲  
 کرشاسپ زو - زوطھماسپ ۳۳ پ،  
 ۴۴ پ، ۵۰ پ  
 کرشاسف - فریدون ۷۴۲ پ؛ زوطھماسپ  
 ۳۳ پ  
 کرسیوز - نوذر ۶۸، ۱۹۶  
 کرشیوز ← کرسیوز (ضبط)  
 و، لن ۱ ہمہ جا کرشیوز است)  
 کرکوی ← کاکوی

۲۵، ۶۰، ۶۷	کرمانک - ضحاک ۱۶ پ
ماہ آزادہ خوی - فریدون ۲۶۲	کروخان ← قراخان
ماہ آفرید - فریدون ۵۷۱، ۵۷۵	کشواد - نوذر ۳۰۴، ۴۸۴،
محمد - دیباچہ ۱۰۱	۵۱۱، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۰؛
محمود - دیباچہ ۱۸۲، ۱۸۴	کیباد ۴، ۱۰، ۹۹، ۱۵۵
مرداس - جمشید ۷۷	کلباد ← گلباد
مرداسپ - جمشید ۷۷ پ	کندرو - ضحاک ۳۶۹، ۳۷۰،
منوچہر - فریدون ۵۹۰، ۶۰۴	۳۸۵، ۴۰۲
۶۴۳، ۶۵۳، ۶۶۹، ۶۷۹	کہ شاہ - گیومرت ۲۳ پ
۶۸۱، ۷۱۰، ۷۲۳، ۷۳۹	کی آرش - کیباد ۱۷۴
۷۶۴، ۷۷۰، ۷۹۰، ۷۹۳	کی ارشش - کیباد ۱۷۵ پ
۸۰۳، ۸۱۳، ۸۳۸، ۸۴۹	کی ارمین - کیباد ۱۷۵ پ
۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۷۴	کی اشکش - کیباد ۱۷۵ پ
۹۰۱، ۹۱۱، ۹۲۸، ۹۴۸	کیانوش ← کتایون
۹۵۰، ۹۸۴، ۱۰۰۱، ۱۰۲۳	کی پشین - کیباد ۱۷۴
۱۰۵۰، ۱۰۵۷، ۱۰۶۳؛ منوچہر	کی شاہ - گیومرت ۲۳
۱، ۲، ۲۶، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۴	کی قباد - زوطھماسپ ۱۴۸، ۱۵۱،
۲۰۱، ۵۴۲، ۵۸۹، ۶۱۰، ۸۰۰	۱۵۴؛ کیباد ۲، ۵، ۱۱، ۶۲، ۸۹
۸۶۴، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۷۶	۹۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۸
۹۱۸، ۹۸۶، ۱۱۵۳، ۱۲۰۰	کی کاوس ← کاوس
۱۵۷۹؛ نوذر ۲، ۱۵، ۳۸	کی نشین - کیباد ۱۷۴ پ
۵۳، ۶۲، ۶۶، ۹۲، ۱۰۷	کیومرت ← گیومرت
۱۷۳، ۴۳۷؛ کیباد ۱۰۹	
مہراب - منوچہر ۲۷۱، ۲۸۲	گرسبوز ← کرسبوز
۲۸۴، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۱۱	گرشاسپ ← کرشاسپ
۳۲۶، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۹۵	گرمایل - ضحاک ۱۶
۴۱۰، ۵۸۷، ۵۹۴، ۶۰۴	گژدہم - نوذر ۳۰۶؛ کیباد ۹
۶۳۳، ۶۴۰، ۶۷۷، ۷۶۱	گستہم - نوذر ۲۳۹، ۲۶۰،
۷۶۴، ۷۷۴، ۷۸۶، ۸۰۵	۲۹۵، ۴۵۴، ۵۵۱
۸۱۶، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۷	کشواد ← کشواد
۹۲۰، ۹۲۸، ۱۰۶۸، ۱۰۷۳	کلباد - نوذر ۶۸، ۴۱۴، ۴۱۵
۱۰۹۷، ۱۱۱۷، ۱۱۲۳، ۱۱۳۵	گیومرت - گیومرت ۵، ۱۵،

،۱۲۸۸ ،۱۲۰۸ ،۱۱۷۲ ،۱۱۶۳  
 ،۱۳۸۴ ،۱۳۷۹ ،۱۳۳۷ ،۱۳۳۱  
 ،۱۴۲۴ ،۱۴۱۳ ،۱۳۸۸ ،۱۳۸۶  
 ،۱۵۶۲ ،۱۵۳۵ ،۱۵۲۷ ،۱۴۹۳  
 ،۳۶۳ ،۳۶۱ نوذر ؛ ۱۵۶۶  
 ،۳۹۶ ،۳۸۷ ،۳۸۵ ،۳۸۴  
 ،۴۵۹ ؛ کقباد ۹ ، ۱۰۰ ، ۱۴۴

ناصر دین - دیباچہ ۲۰۳

نریمان - منوچہر ۱۵۷۸ پ 53 ، 147

نصر - دیباچہ ۲۰۲

نوذر - منوچہر ۱۶۰ ، ۱۶۵ ، ۱۶۷ ،

،۱۵۸۷ ،۸۶۲ ،۸۶۱ ،۸۵۴

،۱۶۰۵ ؛ نوذر ۱ ، ۲۸ ، ۳۵ ،

،۵۱ ،۵۰ ،۴۹ ،۴۸ ،۴۴

،۶۳ ،۶۱ ،۵۸ ،۵۵ ،۵۲

،۱۳۵ ،۱۳۲ ،۱۲۱ ،۱۱۹ ،۱۱۵

،۲۳۷ ،۲۳۱ ،۲۰۷ ،۲۰۶ ،۱۴۵

،۳۱۳ ،۲۹۴ ،۲۸۷ ،۲۸۱ ،۲۶۳

،۴۳۲ ،۴۳۱ ،۴۳۰ ،۳۲۰ ،۳۱۹

؛ ۵۲۴ ، ۵۲۲ ، ۴۶۰ ، ۴۳۶

کقباد ۱۳۱

ویسہ - نوذر ۶۹ ، ۳۳۱ ،

،۳۵۲ ،۳۴۳ ،۳۳۸ ،۳۳۴

،۴۲۲ ،۳۵۵ ،۳۵۴ ،۳۵۳

۴۳۰

ہوشنگ - گیومرت ۵۱ ، ۵۴ ،

؛ ۶۴ ؛ ہوشنگ ۱ ، ۲۳ ؛ نوذر

۵۳

یادخسرو - فریدون ۶۸۵

یاوگان - فریدون ۶۱۰ پ، ۷۴۵ پ



## فهرست نام‌های جاها

- آمل - فریدون ۴۴؛ منوچهر ۸۶۹،  
 ۱۰۴۷؛ نوذر ۱۰۵، ۴۹۷،  
 ۵۰۴، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۲۶؛  
 کیتباد ۹۹
- ارمان - نوذر ۱۲۳، ۳۵۶  
 آروند (- رود) - ضحاک ۲۹۳،  
 ۲۹۴، ۲۹۶  
 اصطخر - کیتباد ۱۵۹  
 آلانان - فریدون ۸۰۱  
 آلانی دز - فریدون ۹۰۶  
 البرز (- کوه) - ضحاک ۱۴۰،  
 ۱۵۳، ۴۶۳؛ منوچهر ۸۱،  
 ۶۴۱؛ نوذر ۲۴۷؛ زوطهماسپ  
 ۱۵۰؛ کیتباد ۱۸۱  
 اهواز - منوچهر ۸۰۸  
 ایران - دیباچه ۱۸۰، ۱۹۰؛  
 جمشید ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۷،  
 ضحاک ۱۶۲، ۳۴۵؛ فریدون  
 ۷۲، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۰۰، ۴۶۹،  
 ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۸،  
 ۶۲۲، ۷۶۱، ۷۶۳؛ منوچهر  
 ۲۲، ۱۷۳، ۶۵۲، ۶۹۱، ۶۹۶،  
 ۸۴۵، ۸۵۰، ۱۰۶۱، ۱۲۱۵،  
 ۱۶۰۳؛ نوذر ۲۵، ۳۲، ۶۴،  
 ۷۷، ۷۹، ۸۵، ۹۲، ۱۰۸، ۲۳۵،  
 ۲۷۷، ۲۸۸، ۳۰۱، ۴۳۷، ۴۵۶،
- ۴۶۱، ۴۸۵، ۴۹۸، ۵۰۳؛  
 زوطهماسپ ۵۰، ۶۸، ۱۲۲،  
 ۱۴۰؛ کیتباد ۸۶، ۱۰۲، ۱۲۴،  
 ۱۲۶، ۱۳۰
- ایران زمین - جمشید ۱۷۵، ۱۷۶؛  
 ضحاک ۱۴۳، ۱۵۸، ۳۴۱؛  
 فریدون ۲۷۱، ۳۰۱، ۸۹۷؛  
 منوچهر ۶۶، ۳۷۵؛ نوذر ۱۱۰،  
 ۲۴۲؛ زوطهماسپ ۱۲۱؛  
 کیتباد ۱۱۴
- بامین - نوذر ۵۵۶  
 بست - منوچهر ۲۰۳؛ نوذر ۳۴۴  
 بغداد - ضحاک ۲۹۵  
 بیت المقدس - ضحاک ۳۰۷  
 پیشه‌ی نارون - فریدون ۷۹۰، ۸۰۹
- پارس - نوذر ۲۴۶، ۲۸۴، ۳۰۰،  
 ۳۱۲، ۳۴۰، ۵۴۰؛ زوطهماسپ  
 ۲۲؛ کیتباد ۱۵۸
- تاتار - منوچهر ۸۰۸ پ  
 ترك - فریدون ۲۷۱، ۴۷۹؛ نوذر  
 ۲۴۲
- تمیشه - فریدون ۴۴، ۷۸۵، ۱۰۳۹  
 تور - زوطهماسپ ۱۸  
 توران - دیباچه ۱۸۰؛ نوذر ۶۲،  
 ۹۵، ۱۴۶، ۲۸۸، ۳۳۴،

- کیقباد ۱۴۲
- دریای گیلان- فریدون ۱۰۴۴
- دِزِهوخت کنگ- ضحاک ۳۰۸؛
- فریدون ۹۵۵، ۹۶۳
- دشت (سواران) نیزه‌وران (نیزه گزار)-
- جمشید ۷۵؛ فریدون ۱۰۳، ۲۸۰
- دشت قحطان- منوچهر ۸۳۶
- دشت گردان- فریدون ۲۷۱
- دشت یلان- فریدون ۳۰۰
- دماوند کوه- ضحاک ۵۰، ۴۷۸،
- ۴۷۹
- دَنْبَر- منوچهر ۲۰۲، ۲۶۷
- دَنْبَل- منوچهر ۲۶۷ پ
- دَهستان- نوذر ۱۰۶، ۱۱۸،
- ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۴۲،
- ۲۰۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۴۵۲
- رابه کوه- نوذر ۲۴۷
- راوه کوه ← رابه کوه
- رود آب (= رودابد)- زوطهماسپ
- ۴۸
- رودابد- زوطهماسپ ۱۸
- رودری- زوطهماسپ ۱۳۹
- روم- دیباچه ۱۷۹؛ فریدون ۲۷۱،
- ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۱۶، ۳۳۸،
- ۵۱۹، ۸۲۷
- ری- نوذر ۴۵۲، ۵۰۴، ۵۲۶
- زابل ← زاول
- زابلستان ← زاولستان
- زاول- منوچهر ۲۷۰، ۴۷۵، ۵۱۳،
- ۵۲۰
- زاولستان- منوچهر ۱۶۴، ۲۰۳،
- ۳۳۶
- توران زمین- فریدون ۲۷۵، ۸۸۵
- تَه‌میشه- فریدون ۴۴ پ، ۱۰۳۹ پ
- جیحون- فریدون ۸۳۵؛ نوذر
- ۱۱۶، ۳۵۷؛ زوطهماسپ ۴۶،
- ۵۴؛ کیقباد ۵۵، ۱۱۲، ۱۲۴
- چین- دیباچه ۱۸۳؛ فریدون ۲۷۱،
- ۲۷۵، ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۰۱، ۳۱۶،
- ۳۳۷، ۴۳۳، ۴۸۵، ۵۱۹،
- ۷۵۸، ۸۰۹، ۸۲۷، ۸۹۷؛
- منوچهر ۳۶۱، ۳۷۵، ۴۵۷؛
- نوذر ۱۱۴، ۲۴۲؛ زوطهماسپ
- ۱۹
- چین دز- فریدون ۱۰۳۸
- خانه‌ی پاک- ضحاک ۳۰۹
- خاور- فریدون ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳،
- ۳۰۰، ۳۹۸، ۴۸۰، ۴۸۵،
- ۶۱۹، ۶۲۲، ۷۱۵، ۷۵۸،
- ۷۶۱، ۱۰۲۴؛ نوذر ۹۷، ۱۱۴
- خُتن- زوطهماسپ ۱۹
- خرگاه- کیقباد ۱۱۲
- خوارری- نوذر ۵۴۳؛ زوطهماسپ
- ۳۴، ۱۳۹ پ
- دابه کوه ← رابه کوه
- دامغان- کیقباد ۵۴
- دجله- ضحاک ۲۹۴، ۲۹۵
- دریای بیکند- زوطهماسپ ۱۸ پ
- دریای چین- جمشید ۱۸۳؛
- منوچهر ۲۰۲؛ کیقباد ۱۳
- دریای سند- منوچهر ۲۰۲

،۱۱۴۶، ۱۱۴۲، ۱۱۱۸، ۱۰۷۵  
 ،۱۲۸۸، ۱۱۷۹، ۱۱۷۴، ۱۱۶۱  
 ،۱۳۷۳، ۱۳۶۲، ۱۳۳۴، ۱۳۳۱  
 ؛۱۴۹۲، ۱۳۹۸؛ زوطهماسپ ۹۶؛  
 کيقباد ۱۴۴

کاولستان- منوچهر ۳۹۶، ۴۳۹،

۱۱۰۸، ۱۰۴۹، ۹۳۱، ۸۲۰

،۱۳۷۶، ۱۳۵۹، ۱۳۳۵، ۱۱۳۱  
 ،۱۳۹۵، ۱۴۹۱؛ نوذر ۳۴۴،

،۴۰۵، ۴۱۸، ۴۸۳؛ زوطهماسپ

۹۲

کرجهان گوش- فریدون ۴۵

کَرساران ← کَرساران

کرمان- نوذر ۳۵۶پ

کشمیر- ديباچه ۱۸۳

کنگ دزهوخت ← دزهوخت کنگ

کورابذ- منوچهر ۱۵۴۷پ

کوه البرز ← البرز

کوه سِپند- منوچهر ۱۵۷۸پ

155 ، 131 ، 82 ، 69

گرزبان- نوذر ۵۵۶

گرگان- نوذر ۱۰۶

گَرسار- نوذر ۲۴

گَرساران- منوچهر ۲۲۴، ۶۴۲،

،۱۰۳۶، ۹۷۰، ۸۷۸، ۸۰۴پ،

۱۴۲۸

گوراب- نوذر ۳۶۰پ

گورابذ- نوذر ۳۶۰

گورابه- منوچهر ۱۵۴۷؛ نوذر

۳۶۰پ

مازندران- منوچهر ۲۲۴، ۶۸۱،

،۱۰۳۶، ۹۹۶، ۹۷۰، ۸۷۸

،۱۳۳۵، ۱۱۳۱، ۲۳۴، ۲۱۰

؛۱۵۲۵، ۱۴۹۴، ۱۴۹۱، ۱۳۷۶

نوذر ۱۲۶، ۳۴۴، ۳۵۶، ۳۶۷،

،۵۰۶، ۴۸۳، ۴۲۴، ۴۱۸، ۴۰۵

،۵۱۴، ۵۱۷؛ زوطهماسپ ۲۳،

۱۴۲، ۱۳۷، ۱۳۳، ۹۲، ۵۱

زاوه کوه ← رابه کوه

ساری- فریدون ۱۰۴۴؛ منوچهر

،۴۷۹، ۴۵۱، ۸۶۹؛ نوذر

۵۱۶، ۵۱۵، ۴۹۹، ۴۹۶

سِپنجاب ← سِپنجاب

سِپنجاب- زوطهماسپ ۴۸

سگسار- منوچهر ۶۸۱

سند- ديباچه ۱۷۹

سیستان- منوچهر ۲۱۲، ۱۴۲۱،

۱۴۲۴؛ نوذر ۳۵۷

شیر- زوطهماسپ ۱۸

شیرخوان- ضحاک ۴۷۳، ۴۷۵

طراز- منوچهر ۲۹۲، ۴۴۰، ۴۷۸

طوس- ديباچه ۲۰۴

قندهار- منوچهر ۸۰۸

قنوج- ديباچه ۱۷۹؛ منوچهر

۳۶۳؛ نوذر ۳۴۴

کابل ← کاول

کابلستان ← کاولستان

کاول- منوچهر ۲۰۲، ۲۶۷، ۲۷۰،

،۷۴۳، ۶۴۳، ۴۷۵، ۲۷۴

،۹۲۹، ۹۲۰، ۸۰۱، ۷۵۶

،۱۰۵۷، ۱۰۴۷، ۹۷۳، ۹۶۸

۱۴۳۰

ماورالنهر - کيباد ۱۱۲

مای - منوچهر ۲۰۲، ۲۶۷

مرغ - منوچهر ۲۶۷

نیمروز - منوچهر ۲۱۱، ۴۰۷، ۱۴۲۶؛

نوذر ۱۳۸، ۳۳۹؛ کيباد ۱۴۳

هند - دياچه ۱۷۹؛ ضحاک ۳۵۶؛

منوچهر ۲۰۲، ۶۲۳

هندوستان - ضحاک ۱۳۹، ۳۵۶؛

منوچهر ۳۶۱، ۹۲۰

هیرمند - نوذر ۳۵۹، ۳۸۱

یمن - فریدون ۶۴، ۶۸، ۷۱،

۷۴، ۹۶، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۵۶،

۱۷۶، ۲۰۹، ۲۱۷، ۳۰۰، ۶۸۶،

۷۴۱، ۷۴۲، ۸۲۲؛ منوچهر ۸۱۳



By his dedicated endeavors and his exemplary industry, Dr. Khaleghi-Motlagh has placed all the lovers of the Persian language and literature, in general, and of the Shahnameh in particular, in his debt.

Ehsan Yarshater  
*Columbia University*

the variants in the margins—a method fairly frequently used in the so-called “scientific” editions of Persian texts—is simply inadequate, since even the oldest manuscripts have already undergone a good deal of alteration. Such a method places an impossible burden on the reader, who may not be equipped to make an appropriate choice among the bewildering maze of variants. What is needed is diligent detective work on the part of the editor, with all the thorough investigation that it implies and the erudition it requires, to determine what may have been Ferdowsi’s original. Such an investigative search must be anchored not only in a complete familiarity with all the selected manuscripts, but also in sound scholarship and in an intimate knowledge of the language, literature, history, and culture of Ferdowsi’s age, as well as of several subsequent centuries which have affected the changes in the text of the *Shahnameh*.

To guard against possible subjectivity in the selection of words or verses and to preserve the right of judgment for the reader, a critical editor of the *Shahnameh* ought to record and present conscientiously all the meaningful variants to the reader. Only an edition conforming to these principles may claim to be truly critical.

It is cause for profound gratification that Dr. Khaleghi-Motlagh, eminently qualified to undertake such an edition, has devoted nearly a quarter of a century of indefatigable effort to this very purpose. Altogether he has collected microfilms and photocopies of forty-five manuscripts which date prior to the eleventh/seventeenth century, including the Florence manuscript, all through his own endeavor and expense. Out of these he has selected fifteen manuscripts in order to serve the edition of the text.<sup>21</sup> He has followed the text of the Florence manuscript except where he has determined that a different reading is preferred, or that the text of this manuscript has to be purged of interpolated lines or to be completed by other manuscripts.

The list of the manuscripts, their dates, and their sigla will be found at the end of the editor’s introduction. The principles that Dr. Khaleghi-Motlagh has followed in editing the text are briefly described in his Persian introduction to this volume, and in greater detail in a series of articles that he has published on the subject with ample examples and illustrations.<sup>22</sup> The variants are carefully recorded in the margins; by studying them, the reader can see which manuscripts conform to the chosen line or word and which deviate from it. Two volumes are envisaged for explanatory notes and the arguments behind the editor’s choices, bringing the total number of volumes to eight.

21. For a detailed description of the manuscripts see J. Khāleghi-Motlagh “Mo’arrefi o arzyābi-e barkhi az dastnevišā-ye Shāhnāme,” *Iran Nameh*, III/3, 1364/1985, pp. 378–406, IV/1, 1364/1985, pp. 16–47, and IV/2, 1364/1985, pp. 225–55.

22. Except for those already mentioned, these are: “Qavā’ed o zavabeṭ-e taṣṭiḥ-e matn-e Shāhnāme,” *Majalle-ye dāneshkade-ye adabiyyāt o ‘olum-e ensāni-e dāneshgāh-e Ferdowsi*, XI/4, 1354/1976, pp. 716–63; “Der Plan einer neun Schahname Edition,” *Studia Iranica* X/1, 1981, pp. 85–92; “Si nokte dar abyāt-e Shāhnāme,” *Āyandeh*, VIII/9, 1361/1983, pp. 575–84, and VIII/11, 1361/1983, pp. 791–98; “Noktehā-yi dar bāre-ye si nokte-ye Shāhnāme,” *Ibid.*, X/2–3, 1363/1984, pp. 113–25, and X/4–5, 1363/1984, pp. 331–41; “Mo’arrefi-e qata’āt-e elḥāqi-e Shāhnāme,” *Iran Nameh*, III/1, 1363/1984, pp. 26–53, and III/2, 1363/1985, pp. 246–61; “Yaddāshthā’i dar taṣṭiḥ-e enteqādi bar methāl-e Shāhnāme,” *Ibid.*, VI/3, 1364/1986, pp. 362–90, V/1, 1365/1986, pp. 47–75, and V/2, 1365/1987, pp. 250–85.

mistakenly assumed to be dated 710 H./1310)<sup>15</sup> and the Istanbul manuscript written in 731 H./1330. Two volumes of this revised edition were published in conjunction with the Pahlavi Library in Tehran, in 1971 and 1973, respectively.<sup>16</sup>

In 1972 the Iranian Ministry of Arts and Culture instituted the Shahnameh Foundation (Bonyād-e Shāhnāme-ye Ferdowsi) under the direction of the late Mojtabā Minovi and with the collaboration of several scholars, including 'A. Zaryāb, A. Tafāzzoli, S. J. Shahidi and 'A. Ravāqi, in order to collect the photocopies of the Shahnameh manuscripts, collate them and prepare and publish a more authentic edition of the work. The efforts of the Foundation resulted in the publication of the episode of Rostam and Sohrāb (*Dāstān-e Rostam o Sohrāb*) in 1973, of Forud (*Dāstān-e Forud*) in 1975,<sup>17</sup> and of Siavush (*Dāstān-e Siāvush*) in 1984 (the latter after Minovi's passing away),<sup>18</sup> without a discernible plan. Between eight and ten manuscripts, including the manuscripts of London, 1276; Istanbul, 1330; Leningrad, 1333; and Cairo, 1341 and 1394 were used.<sup>19</sup> The variants are given at the end of each text except for the second volume which lacks variants. These volumes have many merits, not the least of which is the scholarship of their editor, the oldness and relative reliability of the manuscripts chosen for collation, and the benefit derived from the collaboration of experts. Nonetheless the editors have been subject to some of the constraints inherent in collective editing, which generally does not provide for comprehensive, systematic, and focused study of the manuscripts by a single scholar. Moreover, the Florence manuscript was unfortunately discovered too late to benefit the edition of these three episodes. Thus the auspicious promise of The Foundation was only partially fulfilled, and the goal of establishing a text as close to the original of Ferdowsi as the extant manuscripts permitted remained yet to be achieved.

In view of the proliferation of the Shahnameh manuscripts, and the amount of corruption which drove Lumsden to call the text of the Shahnameh "more wretchedly corrupted in all probability than that of any other poet in the world,"<sup>20</sup> almost every verse of the Shahnameh needs to be subjected to careful scrutiny and its authenticity determined. In order to achieve this goal properly an editor of the Shahnameh must first personally and carefully research all the older manuscripts, at least those from the thirteenth through the fifteenth centuries, in order to establish their interrelationships, verify their worth, and select those which may be of assistance in editing the text. To choose the oldest manuscript as the basis of the edition and then mechanically register

15. Aliev's introduction, *op. cit.*, p. z. Apparently the date of the manuscript, which may have been 1105 H., has been tampered with. See M. Minovi, *apud* I. Afshār, *Ketābshenāsi-e Ferdowsi*, 2nd ed., Tehran, 1976, p. 211, n. The editors describe the manuscript as based on a good manuscript but copied carelessly and in haste. This manuscript has not been used either by Minovi (see below) or by Khaleghi.

16. Vol. 2 is edited by M. N. Osmanov with collaboration of Aḥmad Ṭabāṭabā'ī.

17. Prepared by M. Rowshan, with an introduction by Minovi.

18. With an introduction by M. Qarib which contains useful information on the editorial process employed by the Foundation, and problems of editing the Shahnameh in general.

19. See *Dāstān-e Rostam o Sohrāb*, pp. 21–22, *Dāstān-e Siāvush*, pp. d, h, t, y, ya.

20. *Op. cit.*, p. ix.



following his method by S. Nafisi from the Macan and Mohl editions. This edition, frequently reprinted, was the most widely used for scholarly purposes until the Moscow edition appeared.

In the 1950s the Oriental Institute of the Soviet Academy of Sciences decided to embark on a critical edition of the *Shahnameh* and assigned the task to a number of scholars, who included at various times 'A. Ḥ. Nushin, L. T. Gozalian, O. I. Smirnova, M. N. Osmanov and R. M. Aliev, under the supervision of È. E. Bertels, and after his death in 1957, of 'A. Ḥ. Nushin. Initially the manuscripts used for this edition were confined to those of London dated 675 H./1276, the Leningrad Public Library dated 733 H./1333, and Moscow's Oriental Institute dated 849 H./1445, and an undated manuscript, presumably of the ninth/fourteenth century, belonging also to the Oriental Institute.<sup>11</sup> The Arabic translation of al-Bondāri, made between 615–624 H./1218–1227 was also used.<sup>12</sup> Beginning with volume IV, the Cairo manuscript of 796 H./1394 was also taken into account. The editors had correctly decided to ignore all published editions, and in order to provide a more authentic text, they based their own solely on specific manuscripts of older vintage and recorded the variants in footnotes. This edition, which was published from 1960–1971, has become the preferred one among scholars. Its chief merit is the use of the London manuscript, the second oldest and one of the best manuscripts known. From the introduction to the first volume it is clear however that the editors have not been immune to some of the problems which often arise in collective editing, and that in the earlier stages they have vacillated in choosing between the oldest and the preferred variants.<sup>13</sup> Notwithstanding Bertels' substantial contribution and Nushin's long supervision, the division of the text into several portions and entrusting their edition to different scholars have not been particularly helpful in providing the kind of expertise which results from the total immersion of a single scholar in the entirety of a work; nor has this always helped in the application of a single method in editing. A more general problem with this edition is that it is based on too few manuscripts; and the oldest and also the most reliable manuscript, that of Florence, discovered by Angelo M. Piemontese in 1977 was not available to its editors.

It is to the editors' credit, however, that they have recognized the limitation of their work and considered it the first step in the process of establishing a definitive text of the *Shahnameh*.<sup>14</sup> In fact, before the publication of the Moscow edition was completed, two of its editors, R. M. Aliev and M. N. Osmanov, were commissioned to issue a second edition in order to improve upon the first and remove some of its shortcomings, such as the inclusion of spurious verses and the exclusion of some authentic ones. For the revision they took into consideration two further manuscripts, one of Cairo (it seems

11. Vol. I, Introduction, pp. 12ff.

12. M. Qarib in his introduction to Minovi's edition of *Dāstān-e Siāvush* (see below) draws attention to the fact that the editors of the Moscow edition have placed too much reliance, up to the beginning of vol. V, on al-Bondāri's translation; see p. *h*, n. 1.

13. See also Aliev's introduction, Vol. I, 2nd ed., Tehran, 1970, pp. *v*, *z*.

14. Vol. I. Introduction, p. 19.

by the government of India and the printing costs by the king of Oudh. Unfortunately, the condition of Macan's eyes did not allow him to publish either the variants to his edition or a translation of the Shahnameh that he had mentioned to Jules Mohl.<sup>8</sup> Upon publication, Macan's edition received the acclaim and earned the popularity it deserved. It served as the basis of numerous other editions in India and Persia.

Between 1838–1878, the French scholar Jules Mohl published a royal folio edition of the Shahnameh in Paris, under the title of *Le Livre des Rois*. The seven tomes of this edition contain an extensive introduction, a French translation on opposite pages, and a “table analytique de noms propres et principales matières.” The deluxe printing of this edition ranks among the highest examples of the art of the book.<sup>9</sup>

Mohl used altogether some thirty-five manuscripts, of which eight belonged to the Bibliothèque royale de Paris (later Bibliothèque nationale) and thirteen to the library of the East India Company in London; two to Sir John Malcolm; five which had also been used by Macan; one from the Bodeleian Library at Oxford; and three borrowed from various British owners, one of which had belonged to the Royal Library of the Moghul emperors and bore the stamp of these emperors from Babur through Aurangzeb. However, Mohl mentions only one manuscript prior to the Baysonqor edition of 829 H./1426. He states that he had wished to classify the manuscripts according to their interrelationships, but this he did not find feasible, and therefore he used in each case the style, the meaning, the date and the number of manuscripts and other relevant circumstances to decide on a reading.<sup>10</sup> Mohl's edition did not record the variants either, and here again the reader has to rely on the editor's discretion for the authenticity of his readings.

It goes without saying that in spite of the great debt of gratitude that we owe to Macan and Mohl and despite the dedication and the sustained effort they brought to their task, their editions could not satisfy the requirements of a truly critical edition. Both suffer from the fact that they could not benefit from the best and oldest manuscripts, which came to light later. Nonetheless their endeavors produced decent editions that served scholars in their research and formed the basis of many other editions.

The most notable among these was the one undertaken by Johann Augustus Vullers, who produced a new edition by comparing the texts of Macan and Mohl up to the end of the Kayanian dynasty and the advent of Alexander, carefully recording the differences between the two versions in the margins. Vullers' edition was published in three volumes in Leiden, from 1877–1884 (vol. III, posthumously by his student and collaborator Samuel Landauer).

The Borukhim Publishers in Tehran arranged for a new, complete edition of the Shahnameh on the basis of Vullers', under the successive supervision of M. Minovi, A. Eqbāl, S. Haim, and S. Nafisi; it was illustrated by “Darvish,” a talented Persian artist of Armenian extraction, and published in Tehran in ten volumes between 1934–1936. The last three volumes which Vullers had not lived long enough to edit were prepared

8. *Le Livre des Rois*, introduction, p. lxxxiv.

9. In his introduction, Mohl gives an account of the editions of episodes of the Shahnameh in Europe as well as an account of the Lumsden and Macan editions; see pp. lxxix–lxxxiv.

10. p. lxxxvi.

the original and made the task of a critical editor a tremendously difficult one. Adding to this difficulty is the sheer bulk of the Shahnameh, as well as the large number of its copies, scattered in libraries and private collections of so many lands. Thus a comprehensive knowledge of even the better copies is an almost impossible task.

The first earnest attempts at editing the Shahnameh took place during the first decade of the nineteenth century in India, where Persian had long been the administrative language as well as the chief vehicle of literary expression. With the assistance of Fort William College, Mathew Lumsden, Professor of Arabic and Persian, published in 1811 in Calcutta the first volume of his intended eight volume edition of the Shahnameh: *The Shah Namu, being a Serie of Heroic Poems on the Ancient History of Persia . . . by the celebrated Abool Kausim i Firdousee of Toos*. Lumsden's edition was based on the examination of some twenty-seven manuscripts and the collaboration of a number of Indian scholars of Persian literature, headed by "Mouluee Allah Dad and Meerza Muhdee."<sup>2</sup> The manuscripts, briefly described in a Persian "advertisement,"<sup>3</sup> were generally post-1600, except two which were dated 821 H./1408 (if the colophon can be believed)<sup>4</sup> and 882 H./1477, two others which belonged to the last decade of the sixteenth century, and a number of undated manuscripts, presumably late. As Jules Mohl pointed out later in the introduction to his own edition of the Shahnameh, the manuscript which belonged to Sir John Malcolm and had served as the basis of Lumsden's edition, was not a particularly reliable one, as it contained a large number of interpolated lines and fragments.<sup>5</sup>

Lumsden did not succeed in continuing beyond the first volume, but Turner Macan, a British officer conversant with Persian literature, took up the task with the express purpose of "rescuing the work from the errors accumulated by transcribers during a period of 800 years and restor[ing] it to something of its original purity."<sup>6</sup> Also assisted by a team of scholars, he published in 1829 the first complete edition of the Shahnameh in Calcutta as "*The Shah Namah, An Heroic Poem, carefully collated with a number of the oldest and best manuscripts, illustrated by a copious glossary of obsolete words and obscure idioms: with an introduction and life of the author . . . by Abool Kasim Firdousee, by Turner Macan, Persian Interpreter to the Commander in Chief and Member of the Asiatic Royal Society of Calcutta.*" In his first volume Macan generally followed the Lumsden text up to the end of the Sohrāb episode, except for some minor alterations, the marking of a few suspect lines with asterisks, and the exclusion of some obviously interpolated lines. The other volumes were based on an examination of some seventeen complete and four incomplete manuscripts, the oldest of which were those which belonged to the fifteenth century.<sup>7</sup> The expenses of collating the manuscripts and preparing the text were paid

2. Lumsden, *op. cit.*, p. v.

3. See pp. 37ff. of the "Khātemat al-ṭab'" for the description of the manuscripts.

4. The doubt concerning the date of 821 H. is Lumsden's.

5. *Le Livre des Rois*, Vol. I, Paris, 1838, p. lxxxii; but cf. Macan's introduction, pp. xx-xxi, where one is given to understand that Lumsden followed chiefly a manuscript lent by Sir H. Darrell, which in Macan's view was not quite reliable.

6. *The Shah Namah*, Calcutta, 1829, pp. xi-xii.

7. Of these, two were the same which were used also by Lumsden (821 and 882 H.) and the third was dated 899 H./1493; see Macan's English introduction, pp. xii-xvii; Persian introduction, pp. 3-5.

## INTRODUCTION

This is the first, in a projected series of six volumes, of a critical edition of the *Shahnameh*. It aims at establishing a text which will bring us closer than heretofore possible to the original of Ferdowsi's celebrated tenth century epic.

Despite the importance of the *Shahnameh* as both the greatest monument of the Persian language and one of the world's major epics, the many worthy efforts of various scholars at establishing an authentic text of the work have not been entirely successful.

The manuscripts of the *Shahnameh* have presented editors with many severe problems. To begin with, there are no extant manuscripts dated earlier than two centuries after Ferdowsi lived; and the existing manuscripts of the *Shahnameh* are notorious for their inclusion of many spurious verses and corrupt forms and for their discrepancies. Even the earliest manuscripts, those of Florence dated 614 H./1217 A.D., and of London dated 675 H./1276, suffer from additions, deletions and a variety of distortions. Hardly any work in Persian literature has been subjected to more interference. One main reason for this has been the *Shahnameh*'s popularity. Numerous copies were made, and at each turn, negligent or ignorant copyists misread some words and misunderstood others. They amended what they could not read or understand, and remedied deficiencies found in their copies by supplying words or verses that suited their own knowledge and tastes. The owners and readers of the *Shahnameh* copies, too, often welcomed the opportunity of "improving" on Ferdowsi by entering their second guesses on the margins or in the text, and some of these "improvements" found their way into the poem when the copies containing them were themselves copied. Sometimes readers who found ideas in the *Shahnameh* contrary to their own beliefs and sentiments, did not abstain from replacing the lines which they did not cherish with verses more compatible with their own thoughts. Thus, many Islamic concepts and expressions entered into what was essentially, from a Muslim viewpoint, an account of pagan Persia. Little wonder then that the few lines that Ferdowsi has written in the introduction of the *Shahnameh* about his religious beliefs "became an arena for Sunni and Shi'ite disputes."<sup>1</sup>

In Persia and the countries where Persian served as the language of letters, a favorable pastime among the literati was to write poetry, and Ferdowsi did not fail to inspire many a poetaster to write lines or pieces in his style; some could not resist the whim of attributing their products to Ferdowsi and of having them included in the *Shahnameh*, given the opportunity.

The *Shahnameh* was also not immune to the changes in Persian, which as a living language evolved, however imperceptibly, with time. These changes left their stamp on the alterations and emendations made in the manuscripts, with the familiar replacing the obsolete and the prevalent superseding the archaic.

All these contributed to the ever increasing divergence of *Shahnameh* copies from

1. J. Khaleghi-Motlagh, *Iran-Nameh* III, 1, 1984, p. 28.



**Persian Text Series**  
General Editor, Ehsan Yarshater  
New Series, no. 1

*Abu'l-Qasem Ferdowsi*

**THE SHAHNAMEH**  
*(Book of Kings)*

Edited by  
**Djalal Khaleghi-Motlagh**

with an introduction by  
**Ehsan Yarshater**

*Volume 1*

Bibliotheca Persica  
New York 1988

Published by the Persian Heritage Foundation  
under the imprint of Bibliotheca Persica.

All rights reserved. Except for brief passages quoted for criticism, no part of this publication may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopy, recording, or any information storage and retrieval system, without permission in writing from the publisher.

Copyright © 1987 by Djalal Khaleghi-Motlagh

ISBN 0-88706-770-0

Typeset by Orientscript Ltd. London, United Kingdom (Persian text) and  
Brevis Press, Connecticut, United States of America (English text).  
Printed and bound in the United States of America.

The old series of *Persian Texts* nos. 1-00 were published by Bongāh-e Tarijama va Nashr-e Ketāb. Tehran, 1959-77.

For information, address State University of New York Press,  
State University Plaza, Albany, NY 12246.

#### **Library of Congress Cataloging-in-Publication Data**

Firdawsī.

The Shahnameh = Book of kings.

(Persian text series; new ser., no. 1)

In Persian.

Includes bibliographical references and index.

I. Motlagh, Djalal Khaleghi. II. Title.

III. Title: Book of kings. IV. Series.

PK6455.A1 1988 891'.5511 87-30927

ISBN 0-88706-770-0 (v. 1)

10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

*Abu'l-Qasem Ferdowsi*

**THE SHAHNAMEH**

*(Book of Kings)*